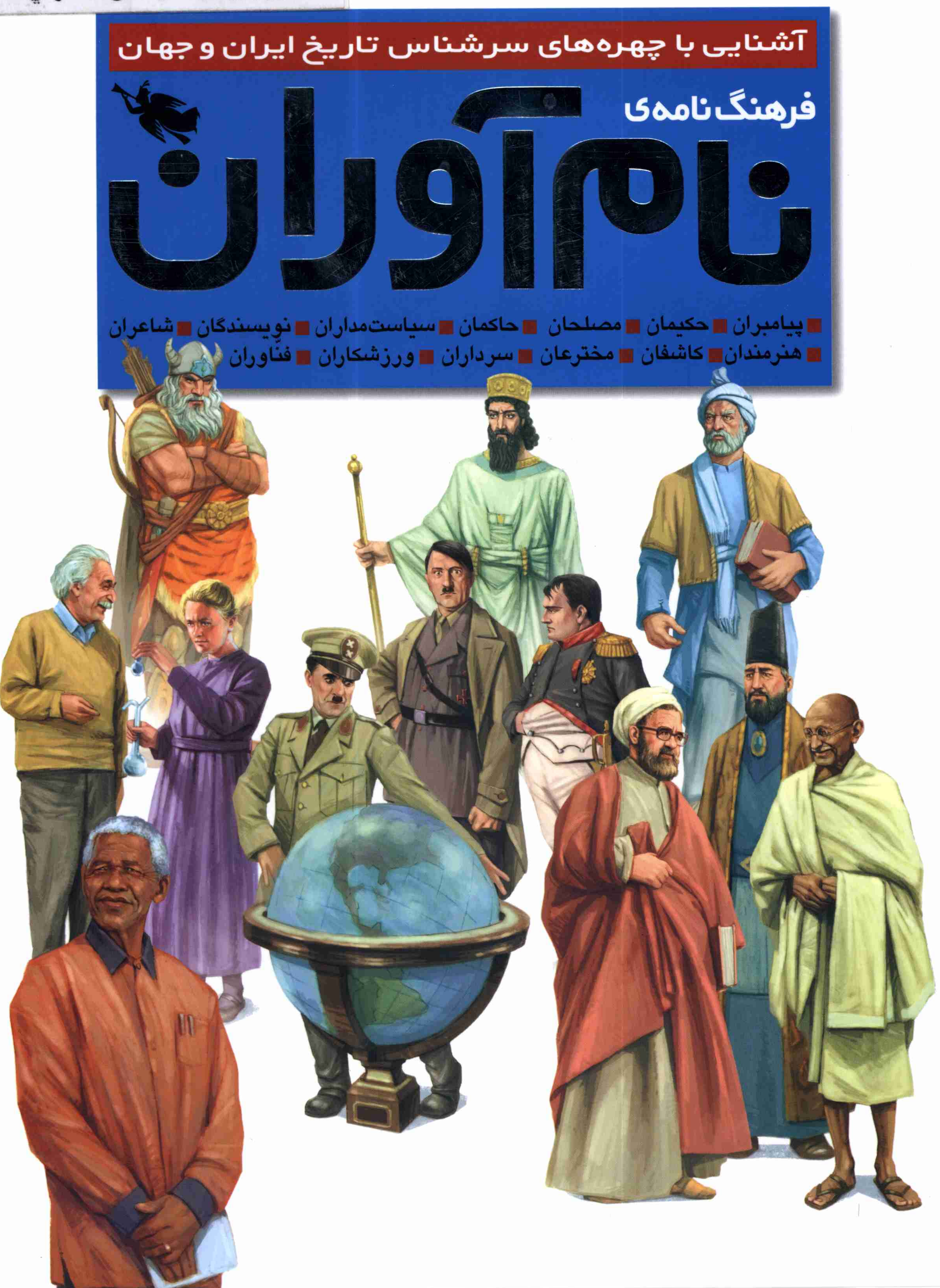

آشنایی با چهره‌های سرشناس تاریخ ایران و جهان
فرهنگ‌نامه‌ی
نام‌آوران
پیامبران ■ حکیمان ■ مصلحان ■ حاکمان ■ سیاست‌مداران ■ نویسندگان ■ شاعران
■ هنرمندان ■ کاشفان ■ مخترعان ■ سرداران ■ ورزشکاران ■ فنّاوران



آشنایی با سرشناس‌ترین چهره‌های تاریخ ایران و جهان

فرهنگ‌نامه‌ی

نام‌آوران

■ پیامبران ■ حکیمان ■ حاکمان ■ روحانیان ■ سیاست‌مداران ■ نویسندگان ■ شاعران
■ هنرمندان ■ مصلحان ■ کاشفان ■ مخترعان ■ سرداران ■ ورزشکاران ■ فنّاوران

ویرایش دوم



عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ‌نامه‌ی نام‌آوران: معرفی ۱۰۰۰ نام‌آور در حوزه‌های‌ادبیات، فلسفه، هنر، تاریخ... / [جمعی از نویسندگان].
مشخصات نشر:	تهران: طلایی، ۱۳۸۶. ویرایش جدید، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری:	۴۰۰ ص.: مصور (رنگی).
شابک:	978-964-96407-5-4 :
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیپا
موضوع:	سرگذشتنامه — مجموعه‌ها.
موضوع:	ایران و جهان — سرگذشتنامه.
رده‌بندی کنگره:	CT۲۰۳/ف۲ن۱۶ ۱۳۸۶
رده‌بندی دیویی:	۹۲۰/۰۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۱۶۵۳۸۲



نشر طلایی

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

فرهنگ‌نامه‌ی نام‌آوران

مدیر تولید و برنامه‌ریز: کاظم طلایی

کارشناس فرهنگی: روشنک فتحی

همکار تولید: مرضیه افشاری‌پور، مریم یعقوبی

مدیر هنری: کاظم طلایی

تصویرگران: حسین صافی، حسن روح‌الامین، حمیدرضا رشیدیان، سعید رزاقی، امیر نساجی، فرهاد جمشیدی، حسن تبریزی، یونس انصاری، امیرحسین زنجانی، حمیدرضا اکرم، سیدمیثم موسوی، سید حسام الدین طباطبایی، مرتضی یزدانی دینانی، محمد رضا اکبری

عکاسان: افشین بختیار، فرهاد سلیمانی، هاتف همایی، علی کاوه، جاوید نیکپور، مجید ذاکری، حسن معمری، هاشم عطار

و با تشکر از خانه‌ی عکاسان ایران، مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس و سازمان اسناد وکتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چاپ: پنج رنگ

لیتوگرافی: ندای دانش

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۸۷

چاپ دوم: آذر ۱۳۸۸(ویرایش دوم)

چاپ سوم: تیر ۱۳۹۰(ویرایش دوم)

شابک: ۴_۵_۹۶۴۰۷_۹۶۴_۹۷۸

◆

تلفن: ۸۸۸۳۸۱۶۳ _۰۲۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۷۵ _۰۲۱ تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۰۱۶۴۱۹

nashre.talaee@gmail.com

www.talaee.ir

◆

ویراستار ارشد: جعفر ربانی

ویراستارادبی: ترانه امیرابراهیمی

نویسندگان*

آریابخشایش، یحیی؛	چهره‌های سیاسی تاریخ معاصر، انقلاب‌اسلامی و دفاع مقدس
اسدی، علی‌رضا؛	پژوهشگران و نویسندگان معاصر ایران
باقری، یونس؛	خادمان قرآن
حامی کارگر، مظاهر؛	امپراتوران، پادشاهان، رؤسای جمهور
خوشزاد، اکبر؛	فقیهان، محدثان، چهره‌های سیاسی تاریخ معاصر
ربانی، حسین؛	مخترعان، مهندسان، فنّاوران
زرکنده، بتول؛	پیامبران، چهره‌های صدر اسلام، شاعران و نویسندگان، رهبران آیین‌ها و مکتب‌ها
سهرابی، محمدرضا؛	هنرمندان ایران و جهان
شریک، نورالدین؛	فقیهان، محدثان، حکما، فلاسفه، علمای تعلیم و تربیت، تاریخ اسلام
عدیمی، فروزان؛	ورزشکاران (جهان)
علوی، لیلا؛	شاعران و نویسندگان جهان
عمرانی، غلام‌رضا؛	شاعران و نویسندگان جهان
غفاریان، سیروس؛	رهبران ایران و جهان، بنیانگذاران نهضت‌ها، مورخان و متفکران
فعله‌گری، مصطفی؛	شاعران و نویسندگان جهان
قبادی، محمد؛	چهره‌های سیاسی تاریخ معاصر و مشروطه
کامور بخشایش، جواد؛	چهره‌های تاریخ معاصر، مشروطه، انقلاب‌اسلامی و دفاع مقدس
گلدانساز، سیدمحسن؛	چهره‌های خاص و چهره‌های اساطیری
گلشن روغنی، جعفر؛	چهره‌های تاریخ معاصر
گوهریان، رئوف؛	علمای شیعه و چهره‌های معاصر
مجدفر، مرتضی؛	چهره‌های خاص و چهره‌های اساطیری
محقق، جواد؛	فقیهان، محدثان و علمای شیعه
میری، سیدمهدی؛	ورزشکاران (ایران)
معتمدی، اسفندیار؛	دانشمندان ایران و جهان، مؤسسان و بنیان‌گذاران
معتمدی، امیرفرهنگ؛	دانشمندان جهان اسلام، دانشمندان جهان
ناصری، محمد؛	شاعران و نویسندگان ایرانی

*جمعی از نویسندگان به‌طور مشترک نوشتن بخش‌هایی را بر عهده داشته‌اند.

با تشکر از:

جواد آزمون، محمدمهدی اعتصامی، فرهاد بخشنده، هدایت‌الله بهبودی، مهدی حجوانی، حمیدرضا حیدری، حسین خسروجردی، حسین داودی، سیدعلی‌محمد رفیعی، عبدالله زرافشان، حسن سالاری، حسین سوزنچی، علی‌رضا کمره‌ای همدانی، ناصر نادری، حسین نیرومند، سید مجتبی عزیزی، سید محمد مهاجرانی



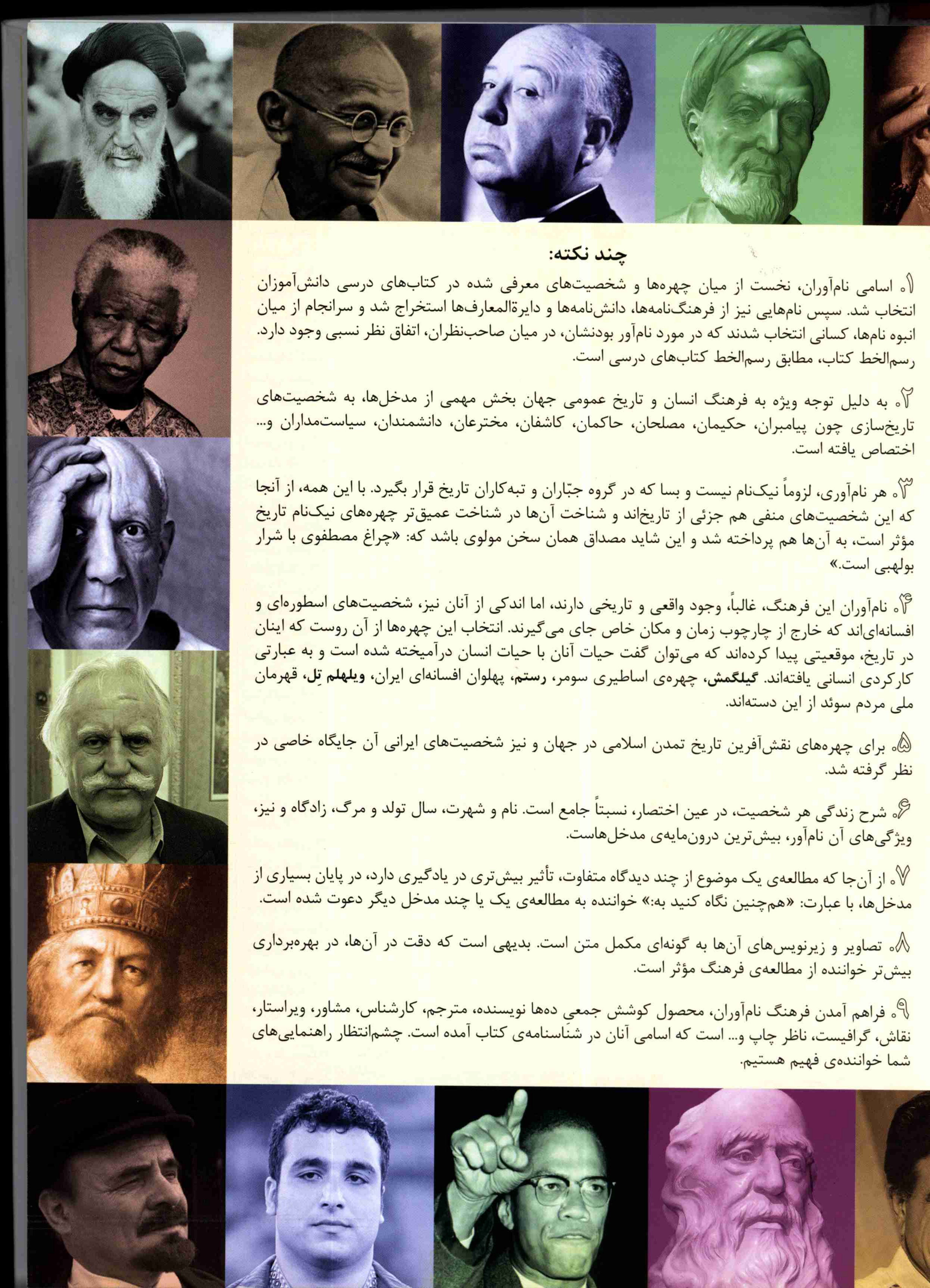
پیش‌گفتار

در نگاهی گذرا به سیر جوامع بشری، مردان و زنان بی‌شماری رخ می‌نمایند که با شکستن سدّ زمان و گذشتن از مرزهای بسته‌ی عصر خود، به حیاتی فراتر از زمان خویش در میان نسل‌های بعد راه یافته‌اند. اینان نام‌آورانِ تاریخ و رهنوردانی هستند که زندگی‌شان در هر زمان و مکان، درس‌آموز و الهام‌بخش کسانی است که در تنگنای عصر خود نمی‌گنجند و راهی برای فرارفتن از آن می‌جویند.

اما به راستی، نام‌آور کیست و نام‌آوران چه کسانی هستند؟ بر چه اساس و قاعده‌ای می‌توان کسی را نام‌آور دانست یا او را از این قلمرو بیرون گذاشت؟ زمان؟ مکان؟ ملیّت؟ جنگ‌آوری؟ قهرمانی؟ علم؟ صنعت؟ فنّاوری؟ هنرآفرینی؟ نظر نخبگان؟ بخت و اقبال؟... کدام‌یک از این‌ها اساس نام‌آور شدن است و چگونه؟ بی‌تردید هر یک از این عوامل، به تنهایی می‌تواند زمینه‌ای برای نام‌آور شدن باشد. پیامبری چون ابراهیم(ع)، پیشوایی چون حسین(ع)، حکیمی چون سقراط، پادشاهی چون کوروش، جهان‌گشایی چون اسکندر، مهندسی چون ارشمیدس، پاکدامنی چون مریم(س)، شیرزنی چون زینب(س)، دانشمندی چون ابوریحان، نابغه‌ای چون بوعلی‌سینا، حماسه‌سرایی چون فردوسی، سخنوری چون سعدی، دریادلی چون کریستف کلمب، مخترعی چون ادیسون، کاشفی چون ماری‌کوری، مصلحی چون گاندی، بیدارگری چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، رهبری چون امام‌خمینی، نگارگری چون فرشچیان، پهلوانی چون تختی، رزمنده‌ای چون چمران و... هزاران چهره‌ی نام‌آور دیگر، با همه‌ی تفاوت‌هایشان انسان‌هایی هستند که هر یک جلوه‌ای از جلوه‌های حیات آدمی را برای نسل‌های پس از خود آشکار ساخته‌اند و از همین روست که ماندگار شده‌اند.

جایگاه نام‌آوران در تاریخ چنان است که مورخی شهیر چون «کارلایل» عقیده داشت: «تاریخ چیزی جز شرح حال قهرمانان و مردان بزرگ نیست.» و با همین نگاه است که برخی از تاریخ‌نگاران، همانند او، به جای آن‌که تاریخ عصر یا بُرهه‌ای از زمان را بنویسند، به نوشتن زندگی‌نامه‌ی مردان و زنان برجسته‌ی عصر خویش روی آورده‌اند. در جهان باستان «پلوتارک» تاریخ‌نگار مشهور روم، با نگارش کتاب حیات مردان نامی به چنین کاری دست زد و در عصر اسلامی نیز امثال «ابن‌خلّکان» با تألیف وفیّات‌الاعیان، این کار را پی گرفتند و در زمان ما نیز دانشمندانی مانند «احمد بیرشک» با پی‌افکندن تألیف زندگی‌نامه‌ی علمی دانشوران در همین مسیر گام برداشتند.

فرهنگ نام‌آوران نیز، با هدف شناساندن جمعی از برجسته‌ترین شخصیت‌های ایران و جهان به نوجوانان تألیف شده است. امید که با مطالعه‌ی آن، دریچه‌های تازه‌ای از دنیای علم و اندیشه و هنر و خلّاقیت، به روی ذهن جست‌وجوگر این گل‌های نوشکفته‌ی ایران بزرگ، باز شود. دلیل این‌که ما تنها هزار چهره‌ی نام‌آور را برای معرفی در این فرهنگ انتخاب کرده‌ایم، علاوه بر این‌که صاحب‌نظران، در مورد همه‌ی نام‌آوران تاریخ، اتفاق نظر ندارند؛ محدود کردنِ نگاه به قلّه‌های بلند تاریخ و چشم پوشیدن از نام‌آورانی بود که در سایه‌ی نام‌آوران دیگر زیسته و بالیده‌اند. سخنی زیبا به نیوتون منسوب است که: «اگر من امروز می‌توانم چیزهایی را بهتر ببینم، به خاطر آن است که بر شانه‌ی غول‌های بزرگ ایستاده‌ام». یعنی این که حتی نیوتون، ـ که خود امروز غول بزرگی در تاریخ علم است ـ اگر نتواند روی شانه‌ی غولان قبل از خود بنشیند، هرگز به جرگه‌ی نام‌آوران نخواهد پیوست.



چند نکته:

۱. اسامی نام‌آوران، نخست از میان چهره‌ها و شخصیت‌های معرفی شده در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان انتخاب شد. سپس نام‌هایی نیز از فرهنگ‌نامه‌ها، دانش‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها استخراج شد و سرانجام از میان انبوه نام‌ها، کسانی انتخاب شدند که در مورد نام‌آور بودنشان، در میان صاحب‌نظران، اتفاق نظر نسبی وجود دارد. رسم‌الخط کتاب، مطابق رسم‌الخط کتاب‌های درسی است.

۲. به دلیل توجه ویژه به فرهنگ انسان و تاریخ عمومی جهان بخش مهمی از مدخل‌ها، به شخصیت‌های تاریخ‌سازی چون پیامبران، حکیمان، مصلحان، حاکمان، کاشفان، مخترعان، دانشمندان، سیاست‌مداران و... اختصاص یافته است.

۳. هر نام‌آوری، لزوماً نیک‌نام نیست و بسا که در گروه جبّاران و تبه‌کاران تاریخ قرار بگیرد. با این همه، از آنجا که این شخصیت‌های منفی هم جزئی از تاریخ‌اند و شناخت آن‌ها در شناخت عمیق‌تر چهره‌های نیک‌نام تاریخ مؤثر است، به آن‌ها هم پرداخته شد و این شاید مصداق همان سخن مولوی باشد که: «چراغ مصطفوی با شرار بولهبی است.»

۴. نام‌آوران این فرهنگ، غالباً، وجود واقعی و تاریخی دارند، اما اندکی از آنان نیز، شخصیت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای‌اند که خارج از چارچوب زمان و مکان خاص جای می‌گیرند. انتخاب این چهره‌ها از آن روست که اینان در تاریخ، موقعیتی پیدا کرده‌اند که می‌توان گفت حیات آنان با حیات انسان درآمیخته شده است و به عبارتی کارکردی انسانی یافته‌اند. **گیلگمش**، چهره‌ی اساطیری سومر، **رستم**، پهلوان افسانه‌ای ایران، **ویلهلم تِل**، قهرمان ملی مردم سوئد از این دسته‌اند.

۵. برای چهره‌های نقش‌آفرین تاریخ تمدن اسلامی در جهان و نیز شخصیت‌های ایرانی آن جایگاه خاصی در نظر گرفته شد.

۶. شرح زندگی هر شخصیت، در عین اختصار، نسبتاً جامع است. نام و شهرت، سال تولد و مرگ، زادگاه و نیز، ویژگی‌های آن نام‌آور، بیش‌ترین درون‌مایه‌ی مدخل‌هاست.

۷. از آن‌جا که مطالعه‌ی یک موضوع از چند دیدگاه متفاوت، تأثیر بیش‌تری در یادگیری دارد، در پایان بسیاری از مدخل‌ها، با عبارت: «هم‌چنین نگاه کنید به:» خواننده به مطالعه‌ی یک یا چند مدخل دیگر دعوت شده است.

۸. تصاویر و زیرنویس‌های آن‌ها به گونه‌ای مکمل متن است. بدیهی است که دقت در آن‌ها، در بهره‌برداری بیش‌تر خواننده از مطالعه‌ی فرهنگ مؤثر است.

۹. فراهم آمدن فرهنگ نام‌آوران، محصول کوشش جمعیِ ده‌ها نویسنده، مترجم، کارشناس، مشاور، ویراستار، نقاش، گرافیست، ناظر چاپ و... است که اسامی آنان در شناسنامه‌ی کتاب آمده است. چشم‌انتظار راهنمایی‌های شما خواننده‌ی فهیم هستیم.

فهرست الفبایی نام‌آوران

فهرست الفبایی نام‌آوران

فهرست الفبایی نام‌آوران

ز

ژ

س

ش

ص

ض

ط

ع

فهرست الفبایی نام‌آوران

فهرست الفبایی نام‌آوران



آبشناسان، حسن

(۱۳۶۴ ـ ۱۳۱۵هـ.ش.)

فرمان‌ده تکاوران در دفاع مقدس

در محله‌ی امامزاده یحیی در تهران متولد شد. پس از گرفتن دیپلم به دانشکده‌ی افسری رفت و با درجه‌ی ستوان دومی فارغ‌التحصیل شد. اولین دوره‌ی تکاوری را در ایران به پایان رساند و دوره‌های عالی فرمان‌دهی ستاد و چتربازی را نیز طی کرد. سپس برای تکمیل دوره‌ی تکاوریِ کوهستان به اسکاتلند اعزام شد. در آن‌جا در مسابقه‌ای که بین تکاوران کوهستان ارتش‌های جهان برگزار شد، رتبه‌ی اول را به‌دست آورد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، آبشناسان به جمع نظامیان انقلابی پیوست. با شروع جنگ تحمیلی، با محمد بروجردی فرمان‌ده سپاه کردستان آغاز به همکاری کرد. از آن پس مسئولیت‌های سنگینی به‌عهده گرفت که فرمان‌دهی کمیته‌ی تکاوران کوهستان، فرمان‌دهی تیپ ۲۱ حمزه، فرمان‌دهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا از آن جمله بود. با تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم به فرمان‌دهی دکتر چمران، به او پیوست و مهارت و تخصص خود را در اختیار این ستاد گذاشت و به جنگ‌های پارتیزانی با اشغال‌گران بعثی پرداخت. در جبهه‌های غرب به آبشناسان «ببرِ کردستان» و در جبهه‌های جنوب «شیرِ صحرا» می‌گفتند. آخرین مسئولیت او فرمان‌دهی لشکر ۳۳ هوابرد (کلاه‌سبزها یا نیروی مخصوص) بود. سرانجام، آبشناسان، هنگامی که در سال ۱۳۶۴ عملیّات قادر را در ارتفاعات لولان عراق فرمان‌دهی می‌کرد، بر اثر اصابت ترکش گلوله‌ی توپ به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت‌زهرای تهران به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
چمران



آتاتورک

(۱۹۳۸ ـ ۱۸۸۱م.)

بنیان‌گذار ترکیه‌ی جدید

مصطفی کمال پاشا، معروف به آتاتورک، در سالونیک مقدونیه، که در آن زمان جزو کشور عثمانی بود، به‌دنیا آمد. در جوانی وارد ارتش عثمانی شد. در لیبی با ایتالیایی‌ها جنگید و مدتی هم در جنگ اول جهانی، فرمان‌دهی نیروهای عثمانی را در جبهه‌های روسیه و فلسطین به‌عهده داشت. در جوانی به جمعیت جوانان ترک پیوست. پس از جنگ جهانی اول که امپراتوری عثمانی فرو پاشید، مجمع بزرگ ملی را به ریاست خود در آنکارا تشکیل داد. سپس در منطقه‌ی آناتولی، اعلام حکومت جمهوری کرد و خود رئیس‌جمهوری ترکیه شد. او به جای استانبول، آنکارا را پایتخت قرار داد. آتاتورک نخست گرایش‌های اسلامی داشت و مردم به او لقب «غازی» به معنی جهادگر دادند؛ ولی بعدها از اسلام فاصله گرفت و حزب جمهوری‌خواه خلق را بر اساس سه اصل ملیّت ترک، جدایی دین از سیاست و اروپایی شدن تأسیس کرد. او در راه رسیدن به این اهداف، با جدیت پیش رفت و به اقداماتی مانند تغییر الفبای عربی به لاتین، سرکوب علمای دینی، اجبار مردم ترکیه به پوشیدن لباس اروپایی، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ میلادی و گسترش فرهنگ غربی در ترکیه دست زد. مجلس ترکیه به او لقب آتاتورک به معنی پدر ترک داد. آتاتورک با رضاشاه پهلوی معاصر و با او هم‌فکر بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پهلوی (رضاشاه)



کمال آتاتورک نخستین رئیس‌جمهوری ترکیه



آتیلا

(۴۵۳ ـ ۴۰۶ م.)

پادشاه اقوام هون

هون‌ها اقوام وحشی پراکنده و بیابان‌گردی در استپ‌های شمال آسیا بودند که در قرن پنجم میلادی، به سوی اروپا سرازیر شدند. رهبر آن‌ها آتیلا بود که این اقوام را متحد کرد. هون‌ها حدود ۲۰ سال سراسر اروپا را زیر پا گذاشتند و آن را ویران و غارت کردند. آتیلا اصرار عجیبی به ویران کردن شهر رُم داشت. سرانجام، پاپ مجبور شد پول هنگفتی به او بدهد تا از این کار منصرف شود. آتیلا به‌راستی وحشی بود؛ برای مثال، در همان زمان که اطرافیان و سربازانش در رفاه به‌سر می‌بردند و خوش می‌گذراندند، خودش فقط گوشت خالی می‌خورد. او مردی کوتاه قد، با چشمانی خیره و نگاهی کینه‌توزانه بود. اما با آن

قیافه‌ی زشت، بارها ازدواج کرد! می‌گویند حدود ۳۰۰ همسر داشت. وقتی آتیلا مُرد، هون‌ها گونه‌های خود را تیغ زدند و به خون‌آلودند تا وانمود کنند که در عزای رهبر خود خون گریسته‌اند.



آخوند خراسانی، محمد کاظم

(۱۳۲۹ _ ۱۲۵۵ ه.ق.)

فقیه اصولی و رهبر روحانی انقلاب مشروطه

فرزند ملاحسین واعظ هراتی بود. مقدمات علوم حوزوی را در زادگاهش مشهد خواند. چندی نزد حاج ملاهادی سبزواری در سبزوار و بعد از آن نزد میرزا ابوالحسن جلوه در تهران، فلسفه و حکمت اسلامی خواند و سرانجام به نجف رفت. در نجف از شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی بود و پس از درگذشت میرزا، جانشین او شد. آخوند خراسانی در نوآوری‌های فقهی شهرت بسیار دارد. کتاب معروف او در این زمینه، **کفایةالاصول** است که بیش از ۱۰۰ مجتهد مسلّم بر آن شرح نوشته‌اند. بیش از ۲۲۰۰ شاگرد داشت که بسیاری از آنان، مجتهدانی برجسته بودند یا بعدها مجتهد شدند. آخوند دارای اندیشه و تفکر سیاسی و اجتماعی نیز بود. او و میرزا حسین تهرانی و شیخ عبدالله مازندرانی، سه رهبر برجسته‌ی مشروطه در حوزه‌ی نجف بودند. آخوند در عین حال با کسانی که به بهانه‌ی حمایت از مشروطه به مذهب بی‌اعتنایی یا با آن مخالفت می‌کردند، مخالف بود و عقیده داشت که کارهای آنان سبب شده است علمایی مثل سید محمدکاظم یزدی، مشروطه را تحریم کنند. وی با هوشیاری، از نجف، مسائل ایران را زیرنظر داشت. به این سبب، هنگامی که پس از فتح تهران و خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت، باز هم متوجه انحراف مشروطه، به‌ویژه اعدام شیخ فضل‌الله نوری به دست مشروطه‌خواهان شد، تصمیم گرفت به ایران بیاید تا از نزدیک مسائل را ببیند. اما به مرگی ناگهانی در نجف درگذشت. می‌گویند مرگ این عالم روشن‌اندیش، بر اثر مسمومیّت به‌دست عُمّال انگلستان بود.

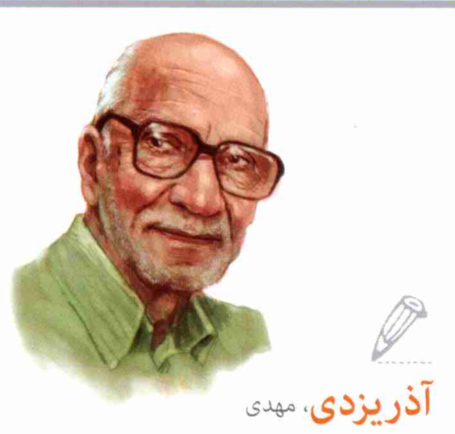
همچنین نگاه کنید به:
انصاری (مرتضی) ، نوری (شیخ فضل‌الله) ، میرزای شیرازی



آدم(ع)

پیامبر خدا

در ادیان ابراهیمی، آدم نخستین انسانی است که خداوند آفرید و سپس همسر او، حوّا، را نیز خلق کرد. آدم و حوّا نخست در بهشت بودند و با آسایش کامل از نعمت‌های آن استفاده می‌کردند. اما دشمن آن‌ها، ابلیس یا شیطان، آن‌دو را فریب داد و به خوردن میوه‌ی درختِ ممنوع دعوتشان کرد و گفت اگر از آن بخورند جاودانه خواهند شد. اما چون آدم و حوا از میوه‌ی بهشتی خوردند، به جزای این گناه، لباس‌های آنان از تنشان فروریخت و آن‌گاه فهمیدند چه گناهی مرتکب شده‌اند. به کیفر این گناه خداوند آن‌ها را از بهشت بیرون راند. آدم و حوّا سرانجام به گناهشان اعتراف و توبه کردند. خداوند نیز توبه‌ی آنان را پذیرفت؛ ولی دیگر به بهشت بازنگشتند. اما شیطان توبه نکرد و سوگند خورد از آن پس هر کجا آدمیان را بیابد، گمراهشان کند؛ مگر کسانی که بندگان خالص خدا باشند. این داستان در چند سوره‌ی قرآن کریم از جمله سوره‌های بقره و اعراف آمده است.



آذریزدی، مهدی

(۱۳۸۸ _ ۱۳۰۰ه.ش.)

نویسنده‌ی مجموعه‌ی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»

در روستای خرّم‌شاه یزد به‌دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و اجازه نمی‌داد فرزندش به مدرسه برود. اما مهدی خواندن قرآن را از مادربزرگش یاد گرفت و باسواد شد. در نوجوانی به یزد رفت و به کارهای گوناگونی مانند کارگری، بنّایی، جوراب‌بافی و کتاب‌فروشی دست زد. یک سال نیز در مدرسه‌ی خان یزد، عربی خواند و دوستانی طلبه و باسواد پیدا کرد. سپس به تهران رفت و در چاپ‌خانه‌ی محمدعلی علمی و سپس انتشارات امیرکبیر مشغول کار شد. روزی، هنگامی که قصه‌های کتاب انوار سهیلی را خواند، به فکرش رسید که آن‌ها را برای بچه‌ها به زبان ساده بازنویسی و چاپ کند. بدین ترتیب، اولین جلد از مجموعه کتاب‌های **قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب** به‌وجود آمد. این مجموعه تا ۸ جلد منتشر شد و خیلی زود جای خود را در میان کتاب‌های خواندنی کودکان و نوجوانان باز کرد؛ تا جایی که یونسکو به کتاب‌هایش جایزه داد و خودش مورد تشویق قرار گرفت. وی در تهران فوت کرد و در زادگاهش، یزد به خاک سپرده شد. از قصه‌های اوست: **قصه‌های قرآن، قصه‌های قابوس‌نامه، قصه‌های مرزبان‌نامه، قصه‌های کلیله و دمنه، قصه‌های گلستان، قصه‌های مثنوی مولوی.**

همچنین نگاه کنید به:
میرکیانی




آرام، احمد

(۱۲۸۳ – ۱۳۷۷هـ.ش.)

معلم، مؤلف، مترجم

در محله‌ی قدیمی آب‌مَنگُل تهران به‌دنیا آمد. پدرش، حاج غلامحسین شال‌فروش، تاجری متدیّن و مشروطه‌خواه بود. احمد آرام از مدرسه‌ی دارالفنون دیپلم گرفت. ابتدا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد؛ بعد به مدرسه‌ی طب رفت و چند سال پزشکی خواند. اما پزشکی را ناتمام رها کرد و پس از استخدام در وزارت فرهنگ، معلم شد. سال‌ها در مدارس تهران، کرج و اصفهان تدریس کرد، سپس در مقام بازرس عالی و مدیر کل، در چند استان خدمت کرد و کتاب‌های درسی گوناگونی نیز در رشته‌ی علوم پایه و نجوم برای دانش‌آموزان نوشت. احمد آرام از سه زبان انگلیسی، فرانسوی و عربی کتاب ترجمه می‌کرد و طی سال‌ها مترجمی، بیش از ۱۵۰ کتاب به فارسی برگرداند که بسیاری از آن‌ها از آثار دانشمندان و شخصیت‌های معروف جهان مانند اینشتین، ماکس پلانک، جُرج سارتون، کارل پوپر، سید قطب، طٰه حسین و اقبال لاهوری است. احمد آرام، به هنگام ترجمه‌ی متن‌های خارجی، برای بسیاری از واژه‌ها معادل فارسی می‌ساخت که امروزه بخشی از آن‌ها رایج شده است. نمونه‌ای از ترجمه‌های معروف او عبارت است از: **شش بال علم**، نوشته جورج سارتون، **علم**، **نظریه**، **انسان** از اروین شرودینگر، **فقر تاریخی‌گری** از کارل پوپر، **در سایه‌ی قرآن** از سید قطب، **علم و تمدن در اسلام** از سید حسین نصر، مجموعه‌ی حدیثی **الحیاة** از محمدرضا حکیمی و **احیای فکر دینی در اسلام** از اقبال لاهوری.

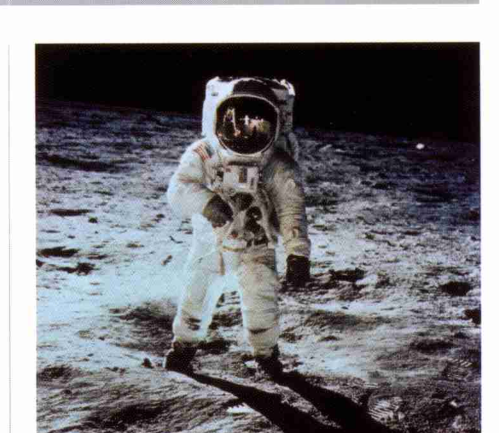
هم‌چنین نگاه کنید به:
آیتی، حکیمی (محمدرضا)، نصر

آرش کمانگیر

پهلوان اسطوره‌ای ایران

در زمان منوچهر، از شاهان پیش‌دادی، بین ایرانیان و تورانیان جنگ درگرفت و سال‌ها به درازا کشید. سرانجام دو طرف، که از جنگ خسته شده بودند، چاره را در این دیدند که پهلوانی از ایران، تیری رها کند و هر جا که آن تیر فرود آید، مرز ایران و توران باشد. آن‌گاه آرش، پهلوان ایرانی، بر قله‌ی دماوند ایستاد و تیری در کمان گذاشت و با تمام نیرو آن را چنان کشید که پس از رها شدن تیر، خودش بر زمین افتاد و جان داد. تیر از بامداد تا نیم‌روز رفت و سرانجام بر تنه‌ی درخت گردویی در کنار رود جیحون نشست، بنابراین همان‌جا مرز ایران و توران شد. داستان آرش در شاهنامه‌ی فردوسی نیامده، اما در اوِستا به آن اشاره شده است. در زمان ما، شاعر معاصر، مهرداد اوستا، با سرودن منظومه‌ی **حماسه‌ی آرش** به صورت چارپاره و سیاوش کسرایی با سرودن **منظومه‌ی آرش کمانگیر** در قالب نیمایی، قصه‌ی آرش را برای نسل‌های جدید زنده کرده‌اند.

▶ تیری که آرش کمانگیر از کمان رها کرد بر تنه‌ی درخت گردویی در کنار رود جیحون نشست و همان‌جا مرز ایران و توران شد.



▲ ادوین بوز آلدرین، هم‌سفر آرمسترانگ در حال قدم زدن روی کره‌ی ماه.

آرمسترانگ، نیل

(تولد: ۱۹۳۰م.)

فضانورد آمریکایی و فاتح کره‌ی ماه

در ایالت اوهایو زاده شد. جسمی سالم و هوشی سرشار داشت. در ۱۶ سالگی خلبانی آموخت و یک سال بعد، به دانشگاه پوردیو رفت تا در رشته‌ی مهندسی هوانوردی تحصیل کند. اما به سبب اعزام به جنگ کره (۱۹۵۰)، نتوانست تحصیل خود را تمام کند. پس از پایان جنگ، به دانشگاه بازگشت و دو سال بعد لیسانس خود را دریافت کرد. سپس به سازمان هوایی ناسا پیوست و به سمت خلبان هواپیماهای مافوق صوت به کار پرداخت. هنگامی که رقابت فضایی آمریکا و شوروی شروع شد و آمریکایی‌ها مصمّم شدند عقب‌افتادگی خود را در تسخیر فضا جبران کنند، آرمسترانگ به دنیای فضانوردی وارد شد. او با گذراندن تمرین‌های سخت، برای پرواز به فضا و فرود آمدن در کره‌ی ماه، که قرار بود برای نخستین بار انجام گیرد، انتخاب شد. او و دو فضانورد دیگر، ادوین بوز آلدرین و مایکل آلن کولین، وظیفه‌ی هدایت آپولو ۱۱ را به‌عهده گرفتند. سرانجام او در تاریخ بیستم جولای سال ۱۹۶۹، سفینه‌ی ماه‌نشین خود را، که **عقاب** نام داشت، بر سطح ماه فرود آورد. آن‌گاه آرمسترانگ، از سفینه بیرون آمد و قدم بر خاک ماه گذاشت. پس از آرمسترانگ، بوز آلدرین نیز قدم بر کره‌ی ماه گذاشت و آن دو با نصب یک دوربین تلویزیونی بر خاک ماه و برداشتن مقداری از خاک آن برای آزمایش، به زمین بازگشتند. آرمسترانگ هنگامی که قدم بر خاک ماه گذاشت، گفت: **«این یک قدم کوچک برای یک فرد ولی یک جهش بزرگ برای بشر است.»** آرمسترانگ بعدها استاد مهندسی پرواز در دانشگاه سین‌سیناتی آمریکا شد. او در سال‌های بعد از سفر فضایی خود، به ایران نیز آمد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
گاگارین



آرین‌پور، یحیی

(۱۳۶۴ ـ ۱۲۷۸ه.ش.)

پژوهشگر تاریخ ادبیات جدید ایران

نامش یحیی دانش، متولد تبریز و معروف به یحیی آرین‌پور است. از نوادگان عباس‌میرزا، شاهزاده‌ی قاجار بود و خاندان مادری‌اش از اَخلاف خواجه‌نصیرالدین توسی بودند. آرین‌پور ۳۳ سال در اداره‌ی دارایی تبریز کار کرد و پس از آن به کار مترجمی در شرکت راه‌آهن پرداخت. علاوه بر فارسی و ترکی، که زبان مادری‌اش بود، با زبان‌های روسی، فرانسوی و انگلیسی نیز آشنا بود و اوقات فراغت خود را به مطالعه، خواندن و گردآوری روزنامه‌ها، مطبوعات و منابع ادبیات معاصر می‌گذراند. سرانجام تاریخ ادبیات جدید ایران را، از عهد قاجار تا پهلوی، در کتابی جامع و کامل به نام از **صبا تا نیما** در دو جلد و **از نیما تا روزگار ما** در یک جلد به رشته‌ی تحریر درآورد. این مجموعه معتبرترین اثری است که تاکنون در زمینه‌ی تاریخ ادبیات و فرهنگ یک دوره‌ی ۱۵۰ ساله از تاریخ ایران نوشته شده است. از صبا تا نیما در زمان مؤلف و از نیما تا روزگار ما پس از مرگ او به ویراستاری احمد سمیعی گیلانی منتشر شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
سمیعی گیلانی



آریو بَرزَن

سردار فداکار ایرانی در پایان عصر هخامنشی

اسکندر مقدونی ۳۳۱ سال قبل از میلاد، به ایران لشکر کشید و سلسله‌ی هخامنشیان را از میان برداشت. در پی آن، امپراتوری وسیع هخامنشی نیز فروپاشید. هنگامی که اسکندر برای تسخیر پایتخت ایران، تخت جمشید، به حوالی بهبهان رسید. قصد داشت از طریق کهگیلویه، که به دربندِ فارس معروف بود، خود را به تخت جمشید برساند. اما در این منطقه با ۲۵ هزار سرباز ایرانی، به فرمان‌دهی سرداری به نام آریوبرزن، روبه‌رو شد و نتوانست پیش‌روی کند و درمانده شد. سرانجام چوپانی لشکر اسکندر را به پشت سر سپاهیان ایران راهنمایی کرد و اسکندر توانست ایرانیان را محاصره کند. آریوبرزن با ۴۰ مرد سواره و ۵ هزار پیاده، که زیر فرمان داشت شجاعانه با نیروهای اسکندر جنگید و پس از شکستن خط محاصره، کوشید خود را به تخت جمشید برساند تا آن را از افتادن به دست دشمن نجات دهد؛ اما موفق نشد، ولی تسلیم هم نشد و سرانجام در جنگی نابرابر، خود و سربازانش کشته شدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اسکندر مقدونی

◀ پای‌مردی و رشادت آریوبرزن و نیروهایش در مقابل نیروهای اسکندر مقدونی، نمونه‌ای از جان‌گذشتگی ایرانیان در راه میهن است که بارها در تاریخ ایران تکرار شده است.



آسیموف، ایزاک

(۱۹۹۲ـ ۱۹۲۰م.)

نویسنده‌ی کتاب‌های علمی ـ تخیلی

نام اصلی‌اش اسحاق عاصم‌اُف و روسی‌الاصل بود. سه ساله بود که با پدر و مادرش به آمریکا مهاجرت کرد. در ۱۸ سالگی لیسانس زیست‌شناسی گرفت. در همان زمان به نوشتن داستان‌های علمی ـ تخیلی روی آورد. آسیموف دکترای خود را در ۲۹ سالگی در رشته‌ی زیست‌شیمی از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد و به تدریس و پژوهش پرداخت. بزرگ‌ترین خدمت فرهنگی آسیموف، که او را مشهور کرد، کوشش در زمینه‌ی ساده و عمومی کردن علوم، به‌گونه‌ای بود که برای همه قابل استفاده باشد. او بیش از چهارصد کتاب در زمینه‌های علوم، داستان‌های علمی و تاریخ نوشت. کتاب‌هایش در سطح جهان پرخواننده است. از کتاب‌های او که به فارسی ترجمه شده مجموعه‌ی ۳۳ جلدی «نگاهی به تاریخ علم» برای نوجوانان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ورن ، کلارک

آشتیانی، میرزا محمدحسن

(۱۳۱۹ ـ ۱۲۴۸ هـ.ق.)

مجتهد و رهبر روحانی قیام تنباکو در تهران

از علمای تهران در عصر ناصرالدین‌شاه بود. در نجف، نزد شیخ مرتضی انصاری فقیه برجسته‌ی آن عصر، درس خواند و از شاگردان خاص او بود. چون ناصرالدین شاه قاجار امتیاز انحصاری خرید و فروش تنباکو را به شرکت انگلیسی رژی داد و با مخالفت علما و بازرگانان و مردم و انتشار حکم تحریم میرزای شیرازی روبه‌رو شد، آشتیانی رهبری مخالفان را در تهران به‌عهده گرفت. ناصرالدین‌شاه از او خواست حکم میرزای شیرازی را در این باره لغو کند. اما چون نتیجه‌ای نگرفت، دستور داد آشتیانی تهران را ترک نماید؛ وگرنه او را مجبور به کشیدن قلیان در ملأ عام خواهد کرد. انتشار این خبر موجب شورش مردم و ایجاد بحران بیش‌تر در تهران شد. سرانجام، شاه تسلیم شد و دستور داد قرارداد تنباکو را با شرکت رژی لغو کنند و خسارت لازم را نیز به شرکت بپردازند. آشتیانی چند سال پس از مرگ ناصرالدین‌شاه در تهران فوت کرد.

آشتیانی، میرزا مهدی



(۱۳۷۲ ـ ۱۳۰۶ هـ.ق.)

استاد حکمت و فلسفه

میرزا مهدی آشتیانی را از بزرگ‌ترین استادان حکمت و فلسفه‌ی اسلامی در قرن اخیر می‌دانند. پدرش، میرزا جعفر آشتیانی نیز از علما و حکمای بزرگ عصر قاجار به‌شمار می‌رفت. میرزا مهدی در تهران به‌دنیا آمد. نزد پدر و سایر علمای تهران درس خواند. ۱۵ سال داشت که استعداد فوق‌العاده‌ی او در فهم فلسفه، حکمت و معارف اسلامی آشکار و موجب شگفتی شد. او علاوه بر حکمت، طب را نیز نزد کسانی مانند ناظم‌الأطبّای نفیسی خواند. سپس به عراق رفت و نزد آخوند خراسانی، میرزای نایینی و سیدابوالحسن اصفهانی به درس ادامه داد. آشتیانی در فلسفه و حکمت اسلامی، به‌ویژه در تدریس آثار جنازه‌ی او را به نجف بردند و در مقبره‌ی حاج شیخ جعفر شوشتری دفن کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

میرزای شیرازی



ابن‌سینا، سرآمد بود و برای تدریس و بحث به بسیاری از کشورها سفر کرد. از جمله یک سال در بخارای ازبکستان تدریس کرد و در پی سفر به هند، مصر، آلمان، فرانسه، ایتالیا و بلژیک با علما و فلاسفه‌ی شرق و غرب ملاقات نمود. در حوزه‌ی درسی او در تهران، در مدرسه‌ی عالی سپهسالار شاگردان بسیاری تربیت شدند که پروفسور عبدالجواد فلاطوری یکی از آن‌هاست. آشتیانی در تهران درگذشت و پیکرش را در جوار مرقد حضرت معصومه علیهاالسلام در قم دفن کردند. کتاب **اساس‌التوحید** یکی از آثار او است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فلاطوری



آشور بانیپال

(حکم‌رانی: ۶۲۷ ـ ۶۶۸ ق.م.)
پادشاه آشور

آشور بانیپال آخرین پادشاه از شاهان مقتدر کشور آشور (در قسمتی از عراق امروزی) بود. چند بار به مصر حمله کرد و شهر طیبه یا تِبِس را، که از شهرهای عهد فرعون‌ها بود، ویران کرد. سپس با لشکرکشی به فنیقیه و آسیای صغیر و ایلام و بابل، بر قلمرو خود افزود و دولت آشور را به اوج اقتدار رساند. حدود ۴۰ سال فرمان‌روایی کرد؛ اما بعد از او کشور آشور رو به انحطاط رفت و خیلی زود از روی نقشه‌ی جهان ناپدید شد. شهرت آشور بانیپال بیش‌تر به سبب کتاب‌خانه‌ی اوست که دارای هزاران لوح گِلی بود. این کتاب‌خانه در قرون اخیر در بقایای قصر او در شهر نینوای عراق کشف شد. این الواح در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
گیلگمش



آشوکا

(۲۳۲ ـ ۲۷۲ ق.م.)
پادشاه هند باستان

آشوکا یکی از نمونه‌های نادر تاریخ در فرمان‌روایی است. هنگامی که پس از پدرش، بیندوس، فرمان‌روای هندوستان پهناور شد، برای گسترش بیش‌تر مرزهای هند، بی‌رحمانه به شرق این کشور لشکر کشید و سربازانش در آن منطقه، که کالینگا نام داشت، کشتار بزرگی به‌راه انداختند. اما آشوکا با مشاهده‌ی آن کشته‌ها، بسیار ناراحت و دگرگون شد. به این سبب، از جنگ دست برداشت و از آن پس تا زنده بود به جایی حمله نکرد. برعکس باقی عمرش را صرف تبلیغ دین بودایی، عمران و آبادانی هند و برقراری صلح و آزادی و کمک به مردم کرد. آشوکا مانند دیگر فرمان‌روایان جهان باستان، دستورها و فرمان‌هایش را روی سنگ می‌نوشت. اکنون سنگ‌نوشته‌هایی از او در نپال، پاکستان و افغانستان بر جای مانده است. نهرو در کتاب نگاهی به تاریخ جهان، درباره‌ی آشوکا مطالبی نوشته که خواندنی است.





آشیل

(۴۵۶ ـ ۵۲۵ ق.م.)
نمایش‌نامه‌نویس یونانی

آشیل یا اسخیلوس بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس یونان باستان بود. در آتن به‌دنیا آمد و در عصر **پریکلس** می‌زیست. او را پدر تراژدی یونان دانسته‌اند. حدود ۹۰ نمایش‌نامه نوشته که از آن‌ها فقط هفت نمایش‌نامه به‌جا مانده است. آشیل در جنگ‌های سالامیس و ماراتون با ایرانیان جنگید و نمایش‌نامه‌ی معروفی به نام **پارس‌ها** نوشت که هنوز باقی است. **پرومته در زنجیر** نیز از نمایش‌نامه‌های معروف آشیل است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پرومته ، پریکلس ، سوفوکل



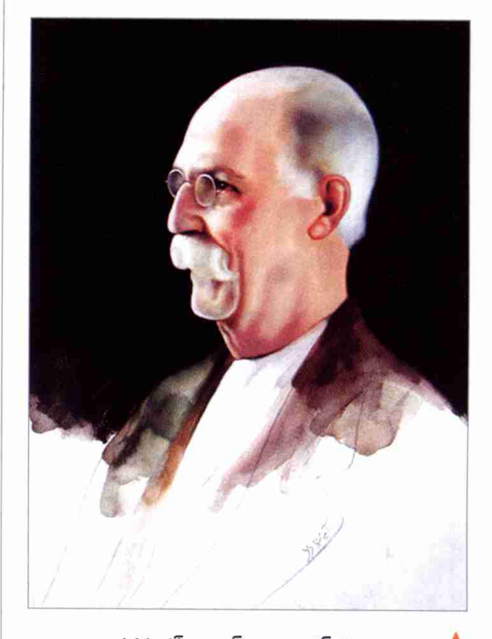
آغداشلو، آیدین

(تولد: ۱۳۱۹هـ.ش.)
نقاش و گرافیست

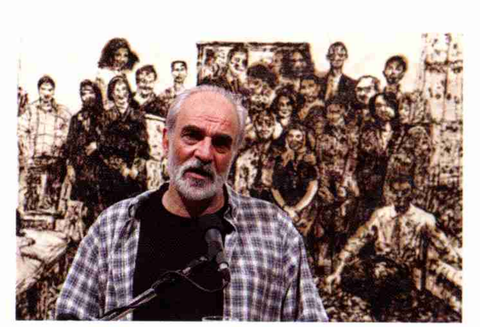
در رشت به‌دنیا آمد و در همان شهر تحصیل کرد. از نوجوانی به نقاشی پرداخت و در زمینه‌ی تذهیب، نگارگری، نقاشی گل و مرغ و نیز کپی‌برداری از آثار نقاشان بزرگ اروپایی مهارت یافت. اما خیلی زود سعی کرد سبکی مستقل پیدا کند؛ از این‌رو، به تمرین، مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی هنر نقاشی پرداخت. آغداشلو در ۱۹ سالگی وارد دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و تلاش کرد هرچه بیش‌تر به تجربه‌ی عملی در سبک‌های گوناگون بپردازد. از سال ۱۳۵۲ به تدریس در دانشکده‌ها پرداخت و اولین نمایشگاه خود را در سال ۱۳۵۴ برگزار کرد. در همان سال نیز یک برنامه‌ی هنری به نام **روش‌های دیدن** در تلویزیون اجرا کرد که دو







سه نمونه از آثار هنری آیدین آغداشلو.



آغداشلو علاوه بر خلق آثار هنری، از منتقدان هنری نیز هست.

سال ادامه یافت. از سال ۱۳۵۸، به تدریس در دانشگاه الزهرا پرداخت؛ ولی کار تحقیق و پژوهش در هنرهای تجسمی ایران، به‌ویژه تاریخ نقاشی و خوش‌نویسی را نیز ادامه داد. آغداشلو در چند دهه‌ی اخیر در صحنه‌ی هنری ایران فعال بوده و نمایشگاه‌های متعددی برگزار کرده است. در زمینه‌ی تألیف نیز دو کتاب **چهره‌ها** و **آقا لطفعلی صورتگر** را عرضه کرده است. علاوه بر این، کتاب **زمینی و آسمانی** را نوشته که نگاهی به خوش‌نویسی ایران از آغاز تا امروز است.



آقابزرگ تهرانی

(۱۳۴۸ ـ ۱۲۵۴ه.ش.)

کتاب‌شناس تاریخ شیعه

نامش شیخ محمدحسن منزوی، مشهور به آقابزرگ تهرانی است. در تهران متولد شد و پس از آموزش‌های ابتدایی، در ۱۲ سالگی به عراق رفت. به تحصیل در حوزه‌ی نجف پرداخت و تا پایان عمر در آن‌جا ماند. آخوند خراسانی و آیت‌الله محمدتقی شیرازی، از استادان او بودند. کتاب **الذّریعه اِلی تصانیف‌الشّیعه** را در ۲۹ جلد، در معرفی کتاب‌های شیعه نوشت. او این کتاب را، که دایرةالمعارف معرفی کتاب‌های شیعه است، به منظور ردّ نظریه‌ی افرادی مانند جرجی زیدان (مسیحی) و حاجی خلیفه (ترک) نوشت که عقیده داشتند علمای شیعه کتاب‌های زیادی تألیف نکرده‌اند. کتاب دیگر آقابزرگ تهرانی **طبقات اعلام‌الشّیعه** در ۲۰ جلد، در معرفی شخصیت‌های شیعه از آغاز اسلام تا امروز است. علاوه بر این، حدود ۷۰ جلد کتاب دیگر در مباحث گوناگون نوشته است. دو فرزند او، **علی‌نقی** و **احمد منزوی**، کتاب‌شناسانی برجسته‌اند و خدمات کتاب‌داری و فهرست‌نویسی‌های مهمی را به انجام رسانده‌اند. آقابزرگ تهرانی ۹۶ سال عمر کرد و در نجف درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آخوند خراسانی ، طباطبایی (سید عبدالعزیز)



آقامحمدخان قاجار

(۱۲۱۱ ـ ۱۱۵۵ ه.ق.)

بنیان‌گذار سلسله‌ی قاجاریه

آقامحمدخان فرزند محمدحسن‌خان قاجار بود. محمدحسن‌خان در جنگ با کریم‌خان زند بر سر جانشینی نادرشاه افشار، به دست خویشان خود کشته شد. کریم‌خان ضمن تأسف خوردن بر کشته‌شدن محمدحسن‌خان، آقامحمدخان فرزند او را، که پسری کم‌سن و سال بود، به شیراز برد و از او نگهداری کرد تا بزرگ شد. هنگامی که کریم‌خان درگذشت، آقامحمدخان مخفیانه از شیراز بیرون آمد و به تهران و سپس استرآباد (گرگان) رفت که مرکز ایل قاجار بود. او برای جانشینی کریم‌خان، به کمک ایل قاجار، مبارزه‌ای طولانی را با رقیبان خود، آغاز کرد و سرانجام، پادشاهی ایران را به چنگ آورد. آقامحمدخان پس از کوتاه کردن دست رقیبان، نخست به قفقاز لشکر کشید و شهر تفلیس (پایتخت امروز گرجستان) را تصرف و ویران کرد و مردم بسیاری را کشت. آن‌گاه تهران را پایتخت خود قرار داد و در این شهر تاج‌گذاری کرد. سپس به خراسان لشکر کشید و شاهرخ نادری را، که کریم‌خان‌زند او را به احترام نادرشاه در خراسان ابقا کرده بود، کشت



و سلسله‌ی افشاریه را برانداخت. آخرین لشکرکشی خان قاجار، بار دیگر به قفقاز بود؛ ولی در همان‌جا به دست چند تن از نزدیکان خود کشته شد. آقامحمدخان از کودکی عقیم شده بود و فرزندی نداشت؛ به این سبب، بعد از او برادرزاده‌اش، باباخان، را از شیراز به تهران آوردند و به نام فتحعلی‌شاه، بر تخت پادشاهی ایران نشاندند. آقامحمدخان مردی نترس، بی‌رحم، چابک و کینه‌توز بود. درآوردن حدقه‌ی چشم هزاران نفر از مردم کرمان از جنایت‌های فراموش نشدنی اوست. وی هم‌چنین مردی خسیس، بدگمان و فوق‌العاده زردوست بود. بخشی از جواهرات بسیاری که وی از شاه‌زاده‌ها و دیگران گرفت، جواهراتی بود که نادرشاه از هند آورده بود، و این جواهرات تا امروز در خزانه‌ی ایران باقی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فتحعلی‌شاه قاجار



آقامیری، محمدباقر

(تولد: ۱۳۲۹هـ.ش.)
نگارگر

در یکی از روستاهای بیجار، از شهرهای استان کردستان به‌دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در همان‌جا و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون تهران به پایان رساند. برادرانش، یکی خوش‌نویس و دیگری نقاش بود و محمدباقر نیز در رشته‌ی نقاشی تحصیل کرد. وی از دانشگاه هنر لیسانس نقاشی و از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، فوق لیسانس گرافیک گرفت. شورای عالی فرهنگ نیز با ارزشیابی آثارش به او دکترای نقاشی ایرانی و اسلامی اعطا کرد. آقامیری از محضر استادانی مانند محمدعلی زاویه، نصرت‌الله یوسفی و محمود فرشچیان سود جسته و خود یکی از چهره‌های برجسته‌ی نگارگری در ایران است. او نمایشگاه‌هایی در داخل و خارج برپا کرده و مدال طلای نمایشگاه جهانی الجزایر را در سال ۱۹۸۸ به‌دست آورده است. بیش از ۴۰ کتاب، از جمله **دیوان حافظ**، **شاهنامه**، **غزلیات سعدی**، **گلشن راز** و **رباعیات خیام** را تذهیب کرده و حدود ۲۰ تذهیب قرآنی نیز پدید آورده است. دیگر ویژگی آقامیری، فعالیت او در ورزش کاراته است. در سال ۱۳۵۸، قهرمان کشور در این رشته شد و چندی به مقام ریاست فدراسیون کاراته‌ی ایران رسید. او سبک کاراته‌ی **وادوکا** را در سال ۱۳۵۵ به ایران آورد. جلوه‌ای از تلفیق هنر و ورزش در کارهای آقامیری، پدید آوردن بیش از ۳۰ تابلو نقاشی از چهره‌ی بسیاری از پهلوانان نامی ایران و نمودار ساختن فضایل اخلاقی و معنوی در سیمای آنان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
زاویه ، فرشچیان



آقانجفی قوچانی

(۱۳۲۲ ـ ۱۲۵۶هـ.ش.)
عالم دینی و نویسنده

نامش سیدمحمدحسن، اهل روستای خسرویه‌ی قوچان و فرزند مردی کشاورز و بی‌سواد، اما روشن‌بین بود که فرزندش را برای تحصیل علوم دینی به مکتب گذاشت. محمدحسن سپس تحصیلاتش را در مشهد ادامه داد و پس از مشهد، در سبزوار و اصفهان و نجف نزد عالمان و استادانی مانند میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند خراسانی درس خواند؛ عالمی برجسته شد و سرانجام از نجف به قوچان بازگشت. در نهضت مشروطه، از طرفداران آخوند خراسانی در نجف بود و از علمای مشروطه‌خواه به‌شمار می‌رفت. آنچه آقانجفی را مشهور ساخته، دو کتاب کم‌نظیر او به نام‌های **سیاحت شرق** و **سیاحت غرب** است. سیاحت شرق شرح زندگانی خود اوست که با قلمی روان و شیرین نوشته و برای اطلاع از چگونگی زندگی طلبگی و آخوندی بسیار مفید است. اما سیاحت غرب ماجرای خیالی مرگ خودش است که آن را به صورت داستانی و بر اساس آیات و روایات نوشته است. آرامگاه آقانجفی در قوچان، زیارت‌گاه مردم است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آخوند خراسانی



آل‌احمد، جلال

(۱۳۴۸ ـ ۱۳۰۳هـ.ش.)
نویسنده‌ی منتقد و فعال اجتماعی

در تهران، در خانواده‌ای روحانی از اهالی طالقان به‌دنیا آمد. پدرش با تحصیلات جدید موافق نبود؛ اما جلال شبانه درس خواند، از دانش‌سرای عالی لیسانس ادبیات فارسی گرفت و دبیر دبیرستان شد. جلال جوانی پرشور، آزادی‌خواه، تیزفهم و جست‌وجوگر بود. پس از شهریور ۱۳۲۰، به حزب توده که طرفدار شوروی بود، پیوست. چند سال هم سردبیر روزنامه‌ی مردم، ارگان آن حزب، شد. اما پس از اشغال آذربایجان از سوی شوروی، حزب توده را رها کرد. آل‌احمد به ایران‌گردی،

نشست و برخاست با مردم، بحث و انتقاد، سخن‌رانی و نویسندگی علاقه‌ی زیادی داشت. بسیاری از نقاط ایران را سواره و پیاده پیمود. به آمریکا و شوروی و اروپا نیز سفر کرد و سفرنامه‌هایی نوشت. سفرنامه‌ی حج او **خسی در میقات** نام دارد. در سال‌های آخر عمر، گرایش بیش‌تری به نقش مذهب در زندگی مردم ایران پیدا کرد و با امام‌خمینی نیز در قم ملاقات کرد. او پیوسته با شاعران و نویسندگان و هنرمندان و به‌ویژه جوانان، هم‌سخن می‌شد. به مسائل اجتماعی ایران بسیار می‌اندیشید و در این زمینه اثر معروف خود، **غرب‌زدگی**، را نوشت. آل‌احمد نثر خاصی داشت که بسیار تأثیرگذار بود.
از آثار اوست: **دید و بازدید، زن زیادی، نون والقلم، مدیر مدرسه، کارنامه‌ی سه ساله، ارزیابی شتاب‌زده، نفرین زمین، سفر به ولایت عزرائیل، سفر روس، جزیره‌ی خارک دُرّ یتیم خلیج فارس و اورازان.**
آل‌احمد در ۴۸ سالگی در اَسالم گیلان به مرگی ناگهانی درگذشت و در مسجد فیروزآبادی شهر ری به خاک سپرده شد. همسرش، سیمین دانشور، نیز نویسنده‌ای تواناست.

همچنین نگاه کنید به:
دانشور



آلب‌ارسلان

(مقتول: ۴۵۶ هـ.ق.)
پادشاه سلجوقی

آلب‌ارسلان (ارسلان در زبان ترکی به معنای شیر است) پس از مرگ عمویش طغرل، به یاری خواجه نظام‌الملک توسی پادشاه ایران شد. هنگامی که داخل کشور را آرام کرد، فتوحات طغرل را پی گرفت و به ارمنستان و آسیای صغیر (ترکیه) لشکر کشید. نخست در آسیای صغیر، در جنگ مَلازگِرد، رومن دیوژن، امپراتور روم شرقی را اسیر کرد. اما پس از دریافت پول بسیار، او را آزاد ساخت. این فتح مقدمه‌ی فتح قسطنطنیّه و نابودی روم شرقی شد که بعدها به دست سلطان محمد فاتح، پادشاه عثمانی انجام گرفت. آلب‌ارسلان در ادامه‌ی فتوحات خود، به ترکستان در شرق ایران بازگشت. اما در کنار رود جیحون، به دست یوسف نامی که قلعه‌بان بود، به قتل رسید. در پی آن پسرش، جلال‌الدین ملکشاه، جانشین او شد. در زمان سلجوقیان، کشور با درایت و سیاست خواجه نظام‌الملک به مدت ۵۵ سال اداره شد. در نتیجه، مرزهای ایران بیش از همیشه گسترش یافت؛ امنیت برقرار گشت، مدارس نظامیه ساخته شد؛ دانشمندان بسیاری چون حکیم عمر خیام و غزالی ظهور کردند و تمدن اسلامی ایران بیش از پیش رشد کرد. در این دوره اسماعیلیان به رهبری حسن صبّاح، به صورت قدرت ویرانگری علیه سلجوقیان درآمدند. سرانجام هم فداییان اسماعیلی، ملکشاه و خواجه نظام‌الملک را کشتند.



▼ آلب‌ارسلان فتوحات طغرل را ادامه داد و مرزهای ایران را در شرق و غرب گسترش داد.

همچنین نگاه کنید به:
خواجه نظام‌الملک ، سلطان محمد فاتح



آموندسِن، روالدو

(۱۹۲۸ ـ ۱۸۷۲ م.)
فاتح قطب جنوب

آموندسن اهل کشور نروژ بود. ابتدا در رشته‌ی پزشکی تحصیل کرد؛ ولی با علاقه‌ی شدیدی که به دریا و دریانوردی داشت پزشکی را رها کرد و به سوی اکتشافات دریایی روی آورد. اولین سفر بزرگ او، که ۳ سال طول کشید، گذر از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام از طریق گذرگاه شمال غربی، در شمال کانادا بود. این کار را کسی قبل از او انجام نداده بود. پس از آن تصمیم گرفت به قطب شمال سفر کند؛ ولی چون شنید قبل از او رابرت پیری، افسر نیروی دریایی آمریکا، این کار را انجام داده است، منصرف شد و برنامه‌ای را برای رفتن به قطب جنوب تدارک دید. این در حالی بود که هم‌زمان با او، یک گروه انگلیسی به فرمان‌دهی **رابرت اسکات** عازم قطب جنوب شده بود. آموندسن و ۴ نفر از همراهانش توانستند به کمک ۵۲ سگ و ۴ سورتمه، ۵ هفته زودتر از گروه اسکات به قطب برسند و نام خود را در مقام نخستین فاتحان قطب جنوب به ثبت برسانند. آنان از این سفر به سلامت برگشتند؛ ولی اسکات و ۴ همراهش در بازگشت، از سرما یخ زدند. آموندسن به فعالیت‌های اکتشافی خود ادامه داد و در سال ۱۹۳۶، همراه با دوستش الزوُرث و

▼ آموندسن در ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ قطب جنوب را فتح کرد.



یک مهندس ایتالیایی به نام نوبیل، با یک کشتی هوایی از فراز قطب شمال عبور کرد. دو سال بعد، وقتی شنید که نوبیل بار دیگر به قطب شمال رفته و ناپدید شده است، به تنهایی با یک هواپیما به جست‌وجوی او پرداخت، ولی خودش هم گم شد و دیگر اثری از او و هواپیمایش به‌دست نیامد.



آوینی، سید مرتضی

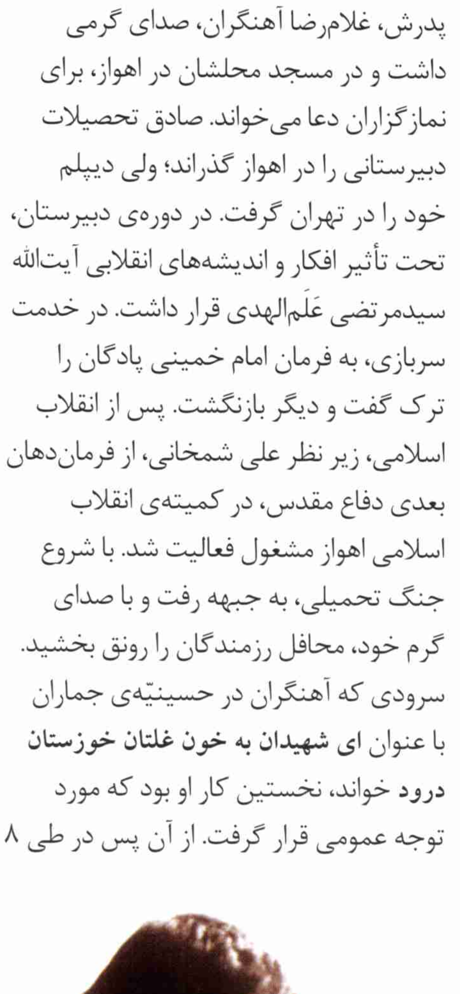
(۱۳۷۲ـ۱۳۲۶ه.ش.)

مستندساز دفاع مقدس (روایت فتح)

اهل شهری بود. در همین شهر به مدرسه رفت و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ی معماری، در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران به پایان رساند. پیروزی انقلاب اسلامی آوینی را در مسیری دیگر انداخت و موجب شد وی به فعالیت‌های هنری و فیلم‌سازی روی آورد. در نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای درباره‌ی حوادث خونین ترکمن‌صحرا و سپس مجموعه‌ی مستند **خان‌گزیده‌ها** را ساخت که جلب توجه کرد. با آغاز جنگ تحمیلی، آوینی هنر خود را به جبهه برد و از همان روزهای آغازین به تهیه‌ی فیلم‌های مستند درباره‌ی دفاع مقدس مشغول شد. ماندگارترین کار او در این دوره، مجموعه‌ی تلویزیونی **روایت فتح** است که تا ۷۰ برنامه ادامه یافت. چند سال پس از پایان جنگ، بار دیگر در سال ۱۳۷۰، ادامه‌ی ساخت روایت فتح را با ایجاد «مؤسسه‌ی فرهنگی روایت فتح» آغاز کرد. او مجموعه‌ی ۱۰ قسمتی **شهری در آسمان** را، که درباره‌ی محاصره و سقوط خرمشهر و سپس فتح و بازپس‌گیری آن بود، تهیه کرد. آوینی در عرصه‌ی مطبوعات نیز فعال بود و چند سال سردبیری مجله‌ی «سوره» و نیز مجله‌ی «ادبیات داستانی» را به‌عهده داشت. او در فروردین سال ۱۳۷۲، هنگام فیلم‌برداری در منطقه‌ی فکّه، بر اثر انفجار مین به شهادت رسید.

▼ شهید سیدمرتضی آوینی (نفر وسط) با ساخت مجموعه‌ی روایت فتح بخش مهمی از تاریخ دفاع مقدس را از نظر هنری ثبت کرد.





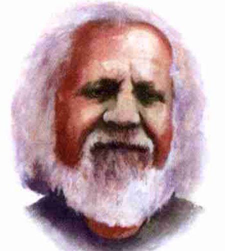
آهنگران، محمدصادق

(تولد: ۱۳۳۶ه.ش.)

نوحه‌سرای دفاع مقدس

پدرش، غلامرضا آهنگران، صدای گرمی داشت و در مسجد محلشان در اهواز، برای نمازگزاران دعا می‌خواند. صادق تحصیلات دبیرستانی را در اهواز گذراند؛ ولی دیپلم خود را در تهران گرفت. در دوره‌ی دبیرستان، تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های انقلابی آیت‌الله سیدمرتضی عَلَم‌الهدی قرار داشت. در خدمت سربازی، به فرمان امام خمینی پادگان را ترک گفت و دیگر بازنگشت. پس از انقلاب اسلامی، زیر نظر علی شمخانی، از فرمان‌دهان بعدی دفاع مقدس، در کمیته‌ی انقلاب اسلامی اهواز مشغول فعالیت شد. با شروع جنگ تحمیلی، به جبهه رفت و با صدای گرم خود، محافل رزمندگان را رونق بخشید. سرودی که آهنگران در حسینیّه‌ی جماران با عنوان **ای شهیدان به خون غلتان خوزستان درود** خواند، نخستین کار او بود که مورد توجه عمومی قرار گرفت. از آن پس در طی ۸

سال جنگ، در مقام چهره‌ی اول مرثیه‌سرایی و سرودخوانی، در همه جا شناخته شد. شعرهای آهنگران را اغلب شاعری به نام «معلمی» برایش می‌سرود. آهنگران پس از دفاع مقدس، به تحصیل ادامه داد و مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرد و به سِمت مشاور فرهنگی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب گردید.





آیتی، عبدالمحمد

(تولد: ۱۳۰۵ه.ش.)

مترجم و عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

آیتی در شهر بروجرد به‌دنیا آمد. تحصیلات جدید و نیز تحصیلات حوزوی را در زادگاه خود گذراند. یک سال هم در شهر قم به تحصیل دروس حوزوی پرداخت. سرانجام از دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، که در آن زمان دانشکده‌ی معقول و منقول نام داشت، در رشته‌ی الهیات لیسانس گرفت. هم‌زمان، لیسانس روان‌شناسی و علوم تربیتی را نیز اخذ کرد و به دبیری پرداخت. او به مدت ۱۰ سال سردبیر ماه‌نامه‌ی آموزش‌وپرورش بود و مجله‌ی ارزش‌مندی برای فرهنگیان و معلمان تهیه می‌کرد. آیتی از مترجمان درجه اول متن‌های عربی به فارسی است و در این زمینه آثار بسیار ارزش‌مندی را به جامعه عرضه کرده است. **ترجمه‌ی قرآن کریم، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، ترجمه‌ی تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه‌ی کتاب العبر ابن‌خلدون** و نیز مجموعه‌ای از داستان‌های نویسندگان معاصر عرب، که در ماه‌نامه‌ی آموزش‌وپرورش چاپ می‌شد، بخشی از آثار اوست. او از سال ۱۳۷۰، به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد. در سال ۱۳۸۳، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، به پاس یک عمر خدمات علمی و فرهنگی استاد عبدالمحمد آیتی، در مراسم باشکوهی از وی تقدیر کرد.

همچنین نگاه کنید به:

زرین‌کوب ، شهیدی



آیزنشتاین، سرگئی

(۱۹۴۸ ـ ۱۸۹۸م.)

کارگردان انقلابی روس

آیزنشتاین برجسته‌ترین کارگردان سینمای اتحاد جماهیر شوروی سابق و از تواناترین نظریه‌پردازان سینمای هنری بود. جوانی‌اش در سال‌های انقلاب اکتبر شوروی گذشت. او، که دو سال مهندسی خوانده بود، به ارتش سرخ پیوست و هنرش را در خدمت انقلاب درآورد. بعد از انقلاب اکتبر، وارد عالم سینما شد و اولین فیلم خود، **اعتصاب** را ساخت. او در تدوین فیلم بسیار استاد و خلاق بود. از این‌رو، بر فیلم‌سازان بعد از خود تأثیر زیادی گذاشت. موضوع اغلب فیلم‌های او بازتاب دادن وضعیت اجتماعی بد مردم و ظلم و ستم حاکمان در زمان تزارهای روس و نیز وقایع انقلاب شوروی است. آیزنشتاین ۱۷ فیلم ساخت که مشهورترین آن‌ها **رزم‌ناو پوتمکین، اکتبر، الکساندر نوسْکی** و **ایوان مخوف** است.



آیزنهاور، دوایت

(۱۹۶۹ ـ ۱۸۹۰م.)

رئیس‌جمهوری آمریکا

آیزنهاور از افسران برجسته‌ی آمریکایی بود که در جنگ دوم جهانی با کمک ژنرال مونتگمری انگلیسی، بزرگ‌ترین اردوکشی نظامی را به سواحل نورماندی فرانسه به انجام رساند و باعث شکست هیتلر شد. بعدها هم فرمان‌دهی کل نیروهای پیمان آتلانتیک (ناتو) را در اروپا به‌عهده گرفت. آیزنهاور بعد از جنگ، از سوی جمهوری‌خواهان آمریکا، به ریاست جمهوری برگزیده شد (۱۹۵۳). او جنگ کره را، که ترومن آغاز کرده بود، پایان داد و با خروشچف، رهبر شوروی، برای بهبود روابط دو کشور مذاکراتی انجام داد. در دوره‌ی آیزنهاور، قدرت آمریکا در جهان بیش از پیش گسترش یافت. او دو دوره رئیس‌جمهوری بود.

همچنین نگاه کنید به:

ترومن ، خروشچف ، کندی ، مونتگمری



ابتهاج، هوشنگ

(تولد: ۱۳۰۶ه.ش.)

شاعر

هوشنگ ابتهاج درسال ۱۳۰۶ شمسی در شهر رشت زاده شد. دوره‌ی دبستان را در همین شهر و دوره‌ی دبیرستان را در تهران به‌پایان رساند. او مدیرکل شرکت دولتی «سیمان تهران» بود. اما به شعر و هنر نیز دل‌بستگی بسیار داشت و تخلص «سایه» را برای خود انتخاب کرد. ابتهاج اولین دفتر شعر خود را با نام نخستین نغمه‌ها منتشر کرد. سپس کتاب شبگیر را منتشر کرد که حاصل سال‌های پر تب و تاب پیش از ۱۳۳۲ ش. بود. این کتاب او را در مقام شاعری اجتماعی به جامعه‌ی ادبی ایران شناساند. در اشعار سایه از جهت مضمون، دو گرایش عاشقانه و اجتماعی به‌چشم می‌خورد. در سال‌های جوانی، اشعاری به شیوه‌ی نیما سرود؛ اما کم‌کم راه خود را در غزل فارسی پیدا کرد و امروزه یکی از غزل‌سرایان موفق معاصر است. از آثار اوست: **سراب، سیاه‌مشق، چند برگ از یلدا، یادگارخون سرو و آینه**

در آینه. هوشنگ ابتهاج در موسیقی نیز دست دارد و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ برنامه‌های «گل‌های تازه» و «گلچین هفته» را در رادیو ایران سرپرستی می‌کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شفیعی کدکنی ، شهریار ، نیما یوشیج



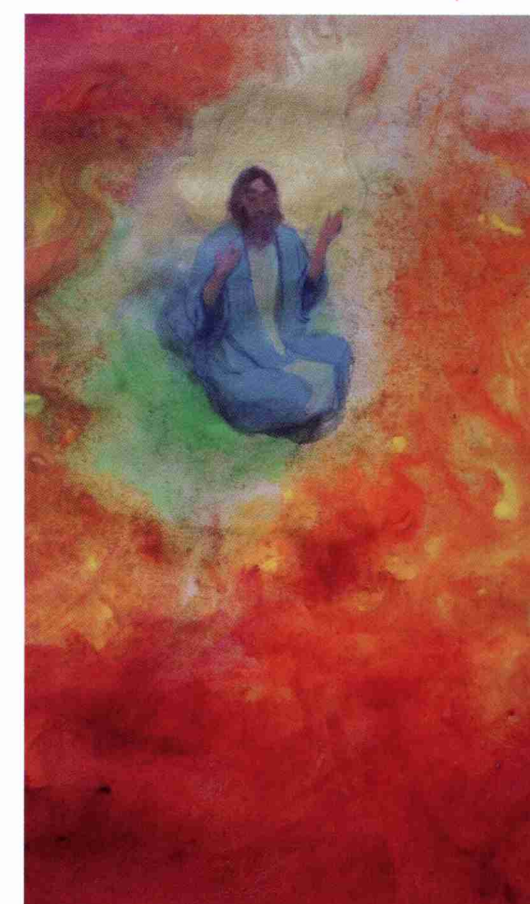
ابراهیم(ع)

(سده‌ی نوزدهم پیش از میلاد)
پیامبر خدا

ابراهیم در حدود ۴ هزار سال پیش در شهر اور، از توابع کلده (در عراق امروز)، به‌دنیا آمد. نمرود، پادشاه آن عصر، مردی جبّار و ستم‌کار بود. ابراهیم کودکی بود شگفت‌انگیز و از همان آغاز با بت‌پرستی مخالفت می‌کرد. در نوجوانی بت‌های مردم را در بت‌کده‌ی شهر بابل شکست. او را به جرم این کار در آتش انداختند، ولی به فرمان خداوند، آتش بر او اثر نکرد و چنان که مشهور است بر او گلستان شد. ابراهیم را نخستین پیامبری می‌دانند که یکتاپرستی را در میان مردم بنیان نهاده و خداشناسی را با استدلال به آنان یاد داده است. او با قبیله‌ی خود از اور به فلسطین مهاجرت کرد و سپس از آن‌جا به مکه رفت. در مکه، خانه‌ی کعبه را ساخت و از خداوند درخواست کرد که آن را محل امنی برای مردم قرار دهد. خداوند خواسته‌ی او را پذیرفت و از آن پس تا امروز مکه زیارت‌گاه مسلمانان جهان شده است. در مکه خدا از ابراهیم خواست فرزندش اسماعیل را قربانی کند. ابراهیم پذیرفت و اسماعیل نیز قبول کرد که قربانی شود. اما هنگام اجرای دستور، خداوند گوسفندی برای ابراهیم فرستاد تا آن را به جای اسماعیل ذبح کند. نسلی که از ابراهیم در عربستان به‌وجود آمد، اعراب عدنانی را تشکیل دادند که پیامبر اسلام نیز از آنان است. ابراهیم فرزند دیگری به نام اسحاق داشت که بنی‌اسرائیل فرزندان او هستند. قرآن، ابراهیم را **خلیل**، یعنی دوست خدا خوانده است. در فلسطین امروزی، شهری به نام الخلیل وجود دارد که مقبره‌ی حضرت ابراهیم در آن است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اسحاق

▼ ابراهیم خلیل‌الله در آتش





ابراهیمی (شاهد)، جعفر

(تولد: ۱۳۳۰ه.ش.)
شاعر کودکان

در روستای ویلکیج نمین، از توابع اردبیل، به‌دنیا آمد. در ۱۱ سالگی با خانواده‌اش به تهران رفت و تحصیلات دبیرستانی خود را در این شهر به پایان رساند. ابراهیمی که از نوجوانی شعر می‌سرود و زیاد مطالعه می‌کرد در همان زمان، تخلّص **شاهد** را برای خود انتخاب کرد. نخستین بار در سال ۱۳۵۹، به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و سردبیری مجله‌ی ادبی **آیش** را به‌عهده گرفت و هم‌زمان در **برنامه‌ی کودک** رادیو و **کیهان بچه‌ها** نیز به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۸۰، از کانون بازنشسته شد ولی هم‌چنان به فعالیت‌های فرهنگی و ادبی خود ادامه داد. ابراهیمی شاعر و نویسنده‌ای پرکار است. تاکنون بیش از صد عنوان کتاب در موضوعات گوناگون مانند رمان، مجموعه‌ی قصه، زندگی‌نامه، مجموعه‌ی شعر و... چاپ و جوایز بسیاری دریافت کرده است. رمانِ **یک سنگ و یک دوست** ابراهیمی در سال ۱۳۶۷ برنده‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی شد. مجموعه‌ی شعرش به نام **آواز پوپک** هم در سال ۱۳۷۳ کتاب سال گردید.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رحماندوست ، میرکیانی



ابراهیمی، نادر

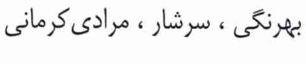
(۱۳۸۷ـ ۱۳۱۵ه.ش.)
داستان‌نویس

در تهران به‌دنیا آمد. از دبیرستان دارالفنون دیپلم گرفت و تحصیلات خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی ادامه داد. از ۱۳ سالگی به مبارزه‌های سیاسی پیوست و بارها به زندان افتاد. در طول عمر خود به کارهای بسیاری از کارگری در تعمیرگاه،



کار در چاپ‌خانه، حساب‌داری، کار در بازار، مترجمی، ویراستاری، مقاله‌نویسی، فیلم‌سازی، تصویرگری، کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی، تدریس و... پرداخت. اما هیچ‌گاه از نوشتن غافل نشد. فعالیت حرفه‌ای خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان با تأسیس «مؤسسه‌ی هم‌گام با کودکان و نوجوانان» بیش‌تر کرد و عنوان «ناشر برگزیده‌ی آسیا» و ناشر برگزیده‌ی نخست جهان را به‌دست آورد. عنوان «نویسنده‌ی برگزیده‌ی ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب» را هم به سبب نوشتن داستان بلند و هفت جلدی **آتش بدون دود** دریافت کرد. از آثاری که ابراهیمی با روی‌کرد جدیدی پس از انقلاب نوشت، باید به دو کتاب **سه دیدار** (درباره‌ی زندگی امام خمینی) و **مردی در تبعید ابدی** (درباره‌ی ملاصدرا) اشاره کرد. این نویسنده بسیار پرکار بود و از او ۳۶ اثر در حوزه‌ی ادبیات بزرگ‌سالان، ۴۶ اثر در حوزه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان و تعدادی نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و ترجمه باقی مانده است. نادر ابراهیمی در اثر بیماری سرطان در تهران درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:
بهرنگی ، سرشار ، مرادی‌کرمانی



ابن‌بطوطه

(۷۷۹ ـ ۷۰۳ هـ.ق.)

جهان‌گرد مسلمان

ابن بطوطه اهل طنجه، شهری در کشور مغرب یا مراکش امروز بود، از این رو به ابن‌بطوطه‌ی مغربی شهرت یافته است. در ۳۲ سالگی به قصد سفر حج، از زادگاهش خارج شد؛ ولی سفری را که آغاز کرد ۲۹ سال به‌طول انجامید. در این مدت، حدود ۵۰هزار کیلومتر راه پیمود و شمال آفریقا، مصر، شام، حجاز (مکه و مدینه)، عراق، ایران، یمن، بحرین، ترکستان، ماوراءالنهر، هند و بخشی از چین را دید. او در طی مسافرت‌هایش با بسیاری از علما، بزرگان و امرا و پادشاهان دیدار کرد و حتی به مقام قضاوت رسید. سرانجام، به زادگاه خود بازگشت و سفرنامه‌ی خود، **رحله‌ی ابن‌بطوطه** را نوشت. این کتاب را محمدعلی موّحد به فارسی ترجمه کرده و یکی از خواندنی‌ترین کتاب‌ها برای آشنایی با مسلمانان و جهان اسلام در آن عصر است. ابن بطوطه را مارکوپولوی جهان اسلام نامیده‌اند.

همچنین نگاه کنید به:
ابن‌حوقل ، ناصرخسرو ، مارکوپولو ، موحّد



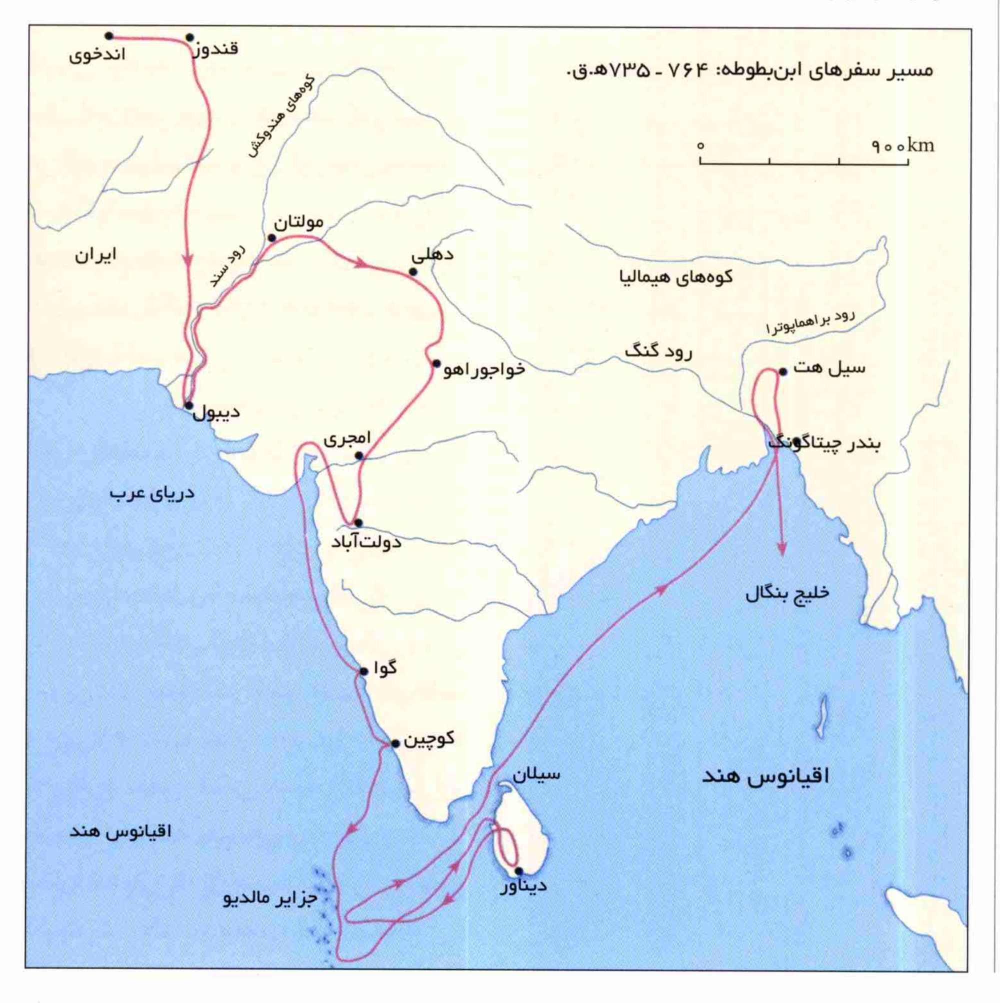
ابن‌خَلْدون

(۸۰۸ ـ ۷۳۲ هـ.ق.)

تاریخ‌نگار و پیش‌آهنگ علم جامعه‌شناسی

عبدالرحمن بن محمد، معروف به ابن‌خَلْدون، در تونس به‌دنیا آمد. در عصر تیمور لنگ می‌زیست و در دمشق با او دیدار کرد. مردی فقیه، ادیب و اهل منطق و حکمت بود و به آثار و افکار خواجه نصیرالدین توسی علاقه داشت. اهمیت ابن‌خلدون بیش‌تر به سبب کتابی از او به

▼ ابن بطوطه یکی از بزرگ‌ترین جهان‌گردان مسلمان است. این شکل مسیر سفرهای او (فقط در هندوستان) را نشان می‌دهد. ابن بطوطه پس از پایان سفرهایش، شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود را در کتاب رِحله (سفرنامه) ثبت کرد. این کتاب برای مورخان بسیار ارزش‌مند است؛ زیرا اطلاعات و آگاهی‌های فراوانی درباره‌ی عصر میانه‌ی جهان اسلام به خواننده می‌دهد.





▲ کتاب «مقدمه‌ی ابن‌خلدون» نام ابن‌خلدون را در مقام پیشگام علم جامعه‌شناسی، در مجامع علمی جهان ثبت کرد.

نام **مقدمه‌ی ابن‌خلدون** است. این کتاب دو جلدی، که خود مقدمه‌ی کتاب عظیم تاریخ او و کتاب **العِبَر**... است، از کتاب اصلی مهم‌تر شمرده می‌شود و تا امروز مورد توجه تاریخ‌نگاران و جامعه‌شناسان بوده است. کتاب مقدمه را محمدپروین گنابادی و کتاب العبر را عبدالمحمد آیتی به فارسی ترجمه کرده است. ابن‌خلدون ۲۵ سال آخر عمر خود را در مصر گذراند. او در قاهره درگذشت و در گورستان صوفیان به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:

آیتی ، تیمور لنگ ، خواجه نصیرالدین توسی



ابن رُشد

(۵۲۰ _ ۵۹۵ هـ.ق.)

حکیم مسلمان و شارح آثار ارسطو

ابوالولید محمدبن احمد، معروف به ابن‌رشد، در شهر قُرطُبه (کوردوبای کنونی) در اسپانیا در خانواده‌ای اهل علم و دین و فضیلت به‌دنیا آمد. در دانش به مدارج علمی بالایی دست یافت. هم طبیبی برجسته بود، هم در نجوم و ستاره‌شناسی به پژوهش‌های تازه و مهمی دست زد و هم در منصب قضا به مقام قاضی‌القضاتی رسید. اما اهمیت اصلی ابن‌رشد در علاقه‌ی شدید او به ارسطو، ارسطوشناسی و شرح‌های بسیاری است که بر آثار این فیلسوف یونانی نوشته است. از این روست که زمانی در جهان غرب ابن‌رشد را آخرین فیلسوف مسلمان می‌شناختند. ابن‌رشد به جز شرح‌هایی که بر ارسطو نوشته است، کتاب‌های مستقل دیگری نیز دارد که اهمیت بسیار دارند. او تلاش می‌کرد بین دین و فلسفه یا ایمان و عقل آشتی برقرار کند. کتابی به نام **تهافَت‌التّهافَت**، بر رد کتاب تهافت‌الفلاسفه‌ی غزالی نوشت و اثبات کرد که غزالی در درک حکمت و شریعت دچار اشتباه شده است. غزالی کتاب خود را در ردّ فلاسفه‌ی یونان و اسلام، به‌خصوص اندیشه‌های فارابی و ابن‌سینا نوشته بود. ابن رشد کتابی هم در طب به نام **کلیات**، بر اساس طب جالینوس، نوشت. از این‌رو، او را از جمله اطبای جهان اسلام نیز به‌شمار آورده‌اند.



▲ ابن‌رشد نه تنها فیلسوفی بزرگ، بلکه طبیبی برجسته نیز بود.

همچنین نگاه کنید به:

ابن‌سینا ، ارسطو ، جالینوس ، غزالی



ابن سینا

(۳۷۰ _ ۴۲۸ هـ.ق.)

پزشک و فیلسوف

حسین‌بن عبدالله سینا، مشهور به ابوعلی‌سینا و ابن‌سینا، بزرگ‌ترین دانشمند تاریخ تمدن اسلامی شناخته شده است. در اَفشَنه، نزدیک بخارا، به‌دنیا آمد. پدرش، عبدالله، در دستگاه سامانیان سرداری نظامی بود و به تربیت فرزند خود اهمیت بسیار می‌داد. ابن‌سینا کودکی نابغه بود. تا ۱۰ سالگی قرآن را از حفظ کرد. در ۱۶ سالگی پزشک مشهوری شد و تا ۱۸ سالگی همه‌ی علوم زمان خود را فراگرفت و مایه‌ی شگفتی همگان شد. از همین روست که زندگی‌اش تا حدودی رنگ افسانه به خود گرفته است. این دانشمند در عصر سامانیان و غزنویان می‌زیست. با سلطان محمود غزنوی روابط خوبی نداشت و برخلاف ابوریحان، که در دربار غزنوی می‌زیست و با سلطان به سفر می‌رفت، همواره از سلطان محمود دوری می‌جُست. به همین سبب، هیچ‌گاه به دربار سلطان نرفت و بیش‌تر در خدمت امیران شیعی آل‌بویه بود. در شهرهای گوناگون و بیش‌تر در همدان و اصفهان زندگی کرد و در ۵۸ سالگی در همدان درگذشت. ابن‌سینا مردی قوی‌بُنیه و پرکار بود که حتی در حال حرکت و سوار بر اسب، کتاب می‌نوشت. بیش از ۲۰۰ کتاب و رساله به او منسوب است، که از همه‌ی آن‌ها دو کتاب بزرگ **قانون** و **شفا** اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است. قانون در زمینه‌ی طب است و چند قرن در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد. شفا نیز دانش‌نامه‌ی مفصلی درباره‌ی ریاضیات، علوم طبیعی، منطق و فلسفه است. این دو کتاب هنوز در سراسر جهان اسلام خوانده می‌شود. ابن‌سینا به‌جز کتاب **دانش‌نامه‌ی علایی**، بقیه‌ی کتاب‌های خود را به زبان عربی نوشته است. ترجمه‌ی

لاتینی کتاب قانون او در ظرف ۵۰ سال پس از اختراع چاپ، ۱۵ بار تجدید چاپ شد. در اسلام به ابن‌سینا شیخ‌الرئیس و در اروپا «امیر پزشکان» لقب داده‌اند. در زبان لاتینی نام او اَویسِنا است. در سال ۱۳۳۱، که جشن هزاره‌ی بوعلی در ایران برگزار شد، مهندس سیحون، معمار معروف ایرانی، بر مزار او در شهر همدان بنای باشکوهی ساخت که اکنون به نماد این شهر تبدیل شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بیرونی ، جرجانی ، سیحون ، قطب‌الدین شیرازی

شیخ‌الرئیس، حجت‌الحق و امیر پزشکان لقب‌هایی است که به ابوعلی سینا بزرگ‌ترین دانشمند جهان اسلام در همه‌ی عصرها، داده‌اند.



ابن مُقله

(۳۲۸ ـ ۲۸۳ ه.ق.)

خوش‌نویس

ابن‌مُقله یکی از خوش‌نویسان تراز اول در عصر طلایی تمدن اسلامی است. نیاکانش از مردم فارس بودند؛ ولی خودش در بغداد به‌دنیا آمد. از ۱۶ سالگی در دستگاه خلافت و زیر نظر وزیران شیعی آل فرات به کار دبیری پرداخت. در علوم گوناگون دست داشت؛ اما شهرتش بیش‌تر در زمینه‌ی خوش‌نویسی است. نوشته‌اند که خط ابن‌مقله در زیبایی ضرب‌المثل بوده است؛ به طوری که نامه‌ای به خط او را هر سال در کلیسای قسطنطنیّه به نمایش می‌گذاشتند. ابن‌مُقله را نخستین مُبدع و مبتکر رسم‌الخط عربی، به شیوه‌ای که امروزه رواج دارد، می‌دانند. او چند نوع خط اختراع کرد که عبارت است از: محقق، ریحان، ثلثِ ریحان، توقیع، رُقاع و نَسخ که هر یک را برای نوشتن مطلبی مخصوص تعیین کرده بود. به این شش خط «اقلام ستّه» می‌گویند. ابن‌مُقله در سیاست هم کارآمد بود. سه‌بار وزیر شد و چند بار هم به زندان افتاد. سرانجام دست راستش را بریدند تا دیگر نتواند خط بنویسد و مدتی در زندان بود تا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فضائلی ، میرخانی ، میرعماد حسنی ، نیریزی



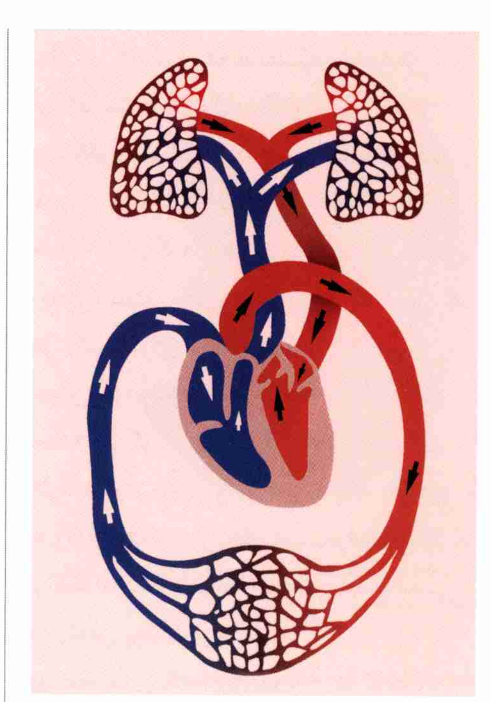


ابن نفیس

(۶۸۷ ـ ۶۰۷ ه.ق.)

پزشک مسلمان

ابن‌نفیس از پزشکان نام‌دار جهان اسلام است؛ او را در طب، ابن‌سینای دوم خوانده‌اند. در دمشق به‌دنیا آمد و در همان‌جا رشد کرد. در علم طب تحصیل کرد. سپس به قاهره رفت و در بیمارستان منصوری به تدریس طب و در مدرسه‌ای نیز به تدریس فقه پرداخت. او در فنون گوناگون، به‌ویژه در پزشکی، آثار متعددی پدید آورد که بیش‌تر نسخه‌های آن‌ها در دست است. آثار او شرح کتاب‌های طبیبان یونان از جمله بقراط و جالینوس و بیش‌تر از آن، شرح آثار ابن‌سیناست. آنچه در سده‌ی اخیر موجب شهرت ابن نفیس و توجه دانشمندان به او شد، روشن شدن آگاهی او از «گردش کوچک خون» یا گردش ریوی است. این امر سبب شد در انتساب این کشف به میگل سِروِتو، طبیب اسپانیایی، که سه قرن پس از ابن نفیس گردش کوچک خون را کشف کرد، تردید ایجاد شود. **گردش**



▲ ابن نفیس نخستین دانشمندی بود که در قرن سیزدهم میلادی گردش کوچک خون، یا چگونگی اکسیژن گرفتن قلب از شش‌ها، را کشف کرد. چهار قرن پس از او ویلیام هاروی به چگونگی گردش کامل خون در بدن پی برد.

ریوی خون عبارت است از ورود خون به ریه‌ها به منظور اکسیژن‌گیری و سپس گردش در سراسر بدن. ابن‌نفیس بین ۳۰ و ۴۰ سالگی، کتاب مفصلی به نام **کتاب‌الشّامل** در فن جراحی نوشت و این بعد از آن بود که در کتاب دیگرش **تشریح‌القانون**، به توصیف گردش ریوی خون پرداخته بود.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
ابن‌سینا ، هاروی



ابن هِشام

(فوت: ۲۱۳ ه‍.ق.)
تاریخ‌نگار و سیره‌نویس

نامش عبدالملک حِمْیَری بود؛ ولی به ابن‌هشام مشهور شد. در شهر بصره به‌دنیا آمد. برای کسب علم و دیدن دانشمندان به شهرهای گوناگون سفر کرد و در علم‌های نسب‌شناسی، تاریخ، شعر، ادبیات و حدیث‌شناسی به استادی رسید. مشهورترین کتاب او **سیره‌ی ابن‌هشام** است که از مشهورترین کتاب‌ها در زمینه‌ی تاریخ زندگی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ظهور اسلام است. ابن‌هشام این سیره را بر اساس کتاب مفصل **سیره‌ی ابن‌اسحاق**، که حدود یک قرن پیش از او تألیف شده بود، نوشت و آن را به صورت اثری شایسته درآورد؛ به طوری که مورد توجه معاصرانش قرار گرفت و حتی در قرن‌های بعد به کتاب درسی تبدیل شد. ابن‌هشام اواخر عمر به مصر رفت و در شهر فُسطاط درگذشت. در ایران سیره‌ی ابن‌هشام را در قرن هفتم هجری، رفیع‌الدین اسحاق همدانی، قاضی ابرقو (ابرکوه) از مصر به ایران آورد و به دستور سعدبن زنگی، امیر فارس، به نثر زیبایی ترجمه کرد که تا امروز ماندگار شده است. این اثر را جعفر مدرس صادقی با ویرایش جدیدی منتشر کرده است.



ابن هیثَم

(۴۳۰ ـ ۳۵۴ ه‍.ق.)
فیزیک‌دان مسلمان

حسن‌بن هیثم در بصره، از شهرهای عراق، به‌دنیا آمد ولی چون در مصر درگذشت، او را مصری نیز دانسته‌اند. در زادگاه خود تحصیل کرد و در علوم طبیعی و ریاضی، به‌ویژه علم نورشناسی، به مقام استادی رسید و دانشمندی برجسته شد. معروف است که نزدیک به ۲۰۰ اثر در ریاضیات و فیزیک و نجوم و پزشکی و... داشته است. مردی مشاهده‌گر و اهل آزمایش و تجربه و در عین حال اهل نظر بود. خلیفه‌ی فاطمی مصر، الحاکم، او را به مصر دعوت کرد تا برای جلوگیری از طغیان سالانه‌ی نیل چاره‌ای بیندیشد و طرحی بدهد. اما ابن‌هیثم با وجود تلاش فراوان، از عهده‌ی این کار بر نیامد و مورد خشم خلیفه قرار گرفت. مهم‌ترین تألیف ابن‌هیثم کتاب **علم‌المناظر** است که بر دانشمندان پس از او بسیار مؤثر بوده است. جُرج سارتون درباره‌ی او گفته است: «ابن‌هیثم بزرگ‌ترین فیزیک‌دان قرون وسطی و در شمار چند تن از معدود مشاهیر علم مناظر در سراسر جهان است.»



▲ تاریخ‌نگاران علم، ابن‌هیثم را بزرگ‌ترین فیزیک‌دان مسلمان در زمینه‌ی علم نور می‌شناسند.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
سارتون



ابوالفضل العبّاس علیه‌السلام

(شهادت: ۶۱ ه‍.ق.)
شهید کربلا

نامش عباس، پدرش امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و مادرش امّ‌البنین بود. جوانی بسیار رشید، دلاور و جوان‌مرد بود و چهره‌ای زیبا داشت؛ به این سبب، به او قمر بنی‌هاشم می‌گفتند. ۱۴ سال بیش‌تر نداشت که پدرش علی علیه‌السلام شهید شد. از آن پس او همه جا همراهِ برادرانش امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام بود. عباس در سفر کربلا با امام حسین علیه‌السلام همراه بود و امام وظیفه‌ی پاس‌داری از خیمه‌ها و نیز سقّایی خانواده‌اش را به‌عهده‌ی او گذاشته بود. ماجرای رفتن به شطِّ فرات برای آوردن آب جهت کودکان امام و ایثار بزرگ او، که خودش آب نخورد، مگر این که اول به کودکان برساند، مشهور است. در این ماجرا، دشمنان دو دستش را قطع کردند و او

به شهادت رسید و نتوانست آبی را که از فرات برداشته بود، به خانواده و کودکان امام برساند. زمانی که حضرت عباس(ع) کشته شد، امام حسین(ع) بر بالین او حاضر شد؛ ولی نتوانست پیکرش را نزد پیکر سایر شهدا ببرد. از این روست که اکنون مرقد ابوالفضل‌العباس(ع) در کربلا، از مرقد سایر شهدا جدا افتاده است. عباس(ع) همراه سه برادرش عون، جعفر و عثمان، به کربلا رفته بود و هر چهار برادر در روز عاشورا شهید شدند.

همچنین نگاه کنید به:

حسین بن علی(ع) ، علی بن ابی طالب(ع)

ابوبکر

(فوت: ۱۳ هـ.ق.)

صحابی رسول‌خدا(ص) و نخستین خلیفه

عبدالله‌بن ابی‌قُحافه، مشهور به ابوبکر، از نخستین ایمان‌آورندگان به اسلام و از اصحاب رسول خدا(ص) بود. در جریان هجرت شبانه و مخفیانه‌ی پیامبر از مکه به مدینه، با ایشان همراه شد. مشرکان مکه آن‌ها را دنبال کردند و قصدشان کشتن پیامبر بود. آن‌دو، دو روز در غار ثور پنهان شدند تا خطر برطرف شد. سپس به مدینه رفتند. به این جریان، در آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی توبه اشاره شده است. ابوبکر در جنگ‌ها نیز شرکت می‌کرد و پیامبر را یاری می‌داد. بعد از وفات رسول‌خدا(ص) ، با وجود «واقعه‌ی غدیر»، که همه بر آن اتفاق نظر داشتند، بر سر جانشینی آن حضرت میان سران مهاجرین و انصار اختلاف افتاد. سرانجام در شورایی که در مکانی به نام سقیفه‌ی بنی‌ساعده تشکیل دادند، ابوبکر به جانشینی پیامبر انتخاب گردید و خلیفه‌ی مسلمین شد. در ابتدای خلافت ابوبکر، پاره‌ای از قبایل عرب مرتد شدند و از دین برگشتند. اما ابوبکر توانست آن‌ها را در نبردهایی که «جنگ‌های رِدّه» نام گرفت، سرکوب کند. این خلیفه در ۶۳ سالگی بر اثر بیماری از دنیا رفت و در کنار رسول خدا(ص) به خاک سپرده شد. او قبل از فوت، عمربن خطّاب را به جانشینی خود برگزید. دختر ابوبکر، عایشه، همسر پیامبر بود و محمدبن ابوبکر، فرزند او از یاران خاص حضرت‌علی به‌شمار می‌رفت.

همچنین نگاه کنید به:

علی ابن ابی‌طالب(ع) ، محمد(ص)



ابوترابی‌فرد، سید علی‌اکبر

(۱۳۷۹ ـ ۱۳۱۸هـ.ش.)

آزاده‌ی دفاع مقدس

فرزند سیدابوتراب مجتهدی، از روحانیان قزوین بود. در قم به‌دنیا آمد. در دبیرستان دین و دانش و سپس در دبیرستان حکیم نظامی قم درس خواند و دیپلم گرفت. پدرش او را به ادامه‌ی تحصیل در علوم دینی تشویق کرد. از این‌رو سید علی‌اکبر به مشهد رفت و زیر نظر عالم برجسته‌ی آن شهر، شیخ مجتبی قزوینی، تحصیل کرد. ابوترابی از طلاّب سیاسیِ فعال در نهضت امام خمینی بود. یک بار در سال ۱۳۴۹، در مرز خسروی دستگیر شد و ۶ ماه به زندان افتاد. با سید علی اندرزگو ارتباط داشت و با همکاری یک‌دیگر، سال‌ها در مبارزه‌ی مسلّحانه بر ضد رژیم شاه فعالیت می‌کردند. ابوترابی نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی بود که جنگ شروع شد. به ستاد جنگ‌های نامنظم پیوست و در کنار دکتر چمران به مبارزه بر ضد اشغالگران پرداخت. اما در تپه‌های الله‌اکبر دستگیر و اسیر شد. ۱۰ سال در زندان‌ها و اردوگاه‌های وزارت دفاع بغداد، ابوغُریب، الرشید، امن‌العام، عنبر، موصل، موصل۲، موصل۳، الرّمادی و تکریت۱۷، ۵ و ۱۸ زندانی شد. در این مدت با صبر و شکیبایی بی‌نظیری، راهبری و راهنمایی اسرا را به‌عهده گرفت و پشتوانه‌ی روحی مطمئنی برای آن‌ها شد؛ به‌طوری که نامش زبان‌زد



سیمای رشید ابوالفضل چشم‌ها را چنان مسحور می‌کرد که به او «قمر بنی‌هاشم» می‌گفتند.

همه‌ی آزادگان و حتی صلیب سرخ جهانی شده بود. ابوترابی پس از آزادی از اسارت، مانند گذشته، به فعالیت‌های اسلامی ادامه داد و دو دوره نماینده‌ی مجلس شد. او در خرداد ۱۳۷۹، همراه پدرش، در راه مشهد دچار سانحه‌ی رانندگی شد و هر دو جان به جان‌آفرین تسلیم کردند. پیکرهای پدر و پسر را در حرم حضرت رضاؑ دفن کردند.

همچنین نگاه کنید به:

اندرزگو ، چمران

ابوجهل

(مقتول: ۲ هـ.ق.)

سرکرده‌ی کفّار مکّه

نامش عمروبن هشام و رئیس طایفه‌ی بنی‌مخزوم از طوایف قریش بود. تجارت می‌کرد و از اشراف مکه به‌شمار می‌رفت. در میان مردم به ابوالحِکَم معروف بود؛ ولی چون به شدت با پیامبر و دین اسلام مخالف بود، پیامبر به او لقب ابوجهل داد و این اسم رویش ماند. ابوجهل طرّاح ماجرای معروف لیلةُالمَبیت، یعنی توطئه‌ی قتل شبانه‌ی پیامبر به دست طوایف قریش بود. اما در این کار شکست خورد. او در جنگ بدر کشته شد و کشته شدن او ضربه‌ی بزرگی بر کفار و مشرکان وارد آورد.

همچنین نگاه کنید به:

ابولهب



ابوحنیفه

(۱۵۰ ـ ۸۰ هـ.ق.)

پیشوای مذهب حنفی

نام او نُعمان‌بن‌ثابت بود و اجدادش ایرانی بودند. در کوفه به‌دنیا آمد. بزّاز بود و از وضعیت اقتصادی جامعه نیز آگاهی داشت. به بصره و مکه و مدینه سفر کرد. از محضر فقیهان و نیز امام باقرؑ و امام صادقؑ استفاده کرد و فقیهی برجسته شد. ابوحنیفه با بنی‌امیه و بنی‌عباس مخالف بود و به علویان تمایل داشت. از این‌رو، پیشنهاد عباسیان را برای پذیرفتن مَنصب قضاوت در عراق، رد کرد. او پایه‌گذار فقه حنفی و رئیس یکی از مذاهب اربعه‌ی اهل سنت است. منصور، خلیفه‌ی عباسی، او را در بغداد به زندان انداخت و ابوحنیفه در زندان درگذشت. مقبره‌ی او در بغداد است.

همچنین نگاه کنید به:

احمدبن‌حنبل ، شافعی ، مالک‌بن‌انس



ابوذر غِفاری

(فوت: ۳۱ هـ.ق.)

صحابی رسول خداؐ

ابوذر مردی از قبیله‌ی غِفار، از اصحاب خاص پیامبر و از نخستین کسانی بود که به آن حضرت ایمان آورد. در صدق و راست‌گویی بی‌نظیر بود؛ چنان‌که پیامبر درباره‌اش فرمود: «آسمان بر کسی راست‌گوتر از ابوذر سایه نیفکنده است.» در بسیاری از جنگ‌ها، غزوه‌ها و فتوحات، از جمله در فتح شام و مصر، شرکت داشت. بعد از پیامبر از یاران خاص علیؑ شد و حتی در دفن شبانه‌ی حضرت زهراؑ حضور داشت. در زمان عثمان، به سبب انتقاد از خلیفه، او را به شام که معاویه در آنجا حکومت داشت تبعید کردند؛ ولی ابوذر در آن‌جا نیز آرام نگرفت و زبان به انتقاد از معاویه و شیوه‌ی حکومت شاهانه‌ی او گشود. معاویه نیز دستور داد او را سوار بر شتری ناهموار به مدینه بازگردانند. این بار عثمان، ابوذر را با خانواده‌اش به صحرای رَبَذه تبعید کرد و ابوذر تا پایان عمر در آن‌جا ماند و در کنار تنها دخترش در فقر و تنگ‌دستی فوت کرد. در این میان، رهگذرانی رسیدند و پیکرش را پس از غسل دادن و کفن کردن به خاک سپردند.

همچنین نگاه کنید به:

جابربن‌عبدالله انصاری ، سلمان فارسی

ابوسعید ابوالخیر

(۴۴۰ ـ ۳۵۷ هـ.ق.)

عارف قرن چهارم و پنجم

ابوسعید اهل مِیهنه‌ی خراسان بود. پدرش عطار بود و به عارفان و گفتار آنان علاقه‌ی بسیار داشت. به پیروی از پدر، ابوسعید نیز به عرفان و تصوف گرایش یافت. پس از تحصیلات دینی و ادبی و سفر به چند شهر خراسان، در خانقاه خود در میهنه، به ارشاد مردم پرداخت و پس از ۸۳ سال در زادگاهش درگذشت. ابوسعید مریدان فراوان داشت و مردم از طریق او با عرفان و تصوف آشنا شدند. سال‌ها پس از درگذشت ابوسعید، یکی از نوادگان او به نام محمدبن منوّر کتابی درباره‌ی او و به نام **اسرارالتّوحید فی مقامات الشّیخ ابوسعید** نوشت که از آثار گران‌قدر زبان فارسی است.

همچنین نگاه کنید به:

انصاری (خواجه عبدالله) ، عطار نیشابوری



ابوسفیان

(فوت: ۳۰ هـ.ق.)

پدر معاویه

نامش صَخْر، فرزند حرب، و رئیس خاندان بنی‌امیه بود. ابوسفیان از دشمنان سرسخت پیامبر بود و در تدارک جنگ بدر بر ضد



مسلمانان نقش داشت و خود در آن شرکت کرد. در جنگ بدر یکی از پسرانش کشته و پسر دیگرش اسیر شد. او به اسلام ایمان نیاورد تا این‌که مسلمانان مکه را فتح کردند و ابوسفیان، که چاره‌ای جز تسلیم نداشت، اظهار مسلمانی کرد. پیامبر نیز اسلامِ او را پذیرفت و خانه‌اش را پناه‌گاه هر کسی قرار داد که به آن داخل شود. ابوسفیان بعد از مسلمان شدن، در پاره‌ای از جنگ‌ها شرکت کرد و در یکی از همین جنگ‌ها دو چشم خود را از دست داد و نابینا شد. همسرش هند، به هند جگرخوار معروف بود. پسرش، معاویه، حکومت شام را در زمان عثمان به‌عهده گرفت. ابوسفیان در زمان عثمان درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حمزه ، معاویه



ابولهب

(فوت ۲۲ ه.ق.)

از دشمنان بزرگ رسول‌خدا ﷺ

نامش عبدالعُزّی و عموی رسول‌خدا ﷺ بود. چهره‌ای سرخ و گلگون داشت، از این‌رو، پدرش، عبدالمطلب، او را ابولهب (آتشین) صدا می‌زد. رابطه‌ی ابولهب با پیامبر تا قبل از بعثت، عادی و حسنه بود و حتی دختران پیامبر، امّ‌کلثوم و رقیّه، را به عقد دو پسرش درآورد. اما پس از اعلام پیامبری آن حضرت، از دشمنان سرسخت اسلام و رسول خدا ﷺ شد. او از مشرکانی بود که طرح قتل شبانه‌ی پیامبر را ریختند و همین سبب شد آن حضرت، علی ؑ را به جای خود در خانه بگذارد و به مدینه برود. ابولهب با همسرش، امّ‌جمیل، بر سر راه پیامبر زباله می‌ریختند و ارتباط خانوادگی خود را با آن حضرت قطع کردند. سوره‌ی مَسَد در قرآن، در نکوهش این زن و شوهر نازل شده است.



▲ سوره‌ی مَسَد در قرآن کریم در نکوهش شدید ابولهب و همسرش نازل شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابوجهل



ابومسلم خراسانی

(۱۳۷ ـ ۱۰۰ ه.ق.)

سردار ایرانی و رهبر سیاه‌جامگان

در حوالی اصفهان زاده شد. نامش بهزادان بود و وقتی مسلمان شد، ابومسلم نام گرفت. ۱۷ سال داشت که به کوفه رفت و با برخی از اصحاب امام جعفر صادق ؑ ارتباط برقرار کرد. سپس به مکه رفت و در آنجا از سوی ابراهیمِ امام، رئیس عباسیان و مخالفان بنی‌امیه، به خراسان اعزام شد تا مردم نواحی شرقی ایران را به شورش بر ضد امویان فراخواند و رهبری آن‌ها را به‌دست گیرد. ابومسلم دستور داده بود همه‌ی پیروانش لباس سیاه بپوشند. به این سبب، به **سیاه‌جامگان** مشهور شدند. او با سپاهی که گرد آورد، از خراسان به عراق لشکر کشید و در نزدیکی کوفه، در جنگ با مروان حمار، آخرین خلیفه‌ی اموی، او را شکست داد. به این ترتیب، حکومت سلسله‌ی بنی‌امیه پایان یافت. با سقوط بنی‌امیه، بنی‌عباس به قدرت رسیدند و ابومسلم از سوی آنان، فرمان‌روای خراسان و نواحی مرکزی ایران شد. پس از چند سال، منصور دوانیقی خلیفه شد. او نخست ابومسلم را فرمان‌روای مصر و شام کرد؛ ولی چندی نگذشت که تصمیم گرفت او را از میان بردارد. به این سبب، ابومسلم را به قصر خود دعوت کرد و با حیله‌گری او را کشت. ابومسلم شخصیت عجیبی داشت. از خون ریختن و قتل‌عام مردم پروا نمی‌کرد. هنگامی که مردم بخارا شورش کردند، آن‌ها را سرکوب کرد و دستور داد شهر را به آتش بکشند. یک بار هنگامی که با همراهان و طرفداران خود قصد حج کرد، عرب‌های سر راه از ترس او کوچ کردند. به‌همین دلیل، امام صادق ؑ دعوت ابومسلم را برای جنگ با بنی‌امیه قبول نکرد. با این حال، در خراسان عده‌ای از پیروان ابومسلم، او را همچون امام قبول داشتند و فرقه‌ای به نام ابومُسلمیّه به‌وجود آوردند. بعدها نیز کتابی به نام **ابومسلم‌نامه** درباره‌ی او نوشته شد.



اُپنهایمِر، رابرت

(۱۹۶۷ ـ ۱۹۰۴م.)

سازنده‌ی نخستین بمب اتمی آمریکا

اُپنهایمر کودکی تیزهوش و با استعداد بود. در نیویورک متولد شد و همه‌ی مدارج

▼ رابرت اُپنهایمر و آلبرت اینشتین



تحصیلی را تا مرحله‌ی دکتری با عالی‌ترین نمره‌ها طی کرد. با دانشمندانی مثل تامسون، رادرفورد و بورن دیدار و همکاری کرد و سرانجام هم مسئول آزمایشگاه‌های اتمی آمریکا در نیومکزیکو شد. در همین جا بود که نخستین بمب اتمی زیر نظر او ساخته و آزمایش شد. پس از انفجار بمب‌های اتمی آمریکا در هیروشیما و ناگازاکی ژاپن، اپنهایمر به‌شدت با ساخت بمب اتمی مخالفت کرد و به جمع طرفداران کنترل بین‌المللی سلاح‌های اتمی پیوست. این امر سبب شد سران آمریکا، که روحیه‌ی نظامی‌گری داشتند، او را از سِمت‌هایی که داشت، برکنار کنند. با این حال، در سال ۱۹۶۳م. کمیسیون انرژی اتمی آمریکا به پاس خدمات اپنهایمر، مدال فِرمی را به او اعطا کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اینشتین



احتشام‌زاده، مجید

(تولد: ۱۳۳۵هـ.ش.)
قهرمان تنیس روی میز

در تهران به‌دنیا آمد و از ۱۵ سالگی به پینگ‌پنگ یا تنیس روی میز روی آورد. عملکرد خوب او باعث شد که در ۱۸ سالگی به عضویت تیم ملی درآید. طی این ۳ سال، مدتی نیز به عضویت تیم فوتبال شهباز تهران درآمد، ولی ترجیح داد همان تنیس روی میز را دنبال کند. احتشام‌زاده ۲۰ سال عضو تیم ملی تنیس روی میز بود که ۱۰ سال آن را با سمت کاپیتانی تیم فعالیت می‌کرد. او بارها در مسابقه‌های کشوری به مقام اول رسید. در سال ۱۹۹۷ نیز در رقابت‌های آسیا ـ اقیانوسیه مدال طلا کسب کرد و این تنها مدال طلای ایران در سطح این قاره به‌شمار می‌آید.



اِحصایی، محمد

(تولد: ۱۳۱۸هـ.ش.)
خوش‌نویس

در تهران زاده شد. از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته‌ی گرافیک مدرک گرفت و مدتی در همین دانشکده تدریس کرد. از ابداعات او، پدیدآوردن آثاری به سبک نقاشی ـ خط با تلفیق هنرمندانه‌ی خوش‌نویسی و گرافیک است که بسیار مورد توجه هنردوستان قرار گرفته است. سفال نقش برجسته‌ی نقاشی‌ـ خط دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران، نگارش ۵ کتیبه به خط «محقّق» برای مسجد الغدیر تهران، نوشتن قرآن کریم به خط «ریحان» و تحریر سوره‌ی یوسف به خط نستعلیق، از کارهای اوست. احصایی در چهار دهه‌ی گذشته در عرصه‌ی هنرهای تجسمی کشور فعال بوده و با بسیاری از مراکز و سازمان‌های علمی، هنری و آموزشی همکاری داشته است.

▼ تابلوی نقاشی خط، اثر محمد احصایی



او مدتی نیز طراح گرافیک، خوش‌نویس، کارشناس و مؤلف کتاب‌های هنر در وزارت آموزش و پرورش بود.



احمدبن حنبل

(۲۴۱ ـ ۱۶۴ هـ.ق.)
پیشوای مذهب حنبلی

پدرش ایرانی و اهل خراسان بود؛ اما خودش در بغداد متولد شد. احمدبن‌حنبل معاصر امامِ جوادعليه‌السلام و امامِ هادیعليه‌السلام بود. بیش‌تر به علم حدیث اعتقاد داشت و با بحث‌های عقلی و اعتقادی مخالف بود. برای جمع کردن حدیث به شهرهای گوناگون سفر کرد. با شیعیان مخالف بود و در عین حال، با خلافت بنی‌عباس هم سازگاری نداشت؛ به‌طوری که در زمان مأمون و معتصم چند سال به زندان افتاد. از احمدبن‌حنبل کتابی مشهور به نام **مُسند احمدبن‌حنبل** باقی مانده که شامل ۳۰هزار حدیث است. این کتاب از کتاب‌های شش‌گانه‌ی اهل سنت به‌شمار می‌رود. او در بغداد درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابوحنیفه ، شافعی ، مالک‌بن‌انس



احمدبن موسی

(وفات: ۲۰۳ هـ.ق.)
فرزند امام هفتم شیعیان معروف به شاه‌چراغ

احمدبن موسی، برادر امام رضاعليه‌السلام و حضرت فاطمه‌ی معصومهعليهاالسلام است. در بخشندگی و پارسایی زبان‌زد مردم مدینه بود. پس از شهادت پدر، با امام رضاعليه‌السلام بیعت و امامت او را تصدیق کرد. چندی پس از آن که مأمون، امام رضاعليه‌السلام را به خراسان دعوت کرد، احمدبن موسی نیز به سوی خراسان حرکت کرد تا به برادر بپیوندد. اما این زمانی بود که مأمون از کرده‌ی خود پشیمان شده، امام رضا را از

ولایت‌عهدی خود خلع کرده و به مخالفت با علویان برخاسته بود. از این‌رو، هنگامی که احمدبن موسی به شیراز رسید، با سپاهیان مأمون درگیر شد و به شهادت رسید. گفته می‌شود در زمان حکومت عضدالدوله‌ی دیلمی در شیراز، قبری پیدا شد که در آن جسد شخصی با انگشتری به نقش احمدبن موسی وجود داشت. بر روی آن قبر گنبدی ساختند و بر روی آن چراغی پرنور گذاشتند که شب‌ها از دور دیده شود. به این سبب، این امامزاده به شاه‌چراغ معروف گردید.

هم‌چنین نگاه کنید به:

امام رضاعليه‌السلام ، عضدالدوله‌ی دیلمی ، فاطمه‌ی معصومه‌علیهاالسلام



احمدشاه قاجار

(۱۳۰۸ ـ ۱۲۷۶هـ.ش.)

هفتمین و آخرین شاه قاجار

فرزند و ولیعهد محمدعلی‌شاه بود. پس از عزل پدرش از سلطنت، به پادشاهی رسید؛ اما چون به سن قانونی نرسیده بود، عضدالملک، رئیس ایل قاجار، نیابت سلطنت را به‌عهده گرفت. در دوره‌ی احمدشاه جنگ اول جهانی درگرفت و اگرچه ایران در جنگ بی‌طرف بود، روسیه و انگلیس و عثمانی به ایران تجاوز کردند. کشور دچار قحطی و پریشانی بسیار شد و آسیب زیادی دید. در این دوره، وثوق‌الدوله، نخست‌وزیر، قرارداد معروف به ۱۹۱۹ را با انگلستان بست که چون به زیان ایران بود و با مخالفت مجلس و مردم و حتی احمدشاه روبه‌رو شد، فسخ گردید. احمدشاه جوانی ایران‌دوست بود؛ ولی در آن شرایط سخت و دشوار کفایت لازم را برای اداره‌ی کشور نداشت. در پی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، که به وسیله‌ی رضاخان پهلوی و سیدضیاءالدین طباطبایی و با پشتیبانی انگلستان انجام شد، از قدرت



احمدشاه بیش از پیش کاسته شد. سرانجام با رأی مجلس مؤسسان به انقراض قاجاریه، رضاخان شاه ایران شد و احمدشاه که در اروپا به‌سر می‌برد دیگر به ایران بازنگشت و چند سال بعد، (۱۳۰۴هـ.ش.). در ۳۲ سالگی در اروپا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پهلوی ، طباطبایی (سیدضیاءالدین) ، وثوق‌الدوله



احمدشاه مسعود

(۱۳۸۰ ـ ۱۳۳۲هـ.ش.)

فرمان‌ده افغانی

در روستای جنگلک از توابع پنج‌شیر افغانستان به‌دنیا آمد. پدرش از افسران رده بالای ارتش در زمان محمدظاهرشاه بود. احمدشاه مسعود تحصیلات عمومی و متوسطه‌ی خود را در پنج‌شیر گذراند. سپس به مؤسسه‌ی پلی‌تکنیک کابل رفت تا در رشته‌ی مهندسی تحصیل کند. در دانشگاه وارد فعالیت‌های سیاسی بر ضد حکومت کودتایی و طرفدار شورویِ محمدداوود شد. به همین سبب، تحت تعقیب قرار گرفت و پس از دو سال، دانشگاه را رها کرد. احمدشاه مسعود جوانی پرشور، باایمان، با اخلاق، اهل ورزش‌های فوتبال، والیبال و کاراته بود. او اعضای تیم خود را هم از بچه‌های بااخلاق انتخاب می‌کرد. با هجوم نیروهای شوروی به افغانستان و اشغال این کشور در سال ۱۹۷۸، احمدشاه مسعود به نیروهای مبارز و رزمنده پیوست و سال‌ها با رشادت بی‌نظیری فرمان‌دهی جنگ بر ضد روس‌ها را به‌عهده گرفت. او هرگز اجازه نداد منطقه‌ی تحت نفوذش، درّه‌ی پنج‌شیر، به اشغال روس‌ها درآید. از این‌رو، به او **شیر درّه‌ی پنج‌شیر** لقب دادند. پس از خروج روس‌ها از افغانستان، احمدشاه مسعود هم‌چنان با نیروهای داخلی، از جمله طالبان، که قصد داشتند همه‌ی سرزمین افغانستان را زیر سلطه بگیرند، مبارزه کرد. دشمنانش، که از مقابله‌ی مستقیم در جنگ با او ناامید شده بودند، با فرستادن دو تروریست انتحاری در لباس خبرنگار، با او مصاحبه‌ای ترتیب دادند. در حین مصاحبه، دوربین فیلم‌برداری منفجر شد و احمدشاه مسعود به شهادت رسید. این واقعه دو روز قبل از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر و انفجار برج‌های دوقلو در آمریکا روی داد.



▲ **شیر دره‌ی پنج‌شیر، سرانجام در پی یک توطئه‌ی تروریستی از پای در آمد.**



اخوان‌ثالث، مهدی

(۱۳۶۹ـ۱۳۰۶هـ.ش.)

شاعر معاصر

در مشهد به‌دنیا آمد. در همان شهر به دبستان رفت. سپس در هنرستان در رشته‌ی فنی تحصیل کرد، اما به ادبیات هم علاقه‌ی زیادی داشت. در نوجوانی شعر می‌سرود، به‌طوری که در انجمن‌های ادبی مشهد شناخته شد و تخلص «م. امید» را برای خود انتخاب کرد. در جوانی به تهران رفت، به تدریس در مدارس پرداخت و در مجامع ادبی، فرهنگی و مطبوعاتی فعالیت کرد.

اخوان از برجسته‌ترین شاعران معاصر است که هم به سبک قدیم و هم در وزن‌های نیمایی، عالی‌ترین شعرها را سروده است.

از آثار اوست: **زمستان**، **آخر شاهنامه**، **پاییز در زندان**، **از این اوستا** و **ارغنون**. در نثر نیز کتاب‌های **عطا و لقای نیما یوشیج**، **بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج** و **مجموعه مقالات** را نوشت.

اخوان در سال ۱۳۶۹ در تهران درگذشت و در توس مشهد، در جوار آرامگاه فردوسی، به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شاملو ، فرخزاد ، نیما یوشیج



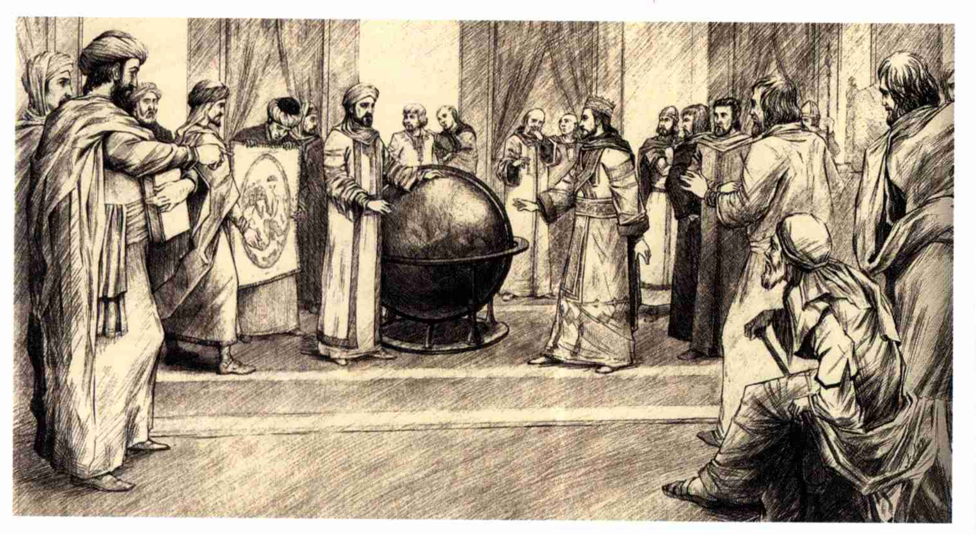
ادریسی، ابوعبدالله

(۵۶۰ ـ ۴۹۳ هـ.ق.)

جهان‌گرد و جغرافی‌دان

از خاندان اَدارسه یا ادریسیان علوی بود که در شمال آفریقا حکومت می‌کردند. در مراکش به‌دنیا آمد و به قُرطُبه (کوردوبای امروزی) در اسپانیا رفت که از مراکز فرهنگی آن زمان بود. در آن‌جا بر دانش خود افزود. دوره‌ی نوجوانی و جوانی را به سیر و سفر در آسیای صغیر، فرانسه، انگلستان، اسپانیا و مراکش گذراند. به دعوت سلطان جزیره‌ی صقلیّه (سیسیل امروز) برای دیدار از شهر پالرمو دعوت شد. پس به آن‌جا رفت و کتابی در جغرافیا به نام **نزهةالمشتاق** تألیف و به سلطان هدیه کرد.

کشف سرچشمه‌های رود نیل را به ادریسی نسبت می‌دهند و او را بزرگ‌ترین نقشه‌نگار جهان اسلام در قرون وسطی می‌دانند.



▲ این تصویر ابوعبدالله ادریسی را در دربار راجر دوم، سلطان جزیره‌ی سیسیل، نشان می‌دهد که می‌کوشد کروی بودن زمین را، به‌وسیله‌ی یک کره‌ی نقره‌ای که خودش ساخته است، برای سلطان توضیح دهد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

مسعودی ، مَقدِسی ، یاقوت حموی



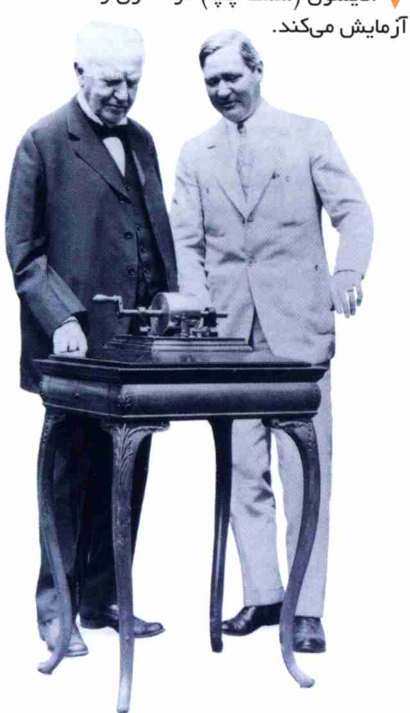
اِدیسون، توماس‌آلوا

(۱۹۳۱ ـ ۱۸۴۷م.)

مخترع چراغ برق

ادیسون هفتمین و آخرین فرزند پدر و مادرش بود. نابغه بود و درس‌های مدرسه او را راضی نمی‌کرد و معلمان هم او را درک نمی‌کردند. از این‌رو، دیگر به مدرسه نرفت و در خانه نزد مادرش آموزش دید. ۱۵ سال داشت که در یک شرکت در سِمت اپراتورِ تلگراف شروع به کار کرد و از همان وقت با مطالعه‌ی گسترده در زمینه‌ی علم برق، اطلاعات فراوانی به‌دست آورد. یکی از اختراعات بزرگ او دستگاه ضبط و تولید صدا یا **گرامافون** است که در آن زمان بیش‌تر به یک معجزه شبیه بود. این وسیله بیش از ۱۰۰ سال تنها وسیله‌ی پخش صداهای ضبط شده بود. ادیسون بعدها به کار روی اختراع **لامپ** یا **چراغ برق** پرداخت و پس از ۳۰ ماه کار مداوم و طاقت‌فرسا، توانست درسال ۱۸۷۹ اولین چراغ برق را با موفقیت آزمایش کند. او چراغ برق خود را در نیویورک به نمایش گذاشت و سه سال بعد، برای اولین بار محله‌ی منهتن نیویورک را برق‌رسانی کرد. از اختراعات دیگر او تکمیل اولین **ماشین تحریر**، طراحی نوعی **ماشین پلی‌کپی**، اختراع **کوره‌ی بلند سیمان پرتلند**

▼ ادیسون (سمت چپ) گرامافون را آزمایش می‌کند.



و تهیه‌ی **ماده‌ی اولیه‌ی لاستیک** است. در مجموع، ادیسون ۱۰۹۸ اختراع را در آمریکا و تعدادی را هم در اروپا به ثبت رساند. او نبوغ را، کار زیاد می‌دانست. حاصل بررسی‌ها و مطالعات او، فقط درباره‌ی اختراع چراغ برق، به ۴۰ هزار صفحه یادداشت و نمودار می‌رسد. ادیسون شمّ اقتصادی خوبی نیز داشت. ۱۴ شرکت تأسیس کرد که یکی از آن‌ها شرکت جنرال الکتریک است که امروزه نیز باقی است. او در ۸۴ سالگی، در حالی که ثروت بسیار زیادی از خود باقی گذاشته بود، درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

وستینگهاوس



اردشیر بابکان

(فوت: ۲۴۱ م.)

بنیان‌گذار سلسله‌ی ساسانیان

اردشیر پسر بابک و بابک پسر ساسان، موبد بزرگ آتشکده‌ی ناهید در استخر فارس (حوالی مرودشت امروزی) بود. افراد این خاندان که روحانیان زردشتی بودند، به تدریج قدرت سیاسی نیز به‌دست آورند تا آن‌جا که اردشیر، اردوان پنجم پادشاه اشکانی را در رامهرمز خوزستان شکست داد و خودش پادشاه ایران شد. آنگاه در تیسفون (مدائن) تاج‌گذاری و سلسله‌ی ساسانیان را تأسیس کرد. اقدامات مهم اردشیر عبارت است از: گردآوری اوستا کتاب دینی زردشتیان، رسمی‌کردن دین زرتشتی در سراسر ایران، وابسته کردن دین و دولت به هم، ایجاد سپاه جاویدان به شیوه‌ی هخامنشیان، تخفیف در مجازات‌ها. اردشیر مردی خردمند و حکیم بود.

مسعودی، مورّخ مسلمان، روایت می‌کند که «اردشیر در آخر عمرِ خود از پادشاهی کناره گرفت و در نظر آورد که پیش از او کسانی شهرها ساخته و قلعه‌ها برآورده و لشکرها کشیده و سپاه و نفر و لوازم از او بیش‌تر داشته‌اند؛ اما همه خاک شده‌اند و در گور خفته‌اند. بدین سبب ترجیح داد کناره بگیرد و به آتشکده نشیند و به عبادت خدای پردازد و به تنهایی خو کند.»

هم‌چنین نگاه کنید به:

شاپور اول



اردلان، مستوره

(۱۲۶۴ ـ ۱۲۲۰ هـ.ق.)

شاعره‌ی کُرد

بانو ماه‌شرف کردستانی، متخلص به **مستوره**، همسر خسروخان اردلان، والی کردستان بود. در زمان محمدشاه قاجار زندگی می‌کرد و از شاعران برجسته‌ی کُرد به‌شمار می‌رود. در سنندج متولد شد. به فراگیری علوم ادبی و دینی پرداخت و زنی فرهیخته و با کمال شد. طبع شعری قوی داشت و با همسرش به مشاعره می‌پرداخت. می‌گویند با یغمای جندقی، ارتباط شعری داشته است. این اشعار از اوست:

من آن زنم که به ملکِ عفاف صدر گزینم؛
ز خیل پردگیان نیست در زمانه قرینم
مرا ز مُلکِ سلیمان همی است ننگ هم ایدون
که هست کشور عفّت همه به زیر نگینم
ز تاج و تخت جَم و کِی مراست عار ولیکن
به آستان ولایت کمینه خاک‌نشینم

مستوره اردلان به سبب نابسامانی اوضاع اجتماعی کردستان به سلیمانیه‌ی عراق رفت و در ۴۴ سالگی در همان‌جا درگذشت.



ارسطو

(۳۲۲ ـ ۳۸۴ ق.م.)

فیلسوف یونانی و پایه‌گذار علم منطق

ارسطو فرزند نیکوماخُس، پزشک فیلیپ، پادشاه مقدونیه بود. نیکوماخُس در جوانی مُرد و ارسطو یتیم شد. در ۱۷ سالگی به آکادمی افلاطون رفت و برجسته‌ترین شاگرد او شد و ۲۰ سال در آکادمی تحصیل کرد. او را به معلمی اسکندر، فرزند فیلیپ، دعوت کردند. به این سبب، به مقدونیه رفت و آموزش اسکندر را به‌عهده گرفت. بعد از مرگ اسکندر، ارسطو در آتن مدرسه‌ای تأسیس کرد و نام آن را «لیسه» گذاشت و خودش ۱۲ سال آن را اداره کرد. حاصل عمر ارسطو فوق‌العاده پربار بود. او تقریباً در همه‌ی علوم، به‌جز ریاضی، اثری از خود باقی گذاشت. هم‌چنین **اصول علم منطق** را مدوّن کرد. از این روست که او را **معلم اول** نامیده‌اند. بعد از ظهور دین اسلام، دانشمندان مسلمان از جمله ابن‌رُشد، آثار ارسطو را از یونانی به عربی ترجمه کردند و به شرح و تفسیر آرا و اندیشه‌های او پرداختند. این آثار بعدها به زبان لاتینی نیز ترجمه شد و در اروپای قرون وسطی، مورد استفاده‌ی دانشمندان قرار گرفت. آن‌چه درباره‌ی ارسطو جالب توجه است، این است که در علم، دیدگاهی متفاوت با دیدگاه استادش افلاطون داشت. این سخن او مشهور است: «افلاطون برای من عزیز است؛ اما حقیقت از افلاطون عزیزتر است.» ارسطو یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان است که اندیشه‌هایش برای قرن‌ها الهام‌بخش فلاسفه و دانشمندان جهان بود. مکتب فلسفی او «مکتب مشّاء» نام دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابن‌رشد ، اسکندر ، افلاطون



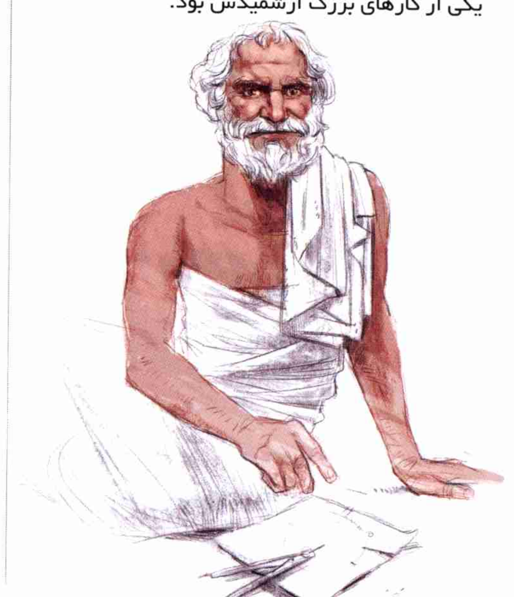
اَرشمیدُس

(۲۱۲ _ ۲۸۷ ق.م.)

ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و مهندس یونانی

ارشمیدس فرزند فیدیاسِ ستاره‌شناس بود و در جزیره‌ی سیسیل به‌دنیا آمد. تاریخ‌نگاران علم، او را بزرگ‌ترین فیزیک‌دان دنیای باستان معرفی کرده‌اند. مشهورترین کشف ارشمیدس، قانون وزن مخصوص اجسام است که داستانش بر سر زبان‌هاست. این کشف زمانی روی داد که ارشمیدس در خزینه‌ی حمام بود و احساس کرد وزنش در آب سبک شده است. به این سبب، «یافتم، یافتم»گویان از حمام بیرون دوید و کشف خود را به همه اعلام کرد. او از این راه، تقلّبی بودن تاج پادشاه را، که زرگری برای او ساخته بود، اثبات کرد. کارهای دیگر ارشمیدس عبارت است از: کشف قانون اهرم‌ها، اختراع منجنیق، محاسبه‌ی عدد پی (۳/۱۴)، به‌دست آوردن فرمول محاسبه‌ی حجم استوانه و کره، اختراع پیچِ ارشمیدس برای رساندن آب به ارتفاع و نیز تألیف کتاب‌هایی درباره‌ی اجسام شناور، کره و استوانه، اندازه‌گیری دایره‌ها و پیچ‌ها و بالاخره وضع اصول مکانیک. گفته‌اند در حمله‌ی رومیان به سیسیل، ارشمیدس به دست یک سرباز کشته شد. با این حال، رومی‌ها جنازه‌اش را با تشریفات به خاک سپردند و تصویری از کره و استوانه روی سنگ قبرش کندند. امروزه در فیزیک به جای وزن مخصوص یا w=mg، جرم مخصوص (m) را محاسبه می‌کنند. g شتاب جاذبه و برابر است با ۹/۸ متر بر مجذور ثانیه.

▼ کشف قانون وزن (جرم) مخصوص اجسام، تنها یکی از کارهای بزرگ ارشمیدس بود.





اُروِل، جورج

(۱۹۵۰ _ ۱۹۰۳ م.)

نویسنده‌ی هندی _ انگلیسی

اریک آرتور بلر، با نام مستعار جورج اروِل، یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان برضد کمونیسم استالینی در قرن بیستم بود. در هندوستان به دنیا آمد. از ۱۷ سالگی وارد خدمت پلیس برمه (میانمار) شد ولی بعداً به اروپا مهاجرت کرد و بقیه‌ی عمر را در پاریس و لندن به نوشتن رمان، مقاله و نقدهای ادبی و اجتماعی گذراند. در بین دو جنگ جهانی چندی به اسپانیا رفت و با فاشیست‌ها جنگید؛ اما سَرخورده شد و بازگشت و رُمان **زنده‌باد کاتالونیا** را نوشت که در همین زمینه است. اروِل را **قلعه‌ی حیوانات** و رمانی به نام **۱۹۸٤** مشهور کرد. هر دو اثر، ضدکمونیسم و ضد رژیم شوروی است. در قلعه‌ی حیوانات، گروهی از حیوانات، که در قلعه یا مزرعه‌ای زندگی می‌کنند، بر ضد ارباب خود دست به شورش می‌زنند و با بیرون کردن او از قلعه، زندگی عادلانه‌ای را آغاز می‌کنند. اما دو سال بعد، از میان آن‌ها ارباب‌های تازه‌ای ظهور می‌کنند که دیگران را به بندگی می‌کشند و شعارشان این است که «همه برابرند؛ اما بعضی‌ها برابرترند!» رمان ۱۹۸۴ نیز توصیف جامعه‌ای بسیار دهشت‌بار است که جایی برای بیان حقیقت در آن نیست. همه‌ی حقایق تاریخی از بین رفته و تبلیغ، جای‌گزین اطلاعات شده است. اندیشیدن و عشق ورزیدن مجازات دارد و در عین حال، تنهایی و خلوت هم بی‌معناست. این دو اثر جورج اروِل توصیفی زیرکانه از جامعه‌ی شوروی آن زمان، به رهبری استالین است. اروِل عمر کوتاهی داشت و در ۴۷ سالگی در انگلستان درگذشت. کتاب‌های او به زبان فارسی ترجمه شده است.



اِزوپ

(حدود ۵۶۴ _ ۶۱۹ ق.م.)

لطیفه‌گوی یونانی

ازوپ برده‌ای یونانی بود که شش قرن پیش از میلاد می‌زیست و به لطیفه‌گویی و بیان سخنان حکیمانه مشهور بود. بسیاری از لطایف و حکایت‌های کوتاهی که امروزه به‌طور مشترک در میان برخی ملت‌ها رایج است، در حکایت‌های ازوپ ریشه دارد. نمونه‌های همانند ازوپ در زمان‌های دیگر، جُحا و بهلول در میان عرب‌ها و ملّانصرالدین در میان ایرانیان و ترک‌هاست. ازوپ به دربار کراسوس، پادشاه لیدیه، رفت و به خدمت او درآمد. روزی از طرف پادشاه مأمور شد به شهر دلفی برود و میان مردم آن‌جا پولی تقسیم کند. در دلفی میان او و مردم نزاع درگرفت و مردم خشمگین، ازوپ را از پرت‌گاهی به پایین انداختند و او را کشتند.

همچنین نگاه کنید به:

بُهلول ، ملانصرالدین



اسپارتاکوس

(مقتول: ۷۱ م.)

رهبر قیام بردگان رومی

اسپارتاکوس برده‌ای رومی بود که در رُم از مدرسه‌ی گلادیاتورها گریخت و بردگان را به قیام بر ضد حاکمان روم فراخواند. بردگان بسیاری پیرامون او را گرفتند و قیام بزرگی به راه افتاد. در نتیجه، آن‌ها توانستند بر بخش بزرگی از جنوب ایتالیا دست یابند. سرانجام،



▲ اسپارتاکوس گلادیاتوری بود که قیام بزرگی را برضد اربابان رومی رهبری کرد.

یکی از سرداران رومی به نام کراسوس، جنبش را فرونشاند و اسپارتاکوس را به قتل رساند. سردار دیگری به نام پمپه هم بازماندگان بردگان را، که حدود ۶ هزار نفر بودند، در سرتاسر جاده‌هایی که به رم منتهی می‌شد به دار آویخت. هوارد فاست براساس زندگی این برده‌ی رومی، کتاب **اسپارتاکوس** را نوشته و استنلی کوبریک نیز فیلم سینمایی اسپارتاکوس را ساخته است.



استالین، ژوزف

(۱۹۵۳ ـ ۱۸۷۹ م.)

دومین رهبر اتحاد جماهیر شوروی

در تفلیس گرجستان زاده شد. نام اصلی‌اش یوسیپ چوگاشویلی بود؛ اما خودش نام مستعار استالین را، که به معنی مرد پولادین است، انتخاب کرد. در مبارزه‌های کمونیستی، با لنین همراه شد و بعد از مرگ او، رهبری اتحاد جماهیر شوروی را به‌دست گرفت. ۲۹ سال با دیکتاتوری و استبداد حکومت کرد؛ میلیون‌ها نفر از مخالفان خود را کشت، آزادی‌ها را سرکوب کرد و بسیاری از مساجد و کلیساها را بست یا به موزه تبدیل کرد؛ اما



به اقدامات مهمی نیز دست زد: ارتش سرخ شوروی را تقویت کرد؛ آموزش و پرورش را توسعه داد؛ به پیش‌رفت صنعت کمک کرد و شوروی را به یک ابرقدرت جهانی مبدل ساخت. استالین در جنگ دوم جهانی به‌خوبی مردم شوروی را برضد نازی‌ها بسیج کرد و توانست به کمک آمریکا و انگلستان، هیتلر را به زانو درآورد. در سال ۱۹۵۳ بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت و خروشچف جانشین او شد. خروشچف، برخلاف استالین، سیاست تازه‌ای در پیش گرفت و بسیاری از جنایت‌های استالین را فاش کرد و حتی رئیس پلیس مخفی او به نام «بریا» را محاکمه و اعدام کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

چرچیل ، روزولت ، لنین



استنلی، هِنری مورتون

(۱۹۰۴ ـ ۱۸۴۱م.)

جهان‌گرد استعمارگر انگلیسی

نام اولیّه‌اش جان رولاندز بود و در انگلستان متولد شد. کودکی و نوجوانی را در یتیمی و فقر سپری کرد. در جوانی در یک کشتی، که عازم آمریکا بود، کاری پیدا کرد و از این طریق به آن سرزمین رفت. در آمریکا شخصی به نام استنلی، او را به خدمت گرفت و نام خود را نیز بر او نهاد. استنلی در جنگ‌های داخلی آمریکا شرکت کرد و مدتی به زندان افتاد. پس از آزادی به نیروی دریایی پیوست و سرانجام، خبرنگار روزنامه‌ی نیویورک هرالد شد. از این‌جا بود که زندگی‌اش به مسیر دیگری افتاد. هنوز ۳۰ سال نداشت که از طرف روزنامه مأمور شد به آفریقا برود و لیوینگستون، جست‌وجوگر انگلیسی را، که در آفریقا ناپدید شده بود، پیدا کند. استنلی این مأموریت دشوار را پذیرفت و راه قاره‌ی سیاه را در پیش گرفت. ابتدا به زنگبار (تانزانیا) رفت و از آن‌جا سفر خود را در دل جنگل‌های آفریقا آغاز کرد. استنلی پس از ۱۶ ماه سفر سخت و دشوار، لیوینگستون را یافت. او از آن پس، سفرهای بیش‌تری به آفریقا کرد و به یکی از چهره‌های استعمارگر اروپایی تبدیل شد. به استعمار درآوردن کنگو برای دولت بلژیک، از کارهای استنلی است. استنلی سفرنامه‌ی خود را به آفریقا نوشت که از همان آغاز، مورد توجه مردم جهان قرار گرفت. این سفرنامه، از زمان قاجاریه تاکنون، چند بار به فارسی ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

لومومبا ، لیوینگستون



استو، هَریت بیچر

(۱۸۹۶ ـ ۱۸۱۱م.)

نویسنده‌ی کلبه‌ی عمو توم

هفتمین فرزند از ۹ فرزند یک خانواده‌ی سفیدپوست آمریکایی بود. مادرش، زمانی که او ۱۴ ساله بود، درگذشت. هریت معلم شد و با کمک خواهرش، کاترین، یکی از اولین آموزشگاه‌های مخصوص زنان را در سین‌سیناتی تأسیس کرد. سپس به همسری مردی به نام استو در آمد که استاد دانشگاه بود. آن دوره، یکی از دوره‌های حادثه‌ساز تاریخ آمریکا بود.

در ایالت‌های جنوبی، برده‌داری قانونی و آزاد بود؛ ولی در بسیاری از ایالت‌های شمالی، این رسم غیر انسانی ممنوع شده بود. از این‌رو، برده‌های سیاه سعی می‌کردند از ایالت‌های جنوبی فرار کنند و خود را به شمال برسانند. هریت و خانواده‌اش در حوالی رودخانه‌ی اوهایو زندگی می‌کردند که مرز بین دو منطقه‌ی شمال و جنوب بود و برخی اوقات برده‌های فراری را پناه می‌دادند. مشاهده‌ی این روی‌دادها سبب شد هریت بیچر استو، رُمان **کلبه‌ی عمو توم** را بنویسد که در سال ۱۸۵۲ منتشر شد. این کتاب در آن زمان بسیار مورد توجه قرار گرفت و بیش از هر کتاب دیگری خوانده شد؛ به‌علاوه، در فراهم آوردن زمینه‌ی الغای بردگی به همت آبراهام لینکلن مؤثر بود. کلبه‌ی عمو توم به فارسی ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

لوترکینگ ، لینکلن



اسحاق(ع)

سده‌ی هجدهم پیش از میلاد

پیامبر الهی

اسحاق، فرزند ابراهیم خلیل(ع) و برادر اسماعیل بود. مادرش ساره نام داشت که زنی مؤمن و یکتاپرست بود. ساره ابتدا نازا بود و سال‌های طولانی بدون فرزند ماند. از این رو از ابراهیم خواست با کنیزش، هاجر، ازدواج کند شاید فرزندی بیاورد. ثمره‌ی این ازدواج، اسماعیل بود. پس از آن به تقدیر الهی، ساره نیز باردار شد و اسحاق را به دنیا آورد. در قرآن به این مطلب اشاره شده است. اسحاق پدر یعقوب است و یعقوب، که نام دیگرش اسرائیل است، پدر قوم بنی‌اسرائیل به‌شمار می‌رود. در کتاب‌های یهودیان، اسحاق همان نقشی را دارد که اسماعیل در قرآن دارد. از این روست که یهودیان معتقدند حضرت ابراهیم(ع) می‌خواست اسحاق را قربانی کند؛ ولی فرشته‌ای فرود آمد و او را از این کار بازداشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابراهیم(ع) ، یعقوب(ع)



اسدآبادی، سیدجمال‌الدین

(۱۲۷۵ـ ۱۲۱۷هـ.ش.)

بیدارگر شرق

درباره‌ی وطن و زادگاه سیدجمال‌الدین، که ایرانی بود یا افغانی، اختلاف نظر وجود دارد و شواهدی برای هر دو در دست است. اما بیش‌ترِ شواهد و اسناد نشان می‌دهد که او در محله‌ی سیّدان در اسدآباد همدان به‌دنیا آمده است. نام پدرش سیدصفدر و نام مادرش سکینه‌بیگم بود. تحصیلات اولیه را در قزوین گذراند. اسدآبادی را بیدارگر شرق خوانده‌اند؛ زیرا در سراسر عمر کوشید مسلمانان را از حقوق خود آگاه سازد و آنان را از خواب قرون وسطایی بیدار کند. او برای رسیدن به این هدف، به کشورهای زیادی سفر کرد. به هند رفت؛ روسیه و اروپا و آمریکا را دید. چند سال در مصر مقیم شد؛ هر کجا که می‌رفت، با علمای مسلمان و دیگر شخصیت‌های مهم مانند سیاست‌مداران، دولت‌مردان، علما، نویسندگان و روزنامه‌نگاران ملاقات می‌کرد. در پاریس، با همکاری محمد عبده مصری، روزنامه‌ی **عروة‌الوثقی** و در استانبول، روزنامه‌ی **ضیاءالخافقین** را منتشر کرد. یک بار هم به دعوت ناصرالدین‌شاه، به تهران آمد و با او ملاقات و گفت‌وگو کرد. اما بین شاه که مستبد و سید، که آزادی‌طلب بود، توافق حاصل نشد. در نتیجه، شاه دستور داد سیدجمال را از ایران اخراج کنند. او، که با افکار و اندیشه‌ها و سخنانش شور تازه‌ای در میان مسلمانان افکنده بود، در استانبول، پایتخت کشور عثمانی، اقامت کرد و مورد حمایت سلطان عبدالحمید، پادشاه آن کشور قرار گرفت. در آن‌جا با گردآوری عده‌ای از مخالفان دولت ایران به دور خود، به مبارزه برضد ناصرالدین‌شاه ادامه داد. سرانجام، یکی از شیفتگان او به نام میرزا رضا کرمانی، شاه را در حرم حضرت عبدالعظیم ترور کرد. این امر موجب شد دولت عثمانی سید را زیر نظر قرار دهد. سرانجام سید در پی ابتلا به بیماری سرطان، و شاید هم مسمومیت، درگذشت. در سال ۱۳۲۴شمسی، افغانی‌ها، که اسدآبادی را از خود می‌دانستند، بقایای جسد او را از ترکیه به کابل بردند و در آن‌جا دفن کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

امین‌الضّرب ، عبده ، مهدوی



اسفندیار

مرد رویین‌تن در اساطیر ایران

اسفندیار، که داستان‌های او در شاهنامه‌ی فردوسی آمده است، فرزند گشتاسب بود. زردشت او را به سبب خدمتی که به گسترش دین زردشتی کرده بود، رویین‌تن کرد؛ اما چشمان اسفندیار رویین نشد. پدرش گشتاسب، که می‌ترسید اسفندیار چشم به پادشاهی او داشته باشد، او را به جنگ رستم فرستاد. زیرا شنیده بود که تقدیر این است که اسفندیار، به دست رستم کشته شود.



زردشت اسفندیار را به پاس خدمات او به دین زردشت، رویین‌تن کرد.

گشتاسب به اسفندیار سفارش کرد که رستم را نکشد؛ بلکه دست او را ببندد و او را به بارگاه بیاورد؛ اما رستم این ننگ را نپذیرفت و به اسفندیار گفت:

که گفتت برو دست رستم ببند؟
نبندد مرا دستْ چرخ بلند

سرانجام بین رستم و اسفندیار جنگ درگرفت. اما رستم حریف اسفندیار نشد. به همین سبب، پس از کشمکش‌های بسیار، به راهنمایی سیمرغ، با تیری دوسر از چوب گز چشمان اسفندیار را هدف گرفت و او را از پای درآورد. در زبان فارسی چشم اسفندیار به معنی نقطه‌ی ضعف، ضرب‌المثل شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رستم ، زیگفرید ، گشتاسب

اسکندر مقدونی

(فوت:۳۲۲ ق . م.)

جهان‌گشا

اسکندر یکی از بزرگ‌ترین فاتحان در تاریخ جهان است. در مقدونیه به‌دنیا آمد. نزد ارسطو، حکیم یونانی، تعلیم دید و در ۲۰ سالگی پس از پدرش فیلیپ، پادشاه مقدونیه شد. از همان آغاز پادشاهی، دست به لشکرکشی زد. ابتدا سراسر یونان و بعد آسیای صغیر را فتح کرد. سپس به ایران حمله آورد، در جنگ با دارا یا داریوش سوم، او را شکست داد و سلسله‌ی هخامنشی را از میان برداشت. در این حمله او تخت‌جمشید را تصرف کرد و آن را به آتش کشید. آن‌گاه فتوحات خود را تا دره‌ی پنجاب هند (در پاکستان امروزی) گسترش داد و بدون دست‌آورد مهمی، تصمیم گرفت به یونان بازگردد؛ اما در سر راه خود در بابِل (در عراق امروزی) در ۳۲ سالگی مرد. اسکندر فرهنگ و زبان یونانی را در شرق گسترش داد. حدود ۶۰ شهر به نام اسکندریه و حتی شهری به نام اسب مرده‌اش بوسفالوس بنا کرد که از آن شهرها، فقط اسکندریه‌ی مصر باقی مانده است. نظامی، شاعر بزرگ ایران، اسکندرنامه را در معرفی این فاتح سروده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آریو برزن ، ارسطو ، ذی‌القرنین



اسلامی، شیخ عباس‌علی

(۱۳۶۴ ـ ۱۲۷۵هـ.ش.)

بنیان‌گذار جامعه‌ی تعلیمات اسلامی

در سبزوار، از پدری قشقایی و مادری بختیاری به‌دنیا آمد. از ۵ سالگی به مکتب رفت و از طریق خواندن قرآن باسواد شد. استعداد و حافظه‌ای قوی داشت. به این سبب، مراحل مقدماتی تحصیل را خیلی زود طی کرد و برای ادامه‌ی آن به مشهد رفت. از استادانش در مشهد، آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بود که از بزرگان حوزه به‌شمار می‌رفت. اسلامی به لباس روحانیت درآمد و به وعظ و تبلیغ مشغول شد و به هندوستان و برمه (میانمار) نیز سفر کرد. او به آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان اهمیت زیادی می‌داد و از تأثیر آن در اصلاح جامعه به خوبی آگاه بود. پس از سقوط رضاشاه، که جامعه تا حدودی از استبداد پهلوی آزاد شد، به فکر تأسیس مدرسه‌ای با روش دینی و اسلامی افتاد و نخستین مدرسه را در اتاق‌های منزل خود تشکیل داد. این مدرسه، هسته‌ی اولیه‌ی تأسیس «جامعه‌ی تعلیمات اسلامی» بود. سپس با همکاری مردمِ علاقه‌مند، مدارس دیگری تأسیس کرد و فَعالیت خود را در سایر شهرها نیز گسترش داد. به‌طوری‌که در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۸۰ مدرسه در کشور با نام جامعه‌ی تعلیمات اسلامی وجود داشت. شیخ عباس‌علی اسلامی مردی روشن‌بین، ایثارگر



تخت جمشید، پایتخت امپراتوری هخامنشی، به دست اسکندر به آتش کشیده شد. اکنون تنها گوشه‌هایی از آن بنای عظیم باقی است.

و به سرنوشت جامعه بسیار حساس بود. با علمای بزرگی مانند آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله خویی و امام خمینی ارتباط ویژه داشت و آنان نیز از فعالیت‌های او حمایت می‌کردند. حدود ۹۰ سال زندگی کرد و در سال‌های آخر عمر، به جبهه نیز رفت. اسلامی بخشی از مهم‌ترین خاطرات آموزشی و فرهنگی خود را نوشت که بعد از درگذشت او با نام **طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق** به همت بنیاد خیریه‌ی بعثت منتشر شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

روزبه ، کرباسچیان



اشرفی اصفهانی، عطاءالله

(۱۳۶۱ ـ ۱۲۷۹ه‌.ش.)

عالم دینی و شهید محراب

در سده‌ی اصفهان (خمینی‌شهر امروز) به‌دنیا آمد. از ۱۲ سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان وارد شد و پس از ۱۰ سال آموزش مقدمات علوم دینی، به قم رفت. ۲۳ سال از محضر علمای بزرگی چون شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سیداحمد خوانساری، آیت‌الله بروجردی و امام‌خمینی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در سال ۱۳۳۵، از سوی آیت‌الله بروجردی برای رسیدگی به امور شرعی مردم و سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی کرمانشاه به آن شهر رفت. پس از فوت آیت‌الله بروجردی، نمایندگی امام‌خمینی را پذیرفت. با شروع نهضت ۱۵ خرداد، آیت‌الله اشرفی به یاران و همراهان امام پیوست و در طول سال‌ها، از مدافعان ایشان بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد و از سوی امام‌خمینی نیز به سِمت نماینده‌ی ایشان و امام جمعه‌ی کرمانشاه منصوب گشت. سرانجام روز جمعه ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱، هنگام اقامه‌ی نماز جمعه، در پی انفجار نارنجک منافقین به شهادت رسید. پیکر او را به اصفهان بردند و در گلستان شهدای تخت فولاد به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دستغیب ، صدوقی ، قاضی‌طباطبایی ، مدنی



اصحاب کهف

(نیمه‌ی اول قرن سوم میلادی)

جوانان مسیحی یکتاپرست

گروهی از جوانان مسیحی مؤمن در شهر افِسوس بودند که در زمان دقیانوس، امپراتور مشرک روم، زندگی می‌کردند. چون دقیانوس مخالف خداپرستی بود، زندگی بر این جوانان سخت شد. از شهر گریختند و به غاری پناه بردند. در میانه‌ی راه، چوپانِ دقیانوس و سگ او نیز به آن‌ها پیوستند و همه با هم به سوی غاری رفتند. اصحاب کهف در غار، به تقدیر الهی، ۳۰۹ سال به خوابی طولانی فرورفتند تا عهد دقیانوس سپری شد. اما وقتی از خواب بیدار شدند، گمان کردند یک روز یا نیم‌روز بیش‌تر نخوابیده‌اند. پس یکی را به شهر فرستادند تا برایشان غذایی بخرد و بیاورد. اما چون سکّه‌ای که آن شخص همراه داشت، به نام دقیانوس ضرب شده بود، حقیقت ماجرا نخست بر مردم شهر و سپس بر خود اصحاب کهف کشف شد و فهمیدند که سال‌های بسیار طولانی در خواب بوده‌اند و در این مدت، روزگار به کلی تغییر کرده است. این زمانی بود که دیگر دین مسیح آزاد اعلام شده و پیروان بسیاری یافته بود. آن‌گاه اصحاب کهف، به درگاه خدا دعا کردند که جانشان را بگیرد. خدا نیز دعایشان را قبول کرد و همگی جان به جان‌آفرین تسلیم کردند. مجموعه‌ی تلویزیونی **مردان آنجلس**، که در ایران ساخته شده، بر اساس داستان اصحاب کهف است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دقیانوس ، کنستانتین



اصفهانی، سید ابوالحسن

(۱۳۲۵ ـ ۱۲۴۶ ه‌.ش.)

مرجع و زعیم شیعه

از سادات موسوی بهبهانی بود؛ اما در یکی از روستاهای لنجانِ اصفهان به نام مَدیسه به‌دنیا آمد. از این رو او را آیت‌الله مدیسه‌ای نیز گفته‌اند. سید ابوالحسن در اصفهان فقه و حکمت و ریاضی خواند و سپس به نجف رفت. در نجف از شاگردان برجسته‌ی آخوند ملامحمدکاظم خراسانی بود. پس از انقلاب مشروطه، مانند سید حسن مدرس، یکی از فقیهانی بود که برای نظارت بر مصوّبات مجلس شورای ملی انتخاب شد؛ ولی همان اول استعفا داد و در نجف ماند. او از مخالفان سیاست انگلستان در عراق بود و چون انتخابات عراق را تحریم کرد، با آیت‌الله نایینی برای مدتی به ایران تبعید شد. با فوت آیت‌الله محمدحسین نائینی در نجف و آیت‌الله حائری یزدی در ایران، سید ابوالحسن اصفهانی به مرجعیت رسید و به واسطه‌ی حمایت مردم قدرت و نفوذ بسیاری پیدا کرد و زعیم شیعه، یعنی بزرگ‌ترین مرجع تقلید، شد. وی به تبلیغ اسلام در آسیا و آفریقا و تربیت طُلّاب و دانشجویان دینی اهمیت زیادی می‌داد و برای این کار هزینه‌ی زیادی اختصاص داده بود. از وقایع ناگوار زندگی آیت‌الله سیدابوالحسن، قتل فجیع فرزندش در صف نماز جماعت به امامت خودش بود که از سوی دشمنان مذهب شیعه صورت گرفت. سیدابوالحسن این ماجرا را با بردباری شگفت‌آوری تحمل کرد. او در ۱۳ آبان ۱۳۲۵ شمسی در کاظمین بدرود حیات گفت. درگذشت او سوگواری عظیمی در ایران برپا کرد که همه چیز، حتی مسائل سیاسی روز را تحت‌الشّعاع خود قرار داد و تا حدی نیز موجب بیداری اسلامی و ظهور

غیرت دینی در جامعه‌ی ایران شد. آقاسید ابوالحسن را در نجف به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

مدرس ، نایینی



اطلس

از خدایان یونان

اطلس پسر ژاپه و کلیمنس و از تیتان‌ها بود که قبل از خدایان المپ بر زمین حکومت می‌کردند. چون اطلس از غول‌ها در برابر خدایان جانب‌داری کرد، زئوس، خدای خدایان، او را محکوم کرد که گنبد آسمان، یعنی همه‌ی جهان را بر دوش بگیرد. سرانجام یکی از خدایان به نام پرسئوس، اطلس را به سنگ تبدیل کرد. اروپاییان نقشه‌های جهان را اطلس نامیده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پرومته ، سیزیف



اعتصامی، پروین

(۱۳۲۰ ـ ۱۲۸۵ه.ش.)

شاعر

پروین دختر میرزایوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، شخصیت فرهنگی عصر قاجار بود. در تبریز به‌دنیا آمد. از کودکی شعر می‌سرود و پدرش، که مردی ادیب و اهل فضل بود، او را تشویق می‌کرد. شعر پروین ساده، روان، متنوع، دارای اندیشه و حاوی مضمون‌های اخلاقی و انسانی و به هر زبانی قابل ترجمه است. دیوان پروین اعتصامی نخستین بار با مقدمه‌ی ملک‌الشعرا بهار منتشر شد و مورد استقبال ادب‌دوستان قرار گرفت. او استاد سرودن اشعار مناظره است و بسیاری از اشعارش را به این شیوه سروده است. **دیوان اشعار** پروین بارها تجدید چاپ شده است. پروین با پسرعموی خود ازدواج کرد؛ ولی خیلی زود کارش به جدایی کشید و تا آخر عمر دیگر ازدواج نکرد. وی زنی حسّاس، عفیف و اهل فکر و اندیشه بود. پروین در ۳۵ سالگی به سبب بیماری حصبه درگذشت و در یکی از اتاق‌های صحن حرم حضرت معصومه علیهاالسلام در قم به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بهار



اعتضادالسّلطنه، علی‌قلی میرزا

(۱۲۹۸ ـ ۱۲۳۴ ه.ق.)

وزیر علوم ناصرالدین‌شاه

نخستین رئیس مدرسه‌ی دارالفنون، از شاه‌زادگان قاجاری و پنجاه و چهارمین فرزند فتحعلی‌شاه قاجار بود. مادرش، گل‌پیراهن خانم، از ارامنه‌ی تفلیس بود. ویژگی علی‌قلی میرزا، علاقه به علوم و معارف بود که در مقابل آن، دیگر خدمات دولتی و حکومتی او اهمیتی ندارد. در زمان ناصرالدین‌شاه، پس از قتل امیرکبیر، لقب اعتضادالسّلطنه گرفت و رئیس دارالفنون شد و بعدها وزارت علوم را نیز به‌دست گرفت. در این مسئولیت، تعدادی دانشجو به خارج اعزام و چند روزنامه نیز منتشر کرد. به‌طور کلی، اعتضادالسّلطنه را می‌توان یکی از چهره‌های فرهنگی و آموزشی مؤثر در حکومت ناصرالدین‌شاه دانست. او نویسنده، شاعر، ادیب، دانشمند و تاریخ‌نگار نیز بود. **اکسیرالتّواریخ** و **تاریخ وقایع افغانستان** از آثار اوست. از خدمات او ایجاد مرکزی برای تألیف دایرةالمعارفی مفصّل بود که حاصل آن چاپ مجموعه‌ی **نامه‌ی دانشوران** در هفت جلد، از حرف الف تا ش، است. این مجموعه را چهار تن از فضلا می‌نوشتند که یکی از آنان عبدالوهاب قزوینی، پدر علامه محمد قزوینی بود. چند تن از فرزندان و نوادگان اعتضادالسّلطنه، که نام خانوادگی **سالور** دارند، در دهه‌های بعد منشأ خدماتی در صنعت و تجارت و فرهنگ شدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

قزوینی

افتخاری، علی‌رضا

(تولد: ۱۳۳۵ ه.ش.)

استاد آواز

علی‌رضا افتخاری در اصفهان متولد شد. از کودکی صدایی خوش داشت. از این‌رو، از ۱۲ سالگی نزد استاد تاج‌اصفهانی آموزش دید و ردیف‌های آوازی موسیقی سنتی و اصیل ایرانی را فرا گرفت. پس از درگذشت تاج، از محضر استادان دیگری مانند حسن کسایی، جلیل شهناز و محمدرضا شجریان استفاده کرد. افتخاری در سال ۱۳۵۷ در آزمون باربد، که زیر نظر استادان بزرگ موسیقی برگزار شد، شرکت کرد و نفر اول شد. از آن پس وارد فعالیت شد و ضمن همکاری با صدا و سیما، وزارت ارشاد اسلامی و دیگر مراکز هنری، آثار ارزنده‌ای پدید آورد. از آثار او می‌توان به **نیلوفرانه‌ی ۱ و ۲**، **شور عشق**، **امان از جدایی**، **یاد استاد** و **هنگامه** اشاره کرد. مرثیه‌ی درگذشت امام‌خمینی و نیز آلبوم **قلندروار**، که به مناسبت بزرگ‌داشت سال مولانا اجرا شده، از دیگر آثار افتخاری است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

تاج‌اصفهانی ، شجریان ، شهناز ، کسایی



افغانی، علی‌محمد

(تولد: ۱۳۰۵ ش)

رمان‌نویس

در کرمانشاه به‌دنیا آمد. پدرش، که شعر می‌سرود و افغان تخلّص می‌کرد، اهل نجف‌آباد اصفهان بود؛ ولی در کرمانشاه مقیم شده بود. افغانی پس از گرفتن دیپلم به تهران رفت و برای تحصیل در رشته‌ی پزشکی ارتش، وارد دانشکده‌ی افسری شد. اما به سبب ورود به جریان‌های سیاسی ضد رژیم، به اتهام افشای مسائل پشت پرده‌ی ارتش، دستگیر و به اعدام محکوم شد که با یک درجه تخفیف، حکمش به حبس ابد تنزل یافت، با این حال بیش از ۵ سال در زندان نماند و آزاد شد. افغانی از نوجوانی اهل مطالعه و علاقه‌مند به خواندن و نوشتن بود. در همان زندان، رمان مفصّل **شوهر آهوخانم** را نوشت و پس از آزادی، آن را چاپ کرد. این کتاب بسیار مورد استقبال قرار گرفت و عده‌ای از صاحب‌نظران، آن را اولین رمان فارسی دانستند. شوهر آهوخانم رمانی روان و خوش‌خوان و توصیف زندگی اندوه‌بار زنان ایرانی و رسم چند همسری است. افغانی **شادکامان درّه‌ی قَرَه‌سو**، **شلغم میوه‌ی بهشته** و **دکتر بکتاش** را هم نوشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جمال‌زاده ، دانشور



افلاطون

(۳۴۷ ـ ۴۲۷ ق.م.)

فیلسوف یونانی

در خانواده‌ای از اشراف آتن به‌دنیا آمد. در ۲۰ سالگی جذب افکار سقراط شد و به شاگردان او پیوست و از او بسیار تأثیر پذیرفت. هنگامی که **سقراط**، به حکم دادگاه آتن، جام شوکران را نوشید و درگذشت، افلاطون مدتی از ناراحتی گوشه‌گیری اختیار کرد. سپس به مسافرت پرداخت و به نقاط گوناگون یونان و مصر و ایتالیا و جزیره‌ی سیسیل رفت. هنگامی که به آتن بازگشت، مدرسه‌ای برای آموزش فلسفه تأسیس کرد و نام آن را آکادمی گذاشت. کلمه‌ی آکادمی بعد از افلاطون در فرهنگ اروپا به معنی مدرسه و دانشگاه ماندگار شد. بر سر در آکادمی افلاطون نوشته بود: «هر کس هندسه نمی‌داند، وارد نشود.» این فیلسوف کلاس‌های درس خود را در باغ‌ها یا ورزشگاه‌ها در فضای آزاد برگزار می‌کرد. روش او در تدریس، مانند استادش سقراط، به صورت پرسش و پاسخ بود. و همین شیوه را نیز در نوشتن مجموعه آثاری که از او باقی مانده، به کار برده است.



افلاطون شاگرد سقراط و استاد ارسطو بود.

مشهورترین اثر افلاطون کتاب **جمهوری** است که در آن، بحث مدینه‌ی فاضله، یعنی بهترین شهر انسانی را مطرح کرده است. به نظر او، رهبران جوامع انسانی باید حاکمِ حکیم یا حکیمِ حاکم باشند تا جامعه به سعادت برسد. هنگام مرگ سقراط، افلاطون بالای سر او حاضر بود و شرح این ماجرا را به قلمی زیبا نوشت. افلاطون در یک مجلس مهمانی در آتن، به طور ناگهانی درگذشت. برجسته‌ترین شاگرد او، **ارسطو**، یکی دیگر از فیلسوفان یونان است. مجموعه‌ی آثار افلاطون را شادروان محمدحسن لطفی در هفت جلد به فارسی ترجمه کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ارسطو ، سقراط



اقبال آشتیانی، عباس

(۱۳۳۴ ـ ۱۲۷۵ه.ش.)

مورّخ، پژوهشگر و نویسنده

در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهی‌دست در آشتیان زاده شد. چند سال از دوره‌ی نوجوانی را به کار در نجاری گذراند؛ اما شوق آموختن او را به تحصیل علم کشاند و خیلی زود به نیروی کار و کوشش، خود را از مکتب‌خانه‌ی آشتیان به مدرسه‌ی دارالفنون تهران رساند. پس از فراغت از تحصیل، در همان مدرسه به تدریس زبان فارسی پرداخت. اقبال با تلاش و کوشش به جایی رسید که بسیاری از ناموران فرهنگ و ادب ایران را در دهه‌های اخیر، از دانش خود بهره‌مند ساخت. ابتدا با مجله‌ی دانشکده، به سردبیری ملک‌الشعرا بهار، همکاری داشت. سپس چند سال، همراه یک هیئت نظامی به پاریس رفت و در آن‌جا از دانشگاه سوربن لیسانس تاریخ گرفت. پایان‌نامه‌ی اقبال درباره‌ی **خاندان نوبختی** بود، خاندانی که افرادِ آن از نخستین مبلغان مذهب تَشیّع در ایران بودند. اقبال در فرانسه با محمد قزوینی، دانشمند و پژوهشگر ایرانی مقیم پاریس، آشنا

شد و دوستی و همکاری آنان در زمینه‌ی علم و تحقیق تا پایان عمر ادامه داشت. او پژوهشگری بسیار پرکار و تاریخ‌نگاری دقیق و درست‌کار بود. کتاب‌هایی که در زمینه‌ی تاریخ ایران، از جمله **تاریخ مغول** نوشته، از بهترین کتاب‌ها در این رشته است. او، که روزنامه‌نگار نیز بود، **مجله‌ی یادگار** را، که از مجله‌های ارزش‌مند زمان خود بود، ۵ سال در ۵ دوره منتشر کرد. ۴۵ کتاب و صدها مقاله نوشت که مقالاتش در مجله‌های گوناگون چاپ شده است. نثر فارسی اقبال از نمونه‌های برجسته‌ی نثر فارسی در دهه‌های اخیر ایران است. اقبال هیچ‌گاه ازدواج نکرد و سراسر عمر به مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود. عمری دراز نیافت و در ۵۹ سالگی، هنگامی که در شهر رم ایتالیا به مأموریت فرهنگی اشتغال داشت، درگذشت. پیکر او را به تهران آوردند و در حرم حضرت عبدالعظیم در کنار جمع دیگری از علما و دانشمندان به خاک سپردند.

همچنین نگاه کنید به:
قزوینی



اقبال لاهوری، محمد

(۱۳۱۶ ـ ۱۲۵۵ ه.ش.)
متفکر و بیدارگر مسلمان

اقبال لاهوری از متفکران بزرگ جهان اسلام در قرن بیستم و کسی است که نقش مؤثری در بیداری اسلامی ایفا کرده است. او در سیالکوت پاکستان، که در آن زمان جزیی از کشور هندوستان بود، به‌دنیا آمد. پدرش، نورمحمد، مردی دین‌دار و با ایمان بود که برای تربیت اسلامی فرزند خود کوشش بسیار کرد. اقبال تحصیلات دانشگاهی خود را در لاهور آغاز کرد؛ سپس به انگلستان رفت و در دانشگاه کمبریج فلسفه خواند. به هند بازگشت و در صحنه‌ی فکری، سیاسی و اجتماعی هند ظاهر شد. افکار او در به‌وجود آمدن کشور پاکستان مؤثر بود؛ از این‌رو



معمولا نامش با محمدعلی جناح همراه است. مهم‌ترین کتاب اقبال در زمینه‌ی بیداری اسلامی، کتاب **احیای فکر دینی در اسلام** است که احمد آرام آن را به فارسی برگردانده است. اقبال به زبان فارسی و شاعران ایرانی، به‌ویژه مولوی، علاقه داشت و خودش نیز به فارسی شعر می‌گفت و بسیاری از اندیشه‌هایش را به شعر بیان کرده است. دیوان شعرش بارها چاپ شده است. این متفکر در لاهور درگذشت و در نزدیکی مسجد شاهی این شهر به خاک سپرده شد.



اُقلیدس

(۲۷۵ ـ ۳۳۰ق.م.)
پدر علم هندسه

زمانی که اسکندر مصر را تصرف کرد، در ساحل دریای مدیترانه شهری به نام اسکندریه ساخت. بعدها این شهر به مرکزی برای تحصیل علم در دنیای آن روز تبدیل شد. اقلیدس یکی از یونانیانی است که به مصر رفت و در مدرسه‌ی اسکندریه به آموزش ریاضیات پرداخت. او، که به علم هندسه علاقه‌ی بسیار داشت، کارهای تالِس، فیثاغورس، افلاطون و نیز مصری‌ها را جمع‌آوری و مطالعه کرد، سپس حاصل آن‌ها را به صورت کتاب **اصول اقلیدس** منتشر کرد. اصول اقلیدس کتابی است که از زمان تألیف تا امروز، کتاب درسی همه‌ی مدارس جهان، حتی مدارس دینی جهان اسلام و حوزه‌های علمیه بوده است. اینشتین درباره‌ی کتاب اصول اقلیدس گفته است: «اگر کسی در جوانی این کتاب را ندیده و نخوانده باشد، هرگز نمی‌تواند پژوهشگر باشد.»

همچنین نگاه کنید به:
فیثاغورس



اِگزوپری، آنتوان دو سنت

(۱۹۴۴ ـ ۱۹۰۰ م.)
نویسنده و هوانورد فرانسوی

سنت اگزوپری نویسنده‌ای است که با نوشتن کتاب **شازده کوچولو**، کتاب قرن بیستم فرانسه را خلق کرد. در شهر لیون، در خانواده‌ای اشرافی و در عین حال تهی‌دست، به‌دنیا آمد. ابتدا می‌خواست دریانورد شود؛ ولی چون در امتحان ورودی آن پذیرفته نشد، به نیروی هوایی فرانسه پیوست و خلبان شد. چندی در سِمت خلبان، در پست هوایی بین شمال آفریقا و آمریکای جنوبی فعالیت کرد. با سقوط فرانسه به دست نازی‌ها در جنگ دوم جهانی، ناچار به آمریکا رفت و سه سال در آن‌جا ماند. کتاب شازده کوچولو را در همین زمان نوشت. سپس به شمال آفریقا، که مستعمره‌ی فرانسه بود، رفت و به واحد جنگی خودش پیوست. سرانجام در سال ۱۹۴۴، در یک مأموریت هوایی هواپیمایش ناپدید شد و دیگر از او اثری به‌دست نیامد. اگزوپری از نویسندگان برجسته‌ی فرانسه است و آثارش به بسیاری از زبان‌ها ترجمه شده است. از دیگر آثار او **خلبان جنگ**، **زمین انسان‌ها** و **پرواز شبانه** است.



البیّاتی، عبدالوهاب

(۱۹۹۹ ـ ۱۹۲۶م.)
شاعر عرب

در بغداد به‌دنیا آمد و در دمشق درگذشت. او، که از شاعران نوگرای عرب در عراق به‌شمار

می‌آید، در سال ۱۹۵۴م. به دلیل فعالیت‌های سیاسی از وطن خود آواره شد. بعدها حتی شناسنامه و گذرنامه‌ی عراقی‌اش را باطل کردند. مدتی در سوریه و بیروت و قاهره زندگی کرد و سپس به شوروی رفت. چند سال در دانشگاه مسکو به تدریس پرداخت. از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ را در قاهره و ۱۰ سال بعد از آن را در اسپانیا گذراند. پس از جنگ خلیج فارس، که صدام حسین کویت را اشغال کرد و در پی آن آمریکا به منطقه لشکر کشید و کویت را آزاد ساخت، به کشورش بازگشت. البیاتی بیش از سه ماه در عراق نماند، به سوریه رفت و تا پایان عمر در دمشق زیست. شعر البیّاتی عاطفی، ستیزه‌جو و آرمان‌گرایانه است. از آثار او **فرشتگان و شیطان**، **شعرهای تبعید** و **نوشته‌ای بر گل** است. شعرهای تبعید به فارسی ترجمه شده است.

همچنین نگاه کنید به:

قبّانی ، نازک‌الملائکه

اُلجایتو

(فوت ۷۱۶ ه.ق.)

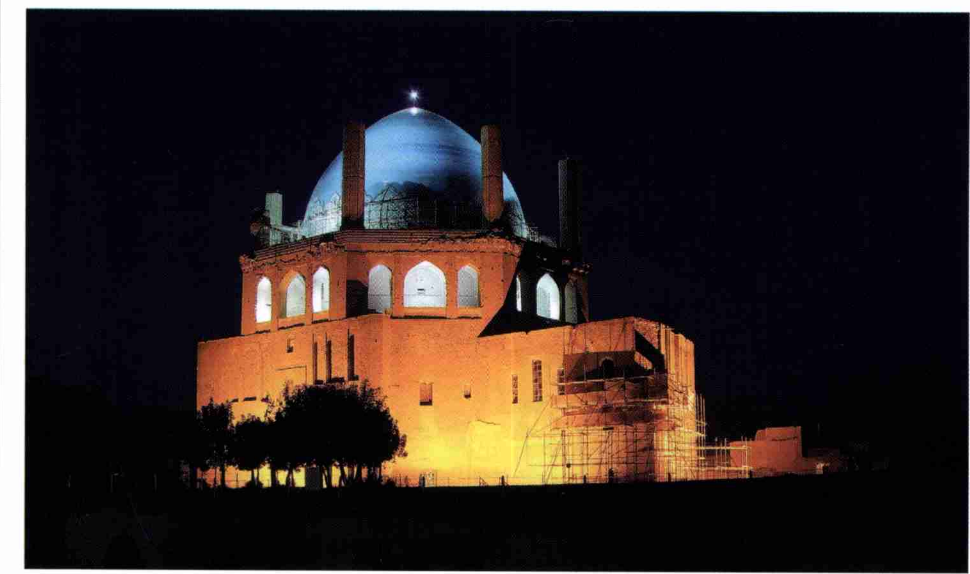
اولین پادشاه شیعه‌ی مغول

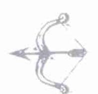
نامش سلطان محمد خدابنده، مشهور به اُلجایتو و از ایلخانان مغول بود. برادر غازان‌خان بود و پس از او به تخت سلطنت ایران نشست. الجایتو پایتخت خود را از تبریز به سلطانیه، در نزدیکی زنجان، انتقال داد و گنبد سلطانیه را در آن ساخت که در ارتفاع و عظمت، در میان ساختمان‌های قدیمی جهان، کم‌نظیر است. الجایتو مسلمان بود و چون از اختلاف شافعی و حنفی به تنگ آمده بود، به ارشاد علامه‌ی حِلّی، عالم شیعه‌ی آن عصر، مذهب تشیع را پذیرفت و اسامی ائمه‌ی شیعه را روی سکّه ضرب کرد. وزیر او، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مردی دانشمند، مؤلف کتاب **جامع‌التواریخ** و از مریدان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود. اُلجایتو هنگام دیدار از رصدخانه‌ی مراغه، با پسر خواجه نصیرالدین توسی ملاقات و او را به سِمت منجّم خود انتخاب کرد. کلمه‌ی الجایتو، به معنی سلطانِ آمرزیده است و گویا این لقب را بعد از شیعه شدن به این شاه داده‌اند. او به علت بیماری نِقرس درگذشت و در عمارت سلطانیّه مدفون گردید. پس از او فرزندش، ابوسعید بهادرخان، به پادشاهی رسید.

همچنین نگاه کنید به:

فضل‌الله همدانی ، علامه حلّی ، هلاکوخان

گنبد سلطانیه از نظر بزرگی و ارتفاع یکی از عظیم‌ترین بناها در میان آثار معماری جهان اسلام است.





اللەوردی‌خان

(فوت: ۱۰۲۳ ه.ق.)

سپهسالار شاه‌عباس صفوی

اللەوردی‌خان جوانی گرجی‌نژاد و ارمنی مذهب بود که به دستگاه شاه تهماسب صفوی وارد شد و اسلام آورد. بعد از درگذشت شاه تهماسب، به شاه‌عباس اول پیوست. وقتی شاه‌عباس کفایت و کاردانی او را دید، فرمان‌دهی سپاه تازه تأسیس خود به نام شاه‌سَوَن (شاه‌دوستان) را به او داد. چند سال بعد هم او را حاکم ولایت فارس کرد. اللەوردی‌خان با سرکوب کردن یاغی‌های لار، به ناامنی‌های فارس پایان داد و سپس با نیروی دریایی خود، بندر جَرون و بحرین را از دست اُمرای هرمز و پرتغالی‌ها گرفت و با ساختن قلعه‌ی عباسی در جرون به فارس برگشت. این سردار در محاصره‌ی بغداد و فتح ایروان در ارمنستان شرکت داشت و شکل‌گیری قدرت شاه‌عباس تا حد زیادی مدیون اوست. احداث پل اللەوردی‌خان (سی‌وسه پل) بر زاینده‌رود در اصفهان از اقدامات اوست. امام‌قلی‌خان، پسر اللەوردی‌خان، نیز از سرداران بزرگ شاه‌عباس بود.

همچنین نگاه کنید به:

امام‌قلی‌خان ، شاه‌عباس



الهی‌قمشه‌ای، مهدی

(۱۳۵۱ ـ ۱۲۷۸ ه.ش.)

استاد حکمت و عرفان و مترجم قرآن‌کریم

از خاندان الهی قمشه‌ای در قمشه (شهرضا)، اغلب افرادی با استعداد و اهل علم و فضل برخاسته‌اند. مهدی نیز از چنان هوش و استعدادی برخوردار بود که تا ۷ سالگی مقدمات دروس حوزوی را فراگرفت. در ۱۵



▲ امام‌قلی‌خان، سرداری شجاع، حاکمی آبادگر و مردی باایمان بود. او پرتغالی‌های استعمارگر را از خلیج فارس بیرون راند و در استوارسازی قدرت شاه عباس نقش بزرگی ایفا کرد.

سالگی به تدریس کتاب‌هایی چون مُغْنی و مُطَوَّل پرداخت که از کتاب‌های مهم حوزوی در ادبیات عرب است. او تحصیلات خود را در اصفهان و مشهد ادامه داد. هنگامی که به تهران رفت و با سیدحسن مدرس دیدار کرد، مدرس به او توصیه کرد در تهران بماند و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار (شهید مطهری امروز) به تحصیل و تدریس ادامه دهد. مدرسه‌ی عالی سپهسالار بعدها بخشی از دانشگاه تهران شد که دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات) نام گرفت و الهی قمشه‌ای یکی از استادان برجسته‌ی آن بود. الهی مردی عارف، حکیم، زاهد و در عین حال خوش‌ذوق و خوش‌محضر و بذله‌گو بود. از برجستگان حکمت اسلامی در قرون اخیر به‌شمار می‌رفت و عالمان بزرگی در محضرش تربیت شدند. به‌علاوه، یکی از نخستین کسانی است که **قرآن کریم** و **مفاتیح‌الجنان** را با نگارشی ساده و روان ترجمه کرد که سال‌هاست مورد استفاده‌ی مردم قرار دارد. **دیوان شعری** نیز از او باقی است.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:

سپهسالار ، مدرس



امام‌قلی‌خان

(مقتول: ۱۰۴۲ ه.ق.)

سپهسالار صفوی

امام‌قلی فرزند اللّه‌وردی‌خان و مانند پدرش فرمان‌دهی کاردان و لایق بود. به دستور شاه‌عباس، امام‌قلی‌خان با تدبیری که به کار بست، با انگلیسی‌ها در جنوب ایران مذاکره کرد و به کمک آنان، علاوه بر تصرف قلعه‌ی هرمز در خلیج فارس، پرتغالی‌ها را نیز از بندر گُمبرون بیرون کرد. از آن پس، این بندر، بندرعباس نامیده شد. پس از شاه‌عباس، شاه‌صفی به سلطنت رسید. او که مردی بی‌رحم و عیّاش و بی‌تدبیر بود، در حالت مستی و به تحریک بعضی از درباریان، دستور قتل امام‌قلی و کشتن و کور کردن ۵۲ تن از اعضای خانواده‌اش را صادر کرد. امام‌قلی‌خان مردی آبادگر بود. در شیراز مدرسه‌ی خان را ساخت و از ملّاصدرای شیرازی دعوت کرد برای تدریس به آن‌جا بیاید. این مدرسه هنوز باقی است.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:

اللّه‌وردی‌خان ، شاه‌عباس ، ملاصدرا



اِمرَؤُالقیس

(۵۴۰ ـ ۵۰۰ م.)

شاعر عرب جاهلی

در نجد عربستان زاده شد. حدود یک قرن قبل از ظهور اسلام می‌زیست. یکی از مشهورترین شاعران جاهلی عرب و برترین آن‌هاست. **مُعلّقه‌ی اول** از معلّقات سبع (هفت شعر آویخته به کعبه) از اوست. فرزند فرمان‌روای بنی‌اسد بود و وقتی پدرش کشته شد، به خون‌خواهی او برخاست و از ژوستی‌نین قیصر روم کمک گرفت. قیصر از او حمایت کرد و حکومت فلسطین را نیز به وی داد. اِمرؤالقیس در راه رفتن به فلسطین بود که به بیماری آبله دچار شد و درگذشت. این شاعر را در اسلام مَلِک ضِلّیل، پادشاه گمراه، می‌گفتند. در نهج‌البلاغه آمده است که چون از حضرت علی(ع) سؤال شد که بهترین شاعر عرب کیست؟ فرمود: «شاعران همه به یک گونه شعر نسروده‌اند که بتوان آن‌ها را با یک‌دیگر مقایسه کرد. ولی اگر ناچار باشیم اسم ببریم، ملک ضلّیل یعنی اِمرؤالقیس بهترین شاعر عرب است.»



امیدوار، عیسی و عبدالله

جهان‌گردان ایرانی

عیسی و عبدالله امیدوار، پسران علی‌اکبر امیدوار بودند که با خانواده‌ی خود از طالقان به تهران آمده و در این شهر ساکن شده بود. این دو برادر از نوجوانی اهل دوچرخه‌سواری و ورزش کوه‌نوردی و سفر بودند. آن دو از سال ۱۳۳۳، سفر دور دنیای خود را با موتورسیکلت از تهران آغاز کردند و ۱۰ سال، در دو مرحله سراسر خشکی‌های کره‌ی زمین را از نواحی قطبی شمال کانادا گرفته تا جنوبی‌ترین بخش

قاره‌ی آمریکا پیمودند. آنان از این ۱۰ سال، ۷ سال را با موتورسیکلت و ۳ سال را با خودرویی که کارخانه‌ی سیتروئن فرانسه به آن‌ها هدیه داد، مسافرت کردند. عیسی و عبدالله توانستند طی این مدت، جنگل‌های آمازون، کشورهای اطراف آفریقا، آمریکا، کانادا، استرالیا، هند، پاکستان، اروپا و کشورهای خاورمیانه را قدم به قدم زیر پا بگذارند. آن‌ها حتی با عبور از بیابان‌های شنی و ناهموار ربع‌الخالی عربستان، به مکه رفتند و به زیارت خانه‌ی خدا نایل شدند. شهرت برادران امیدوار در همان زمان جهان‌گیر شد. در بسیاری از کشورها، با رؤسای جمهوری، نخست‌وزیران، پادشاهان و دیگر مقامات ملاقات کردند و هر جا که توانستند، با سخن‌رانی یا گزارش مطبوعاتی، مردم را در جریان سفرهای خود قرار دادند.

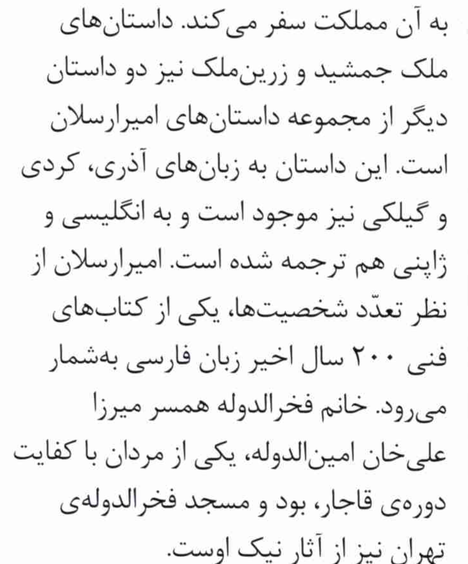
عبدالله سرانجام در کشور شیلی ماندگار شد و یک مرکز سینمایی تأسیس کرد. سپس به انتشار دو مجله پرداخت. عیسی نیز به ایران برگشت. **سفرنامه‌ی برادران امیدوار** به صورت کتاب منتشر و بارها چاپ شده است. در مجموعه‌ی سعدآباد تهران، موزه‌ای به نام این دو برادر تأسیس شده است و بازدیدکنندگان می‌توانند با جزئیات زندگی پرماجرای آن‌ها آشنا شوند.



امیرارسلان نام‌دار

قهرمان داستان‌های عامیانه

امیرارسلان قهرمان اصلی داستان مردمی و عامه‌پسند مفصلی اثر میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، نقّال و داستان‌گوی دربار ناصرالدین‌شاه قاجار، است. فخرالدوله، دختر ناصرالدین‌شاه، این داستان‌ها را می‌شنید و می‌نوشت و از این طریق، داستان امیرارسلان برجای ماند. امیرارسلان جوانی دلاور و زیبا از سرزمین روم یا آسیای صغیر است که برای رسیدن به دختر پادشاه فرنگ، فرّخ‌لقا، به آن مملکت سفر می‌کند. داستان‌های ملک جمشید و زرین‌ملک نیز دو داستان دیگر از مجموعه داستان‌های امیرارسلان است. این داستان به زبان‌های آذری، کردی و گیلکی نیز موجود است و به انگلیسی و ژاپنی هم ترجمه شده است. امیرارسلان از نظر تعدّد شخصیت‌ها، یکی از کتاب‌های فنی ۲۰۰ سال اخیر زبان فارسی به‌شمار می‌رود. خانم فخرالدوله همسر میرزا علی‌خان امین‌الدوله، یکی از مردان با کفایت دوره‌ی قاجار، بود و مسجد فخرالدوله‌ی تهران نیز از آثار نیک اوست.



هم‌چنین نگاه کنید به:

امین‌الدوله ، حسین کرد شبستری



امیر اسماعیل سامانی

(فوت: ۲۹۵ ه.ق.)

پادشاه سامانی

سامان خُدات (خداوند یا ارباب روستای سامان) از بزرگان بلخ بود. او از دین زرتشتی، به اسلام گروید و فرزندانش بعد از او به حکم‌رانی خراسان و ماوراءالنّهر رسیدند. امیر اسماعیل یکی از نوادگان سامان خدات و فرزند امیر احمد سامانی و جانشین او بود و خراسان را از دست صفّاریان بیرون آورد. مازندران (طبرستان) را نیز از محمدبن زید، امیر علوی آن سرزمین، گرفت و سپس قسمت بیش‌تر ایران مرکزی تا حوالی بغداد را تصرف کرد. در زمان امیر اسماعیل، تمدن اسلامی ـ ایرانی در منطقه‌ی ماوراءالنّهر و به‌ویژه در



▲ قصه‌ی امیرارسلان نام‌دار در میان قصه‌های عامیانه‌ی مردم ایران جایگاه ویژه‌ای دارد.



امیر عبدالقادر پیش‌گام مبارزه با استعمار فرانسه در شمال آفریقا و الجزایر بود.

سمرقند و بخارا، چنان شکوفا شد که از آن در حکم عصر طلایی تمدن اسلامی نام می‌برند. دانشمندانی مانند رازی و فارابی و بوعلی‌سینا و ابوریحان بیرونی، در این عصر زندگی می‌کردند. امیر اسماعیل را **امیر عادل** می‌خواندند. زیرا به سربازانش اجازه نمی‌داد در جنگ‌ها به اموال و زنان و کودکان دست‌درازی کنند. پایتخت حکومت امیر اسماعیل شهر بخارا و وزیرش ابوالفضل بلعمی، مردی دانشمند بود.



امیر عبدالقادر

(۱۸۸۳ ـ ۱۸۰۸م.)

نخستین رهبر ضد استعمار الجزایر

امیر عبدالقادر فرزند یک روحانی الجزایری بود که با تأسیس **انجمن برادران دینی** با فرانسویان استعمارگر مبارزه می‌کرد. فرزند نیز راه پدر را ادامه داد و تا آخر عمر این مسیر را پیمود. هنگامی که امیر عبدالقادر به سفر حج رفت، از مصر دیدار کرد و با اصلاحات محمدعلی پاشا آشنا شد. آن‌جا بود که اندیشه‌ی مبارزه با استعمارگران در او بیش‌تر قوت گرفت. وقتی به الجزایر بازگشت، قبایل این کشور را، که با فرانسویان می‌جنگیدند، متحد کرد و از آن پس سال‌ها با فرانسویان در صلح یا جنگ بود تا سرانجام او را دستگیر و ۵ سال زندانی کردند. امیر عبدالقادر وقتی از زندان آزاد شد، به کشور عثمانی رفت و چند سال در شهر بورسا ماند. آن‌گاه در دمشق مقیم شد و حدود ۳۰ سال در این شهر بود تا درگذشت. پیکر او را در کنار مزار محی‌الدین ابن‌عربی دفن کردند. الجزایر سرانجام در سال ۱۹۶۲م. به استقلال رسید. آن‌گاه انقلابیون جسد امیر عبدالقادر را از دمشق به این کشور منتقل کردند و در وطن خودش به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بن‌بلا



امیرکبیر، میرزا تقی‌خان

(۱۲۶۸ ـ ۱۲۲۰ ه.ق.)

نخستین صدراعظم ناصرالدین‌شاه

فرزند کربلایی قربان، آشپزِ خانواده‌ی



قائم‌مقام فراهانی بود. در هزاوه‌ی فراهان متولد شد. دوره‌ی نوجوانی را در خانه‌ی قائم‌مقام در تهران سپری کرد و با توجه به استعداد شگرفش، مورد حمایت او قرار گرفت. در جوانی وارد دستگاه ولی‌عهد (ناصرالدین میرزا) در تبریز شد. در تبریز همراه ولی‌عهد، برای ملاقات با تزار روس به اوچ‌کلیسا در ارمنستان اعزام شد. اندکی بعد نیز به ریاست قشون آذربایجان منصوب شد و به **امیرنظام** مشهور گردید. فرستادن امیرکبیر از سوی محمدشاه به ارزروم عثمانی برای حل اختلافات میان دو کشور، که با کاردانی امیرکبیر حل شد، لیاقت و کاردانی او را بیش از پیش آشکار ساخت. پس از مرگ محمدشاه، جانشین او ناصرالدین‌شاه، میرزا تقی‌خان را صدراعظم خود کرد و لقب **امیرکبیر** به او داد. امیرکبیر در مدت کوتاهی به اصلاحات مهمی در کشور دست زد؛ بسیاری از حاکمان نالایق را برکنار کرد و افراد شایسته‌ای به جای آن‌ها گمارد. قشون را منظم کرد؛ مالیات‌های عقب‌افتاده را گرفت؛ شهرها و راه‌ها را امن کرد؛ حقوق نابجای درباریان را دیگر نپرداخت؛ تولیدکنندگان اقتصاد و صنعت را تشویق و حمایت کرد؛ از دخالت‌های بی‌جای شخصیت‌های بانفوذ در امور جلوگیری و فتنه‌ی بابیّه را نیز با اعدام سیدعلی محمد باب سرکوب کرد و.... در زمینه‌ی فرهنگی نیز امیرکبیر دارالفنون را تأسیس کرد که پس از مرگش افتتاح شد و منشأ پیشرفت‌های بعدی کشور گردید. علاوه بر این روزنامه‌ی **وقایع‌اتفاقیه** را منتشر و چاپ‌خانه‌ای نیز تأسیس کرد. سیاست خارجی کشور را بر اساس دوستی با کشورها قرار داد. اقدامات امیرکبیر با مخالفت عده‌ای از درباریان منفعت‌جو روبه‌رو شد. سرانجام ناصرالدین‌شاه پس از سه سال او را برکنار و به کاشان تبعید کرد. چندی بعد مخالفانِ امیر، دستور قتل او را از شاه گرفتند و

در کوتاه‌ترین مدت، حکم را در حمام فین‌کاشان اجرا کردند و با زدن رگ‌های دست امیرکبیر، به زندگیِ ۴۴ ساله‌ی این مرد بزرگ خاتمه دادند. جسد او را به کربلا بردند و به خاک سپردند. از امیرکبیر دو دختر باقی ماند که بعدها یکی از آن‌ها همسر مظفرالدین شاه شد و محمدعلی شاه از او متولد گردید. امیرکبیر با بیسمارک، صدراعظم آلمان، معاصر بود. از این‌رو پاره‌ای به او لقب بیسمارک ایران داده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بیسمارک ، ناصرالدین شاه



امیرنظام گرّوسی، حسن‌علی‌خان

(۱۲۳۷ ـ ۱۳۱۷ ه‍.ق.)

والی، فرمان‌ده نظامی و نویسنده

حسن‌علی‌خان امیرنظام گرّوسی از مردان خوش‌نام و با کفایت دوره‌ی قاجار بود. در بیجار گرّوس، در خانواده‌ای به‌دنیا آمد که افراد آن از زمان صفویّه، اغلب در منصب‌های حکومتی و فرمان‌دهی بودند. حسن‌علی‌خان نخستین بار در لشکرکشی محمدشاه به هرات، شرکت داشت. از آن پس هم در منصب‌های گوناگون سیاسی و نظامی در ایران و خارج از آن خدمت کرد. حاکم گرّوس، سرکوبی شورش بابی‌ها در زنجان، حاکم موقت هرات، وزیر مختار ایران در پاریس و لندن، سفیر ایران در عثمانی، ساخت قسمتی از راه هراز و فرمان‌دهی قشون آذربایجان از مسئولیت‌ها و خدمات اوست. در ماجرای نهضت تنباکو، در تبریز رئیس قشون بود. ناصرالدین‌شاه از تهران فرمان داد که امیرنظام، اگر لازم باشد، با شلیک به مردم غائله را پایان دهد. اما او فرمان را نپذیرفت و جواب داد که سربازان هم جزو مردم هستند و هرگز بر ضد آنان تفنگ‌ها را آتش نخواهند کرد. به همین سبب، شاه او را از فرمان‌دهی عزل و به تهران احضار کرد. گروسی هنگامی که والی کرمان و بلوچستان بود، درگذشت. پیکر او در ماهان کرمان، در بارگاه شاه نعمت‌اللّه‌ولی به خاک سپرده شد. امیر نظام مردی ادیب، خوش‌خط و باسواد بود. از او **پندنامه‌ی یحیویّه** خطاب به فرزندش یحیی، باقی مانده که اثری باارزش و از نظر تربیتی سودمند است.



امین‌الدوله، میرزا علی‌خان

(۱۲۶۰ ـ ۱۳۲۲ ه‍.ق.)

شخصیت سیاسی ـ فرهنگی عهد ناصرالدین‌شاه

فرزند محمدخان مجدالملک سینَکی بود و در تهران به‌دنیا آمد. در نوجوانی از تعلیم و تربیت خوبی برخوردار شد و در ۱۹ سالگی نایب اول وزارت خارجه گشت. مردی کاردان و اهل خدمت بود و در دستگاه ناصرالدین‌شاه به مقامات متعدد رسید و از سوی او مأمور شد قانون جامعی برای اداره‌ی کشور تدوین کند. چندی قبل از کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه، به استان‌داری آذربایجان منصوب شد و در آن‌جا به اصلاحات زیادی دست زد. میرزا حسن رشدیه را به تبریز دعوت کرد و به او کمک کرد تا مدرسه‌ی رشدیه را تأسیس کند. پس از قتل ناصرالدین شاه، مظفرالدین‌شاه، امین‌الدوله را به تهران خواست و او را صدراعظم خود کرد. امین‌الدوله در تهران نیز اصلاحاتی انجام داد. به کمک رشدیه، مدارس جدید را توسعه داد؛ انجمن معارف را تأسیس کرد؛ اشخاص بی‌کاره را از دولت اخراج کرد؛ امور گمرک را سر و سامان داد و بر درآمد کشور افزود. تأسیس کارخانه‌ی قند کهریزک و کارخانه‌ی کبریت‌سازی در الهیه‌ی شمیران نیز از اقدامات اوست. امین‌الدوله اواخر عمر را در لشت‌نشای گیلان، در املاک خود گذراند و همان‌جا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

امیرارسلان نامدار ، ناصرالدین شاه ، رشدیه

امین‌الضّرب، محمدحسن

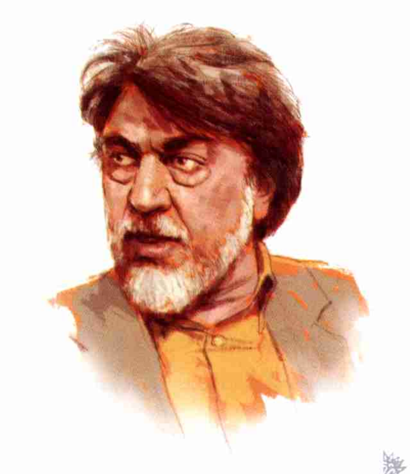
(۱۲۵۳ ـ ۱۳۲۴ ه‍.ق.)

بازرگان و سرمایه‌دار دوره‌ی قاجار

نامش حاج محمدحسن اصفهانی بود. چون در زمان ناصرالدین‌شاه، مسئولیت ضرب سکّه را به او داده بودند، به امین‌الضّرب مشهور شد. تریاک که در آن زمان به عنوان دارو و مسکن مصرف می‌شد، تجارت می‌کرد و از این راه سود بسیار اندوخت. سرمایه‌اش را در احداث صنایع و کارخانه‌ها به‌کار انداخت. ساخت نخستین کارخانه‌ی برق در تهران، کارخانه‌ی بلورسازی و چینی‌سازی، کارگاه ابریشم‌تابی در گیلان، بنای کاروان‌سرای حسن‌آباد و کشیدن راه‌آهن میان محمودآباد و آمل از کارهای اوست. هنگامی که سیدجمال‌الدین اسدآبادی به تهران آمد، امین‌الضّرب میزبان او بود و پس از اخراج سید از ایران، به دستور ناصرالدین‌شاه، کیف مدارک و اسناد او در اختیار امین‌الضّرب قرار گرفت تا آن را برای سید بفرستد. اما این کیف نزد امین‌الضّرب باقی ماند تا این که بعدها نوادگانش آن را گشودند و این امر در روشن کردن هویّت ایرانی سید مؤثر بود. فرزند امین‌الضّرب، حاج محمدحسین، از بازرگانان بزرگ تهران بود و در وقایع مشروطه نقش مهمی ایفا کرد و نماینده‌ی مجلس شد. امین‌الضّرب‌ها در عین داشتن ثروت بسیار، فرهنگ‌دوست نیز بودند. یکی از فرزندان محمدحسین امین‌الضّرب به نام دکتر **یحیی مهدوی**، استاد ممتاز فلسفه‌ی دانشگاه تهران بود و شاگردان برجسته‌ای تربیت و کتاب‌های زیادی به دانشگاه اهدا کرد. فرزند دیگرش دکتر **اصغر مهدوی** نیز استاد دانشگاه و کتاب‌شناسی برجسته بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اسدآبادی ، مهدوی



امین‌پور، قیصر

(۱۳۸۶ _ ۱۳۳۸هـ.ش.)
شاعر و استاد دانشگاه

قیصر در گُتوند، از توابع دزفول، متولد شد. دیپلم خود را در همان‌جا گرفت و به رشته‌ی پزشکی رفت. اما آن را رها کرد و رشته‌ی جامعه‌شناسی را برگزید. در این رشته هم نماند و به ادبیات فارسی روی آورد. او این رشته را تا مرحله‌ی دکتری، با نوشتن پایان‌نامه‌ای با درجه‌ی عالی به انجام رساند. امین‌پور از شاعران طلیعه‌ی انقلاب اسلامی بود. اولین فعالیت‌های شعری و ادبی خود را در حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی، که بعدها حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی نام گرفت، شروع کرد و اشعارش خیلی زود مورد توجه واقع شد. **شعری برای جنگ** او یکی از بهترین اشعاری است که تاکنون درباره‌ی جنگ تحمیلی سروده شده است. امین‌پور هم در حوزه‌ی بزرگ‌سالان و هم در حوزه‌ی نوجوانان آثاری پدیدآورده است: **تنفس صبح**، **مثل چشمه مثل رود**، **آینه‌های ناگهان**، **گل‌ها همه آفتاب‌گردان‌اند** و **دستور زبان عشق** از آثار اوست. امین‌پور در آبان ماه ۱۳۸۶ در پی بیماری درگذشت و در زادگاهش گتوند به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:

حسینی (سید حسن) ، هراتی



امین عاملی، سیدمحسن

(۱۳۳۰ _ ۱۲۴۳هـ.ش.)
رهبر شیعیان لبنان

عالمی روشن‌بین بود و در بیداری شیعیان لبنان نقش مهمی بازی کرد؛ از این‌رو، او را **مجتهد اکبر** نامیده‌اند. در روستای شقرا از توابع جبل‌عامل لبنان به‌دنیا آمد. در لبنان و نجف درس خواند و در دمشق مستقر شد. در آن‌جا خدمات زیادی انجام داد و برای رشد فرهنگی مردم مدرسه‌ی پسرانه و دخترانه تأسیس کرد. دیدگاه‌های اصلاحی و انتقادی او در مورد عزاداری‌های ماه محرم برای امام حسین(ع) او را معروف ساخته است. سیدمحسن امین بیش از ۵۰ سال در دمشق زندگی کرد و در ۸۷ سالگی در بیروت درگذشت. پیکرش را در زینبیّه‌ی دمشق به خاک سپردند. اثر معروف او **اعیان‌الشیعه** در ۵۶ جلد است که معرفی ۱۱۷۳۳ تن از بزرگان شیعه را شامل می‌شود.

همچنین نگاه کنید به:

صدر (سید موسی) ، شرف‌الدین



انتظامی، عزت‌الله

(تولد: ۱۳۰۴هـ.ش.)
بازیگر

در محله‌ی سنگلج تهران به‌دنیا آمد. فعالیت هنری خود را با پیش‌پرده‌خوانی در تماشاخانه‌های لاله‌زار آغاز کرد و زیر نظر عبدالحسین نوشین به بازیگری پرداخت. چندی به آلمان رفت و در مدرسه‌ی سینما و تئاتر تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران، از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک دانشگاه تهران نیز مدرک لیسانس گرفت. انتظامی نخست در نمایش‌نامه‌های معروفی چون **خانه‌ی عروسک**، **کرگدن** و **امیرارسلان** بازی کرد. اما شکوفایی او در سینما با فیلم **گاو** در نقش مش حسن به کارگردانی داریوش مهرجویی آغاز شد که شهرت و محبوبیت بسیار برایش به‌همراه آورد. بعضی از فیلم‌های دیگری که انتظامی در آن‌ها ایفای نقش کرده، عبارت است از: **آقای هالو**، **کمال‌الملک**، **روز واقعه**، **هامون**، **روسری آبی** و **خانه‌ای روی آب**. در تلویزیون نیز، در مجموعه‌ی **هزاردستان**، به

▼ به پاس تلاش‌های انتظامی در عرصه‌ی سینما، تندیس او، به دست حمید کنگرانی ساخته و در خانه‌ی هنرمندان تهران نصب شده است.



کارگردانی علی حاتمی، ایفای نقش کرده است. انتظامی تاکنون جوایز بسیاری از جشنواره‌های داخلی، خارجی و جهانی دریافت کرده است. فرزند او، مجید انتظامی نیز، آهنگ‌سازی تواناست.

همچنین نگاه کنید به:
حاتمی ، ساعدی ، مهرجویی



اندرزگو، سیدعلی

(۱۳۵۷ـ ۱۳۱۸ه.ش.)

مبارز سیاسی

در حوالی میدان شوش تهران به‌دنیا آمد. از ۱۲ سالگی در یک نجاری به کار مشغول شد و ضمن کار روزانه، شب‌ها در مسجد هرندی، به یادگیری دروس حوزوی پرداخت. آشنایی اندرزگو با حاج صادق امانی، که بعدها به اتهام شرکت در ترور حسن‌علی منصور اعدام شد، او را به صحنه‌ی مبارزه‌ی سیاسی کشاند. اندرزگو یکی از اعضای گروه ترور بود که فرار کرد؛ ولی رژیم پهلوی او را به طور غیابی به اعدام محکوم ساخت. از آن پس، اندرزگو در حالی که ساواک همه جا در تعقیب او بود، ۱۵ سال در داخل و خارج کشور، به فعالیت سیاسی و نظامی ادامه داد. او مدتی به صورت طلبه، در حوزه‌ی علمیه‌ی چیذر شمیران درس خواند و سپس ازدواج کرد. مدتی نیز در افغانستان، سوریه، لبنان و عراق بود و با امام خمینی، که آن زمان در نجف در تبعید به‌سر می‌برد، تماس داشت. سرانجام، ساواک ردّ او را یافت و در شهریور ۱۳۵۷، در ماه‌هایی که انقلاب اسلامی در حال اوج گرفتن بود، در خیابان سقّاباشی تهران مأموران او را محاصره کردند تا دستگیرش کنند. اما چون تسلیم نشد، به شهادت رسید. ساواک، اندرزگو را یک بایگانیِ متحرک از فعالیت‌های اسلامی و مبارزه‌ی گروه‌های چریکی مسلمان از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به بعد می‌دانست. اندرزگو نام‌های مستعار متعددی داشت که مشهورترین آن‌ها شیخ عباس تهرانی بود.



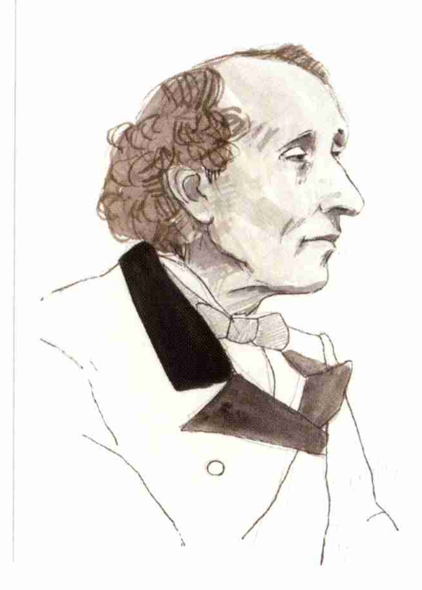
اندرسن، هانس کریستیان

(۱۸۷۵ ـ ۱۸۰۵م.)

قصه‌نویس کودکان

در یکی از شهرهای دانمارک متولد شد و تنها فرزند خانواده بود. پدرش کفاش فقیری بود. به هانس علاقه‌ی زیادی داشت؛ به همین سبب، برایش اسباب‌بازی می‌خرید و کتاب‌های تخیلی مثل قصه‌های هزارویک‌شب را با صدای بلند برای او می‌خواند. بدین ترتیب، قوه‌ی تخیل هانس تقویت و از خردسالی، به قصه و داستان علاقه‌مند شد. پدرش خیلی زود درگذشت و هانس در ۱۴ سالگی، به کپنهاگ، پایتخت دانمارک، رفت و در آن‌جا به نوشتن قصه و بازآفرینی افسانه‌ها پرداخت و در این رشته به چهره‌ای برجسته تبدیل شد. **فرشته‌ی دریایی کوچولو**، **هزاردستان**، **جوجه اردک زشت**، **قصه‌ی ملکه‌ی برفی** و **دخترک کبریت‌فروش** از آثار اوست. سال‌روز تولد هانس کریستیان اندرسن از طرف سازمان ملل متحد، روز جهانی کتاب کودک نام‌گذاری شده است و هر سال در این روز، به یکی از بهترین آثار نوشته شده برای کودکان، جایزه می‌دهند. از ایران، هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده‌ی معروف، برنده‌ی این جایزه شده است. مجموعه‌ی آثار هانس کریستیان اندرسن در ایران ترجمه و بارها به چاپ رسیده است.

▼ قصه‌گویی‌های پدر در خردسالی، هانس را به مقام بزرگ‌ترین قصه‌نویس کودکان رساند.



همچنین نگاه کنید به:
مرادی کرمانی



انصاری، خواجه عبدالله

(۴۸۱ ـ ۳۹۶ ه.ق.)

عارف، مفسّر و محدّث

از نسل ابوایوب انصاری، صحابی رسول‌خدا ﷺ بود و در هرات، در افغانستان امروز، چشم به جهان گشود. از کودکی زبانی گویا و طبعی توانا و حافظه‌ای قوی داشت. شعر نیکو می‌سرود و احادیث بسیاری را از راویان مورد اعتماد فراگرفت. مانند دیگر عارفان، اهل سیر و سفر بود و به دیدار اولیای خدا علاقه داشت. سخن‌پرور و سخن‌پرداز بود و نثر مسجّع او در کتاب **مناجات‌نامه**، نمونه‌ی اعلای این نثر در زبان فارسی است. تألیفاتی دارد که معروف‌ترین آن‌ها **تفسیر قرآن**، **مناجات‌نامه** و **منازل‌السّائرین** است. خواجه عبدالله در هرات درگذشت. بعدها رشیدالدین ابوالفضل میبدی بر اساس تفسیر قرآن خواجه عبدالله، تفسیر بسیار مفصلی به نام تفسیر کشف‌الاسرار و عدّةالابرار نوشت که در ده جلد به چاپ رسیده است.



انصاری، مرتضی

(۱۲۸۱ ـ ۱۲۱۴ هـ.ق.)

فقیه شیعه

شیخ مرتضی انصاری، معروف به شیخِ انصاری، از علمای بزرگ شیعه در دو قرن اخیر است که به او شیخ اعظم و خاتم‌الفقها لقب داده‌اند. نسب او به جابربن عبدالله انصاری، از صحابه‌ی پیامبر، می‌رسد. در دزفول متولد شد. در جوانی با پدرش به عتبات رفت و ۴ سال در آن‌جا درس خواند. اما به دلیل بحران‌های سیاسی زمان خود، نتوانست به تحصیل ادامه دهد و به دزفول بازگشت. سپس به مشهد، اصفهان، بروجرد و کاشان سفر کرد و ۳ سال نزد ملا احمد نراقی در کاشان درس خواند و به عراق بازگشت. هنگامی که عالم بزرگ نجف، شیخ محمدحسن صاحب جواهر، درگذشت، شیخ انصاری به جای او مرجع تقلید شد. شیخ انصاری را مبتکر علم اصول جدید و یکی از نوابغ فقهی شیعه دانسته‌اند. شاگردان بسیاری در درس او حضور می‌یافتند که عده‌ای از آنان، مانند میرزای شیرازی و آخوند خراسانی، از علمای بزرگ شدند. **رسائل** در علم اصول و **مکاسب** در فقه، تألیف شیخ مرتضی انصاری، از دقیق‌ترین کتاب‌ها در این علوم است و هنوز در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آخوند خراسانی ، میرزای شیرازی



انوشیروان

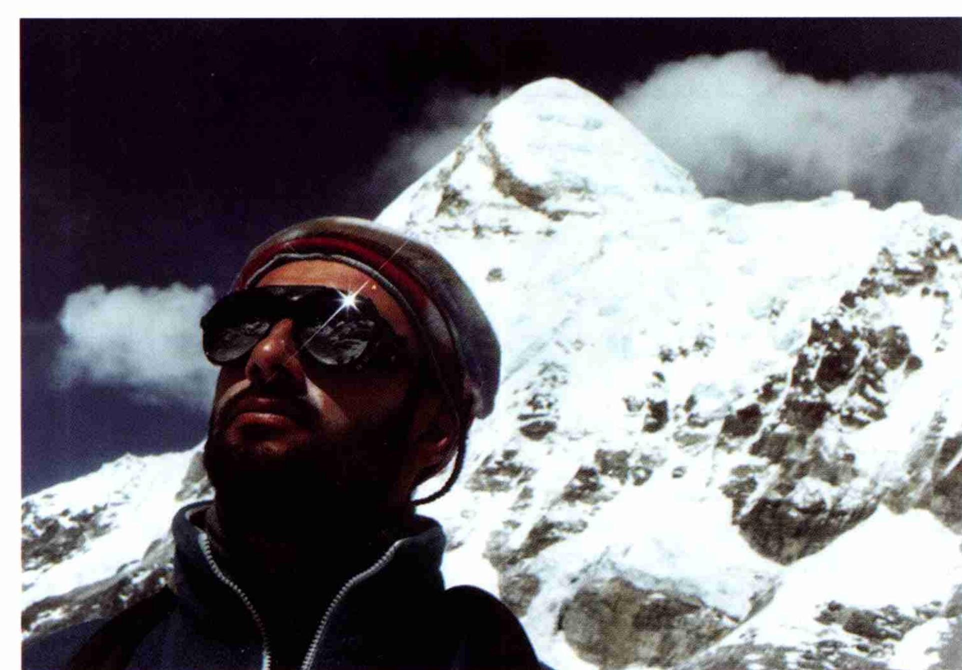
(فوت: ۵۷۹ م.)

پادشاه ساسانی

انوشیروان (یا انوشه‌روان به معنای روان جاوید) پسر قباد و بیست و یکمین پادشاه ساسانی بود. بزرگ‌ترین جنگ‌های انوشیروان، مانند شاهان اشکانی و ساسانیِ پیش از او، با رومیان بود. او با سه جنگ که با ژوستی‌نین امپراتور روم شرقی کرد توانست او را به صلح وادار کند. در زمینه‌ی داخلی هم طی ۴۸ سال سلطنت خود، ایران را به یکی از درخشان‌ترین دوره‌ها در عصر ساسانی رساند. از مالیات‌ها کاست و حتی مناطق محروم را از مالیات معاف کرد؛ فرمان‌داران کاردان و مورد اعتمادی برای مناطق گذاشت؛ کشاورزی را رونق داد؛ ارتش را مجهز و مرفّه کرد و مجرمان را به جزای خود رساند. در زمینه‌ی معماری نیز در زمان او ساختِ طاق‌های قوسی شکل، که طاق کسری نمونه‌ای از آن است، رواج یافت. این معماری بعد از اسلام در ساخت مسجدها نیز جلوه‌گر شد. انوشیروان دوست‌دار حکمت و فلسفه بود و با حکیمان و دانایان هم‌نشین و هم‌صحبت می‌شد. هفت نفر از دانشمندان رومی را، که ژوستی‌نین از کشورش اخراج کرده بود، پذیرفت و سر سفره با آن‌ها غذا می‌خورد. ساخت مدرسه‌ی طبی جندی‌شاپور نزدیک شوش، که بعدها به بیمارستان و دانشگاه تبدیل شد، از اقدامات اوست. بزرگمهرِ حکیم، وزیر او بود و می‌گویند این وزیر کتاب کلیله و دمنه و بازی شطرنج را از هند به ایران آورد. مجموع این رفتارها، سبب شد که او را انوشیروان عادل بنامند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بزرگمهر

▲ انوشیروان بارها بلیزاریوس سردار رومی را شکست داد.



محمد اوراز



اوتیس، الیشا

(۱۸۶۱ _ ۱۸۱۱م.)

مخترع آسانسور ایمن

اوتیس آسانسور را اختراع نکرد؛ بلکه کاری کرد که استفاده از آن در همه جا امکان‌پذیر شود؛ زیرا پیش از آن، از این وسیله فقط برای بالا بردن بار استفاده می‌کردند. اوتیس، که مکانیک ارشد کارخانه‌ی تخت‌خواب‌سازی بود، هنگامی که برای نصب ماشین‌آلات در کارخانه‌ای کار می‌کرد، آسانسور ضد سقوط خود را طراحی و اختراع کرد. او برای این‌که ایمنی آسانسور اختراعی خود را نشان دهد، خودش در آسانسور سوار شد و وقتی بالا رفت، دستور داد طناب‌های نگهدارنده‌ی آن را قطع کنند و همه دیدند که آسانسور با مشکل روبه‌رو نشد. بدین ترتیب، او اولین آسانسور را برای انتقال مسافر در یکی از ساختمان‌های نیویورک راه‌اندازی کرد. سپس شرکت اوتیس را، که اکنون از بزرگ‌ترین و معتبرترین شرکت‌های ساخت آسانسور در جهان است، بنیان نهاد.



اوراز، محمد

(۱۳۸۲ _ ۱۳۴۸ه.ش.)

کوه‌نورد ایرانی

محمد اوراز در شهر نَقَده به‌دنیا آمد. پس از دریافت دیپلم به دانشگاه ارومیه رفت و مدرک کارشناسی تربیت بدنی گرفت. عاشق کوهستان و صعود به قله‌های بلند بود. پس از آن که در داخل کشور، قله‌های فراوانی را فتح کرد، به صعود از قله‌های مشهور دیگر کشورها پرداخت. نخست به پاکستان رفت و قله‌ی ۷۷۸۸ متری اِکایوشی را فتح کرد. سال بعد به هیمالیا رفت و با سه ایرانی دیگر، در زمره‌ی اولین کوه‌نوردان مسلمان، اِورست را فتح کردند. اوراز پس از آن باز هم به قله‌های دیگری از هیمالیا صعود کرد و در ترکیه نیز قله‌ی آرارات را فتح کرد. این کوه‌نورد نام‌دار، در سال ۱۳۸۲، در حالی که تا ارتفاع ۷۳۰۰ متری کوه گاشِربروم، یکی از قله‌های مرتفع در پاکستان، بالا رفته بود، همراه با کوه‌نورد همراهش، هنرپژوه، از ارتفاع سقوط کرد. آن دو را به بیمارستان شفا، در پاکستان رساندند؛ ولی محمد اوراز جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.



اِورِست، سِر جورج

(۱۸۶۶ _ ۱۷۷۷ م.)

کاشف قله‌ی اورست

در وِیلز، یکی از سه ناحیه‌ی اصلی بریتانیا، به‌دنیا آمد. بعد از تحصیلات مقدماتی به نقشه‌برداری و اندازه‌گیری ارتفاعات بلند علاقه‌مند شد و به این کار پرداخت. دولت انگلستان، که در آن زمان هندوستان را مستعمره کرده بود، اورست را برای کار به این کشور اعزام کرد. اورست در هند به نقشه‌برداری در ایالت‌های گوناگون پرداخت و برای اندازه‌گیری ارتفاع قله‌های رشته کوه هیمالیا، به مرز تبّت و نپال رفت. در آن‌جا بلندترین قله را کشف کرد و ارتفاع آن را نیز اندازه گرفت که ۸۸۸۲ متر بود. این قله از آن پس به نام او، اورست نامیده شد که بلندترین قله‌ی روی زمین است. حدود صد سال بعد، در سال ۱۹۵۳، کوه‌نوردی به نام **ادموند هیلاری** توانست به قله‌ی اورست صعود و نام خود را در مقام فاتح اورست ثبت کند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هیلاری



اوگوستین قِدّیس

(۴۳۰ _ ۳۵۴ م.)

از رهبران بزرگ دین مسیح

اوگوستین قدیس یکی از چهره‌های شگفت‌انگیز در تاریخ مسیح است. اهل کارتاژ (تونس امروز) در شمال آفریقا بود که آن زمان، بخشی از امپراتوری روم به‌شمار می‌رفت. از ۱۶ سالگی به دانشگاه کارتاژ رفت و درس حقوق خواند. ازدواج کرد، صاحب پسری شد و به معلمی پرداخت. شش سال بعد به شهر میلان در ایتالیا رفت و فنّ خطابه آموخت. با آن‌که مادرش مسیحی مؤمنی بود،

خودش اعتقادی به خدا نداشت. اما روزی با مطالعه‌ی عبارت‌هایی از انجیل، ناگهان متحول شد؛ به طوری که به خدا و مسیح ایمان آورد، شغل و همسر و فرزند را رها کرد و از آن پس زندگی خود را وقف ایمان خویش و ترویج دین مسیح کرد و از رهبران تراز اول و یکی از قدیسان این دین شد. او پس از مسیحی شدن، شرح کامل زندگی و تحول درونی خود را در کتابی به نام **اعترافات** نوشت که از کتاب‌های مهم در تاریخ دین مسیح به‌شمار می‌رود. کتاب مشهور دیگری هم به نام **شهر خدا** دارد که در آن به مسیحیان توصیه می‌کند هرگز به دولت‌ها، چه دولت روم یا دولت دیگری، وابسته نشوند. اوگوستین با تعالیم خود می‌کوشید عقل و ایمان را با هم سازگار کند. این نام را آگوستین هم می‌خوانند.

همچنین نگاه کنید به:

عیسی علیه‌السلام



اونیل، سوزی

(تولد: ۱۹۷۳ م.)

قهرمان شنای جهان

خانم سوزی اونیل کسی است که با کسب ۸۵ مدال در رشته‌ی شنا، یکی از قهرمانان نام‌آور این رشته شده است. او اهل کوینزلند استرالیاست. از ۸ سالگی شنا را آغاز کرد و به سرعت به پیش‌رفت چشمگیری در این رشته دست یافت. سوزی اونیل نخستین بار در المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا در ۳ رشته، ۳ مدال کسب کرد و چون به کشورش بازگشت، بیش از ۱۶۰هزار دلار نیز از چند مؤسسه جایزه گرفت. از آن پس سیل مدال‌ها در مسابقه‌های گوناگون به سویش سرازیر شد. سوزی در مسابقه‌های قهرمانی شنای جهان ۴ مدال، در مسابقه‌های قهرمانی استرالیا ۲ مدال، در بازی‌های مشترک‌المنافع ۶ مدال، در مسابقه‌های اقیانوسیه ۶ مدال و در مجموع، ۸۵ مدال گرفت که ۳۴ تای آن طلا بود. در مارس ۲۰۰۱ در مراسم انتخاب شناگر سال استرالیا، سوزی اونیل **شناگرِ شناگران سال** شناخته شد. او ورزشکاری است که پله‌های موفقیت را بسیار آگاهانه و به‌گونه‌ای علمی و با اراده‌ای جدی پیموده است. هنوز از بازی کناره نگرفته بود که در کتابی که به نام **انتخاب پیروزی** نوشت، چگونگی رسیدن به موفقیت را به تفصیل شرح داد و نشان داد که از نظر اندیشه نیز شخصیتی استثنایی دارد. این کتاب به همّت کمیته‌ی ملی المپیک ایران به زبان فارسی ترجمه شده است.

اویس قَرَنی

(قرن اول هجری)

تابعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و صحابی علی علیه‌السلام

از قبیله‌ی بنی‌قَرَن و اهل یمن بود. وقتی آوازه‌ی پیامبر را شنید، با اجازه‌ی مادرش به مدینه رفت تا با آن حضرت دیدار کند. ولی پیامبر در مدینه حضور نداشت و اویس، چون به مادرش قول بازگشت داده بود، در مدینه درنگ نکرد و با این‌که پیامبر را ندید به یمن بازگشت. وقتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه بازآمد: «گفت از سوی یمن بوی بهشت به مشامم می‌رسد!» و این اشاره به آمدن اویس بود. اویس سال‌ها بعد از وفات پیامبر به مدینه و سپس به کوفه رفت و از یاران خاص علی علیه‌السلام شد. او در رکاب آن حضرت، در جنگ صفین به شهادت رسید. اهل تصوف برای اویس جایگاه ویژه‌ای در سلوک و عرفان قایل‌اند. مزار او در میان مزارهای شهدای صفّین در سوریه واقع است.

همچنین نگاه کنید به:

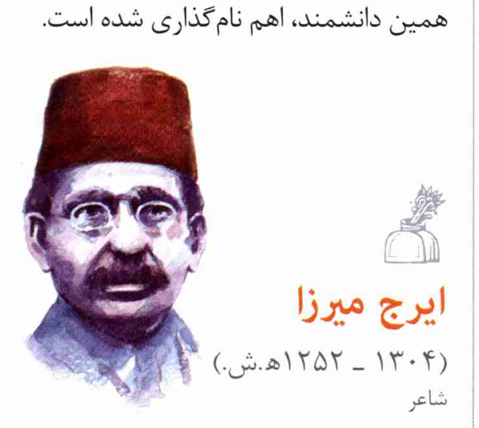
عمار یاسر ، کمیل‌بن زیاد

اُهم، جورج سیمون

(۱۸۵۴ _ ۱۷۸۹م.)

فیزیک‌دان آلمانی

اُهم درست در سالی که انقلاب کبیر فرانسه روی داد، در ایالت باواریای آلمان به‌دنیا آمد. پدر دانای اهم، او را تشویق کرد درس‌های فیزیک، شیمی، ریاضی و حتی فلسفه‌ی کانت را به خوبی بیاموزد. او نیز پذیرفت و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه زادگاهش به پایان رساند و در همان دانشگاه بدون دریافت حقوق به تدریس پرداخت. بعدها به کُلن رفت و در آن‌جا ضمن کار در دبیرستان، با آثار دانشمندان فرانسوی مثل لاگرانژ و لاپلاس آشنا شد. اهم زمانی که به کارهای مهم اورْستِد، دانشمند دانمارکی، در زمینه‌ی الکترومغناطیس پی برد، تصمیم گرفت در این رشته به تحقیق و آزمایش بپردازد. تحقیقات بعدی اهم باعث شد بیش‌تر شناخته شود. او را به استادی دانشگاه مونیخ دعوت کردند و مدیریت دفتر فرهنگستان فیزیک مونیخ را به‌عهده‌اش نهادند. کار مشهور اهم یافتن رابطه‌ی بین مقاومت سیم، شدت جریان و اختلاف پتانسیل است ($V=IR$) که دانش‌آموزان دبیرستانی با آن آشنا هستند. این رابطه به **قانون اُهم** معروف است. واحد مقاومت الکتریکی به افتخار همین دانشمند، اهم نام‌گذاری شده است.



ایرج میرزا

(۱۳۰۴ _ ۱۲۵۲هـ.ش.)

شاعر

از نوادگان فتحعلی‌شاه قاجار بود. در تبریز به‌دنیا آمد و در مدرسه‌ی دارالفنون این شهر

تحصیل کرد. زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی را به خوبی می‌دانست و با روسی و ترکی هم آشنا بود. از نوجوانی شعر می‌سرود و امیرنظام گروسی، که مردی ادیب بود، او را تشویق می‌کرد. شعر ایرج ساده و روان و خوش‌آهنگ و دارای مضمون‌های بکر و تازه است و سبک خاص خود را دارد. در پاره‌ای از اشعارش به شوخی و طنز و حتی هزل نیز پرداخته است. شعرهایی نیز برای کودکان سروده است؛ از این‌رو، می‌توان او را یکی از نخستین شاعران کودک در ایران نامید. ایرج بر اثر سکته‌ی قلبی در تهران درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله‌ی شمیران به خاک سپرده شد. از آثار اوست: **دیوان اشعار، عارف‌نامه** و **مثنوی زهره و منوچهر**.

هم‌چنین نگاه کنید به:

امیرنظام گروسی



ایزامبارد، کینگدام برونِل

(۱۸۵۹ _ ۱۸۰۶م.)

اعجوبه‌ی مهندسی در قرن نوزدهم

ایزامبارد را با ساخت راه‌آهن، کشتی‌های بخار، پل‌های متعدد و حفر تونل می‌شناسند. او کسی است که کارهایش موجب تحولات شگرفی در دنیای مهندسی در قرن نوزدهم شد. هنوز ۲۰ سال بیش‌تر نداشت که مهندس ارشد احداث تونلی در لندن شد که از زیر رودخانه‌ی تیمز عبور می‌کرد. پل راه‌آهن قوسی شکلی نیز که همان سال‌ها روی رودخانه‌ی تیمز ساخت، هنوز قابل استفاده است. ساخت پل معلّق به طول ۲۱۳ متر در ارتفاع ۶۱ متریِ رود آوُن و کشیدن خط آهنی که از لندن به بریستول می‌رفت، از کارهای اوست. کار ایزامبارد در کشتی‌سازی نیز باعث اعجاب است. در سال ۱۸۵۲م. کشتی غول‌پیکری به طول ۲۱۳ متر و ظرفیت ۴ هزار مسافر ساخت تا در مسیر انگلستان به هند و استرالیا حرکت کند. او این کشتی را به‌گونه‌ای طراحی کرده بود که با یک بار سوخت‌گیری (زغال سنگ) تا استرالیا برود و بازگردد. مهندسان مخابرات در آن زمان توانستند با همین کشتی، عملیات کابل‌کشی تلگراف بین قاره‌ی اروپا و آمریکا را از طریق اقیانوس اطلس به انجام برسانند. برونل ایزامبارد عمری طولانی نداشت و در ۵۳ سالگی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ایفل



ایفل، گوستاو

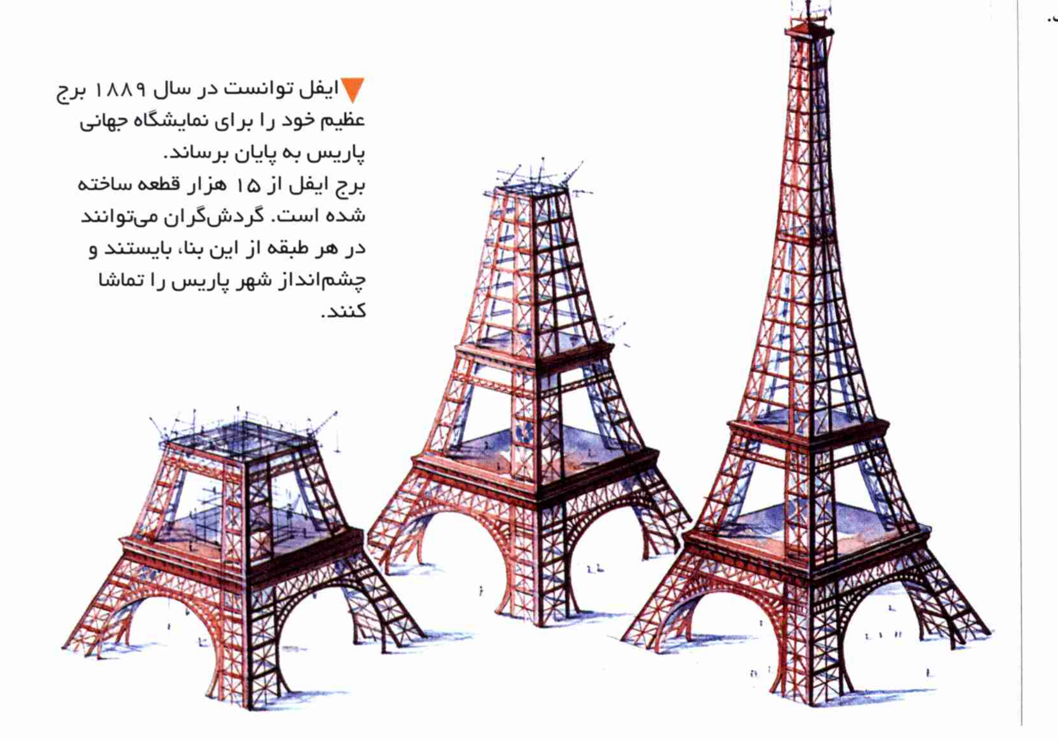
(۱۹۲۳ _ ۱۸۳۲م.)

مهندس فرانسوی

ایفل در مدرسه، دانش‌آموز باهوشی بود. او توانست در دو رشته‌ی دانشگاهی علوم و علوم انسانی فارغ‌التحصیل شود. پس از آن قصد داشت به معتبرترین دانشگاه فنی ـ مهندسی فرانسه برود؛ ولی پذیرفته نشد. به این سبب، به دانشگاه هنر و تکنولوژی پاریس، که دانشگاهی خصوصی بود، رفت و در رشته‌ی شیمی، مدرک کارشناسی ارشد گرفت. ایفل نخست در شرکتی که پل‌های خطوط آهن را می‌ساخت، مشغول کار شد و خیلی زود استعدادش را در این کار نشان داد. او پیش از ساختن برج معروفش، طی حدود ۳۰ سال، پل‌های بسیاری ساخت که یکی از آن‌ها پل راه‌آهنی به طول ۱۶۰ متر روی یک رودخانه بود که ظرف دو سال با کمترین هزینه پایان یافت و بیش از ۱۱۰ سال، تا سال ۱۹۹۱، از آن استفاده می‌شد. اما شاهکارهای ایفل، **برج ایفل** و **مجسمه‌ی آزادی** است. او برج ایفل را به مناسبت برگزاری نمایشگاه جهانی در سال‌روز انقلاب کبیر فرانسه ساخت که تنها در سال اول، دو میلیون نفر بازدیدکننده داشت و هنوز هم روزانه هزاران بازدیدکننده دارد. مجسمه‌ی آزادی هدیه‌ای از طرف ملت فرانسه به ملت آمریکا بود که به مناسبت روز استقلال ایالات متحده، به آمریکا فرستاده شد و خیلی زود، به نماد کشور آمریکا تبدیل گشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ایزامبارد



ایفل توانست در سال ۱۸۸۹ برج عظیم خود را برای نمایشگاه جهانی پاریس به پایان برساند. برج ایفل از ۱۵ هزار قطعه ساخته شده است. گردش‌گران می‌توانند در هر طبقه از این بنا، بایستند و چشم‌انداز شهر پاریس را تماشا کنند.



ایمحوتِپ

(۲۷ قرن پیش از میلاد)
معمار عصر فرعونان مصر

ایمحوتپ را طراح هرم پله‌ای می‌دانند که در ساغره و در دوره‌ی سومین سلسله‌ی فرعونان مصر ساخته شده است. او از چنان شخصیتی برخوردار بود که بعدها در مقام خدای طب، در مصر پرستیده شد. زمانی معابد شهر ممفیس در مصر مملو از جمعیت بیمارانی می‌شد که با اعتقاد به این که ایمحوتپ (خدای طب) درمان دردهایشان را در خواب به آن‌ها الهام خواهد کرد، در آن‌جا به عبادت می‌پرداختند. هرم پله‌ای، که ایمحوتپ طراحی کرد، قدیمی‌ترین بنایی است که بشر توانسته است از سنگ‌های تراش‌داده شده بسازد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حَت‌شِپسوت



اینشتین، آلبرت

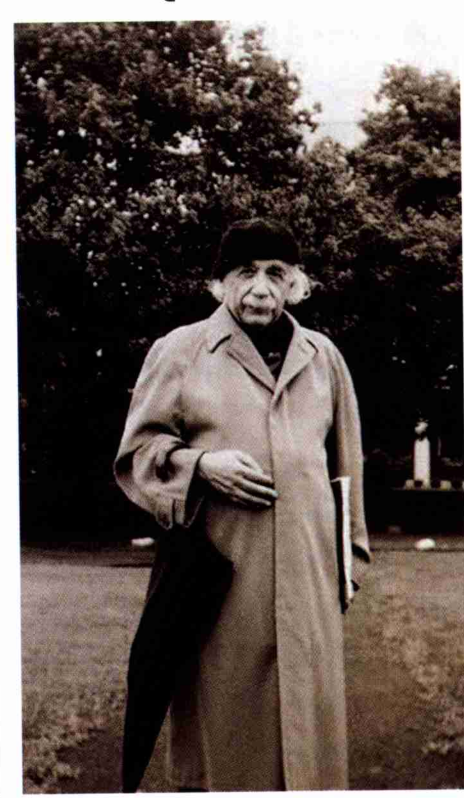
(۱۹۵۵ ـ ۱۸۷۹ م.)
فیزیک‌دان آلمانی

در شهر اولم آلمان به‌دنیا آمد. با این‌که در کودکی کندذهن و بی‌علاقه به مدرسه به‌نظر می‌رسید، بعدها یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان جهان شد. در دانشگاه زوریخ فیزیک خواند و پس از دو سال، که کار ثابتی نداشت، در دفتر ثبت اختراعات سوئیس، در شهر بِرن مشغول به کار شد. طی ۷ سالی که در این شغل بود، فرصت یافت به مطالعه‌ی جدی در زمینه‌ی فیزیک بپردازد و به نظریات مهمی دست یابد که حتی در زمان خودش چهره‌ی جهان را دگرگون کرد.

اینشتین در سال ۱۹۰۵ م. چند مقاله منتشر کرد که او را به شهرت فراوان رساند و سبب شد از او برای تدریس در دانشگاه‌های مهم دعوت کنند. یکی از مقالات او درباره‌ی **حرکت براونی** بود. مقاله‌ی دیگرش درباره **نسبیت خاص** بود که در آن، ثابت می‌کرد همه‌ی سرعت‌ها نسبی است؛ مگر سرعت نور که مطلق و در هر شرایطی برابر با ۳۰۰ هزار کیلومتر بر ثانیه است. او رابطه‌ی مشهور $E = mc^2$ را نیز به‌دست آورد که در حقیقت، فرمول ساده‌ی بمب اتمی است. سومین مقاله‌ی اینشتین درباره‌ی **اثر فوتوالکتریک** بود که برای او جایزه‌ی نوبل فیزیک ۱۹۲۱ را به‌همراه آورد. نظریه‌های اینشتین در تمام شاخه‌های فیزیک اثر گذاشت؛ به‌طوری که بدون آن‌ها، پیش‌رفت‌هایی چون اشعه‌ی لیزر، تلویزیون، رایانه، سفرهای فضایی و بسیاری از پیش‌رفت‌های دیگر امکان‌پذیر نمی‌شد. اینشتین یهودی بود. به این سبب، از دست نازی‌های آلمان گریخت و به آمریکا رفت. در آن‌جا به ریاست دانشکده‌ی ریاضی دانشگاه پرینستون منصوب شد و به تحقیقات خود ادامه داد. او در ساخت بمب اتمی دخالتی نداشت؛ اما انفجار دو بمبی که شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن را نابود کرد، حاصل مطالعات نظری او بود. به همین دلیل، تا پایان عمر از این روی‌داد رنج می‌برد. اینشتین مردی خداشناس و عمیقاً معتقد به مذهب بود. سخنان مهمی در این باره از او نقل شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پلانک

▼درست است که افکار آلبرت اینشتین در پیدایش و توسعه‌ی سلاح‌های اتمی نقش مهمی ایفا کرد، اما خودش یکی از فعّالان صلح جهانی بود.



ایوان مخوف

(۱۵۸۴ ـ ۱۵۳۰ م.)
نخستین تزار روسیه

ایوان چهارم، کسی است که اولین بار، در روسیه عنوان تزار گرفت. مردی خون‌ریز و بی‌رحم بود. از این‌رو، به ایوان مخوف شهرت یافت. سال‌های اول عمرش را زیر نظر مادر خود فرمان‌روایی کرد. اما چون خودش قدرت یافت، نفوذ اشراف و دولت‌مردان را کاهش داد و بسیاری از مخالفان، حتی پسرش را کشت. به سلطه‌ی درازمدت تاتارهای مسلمان بر روسیه خاتمه داد، قلمرو روسیه را گسترش داد؛ با انگلستان روابط تجاری برقرار ساخت و مسکو را پایتخت روسیه کرد. از زندگی ایوان مخوف فیلمی به کارگردانی سرگئی آیزنشتاین ساخته شده است.



ایوان مخوف مرزهای روسیه را تا سیبری گسترش داد و سرزمین‌های ساحل رود ولگا را به تصرف درآورد. مسکو را نیز او به پایتختی روسیه انتخاب کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پترکبیر ، آیزنشتاین



بابایی، عباس

(۱۳۶۶ ـ ۱۳۲۹هـ.ش.)

خلبان شهید

بابایی، از خلبانان برجسته و فداکار نیروی هوایی بود. در قزوین به‌دنیا آمد. پس از گرفتن دیپلم، از میان دو رشته‌ی پزشکی و خلبانی نیروی هوایی، که در هر دو پذیرفته شده بود، خلبانی را برگزید و برای آموزش به آمریکا اعزام شد. پس از سه سال آموزش دوره‌های خلبانی، به ایران بازگشت و در پایگاه چهارم شکاری دزفول مشغول خدمت شد. بابایی، که جوانی متدین و انقلابی بود و حتی در دوران آموزش در آمریکا، دیانت او مورد توجه فرماندهانش قرار گرفت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در پایگاه هشتم شکاری اصفهان سرپرست انجمن اسلامی شد. بعد از کودتای ناموفق نوژه بر ضد انقلاب اسلامی، به سبب اعتمادی که به وی داشتند، او را به فرمان‌دهی همان پایگاه منصوب کردند. سپس به ستاد فرمان‌دهی نهاجا در تهران آمد و معاون عملیات نیروی هوایی شد و در طی جنگ خود نیز عملیات جنگی بسیاری انجام داد. سرانجام، در بهار سال ۱۳۶۶، هنگامی که از یک عملیات برون‌مرزی بازمی‌گشت هدف گلوله‌ی تیربار ضدهوایی دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید. هواپیمای او را، کمک‌خلبان سالم به زمین فرود آورد. مزار شهید بابایی در جوار امامزاده سلطان حسین قزوین قرار دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دوران ، فکوری



باخ، یوهان سباستیان

(۱۷۵۰ ـ ۱۶۸۵م.)

آهنگ‌ساز آلمانی

باخ یکی از نوابغ موسیقی و از برجسته‌ترین آهنگ‌سازان اروپاست. پدرش نیز موسیقی‌دان بود. در ۷ سالگی به یک مدرسه‌ی لاتین، که مارتین لوتر ۲۰۰ سال قبل آن را تأسیس کرده بود، رفت و به خوبی آموزش مذهبی دید. در ۱۰ سالگی مادرش را از دست داد و از آن پس، برادرش سرپرستی او را به‌عهده گرفت. برادرش نوازنده‌ی اُرگ بود و باخ زیر نظر او آموزش دید و خیلی زود در ردیف بزرگ‌ترین آهنگ‌سازان اروپا درآمد. با حضور در دربارها و کلیساهای گوناگون، توانست آثار بسیار ارزنده‌ای خلق کند که تا امروز نامش را در مقام یکی از نوابغ موسیقی جهان ماندگار ساخته است. موسیقی باخ کیفیتی معنوی و ماورایی دارد که ناشی از روحیات و آموزش‌های مذهبی اوست. از آثار مشهور اوست: **انجیل به روایت یوحنّا**، **انجیل به روایت متّی** و **کنسرتوهای براندنبورگ**.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بتهوون، لوتر

بارنارد، کریستین

(تولد: ۱۹۲۲ م.)

نخستین جرّاح پیوند قلب

بارنارد پزشکی متخصص در کشور آفریقای جنوبی بود که در سال ۱۹۶۱ به ریاست بخش جراحی قلب دانشگاه کیپ تاون برگزیده شد. او، که به تجربه دریافته بود این امکان وجود دارد که بتوان قلب بیمار را با قلب سالم قربانیان حوادث تعویض کرد، نخست آزمایش‌هایی روی سگ‌ها انجام داد. از آن‌جا که نتیجه‌ی این کار مثبت بود، در سال ۱۹۶۷ با گروه خود قلب شخص بیماری به نام لویس واشکانِسکی را با قلب مردی که به تازگی در تصادف کشته شده بود، تعویض کرد. به این ترتیب، انقلاب بزرگی در جهان جرّاحی رقم خورد. با آن که واشکانسکی بعد از ۱۸ روز درگذشت، کار دکتر بارنارد نشان داد که تعویض قلب کاری شدنی است و این آغازی بر درمان بسیاری از بیماران قلبی از طریق تعویض قلب بود. امروزه عمل تعویض قلب در سراسر جهان انجام می‌شود. بارنارد نخستین کسی است که دریچه‌ی مصنوعی برای قلب ساخت و در این کار پیش‌گام بود.





بازرگان، مهدی

(۱۳۷۳ـ۱۲۸۶هـ.ش.)

نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی

فرزند عباس‌قلی تبریزی، از بازرگانان خوش‌نام و نیکوکار بود. در تهران متولد شد. تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی مهندسی مکانیک در فرانسه به پایان رساند و به ایران بازگشت. در دهه‌ی پس از شهریور ۱۳۲۰، که حزب توده در میان جوانان فعالیت کمونیستی وسیعی داشت، بازرگان به تأسیس انجمن‌های اسلامی دانشجویان در دانشگاه تهران اقدام کرد. او همواره بخشی از اوقات خود را صرف مطالعات قرآنی، تفسیر قرآن، آموزش، سخن‌رانی، تألیف کتاب و کارهای عام‌المنفعه می‌کرد. بازرگان کتاب‌ها و مقالات سودمندی منتشر کرد که در زمان خود، با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. او در بخشی از این فعالیت‌ها، با استاد مرتضی مطهری، دکتر یدالله سحابی و آیت‌الله طالقانی همکاری داشت. با ملی شدن صنعت نفت، بازرگان مأمور خلع ید انگلیسی‌ها از صنایع نفت شد، به آبادان رفت و این مأموریت را با موفقیت انجام داد. پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، از تدریس در دانشگاه محروم شد و به کار آزاد روی آورد. در سال ۱۳۴۰، او و آیت‌الله طالقانی و دکتر سحابی تشکلی سیاسی به نام «نهضت آزادی» تأسیس کردند که بسیاری را به خود جذب کرد. در پی مخالفت بازرگان و هم‌فکرانش با انقلاب سفید شاه، رژیم پهلوی آن‌ها را دستگیر و پس از محاکمه به ۱۰ سال زندان محکوم کرد؛ ولی پس از تحمل نیمی از این مدت آنان را آزاد ساخت. بازرگان در بهمن ۱۳۵۷ از سوی امام‌خمینی به عنوان نخست‌وزیر و رئیس دولت موقت انقلاب منصوب شد و با فروپاشی رژیم شاه، مسئولیت اداره‌ی کشور را به‌عهده گرفت. اما در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، هنگامی که دانشجویان سفارت آمریکا را در تهران اشغال کردند، از این سِمت استعفا داد. او در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد. بازرگان در سال ۱۳۷۳، زمانی که برای معالجه‌ی بیماری قلبی خود به خارج از کشور رفته بود، درگذشت. پیکر او را به ایران آوردند و در قم به خاک سپردند. از آثار اوست: **سیر تحوّل قرآن، راه طی شده، عشق و پرستش، مطهِّرات در اسلام و اسلام مکتب مبارز و مولّد.**

هم‌چنین نگاه کنید به:

سحابی ، طالقانی ، مطهری



باستانی پاریزی، محمدابراهیم

(متولد ۱۳۰۴هـ.ش.)

استاد تاریخ، نویسنده

در پاریز، روستایی نزدیک سیرجان در استان کرمان، متولد شد. تحصیلات ابتدایی را همان‌جا گذراند و از پدرش، حاج‌آخوند، که مردی باسواد بود، بسیار یاد گرفت. آن‌گاه به دانش‌سرای مقدماتی کرمان رفت و با رتبه‌ی اول فارغ‌التحصیل شد، از این رو بدون کنکور در دانشگاه تهران پذیرفته شد و لیسانس تاریخ گرفت و دکترای این رشته را نیز دریافت کرد. او ۵۰ سال در دانشگاه تهران تدریس کرد تا بازنشسته شد. باستانی پاریزی علاوه بر استادی دانشگاه، در مجله‌ها و روزنامه‌های بسیاری نیز فعالیت کرده و مقالات و کتاب‌های بسیاری نوشته است. کتاب‌های او از پرخواننده‌ترین کتاب‌های تاریخی چند دهه‌ی اخیر ایران به‌شمار می‌رود. از کرمان‌پژوهان برجسته است و دست‌کم ۱۴ اثر درباره‌ی کرمان نوشته است. تاکنون بیش از ۶۰ عنوان کتاب از باستانی پاریزی منتشر شده که در عنوان هشت اثر، کلمه‌ی «هفت» وجود دارد؛ مانند **خاتون هفت قلعه، نای هفت‌بند** و **هشت‌الهفت**. از دیگر آثار او می‌توان به **اصول حکمت آتن، یعقوب لیث، از پاریز تا پاریس، حماسه‌ی کویر، نون جو و دوغ گو، از سیر تا پیاز، تلاش آزادی** و **درخت جواهر** اشاره کرد.

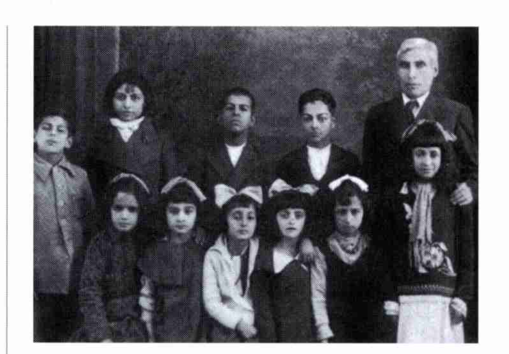


باغچه‌بان، جبّار

(۱۳۴۵ ـ ۱۲۶۲هـ.ش.)

بنیان‌گذار آموزش ناشنوایان در ایران

جبّار عسکرزاده، معروف به باغچه‌بان، در ایروانِ ارمنستان به‌دنیا آمد. پدرش اهل تبریز و معمار و مجسمه‌ساز بود و در نقل داستان‌های شاهنامه نیز مهارت داشت. باغچه‌بان تحصیلات ابتدایی را در ایروان گذراند. مدتی به کار بنایی پرداخت؛ ولی در پی شروع جنگ اول جهانی به ایران آمد و در مرند آذربایجان، معلم شد. پس از مدتی به تبریز رفت و در آن شهر، کودکستانی برای آموزش کودکان کر و لال تأسیس کرد و نام آن را باغچه‌ی اطفال گذاشت. در سال ۱۳۰۶، به دعوت مدیر آموزش و پرورش فارس، به شیراز رفت و در آن شهر کودکستانی تأسیس کرد. شش سال بعد به تهران منتقل شد و در تهران نخستین دبستان کر و لال‌ها را با امکانات و تجهیزات بهتری تأسیس کرد و تا پایان عمر به این کار مشغول بود. باغچه‌بان با همکاری و حمایت کسانی چون دکتر رضازاده شفق، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر عبدالله شیبانی و دکتر محمدحسن گنجی، کانون کر و لال‌های ایران را بنا نهاد. او از چهره‌های خدمت‌گزار و ماندگار آموزش و پرورش



ایران است. باغچه‌بان به‌جز تأسیس مدرسه، به ابتکارات و اقدامات دیگری نیز مانند ابداع روش جدید تعلیم الفبای فارسی، ساختن سرودهایی برای کودکان، چاپ نزدیک به ۵۰ کتاب و مقاله، انتشار مجله‌ی فکاهی **لک‌لک** و مجله‌ی هفتگی **زبان** دست زد. او شرح زندگی غم‌بار خود از کودکی تا جوانی، و نیز کوشش‌ها و تلاش‌هایش را در راه آموزش و پرورش، در کتابی منتشر کرده است. مزار باغچه‌بان در یوسف‌آباد تهران، در همان مدرسه‌ای است که خودش تأسیس کرده بود.

همچنین نگاه کنید به:

کِلر



باقری، حسن

(۱۳۶۱_۱۳۳۴هـ.ش.)

فرمانده و طراح عملیات جنگی

غلامحسین اَفشُردی، مشهور به حسن باقری، در تهران به‌دنیا آمد. پدر و مادرش تبریزی بودند و از کودکی فرزندان خود را با تربیت دینی و علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام بار می‌آوردند. غلامحسین جوانی پرشور و برای فعالیت‌های انقلابی بی‌قرار بود؛ به سبب همین فعالیت‌ها، هنگامی که در سال دوم رشته‌ی کشاورزی دانشگاه ارومیه درس می‌خواند، اخراج شد و به سربازی رفت. همان زمان امام خمینی فرمان داد سربازان پادگان‌ها را ترک کنند. افشردی نیز از پادگان فرار کرد و به نهضت پیوست.

پس از انقلاب اسلامی، دیپلم ادبی گرفت و در رشته‌ی حقوق قضایی دانشگاه تهران پذیرفته شد. او هم‌زمان همکاری خود را با سپاه پاسداران آغاز کرد و در واحد اطلاعات عملیات به کار پرداخت و حسن باقری نام گرفت. با آغاز جنگ، به جبهه رفت و در مقام طراح عملیات جنگی، اقدامات بسیار مهمی انجام داد. راه‌اندازی واحد اطلاعات عملیات در ستاد عملیات جنوب، ایجاد واحد بایگانی اسناد جنگ، طراحی گُردان‌های رزمی، معاونت ستاد عملیات جنوب، شکست حصر سوسنگرد، فتح ارتفاعات الله‌اکبر، هدایت و فرمان‌دهی عملیات «فرمان‌دهی کل قوا» به جای سردار صفوی، فرمان‌دهی محور دارخوین در عملیات ثامن‌الائمه در شکست حصر آبادان، دفع دشمن در تنگه‌ی چزّابه، فرمان‌دهی قرارگاه نصر در سه عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان بخشی از کارهای اوست. این فرمان‌ده در نهم بهمن سال ۱۳۶۱، هنگامی که برای شناسایی مواضع دشمن به منطقه‌ی فکّه رفته بود، به اتفاق چند تن دیگر از فرمان‌دهان به شهادت رسید.



باکری، علی، مهدی و حمید

ایثارگران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

باکری‌ها اهل میاندوآب بودند و هر یک به‌گونه‌ای در راه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس جان خویش را فدا کردند. **علی**، دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف امروز) بود و در سال ۱۳۵۰ به جرم شرکت در مبارزه‌ی مسلحانه تیرباران شد. **مهدی** در دانشگاه تبریز در رشته‌ی مهندسی تحصیل کرد. پس از پیروزی انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه را بنیان نهاد و چندی نیز شهردار این شهر بود. با شروع جنگ عراق بر ضد ایران، نخست به کردستان رفت و همراه با سرهنگ صیاد شیرازی وارد مبارزه با ضدانقلاب شد. سپس تیپ عاشورا را تشکیل داد که بعدها به لشکر ارتقا یافت و خود به فرمان‌دهی آن منصوب شد. مهدی در عملیات بدر به شهادت رسید. برادر سوم، **حمید**، پس از پایان دبیرستان به آلمان رفت و ضمن تحصیل در رشته‌ی عمران، رابط بین مبارزان داخل و خارج کشور شد و در زمینه‌ی نقل و انتقال اسلحه به برادرش مهدی در ایران، فعالیت‌هایی انجام داد. او پس از انقلاب اسلامی به ایران بازگشت. بسیج ارومیه را تشکیل داد و چندی در جهاد سازندگی کردستان، بازسازی مناطق محروم استان را به‌عهده گرفت. او زمانی که قائم‌مقام برادرش مهدی، در فرمان‌دهی لشکر عاشورا بود، در عملیات خیبر شهید و مفقودالاثر شد.

همچنین نگاه کنید به:

خرازی ، صیاد شیرازی ، همت



بالزاک، انوره دو

(۱۸۵۰ _ ۱۷۹۹م.)

نویسنده‌ی فرانسوی عصر انقلاب کبیر فرانسه

بالزاک یکی از نویسندگان بزرگ فرانسه در قرن نوزدهم بود. زندگی‌اش پیوسته در بحران و افت و خیز گذشت. کودکی‌اش را در یک شبانه‌روزی سپری کرد. تحصیلاتش را ناتمام گذاشت. خوش‌گذران و ولخرج بود و از این و آن قرض می‌کرد؛ حتی وقتی به ثروت رسید، نتوانست زندگی متعادلی برای خود به‌وجود آورد. با این حال، به نوشتن بسیار علاقه‌مند بود. در ۲۰ تا ۲۵ سالگی، چند رمان مردم‌پسند نوشت که باعث شهرتش شد. تا پایان عمر، حدود ۹۵ رمان و داستان کوتاه نوشت. مشهورترین اثرش **باباگوریو** است که هسته‌ی اصلی مجموعه آثارش را، که **کمدی انسانی** نام دارد،

تشکیل می‌دهد. کمدی انسانی حدود ۲۰ سال پس از مرگ نویسنده‌اش منتشر شد. بالزاک عمر نسبتاً کوتاهی داشت و هنگامی که مُرد، **ویکتور هوگو** بر بالینش حاضر بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

هوگو



بانو امین اصفهانی

(۱۳۶۱ ـ ۱۲۶۹ هـ.ش.)

مجتهده و مفسر قرآن کریم

دختر سیدمحمدعلی امین‌التّجار اصفهانی بود و در اصفهان به‌دنیا آمد. از کودکی به علم و دانش علاقه داشت و خانواده‌اش نیز امکانات تحصیل را برایش فراهم آوردند. بانو امین از مقدمات تا سطوح عالی علوم حوزوی و معارف اسلامی را به‌خوبی فراگرفت. استاد خاص او، آقا میر سیدعلی نجف‌آبادی، از علمای اصفهان، بود. بانو امین سرانجام مجتهد شد و از علمای بزرگ زمان خود، که یکی از آنان آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، اجازه‌ی اجتهاد گرفت و بعدها خودش به آیت‌الله نجفی مرعشی اجازه‌ی نقل روایت داد. خانم امین سال‌ها در اصفهان برای بانوان جلسات درس آموزش علوم دینی و معارف اسلامی تشکیل می‌داد. او با هدف توسعه‌ی علوم و معارف اسلامی، مؤسسه‌ی مکتب فاطمه(س) را تأسیس کرد. برای دختران نیز **دبیرستان بانو امین** را تأسیس کرد که در آن زمان، گام مهمی در جهت گسترش فرهنگ اسلامی در میان جامعه به‌شمار می‌رفت. این بانوی دانشمند، کتاب‌های بسیاری نوشت که مهم‌ترین آن‌ها یک دوره تفسیر قرآن در ۱۵ جلد به نام **تفسیر مخزن‌العرفان** است. کتاب‌های **روش خوش‌بختی، معاد یا آخرین سیر بشر** و **سیر و سلوک** از دیگر آثار اوست. بانو امین در ۹۵ سالگی در اصفهان درگذشت و در تخت‌فولاد به خاک سپرده شد.



باهنر، محمد جواد

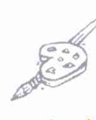
(۱۳۶۰ ـ ۱۳۱۲ هـ.ش.)

روحانی مبارز

در کرمان و در خانواده‌ای پیشه‌ور به‌دنیا آمد. پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی معصومیه‌ی کرمان، در ۲۰ سالگی به قم رفت. در آن‌جا از درس علمای بزرگ حوزه، مانند آیت‌الله بروجردی، امام‌خمینی و علامه طباطبایی استفاده کرد. هم‌زمان نیز با تحصیل در دانشگاه تهران، مدرک دکترای الهیات خود را دریافت کرد. محمدجواد باهنر شخصیتی اندیش‌مند، مبارز و خودساخته بود. در قم با طلّاب دیگری چون اکبر هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد بهشتی و جمعی دیگر در انتشار نشریه‌ی **مکتب تشیّع** همکاری داشت. در نهضت امام‌خمینی فعال بود. به همین سبب بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، مدتی دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۵۰ نیز به کلی ممنوع‌المنبر گردید. باهنر یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، عضو شورای انقلاب و از مؤسسان حزب جمهوری اسلامی بود. او از سوی مردم استان کرمان به عضویت مجلس خبرگان انتخاب شد. در سال ۱۳۵۹، در دولت شهید محمدعلی رجایی، مسئولیت وزارت آموزش‌وپرورش را به‌عهده گرفت. هنگامی که محمدعلی رجایی رئیس‌جمهوری شد، او را در مقام نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد (۱۳۶۰). اما در ۸ شهریور همان سال این دو بر اثر انفجار بمبی که منافقین در محل ساختمان نخست‌وزیری منفجر کردند، به شهادت رسیدند. باهنر در سال‌های قبل از انقلاب در استخدام وزارت آموزش‌وپرورش بود و با دکتر بهشتی و علی گلزاده غفوری، در تألیف کتاب‌های دینی مدارس همکاری می‌کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بهشتی ، رجایی ، هاشمی رفسنجانی



بایرام‌بخش، کاظم

مستندساز طبیعت

بایرام‌بخش، که حدود ۳۰ سال است در فرانسه زندگی می‌کند، یکی از عکاسان و مستندسازان موفق ایرانی است که در سطح جهان درخشیده است. او، که مدرس

▼ بایرام‌بخش در حال عکاسی از آبزیان خلیج فارس. سه عکس زیر از آثار اوست.









دانشگاه لومیر فرانسه است، از سال ۱۹۹۰ توجه خود را به آب‌های خلیج‌فارس و دریای خزر معطوف کرد. در نتیجه، طی حدود ۱۵ سال توانست فیلم‌ها و عکس‌های بسیاری از این دو دریا تهیه کند. از جمله مستندهای او دو مستند **هزارویک‌شب** و **رؤیای مروارید** است. او برای ساخت رؤیای مروارید، جایزه‌ی جهانی جشنواره‌ی عکس و تصویر فرانسه را دریافت کرد. بایرام‌بخش در سال ۲۰۰۶ نیز فیلم مستندی درباره‌ی ماهیان خاویاری خزر با عنوان **طلای کاسپین** ساخت که جایزه‌ی جهانی غواص طلایی را برد. او تاکنون برای آثارش، ۹ جایزه‌ی جهانی گرفته و کتاب‌ها و مقالاتی نیز نوشته است.



بایزید بسطامی

(اواخر قرن دوم هجری)
عارف مسلمان

در خانواده‌ای نومسلمان، در محله‌ی موبدان شهر بسطام، نزدیک شاهرود امروز، به‌دنیا آمد. نامش طیفور و کُنیه‌اش ابایزید بود که به بایزید مخفّف شده است. بایزید در کودکی یتیم شد و مادرش، که زنی پرهیزگار و دین‌دار بود، او را پرورش داد. در کودکی به مکتب‌خانه رفت و قرائت قرآن و خواندن و نوشتن آموخت. بایزید از صوفیان و عارفان بزرگ ایرانی است. او به عبادت و تعلیم شاگردان می‌پرداخت و در زمان خود مشهور شد. چون شطحیّات، یعنی سخنانی که ظاهری کفرآمیز داشت، می‌گفت، بارها به کافر بودن متهمش کردند و قصد اخراج او را از شهر بسطام داشتند؛ ولی پیروانش مانع می‌شدند. بایزید در ۷۳ سالگی در زادگاه خود درگذشت. چهار قرن پس از درگذشتش در کنار مزار او مسجدی بنا کردند که موجب شد مردم بیش‌تری به زیارت آرامگاه او بروند.

همچنین نگاه کنید به:
ابوسعید ابوالخیر ، انصاری (خواجه عبدالله)

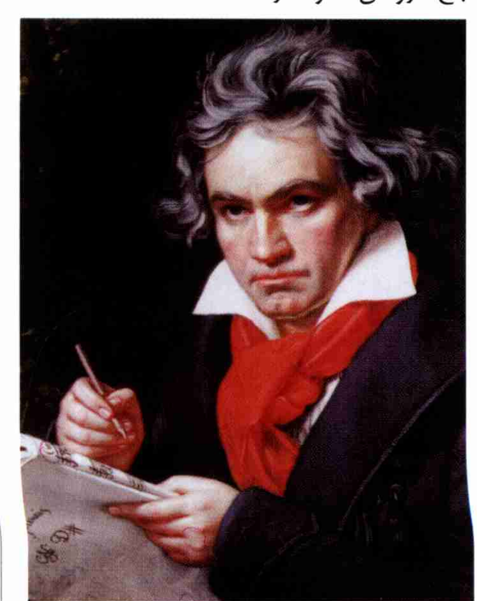


بتهوون، لودویگ وان

(۱۸۲۷ _ ۱۷۷۰م.)
آهنگ‌ساز آلمانی

بتهوون، که در غرب او را نابغه‌ی موسیقی می‌دانند و حتی عنوان موسیقی‌دان هزاره‌ی دوم میلادی به وی داده‌اند، زندگی و تحصیلات منظمی نداشت. در بُن به دنیا آمد. پدرش مردی آوازه‌خوان، ولی آشفته و پریشان‌حال بود. مادرش نیز وقتی بتهوون ۱۷ ساله بود، مرد. چندی زیر نظر پدرش نواختن پیانو آموخت. مدتی هم با موتسارت و پس از مرگ موتسارت زیر نظر هایدن کار کرد تا از استاد پیشی گرفت. در نیمه راه عمر، شنوایی خود را به‌کلی از دست داد؛ اما نه تنها بی‌کار ننشست، بلکه برجسته‌ترین اثرش، **سمفونی نهم** را در این دوره ساخت. زمانی که این سمفونی اجرا شد، عده‌ای می‌گریستند و خود بتهوون نیز از فرط هیجان، از هوش رفت. رومن رولان، نویسنده‌ی برجسته‌ی فرانسوی، کتابی در شرح زندگی این آهنگ‌ساز نوشته که به فارسی نیز ترجمه شده است.

همچنین نگاه کنید به:
باخ ، رولان ، موتسارت





بخاری، محمد بن اسماعیل

(۲۵۶ _ ۱۹۴ ه.ق.)
محدث اهل سنّت

بخاری ایرانی و اهل بخارا و پدرش مردی دانش‌دوست و عالم بود. حافظه‌ای بی‌نظیر داشت. در ۱۸ سالگی، اولین کتاب خود را به نام **تاریخ کبیر** درباره‌ی راویان حدیث نوشت. سپس در پی گردآوری حدیث به شهرها و سرزمین‌های مصر، شام، کوفه، نیشابور، حجاز، خراسان و ری سفر کرد و از راویان، ده‌ها هزار حدیث شنید. سپس کتاب **صحیح بخاری** را، که مهم‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت از میان شش کتاب معتبر آنان است، تألیف کرد. بخاری در سمرقند درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:
محمدبن مسلم



بُخت‌نَصر

(۵۶۲ _ ۶۰۴ ق.م.)
پادشاه بابل

بخت‌نصر نام دو تن از پادشاهان بابِل بود. بخت‌نصر اول ۱۲ قرن پیش از میلاد می‌زیست و عمر کوتاهی داشت. اما بخت‌نصر دوم عمر بیش‌تری داشت و به سبب اقدامات ستمگرانه‌اش در تاریخ مشهور شده است. او اورشلیم (بیت‌المقدس) را ویران ساخت و گروه زیادی از مردم را اسیر کرد و به بابل برد. بعدها کوروش این اسیران را آزاد کرد و به اورشلیم بازگرداند. بخت‌نصر باغ‌های معلق بابل را ساخت که یکی از عجایب هفت‌گانه‌ی دنیای قدیم به‌شمار می‌رفت؛ ولی اکنون اثری از آن باقی نمانده است. باید دانست که بخت‌نصر را پاره‌ای بُخت‌النَّصْر می‌نویسند و تلفظ می‌کنند که اشتباه است.

همچنین نگاه کنید به:
کوروش

بختیار، شاپور

(۱۳۷۰ ـ ۱۲۹۴هـ.ش.)

آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی

شاپور بختیار فرزند سالار فاتح بختیاری بود. ۱۲ سال داشت که پدرش را به دستور رضاشاه در سال ۱۳۰۸ در زندان قصر کشتند. شاپور بیش‌ترِ تحصیلات خود را در خارج ایران گذراند و در رشته‌ی حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس درجه‌ی دکتری گرفت. چندی در ارتش فرانسه خدمت کرد و مدتی نیز، در سال‌های جنگ دوم جهانی، در نهضت مردم فرانسه بر ضد آلمانی‌ها فعالیت داشت. او در سال ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و وارد فعالیت‌های سیاسی شد. در جریان ملی‌شدن نفت، عضو جبهه‌ی ملی و از یاران دکتر مصدق شد و خودش نیز حزب ایران را تأسیس کرد. بختیار پس از کودتای ۲۸ مرداد مدتی زندانی بود و سپس آزاد شد و به فعالیت‌های تجاری پرداخت. در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی، شاه، او را به نخست‌وزیری منصوب کرد و خود از ایران خارج شد. اما به سبب مخالفت امام‌خمینی، بختیار نتوانست اوضاع را کنترل کند. در نتیجه، امام، مهندس بازرگان را در مقام نخست وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی معرفی کرد. با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، رژیم شاهنشاهی فرو پاشید و بختیار مخفیانه از ایران خارج و در پاریس مقیم شد. او در جنگ تحمیلی، بر ضد جمهوری اسلامی با صدام حسین همکاری و از او کمک دریافت می‌کرد. بختیار سرانجام در خانه‌اش در پاریس توسط افراد ناشناس کشته شد.

همچنین نگاه کنید به:

خمینی (سید روح‌الله) ، بازرگان ، مصدق



براتین، والتر

(۱۹۸۷ ـ ۱۹۰۲م.)

دانشمند آمریکایی و مخترع ترانزیستور

براتین به تنهایی ترانزیستور را اختراع نکرد؛ بلکه این اختراع، نتیجه‌ی کار مشترک او با دو نفر دیگر به نام‌های **جان باردین** و **ویلیام شاکلی** بود. این سه نفر به پاس اختراع خود، در سال ۱۹۶۵ جایزه‌ی نوبل فیزیک را دریافت کردند.

براتین در سال ۱۹۲۹ مدرک دکترای خود را در رشته‌ی فیزیک از دانشگاه مینه‌سوتا گرفت. از همان زمان در مقام پژوهشگر، در آزمایشگاه‌های تلفن بل به کار پرداخت و تا هنگام بازنشسته شدن شغل دیگری اختیار نکرد. در آزمایشگاه بل، براتین به مطالعه در زمینه‌ی خواص نیمه‌هادی‌هایی مانند سیلیکون و ژرمانیوم پرداخت و ساختار اتمی آن‌ها را مورد پژوهش قرار داد. در این کار، که با مشارکت باردین و شاکلی انجام می‌گرفت، سرانجام موفق شد در سال ۱۹۴۸، ترانزیستور را اختراع کند. ترانزیستور جای لامپ خلأ را گرفت و سبب شد مدارهای الکتریکی فوق‌العاده کوچک‌تر شوند و حجم دستگاه‌های الکتریکی و الکترونیکی نیز بسیار کاهش یابد.

همچنین نگاه کنید به:

وات ، هرتز

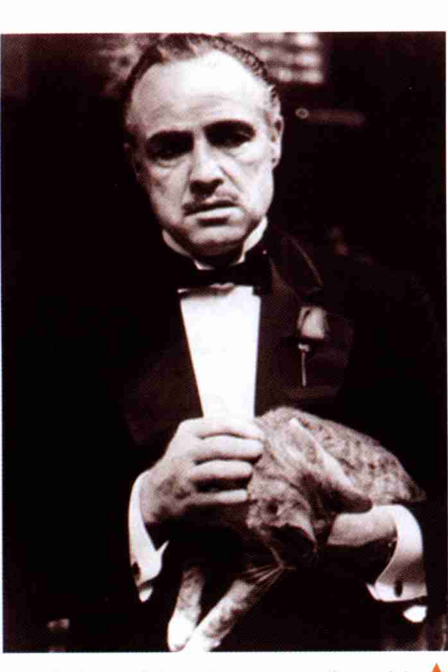


براندو، مارلون

(۲۰۰۴ ـ ۱۹۲۴م.)

بازیگر آمریکایی

مارلون براندو یکی از چهره‌های برجسته‌ی سینمای جهان است و در زمان خود هنرپیشه‌ای صاحب‌سبک به‌شمار می‌رفت. در ایالت نبراسکای آمریکا زاده شد. ابتدا



▲ مارلون براندو در صحنه‌ای از فیلم پدر خوانده.

در مدرسه‌ی نظامی درس خواند؛ ولی آن را رها کرد و به سراغ بازیگری رفت و روش بازیگری استانیسلاوسکی، هنرمند روسی را فرا گرفت. سپس به عرصه‌ی سینما وارد شد. بازی درخشان او در فیلم **در بارانداز**، نخستین جایزه‌ی اسکار را برایش به ارمغان آورد. شهرت براندو در دهه‌ی ۶۰ افول کرد؛ ولی بازی او در فیلم **پدرخوانده** در نقش رئیس یک گروه مافیایی، سبب شد که مجدداً به شهرت برسد. به‌خصوص این که مارلون براندو از پذیرفتن جایزه‌ی اسکار برای این فیلم، در اعتراض به بدرفتاری دولت با بومیان آمریکا خودداری کرد. از فیلم‌های مشهور مارلون براندو **اتوبوسی به نام هوس**، **زنده‌باد زاپاتا**، **ژولیوس سزار**، **آخرین تانگو در پاریس** و **اینک آخرالزّمان** است.



براون، ادوارد

(۱۹۲۶ ـ ۱۸۶۲م.)

ایران‌شناس و ایران‌دوست انگلیسی

در انگلستان متولد شد. در دانشگاه کمبریج در رشته‌ی پزشکی تحصیل کرد. در جوانی به زبان ترکی علاقه‌مند شد و به استانبول

رفت. در آن زمان کشور عثمانی بسیار پهناور و قدرت‌مند بود و اروپاییان برای آن اهمیت زیادی قایل بودند. براون در استانبول با زبان و ادب فارسی نیز آشنا و به اندازه‌ای به ایران و ادبیات آن علاقه‌مند شد که از آن پس بیش‌تر وقت خود را صرف شناخت ایران و مطالعه‌ی کتاب‌های فارسی، به‌خصوص تاریخ و شعر کرد. در ۴۳ سالگی به ایران آمد و به شهرهای گوناگون سفر کرد که حاصل آن کتاب **یک سال در میان ایرانیان** است که به فارسی هم ترجمه شده است. براون پس از بازگشت به انگلستان، به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کمبریج پرداخت و تحقیق در زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران را ادامه داد. او از مدافعان حقوق ملت ایران و از حامیان استقلال کشور بود. از مشروطه‌خواهان نیز حمایت می‌کرد. خدمت بزرگ براون به ایران، تألیف **تاریخ ادبیات ایران** در چهار جلد به زبان انگلیسی است که به فارسی هم ترجمه شده است. خدمت دیگر او آشنا کردن رینولد نیکلسون، پژوهشگر برجسته‌ی انگلیسی با مثنوی مولوی بود که سبب شد نیکلسون این دیوان ارزش‌مند را تصحیح و به انگلیسی ترجمه کند و بر آن شرح بنویسد.



براهه، تیکو

(۱۶۰۱ ـ ۱۵۴۶ م.)

اخترشناس دانمارکی

تیکو براهه و کپرنیک دو اخترشناسی هستند که در بزرگ‌سالی و پس از آموختن دانش‌های دیگر، به اخترشناسی علاقه‌مند و از بزرگ‌ترین دانشمندان این رشته شدند. تیکو چنان به نجوم علاقه‌مند شد که خودش رصدخانه‌ای ساخت و ۲۰ سال در آن به مشاهده‌ی علمی و رصد ستارگان پرداخت. کپلر، ستاره‌شناس آلمانی، در همین رصدخانه کار می‌کرد و قانون‌های سه‌گانه‌ی معروف خود را، که حاصل مشاهدات و مطالعاتش بود، از همین‌جا به‌دست آورد و بعد از مرگ تیکو براهه هم رصدخانه‌ی او را به ارث برد. البته آن زمان در رصدخانه‌ها چیزی به نام دوربین وجود نداشت و دانشمندان مجبور بودند ستاره‌ها را با چشم رصد کنند. تیکو براهه را یکی از چند اخترشناس برجسته‌ی اروپا بعد از عصر نوزایی می‌دانند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کپرنیک ، کپلر ، گالیله



برزگر، منصور

(تولد: ۱۳۲۶ هـ.ش.)

قهرمان کشتی

برزگر یکی از برجسته‌ترین کشتی‌گیران ایران در چند دهه‌ی اخیر به حساب می‌آید. او در رقابت‌های داخلی و خارجی موفقیت‌های زیادی کسب کرده و در جهان به خوبی شناخته شده است. در سال ۱۹۷۲، به المپیک مونیخ راه یافت که موفقیت چشمگیری کسب نکرد. اما سال بعد، در مسابقه‌های جام جهانی که در تهران برگزار شد، مدال طلا گرفت. در المپیک ۱۹۷۶ مونترال در کانادا، توانست مدال نقره را بر



▼ برزگر سال‌ها در کسوت مربی کشتی توانسته است افتخارات زیادی نصیب کشتی ایران کند.

گردن خود بیاویزد و افتخاری برای کشور کسب کند. این در حالی بود که در نیمه‌ی نهایی مسابقه، در حالی که از ناحیه‌ی پا دچار آسیب شده بود، حریف آمریکایی خود را مغلوب کرد. همین مصدومیت موجب شد در مقابل حریف ژاپنی، بازی را به او واگذار کند. برزگر از سال ۱۹۷۸ دیگر روی تشک کشتی نرفت؛ ولی فعالیت خود را در داوری دنبال کرد. او در مقام پیش‌کسوت ورزش کشتی، از احترام خاصی نزد ورزش‌کاران برخوردار است.

همچنین نگاه کنید به:

تختی



برشت، برتولد

(۱۹۵۶ ـ ۱۸۹۸م.)

شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان

در جنوب آلمان متولد شد. پدرش کارخانه‌داری سرشناس و ثروت‌مند بود. برتولد در نوجوانی، پرشور و دارای روحیه‌ای انتقادی بود از این‌رو، چندین بار از مدرسه اخراج شد. در هجده سالگی برای تحصیل در رشته‌ی پزشکی به مونیخ رفت. ولی پس از یک سال او را به جبهه‌های جنگ اول جهانی فرستادند. برشت از ۱۵ سالگی شعر می‌گفت و آن‌ها را در نشریه‌های محلی چاپ می‌کرد. بعدها که به نمایش‌نامه‌نویسی روی آورد، یکی از عناصر نمایش‌نامه‌هایش «شعرهای نمایشی» بود که به صورت سرود و ترانه در نمایش‌نامه می‌گنجاند. همین ویژگی، موجب امتیاز برشت بر دیگر نمایش‌نامه‌نویسان شد. برشت را بنیان‌گذار تئاتر حماسی نامیده‌اند که در آن، بیننده به جای یک نمایش نظام‌دار و ساختارمند، با تعدادی صحنه‌ی کوتاه روبه‌رو می‌شود که با ترانه‌هایی به هم پیوسته‌اند. او سوسیالیستی با گرایش‌های کمونیستی بود و به‌شدت با نازی‌ها مخالفت می‌کرد. از آثار اوست: **زندگی گالیله، ننه دلاور و فرزندانش، ترس و نکبت رایش سوم، زن نیک ایالت سچوان، دایره‌ی گچی قفقازی، آدم آدم است، مادر، سرود آن‌که گفت آری و آن‌که گفت نه.**

همچنین نگاه کنید به:

برنارد شاو

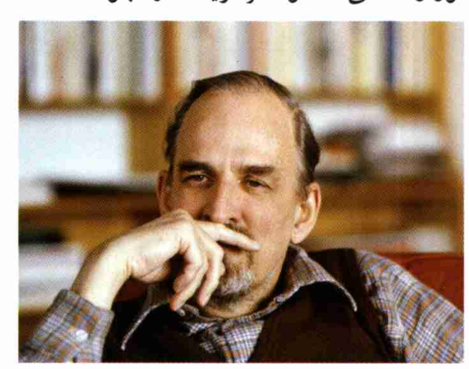


برگمان، اینگمار

(۲۰۰۷ ـ ۱۹۱۸ م.)

کارگردان فیلم، تئاتر و اپرا

برگمان یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌سازان سینمای جدید به‌شمار می‌آید. او در آثارش به یأس، ناامیدی، شادی و امید در زندگی انسان پرداخته است. در شهر اُپسالای سوئد به‌دنیا آمد. پدرش کشیش و مردی سخت‌گیر بود. از این‌رو، برگمان در محیطی با تعصب مذهبی رشد کرد. در جوانی به استکهلم رفت تا در رشته‌ی هنر و ادبیات تحصیل کند اما در آن‌جا به تئاتر علاقه‌مند شد و یک گروه تئاتر دانشجویی تشکیل داد و بعدها دستیار کارگردان شد. برگمان اولین فیلم خود را با نام **بحران** ساخت و از آن پس، طی ۶۰ سال، بی‌وقفه به کار ادامه داد؛ به‌طوری که در طول فعالیت حرفه‌ای خود، کارگردانی ۶۲ فیلم و ۱۷۰ نمایش را به انجام رساند و بر بسیاری از کارگردانان مشهور جهان تأثیر گذاشت. از فیلم‌های معروف اوست: **مُهر هفتم، توت‌فرنگی‌های وحشی، همچون در یک آینه، نور زمستانی، سکوت و فریادها و نجواها.**



برمکیان

(قرن دوم هجری)

دولت‌مردان ایرانی در دستگاه هارون‌الرشید

اجداد برمکیان مردمی بودایی بودند که در بلخ می‌زیستند و در معبد نوبهار خدمت می‌کردند. برمک، بزرگ این خاندان، در زمان عثمان اسلام آورد. بعدها یکی از نوادگانش به نام **خالد**، به سپاه ابومسلم خراسانی پیوست و چون از خود رشادت و کاردانی نشان داد، به وزارت مهدی، خلیفه‌ی عباسی و پدر هارون‌الرشید، رسید. در فتح امپراتوری روم به دست هارون، خالد و پسرش **یحیی**، مشاوران خوبی برای هارون بودند. هارون در آن زمان ۱۴ سال بیش‌تر نداشت. به تدبیر آنان، روم شکست خورد و مجبور به پرداخت غرامت سالانه به خلیفه شد. هارون به همین دلیل یحیی را به وزارت برگزید که دو پسر یحیی، **جعفر** و **فضل** نیز به او کمک کردند. برمکیان ۷ سال اداره‌ی امور خلافت پهناور اسلامی را در دست داشتند. دوران کامرانی یحیی و خاندانش دیری نپایید؛ زیرا شبی هارون ناگهان دستور داد یحیی و فرزندانش را دستگیر کنند و به زندان بیندازند. آن‌گاه جعفر را کشتند و بدنش را مُثله و در بغداد آویزان کردند. یحیی و فضل نیز در زندان مردند. باید دانست که یحیی برمکی مردی دانشمند و عالم‌پرور بود و آداب و علوم و فرهنگ اسلامی را ترقی داد. در پی کوشش‌های او بود که بغداد به دارالعلم جهان اسلام و مرکز علم و تحقیق و پزشکی و فلسفه و هیئت و ریاضی تبدیل شد و دارالحکمه نیز در آن تأسیس گردید.

همچنین نگاه کنید به:

ابومسلم، موسی کاظم (ع)، هارون‌الرشید

بَرنابا

(قرن اول میلادی)

حواری مسیح و نویسنده‌ی انجیل برنابا

برنابا یکی از حواریون، یعنی یاران خاص حضرت عیسی(ع) و از مبلّغان دین مسیح بود. در سال‌های نخست ظهور دین مسیح، که پیروان این دین در تنگنا و بی‌سر و سامان بودند، برای پیش‌رفت مسیحیت و نجات مسیحیان، برنابا با پولس رسول، دیگر حواری حضرت عیسی، همکاری می‌کرد و می‌کوشید وحدت میان مسیحیان را حفظ کند. برنابا انجیلی داشت که مثل سایر انجیل‌ها در میان مسیحیان اولیه خوانده می‌شد؛ ولی بعدها، به سبب اختلافاتی که پیش آمد، در قرن پنجم میلادی، پاپ آن را ممنوع و تحریم کرد. در سال ۱۷۰۹ میلادی، نسخه‌ای از انجیل برنابا به زبان ایتالیایی در اروپا پیدا شد و انتشار یافت. اهمیت این انجیل در آن است که مطلبی حاکی از ظهور پیامبر اسلام(ص) در آن وجود دارد. این انجیل نخست در مصر به عربی و سپس به همت علامه حیدرقلی سردار کابلی به فارسی ترجمه شد. آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، اظهار داشته که پدرش، سیدابوالحسن طالقانی، نسخه‌ی عربی این کتاب را داشت و همواره در جلسات خود قسمت‌هایی از آن را برای مردم می‌خواند. مسیحیان کنونی، انجیل برنابا را قبول ندارند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اوگوستین



برنارد شاو، جورج

(۱۹۵۰ _ ۱۸۵۶م.)

نمایش‌نامه‌نویس ایرلندی

در دوبلین، پایتخت ایرلند، در خانواده‌ای تهی‌دست متولد شد. نزد عمویش، که کشیش بود، سواد و نزد مادر هنرمندش موسیقی آموخت. در ۲۰ سالگی به لندن رفت و به نویسندگی پرداخت. برنارد شاو در نمایش‌نامه‌هایش با نگاهی واقع‌بینانه توأم با بذله‌گویی و طنز، افراد جامعه را با همه‌ی دردها، رنج‌ها و تیرگی‌های درونی آنان نشان داده است. **کاندیدا**، **انسان و اسلحه**، **سرگرد باربارا**، **شاگرد شیطان**، **مرد سرنوشت** و **قیصر و کلئوپاترا** از نمایش‌نامه‌های اوست. برنارد شاو طرفدار سوسیالیسم و عدالت اقتصادی بود و در این‌باره نیز آثاری نوشته است. ویژگی‌های نمایش‌نامه‌هایش سبب شد در سال ۱۹۲۵، جایزه‌ی نوبل ادبیات را بگیرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

برشت ، لورنس عربستان



برونو، جوردانو

(۱۶۰۰ _ ۱۵۴۸م.)

کشیش ایتالیایی و قربانی دادگاه تفتیش عقاید

در روستای نولا، نزدیک شهر ناپل ایتالیا متولد شد. از کودکی به آموختن علوم دینی و آیین کلیسایی پرداخت. در جوانی به فرقه‌ی مسیحی دومینیکن‌ها پیوست و در ژنو با عقاید جان کالوین، پیشوای معروف پروتستان‌ها، آشنا شد. برونو حافظه‌ای شگفت داشت و روایت‌های بسیاری از دین مسیح و هزاران بیت شعر از حفظ می‌خواند. در ۳۶ سالگی کتابی به نام **از بی‌نهایت، از عالم و از جهان‌ها** نوشت و در آن، عقاید خود را در مورد جهان بیان کرد که مغایر با عقاید رهبران کلیسا بود. انتشار این کتاب سبب شد از سوی دادگاه تفتیش عقاید رم دستگیر و زندانی شود. برونو ۸ سال زجر و شکنجه را در زندان تحمل کرد تا سرانجام به دستور پاپ کلمان هشتم، در شهر رم زنده در آتش سوزانده شد. اکنون در میدان مزرعه‌ی گل‌ها در شهر رم، مجسمه‌ای از جوردانو برونو وجود دارد که نشانه‌ی نظر مثبت دنیای مسیحیت به این قربانی تفتیش عقاید است. برونو پیش از گالیله می‌زیست.

هم‌چنین نگاه کنید به:

گالیله

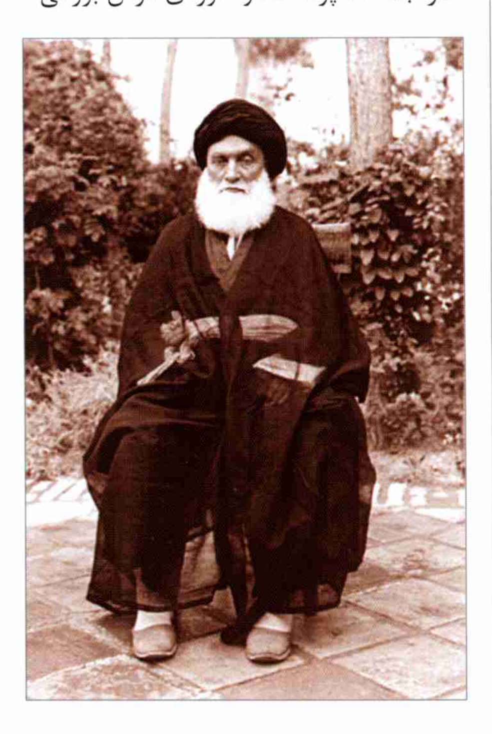


بروجردی، سید حسین

(۱۳۴۰ _ ۱۲۶۰ه.ش.)

مرجع تقلید شیعه

فرزند یکی از روحانیان بروجرد و از سلسله‌ی طباطبائیان این شهر بود. پس از فراگرفتن مقدمات دروس، به اصفهان رفت که دارای حوزه‌ی علمی معتبری بود. نزد آیت‌الله سیدمحمدباقر درچه‌ای فقه و نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی فلسفه و حکمت خواند. سپس به نجف رفت و در شمار یکی از شاگردان برجسته‌ی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی درآمد. در دوره‌ی مشروطه از طرف آخوند پیام‌هایی به ایران می‌آورد. پس از ۸ سال تحصیل در نجف، به بروجرد بازگشت و ۳۰ سال در این شهر به بیان احکام و اقامه‌ی نماز جماعت پرداخت و حوزه‌ی درس بزرگی



نیز تشکیل داد که طلاب بسیاری در آن گرد آمدند. او در سال ۱۳۲۴ شمسی، زمانی که آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تازه رحلت کرده بود، از بروجرد به زیارت امام رضا﷣ رفت. در راه بازگشت، علمای قم، از ایشان درخواست کردند در قم بماند و ریاست حوزه را به‌عهده گیرد. از آن زمان آیت‌الله بروجردی در قم ماند و حوزه‌ی علمیه را به رونقی بی‌سابقه رساند. آیت‌الله بروجردی در تدریس و تفهیم مطالب علمی بسیار توانا بود و شاگردانی تربیت کرد که عده‌ای از آنان چون امام خمینی، شهید مطهری، آیت‌الله گلپایگانی، شهید بهشتی و...، بعدها از علمای برجسته شدند. این مرجع بزرگ شیعه، چنان عمل کرد که قم به پایگاه قدرتی برای روحانیان تبدیل شد و اثر خود را در سال‌های بعد و به‌ویژه در انقلاب اسلامی نشان داد.
بروجردی به وحدت شیعه و سنی اهمیت بسیار می‌داد و با علمای اهل سنت، از جمله **شیخ محمود شلتوت**، رئیس جامع‌الازهر مصر، مراوداتی داشت که موجب افزایش اعتبار شیعه در میان اهل سنت شد. او مساجد و مدرسه‌های متعددی نیز در داخل و خارج کشور ساخت که مهم‌ترین آن‌ها مسجد اعظم قم و مرکز اسلامی هامبورگ است. آیت‌الله بروجردی در قم درگذشت و در مسجد اعظم به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آخوند خراسانی ، اصفهانی (سیدابوالحسن)

برومند، نورعلی

(۱۳۵۵ ـ ۱۲۸۵ هـ.ش.)

استاد آواز، نوازنده‌ی تار و سه‌تار، ردیف‌دان

نورعلی برومند در سال استقرار مشروطه، در تهران متولد شد. در نوجوانی مدتی نزد درویش‌خان تمرین تار و سه‌تار کرد. ۱۷ سال بیش‌تر نداشت که برای تحصیل پزشکی به آلمان رفت؛ ولی پس از چند سال چشمانش نابینا شد و به‌ناچار به ایران بازگشت. مدتی نزد حبیب سماعی و چندی هم نزد ابوالحسن صبا به آموختن موسیقی پرداخت. آن‌گاه ۱۲ سال نزد اسماعیل قهرمانی، که خود از شاگردان میرزاعبدالله بود، ردیف میرزاعبدالله را یاد گرفت. او بعد از فوت استادش، این ردیف‌ها را چاپ کرد و برای آیندگان گذاشت.
از شاگردان برجسته‌ی برومند می‌توان محمدرضا شجریان، مجید کیانی، حسین علیزاده، داوود گنجه‌ای، جلال ذوالفنون، محمدرضا لطفی و مرحوم نورالدین رضوی سروستانی را نام برد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شجریان ، صبا ، علیزاده ، میرزا عبدالله



برونِلسکی، فیلیپ

(۱۴۴۶ـ ۱۳۷۷ م.)

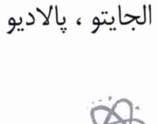
معمار ایتالیایی عصر نوزایی اروپا

برونلسکی در شهر فلورانس متولد و در همین شهر بزرگ شد. نخست مجسمه‌سازی و طلاسازی پیشه کرد؛ ولی از میان‌سالی به معماری روی آورد. او اصل پرسپکتیو را در طراحی احیا کرد و نقاشان و هنرمندان معاصرش توانستند با استفاده از پرسپکتیو، به خلق آثاری بپردازند که در آن‌ها، دنیای سه‌بعدی روی سطح دوبعدی رسم می‌شد و به‌دنیای واقعی شباهت زیادی داشت.
برونلسکی مهندس و معمار ارشد **گنبد کلیسای فلورانس** بود و توانست بزرگ‌ترین و بلندترین گنبد را تا آن زمان بسازد. گنبد کلیسای فلورانس از نظر بلندی، با گنبد سلطانیه‌ی زنجان در ایران قابل مقایسه است. او دو کلیسای دیگر به نام‌های **پیازا سان‌لورنزو** و **سانتا اسپریتو** ساخت که از شاهکارهای معماری عصر نوزایی به‌شمار می‌رود.



▼ کلیسای گنبد فلورانس، که در عظمت با گنبد سلطانیه در ایران برابری می‌کند، شاهکار معماری برونلسکی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
الجایتو ، پالادیو



بریل، لوئی

(۱۸۵۲ـ ۱۸۰۹م.)

مخترع خط برای نابینایان

در شهر کوچکی در نزدیکی پاریس به‌دنیا آمد. پدرش زین اسب می‌ساخت. لوئی بسیار باهوش و کنجکاو بود. در اثر بازی با ابزارهای کار پدرش، یک درفش به چشم او رفت و بر اثر عفونت، در ۳ سالگی، از هر دو چشم

نابینا شد. در ۶ سالگی، روزی پدرش در کارگاه از او خواست قطعات چرمی کوچک و بزرگ و متوسط را از هم جدا کند. او نه تنها این کار را کرد، بلکه آن‌ها را از نظر رنگ هم جدا کرد و گفت: «سیاه‌ها زبرترند؛ قرمزها برآمدگی دارند و قهوه‌ای‌ها نرم‌ترند.» او هنگام راه رفتن آواز می‌خواند و از این طریق، فاصله‌اش را با اشیا درک می‌کرد. لوئی را در ۱۰ سالگی به مدرسه‌ی نابینایان سپردند. در آن‌جا نخستین جرقه‌ی اختراع خط برای نابینایان در ذهنش زده شد. در آن زمان، شخصی با استفاده از ۱۲ نقطه‌ی برجسته، نوعی خط برای نوشتن در شب اختراع کرده بود. لوئی بریل در ۱۵ سالگی، این ۱۲ نقطه را به ۶ نقطه کاهش داد و با آن خط بریل را اختراع کرد و به هم‌کلاس‌های خود آموزش داد. در پی آن، ۱۶ سال پس از مرگش، خط او به‌صورت یک الفبای جهانی در همه‌ی کشورهای جهان پذیرفته شد. لوئی بریل در ۴۳ سالگی درگذشت. او را در پانتئون پاریس در کنار کسانی چون ویکتور هوگو و ژان ژاک روسو به‌خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کلر



بزرگمهر

(۵۹۰ ـ ۵۳۱ م.)

وزیر انوشیروان ساسانی

اطلاعات تاریخ‌نگاران درباره‌ی بزرگمهر بسیار کم است. همین‌قدر معلوم است که اهل مرو بوده و علاوه بر آن‌که ریاست مشاوران خاص خسرو انوشیروان را داشته، طبیب و ستاره‌شناس هم بوده است. کریستن‌سن، پژوهشگر و مورخ دانمارکی، او را همان **برزویه‌ی طبیب** می‌داند. در ادبیات فارسی پاره‌ای از سخنان سنجیده و حکیمانه را به او نسبت داده‌اند و در شاهنامه‌ی فردوسی نیز مردی خردمند و دانا معرفی شده است. هم‌چنین رساله‌ای به نام **پندنامه‌ی بزرگمهر بختگان** به او منسوب است که باقی است. مسعودی، تاریخ‌نگار قرن چهارم، نوشته است که خسروپرویز پس از نبردهایی که با بهرام چوبین کرد، به بزرگمهر مشکوک شد که مبادا به مذهب مسیحی یا مانوی گرایش پیدا کرده باشد. به همین سبب، او را کشت. بوذَرجُمِهر شکل عربی کلمه‌ی بزرگمهر است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

انوشیروان ، مسعودی



بِسمِر، هنری

(۱۸۱۳ ـ ۱۸۹۸ م.)

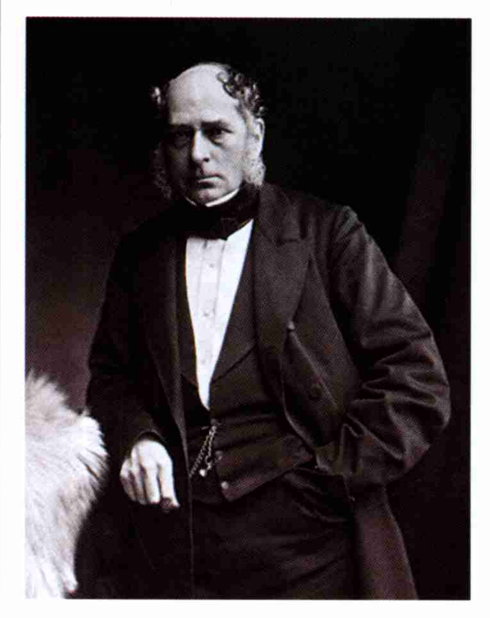
مخترع روش تولید فولاد ارزان

پدر هنری بسمر یک مهندس انگلیسی، ولی عضو فرهنگستان علوم فرانسه بود. با شروع انقلاب فرانسه، او به کشورش انگلستان برگشت و یک کارگاه مهندسی تأسیس کرد. هنری در ۱۷ سالگی، در همین کارگاه با دیدن آموزش‌های اولیه، به مهندسی خلّاق و ماهر تبدیل شد. او در دهه‌ی ۱۸۵۰، روش جدیدی برای تبدیل آهن به فولاد، از طریق دمیدن شدید هوا بر آهن مذاب، ابداع کرد. این روش به‌گونه‌ای بی‌سابقه تولید فولاد را به یک میلیون تُن در سال افزایش داد. تنها رقیب بسمر در تولید انبوه آهن، کارخانه‌ی زیمنس آلمان بود که به روش دیگری فولاد تولید می‌کرد. این تولید انبوه فولاد که بسمر ابداع کرد به گسترش راه‌آهن انگلستان کمک کرد و به پیش‌رفت‌های دیگری در صنعت انجامید. بسمر به پاس این خدمت نشان شوالیه گرفت و به عضویت انجمن سلطنتی انگلستان درآمد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

زیمنس ، کارنِگی

▼ **بسمر تولید فولاد را به گونه‌ای بی‌سابقه افزایش داد.**





بغایری، عبدالرزاق

(۱۲۵۲ ـ ۱۳۳۱ ه.ش.)

جغرافی‌دان و نقشه‌بردار عصر ناصری

بغایری را باید از نخستین کسانی دانست که در ایران، با فنون جغرافیا و نقشه‌برداری جدید آشنا شدند. محل تولد او را اصفهان یا سبزوار دانسته‌اند. در تهران، در دارالفنون درس خواند و مهندس شد. در سال ۱۳۰۸ قمری با استفاده از نقشه‌های انگلیسی، روسی و فرانسوی، نقشه‌ی جدیدی برای ایران رسم کرد. هم‌چنین یک کره‌ی جغرافیا ساخت و به ناصرالدین‌شاه اهدا کرد. شاه هم به پاداش آن، به او درجه‌ی سرتیپی داد و از او خواست در مدرسه‌ی نظام تدریس کند. از کارهای بغایری علاوه بر تهیه‌ی نقشه‌ی ایران، تهیه‌ی نقشه‌ی تهران و نقشه‌ی پنج قاره‌ی عالم است. تألیفاتی نیز دارد که مهم‌ترین آن‌ها **جغرافیای مفصل برای مدارس عالی**، **واژه‌های جغرافیا و نام دهات**، **اصول علم جغرافیا** و **شناخت قبله** است. بغایری در تهران درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سحاب ، نجم‌الدوله



بُقراط

(۳۳۷ _ ۴۶۰ ق.م.)
پزشک یونانی و پدر علم طب

هیپوکریتوس یا بقراط، بزرگ‌ترین طبیب یونانی عصر باستان پیش از میلاد مسیح است. او در زمانی ظهور کرد که بسیاری از مردم، از روی نادانی، عقیده داشتند که بیماری در اثر دخالت ارواح شیطانی یا خدایان انتقام‌جو به‌وجود می‌آید. بقراط این عقیده را رد کرد و گفت هر بیماری یک علت طبیعی دارد که اگر یافت شود، می‌توان بیمار را درمان و حتی بیماری‌های دیگر را پیش‌بینی کرد. بیش از ۷۰ کتاب و رساله‌ی طبّی به بقراط منسوب است. اما نمی‌توان به صحت آن‌ها اطمینان داشت. از بقراط یک **سوگندنامه** بر جای مانده است که نشانه‌ی سیرت انسانی و اخلاقی این نخستین پزشک تاریخ طب است. بر اساس این سوگندنامه، هر پزشک در آغاز کار طبابت، متعهد می‌شود که خود را بیش از هر چیزی وقف انسان‌ها کند و در مداوای بیمار، هرکس که باشد، کوتاهی نکند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جالینوس

بِکرل، هانری

(۱۹۰۸ _ ۱۸۵۲ م.)
کاشف خاصیت پرتوزایی عناصر رادیواکتیو

بکرل‌ها، مانند برنولی‌ها، از خانواده‌های دانشمند اروپا در تاریخ علم به‌شمار می‌روند و هانری بکرل یکی از آنان است. او دکترای فیزیک خود را از دانشگاه علوم پاریس گرفت و به مطالعه‌ی مواد و عناصر رادیواکتیو، در زمانی که هنوز پرتوزایی آن‌ها آشکار نشده بود، پرداخت. هنگامی که ویلهلم رونتگن پرتو X را کشف کرد، بکرل چنان به‌وجود آمد که شروع به انجام‌دادن آزمایش‌هایی روی مواد رادیواکتیو کرد. بر حسب اتفاق، روزی مقداری کریستال اورانیوم را همراه با یک فیلم عکاسی در کشوی میزش گذاشته بود. بعداً که فیلم را ظاهر کرد، با کمال تعجب دید که عکس کریستال اورانیوم روی فیلم افتاده است. بکرل دانست که این اتفاق ناشی از پرتو ناشناخته‌ای است که از اورانیوم صادر می‌شود. بدین ترتیب، خاصیت پرتوزایی عناصر رادیواکتیو را کشف کرد. بکرل خیلی زود به ماری کوری و پی‌یر کوری پیوست و همراه آن‌ها به تحقیقات خود ادامه داد. این سه دانشمند در سال ۱۹۰۳، به پاس تحقیقاتشان درباره‌ی مواد رادیواکتیو، به طور مشترک جایزه‌ی نوبل فیزیک را دریافت کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کوری



بکن باوئر، فرانتس

(تولد: ۱۹۴۵م.)
قیصرِ فوتبال آلمان

در مونیخ آلمان متولد شد. در ۱۳ سالگی به باشگاه بایرن مونیخ پیوست و ۲۰ سال داشت که به تیم ملی آلمان دعوت شد. او سال‌ها ستون اصلی تیم ملی آلمان بود و پیوسته در بازی‌ها خوش می‌درخشید. به سبب اقتدار در بازی، قدرت کنترل توپ و درکی که از فوتبال داشت، به قیصر فوتبال آلمان شهرت یافت. از بازی‌های به یادماندنی او، بازی در جام‌جهانی پکن (۱۹۷۰) بود که با وجود این‌که کتفش شکست، بازی را تا پایان ادامه داد. سه دوره حضور در جام‌جهانی (۱۹۷۴، ۱۹۷۰، ۱۹۶۶)، قهرمان جام‌جهانی (۱۹۷۴)، نایب قهرمانی جام‌جهانی (۱۹۶۶)، مقام سوم جام‌جهانی (۱۹۷۰) و سه دوره فتح جام باشگاه‌های اروپا (۱۹۷۶، ۱۹۷۵، ۱۹۷۴) بخشی از کارنامه‌ی سرشار از پیروزی بکن باوئر است. او در سال ۱۹۸۲ از بازی کناره گرفت. اما در سال ۲۰۰۶، به ریاست کمیته‌ی برگزاری جام‌جهانی در آلمان منصوب شد و در برگزاری باشکوه آن بازی‌ها نقش مؤثری ایفا کرد.



بل، الکساندر گراهام

(۱۹۲۲ _ ۱۸۴۷ م.)
مخترع تلفن

بل در اسکاتلند و در خانواده‌ای متولد شد که اغلب افرادش سخن‌ور بودند. خود بل نیز هنگامی که معلم شد، یکی از کارهایش آموزش فن بیان به بچه‌ها بود. تحصیلاتش را در انگلستان گذراند؛ ولی چون دو برادرش به سبب ابتلا به بیماری سل درگذشته بودند، خانواده‌اش زادگاه خود را ترک و به کانادا مهاجرت کردند تا تنها فرزندشان، به سرنوشت دو برادرش دچار نشود. بل از کانادا به آمریکا رفت تا دستگاهی را که پدرش برای آموزش سخن گفتن به ناشنوایان اختراع کرده بود، معرفی کند؛ اما در آمریکا ماند. اندیشه‌ی تبدیل صوت به الکتریسیته

▼ بل بدون تردید یکی از چند مخترع بزرگ جهان در دو قرن اخیر است.



و برعکس، چیزی بود که بل روی آن بسیار کار کرده بود. او ۲۹ سال داشت که اندیشه‌ی خود را با شخصی به نام توماس واتسون، که طراح صنعتی و تعمیرکار مکانیک بود، در میان گذاشت. آن‌گاه موفق شد به کمک واتسون، دستگاهی بسازد و آزمایش کند که بعدها **تلفن** نام گرفت. در نتیجه، نام بل در مقام مخترع تلفن در تاریخ صنعت و اختراع ثبت شد. او در سال ۱۸۹۰، رئیس انجمن ملی جغرافیا در آمریکا شد و از همان زمان شروع به انتشار مجله‌ای به نام **نشنال جئوگرافیک** کرد. این نشریه، که نزدیک به ۱۲۰ سال از انتشار آن می‌گذرد، یکی از غنی‌ترین مجله‌های جغرافیایی جهان است که هنوز هم منتشر می‌شود. هنگامی که بل مُرد، شبکه‌های تلفن آمریکا و کانادا به مدت یک دقیقه فعالیت خود را تعطیل کردند تا سپاس خود را از زحمات مردی که «پدر ارتباطات مدرن» لقب گرفته بود، اعلام کنند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ادیسون



بلادی، سید عبدالله

(۱۳۳۱ ـ ۱۲۵۲ هـ.ش.)
چهره‌ی روحانی قیام تنگستان

ساداتِ بلادیِ جنوب ایران در گذشته، از بحرین، که خود جزء ایران بود، به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و ایرانی‌اند. سیدعبدالله در نجف اشرف متولد شد. ۹ ساله بود که با پدرش، که مردی عالم و مجتهد بود، به بوشهر آمد. در ۱۲ سالگی، همراه پدرش به ملاقات سیدجمال‌الدین اسدآبادی رفت که با کشتی از هندوستان به ایران آمده بود و در بوشهر اقامت داشت. این دیدار در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر گذاشت. سیدعبدالله مردی عالم، مبارز، روشن‌اندیش و بسیار فعال و پرکار بود. هر چند سال یک‌بار سفری به نجف می‌رفت و بر دانش دینی و علمی خود می‌افزود. وی علاوه بر این‌که مجتهد بود؛ در بسیاری از زمینه‌ها مانند پزشکی، زبان انگلیسی، هندسه، نجوم قدیم و هیئت جدید نیز اطلاعات خوبی داشت و از اوضاع جهان بااطلاع بود. بلادی در نهضت مشروطه در بوشهر خدمات فراوانی کرد و در سال‌های جنگ اول جهانی، که انگلیسی‌ها به بوشهر تجاوز کردند و تنگستانی‌ها به‌پا خواستند، از پشتیبانان این قیام و حامی فرمان‌ده آن، **رئیس‌علی دلواری**، بود. به این سبب، آوازه‌اش در سراسر ایران و خارج از آن پیچید. در زمان رضاشاه، با کشف حجاب مقابله کرد و در جریان ملی شدن نفت نیز از طرفداران و فعالان نهضت بود. بیش از ۸۰ اثر تألیفی از این عالم بیدار بر جای مانده است. او در سال ۱۳۳۱ شمسی و در ۷۹ سالگی در بوشهر درگذشت.

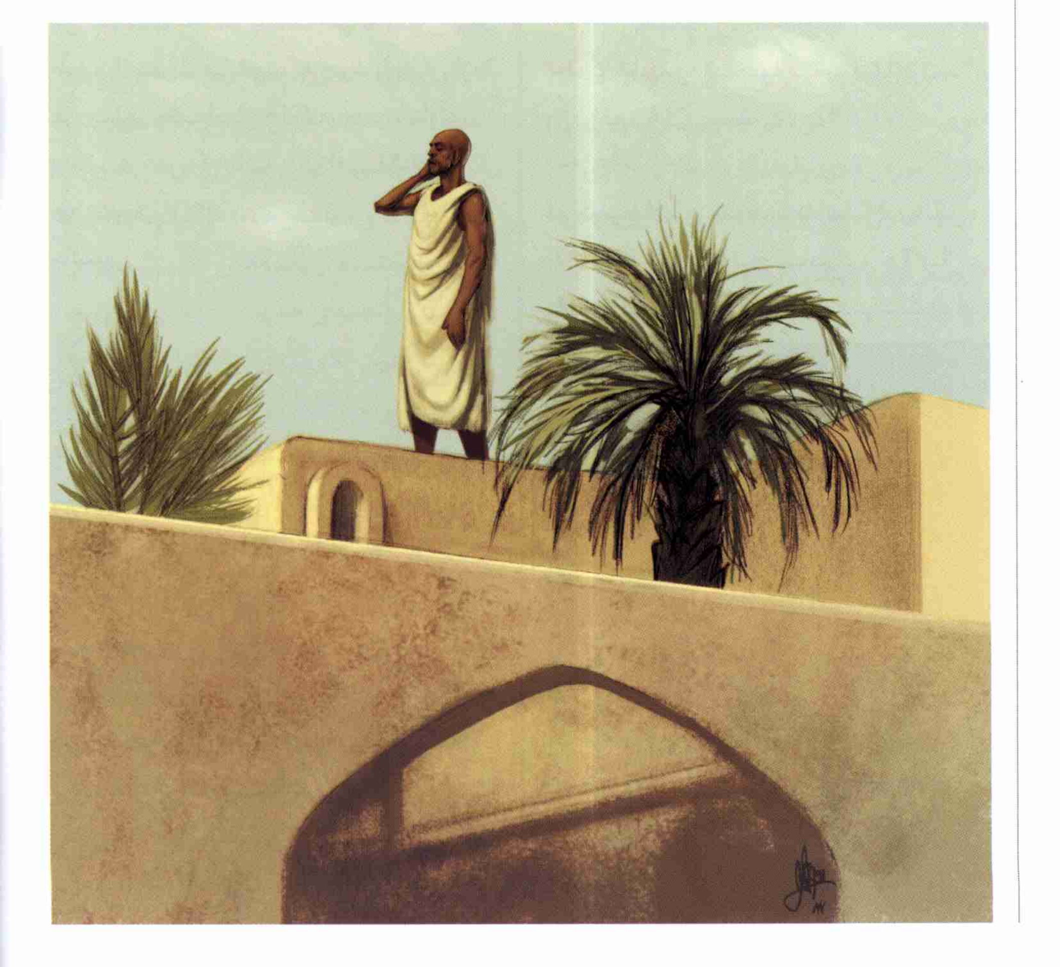
هم‌چنین نگاه کنید به:
اسدآبادی ، دلواری



بِلال حبشی

(فوت: ۲۰ هـ.ق.)
صحابی و مؤذن رسول خدا

بِلال برده‌ای حبشی و سیاه‌پوست بود که مسلمان شد و چون مشرکان او را بسیار اذیت و شکنجه می‌کردند، ابوبکر وی را خرید و آزاد کرد. پیامبر به بلال علاقه‌ی خاصی داشت و او را مؤذن خود قرار داده بود. بلال هم شیفته‌ی رسول خدا بود و در تمام غزوه‌ها آن حضرت را همراهی می‌کرد. بعد از فوت رسول خدا، بلال دیگر اذان نگفت جز یک‌بار که حضرت زهرا از ایشان درخواست کرد. بلال برای جهاد به شام رفت و در همان‌جا در سال ۲۰ هجری، در حالی که بیش از ۶۰ سال داشت، درگذشت. قبر بلال در گورستان باب‌الصّغیر دمشق، زیارت‌گاه مسلمانان است.





▲ «ناپلئون از کوه‌های آلپ می‌گذرد» (۱۸۰۰)، اثر ژاک ـ لوئی داویه، رنگ روغن روی بوم
هنگامی که داویه این نقاشی را کشید، ناپلئون ۲۸ سال داشت و اتریشی‌ها را برای دومین بار طی ۵ سال در ایتالیا شکست داده بود. در این نقاشی تبلیغاتی، ناپلئون با هانیبال و شارلمانی امپراتوران عهد روم باستان، به این مناسبت که آن‌ها نیز از کوه‌های آلپ عبور کرده بودند، همانند دانسته شده و در مقام قهرمانی سوار بر اسب، به تصویر درآمده است. خطوط مورب ترکیب‌بندی نشان می‌دهد که ناپلئون چگونه ارتش خود را به جلو و بالا هدایت می‌کند.



بناپارت، ناپلئون

(۱۸۲۱ ـ ۱۷۸۰ م.)

امپراتور فرانسه پس از انقلاب فرانسه

ناپلئون افسر ارتش بود و در ۲۶ سالگی، از سوی رهبران انقلاب فرانسه مأمور حفظ نظم و ایجاد حکومت نظامی در پاریس شد. او، که تشنه‌ی قدرت بود، خیلی زود بر ضد جمهوری‌خواهان کودتا و جمهوری را لغو کرد. سپس با تاج‌گذاری به شیوه‌ی امپراتوران روم باستان، خود را امپراتور فرانسه خواند و قدرت برتر اروپا شد. ناپلئون جنگ‌های بسیار کرد و حتی به مصر لشکر کشید. غرور بیش از حدّ او سبب شد که در سال ۱۸۰۹ م. به روسیه هم لشکر بکشد که تا مسکو پیش رفت؛ ولی سرمای شدید روسیه بیش‌تر سربازانش را از پای درآورد و خودش با بقیه‌ی سربازان به پاریس برگشت. آخرین جنگ ناپلئون **نبرد واترلو** با انگلیسی‌ها بود که در آن شکست سختی خورد و به اسارت درآمد. انگلیسی‌ها او را به جزیره‌ی سَنت هِلِن تبعید کردند که در همان‌جا درگذشت. ناپلئون با فتحعلی شاه قاجار معاصر بود و کمک‌های نظامی نیز در اختیار ایران قرار داد.

همچنین نگاه کنید به:

فتحعلی‌شاه قاجار



بنان، غلام‌حسین

(۱۳۶۴ـ۱۲۹۰ هـ.ش.)

استاد آواز

بنان، فرزند کریم بنان‌الدوله از مستوفیان (حساب‌دار و مسئول درآمد) دوره‌ی قاجار و مردی خوش‌خط و خوش‌آواز بود. مادر بنان نیز پیانو می‌نواخت و خواهرانش نزد مرتضی نی‌داوود، تار می‌آموختند. نی‌داوود صدای غلام‌حسین را کشف و او را به فراگرفتن و خواندن آواز تشویق کرد. بنان در حضور استادانی چون روح‌الله خالقی و ابوالحسن صبا امتحان داد و پذیرفته شد. سپس زیر نظر علی‌نقی وزیری با رادیو همکاری کرد و بعدها رئیس شورای موسیقی رادیو شد. صدای بنان چنان نرم و لطیف است که رهی معیری آن را «صدای مخملین» خوانده است. از آثار معروف او، که همواره مورد توجه قرار دارد، می‌توان به سرود **ای ایران**، **بوی جوی مولیان**، **کاروان**، **الهه‌ی ناز** و **تا بهار دل‌نشین** اشاره کرد. بنان در تهران درگذشت و در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.



همچنین نگاه کنید به:

خالقی ، صبا ، وزیری (علی‌نقی)



بن‌بلا، احمد

(تولد ۱۹۱۶ م.)

نخستین رئیس‌جمهوری الجزایر

بن‌بلّا از رهبران مبارزه با استعمارگران فرانسوی بود و در دوره‌ی مبارزه با آن‌ها، فرمان‌دهی نیروهای مبارز را در کوهستان‌های کابیلی الجزایر به‌عهده داشت. در سال ۱۹۵۶، بن‌بلّا با جمعی دیگر از مبارزان دست به یک هواپیماربایی زدند که موفق نشدند، در نتیجه، فرانسویان آن‌ها را دستگیر کردند و به زندان انداختند. در سال ۱۹۶۳، که ژنرال دوگل رئیس‌جمهوری فرانسه شد، استقلال الجزایر را پذیرفت و بن‌بلا نیز آزاد شد. سپس با شرکت در انتخابات عمومی الجزایر، به ریاست جمهوری برگزیده شد. بن‌بلّا مردی روشن‌فکر، مسلمان و دارای گرایش‌های عدالت‌خواهانه و طرفدار هم‌زیستی ملت‌ها و کشورهاست. از این‌رو، در دوره‌ی حکومتش از دولت شوروی جایزه‌ی صلح لنین را دریافت کرد. بن‌بلّا پس از دو سال ریاست‌جمهوری، در پی کودتایی به رهبری سرهنگ حواری بومِدیَن، از کار برکنار شد و اکنون دوران بازنشستگی خود را می‌گذراند. روبرِ مرلِ، نویسنده‌ی فرانسوی، کتابی به نام **بن‌بلا**، درباره‌ی این مبارز ضداستعمار نوشته است.

همچنین نگاه کنید به:

امیر عبدالقادر



بنز، کارل

(۱۹۲۹ ـ ۱۸۴۴م.)

مهندس آلمانی و مخترع خودرو بنز

بنز در کارلسروهه، از مناطق صنعتی آلمان، به‌دنیا آمد. در دو سالگی پدرش را از دست داد و از آن پس مادرش به تربیت و تحصیل او توجه خاصی کرد. ۱۵ سال داشت که وارد دانشگاه کارلسروهه شد. در ۱۹ سالگی مدرک مهندسی مکانیک گرفت و در کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی مشغول کار شد. در سال ۱۸۸۶، خودرو جدیدی اختراع کرد که کالسکه‌ی موتوری نام داشت. این کالسکه دارای سه چرخ بود و موتور آن را خود بنز ساخته بود. سرعت این خودرو، حداکثر ۱۶ کیلومتر در ساعت بود و در آن برای اولین بار، سیستم جرقه‌ی الکتریکی، دیفرانسیل، رادیاتور و چند وسیله‌ی دیگر به‌کار رفته بود. با گذشت زمان، بنز توانست کارخانه‌ی خودروسازی خود را تأسیس کند و ماشین‌هایی با سرعت حداکثر ۲۲۸ کیلومتر بسازد که رکورددار سرعت شد. بعدها دو شرکت بنز و دایملر در هم ادغام شدند و به تولید خودروهای پیش‌رفته‌ای پرداختند که با نام **مرسدس‌بنز** فروخته می‌شد. خودروهای بنز امروزه جزو بهترین خودروهای جهان به‌شمار می‌روند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پورشه ، فورد

کارل بنز در سال ۱۸۸۵م. یک اتومبیل بنزینی ساخت و آن را به ثبت رساند.



بنوموسی، محمد، حسن و احمد

(قرن سوم هجری)

سه برادر ریاضی‌دان و اخترشناس

موسی‌بن شاکر خراسانی، منجم دربار مأمون، سه پسر به نام‌های محمد، حسن و احمد داشت که هر سه در دارالحکمه‌ی بغداد به کار علمی مشغول شدند. آنان در ریاضیات، نجوم و علمُ‌الحِیَل (مکانیک) سرآمد دانشمندان زمان خود شدند و ابوریحان بیرونی نیز بعدها کارهای آنان را تأیید کرد. محمد، برادر بزرگ‌تر، توانست مردان برجسته‌ای چون حنین‌بن‌اسحاق و ثابت‌بن‌قرّه را به دارالحکمه دعوت کند. این دو، که از بهترین مترجمان متن‌های یونانی و سُریانی بودند، آثار بسیاری را به فارسی ترجمه کردند. محاسبه‌ی قطر زمین از طریق اندازه‌گیری، ساختن رصدخانه‌ی بغداد و تهیه‌ی جدولی از حرکت ستارگان در آسمان، از کارهای این سه برادر است. از احمد نیز کتابی به نام **الحیل** درباره‌ی وسایل مکانیکی خودکار، که با آب کار می‌کنند، باقی است. این کتاب را سرافراز غزنی به فارسی ترجمه کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بیرونی ، خوارزمی ، مأمون



بنی‌اعتماد، رخشان

(تولد: ۱۳۳۳ ه.ش.)

کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی کارگردانی سینما از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک دانشگاه تهران است. نخست مستندساز تلویزیونی بود و سپس به عرصه‌ی سینما وارد شد. در سال ۱۳۶۱، در فیلم **گل‌های داوودی** منشی صحنه بود و سپس به کارگردانی روی آورد. اولین فیلم‌های او **خارج از محدوده** و **زرد قناری** بود که خودش آن‌ها را نوشته و کارگردانی کرده بود. پس از آن با فیلم **نرگس** درخشید و در دهمین جشنواره‌ی فیلم فجر، بهترین کارگردان شناخته شد. بعد از آن فیلم **روسری آبی** را ساخت که آن نیز جوایز متعددی گرفت. او با ساختن فیلم **بانوی اردیبهشت**، جایزه‌ی بهترین کارگردان را به‌دست آورد. از دیگر فیلم‌های بنی‌اعتماد می‌توان به **گیلانه**، **زیر پوست شهر** و **خون‌بازی** اشاره کرد. دختر بنی‌اعتماد به نام **باران کوثری** نیز در بازیگری، هنرمندی تواناست و در خون‌بازی ایفای نقش کرده است.

بنی‌اعتماد از فیلم‌سازان موفق دو دهه‌ی اخیر ایران است.





بنی‌صدر، سیدابوالحسن

(تولد: ۱۳۱۲ هـ.ش.)

نخستین رئیس‌جمهوری ایران

پدرش، سیدنصرالله بنی‌صدر، از روحانیان سرشناس همدان و خودش دانش‌آموخته‌ی حقوق و اقتصادِ دانشگاه تهران بود. مدرک دکتری خود را نیز از دانشگاه سوربُن فرانسه گرفت. نخست عضو جبهه‌ی ملی بود و در دوره‌ی دانشجویی از فعالان سیاسی به‌شمار می‌رفت. او در خارج از کشور، همراه با دیگر مخالفان، بر ضد رژیم شاه فعالیت‌های ملی و مذهبی داشت. در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی، همراه با امام خمینی و جمعی دیگر به ایران بازگشت. به سبب نوشته‌ها و سخن‌رانی‌هایش بر ضد مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها، در میان مردم مشهور گردید. نخست به عضویت شورای انقلاب درآمد و در سال ۱۳۵۹، اولین رئیس‌جمهوری ایران شد. اندیشه، رفتار و خلق‌وخوی بنی‌صدر به‌گونه‌ای بود که نتوانست موجب وفاق و اتحاد در کشور گردد و خیلی زود بر سر اداره‌ی امور کشور با رؤسای قوای مقننه و قضاییه و دیگر نیروهای انقلابی اختلاف‌نظر پیدا کرد. در نتیجه، به همکاری با مخالفان انقلاب، به‌ویژه منافقین، تمایل یافت و سبب ایجاد بحران در جامعه شد. به‌دنبال این امر، مجلس به بی‌کفایتی او رأی داد و امام خمینی وی را از ریاست‌جمهوری عزل کرد. پس از مدتی، بنی‌صدر با تغییر دادن قیافه‌ی ظاهری و پوشیدن لباس مبدّل، از ایران به فرانسه گریخت و از آن کشور پناهندگی سیاسی گرفت.



بوئینگ، ویلیام

(۱۹۵۶ ـ ۱۸۸۱ م.)

بنیان‌گذار شرکت هواپیماسازی بوئینگ

بوئینگ امروزه بزرگ‌ترین شرکت هواپیماسازی جهان است. بنیان‌گذار آن، ویلیام ادوارد بوئینگ، در دیترویت آمریکا متولد شد. در جوانی برای تحصیل به دانشگاه ییل رفت؛ ولی پیش از آن‌که مدرکی بگیرد، دانشگاه را رها کرد و به سیاتل رفت و به تجارت چوب و الوار مشغول شد. در ۳۵ سالگی، به کمک یکی از دوستانش، کنراد وسترولت، در اواسط جنگ اول جهانی، شرکت بوئینگ را تأسیس کرد. این شرکت خیلی زود گسترش یافت و از ارتش آمریکا سفارشِ ساختِ هواپیما دریافت کرد و کارش رونق گرفت. بوئینگ طی دو دهه، به ساخت هواپیماهای نظامی پرداخت و در جنگ دوم جهانی، به غولی در صنعت هواپیمایی تبدیل شد. بعد از جنگ هم به تولید هواپیماهای تجاری و غیر نظامی روی آورد. ویلیام بوئینگ پیش از جنگ دوم جهانی، از صنعت هوایی کناره‌گیری کرد. اما شرکتی که بنیان نهاد، تا امروز به فعالیت خود ادامه داده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

توپولف



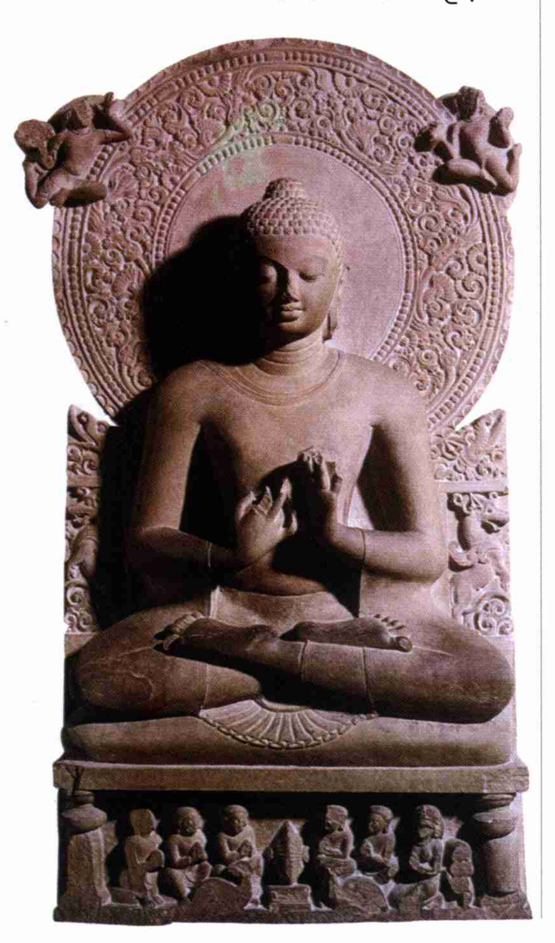
بودا

(حدود ۴۸۳ ـ ۵۶۳ ق.م)

بنیان‌گذار آیین بودایی

نامش سیدارتا گوتاما بود و در شمال هند زاده شد. پدرش در ناحیه‌ای در بَنارِس فرمان‌روایی می‌کرد؛ به این سبب، بودا همانند شاه‌زادگان، در رفاه و تجمل بزرگ شد. در ۱۹ سالگی با دخترعموی خود ازدواج کرد و زندگی شاهانه‌ی خود را ادامه داد و صاحب فرزند شد. قرار بود سیدارتا جانشین پدرش شود؛ اما از آن‌جا که میل و گرایش غریبی به زهد و گوشه‌گیری داشت و بیش‌تر اهل اندیشه بود تا پادشاهی کردن، هنگامی که با **اوپانیشادها**، کتاب هندوان، آشنا شد، در او دگرگونی عمیقی پدید آمد. گویند روزی با

▼ بودا قانون را موعظه می‌کند (ماسه‌سنگ).
در تعالیم بودا آمده است: «چرخ قانون را به حرکت درآورید.» این جمله معمولاً در هنر بودایی به شکل یک چرخ نمایش داده می‌شود.



ارّابه‌ران خود از راهی می‌گذشت. پیرمردی شکسته حال و فرتوت را دید. ارّابه‌ران گفت: «عاقبت زندگی این است! همه‌ی ما دیر یا زود به این مرحله خواهیم رسید.» وقایعی از این گونه سبب شد سیدارتا زن و فرزندش را ترک کند و از زندگی مرفه و شاهانه دست بکشد. او به نزد راهبانِ گوشه‌نشین رفت و به ریاضت کشیدن و تحمل رنج و گرسنگی پرداخت. این کار را ۶ سال ادامه داد. گویند شبی را تا صبح زیر **درخت بودی** یا **انجیر** بیدار نشست و اندیشه کرد تا خورشید دمید؛ از این رو، بودا نام گرفت. آن‌گاه به بنارس برگشت و به تعلیم افکار و اندیشه‌های خود به دیگران پرداخت و پیروان بسیار یافت. اساس تعالیم بودا بر سه کلمه است: **ترحّم**، **پارسایی** و **عشق**. آیین بودایی در طی زمان به شرق و غرب گسترش پیدا کرد اما با ظهور اسلام پیش‌روی آن در غرب متوقف شد. امروزه بیش‌تر مردم کشورهای شرق آسیا پیرو این آیین‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
زردشت

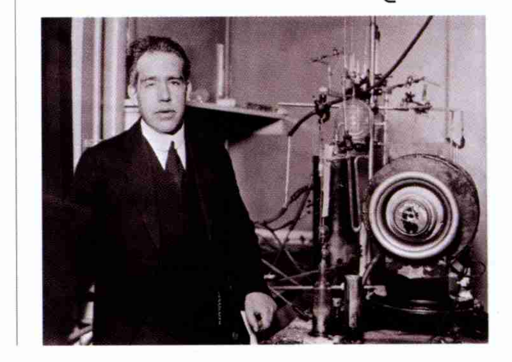


بور، نیلز

(۱۹۶۲ ـ ۱۸۸۵م.)
دانشمند اتمی

اهل دانمارک بود و در کپنهاگ متولد شد. او و برادرش از بهترین فوتبالیست‌های کشورشان بودند و در همان حال از نظر علمی از نخبگان به‌شمار می‌رفتند. نیلز بور که دکترای فیزیک اتمی داشت و کسی است که مدل کنونی را برای ساختمان اتم پیشنهاد داده: یک هسته در مرکز شامل پروتون‌ها و نوترون‌ها و مدارهایی در پیرامون هسته که الکترون‌ها روی آن‌ها به دور هسته می‌چرخند. بور نسبتاً جوان و ۳۷ ساله بود که جایزه‌ی نوبل فیزیک را برای کار روی ساختار اتم و تابش اجسام به‌دست آورد. دریافت این جایزه ۹ سال پس از آن بود که بور نظریه‌ی اتمی خود را بیان کرده بود. موضوع امکان شکافت هسته‌ی اتم و تولید انرژی عظیم از آن را دانشمندان آلمانی در آن زمان کشف کرده بودند ولی بسیار سرّی بود. خبر این کشف به گوش بور رسید. او به آمریکا رفت و با اینشتین، و اِنریکو فرمی که در دانشگاه کلمبیا کار می‌کرد، به بحث و مذاکره پرداخت. در مدت کوتاهی آزمایشگاه‌های جهان صحت نظر دانشمندان آلمانی را تأیید کردند و از این‌جا، تاریخ بمب اتمی آغاز شد. بعد از مدت کوتاهی، دانشمندان به طرز ساخت بمب نیز دست یافتند و نخستین بمب در آمریکا ساخته و آزمایش شد و به زودی در آخرین روزهای جنگ دوم جهانی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی ژاپن را نابود کرد. نیلز بور مانند برخی دانشمندان دیگر تقاضا کرد که ساخت بمب زیر نظر یک سازمان بین‌المللی قرار گیرد، اما خواست او نتیجه نداد. با این حال، بر تلاش‌هایش افزود و جایزه‌ی صلح نوبل سال ۱۹۵۷ را به همین سبب دریافت کرد. این دانشمند در دانمارک درگذشت.

▼ بور به سبب نظریه‌ی خود درباره‌ی ساختار اتم جایزه‌ی نوبل فیزیک سال ۱۹۲۲ را دریافت کرد و به پاداش تلاش در مهار نیروی ویرانگر بمب اتمی جایزه‌ی صلح نوبل ۱۹۵۷ را گرفت.



هم‌چنین نگاه کنید به:
اپنهایمر ، اینشتین



▲ ابوالوفا بوزجانی کسی است که یکی از شاگردانش به ابوریحان بیرونی ریاضیات می‌آموخت.



بوزجانی، ابوالوفا

(۳۸۸ ـ ۳۲۸ هـ.ق.)
ریاضی‌دان و منجم ایرانی

در شهر بوزجان (تربت‌جام کنونی) به‌دنیا آمد. در زادگاه خود مقدمات علوم و حساب را آموخت و در ۲۰ سالگی به بغداد رفت و تا آخر عمر در آن‌جا ماندگار شد. بوزجانی در عصر ابوریحان بیرونی می‌زیست و ابوریحان نزد یکی از شاگردان او ریاضیات را فراگرفت. از این دانشمند برجسته‌ی مسلمان ۱۸ کتاب در ریاضی و نجوم باقی مانده است که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب **اعمال هندسی**، **خلاصه‌ی کتاب المجسطی بطلمیوس** و نیز کتابی در **علم حساب** برای کسبه و سوداگران اشاره کرد.

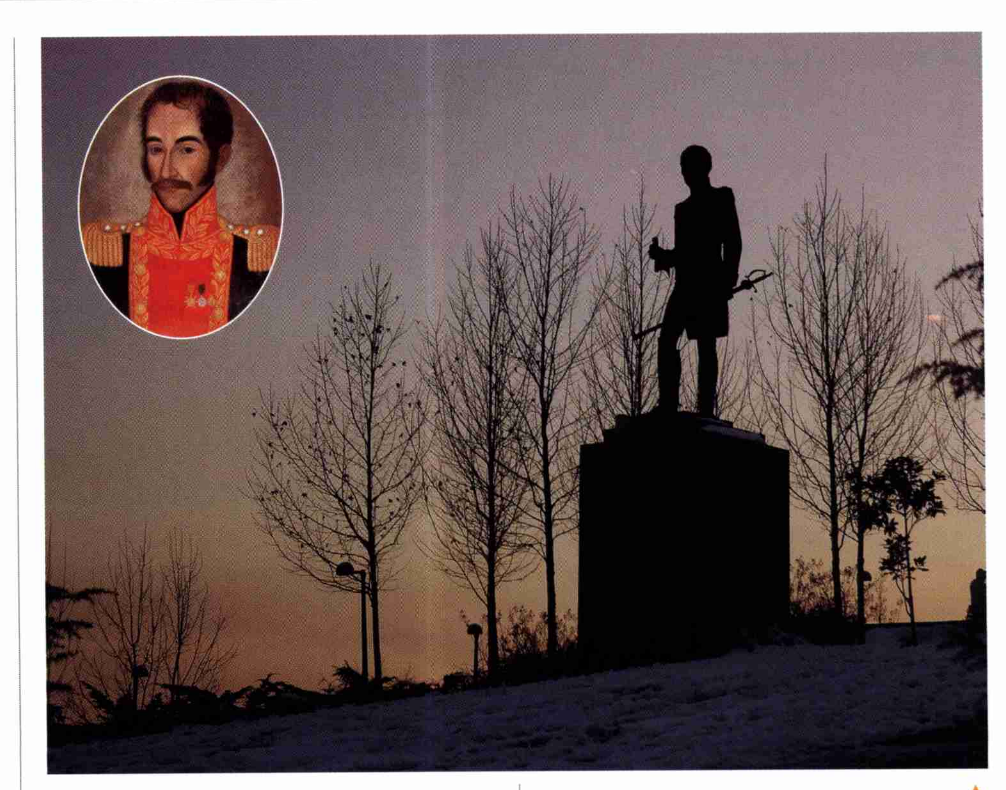
هم‌چنین نگاه کنید به:
بیرونی



بولیوار، سیمون

(۱۸۳۰ ـ ۱۷۸۳م.)
سردار آزادی‌بخش آمریکای لاتین

بولیوار در کاراکاس، پایتخت کنونی ونزوئلا، و در زمانی به‌دنیا آمد که اسپانیایی‌ها بر آمریکای لاتین سلطه یافته و کشورهای آن



با آن که سیمون بولیوار رهبر آزادی‌بخش بزرگی در آمریکای جنوبی بود، مخالفانی هم داشت. آنان با طرح‌های او برای وحدت کشورهای آمریکای جنوبی مخالف بودند. به همین سبب، پیش از این که به مرگ طبیعی بمیرد، قصد ترور او را داشتند. تصویر زیر تندیس بولیوار را در پارک گفت‌وگوی تهران نشان می‌دهد.

منطقه را به استعمار خود درآورده بودند. بولیوار که در دوره‌ی انقلاب کبیر فرانسه می‌زیست در جوانی با افکار روشن‌گرانه‌ی ولتر و ژان ژاک روسو آشنا شد. در زمان ناپلئون نیز به اروپا رفت و با وضعیت جدید جهان هم آشنایی یافت. او از همان‌جا تصمیم گرفت مانند جورج واشنگتن، که ایالات متحده‌ی آمریکا را از استعمار فرانسه و انگلستان آزاد کرده بود، قیام کند و آمریکای لاتین را از بند استعمار اسپانیا برهاند. قیام او به همراهی انقلابی دیگری به نام **فرانسیسکو میراندا**، در سال ۱۸۱۰م. آغاز شد و ۲۰ سال به طول انجامید. سرانجام، ونزوئلا استقلال خود را باز یافت و در همان زمان، مردم منطقه‌ی پروی علیا به افتخار سیمون بولیوار، نام کشور خود را **بولیوی** نهادند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

زاپاتا ، بناپارت ، واشنگتن



بویل، رابرت

(۱۶۹۱ ـ ۱۶۲۷ م.)

شیمی‌دان ایرلندی

رابرت بویل چهاردهمین فرزند یکی از اشراف و سیاست‌مداران ایرلند بود. رابرت آن‌قدر باهوش بود که در ۷ سالگی می‌توانست به زبان‌های لاتینی و یونانی صحبت کند. وی به علوم با نظر انتقادی نگاه می‌کرد و با این عقیده‌ی ارسطو، که جهان از چهار عنصر آب، هوا، خاک و آتش درست شده است، موافق نبود؛ زیرا عنصر را جسمی تجزیه‌ناپذیر می‌دانست. سرانجام مطالعات او در زمینه‌ی گازها، که به کشف **قانون بویل** انجامید، نامش را در مقام دانشمندی برجسته در تاریخ علوم جدید ثبت کرد. بر اساس این قانون: **حجم هر گاز با فشار آن رابطه‌ی عکس دارد.** یعنی هرچه فشار محیط بیش‌تر شود، حجم گاز کمتر می‌شود. پس اگر میزان فشار یک گاز را بدانیم، می‌توانیم حجم آن را به‌دست آوریم. بویل به آزمایش و تجربه‌ی علمی معتقد بود و در این راه از فرانسیس بیکن پیروی می‌کرد. در سال ۱۶۶۱، کتابی به نام **شیمی‌دان شکّاک** نوشت که در آن، به ردّ عقاید یونانیان در مورد عناصر و پایه‌گذاری شیمی جدید پرداخته بود.



هم‌چنین نگاه کنید به:

بیکن ، دالتون ، لاوازیه



بهار، محمدتقی ملک‌الشعرا

(۱۳۳۰ ـ ۱۲۶۷ه.ش.)

شاعر، نویسنده و استاد دانشگاه

محمدتقی بهار، فرزند محمدکاظم صبوری، ملک‌الشّعرای آستان قدس رضوی بود. در مشهد به‌دنیا آمد و بعد از درگذشت پدر، همچون او به ملک‌الشّعرا مشهور شد. در مدرسه‌ی علمیه‌ی نواب مشهد درس خواند و در ادبیات از ادیب نیشابوریِ اول، استاد بزرگ آن عصر استفاده کرد. با آغاز

جنبش مشروطه، به طرفداران این جنبش پیوست و به سرودن اشعاری در حمایت از آزادی پرداخت و در مشهد **روزنامه‌ی بهار** و سپس **روزنامه‌ی نوبهار** را منتشر کرد. در دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی، به نمایندگی انتخاب شد و جزو نمایندگانی بود که با انقراض قاجاریه و به سلطنت رسیدن رضاشاه مخالفت کردند. بهار در زمینه‌ی شعر و ادب و تحقیق، از برجستگان عصر خود است. کتاب سه جلدی او به نام **سبک‌شناسی** اثری بی‌نظیر در زمینه‌ی تاریخ زبان فارسی است. در زمینه‌ی شعر نیز از تواناترین شاعران فارسی و آخرین شاعر قصیده‌سرای زبان فارسی به‌شمار می‌آید. بهار در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰، پس از چند سال ابتلا به بیماری سل، در تهران درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله‌ی شمیران به خاک سپرده شد. فرزند او، **مهرداد بهار**، در زمینه‌ی فرهنگ ایرانِ باستان، پژوهشگری برجسته بود.



بهاری، شیخ محمد

(۱۲۹۳ ـ ۱۲۳۹ هـ.ش.)

عالم، فقیه و عارف

در بهار، از روستاهای نزدیک همدان، که امروزه به شهری تبدیل شده است، به‌دنیا آمد. پدرش روحانی و عالم بود و مقدمات علوم را به فرزندش آموخت. شیخ محمد برای ادامه‌ی تحصیل ابتدا به همدان رفت و نزد محمد اسماعیل همدانی درس خواند. سپس در بروجرد نزد استاد دیگری به نام میرزا محمود طباطبایی به تحصیلات خود ادامه داد. سرانجام، به نجف رفت و با تحصیل نزد ملاحسینقلی همدانی، که در اخلاق و تهذیب نفس مقام برجسته‌ای داشت، به تکمیل معارف و کسب فضایل معنوی پرداخت و از شاگردان خاصِّ او شد. شیخ محمد ۲۰ سال در نجف ماند و پس از فوت استادش به همدان بازگشت و به ارشاد مردم و تألیف و تدریس مشغول شد. حدود ۴۰ اثر تألیفی دارد که بیش‌ترین آن‌ها به عربی و در علوم حوزوی است. دو اثر فارسی او **در نکوهش استبداد** و **رساله‌ای در عدالت** نام دارد. با توجه به این که شیخ محمد بهاری در سال‌های انقلاب مشروطه می‌زیست، این دو اثر از نگرش آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه‌ی این عالم روحانی به جامعه حکایت دارد. مزار او در زادگاهش بهار، مورد احترام و توجه مردم است.



بهاری، علی‌اصغر

(۱۳۷۴ ـ ۱۲۸۴ هـ.ش.)

نوازنده‌ی کمانچه

در تهران، در خانواده‌ای اهل شعر و موسیقی به‌دنیا آمد. نزد پدر، پدربزرگ و دایی‌هایش، نواختن کمانچه را آموخت و در آن مهارت پیدا کرد. ویلن را نیز نزد رکن‌الدین مختاری و رضا محجوبی فراگرفت و در نواختن این دو ساز استاد شد. بهاری چندی از سوی روح‌الله خالقی به هنرستان موسیقی دعوت شد و به تدریس و آموزش پرداخت. او با رادیو نیز همکاری می‌کرد و در ارکسترهای گوناگون با استادانی مانند ابوالحسن صبا و فرامرز پایور و احمد عبادی به اجرای برنامه می‌پرداخت. بعدها به تلویزیون هم دعوت شد و نخستین هنرمندی بود که در تلویزیون تک‌نوازی می‌کرد. بهاری از بهترین کمانچه‌کش‌های معاصر بود و بارها به دعوت موسیقی‌دانان کشورهای بلژیک، فرانسه و آلمان، برای شناساندن موسیقی ایرانی به آن کشورها سفر کرد. این هنرمند در ۹۰ سالگی در تهران درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صبا ، پایور ، خالقی ، عبادی

بهبهانی، سیدعبدالله

(۱۳۲۸ ـ ۱۲۶۰ هـ.ق.)

رهبر روحانی مشروطه

فرزند سیداسماعیل مجتهد بود و در بهبهان متولد شد. در ۲۰ سالگی به نجف رفت و در محضر عالمان بزرگی چون شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی تحصیلات دینی خود را ادامه داد. پس از کسب درجه‌ی اجتهاد، به تهران آمد و به تدریج مقام و منزلت خاصی در میان مردم تهران و دربار ناصرالدین شاه پیدا کرد. با پیش آمدن نهضت مشروطه، بهبهانی وارد فعالیت سیاسی شد و با همکاری آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی، عملاً رهبری نهضت را به دست گرفت تا سرانجام، مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطه را صادر کرد. در دوره‌ی اول تشکیل مجلس شورای ملی، بهبهانی و طباطبایی، بدون این‌که رسماً نماینده‌ی مجلس باشند، بر مجلس نظارت می‌کردند تا این‌که محمدعلی‌شاه به سلطنت رسید و با مشروطه مخالفت کرد و مجلس را به توپ بست. آن‌گاه استبداد صغیر آغاز شد. در ماجرای به توپ بسته شدن مجلس، بهبهانی دستگیر و به باغشاه برده شد. ولی خیلی زود آزاد گردید و به اجبار از ایران خارج شد و مدتی را در عتبات گذراند. با سقوط محمدعلی‌شاه و برقراری مجدد مشروطه، بهبهانی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. او در این مجلس از جناح اعتدالیون بود که اکثریت مجلس را تشکیل می‌دادند و در مقابل دموکرات‌ها قرار داشتند که تندرو بودند. سرانجام، اختلاف این دو جناح بالا گرفت و افراد ناشناس بهبهانی را در منزلش به ضرب گلوله کشتند. با آن‌که هیچ‌گاه هویت قاتلان بهبهانی معلوم نشد، آگاهان قتل او را به دموکرات‌ها، به سردمداری سیدحسن تقی‌زاده و حیدرخان عمو اوغلی نسبت دادند.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
نوری (شیخ‌فضل‌الله) ، طباطبایی (سیدمحمد)



بهجت فومنی، محمدتقی

(۱۳۸۸ـ ۱۲۹۴ه.ش.)
مرجع تقلید و عالم عارف

در شهر فومن از شهرهای استان گیلان به‌دنیا آمد. پدرش، کربلایی محمود بهجت، مورد اعتماد مردم شهر و اهل ذوق و ادب بود. تحصیلات اولیه را در فومن فراگرفت. در ۱۴ سالگی به عراق رفت و ۴ سال در کربلا و نجف به تحصیل ادامه داد. شیخ مرتضی طالقانی، سیدابوالحسن اصفهانی، میرزای نایینی و سیدعلی قاضی از استادان او بودند. پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و تا پایان عمر در قم اقامت گزید و به تدریس در حوزه، اقامه‌ی نماز جماعت و رسیدگی به امور مردم پرداخت و شاگردان برجسته‌ی بسیاری تربیت کرد. آیت‌الله بهجت در زمینه‌ی تدریس روش خاصی داشت. بدون نقل قول از دیگران مسئله‌ای مطرح می‌کرد و به استدلال درباره‌ی آن می‌پرداخت. به‌علاوه، کتاب‌هایی را تدریس می‌کرد که علمای دیگر کمتر به آن‌ها می‌پرداختند. در اقامه‌ی نماز جماعت نیز نمازش مقبولیت خاصی داشت و بسیار پرجمعیت بود. حالات عرفانی آیت‌الله بهجت زبان‌زد بود. هیچ‌گاه ادعای مرجعیت نکرد. تنها پس از آن که جامعه‌ی مدرسین قم، پس از درگذشت امام خمینی، مرجعیت او را به مردم اعلام کرد، در مقام مرجع تقلید شهرت یافت. از آیت‌الله بهجت بیش از ده تألیف حوزوی بر جای مانده است. او در تألیف کتاب **سفینةالبحار** با شیخ عباس قمی همکاری کرده است. آیت‌الله بهجت در ۹۴ سالگی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
اصفهانی (ابوالحسن) ، قمی ، نایینی



بهرام گور

(درگذشت: ۴۳۸ م.)
پادشاه ساسانی

بهرام پنجم، معروف به بهرام گور، فرزند یزدگرد اول بود. کودکی و نوجوانی را در حیره، حوالی نجف کنونی، در دربار مُنذِر، از حاکمان عرب که کارگزار ایران بود، گذراند. بهرام تیراندازی ماهر و سوارکاری چابک بود. در قصه‌ها آورده‌اند که وقتی خواستند پس از یزدگرد اول شاهی برای ایران انتخاب کنند، تاج شاهی را در میان دو شیر گذاشتند و قرار شد هر کس که بتواند آن را برباید، شاه شود. بهرام جلو آمد و با گرز خود شیرها را کشت و تاج را برداشت و به پادشاهی رسید. بهرام گور به روم و ارمنستان و هند و ترکستان لشکر کشید؛ تعصب دینی خاصی نداشت و مردم سرزمین‌های آزاد شده را در انتخاب مذهب آزاد می‌گذاشت. پادشاهی خوش‌گذران، اهل شکار و در عین حال جهان‌گیر بود. بهرام‌گور بیش‌تر به سبب داستان‌هایی که نظامی گنجوی درباره‌ی او پرداخته، در تاریخ شهرت یافته است. مشهور است که چون زیاد به شکار گورخر می‌رفته او را بهرام‌گور خوانده‌اند. هم‌چنین گفته شده است که هنگام شکار گورخر در فارس، اسب او به چشمه‌ای فرو رفت و هر دو با هم ناپدید شدند. حکیم عمر خیام در یکی از رباعی‌های خود به این نکته اشاره کرده است.



▼ بهرام گور پادشاهی جهان‌گیر و در عین‌حال اهل بزم و شکار بود.



بهرنگی، صمد

(۱۳۴۸ _ ۱۳۱۷هـ.ش.)

نویسنده‌ی کودکان

در محله‌ی چرنداب تبریز به‌دنیا آمد. در ۱۹ سالگی آموزگار شد. به روستاهای اطراف تبریز رفت و در مَمَقان، آذرشهر و آخیرجان خدمت کرد. بهرنگی علاقه‌ی زیادی به کودکان و آموزش آن‌ها داشت و می‌کوشید از طریق کتاب‌خوان کردن بچه‌ها، بر رشد و آگاهی آن‌ها بیفزاید. خودش نیز اهل قلم بود و نخستین بار به گردآوری افسانه‌های آذربایجانی همت گماشت و با همکاری بهروز دهقانی، آن‌ها را در دو جلد منتشر کرد. صمد خودش نیز به نوشتن داستان برای کودکان می‌پرداخت. قصه‌ی **اولدوز و کلاغ‌ها** را در سال ۱۳۴۵ منتشر کرد. کتاب **کندوکاو در مسائل تربیتی ایران** کتاب دیگری از او بود که به سبب انتقاد از پاره‌ای از مسائل آموزش ابتدایی، مدتی مورد توجه قرار گرفت و بسیار بحث‌انگیز شد. **ماهی سیاه کوچولو** کتاب دیگری از بهرنگی بود که با نقاشی‌های فرشید مثقالی چاپ شد. این کتاب، به سبب تصویرگری زیبای آن از نمایشگاه تصویرگری چکسلواکی جایزه گرفت. چند کتاب دیگر بهرنگی عبارت است از: **اولدوز و عروسک سخن‌گو**، **کچل کفترباز**، **پسرک لبوفروش**، **افسانه‌ی محبّت**، **یک هلو و هزار هلو**، **۲۴ ساعت در خواب و بیداری**، **کوراوغلو و کچل حمزه** و **تلخون**. بهرنگی در شهریور ماه سال ۱۳۴۸ در رودخانه‌ی ارس غرق شد.



بهزاد، حسین

(۱۳۴۷ _ ۱۲۷۳هـ.ش.)

استاد نگارگری

حسین بهزاد، فرزند میرزا فضل‌الله اصفهانی، در تهران به‌دنیا آمد. میرزا فضل‌الله، که خود



ذوق هنری داشت، فرزندش را به ملاعلی قلمدان‌ساز سپرد تا به او نقاشی یاد بدهد. اما در اثر وبای همه‌گیر، پدر و استاد هر دو درگذشتند و حسین بهزاد از استاد محروم ماند. با این حال با تلاش خودش نقاشی را دنبال کرد و در این کار مهارتی کم‌نظیر یافت. در سال ۱۳۱۴، به فرانسه رفت و بیش از یک سال در پاریس در موزه‌ی لوور در زمینه‌ی هنر اروپا و سبک‌های متفاوت آن مطالعه کرد که در آثار بعدی او تأثیر شگرفی برجای نهاد. مهم‌ترین کار بهزاد در هنر مینیاتور آن بود که صورت مغولی را از این هنر دور کرد و تصاویر ایرانی را به جای آن نهاد. این کار را یک‌بار هم در عهد صفویه، کمال‌الدین بهزاد انجام داده بود. در جشن هزاره‌ی بوعلی سینا در تهران، نمایشگاهی از آثار بهزاد در موزه‌ی ایران باستان تشکیل شد که هنر او را به جهانیان شناساند. بهزاد در ۷۴ سالگی در پی یک بیماری طولانی درگذشت. آرامگاه او در گورستان ابن‌بابویه شهری است. مجموعه‌ای شامل شرح‌حال و گزیده‌ای از آثار بهزاد به کوشش هادی سیف در سال‌های اخیر منتشر شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهزاد (کمال‌الدین) ، فرشچیان



بهزاد، کمال‌الدین

(۹۴۲ _ ۸۶۵ هـ.ق.)

نگارگر عصر تیموری و صفوی

اهل هرات بود و نزد روح‌الله میرک و پیر سیداحمد تبریزی در هرات شاگردی کرد و به استادی رسید. نخست در دربار سلطان حسین بایقرا بود و میرعلیشیر نوایی از او حمایت و به هنرآفرینی تشویقش کرد. بعدها، که شاه اسماعیل صفوی به قدرت رسید، این هنرمند را به تبریز برد و بهزاد تا اوایل عهد شاه تهماسب در تبریز زندگی کرد. بهزاد در هنر مینیاتور و سبک مغولی تغییراتی به‌وجود آورد که به نام او ثبت شده است. تابلوهای **گریز یوسف از زلیخا** (بوستان سعدی)، **ساختن قصر خَوَرنق** (خمسه‌ی نظامی) و **جنگ شترسواران** از کارهای بهزاد است که هنوز باقی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهزاد (حسین) ، عباسی (رضا) ، میرک



بهشتی، سیدمحمد

(۱۳۶۰ _ ۱۳۰۷هـ.ش.)

روحانی اندیش‌مند و از رهبران انقلاب اسلامی

در خانواده‌ای روحانی در محله‌ی لُنبان اصفهان به‌دنیا آمد. دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان سعدی این شهر گذراند. سپس به مدرسه‌ی صدر رفت، طلبه شد و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. چهار سال بعد به قم رفت و در مدرسه‌ی حجتیه تحصیل را ادامه داد. او، که زبان‌های انگلیسی و فرانسوی را نیز فراگرفته بود، ضمن تحصیل علوم دینی در قم، دیپلم دبیرستان را نیز گرفت و با پذیرفته شدن در دانشکده‌ی الهیات و معارف



اسلامی دانشگاه تهران، به تحصیل ادامه داد و در این رشته دکترا گرفت. دکتر بهشتی، با هدف تربیت دانش‌آموزان برجسته، دبیرستان دین و دانش را در قم تأسیس کرد و خود ۱۰ سال مدیر آن بود. سپس مدرسه‌ی علمیه‌ی حقانی را با همکاری آیت‌الله شهید قدوسی، تأسیس کرد که بعدها طلبه‌های فاضل، برجسته و مبارزی از آن بیرون آمدند. او در سال ۱۳۴۳ از سوی مراجع تقلید به مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان اعزام شد و ۵ سال در آن‌جا به مسلمانان و به‌ویژه دانشجویان، خدمات شایان توجهی کرد. پس از بازگشت به ایران، به اتفاق محمدجواد باهنر و علی گلزاده غفوری، کار برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های دینی مدارس را به‌عهده گرفت. اعضای این گروه، کتاب‌های ارزنده‌ای برای دانش‌آموزان مدارس تألیف کردند. دکتر بهشتی در تمام این سال‌ها به‌شدت زیر نظر ساواک بود. اما با زیرکی خاصی که داشت، کمتر گرفتار بند و زندان شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، در رده‌ی رهبران تراز اول انقلاب قرار گرفت، عضو شورای انقلاب شد و از سوی امام‌خمینی به ریاست دیوان عالی کشور منصوب گردید. در سمت نایب رئیس مجلس خبرگان اول، نقش بسیار مهمی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد. در همان دوره، با تنی چند از هم‌فکران خود، حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کرد که در سازمان‌دهی نیروهای انقلابی بسیار مؤثر بود. سرانجام، در هفتم تیرماه ۱۳۶۰، در محل همین حزب در سرچشمه‌ی تهران، به اتفاق جمع بسیاری از مسئولان کشور بر اثر انفجار بمب به‌شهادت رسید. مرقد او و دیگر شهیدان این واقعه، در بقعه‌ی شهدای هفتم تیر در بهشت‌زهرای تهران است.

همچنین نگاه کنید به:
باهنر ، هاشمی رفسنجانی



بهلول

(فوت: حدود ۱۹۰ هـ.ق.)
عاقل دیوانه‌نما

نام او وهیب‌بن عمرو، مشهور به بهلول بود. در زمان هارون‌الرشید، خلیفه‌ی عباسی، زندگی می‌کرد و در کوفه بزرگ شد. گفته‌اند چون از او خواستند بر ضد امام جعفرصادق(ع) شهادت دهد، به توصیه‌ی امام، خود را به جنون زد تا نتوانند او را مجبور به این کار کنند. بهلول را از عُقلای مجانین، یعنی عاقلانی که به ظاهر دیوانه‌اند، می‌دانند. از بهلول داستان‌ها و سخنان حکمت‌آمیزی بر جای مانده که بیش‌تر آن‌ها صورت حکایت و لطیفه به خود گرفته است.



بهلول، محمدتقی

(۱۳۸۴ ـ ۱۲۸۹هـ.ش.)
شخصیت اصلی واقعه‌ی گوهرشاد

محمدتقی بهلول از چهره‌های شگفت‌انگیز تاریخ معاصر ایران است. استعداد یادگیری بسیار، حافظه‌ی قوی، روحیه‌ی سازگار و پرتحمل، ریاضت‌کشی و حق‌طلبی، از او شخصیتی ممتاز ساخته بود که کمتر نظیری برایش یافت می‌شود. در بجستان تربت حیدریه در خانواده‌ای روحانی به‌دنیا آمد. در ۸ سالگی حافظ قرآن شد و پس از فراگیری مقدمات علوم دینی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به وعظ و سخن‌رانی برای مردم مشغول شد. در ماجرای کشف حجاب رضاخانی، بهلول در مشهد بود و در صحن امام رضا(ع) بر ضدِّ رضاخان سخن‌رانی کرد که موجب شد او را دستگیر کنند. دستگیری بهلول به شورش مردم انجامید و رضاخان از تهران دستور داد شورش را سرکوب کنند که در پی آن، عده‌ای کشته و مجروح شدند. بهلول از این واقعه جان به‌در برد؛ اما در ایران نماند و به افغانستان رفت تا شاید دولت آن کشور به او پناه بدهد. اما دولت افغان او را دستگیر کرد و به زندان انداخت. بهلول ۳۱ سال زندان‌های افغانستان را تحمل کرد تا سرانجام آزاد شد. چندی به مصر رفت و سرانجام در اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ به ایران آمد و بار دیگر سخنرانی و منبر را از سر گرفت. بهلول بیش‌تر اوقات سال روزه می‌گرفت و پیوسته از این شهر به آن شهر می‌رفت. هر کجا که می‌رسید، بیتوته می‌کرد و به امور دنیوی بی‌اعتنا بود. هزاران بیت شعر از حفظ داشت و خود نیز به راحتی شعر می‌گفت. خاطرات زندگی او به صورت کتاب منتشر شده است. او در ۹۵ سالگی در تهران درگذشت.



بهمن بیگی، محمد

(تولد: ۱۲۹۹هـ.ش.)
بنیان‌گذار آموزش عشایر ایران

بهمن‌بیگی از ایل قشقایی است و در فارس به‌دنیا آمده است. کودکی او با شورش ایل قشقایی بر ضدِّ دولت مرکزی، که می‌کوشید عشایر ایران را خلع‌سلاح و سرکوب کند، هم‌زمان بود. از این‌رو، پدرش که در شورش شرکت داشت، دستگیر و از فارس به تهران

تبعید شد. محمد نیز همراه پدر به تهران آمد و در پایتخت به مدرسه رفت. پدرش چند سال بعد آزاد شد و به فارس برگشت. بهمن‌بیگی در زمینه‌ی تحصیل موفق بود و توانست در رشته‌ی حقوق قضایی از دانشگاه تهران دانش‌نامه بگیرد. در تهران مدتی به استخدام بانک درآمد. اما در مرکز نماند و به فارس بازگشت و کار خود را با معلمی در ایل قشقایی شروع کرد. او که تشخیص داده بود بی‌سوادی، بزرگ‌ترین بلا و عامل عقب‌ماندگی و بیچارگی عشایر است، ۲۶ سال از عمر خود را بی‌وقفه و با جدّیت، صرف تربیت معلم و آموزش کودکان عشایر در بسیاری از مناطق ایران کرد و در این راه، موفقیت‌های بسیاری به‌دست آورد؛ به‌طوری که در سال ۱۳۵۲، جایزه‌ی بین‌المللی یونسکو را دریافت کرد. بهمن‌بیگی از نویسندگان زبردست ایران نیز به‌شمار می‌رود. مقدمه‌ی کتاب دریای گوهر، نوشته‌ی دکتر مهدی حمیدی شیرازی، به قلم اوست. به‌علاوه؛ کتاب‌های **بخارای من ایل من**، **اگر قره‌قاج نبود**، **به اجاقت قسم** و **عرف و عادت در عشایر فارس** را نوشته و منتشر کرده است.



بیدل دهلوی، عبدالقادر

(۱۱۱۳ ـ ۱۰۵۴ ه.ق.)

شاعر پارسی‌گوی هند

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، در عظیم‌آباد پَتنا، مرکز ایالت بِیهار هند، به‌دنیا آمد. در جوانی به دهلی رفت و به دستگاه محمد اعظم‌شاه، سومین پسر اورنگ‌زیب، پیوست. او هم‌زمان با کار دیوانی، به شعر و شاعری پرداخت. بیدل استعداد عجیب و شگفت‌انگیزی در خیال‌پردازی داشت و همین امر موجب شهرت او شد. احساسات خاصی داشت؛ به طوری که روزی به سبب ستایش مبالغه‌آمیزی که از او در نزد محمد اعظم‌شاه کردند، رنجید و دربار را ترک کرد و حتی از شغل دولتی هم کناره گرفت؛ اما شعر را رها نکرد و خانه‌اش را محل رفت‌وآمد شاعران قرار داد. بیدل از بزرگ‌ترین شاعران پارسی‌گوی هندوستان است و در افغانستان مقامی چون حافظ در میان ایرانیان دارد. دیوان بسیار مفصلی دارد که در ایران چاپ شده است. محمدرضا شفیعی کدکنی، سیدحسن حسینی، اکبر بهداروند و پرویز عباسی داکانی، در زمینه‌ی معرفی یا انتشار اشعار بیدل در ایران کارهای ارزنده‌ای انجام داده‌اند. بیدل در ۷۹ سالگی درگذشت و در خانه‌اش به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حسینی ، شفیعی کدکنی





بیرشک، احمد

(۱۳۸۱ ـ ۱۲۸۵ه.ش.)

معلم، مؤلف، مترجم و بنیان‌گذار گروه فرهنگی هدف

در تهران متولد شد. پدرش، که مأمور گمرک بود، پیوسته با خانواده‌اش از این شهر به آن شهر منتقل می‌شد. از این‌رو، احمد بیرشک تحصیلات منظمی نداشت. اما با خودآموزی و پشت‌کار فوق‌العاده، سرانجام دیپلم گرفت. آن‌گاه از دانش‌سرای عالی در تهران موفق به دریافت مدرک لیسانس ریاضی شد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد. بیرشک در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی، علمی و آموزشی کارهای باارزش و ماندگاری انجام داده است. تأسیس **گروه فرهنگی هدف**، تأسیس انجمن ملّی مدارس هماهنگ و تأسیس بنیاد دانش‌نامه‌ی بزرگ فارسی از کارهای اوست. احمد بیرشک سرویراستار **زندگی‌نامه‌ی علمی دانشوران** بود و در مجموع بیش از ۱۲۰ کتاب تألیف یا ترجمه کرد. از دیگر کارهای مهم او باید به کتاب **گاه‌نامه‌ی تطبیقی ۳۰۰۰ سال تقویم‌های میلادی، هجری قمری و هجری شمسی** و نیز کتاب **سرگذشت علم** اشاره کرد. کتاب سرگذشت علم در سال ۱۳۳۶ کتاب سال شناخته شد و ۴۰ سال بعد، **زندگی‌نامه‌ی علمی دانشوران** جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی را دریافت کرد. احمد بیرشک در دقتِ نظر، نگرش علمی و پشت‌کار کم‌نظیر بود و تا آخرین روزهای عمر، با جدیت فعالیت کرد. او در ۹۶ سالگی در تهران درگذشت.

بیرونی، ابوریحان

(۴۴۲ ـ ۳۶۲ ه.ق.)

ریاضی‌دان، منجم، مورخ و جغرافیادان

ابوریحان در عصر طلایی تمدن اسلامی می‌زیست و با دانشمندان برجسته‌ای چون ابوعلی‌سینا، ابوسهل مسیحی و شاعر حکیمی چون فردوسی، معاصر بود. در شهر کاث در بیرون خوارزم به‌دنیا آمد. از این‌رو، به بیرونی معروف شد. دانش‌های مقدماتی را در زادگاهش آموخت. ۱۷ سال بیش‌تر نداشت که با استفاده از یک حلقه‌ی مدرّج، ارتفاع نصف‌النّهار نیم‌روزی خورشید را در شهر خود اندازه گرفت و از روی آن، عرض جغرافیایی شهر را محاسبه کرد. بیرونی در آغاز جوانی به یک رشته سفرهای علمی دست زد و از ولایت‌های ری و گرگان و گیلان بازدید کرد. در گرگان، با قابوس‌بن

وشمگیر زیاری ملاقات و کتاب **آثار الباقیه** را، که درباره‌ی تقویم یا گاه‌شماری است، به نام او تألیف کرد. زمانی که در خوارزم با بوعلی‌سینا و ابوسهل مسیحی و ابونصر عراق جمع علمی دوستانه‌ای تشکیل داده بودند، سلطان محمود غزنوی به خوارزم حمله کرد. او ابوریحان را با خود به غزنین برد. اما سه دانشمند دیگر گریختند و به مناطق دیگری از ایران رفتند. ابوریحان، در لشکرکشی‌های محمود غزنوی به هند، همراه او بود. در هندوستان زبان سانسکریت آموخت و درباره‌ی هندوستان، مردم و مذاهب آن تحقیق کرد و کتاب ارزش‌مند **تحقیق ماللهند** را نوشت که از آثار بی‌نظیر باقی‌مانده از آن زمان است. کتاب دیگری به نام **التّفهیم لاوایلِ صَناعةالتّنجیم** از ابوریحان باقی است که آن را برای دختری به نام ریحانه، در موضوع ریاضیات و نجوم نوشته است. التّفهیم مدت‌ها در ایران متن درسی آموزش ریاضیات بود. این دانشمند در زمینه‌ی مشاهده‌ی علمی و نگرش عقلی و استدلالی دقیق بود. با وجود این‌که در ستاره‌شناسی و نجوم دانشمندی برجسته بود با پیشگویی‌های نجومی مخالفت می‌کرد. به جز کتاب‌های نام برده ابوریحان کتاب‌های معتبر دیگری در فیزیک و جغرافیای ریاضی و کانی‌شناسی و تقریباً همه‌ی شاخه‌های ریاضیات و نجوم تألیف کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابن‌سینا



▲ بیسمارک، صدر اعظم آلمان، معروف به مرد آهنین



بیسمارک، اتو فون

(۱۸۹۵ ـ ۱۸۱۵ م.)

بنیان‌گذار آلمان جدید

بیسمارک سیاست‌مداری باهوش، پرکار و با اراده‌ای استوار بود. ویلهلم اول، قیصر آلمان، او را به نخست‌وزیری دولت پروس انتخاب کرد. بیسمارک طی سه جنگ با حکومت‌های فرانسه، دانمارک و اتریش، قسمت‌هایی از این کشورها را تصرف کرد و کشور متحد آلمان را به وجود آورد و آن را به قدرتی پیش‌رفته، نظامی، سلطه‌طلب و استعماری تبدیل کرد. او در داخل کشور نیز به اصلاحاتی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی دست زد. بیسمارک معاصر ناصرالدین شاه قاجار و صدراعظم او امیرکبیر، بود. او در نامه‌ای که به شاه نوشت، توصیه کرد که چشم انتظار کمک کشورهای دیگر نباشد و بکوشد به کمک مردم ایران و امکانات آن، کشور خود را به پیش‌رفت و ترقی برساند. بیسمارک را **مرد آهنین آلمان** نامیده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
امیرکبیر ، ناصرالدین شاه



بیضایی، بهرام

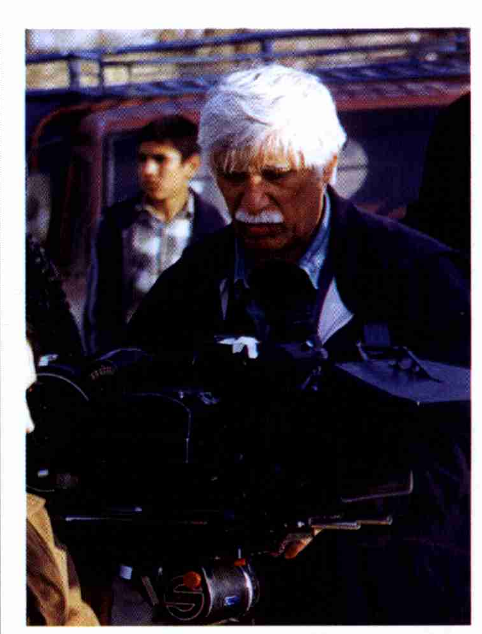
(تولد: ۱۳۱۷هـ.ش.)

نمایش‌نامه‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان

در تهران به‌دنیا آمد. از نوجوانی با تعزیه آشنا و مجذوب این هنرمند نمایش و مذهبی ایران شد و در دوره‌ی دبیرستان، دو نمایش‌نامه‌ی تاریخی نوشت. پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه تهران، در رشته‌ی ادبیات فارسی تحصیل کرد. از همان آغاز، علاقه به نمایش را پی گرفت و به مطالعه و تحقیق درباره‌ی تاریخ تعزیه و نمایش در ایران پرداخت. هم‌زمان، در زمینه‌ی نمایش در شرق آسیا نیز پژوهش کرد که حاصل آن دو کتاب **نمایش در چین** و **نمایش در ژاپن** است. بیضایی از معدود هنرمندان صاحب سبک ایرانی در نمایش است. **پهلوان اکبر می‌میرد**، **هشتمین سفر سندباد** و **مرگ یزدگرد** از آثار مشهور اوست. در زمینه‌ی سینما نیز آثار ممتازی دارد و از فیلم‌سازان معتبر ایرانی به‌شمار می‌رود.

▼ ابوریحان، نمونه‌ی اعلای یک دانشمندِ دقیق و مشاهده‌گر بود.





بیضایی در سه عرصه‌ی تعزیه، تئاتر و سینما کارهای درخشانی عرضه کرده است.

مضمون اصلی آثار سینمایی او تاریخ و هویّت است. از فیلم‌های مشهور بیضایی می‌توان به **باشو غریبه‌ی کوچک، شاید وقتی دیگر، مسافران** و **سگ‌کشی** اشاره کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کیارستمی ، مهرجویی



بیکِر، بنجامین

(۱۹۰۷ ـ ۱۸۴۰م.)

پدر صنعت مترو در انگلستان

بیکر از مهندسان برجسته‌ی بریتانیا در قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود. او نخستین کسی است که مسئول ساختن مترو در لندن شد و آن را در عمق زمین، به پایان رساند. هم‌چنین پل فورث را روی رودخانه‌ای به همین نام در اسکاتلند ساخت و عنوان شوالیه گرفت. این پل حتی امروز هم از شگفتی‌های اسکاتلند به‌شمار می‌رود؛ زیرا ۲/۵ کیلومترِ طول و ۴۶ متر ارتفاع دارد و راه‌آهن دو خطه از روی آن عبور می‌کند. هنگام احداث این پل، ۹۸ کارگر کشته شدند، ۵۵ هزار تُن فولاد مصرف شد و بیش از ۸ میلیون پیچ مورد استفاده قرار گرفت. بیکر بعدها مشاور ساخت پلی روی رودخانه‌ی می‌سی‌سی‌پی در آمریکا شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ایزامبارد



بیکِن، فرانسیس

(۱۶۲۶ ـ ۱۵۶۱م.)

فیلسوف، نویسنده و دولت‌مرد انگلیسی

بیکن یکی از فلاسفه‌ی قرون جدید اروپا به‌شمار می‌رود و افکار او تأثیر مهمی در تاریخ فکر اروپای جدید بر جا گذاشته است. در نوجوانی به دانشگاه کمبریج رفت و حقوق خواند. در همان زمان به استخدام دولت درآمد. مردی اندیش‌مند و متفکر بود. نوشته‌هایش درباره‌ی وجود انسان، عقاید آدمیان و چگونه زیستن است. بیکن افکار ارسطو را مطالعه کرد و همان‌طور که ارسطو کتاب ارغنون را نوشته بود، **ارغنون جدید** را نوشت که در تاریخ فلسفه جایگاه مهمّی دارد. بیکن تجربه و آزمایش را برتر از علم می‌دانست. از این‌رو، بسیاری از صاحب‌نظران او را پیش‌گام علوم جدیدی می‌دانند که به پیدایش صنعت و فنّاوری و پیش‌رفت اروپا منجر شد. بیکن در امور مالی و اداری، فرد سالم و پاک‌دامنی نبود. اهل اختلاس و رشوه بود و به همین سبب پارلمان انگلیس او را تحت تعقیب قرار داد که در پی آن دستگیر، زندانی و به پرداخت ۴۰ هزار لیره محکوم شد. سر آمدن عمر این فیلسوف نیز جالب توجه بود. در یک روز برفی به فکرش رسید همان‌طور که گوشت را در نمک می‌توان برای مدتی سالم نگه داشت، آن را می‌توان در برف هم سالم نگه داشت. پس برای این‌که نظر خود را بیازماید مرغی را کشت و گوشت آن را زیر برف کرد. اما در پی این آزمایش علمی، دچار سرماخوردگی و سپس ذات‌الرّیه شد و چندی بعد درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ارسطو



بیهقی، ابوالفضل

(۴۷۰ ـ ۳۸۵ هـ.ق.)

تاریخ‌نگار

بیهقی یکی از برجسته‌ترین مورخان در تاریخ ایران بعد از اسلام، هم از نظر صحت و امانت در بیان وقایع و هم از نظر نگارش فارسی است. او در یکی از روستاهای بیهق، که بعدها سبزوار نام گرفت، به‌دنیا آمد. در نیشابور تحصیل کرد و به دیوان رسائل سلطان محمود غزنوی رفت و سال‌ها در خدمت سلطان محمود و پسرش مسعود بود. اما سرانجام به تهمت بدخواهان، گرفتار و زندانی شد. او چند سال در زندان ماند و پس از آزادی، بقیه‌ی عمر را به نوشتن تاریخ گذراند. اثر معروف بیهقی **تاریخ بیهقی** است که در اصل ۳۰ جلد بوده و اکنون فقط ۴ جلد از آن باقی است. نثر بیهقی زیبایی خاصی دارد که در پاره‌ای موارد به بیان قصه و حکایت می‌ماند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حسنک وزیر



پائولی، ولفگانگ

(۱۹۵۸ ـ ۱۹۰۰م.)

فیزیک‌دان اتریشی ـ آمریکایی

پائولی فرزند یک پزشک بود و در اتریش به‌دنیا آمد. در دانشگاه مونیخ تحصیل کرد و زیر نظر سامِرفِلد، فیزیک‌دان برجسته، درجه‌ی دکتری گرفت. یک سال در کپنهاگ دانمارک با نیلز بور، دانشمند فیزیک، همکاری کرد. سپس چندی در

دانشگاه هامبورگ به تدریس پرداخت و بعد استاد کرسی فیزیک مؤسسه‌ی فنّاوری زوریخ شد. به‌جز سال‌های جنگ دوم جهانی، که در مرکز مطالعات پیش‌رفته‌ی پرینستون کار می‌کرد، بقیه‌ی عمرش را در زوریخ گذراند. پائولی در سال ۱۹۵۴ جایزه‌ی نوبل فیزیک را دریافت کرد. او به علوم انسانی نیز توجه خاصی داشت و با همکاری کارل گوستاو یونگ، کتابی درباره‌ی طبیعت و روان‌شناسی منتشر کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بور ، یونگ



پاستور، لوئی

(۱۸۹۵ ـ ۱۸۲۲ م.)

شیمی‌دان و میکروب‌شناس فرانسوی

پاستور در روستایی به نام دُل به‌دنیا آمد. ابتدا چندان علاقه‌ای به درس خواندن نداشت؛ ولی از وقتی که به دانش‌سرای تربیت معلم رفت و با درس شیمی آشنا شد، علاقه‌ی شدیدی به آزمایش‌های شیمیایی پیدا کرد. از آن پس، زندگی او در مسیر آموزش و آزمایش‌های علمی قرار گرفت و در این کار مهارت یافت. هنگامی که یک کارخانه‌ی صنعتی از او دعوت کرد در مورد علت فاسد شدن شراب‌ها تحقیق کند، دریافت که با روش‌های خاصی از حرارت دادن می‌توان باکتری‌های فاسدکننده را از بین برد. او بدین ترتیب مشکل کارخانه را حل کرد و از همین‌جا، روش **پاستوریزه کردن** به‌وجود آمد که امروزه در تهیه‌ی مواد غذایی سالم، کاربرد فراوانی دارد. هم‌چنین با پی‌گیری کارهای کخ، که باسیلِ کخ را کشف کرده بود، راه پیش‌گیری از بیماری سیاه‌زخم را از طریق مایه‌کوبی پیدا کرد. در حقیقت، او شیوه‌ی **ادوارد جنر** را در پیش‌گیری از آبله‌ی گاوی، در مورد سیاه‌زخم به‌کار گرفت. کار مهم دیگر پاستور، تهیه‌ی واکسن برای بیماری خطرناک هاری بود. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، مؤسساتی به نام **انستیتو پاستور** در زمینه‌ی تهیه‌ی واکسن فعالیت می‌کنند که همه‌ی آن‌ها در **انستیتو پاستور پاریس** ریشه دارند که پاستور، مؤسس آن بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کُخ

▼ لوئی پاستور کشف کرد که موجودات بسیار ریزی به نام باکتری، باعث انتقال بیماری از بیمار به شخص سالم می‌شوند.



پاسکال، بلز

(۱۶۶۲ ـ ۱۶۲۳ م.)

فیزیک‌دان، ریاضی‌دان و دین‌شناس

پاسکال یک نابغه‌ی ریاضی بود و نبوغ او هنگامی که نزد معلم سرخانه درس می‌خواند، آشکار شد. ۱۲ ساله بود که ۳۲ قضیّه از قضیّه‌های هندسه‌ی اقلیدسی را بدون معلم اثبات کرد. در ۱۶ سالگی کتابی درباره‌ی مخروطات نوشت و هنوز ۲۰ سال نداشت که نخستین ماشین حساب را اختراع کرد و آن را در کارهای پدرش به کار گرفت. پاسکال در فیزیک



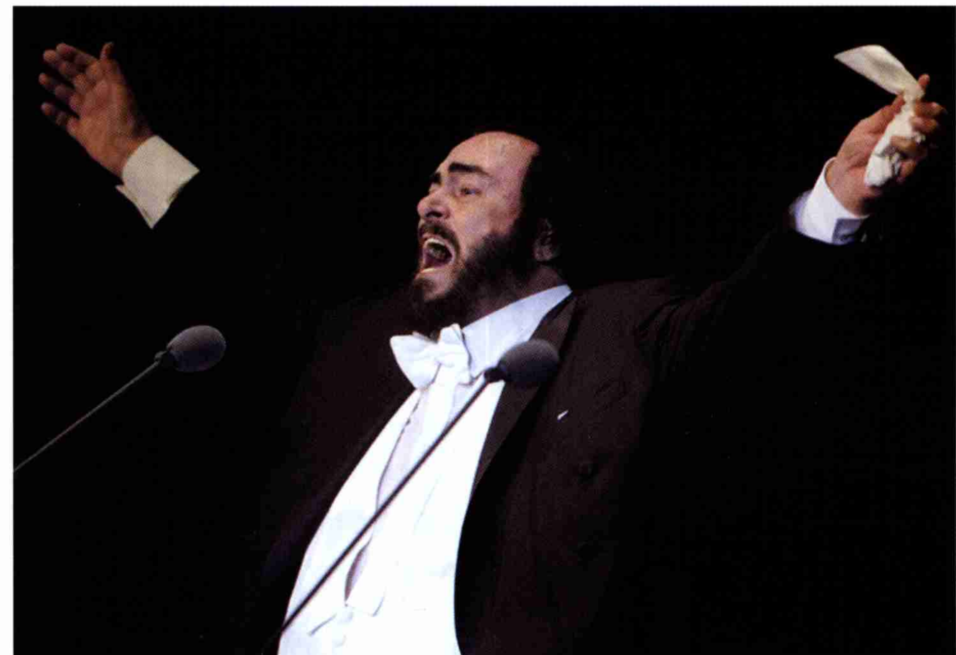
نیز قاعده‌ای درباره‌ی فشار مایعات کشف کرد که به **قانون پاسکال** معروف است. کار مهم پاسکال، که آن را با همکاری **فرما**، ریاضی‌دان مشهور، انجام داد، به‌دست آوردن **قانون‌های احتمالات** است که امروزه کاربرد فراوان یافته است. پاسکال مردی دین‌دار و پای‌بند به مذهب کاتولیک بود. وی در اواخر عمر کوتاه خود کارهای علمی را رها کرد و به نوشتن آثار دینی و فلسفی روی آورد. در فیزیک، واحد فشار را به پاس خدمات او به علم، پاسکال نامیده‌اند.

پاواروتّی، لوچیانو

(۲۰۰۷ ـ ۱۹۳۵م.)

خواننده‌ی ایتالیایی اُپرا

پاواروتّی یکی از برجسته‌ترین خوانندگان اُپرا در نیمه‌ی دوم قرن بیستم است. پدرش هم صدای خوبی داشت. وقتی لوچیانو ۹ ساله بود، آن دو یک سرود مذهبی اجرا کردند. پاواروتی از ۱۹ سالگی تحصیل در رشته‌ی موسیقی را آغاز کرد. سپس فعالیتش را در اُپراخانه‌های ایتالیا ادامه داد و خیلی زود مشهور شد. در دهه‌ی ۸۰، او مورد توجه دوست‌داران موسیقیِ آوازیِ کلاسیک در اروپا بود. به‌ویژه پس از خواندن آوازی برای جام جهانی فوتبال



۱۹۹۰، به شهرت بیش‌تری دست یافت. پاره‌ای از صاحب‌نظران صدای پاواروتی را با صدای محمد نوری، خواننده‌ی ایرانی، مقایسه کرده‌اند. پاواروتی در پی ابتلا به سرطان لوزالمعده درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

نوری (محمد)

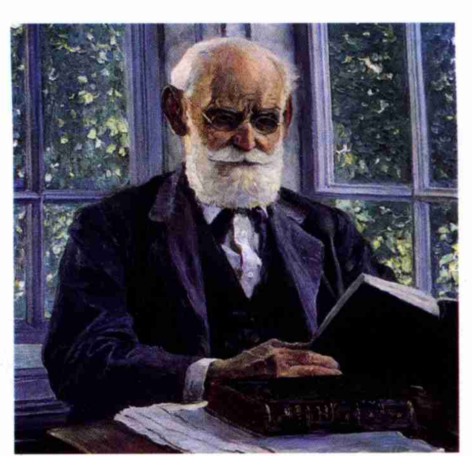


پاوُلف، ایوان

(۱۹۳۶ ـ ۱۸۴۹م.)

پزشک و روان‌شناس روس

ایوان در دو رشته‌ی پزشکی و فلسفه از دانشگاه سن‌پترزبورگ روسیه مدرک گرفته بود و در همان دانشگاه تدریس می‌کرد.



سپس انستیتوی فیزیولوژی فرهنگستان علوم شوروی را، که اکنون به نام خودش است، تأسیس کرد. پاولف در سه زمینه‌ی فیزیولوژی گردش خون، فیزیولوژی دستگاه گوارش و فیزیولوژی مغز و فعالیت‌های عصبی تحقیقات مهمی انجام داد. اما آنچه نام او را بیش‌تر بر سر زبان‌ها انداخت، کشف **قانون بازتاب شرطی** در رفتار حیوان و انسان است که هنوز بحث مهمی در روان‌شناسی رفتاری به‌شمار می‌رود. پاولف در سال ۱۹۰۴ به سبب خدمات علمی‌اش جایزه‌ی نوبل پزشکی را دریافت کرد. او در شهر سن‌پترزبورگ، در زمانی که نام آن را به لنینگراد تغییر داده بودند، درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

فروید ، یونگ



پایور، فرامرز

(تولد: ۱۳۱۱هـ.ش.)

آهنگ‌ساز و استاد سنتور

پایور از شاگردان خاص ابوالحسن صبا بود و یک دوره‌ی کامل از ردیف موسیقی ایران را، که صبا برای سنتور تنظیم کرده بود، نزد او فراگرفت. سپس با ورود به اداره‌ی کل هنرهای زیبای وزارت فرهنگ و هنر، کار رسمی خود را آغاز کرد. در این دوره توانست یک دوره از ردیف قدیم موسیقی و نیز همه‌ی تصنیف‌های متعلق به شیدا، عارف و چند تن دیگر از استادان قدیمی را نزد عبدالله دوامی اجرا کند و آن‌ها را به نت درآورد. او طی ۵۰ سال فعالیت خود، همواره به نواختن سنتور و آموزش آن اشتغال داشته و توانسته است آثار نوازندگان گذشته‌ی ایرانی را زنده کند و از خطر نابودی نجات دهد. پایور دو کتاب برای آموزش سنتور دارد که در اغلب آموزشگاه‌های موسیقی، که سبک پایور را می‌پسندند، تدریس می‌شود. او برای اجرای کنسرت به بسیاری از کشورهای جهان سفر کرده و از آکادمی سلطنتی موسیقی لندن نیز مدارکی دریافت کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شیدا ، صبا



پتر کبیر

(۱۷۲۵ ـ ۱۶۷۲ م.)

تزار روسیه

پتر از حاکمان سلسله‌ی رُمانوف‌های روس بود. او توانست با شورش بر ضد خواهرش، سوفی، و برکنار کردن او از قدرت، کاخ کِرِملین را در مسکو تصرّف کند و خودش تزار روسیه شود. عصر او هم‌زمان با دوره‌ی سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در ایران بود. پتر کبیر مردی جاه‌طلب، قدرت‌مند و در پی توسعه و پیش‌رفت روسیه بود که در آن زمان، کشوری بسیار عقب‌مانده بود. او در جنگ با عثمانی‌ها و سوئدی‌ها پیروزی‌هایی به‌دست آورد. سپس به اروپا سفر کرد و با آوردن عده‌ی زیادی از مهندسان، معماران، دریانوردان و پزشکان هلندی و انگلیسی به روسیه، به اقدامات بسیاری در زمینه‌ی عمران و



پترکبیر توانست روسیه را به عصر تازه‌ای از تحول و پیشرفت وارد سازد.

آبادانی کشورش دست زد؛ به‌طوری که در اواخر سلطنت او، روسیه به کشوری نسبتاً پیش‌رفته تبدیل شد. پتر کبیر به بازماندگانش وصیت کرده بود که از رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان غفلت نکنند تا از این طریق بتوانند روسیه را به قدرتی جهانی مبدل سازند. این آرزوی او هرگز تحقق نیافت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ایوان مخوف



پتن، هانری فیلیپ

(۱۹۵۱ ـ ۱۸۵۶م.)

تسلیم‌کننده‌ی فرانسه به آلمان در جنگ دوم جهانی

هانری فیلیپ پتن، مشهور به مارشال پتن از مارشال‌های معروف ارتش فرانسه بود که در جنگ اول جهانی، سبب پیروزی کشورش بر ارتش آلمان شده بود. اما در جنگ دوم، تسلیم آلمانی‌ها شد. ماجرا چنین بود که وقتی ارتش آلمان، از طریق تصرف بلژیک، به طور غیرمنتظره‌ای خط دفاعی صد کیلومتری ماژینو را دور زد و پاریس را تصرف کرد، پل رینو، نخست‌وزیر فرانسه، استعفا داد و به‌ناچار، مارشال پتن، که شخصیتی نظامی بود، جانشین او شد. پتن چون فرانسه را در اشغال دید، از ترس این که مبادا پاریس مانند ورشو، پایتخت لهستان، به ویرانه‌ای تبدیل شود، همراه با فرمان‌دهانش، قرارداد تسلیم فرانسه به آلمان را امضا کرد. سپس مرکز دولت خود را از پاریس به **ویشی**، شهری در نیمه‌ی جنوبی فرانسه انتقال داد. در مقابل این عمل، **ژنرال دوگل**، که در کابینه‌ی پل رینو معاون وزیر جنگ بود، به انگلستان گریخت و دولت **فرانسه‌ی آزاد** را در آن‌جا تشکیل داد. او بنای مبارزه با آلمان را گذاشت و تا پایان جنگ به مبارزه ادامه داد. پس از جنگ، که به شکست آلمان نازی انجامید، مارشال پتن دستگیر و به جرم خیانت به فرانسه، به اعدام محکوم شد. ولی ژنرال دوگل، به پاس خدماتی که پتن در جنگ اول جهانی به فرانسه کرده بود، حبس او را با یک درجه تخفیف، به زندان ابد تبدیل کرد. پتن در زندان درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دوگل ، ماژینو



پرستویی، پرویز

(تولد: ۱۳۳۴هـ.ش.)

بازیگر

در کبودرآهنگ همدان به‌دنیا آمد. کودک بود که خانواده‌اش به تهران کوچ کردند. در کودکی، عشق به سینما را با گوش‌دادن به صدای فیلم‌هایی که در آن زمان در خارج سینما نیز پخش می‌شد، تجربه کرد. آن‌گاه به فراگیری هنر تئاتر پرداخت و زیر نظر بهزاد فراهانی در چند نمایش ایفای نقش کرد. پس از گرفتن دیپلم، در دادگستری استخدام شد و هم‌زمان، کار هنری‌اش را نیز پی‌گرفت. نخستین تجربه‌اش در سینما، بازی در فیلم **دیار عاشقان** بود. از آن پس در فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی بسیاری بازی کرد که عموماً با موفقیت همراه بوده است. فیلم‌های **لیلی با من است**، **آژانس شیشه‌ای**، **مرد عوضی**، **مارمولک**، **بید مجنون**، **به نام پدر**، **پاداش سکوت** و **کتاب قانون** از مهم‌ترین فیلم‌های اوست. پرستویی در مجموعه‌های تلویزیونی **امام علی**(ع)، **آوای فاخته**، **خاک سرخ** و **زیر تیغ** نیز بازی کرده است. این هنرمند بازیگر تاکنون چند دیپلم افتخار و سیمرغ بلورین از جشنواره‌های فیلم فجر دریافت کرده است.



پرستویی در نمایی از مجموعه‌ی تلویزیونی «زیر تیغ»





پرومته

از خدایان یونانی

در اساطیر یونان، پرومته خدای آتش، خالق نوع بشر و مظهر نبوغ انسانی است. او برادر اطلس بود و هِلِن، مادر همه‌ی یونانیان، دختر اوست. پرومته نخستین کسی است که تمدن را به‌وجود آورد. اما چون به جای گوشت گاو، استخوان‌های گاو را به زئوس هدیه داد و نیز آتش آسمان را ربود و به انسان داد، زئوس او را در کوهی از کوه‌های قفقاز به بند کشید. به این ترتیب، پرومته محکوم به عذابی ابدی شد. عذاب او این بود که کرکسی همواره جگرش را بخورد تا بمیرد و او دوباره زنده شود و باز کرکس جگرش را بخورد و.... اما پس از ۳۰ سال (یا ۳۰ هزار سال)، هرکول کرکس را کشت و پرومته را آزاد کرد. زئوس هم او را بخشید. منظور از آتشِ پرومته، خرد و دانایی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اطلس ، سیزیف



پروین، علی

(تولد: ۱۳۲۸هـ.ش.)

بازیکن و مربّی فوتبال

در تهران به‌دنیا آمد. بازی فوتبال را از محله‌ی خود شروع کرد و سپس به ترتیب به باشگاه‌های البرز، نادر و پیکان پیوست. در تشکیل باشگاه پرسپولیس نقش داشت و بازی را در آن ادامه داد و موفقیت‌های بزرگی برای پرسپولیس کسب کرد. پروین اولین بازی خود را در تیم ملی، در سال ۱۳۴۹ در مقابل پاکستان انجام داد. از سال ۱۳۶۶ به بعد، دیگر بازی نکرد و فقط در مقام مربی در میدان‌های ورزشی حاضر شد. در سال ۱۳۷۱ توانست مقام اول را در جام ملت‌های آسیا کسب کند. پروین افتخارات فراوانی برای تیم ملی ایران کسب کرده است. قهرمانی در جام ملت‌های آسیا، راه‌یابی به المپیک و به ثمررساندن گل در این مسابقه‌ها و صعود به جام جهانی، گوشه‌ای از موفقیت‌های اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دایی

▼ علی پروین افتخارات بسیاری برای فوتبال ایران کسب کرده است.



پرهیزگار، شهریار

(تولد: ۱۳۴۳هـ.ش.)

حافظ قرآن و داور بین‌المللی مسابقه‌های قرآن

پرهیزگار متولد تهران و دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی مهندسی کامپیوتر است. او از کودکی و در خانواده، با قرآن آشنا و به قرائت و حفظ آن مشغول شد. نخستین بار در ۱۲ سالگی، در مقام قاری و حافظ قرآن، در مسجد لاله‌زار تهران مقام اول را به‌دست آورد. از آن پس فعالیت‌ها و موفقیت‌هایش در این زمینه پیوسته رو به افزایش بود. یک بار در سال ۱۳۶۶ و بار دیگر در سال ۱۳۷۱ مقام اول را در مسابقه‌های جهانی تهران و عربستان، در رشته‌ی حفظ کل قرآن به‌دست آورد. موفقیت‌های دیگر شهریار پرهیزگار عبارت است از: داوری مسابقه‌های بین‌المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۶۹ تا ۸۳، تلاوت یک دوره‌ی کامل ترتیل قرآن کریم که منتشر شده است و در دسترس عموم قرار دارد، و تألیف کتاب **چگونه قرآن را حفظ کنیم**. او برای برگزاری مسابقه‌های قرآن به کشورهای سوریه، تانزانیا، اتریش، مالزی و عربستان سفر کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

منصوری (کریم)



پریکِلس

(۴۲۹ ـ ۴۹۵ ق.م.)

رهبر عصر طلایی یونان

پریکلس فرزند یکی از سرداران نظامی یونان بود و در دوره‌ی جنگ‌های ایران و یونان به‌دنیا آمد. در جوانی به تحصیل علوم و ادبیات و هنر پرداخت و جوانی فرهیخته شد. اما هنگامی شهرت و محبوبیت یافت که جشنواره‌ی بزرگی در آتن ترتیب داد و



نمایش‌نامه‌ی مشهور **ایرانیان** (پارس‌ها) اثر آشیل را در آن اجرا کرد. پریکلس بعدها وارد سیاست شد و توانست بین شهرهای یونان وحدت ایجاد کند. او به رشد فرهنگ و هنر اهمیت زیادی می‌داد؛ اهل هدیه گرفتن از دیگران، که در آن زمان امری رایج به شمار می‌آمد، نبود و با همسرانش به تساوی رفتار می‌کرد. دوره‌ی حکومت پریکلس را عصر طلایی یونان خوانده‌اند که در آن چهره‌های برجسته‌ای، مانند آناکساگوراس، سقراط، اوریپید، آشیل، سوفوکل، فیدیاس، آنتی‌فون، اریستوفان، دموکریت، هیپوکریت، هرودوت و توسیدید به ظهور رسیدند. چند تن از این مشاهیر، دوستان پریکلس بودند.

همچنین نگاه کنید به:

آشیل ، داریوش ، خشایارشا



پستالوزی، ژان هانری

(۱۸۲۷ ـ ۱۷۴۶ م.)

مربی و دانشمند تعلیم و تربیت

در سوئیس به‌دنیا آمد. در کودکی یتیم شد و مادرش او را بزرگ کرد. هنگامی که دوره‌ی دبیرستان را به پایان رساند، به دانشگاه رفت تا در رشته‌ی حقوق تحصیل کند. در این زمان، افکار ژان‌ژاک روسو، که افکاری نو و آزادی‌خواهانه بود، همه‌جا گسترش یافته بود؛ ولی خواندن کتاب‌هایش ممنوع بود. اما پستالوزی آن‌ها را خواند و شیفته‌ی اندیشه‌های روسو شد و در راه تعلیم و تربیت گام گذاشت و مربی شد. او، که مردی بسیار نوع‌دوست بود، خانه‌ی خود را به پرورشگاه کودکان بی‌سرپرست تبدیل و بعدها نیز آموزشگاه‌هایی برای بزرگ‌ترها تأسیس کرد. کار مهم او در آموزش کودکان، این بود که در آموزشگاهش علوم و ریاضی و زبان و کشاورزی و ریسندگی را با هم درس می‌داد و در همان حال بر آموزش اخلاق و دین تأکید می‌کرد؛ این روشی بود که تا آن زمان سابقه نداشت. عده‌ای از صاحب‌نظران، پستالوزی را بنیان‌گذار آموزش و پرورش جدید در اروپا می‌دانند.

همچنین نگاه کنید به:

فروبل ، هربارت



پسیان، کلنل محمدتقی

(۱۳۰۰ ـ ۱۲۷۰ هـ.ش.)

افسر وطن‌خواه و ایران‌دوست

محمدتقی، فرزند یاور محمدخان، اهل تبریز بود و از افسران وطن‌دوست و آزاده در سال‌های پس از مشروطه و دوران هرج و مرج ایران به‌شمار می‌رود. در مدرسه‌ی نظام تهران آموزش دید. مدتی نیز در آلمان، در نیروی هوایی و پیاده‌نظام آموزش دید و به خاطر شجاعت و مهارتش نشان صلیب آهن گرفت. در زمان احمدشاه قاجار، کلنل (سرهنگ) شد و به فرمان‌دهی ژاندارمری خراسان منصوب گردید. در پی کودتای سوم اسفند رضاخان، دستور یافت قوام‌السّلطنه، والی خراسان، را دستگیر و به تهران اعزام کند. اما پس از چندی ورق برگشت و قوام خودش نخست‌وزیر شد. در نتیجه، رابطه‌ی او که با کلنل تیره بود، تیره‌تر شد. دولت قوام تصمیم داشت کلنل را از فرمان‌دهی خراسان عزل کند؛ ولی مردم خراسان، که توانایی‌ها و خدمات او را از نظر برقراری امنیت، بهبود وضع ارزاق، تنبیه متولیّان نادرست آستان قدس رضوی و... دیده بودند، با عزل وی مخالف بودند. این امر به قیام مردم خراسان به نفع کلنل و بر ضد دولت مرکزی منجر شد. سرانجام سردار معزّز بجنوردی کردهای قوچان را به شورش تحریک کرد و در جنگی که میان آنان و قوای کلنل درگرفت، کلنل کشته شد. مزار او در مشهد، در محوطه‌ی آرامگاه نادرشاه قرار دارد. او در زمان مرگ ۳۰ سال داشت.

همچنین نگاه کنید به:

قوام‌السّلطنه ، کامبوزیا



پلانک، ماکس

(۱۹۴۷ ـ ۱۸۵۸م.)

فیزیک‌دان آلمانی و واضع نظریه‌ی کوانتوم

در کی‌یل آلمان به‌دنیا آمد. پدرش استاد حقوق و علوم قضایی بود؛ اما خودش به فیزیک روی آورد. در دانشگاه‌های مونیخ و برلین، زیر نظر استادانی مانند هلمهولتز و گوستاو کیرشهف به تحصیل، تحقیق و پژوهش ادامه داد. او بعد از هلمهولتز، استاد کرسی فیزیک و مدیر مؤسسه‌ی فیزیک نظری دانشگاه برلین شد. فعالیت اساسی پلانک در زمینه‌های ترمودینامیک، نظریه‌ی تابش، نسبیّت و فلسفه‌ی علم بود. او نتیجه‌ی مطالعاتش را درباره‌ی ترمودینامیک به صورت کتاب منتشر کرد. ترمودینامیک شاخه‌ای از فیزیک است که موضوع آن تبدیل حرارت به شکل‌های دیگر انرژی است. پلانک در سال ۱۹۰۰م. مسئله‌ی تابش اجسام را، که مدت‌ها فکر دانشمندان را به خود مشغول داشته بود، حل کرد. نظر

پلانک این بود که اجسام داغ دارای تشعشع هستند و این انرژی به صورت واحدهای متصل است نه واحدهای منفصل؛ برای مثال، پول دارای واحد منفصل است که به آن امکان شمارش می‌دهد. در حالی که مایع یا سیّال، دارای واحد متصل است و قابل شمارش نیست. پلانک این واحدهای منفصل انرژی را **کوانتوم** نامید. **نظریه‌ی کوانتوم،** که انقلابی در علم پدید آورد، خیلی زود به همت دانشمندان دیگر شرح و بسط یافت و به صورت یکی از نظریه‌های علمی بزرگ قرن بیستم درآمد. به پاداش این خدمت علمی، پلانک جایزه‌ی نوبل فیزیک سال ۱۹۱۸ را دریافت کرد. پلانک دانشمندی دین‌دار و خداشناس بود و در این زمینه افکار و نظریات خود را بیان کرده است.

همچنین نگاه کنید به:

اینشتین ، فاینمن ، هلمهولتز



پلنگی، ناصر

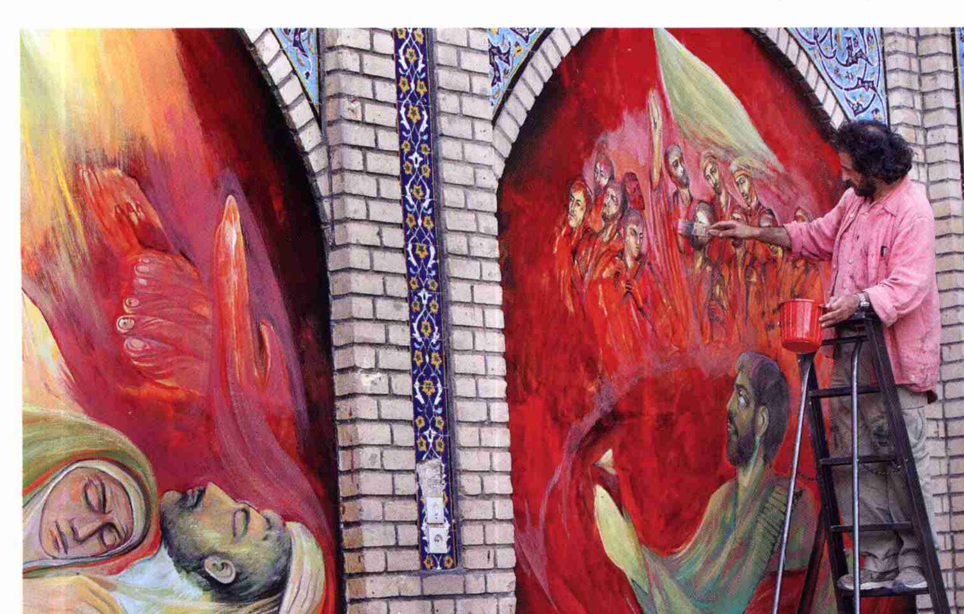
(تولد: ۱۳۳۶ه.ش.)

نقاش

پلنگی اهل همدان و دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تربیت مدرس و دانشکده‌ی هنرهای زیبای چندیگر هند (دکتری) و از نقاشان دهه‌ی اول انقلاب اسلامی است. نخستین کارهای خود را در «حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی» که اکنون حوزه‌ی هنری نام دارد، در نخستین سال انقلاب اسلامی عرضه کرد. نقاشی‌های دیواری‌اش در مسجد جامع خرمشهر و سپس در تهران سبب شد از او برای کشیدن نقاشی‌هایی به دوبی و سیاتل آمریکا دعوت شود. پلنگی چند سال نیز در استرالیا به آموزش نقاشی دیواری پرداخت و در سال ۱۳۸۴، اثر عظیمی به نام **دیوار هنری کریک‌وستون** در آن کشور ساخت. او نمایشگاه‌هایی نیز در چین، کانادا، انگلستان، اتریش و دوبی برگزار کرده است و تألیفاتی نیز دارد. کتاب‌های **روش طراحی آزاد، روش آناتومی هنری، روش طراحی ذهنی** و نیز مجموعه‌ی **نقاشی‌های دیواری مسجد جامع خرمشهر**، مجموعه‌ی **طراحی‌های گلزار شهدا** و **دوران جنگ** از جمله آثار اوست.

همچنین نگاه کنید به:

خسروجردی ، صادقی



ناصر پلنگی در حال بازسازی تصاویر مسجد جامع خرمشهر

پلوتارک

(۱۲۰ ـ ۵۰م.)

زندگی‌نامه‌نویس یونانی

پلوتارک یکی از بزرگ‌ترین زندگی‌نامه‌نویسان عهد باستان است. کتاب‌های او را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: زندگی‌نامه‌ها، و نوشته‌های فلسفی و اخلاقی. کتاب معروف او **حیات مردان نامی**، شرح حال بسیاری از چهره‌های جهان باستان است که بیش‌تر آن‌ها یونانی و رومی و عده‌ی کمی هم ایرانی‌اند. این کتاب چهار جلدی را رضا مشایخی به فارسی ترجمه کرده است. کتاب حیات مردان نامی بر بسیاری از نویسندگان، از جمله شکسپیر، اثر گذاشته است. نظر پلوتارک در مورد انسان‌های بزرگ این است که عظمت و بزرگی هیچ‌کس امری تصادفی نیست. تنها عقل و دانایی است که انسان‌ها را بر حیوانات برتری می‌دهد و قادر می‌سازد به زندگی خویش نظم و شکل بدهند. انسان باید در یک فرآیند درازمدت، سراسر حیات خود را از طبق الگویی از زیبایی، عدالت و انصاف طرح‌ریزی کند.

همچنین نگاه کنید به:

شکسپیر ، هرودوت



پله

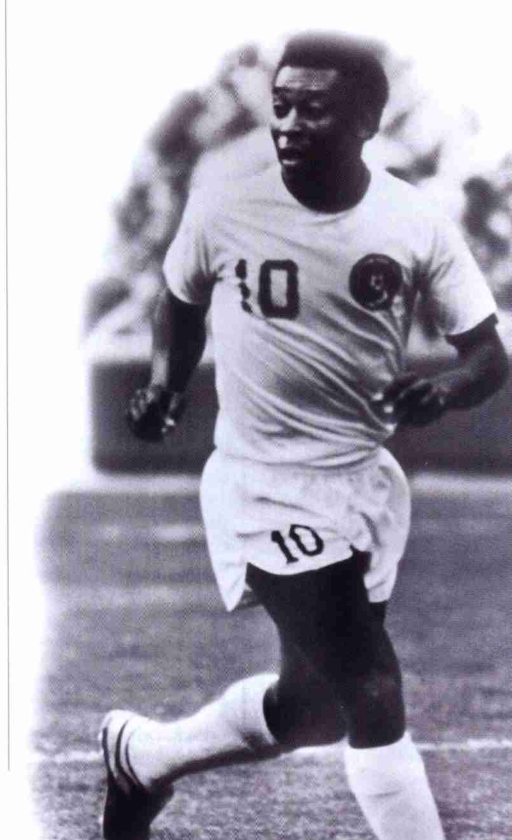
(تولد: ۱۹۴۰م.)

سلطان فوتبال جهان

پله، متولد برزیل، نامش ادسون آرانتس دونا سیمنتو، معروف به پله و برجسته‌ترین چهره‌ی فوتبال جهان در قرن بیستم بود. در ۱۶ سالگی به تیم جوانان سانتوس و پس از یک سال به تیم بزرگسالان سانتوس پیوست. همان سال در صدر گل‌زنان لیگ برزیل قرار گرفت و خیلی زود به تیم ملی دعوت شد. او چنان قدرت‌مندانه بازی کرد که بسیاری از

تیم‌های ثروت‌مند اروپایی خواهانش شدند؛ اما دولت برزیل با اعلام این که پله **گنجینه‌ی ملی برزیل** است، مانع پیوستن او به تیم‌های خارجی شد. پله در نوامبر ۱۹۶۹، موفق شد هزارمین گل خود را در برابر تیم واسکودوگاما و از نقطه‌ی پنالتی به ثمر برساند. او در مجموع ۱۲۸۱ گل به ثمر رساند و سه بار قهرمان جهان شد. تمام عمر خود را در باشگاه سانتوس بازی کرد و تنها سال‌های آخر عمر به آمریکا رفت تا برای تیم کاسموس بازی کند که توانست این تیم را نیز به مقام قهرمانی لیگ آمریکا برساند. پله در سال ۱۹۷۱ پس از ۲۲ سال بازی، در برابر خیل عظیم تماشاگران در استادیوم بزرگ کشورش برزیل، کفش‌های خود را آویزان کرد و از بازی کناره گرفت. از آن پس، به افتخار او پیراهن شماره‌ی ۱۰ تیم ملی برزیل پله نامیده شد؛ زیرا پله همواره فقط با این شماره بازی می‌کرد. پله مدتی وزیر ورزش برزیل بود و از سوی یونسکو نیز به مقام سفیر حسن نیت انتخاب شده است.

▼ پله همواره با شماره‌ی ۱۰ در میدان‌های ورزشی ظاهر می‌شد و پس از او، این شماره دیگر به هیچ بازیکنی در تیم ملی برزیل داده نشد.



👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

رونالدو ، کاکا



پوپ، آرتور آپهام

(۱۹۶۹ ـ ۱۸۸۱م.)

ایران‌شناس آمریکایی

آرتور آپهام پوپ دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی هنر در دانشگاه براون آمریکا بود. پس از پایان تحصیل، در همان دانشگاه و نیز در دانشگاه کالیفرنیا، تدریس کرد. ۴۵ سال داشت که به عنوان سرپرست یک هیئت پژوهشی، به ایران آمد. از آن پس، به ایران و آثار باستانی و هنری آن علاقه‌مند شد و تا پایان عمر به پژوهش و تحقیق در این زمینه پرداخت. کار عظیم پوپ، که آن را با همسرش، فیلیس اکرمن، به پایان رساند، مجموعه‌ی ۱۶ جلدی **بررسی هنر ایران** است که انتشارات دانشگاه آکسفورد آن را چاپ کرد و شهرت جهانی یافت. در تألیف این کتاب، ۷۲ دانشمند و متخصّص تاریخ، هنر، باستان‌شناسی و فرهنگ ایران از ۱۶ کشور همکاری کردند. این اثر شامل ۵ هزار عکس و تصویر و طرح و رسم است. پوپ علاوه بر این، دو کتاب **معماری ایران** و **شاهکارهای هنر ایران** را نیز تألیف کرد. بنا به وصیّت پوپ، او را در اصفهان، در ساحل شمالی زاینده‌رود، کنار پل خواجو، به خاک سپردند. بعدها همسرش نیز به او پیوست. بر مزار این دو ایران‌شناس، بقعه‌ی کوچکی ساخته‌اند.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

فرای



پوراحمد، کیومرث

(تولد: ۱۳۲۸ه.ش.)

کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

در نجف‌آباد، از شهرهای استان اصفهان زاده شد. فعالیت حرفه‌ای خود را در سال‌های قبل از انقلاب، با دستیاری در ساخت فیلم **آتش بدون دود**، اثر نادر ابراهیمی، آغاز کرد. اما اولین فیلم خود را به نام **تاتوره**، بعد از انقلاب و در سال ۱۳۶۲ ساخت. پوراحمد از آن پس به طور جدی به ساخت فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی روی آورد. مجموعه‌ی تلویزیونی **قصه‌های مجید**، که آن را بر اساس داستان‌های کتابی به همین نام از هوشنگ مرادی کرمانی ساخت، او را به شهرت رساند. از فیلم‌های موفقیت‌آمیز او **خواهران غریب** است که سیمرغ بلورین جشنواره‌ی چهاردهم فیلم فجر را برای کارگردانی آن دریافت کرد و پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۳۷۵ شد. از دیگر کارهای پوراحمد مجموعه‌ی جنایی **سرنخ** و فیلم‌های سینمایی **بی‌بی چلچله**، **شکار خاموش**، **نان و شعر**، **به خاطر هانیه**، **شب یلدا** و **اتوبوس شب** است.



▲ پوراحمد در حال کارگردانی مجموعه‌ی قصه‌های مجید

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

مرادی کرمانی



پورشه، فردیناند

(۱۹۵۱ ـ ۱۸۷۵م.)

صنعت‌گر اتریشی و طراح اتومبیل فولکس واگن

پورشه از کودکی استعداد فوق‌العاده‌ای در مکانیک داشت. اما هرگز در این رشته تحصیل نکرد. هنگامی که در وین بود، گاهی به کلاس‌های شبانه‌ی دانشگاه فنی وین سرکی می‌کشید. بعدها همین دانشگاه به او

مدرک دکترای افتخاری داد. پورشه در سال ۱۹۰۲ نوعی خودرو طراحی کرد که نیروی موتور آن به هر چهار چرخ منتقل می‌شد (۴WD). او بعدها به آلمان رفت و شرکت مشاوره‌ای پورشه را در اشتوتگارت تأسیس کرد. در این زمان موفق شد طرح خود را، که تولید خودروی ارزان برای همه بود، و بعدها فولکس واگن (در زبان آلمانی یعنی خودرو مردمی) نام گرفت، اجرا کند. این طرح با استقبال هیتلر روبه‌رو شد و کارخانه‌ای برای آن تأسیس گردید و به تولید پرداخت. با آغاز جنگ دوم جهانی، پورشه تولید فولکس واگن را متوقف کرد و با دولت نازی، در صنایع نظامی به همکاری پرداخت. به همین دلیل، پس از جنگ، فرانسوی‌ها او را در حکم جنایت‌کار جنگی دستگیر کردند. پورشه ۲۰ ماه در زندان به‌سر برد و چند سال بعد از آزادی، در پی سکته‌ی قلبی درگذشت. کارخانه‌ی فولکس واگن بعد از جنگ بار دیگر راه‌اندازی شد و هنوز هم به کار خود ادامه می‌دهد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فورد ، بنز



▼ پورشه، فولکس واگن را برای مقامات آلمانی به نمایش گذاشته است.





پوریای ولی

(فوت: ۷۷۲ ه.ق.)
پهلوان

نامش محمود خوارزمی، ملقّب به پوریای ولی، عارفی پهلوان و شجاع بود. شعر نیز می‌سرود و منظومه‌ای به نام **کنزالحقایق** از او باقی است. پوریای ولی بیش‌تر به سبب حکایت‌هایی که درباره‌اش بر سر زبان‌هاست، شهرت یافته است. یکی از آن حکایت‌ها این است که می‌گویند قرار بود در هندوستان با پهلوانی مسابقه بدهد و کسی تردید نداشت که پوریا بر پهلوان هندی غلبه می‌کند. اما صبحگاه روز پیش از مسابقه، پوریای ولی، که برای ادای نماز به مسجد رفته بود، شنید که زنی گریان و اشک‌ریزان به درگاه خدا دعا می‌کند که فرزندش را در مسابقه با پهلوانی که همه می‌گویند شکست‌ناپذیر است، کمک کند؛ زیرا اگر پسرش شکست بخورد، حیثیّت و آبروی او در هند بر باد می‌رود. پوریا با شنیدن درد دل مادر پهلوان هندی، تصمیم می‌گیرد خود را مغلوب حریف کند. از این‌رو، هنگامی که با او روبه‌رو می‌شود، پس از کشاکش بسیار، شگردی به کار می‌برد که مغلوب رقیب خود شود. در میان ناباوری همه، پوریای ولی مسابقه را می‌بازد تا دل مادر پهلوان هندی را نشکسته باشد. از آن پس پوریا در میان پهلوانان نماد جوان‌مردی و گذشت در عین قدرت و زورمندی شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رزّاز



پهلوی، رضا شاه

(۱۳۲۳ ـ ۱۲۵۶ه.ش.)
مؤسس سلسله‌ی پهلوی

فرزند عباسقلی سوادکوهی، معروف به داداش‌بیگ، بود. در روستای آلاشت، از توابع سوادکوه مازندران متولد شد. در خردسالی پدرش را از دست داد و مادرش او را به تهران آورد و بزرگ کرد. ۲۲ سال داشت که به نیروهای قزّاق پیوست. از سربازانی بود که پس از به‌توپ بستن مجلس، برای سرکوب قیام مردم تبریز با نیروهای دولتی به آذربایجان اعزام شد. مدارج ترقی را طی کرد، به فرماندهی قزّاق‌ها در همدان رسید، لقب نظامی **میرپنج** گرفت و به رضاخان میرپنج شهرت یافت. در پی آشفتگی‌های پس از مشروطه و جنگ اول جهانی، که خسارت

زیادی به مردم وارد کرد و دولت مرکزی ضعیف شد، سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان، با پشتیبانی محرمانه‌ی انگلیسی‌ها، در سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی کودتا کردند. سپس در تهران، قدرت مرکزی را به‌دست گرفتند. در پی آن، سید ضیاالدین از سوی احمدشاه نخست‌وزیر و رضاخان فرمان‌ده کل قوا و وزیر جنگ شد. رضاخان در طی دو سالی که در این سِمت بود، با سرکوب مخالفان و ایجاد امنیت نسبی در کشور، توجه احمدشاه و دیگران را جلب کرد و نخست‌وزیر شد. آن‌گاه در این دوره، با سیاست و تهدید و زیرکی، از غیبت احمدشاه که در اروپا به‌سر می‌برد، بهره گرفت. رضاخان با تشکیل مجلسِ مؤسّسان، اکثر نمایندگان را مجاب

▼ اقدامات غرب‌گرایانه‌ی رضاخان و ضدیّت او با شعایر دینی و مذهبی سبب شد مردم از او روی‌گردان شوند.



کرد که سلسله‌ی قاجاریه را منقرض و او را به پادشاهی انتخاب کنند. بدین ترتیب، رضاخان در چهارم اردیبهشت سال ۱۳۰۵ تاج‌گذاری کرد و به نام رضاشاه، بر تخت سلطنت ایران نشست. رضاشاه دیکتاتور بود و با استبداد و خشونت تمام و ایجاد هراس در مردم، بر ایران سلطنت کرد. او، که ابتدا به دیانت و علاقه به اسلام تظاهر می‌کرد، به‌تدریج تغییر رویّه داد و با کشف حجاب زنان، مخالفت با حوزه‌ی علمیه، خلع لباس روحانیان، ممنوع کردن عزاداری‌های ماه محرم و ترویج باستان‌گرایی، سعی کرد فرهنگ اروپایی را در ایران گسترش دهد. اما این کارها سبب شد بر عده‌ی مخالفانش افزوده شود و حمایت مردم را از دست بدهد. رضا شاه پرکار، جدّی و بااراده بود و در زمینه‌ی ایجاد ارتش، آموزش عمومی و تأسیس مدارس، ایجاد صنایع، ساختن راه و راه‌آهن و تأسیس دانشگاه، قدم‌های مهمی برداشت. او، که در زمینه‌ی سیاست خارجی طرفدار آلمان بود، با وقوع جنگ دوم جهانی، اعلام بی‌طرفی کرد. اما متفقین (انگلستان، روسیه و آمریکا) بدون توجه به این امر، با قوای خود وارد ایران شدند. او را از سلطنت خلع کردند و فرزندش، محمدرضا پهلوی، را به سلطنت رساندند. آن‌ها رضاشاه را نخست به جزیره‌ی موریس در اقیانوس هند و سپس به آفریقای جنوبی تبعید کردند که در همان جا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
احمدشاه ، جی ، طباطبایی (سید ضیاءالدین)



پهلوی، محمدرضا

(۱۳۵۹ ـ ۱۲۹۸هـ.ش.)
آخرین پادشاه تاریخ ایران

فرزند رضاشاه پهلوی بود و با خواهرش، اشرف، دوقلو بودند. محمد رضا تحصیلات ابتدایی را در ایران و دوره‌ی دبیرستان را



▲ **محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۴۶ تاج‌گذاری کرد.**

در سوئیس گذراند. در تهران به دانشکده‌ی افسری رفت و فارغ‌التحصیل شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و استعفای رضاشاه، جانشین پدرش شد و ۳۷ سال سلطنت کرد. محمدرضا سه بار ازدواج کرد که آخرین بار آن، ازدواج با فرح دیبا، مادر رضا پهلوی، ولی‌عهد، بود. شاه در طول سلطنت خود با بحران‌های گوناگونی روبه‌رو شد: اشغال آذربایجان به دست ارتش سرخ شوروی که سرانجام با سیاست قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر او، آزاد شد؛ نهضت ملی شدن نفت که او را در آستانه‌ی سقوط قرار داد؛ و از کشور گریخت، اما با کودتای ۲۸ مرداد و حمایت آمریکا و انگلستان بار دیگر قدرت را به‌دست گرفت؛ نهضت ۱۵ خرداد به رهبری امام‌خمینی، که آن را سرکوب کرد؛ و سرانجام، انقلاب اسلامی که نظام او را فرو پاشید. شاه با اقداماتی چون انقلاب سفید (که آن را در ششم بهمن سال ۱۳۴۱ اعلام کرد) و نیز تصمیم به نوسازی ایران، که در دهه‌ی ۵۰ و در پی افزایش بی‌سابقه‌ی درآمد نفت، صورت گرفت، تلاش‌هایی برای پیش‌رفت کشور انجام داد. نوسازی ارتش، آموزش رایگان، توسعه‌ی بهداشت، گسترش صنایع و استفاده از انرژی اتمی، از اقدامات او بود.

اما از آن‌جا که شاه خودش فاسد و رژیم او سرکوب‌گر و به شدت به انگلستان و آمریکا وابسته و در حقیقت دست‌نشانده‌ی آن‌ها بود، بر فساد اداری و مالی و بی‌بندوباری همراه با سرکوب آزادی‌ها و حقوق اجتماعی افزوده گشت. محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۳، دو حزب **مردم** و **ایران نوین** را، که تنها احزاب موجود وابسته به رژیم بودند، منحل کرد و دستور داد همه‌ی مردم یا در حزب **رستاخیز** که خودش تأسیس کرد عضو شوند یا از ایران بیرون بروند. مجموعه‌ی این اوضاع و اقدامات موجب احیای نهضت ۱۵ خرداد و شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی شد. شاه در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷، با اوج گرفتن انقلاب اسلامی، از ایران خارج شد و اندکی نگذشت که پس از سرگردانی بسیار، سرانجام در مصر اقامت کرد و در همان کشور بر اثر بیماری سرطان درگذشت. او را در قاهره به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پهلوی (رضاشاه) ، قوام‌السلطنه ، هویدا



پیاژه، ژان

(۱۹۸۰_۱۸۹۶م.)
دانشمند و روان‌شناس سوئیسی

در شهر نوشاتل سوئیس به‌دنیا آمد. در کودکی به زیست‌شناسی بسیار علاقه داشت و ۱۰ ساله بود که مقاله‌ای درباره‌ی نوعی گنجشک به نام گنجشک زالی نوشت و منتشر کرد و از آن پس دستیار یک موزه‌ی تاریخ طبیعی در محله‌ی خودشان شد. سرانجام دکترای علوم طبیعی گرفت. پیاژه علاقه‌ی خاصی به مطالعه‌ی مذهب، فلسفه، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسی داشت. ازاین‌رو، به رشته‌ی روان‌شناسی مایل شد و در آزمایشگاه **بینه**، که مبدع آزمون‌های هوشی جدید برای کودکان بود، به کار پرداخت. در آن‌جا توجهش به مطالعه در زمینه‌ی روان‌شناسی کودکان و مطالعه در مورد ذهن کودک جلب شد. پس به کمک همسرش، مطالعات زیادی روی فرزندان خود انجام داد.

مطالعات تجربی بی‌شماری که پیاژه در مورد تفکر، زبان، ادراک و حافظه‌ی کودکان انجام داد، سبب شد دانشمند برجسته‌ای در زمینه‌ی روان‌شناسی رُشد شود. دانشمندان دیگر، کارهایش را ادامه دادند. حداقل دو استاد برجسته‌ی ایرانی، شادروان **دکتر علی‌محمد کاردان** و **دکتر محمد خوانساری**، از شاگردان پیاژه بوده‌اند.



پیرنیا، حسن

(۱۳۱۴ _ ۱۲۵۰هـ.ش.)
سیاست‌مدار، تاریخ‌نگار و مترجم

فرزند میرزا نصرالله مشیرالدوله، صدراعظم مظفرالدین شاه بود که فرمان مشروطه در زمان صدارت او به امضا رسید. حسن پیرنیا در نوجوانی به روسیه رفت و علوم نظامی و حقوق آموخت و به سِمت وابسته‌ی سفارت ایران در سن‌پترزبورگ منصوب شد. در سال ۱۲۷۸ شمسی، **مدرسه‌ی سیاسی** را در تهران تأسیس کرد که در تربیت رجال سیاسی بعدی نقش مهمی داشت. این مدرسه بعدها به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران تبدیل شد. پیرنیا در جریان انقلاب مشروطه با همکاری برادرش، حسین پیرنیا،



در ترجمه و تدوین قانون اساسی مشارکت داشت. پیرنیا تا شهریور ۱۳۰۲ مقام‌ها و مسئولیت‌های متعددی عهده‌دار بود و از آن پس به تألیف کتاب و امور فرهنگی پرداخت. مهم‌ترین کتاب او **تاریخ ایران باستان** در ۳ جلد و خلاصه‌ی آن در یک جلد است که نخستین قدم اساسی در تدوین تاریخ مستند ایران پیش از اسلام به‌شمار می‌رود. پیرنیا در تهران درگذشت و در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
مشیرالدوله، مستوفی (عبدالله)



پیرنیا، محمدکریم

(۱۳۷۶ _ ۱۳۰۱هـ.ش.)
معمار و استاد مرمّت

پیرنیا از استادان درجه اول معماری سنتی در قرن اخیر بود و در یزد متولد شد. دوره‌ی کودکی و نوجوانی را در این شهر کهن‌سال، که خود یک موزه‌ی معماری است، گذراند. چنان‌که خود گفته است، درگذر از کوچه‌های یزد، بی‌اختیار به تماشای آثار و بناهای قدیمی مشغول می‌شد. پیرنیا یکی از ۷ دانشجوی معماری پذیرفته شده در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. اما چون در آن دانشکده به معماری ایرانی توجه نمی‌شد، دانشگاه را رها کرد و برای آموزش نزد معماران سنتی برجسته‌ای رفت که به قول خودش «هر یک به اندازه‌ی دانشگاهی علم و هندسه و

هنر داشتند.» سپس به وزارت فرهنگ رفت و ساخت مدارس را به‌عهده گرفت و طی حدود ۱۵ سال، بیش از ۳۰۰ مدرسه در تهران‌پارس و نارمک ساخت. این مدارس بعدها از طرف یونسکو، به‌مثابه‌ی نمونه‌ی مدارس ارزان‌قیمت برای کشورهای جهان سوم معرفی شد. پیرنیا مدتی معاون اداره‌ی کل ابنیه‌ی تاریخی وزارت فرهنگ و هنر و مدتی نیز معاون فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی بود و در این سمت، چند اثر معماری را احیا کرد. بازآفرینی نقاشی‌ها و طرح‌های سردر باغ فین کاشان، که در زیر گچ پنهان شده بود، بازسازی مسجد کبود تبریز و احیای باغ دولت‌آباد یزد، از کارهای او در این مسئولیت است. پیرنیا نظریات تازه‌ای در معماری ایرانی ـ اسلامی داشت و در این زمینه، به تحقیقات گسترده‌ای دست زد. از دیگر کارهای او، سبک‌شناسی معماری ایران برای بازشناسی اصالت و هویت معماری ایران است. این پیر معماری ایران در شهریور ۱۳۷۶ درگذشت و در دانشکده‌ی معماری یزد به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:
سیحون ، لُرزاده ، میرمیران



پیکاسو، پابلو

(۱۹۷۳ ـ ۱۸۸۱ م.)

بنیان‌گذار سبک کوبیسم در نقاشی

پیکاسو یکی از مشهورترین هنرمندان اروپا در قرن بیستم و بنیان‌گذار سبک کوبیسم است. کوبیسم سبکی در نقاشی است که در آن، نقاش اشیا را به صورت سه‌بعدی و غالباً با زاویه‌های تند نمایش می‌دهد و بدین‌وسیله کاری متفاوت از نقاشی‌های معمولی پدید می‌آورد. پابلو از رفتن به مدرسه گریزان بود و هیچ‌گاه درست نوشتن را یاد نگرفت. پدرش نقاش بود و اصول ابتدایی هنر را به او یاد داد. سپس پیکاسو با کار زیاد، سبک هنری خود را به‌وجود آورد. او با همکاری هنرمندی فرانسوی به نام **ژرژ براک**، تجربه‌های نوآورانه‌ی خود، یعنی سبک کوبیسم را گسترش داد. یکی از آثار برجسته‌ی او تابلوی **گرنیکا** است که اثری ضد جنگ است و به بمباران‌های وحشیانه‌ی نازی‌ها در جنگ دوم جهانی اشاره دارد. از دیگر آثار او دختران آوینیون و سه نوازنده است. پیکاسو، که در اسپانیا به‌دنیا آمده بود، در پاریس درگذشت.

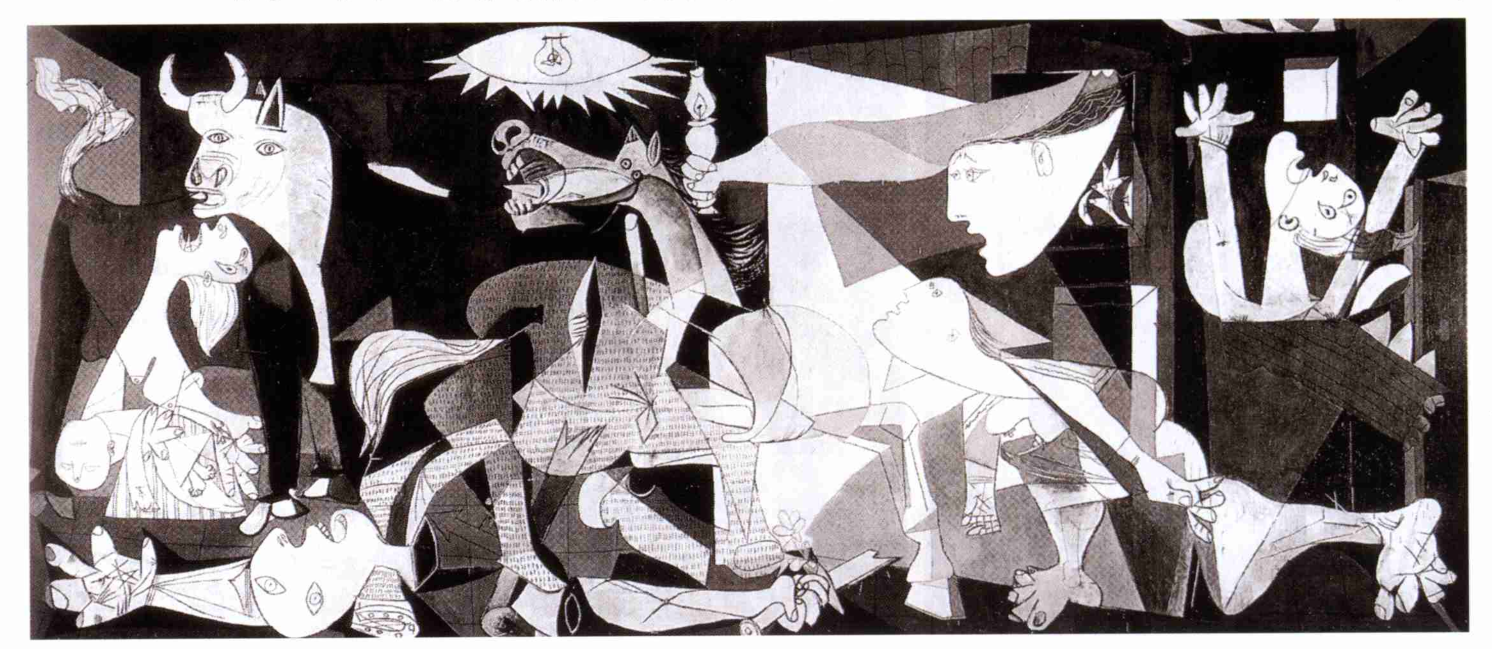
پیلارام، فرامرز

(۱۳۶۲ ـ ۱۳۱۶ه.ش.)

نقاش و خوش‌نویس

در تهران به‌دنیا آمد. چون استعداد نقاشی زیادی داشت به هنرستان هنرهای زیبا رفت. پس از گرفتن دیپلم، برای ادامه‌ی تحصیل به دانشکده‌ی هنرهای تزیینی راه یافت و لیسانس خود را در رشته‌ی معماری داخلی و نقاشیِ تزیینی دریافت کرد. پیلارام با توجه به این‌که در دو رشته‌ی نقاشی و خوش‌نویسی مهارت داشت، با نگاه به هنرهای سنتی ایران نظیر کاشی‌کاری، خط نستعلیق و مهرسازی، کوشید به ترکیب تازه‌ای از این هنرها دست یابد و هنر نقاشی‌خط را ابداع کرد. او در سال ۱۳۴۱، با چند تن از هنرمندان، **مکتب سقاخانه** را در مقابل موج نوگرایانه‌ی هنر غربی پایه‌گذاری کرد. این مکتب خیلی زود مورد توجه هنرشناسان قرار گرفت و پیلارام در سومین و چهارمین دوسالانه‌ی نقاشی تهران برنده‌ی مدال شد. شهرت مکتب سقاخانه به خارج

▼ پابلو پیکاسو را می‌توان تأثیرگذارترین هنرمند قرن بیستم دانست. این مرد خستگی‌ناپذیر، طی ۷۵ سال کار مداوم، آثار بسیاری پدید آورد. نقاشی دیواری «گرنیکا» (۱۹۷۳)، صحنه‌های نیرومند و تکان‌دهنده‌ی ویرانی، درد و سختی حاصل از جنگ داخلی اسپانیا را، که با بمباران شهر گرنیکا همراه بود، نشان می‌دهد.



نیز سرایت کرد و آثار هنرمندان آن به دوسالانه‌ی ونیز فرستاده شد و موزه‌ی هنرهای جدید نیویورک هم چند اثر آن را خرید. فرامرز پیلارام مجسمه‌ساز هم بود. او با استفاده از برنز و چوب، مجسمه‌های بزرگی می‌ساخت که به صورت حجم‌هایی تشکیل یافته از خط بود. این هنرمند در دهه‌ی ۱۳۵۰ با سِمت استادیار، در دانشکده‌ی معماری علم و صنعت به آموزش طراحی می‌پرداخت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تناولی ، تباتبایی (ژازه) ، عربشاهی

تئودوراکیس، میکیس

(تولد: ۱۹۲۵م.)
آهنگ‌ساز سیاسی یونانی

تئودوراکیس در یکی از جزایر یونان به نام خیوس به‌دنیا آمد. او یکی از محبوب‌ترین آهنگ‌سازان کشور یونان است. از کودکی به موسیقی علاقه‌مند شد؛ ولی به تدریج و به صورت پراکنده موسیقی را فراگرفت. ۱۷ ساله بود که نخستین کنسرتش را اجرا کرد و بعدها در کنسرواتور آتن و پاریس به تحصیل موسیقی پرداخت. نخستین آثار تئودوراکیس تحسین جهانی را برانگیخت و از جشنواره‌ی موسیقی مسکو مدال طلا دریافت کرد. در سال ۱۹۵۹م. نیز بهترین آهنگ‌ساز سال اروپا شناخته شد. او در سال ۱۹۷۰، در سفری به دور دنیا، هشتاد کنسرت اجرا کرد. تئودوراکیس، که هنرمندی با تفکر سیاسی است، یک‌بار نماینده‌ی مجلس شد؛ ولی به‌دلیل فعالیت‌های چپ‌گرایانه‌اش، در یونانِ زیر حکومتِ سرهنگ‌ها، به زندان افتاد تا این‌که بر اثر فشارِ مجامع جهانی آزاد شد. شهرت او بیش‌تر به‌سبب آهنگ‌هایی است که برای فیلم‌های **زوربای یونانی**، **زِد** و **سِرپیکو** ساخته است.

تاج اصفهانی، جلال

(۱۳۶۰ـ۱۲۸۲ه.ش.)
استاد آواز

جلال تاج، فرزند یک واعظ بسیار خوش‌خوان اصفهانی به نام شیخ اسماعیل تاج‌الواعظین بود و صدای خوش را از او به ارث برد. از این‌رو، در دوره‌ی دانش‌آموزی، مسئولیت اذان گفتن و قرآن صبحگاهی در مدرسه را به عهده‌ی او نهادند. پدر تاج نیز او را به خواندن آواز تشویق کرد و خودش مقدمات آشنایی با دستگاه‌های موسیقی را به او آموخت. جلال تاج سپس نزد استادان آواز موسیقی در اصفهان، از جمله سیدرحیم اصفهانی، نایب اسدالله و حبیب شاطرحاجی تعلیم دید و نخستین بار در تهران با علی‌اکبر شهنازی کنسرتی برگزار کرد. از همان زمان، ضبط صدای او آغاز گردید و تاج، خواننده‌ای توانا شناخته شد. تاج در پرورش شاگرد نیز استاد بود و بسیاری از استادان آواز معاصر، مستقیم از او تأثیر پذیرفته‌اند. تاج در سال ۱۳۶۰ درگذشت و در تکیه‌ی سیدالعراقین تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.
از آثار معروف تاج **عشاق**، **شکایت معشوق**، **رنگ‌های طبیعت**، **مهر گل**، **همایون**، **چکاوک**، **بیداد**، **جفای گلچین**، **اصفهان** و نیز یک صفحه است که **اذان** در آن ضبط شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
افتخاری



تاگور، رابیندرانات

(۱۹۴۱ ـ ۱۸۶۱م.)
شاعر هندی

در کلکته، در خانواده‌ای هندو و ثروت‌مند به‌دنیا آمد. ۱۶ سال داشت که برای تحصیل در رشته‌ی حقوق به انگلستان رفت. اما بعد از مدت کوتاهی به هند بازگشت تا به اداره‌ی املاک خانوادگی خود بپردازد. تاگور از نوجوانی به خواندن کتاب‌های دینی و فلسفی کهن هند روی آورد و هم‌زمان به آثار شاعران قدیم بنگالی و شاعران رُمانتیک انگلیسی علاقه پیدا کرد. خودش هم شعر می‌سرود. در ۳۰ سالگی نخستین مجموعه‌ی شعرش، **تجسم اندیشه** را چاپ کرد و پس از آن نیز کتاب‌های بسیاری در زمینه‌ی شعر و داستان کوتاه و نمایش‌نامه نوشت. او در طول زندگی، حدود ۱۰۰ کتاب شعر منتشر کرد که مشهورترین آن‌ها منظومه‌ی **گیتانجالی** است که آن را اول به زبان بنگالی و سپس به زبان انگلیسی منتشر ساخت. گیتانجالی در سال ۱۹۱۳ **جایزه‌ی ادبی نوبل** را برای تاگور همراه آورد. تاگور در حادثه‌ای همسر و فرزندش را از دست داد، از این رو، برای جبران خلأ زندگی‌اش یک مؤسسه‌ی تربیتی تأسیس کرد و جوانان هندی را در آن آموزش داد. در سال ۱۹۱۵م.، دولت انگلستان، که هند را در بند استعمار داشت، به تاگور لقب سِر اعطا کرد؛ اما تاگور آن را نپذیرفت و این بر محبوبیت او نزد مخالفان انگلستان افزود. از دیگر آثار تاگور **چیترا**، **زورق طلایی**، **گورا**، **باغبان**، **قوهای وحشی** و **کودک** است.







تالبوت، هنری فاکس

(۱۸۷۷ ـ ۱۸۰۰م.)

عکاس انگلیسی

تالبوت را پدر عکاسی می‌دانند؛ زیرا شیوه‌ی مثبت ـ منفی را ابداع کرد. در این شیوه، می‌توان از روی یک تصویر منفی، به هر تعداد عکس مثبت چاپ کرد. تالبوت نخست در دانشگاه کمبریج، ادبیاتِ یونان و روم، ریاضیات و نجوم خواند. سپس به عضویت انجمن سلطنتی نجوم برگزیده شد. او هم‌چنین گیاه‌شناس و خط‌شناس بود و خط‌های متفاوت، به‌ویژه خطوط باستانی و خط میخی را می‌خواند. تالبوت برای گسترش عکاسی به‌مثابه‌ی هنر، تلاش فراوانی کرد. نوآوری او در زمینه‌ی تولید عکس به شیوه‌ی مثبت ـ منفی، به پیدایش نوعی گراورسازی یا کلیشه‌برداری انجامید.

تالِس

(۵۴۷ ـ ۶۲۵ ق.م.)

حکیم و ریاضی‌دان یونانی

تالس را پدر فلسفه‌ی یونانی و یکی از ۷ حکیم دنیای قدیم می‌دانند. او اصل همه چیز را از آب می‌دانست و به‌دنیای پس از مرگ هم عقیده داشت. شهرت تالس به سبب پیشگویی وقوع کسوفی است که برای روز ۲۸ ماه مه ۵۸۵ قبل از میلاد انجام داد که صحیح از آب در آمد و این اتفاقی شگرف بود. در هندسه نیز چند قضیه به تالس منسوب است. او علاوه بر ریاضیات و نجوم و فلسفه، شمّ قوی اقتصادی نیز داشت؛ چنان‌که در شرح زندگی او نوشته‌اند یک بار کمبود محصول زیتون در آینده را پیش‌بینی کرد و خود مقداری زیتون خرید و انبار کرد و از این راه به ثروت کلانی دست یافت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

فیثاغورس

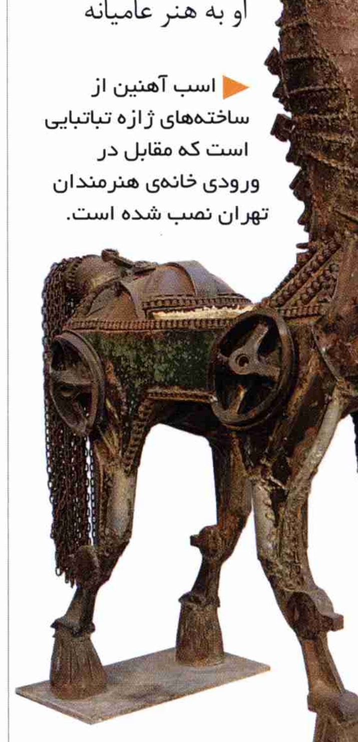


تباتبایی، ژازه

(۱۳۸۶ ـ ۱۳۰۹هـ.ش.)

نقاش و حجم‌ساز

تباتبایی پیش‌گام نوعی هنر است که تاکنون در ایران بی‌سابقه بوده و آن ساختن مجسمه یا حجم‌های هنری با استفاده از آلات و ادوات فرسوده‌ی خودروها مانند چرخ، پیچ، مهره، میله، دنده، فنر و... است. او به هنر عامیانه و پیکره‌های دوره‌ی قاجاری نیز علاقه‌مند بود. ژازه در جوانی، اهل نوشتن و سرودن نیز بود و بیش از ۴۰ اثر مکتوب منتشر کرد. او، که **گالری هنر مدرن** را در تهران تأسیس کرده بود، آثارش را در کشورهای آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، اسپانیا، چین و استرالیا به نمایش می‌گذاشت و جوایز ارزش‌مندی از جشنواره‌های جهانی دریافت کرد. ژازه از جمله هنرمندانی است که با تهیه امکاناتی اندک سعی در بررسی هنر کودکان در ایران داشت. خسرو سینایی، مستندساز معاصر، فیلمی درباره‌ی ژازه تباتبایی و آثار او ساخته است.



اسب آهنین از ساخته‌های ژازه تباتبایی است که مقابل در ورودی خانه‌ی هنرمندان تهران نصب شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

مش اسماعیل



تبریزی، کمال

(تولد: ۱۳۳۸هـ.ش.)

کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

متولد تهران و دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی سینما در دانشکده‌ی سینما تئاترِ دانشگاه هنر است. در نوجوانی در سینمای آزاد تهران فعالیت می‌کرد و اولین فیلم کوتاهش **انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول** نام داشت که در سال ۱۳۵۸ ساخت. فیلم‌های بلند سینمایی او عبارت‌اند از: **در مسلخ عشق، پایان کودکی، لیلی با من است، مهر مادری، شیدا، فرش باد، گاهی به آسمان نگاه کن، مارمولک، همیشه پای یک زن در میان است و یک تکه نان.** او در چهاردهمین جشنواره‌ی فیلم فجر (۱۳۷۴) سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه را برای فیلم لیلی با من است، دریافت کرد. تبریزی دو مجموعه‌ی تلویزیونی به نام‌های **دوران سرکشی** (درباره‌ی دختران فراری) و **شهریار** (درباره‌ی زندگی استاد محمدحسین شهریار) نیز ساخته که پخش شده است.



تجویدی، هادی

(۱۳۱۸ ـ ۱۲۷۲هـ.ش.)
نگارگر

خاندان تجویدی از خانواده‌های هنرمند اصفهانی به‌شمار می‌روند؛ هادی تجویدی از نخستین هنرمندانی است که در احیای مینیاتور یا نگارگری سنتی کوشید. آموزش‌های اولیه را در اصفهان دید. سپس به تهران رفت و در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به تدریس مشغول شد. او هم‌زمان با تدریس، زیر نظر کمال‌الملک به آموختن نقاشی واقع‌گرای اروپایی پرداخت. در نگارگری سنتی، به جایی رسید که مقام اول را در مسابقه‌ی نگارگران سنت‌گرا به‌دست آورد. در این هنر، او ادامه‌دهنده‌ی مکتب رضا عباسی بود. تجویدی در موسیقی هم دست داشت و نوازندگی تار را نزد درویش‌خان آموخته بود. از آثار هادی تجویدی در نگارگری، این آثار شهرت بیش‌تری یافته است: **گنبد بنفش، فردوسی، دربار سلطان محمود غزنوی** و **ملاقات یعقوب و یوسف**. فرزند هادی تجویدی به نام محمد تجویدی (۱۳۷۳ـ۱۳۰۳) نیز مانند پدر، نگارگری برجسته و پرکارتر بود که تعداد آثار او را بیش از ۲۰هزار برآورد کرده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
عباسی (رضا) ، کمال‌الملک



تختی، غلامرضا

(۱۳۴۶ ـ ۱۳۰۹هـ.ش.)
قهرمان ملی ایران

تختی در محله‌ی خانی‌آباد تهران دیده به جهان گشود. بیش از ۹ کلاس درس نخواند و وارد بازار کار شد. در ۲۰ سالگی به باشگاه پولاد رفت و به عرصه‌ی کُشتی گام نهاد. او آن‌قدر جدی و با پشت‌کار بود که خیلی زود در این رشته درخشید و توانست در چهار دوره‌ی المپیک شرکت کند. در این المپیک‌ها به ترتیب یک طلا، یک نقره، یک نقره و یک عنوان چهارمی گرفت. سه دوره نیز مقام قهرمانی کشور را به‌دست آورد. محبوبیت تختی، به جز قهرمانی، به سبب سجایای اخلاقی و منش انسانی و هم‌دلی و هم‌راهی او با چهره‌های مردمی مذهبی و ملی بود. به آیت‌الله طالقانی، روحانی نستوه، علاقه‌ی بسیار داشت. در سال ۱۳۴۶ رسانه‌ها خبر خودکشی تختی را اعلام کردند که بسیار ناباورانه بود؛ زیرا دلیلی برای خودکشی قهرمانی مانند او وجود نداشت. از این‌رو بود که مردم مرگ او را به رژیم شاه نسبت دادند. پس از انقلاب اسلامی بسیاری از ورزشگاه‌های کشور به نام تختی نام‌گذاری شد و سال‌روز درگذشت او نیز روز ورزش اعلام گردید.



▼ پیکره‌ای از تختی، ورزشکاری که با خصلت‌های پهلوانی خود محبوب دل‌ها شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پوریای ولی ، خادم



ترشکووا، والنتینا

(تولد: ۱۹۳۷م.)
نخستین فضانورد زن در جهان

والنتینا دختری روستایی از شهروندان شوروی بود. کودکی‌اش را در روستا سپری کرد و در همان‌جا تحصیلات ابتدایی را به پایان رساند. هنگامی که بزرگ‌تر شد، در یک کارخانه‌ی تایرسازی و سپس در یک کارخانه‌ی کشتی‌سازی به کار پرداخت. زنی فوق‌العاده نترس و با اعتماد نفس زیاد بود و اوقات فراغتش را به پرش آزاد با چتر می‌گذراند. در ۲۵ سالگی تصمیم گرفت خلبان شود. در سال ۱۹۶۲، در امتحان ورودی خلبانی، بدون این‌که سابقه‌ی پرواز داشته باشد، پذیرفته شد و خیلی زود به جرگه‌ی فضانوردان روسی پیوست. یک سال بعد از این که گاگارین، نخستین فضانورد روسی، به فضا پرواز کرد، والنتینا ترشکووا با فضاپیمای وستوک ۶، به یک مأموریتِ ۳ روزه به فضا اعزام شد. او توانست در این مدت، ۴۸ بار کره‌ی زمین را دور بزند و نام خود را در مقام نخستین زن فضانورد در تاریخ ثبت کند. او بعدها در نیروی هوایی شوروی به خدمت ادامه داد و با سمت‌های دیپلمات، سفیر صلح و مدافع حقوق زنان، به نقاط گوناگون جهان سفر کرد.



▲ والنتینا ترشکووا در لباس فضانوردی با آرم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (CCCP).

همچنین نگاه کنید به:

گاگارین



ترومن، هَری

(۱۹۷۲ ـ ۱۸۸۴م.)

رئیس جمهوری آمریکا

ترومن سی و سومین رئیس جمهوری آمریکا بود و در ماه‌های پایانی جنگ دوم جهانی، وقتی فرانکلین روزولت درگذشت، به جای او به ریاست جمهوری رسید. در اولین هفته‌های ریاست جهوری ترومن، نیروهای آمریکایی جنگ را در اروپا با پیروزی به نفع خود به پایان رسانده بودند و تنها ژاپن بود که در خاور دور به جنگ ادامه می‌داد. در این زمان ترومن دستور بمباران اتمی ژاپن را، به منظور پایان دادن جنگ در خاورِ دور صادر کرد. آن‌گاه خلبانان آمریکایی، در دو مرحله، شهرهای **هیروشیما** و **ناگازاکی** را با نخستین بمب‌های اتمی، به جهنمی از دود و آتش تبدیل کردند. بدین ترتیب، ژاپنی‌ها نیز تسلیم شدند و جنگ دوم جهانی پایان یافت (۱۳۲۴ ه.ش.). اگرچه بمباران اتمی عواقب وحشت‌باری برای ژاپنی‌ها داشت که هنوز هم آثاری از آن باقی است، با این حال ترومن هیچ‌گاه از کار خود اظهار پشیمانی نکرد. بعد از جنگ، ترومن سیاستِ کمک به کشورهای اروپایی را به منظور مقابله با کمونیسم، طرح بازسازی اروپا و جنگ کره اجرا کرد و نیز برنامه‌های رفاهی ساخت مسکن، گسترش حقوق شهروندی، توسعه‌ی آموزش و پرورش و امنیت اجتماعی را در داخل آمریکا عملی ساخت.

همچنین نگاه کنید به:

روزولت ، هیروهیتو

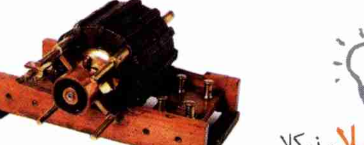


تریان، لیلیت

(تولد: ۱۳۰۹ه.ش.)

مجسمه ساز

تریان در خانواده‌ای ارمنی ـ ایرانی به‌دنیا آمده است و به **مادر مجسمه‌سازی ایران** شهرت دارد. مادرش تحصیل کرده‌ی رشته‌ی هنر در فرانسه بود و دخترش را به طراحی و نقاشی و مجسمه‌سازی تشویق می‌کرد. لیلیت ابتدا در رشته‌ی نقاشی، در دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران پذیرفته و مشغول تحصیل شد اما پس از مدت کوتاهی، دانشگاه را رها کرد و به فرانسه رفت و در دانشگاه هنرهای زیبای پاریس در رشته‌ی مجسمه‌سازی ادامه‌ی تحصیل داد. پس از تحصیل، به ایران بازگشت و در دانشکده‌ی هنرهای تزیینی به تدریس پرداخت. در این دانشکده، کارگاه ریخته‌گری را برای مجسمه‌سازی تأسیس کرد. لیلیت ۱۰ سال عضو کمسیون نصب مجسمه‌ها و یادبودها بود و بعد از انقلاب اسلامی هم در دهه‌ی ۷۰، عضو هیئت مؤسس انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز و نیز عضو هیئت داوران دوسالانه‌ی مجسمه‌سازی بود. از آثار معروف او **مجسمه‌ی یُپرم‌خان ارمنی** است که برای کلیسای مریم مقدس تهران ساخته است.



تِسلا، نیکلا

(۱۹۲۳ ـ ۱۸۵۶م.)

فیزیک‌دان و مهندسِ برق

در شهر اسمیلیان کرواسی به‌دنیا آمد. در رشته‌ی مهندسی تحصیل کرد؛ ولی به سبب فوت پدرش، آن را رها کرد و به کار در یک شرکت تلفن پرداخت. در همان شرکت موضوع **میدان دوّار مغناطیسی**،

▼ نیروی برق عظیمی که امروز درسدها تولیدمی‌شود دست‌آورد خلاقیّت علمی و فنی نیکلا تسلاست.



که اساس حرکت دینام‌ها و آرمیچرها و... است، توجه او را جلب کرد و تسلا به مطالعه و تحقیق در این زمینه مشغول شد. بعدها که به شرکت برق ادیسون، شعبه‌ی استراسبورگ فرانسه رفت، در آن‌جا بر اساس مطالعات خود، نوعی موتور با جریان متناوب ساخت (برق ادیسون برق مستقیم بود). آن‌گاه به آمریکا رفت و به همکاری با ادیسون پرداخت. موتوری که تسلا ساخت، استفاده از نیروی برق سدها را امکان‌پذیر ساخت و اولین بار در آبشار نیاگارا مورد استفاده قرار گرفت. تسلا پیش از مارکونی، امکان ارتباطِ بدون سیم را پیش‌بینی کرده بود. او برای اولین بار ثابت کرد که زمین، از نظر الکتریسیته هادی است و با این استدلال، جرقه‌های عظیم ۴۵ متری برق مصنوعی را تولید کرد. تسلا حدود ۷۰۰ اختراع داشت؛ ولی معمولاً به دنبال ثبت آن‌ها نبود. به این سبب، در تنگ‌دستی درگذشت. در فیزیک، واحد نیروی الکترومغناطیس را **تسلا** نامیده‌اند.

همچنین نگاه کنید به:
ادیسون ، گاوس ، مارکنی



تفضّلی، حسن
(۱۲۷۰ ـ ۱۳۶۵ه.ش.)
بازرگان و کارآفرین

در خانواده‌ای تاجرپیشه و متدیّن، در کاشان به‌دنیا آمد. پس از فراگیری سواد اولیه، به کار در بازار و تجارت نخ و ریسمان و پشم و پنبه پرداخت. در آن زمان، تاجران و استادکاران فرش، نخ و چله‌ی مورد نیاز خود را از اصفهان وارد می‌کردند. اما مدتی با کمبود این محصولات روبه‌رو شدند. حسن تفضلی به تاجران کاشان پیشنهاد کرد که خودشان در این شهر کارخانه‌ی ریسندگی تأسیس کنند. خودش در این کار پیش‌قدم شد و نخست شرکتی برای سرمایه‌گذاری جهت احداث کارخانه تأسیس کرد، سپس به ساخت بناها و واردکردن ماشین‌آلات از خارج اقدام کرد. بدین ترتیب، کارخانه‌ی ریسندگی و بافندگی کاشان به صورت شرکت سهامیِ عام از سال ۱۳۱۳ کار خود را به مدیریت حاج حسن تفضلی شروع کرد. محصول این کارخانه، نخ و انواع پارچه‌های فاستونی، کرپ، پوپلین و نیز پارچه‌های پرده‌ای و مبلی بود. در اندک مدتی، کار کارخانه چنان رونق گرفت که محصولات آن به خارج از کشور هم صادر شد. تفضلی مرد با همّتی بود که با سرمایه‌گذاری در شهر کویری کاشان، برای افراد بسیاری کار تولید کرد. او، که به **پدر صنعت نساجی ایران** مشهور شده بود، در ۹۵ سالگی درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:
کازرونی ، همدانیان



تل، ویلهلم
قهرمان ملی مردم سوئیس

در زمان‌های دور، که آلمانی‌ها بر مردم سوئیس تسلط یافته بودند، روزی شاه آلمانی آن‌جا دستور داد تاجش را در نقطه‌ای بر سر راه نصب کنند تا رهگذران و مسافران به آن ادای احترام کنند. مردی تیرانداز و شجاع به نام ویلهلم تل، از آن‌جا گذشت و به تاج احترام نگذاشت. او را دستگیر کردند و پیش شاه بردند. شاه به ویلهلم تل دستور داد به کیفرِ بی‌احترامی به تاج، ترنجی را بر سر پسر نوجوان خود بگذارد و آن را با تیر بزند. ویلهلم دو تیر برداشت. اولی را در کمان گذاشت و ترنج روی سر پسرش را نشانه رفت و آن را زد. شاه پرسید تیر دوم را برای چه برداشتی؟ ویلهلم تل جواب داد: «اگر تیر اول خطا می‌رفت و پسرم را می‌کشت، با تیر دوم تو را هدف قرار می‌دادم!» شاه خشمگین شد و دستور داد ویلهلم را به جزیره‌ای ببرند و در آن‌جا در قلعه‌ای زندانی کنند. خودش هم سوار کشتی شد تا به جزیره برود. در میان راه، دریا توفانی شد. به شاه گفتند ویلهلم می‌تواند کشتی را از توفان برهاند. در نتیجه، شاه او را آزاد کرد. ویلهلم تل در آب پرید و شجاعانه کشتی را مهار کرد و آن را به ساحل امنی رساند؛ ولی خودش فرار کرد. از آن پس تصمیم گرفت آن شاه ظالم بیگانه را از میان بردارد. مردم سوئیس به او پیوستند و ویلهلم پس از ۴۵ سال مبارزه، شاه آلمانی را شکست داد و مردم آزاد شدند.



تناولی، پرویز
(تولد: ۱۳۱۶ه.ش.)
مجسمه‌ساز

زاده‌ی تهران و دانش‌آموخته‌ی آکادمی بِرِرا در میلان ایتالیاست. پس از فراغت از تحصیل، ۳ سال در کالج هنر و طراحی مینیاپولیس آمریکا، مجسمه‌سازی تدریس کرد و با دانش و تجربه‌ی کافی به ایران بازگشت. تناولی تا سال ۱۳۵۸، ۱۸ سال مدیر گروه مجسمه‌سازی دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. او تاکنون نمایشگاه‌هایی در ایران و خارج برگزار کرده است. با وجود آن‌که تناولی در خارج از کشور درس خوانده، آثار هنری



▲ لیلی و مجنون اثر پرویز تناولی که در پارک لاله‌ی تهران نصب شده است.

او به شدت از تاریخ، فرهنگ و سنت‌های ایرانی متأثر است. **قفل‌های ایرانی**، **شاهسِوَن**، **فرش‌ها و منسوجات ایرانی**، **شاهان**، **قهرمانان و عشّاق**، **گبّه** و **افشارها** از آثار و تألیفات اوست. تناولی در رشته‌ی فرش پژوهشگر و کارشناسی برجسته است. او، که در کانادا مقیم شده است، در سال ۲۰۰۵، در اعتراض به وضعیت بد زندانیان گوانتانامو، مجسمه‌ای به نام **هیچ در قفس** ساخت.

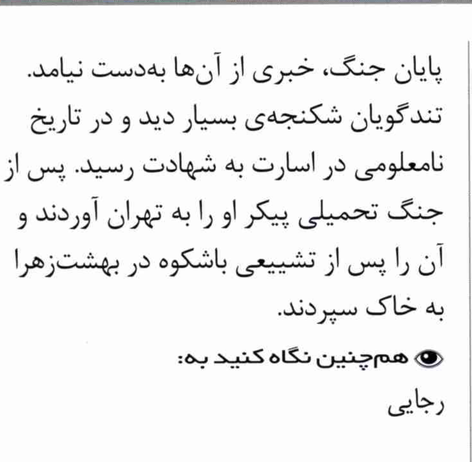


تندگویان، محمدجواد

(؟ ـ ۱۳۲۹هـ.ش.)

وزیر نفت دولت شهید رجایی

در خانی‌آباد تهران به‌دنیا آمد. دانش‌آموزی بسیار کوشا و درس‌خوان بود که پس از گرفتن دیپلم به دانشکده‌ی نفت آبادان رفت و مهندس نفت شد. در دوره‌ی دانشجویی فعالیت‌های سیاسی ـ مذهبی داشت و انجمن اسلامی دانشکده را فعال کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدت کوتاهی به مدیریت کارخانه‌ی پارس توشیبا برگزیده شد. اما در سال ۱۳۵۹، به سرپرستی مناطق نفت‌خیز جنوب انتخاب گردید و چند ماه بعد وزارت نفت را در کابینه‌ی محمدعلی رجایی به‌عهده گرفت. تندگویان در اولین روزهای وزارت خود، برای سرکشی به مناطق نفتی به خوزستان رفته بود که به اتفاق معاونانش، مهندس بوشهری و مهندس یحیوی، به اسارت درآمد. این سه نفر به زندان‌های عراق منتقل شدند و تا



پایان جنگ، خبری از آن‌ها به‌دست نیامد. تندگویان شکنجه‌ی بسیار دید و در تاریخ نامعلومی در اسارت به شهادت رسید. پس از جنگ تحمیلی پیکر او را به تهران آوردند و آن را پس از تشییعی باشکوه در بهشت‌زهرا به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

رجایی



تنکابنی، میرزا طاهر

(۱۳۲۰ ـ ۱۲۴۲هـ.ش.)

حکیم، منجم و ریاضی‌دان

اهل کُجور مازندران و پدرش مردی فقیه و روحانی بود. میرزا طاهر از ۱۶ سالگی به تهران رفت و تحصیلات خود را در حکمت و نجوم و طب نزد استادانی مانند میرزا ابوالحسن جلوه، محمدمیرزا قمشه‌ای و میرزاعلی حکیم ادامه داد. سپس به درجه‌ای رسید که چندین بار کتاب قانون ابن‌سینا را تدریس کرد. در دوره‌های اول، سوم و چهارم مجلس شورای ملی سابق به نمایندگی انتخاب شد و در تشکیلات جدید دادگستری آن زمان نیز تا مقامات بالای قضایی پیش رفت. تنکابنی خطی خوش داشت و کتاب‌ها و رساله‌های زیادی را با خط زیبا نوشت. او در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه شهری به خاک سپرده شد.



تواین، مارک

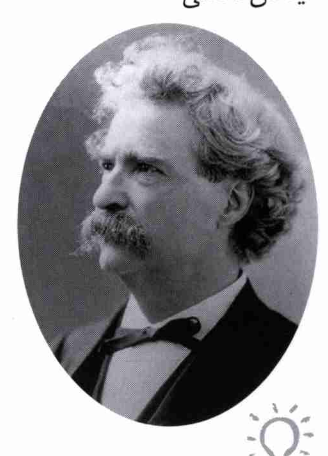
(۱۹۱۰ ـ ۱۸۳۵م.)

نویسنده‌ی آمریکایی

نام اصلی‌اش ساموئل لنگهورن کْلِمِنس، مشهور به مارک تواین است. در شهر فلوریدا زاده شد. به دلیل مرگ پدر، در ۱۲ سالگی تحصیل را رها کرد و به کار

در دفتر روزنامه‌ی برادرش مشغول شد. چندی نیز روی یک کشتی بخار، روی رود می‌سی‌سی‌پی، راهنمای مسافران بود. مارک تواین نخستین قطعه‌های فکاهی خود را در روزنامه‌ی برادرش منتشر کرد و بعدها با داستان **قورباغه‌ی جهنده‌ی کالاوراس** به شهرت رسید. او در سال‌های جنگِ شمال و جنوب زندگی می‌کرد. از این‌رو، برای دور بودن از جنگ، مدتی به سیر و سفر پرداخت. در سال ۱۸۶۹، گزارش سفرهایش را با نام **پاک‌دلان دور از کشور** منتشر کرد. آنچه بیش از هر چیز تواین را خوشحال کرد، دریافت درجه‌ی دکترای افتخاری از دانشگاه آکسفورد بود که در سال ۱۹۰۷ به او داده شد. **ماجراهای تام سایر**، **زندگی روی می‌سی‌سی‌پی**، **ماجراهای هاکلبری‌فین**، **شاهزاده و گدا**، **بیگانه‌ای در دهکده** و **زندگی من** از مشهورترین آثار او هستند. مارک تواین در همان سالی به‌دنیا آمد که ستاره‌ی هالی ظهور کرده بود.

همچنین نگاه کنید به:
لینکلن ، هالی



توپولف، آندره

(۱۹۷۲ ـ ۱۸۸۸ م.)

طراح هواپیماهای توپولف

آندره توپولف فرزند یک حقوق‌دان بود که در زمان تزارها، به جرم فعالیت سیاسی تبعید شده بود. آندره خود نیز هنگامی که دانشجوی رشته‌ی فنی بود، به همین جرم از دانشگاه اخراج شد. اما بعدها توانست تحصیل خود را ادامه دهد و مهندس شود. وی بعد از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷)، در کارخانه‌ی هواپیماسازی مشغول به کار شد و مسئولیت بخش طراحی هواپیما را به‌عهده گرفت و صنعت هواپیماسازی شوروی را ارتقا داد. او در زمان استالین دستگیر و به ۱۰ سال زندان محکوم شد. در نتیجه، سال‌های جنگ دوم جهانی را در زندان گذراند. با این حال، در زندان هم بمب‌افکن Tu ـ۲ را برای ارتش سرخ شوروی طراحی کرد. به‌طور کلی، توپولف طراح انواع هواپیماها از قبیل هواپیماهای امن با موتور پیستونی، توربوجت، اولین بمب‌افکن جت، چند نوع هواپیمای مسافربری و نیز نخستین هواپیماهای جت غول پیکر (جمبوجت) بود. اما چشمگیرترین اختراع توپولف طراحی و ساخت هواپیمای مافوق صوت Tu-۱۴۴ بود که آن را با پسرش، **آلکسی توپولف**، ساخت. این هواپیما در سال ۱۹۶۸ میلادی، چند ماه پیش از آن‌که هواپیمای رقیبش، کنکورد، در اروپا پرواز کند، به پرواز در آمد.

همچنین نگاه کنید به:
بوئینگ



توفیق، حسین

(۱۳۱۸ ـ ۱۲۶۵ه.ش.)

بنیان‌گذار مجله‌ی فکاهی توفیق

حسین، محمدعلی و عباس توفیق، سه روزنامه‌نگاری هستند که یکی از پس دیگری مجله‌ی توفیق را تا زمانی که به کلی توقیف شد، منتشر کردند. حسین توفیق جوانی خود را در سال‌های انقلاب مشروطه گذراند. مردی ادیب و نکته‌سنج بود و در دوره‌ی سلطنت احمدشاه قاجار، در مجله‌ی فکاهی **گل زرد** مطلب می‌نوشت. در سال ۱۳۰۱، **هفته‌نامه‌ی توفیق** را بنیان نهاد و راهی تازه در طنزنویسی سیاسی ـ اجتماعی ایران گشود. از وقتی **ابوالقاسم حالت**، سردبیر توفیق شد، بر شهرت این هفته‌نامه افزوده گشت. پس از حسین توفیق، پسرش محمدعلی، کار پدر را پی گرفت و بعد از او عباس، این راه را ادامه داد. نشریه‌ی توفیق چهار بار توقیف شد که آخرین آن در سال ۱۳۵۰ و زمانی بود که رژیم پهلوی، تحمل هیچ‌گونه انتقادی را، حتی به طنز و شوخی، نداشت. **کیومرث صابری** (گل آقا) از دست‌پروردگان توفیق بود.

همچنین نگاه کنید به:
حالت ، صابری



توفیقی، علی‌اکبر

(۱۳۲۴ ـ ۱۲۵۱ه.ش.)

مبارز و نیکوکار زنجانی

توفیقی از چهره‌های مردمی و ماندگار زنجان است. در زمان ناصرالدین‌شاه به‌دنیا آمد. تحصیلات معمول را در زادگاه خود به پایان رساند و در ایام جوانی برای کار به باکو، از شهرهای قفقاز، رفت و در معادن زغال‌سنگ آن‌جا مشغول کار شد. ولی با وقوع انقلاب روسیه و قدرت یافتن کمونیست‌ها، از باکو اخراج شد و به زنجان بازگشت. در زمان احمدشاه، شهردار زنجان شد و به کارهای خیریه و عام‌المنفعه‌ی زیادی دست زد. مدرسه‌ای به نام خودش، **مدرسه‌ی توفیق**، ساخت که هنوز باقی است. بنای **رختشوی‌خانه** را احداث کرد که اکنون جزو میراث فرهنگی شهر زنجان است. **مسجد غربتیه**، **کشتارگاه** و نیز **دبّاغ‌خانه‌ای** در زنجان ساخت و نخستین معدن مس را در اطراف این شهر کشف کرد. هنگامی که در خلال جنگ دوم جهانی، آذربایجان و

زنجان به اشغال مزدوران شوروی و حزب دموکرات در آمد، علی‌اکبر توفیقی که مخالف آن‌ها بود دستگیر و سه ماه زندانی شد. وقتی آزاد شد، مردم آن‌چنان از او استقبال کردند که دو روز بعد، بار دیگر وی را دستگیر کردند و پس از یک ماه، او و سه نفر دیگر از هم‌بندهایش را در محل کارخانه‌ی کبریت‌سازی شهر به شهادت رساندند. توفیقی در زندان، یک مسیحی هم‌بندِ خود به نام ادوارد را مسلمان کرد. ادوارد که نام علی را بر خود نهاده بود، با توفیقی به شهادت رسید و پیکر آن دو را در کنار هم به خاک سپردند. در سال‌های اخیر، مجسمه‌ای از حاج‌علی‌اکبر توفیقی را در یکی از میدان‌های شهر زنجان نصب کرده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

روزبه



توکلی، حسین

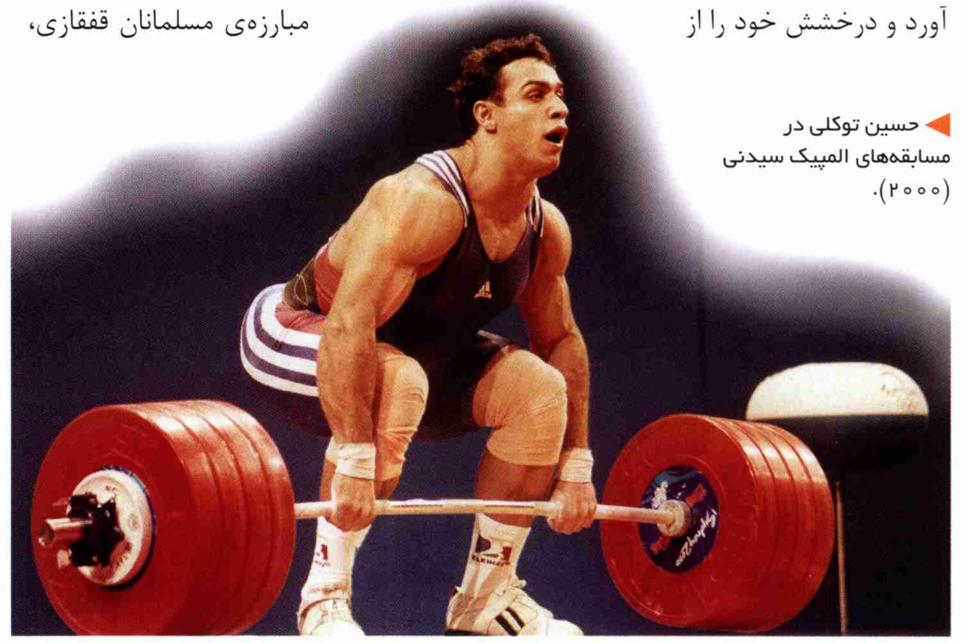
(تولد: ۱۳۵۶هـ.ش.)

وزنه‌بردار

در محموداباد مازندران به‌دنیا آمد. از جوانی به ورزش وزنه‌برداری روی آورد و درخشش خود را از رقابت‌های قهرمانی جوانان آسیا آغاز کرد. در سال ۱۹۹۸م. مدال طلای این رقابت‌ها را به‌دست آورد. دو سال بعد نیز به المپیک سیدنی (۲۰۰۰) اعزام شد و اولین مدال طلای این مسابقه‌ها را برای ایران کسب کرد. موفقیت بعدی توکلی کسب عنوان سومی در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بود. او در مجموع ۷ سال عضو تیم ملی وزنه‌برداری ایران بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

رضازاده



حسین توکلی در مسابقه‌های المپیک سیدنی (۲۰۰۰).



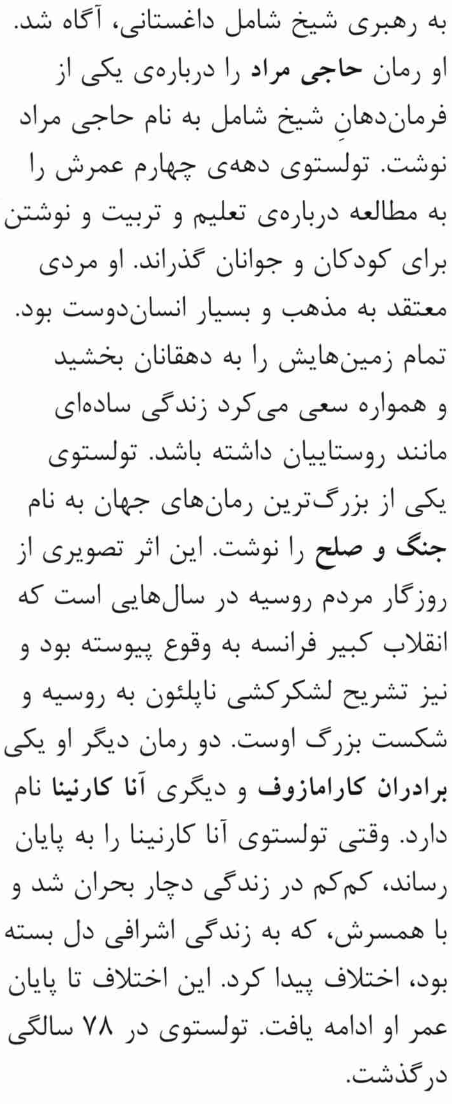
تولستوی، لئو

(۱۹۱۰ ـ ۱۸۲۸م.)

نویسنده‌ی روس

لئو نیکولایویچ تولستوی، در دهکده‌ای به نام یاسناپولیانا در ملک خانوادگی‌اش دیده به جهان گشود. پدرش کُنت و مادرش شاه‌زاده بود. ولی در کودکی هر دو را از دست داد. در ۱۵ سالگی وارد دانشگاه کازان شد و زبان‌های شرقی و حقوق خواند؛ اما تحصیل را ناتمام گذاشت.

تولستوی در جوانی در جنگ‌های کریمه شرکت کرد و از جریان مبارزه‌ی مسلمانان قفقازی، به رهبری شیخ شامل داغستانی، آگاه شد. او رمان **حاجی مراد** را درباره‌ی یکی از فرمان‌دهانِ شیخ شامل به نام حاجی مراد نوشت. تولستوی دهه‌ی چهارم عمرش را به مطالعه درباره‌ی تعلیم و تربیت و نوشتن برای کودکان و جوانان گذراند. او مردی معتقد به مذهب و بسیار انسان‌دوست بود. تمام زمین‌هایش را به دهقانان بخشید و همواره سعی می‌کرد زندگی ساده‌ای مانند روستاییان داشته باشد. تولستوی یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های جهان به نام **جنگ و صلح** را نوشت. این اثر تصویری از روزگار مردم روسیه در سال‌هایی است که انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوسته بود و نیز تشریح لشکرکشی ناپلئون به روسیه و شکست بزرگ اوست. دو رمان دیگر او یکی **برادران کارامازوف** و دیگری **آنا کارنینا** نام دارد. وقتی تولستوی آنا کارنینا را به پایان رساند، کم‌کم در زندگی دچار بحران شد و با همسرش، که به زندگی اشرافی دل بسته بود، اختلاف پیدا کرد. این اختلاف تا پایان عمر او ادامه یافت. تولستوی در ۷۸ سالگی درگذشت.



هم‌چنین نگاه کنید به:

داستایوسکی ، شیخ شامل

تیپوسلطان

(۱۷۹۹ ـ ۱۷۵۳ م.)

راجه‌ی هندی ضد استعمار

راجه‌ها یا مهاراجه‌ها، اشراف مستقل یا نیمه‌مستقل هند بودند که حکومت‌های محلی داشتند. تیپوسلطان یا تیپوصاحب (صاحب به معنی بزرگ و ارباب) از راجه‌های مسلمان میسور بود. پدرش، حیدرعلی، با شکست دادن استعمارگران انگلیسی، حکومتی در میسور تشکیل داده بود. تیپوسلطان نیز راه پدر را در مبارزه با انگلیسی‌ها ادامه داد و موفق شد آن‌ها را دو بار شکست دهد و عقب براند. او برای رسیدن به هدف خود با فرانسوی‌ها پیمان دوستی بست. سرانجام، انگلیسی‌ها در سال ۱۷۹۹ میلادی، به شهر سرینگاپاتام حمله بردند و برای مقابله با تیپوسلطان از تمام نیروی خود استفاده کردند. تیپوسلطان به قتل رسید و در همین شهر به خاک سپرده شد. از مبارزه‌ی مسلمانان هند به رهبری او مجموعه‌ای تلویزیونی به نام تیپوسلطان ساخته شده که در سیمای جمهوری اسلامی نیز به نمایش درآمده است.



تیمورتاش، عبدالحسین

(۱۳۱۲ ـ ۱۲۵۸ ه.ش.)

وزیر دربار رضاشاه

تیمورتاش در بجنورد متولد شد و فرزند سردار معزز، خان مقتدر آن‌جا بود. پدرش او را به روسیه فرستاد و او تحصیلات نظامی را در سن پترزبورگ به پایان رساند. تیمورتاش پس از بازگشت به ایران، در سِمت‌های گوناگونی خدمت کرد و وزیر دربار رضاشاه شد. وی مردی مغرور، مستبد، خوش‌گذران، ولخرج و قمارباز بود که در عین حال از فرهنگ و ادب بی‌بهره نبود و با ادیبان و شاعران نشست و برخاست داشت. در طول وزارت خود در دربار پهلوی، قدرت اول پس از رضاشاه شده بود و در عین حال با روس‌ها هم روابط خوبی داشت و اسرار ایران را با آن‌ها در میان می‌نهاد. سرانجام با توطئه‌ی انگلیسی‌ها، رابطه‌ی جاسوسی او با روس‌ها فاش شد و در پی آن رضاشاه دستور دستگیری او را داد. تیمورتاش به زندان افتاد و او را در همان‌جا به قتل رساندند.

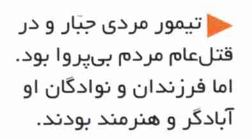
هم‌چنین نگاه کنید به:
پهلوی (رضا شاه)

تیمورلنگ

(۸۰۷ ـ ۷۳۶ ه.ق.)

جهان‌گشای ترک

پسر امیر تورغای، از نژاد مغول بود. در ترکستان به‌دنیا آمد و همان‌جا پرورش یافت. جوانی گستاخ و جسور بود و در سواری و تیراندازی مهارت داشت. در جوانی حاکم شهر کَش شد و چون با دختر خان کاشغر ازدواج کرد، به گورکان، یعنی داماد، مشهور شد. کلمه‌ی تیمور نیز به معنای آهن است. تیمور در جنگ با والی سیستان دو انگشت خود را از دست داد و یک پایش نیز لنگ شد و به تیمور لنگ شهرت یافت. او مانند چنگیزخان مغول دست به کشورگشایی زد و سه یورش یا لشکرکشی بزرگ ۳ ساله، ۵ ساله و ۷ ساله انجام داد. در یورش اول، قفقاز و آذربایجان و ایران مرکزی را فتح کرد. او در اصفهان با ۷۰ هزار سر بریده،



تیمور مردی جبّار و در قتل‌عام مردم بی‌پروا بود. اما فرزندان و نوادگان او آبادگر و هنرمند بودند.

مناره ساخت. در یورش دوم، ابتدا مسکو در روسیه را تسخیر و سپس هندوستان را فتح کرد. در یورش سوم، سایر نواحی ایران را تصرف کرد، حلب و دمشق و بغداد را گرفت و در جنگ با سلطان عثمانی، بایزید، او را دستگیر و در قفس زندانی کرد. تیمور باز هم قصد کشورگشایی داشت. به همین سبب، برای فتح چین عازم شرق امپراتوری خود شد، اما وقتی به کنار رود سیحون رسید، در شهر اترار بیمار شد و در ۷۱ سالگی درگذشت.

تیمور برخلاف چنگیز، مسلمان و حتی مسلمانی متعصب بود. پایتخت او سمرقند بود که معمارانی از شهرهای ایران مرکزی آن را آباد کردند. فرزند تیمور به نام شاهرخ و نوه‌اش الغ‌بیک، که بعد از او در خراسان حکومت کردند، مردانی آبادگر و هنرپرور بودند و آثار هنری و معماری ارزش‌مندی از خود بر جای گذاشتند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جمشید کاشانی ، شاهرخ ، گوهرشاد



ثقة‌الاسلام تبریزی، میرزا علی

(۱۲۹۰ _ ۱۲۴۰ ه.ش.)

روحانی عصر مشروطه

میرزاعلی ثقة‌الاسلام در تبریز به‌دنیا آمد. پدرش، میرزاموسی، رهبر فرقه‌ی شیخیّه‌ی تبریز بود. وقتی میرزاموسی درگذشت، فرزندش جانشین او شد و از مظفرالدین‌شاه لقب ثقة‌الاسلام گرفت. ثقة‌الاسلام مجتهد، از علمای آذربایجان و مشروطه‌خواه بود. در سال ۱۳۲۷ ق.، در دوره‌ی استبداد صغیر، که ارتباط تهران و تبریز قطع شده بود، سربازان روسیه‌ی تزاری شهر تبریز را اشغال کردند و چون ثقة‌الاسلام فتوای مقاومت در برابر آن‌ها را داده بود، او و جمعی دیگر را دستگیر کردند آنان را در میدان مشق تبریز به دار آویختند. ثقة‌الاسلام در نظم و نثر فارسی مهارت داشت و تألیفاتی نیز از او باقی مانده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خیابانی ، ستارخان



جابربن حیّان

(حدود ۲۰۰ _ ۱۰۳ ه.ق.)

شیمی‌دان و کیمیاگر

خاندان جابر از قبیله‌ی ازُد در جنوب عربستان بودند. پدرش، که مردی شیعی بود، به خراسان مهاجرت کرده بود و بر ضد امویان مبارزه می‌کرد. جابر در توس زاده شد؛ ولی بیش‌تر عمرش را در کوفه گذراند. در زمان امام جعفر صادق(ع) زندگی می‌کرد و با حلقه‌ی درس آن حضرت مرتبط بود. او کیمیاگر و شیمی‌دان دربار هارون‌الرشید هم بود و با خاندان برمکیان نیز ارتباط داشت.

جابربن حیّان را سرحلقه‌ی کیمیاگران جهان اسلام می‌دانند. تألیف صدها کتاب و رساله را به او نسبت داده‌اند که از آن میان ۱۱۲ اثر را به برمکیان اهدا کرده است. جابر کتابی به نام **الموازین** (ترازوها) دارد که اساس علم کیمیاگری او را تشکیل می‌دهد. کشف اسید سولفوریک (جوهر گوگرد)، تیزاب سلطانی و سود سوزآور نیز به جابربن حیّان منسوب است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
برمکیان ، جعفر صادق(ع)

▼ جابربن حیان از زاج سبز اسید سولفوریک ایجاد کرد.



جابربن عبدالله انصاری

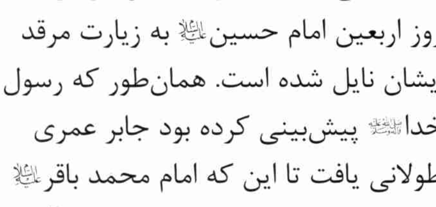
(وفات ۷۸ ه.ق.)

صحابی رسول خداﷺ

جابر از صحابه‌ی خاص پیامبر اسلامﷺ بود. پدرش در جنگ احد به شهادت رسید و او، که وظیفه‌ی سرپرستی بازماندگان را به‌عهده داشت، با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. با این حال در بیش‌تر جنگ‌ها پیامبر را همراهی می‌کرد. اهل کسب معارف دین بود و محدّثان پاره‌ای از احادیث نبوی را از او نقل کرده‌اند. عده‌ای معتقدند که جابر کسی است که برای اولین بار در روز اربعین امام حسینؑ به زیارت مرقد ایشان نایل شده است. همان‌طور که رسول خداﷺ پیش‌بینی کرده بود جابر عمری طولانی یافت تا این که امام محمد باقرؑ را نیز دیدار کرد و سلام پیامبر را، به آن حضرت رساند. جابر در مدینه درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابوذر غفاری ، سلمان فارسی



▼ **گفته‌اند که جابربن عبدالله انصاری اولین زیارت کننده‌ی قبر امام حسینؑ در روز اربعین بود.**

جالینوس

(۲۰۰ _ ۱۳۰ م.)

پزشک یونانی

جالینوس بزرگ‌ترین طبیب یونانی عصر باستان بعد از بقراط و پس از میلاد مسیح است. او پزشک مدرسه‌ی گلادیاتورها بود و با معالجه‌ی آن بردگان تیره‌بخت، اطلاعات بسیاری درباره‌ی بدن انسان کسب کرد؛ مثلاً دریافت که اگر عصب قطع شود، ماهیچه نیز از کار می‌افتد؛ یا این‌که خون به وسیله‌ی رگ‌ها در بدن جریان می‌یابد. جالینوس، که در خدمت قیصر روم بود، اطلاعات پزشکی خود را گردآوری و طبقه‌بندی کرد. او همان کسی است که گفته است بدن انسان شامل چهار مزاج سودا، صفرا، بلغم و خون است و وقتی شخص سالم است که این چهار مزاج او با هم در تعادل باشند؛ در دهه‌ی اخیر، علم هومیوپاتی در پزشکی رواج پیدا کرده است که از راه توجه به همین چهار مزاج، بیمار را درمان می‌کنند. جالینوس جسد خوک و بز و میمون را هم تشریح می‌کرد. بعد از اسلام، طب جالینوس به جهان اسلام راه یافت و تکامل پیدا کرد و سپس توسط دانشمندان مسلمان، از طریق ترجمه‌های عربی، به اروپا رفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بقراط



جامی، عبدالرحمن

(۸۹۸ _ ۸۱۷ ه.ق.)

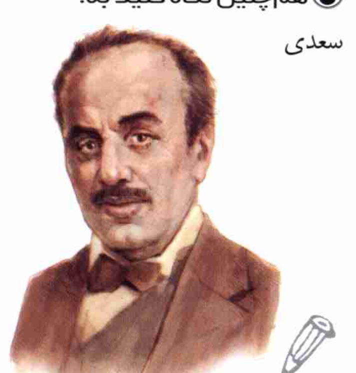
شاعر و عارف عصر تیموری

پدران جامی اهل اصفهان بودند؛ اما خودش در خرجرد، نزدیک تربت جام، به‌دنیا آمد. از این‌رو به جامی مشهور شد. در خردسالی، پدرش او را به هرات برد و در مدرسه‌ی

نظامیه‌ی این شهر، نزد معلمان و استادان برجسته به تحصیل گماشت. جامی بعد از تحصیل در هرات، به سمرقند رفت و در آن‌جا به سبب تیزهوشی، حاضرجوابی، حافظه‌ی عجیب و استعداد کم‌نظیرش، خیلی زود مشهور شد. او مردی دانشمند و در همه‌ی علوم سرآمد دیگران بود. اهل سیر و سلوک عرفانی بود و خود یکی از پیشوایان فرقه‌ی عرفانی نقشبندیه شد. جامی در شاعری نیز مقام بلندی به‌دست آورد؛ به‌طوری‌که پس از سعدی، او را بزرگ‌ترین شاعر زبانِ فارسی می‌دانند و **خاتم‌الشّعرا** لقب داده‌اند. برخی اشعارش به‌قدری روان و ساده است که در گذشته، در مکتب‌ها و در کتاب‌های دوره‌ی دبستان خوانده می‌شد. **دیوان اشعار**، **هفت اورنگ** و **بهارستان** (به نظم و نثر) که آن را به تقلید از گلستان سعدی نوشته، از آثار اوست. جامی در ۸۱ سالگی در هرات درگذشت و در محلی که به تخت مزار مشهور است، به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سعدی



جبران خلیل جِبران

(۱۹۳۱ ـ ۱۸۸۳م.)

شاعر، نویسنده و نقاش لبنانی

در خانواده‌ای مسیحی، در لبنان به‌دنیا آمد. در ۱۱ سالگی خانواده‌اش برای رهایی از فقر و یافتن زندگی بهتر، به آمریکا مهاجرت کردند. اما جبران بیش از دو سال در آمریکا نماند. به لبنان بازگشت و در زادگاه خود به مدرسه رفت و تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. جبران از کودکی شور و حال هنری و شاعرانه داشت. در ۱۵ سالگی طرح نوشتن کتاب معروفش **پیامبر** را بر کاغذ آورد؛ ولی آن را در ۴۰ سالگی نوشت. جبران نقاشی هم می‌کرد و در نوجوانی چهره‌ی بزرگانی مانند ابن‌سینا، ابن‌خلدون، مُتنبّی و... را بر کاغذ می‌آورد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه راهی سفر شد. چند سال در یونان و ایتالیا و اسپانیا به آموزش نقاشی پرداخت و سرانجام به آمریکا، نزد خانواده‌اش بازگشت. در آمریکا به فعالیت‌های ادبی و کشیدن نقاشی ادامه داد و با دوستان عرب خود، جریانی ادبی به نام **ادبیات مهاجرت** به راه انداخت. جبران در سال ۱۹۲۳، کتاب **پیامبر** را نوشت که بسیار مورد توجه قرار گرفت. پیامبر به بیش‌تر زبان‌های جهان ترجمه شده و چندین مترجم نیز آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به **عیسی فرزند انسان**، **الهه‌ی زمین**، **دیوانه**، **باغ پیامبر**، **جامعه‌ی برین** و **حمّام روح** اشاره کرد. جبران در آمریکا درگذشت؛ ولی در زادگاهش، روستای بُشریٰ در لبنان، به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

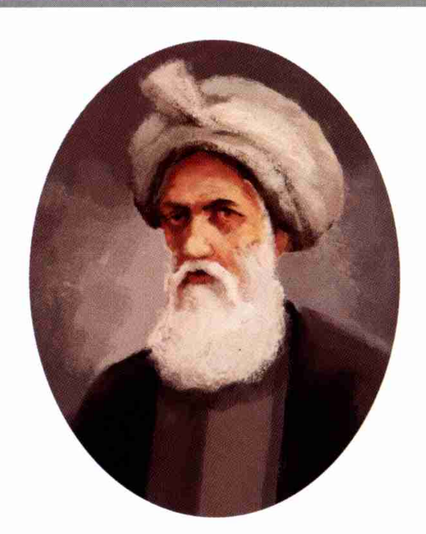
زیدان (جرجی)

جرجانی، اسماعیل

(۵۳۱ ـ ۴۳۴ ه.ق.)

پزشک

اسماعیل شرف‌الدین جرجانی، پزشک دربار سلطان سنجر سلجوقی و از پزشکان نام‌دار در تاریخ طب اسلامی است. کتاب معروف او **ذخیره‌ی خوارزمشاهی** نام دارد که مهم‌ترین دایرةالمعارف پزشکی و دارویی به زبان فارسی است و قرن‌ها مورد استفاده بود. این کتاب را با قانون بوعلی‌سینا و الحاوی محمد زکریای رازی هم‌ردیف می‌دانند. جرجانی ذخیره‌ی خوارزمشاهی را به زبان عربی نیز تألیف کرده است.



هم‌چنین نگاه کنید به:

ابن‌سینا ، رازی



جُرداق، جورج

(تولد: ۱۹۲۶م.)

ادیب مسیحی عرب و شیفته‌ی علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام

جورج جرداق یکی از نویسندگان بزرگ لبنان، و مسیحی ارتودوکس است. نوجوانی خود را به مطالعه‌ی آثار عربی چون قرآن، نهج‌البلاغه و دیوان متنبّی، شاعر عرب، گذراند. در دانشگاه پاتریاکیه، متعلق به مسیحیان، تحصیل کرد و سال‌ها به تدریس ادبیات و فلسفه در مدارس و نگارش و ترجمه‌ی مقالاتی برای روزنامه‌ها و مجله‌ها پرداخت. کتابی که موجب شهرت او، به‌ویژه در میان شیعیان و ایرانیان شد، کتاب **الامام علی صوت‌العدالةالانسانیّه** در ۵ جلد است که به فارسی با نام **امام علی علیه‌السلام، صدای عدالت انسانی**، به قلم سیدهادی خسروشاهی ترجمه شده است. جرداق بعدها این ۵ جلد را در یک جلد خلاصه و منتشر کرد که موجب شهرت بیش‌ترش شد. برخی از دیگر آثار او عبارت است از: **اسطوره‌های عربی**، **ابونواس و شیطان**، **کاخ‌ها و کوخ‌ها**، **دیدنی‌های پاریس** و **من شرقی هستم** (شعر).

او دو کتاب از آثار ماکسیم گورکی را نیز به عربی ترجمه کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جبران ، زیدان (جرجی)

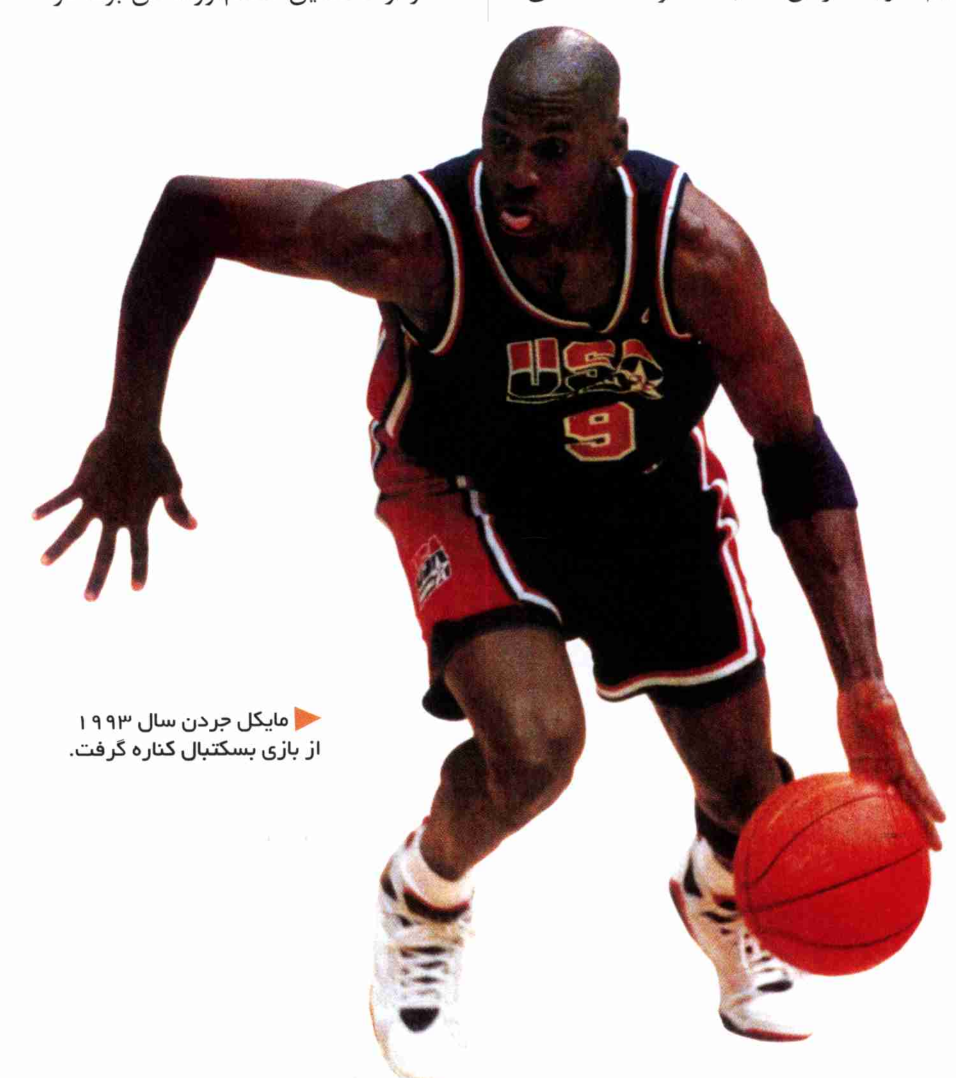


جردن، مایکل

(تولد: ۱۹۶۳ م.)

بسکتبالیست آمریکایی

مایکل جردن مشهورترین بسکتبالیست جهان است. در نیویورک به‌دنیا آمد. با این که در تیم بسکتبال مدرسه انتخابش نکرده بودند، چون ۱/۹۸ متر قد داشت به تیم ملی آمریکا راه یافت و در بازی‌های المپیک لس‌آنجلس (۱۹۸۴) شرکت کرد. تیم آمریکا در آن مسابقه‌ها توانست همه‌ی تیم‌ها را با تفاوت ۳۲ امتیاز شکست دهد. جردن از آن پس به مسابقه‌های حرفه‌ای راه پیدا کرد و در چند فصل پی در پی، بزرگ‌ترین بازیکن بسکتبال در ۶ فینال شد و عنوان بزرگ‌ترین بسکتبالیست تاریخ این رشته را از آن خود کرد. مایکل جردن در سال ۲۰۰۳ میلادی از بازی کناره گرفت.



مایکل جردن سال ۱۹۹۳ از بازی بسکتبال کناره گرفت.

جعفربن ابی طالب

(شهادت: قرن اول هجری)

صحابی پیامبر و برادر علی‌علیه‌السلام

۲۰ سال پیش از مبعث پیامبر در مکه به‌دنیا آمد. از برادرش علی‌علیه‌السلام، ۱۰ سال بزرگ‌تر بود. همانند علی، با پیامبر بزرگ شد و از نخستین اسلام‌آورندگان بود. در اثر فشار کافران به مسلمانان، همراه جمعی دیگر به حبشه مهاجرت کرد و در آن‌جا سرپرست و سخن‌گوی مسلمانان شد. تدبیر و سخنان جعفر در حضور نجاشی، پادشاه حبشه، سبب شد که نجاشی مسلمانان را پناه دهد. او و همراهان پس از ۱۵ سال اقامت در حبشه به مدینه بازگشتند. جعفربن ابی‌طالب در جنگ موته فرمانده سپاه مسلمانان بود. در همان جنگ دو دستش قطع شد و به شهادت رسید. از این‌رو، پیامبر دعا کرد که خدا در بهشت به او دو بال عطا کند تا در آن‌جا به پرواز درآید. به این سبب، به **جعفر طیّار** معروف شد. پسر جعفر طیّار، عبدالله نام داشت و همسر حضرت زینب کبری‌علیهاالسلام بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

زینب کبری‌علیهاالسلام



جعفر صادق‌علیه‌السلام، امام

(۱۴۸ ـ ۸۳ هـ.ق.)

ششمین امام شیعیان

نامش جعفر معروف به صادق و ابوعبدالله، فرزند امام محمدباقرعلیه‌السلام بود. در مدینه چشم به‌جهان گشود. ۱۲ سالِ نخست زندگی‌اش را در ایام حیات پدربزرگش، امام سجادعلیه‌السلام، گذراند. امام جعفرصادق و پدرش امام محمدباقرعلیهماالسلام ، در دوره‌ی پرآشوبِ دست‌به‌دست شدن قدرت میان بنی‌امیه و بنی‌عباس زندگی می‌کردند. اما چون مصلحت نمی‌دیدند در این کشمکش‌ها دخالت کنند، از این فرصت گران‌بها استفاده کردند و به تدریس و گسترش علوم قرآنی و فقه و حدیث در میان شیعیان پرداختند. امام صادق‌علیه‌السلام ۳۱ سال داشت که با درگذشت پدرش، به امامت رسید. او همان روش پدر را ادامه داد و با تشکیل حوزه‌ی درس بزرگی، که گفته می‌شود تا ۴هزار

شاگرد داشت، به بیان احادیث، تفسیر آیات الهی و بحث در افکار و عقایدی پرداخت که تازه از جهان خارج به میان مسلمانان راه پیدا کرده بود. او از این طریق، کوشید به شبهه‌های راه یافته در افکار مسلمانان پاسخ دهد. در زمینه‌ی فقه نیز، فقه شیعه را به‌گونه‌ای تبیین کرد و گسترش داد که به نام ایشان، **فقه جعفری** نام گرفت. آن امام ۶۵ سال عمر کرد و در مدینه به شهادت رسید. پیکر او را در گورستان بقیع، در کنار پدرش امام محمدباقر و امام سجاد و امام حسن(ع) به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
محمد باقر(ع) ، موسی کاظم(ع)



جعفری، عبدالرحیم

(تولد: ۱۲۹۸هـ.ش.)
بنیان‌گذار انتشارات امیرکبیر

در حوالی بازار تهران به‌دنیا آمد. پدرش قبل از تولد او، به مشهد رفته و دیگر بازنگشته بود. از این‌رو، عبدالرحیم را مادرش با سختی بزرگ کرد و خودش نیز در جوانی درگذشت. عبدالرحیم از نوجوانی در چاپ‌خانه‌ی حاج محمدعلی علمی به کارگری مشغول شد. بعدها دختر علمی را به همسری گرفت. در ۳۰ سالگی، با پس‌اندازی که داشت، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر را در طبقه‌ی دوم یک چاپ‌خانه در خیابان ناصرخسرو تهران تأسیس کرد. او اولین کتاب خود را با نام **الصلوة عمودالدین**، تألیف حاج میرزاخلیل کمره‌ای، به قیمت ۵ ریال چاپ کرد. جعفری با شمّ قوی اقتصادی و دیدگاه فرهنگی ممتازی که داشت، با جذب شاعران، نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران و استادان دانشگاه و چاپ آثار آنان، خیلی زود مؤسسه‌ی خود را به بزرگ‌ترین مؤسسه‌ی انتشاراتی خصوصی ایران تبدیل و نقش مهمی در گسترش مطالعه و کتاب ایفا کرد. توانایی او سبب شد چند سال نیز مدیرعامل شرکت چاپ و انتشارات کتاب‌های درسی ایران شود. جعفری خاطرات دوره‌ی زندگی و فعالیت خود را در دو جلد کتاب به نام **در جست‌وجوی صبح** منتشر کرده است. در سال ۱۳۸۳، طی مراسمی در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، از خدمات عبدالرحیم جعفری تقدیر شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رمضانی ، صنعتی‌زاده ، کتابچی



جعفری تبریزی، محمدتقی

(۱۳۷۷ _ ۱۳۰۴هـ.ش.)
عالم دینی و شارح نهج‌البلاغه و مثنوی مولوی

در شهر تبریز به‌دنیا آمد. از همان کودکی دارای حافظه‌ای بسیار قوی بود و به آموختن علاقه داشت. مقدمات علوم دینی را در تبریز فراگرفت. در ۱۵ سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به تهران رفت و چندی نیز در قم از محضر استادانی مانند آیت‌الله حجّت کوه‌کمری و امام‌خمینی بهره گرفت، سپس راهی نجف شد. در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف تحصیلات خود را با جدّیت ادامه داد و در ۲۳ سالگی درجه‌ی اجتهاد گرفت و به ایران بازگشت. آن‌گاه در تهران ساکن شد و تا آخر عمر در همین شهر ماند و به تدریس، تحقیق، تألیف و تربیت شاگرد پرداخت. جعفری در مجامع بسیاری سخن‌رانی کرد و با بسیاری از متفکران داخلی و خارجی مراوده و مکاتبه داشت که یکی از آنان برتراند راسل، فیلسوف و ریاضی‌دان انگلیسی، بود. او بیش از ۱۰۰ کتاب تألیف کرد که مهم‌ترین آن‌ها **ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه** در ۲۷ جلد و **تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی** در ۱۵ جلد است. استاد جعفری، که به علّامه جعفری نیز مشهور است، در سال ۱۳۷۷ در پی بیماری سرطان درگذشت و در حرم رضوی مشهد به خاک سپرده شد.

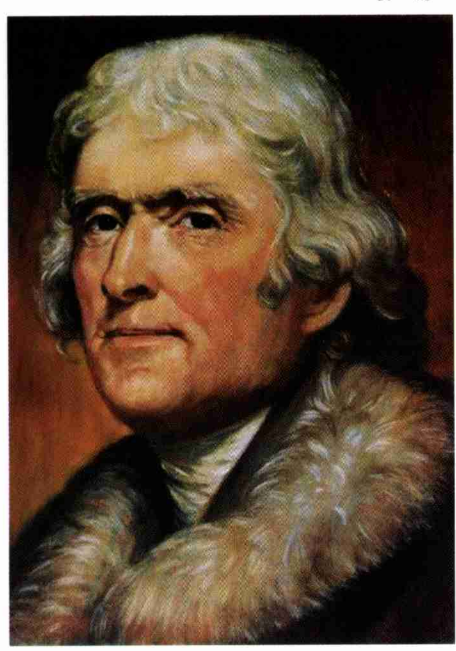


جِفرسُن، توماس

(۱۸۲۶ _ ۱۷۴۳ م.)
از رهبران استقلال و سومین رئیس‌جمهوری آمریکا

جفرسن از فرانسویان مهاجر به آمریکا و زادگاهش ایالت ویرجینیا بود. در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد و وکیل موفق و برجسته‌ای شد. با شروع مبارزه‌ی مردم آمریکا بر ضد سلطه‌ی انگلیسی‌ها، جفرسن نیز به جورج واشنگتن پیوست و دو هم‌سنگر در راه استقلال مبارزه کردند. سرانجام، مبارزه‌ی آن‌ها به پیروزی رسید و آمریکا استقلال خود را به‌دست آورد. جفرسن پس از استقلال، نخست، سفیر آمریکا در فرانسه شد و بعد به ریاست جمهوری آمریکا رسید و دو دوره این مسئولیت را به‌عهده گرفت. او **اعلامیه‌ی استقلال آمریکا** را نوشت که قانون اساسی ایالات متحده بر اساس آن تهیه شد.

▼ جفرسن از نویسندگان اعلامیه‌ی استقلال آمریکا بود.



از دیگر کارهای مهم جفرسن، خرید ناحیه‌ی لویزیانا از فرانسه و تأسیس دانشگاه ویرجینیا در سال ۱۸۱۹ میلادی بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فرانکلین ، واشینگتن



جلالی، بهمن

(تولد: ۱۳۲۳ه.ش.)
عکاس

دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی اقتصاد از دانشگاه تهران است؛ ولی زندگی حرفه‌ای‌اش را با عکاسی می‌گذراند. از سال ۱۳۵۱ با کار در مجله‌ی هفتگی تماشا، که به همت رادیو تلویزیون ملی ایران منتشر می‌شد، فعالیت عکاسی خود را شروع کرد. عکس‌های مستندی که در جریان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ گرفت، موجب شهرت او شد. جلالی از کسانی است که عکاسی را فراتر از یک حرفه، به صورت هنر در ایران معرفی کرده و با مدیریت بر اولین موزه‌ی عکاسی ایران، الهام‌بخش نسل جدیدی از جوانان علاقه‌مند به عکاسی شده است. او توانست با سه سال تلاش، مجموعه‌ای به نام **تصویر تصوّرات** تهیه کند که موزه‌ی هنرهای نانت فرانسه آن را خرید. این مجموعه، تلفیقی از گل‌ها، خوش‌نویسی و عکس‌های قدیمی است. بهمن جلالی چند کتاب درباره‌ی عکاسی نوشته و عضو هیئت تحریریه مجله‌ی **عکس‌نامه** است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فریدنی ، کسرائیان



جمال‌زاده، سیدمحمدعلی

(۱۳۷۶ ـ ۱۲۷۱ه.ش.)
پدر داستان‌نویسی جدید ایران

فرزند سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی، خطیب مشهور دوره‌ی مشروطه بود و در اصفهان به‌دنیا آمد. پس از کشته شدن پدر، به لبنان و سپس به اروپا رفت. سرانجام در ژنو، از شهرهای کشور سوئیس، مقیم شد. جمال‌زاده همواره در اندیشه‌ی اصلاح جامعه‌ی ایرانی بود و این اندیشه را از راه نویسندگی دنبال کرد. نخستین داستان کوتاه او به نام **فارسی شِکر است** را آغاز داستان کوتاه فارسی می‌دانند. این داستان در کتاب **یکی بود یکی نبود** چاپ شده است. برخی آثار جمال‌زاده عبارت است از: **خلقیّات ما ایرانیان**، **گنج شایگان**، **هزاربیشه**، **تلخ و شیرین**، **کهنه و نو**، **سروته یک کرباس**، **شاهکار** و **دارالمجانین**. جمال‌زاده فرزندی نداشت و اموال و دارایی‌ها و درآمد آثار و تألیفات خود را وقف دانشگاه تهران کرد. او در ۱۰۶ سالگی در شهر ژنو درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
افغانی ، واعظ اصفهانی



جمشید

پادشاه پیشدادی

در روایت‌های اساطیری ایران، جمشید، فرزند تهمورثِ دیوبند و تهمورث، پسر هوشنگ است. نام جمشید در اصل جم بود و «شید» را به معنی خورشید و درخشان بعدها به آن افزودند. در **شاهنامه‌ی فردوسی**، جمشید یکی از پادشاهان بزرگ است که ۷۰۰ سال پادشاهی کرده است. او بر انسان و دیو و جن حکومت می‌کرد. اهلی‌کردن حیوانات، به‌کار بردن اسلحه، ایجاد علم پزشکی، اختراع چرخ ریسندگی، استفاده از دیوها در معماری، ساختن کشتی و... کار اوست. نوروز را هم او بنیان نهاد. می‌گویند جمشید بر هوا نیز می‌رفت. به روایت شاهنامه، جمشید در پایان کار، به خود مغرور شد و ادعای خدایی کرد. به این سبب، فرّه ایزدی را از دست داد و کشورش به دست ضحاک افتاد. خودش را نیز مأموران ضحاک دنبال کردند و کشتند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ضحّاک



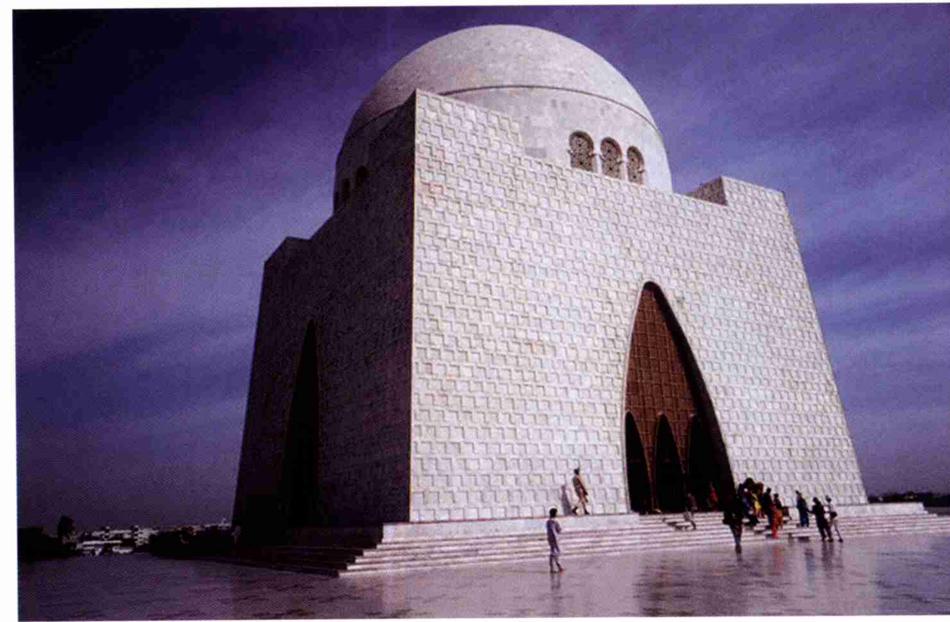
جمشید کاشانی، غیاث‌الدین

(۸۳۲ ـ ۷۹۰ه.ق.)
ریاضی‌دان و منجّم عصر تیموری

در کاشان به‌دنیا آمد. پدربزرگش طبیب و پدرش مردی دانشمند و آشنا به نجوم و ریاضیات بود. هجده سال بیش‌تر نداشت که قاضی‌زاده‌ی رومی، منجّم ترک، بر سر راهش به سمرقند، در کاشان با او ملاقات کرد و از دانش او آگاه شد. قاضی‌زاده چون به سمرقند رسید، وصف غیاث‌الدین را برای میرزا اُلغ‌بیگ، فرزند شاهرخ تیموری، گفت. الغ‌بیگ نیز غیاث‌الدین را به پایتخت خود دعوت و او را به ریاست رصدخانه‌ی سمرقند منصوب کرد. با آن‌که غیاث‌الدین تنها حدود ۴۲ سال عمر کرد، آثار ماندگاری از خود بر جای گذاشت. او در نامه‌ای تاریخی و خواندنی، که از سمرقند به پدرش در کاشان نوشته، از فعالیت‌های خود در رصدخانه و چگونگی همکاری‌اش با قاضی‌زاده سخن گفته است. از کارهای بدیع او محاسبه‌ی عدد پی (π) با دقت



غیاث‌الدین جمشید یکی از چند ریاضی‌دان برتر در سراسر تمدن اسلامی به شمار می‌رود.



مقبره‌ی محمد علی جناح در پاکستان

بسیار زیاد، محاسبه‌ی سینوس زاویه‌ی یک درجه با روشی بی‌سابقه و تنظیم مجموعه‌ای از جدول‌های نجومی به نام **زیج الغ‌بیگ** است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
توسی ، فارسی (کمال‌الدین)



جناح، محمدعلی

(۱۹۴۸ ـ ۱۸۷۶ م.)
بنیان‌گذار کشور پاکستان

محمدعلی جناح، که در پاکستان به **قائد اعظم** معروف است، در شهر کراچی به‌دنیا آمد. در آن زمان، کراچی از شهرهای هند بود. جناح در زادگاه خود درس خواند. سپس به انگلستان رفت و با تحصیل در رشته‌ی حقوق، وکیل دعاوی شد. چون به هند بازگشت وارد فعالیت‌های سیاسی شد و به حزب کنگره‌ی هند، به رهبری مهاتما گاندی، پیوست، سپس همراه با او به مبارزه در راه استقلال هندوستان و رهایی آن از استعمار انگلستان پرداخت. از آن‌جا که جناح مسلمان بود، برای حفظ حقوق مسلمانان نیز تلاش می‌کرد. از این‌رو به حزب اسلامی **مسلم لیگ** پیوست و بعدها به ریاست آن انتخاب شد. جناح خودش طرفدار یک‌پارچگی کشور هندوستان و اتحاد میان مسلمانان و هندوها بود، ولی چون اختلاف میان این دو بخش از جمعیت هند افزایش یافت، حزب او، راه‌حل را در تأسیس کشور مستقل پاکستان دید. بدین ترتیب در سال ۱۹۴۷م، با تصویب مجلس عوام انگلستان دو کشور مستقل هند و پاکستان تأسیس شد و محمدعلی جناح به مقام اولین فرمان‌ده کل پاکستان انتخاب گردید. او یک سال بعد در دفتر کارش در کراچی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اقبال لاهوری ، گاندی



جوادی‌پور، محمود

(تولد: ۱۲۹۹هـ.ش.)
نقاش و گرافیست

در تهران به‌دنیا آمد. پدرش اهل کرمان و مردی هنردوست و با ذوق بود که از جوانی در تهران می‌زیست. جوادی‌پور در هنرستان صنعتی ایران و آلمان، زیر نظر معلمان آلمانی، در رشته‌ی آهنگری و ماشین‌سازی تحصیل کرد. در همان زمان مهارت او در نقاشی مورد توجه دانش‌آموزان و معلمان دبیرستان قرار گرفت. پس از دیپلم به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی نقاشی لیسانس گرفت. در این دانشکده کسانی چون **علی‌محمد حیدریان** و **ابوالحسن صدیقی** تدریس می‌کردند. جوادی‌پور به آلمان هم اعزام شد و مدرک آکادمی هنرهای زیبای مونیخ را نیز دریافت کرد. در بازگشت، مدتی به استخدام بانک ملی درآمد و به طراحی



«کار و زندگی» اثر محمود جوادی‌پور

چک، اسکناس و دیگر اسناد بانکی پرداخت. در همین زمان توانست برای نخستین بار، چاپ رنگی را، که تا آن زمان در ایران وجود نداشت، بیاموزد و آن را در صنعت چاپ ایران رواج دهد (۱۳۲۳ش.). سپس به دانشکده‌ی هنرهای زیبا رفت و دستیار استاد علی‌محمد حیدریان شد و پس از او مدیریت گروه هنرهای تجسمی دانشکده را به‌عهده گرفت و بیرون از دانشگاه نیز انجمن هنری جوانان و نگارخانه‌ی آپادانا را برای گسترش هنر خود و جذب علاقه‌مندان تأسیس کرد. جوادی‌پور در هنرهای تجسمی، به‌ویژه نقاشی، کارنامه‌ای پربار دارد. ۴۰ نمایشگاه در داخل و خارج ایران از آثار خود برگزار کرده، ۴۶ کتاب درسی تألیف و ۱۷ کتاب تصویرگری کرده و کتابی درباره‌ی **نمدمالی در ناحیه‌ی گرگان** نوشته که هنوز چاپ نشده است. یکی از کارهای او طرح ثابت روی جلد کتاب‌های انتشارات خوارزمی است که سال‌هاست چاپ می‌شود. او در سال‌های اخیر نیز آثار خود را به نمایش گذاشته که برگزاری نمایشگاهی از آثارش به سال ۱۳۸۶ در اصفهان، از آن جمله است. محمود جوادی‌پور عضو پیوسته‌ی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حیدریان ، صدیقی



جوان، علی

(تولد: ۱۳۰۹ه.ش.)
دانشمند فیزیک‌دان ایرانی

در تهران متولد شد. پدرش، دکتر موسی جوان، حقوق‌دان و دانش‌آموخته‌ی حکمت و معارف اسلامی بود. علی از دبیرستان البرز دیپلم گرفت و ۶ ماه در دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران در رشته‌ی فیزیک تحصیل کرد. سپس به آمریکا رفت و به‌طور موقت در رشته‌ی فیزیک دانشگاه کلمبیا در نیویورک ثبت‌نام کرد. اما خیلی زود مورد توجه دانشمندان فیزیک آن دانشگاه قرار گرفت و در همان‌جا ماند و توانست پس از ۵ سال، دکترای فیزیک بگیرد. آنچه دکتر جوان را در جهان علم نام‌بُردار ساخت، مطرح ساختن نظریه‌ی **برانگیختگی الکتریکی در گازها** و سپس اختراع **لیزر گازی** در سال ۱۹۶۰ میلادی است. امروزه، این نوع لیزر در علوم، تحقیقات و صنایع پیش‌رفته، کاربرد گسترده‌ای دارد. جوان طی چند دهه فعالیت، جوایز متعددی دریافت کرده که آخرین آن‌ها جایزه‌ی جهانی آلبرت اینشتین برای علوم است. در سال ۲۰۰۶م. نام جوان در میان مخترعان مهم باشگاه ملی مخترعان آمریکا ثبت شد. این باشگاه تاکنون فقط نام ۳۷ مخترع را در حکم مخترعان برجسته و مهم ثبت کرده است. دکتر جوان به علوم انسانی نیز توجه دارد و به آن علاقه‌مند است. این سخن اوست که: «آفرینش آینه‌ی وجود خداست. شناخت رازهای هستی چیزی نیست جز نگاه روشن‌تر به آینه‌ای که خداوند را منعکس می‌کند و کار علم تقویت این نگاه است.» دکتر جوان را در ایران با نام **پروفسور جوان** می‌شناسند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رضا (فضل‌الله)



جهان‌آرا، محمد

(۱۳۶۰ ـ ۱۳۳۳ه.ش.)
فرمان‌ده سپاه پاسداران خرمشهر و شهید دفاع مقدس

در خرمشهر به‌دنیا آمد. در جوانی عضو گروهی به نام **حزب‌الله خرمشهر** شد. او بر ضد رژیم پهلوی مبارزه می‌کرد که دستگیر شد و یک سال به زندان افتاد. سپس در رشته‌ی بازرگانی درس خواند و در دوره‌ی دانشجویی به **گروه چریکی منصورون** پیوست و به مبارزه‌ی مسلحانه روی آورد. جهان‌آرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی خرمشهر را تأسیس کرد و فرمان‌دهی سپاه آن شهر را نیز به‌عهده گرفت. با وقوع جنگ تحمیلی، او و همراهانش ۴۵ روز از ورود دشمن به خرمشهر جلوگیری کردند. خرمشهر که سقوط کرد، جهان‌آرا به تهران رفت و در رده‌های بالای فرمان‌دهی به خدمت ادامه داد. سرانجام، در مهر ۱۳۶۰، هنگامی که در یک هواپیمای سی ۱۳۰ با جمعی از فرمان‌دهان عالی‌رتبه و رزمندگان از خوزستان عازم تهران بود، هواپیما در نزدیکی تهران سقوط کرد و همه‌ی سرنشینان آن به شهادت رسیدند.

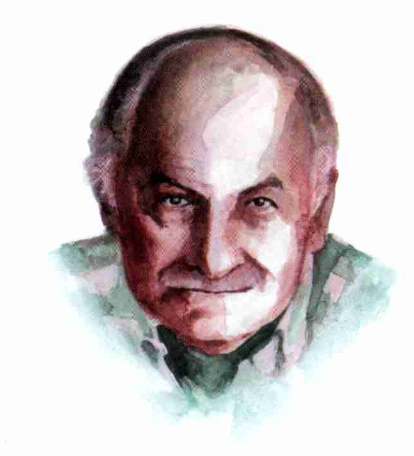
هم‌چنین نگاه کنید به:
فکوری ، فلاحی ، کلاهدوز ، نامجو



جهانشاهی، ایرج

(۱۳۷۰ ـ ۱۳۰۵ ه.ش.)
بنیان‌گذار مجلات آموزشی پیک

جهانشاهی دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی جغرافیا و تعلیم‌وتربیت از دانش‌سرای عالی بود. فوق‌لیسانس خود را نیز از مؤسسه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران گرفته بود. در آموزش بزرگسالان و در ادبیات کودکان تخصص داشت. ویراستاری ممتاز و معلمی سخت‌کوش بود و در تألیف و ترجمه نیز دست داشت. اساسی‌ترین کار او، بنیان‌گذاری **مجلات آموزشی پیک** برای دانش‌آموزان، از ابتدایی تا متوسطه، و برای معلمان و خانواده‌ها بود. این مجلات، که از



▲ مجلات «رشد» ادامه‌ی مجلات پیک است که جهانشاهی آن را بنیان گذاشت.

سال ۱۳۴۱ منتشر شد، در رشد و گسترش کتاب‌خوانی در مدارس بسیار مؤثر بود و اکنون با نام مجلات **رشد** منتشر می‌شود. جهانشاهی سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به‌عهده داشت. او در سال ۱۳۷۰ بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.



جی، اردشیر

(۱۳۰۹ ـ ۱۲۴۳ ه.ش.)

مأمور پشت پرده‌ی انگلستان در ایران

در خانواده‌ای زردشتی و ایرانی‌تبار در بمبئی به‌دنیا آمد. پدر و پدربزرگش از گزارشگران روزنامه‌ی تایمز انگلستان بودند؛ به این سبب، به ریپورتر مشهور شدند. اردشیر در جوانی به عضویت لژ اسلام درآمد که وابسته به فراماسونری انگلستان بود. این لژ به منظور جذب نخبگان زردشتی و مسلمان در هند تأسیس شده بود. وی در رشته‌ی تاریخ شرق و تاریخ جهان باستان تحصیل کرد. ۲۷ سال داشت که از سوی نایب‌السلطنه‌ی هند به ایران آمد تا هدایایی به ناصرالدین‌شاه و درباریان تقدیم کند. از آن پس بود که با رجال درباری و با نفوذ ایران آشنا شد و توانست اعتماد بسیاری از آن‌ها را به خود جلب کند. اردشیر جی با سران بختیاری روابط صمیمانه‌ای داشت و زبان‌های کردی و لُری نیز می‌دانست. در ایران استاد مدرسه‌ی سیاسی شد و در اشاعه‌ی باستان‌گرایی در میان نخبگان ایرانی مؤثر بود. او نه تنها در حوادث پشت پرده‌ی مشروطه دست داشت، بلکه آن‌طور که در خاطرات خود نوشته، کسی است که رضاخان پهلوی را شناسایی کرد، او را برای کودتا و به‌دست گرفتن قدرت، مناسب تشخیص داد و به ژنرال آیرون‌ساید، طراح کودتای ۱۲۹۹، معرفی‌اش کرد. فرزند اردشیر جی به نام شاپور ریپورتر بعد از مرگ پدرش، در دستگاه پهلوی نفوذ بسیار داشت. این پدر و پسر شبکه‌ای از عوامل اینتلیجنس سرویس یا سازمان جاسوسی انگلستان را در ایران ایجاد نمودند و خود آن را هدایت می‌کردند. اسناد مربوط به ریپورترها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کشف شد. ارتشبد حسین فردوست که از نزدیک با آنان آشنا بود، در اعترافات خود اسرار بسیاری را در این زمینه بازگو کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پهلوی (رضاشاه)، فردوست



جیاپ، نگووین

(تولد: ۱۹۱۱ م.)

فرمانده آزادی‌بخش ویتنام

ژنرال جیاپ یکی از بزرگ‌ترین معلمان و فرمان‌دهان جنبش‌های چریکی در قرن بیستم و معروف به «آتش‌فشان زیر برف» است. او در یکی از مناطق مرکزی ویتنام به‌دنیا آمد. در دانشگاه فرانسوی زبانِ هانوی تاریخ خواند و به مرحله‌ی استادی در این رشته رسید. سپس در مبارزه‌ی مردم ویتنام بر ضد فرانسوی‌ها، به **هوشی‌مین**، رهبر ویت کنگ‌ها، پیوست و توانست در نبرد دیِن بیِن فو، فرانسوی‌های اشغال‌گر را چنان شکست دهد که ویتنام را رها کنند. این پیروزی باعث شهرت جیاپ در جهان شد. بعد از آن نیز که آمریکایی‌ها وارد ویتنام شمالی شدند، جیاپ سال‌ها با آن‌ها جنگید تا سرانجام آمریکا هم نیروهای خود را از ویتنام شمالی خارج کرد. جیاپ پس از آن، با ادامه‌ی جنگ بر ضد حکومت ویتنام جنوبی، که دست‌نشانده‌ی آمریکا بود، و اشغال شهر سایگون، پایتخت آن، سراسر ویتنام را به تصرف درآورد و موجب وحدت و آزادی کامل این کشور شد. در دهه‌ی ۷۰ شمسی، در سفر علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران به ویتنام، ژنرال جیاپ کتاب خاطرات خود را به او هدیه داد که به زبان فارسی ترجمه شد و انتشارات اطلاعات آن را چاپ کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

هوشی مین



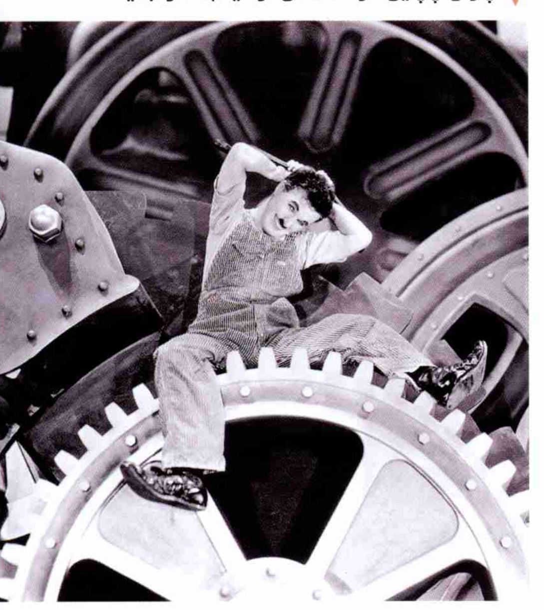
چاپلین، چارلی

(۱۹۷۷ ـ ۱۸۸۹ م.)

کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و بازیگر

چارلی چاپلین از نوابغ هنر سینماست. در لندن به‌دنیا آمد. به سبب نابسامانی

▼ چارلی چاپلین در صحنه‌ای از فیلم عصر جدید



خانواده، کودکی را در پرورشگاه‌ها و نوانخانه‌ها گذراند. ولی چون استعداد بازیگری داشت، با برادرش به هنرنمایی در تماشاخانه‌ها روی آورد. سپس به آمریکا رفت. در آمریکا مورد توجه قرار گرفت و با بازی در فیلم به شهرت رسید. چاپلین در فیلم **ولگرد** با لباس و سر و وضع مشهور خود، سبیل کوچک، کلاه لبه باریک، شلوار کیسه‌ای پف‌دار، کت تنگ، کفش بزرگ و عصا، ظاهر شد. بیش‌تر فیلم‌های او صامت بود و عقیده داشت که صداگذاری روی فیلم، از ارزش تصویری آن می‌کاهد. با این حال چند فیلم ناطق نیز ساخت. چاپلین هنرمندی انسان‌دوست و طرفدار طبقات پایین اجتماع بود. **گذران زندگی**، **ولگرد**، **پسربچه**، **جویندگان طلا**، **سیرک**، **عصر جدید**، **روشنایی‌های شهر** و **دیکتاتور بزرگ** از آثار برجسته‌ی اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لورل ، هاردی



چارلی چاپلین در صحنه‌ای از فیلم دیکتاتور بزرگ در نقش هیتلر



چان، جکی

(تولد: ۱۹۵۴م.)
بازیگر و کارگردان هنگ‌کنگی

جکی چان از مشهورترین نام‌ها در کنگ‌فو و فیلم‌های اکشن است و به سبب سبک مبارزه‌ی اکروباتیک، استفاده از سلاح‌های عجیب و غریب و حتی پیش پاافتاده و بدل‌کاری‌های مبتکرانه‌اش، شهرت جهانی یافته است. ۸ ساله بود که برای اولین بار در فیلم ظاهر شد. در ۱۷ سالگی، در فیلم‌های بروس‌لی مانند **اژدها وارد می‌شود**، در مقام هنرپیشه‌ی بدل بازی کرد. از فیلم‌های او می‌توان به **مار در سایه‌ی عقاب**، **داستان‌نویس**، **ساعت شلوغی**، **دور دنیا در ۸۰ روز** و **مدالیون** اشاره کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لی (بروس)



چایکوفسکی، پیوتر ایلیچ

(۱۸۹۳ ـ ۱۸۴۰م.)
آهنگ‌ساز روس

چایکوفسکی را بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین آهنگ‌ساز روس در قرن نوزدهم می‌دانند. او، که نخست یک کارمند معمولی دولت بود، به سبب عشق شدید به موسیقی، به کنسرواتور سَن پترزبورگ رفت و پس از چهار سال آموزش، به مقام استادی رسید. سپس در کنسرواتور موسیقی مسکو مشغول به کار شد. زندگی جسمی و روحی چایکوفسکی چندان مناسب نبود و در ۵۳ سالگی درگذشت. باله‌های **دریاچه‌ی قو**، **زیبای خفته** و **فندق‌شکن** از آثار اوست.



چخوف، آنتون

(۱۹۰۴ ـ ۱۸۶۰م.)
داستان‌نویس روس

در خانواده‌ای نسبتاً تهی‌دست به‌دنیا آمد. پدری ورشکسته و سخت‌گیر داشت. با این حال جوانی بذله‌گو، خوش‌سخن و امیدوار بود. پزشکی خواند و طبیب شد؛ اما این حرفه را رها کرد و به نویسندگی در مجله‌ها و روزنامه‌ها پرداخت. به شدت تحت تأثیر تولستوی بود و با ماکسیم گورگی نیز ارتباط داشت. چخوف از



▲ آنتون چخوف بزرگ‌ترین نویسنده‌ی داستان کوتاه روسیه و جهان است.

بزرگ‌ترین نویسندگان داستان کوتاه است و در داستان‌هایش جزئیات زندگی مردم روسیه را به خوبی نشان داده است. از آثار اوست: **بانو و سگ ملوس**، **دشمنان** و **زندگی من**. او نمایش‌نامه‌های معروفی چون **باغ آلبالو**، **مرغ دریایی**، و **دایی وانیا** نیز دارد. مجموعه‌ی آثار چخوف را سروژ استپانیان در هشت مجلد به فارسی ترجمه کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

تولستوی ، گورکی

چرچیل، وینستون

(۱۹۶۵ ـ ۱۸۷۴م.)

سیاست‌مدار انگلیسی

از طبقه‌ی اشراف انگلستان و فرزند لُرد راندولف چرچیل بود. نخست نظامی‌گری آموخت و سپس در دانشگاه اکسفورد، علوم سیاسی تحصیل کرد. او در دوره‌ی اوج قدرت استعماری انگلستان زندگی می‌کرد. از این‌رو، به نقاط گوناگونی مانند سودان، آفریقای جنوبی و هندوستان اعزام شد و به مقاماتی چون وزیر دریاداری انگلستان رسید. چرچیل در میانه‌ی جنگ دوم جهانی، نخست‌وزیر شد و با سیاست زیرکانه‌ی خود، پای آمریکا و ارتش قدرت‌مند آن کشور را به جنگ با آلمان کشید که این امر، در شکست نهایی هیتلر بسیار مؤثر بود. چرچیل در کنار روزولت و استالین، یکی از سه رهبر پیروز جنگ دوم جهانی بود. دو بار نخست‌وزیر شد که دوره‌ی دوم آن مصادف با نهضت ملی شدن نفت در ایران بود. او، که سیاست استعماری بریتانیا را دنبال می‌کرد، برای شکست ایران، به کمک آمریکا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را طراحی کرد که در پی آن، دکتر محمد مصدق از نخست‌وزیری برکنار شد و محمدرضا پهلوی به قدرت رسید. چرچیل مردی سیاست‌مدار، نظامی، روزنامه‌نگار، تاریخ‌نگار، نویسنده و علاقه‌مند به هنر نقاشی بود. او در سال ۱۹۵۳جایزه‌ی نوبل ادبیات را دریافت کرد. از چرچیل **خاطرات مفصلی** در ۶ جلد باقی مانده که به فارسی نیز ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

استالین ، روزولت



چکناواریان، لوریس

(تولد: ۱۳۱۶هـ.ش.)

آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر

چکناواریان از خانواده‌ای ارمنی است و در بروجرد متولد شد. در جوانی برای یادگیری موسیقی به اتریش رفت و از آکادمی موسیقی وین در رشته‌ی آهنگ‌سازی فارغ‌التحصیل شد. سپس به ایران بازگشت و مسئولیت‌های گوناگونی چون مدیریت آرشیو ملی موسیقی و رهبری ارکستر رودکی را به‌عهده گرفت. او تا به حال بیش از ۱۰۰ اجرا در داخل و خارج کشور داشته و بیش از ۷۵ اثر، اعم از سمفونی، اپرا، موسیقی مجلسی، کنسرتو پیانو و... ساخته است. **رستم و سهراب** و **پردیس و پریسا** از جمله اپراهای او هستند. چکناواریان حدود ۴۵ موسیقی فیلم نیز ساخته است که از میان آن‌ها می‌توان به **جلد مار** و **تنگسیر** اشاره کرد. در سال ۱۳۸۵ چکناواریان **سمفونی پیامبر اعظم** را، در تهران اجرا کرد.

▼ لوریس چکناواریان در حال رهبری ارکستر





چلیپا، کاظم

(تولد: ۱۳۳۶هـ.ش.)

نقاش

فرزند حسن اسماعیل‌زاده، مشهور به چلیپا، است. حسن اسماعیل‌زاده از استادان بنام نقاشی قهوه‌خانه و یکی از آخرین استادان این نوع نقاشی در ایران بود. کاظم چلیپا در تهران به‌دنیا آمد. هنر نقاشی را از پدرش آموخت و تحصیلات دانشگاهی خود را نیز در همین رشته ادامه داد و از دانشگاه تهران، مدرک کارشناسی ارشد نقاشی گرفت. چلیپا به اتفاق جمعی دیگر از هنرمندان جوان، از جمله ناصر پلنگی و حسین خسروجردی از پیش‌گامان هنر در انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. تصاویری که این عده در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی و سپس سال‌های دفاع مقدس پدید آوردند، از سوی حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی به صورت پوستر منتشر شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. چلیپا در دانشگاه‌های تهران، هنر شاهد و سوره تدریس می‌کند و مدیریت گروه نقاشی مرکز هنرهای تجسمی سوره را به‌عهده دارد. او عضو شورای نشر آثار امام خمینی و عضو افتخاری انجمن نقاشان آذربایجان نیز هست. آثار او در ایران، انگلستان، هلند، سوریه، لبنان، آلمان، چین، ژاپن و جمهوری آذربایجان به نمایش درآمده است. چلیپا برنده‌ی جایزه‌ی **دست‌خط زرّین امام خمینی** در سالگرد ۸ سال دفاع مقدس، برنده‌ی **قلم‌موی زرّین** و نفر اول نمایشگاه بین‌المللی هنرهای ظریفه‌ی ژاپن در سال ۱۳۷۱ است.

▼ «ایثار» اثر کاظم چلیپا

هم‌چنین نگاه کنید به:
پلنگی ، خسروجردی



چمران، مصطفی

(۱۳۶۰-۱۳۱۱هـ.ش.)

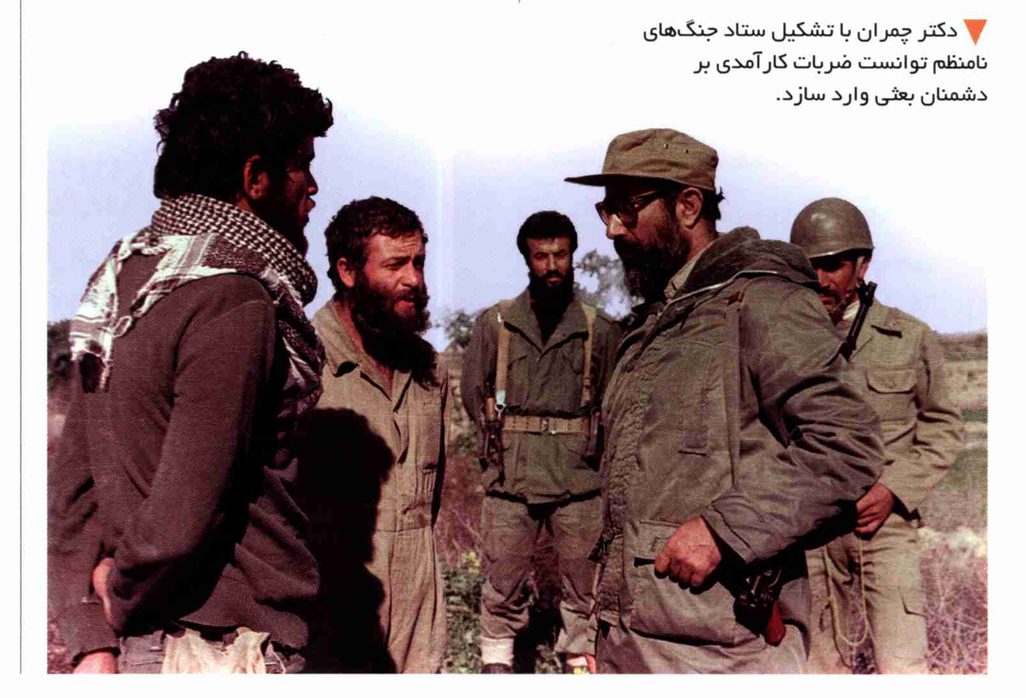
مهندس، مبارز، مربّی و عارف

خانواده‌اش اهل ساوه بودند؛ ولی خودش در تهران در حوالی بازار به‌دنیا آمد. از دبیرستان البرز دیپلم گرفت و در رشته‌ی الکترومکانیک دانشکده‌ی فنی درس خواند و فارغ‌التحصیل شد. از دانشجویان مبارز دانشگاه و از دست‌پروردگان مهندس مهدی بازرگان در دانشکده بود. دروس حوزوی را در مدرسه‌ی آیت‌الله مجتهدی در بازار تهران آموخت و از آموزه‌های آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت نیز استفاده کرد. در آمریکا از دانشگاه ام.آی.تی با درجه‌ی عالی، مدرک دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گرفت. در همان حال به فعالیت‌های اسلامی و انقلابی خود ادامه داد

و انجمن اسلامی دانشجویان را در آمریکا بنیان نهاد. او، که جوانی مسلمان، مبارز و دارای روحیه‌ای عرفانی بود، پس از وقایع ۱۵ خرداد ۴۲، از آمریکا به مصر رفت و با حمایت رئیس‌جمهوری آن کشور، جمال عبدالنّاصر، آموزش‌های نظامی و چریکی گذراند؛ سپس به لبنان رفت و با امام موسی صدر برضد اسرائیل و رژیم شاه همکاری کرد. در لبنان، برای آموزش نوجوانان شیعه، هنرستان صنعتی جبل‌عامل را تأسیس کرد و در بُعد نظامی، **سازمان اَمَل** را بنیان نهاد که بعدها حزب‌الله از دل آن بیرون آمد. به همین دلیل است که امام موسی صدر و چمران را باید منشأ تحولات اسلامی و شیعی چند دهه‌ی اخیر در لبنان دانست. با پیروزی انقلاب اسلامی، چمران به ایران بازگشت و در دولت موقت مهندس بازرگان، مسئولیت وزارت دفاع را به‌عهده گرفت. او در اولین دوره‌ی مجلس نیز نماینده‌ی مردم تهران شد. با شروع فعالیت‌های گروه‌های ضدانقلاب در کردستان، به آن منطقه رفت و نقش فعالی در آزادسازی شهر پاوه ایفا کرد. هنگامی هم که جنگ تحمیلی شروع شد، به جنوب رفت و ستاد جنگ‌های نامنظم را در خوزستان تشکیل داد. در آن‌جا، با گروهی از جوانان رشید، به نیروهای بعثی شبیخون می‌زد و حتی توانست دشمن را از بخشی از زمین‌های تصرف شده عقب براند. چمران ویژگی‌هایی داشت که او را از هر چهره‌ی دیگری در میان مبارزان و پیش‌گامان انقلاب و مبارزه‌های اسلامی چند دهه‌ی اخیر، متمایز و ممتاز می‌ساخت. در تحصیلات علمی، همواره نفر اول و در پاک‌باختگی و عرفان برجسته بود و احساسات لطیف هنری داشت. از او دست‌نوشته‌هایی باقی مانده که بعضی از آن‌ها چاپ شده و نشان‌دهنده‌ی شخصیت کم‌نظیرش است. چمران در پی اصابت ترکش خمپاره، در دهلاویه‌ی خوزستان به شهادت رسید. مزار او در بهشت‌زهرای تهران است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آب‌شناسان ، صدر (سید موسی) ، بازرگان



▼ دکتر چمران با تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم توانست ضربات کارآمدی بر دشمنان بعثی وارد سازد.



چنگیزخان

(۵۴۹ _ ۶۲۴ هـ.ق.)

کشورگشای مغول

نامش تموچین بود و پس از مرگ پدرش قبایل مغول او را با لقب چنگیزخان، به فرمان‌روایی خود انتخاب کردند. چندی نگذشت که چنگیز این قبایل صحراگرد را متحد کرد و به کشورگشایی و تصرف سرزمین‌های دیگر دست زد. نخست به چین لشکر کشید و شهر پکن را، که در آن زمان خان‌بالغ نام داشت، تصرف کرد. سپس به ایران تاخت و با کشتار وسیع و قتل‌عام‌های وحشتناک، ابتدا خوارزم و سپس بسیاری از شهرهای دیگر ایران را به ویرانه تبدیل کرد. چنگیزخان بعد از فتح ایران به مغولستان بازگشت و در آن‌جا مرد. جنازه‌اش را به محل نامعلومی بردند و دفن کردند و تشییع‌کنندگان را نیز قتل‌عام کردند تا کسی نداند خان بزرگ مغول در کجا دفن شده است. پس از چنگیز نوه‌اش، هلاکوخان، دیگر مناطق ایران را نیز فتح کرد و در نواحی مرکزی ایران اسماعیلیان را سرکوب کرد و سپس با حمله به بغداد، خلافت عباسیان را برانداخت. از آن پس مغول‌ها با نام ایلخانان مغول، سال‌ها در ایران حکومت کردند تا به تدریج منقرض شدند.



▲ چنگیزخان، پیش از این که بمیرد، پهناورترین امپراتوری تاریخ را به‌وجود آورد. این امپراتوری از ساحل اقیانوس آرام در شمال چین تا ایران گسترده بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

خواجه نصیرالدین توسی ، هلاکوخان



چوبک، صادق

(۱۲۹۵ ـ ۱۳۷۷ه.ش.)

رُمان‌نویس

فرزند محمداسماعیلِ تاجر بوشهری بود و در همین شهر به‌دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی سعادت بوشهر، با پدرش به تهران رفت و در کالج آمریکایی‌ها، که بعدها مدرسه‌ی البرز نام گرفت، به تحصیل ادامه داد. زبان انگلیسی را در حد عالی آموخت و مدتی رئیس کتاب‌خانه‌ی شرکت ملّی نفت شد. چوبک یکی از قصه‌نویسان مشهور ایران است. او در قصه‌هایش از سبک واقع‌گرا پیروی می‌کند و ماجراهای داستان‌هایش در میان مردم کوچه و بازار می‌گذرد و در عین حال با انتقاد از مذهب همراه است. یکی از قصه‌های او به نام **تنگسیر** به فیلم تبدیل و با استقبال زیاد روبه‌رو شد. از آثار اوست: **خیمه‌شب بازی**، **چراغ آخر**، **سنگ صبور** و **روز اول قبر**. کتاب‌های **آدمک چوبی** و **مهپاره** را نیز از انگلیسی ترجمه کرد. صادق چوبک در سال ۱۳۷۷ در ۸۲ سالگی در آمریکا درگذشت.



چه‌گوارا، ارنستو

(۱۹۲۸ ـ ۱۹۶۷ م.)

رهبر چریکی در آمریکای لاتین

چه‌گوارا اهل آرژانتین بود و مدرک پزشکی خود را از دانشگاه بوئنوس آیرس دریافت کرد. او، که مردی ظلم‌ستیز و خواستار آزادی مردم آمریکای لاتین از سلطه‌ی آمریکا بود، به فیدل کاسترو، رهبر انقلابیون کوبایی پیوست که بر ضد حکومت جبّار و دست‌نشانده‌ی باتیستا در کوبا مبارزه می‌کرد. با پیروزی انقلاب کوبا، چه‌گوارا مدتی وزیر صنایع شد. اما روح بی‌قرارش



سبب شد کوبا و پست وزارت را رها کند و برای ادامه‌ی مبارزه و کمک به چریک‌های انقلابی، به داخل جنگل‌های بولیوی برود. اما در همان‌جا در درگیری با نیروهای ارتش بولیوی کشته شد. چه‌گوارا چند دهه الگوی بسیاری از جوانان انقلابی کمونیست در سراسر جهان بود. در سال ۱۳۸۶ شمسی، دختر و پسر او به ایران آمدند و در پاره‌ای از مجامع دولتی و انقلابی حضور یافتند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کاسترو



چیان کای‌شِک

(۱۸۸۷ ـ ۱۹۷۵ م.)

بنیان‌گذار کشور چین تایپه (تایوان)

از افسران ارتش چین بود و در انقلاب ۱۹۱۲، که به سقوط امپراتوری و جمهوری شدن چین منجر شد، با دکتر سون یات‌سن همکاری کرد. بعد از مرگ سون یات‌سن، ریاست جمهوری چین را به دست گرفت؛ اما کمونیست‌ها به رهبری مائوتسه تنگ قدرت گرفتند و چیان کای‌شک سال‌ها با آن‌ها مبارزه کرد. سرانجام با کمک مالی و نظامی شوروی، کمونیست‌ها



پیروز شدند و با تصرف پکن، قدرت را به‌دست گرفتند و چین کمونیست را تأسیس کردند. چیان کای‌شک شکست خورد و به جزیره‌ی فُرمز در جنوب چین عقب‌نشینی کرد. او در آن‌جا جمهوری **چین ملی** را تأسیس کرد که اکنون با نام تایوان، کشوری مستقل به‌شمار می‌رود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سون یات‌سن ، مائوتسه‌تونگ



حائری، عبدالحسین

(تولد: ۱۳۰۶ه.ش.)

کتاب‌شناس و چهره‌ی ماندگار

عبدالحسین حائری نوه‌ی دختری آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه‌ی علمیه قم است. در قم به‌دنیا آمد و در حوزه‌ی علمیه‌ی همین شهر تحصیل کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. از سال ۱۳۳۱، به کتاب‌خانه‌ی مجلس راه یافت و با سِمت کارشناس مشغول کار شد. هم‌زمان، با نویسندگان لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز همکاری کرد و مدخل‌های حرف «ز» را نوشت. در سال ۱۳۵۴، به

ریاست کتاب‌خانه‌ی مجلس منصوب شد و این سِمت را تا ۲۰ سال به‌عهده داشت. عبدالحسین حائری در تألیف کتاب و نیز تصحیح متون و نسخ خطی از استادان برجسته‌ی این رشته به‌شمار می‌رود. او فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه‌ی مجلس را در ۱۷ جلد تهیه و منتشر کرده است. این کتاب‌شناس برجسته از چهره‌های ماندگار معرفی شده در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حائری یزدی



حائری یزدی، شیخ عبدالکریم

(۱۳۱۵ـ ۱۲۲۸ ه.ش.)
مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم

شیخ عبدالکریم حائری در مهرجرد یزد متولد شد. در جوانی به عراق رفت و از محضر عالمانی چون میرزای شیرازی، سیدمحمد کاظم یزدی و شیخ فضل‌الله نوری درس آموخت. پس از بازگشت به ایران، حوزه‌ی درسی خود را در سلطان‌آباد (اراک امروزی) تشکیل داد و عده‌ای از طلّاب علوم دینی را گرد خود جمع کرد. چند سال بعد، حوزه‌ی درسی خود را به قم انتقال داد و با بازسازی مدارس قدیمی، حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تأسیس کرد. آیت‌الله حائری در طول تدریس در اراک و قم شاگردان بسیاری تربیت کرد که برخی از آنان، مانند **امام خمینی** از علمای بزرگ ایران شدند. آیت‌الله حائری را به دلیل تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، **آیت‌الله مؤسس** نیز می‌نامند. او در ۷۹ سالگی در قم درگذشت و در حرم حضرت معصومه(ع) به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خمینی (سید روح‌الله)



حاتم طایی

(فوت: ۶۰۵ ه.ق.)
بخشنده‌ترین مرد عرب

فرزند عبدالله‌بن سعد، از قبیله‌ی طَیّ در حجاز بود و در عصر پیامبر اسلام(ص) می‌زیست. گویند سخاوت را از مادرش، عتبه، ارث برده بود. عتبه آن‌قدر اهل بخشش بود که هر چه به دستش می‌رسید، به مسکینان و دیگران می‌بخشید. حتی اعضای قبیله‌اش او را زندانی کردند؛ اما سودی نبخشید. حاتم علاوه بر بخشندگی، شجاع و شاعر نیز بود. اما بخشندگی‌اش زبان‌زد شده و در ادبیات و فرهنگ فارسی و عربی، به صورت ضرب‌المثل درآمده است. سعدی در بوستان و گلستان خود نمونه‌هایی از بخشندگی و جوان‌مردی حاتم طایی آورده است.

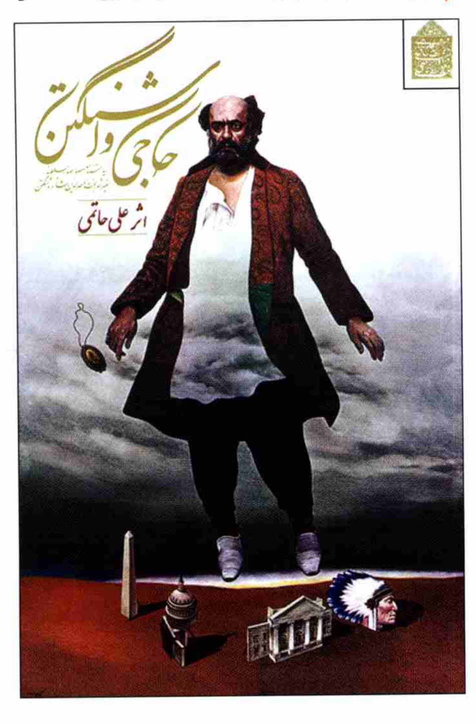


حاتمی، علی

(۱۳۷۵ ـ ۱۳۲۸ ه.ش.)
کارگردان سینما

پدر حاتمی اهل تفرش بود؛ ولی خودش در تهران متولد شد. از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک در رشته‌ی سینما مدرک گرفت و به ساخت فیلم روی آورد. اولین فیلم او **حسن کچل** (۱۳۴۸) بود که نخستین فیلم ایرانی موزیکال نیز به‌شمار می‌آید. حاتمی به ساختن فیلم درباره‌ی شخصیت‌های تاریخی، ملی و مردمی ایران علاقه داشت. دو مجموعه‌ی تلویزیونی او **سلطانِ صاحبقران** (قبل از انقلاب) و **هزاردستان** (بعد از انقلاب)، از مجموعه‌های ماندگار هستند. حاتمی در تهران شهرک سینمایی را، برای ساختن فیلم هزاردستان ساخت که از آن پس برای ساخت فیلم‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفت. از فیلم‌های سینمایی مشهور او می‌توان **ستارخان**، **قلندر**، **سوته‌دلان**، **حاجی واشنگتن**، **کمال‌الملک**، **مادر** و **دلشدگان** را نام برد. حاتمی در پی ابتلا به بیماری سرطان درگذشت.

▼ پوستر فیلم حاجی واشنگتن، اثر آیدین آغداشلو





▲ حاتمی‌کیا در پشت صحنه‌ی فیلم «از کرخه تا راین»

حاتمی کیا، ابراهیم

(تولد: ۱۳۴۰هـ.ش.)
کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

حاتمی‌کیا متولد تهران است و فعالیت‌های هنری خود را در زمینه‌ی عکاسی و فیلم‌سازی بعد از انقلاب اسلامی آغاز کرده است. در جنگ ایران و عراق، به جبهه رفت و چند فیلم مستند ساخت. سپس اولین فیلم خود را به نام **هویت**، در همان دوره، در سال ۱۳۶۵، کارگردانی کرد. فیلم بعدی‌اش، **دیده‌بان**، جایزه‌ی ویژه‌ی جشنواره‌ی فیلم فجر را دریافت کرد. بعد از آن به دانشگاه هنر رفت و در رشته‌ی فیلم‌نامه‌نویسی تحصیل کرد. موضوع بیش‌تر فیلم‌های حاتمی‌کیا، که در چند جشنواره‌ی فیلم فجر نیز تحسین‌برانگیز بوده، دفاع مقدس است و در این زمینه، آثار ماندگاری بر جای نهاده است. **از کرخه تا راین، خاکستر سبز، برج مینو، بوی پیراهن یوسف، روبان قرمز، ارتفاع پست و به نام پدر** از فیلم‌های معروف اوست. علاوه بر این سریال‌های **مسافر سبز، خاک سرخ** و **حلقه‌ی سبز** را ساخته که از تلویزیون پخش شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تبریزی ، مجیدی ، ملاقلی‌پور



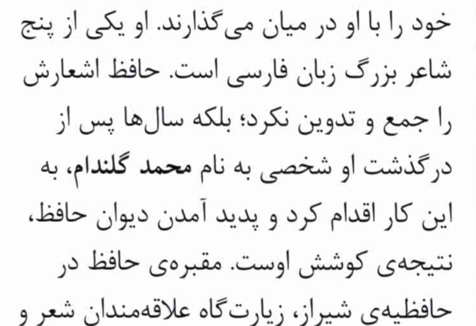
حافظ، شمس‌الدین محمد

(۷۹۲ ـ ۷۲۶هـ.ق.)
بزرگ‌ترین غزل‌سرای فارسی

شمس‌الدین محمد شیرازی، معروف به خواجه حافظ، در شیراز به‌دنیا آمد. نزد دانشمندان عصر خود به تحصیل علوم پرداخت و قرآن را حفظ کرد. از این‌رو، به **حافظ** مشهور شد و آن را نام تخلّص خود قرار داد. حافظ در عصر تیمورلنگ زندگی می‌کرد و امیران فارس در آن زمان، سلاطین آل مظفر و آل اینجو بودند. حافظ استاد غزل عارفانه است و کسی تاکنون در زبان فارسی به پای او نرسیده است. اهمیت حافظ در نزد فارسی‌زبانان، به اندازه‌ای است که با دیوانش فال می‌گیرند و آرزوهای خود را با او در میان می‌گذارند. او یکی از پنج شاعر بزرگ زبان فارسی است. حافظ اشعارش را جمع و تدوین نکرد؛ بلکه سال‌ها پس از درگذشت او شخصی به نام **محمد گلندام**، به این کار اقدام کرد و پدید آمدن دیوان حافظ، نتیجه‌ی کوشش اوست. مقبره‌ی حافظ در حافظیه‌ی شیراز، زیارت‌گاه علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی و صاحب‌دلان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
سعدی ، فردوسی ، مولوی ، نظامی

▼ حافظ درباره‌ی خود چنین سروده است:
عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ
قرآن ز بر بخوانی، با چارده روایت



حالت، ابوالقاسم

(۱۳۷۱ ـ ۱۲۹۸هـ.ش.)

نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار

در تهران به‌دنیا آمد. از نوجوانی به سرودن شعر و نوشتن مقاله پرداخت و عضو هفته‌نامه‌ی فکاهی توفیق شد. او در توفیق با اسم‌های مستعار شوخ، خروس‌لاری و ابوالعینک نوشته‌های خود را چاپ می‌کرد و با روزنامه‌های دیگر نیز همکاری داشت. حالت به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و در ترانه‌سازی نیز توانا بود. شعر نخستین سرود رسمی جمهوری اسلامی، که سال‌ها پخش می‌شد، سروده‌ی حالت بود. از حالت بیش از ۴۰ جلد کتاب در زمینه‌های طنز و فکاهی، ترجمه از عربی، ترجمه از انگلیسی و نیز مقالات بسیار باقی مانده است. **کلیات سعدی، دیوان خروس‌لاری، از عصر شتر تا عصر موتور، سخنان حسین**(ع)**، ترجمه‌ی کامل تاریخ ابن‌اثیر** (۱۰ جلد)، **زندگی من** (مارک تواین) و **پیش‌روان موشک‌سازی** (ترجمه) از آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:

توفیق



حبیب بن مُظاهر

(شهادت: ۶۱هـ.ق.)

صحابی علی(ع) و شهید کربلا

حافظ قرآن، صحابی علی(ع) از بزرگان کوفه و از کسانی بود که امام حسین(ع) را برای قیام بر ضد امویان، به کوفه دعوت کردند. پس از شهادت مسلم‌بن عقیل در کوفه، حبیب شبانه خود را به کاروان امام حسین(ع)، که در راه رسیدن به کربلا بود، رساند و به آن حضرت پیوست. در روز عاشورا فرمان‌دهی جناح چپ سپاه امام را به‌عهده گرفت و نزدیک ظهر عاشورا به شهادت رسید. حبیب پسری به نام قاسم داشت که پس از واقعه‌ی کربلا انتقام پدرش را از قاتل او گرفت. مزار حبیب‌بن مظاهر در کربلا نزدیک ضریح امام حسین(ع) است.



▲ حبیب‌بن‌مظاهر، امام حسین(ع) را به کوفه دعوت کرد و به این دعوت وفادار ماند و سرانجام در کربلا به شهادت رسید.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حرّبن یزید ریاحی



حبیبی، امام‌علی

(تولد: ۱۳۱۰هـ.ش.)

قهرمان کشتی المپیک

در یکی از روستاهای بابل چشم به‌جهان گشود. نخست به لوچو، کُشتی محلی مازندرانی، روی آورد. سپس به کشتی آزاد علاقه پیدا کرد و خیلی زود یکی از چهره‌های مطرح کشتی در سطح کشور شد. او نه تنها در بازی‌های داخلی، بلکه در میدان‌های جهانی نیز افتخار آفریده است. نقطه‌ی اوج قهرمانی حبیبی، کسب مدال طلای المپیک ملبورن در سال ۱۹۵۶ بود. سه سال بعد (۱۹۵۹) در تهران قهرمان جهان شد. در ادامه‌ی این پیروزی‌ها، رتبه‌ی اول آسیا را در سال ۱۹۵۸ و رتبه‌ی اول جهان را در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ به‌دست آورد. سرعت عمل او چنان بود که در کشتی‌های جام جهانی تهران، قهرمانان کشتی روسیه و ترکیه را در سه دقیقه‌ی اول ضربه فنی کرد و قهرمان آن بازی‌ها شد. حبیبی قبل از انقلاب یک‌بار نماینده‌ی مجلس شد و یک‌بار هم در فیلم سینمایی **ببر مازندران** ایفای نقش کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

خادم



حَت‌شِپ‌سوت

(۱۴۸۱ ـ ۱۵۴۰ق.م.)

تنها فرعون زن در مصر

دختر توتاموس، یکی از فرعون‌های سلسله‌ی هجدهم فرعون‌های مصر بود. مطابق رسم آن زمان با برادر ناتنی‌اش ازدواج کرد و این دو با هم بر مصر حکومت می‌کردند. حت شپ سوت بعد از مرگ شوهرش ۲۰ سال دیگر حکومت کرد. زنی کاردان و با اقتدار بود که خود را به شکل مردان درمی‌آورد و لباس مردانه می‌پوشید. به دستور او معبد بزرگ **دیرالبحری** نزدیک شهر تبس ساخته شد که تحولی در احداث بناهایی بود که فرعون‌ها می‌ساختند. این معبد، که در دل کوه کنده شده و هنوز باقی است، سه تالار بزرگ و ستون‌های بلند دارد و معمار آن دِسیخوت نام داشت. این معبد مقبره‌ی حت‌شپ‌سوت است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ایمحوتپ



حُجربن عَدی

(شهادت: ۵۱ ه.ق.)
صحابی حضرت علیؑ

حُجر اهل کوفه و مردی شجاع و سرشناس بود. در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان از فرمان‌دهان حضرت علیؑ بود. و پس از شهادت آن حضرت، به اصحاب امام حسنؑ پیوست. حجر در انتقاد صریح از معاویه و بنی‌امیه پروا نداشت. سرانجام والی کوفه، زیادبن اَبیه، او و جمعی دیگر را به جرم حمایت از علیؑ دستگیر کرد و نزد معاویه به دمشق فرستاد. معاویه دستور داد آن‌ها را در محلی به نام مَرَج عذرا، که قبلاً حُجر خودش آن‌جا را فتح کرده بود، با دستانی زنجیرکرده، گردن زدند. از این زمان کوفیان بیش از پیش کینه‌ی امویان را به دل گرفتند. مزار حُجر هم اکنون در نزدیکی دمشق زیارت‌گاه شیعیان است.



حدّادی، احسان

(تولد: ۱۳۶۳ه.ش.)
قهرمان پرتاب دیسک

در تهران به‌دنیا آمد. پیش از ورود به بازی‌های دو و میدانی، در رشته‌های والیبال و فوتبال فعالیت می‌کرد. اما از سال ۱۳۸۰، رشته‌ی پرتاب دیسک را در بازی‌های دو و میدانی، به طور جدی آغاز کرد و خیلی زود در ردیف نام‌آوران این رشته در ایران و آسیا درآمد. حدادی اولین مدال خود را در رقابت‌های آسیایی به‌دست آورد و در سال ۲۰۰۴ نیز قهرمان جوانان جهان شد. او در مسابقه‌های کشورهای آسیایی نیز مدال برنز گرفت و رکورد تازه‌ای هم در این قاره برجای گذاشت. حدادی در جام جهانی ۲۰۰۷ تنها مدال طلای دو و میدانی کشور را برای ایران به ارمغان آورد.

حُرّبن یزید ریاحی

(شهادت: ۶۱ ه.ق.)
شهید آزادمرد کربلا

حر از بزرگان و شجاعان کوفه و در ابتدا از مخالفان امام حسینؑ بود. ابن‌زیاد او را به فرمان‌دهی سپاه خود منصوب و برای جلوگیری از حرکت امام حسینؑ، که به طرف کوفه می‌آمد، اعزام کرد. حر، امّا قلباً به امام و اهل بیت پیامبر علاقه داشت؛ به این سبب، وقتی به امام حسینؑ رسید، پشت سر ایشان نماز جماعت خواند و برای جلوگیری از جنگ با آن حضرت به بحث و گفت‌وگو پرداخت و البته مانع از رفتن کاروان امام به کوفه شد. او در روز عاشورا، یکی از فرمان‌دهان سپاه عمربن سعد شد. اما درست در همین روز، وقتی که دید قرار است جنگی خونین بین امام و سپاه ابن‌زیاد درگیرد، ناگهان از لشکر جدا شد و به سوی امام حسینؑ در طرف مقابل رفت و با

احسان حدادی پس از کسب پیروزی، پرچم ایران را بر سر گرفته است.



حرّبن یزید ریاحی با بریدن از سپاه یزید و پیوستن به جبهه‌ی امام حسین(ع) در عمل اثبات کرد که واقعاً حرّ، یعنی آزاده، است.

اظهار پشیمانی از آن حضرت عذرخواهی کرد و به یاران امام پیوست. امام او را پذیرفت و حر، یکی از نخستین کسانی بود که در آن روز به شهادت رسید. بستگان حرّ او را جدا از سایر شهدا، در ۷ کیلومتری غرب کربلا به خاک سپردند. کلمه‌ی حرّ در زبان عربی به معنای آزاد و آزادمرد است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حبیب بن مظاهر



حسابی، محمود

(۱۳۷۲ـ۱۲۸۱هـ.ش.)

فیزیک‌دان ایرانی

در تهران، در خانواده‌ای تفرشی به‌دنیا آمد. پدرش از دولت‌مردان قاجاری بود که به سفارت ایران در لبنان اعزام شده بود. اما به دلایل شخصی و خانوادگی، همسر و دو فرزند خود را در بیروت رها کرد و به ایران بازگشت. مادر محمود با سختی و مشکلات زیاد، فرزندان خود را در بیروت بزرگ کرد و آن‌ها را طوری تربیت کرد که هر دو به تحصیلات عالی دست یافتند. محمود ابتدا در لبنان و سپس در فرانسه، در رشته‌های برق، ساختمان و فیزیک درس خواند و سرانجام دکترای فیزیک گرفت و به ایران بازگشت.

او در بنیان‌گذاری مدرسه‌ی مهندسی وزارت راه، دارالمعلمین عالی، مؤسسه‌ی ژئوفیزیک و سازمان انرژی اتمی نقش داشت و بیش از ۵۰ سال استاد فیزیک دانشگاه تهران بود. دکتر حسابی در دولت دکتر مصدق، مدتی وزیر فرهنگ شد و به ایجاد مدارس عشایری کمک کرد. او چند دوره نیز نمایندگی مجلس سنا را به‌عهده داشت و سناتور انتصابی بود. به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و عربی مسلط و در زبان فارسی صاحب‌نظر بود و با عالمانی چون مرتضی مطهری، محمدتقی جعفری و محمد عبدالسلام مراوده‌ی علمی داشت. آرامگاه او در تفرش است.

دکتر حسابی در گسترش دانش فیزیک در ایران نقش مهمی ایفا کرد. از این رو به او لقب «پدر فیزیک ایران» داده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جعفری ، عبدالسلام ، مطهری



حسن البنّا

(۱۹۴۹ ـ ۱۸۰۶م.)
بنیان‌گذار جنبش اخوان‌المسلمین مصر

حسن البنّا معلم بود و امروز او را از پیش‌گامان مبارزه با استعمار در مصر به‌شمار می‌آورند. مردی عمیقاً مسلمان بود و در مورد سرنوشت مردم کشورش احساس مسئولیت می‌کرد. در سال ۱۹۲۸م. جنبش اخوان‌المسلمین را پایه‌گذاری کرد که خیلی زود در مصر و حتی در سایر کشورهای اسلامی مورد استقبال قرار گرفت و در گسترش مبارزات مردم فلسطین نیز تأثیر گذاشت. یکی از آثار این جنبش در مصر، پیدایش جنبش افسران آزاد بود که جمال عبدالناصر از میان آنان برخاست؛ گرچه بعدها عبدالناصر از مخالفان اخوان‌المسلمین شد و یکی از رهبران آن به نام **سید قطب** را اعدام کرد. جنبش اخوان امروزه نیز در مصر هواداران بسیار و در مجلس نماینده دارد. حسن‌البنّا در سال ۱۹۴۹م. به دست حکومت وقت مصر به شهادت رسید.

همچنین نگاه کنید به:
عبدالناصر



حسن بن علی(ع)، امام

(۵۰ ـ ۳ ه.ق.)
دومین امام شیعیان

آن حضرت نوه‌ی پیامبر خدا، فرزند بزرگ حضرت علی و فاطمه‌ی زهرا(س) و یکی از پنج تن آل‌عباست. در مدینه متولد شد. خردسالی او در زیر سایه‌ی جدّش رسول‌خدا(ص) گذشت و از سجایای اخلاقی و تربیتی پدر و مادرش نیز بهره‌مند شد. مانند پدرش، بسیار شجاع و در سراسر زندگی یار و یاور او بود و در پیروزی‌های خارج از جزیرةالعرب نیز شرکت کرد. در نهج‌البلاغه از حضرت علی وصیت‌نامه‌ی مفصّلی خطاب به امام حسن(ع) وجود دارد که دستورنامه‌ی تربیتی ارزش‌مندی برای پیروان آن حضرت به‌شمار می‌رود.

بعد از شهادت علی(ع)، امام حسن(ع) به وصیّت آن حضرت، جانشین ایشان گردید و با گردآوری سپاه آماده‌ی جنگ با معاویه شد؛ اما وضعیت به‌گونه‌ای نبود که این جنگ به سود جامعه باشد. به‌ویژه این‌که عده‌ای از یاران آن حضرت، از روی نفاق با معاویه رابطه‌ی دوستانه داشتند و حتی حاضر بودند امام را به او تسلیم کنند. به این دلیل، امام صلح با معاویه را ترجیح داد و خلافت را به او واگذاشت. سپس از کوفه به مدینه بازگشت و تا آخر عمر در این شهر به‌سر برد. با این حال، معاویه به صلح‌نامه عمل نکرد و حتی با توطئه‌ی او، جعده همسر امام حسن(ع)، آن حضرت را مسموم کرد و به‌شهادت رساند. مزار آن حضرت در قبرستان بقیع مدینه است.

همچنین نگاه کنید به:
علی‌بن ابی طالب(ع) ، معاویه



حسن عسکری(ع)، امام

(۲۶۰ ـ ۲۳۲ ه.ق.)
یازدهمین امام شیعیان

در مدینه به‌دنیا آمد و فرزند امام علی‌النّقی(ع) بود. آن زمان، متوکل خلیفه‌ی عباسی، که از علویان و شیعیان واهمه داشت، امام عسکری و پدرش را از مدینه به سامرا آورد. سپس آن‌ها را در بخش نظامی شهر، زیر نظر قرار داد. از این‌رو، امام به امام عسکری مشهور شد؛ زیرا عسکر به معنای لشکر است. امام عسکری، بعد از درگذشت پدر، در ۲۲ سالگی پیشوایی و رهبری شیعیان را به‌عهده گرفت و در آن وضعیتِ سخت، وظیفه‌ی امامت خود را انجام داد. شیخ صدوق از ۱۰۳ محدث نام برده است که از امام حسن عسکری(ع) حدیث نقل کرده‌اند.

بزرگ‌ترین واقعه‌ی زمان امام عسکری، تولد فرزند ایشان امام زمان(عج) است که در خفای کامل و دور از چشم دشمنان اتفاق افتاد. امام او را، که هنوز کودکی خردسال بود، به اصحاب و یاران خاص خود معرفی کرد. اما خودش در ۲۸ سالگی مسموم شد و به شهادت رسید و در سامرا، در کنار پدر به‌خاک سپرده شد. در حرم سامرا، به‌جز این دو امام، حکیمه خاتون عمه‌ی امام عسکری و نرجس خاتون، همسر آن حضرت و مادر امام زمان، مدفون‌اند.

همچنین نگاه کنید به:
مهدی(ع) ، نوّاب اربعه



حسنک وزیر

(قرن چهارم ه.ق.)
وزیر سلطان محمود غزنوی

حسنک وزیر، آخرین وزیر سلطان محمود بود و بعد از او، به دستور پسرش، مسعود، به اتهام قرمطی بودن به دار کشیده شد. آنچه موجب شهرت حسنک شده «**روایت بر دارکردن حسنک وزیر**» است که به زیبایی تمام در تاریخ بیهقی آمده است. امیر حسنک، شاه‌زاده‌ای سُغدی بود که به سبب دانایی و تجربه‌اش، سلطان محمود او را به وزارت خود برگزید. در زمان وزارت، حسنک به حج رفت و در بازگشت، به مصر نیز رفت و در آن‌جا خلیفه‌ی فاطمی مصر را، که شیعه‌ی اسماعیلی یا قرمطی بود، ملاقات کرد. حسنک از او خلعتی گرفت که آورد و در غزنه به سلطان محمود تسلیم کرد. خلیفه‌ی عباسی بغداد، که این خبر را شنید، از محمود خواست حسنک را به دلیل قرمطی بودن به او تسلیم کند. اما محمود درخواست خلیفه را نپذیرفت و گفت که حسنک قرمطی نیست. پس از مرگ محمود، حسنک برای به تخت نشاندن برادر مسعود، محمد، تلاش کرد؛ ولی سرانجام مسعود پیروز گردید و پادشاه شد و این بهانه‌ای شد تا

مسعود، حسنک را به اتهام قرمطی بودن و به خواست خلیفه‌ی بغداد به دار کشد.



حسین‌ بن علی، امام

(۶۱ ـ ۴ ه.ق.)

امام سوم شیعیان ملقب به سیدالشهدا

حسین نوه‌ی پیامبر خدا، فرزند حضرت علی و فاطمه‌ی زهرا بود. پس از هجرت، در مدینه متولد شد. کودکی او و برادرش، حسن، زیر سایه‌ی پیامبر گذشت. درس دین‌داری و عاطفه را از مادر و رسم شجاعت و مردانگی را از پدر آموخت. سال‌های نوجوانی را در خدمت پدر به سر برد و از نزدیک شاهد پست‌وبلند ظهور اسلام بود. در بسیاری از وقایع آن زمان، حاضر بود و در جنگ‌ها، پدر را یاری رساند. حسین‌بن علی بعد از ماجرای صلح برادرش امام حسن، با او از کوفه به مدینه برگشت و در زادگاه خود اقامت کرد. هنگامی که امام حسن مسموم شد و به شهادت رسید، معاویه هنوز زنده بود. امام حسین حرکتی مخالف معاویه انجام نداد؛ تا این‌که معاویه در دمشق مرد و پسرش، یزید، خلیفه شد. یزید، که جوانی سرکش، مغرور و لاابالی بود و با اهل‌بیت رسول‌الله نیز سر دشمنی داشت، خواست از امام حسین بیعت بگیرد. به این سبب، حاکم مدینه را مأمور این کار کرد. اما امام حسین حاضر به بیعت نشد، رخت سفر بست و همراه خانواده و جمعی از یاران خود، به مکه رفت. در مکه، از شیعیانِ کوفه، نامه‌های بسیاری به امام رسید که از او دعوت کرده بودند به کوفه برود و رهبری و امامت مردم را به‌عهده بگیرد. امام در پاسخ به مردم کوفه، پسرعمویش، **مسلم‌بن عقیل**، را در مقام سفیر خود به کوفه فرستاد تا خود نیز راهی کوفه شود. زمانی که مسلم به کوفه رسید، مردم از او استقبال زیادی کردند. چیزی نمانده بود که قیام بر ضد بنی‌امیه کوفه را فراگیرد. اما در این هنگام، ورق برگشت و مأموران عبیدالله زیاد به دستور یزید، با سرکوب مردم کوفه، هانی‌بن عروه را، که مسلم را در خانه‌ی خود پناه داده بود، دستگیر کردند. سپس او را از بالای دارالعماره به پایین انداختند و کشتند و مسلم را نیز دستگیر کردند و به‌شهادت رساندند. هنگامی که امام حسین به کوفه نزدیک شد، خبر این فاجعه را شنید. احساس کرد که کشته شدن، قضای او و تقدیر الهی است و به راه خود ادامه داد. سرانجام، در روز دهم محرم (عاشورا) سال ۶۱ هجری، در سرزمین طف، که بعدها به کربلا مشهور شد، رویارویی سختی بین سپاه اندک، ولی فداکار و باایمان آن حضرت و لشکریان فراوان عمربن سعد روی داد. امام و پسرانش، به‌جز امام سجاد، و همه‌ی مردان خاندان و نیز اصحاب صدیق و از جان گذشته‌اش، به شهادت رسیدند و خانواده‌اش نیز به اسارت به شام برده شدند. مزار امام حسین و دیگر شهدای این روی‌داد بزرگ، در کربلا، زیارت‌گاه شیعیان است.



تابلوی عصر عاشورا، اثر استاد محمود فرشچیان

هم‌چنین نگاه کنید به:

حرّ ، حسن‌بن علی ، زینب ، علی‌ابن ابی‌طالب ، مسلم‌بن عقیل



حسین، طه

(۱۹۷۳ ـ ۱۸۸۹ م.)

نویسنده‌ی معاصر عرب

او یکی از چهره‌های ادبی و فرهنگی جهان عرب در قرن بیستم بود و در میان ایرانیان فرهیخته نیز کاملاً شناخته شده است. در یکی از روستاهای استان مینای مصر در خانواده‌ای پرفرزند به‌دنیا آمد. در شش سالگی به بیماری چشم دچار و در اثر معالجه‌ی غلط طبیبان محلی، به کلی نابینا شد. استعداد یادگیری او فوق‌العاده بود. علاوه بر مقدمات علوم متداول، قرآن را نیز در خردسالی حفظ کرد. سپس به مدرسه‌ی بزرگ و هزار ساله‌ی الازهر و سرانجام به دانشگاه رفت. در دانشگاه، تاریخ جهان قدیم و زبان‌های سُریانی و عبری و حبشی را فراگرفت و دکترای ادبیات عرب دریافت کرد. بعد نیز به فرانسه رفت و دکترای تاریخ گرفت. در همان جا همسری فرانسوی اختیار کرد و با او به مصر بازگشت. طٰه حسین استاد دانشگاه‌های مصر، رئیس دانشکده‌ی ادبیات، رئیس دانشگاه اسکندریه و وزیر

فرهنگ بود و کسی است که در مصر تحصیلات متوسطه و حرفه‌ای را برای همه رایگان کرد. او کتاب‌های بسیاری نوشت که پاره‌ای از آن‌ها به فارسی ترجمه شده است. مهم‌ترین اثر او **الایّام** است که زندگی‌نامه‌ی اوست و به نثری بسیار زیبا به قلم شادروان **حسین خدیوجم** با نام **آن روزها** به فارسی ترجمه شده است. از دیگر کتاب‌های او که به فارسی ترجمه شده، باید: **وعده‌ی راست**، **علی و فرزندانش** و **تفسیر در سایه‌ی قرآن** را نام برد.



حسین کردِ شبستری

قهرمان داستان‌های پهلوانی

حسین کُرد قهرمان یکی از شاهکارهای ادبیات عامیانه‌ی ایران است که از چند قرن پیش تاکنون، به صورت کتابی عامه‌پسند، در دسترس مردم بوده و هنوز هم خوانده می‌شود. قهرمان داستان، حسین کُرد، جوانی عامی و بی‌سواد است؛ اما با اراده‌ای قوی، یک‌تنه در مقابل شیاطین می‌ایستد و از این طریق خود را به رخ پهلوانان شاه‌عباس می‌کشد. او در یکی از ماجراهایش به هندوستان می‌رود تا از پادشاه آن دیار باج و خراج بگیرد. کشمکش‌های دولت و مردم ایران با عثمانیان و ازبک‌ها در دوره‌ی صفوی نیز بخشی از این اثر است. پسوند شبستری در اصل داستان وجود ندارد. گفته می‌شود اجداد حسین کرد در شبستر آذربایجان می‌زیسته‌اند از این رو به شبستری معروف شده است. نظر دیگر هم این است که از وقتی ناشری در تهران به نام «شبستری» این کتاب را چاپ کرد، این کلمه نیز به حسین کُرد اضافه شد. جدیدترین متن تصحیح شده‌ی حسین کُرد را در سال‌های اخیر ایرج افشار با همکاری مهران افشاری منتشر کرده است.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

امیرارسلان ، کوراوغلو



حسینی، سیدحسن

(۱۳۸۳ ـ ۱۳۳۵هـ.ش.)

شاعر انقلاب اسلامی

در تهران به‌دنیا آمد. مدرک کارشناسی خود را در رشته‌ی تغذیه گرفت، اما بعداً رشته‌اش را به ادبیات فارسی تغییر داد و مدرک دکترای این رشته را دریافت کرد. حسن حسینی از نخستین شاعرانی است که با علی معلم، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و چند تن دیگر شعر انقلاب اسلامی را بنیاد نهادند. اولین پایگاه‌های شعری آن‌ها حوزه‌ی هنر و اندیشه‌ی اسلامی نام داشت که بعداً به حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی تغییر نام داد. حسینی علاوه بر سرودن شعر، با زبان عربی هم آشنایی داشت و چند کتاب را از عربی به فارسی ترجمه کرد. از آثار اوست: **هم‌صدا با حلق اسماعیل**، **گنجشک و جبرئیل**. هم‌چنین ترجمه‌های **حمّام روح** اثر جبران خلیل جبران، و **فن شعر** اثر احسان عباس از اوست. حسن حسینی به مرگی ناگهانی در فروردین ۱۳۸۳ درگذشت.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

امین‌پور ، هراتی



حفیظی، محمدعلی

(۱۳۷۱ ـ ۱۲۹۴هـ.ش.)

بُنیان‌گذار سازمان نظام پزشکی ایران

در یزد زاده شد و در همان‌جا از دبیرستان ایرانشهر دیپلم گرفت. پس از دیپلم، دو سال حقوق خواند؛ ولی بعد به رشته‌ی پزشکی رفت و مدرک خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد. پس از گذراندن سربازی در خاش و زابل، به تهران بازگشت و در رشته‌ی بیماری‌های کودکان تخصص گرفت. حفیظی از جمله پزشکان نوع‌دوست و خدمت‌گزار ایران بود و در زمینه‌های گوناگون، خدمات بزرگی انجام داد. ۱۵ سال رئیس دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه پزشکی تهران بود. سازمان نظام پزشکی را تأسیس کرد و به انتخاب پزشکان، ۱۷ سال پیاپی به ریاست آن برگزیده شد. مطب کوچکی در میدان شاپور سابق داشت که بعدازظهرها تا شب در آن به مداوای بیماران می‌پرداخت و با این که متخصص بود، همان ویزیت پزشکان عمومی را دریافت می‌کرد و گاهی همین مبلغ را نیز از مستمندان نمی‌گرفت. او دانشگاه را مستقل از سیاست اداره می‌کرد و حامی دانشجویان مبارز در برابر دخالت‌های رژیم پهلوی بود. دکتر حفیظی فرزند جوانی به نام حسین داشت که در جنگ تحمیلی، هنگامی که ناوچه‌ی پیکان در خلیج فارس غرق شد و به قعر آب‌ها رفت، ناپدید شد. با این حال دکتر حفیظی کار خود را در نظام پزشکی ترک نکرد و برادر خود را برای پی‌گیری مفقود شدن فرزندش به نیروی دریایی فرستاد. او اهل تحقیق و تألیف نیز بود و علاوه بر سردبیری **مجله‌ی علمی نظام پزشکی**، کتاب‌های **راهنمای دانشکده‌ی پزشکی** و **تاریخ طب در ایران** را نیز تألیف کرد. دکتر حفیظی در ۷۷ سالگی در تهران درگذشت.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

قریب (محمد)



حقیقی، ابراهیم

(تولد: ۱۳۲۶ هـ.ش.)

کارگردان، طراح صحنه و طراح گرافیک

در تهران به‌دنیا آمده و در رشته‌ی معماری دانشگاه تهران تحصیل کرده است. در

سال‌های دانشجویی در سینما آزاد تهران فعالیت می‌کرد و فیلم‌های کوتاه **آنم آرزوست**، **خانه‌ی ابری**، **غریب**، **درس معلم اَر بود** و **معلم همه‌ی بچه‌های ایل** را ساخت. او در چند زمینه فعالیت هنری دارد و اولین پوستر سینمایی خود را برای فیلم **تاتوره**، ساخته‌ی کیومرث پوراحمد، طراحی کرد. در طراحی صحنه و لباس و عنوان‌بندی فیلم‌ها و مجموعه‌های **گزارش یک قتل**، **سربداران**، **افسانه‌ی سلطان و شبان**، **ای ایران**، **نرگس**، **خون‌بس**، **روسری آبی** و **سر نخ** همکاری کرده است. حقیقی معلمی تواناست و در دانشگاه‌های تهران، فارابی، دانشگاه آزاد، مدرسه‌ی عالی تلویزیون و سینما تدریس کرده است. او عضو انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک، عضو انجمن فیلم‌سازان مستند ایران و عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک است و تاکنون نمایشگاه‌های متعددی در داخل و خارج ایران برگزار کرده است.

نشانه‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم فجر، اثر ابراهیم حقیقی





حکمت، علی‌اصغر

(۱۳۵۹ ـ ۱۲۷۲هـ.ش.)

چهره‌ی فرهنگی و دولت‌مرد

حکمت از مردم فارس و از خانواده‌ای بافرهنگ و ثروت‌مند بود. تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی‌های تهران سپری کرد. در وزارت معارف به کار مشغول شد. به فرانسه رفت، از دانشگاه سوربن لیسانس گرفت و به تهران بازگشت. حکمت در طول عمر خود خدمات فرهنگی قابل توجهی به ایران کرد. هنگامی که وزیر معارف بود، کتاب‌خانه‌ی ملی، موزه‌ی ایران باستان و فرهنگستان ایران به همت او تأسیس شد. در بنیان‌گذاری دانشگاه تهران هم نقش فعالی داشت. برگزاری کنگره‌ی ابن‌سینا، ریاست کمیسیون ملی یونسکو، همکاری در تأسیس انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کنونی) نیز از خدمات اوست. حکمت دانشمند و دوست‌دار دانش بود. هم خودش آثار بسیاری نوشت و هم به چاپ آثار ارزش‌مند کمک کرد. یکی از آثار معروف و ماندگار او در این زمینه، **تصحیح تفسیر کشفُ‌الاسرار و عُدّةُ‌الابرار** رشیدالدین ابوالفضل میبدی در ۱۰ جلد است. **امثال قرآن**، **رومئو و ژولیت** (ترجمه)، **تاریخ جامع ادیان** (ترجمه)، **تاریخ باستانی ایران**، **پارسی نغز** و **رستاخیز** (ترجمه) از آثار اوست.



حکمت، ناظم

(۱۹۶۳ ـ ۱۹۰۱م.)

شاعر و نمایش‌نامه‌نویس ترک

در شهر سالونیک، از شهرهای ترک‌نشین یونان در قلمرو عثمانی، به‌دنیا آمد. با شروع جنگ اول جهانی و اشغال استانبول به دست متفقین، به شرق ترکیه رفت و به کار معلمی و تدریس در مدارس مشغول شد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مسکو رفت که موجب شد گرایش‌های کمونیستی در او تقویت شود. بعد از جنگ، هم‌زمان با استقلال ترکیه، به استانبول بازگشت. اما چند بار به جرم همکاری با نشریه‌های کمونیستی دستگیر و سرانجام به ۱۵ سال زندان محکوم شد. ولی از زندان گریخت و مخفیانه به شوروی رفت. در آن‌جا با مایا کوفسکی، شاعر روس، آشنا شد و باز ۴ سال بعد، با اعلام عفو عمومی، دوباره به استانبول بازگشت. در فاصله‌ی دو جنگ جهانی در کشورش به‌سر برد. ولی بار دیگر در سال ۱۹۳۸م. به اتهامی دستگیر و این بار، به ۳۵ سال زندان محکوم شد. ناظم حکمت ۱۲ سال در زندان به‌سر برد و سرانجام با تلاش مراجع بین‌المللی آزاد گشت. اما چون می‌دانست که هم‌چنان جانش در خطر است، در سال ۱۹۵۰م. شبانه کشورش را به سوی بلغارستان ترک کرد و از آن‌جا به شوروی گریخت. ۱۳ سال در مسکو زیست و سرانجام بر اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. از او اشعار بسیاری برجای ماند که پاره‌ای از آن‌ها با ترجمه‌ی احمد پوری در کتابی به نام **تو را دوست دارم چون نان و نمک** به فارسی ترجمه شده است.



حکمت‌نژاد، حسن

(تولد: ۱۳۰۹هـ.ش.)

هنرمند قالی‌باف

حسن حکمت‌نژاد فرزند محمدکاظم مجنونی است که در دوره‌ی پهلوی، از قالی‌بافان بنام بود. مجنونی در اصفهان، در خانه‌ای ۳هزار متری در محله‌ی شهشهان، ده‌ها کارگر بافنده‌ی قالی را به‌کار گرفته بود. اما عده‌ای از روی حسادت، شبانه به خانه‌اش ریختند و او را کشتند. فرزندش حسن حکمت‌نژاد در

همان خانه متولد شد. به دبیرستان می‌رفت که ماجرای قتل پدرش پیش آمد. او به کمک مادر و برادر، کار پدر را ادامه داد و این هنر را به تعالی و ترقی رساند. تا جایی که **قالی مجنونی**، از اعتبار و شهرت جهانی برخوردار شد. حکمت‌نژاد به قالی‌بافی نگاهی معنوی دارد. گفته است: «... من بی‌وضو هرگز پای کاغذ رسم نقشه نمی‌نشینم... قوم ما قومی است که در همه‌جا نگاهش معطوف به وحدت است... در مسجد شیخ‌لطف‌الله، هنرمند کاری کرده است که شما را رقصان، هلهله‌کنان، دعاخوانان، وردگویان و الله‌الله‌کنان به مرکز گنبد می‌رساند.» حکمت‌نژاد با توسعه‌ی صنعت قالی در دو روستای پوده در اصفهان و جزیره‌ی قشم در هرمزگان، تحولی در اقتصاد محروم این دو منطقه به‌وجود آورده است. در سال ۱۳۸۱، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، از تلاش‌ها و خدمات استاد حسن حکمت‌نژاد تقدیر کرد. کتابی نیز با نام **مجنونی‌ها**، یادواره‌ی دودمان طراح و قالی‌باف دیار اصفهان، به قلم **هادی سیف** درباره‌ی او انتشار یافته است.

▼ نمونه‌ای از یک قالی مجنونی، طرح حسن حکمت‌نژاد.

همچنین نگاه کنید به:
عرب‌زاده



حکیم، سیدمحسن طباطبایی

(۱۳۵۱ ـ ۱۲۶۵ ه.ش.)

مرجع تقلید شیعه

آیت‌الله حکیم در نجف به‌دنیا آمد. در شش سالگی پدرش را از دست داد و برادر بزرگش سرپرستی او را به عهده گرفت. در همان شهر و همان حوزه‌ی بزرگ درس خواند و به مدارج عالی تحصیلی رسید. از استادان بزرگش آخوند محمدکاظم خراسانی بود. آیت‌الله حکیم پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی در قم، در میان شیعیان به مرجعیت رسید و مقلدان بسیاری پیدا کرد. در زمان او، ابتدا کمونیست‌ها و بعد بعثی‌های عراق قدرت گرفتند؛ اما او با هر دو مبارزه کرد. در دوره‌ی بعثی‌ها، به ویژه در زمان حسن البکر و صدام حسین وضعیت او بسیار سخت شد. پس از مرگش این سختی برای خانواده‌اش شدیدتر شد. بسیاری از فرزندان پسر و اعضای خاندانش دستگیر و اعدام شدند. چند تن از آنان به ایران گریختند که دو فرزندش محمدباقر حکیم و محسن حکیم از آن جمله بودند. سرانجام با سقوط رژیم بعثی در عراق، خاندان حکیم به کشورشان بازگشتند و در تشکیل دولت جدید نقش مهمی به عهده گرفتند. آیت‌الله حکیم در ۸۰ سالگی در کاظمین درگذشت و فرزندش محمدباقر حکیم نیز در پی انفجار بزرگی که در کربلا روی داد، شهید شد. محمدباقر حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی

عراق بود.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
آخوند خراسانی



حکیمی، محمدرضا

(تولد: ۱۳۱۴ه.ش.)
نویسنده‌ی دین‌پژوه

در مشهد، در خانواده‌ای متدین و مذهبی به‌دنیا آمد. پدرش بازرگان و مردی آشنا به معارف دینی و اخلاقی و مادرش دختر یکی از علمای مشهد بود. پیش از پایان تحصیلات دبیرستانی، برای تحصیل علوم دینی به مدرسه‌ی نواب رفت. در آن‌جا از استادان برجسته‌ای مانند ادیب نیشابوری دوم، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ هاشم قزوینی و آیت‌الله میلانی بهره گرفت. او از شاگردان ممتاز آیت‌الله میلانی شد و به مرتبه‌ی اجتهاد رسید. حکیمی متفکر، علاقه‌مند به بیداری اسلامی و شیفته‌ی رستگاری جوانان بود. با نهضت ۱۵ خرداد، قلم و اندیشه‌اش بیش‌تر شکوفا شد و کتاب‌های **آوای‌روزها** و **سرود جهش‌ها** را نوشت که با نثری زیبا و حماسی، تأثیرگذار شد و در میان طلاب و دانشجویان خوانندگان بسیار یافت. حکیمی در سال ۱۳۴۵ از مشهد به تهران مهاجرت کرد و به محیط‌های علمی، فرهنگی و روشن‌فکری پانهاد. سپس در زمینه‌ی تألیف، ترجمه و تصحیح، به همکاری با شرکت انتشار و انتشارات فرانکلین پرداخت و با استادان برجسته‌ی حوزه و دانشگاه در تهران و قم نیز همکاری کرد. او به دعوت دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، دو سال در دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران تدریس کرد. حکیمی از پیروان **مکتب تفکیک** است؛ مکتبی که فهم درست معارف دین را در فهم قرآنیِ مبتنی بر روایات ائمه‌ی معصومینﷷ می‌داند و فلسفه و عرفان را در این امر دخالت نمی‌دهد. استاد حکیمی کتاب‌های بسیاری نوشته که ماندگارترین آن‌ها مجموعه‌ی حدیثی **الحیاة** در شش جلد به عربی است و استاد احمد آرام آن را به فارسی ترجمه کرده است. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به **یادنامه‌ی علامه‌ی امینی، در فجر ساحل، دانش مسلمین، خورشید مغرب، ادبیات و تعهّد** و **شیخ آقابزرگ تهرانی** اشاره کرد.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
آرام ، زرین‌کوب ، میلانی

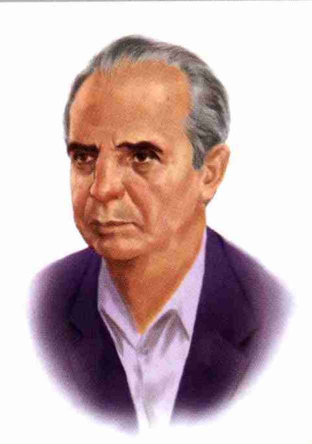


حکیمی، محمود

(تولد: ۱۳۲۳ه.ش.)
نویسنده‌ی کتاب‌های نوجوانان

محمود حاج‌حکیمی، معروف به محمود حکیمی، در جنوب تهران به‌دنیا آمد. دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی است.

از نوجوانی به فعالیت‌های مطبوعاتی و فرهنگی علاقه داشت و در مدرسه به تهیه‌ی روزنامه‌ی دیواری و نوشتن مقاله و داستان می‌پرداخت. از سال ۱۳۴۱، چند سال در کیهان بچه‌ها داستان می‌نوشت و بعدها با مجله‌های مکتب اسلام، نجات نسل جوان، نسل نو و پیام شادی همکاری کرد. بعد از انقلاب نیز چندی سردبیری مجله‌ی رشد دانش‌آموز را به عهده داشت. مهم‌ترین فعالیت‌های حکیمی، که باعث اشتهار و اعتبار او در میان نوجوانان شد، داستان‌هایی است که پیش از انقلاب اسلامی می‌نوشت و بسیار پرکشش و دارای محتوایی اسلامی و انقلابی بود. کتاب‌های **سوگند مقدس، به سوی ساحل، اشراف‌زاده‌ی قهرمان، نقاب‌داران جوان** و **وجدان** از مشهورترین داستان‌های اوست. حکیمی در زمینه‌های دیگری به‌جز داستان‌نویسی فعالیت داشته است. مجموعه‌ی **تاریخ تمدن انسان** (تألیف)



▲ محمود حکیمی نخستین نویسنده‌ای است که مضمون‌های انقلابی و دینی را به داستان‌های نوجوانان وارد کرد.

و **بدن انسان** (ترجمه) از آثار اوست. او حدود صد جلد کتاب تألیف کرده که قسمت قابل توجهی از آن‌ها در حوزه‌ی ادبیات دینی نوجوانان و جوانان است. محمود حکیمی دارای نشان درجه‌ی ۲ تعلیم و تربیت است و آن را از دست سیّد محمد خاتمی رئیس جمهوری سابق دریافت کرده است.



حمزه

(شهادت: سال سوم هجرت)
عموی پیامبر مشهور به سیدالشهدا

حمزه، فرزند عبدالمطلب، عموی پیامبر و مردی دلیر و جسور بود. هنوز به اسلام ایمان نیاورده بود که روزی هنگام بازگشت از شکار، چون دید ابوجهل به رسول خداﷺ دشنام می‌دهد، به شدت عصبانی شد. پیش آمد و با کمانی که در دست داشت، ضربه‌ی سختی به ابوجهل زد و پشتیبانی خویش را از پیامبر اسلام اعلام کرد و از آن پس، به منزله‌ی ستونی محکم و قوی برای اسلام و رسول خداﷺ در آمد و به‌ویژه پس از هجرت، در جنگ بدر رشادت زیادی از خود نشان داد. یک سال بعد از جنگ بدر، در جنگ اُحُد، به تحریک هند، همسر ابوسفیان و مادر معاویه، غلام او به نام وحشی، حمزه را از پای درآورد. پیامبر بسیار ناراحت و سوگوار شد. با این حال وحشی را بخشید و وحشی هم مسلمان

شد. لقب سیدالشهدا را پیامبر خود به عموی خویش داد. قبر حمزه در مدینه در میان شهدای احد، زیارت‌گاه مردم است. هنگامی که مصطفی عقّاد، فیلم محمد رسول‌الله ﷺ را ساخت، به جای چهره‌ی پیامبر، حمزه را چهره‌ی مرکزی فیلم قرار داد و آنتونی‌کوئین این نقش را به زیبایی بازی کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کوئین ، محمد ﷺ



حمورابی

(۱۷۵۰ ـ ۱۷۹۲ ق.م.)

پادشاه بابل

حمورابی ششمین و مشهورترین پادشاه از اولین سلسله‌ی شاهان بابل باستان است. او حکومت‌های محلی را از میان برداشت و موجب وحدت سیاسیِ میانْ‌رودان (بین‌النهرین) شد. تقسیم زمین بین مردم عادی و لشکریان نیز از کارهای اوست. اما شهرت حمورابی بیش‌تر به سبب قانون‌های اوست که روی سنگ‌نوشته‌ای، که به **لوح حمورابی** مشهور است، نوشته شده است. این سنگ‌نوشته، که در سال ۱۹۰۲ میلادی در حفاری‌های شوش کشف و به موزه‌ی لوور فرانسه برده شد، ستونی است که قسمت بالای آن حمورابی را در برابر الهه‌ی شمس (خدای خورشید) نشان می‌دهد. در پایین آن نیز به خط میخی ۲۸۵ بند قانون حمورابی نوشته شده است. این قوانین درباره‌ی حقوق و مقررات اجتماعی است و ارزش تاریخی بسیار دارد. نمونه‌ی ساخته‌شده‌ای از لوح حمورابی در موزه‌ی ایران باستان در معرض دید علاقه‌مندان قرار دارد.



▼ لوح حمورابی

هم‌چنین نگاه کنید به:

بُخت نَصَر



حمیدی، جواد

(۱۲۹۷ ـ ۱۳۸۱ه.ش.)

نقاش و شاعر

در همدان به‌دنیا آمد. از آن‌جا که ذوق هنری داشت و به نقاشی علاقه‌مند بود، پس از دریافت دیپلم، به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و لیسانس گرفت. سپس به فرانسه اعزام شد و از مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس فوق لیسانس دریافت کرد. حمیدی از هنرمندان تجدّدگرای ایران و از پیش‌گامان هنر جدید بود. ۴۰ سال در دانشگاه تهران، دانشگاه الزهرا، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه تربیت مدرس تدریس و شاگردان بسیاری تربیت کرد. آثار او در نمایشگاه‌های گوناگون در داخل و خارج ایران به نمایش درآمده است و اکنون دو تابلوی او در موزه‌ی هنرهای معاصر پاریس نگهداری می‌شود. حمیدی در نمایشگاه ۲۵ سال هنر مدرن ایران جایزه‌ی اول را دریافت کرد و در پنجمین دوسالانه‌ی نقاشی تهران نیز به دریافت جایزه و تقدیر هیئت داوران نایل آمد.

▲ «سه چیز دوست داشتنی من» از رسول اکرم ﷺ ، اثر جواد حمیدی.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حیدریان

حیدریان، علی‌محمد

(۱۳۶۹ ـ ۱۲۷۵ه.ش.)

نقاش

در تهران به‌دنیا آمد. علاقه‌ی زیادی به تحصیل در علوم و هنر داشت؛ ولی از آن‌جا که به سبب فقر مالی، توان پرداخت هزینه‌ی تحصیل خود را نداشت، به مدرسه‌ی کمال‌الملک رفت که دانش‌آموزان را به رایگان می‌پذیرفت. در آن مدرسه، زیر نظر کمال‌الملک مشغول آموختن نقاشی شد و با جدّیت این کار را ادامه داد. بعدها برای مطالعه درباره‌ی هنر اروپا، به فرانسه و بلژیک سفر کرد و از نزدیک با جایگاه نقاشی در میان مردم غرب آشنا شد و دریافت که میان نقاشی در جامعه‌ی غرب و نقاشی در جامعه‌ی ایران چه‌قدر فاصله وجود دارد. حیدریان از بنیان‌گذاران دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و خودش بیش از ۲۵ سال در آن‌جا تدریس کرد تا بازنشسته شد. هنرمندی بسیار پرکار بود و چشم‌داشتی به کسب درآمد از هنر خود نداشت و آثارش را هم نمی‌فروخت. مردی بسیار درون‌گرا بود و نقاشی را با خلقت یکی می‌دانست. او در سال‌های آخر عمرش و زمانی بهتر شناخته شد که در سال ۱۳۶۴، مجله‌ی کیهان فرهنگی گفت‌وگویی را با او، در حضور استادانی مانند جواد حمیدی، محمدعلی زاویه و حسین شیخ، ترتیب داد. در آن گفت‌وگو، حیدریان نظر خود را درباره‌ی نقاشی چنین بیان کرد: «یک نقاش واقعی از هر عارفی خدا را بهتر می‌شناسد؛ چون با خلقت سر و کار دارد. تا خلقت را نشناسید، نمی‌توانید خالق را بشناسید. در آن حالت نقاش به عالم دیگری می‌رود. در یک حالی که اصلاً گفتنی نیست.»

پیرمرد، **چهره‌ی استاد** و **منظره‌ی لاهیجان** از آثار محمدعلی حیدریان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حمیدی ، زاویه ، کمال‌الملک

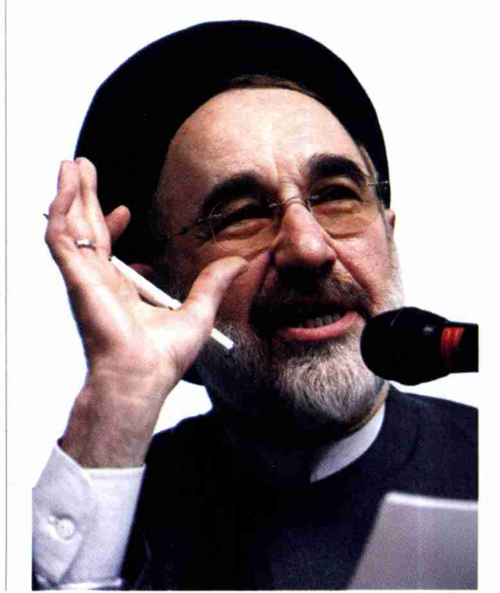


خاتمی، سیدمحمد

(تولد: ۱۳۲۲ه.ش.)

پنجمین رئیس‌جمهوری ایران

فرزند آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی، از علمای بزرگ اردکان است که در آغاز انقلاب از سوی امام خمینی به امامت جمعه‌ی اردکان و سپس یزد منصوب شده بود. سیدمحمد در اردکان به‌دنیا آمد. تحصیلات اولیه‌ی خود را در همان شهر گذراند و پس از اخذ دیپلم، به قم رفت. در قم، ضمن حضور در مبارزات سیاسی در نهضت ۱۵ خرداد، در سال ۴۲ به اصفهان رفت و در رشته‌ی علوم تربیتی از دانشگاه اصفهان مدرک کارشناسی گرفت. او با این که می‌توانست به سبب طلبه بودن معاف شود، به سربازی رفت و پس از بازگشت، ادامه تحصیل داد و از دانشگاه تهران مدرک کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرفت. سپس در قم نزد استادان برجسته‌ی حوزه مانند حائری یزدی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، مطهری و جوادی آملی، دروس خارج را گذراند. خاتمی یک سال نیز به هامبورگ آلمان رفت و اداره‌ی مرکز اسلامی هامبورگ را که قبلاً دکتر محمد بهشتی اداره می‌کرد به‌عهده گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در مسئولیت‌های متفاوتی مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی، سرپرستی مؤسسه‌ی کیهان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ریاست کتاب‌خانه‌ی ملی و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی خدمت کرد. او دوبار، یک‌بار در سال ۱۳۷۶ و بار دیگر در سال ۱۳۸۰ از سوی مردم به ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد و ۸ سال رئیس جمهور بود. خاتمی ارائه‌دهنده‌ی **نظریه‌ی گفت‌وگوی تمدن‌ها**ست.



هم‌چنین نگاه کنید به:

بهشتی ، مطهری



خادم، امیر و رسول

امیر (تولد: ۱۳۴۸ه.ش.)

رسول (تولد: ۱۳۵۰ه.ش.)

کشتی‌گیرهای خراسانی

محمد خادم و دو فرزندش امیر و رسول، سه عضو یک خانواده‌ی خراسانی هستند که در کشتی امروز ایران، نقش ارزنده‌ای ایفا کرده‌اند. محمد خادم در المپیک ۱۹۶۰ رُم حضور داشت. اما صاحب عنوان نشد. او سال بعد در مسابقات تولیدو در اسپانیا، مدال نقره‌ی جهان را دریافت کرد و تا سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵)، در تیم ملی کشتی بود. امیر، فرزند بزرگ محمد خادم، در چهار دوره‌ی المپیک (۱۹۸۸، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰) حضور پیدا کرد که در المپیک ۱۹۹۲ عنوان سوم جهان را به‌دست آورد. قبل از آن هم در مسابقات جهانی ۱۹۹۱ در وارنا (بلغارستان) بر سکوی اول جهان ایستاده بود. امیر خادم مدتی هم ریاست فدراسیون کشتی را به‌عهده داشت. او در انتخابات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از سوی مردم تهران انتخاب شد.

رسول خادم کشتی را از وزن ۴۸ کیلوگرم

آغاز کرد و تا فوق سنگین پیش رفت. او تقریباً در تمام وزن‌ها موفقیت به‌دست آورد و در میان کشتی‌گیران برجسته‌ی جهان، یک استثنا به حساب می‌آید. در سال ۱۹۹۲، به المپیک راه یافت و مدال برنز گرفت و در المپیک ۱۹۹۶، مدال طلا دریافت کرد. به‌علاوه، دو طلا و یک نقره‌ی جهانی کشتی را نیز در کارنامه‌ی خود دارد. رسول خادم پس از کسب مدال نقره‌ی جام جهانی ۱۹۹۸ تهران، کشتی را کنار گذاشت و به شورای شهر تهران راه پیدا کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تختی ، دبیر

▼ با آن که دست امیر رضا خادم دستش آسیب دیده بود، بر کرسی مقام سوم المپیک ایستاد.



خالقی، روح‌الله

(۱۲۸۵ـ۱۳۴۴هـ.ش.)

آهنگ‌ساز

در کرمان به‌دنیا آمد. پدر و مادرش به موسیقی علاقه‌مند بودند و در نواختن ساز مهارت داشتند. روح‌الله نیز چنان شیفته‌ی موسیقی شد که وقتی مدرسه‌ی موسیقی علی‌نقی وزیری تأسیس گردید، اولین شاگرد آن مدرسه شد. بعدها تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون ادامه داد و با ورود به دانش‌سرای عالی، لیسانس ادبیات فارسی گرفت و وارد خدمت در وزارت فرهنگ یا آموزش و پرورش شد. خالقی در سال ۱۳۲۳، انجمن موسیقی ملی و در سال ۱۳۲۸، هنرستان موسیقی ملی را تأسیس کرد. کار اصلی این استاد، آهنگ‌سازی بود که از مهم‌ترین و مشهورترین آهنگ‌های او باید به **بوی جوی مولیان**، **حالا چرا** و **بهار دل‌نشین** همراه با آواز بنان اشاره کرد. خالقی آهنگ سرودهای **پند سعدی**، **دانش**، **شادی**، **امید**، **آذربایجان**، **اصفهان**، **ای ایران** و نیز سرود **نفت** را به مناسبت ملی شدن نفت ساخته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بنان ، صبا ، وزیری



خامنه‌ای، سیدعلی

(تولد: ۱۳۱۸هـ.ش.)

رهبر جمهوری اسلامی ایران

در شهر مشهد به‌دنیا آمد. پدر ایشان حجت‌الاسلام سیدجواد حسینی خامنه‌ای، از روحانیان معروف مشهد بود که فرزندان خود را به تحصیل علوم و معارف دینی ترغیب می‌کرد. سیدعلی خامنه‌ای از کودکی با قرآن و تعالیم دینی مأنوس شد. به مدرسه رفت؛ ولی پیش از به پایان رساندن دوره‌ی دبیرستان، برای تحصیل علوم دینی



و خواندن درس‌های طلبگی وارد حوزه‌ی مشهد شد و به خواندن ادبیات، فقه و اصول پرداخت. در جوانی، یک سال به نجف رفت. سپس به ایران بازگشت و ۷ سال در قم به تحصیل در حوزه در نزد استادان و علما ادامه داد. از استادان معروف وی می‌توان شیخ هاشم قزوینی، آیت‌الله میلانی (در مشهد)، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله خویی (در نجف)، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و شیخ مرتضی حائری را (در قم) نام برد. او از سال ۱۳۳۳ به مشهد بازگشت. با شروع نهضت اسلامی ۱۵ خرداد، به یاران امام خمینی پیوست و از آن پس همواره از چهره‌های مبارز و خستگی‌ناپذیر این راه به‌شمار می‌رفت. در طول ۱۵ سال فعالیت تا پیروزی انقلاب اسلامی، پیوسته در تعقیب، زندان و تبعید بود و آخرین دوره‌ی تبعید را در سال ۱۳۵۶ در ایرانشهر گذراند. آیت‌الله خامنه‌ای بیش‌ترین فعالیت تبلیغی خود را طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در مشهد متمرکز ساخته بود. برگزاری جلسات عقیدتی سیاسی برای طلاب و دانشجویان، جلسات درس تفسیر و حدیث و اندیشه‌ی اسلامی برای جوانان و جلسات عمومی در مساجد کرامت، امام حسن و میرزا جعفر مشهد، از جمله فعالیت‌های ایشان در آن سال‌هاست. در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از رهبران مبارزه در مشهد بود و پس از انقلاب، مسئولیت‌های بسیار مهمی مانند عضویت در شورای انقلاب اسلامی، عضو مؤسس حزب جمهوری اسلامی، نماینده‌ی امام در وزارت دفاع، عضویت در مجلس خبرگان، امامت جمعه‌ی تهران، نمایندگی دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی و دو دوره ریاست جمهوری اسلامی (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸) را عهده‌دار شد. او در زمینه‌ی تألیف نیز به نگارش یا ترجمه‌ی آثار ارزش‌مندی مانند **نقش مسلمانان در آزادی هند، طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی، از ژرفای نماز، درست فهمیدن اسلام** و ترجمه‌ی کتاب‌های **آینده در قلمرو اسلام، ادعانامه علیه تمدن غرب و صلح امام حسن**(ع) پرداخته است. پس از رحلت امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸، نمایندگان مجلس خبرگان آیت‌الله خامنه‌ای را به مقام رهبری جمهوری اسلامی برگزیدند و ایشان تا امروز سکّان هدایت انقلاب و جمهوری اسلامی را به عهده دارند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خمینی (سید روح‌الله)



خرّازی، حسین

(۱۳۶۵ ـ ۱۳۳۶هـ.ش.)

فرمان‌ده لشکر امام حسین(ع)

حسین خرازی در خانواده‌ای از طبقه‌ی متوسط در اصفهان به‌دنیا آمد. در نوجوانی با شرکت در جلسات و مجامع مذهبی با افکار و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی آشنا شد. در روزهای آغازین انقلاب، وارد کمیته‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان شد و بعدها به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. با شعله‌ور شدن جنگ در کردستان، راهی آن منطقه شد و به مبارزه با ضد انقلاب پرداخت. با آغاز جنگ تحمیلی نیز وارد عرصه‌ی مبارزه با نیروهای عراقی شد و در سال ۱۳۶۰ تیپ امام حسین(ع) را، که مدتی بعد لشکر شد، در اصفهان بنیان نهاد. خرازی بسیار جسور و شجاع بود، تا عمق خطوط دشمن پیش می‌رفت و شخصاً در عملیات شناسایی شرکت می‌کرد. او، که فرمان‌ده لشکر امام حسین(ع) شده بود، در اسفند ۱۳۶۵ در ۳۱ سالگی بر اثر انفجار خمپاره به شهادت رسید. پیکرش را در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپرده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
باکری ، صیاد شیرزای ، همت



خرّمشاهی، بهاءالدین

(تولد: ۱۳۲۴هـ.ش.)

قرآن‌پژوه، حافظ‌شناس و مترجم

در قزوین به‌دنیا آمد. پدرش از عالمان شهر بود و در ادبیات فارسی و عربی دست داشت و خود، نخستین معلم فرزندش بود. بهاءالدین در سال ۱۳۴۲ دیپلم طبیعی گرفت و به رشته‌ی پزشکی رفت. اما این رشته را رها کرد و سال بعد به رشته‌ی ادبیات فارسی دانشگاه تهران روی آورد. در آن زمان، در دانشگاه

تهران استادان برجسته‌ای چون پرویز ناتل خانلری، ذبیح‌الله صفا، ابراهیم پورداوود، مهدی محقق، سید جعفر شهیدی و... حضور داشتند. خرمشاهی از محضر همه‌ی آن‌ها، به‌ویژه از محضر دکتر شهیدی و دکتر محقق، به بهترین نحو استفاده و مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد. سپس در رشته‌ی کتاب‌داری ادامه‌ی تحصیل داد و فوق لیسانس گرفت. کارنامه‌ی بهاءالدین خرمشاهی در قرآن‌پژوهی و حافظ‌پژوهی بسیار پربار است. او علاوه بر ترجمه‌ی قرآن، که آن را با تفسیری کوتاه نیز همراه ساخته، صدها مقاله در حوزه‌ی علوم قرآنی به رشته‌ی تحریر درآورده است. در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی نیز پس از انتشار کتاب **ذهن و زبان حافظ**، کتاب دو جلدی **حافظ‌نامه** را در شرح غزلیات حافظ منتشر کرده که از منابع ارزش‌مند در این زمینه به‌شمار می‌رود. به‌علاوه، ده‌ها مقاله درباره‌ی حافظ نوشته که در نشریه‌های گوناگون چاپ شده است. خرمشاهی در ترجمه نیز تواناست. بیش از ۵۰ کتاب در حوزه‌ی تألیف و حدود ۲۰ کتابِ ترجمه شده و بیش از هزار مقاله در کارنامه‌ی او ثبت شده است. خرمشاهی عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و تاکنون در مجامع و مراسم گوناگونی از او تقدیر شده است. از آن جمله در سال ۱۳۸۲ مجلس بزرگ‌داشت او در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، برگزار شد.

همچنین نگاه کنید به:
شهیدی ، محقق



خسروپرویز

(مقتول: ۶۲۷م.)
پادشاه ساسانی

پس از پدرش، هرمز چهارم، به پادشاهی رسید. در آغاز با بهرام چوبین، که مدعی سلطنت بود، درگیر شد؛ ولی به کمک موریس، امپراتور روم شرقی، بر بهرام چیره شد و او را شکست داد. بعدها هنگامی که موریس در قسطنطنیه، به دست فوکاس که مدعی امپراتوری روم بود، کشته شد، خسروپرویز به خون‌خواهی او برخاست و بخش بزرگی از روم را اشغال کرد. اما سرانجام یکی از سرداران رومی به نام هراکلیوس، او را از روم بیرون راند. خسروپرویز مردی بی‌رحم، متکبر، خوش‌گذران و بی‌تدبیر بود. بدرفتاری‌های او با مردم و به‌ویژه با سردارانش، سبب شد شورش کنند و او را به زندان بیندازند. حتی پسرش، مردان‌شاه را که از همسر معروفش شیرین بود، جلو رویش کشتند و بعد هم خودش را به قتل رساندند. از وقایع مهم زمان خسروپرویز، دریافتِ نامه‌ای از حضرت محمدﷺ بود که او را به اسلام دعوت کرده بود. ولی خسروپرویز به دلیل آن‌که پیامبر نام خود را پیش از اسم او نوشته بود، نامه را پاره کرد. او فرستاده‌ی پیامبر، عبدالله‌بن حذافه، را از خود راند و به باذان، حکم‌ران یمن، نوشت که محمدﷺ را دستگیر کند و به دربار او بفرستد. حضرت محمدﷺ چون از رفتار بد خسروپرویز آگاه شد او را نفرین کرد و پیش‌بینی کرد که خسروپرویز به عاقبت بدی دچار شود، و چیزی نگذشت که خسروپرویز با آن وضع فجیع کشته شد. مجموع کارهای خسروپرویز در دوره‌ی پادشاهی ۳۷ ساله‌اش موجب رو به زوال رفتن شاهنشاهی بزرگ ساسانی شد. چندی نگذشت که شیرازه‌ی مملکت از هم گسیخت و ایران به‌دست مسلمانان افتاد.

همچنین نگاه کنید به:
انوشیروان

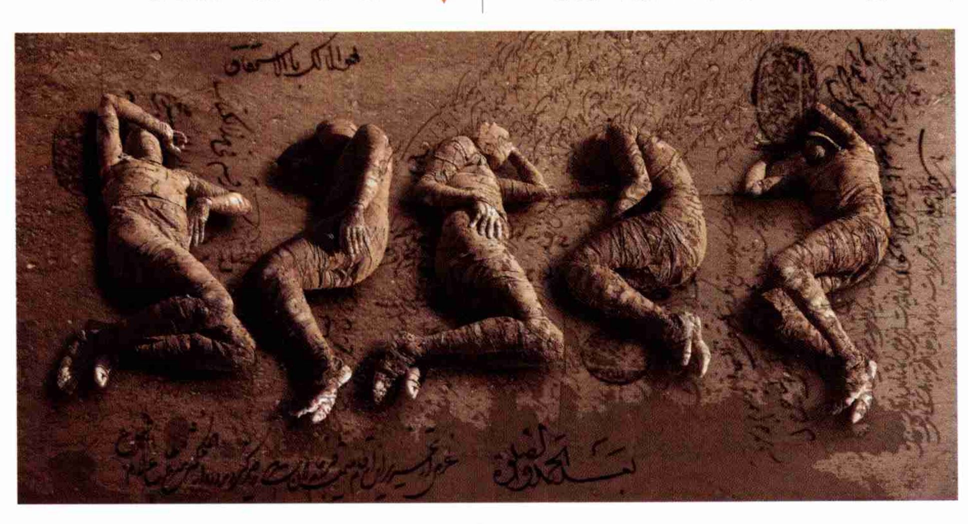


خسروجردی، حسین

(تولد: ۱۳۳۶ه.ش.)
نقاش

در تهران به‌دنیا آمد. از هنرستان هنرهای زیبای پسران دیپلم گرفت. سپس به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت. در اوایل انقلاب اسلامی، با همکاری نقاشانی مانند ناصر پلنگی، کاظم چلیپا، حسین صدری و... به حوزه‌ی هنر و اندیشه‌ی اسلامی، که بعدها حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات نام گرفت، پیوست و آثاری در زمینه‌ی هنر انقلاب به‌وجود آورد. آن‌گاه در زمینه‌های نقاشی، مجسمه‌سازی، گرافیک، کاریکاتور و طراحی صحنه، به فعالیت پرداخت. خسروجردی یکی از اعضای مؤسس انجمن نقاشان ایران است. او چند نمایشگاه انفرادی و گروهی در ایران و کشورهایی مانند دانمارک، کویت، هند، ترکیه، آمریکا، روسیه و چین برگزار کرده و چند جایزه‌ی بین‌المللی نیز دریافت داشته است.

▼ «انسان» اثر حسین خسروجردی





خشایارشا

(فوت: ۴۶۵ ق.م.)
چهارمین شاه هخامنشی

فرزند داریوش و نوه‌ی دختری کوروش بزرگ بود و مادرش آتوسا نام داشت. خشایارشا مردی تندخو و خشن بود و از همان آغاز، که به تخت پادشاهی نشست، قصد لشکرکشی به یونان را داشت؛ زیرا می‌خواست کاری را که پدرش داریوش نتوانسته بود انجام دهد، یعنی فتح یونان، به انجام رساند. او با سپاه عظیمی راهی یونان شد. سپاهیان او با کنار هم نهادن کشتی‌ها، روی دریا پلی ساختند و از تنگه‌ی داردانل گذشتند و خود را به یونان رساندند. آن‌گاه آماده‌ی حمله به آتن شدند. آتنی‌ها و اسپارتی‌ها برای رویارویی با سپاه خشایارشا، متحد شدند و جمعی از آنان تنگه‌ی ترموپیل را بستند. اما ایرانیان با پیش‌روی خود، همه‌ی سربازان یونانی را از سر راه برداشتند و به آتن رسیدند. خشایارشا دستور داد به تلافی آتش زدن شهر سارد به دست یونانیان در جنگ با داریوش، معبد آکروپُلیس را در آتن به آتش بکشند. او یونانی‌ها را مغلوب کرد و فرمان‌دهی به نام مردونیه را، که در جنگ با یونانیان پیش‌قدم شده بود، فرمان‌روای آن‌ها کرد و به ایران بازگشت. خشایارشا باقی‌مانده‌ی عمر خود را در تخت جمشید، به شادخواری و کامرانی گذراند. جنایاتی مرتکب شد که سبب شد رئیس گارد سلطنتی، که اردوان نام داشت و عمویش نیز بود، او را به قتل برساند. هرودوت، مورخ یونانی، در کتاب تاریخ خود، گفت‌وگویی را که میان خشایارشا و اردوان درباره‌ی جنگ با یونان به میان آمده، نقل کرده است که عبرت‌آموز و خواندنی است. این گفت‌وگو را در قرن بیستم، نهرو، نخست‌وزیر هند، در کتاب خود، نگاهی به تاریخ جهان، برای دخترش ایندیرا گاندی نقل کرده است.



کاسه‌ی زرین که نام «خشایارشا» به سه زبان روی آن نوشته شده است.

همچنین نگاه کنید به:
آشیل ، داریوش ، کوروش



خمینی، سید احمد

(۱۳۲۴ ـ ۱۳۷۳هـ.ش.)
فرزند امام‌خمینی

سید احمد دومین پسر امام خمینی بود که به **یادگار امام** شهرت یافته است. سید احمد که در دوران تبعید امام در قم به‌سر می‌برد و امور مربوط به امام را اداره می‌کرد، هنگام شهادت سید مصطفی در نجف بود. شهادت مصطفی مسئولیت سید احمد را در همراهی با پدر بیش‌تر کرد. او در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی، اداره‌ی امور بیت ایشان را به عهده داشت و در مقام مشاوری امین در کنار امام خمینی خدمت کرد. پس از درگذشت پدر نیز، هم‌چنان به تحکیم و تقویت رهبری انقلاب پای‌بند بود تا این که در ۲۶ اسفند ۱۳۷۳، در ۴۹ سالگی درگذشت. او را در کنار پدر خود، در داخل ضریح امام خمینی، به خاک سپردند. از سید احمد خمینی، سه فرزند پسر باقی مانده است که بزرگ‌ترین آن‌ها سیدحسن خمینی است. او تولیت مرقد امام خمینی را به‌عهده دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خمینی (سید روح‌الله)



خمینی، سید روح‌الله

(۱۲۸۱ ـ ۱۳۶۸هـ.ش.)
رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران

در شناسنامه، نامش را سیدروح‌الله مصطفوی ثبت کرده‌اند؛ اما پیروانش او را به نام امام خمینی می‌شناسند و در جهان نیز به همین نام یا نام آیت‌الله خمینی شناخته می‌شود. در سال ۱۲۸۱هـ.ش، در شهر خمین به‌دنیا آمد. از سادات موسوی (منسوب به امام موسی‌کاظم(ع)) بود؛ ولی نام خانوادگی خود را از پدر شهیدش، مصطفی، که در ماه‌های اول تولد او به دست اشرار در راه خمین به قتل رسید، گرفت. روح‌الله تا ۱۵ سالگی زیر نظر مادرش پرورش یافت و مقدمات علوم را از برادر بزرگش، سید مرتضی پسندیده، آموخت. در ۱۹ سالگی به اراک رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن‌جا به تحصیل ادامه داد. سپس همراه استادش، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، به قم رفت. شیخ در آن‌جا حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تأسیس کرد. امام خمینی علاوه بر استعداد ذاتی و داشتن مربیانی خوب در کودکی و نوجوانی،

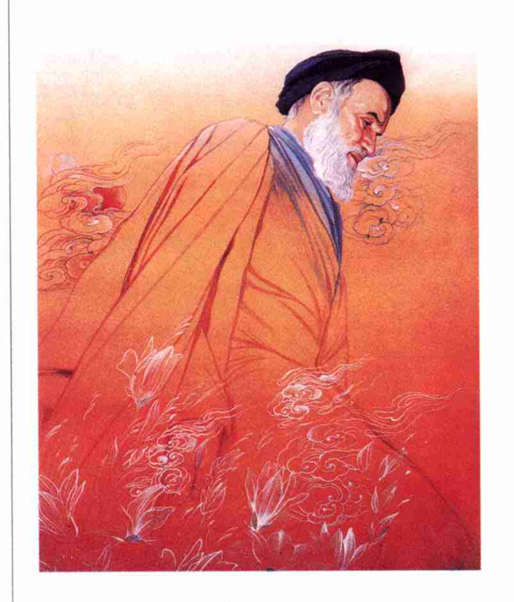


امام خمینی (راست) در نوجوانی

استادان برجسته‌ای نیز داشت که سیدعلی یثربی‌کاشانی، سیدمحمدتقی خوانساری، میرزاجواد ملکی تبریزی، سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، میرزامحمدعلی شاه‌آبادی و آیت‌الله بروجردی از مهم‌ترین آنان بودند. در ۲۷ سالگی با خانم قدس‌ایران، دختر یکی از علمای تهران، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج، ۵ دختر و ۲ پسر بود. امام خمینی، که کودکی و نوجوانی را در سال‌های مشروطه و جنگ اول جهانی و سپس کودتای رضاخان و دیگر تحولات مهم داخلی و خارجی گذرانده بود، مردی خودساخته و دارای بینش قوی علمی، دینی و سیاسی بود. در دوره‌ی آیت‌الله بروجردی، مورد توجه و اعتماد خاص آن مرجع بزرگ بود و دوبار از سوی ایشان به ملاقات شاه رفت تا به او تذکراتی بدهد. امام خمینی در سال‌هایی که در حوزه‌ی قم بود، بیش از هر چیز در تربیت شاگردانی عالم و پیراسته از هواهای نفسانی کوشید. از این‌رو، بسیاری از شاگردانش، بعدها چهره‌هایی فداکار و خدمت‌گزارِ نهضت اسلامی شدند. نقطه‌ی آغاز حرکت سیاسی امام‌خمینی، پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، از سال ۱۳۴۱ و در پی اقداماتی بود که رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی به بهانه‌ی اصلاح امور کشور بدان دست زد و نامش را انقلاب سفید گذاشت. اصلاحات ارضی، که موجب فروپاشی ساختار اجتماعی ایران شد، ارتباط آشکار با رژیم صهیونیستی، در پیش‌گرفتن سیاست‌های ضد دینی و گسترش غرب‌گرایی و توسعه‌ی اماکن و فضاهای فاسد و ضدّ اخلاقی و...، سبب شد امام خمینی به مخالفت آشکار با رژیم شاه برخیزد و حمایت علما و مراجع و قشرهای مذهبی را هم جلب کند. محبوبیت روحانی و معنوی امام موجب شد عامّه‌ی مردم به او بپیوندند و نهضت بزرگی در سراسر ایران برپا شود. رژیم شاه نیز واکنش نشان داد؛ امام را دستگیر کرد، به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم حمله برد، در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، هزاران نفر را در تهران قلع و قمع کرد و سرانجام، امام خمینی را به شهر بورسا در ترکیه و سپس نجف تبعید کرد. امام ۱۵ سال در نجف، به مبارزه ادامه داد؛ ولی از تدریس و ارشاد و پرورش شاگردان، به‌ویژه تهذیب نفس آنان، غافل نشد. سیاست‌های سرکوب‌گرانه و ضدّ دینی و ضدّ ملی رژیم شاه از یک طرف و تلاش‌ها و مجاهدت‌های روحانیان، روشن‌فکران، دانشجویان، بازاریان، گروه‌های مسلّح و... از طرف دیگر، موجب بروز مجدّد نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۶ شد و امام خمینی را بار دیگر به صحنه‌ی مبارزه بازگرداند. بدین ترتیب امام، رهبری انقلاب را نخست از نجف به مدت طولانی و بعد با هجرت به فرانسه، به مدت چند ماه، از پاریس به‌عهده گرفت و خواستار خروج شاه از کشور شد. سرانجام، شاه از کشور خارج شد و امام در ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷، پس از ۱۵ سال تبعید به ایران بازگشت و ایران شاهد طولانی‌ترین و عظیم‌ترین استقبال تاریخ خود، از فرودگاه مهرآباد تا بهشت‌زهرا، گردید. ۱۰ روز بعد، در روز ۲۲ بهمن و در پی سه روز جنگ خیابانیِ مردم با بازماندگان رژیم، نظام شاهنشاهی به‌کلی فروپاشید. در نتیجه، دولت موقت انقلاب اسلامی به نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان، که منصوب امام بود، اداره‌ی امور کشور را به‌دست گرفت و عصر جدیدی در تاریخ ایران آغاز شد. پس از آن، امام ده سال رهبری انقلاب را به‌دست گرفت و با رهبری او بود که مردم ایران، ۸ سال با تجاوز عراق به کشور خود

امام خمینی پس از ۱۵ سال تبعید، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به میهن بازگشت.





به مقابله برخاستند و حماسه‌ی «دفاع مقدس» را پدید آوردند. این در حالی بود که همه‌ی قدرت‌های جهانی از عراق حمایت می‌کردند. امام خمینی تا ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، هم‌چنان رهبری کشور و انقلاب اسلامی را در دست داشت و در پی بیماری نسبتاً کوتاهی درگذشت. پیکرش را در غرب بهشت‌زهرای تهران و در کنار بزرگ‌راه تهران ـ قم به خاک سپردند که امروز، به زیارت‌گاه بزرگی تبدیل شده است. پس از امام خمینی، مجلس خبرگان تشکیل جلسه داد و اعضای آن در اولین اقدام، آیت‌الله خامنه‌ای را، که در آن زمان رئیس‌جمهوری بود، به مقام رهبری انقلاب و جانشینی امام خمینی انتخاب کردند. امام خمینی مردی فقیه، عارف، نویسنده و شاعر بود. اشعاری که پس از درگذشت او انتشار یافت، موجب شگفتی اهل نظر شد. کتاب‌های مشهور او، عبارت است از: **کشف‌الاسرار**، **چهل حدیث**، **شرح حدیث جنود عقل و جنود جهل**.
مجموعه‌ی پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی با نام **صحیفه‌ی امام** منتشر شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خامنه‌ای ، خمینی (سید مصطفی) ، شاه‌آبادی



خمینی، سید مصطفی

(۱۳۵۶ ـ ۱۳۰۹ه.ش.)
فرزند ارشد امام‌خمینی

سیّد مصطفی در قم دیده به‌جهان گشود. پس از خواندن درس‌های ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و با استفاده از محضر پدرش و دیگر علمای حوزه، به درجه‌ی اجتهاد رسید. با شروع نهضت ۱۵ خرداد، همراه پدر وارد مبارزه با رژیم شاه شد. هنگامی که امام خمینی به ترکیه تبعید شد، همراه ایشان به ترکیه و سپس به نجف رفت و در آن‌جا به تدریس و تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف پرداخت. در نجف نیز از مبارزه با رژیم شاه غافل نبود و در این راه، امام را همراهی و هم‌گامی می‌کرد. در اول آبان ماه سال ۱۳۵۶، سیدمصطفی خمینی به نحو مشکوک و غیرمنتظره‌ای در نجف درگذشت. فوت او در ایران بازتاب گسترده‌ای یافت و مردم، در مجالس ترحیم او، جرئت یافتند بعد از ۱۵ سال، یاد و نام امام خمینی را، که هنوز در تبعید به سر می‌برد، آشکارا بر زبان بیاورند. این امر موجب ایجاد وضعیت جدیدی بر ضد رژیم شاه شد و نهضت تازه‌ای، که همان انقلاب اسلامی بود، در ایران آغاز گردید. این نهضت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی و سپس اعلام جمهوری اسلامی، از طریق همه‌پرسی، به بار نشست. امام خمینی در مرگ فرزند خود شکیبایی کم‌نظیری نشان داد و مرگ مصطفی را «از الطاف خفیّه‌ی الهی» دانست. سیدمصطفی خمینی، که بیش‌تر به **حاج‌آقا مصطفی** معروف است، از نظر علمی مردی برجسته بود و کتاب‌هایی نوشت که یکی از آن‌ها، **تفسیر قرآن** است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خمینی (سید روح)



خواجوی، ریزعلی

(تولد: ۱۳۰۵ه.ش.)
دهقان فداکار

اَزبُرعلی خواجوی، که به ریزعلی خواجوی و دهقان فداکار مشهور شده است، در روستای قهرمانلوی میانه در آذربایجان به‌دنیا آمده است. او در روستای خود به کار کشاورزی مشغول بود و هنوز هم آن‌جا زندگی می‌کند. راه‌آهن تهران تبریز از نزدیک روستای قهرمانلو می‌گذرد. هنگامی که ریزعلی جوان بود، روزی هنگام غروب، وقتی از کنار خط‌آهن عبور می‌کرد، ناگهان کوه ریزش کرد و توده‌های سنگ راه قطار را بست. ریزعلی می‌دانست تا ساعتی دیگر قطار به این نقطه خواهد رسید و در برخورد با سنگ‌ها از ریل منحرف خواهد شد و ممکن است جان مسافران زیادی به خطر بیفتد. در نتیجه، فکری به نظرش رسید. او که می‌دانست آتش نشانه‌ی هشدار و اعلام خطر است، ابتدا خود را به صدها متر جلوتر از نقطه‌ی ریزش سنگ‌ها رساند. سپس لباس خود را درآورد و آن را بر سر چوب‌دستی خود بست و مقداری از نفت فانوسی را که در دست داشت، روی آن ریخت. سپس مشعلی را که ساخته بود، آتش زد و دوان دوان به استقبال قطار رفت. وقتی قطار نزدیک شد، راننده دانست که خطری در پیش است. ترمز را کشید و از قطار پیاده شد. ریزعلی ماجرا را تعریف کرد و بدین ترتیب، جان مسافران از خطر نجات یافت. سال‌ها دانش‌آموزان سوم دبستان شرح این ماجرا را در درس «دهقان فداکار» می‌خواندند و امروز به شکلی دیگر در درس «فداکاران» می‌خوانند.



▲ خواجه نصیرالدین توسی از چهره‌های بی‌نظیر تاریخ ایران در زمینه‌ی علم، فقه، فلسفه و سیاست است.



خواجه نصیرالدین توسی

(۶۷۲ ـ ۵۹۸ ه.ق.)

حکیم بزرگ ایرانی

خانواده‌اش اهل جَهرود قم بودند؛ اما نصیرالدین در توس متولد شد. پدر و دایی‌اش عالم بودند و نصیرالدین مقدمات علوم را نزد آنان فراگرفت. در آن زمان، در خراسان اسماعیلیان، عالمان و دانشمندان را تشویق و از آن‌ها حمایت می‌کردند؛ از این‌رو، خواجه نصیرالدین به قُهستان نزد امیر ناصرالدین، مُحتشَم قهستان، که اسماعیلی مذهب بود، رفت و کتاب **اخلاق ناصری** را در آن‌جا و به نام او نوشت. اما بعدها همین امیر، او را زندانی کرد و به قلعه‌ی الموت در قزوین فرستاد. سرانجام، هلاکوخان، هنگامی که برای سرکوب اسماعیلیان به الموت حمله کرد، خواجه را آزاد کرد و او را به خدمت خود گرفت. نصیرالدین بسیار باهوش و کاردان بود. مذهب شیعه‌ی دوازده امامی داشت و در گسترش معارف شیعی نقش مهمی ایفا کرد. عالمان بسیاری را از نقاط گوناگون گرد آورد و در مراغه رصدخانه‌ی بزرگی ساخت و کتاب‌خانه‌ای با ۴۰۰ هزار جلد کتاب در کنار آن ایجاد کرد که موجب زنده شدن دانش و دانشمندان، پس از حمله‌ی ویران‌گر مغولان به ایران شد. او را بعد از ابن‌سینا بزرگ‌ترین حکیم مسلمان دانسته‌اند و لقب **استادالبشر** و عقل حادی عَشَر داده‌اند. خواجه در حمله‌ی هلاکوخان مغول به بغداد، که سبب کشته شدن خلیفه و سقوط خلافت دیرپای عباسیان شد، همراه او بود. او پس از یک زندگی پرحادثه، در ۷۵ سالگی در کاظمین درگذشت و در جوار هفتمین امام شیعه، حضرت موسی‌کاظم(ع)، به خاک سپرده شد. خواجه نصیرالدین توسی ده‌ها کتاب و رساله نوشت که پنج جلد از آن‌ها فقط به علم منطق اختصاص دارد. **آداب‌المتعلّمین**، **اوصاف‌الاشراف** و **معیارالاشعار** از دیگر کتاب‌های اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابن‌سینا ، علامه حلّی ، هلاکوخان



خواجه نظام‌الملک

(۴۸۵ ـ ۴۰۸ ه.ق.)

وزیر عصر سلجوقیان

ابوعلی حسن‌بن علی‌بن اسحق، معروف به خواجه نظام‌الملک، در توس چشم به جهان گشود. در شهرهای توس و نیشابور و مرو تحصیل کرد و فقه و حدیث آموخت و مردی فرهیخته و دانشمند شد. آلب‌ارسلان سلجوقی، او را پس از عمیدالملک کندری، به وزارت خود برگزید. خواجه توانست طی ۵۵ سال، کشور پهناور ایران را در زمان آلب‌ارسلان و پسرش ملکشاه به خوبی اداره کند. از کارهای مهم او بنیان‌گذاری مجموعه‌ای از مدارس عالی به نام نظامیه در شهرهای بغداد، نیشابور، بلخ، هرات، مرو، آمل، بصره و اصفهان بود که تا دو قرن بعد، دانشمندان بزرگی در آن‌ها تربیت شدند. در این مدارس به دانشجویان مقرری ماهانه پرداخت می‌شد. خواجه‌نظام‌الملک اهل قلم نیز بود و کتاب او به نام **سیاست‌نامه** یکی از نمونه‌های نثر روان فارسی است. او در راه سفر به بغداد، در شهر صحنه‌ی کرمانشاه به دست یکی از فداییان اسماعیلی کشته شد. جنازه‌اش را به اصفهان، پایتخت سلجوقیان، بردند و در محله‌ای که امروز دارالبطّیخ نام دارد، به خاک سپردند. چندی بعد، ملکشاه را هم در کنار او دفن کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آلب‌ارسلان



خوارزم‌شاه، جلال‌الدین

(مقتول: ۶۲۸ ه.ق.)

سردار شجاع خوارزمشاهی

فرزند سلطان محمد خوارزم‌شاه بود و برعکس پدرش، که از ترس مغولان گریخت، سال‌ها و تا آن‌جا که توانست، با مغول‌ها جنگید. وقتی محمد خوارزم‌شاه در جزیره‌ی آبِسکون دریای خزر مرد، جلال‌الدین به خوارزم که هنوز به‌دست مغولان نیفتاده بود، بازگشت. اما در خوارزم نماند و با لشکری به طرف خراسان و افغانستان رفت. در ایالت پروان، با مغول‌ها روبه‌رو شد و با ۹۰ هزار سربازی که به او پیوسته بودند، مغول‌ها را شکست سختی داد. بعد از این پیروزی، سرداران سپاه او دچار اختلاف و پراکندگی شدند که سبب شد چنگیزخان، جلال‌الدین را تا ساحل رود سند تعقیب کند. در آن‌جا عرصه بر جلال‌الدین تنگ شد. به‌ناچار، خود را سوار بر اسب، از ارتفاع به داخل رودخانه پرتاب کرد و گریخت و چنگیز و فرزندانش را انگشت به دهان گذاشت. جلال‌الدین نزدیک به ۱۰ سال شرق و غرب ایران، از خراسان تا کرمان، از اصفهان تا کردستان، و از آذربایجان تا گرجستان را زیر پا گذاشت و با مغول‌ها جنگید و بارها از مرگ نجات یافت. اما چون برادرش غیاث‌الدین به او خیانت کرد و خلیفه‌ی بغداد نیز به جنگ او برخاست، نتوانست مبارزه

▼ شجاعت و دلاوری جلال‌الدین خوارزم‌شاه موجب شگفتی چنگیزخان مغول و فرزندانش شد. این تصویر جلال‌الدین را در پهنه‌ی آب‌های رود سند نشان می‌دهد.

با مغول‌های ویران‌گر را به جایی برساند. سرانجام، شبی در یکی از کوه‌های کردستان، ناشناسی به لباس و اسبش طمع کرد و او را کشت. جلال‌الدین خوارزم‌شاه را جلال‌الدین مُنکبرنی هم می‌گویند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
چنگیزخان ، خوارزم‌شاه (محمد)



خوارزم‌شاه، محمد

(فوت: ۶۱۸ ه.ق.)
پادشاه خوارزم‌شاهی

قطب‌الدین محمد، معروف به سلطان محمد خوارزم‌شاه، مقتدرترین پادشاه سلسله‌ی خوارزم‌شاهیان و در عین‌حال ناموفق‌ترین آن‌ها بود. زیرا در اثر بی‌تدبیری او، مغول‌ها به ایران حمله کردند و کشور را ویران ساختند. وقتی هجوم مغول‌ها به ایران آغاز شد و خبر آن به سلطان محمد خوارزم‌شاه رسید قدم به قدم عقب‌نشینی کرد و سرانجام به جزیره‌ی آبسکون در دریای خزر پناه برد و در تنهایی درگذشت. او پیش از آن‌که دچار حمله‌ی مغولان شود، با اقتدار بسیار حکومت می‌کرد و مناطق بسیاری را هم به قلمرو خود اضافه کرده بود. از علما فتوا گرفته بود که سادات حسینی مستحقّ خلافت هستند، نه خاندان عباسی، از این‌رو، به سوی بغداد لشکر کشید تا خلیفه را برکنار کند؛ اما وقتی به اسدآباد همدان رسید، با سرمای بسیار سختی مواجه و مجبور شد با دادن تلفات بسیار، عقب‌نشینی کند. پسرش، سلطان جلال‌الدین، که او را از سرداران رشید تاریخ ایران می‌دانند، با مغولان جنگید؛ اما کاری از پیش نبرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خوارزم‌شاه (جلال‌الدین)



خوارزمی، محمدبن‌موسی

(فوت: حدود ۲۳۲ ه.ق.)
ریاضی‌دان، منجم و جغرافیادان

خوارزمی را نخستین ریاضی‌دان برجسته‌ی جهان اسلام دانسته‌اند. در خوارزم متولد شد؛ ولی قسمت زیادی از عمر خود را در بغداد گذراند. یکی از دانشمندان بزرگ دربار مأمون بود و مورد توجه خاص او قرار داشت. سفری به هندوستان رفت و اعداد هندی را وارد جهان اسلامی کرد. این اعداد، که امروز در شرق و غرب رواج دارد، در قرون بعد به مغرب زمین راه یافت و جای اعداد رومی را که نوشتن با آن‌ها بسیار مشکل بود گرفت. اثر معروف

▲ وقتی نام الخوارزمی به اروپا رفت، در زبان لاتینی به الگوریسم تبدیل شد و سرانجام واژه‌های لگاریتم و الگوریتم از آن به‌وجود آمد.

خوارزمی کتاب **جبر و مقابله** است. این کتاب را حسین خدیوجم به فارسی ترجمه کرده است. خوارزمی در جغرافیا نیز کتابی به نام **صورةالارض** دارد. در زبان لاتینی، الخوارزمی را الگوریسم می‌نویسند و واژه‌های لگاریتم و الگوریتم نیز، که امروز در زبان انگلیسی به کار می‌رود، از همین کلمه گرفته شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اقلیدس ، بنوموسی



خویی، سیدابوالقاسم

(۱۳۷۱ ـ ۱۲۷۸ه.ش.)

مرجع شیعه

سید ابوالقاسم خویی، فرزند سید علی‌اکبر، از عالمان بزرگ و از مراجع بزرگ شیعه بود. در خوی به‌دنیا آمد و پس از آموختن مقدمات درس‌های حوزوی در زادگاهش، در ۱۳ سالگی به نجف رفت و به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. درس‌های عالی را نزد علمایی مانند شیخ‌الشّریعه‌ی اصفهانی، ضیاءالدین عراقی، محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی)، محمدحسین نایینی و محمدجواد بلاغی فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، در کنار علمایی مانند امام خمینی، آیت‌الله حکیم و آیت‌الله گلپایگانی، مقام مرجعیت یافت، رساله‌ی عملیّه‌اش منتشر شد و مقلّدان بسیار پیدا کرد.
حوزه‌ی درسی او در نجف رونق داشت و هزاران شاگرد طی سال‌ها در محضر او پرورش یافتند. آیت‌الله خویی راویان حدیث را، از صدر اسلام تا زمان حاضر می‌شناخت و در این زمینه، کتابی در ۲۳ جلد، به نام **مُعجم رجال‌الحدیث** نوشته است. به‌علاوه، بیش از ۲۰ جلد کتاب در زمینه‌های دیگر علوم قرآنی، حدیثی و فقهی دارد. فقیه و مرجعی برجسته بود و در تبلیغ اسلام در خارج و داخل عراق، از جمله ایجاد مؤسسه‌ی اسلامی در لندن، گام‌های ارزنده‌ای برداشت. آیت‌الله خویی در نجف درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

نایینی



خیابانی، شیخ محمد

(۱۲۹۹ ـ ۱۲۵۸ ه.ش.)

روحانی مبارز و نماینده‌ی مجلس مشروطه

فرزند حاج عبدالحمید تاجر خامنه‌ای بود و چون در محله‌ی خیابان تبریز اقامت داشت، به خیابانی مشهور شد.
در مدرسه‌ی طالبیّه‌ی تبریز به تحصیل علوم دینی پرداخت، روحانی شد و امام جماعت مسجدی در تبریز گردید. خیابانی از فعالان نهضت مشروطه در تبریز بود و هنگامی که در تهران مجلس شورای ملی به توپ بسته شد، همراه با ستارخان و دیگر آزادی‌خواهان، طی ۱۱ ماه محاصره‌ی تبریز، قیام مردم را رهبری کرد. با فتح تهران و سقوط محمدعلی‌شاه، که موجب باز شدن دوباره‌ی مجلس شد، خیابانی از سوی مردم تبریز به نمایندگی انتخاب شد و به تهران رفت. در مجلس، با نمایندگان مبارز و استعمارستیزی چون مدرس، همکاری و هماهنگی داشت. او یک بار دیگر هم در دوره‌ی چهارم مجلس نماینده شد و این زمانی بود که وثوق‌الدوله نخست‌وزیر وقت، قرارداد استعماری ۱۹۱۹ را با انگلستان امضا کرد. خیابانی نیز مانند مدرس و مصدق، به مخالفت با قرارداد برخاست و در تبریز رهبری مخالفان را به‌دست گرفت و کار به زد و خورد با نیروهای دولتی کشید. او دستور داد مردم کلانتری تبریز را تصرف کنند. زندانیان را نیز آزاد کرد و اداره‌ی شهر را در اختیار گرفت. این وضعیت حدود ۶ ماه ادامه یافت تا وثوق‌الدوله، مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه‌ی هدایت را به استان‌داری آذربایجان فرستاد. بین نیروهای مخبرالسلطنه و طرفداران خیابانی درگیری پیش آمد و خیابانی به شهادت رسید.
جنازه‌ی او را به تهران بردند و در صحن حضرت عبدالعظیم دفن کردند. خیابانی با دموکرات‌های آذربایجان همکاری داشت و روزنامه‌ی **تجدّد** را نیز منتشر می‌کرد. با این حال مخالف نفوذ روس‌ها و کمونیست‌ها در امور ایران بود؛ به همین دلیل نام آذربایجان را به **آزادیستان** تغییر داد تا مانع از الحاق آن به جمهوری آذربایجان شود که پس از انقلاب شوروی تشکیل شده بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ستارخان ، مدرّس ، وثوق‌الدوله



خیّام، عمر

(۵۱۷ ـ ۴۲۹ ه.ق.)

ریاضی‌دان، منجم و شاعر

نامش ابوالفتح غیاث‌الدین عمر، معروف به خیام، است. گفته‌اند چون شغل پدرش دوختن خیمه بوده، به این نام مشهور شده است. خیام در نیشابور به‌دنیا آمد و در زمان ملک‌شاه سلجوقی می‌زیست. در بعضی کتاب‌ها نوشته‌اند که خیام، خواجه نظام‌الملک و حسن صبّاح در کودکی با یک‌دیگر هم‌درس بودند؛ از این‌رو، به آن‌ها **سه یار دبستانی** می‌گفتند. خیام در ریاضیات و نجوم، از دانشمندان برجسته‌ی عصر خود بود. به همین سبب به دستور ملک‌شاه، تقویم جدیدی برای ایران تنظیم کرد که بسیار دقیق بود و **تقویم جلالی** نام گرفت و مبنای تقویم‌های کنونی است. این دانشمند در علم ریاضی کتابی به نام **جبر** نوشت که هنوز باقی است و در آن مسائلی را حل کرده است که بعدها ریاضی‌دانان

اروپایی نیز به آن‌ها پرداختند. از آن جمله، اتحاد دو جمله‌ای جبری را، که به نام **دوجمله‌ای نیوتن** معروف است، خیام ابداع و حل کرده است. خیام حکیمی بود که در امر آفرینش بسیار می‌اندیشید. او حاصل تفکرات خود را به صورت تعداد اندکی رباعی بیان کرده است که از زیباترین و بامعناترین رباعیات فارسی است. امروزه اشعار پوچ‌گرایانه‌ی بسیاری را به خیام نسبت می‌دهند که خودش هرگز نسروده است. پاره‌ای از رباعیات منسوب به خیام را **ادوارد فیتز جرالد** به صورت زیبایی به زبان انگلیسی ترجمه کرد که سبب شد خیام در جهان غرب بیش‌تر در مقام شاعری می‌خواره شناخته شود. خیام در نیشابور درگذشت و در همان‌جا مدفون شد. آرامگاه او، که با معماری زیبایی ساخته شده است، پیوسته مورد بازدید گردش‌گران قرار می‌گیرد.

حکیم عمر خیام
از بزرگ‌ترین دانشمندان و ریاضی‌دانان ایرانی است. اما اروپاییان او را بیش‌تر به سبب شعرهایش می‌شناسند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خواجه نظام‌الملک

داراشکوه، محمد

(۱۰۶۹ ـ ۱۰۲۵ ه.ق.)

شاهزاده و حکیم هندی

پسر بزرگ و ولی‌عهد **شاه جهان**، از پادشاهان گورکانی هند، بود و عملاً بر هند فرمان می‌راند. اما پس از شاه جهان، برادرش اورنگ‌زیب، او و دیگر برادران خود را به زندان انداخت، سپس همه را کشت و خودش بر تخت سلطنت تکیه زد. ارزش و اهمیت داراشکوه در جنبه‌ی فکری و معنوی اوست. مردی پرهیزگار و اهل اندیشه و هنر بود. با بزرگان و عالمان نشست و برخاست می‌کرد و آرزومند پیوند بین هندوها و مسلمانان بود. از این‌رو، کتاب **اوپانیشادها**، کتاب مقدس هندوان را، ترجمه کرد و نام آن را **سرّالاسرار** گذاشت. این کتاب به فارسی ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شاه‌جهان

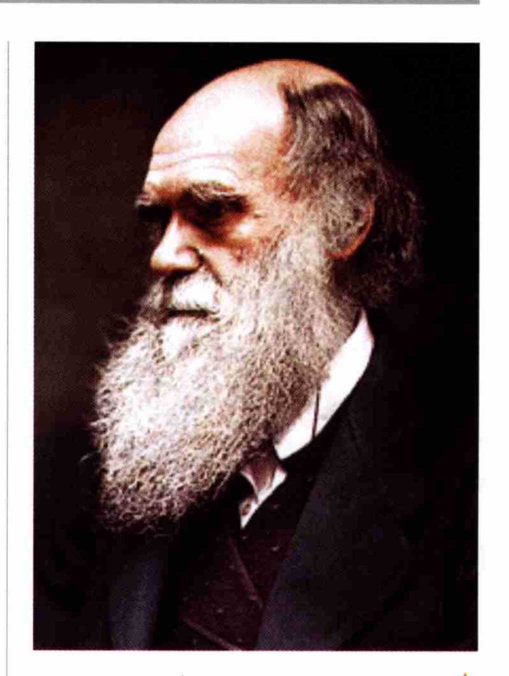


داروین، چارلز

(۱۸۸۳ ـ ۱۸۰۹م.)

زیست‌شناس

چارلز در یک خانواده‌ی ثروت‌مند انگلیسی به‌دنیا آمد. پدر و پدربزرگش پزشک بودند و او هم پزشکی خواند؛ اما خیلی زود این رشته را رها کرد و به مطالعه‌ی الهیات روی آورد؛ باز هم الهیات را رها کرد و طبیعت‌شناس شد و در این رشته، به چهره‌ای نام‌آور در تاریخ این علم تبدیل شد. داروین ۲۲ سال داشت که با کشتی سلطنتی بیگِل به یک سفر دریایی طولانی دست زد. او دو بار، جمعاً به مدت پنج سال در سواحل و جزایر آمریکای



▲ چارلز داروین را می‌توان بنیان گذار «علم تاریخ طبیعت» دانست.

جنوبی و اقیانوس آرام به تحقیق درباره‌ی گونه‌های متفاوت گیاهان و جانوران پرداخت. مهم‌ترین قسمت این سفر، اقامت چند هفته‌ای او در جزایر گالاپاگوس در منطقه‌ی استوا و در قلب اقیانوس آرام بود. در جزایر گالاپاگوس، تنوع گیاهان و جانوران با سایر نقاطی که داروین دیده بود، متفاوت بود. این پدیده موجب شگفتی داروین شد و او را بیش‌تر به تفکر درباره‌ی چگونگی پیدایش موجودات فرو برد. وقتی به انگلستان بازگشت، حاصل مطالعات و افکار خود را در کتابی به نام **منشأ انواع موجودات از راه انتخاب طبیعی** منتشر کرد و نتیجه گرفت که آدمی نیز از طریق انتخاب طبیعی به این مرحله از حیات رسیده و انسان شده است. به عبارت دیگر، از نظر داروین، پیدایش همه‌ی موجودات زنده نتیجه‌ی تکامل آن‌ها در طول زمانی بسیار بسیار طولانی است. این نظریه، نه تنها در جهان علم، بلکه در جهان دین و اخلاق نیز طوفانی برپا کرد که هنوز هم گرد آن فرونشسته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لامارک



داریوش بزرگ

(فوت: ۴۸۶ ق.م.)
پادشاه هخامنشی

داریوش فرزند ویشتاسب هخامنشی بود. او را یکی از بزرگ‌ترین شاهان در تاریخ ایران و نخستین کسی می‌دانند که برای اداره‌ی کشور پهناور خود، سازمان اداری منظمی به‌وجود آورد. او بعد از کمبوجیه، فرزند کوروش، به پادشاهی ایران رسید. در طول ۷ سال، ۱۹ جنگ کرد و همه‌ی رقیبان و مخالفان خویش را مغلوب ساخت. به دستور او شرح این جنگ‌ها در سنگ‌نوشته‌ی بیستون (نزدیک کرمانشاه) به سه زبان نوشته شده است. او پس از رفع شورش‌های داخلی، به مصر لشکر کشید؛ ولی آن‌جا را ویران نساخت؛ بلکه بر آبادانی مصر افزود و آیین‌های مصریان را نیز محترم شمرد. در جنگ دیگری که با یونان کرد و به جنگ ماراتُن مشهور شد، نخست پیروزی‌هایی به‌دست آورد؛ ولی عاقبت شکست خورد و به ایران بازگشت. این جنگ و جنگی که بعد از او خشایارشا با یونانیان کرد، در تاریخ یونان و اروپا بازتاب وسیعی داشته است. داریوش ایران را به کشوری وسیع، قدرت‌مند و دارای نظام اداری منظم تبدیل کرد. ایجاد جاده‌ای که از سارد، در آسیای صغیر، به شوش در خوزستان می‌آمد و به جاده‌ی شاهی معروف بود، ایجاد سپاه ده هزار نفری جاویدان، تقسیم کشور به ۳۰ ساتراپ یا استان، ضرب سکه‌ی طلا به نام دُریک، احداث تخت جمشید که از عظیم‌ترین بناهای دنیای باستان بود و نوشتن کتیبه‌هایی در کوه‌های بیسْتون (کرمانشاه)، نقش رستم (فارس)، شوش و همدان از کارهای مهم اوست. داریوش برای اولین بار نام اهورامزدا یا خدای یگانه را در ابتدای نوشته‌های خود آورد و دعا کرد که خدا کشورش را از خشک‌سالی و دروغ حفظ کند. داریوش ۴۸۶ سال پیش از میلاد درگذشت و در نقش رستم فارس، در دخمه‌ای که در ارتفاع بالا و دور از دسترس ساخته بودند، مدفون شد. پس از او پسرش، خشایارشا، شاه ایران شد.



▲ مهر لاجوردی دوار، حکاکی شده به خط میخی بازمانده از دوره‌ی داریوش بزرگ

هم‌چنین نگاه کنید به:
خشایارشا ، کوروش

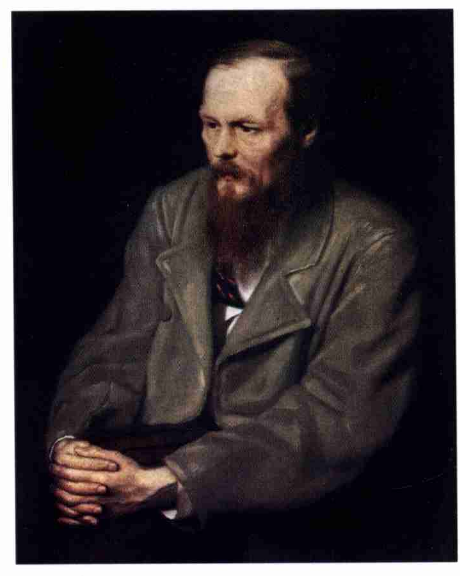


داستایوسکی،

میخائیل فئودوروویچ

(۱۸۲۱ ـ ۱۸۸۱م.)
نویسنده‌ی روس

در شهر مسکو دیده به جهان گشود. زیاد کتاب می‌خواند و به آثار بزرگان هنر و ادبیات علاقه داشت. در ۲۰ سالگی، درجه‌ی مهندسی نظام گرفت. اما ۳ سال بعد، هنگامی که پدرش به‌دست کشاورزانش کشته شد، از خدمت نظام کناره گرفت و همه‌ی وقتش را صرف ادبیات و نویسندگی کرد. نخستین داستانش به نام **مردم فقیر**، تحسین منتقدان را برانگیخت. در ۳۸ سالگی به جرم برگزاری جلسات سوسیالیستی، که در حقیقت نوعی مخالفت با حکومت تزاری بود، دستگیر، محاکمه و به اعدام محکوم شد و تا پای جوخه‌ی آتش هم رفت. ولی ناگهان خبر رسید که به فرمان تزار، اعدام او به حبس ابد با اعمال شاقّه در سیبری تبدیل شده است. داستایوسکی



راهی سیبری شد. اما دوره‌ی زندان و تبعید او بیش از ۴ سال به طول نینجامید و آزاد شد. زندگی داستایوسکی فراز و فرود بسیار داشت؛ اما هرگز از نوشتن و اندیشیدن دست نکشید. آثار او را به سه دوره‌ی نخست، میانه و آخر تقسیم کرده‌اند. بیش‌تر آثار بزرگش را در دوره‌ی آخر خلق کرده است که **جنایت و مکافات** و **برادران کارامازوف** از معروف‌ترین آن‌هاست. آنچه در آثار این نویسنده‌ی بزرگ نمایان است، عشق به همه‌ی انسان‌ها، همدردی با ستم‌دیدگان و آزُردگان، دل‌بستگی به مذهب، توجیه وجود خداوند و توجه به آزادی انسان است. اندیشه‌های او ژرف و توانایی‌اش در تحلیل روانی شخصیت‌های داستان‌هایش حیرت‌آور و بی‌نظیر است. داستایوسکی و تولستوی در یک زمان می‌زیستند و هر دو سرآمد نویسندگان جهان شدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تولستوی



دالایی لاما

(تولد: ۱۹۵۳م.)
رهبر بوداییان تبّت

بوداییانِ تبّت به رهبرشان، هرکس که باشد، دالایی لاما می‌گویند. به باور آنان، درست در زمان مرگ یک دالایی لاما، دالایی لامای بعدی در نقطه‌ای نامعلوم متولد می‌شود و پیروان او باید به جست‌وجوی وی برخیزند. وقتی دالایی لامای جدید پیدا شد و هنوز کودک بود، شورای راهبان وظیفه‌ی او را تا مدتی به‌عهده می‌گیرد. نام دالایی لامای کنونی تبّت، **تنزین گیاستو** است و در سال ۱۹۵۳ در یک خانواده‌ی روستایی کشاورز متولد شد. هنگامی که دو سال‌ونیم داشت، رهبران بودایی او را یافتند و اعلام کردند که روح دالایی لامای پیشین، در تنزین گیاستو حلول کرده است. بنابراین، او را به رهبری برگزیدند. وقتی تنزین به ۴ سالگی رسید، او را به قصر پوتالا در لهاسا، پایتخت تبت، بردند و تحت آموزش‌های سخت و محرمانه‌ی بودایی قرار دادند. دالایی لاما ۱۶ سال داشت که سربازان چین کمونیست، به تبّت هجوم آوردند و بسیاری از مردم را کشتند و معبد بوداییان را نیز خراب کردند. دالایی لاما سال‌ها کوشید با چینی‌ها به مسالمت رفتار کند؛ ولی وقتی دید جان خودش هم در خطر است، در یک فرار عجیب، از ارتفاعات هیمالیا گریخت و به هند رفت. او اکنون در قریه‌ای کوچک از روستاهای هیمالیا زندگی می‌کند و از همان‌جا به رهبری و هدایت معنوی پیروانش در تبت مشغول است و می‌کوشد حمایت جهانیان را برای پشتیبانی از خود و مردم تبت جلب کند. به سبب همین روحیه‌ی صلح‌دوستی و البته مخالفت او با چین کمونیست، دالایی لاما مورد توجه غربی‌ها قرار دارد و در سال ۱۹۸۹ میلادی نیز جایزه‌ی صلح نوبل را به او اهدا کردند.

▼ شیوه‌ی انتخاب رهبر دینی در میان بودائیان تبت یکی از عجیب‌ترین شیوه‌ها در میان ملت‌های جهان است.



دالتون، جان

(۱۸۴۳ _ ۱۷۶۶م.)
شیمی‌دان انگلیسی

دالتون کودکی روستایی و فقیر، اما بسیار با استعداد بود. هنگامی که ۱۲ سال داشت، به توصیه‌ی پدر و مادرها، آموزش دادن به کودکان روستا را قبول کرد. پس از دو سال، به سراغ تحصیل رفت و ۱۲ سال به مطالعه در زمینه‌ی ریاضیات پرداخت. ۲۷ سال داشت که از او دعوت کردند به تدریس ریاضیات و علوم در دانشگاه منچستر بپردازد. دالتون در مطالعه و مشاهده‌ی علمی بسیار دقیق و پرکار بود؛ چنان که حدود ۲۰۰ هزار مشاهده‌ی هواشناسی را در عمر خود ثبت کرد. اما آنچه دالتون را در جهان شیمی بلندآوازه

ساخته، دو چیز است: **قانون گازها** و **نظریه‌ی اتمی**. نظریه‌ی اتمی دالتون بیان می‌کند که ماده از اتم‌های غیرقابل تجزیه ساخته شده است؛ اتم‌های عناصرِ یکسان، مشابه‌اند؛ وزن اتم‌های گوناگون، متفاوت است و اتم‌ها به نسبت‌های ساده با هم ترکیب می‌شوند. این قانون در آن زمان گام بزرگی در راه شناخت ماده بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بویل



دالی، سالوادور

(۱۹۸۹ ـ ۱۹۰۴ م.)

نقاش، تصویرگر و طراح اسپانیایی

از هنرمندان برجسته‌ی جنبش سوررئالیسم در اروپا به شمار می‌رود. شخصیتی عجیب داشت. بر این باور بود که نامش، سالوادور، که به معنی نجات‌دهنده یا مسیح است، این وظیفه را بر دوش او نهاده است که هنر راستین نقاشی را نجات دهد. به شدت طرفدار نظریات **فروید** در مورد رؤیا و ضمیر ناخودآگاه بود و آثاری را تحت تأثیر او خلق کرد. سالوادور دالی نقاشی‌هایش را **عکس‌هایی از رؤیاهایی که با دست رنگ شده‌اند** توصیف می‌کرد. این هنرمند یکی از مشهورترین نقاشان قرن بیستم است که تأثیر مهمی بر جهان سینما، مُد و به‌ویژه دنیای تبلیغات گذاشته است. خودش نیز به اتفاق لوئیس بونوئل، کارگردان اسپانیایی، دو فیلم به نام‌های **سگ آندلسی** و **عصر طلایی** ساخت. از نقاشی‌های او چند اثر بیش‌تر شهرت یافته است: **استمرار حافظه**، **تصلیب**، **شام آخر** و **زرافه‌ی آتشین**.

هم‌چنین نگاه کنید به:

فروید



دانته

(۱۳۲۱ ـ ۱۲۶۵م.)

شاعر و نویسنده‌ی ایتالیایی در قرون وسطی

در شهر فلورانس ایتالیا به‌دنیا آمد. در کودکی مادرش مرد و پدرش زنی دیگر گرفت. دانته سال‌های سختی را با نامادری گذراند. در یک مدرسه‌ی مذهبی تحصیل کرد و بعدها در مدارس بالاتر به آموختن فلسفه، علوم و اخلاق پرداخت. در ۹ سالگی، به دختر بچه‌ای به نام بئاتریس، عشقی پاک پیدا کرد. آن دختر با مَرد دیگری ازدواج کرد و در ۲۴ سالگی هم مُرد. با این حال عشق دانته به او تا پایان عمر باقی بود؛ به‌طوری که بعدها در اثر بزرگش، کمدی الهی، جایگاهی برای بئاتریس در نظر گرفت. دانته سلحشور و جنگاور بود و از جوانی در جنگ‌هایی خونین شرکت می‌کرد و بعدها نیز به تکاپوهای سیاسی دست زد. اما کار اصلی و ماندگارش **کمدی الهی** در سه جلد به نام‌های **دوزخ**، **برزخ** و **بهشت** به شعر است. کمدی الهی یکی از آثار کلاسیک جهان است. دانته را پدر شعر ایتالیایی نیز می‌دانند. کمدی الهی را تاکنون دو مترجم به فارسی ترجمه کرده‌اند.



دانته با نوشتن کمدی الهی یکی از بزرگ‌ترین آثار را در ادبیات کلاسیک اروپا به وجود آورد.

«استمرار خاطره» (۱۹۳۱) اثر سالوادور دالی، رنگ روغن روی بوم
ساعت‌های در حال ذوب شدن، جمع شدن مورچگان روی یک فلز، موجودات هولناک و غول‌پیکر از عناصر موردعلاقه و تکرار شونده‌ی آثار دالی هستند که در این اثر نیز به‌چشم می‌خورند.



دانشور، سیمین

(تولد: ۱۳۰۰هـ.ش.)

نویسنده و استاد دانشگاه

در شیراز، در خانواده‌ای مرفّه و اهل فضل و هنر به‌دنیا آمد. پدرش، محمدعلی دانشور، پزشک بود. سیمین در رشته‌ی ادبیات فارسی در دانشگاه تهران درس خواند و دکترا گرفت. دو سال هم با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا رفت و در دانشگاه استنفورد در رشته‌ی زیبایی‌شناسی تحصیل کرد. در سال ۱۳۲۸، با جلال آل‌احمد ازدواج کرد و هر دو در جریان‌های ادبی و هنری کشور نقش فعالی ایفا کردند. سیمین دانشور از دوره‌ای که دانش‌آموز دبیرستان مهرآیین شیراز بود، نویسندگی را با چاپ مقاله در نشریه‌های محلی آغاز کرد و تا امروز از نوشتن بازنایستاده است. حاصل فعالیت‌های او ده‌ها مقاله و کتاب است که برجسته‌ترین آن‌ها رُمان **سووشون** است که بعد از درگذشت همسرش آل‌احمد منتشر شد و یکی از پرخواننده‌ترین رمان‌های فارسی است. آثار دیگر او عبارت است از: **دشمنان** (ترجمه)، **شهری چون بهشت**، **به کی سلام کنم؟ از پرنده‌ی مهاجر بپرس**، **جزیره‌ی سرگردانی**، **ساربان سرگردان** و **شناخت و تحسین هنر** (مجموعه مقالات).

هم‌چنین نگاه کنید به:

آل‌احمد



دانلپ، جان

(۱۹۲۱ ـ ۱۸۴۰ م.)

مخترع تایر بادی

در یک خانواده‌ی کشاورز در اسکاتلند متولد شد. از ۱۹ سالگی به‌کار دام‌پزشکی و جراحی حیوانات مشغول شد. هنگامی که در بلفاست، مرکز ایرلند، زندگی می‌کرد، یک تایر بادی ساخت و آن را روی سه‌چرخه‌ی پسرش آزمایش کرد. پیش از آن از لاستیک توپر برای وسایل نقلیه استفاده می‌کردند. این کار دانلپ بسیار موفقیت‌آمیز از کار در آمد و او اختراع خود را به ثبت رساند و شرکت تایرسازی دانلپ را تأسیس کرد که هنوز هم از شرکت‌های معروف تایرسازی در جهان است.



داوود(ع)

(حدود ۹۷۲ ـ ۱۰۲۰ ق.م.)

پیامبر خدا

حضرت داوود از پیامبران بنی‌اسرائیل بود و به زندگی او هم در تورات و هم در قرآن اشاره شده است. تورات او را جوانی قوی‌بُنیه، زیباچهره و خوش‌آواز معرفی کرده که هنگام خواندنش، پرندگان سکوت می‌کردند. او شهر اورشلیم را توسعه داد، بر آبادی آن افزود و بنی‌اسرائیل را متحد کرد. در قرآن نیز داوود مرد جوان و دلاوری است که توانست جالوت را، که مردی ستمگر بود، به قتل برساند. به این سبب، خداوند به او پادشاهی بخشید و او را حکمت و عدالت آموخت و **زبور** (کتاب) به او داد. ساختن پوشاک و زره‌ی آهنین نیز از الهامات خدا به داوود بود. در قرآن، (سوره‌ی ص آیه‌ی ۲۳) داستانی درباره‌ی نحوه‌ی قضاوت حضرت داوود آمده که مفسران قرآن آن را نشانه‌ی هشدار خداوند به او درباره‌ی داوریِ درست دانسته‌اند. حضرت سلیمان(ع) فرزند داوود بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سلیمان(ع)



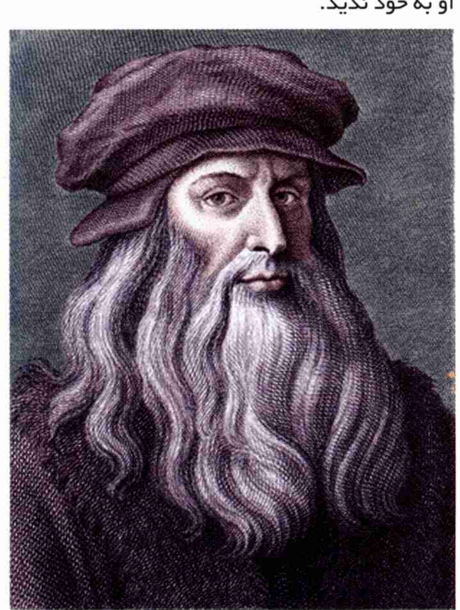
داوینچی، لئوناردو

(۱۵۱۹ ـ ۱۴۵۲م.)

نقاش، مهندس و ریاضی‌دان ایتالیایی

داوینچی را معمولاً از نوابغ دوره‌ی رنسانس یا نوزایی در اروپا به‌شمار می‌آورند؛ زیرا در بیش‌تر زمینه‌های علم و هنر و فنّاوری، کارهای جدید و شگفت‌انگیزی انجام داده است. داوینچی در روستای کوهستانی وینچی ایتالیا به‌دنیا آمد. پدرش کارمند دولت و مادرش خدمت‌کار یک مهمان‌خانه بود. وقتی به مدرسه رفت، نخست نبوغ ریاضی و سپس استعداد شگفت‌انگیز نقاشی‌اش آشکار شد. از آن پس تا پایان عمر به کارهای خلاقانه و ابداعات و اختراعات در رشته‌های گوناگون سرگرم بود. فهرستی از مهم‌ترین کارهای داوینچی به این شرح است: تابلوهای **آخرین شام مسیح** و **مونالیزا** (معروف به لبخند ژوکوند)، اختراع نوعی ساز موسیقی به شکل کله‌ی اسب، طراحی و ساخت ماشین‌های جنگی، طراحی لباس غواصی و زیردریایی، اختراع مسلسل، طرح ساختن تانک جنگی، ساخت کشتی دوجداره، اختراع دستگاه بادسنج،

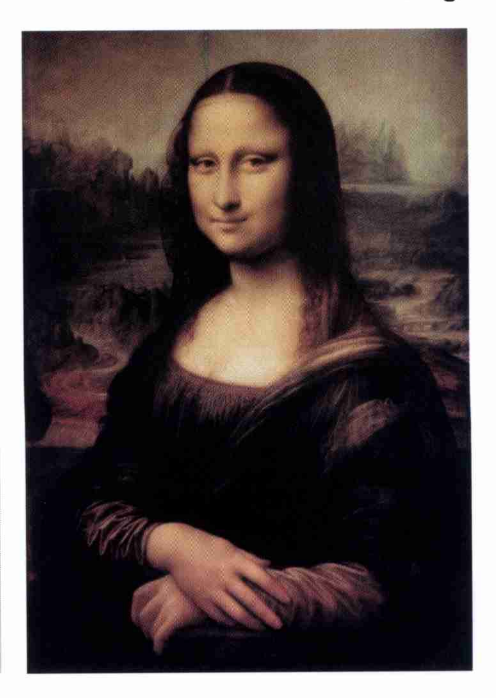
▼ داوینچی نابغه‌ای بود که جهان دیگر کسی مانند او به خود ندید.



اختراع نوعی ساعت، اختراع کیلومترشمار، اختراع بلبرینگ، طراحی دیفرانسیل (که بعدها در اتومبیل از آن استفاده شد)، ساخت نوعی تلمبه، طرّاحی نوعی ماشین پرنده (که در عمل ساخته و آزمایش نشد) و کشف این که تعداد حلقه‌های مقطع عرضی درختان نشان‌دهنده‌ی سنّ آن‌هاست. از لئوناردو داوینچی نزدیک به ۵ هزار صفحه یادداشت همراه با تصویر بر جای مانده است که نشان‌دهنده‌ی قدرت مشاهده‌ی او و میزان مطالعاتش در زمینه‌ی علوم است. داوینچی با میکل‌آنژ، هنرمند نامی آن عصر، در زمینه‌ی نقاشی کاخ پالاز و کچیو همکاری و رقابت می‌کرد. ساختمان کلیسای جامع میلان نیز از کارهای اوست. این نابغه‌ی علم و هنر و صنعت در سال ۱۵۱۶ م. با فرانسوای اول، پادشاه فرانسه، به شهر آمبواز سفر کرد و سه سال بعد، در اثر بیماری قلبی، در همین شهر درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
میکل آنژ

▼ تابلوی مونالیزا، معروف به لبخند ژوکوند، اثر لئوناردو داوینچی در موزه‌ی لوور پاریس نگهداری می‌شود. هر سال میلیون‌ها نفر از این تابلو بازدید می‌کنند.





▲ این عکس را علی کاوه به‌مناسبت صدمین گل دایی از او گرفته است.



دایی، علی

(تولد: ۱۳۴۸هـ.ش.)
فوتبالیست

دایی دانش‌آموز درس‌خوان و کوشای مدارس اردبیل و فوتبالیست درخشان تیم‌های دانش‌آموزی بود و در باشگاه استقلال و تیم شهرداری اردبیل بازی می‌کرد. با قبولی در رشته‌ی مهندسی متالورژی دانشگاه صنعتی شریف، به تهران رفت و هم‌زمان با تحصیل به تیم تاکسی‌رانی و سپس باشگاه بانک تجارت پیوست. او بعدها به تیم ملی دعوت شد. دایی در مسابقه‌های جام اکو (۱۹۹۳) مقابل پاکستان، اولین بازی ملی خود را انجام داد و در دور نهایی رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴ در مقام فرستاده‌ی جدید فوتبال ایران، لیاقت خود را نشان داد. پس از این مسابقه‌ها، به تیم پیروزی پیوست. بعد از بازی‌های جام ملت‌های آسیا (۱۹۹۶) راهی آلمان شد و در چند تیم آلمانی از جمله بایرن مونیخ بازی کرد. این تیم در سال ۱۹۹۹، نایب قهرمان جام باشگاه‌های اروپا شد. دایی در رقابت‌های جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و ۲۰۰۶ آلمان در تیم ملی ایران حضور داشت. او، که یکی از پرگل‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال جهان است، صدمین گل خود را در بازی‌های مقدماتی جهانی ۲۰۰۶، در برابر لائوس به ثمر رساند و نام خود را در مقام اولین فوتبالیست صد گله‌ی تاریخ فوتبال در بازی‌های رسمی، ثبت کرد. دایی نفر اول در فهرست گل‌زن‌های بین‌المللی و کسی است که در بازی‌های رسمی ۱۰۹ گل به ثمر رسانده است.



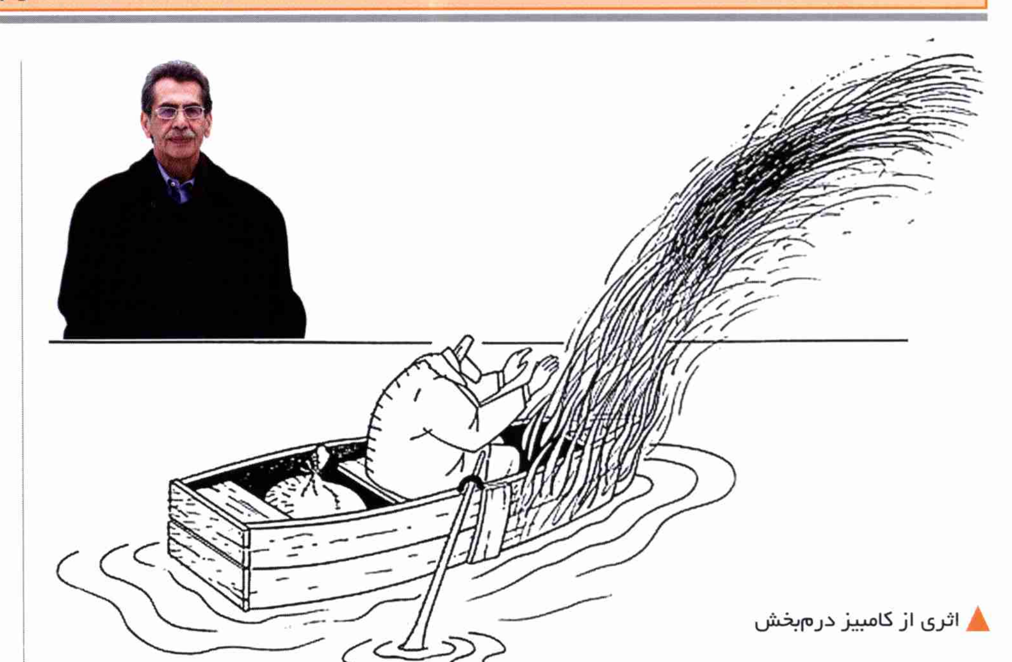
دبیر، علی‌رضا

(تولد: ۱۳۵۶ هـ.ش.)
کشتی گیر

علی‌رضا دبیر از کشتی‌گیرانی است که در داخل و خارج، موفقیت‌های زیادی کسب کرده است. او در مسابقه‌های کشتی جهان در سال ۱۹۹۸، قهرمان جهان شد. سپس در المپیک سیدنی استرالیا تنها مدال طلای کاروان کشتی ایران را نصیب خود کرد. دبیر ۶ سال عضو تیم ملی کشتی بود؛ ولی به سبب مصدومیت‌های پیاپی، مجبور به کنار گذاشتن بازی شد. او در سال ۱۳۸۵ از سوی مردم تهران به عضویت شورای شهر تهران انتخاب شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خادم

◄ دبیر در المپیک سیدنی استرالیا، تنها مدال طلای ایران را به دست آورد.



▲ اثری از کامبیز درم‌بخش



درم‌بخش، کامبیز

(تولد: ۱۳۲۱هـ.ش.)
کاریکاتوریست

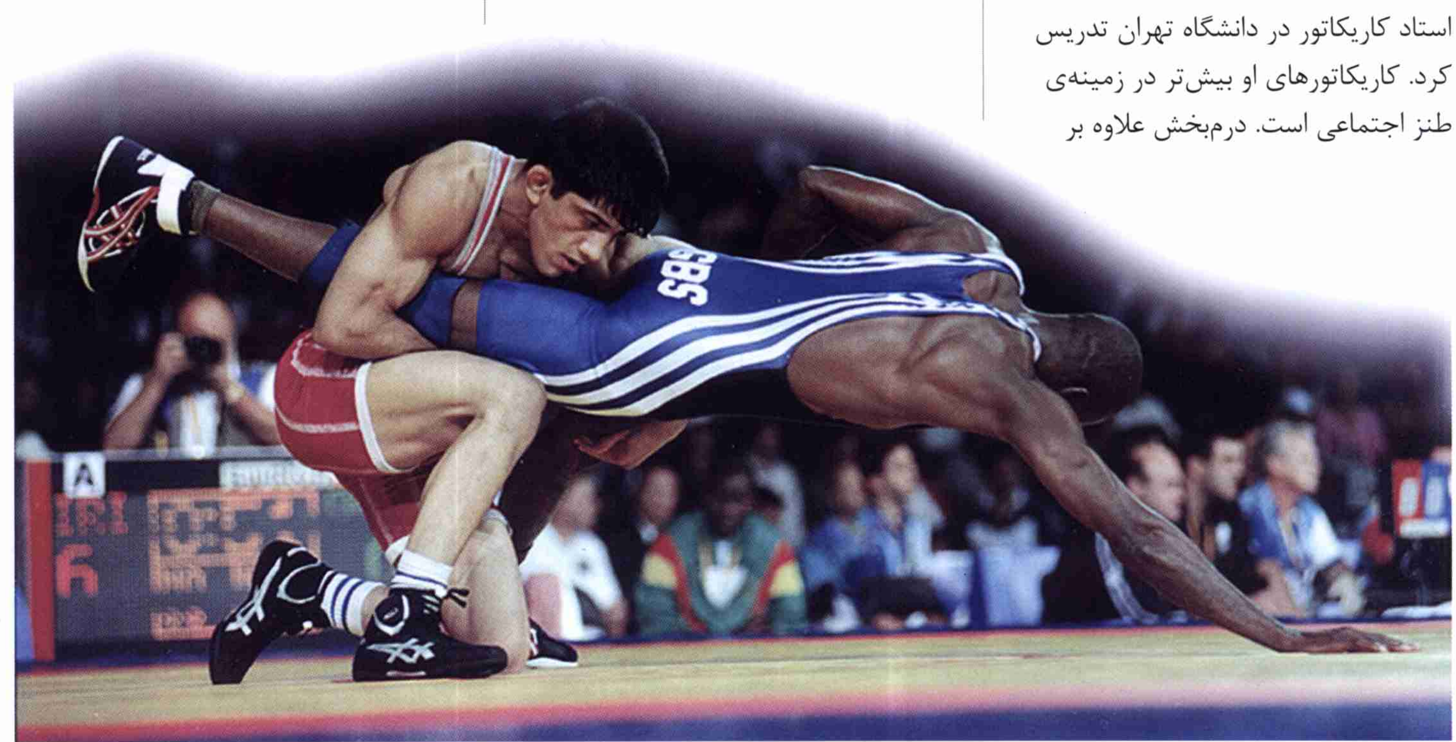
درم‌بخش در شیراز متولد شد. تحصیلات متوسطه را در هنرستان هنرهای زیبای تهران گذراند. از ۱۴ سالگی، با چاپ کاریکاتور در مجله‌ی سپید و سیاه، فعالیت هنری خود را آغاز کرد. مدتی نیز با عنوان استاد کاریکاتور در دانشگاه تهران تدریس کرد. کاریکاتورهای او بیش‌تر در زمینه‌ی طنز اجتماعی است. درم‌بخش علاوه بر طراحی کاریکاتور، در زمینه‌ی طراحی روی جلد کتاب، تصویرگری کتاب کودک، پوستر، کارت پستال، تقویم و فیلم انیمیشن نیز فعالیت داشته است. او تاکنون بیش از ۸۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی برپا کرده و در چند مسابقه‌ی معتبر، در مقام داور حضور داشته است. درم‌بخش با چند نشریه‌ی معتبر داخلی و بین‌المللی مانند ایران کارتون، لوموند، نیویورک تایمز و دی‌سایت همکاری دارد.

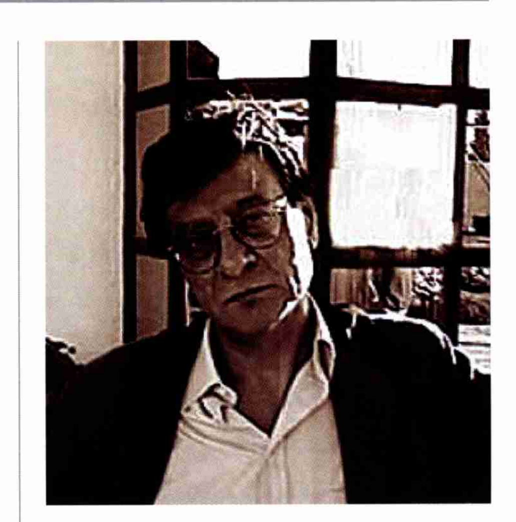


درویش، محمود

(۲۰۰۸ ـ ۱۹۴۱م.)
شاعر مقاومت فلسطین

در دهکده‌ای در فلسطین به‌دنیا آمد. ۶ سال داشت که صهیونیست‌ها دهکده‌ی آنان را اشغال کردند و سوزاندند. خانواده‌اش به‌ناچار، به لبنان پناهنده شدند. درویش از نوجوانی، و تحت تأثیر ماجرای اشغال وطنش، به شعر مقاومت روی آورد. او برجسته‌ترین چهره‌ی شعر مقاومت فلسطین بود. زیرا علاوه بر حفظ مضمون‌های انقلابی و دشمن‌ستیزانه در شعرهایش، بسیار پرمطالعه بود و جریان‌های شعری جهان و مکتب‌های ادبی را نیز دنبال می‌کرد. با زبان‌های انگلیسی، روسی و عبری آشنا بود که در بارور شدن ذهن شاعرانه‌اش تأثیر داشته است. کتاب‌های شعر بسیاری از محمود درویش منتشر شده که برخی از آن‌ها عبارت است از: **برگ‌های زیتون، عاشقی از فلسطین، آخر شب، گنجشکان در الجلیل پر می‌زنند، دوستت بدارم یا نه؟** و **جشن‌ها**. یکی از جوایز معتبری که





درویش برای شعر دریافت کرد، جایزه‌ی ادبی دانشگاه سوربن فرانسه بود. شعرهای درویش به فارسی هم ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
البیّاتی ، نزار قبّانی



دریابیگی، احمد

(فوت: ۱۳۰۱ ه.ش.)
مؤسس مدرسه‌ی سعادت بوشهر

احمدخان دریابیگی نخستین بار در زمان ناصرالدین‌شاه، فرمان‌دهی کشتی پرسپولیس را، که ایران از آلمان خریده بود، در بوشهر به‌عهده گرفت. سپس حاکم بوشهر شد و سال‌ها در این منطقه خدمت کرد. گفته می‌شود در ماجرای قیام تنگستانی‌ها بر ضد انگلیسی‌ها، دریابیگی به ظاهر از انگلیسی‌ها طرفداری می‌کرد؛ اما در باطن، با قیام‌کنندگان همراه بود. او از ابتدای ورود به بوشهر، به فکر تأسیس مدرسه‌ای به سبک جدید بود و سرانجام توانست با حمایت وزرات معارف در تهران و گرفتن زمین از معین‌التّجار بوشهری، ساختن این مدرسه را آغاز کند. زمانی که ساختمان مدرسه به پایان رسید، نام آن را **مدرسه‌ی مبارکه‌ی سعادت مظفّری** نهادند و دریابیگی تا زمانی که در بوشهر بود، خودش به امور آن رسیدگی می‌کرد. برای مدیریت مدرسه، وزارت معارف شیخ محمدحسین سعادت بوشهری را، که مردی باسواد و نجف رفته بود، به بوشهر فرستاد. شیخ محمدحسین نیز با کمک برادرش، شیخ‌عبدالکریم، که او نیز مردی عالم بود و ریاضی نیز می‌دانست، این مدرسه را چنان اداره کرد که به یکی از بهترین مدارس جنوب کشور تبدیل و منشأ رشد علمی و فرهنگی در منطقه شد، به‌طوری‌که طی چند دهه، افراد برجسته‌ای در آن تربیت شدند. مدرسه‌ی سعادت هنوز در بوشهر دایر است. احمدخان دریابیگی اهل ذوق و ادب بود و چند کتاب را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرد. او در خرمشهر درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دلواری



دستغیب، سیدعبدالحسین

(۱۲۹۲ ـ ۱۳۶۰ ه.ش.)
عالم دینی و شهید محراب

عبدالحسین دستغیب شیرازی پس از تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، در ۲۲ سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت. او از محضر عالمانی مانند محمدکاظم شیرازی، سیدابوالحسن اصفهانی و سیدعلی آقا قاضی طباطبایی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. یک سال پس از سقوط رضاشاه پهلوی، به شیراز بازگشت و با بازسازی مسجد جامع عتیق شیراز، به اقامه‌ی نماز جماعت و رسیدگی به امور دینی و شرعی مردم پرداخت و در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز نیز مشغول تدریس شد. او از اعتبار و محبوبیت خاصی در میان مردم شیراز برخوردار بود. از آغاز نهضت ۱۵ خرداد، از یاران امام‌خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد و از سوی امام‌خمینی نیز به سمت نماینده‌ی ایشان در استان فارس و امام جمعه‌ی شیراز منصوب گردید. سرانجام در ۲۰ آذر ۱۳۶۰، هنگامی که به سوی محل برگزاری نماز جمعه می‌رفت، به دست منافقین به شهادت رسید. آیت‌الله دستغیب اهل قلم نیز بود و آثار مفیدی مانند **قلب سلیم**، **گناهان کبیره** و **داستان‌های شگفت** از خود برجای گذاشته است. مزار او در حرم امامزاده سیدمحمد در شاه‌چراغ شیراز است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اشرفی اصفهانی ، صدوقی ، قاضی طباطبایی مدنی



دقیانوس

(۲۰۱ ـ ۲۵۱ م.)
امپراتور روم

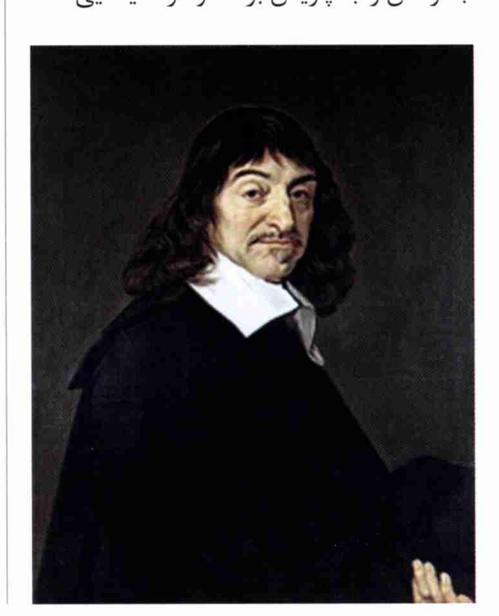
این نام در اصل، دقیوس بوده که با گذشت زمان به دقیانوس تبدیل شده است. زادگاه دقیانوس یونان بود و در نیمه‌ی اول قرن سوم میلادی امپراتور روم شد. او پادشاهی جبار و کافر بود و با ادیان الهی، به‌ویژه مسیحیت، به شدت مبارزه می‌کرد و مسیحیان را می‌کشت. در دوره‌ی او اصحاب کهف، جوانانی مسیحی که به خدای یگانه ایمان داشتند، از ترس جور و شکنجه‌ی دقیانوس به غاری گریختند و در آن‌جا به خواب ۳۰۹ ساله فرو رفتند. آنان زمانی که بیدار شدند، دریافتند «عهد دقیانوس» سپری شده و دیگر نه آن‌ها کسی را می‌شناسند و نه کسی آن‌ها را. پس دعا کردند خدا جانشان را بگیرد. پادشاهی دقیانوس با عصر حکومت اشکانیان بر ایران مقارن بود. دقیانوس در جنگ با گُت‌ها، که اقوام مهاجمی از شمال اروپا بودند، کشته شد.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
اصحاب کهف



دکارت، رِنه
(۱۶۵۰ ـ ۱۵۹۶م.)
فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی

در شهر لاهه‌ی فرانسه، در خانواده‌ای از اشراف، ولی با وضع مالی متوسط، به‌دنیا آمد. نوجوانی را به تحصیل در یک مدرسه‌ی مذهبی گذراند. سپس به آموزش ریاضی پرداخت و به این علم علاقه‌مند شد. در جوانی به ارتش فرانسه پیوست و در جنگ‌های منطقه‌ای شرکت کرد. اما در ۲۵ سالگی ارتش را رها کرد و به استادی دانشگاه در پاریس مشغول شد. دکارت اهل تفکر و اندیشه بود. از این‌رو، تصمیم گرفت از فرانسه خارج شود و چندی به سیر و سفر بپردازد. او پس از دیدار از کشورهای سوئیس، آلمان، هلند، ایتالیا و دانمارک، سرانجام در هلند مقیم شد و حدود ۲۰ سال در این کشور به مطالعه و تحقیق پرداخت. هنگامی که ملکه‌ی سوئد، کریستینا، از مقام علمیِ دکارت آگاه شد، او را به پایتخت کشور خود، استکهلم، دعوت کرد. دکارت نیز دعوت او را پذیرفت. اما آب و هوای سوئد با او سازگار نشد و یک سال بعد درگذشت. جنازه‌اش را به پاریس بردند و در کلیسایی



دفن کردند. دکارت یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان و متفکران اروپا در قرون جدید است. کتاب معروف او **گفتار در روش راه بردن عقل** نام دارد که نخستین بار به قلم محمدعلی فروغی به فارسی ترجمه شد. کارهای دکارت در ریاضیات و فیزیک نیز بسیار قابل توجه و مهم است. در ریاضی، هندسه‌ی تحلیلی را پایه‌گذاری کرد و محورهای مختصات را، که امروزه در بسیاری از علوم کاربرد دارد، ابداع کرد؛ در فیزیک نیز، قوانین شکست نور را کشف کرد. اما روش علمی مطالعه در امور از همه‌ی کارهای او در جهان علم مؤثرتر بود. جمله‌ی معروفِ **من فکر می‌کنم، پس هستم** از دکارت است و به معنای آن است که اگر انسان در هر چیز شک کند، نمی‌تواند در وجود خود شک کند. این جمله را اساس و نقطه‌ی آغاز فلسفه‌ی دکارت می‌دانند.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
فروغی

دلاکروا، اوژن
(۱۸۶۳ ـ ۱۷۹۸ م.)
نقاش فرانسوی

دلاکروا، در عصر انقلاب کبیر فرانسه زندگی می‌کرد و برجسته‌ترین نقاش مکتب رمانتیک به شمار می‌رود. در مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس درس خواند؛ ولی پیش از آن در موزه‌ی لوور، با رونگاری از آثار نقاشان بزرگ، تجربه کسب کرده بود. در سفری به انگلستان، با مشاهده‌ی آثار نقاشان انگلیسی، به مکتب رمانتیک جلب شد. اما سفر به اسپانیا و سپس به الجزایر در شمال آفریقا، تحول مهمی در زندگی هنری او به وجود آورد. پس از این سفرها، دلاکروا زمینه‌ی بسیاری از کارهایش را از طبیعت بکر شمال آفریقا و زندگی مردم آن سرزمین گرفت. هنگامی که به فرانسه برگشت، سفارش نقاشی تالاری را در یکی از کاخ‌های پاریس پذیرفت که دوره‌ی پرکاری را در زندگی او رقم زد. اصولاً او نقاشی بسیار پرکار بود و حدود ۹ هزار طرح و تابلو نقاشی از خود به یادگار گذاشت. دلاکروا فردی فرهیخته و دارای معلومات و مهارت در زمینه‌های ادبیات، علوم، تاریخ اروپا، عکاسی، چاپ و... بود. نخستین بار او اصطلاح **موسیقی تصویر** را برای توصیف یک اثر هنری به‌کار برد. از آثار مشهور اوست: **آزادی، در پیشاپیش مردم**، **زنان الجزایر** و **جنگ اسبان عربی**.



دِلِسْپس، فردینان
(۱۸۹۴ ـ ۱۸۰۵ م.)
مسئول احداث کانال سوئز

دِلسپس یک دیپلمات فرانسوی بود و در مقام سفیر و سرکنسول در بسیاری از کشورها خدمت کرد. هنگامی که در قاهره سرکنسول بود، به پیشنهاد یکی از مهندسان ناپلئون، به تهیه‌ی طرحی برای احداث یک کانال پرداخت که بتواند دریای مدیترانه و دریای سرخ را به هم متصل سازد. اما ۲۰ سال بعد، که به دعوت سعید پاشا، فرمان‌روای مصر، به این کشور رفت، توانست امتیاز ساخت کانال را به‌دست آورد. کار احداث کانال به کمیسیونی از مهندسان خارجی سپرده شد و عملیات از بندر پورت سعید در دریای مدیترانه آغاز گردید. پس از ده سال، در ۱۷ نوامبر سال ۱۸۶۹ م. کانال سوئز به‌طور رسمی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و بدین طریق، فاصله‌ی دریایی بین آسیا و اروپا بسیار کاهش یافت. دِلسپس عضو فرهنگستان علوم فرانسه و دارای چند مدال افتخاری از دولت این کشور بود.





دِلواری، رئیس‌علی

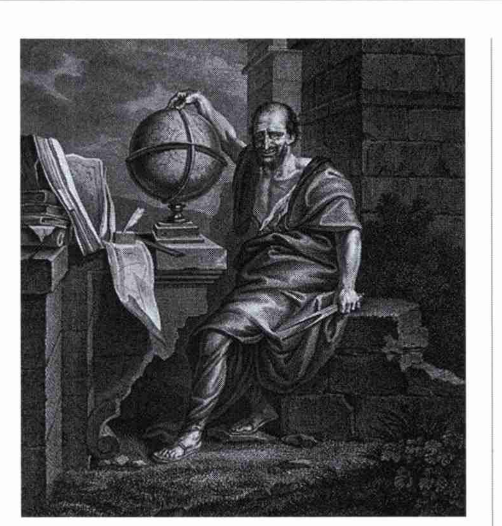
(۱۲۹۳ ـ ۱۲۶۴ هـ.ش.)

دلیر تنگستانی

در سال‌های جنگ اول جهانی، بر سر نفوذ در ایران، بین انگلستان و آلمان رقابت شدیدی به‌وجود آمد. تا جایی که انگلیسی‌ها به بهانه‌ی این که یک جاسوس آلمانی به نام واسموس در جنوب ایران و در میان قشقایی‌ها پناه گرفته است، تقاضای دستگیری و تحویل او به انگلستان یا اخراج او را داشتند و چون دولت ایران زیر بار نرفت، بوشهر را اشغال کردند. شورش بزرگی جنوب ایران، به‌ویژه بوشهر را فراگرفت و آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، سید عبدالله بلادی و پاره‌ای دیگر از علما دستور مقاومت و مبارزه با انگلیسی‌ها را دادند. رئیس‌علی دلواری، جوانی ۳۰ ساله که فرزند کدخدای روستای دِلوار بود، همراه با زایر خضرخان اَهرَمی و شیخ حسین چاکوتاهی به قیام بر ضد انگلیسی‌ها برخاستند و ضربات زیادی بر آن‌ها وارد آوردند. در این میان، نام رئیس‌علی در مقام رهبر مبارزه و چهره‌ی محبوب مردم جنوب، در همه جا پیچید. انگلیسی‌ها با طرح توطئه‌ای، نقشه‌ی قتل او را کشیدند. شبی که رئیس‌علی در اطراف بوشهر برای شبیخون زدن به دشمن رفته بود، دو تن از افراد مزدور و خائن محلی، او را از پشت هدف گلوله قرار دادند و کشتند. رئیس‌علی از آن زمان، به نماد مقاومت و مبارزه‌ی مردم جنوب بر ضد سلطه‌ی خارجی تبدیل شده است. پیکر او را به کربلا انتقال دادند و در آن‌جا دفن کردند. در سال ۱۳۷۳ نیز کنگره‌ی بزرگ‌داشت رئیس‌علی دلواری در بوشهر برگزار و خانه‌ی او در دلوار، به موزه تبدیل شد.

همچنین نگاه کنید به:

بلادی ، دریابیگی



▲ دموکریت نخستین دانشمندی است که گفت ماده از ذرّاتی غیرقابل تقسیم به نام اتم تشکیل شده است.



دموکریت

(۳۷۰ ـ ۴۶۰ ق.م.)

فیلسوف یونانی و نظریه‌پرداز

دموکریت، که به او در عربی ذیمقراطیس می‌گویند، از متفکران یونانی است که در بسیاری از رشته‌ها از خود نظری ابراز کرده است؛ ولی به جز قطعاتی پراکنده، اثر زیادی از آن‌ها باقی نمانده است. همواره خوش‌بین و شاد بود. از این رو، به او **فیلسوف خندان** می‌گفتند. دموکریت نخستین کسی است که گفت ماده از ذرات بی‌شمار و غیر قابل تقسیم (اتم) تشکیل شده است. به بخت و اتفاق عقیده نداشت و هر چیزی را معلول علتی می‌دانست. از نظر اخلاقی نیز عقیده داشت که سعادت را باید در اعتدال تمایلات و هواهای نفسانی جست‌وجو کرد.

همچنین نگاه کنید به:

ارسطو ، افلاطون ، سقراط



دوانی، علی

(۱۳۸۵ ـ ۱۳۰۸ هـ.ش.)

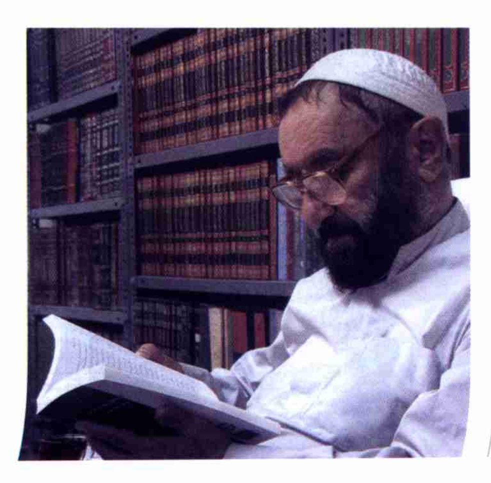
روحانی، نویسنده و محقق

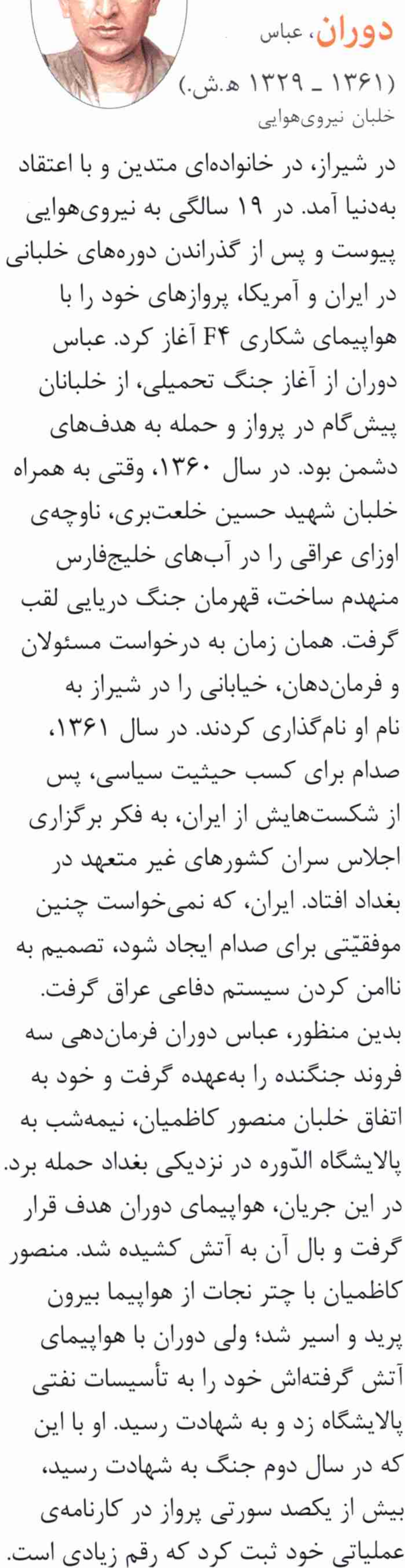
در دوان، روستایی در حوالی کازرون، متولد شد. در ۱۵ سالگی به نجف رفت و در حوزه‌ی آن‌جا به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس به ایران بازگشت و تحصیل خود را در قم ادامه داد و نزد استادانی چون آیت‌الله بروجردی، امام‌خمینی و علامه سیدمحمدحسین طباطبایی علم آموخت. دوانی از آغاز جوانی به مطالعه و نگارش مباحث تاریخی، به‌ویژه تاریخ اسلام و تشیع، علاقه‌مند بود و بیش‌تر عمر خود را به تحقیق و تألیف در این زمینه گذراند. در ۲۳ سالگی نخستین کتاب خود را در شرح حال جلال الدین دوانی، از حکمای برجسته‌ی اسلام نوشت. سال‌ها عضو هیئت تحریریه‌ی **مجله‌ی مکتب** اسلام بود که در قم منتشر می‌شد و با دارالتبلیغ اسلامی نیز همکاری می‌کرد. این روحانی بیدارگر، در شناساندن علما و رجال اسلامی نقش مؤثری داشت. مجموعه‌ی **مفاخر اسلام** (۱۱جلد)، **داستان‌های ما** (۳جلد)، **تصحیح مرآت‌الاحوال** (سفرنامه‌ی احمدِ آل‌آقا کرمانشاهی)، **سفرنامه‌ی حزین لاهیجی** و نیز کتاب‌های **زندگی وحید بهبهانی** و **زندگی آیت‌الله بروجردی** از آثار اوست.

همچنین نگاه کنید به:

بروجردی ، وحید بهبهانی

▼ حجت‌الاسلام دوانی در معرفی چهره‌های درخشان شیعه گام‌های بلندی برداشت.







دوران، عباس

(۱۳۶۱ ـ ۱۳۲۹ هـ.ش.)

خلبان نیروی‌هوایی

در شیراز، در خانواده‌ای متدین و با اعتقاد به‌دنیا آمد. در ۱۹ سالگی به نیروی‌هوایی پیوست و پس از گذراندن دوره‌های خلبانی در ایران و آمریکا، پروازهای خود را با هواپیمای شکاری F۴ آغاز کرد. عباس دوران از آغاز جنگ تحمیلی، از خلبانان پیش‌گام در پرواز و حمله به هدف‌های دشمن بود. در سال ۱۳۶۰، وقتی به همراه خلبان شهید حسین خلعت‌بری، ناوچه‌ی اوزای عراقی را در آب‌های خلیج‌فارس منهدم ساخت، قهرمان جنگ دریایی لقب گرفت. همان زمان به درخواست مسئولان و فرمان‌دهان، خیابانی را در شیراز به نام او نام‌گذاری کردند. در سال ۱۳۶۱، صدام برای کسب حیثیت سیاسی، پس از شکست‌هایش از ایران، به فکر برگزاری اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در بغداد افتاد. ایران، که نمی‌خواست چنین موفقیّتی برای صدام ایجاد شود، تصمیم به ناامن کردن سیستم دفاعی عراق گرفت. بدین منظور، عباس دوران فرمان‌دهی سه فروند جنگنده را به‌عهده گرفت و خود به اتفاق خلبان منصور کاظمیان، نیمه‌شب به پالایشگاه الدّوره در نزدیکی بغداد حمله برد. در این جریان، هواپیمای دوران هدف قرار گرفت و بال آن به آتش کشیده شد. منصور کاظمیان با چتر نجات از هواپیما بیرون پرید و اسیر شد؛ ولی دوران با هواپیمای آتش گرفته‌اش خود را به تأسیسات نفتی پالایشگاه زد و به شهادت رسید. او با این که در سال دوم جنگ به شهادت رسید، بیش از یکصد سورتی پرواز در کارنامه‌ی عملیاتی خود ثبت کرد که رقم زیادی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بابایی ، فکوری

دورانت، ویلیام جیمز

(۱۹۸۱ ـ ۱۸۸۵م.)

مورّخ آمریکایی

نامش ویلیام جیمز دورانت بود و در ایالت ماساچوست آمریکا به‌دنیا آمد. نخست در رشته‌های فلسفه، زیست‌شناسی و تعلیم و تربیت درس خواند. آن‌گاه به رشته‌ی فلسفه رفت و از دانشگاه کلمبیا دکترای این رشته را گرفت. در جوانی، با یکی از شاگردان خود به نام آریل ازدواج کرد و سال‌ها بعد با کمک او، مجموعه‌ی عظیم **تاریخ تمدن** را به پایان رساند. ویل دورانت ابتدا در دانشگاه، سخن‌رانی‌های علمی و فلسفی ایراد می‌کرد. سپس کتابی به نام **تاریخ فلسفه** نوشت و بعد تصمیم گرفت تاریخ تمدن جهان را از آغاز تا عصر ناپلئون بنویسد. بدین منظور، نه تنها از تمام کتاب‌های تاریخ معتبر استفاده کرد، بلکه با همسرش به سفرهای بسیار دست زد تا آثار و شواهد تاریخی را از نزدیک مشاهده کند. او به ایران نیز سفر کرد و از سوی مقامات کشوری و دانشگاهی مورد استقبال قرار گرفت و شیراز و اصفهان و آثار تاریخی آن‌ها را از نزدیک دید. ویل دورانت تاریخ خود را در ۱۱ جلد منتشر کرد. در ایران، این ۱۱ جلد، به تدریج طی ۲۰ سال به همت مترجمانی دانشمند و توانا ترجمه شد. ویل دورانت و همسرش در سال‌های آخر عمر، زندگی‌نامه‌ی خود را، که بیش‌تر درباره‌ی چگونگی نوشتن مجموعه‌ی تاریخ تمدن بود، با نام **دو زندگی‌نامه** منتشر کردند که آن نیز به فارسی ترجمه شده است.



▲ دورر در بسیاری از رشته‌های هنری و نیز در علمِ اعداد استاد بود.



دورِر، آلبرشت

(۱۵۲۸ ـ ۱۴۷۱م.)

هنرمند آلمانی دوره‌ی نوزایی

دورر یکی از ۱۸ فرزند پدرش بود که به جز سه نفرشان، همه در کودکی مردند. استعداد هنری او در نوجوانی شکوفا و به یکی از استادان برجسته‌ی هنر گرافیک و حکّاکی و منبّت‌کاری در اروپا بدل شد. در همه نوع نقاشی استاد بود؛ ولی دست‌آورد اصلی او در هنر، کنده‌کاری روی چوب و قلم‌زنی روی فلز بود و در این رشته‌ها، بزرگ‌ترین هنرمند دوره‌ی نوزایی به‌شمار می‌رود. دورِر مردی اندیش‌مند، دین‌دار، دوست‌دار دانش و در بسیاری زمینه‌ها صاحب‌نظر بود. از آثار آلبرشت دورر می‌توان به **چهار سوار سرنوشت**، **چهار انجیل‌نویس**، **تک‌چهره‌ی هنرمند** و **آدم و حوّا** اشاره کرد.



دورکهیم، امیل

(۱۹۱۷ ـ ۱۸۵۸م.)

پدر جامعه‌شناسی علمی

در شهر اپینال فرانسه، در خانواده‌ای که

پدر و اجدادش همه از روحانیان یهودی بودند، به‌دنیا آمد. در مدرسه‌ی عالی پاریس درس خواند و پس از فراغت از تحصیل، چند سال به تدریس حقوق و فلسفه پرداخت. اما مدتی بعد به دانشگاه بازگشت و به تحصیل در رشته‌ی جامعه‌شناسی مشغول شد. دورکهیم نخستین کسی است که جامعه را به روش علمی، در اروپا مطالعه کرد. از این رو می‌توان گفت جامعه‌شناسی جدید با او آغاز می‌شود. او عقیده داشت که اجتماعات و گروه‌های انسانی، چیزی متفاوت و بیش از مجموع افراد با شخصیت‌ها و منش‌های فردی آنان است. هم‌چنین دین و ارزش‌های اخلاقی را در حکم پیوندهای مؤثر در پایداری و هم‌بستگی اجتماعی می‌دانست و عقیده داشت شکست این پیوندها، موجب از دست رفتن هم‌بستگی اجتماعی می‌شود و به نابهنجاری و سَرخوردگی فرد می‌انجامد که از پی‌آمدهای آن، افزایش گرایش به خودکشی است. بر این اساس، دورکهیم تحقیق وسیعی را در زمینه‌ی خودکشی انجام داد که هنوز مورد بحث و گفت‌وگوی جامعه‌شناسان است. دورکهیم در مورد بسیاری از موضوعات مهم اجتماعی تحقیق کرد و در هر زمینه، نظریه‌های مهمی ارائه داد. مهم‌ترین این موضوعات عبارت است از: تعلیم و تربیت، دین، جنایت و خودکشی. از آثار اوست: **تقسیم کار اجتماعی**، **قواعد مطالعه‌ی اجتماعی** و **صورت‌های اولیه‌ی حیات دینی**.

دو کوبرتَن، پی‌یِر

(۱۹۳۷_۱۸۶۲ م.)

بنیان‌گذار بازی‌های جدید المپیک

بنیان‌گذار بازی‌های جدید المپیک در فرانسه و در خانواده‌ای ثروت‌مند به‌دنیا آمد. جامعه‌شناسی خواند و تا ۲۵ سالگی تحصیلات عالی خود را به‌پایان رساند. در سال ۱۸۹۲م. طرح احیای بازی‌های المپیک را، که در یونان باستان برگزار می‌شد و بیش از ۱۵۰۰ سال به فراموشی سپرده شده بود، به اتحادیه‌ی ورزشی فرانسه تقدیم کرد. سپس با سفر به کشورهای گوناگون، طرح را دنبال کرد و چهار سال بعد (۱۸۹۶) توانست نخستین دوره‌ی بازی‌ها را در یونان برگزار کند. از آن سال تاکنون، به‌جز سال‌های ۱۹۱۴، ۱۹۱۶ و ۱۹۴۰، که جنگ‌های جهانی اول و دوم در جریان بود، این مسابقه‌ها هر ۴ سال یک‌بار در کشورهای داوطلب برگزار شده است. در سال ۱۹۲۴ بازی‌های المپیک زمستانی نیز به بازی‌های المپیک افزوده شد. دوکوبرتن از آغاز بازی‌ها تا سال ۱۹۲۵، ریاست کمیته‌ی بین‌المللی المپیک را به‌عهده داشت و به‌تنهایی همه‌ی امور مالی و اداری آن را اداره می‌کرد.



دوگل، شارل

(۱۹۷۰ _ ۱۸۹۰ م.)

رئیس‌جمهوری فرانسه

در جنگ دوم جهانی، کشور فرانسه به سبب حمله‌ی غافل‌گیرانه‌ی نازی‌ها، در مقابل آلمان مقاومت نکرد. در نتیجه، پاریس به دست آلمانی‌ها افتاد و حکومتی دست‌نشانده به نام **حکومت ویشی**، به رهبری مارشال پتن در آن برقرار شد. اما شارل دوگل، که فرماندهی یک لشکر زرهی را به‌عهده داشت، زیر بار این حقارت نرفت. او از فرانسه فرار کرد و با استقرار در انگلستان، جبهه‌ی **نیروهای فرانسه‌ی آزاد** را تشکیل داد و با دیگر میهن‌پرستان فرانسوی، به مبارزه بر ضد اشغال‌گران کشورش پرداخت. پس از پایان جنگ و شکست آلمان، دوگل پیروزمندانه به فرانسه بازگشت و به طور موقت رئیس‌جمهوری این کشور شد. اما پس از دو سال کناره گرفت و ۱۲ سال در صحنه‌ی سیاسی فرانسه نبود. اما در سال ۱۹۵۸، با ۷۸ درصد از آرای مردم فرانسه یک بار دیگر به ریاست جمهوری رسید و قدرت را به‌دست گرفت. دوگل از رؤسای جمهوری محبوب و مقتدر فرانسه بود. الجزایر، که مستعمره‌ی فرانسه بود، در زمان او به استقلال رسید. به‌علاوه، فرانسه رشد علمی و صنعتی بی‌سابقه‌ای یافت، بمب اتمی و هیدروژنی تولید کرد، سیاست خارجی مستقلی در پیش

▼ دوگل کسی بود که توانست حیثیّت فرانسه را، که در جنگ دوم جهانی از دست رفته بود، به آن بازگرداند.



گرفت و به سومین قدرت اتمی جهان تبدیل شد. دوگل در پی نتایج یک همه‌پرسی، در سال ۱۹۶۹ از قدرت کناره گرفت و یک سال پس از آن درگذشت. خاطرات او به فارسی ترجمه شده است.



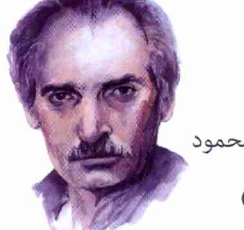
دولت‌آبادی، پروین

(۱۳۸۷ـ ۱۳۰۳ ه.ش.)

شاعر کودکان

خانواده‌ی پروین اهل روستای دولت‌آباد اصفهان و فرهنگ‌دوست بودند. پدر پروین حسام‌الدین دولت‌آبادی، مدتی شهردار تهران بود. عموی پدر و عموی مادرش، **یحیی دولت‌آبادی**، بود که از چهره‌های سیاسی و فرهنگی اواخر عصر قاجار به شمار می‌رود. پروین در اصفهان و تهران تحصیل کرد و از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، مدرک کارشناسی گرفت و دبیر دبیرستان‌های تهران شد. او سرودن شعر را از ۱۴ سالگی آغاز کرد؛ ولی شکوفایی‌اش هنگامی بود که اشعارش به طور مرتب همراه با اشعار محمود کیانوش، در مجله‌های دانش‌آموزی پیک چاپ شد. دولت‌آبادی را می‌توان یکی از بنیان‌گذاران شعر کودک در ایران دانست. مجموعه‌ی اشعار او به نام **بر قایق ابرها** در سال ۱۳۷۳ در تهران منتشر شد.

همچنین نگاه کنید به:
کیانوش



دولت‌آبادی، محمود

(تولد: ۱۳۱۹ه.ش.)

رمان‌نویس

متولد یکی از روستاهای سبزوار است. نوجوانی را در زادگاه خود به کارهای گوناگونی چون چوپانی، کشاورزی، کفاشی و آرایشگری گذراند و سرانجام راهی تهران شد. در تهران، پادو و کنترل‌چی سینما شد و به کار در روزنامه‌ی کیهان پرداخت. بعداً به تئاتر روی آورد، در این رشته درس خواند و شاگرد اول شد. بیش از ۱۰ سال با علی حاتمی، بهرام بیضایی و اکبر رادی همکاری داشت و هم‌زمان کار نویسندگی را هم دنبال می‌کرد.

دولت‌آبادی از سال ۱۳۵۳، یک‌سره به نوشتن پرداخت. اثر برجسته و معروف او رمان **کلیدر** است که نوشتن آن بیش از ۱۵ سال طول کشید. حوادث این رمان مربوط به زادگاه نویسنده است. اصولاً محمود دولت‌آبادی داستان‌هایش را بر محور شهر و روستا و رابطه‌ی آن‌ها با هم می‌نویسد. از رمان‌های دیگر او **اوسنه‌ی باباسبحان**، **جای خالی سلوچ** و **روزگار سپری شده‌ی مردم سال‌خورده** است. از اوسنه‌ی باباسبحان فیلمی به نام **خاک** ساخته شده است.

همچنین نگاه کنید به:
حاتمی



دونان، هانری

(۱۹۱۰ ـ ۱۸۲۸م.)

بنیان‌گذار صلیب سرخ جهانی

در شهر ژنو سوئیس به‌دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات، به تجارت و جهان‌گردی پرداخت. در سال ۱۸۹۵ جنگ‌هایی میان فرانسه و اتریش درگرفت و در پی آن هزاران نفر از دو طرف کشته و زخمی شدند. دونان در بازدید از میدان‌های جنگ به شدت ناراحت شد. به همین سبب، تصمیم گرفت مانند فلورانس نایتینگل، بنیان‌گذار پرستاری جدید، کاری برای مجروحان، صرف نظر از ملیت آن‌ها، انجام دهد. دونان در اولین قدم، مؤسسه‌های خیریه‌ای برای رسیدگی به مجروحان



تأسیس کرد و در این راه از دوستان و آشنایان نیز کمک خواست. این مؤسسات خیریه خیلی زود به صورت یک تشکیلات واحد به نام **صلیب سرخ** درآمدند. صلیب سرخ یک سازمان گسترده‌ی خدمات انسانی شد و در سراسر جهان گسترش یافت. در کشورهای مسلمان و ایران، **سازمان هلال‌احمر** همان وظیفه‌ی صلیب سرخ را انجام می‌دهد. هانری دونان به دلیل این اقدام، در سال ۱۹۰۱ جایزه‌ی صلح نوبل را دریافت کرد. قابل توجه است که هانری دونان و فلورانس نایتینگل، در یک سال زندگی را بدرود گفتند.

همچنین نگاه کنید به:
نایتینگل



دهخدا، علی‌اکبر

(۱۳۳۴ ـ ۱۲۶۰ه.ش.)

بنیان‌گذار لغت‌نامه‌ی دهخدا

خانواده‌ی دهخدا اهل قزوین بودند و پدرش، خان‌باباخان، از زمین‌داران قزوین بود. خودش در سنگلج تهران به‌دنیا آمد. دوره‌ی کودکی و نوجوانی او به تحصیل گذشت؛

به‌خصوص از محضر روحانی روشن‌اندیش، **شیخ هادی نجم‌آبادی** بهره‌ی بسیار برد و بذر تعقل و روشن‌بینی در ذهنش کاشته شد. دهخدا در جوانی به مدرسه‌ی سیاسی رفت و آموزش‌های جدیدی در زمینه‌ی تاریخ و سیاست و حقوق بین‌الملل دید. بعد از آن همراه با سفیر ایران، دو سال در اروپا بود و زبان فرانسوی خود را تکمیل کرد. با آغاز جنبش مشروطه، به ایران بازگشت و با همکاری میرزا جهانگیر شیرازی، روزنامه‌ی **صوراسرافیل** را منتشر کرد. خودش هم در آن مطالب طنزآمیزی به نام **چرند و پرند** با امضای «دخو» می‌نوشت. وقتی به دستور محمدعلی‌شاه، مجلس را به توپ بستند، دهخدا، که از ترس و وحشت آن واقعه ناگهان موهایش سفید شده بود، به استانبول و سپس اروپا رفت و با محمد قزوینی در پژوهش و تحقیق همکاری کرد. دهخدا تا پایان استبداد صغیر و بازگشایی مجلس شورای ملی در اروپا ماند. در دوره‌ی دوم مجلس، از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. در جنگ اول جهانی، حدود سه سال در چهارمحال‌وبختیاری به‌سر برد. کار مهم دهخدا، بنیان‌گذاری **لغت‌نامه** است که در هنگام اقامت در چهارمحال به فکر آن افتاده بود؛ ولی پس از کناره‌گیری از فعالیت سیاسی، به آن پرداخت. او در زمان حیات، مقداری از کارهای لغت‌نامه را انجام داد که چاپ شد. بعد از او کار به مدیریت دکتر محمد معین و سپس دکتر سیدجعفر شهیدی ادامه یافت و با همکاری استادان دیگر به اتمام رسید. لوئی ماسینیون، دانشمند شرق‌شناس فرانسوی، کار دهخدا در تألیف لغت‌نامه را «هرکول‌آسا» توصیف کرده است. دهخدا در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه شهرری به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شهیدی ، معین ، نجم‌آبادی



دهداری، پرویز

(۱۳۷۱ ـ ۱۳۱۲ ه.ش.)

مربی فوتبال

در شیراز به‌دنیا آمد. با پیوستن به تیم شاهین، در نقش مهاجم، کار خود را آغاز کرد و تا انحلال تیم عضو آن بود، سپس به پرسپولیس پیوست. دهداری به سبب سن نسبتاً زیادش (۳۴ سال)، در این تیم زیاد بازی نکرد و بیش‌تر مربی بود. در سال ۴۲ مرد سال فوتبال ایران شد و بعدها سرپرستی تیم اعزامی به المپیک مونیخ را به‌عهده گرفت. بعد از انقلاب اسلامی، یک بار دیگر سرمربی تیم ملی شد و ۴ سال این مسئولیت را داشت. در این دوره، دهداری با بازیکنان جوانش، در جام ملت‌های آسیا (۱۹۹۸) با شایستگی بر سکوی سوم ایستاد. جامعه‌ی فوتبال ایران، دهداری را در مقام یک معلم اخلاق در ورزش می‌ستود.

▼ **پرویز دهداری در جوانی در تیم شاهین بازی می‌کرد. نفر اول ایستاده از سمت راست.**

دهلوی، حسین

(تولد: ۱۳۰۶ ه.ش.)

آهنگ‌ساز

در تهران به‌دنیا آمد. آموزش موسیقی را نزد پدرش آغاز کرد؛ به طوری‌که از ۱۱ سالگی به‌خوبی ویلن می‌نواخت. نزد ابوالحسن صبا به یادگیری پرداخت و از شاگردان ممتاز او شد. پس از دریافت دیپلم متوسطه، به

هنرستان عالی موسیقی رفت و لیسانس موسیقی گرفت. او، که کارمند وزارت دارایی بود، پس از دریافت لیسانس به اداره‌ی هنرهای زیبا منتقل شد و ریاست هنرستان ملی موسیقی را عهده‌دار شد. پس از درگذشت ابوالحسن صبا، سرپرستی ارکستر شماره‌ی یک هنرهای زیبا، معروف به ارکستر صبا، به دهلوی واگذار شد. او ۱۱ سال سرپرستی این ارکستر را به‌عهده داشت. سپس با انحلال ارکستر صبا، ارکستر رودکی را تشکیل داد. دهلوی در دهه‌ی ۴۰، چند سال به اروپا رفت و در کشورهای آلمان و اتریش، تجربه‌های تازه‌ای کسب کرد و به ایران بازگشت. او در زمینه‌ی موسیقی چند اثر ماندگار ساخته است. **دونوازی سنتور**، **سبک‌بال**، **سوئیت بیژن و منیژه** و **سرباز** از آثار اوست. جشن ۸۰ سالگی دهلوی در سال ۱۳۸۶ در تهران برگزار شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صبا



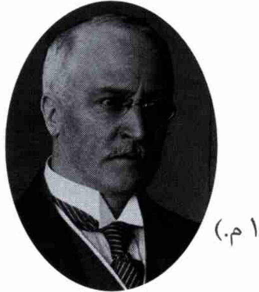
دیبا، کامران

(متولد ۱۳۱۶ه.ش.)

معمار

نام کامل او کامران طباطبایی دیباست و در تهران به‌دنیا آمده است. در جوانی به آمریکا رفت و تحصیلات معماری خود را در دانشگاه هاروارد به‌پایان رساند. یک سال هم جامعه‌شناسی خواند، به ایران بازگشت و به فعالیت در رشته‌ی معماری پرداخت. اهمیت کار دیبا در نگاه خاص به معماری بومی و سنت‌های ایرانی در عین توجه به جامعه‌ی شهری مدرن است. کار مشهور او پروژه‌ی نیمه‌تمام **شهر جدید شوشتر** است که آن‌را براساس معماری سنتی با استفاده از آجر و با گنجایش ۳۰هزار نفر طراحی کرد. چند ساختمان هم در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز ساخت. اما مهم‌ترین اثر او، **بنای موزه‌ی هنرهای معاصر تهران** است که با سقف‌های نیم‌هلالی، یادآور بادگیرهای سنتی خاورمیانه است. کامران دیبا دو سال قبل از انقلاب به خارج مهاجرت کرد و در آن‌جا به فعالیت در طرح‌های بزرگ مشغول شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پیرنیا (کریم) ، سیحون

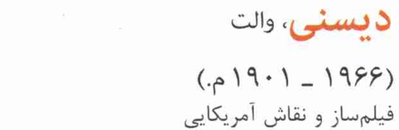


دیزل، رودلف

(۱۹۱۳ ـ ۱۸۵۸ م.)

مخترع موتور دیزل

نخستین موتورهایی که ساخته شد، با زدن جرقه و به وسیله‌ی شمع روشن می‌شد؛ که هنوز هم بسیاری از موتورهای خودروها از این نوع هستند. اما رودلف دیزل موتوری اختراع کرد که دیگر نیازی به شمع برای جرقه زدن نداشت؛ بلکه سوخت موتور، یعنی گازوئیل، پس از آن‌که به صورت پودر درمی‌آمد، بر اثر فشار زیادی که از پیستون بر آن وارد می‌شد، داغ و خودبه‌خود منفجر می‌شد و آتش می‌گرفت، و موتور را به راه می‌انداخت. دیزل، که مخترع این نوع موتور است، در هنرستان فنی مونیخ تحصیل کرده بود و همواره در پی آن بود موتوری بسازد که بازده بیش‌تری از موتورهای موجود داشته باشد. او در این‌باره مقاله‌ای نوشت و سرانجام در سال ۱۸۹۳، موتور دلخواهش را اختراع کرد و آن را به ثبت رساند. موتور دیزل خیلی زود مورد توجه صنعت‌گران قرار گرفت و به‌طور وسیعی در زیردریایی‌ها، کشتی‌ها، لوکوموتیوها و سرانجام در خودروها به‌کار گرفته شد. دیزل در سال ۱۹۱۳ سوار بر کشتی در حال گذر از دریای شمال، ناپدید شد و دیگر اثری از او به‌دست نیامد.



دیسنی، والت

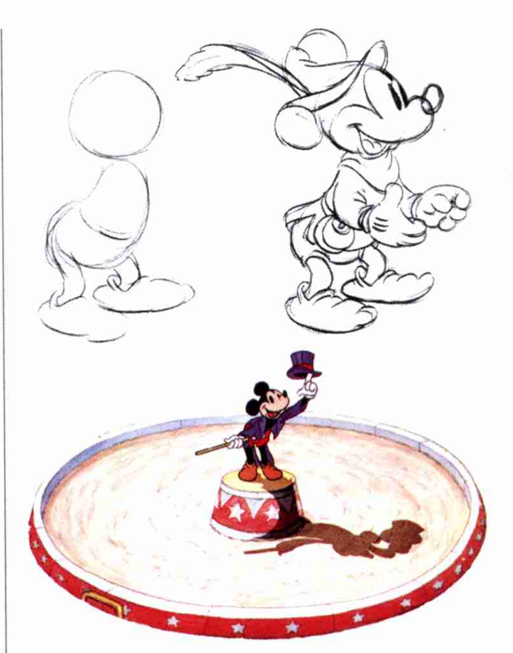
(۱۹۶۶ ـ ۱۹۰۱ م.)

فیلم‌ساز و نقاش آمریکایی

در شیکاگو به‌دنیا آمد. در نوجوانی به کارهای تبلیغاتی و هنری روی آورد. سپس وارد هالیوود شد. فیلم **اسوالد خرگوش خوش‌بخت** برایش موفقیت به همراه آورد و از آن پس با علاقه‌ی بیش‌تری کار را با برادر و همسرش ادامه داد. در ۱۹۲۸، **میکی ماوس** را خلق کرد. میکی ماوس یک موش



▼ والت دیسنی، با دانلد داک!


نمونه‌ای از شخصیت‌سازی فیلم‌های والت دیسنی

دوست‌داشتنی و چالاک بود. فیلم‌های **پلوتو، دانلد داک، گوفی** و نخستین فیلم بلند انیمیشن سینما به نام **سفید برفی و هفت کوتوله** حاصل این همکاری است. در دهه‌ی ۵۰، او مجموعه فیلم‌های تلویزیونی **دیسنی‌لند** را به صحنه آورد و در کالیفرنیا پارک تفریحی و مشهور دیسنی‌لند را ساخت که بعدها نمونه‌هایش را در فلوریدا، توکیو و پاریس نیز افتتاح کرد. دیگر فیلم‌های او عبارت‌اند از **پینوکیو، فانتازیا، سیندرلا، جزیره‌ی گنج** و **کتاب جنگل**. والت دیسنی نماد رؤیاپردازی در سینما محسوب می‌شود و چند بار جایزه‌ی اسکار دریافت کرده است.



دیکنز، چارلز

(۱۸۱۲ ـ ۱۸۷۰ م.)

نویسنده‌ی انگلیسی

در خانواده‌ای متوسط و کم‌درآمد به‌دنیا آمد. پدری خوش‌گذران و بی‌خیال داشت که سرانجام به‌دست طلب‌کاران، به زندان افتاد. چارلز از ۱۲ سالگی مجبور به کارکردن شد. ابتدا در یک کارگاه واکس‌سازی و سپس در یک دفتر اسناد رسمی مشغول کار شد؛ و پس از آن خبرنگار روزنامه شد. مدتی طرح‌های طنزآمیز می‌کشید و در روزنامه چاپ می‌کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت. در همین زمینه، مجموعه‌ی **نامه‌های بازمانده‌ی باشگاه پیک ویک** را منتشر کرد. ۲۰ ساله بود که ازدواج کرد و حاصل آن ۱۰ فرزند بود. با این حال، بین زن و شوهر اختلاف پیش آمد و دیکنز پس از ۲۶ سال زندگی مشترک، همسرش را طلاق داد و با یک بازیگر، ازدواج کرد. از مشهورترین آثار دیکنز، **آرزوهای بزرگ، اولیورتویست، دیوید کاپرفیلد** و **داستان دو شهر** است. همه‌ی این رمان‌ها به فارسی ترجمه شده است. دیکنز رمان‌نویسی دردآشنا بود که رنج‌های خود و طبقه‌ی تهی‌دست را به خوبی در قالب داستان‌هایش منعکس کرده است.



دیوئی، جان

(۱۸۵۹ ـ ۱۹۵۲ م.)

استاد تعلیم و تربیت

در برلینگتون آمریکا به‌دنیا آمد. ابتدا معلمی پیشه کرد. سپس به دانشگاه رفت و فلسفه خواند و استاد دانشگاه میشیگان شد. سرانجام به دانشگاه کلمبیا رفت که تا زمان بازنشستگی، استاد آن بود. دیوئی مطالعه در زمینه‌ی فلسفه‌ی پراگماتیسم یا عمل‌گرایانه‌ی **ویلیام جیمز** و **پیرس** را دنبال نمود و این فلسفه را به نظریه‌ای برای آموزش و پرورش تبدیل کرد. دیوئی عقیده داشت که بچه‌ها باید علم را در ضمن عمل یاد بگیرند، نه از راه خواندن و حفظ کردن. او این اندیشه را تبلیغ و خود نیز مدرسه‌ی کوچکی تأسیس کرد تا صحت نظریاتش را در ضمن آموزش به‌طور عملی اثبات کند. موفقیت او در بهره‌گیری از این نظریات، دانشمندان تعلیم و تربیت آمریکایی را متقاعد کرد که برای پیش‌رفت بیش‌تر دانش‌آموزان، باید ساختارشکنی کرد، معلم‌محوری را کاهش داد و مدارس را به سوی عمل‌گرایی بیش‌تر هدایت کرد. افکار دیوئی منشأ تحولات مهمی در آموزش و پرورش آمریکا شد. او نظریات خود را در این زمینه، در کتاب **جامعه و تعلیم‌وتربیت** منتشر کرد. این کتاب را دکتر علی شریعتمداری، که خود از شاگردان مکتب دیوئی در آمریکا بود، به فارسی ترجمه کرده است. دیوئی در ۹۳ سالگی درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:
پیاژه ، مونته سوری



ذوالقدر، غلام‌حسن

(تولد: ۱۳۳۹ه.ش.)

قهرمان تکواندو

در تهران به‌دنیا آمد. از ۱۶ سالگی به ورزش تکواندو روی آورد و در این رشته بسیار خوب درخشید. با آغاز جنگ تحمیلی، به جبهه رفت و در بازگشت، به ورزش تکواندو ادامه داد و با ورود به تیم ملی تکواندو، به بازی‌های جهانی نیز راه یافت. حاصل فعالیت‌های ذوالقدر در تیم‌های داخلی و جهانی عبارت است از: ۶ دوره حضور در بازی‌های قهرمانی جهان، ۵ دوره حضور در جام جهانی، ۴ دوره قهرمانی آسیا، سه دوره حضور در المپیک، دو دوره حضور در مسابقه‌های نوجوانان جهان، دو دوره حضور در بازی‌های دانشجویان جهان و دو دوره حضور در بازی‌های پلیس‌های جهان. ذوالقدر حدود ۱۰۰ مدال از بازی‌های گوناگون کسب کرده که این سبب شده است تیم تکواندوی ایران دارای مدال‌های رنگارنگ باشد.

ذی‌القرنین

شخصیتی در قرآن

نام ذی‌القرنین و داستان او در سوره‌ی کهف قرآن کریم آمده است که خلاصه‌ی آن چنین است: مردی بود که خدا به او توانایی‌هایی داده بود و او هم از این توانایی‌ها در راه‌های خوب استفاده می‌کرد. یک بار به قومی رسید و آن قوم به او گفتند: «ای ذی‌القرنین، یأجوج و مأجوج در این‌جا فساد می‌کنند و ما را آزار می‌رسانند. آیا اگر ما هزینه‌ی آن را بپردازیم، سدّی در میان ما و آن‌ها می‌سازی؟» ذی‌القرنین گفت: «ثروتی که خدا به من داده است کافی است.» آن‌گاه دستور داد با قطعات آهن و سنگ دیوار بلندی بسازند و مس گداخته بر آن بریزند تا بسیار محکم شود. سپس گفت: «این از رحمت خدای من است و روزی خواهد رسید که به وعده‌ی خدا این سد متلاشی شود.» در مورد این که واقعاً ذی‌القرنین چه کسی بوده است، نظریات متفاوتی وجود دارد و مفسّران اسکندر مقدونی، منذربن ماءالسّماء، صلیب‌بن هِمال حِمیَری، تُبَّع‌القَرَن پادشاه یمن، کوروش، شی هوانگ دی و... را هر یک به دلایلی، ذی‌القرنین دانسته‌اند. در ایران کسانی چون صدرالدین بلاغی، علامه طباطبایی و محمدابراهیم باستانی پاریزی، بیش‌تر احتمال داده‌اند که ذی‌القرنین همان کوروش باشد. البته اصل این نظر متعلق به ابوالکلام آزاد، متفکر مسلمان هندی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اسکندر مقدونی ، شی‌هوانگ‌دی ، کوروش



رادرفورد، ارنست

(۱۹۳۷ ـ ۱۸۷۱ م.)

فیزیک‌دان انگلیسی

زلاندنو کشوری در اقیانوس آرام جنوبی است که زمانی مستعمره‌ی انگلستان بود و اکنون از کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیاست و مردم آن انگلیسی زبان‌اند. رادرفورد را از این جهت که آن‌جا به‌دنیا آمده است، انگلیسی می‌دانند. او فرزند مردی کشاورز بود و استعدادی سرشار داشت. با یک بورس تحصیلی، که دانشگاه کمبریج در اختیارش قرار داد، به انگلستان رفت و زیر نظر **جوزف تامسون**، فیزیک‌دان برجسته‌ی انگلیسی، شروع به مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی فیزیک کرد و به مقام استادی و ریاست گروه فیزیک دانشگاه منچستر رسید. او با کار روی مواد رادیواکتیو، پرتوهای آلفا، بتا و گاما را کشف کرد و به سبب این کشف، جایزه‌ی نوبل شیمی سال ۱۹۰۸ را به‌دست آورد. رادرفورد مدلی برای ساختار اتم پیشنهاد کرد که تقریباً شبیه مدل اتمی بور است. کشف پروتون نیز از کارهای رادرفورد است. این دانشمند را در کنار ماری کوری، پی‌یر کوری، بور، فرمی و چند دانشمند دیگر، باید از پیش‌گامان عصر اتم نامید.



▲ رادرفورد به پاس خدمت و تلاش‌هایش در فیزیک، جایزه‌ی نوبل گرفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بور ، کوری



رازی، محمد زکریّا

(۳۱۳ ـ ۲۵۲ ه.ق.)

پزشک و شیمی‌دان

اروپاییان، ابوبکر محمد زکریّای رازی را جالینوس عرب خوانده‌اند و او را بزرگ‌ترین پزشک بالینی جهان اسلام می‌دانند. او در ری به دنیا آمد و حدود یک قرن قبل از ابن‌سینا می‌زیست. رازی پیش از آن که وارد دنیای طب شود، به موسیقی و شیمی، که در آن زمان کیمیاگری نام داشت، می‌پرداخت و در همین دوره، الکل را از تقطیر شراب به دست آورد. بعداً رئیس بیمارستان ری شد و هم‌زمان دانشجویان طب را آموزش می‌داد. سپس به بغداد رفت و ریاست بیمارستان بغداد را به‌عهده گرفت.

▼ رازی، پس از ابن‌سینا، بزرگ‌ترین پزشک جهان اسلام است. مجسمه‌ی او، که اثر استاد علی قهاری است، در میدان رازی تهران قرار دارد.



اما زمانی‌که نابینا شد، به ری بازگشت و در همین شهر از دنیا رفت. بزرگ‌ترین اثر رازی **الحاوی** است که دایرةالمعارف علم پزشکی است و در تاریخِ این علم، کاملاً شناخته شده است. رازی رساله‌ای درباره‌ی **آبله و سرخک** دارد که آن را شاهکارش دانسته‌اند و قرن‌ها در مراکز علمی ایران و اروپا تدریس می‌شد.

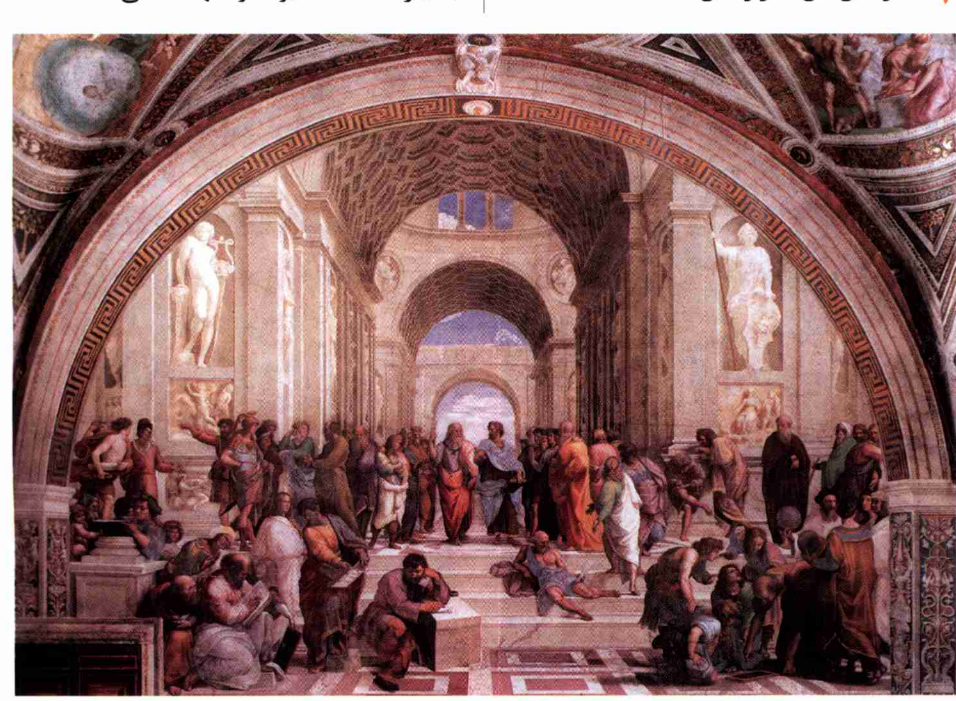
هم‌چنین نگاه کنید به:
ابن‌سینا ، جرجانی



رافائل

(۱۵۲۰ ـ ۱۴۸۳ م.)
نقاش ایتالیایی

رافائل یکی از برجسته‌ترین نقاشان دوره‌ی رنسانس است. پدرش نقاش بود و رافائل از ۷ سالگی در ترکیب کردن رنگ‌ها به او کمک می‌کرد. از ۱۷ سالگی در فلورانس و رم به کشیدن تابلوهای نقاشی پرداخت و پاپ از او برای کشیدن نقاشی در واتیکان دعوت کرد. دیوارنگاره‌هایی که در واتیکان کشید، از جمله اثر مشهور **مدرسه‌ی آتن**، شهرت و محبوبیت فراوانی برای او به ارمغان آورد.



«مدرسه‌ی آتن» اثر رافائل

رافائل علاقه‌ی ویژه‌ای به کشیدن تصویر حضرت مریمعليها‌السلام داشت و بیش‌تر آثاری که از او باقی مانده است، رنگ و روی دینی و مسیحی دارد. تابلوهای **خانواده‌ی مقدس**، **مریم روی صندلی**، **باغبان زیبا** و **مجادله بر سر نان و شراب مقدس**، از آثار اوست. رافائل را تا چند قرن بزرگ‌ترین نقاش همه‌ی زمان‌ها می‌شناختند و میکل‌آنژ افتخار می‌کرد که زمانی معلم رافائل بوده است. عمر این هنرمند کوتاه بود و در ۳۷ سالگی درگذشت.

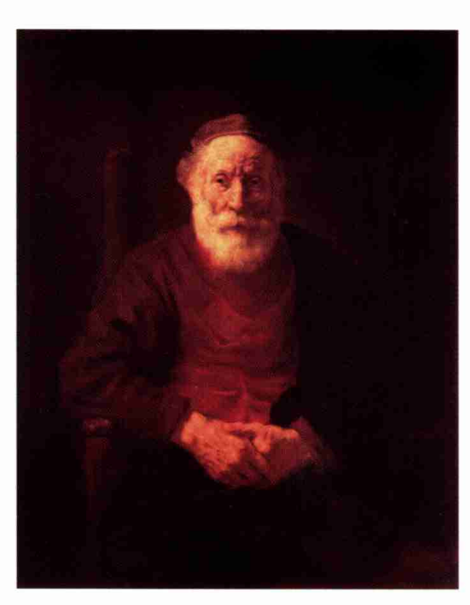
هم‌چنین نگاه کنید به:
داوینچی ، میکل آنژ



رامبراند

(۱۶۹۹ ـ ۱۶۰۶ م.)
نقاش هلندی

رامبراند بیش‌تر به سبب قدرت تخیّل و کثرت آثارش مشهور شده است. در لیدن هلند به‌دنیا آمد. تنها یک سال به دانشگاه رفت؛ زیرا علاقه‌ی او به نقاشی، چنان زیاد بود که درس را رها کرد و راه فعالیت هنری را در پیش گرفت. رامبراند به کشیدن چهره بسیار علاقه‌مند بود. او تنها نقاشی است که ۶۰ بار فقط چهره‌ی خودش را کشیده و رکوردی از تصاویر نوجوانی تا پیری یک شخص بر جای گذارده است. رامبراند مصیبت بسیار دید. سه پسر و مادر و همسرش را از دست داد و تنها یک پسرش، به نام تیتوس، برایش ماند. با این حال، نقاشی را رها نکرد و بیش از ۶۰۰ تابلوی رنگ روغن و ۲هزار طرح از خود بر جای گذاشت. رامبراند نخستین هنرمندی است که اهمیت نور، رنگ و اسلوب رنگ‌آمیزی را برابر با انتخاب موضوع می‌دانست. از آثار اوست: **پاس شبانه** و **چهره‌ی هنرمند**.



«چهره‌ی پیرمرد با لباس قرمز» (۱۶۵۲)، اثر رامبراند، رنگ روغن روی بوم
یکی از شاگردان رامبراند، استادش را به سبب توانایی در متجلی ساختن «روح» انسان در آثارش ستوده است. در این اثر، رامبراند با استفاده از اسلوب سایه ـ روشن، وضعیت روحی و روانی پیرمرد را منعکس کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رافائل



رامیار، محمود

(۱۳۶۳ ـ ۱۳۰۱ ه.ش.)
قرآن‌پژوه

در مشهد متولد شد. در همان شهر،

تحصیل کرد. از دانشگاه تهران لیسانس حقوق و سپس از دانشگاه‌های داخل و خارج در سه رشته دکترا گرفت: دکترای علوم سیاسی در ایران، دکترای الهیات و معارف اسلامی در فرانسه و دکترای اقتصاد در انگلستان. رامیار سال‌ها در راه خدمت به فرهنگ اسلامی و جامعه‌ی کتاب‌خوان و دانشمند تلاش کرد و آثار ارزنده‌ای از خود بر جای گذاشت. در زمینه‌ی مدیریت عملی نیز توانا بود. چند سال رئیس دانشکده الهیات بود و بعدها نیز چاپ‌خانه‌ی دانشگاه فردوسی مشهد را بنیان گذاشت. از تألیفات او **کشف‌الایات قرآن کریم**، **تاریخ نبوت مسیح**ؑ، **در آستانه‌ی سال‌زاد پیامبر**ﷺ و ترجمه‌ی کتاب **در آستانه‌ی قرآن** است. اما آخرین اثرش، که کتاب سال جمهوری اسلامی نیز شده است، **تاریخ قرآن** نام دارد. او تفسیری نیز درباره‌ی قرآن نوشته بود که هنوز چاپ نشده است.

رایت، اورویل و ویلبر

اورویل (۱۹۴۸_۱۸۷۱م.)

ویلبر (۱۹۱۲_ ۱۸۶۷م.)

مخترعان آمریکایی هواپیما

این دو برادر، که فرزندان یک اسقف کلیسا بودند، به مدرسه نرفتند و به طور رسمی تحصیل نکردند. در نوجوانی، پس از مرگ مادرشان، مدتی یک چاپ‌خانه دایر کردند و بعد به دوچرخه‌سازی روی آوردند. در همین زمان به اندیشه‌ی ساخت وسایل پرنده افتادند. آن‌ها با استفاده از طرح بال اتو لیلیانتال، برای بالا رفتن از زمین، و از موتور درون‌سوز برای نیروی پیش‌برنده استفاده کردند. خودشان هم سیستم هدایت و کنترل هواپیما را ساختند. با ترکیب این سه عامل، آنان موفق شدند با آزمایش‌هایی که انجام دادند، هواپیما بسازند و حتی آن را در سال ۱۹۰۸، به ارتش آمریکا بفروشند. این دو برادر یک سال بعد، با تأسیس شرکت رایت، کارخانه‌ی هواپیماسازی خود را نیز به‌راه انداختند و مدرسه‌ای هم برای تعلیم پرواز تأسیس کردند که یکی از دانش‌آموختگان آن در جنگ دوم جهانی، فرمان‌ده‌ی نیروی هوایی آمریکا شد. ویلبر در ۴۵ سالگی در اثر حصبه درگذشت. اما اورویل عمر بیش‌تری کرد و در ۷۷ سالگی بر اثر سکته‌ی قلبی جهان را بدرود گفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لیلیانتال



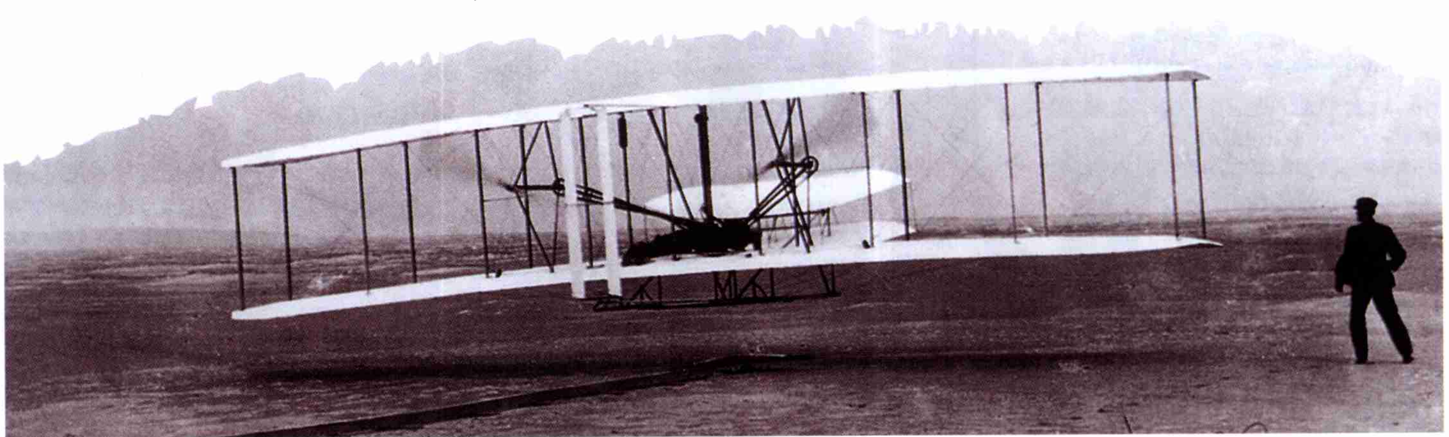
رجایی، محمدعلی

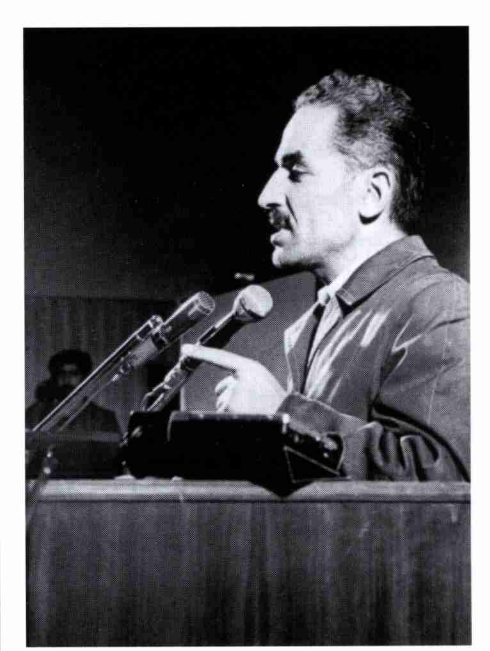
(۱۳۶۰ _ ۱۳۱۲هـ.ش.)

مبارز سیاسی، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهوری

در قزوین به‌دنیا آمد. در کودکی یتیم شد و مادرش، او و فرزند دیگرش را به‌سختی بزرگ کرد. محمدعلی دوره‌ی نوجوانی را با کار و تحصیل در قزوین گذراند و سپس به تهران رفت. مدتی در نیروی هوایی خدمت کرد؛ ولی تحت تأثیر سخنان آیت‌الله طالقانی، امام جماعت مسجد هدایت تهران، ارتش را رها کرد و معلم شد و برای تدریس به بیجار رفت. هم‌زمان با کار کردن، توانست لیسانس ریاضی و فوق‌لیسانس آمار بگیرد و در مدارس تهران، از جمله مدرسه‌ی کمال، که دکتر یدالله سحابی مؤسس آن بود، تدریس کند. رجایی مبارز سیاسی کم‌نظیری بود. با بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی همکاری می‌کرد، بسیار امین و پایدار بود و هرگز دوستانش را لو نداد. سرانجام ساواک او را دستگیر و به اتهام همکاری با گروه‌های چریکی، به گونه‌ای بی‌سابقه شکنجه و به زندان ابد محکوم کرد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، از زندان آزاد و وزیر آموزش‌وپرورش و سپس نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی شد. در همین زمان از سوی رئیس‌جمهوری، ابوالحسن بنی‌صدر، به نخست‌وزیری منصوب شد. با پیش‌آمدهایی که به برکناری بنی‌صدر منجر شد، رجایی با رأی مردم رئیس‌جمهور شد و محمدجواد باهنر را به نخست‌وزیری خود انتخاب کرد. اما پس از چند ماه این دو در هشتم شهریور سال ۱۳۶۰، در انفجار بمبی که منافقین در دفتر نخست‌وزیری کار گذاشته بودند شهید شدند.

▼ **هواپیمای برادران رایت، ۴ سال پس از اولین پروازشان. این عکس در فرانسه گرفته شده و همان طور که می‌بینید، در هواپیمای آن‌ها، برخلاف هواپیماهای امروزی، دم به جای دماغه قرار دارد.**





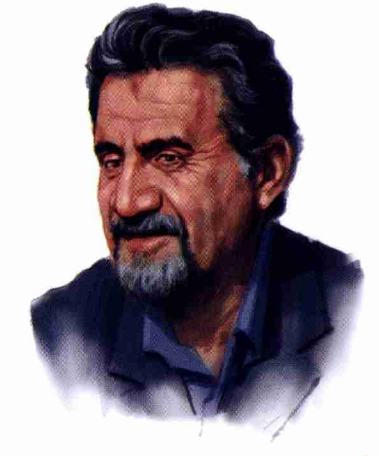
هم‌چنین نگاه کنید به:
باهنر ، بنی‌صدر ، سحابی ، طالقانی



رحماندوست، مصطفی

(تولد: ۱۳۲۹ ه.ش.)
نویسنده و شاعر کودکان

اهل همدان است و کودکی و نوجوانی را در همین شهر گذرانده است. نخستین شعر خود را در ۱۲ سالگی سرود. در کودکی قصه‌های بسیاری شنید و کتاب‌های زیادی، حتی از راه کرایه کردن، خواند. در سال ۱۳۴۹، در رشته‌ی ادبیات فارسی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در همان زمان در مجامع دینی ـ انقلابی در تهران شرکت می‌کرد. از این‌رو، آثارش مورد توجه دکتر شریعتی، دکتر بهشتی و استاد مطهری قرار گرفت و با حمایت و تشویق آنان به تلاش بیش‌تر در زمینه‌ی شعر و ادبیات کودکان پرداخت. رحماندوست بیش از ۱۵۰ اثر در زمینه‌ی شعر و قصه چاپ کرده که تعدادی از آن‌ها جوایز مهمی کسب کرده است. او سردبیری مجله‌های رشد کودک، رشد دانش‌آموز و سروش کودکان را نیز در کارنامه‌ی خود دارد. **بابا آمد نان آورد، بچه‌های پیامبر، سه قدم دورتر شد از مادر، صد دانه یاقوت، اسم من علی‌اصغر است** و **ترجمه‌ی جزء ۳۰ قرآن** برای نوجوانان از آثار اوست.



▲ رحماندوست در گسترش شعر کودک، پس از انقلاب اسلامی، چهره‌ای تأثیرگذار بوده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دولت‌آبادی ، قاسم‌نیا ، کیانوش



رزّاز، سیدحسن

پهلوان

حاج سیدحسن شجاعت، معروف به پهلوان رزّاز، از پهلوانانی است که در یک‌صد سال اخیر نظیر او کمتر به ظهور رسیده است. وی نخست در نجف طلبه بود و نزد آیت‌الله آخوند خراسانی تحصیل می‌کرد و بعداً به کشتی روی آورد. به گواهی حریفانش، قدرت پاهای او را هیچ‌یک از رقبایش نداشتند و هیچ وقت شکست نخورد. وقتی که سرقاتا خوتا، پهلوان هندی، که در تهران به سید کاکوتا معروف شده بود، به ایران آمد، تنها سید حسن رزّاز حاضر به کشتی گرفتن با او شد و مغلوبش کرد. رزاز پس از سفر حج به اروپا رفت و در کشور سوئد و سپس روسیه کشتی‌های زیادی گرفت و با تعدادی نشان و مدال به ایران بازگشت. وی مردی بسیار نوع‌دوست بود و پیوسته به فقیران، به‌خصوص همسایگان خود رسیدگی می‌کرد. مزار او در ابن‌بابویه شهر ری است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پوریای ولی



رزم‌آرا، حاجی‌علی

(۱۳۲۹ـ۱۲۸۰ه.ش.)
نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی

اهمیت رزم‌آرا در تاریخ معاصر، مربوط به جایگاه او در روبه‌رو شدن با مسئله‌ی ملی شدن نفت است. رزم‌آرا یکی از نظامیان رده بالای دوره‌ی پهلوی بود و تحصیلات عالی نظامی را علاوه بر ایران، در دانشکده‌ی نظامی سَن‌سیر فرانسه سپری کرده بود. پس از فروپاشی ارتش در شهریور ۱۳۲۰، رزم‌آرا به جای سرلشکر بوذرجمهری، فرمان‌ده لشکر اول مرکز شد و توانست نظم جدیدی به ارتش بدهد. او به طور پیوسته در سمت‌هایی چون فرمان‌دهی تیپ لرستان، فرمان‌دهی فوج مستقل کرمانشاه، رئیس ستاد ارتش، فرمان‌ده دانشکده‌ی افسری، ریاست دایره‌ی جغرافیایی ارتش، استاد دانشگاه جنگ و... مسئولیت داشت. تا سرانجام، در زمانی که بازنشسته شده بود، در تیرماه سال ۱۳۲۸ از سوی شاه به نخست‌وزیری منصوب شد. رزم‌آرا با ملی شدن نفت به شیوه‌ای که اتفاق افتاد، موافق نبود و عقیده داشت ایران نیروهای فنی مورد نیاز برای اداره‌ی صنعت نفت را، که جانشین نیروهای انگلیسی شوند، ندارد. از این‌رو، هنگامی که گفت «ایرانی که نمی‌تواند لولهنگ (آفتابه) بسازد، چگونه می‌خواهد

خودش صنعت نفت را اداره کند؟»
مخالفان را به شدت برآشفت و او را خائن به ایران اعلام کردند. سرانجام، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، هنگامی که رزم‌آرا برای شرکت در مجلس ختم آیت‌الله فیض به مسجد شاه تهران رفته بود، هدف گلوله‌ی خلیل طهماسبی، عضو جمعیت فداییان اسلام قرار گرفت و به قتل رسید.

همچنین نگاه کنید به:
مصدق ، نواب صفوی

رستم

پهلوان اساطیری ایران

رستم نام بزرگ‌ترین پهلوان ایرانی در **شاهنامه** فردوسی است. او فرزند زال بود و مادرش رودابه نام داشت. رستم جز این‌که پهلوان و زورمند بود، از صفات نیک انسانی چون جوان‌مردی، راستی، شجاعت اخلاقی و... نیز برخوردار بود. او برای حفظ ایران‌زمین، به خدمت شاهان ایران درآمد. ماجراهای رستم بسیار است و در **شاهنامه** هر یک به زیبایی نقل شده است. از آن جمله است گذشتن از هفت‌خوان برای نجات کی‌کاووس از دست دیوهای مازندران، جنگ با اسفندیار رویین‌تن و کشتن او، جنگ با افراسیاب تورانی و راندن او از ایران، حمله به توران به خون‌خواهی سیاووش، جنگ نادانسته با پسرش سهراب و کشتن او. رستم در ماجراهایی که بر او می‌گذرد، دو یار و یاور دارد: یکی سیمرغ، که او را از غیب مدد می‌رساند و دیگری اسبش که رخش نام دارد و بسیار باوفاست. پایانِ کار رستم غم‌انگیز است. وی، پس از ۶۰۰ سال عمر، به حیله‌ی برادرش، شَغاد، با رخش در چاهی می‌افتد. اما پیش از آن‌که جهان را بدرود گوید، از دور شغاد را با تیری به درخت می‌دوزد و او را از پای درمی‌آورد.



رستم انسانی‌ترین چهره در اساطیر ایران است.

همچنین نگاه کنید به:
اسفندیار ، رودابه ، سهراب ، کی‌کاووس

رستم فرخزاد

(مقتول: ۱۹ه.ق.)

سردار ایرانی در جنگ قادسیّه

رستم فرزند فرّخِ هرمزد، والی خراسان در زمان یزدگرد ساسانی بود. بعد از پدرش قدرت زیادی یافت؛ به‌طوری که بعد از یزدگرد، شخص دوم ایران حساب می‌شد. زمانی که عمربن خطّاب به خلافت رسید، نخست شام و فلسطین و بیت‌المقدس را فتح کرد و بعد تصمیم گرفت ایران را فتح کند. به این سبب، لشکری به سوی ایران روانه کرد. یزدگرد، رستم فرّخ‌زاد را به فرمان‌دهی کل سپاه ایران منصوب و مأمور رویارویی با لشکر مسلمانان کرد. سپاهیان رستم در مقابل لشکر سعدبن ابی‌وقّاص، فرمان‌ده اعراب، صف‌آرایی کردند و نبردی سخت آغاز شد. محل نبرد قادسیّه در حوالی کوفه بود و جنگ سه روز طول کشید. از قضا در روز سوم طوفان سهمگینی برخاست که موجب شد ایرانیان عقب بنشینند و چادر رستم را هم باد از جا کند. در این میان، یک سرباز، رستم را شناخت و او را، که در حال فرار بود، به قتل رساند. کشته شدن رستم، نبرد را به نفع لشکر مسلمانان پایان داد. در پی آن شهر تیسفون یا مدائن هم به دست اعراب مسلمان افتاد. زمانی نگذشت که سلسله‌ی ساسانیان سقوط کرد و دوره‌ی تاریخ ایرانِ پیش از اسلام به پایان رسید.

همچنین نگاه کنید به:
سعد بن ابی‌وقّاص ، عمربن خطّاب



رشدیّه، حسن

(۱۳۲۳ ـ ۱۲۲۹ هـ.ش.)

بنیان‌گذار مدارس جدید

حاج میرزا حسن رشدیه یکی از مردان بلندهمت در تاریخ فرهنگ جدید ایران است. در تبریز متولد شد. درس طلبگی خواند و در جوانی به لباس روحانیت درآمد. در ۲۱ سالگی به بیروت رفت و دو سال در مرکز تربیت معلم آن شهر، آموزش معلمی دید و با اصول آموزش و پرورش جدید آشنا شد. در بازگشت، به شهر ایروان در ارمنستان رفت و نخستین مدرسه‌اش را در آن‌جا تأسیس کرد. پس از چهار سال، به تبریز بازگشت و با حمایت **میرزا علی‌خان امین‌الدوله**، که مردی نیک‌اندیش و فرهنگ‌دوست بود، مدرسه‌ای تأسیس کرد؛ اما با مخالفت افراد جاهل روبه‌رو شد. بنابراین، به مشهد رفت تا در آن‌جا مدرسه‌ای تأسیس کند که موفق نشد. در این زمان، امین‌الدوله که صدراعظم مظفرالدین‌شاه شده بود، رشدیه را به تهران فراخواند و در تأسیس مدرسه به او کمک کرد. مدرسه‌ی رشدیه (۱۳۱۵ هـ.ق.) در تهران نسبتاً موفقیت‌آمیز بود و به ایجاد مدارس دیگر نیز کمک کرد. رشدیه شیفته‌ی تعلیم و تربیت بود و حتی در اواخر عمر، اصولی را برای آموزش نابینایان ابداع کرد. او دو دهه‌ی آخر عمر خود را در قم گذراند و پس از ۹۲ سال زندگی، در این شهر درگذشت.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
امین‌الدوله



▼ این عکس حسن رشدیه را، نشسته با لباس روحانیت، در میان معلمان و دانش‌آموزان نشان می‌دهد.



رضا، فضل‌الله

(تولد: ۱۲۹۳ هـ.ش.)

دانشمند ریاضی‌دان و چهره‌ی فرهنگی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش، شهر رشت، گذراند. در سال ۱۳۱۴ به دانشکده‌ی فنّی دانشگاه تهران راه یافت و در رشته‌ی مهندسی برق مدرک گرفت. چند سال بعد به آمریکا رفت و از دانشگاه‌های کلمبیا و پلی‌تکنیک در نیویورک، دکترای خود را دریافت کرد و در همان‌جا به تحقیق و پژوهش و تدریس مشغول شد. او، که در ایران به **پروفسور رضا** مشهور است، چندی ریاست دانشگاه تهران و مدتی هم پس از انقلاب اسلامی، مسئولیت سفارت ایران در کانادا را به‌عهده داشت. کار مهم پروفسور رضا ابداع **نظریه‌ی انفورماسیون** در زمینه‌ی ریاضیات کاربردی و علوم وابسته به آن است که موجب شهرت جهانی او شد. رضا علاوه بر علوم ریاضی، به ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی علاقه‌ی زیادی دارد و در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی تألیف کرده است، **نگاهی به شاهنامه**، **علامه محمد اقبال**، **دیده‌ها و اندیشه‌ها و مهجوری و مشتاقی** (مقالات فرهنگی و ادبی)، از آثار اوست. پروفسور رضا در سال ۱۳۸۰، در صدا و سیمای جمهوری اسلامی به عنوان چهره‌ی ماندگار ایران معرفی شد و در مراسمی از او تجلیل به‌عمل آمد.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
جوان



رضازاده، حسین

(تولد: ۱۳۵۷ هـ.ش.)

قهرمان وزنه‌برداری جهان

در اردبیل به‌دنیا آمد. از نوجوانی، به بازی‌ها و مسابقه‌های وزنه‌برداری پیوست و سرانجام به یک چهره‌ی پر افتخار ملی تبدیل شد. رضازاده کسی است که به افسانه‌ی واسیلی آلکسیف، قهرمان بلغاری، پایان داده است. درخشش رضازاده با کسب مدال برنز در مسابقه‌های آسیایی سال ۱۹۹۸ آغاز شد. بعد از آن تا سال ۲۰۰۷، همه‌ی مدال‌های طلای جهان و آسیا را در



▲ رضازاده، پس از کسب هر پیروزی به درگاه خدا سپاس می‌گزارد.

رشته‌ی دوضرب، نصیب خود کرد. رضازاده در المپیک سیدنی استرالیا (۲۰۰۰) و سپس المپیک آتن در یونان (۲۰۰۴) قهرمان جهان شد. به‌علاوه، در المپیک آتن رکوردشکنی نیز کرد. پس از قهرمانی‌های پیاپی، از کشورهای ترکیه و جمهوری آذربایجان به رضازاده پیشنهاد شد در ازای دریافت مبالغ کلان، تابعیت آن کشورها و حضور در تیم‌های ملی آن‌ها را بپذیرد. اما رضازاده هیچ‌یک از این پیشنهادها را نپذیرفت. وی در سال ۱۳۸۷ از عرصه‌ی مسابقات کناره‌گیری کرد و به عرصه‌ی مربی‌گری روی آورد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

نامجو (محمود)، نصیری



رمضانی، محمد

(۱۳۴۶ ـ ۱۲۸۳هـ.ش.)

ناشر کتاب، مثنوی‌پژوه

حاج محمد رمضانی یکی از بنیان‌گذاران نشر کتاب در ایران است. در مدرسه‌ی سیاسی تهران تحصیل کرد و با استادانی مانند فروغی، اقبال آشتیانی، فروزان‌فر و مصاحب، هم‌نشین بود. پدر و دو برادر او، محمود و ابراهیم نیز، مؤسسه‌ی نشر داشتند. **مؤسسه‌ی کُلاله‌ی خاور**، که محمد رمضانی آن را بنیان نهاد، حدود ۴۵ سال با انتشار کتاب و مجله، به توسعه‌ی فرهنگ در ایران کمک زیادی کرد. انتشار مجله‌ی **شرق**، که با همکاری علی دشتی و نصرالله فلسفی و سعید نفیسی چاپ می‌شد، نشر متون زبان فارسی، انتشار **قصه‌های ملی ایران** و چاپ **مثنوی** و **شاهنامه**، از خدمات رمضانی است. رمضانی **دیوان مثنوی مولوی** را در مدت ۵ سال، تصحیح و مقابله کرد و با افزودن شرح ابیات و نیز فهرست کشف‌الابیات، کتابی نفیس و ارزش‌مند به اهل فرهنگ عرضه داشت که هنوز هم به خوبی قابل استفاده است. این خدمت‌گزار علم و فرهنگ در پایان عمر، کتاب‌ها و نشریه‌های کتاب‌خانه‌ی شخصی خود را به کتاب‌خانه‌ی مسجد اعظم قم اهدا کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

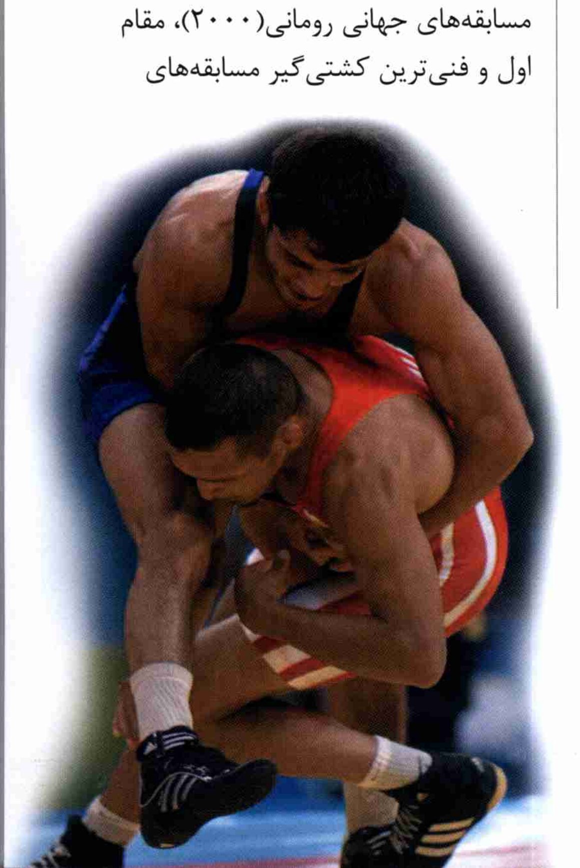
جعفری (عبدالرحیم)، کتابچی

رنگرز، حسن

(تولد: ۱۳۵۹هـ.ش.)

قهرمان کشتی فرنگی

در نوشهر مازندران متولد شده و دارای مدرک کارشناسی مدیریت دولتی است. از نوجوانی و با دیدن مسابقه‌های کشتی آموزشگاهی، به این رشته علاقه‌مند شد و به طور جدی به فعالیت پرداخت. در ۱۴ سالگی، در مسابقه‌های کشتی نونهالان، ستاره‌ی مسابقه‌ها شناخته شد و دو سال بعد به عضویت تیم ملی، در کشتی فرنگی، درآمد. او مراحل ترقی را یکی پس از دیگری پیمود تا جایی که یکی از قهرمانان کشتی فرنگی ایران شناخته شد. در سال ۱۳۸۲، به اتفاق حسین رضازاده و هادی ساعی از سوی کمیته‌ی ملی المپیک ایران، به مقام ورزشکار برترِ اخلاق برگزیده و معرفی شد. مقام‌های رنگرز در سطح جهانی عبارت است از: مقام دوم جام استقلال ازبکستان(۱۹۹۸)، مقام دوم جوانان آسیا(۱۹۹۹)، مقام سوم مسابقه‌های جهانی رومانی(۲۰۰۰)، مقام اول و فنی‌ترین کشتی‌گیر مسابقه‌های



یونان(۲۰۰۱)، مقام اول مسابقه‌های دانشجویان کانادا(۲۰۰۲)، مقام سوم مسابقه‌های قهرمانی جهان و فنی‌ترین کشتی‌گیر مسابقه‌های روسیه(۲۰۰۲)، مقام دوم جام مجارستان(۲۰۰۳) و مقام سوم قهرمانی آسیا قزاقستان(۲۰۰۴).



رنوار، پی‌یر اگوست

(۱۹۱۹ ـ ۱۸۴۱ م.)

نقاش امپرسیونیست فرانسوی

رنوار یکی از بنیان‌گذاران جنبش امپرسیونیسم و از استادان برجسته‌ی نقاشی در قرن نوزدهم اروپاست. دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس بود و با دوستانش، از منظره‌های اطراف پاریس نقاشی‌های بسیار کشید. از آن‌جا که در پی کسب تجربه‌ها و روش‌های تازه بود، نوآوری‌هایی در رنگ‌آمیزی از خود نشان داد که سبب شد بعدها یکی از بنیان‌گذاران جنبش امپرسیونیسم شود. رنوار از موضوع‌هایی مانند دشت شقایق‌ها، آدم‌ها زیر درختان و بستر رود سِن، نقاشی می‌کرد. تابلو معروفش، که شاخص هنر امپرسیونیستی اوست، **آسیاب دُلاگالِت** نام دارد. در این نقاشی، صحنه‌ی زندگی شادمانه‌ی پاریسی‌ها، با انبوهی از رنگ‌های روشن و درخشان نمایان شده است. رنوار حدود ۶۰ سال داشت که انگشتانش بر اثر بیماری روماتیسم فلج شد؛ با وجود این، کار را رها نکرد و هم‌چنان آثار ارزش‌مندی به‌وجود آورد. دیگر آثار مشهور او عبارت است از: **ناهار قایق‌رانان، گلدان شقایق، لژ، آب‌تنی‌کنندگان** و **درس پیانو**.

▼ نقاشی رنوار از چهره‌ی خودش





رودابه

مادر رستم

رودابه دختر سهرابِ کابلی بود و نژادش به ضحّاک می‌رسید. وقتی منوچهر، پادشاه ایران، زال را به حکم‌رانی زابل فرستاد، زال رودابه را دید و عاشق او شد. اما به دو دلیل، ازدواج آنان با مشکل روبه‌رو شد. یکی آن‌که زال از نسل جمشید بود و رودابه از نسل ضحّاک، و دیگر آن‌که میان آن دو تفاوت مذهب وجود داشت. سرانجام ستاره‌شناسان گفتند که این ازدواج به سود ایران است؛ زیرا از آن‌دو فرزندی به‌وجود خواهد آمد که این آب و خاک را حفظ خواهد کرد. در نتیجه، منوچهر قبول کرد و ازدواج انجام شد و در پی آن رودابه رستم را به‌دنیا آورد. همان‌طور که ستاره‌شناسان پیش‌بینی کرده بودند، رستم در راه ایران جان‌فشانی زیادی کرد. رستم به سختی از مادر متولد شد و به اصطلاح امروز با عمل سِزارین به دنیا آمد. فردوسی از زبان رودابه گفته است:

بگفتا بِرَستم، غم آمد به سر
نهادند رستَمْش نام پسر

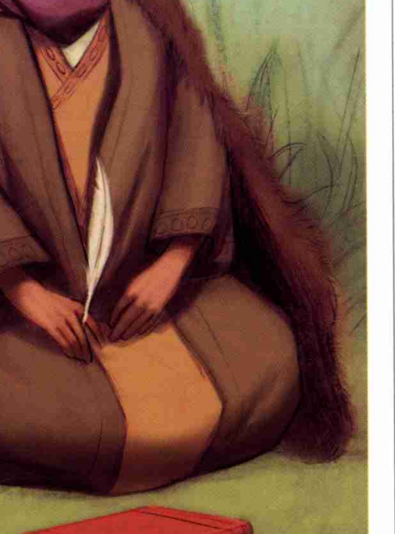
هم‌چنین نگاه کنید به:
رستم

رودکی

(فوت: ۳۲۹ هـ.ق.)

پدر شعر فارسی

نامش ابوعبدالله جعفر بود و در روستای رودک سمرقند به‌دنیا آمد. در دوره‌ی سامانیان می‌زیست. حافظه‌ای قوی داشت و در ۸ سالگی قرآن را حفظ کرد. آواز خوشی داشت، چنگ می‌نواخت و شعرهای زیبا می‌سرود. رودکی اولین شاعر بزرگ فارسی است که بسیار شعر سروده، ولی از اشعارش بسیار کم باقی مانده است. او کتاب **کلیله‌ودمنه** را نیز به شعر درآورده بوده که از آن هم اثری باقی نیست. بسیاری عقیده دارند رودکی نابینا بوده است. آرامگاه رودکی در تاجیکستان است و تاجیک‌ها او را شاعر ملی خود می‌دانند و برایش احترام بسیاری قائل‌اند.







روزبه، سیدرضا

(۱۳۵۲ ـ ۱۳۰۰ هـ.ش.)

مربی و مدیر دبیرستان

در شهر زنجان چشم به جهان گشود و در مدرسه‌ی توفیق آن شهر، که نیکوکار زنجانی علی‌اکبر توفیقی تأسیس کرده بود، درس خواند. در تمام دوره‌ی تحصیل، دانش‌آموزی برجسته بود. پس از گرفتن دیپلم، مدتی در دبستان توفیق معلم شد. سپس به دانشگاه تهران رفت و لیسانس فیزیک گرفت. در دوره‌ی دانشجویی، پژوهشگر رشته‌ی فیزیک شناخته شد. **دکتر محمدباقر هوشیار**، که استاد تعلیم و تربیت بود، از او خواست در دانش‌سرا بماند و برای دانشجویان تدریس کند؛ اما روزبه تدریس در مدارس را ترجیح داد و به دبیرستان علوی رفت. او با همکاری علی‌اصغر علامه کرباسچیان مشغول آموزش و تربیت نوجوانان شد و زندگی خود را در این راه صرف کرد. از نظر آموزش، آن‌قدر دقیق بود که به گفته‌ی خودش برای تدریس هر صفحه‌ی کتاب، قبلاً چند ساعت مطالعه می‌کرد. او از نظر اخلاقی نیز بسیار ساده‌زیست، منظم و مؤدب بود و دانش‌آموزان او را الگوی عملی خود می‌دانستند. روزبه در علوم دینی نیز دانش بسیار داشت و با علوم حوزوی، ادبیات عرب و زبان فرانسوی آشنا بود. از آثار او کتاب **خداشناسی** و دو جلد کتاب **عربی آسان** است که آن را با همکاری سیدکاظم موسوی، یکی از دبیران مدرسه، نوشت. روزبه در ۵۲ سالگی به بیماری سرطان درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:

توفیقی ، کرباسچیان



روسو، ژان ژاک

(۱۷۷۸ ـ ۱۷۱۲ م.)

متفکر و فیلسوف فرانسوی

روسو در ژنو، در کشور سوئیس به‌دنیا آمد؛ اما او را فرانسوی می‌شناسند. کودکی و نوجوانی‌اش در بی‌سامانی و دربه‌دری و حتی در آلودگی‌های اخلاقی سپری شد. اما روح آزادی‌خواه و سرشت انسانی شگرفی که داشت سرانجام او را به مقام بزرگ‌ترین متفکر عصر انقلاب کبیر فرانسه رساند. روسو، که در کودکی پدر و مادرش را از دست داده بود، از حدود ۳۰ سالگی به مطالعه‌ی کتاب و خواندن آثار ادبی و هنری پرداخت و شروع به نوشتن مقالات و کتاب‌هایی درباره‌ی آزادی، عدالت، تربیت، حکومت و... کرد. اندیشه‌ها و عقاید روسو با مخالفت‌های بسیاری روبه‌رو شد و حتی خودش تحت تعقیب قرار گرفت. از این‌رو، به انگلستان رفت و به دیوید **هیوم**، فیلسوف انگلیسی، پناه برد و چندی با او زندگی کرد. سه کتاب روسو به نام‌های **هلوئیز جدید، قرارداد اجتماعی** و **امیل**، از محرک‌های انقلاب کبیر فرانسه شد و بیش از یک قرن خوراک اندیشه‌ها قرار گرفت و هنوز هم به آن‌ها توجه می‌شود. روسو در اواخر عمر کتاب **اعترافات** را نوشت که در آن، تمام ماجراهای خوب و بد زندگی گذشته‌ی خود را بی‌پرده به قلم آورده است. اندیشه‌های روسو در امانوئل کانت، بزرگ‌ترین فیلسوف قرون جدید اروپا، بسیار مؤثر بود.

همچنین نگاه کنید به:

کانت



روشن‌روان، کامبیز

(تولد: ۱۳۲۸هـ.ش.)

آهنگ‌ساز

در تهران به‌دنیا آمد. پدرش، حسین روشن‌روان، موسیقی‌دان و در هدایت فرزندش به موسیقی بسیار مؤثر بود. روشن‌روان دیپلم موسیقی را از هنرستان عالی موسیقی و مدرک کارشناسی آن را از دانشگاه تهران دریافت کرد. سپس به آمریکا رفت و در رشته‌ی آهنگ‌سازی به تحصیل ادامه داد و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی گرفت و به ایران بازگشت. او، که از سال ۱۳۶۱، عضو هیئت علمی مدرسه‌ی عالی تلویزیون و سینما شده، بخش مهمی از فعالیت خود را به آهنگ‌سازی برای فیلم اختصاص داده است. نخستین کار او در این زمینه، آهنگ فیلم **مسافر** ساخته‌ی عباس کیارستمی بود. دیگر فیلم‌هایی که روشن‌روان برای آن‌ها آهنگ ساخته، عبارت است از: **مرثیه، برنج خونین، سفیر، گل‌های داوودی، پرنده‌ی کوچک خوش‌بختی، خواستگاری، گل مریم، صنوبر، بانوی من** و نیز مجموعه‌های تلویزیونی **امیرکبیر، شاه‌شکار** و **وزیرمختار**. روشن‌روان با خوانندگان مشهوری مانند محمدرضا شجریان، شهرام ناظری و بیژن بیژنی نیز همکاری کرده که آثاری همچون **گل صدبرگ، دود عود، آینه در آینه، یادگار دوست** و **ساقی‌نامه** حاصل این همکاری است.

همچنین نگاه کنید به:

شجریان ، کیارستمی ، ناظری



رولان، رومن

(۱۹۴۴ _ ۱۸۶۶ م.)

نویسنده‌ی فرانسوی

رومن رولان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان در قرن بیستم است. او در فرانسه به‌دنیا آمد. در دانش‌سرای عالی پاریس تحصیل کرد و آن را تا مرحله‌ی دکتری ادامه داد. سپس در مقام استاد تاریخ و هنر به تدریس پرداخت. رولان در سه زمینه‌ی نمایش‌نامه، زندگی‌نامه و رمان، آثار ارزش‌مندی از خود بر جای گذاشته است. او در زمینه‌ی زندگی‌نامه شرح حال کسانی چون بتهوون، میکل‌آنژ، هندل، تولستوی، گوته و گاندی را نوشت و رمان عظیم **ژان کریستف** را در ۱۰ جلد و طی ۸ سال به پایان رساند. این رمان جایزه‌ی نوبل ادبیات سال ۱۹۱۵ را نصیب او کرد. رمان دیگر رومن رولان، **جانِ شیفته** است که در فاصله‌ی دو جنگ جهانی منتشر شد. رولان مردی آزادی‌خواه و انسان‌دوست بود؛ از این‌رو، وقتی در اوایل دوره‌ی نازی‌ها، از طرف دولت آلمان مدال گوته به او اهدا شد، نپذیرفت. رومن رولان در دوره‌ی حیات خود با چهره‌های برجسته‌ای چون گاندی، تاگور و ماکسیم گورکی دیدار و گفت‌وگو کرد.

همچنین نگاه کنید به:

گاندی ، گورکی



رولینگ، جی. کی.

(تولد: ۱۹۶۵م.)

نویسنده‌ی داستان‌های هری‌پاتر

خانم معلمی اهل انگلستان و دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه است. زمانی که وضع مالی خوبی نداشت و از همسرش نیز جدا شده بود، رُمانی تخیلی نوشت و نام آن را **هری‌پاتر و سنگ جادو** گذاشت. به این ترتیب، خوانندگان مسحور داستان پسری شدند که متوجه می‌شد قدرت جادویی دارد. رولینگ خیلی زود مشهور و سرشناس شد و به نوشتن ادامه داد. به‌طوری که تا سال ۲۰۰۷، ده سال پس از انتشار اولین جلد اثرش، ادامه‌ی رُمان را تا ۷ جلد نوشت. ۵ جلد از کتاب‌های هری‌پاتر به صورت فیلم درآمده است.



رومِل، اروین

(۱۹۴۴ _ ۱۸۹۱ م.)

فرمان‌ده‌ی آلمانی معروف به روباه صحرا

اروین رومل، مشهور به مارشال رومل، افسری آلمانی بود که در جنگ اول جهانی به درجه‌ی سرگردی رسید و لیاقت بسیاری از خود نشان داد. از این‌رو، پس از جنگ به فرمان‌دهی دانشکده‌ی افسری منصوب شد. رومل با شروع جنگ دوم جهانی، با قدرت و نشاط تمام وارد جنگ شد و چون در حمله به فرانسه پیروزی برق‌آسایی به دست آورد، نشان



صلیب آهنین گرفت و به درجه‌ی مارشالی رسید. سپس از طرف هیتلر، به عضویت ستاد جنگ در برلین درآمد. رومل دو سال نیز فرمان‌دهی نیروهای آلمانی را در شمال آفریقا به عهده داشت و نیروهای انگلیسی را به ستوه آورد. به‌طوری که ژنرال مونتگمری انگلیسی، به او لقب **روباه صحرا** داد. با این حال ارتش متفقین، با قطع مسیرهای ارسالِ سوخت، او را در نبرد اَلعَلَمین مصر شکست دادند. رومل در ماه‌های پایان جنگ، توطئه‌ی کشتن هیتلر را ترتیب داد که نقشه‌اش فاش شد. هیتلر نیز محرمانه به او دستور خودکشی داد. رومل هم قبول کرد و سمّ سیانور خورد و مرد. سران نازی هم با اعلام این‌که او در جبهه و در راه دفاع از آلمان کشته شده است، در تشییع جنازه‌اش شرکت کردند و او را به خاک سپردند.

همچنین نگاه کنید به:

مونتگمری ، هیتلر



رونالدو، لوئیز نازاریو دلیما

(تولد: ۱۹۷۶ م.)

فوتبالیست برزیلی

در ریودوژانیرو متولد شد. مادرش فروشنده‌ی دوره‌گرد و پدرش از خدمه‌ی کِشتی بود. رونالدو در سال ۱۹۹۹ برای اولین بار در جام باشگاه‌های آمریکای جنوبی بازی کرد و نشان داد که چگونه در سبک بازی، شمّ و قدرت گل‌زنی، مهارت دارد. از آن پس، به تیم ملی دعوت شد و توانست سه سال بعد، برزیل را فاتح جام جهانی (۲۰۰۲) کند. موفقیت‌های رونالدو، چه در بازی‌های ملی و چه در بازی‌های باشگاهی، بسیار است؛ به طوری که پله در سال ۲۰۰۴، نام او را در بین ۱۲۵ بازیکن برتر تاریخ فوتبال ثبت کرد. او دو بار بهترین بازیکن اروپا و جهان (۲۰۰۳

و ۲۰۰۵) و یک بار بهترین بازیکن اتحادیه‌ی بازیکنان فوتبال شد. رونالدو درمجموع ۶۰ بار در تیم ملی کشورش بازی کرد و ۲۷ گل به ثمر رساند.



ریشتر، چارلز

(۱۹۸۵ _ ۱۹۰۰ م.)

زلزله‌شناس آمریکایی

در آمریکا به‌دنیا آمد. پس از دریافت لیسانس از دانشگاه استانفورد، در رشته‌ی فیزیک نظری، در دانشگاه فناوری کالیفرنیا (کالتِک) ادامه‌ی تحصیل داد. اما پیش از آن که فارغ‌التحصیل شود، به بخش علمی **بنیاد کارنگی** در واشنگتن رفت و در آن‌جا، مطالعه در مورد زلزله توجهش را جلب کرد. در آن دانشگاه، در آزمایشگاهی زیر نظر استادی به نام بنو گوتنبرگ، مشغول کار شد و این دو توانستند در سال ۱۹۳۲، به استاندارد جدیدی برای سنجش شدت زلزله دست یابند که مقیاس ریشتر نام گرفت. انرژی زمین‌لرزه‌ای، که شدت آن یک ریشتر است، برابر با انرژی ناشی از انفجار ۱۷گرم تی.ان.تی است. در مقیاس ریشتر، به ازای افزایش هر عدد، شدت زمین‌لرزه ۳۱ بار بیش‌تر از عدد قبلی می‌شود. برای مثال، انرژی زمین‌لرزه‌ای با بزرگی ۳ ریشتر، ۹۶۱ بار بیش‌تر از انرژی زلزله‌ای به بزرگی یک ریشتر است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کارنِگی



زاپاتا، امیلیانو

(۱۹۱۹ _ ۱۸۷۹ م.)

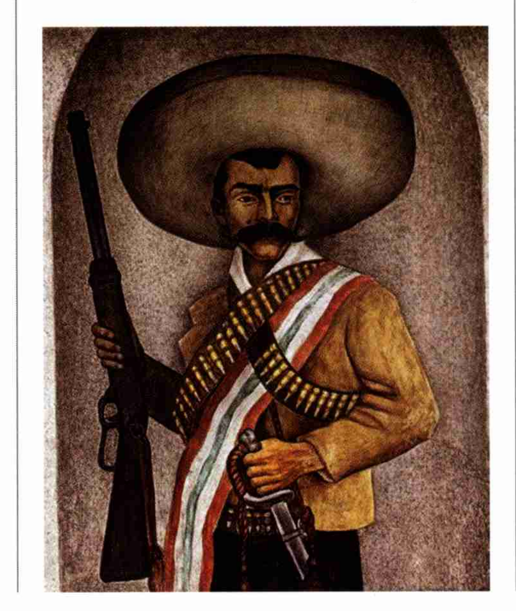
انقلابی سرخ‌پوست مکزیکی

مکزیک، که سرزمین سرخ‌پوستان است، تا سال ۱۸۱۰ میلادی زیر سیطره‌ی اسپانیایی‌ها بود. زمانی هم که استقلال یافت، اسپانیایی‌نژادها قدرت را در دست داشتند و مالک زمین‌های وسیع کشاورزی بودند. این وضع تا صد سال بعد نیز ادامه داشت. در سال ۱۹۱۰، میان دو تن از رقیبان ریاست جمهوری اختلاف پیش آمد و به قیامی مردمی منجر شد. در این هنگام، یک روستایی انقلابی به نام امیلیانو زاپاتا، با شعار «زمین برای سرخ‌پوستان» قیام کرد. مردم، به‌ویژه کشاورزان بی‌زمین، دور او جمع شدند و انقلابیِ دیگری به نام پانچوویلا نیز به او پیوست و شهر مکزیکوسیتی را تصرف کردند. جنبش زاپاتا فقط سه سال دوام آورد؛ زیرا یکی از حاکمان نظامی، با طرح توطئه‌ای، زاپاتا را برای مذاکره دعوت کرد. ولی به‌طور ناجوان‌مردانه‌ای او را به قتل رساند. چند سال بعد، پانچوویلا نیز در توطئه‌ی دیگری به قتل رسید و بدین ترتیب، جنبش زاپاتا با شکست روبه‌رو شد. با این حال، نام زاپاتا تا امروز برای مکزیکی‌ها زنده مانده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بولیوار

▼ **زاپاتا به دهقانان طرفدار خود می‌گفت: «مردن روی دو پا بهتر از زنده ماندن روی زانوهاست.»**





▲ **ورزش چوگان، اثر استاد محمدعلی زاویه**



زاویه، محمدعلی

(۱۳۶۹ _ ۱۲۹۱هـ.ش.)

نگارگر

در تهران به‌دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی هنرهای زیبای کمال‌الملک تحصیل کرد. سپس به مدرسه‌ی صنایع مستظرفه رفت. او نگارگری را نزد استاد هادی تجویدی آموخت و با درجه‌ی ممتاز فارغ‌التحصیل شد. زاویه از چهره‌های برجسته‌ی نگارگری در دهه‌های اخیر ایران بود. علاوه بر تدریس، آثار نفیس و ارزنده‌ای نیز پدید آورد که بسیاری از آن‌ها در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود. او نمایشگاه‌هایی از آثار خود در داخل و خارج برگزار کرد و با شرکت در نمایشگاه نقاشی بروکسل بلژیک، جایزه‌ی بزرگ این نمایشگاه را دریافت کرد. از آثار اوست: **چوگان بازی، خسرو و شیرین، شاه‌عباس و رضا عباسی.**

هم‌چنین نگاه کنید به:

بهزاد (حسین) ، فرشچیان



زردشت

پیامبر ایرانی

درباره‌ی زندگی و زمان ظهور زردشت اطلاعات بسیار اندکی در دست است. به این سبب، سرگذشت زردشت، تا حدودی با افسانه آمیخته شده است. نظر درست‌تر این است که او در قرن هفتم یا هشتم پیش از میلاد در آذربایجان یا آذربادگان، که در آن زمان جزئی از ایالت ماد و مرکز مُغها (روحانیان پیش از زردشت) بود، به‌دنیا آمد. بعدها به بلخ در شرق ایران مهاجرت کرد و به دربار **گشتاسب** رفت و او را به آیین خویش درآورد. گشتاسب نیز در گسترش دین او کوشید. اساس زندگی در دین زردشت، **پندار نیک**، **گفتار نیک** و **کردار نیک** است. یک زردشتی وظیفه دارد با اهریمن بجنگد، دروغ نگوید، زمین را آباد کند، از پلیدی دور باشد و حیوانات اهلی را تربیت کند. کتاب زردشت **اوستا** نام دارد که از پنج بخش تشکیل شده است. بخش اول آن گاهان یا گات‌ها نام دارد و منسوب به خود زردشت است؛ ولی بخش‌های دیگر را بعدها به آن افزوده‌اند. دین زردشتی از زمان ساسانیان در ایران با کشورداری آمیخته شد و تا ظهور اسلام، دین رسمی ایرانیان بود. در قرآن کریم به دین زردشتی (مجوس) همراه با دین یهود و دین مسیحی اشاره شده است. بر اساس روایات، زردشت در حمله‌ی ارجاسب تورانی به بلخ کشته شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
گشتاسب

زریاب‌خویی، عباس

(۱۲۹۸ ـ ۱۳۷۳ ه.ش.)

استاد تاریخ و مترجم

در خوی، از شهرهای آذربایجان به‌دنیا آمد. دوران تحصیلات دبستانی و دبیرستانی را در زادگاهش سپری کرد. در همان شهر به مدرسه‌ی طلبگی رفت و طلبه شد. سپس شش سال به قم رفت و از درس عالمانی مانند محقق داماد، امام خمینی و نجفی مرعشی استفاده کرد. زریاب بعدها به دانشکده‌ی معقول و منقول رفت و لیسانس الهیات خود را با درجه‌ی ممتاز گرفت. مدتی در کتاب‌خانه‌ی مجلس شورای ملی به کار پرداخت و چندی هم رئیس کتاب‌خانه‌ی مجلس سنا شد. شایستگی زریاب سبب شد که به کمک سیدحسن تقی‌زاده، برای ادامه‌ی تحصیل به آلمان برود. در آن‌جا تاریخ خواند، با استادان بزرگ شرق‌شناس مانند اشپولر، مینورسکی، هنینگ، ریپکا و زکی ولیدی طوغان آشنا شد و سواد و اطلاعات و تیزبینی‌اش مورد توجه آنان قرار گرفت. سپس با درجه‌ی دکتری تاریخ به ایران بازگشت و استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران و سپس مدیر گروه تاریخ شد. دو سال هم به آمریکا رفت و در دانشگاه‌های برکلی و پرینستون تدریس کرد. دکتر عباس زریاب خویی را **دایرةالمعارف سیّار** می‌گفتند. او در **دایرةالمعارف اسلام**، **دایرةالمعارف تشیّع**، **دایرةالمعارف ایرانیکا** و **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی** مقالات بسیاری تألیف یا ترجمه کرد. نثر فارسی را بسیار شیوا و روان می‌نوشت. دو کتاب **تاریخ فلسفه** و **لذّات فلسفه**، که از ویل دورانت ترجمه کرده، نمونه‌ای از نثر زیبای اوست. زریاب بر اثر سکته‌ی قلبی در تهران درگذشت.



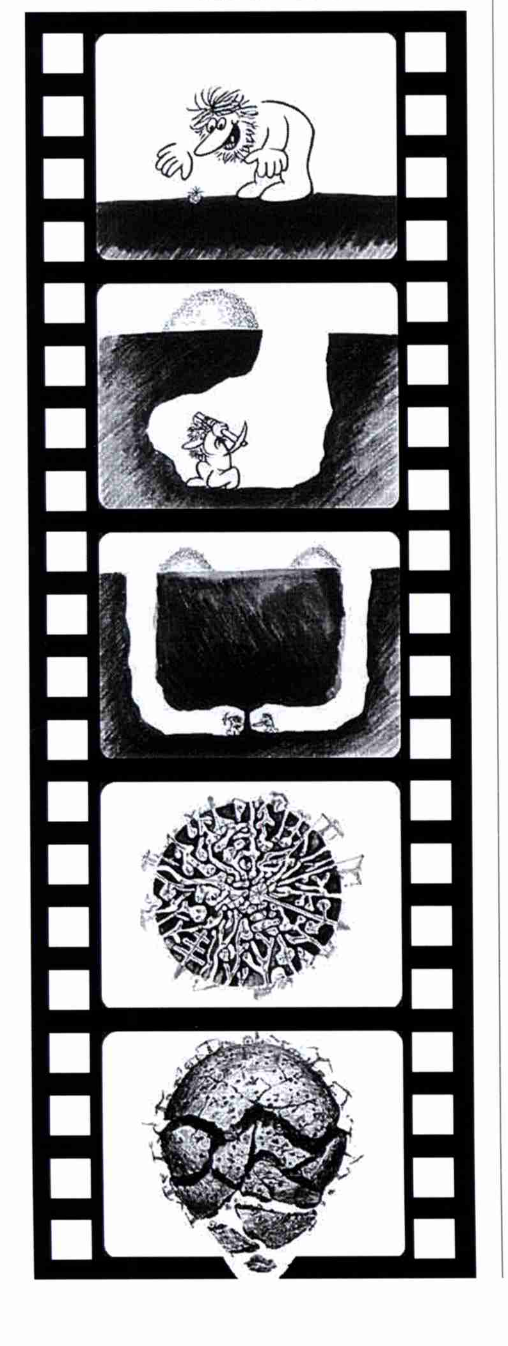
زرّین‌کِلک، نورالدین

(تولد: ۱۳۱۶ه.ش.)

استاد پویانمایی و تصویرگری

در مشهد به‌دنیا آمد. در دانشگاه تهران در رشته‌ی داروسازی درس خواند. سپس به بلژیک رفت و در رشته‌ی پویانمایی (انیمیشن) در آکادمی سلطنتی هنرهای زیبا به تحصیل پرداخت و این هنر را در ایران، با کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گسترش داد. هنر انیمیشن، که به شکل امروز از دهه‌ی ۱۳۳۰ در ایران آغاز شد، تا حدود زیادی مدیون زرین‌کلک است. برخی از فیلم‌های او عبارت است از: **یک زمین برای بَبوش**، **فیلیپو و قطاری از هنگ‌کنگ**، **تداعی معانی**،

▼چند تصویر از فیلم دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه، ساخته‌ی نورالدین زرین کلک



اتل‌متل، دنیای دیوانه‌ی دیوانه، شاه‌زاده امیرحمزه و **سندباد**. زرین‌کلک کتاب‌های زیادی نیز برای کودکان تألیف و خودش تصویرگری کرده است.

همچنین نگاه کنید به:
مثقالی



زرّین‌کوب، عبدالحسین

(۱۳۷۸ _ ۱۳۰۱ه.ش.)
تاریخ‌نگار و مثنوی‌پژوه

در بروجرد، در خانواده‌ای با دیانت به‌دنیا آمد. علاوه بر درس‌های حوزوی، درس‌های دبیرستانی را هم خواند و در امتحان ورودی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران با رتبه‌ی اول پذیرفته شد؛ ولی بدون این‌که ثبت‌نام کند، به بروجرد بازگشت و معلم شد. پس از ۴ سال بار دیگر به تهران رفت و با ورود به رشته‌ی ادبیات فارسی در دانشگاه تهران، درس خواند و با رتبه‌ی اول فارغ‌التحصیل شد. زرین‌کوب از همان آغاز با کسانی چون عباس اقبال، سعید نفیسی، پرویز ناتل خانلری و محمد معین آشنا شد و از دانش آن‌ها استفاده کرد. او بیش از ۴۰ سال استاد دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دیگر بود. حدود ۴۰ کتاب ارزش‌مند تألیف کرد، صدها مقاله نوشت، عضو انجمن‌ها و مراکز علمی بسیار بود و شاگردانی برجسته تربیت کرد. او با سه کتاب **سرّ نی، بحر در کوزه** و **پله پله تا ملاقات خدا**، که در دو دهه‌ی آخر عمر نوشت، نام خود را در مقام مثنوی‌پژوه برجسته ثبت کرد. زرین‌کوب در دهه‌ی آخر عمر به عضویت شورای عالی علمی مرکز **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی** درآمد و با همکاری همسر خود، دکتر **قمر آریان**، مدیریت بخش ادبیات آن مرکز را به‌عهده گرفت. تعدادی از دیگر کتاب‌های زرین‌کوب، عبارت است از: **با کاروان حلّه، از کوچه‌ی رندان** (درباره‌ی حافظ)، **دو قرن سکوت، بامداد اسلام، کارنامه‌ی اسلام، فرار از مدرسه** (درباره‌ی غزالی)، **تاریخ در ترازو**، و **تاریخ مردم ایران**. زرین‌کوب در سال‌های آخر عمر کتاب‌خانه‌ی خود را به کتاب‌خانه‌ی زادگاهش، شهر بروجرد اهدا کرد.



زمان، محمد

(۱۱۲۰ _ ۱۰۴۹ ه.ق.)
نقاش عصر صفوی و نخستین قلمدان‌نگار

محمد زمان سال‌ها پس از درگذشت شاه عباس صفوی به‌دنیا آمد. در نتیجه، دوره‌ی زندگی هنری خود را بیش‌تر در زمان شاه عباس دوم گذراند. او به سبب نوآوری‌هایش، یکی از چهره‌های برجسته‌ی هنر عصر صفوی است. درباره‌ی زندگی او نقطه‌های ابهام وجود دارد. عده‌ای از تاریخ‌نگاران نوشته‌اند که به فرمان شاه عباس دوم برای هنرآموزی به ایتالیا فرستاده شد، ولی در همان‌جا ماند. عده‌ای هم نوشته‌اند که او هرگز از ایران خارج نشده است. آنچه مسلّم

ملاقات مجنون با پدرش، اثر محمد زمان

است، محمد زمان تحت تاثیر نقاش‌های عهد نوزایی اروپا (رنسانس) به نوآوری‌هایی دست زده که تلفیقی از هنر ایران و اروپای زمان خود است. از جمله آثار او نقاشی «تجلی روح‌القدس» است که ساخت آن ۱۴ماه طول کشید. علاوه بر این محمد زمان نخستین قلمدان‌نگار ایرانی و نیز از اولین نقاشانی است که به موضوع گل و مرغ پرداخته‌اند. او سه تابلو نقاشی بر تابلوهای **خمسه‌ی تهماسبی** افزوده است که نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌ها و کمال سبک هنری او هستند. این سه تابلو عبارت است از: **پیکار بهرام گور با اژدها**، **فتنه‌ی گاوبردوش در برابر بهرام گور** و **بزم بهرام گور و شاهزاده خانم هندی**.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بهزاد (کمال‌الدین) ، میرک



زنده‌رودی، حسین

(تولد: ۱۳۱۶ه.ش.)

نقاش و مجسمه‌ساز

در تهران زاده شد و در هنرستان هنرهای زیبا تحصیل کرد. در سال ۱۳۳۹، او و چند هنرمند دیگر از جمله مسعود عربشاهی، پرویز تناولی، فرامرز پیلارام و ژازه تباتبایی، **مکتب سقاخانه** را پدید آوردند. زنده‌رودی بعدها از این مکتب فاصله گرفت؛ ولی حضور عناصر و نشانه‌های بصری این هنر مذهبی، در آثار بعدی‌اش باقی ماند. او در نمایشگاه دوسالانه‌ی نقاشی پاریس (۱۳۴۰) شرکت کرد و از آن جایزه‌ای گرفت که موجب شد بورس تحصیلی برای ادامه‌ی تحصیل در فرانسه نیز به او داده شود. او اغلب از خوش‌نویسی و اعداد و نقوش رنگی در آثار خود استفاده می‌کرد؛ ولی بعد این عناصر را به تصویر تبدیل کرد. زنده‌رودی به سبب مصوّر کردن قرآن کریم، جایزه‌ی زیباترین کتاب سال را از یونسکو دریافت کرده است.

آثارش تاکنون در نمایشگاه‌های بسیاری در داخل و خارج به نمایش درآمده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پیلارام ، تناولی ، عربشاهی



زِنون

(قرن پنجم پیش از میلاد)

فیلسوف و ریاضی‌دان یونانی

در اِلئای یونان به‌دنیا آمد. دوست و شاگرد پارمِنیدِس، دیگر متفکر یونانی، بود. زنون نظریات تازه‌ای درباره‌ی جهان هستی داشت. از جمله بر این باور بود که در جهان هستی، جایی خالی از ماده وجود ندارد. هم‌چنین مانند دموکریت، طرفدار نظریه‌ی اتمی بود و می‌گفت جهان از ذره‌های ناپیوسته و غیر قابل تقسیم تشکیل شده است. یکی از مسائل ریاضی جالب توجهی که زنون مطرح کرده این است که اگر خرگوشی با لاک‌پشت مسابقه بدهد و دویدن را بعد از لاک‌پشت شروع کند، هرگز به لاک‌پشت نخواهد رسید! این مسئله، که در واقعیت امکان ندارد، هنوز هم در میان ریاضی‌دانان مورد بحث است.



زیدان، جرجی

(۱۹۱۴ _ ۱۸۶۱م.)

نویسنده و روزنامه‌نگار لبنانی

جرجی زیدان یکی از نویسندگانی است که آثارش در ایران بسیار خوانده شده است. در بیروت، در خانواده‌ای تنگ‌دست و مسیحی به‌دنیا آمد. پدرش، که اغذیه‌فروش بود، به درس خواندن او اهمیت نمی‌داد. اما جرجی خودش به مدرسه‌ی شبانه رفت و زبان انگلیسی را فراگرفت. او ضمن کار در مغازه‌ی پدرش، با نویسندگان و شاعران برجسته‌ی روزگارش آشنا شد. جرجی زیدان چند سال در رشته‌ی پزشکی و سپس داروسازی تحصیل کرد اما هر دو را رها کرد و به مصر رفت و تا آخر عمر در آن کشور ساکن شد. در حمله‌ی انگلیسی‌ها به سودان، که در پی قیام مهدی سودانی صورت گرفت، مترجم ارتش انگلستان بود. او در مصر، مجله‌ی **الهلال** را تأسیس کرد (۱۸۹۲) که محل رفت‌وآمد خاورشناسان بزرگی چون نولدکه آلمانی و چند تن از باستان‌شناسان غربی شد. جرجی زیدان به طور کلی یکی از پرکارترین نویسندگان جهان عرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است و آثار بسیاری از خود بر جای گذاشته است. او ۲۲ رمان تاریخی دارد که پاره‌ای از آن‌ها، مانند **فاجعه‌ی رمضان**، **فاجعه‌ی کربلا** و **عروس فرغانه** در ایران ترجمه شده و شهرت یافته است. کتاب‌های **تاریخ تمدن اسلامی** و **سرگذشت بزرگان شرق** نیز از آثار اوست. پس از مرگ زیدان، دو فرزندش انتشار مجله‌ی **الهلال** را ادامه دادند. زیدان در مصر درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جرداق ، سودانی

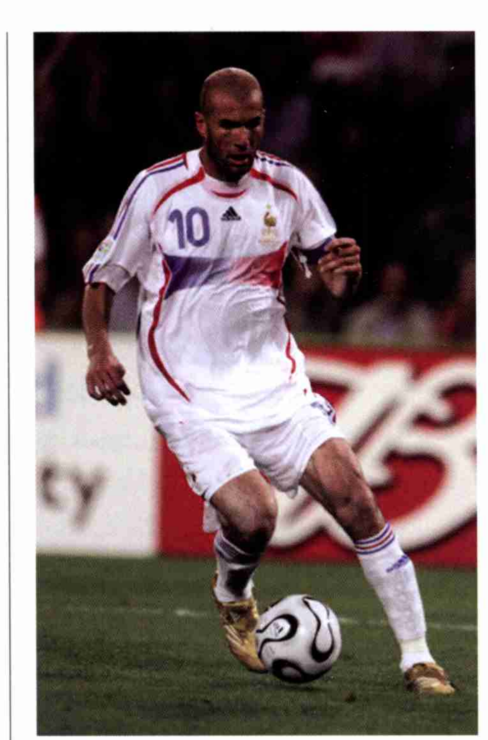


زیدان، زین‌الدین

(تولد: ۱۹۷۲م.)

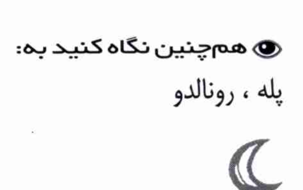
فوتبالیست عرب ـ فرانسوی

پدر و مادر زیدان از مسلمانان مهاجر الجزایری در فرانسه‌اند و فرزندشان در این کشور متولد شده است. زیدان از ۱۶ سالگی به بازی حرفه‌ای فوتبال وارد شد و اولین بازی خود را در تیم ملی فرانسه در مقابل تیم جمهوری چک انجام داد (۱۹۹۴) و از آن پس چهره‌ی برجسته‌ای در فوتبال فرانسه شد. زیدان از سوی یوفا (فیفای اروپا)، بازیکن برتر نیم‌قرن اروپا شناخته شده است. سه دوره حضور در



جام جهانی (۲۰۰۶ و ۲۰۰۲ و ۱۹۹۸) که دو دور آن قهرمان و نایب قهرمان شد، بهترین بازیکن جام جهانی (۲۰۰۶ و ۱۹۹۸)، سه بار مرد سال فوتبال جهان (۲۰۰۳ و ۲۰۰۰ و ۱۹۹۸)، قهرمان جام ملت‌های اروپا (۲۰۰۰)، قهرمان جام باشگاه‌های اروپا (۲۰۰۲)، بهترین بازیکن جام ملت‌های اروپا (۲۰۰۰) و سرانجام انجام ۱۰۸ بازی برای تیم ملی فرانسه با ۳۱ گل، از افتخارات اوست. زیدان در سال ۲۰۰۶ با فوتبال خداحافظی کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پله ، رونالدو



زیدبن علی

(۱۲۲ ـ ۶۶ هـ.ق.)

فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام

زید در علوم قرآن و حدیث و ادب عربی توانایی داشت و شاگرد واصل‌بن عطا، پیشوای معتزله، بود. در سال ۱۲۱ هـ.ق. در زمان خلافت هشام‌بن عبدالملک، دست به قیام بر ضد امویان زد و جمعی از مردم کوفه را با خود همراه کرد. اما قیام او به شکست انجامید و خودش کشته شد. جسد او را در کوفه به دار آویختند و سپس سوزاندند. قیام زید زمینه‌ساز قیام‌های بعدی بر ضد امویان و در نهایت، سقوط بنی‌امیه شد. عده‌ای از شیعیان زیدبن علی را بعد از امام حسین علیه‌السلام ، امام خود می‌دانند که به **زیدیّه** معروف‌اند. یمن مرکز شیعیان زیدی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هشام‌بن عبدالملک

زیگفرید

قهرمانی در اساطیر آلمانی

زیگفرید پهلوانی بود که در چشمه‌ای که آدمی را رویین‌تن می‌ساخت، آب‌تنی کرد تا در برابر دشمنان خود مصون بماند. اما هنگامی که برهنه شد تا داخل چشمه شود، برگ درختی از شاخه افتاد و به پشتش چسبید و جای آن برگ، رویین نشد. بعدها دشمن این نقطه‌ی ضعف را کشف کرد و به همان نقطه تیری زد که زیگفرید را از پا درآورد. نمونه‌ی چنین روی‌دادی برای یک قهرمان، در اساطیر یونان (آشیل) و ایران (اسفندیار) نیز وجود دارد. در جنگ دوم جهانی، آلمانی‌ها خط دفاعی معروف خود را، که در مرز فرانسه در مقابل خط ماژینو ساخته بودند، زیگفرید نامیدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آشیل ، اسفندیار ، ماژینو

▼ **زیگفرید نیز مانند آشیل و اسفندیار رویین‌تن بود؛ اما... .**



زیمنس، ورنر فون

(۱۸۹۲ ـ ۱۸۱۶م.)

مخترع و صنعت‌گر آلمانی

زیمنس دارای سه برادر بود و این چهار برادر، مهندسان و صنعت‌گران برجسته‌ای بودند. در شهر هانوفر آلمان به‌دنیا آمد. پدرش در ارتش پروس (پیش از تشکیل کشور آلمان) خدمت می‌کرد و خودش مهندس برق شد. در آلمان او را به سبب کمک فراوانی که به توسعه‌ی مهندسی برق کرده است، پدر این صنعت می‌شناسند؛ اما او در توسعه‌ی خطوط تلگراف نیز کارهای بزرگی انجام داد. زیمنس نخستین بار یک **خط تلگراف زیرزمینی** برای ارتش احداث کرد و خط تلفنی هم بین برلین و فرانکفورت کشید. در سال ۱۸۴۹، با برادرش کارل، شرکت بزرگی را برای توسعه‌ی سیستم‌های تلگراف تأسیس و در لندن و پاریس و وین پروژه‌هایی اجرا کرد. یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های شرکت زیمنس، کشیدن خط تلگراف بین اروپا و هند بود که از تهران می‌گذشت. ساختن عایق گوتاپرشا، که امکان کابل‌کشی زیرزمینی و زیردریایی را امکان‌پذیر ساخت نیز، از ابتکارات خود زیمنس بود. سرانجام، باید از طراحی اولین **قطار برقی** به همت زیمنس نام برد. امروزه شرکت زیمنس یکی از شرکت‌های بزرگ صنعتی آلمان با گستره‌ی جهانی است که **رآکتورهای اتمی** نیز می‌سازد.



زین‌الدین، مهدی

(۱۳۶۳ـ۱۳۳۸ه.ش.)

فرمان‌ده لشکر علی‌بن ابی‌طالب

در تهران به‌دنیا آمد. پدرش کتاب‌فروشی داشت و مردی مبارز و ضد رژیم پهلوی بود. وقتی دستگیر و به خرم‌آباد تبعید شد، خانواده را نیز همراه برد. مهدی دبیرستان را در خرم‌آباد ادامه داد. این زمانی بود که دستور ثبت‌نام اجباری مردم در حزب فرمایشی رستاخیز از سوی شاه به میان آمد. زین‌الدین از ثبت‌نام خودداری کرد و از مدرسه اخراج گردید. با این حال، دیپلم خود را گرفت و با شرکت در آزمون سراسری، در دانشگاه شیراز قبول شد؛ اما چون بار دیگر پدرش را از خرم‌آباد به سقّز تبعید کردند، تحصیل را ادامه نداد. بعد از انقلاب اسلامی، پدر مهدی به قم رفت و در این شهر ساکن شد. با شروع جنگ، مهدی که ۲۱ سال داشت، به جبهه رفت و مسئول واحد اطلاعات عملیات سپاه دزفول و سوسنگرد شد. نقش او در عملیات فتح‌المبین و سپس بیت‌المقدس (آزادی خرمشهر) چنان درخشان بود که به فرمان‌دهی تیپ علی‌بن ابی‌طالب منصوب شد. این تیپ از تیپ‌های خط‌شکن بود و در عملیات خیبر، رزمندگان آن برای حفظ جزایر مجنون، رشادت‌ها و فداکاری‌های بسیاری از خود نشان دادند. بعدها این تیپ به لشکر ارتقا یافت. در آبان‌ماه سال ۱۳۶۳، مهدی زین‌الدین با برادرش مجید، که مسئول اطلاعات تیپ دوم لشکر بود، در مسیر کرمانشاه به سردشت، به دست نیروهای ضد انقلاب به شهادت رسیدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
باکری ، خرازی ، همت



زینب کبری علیهاالسلام

(فوت: ۶۵ ه.ق.)

دختر حضرت علی علیه‌السلام ، شیرزن کربلا

زینب سومین فرزند حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام بود. با عبدالله، فرزند جعفر طیّار، ازدواج کرد و پنج فرزند به‌دنیا آورد. در فصاحت و بلاغت به پدرش می‌ماند و در عقل و خرد زبان‌زد مردم بود. از این‌رو او را عقیله‌ی بنی‌هاشم لقب دادند؛ عقیله به معنی زن دانا و عاقل است. در سال ۶۱ هجری، زینب با دو فرزند خود، عون و جعفر، به همراه برادرش



▼ حرم مطهر حضرت زینب علیهاالسلام در دمشق

امام حسین(ع) از مدینه به کربلا رفت. او شاهد لحظه به لحظه‌ی وقایع کربلا در روز عاشورا و نیز شاهد شهادت دو فرزندش بود. پس از آن نیز هنگام بردن اسیران به دمشق، سرپرستی آنان را به‌عهده داشت. سخنرانی‌های شجاعانه‌ی زینب(س) در برابر عبیدالله‌بن‌زیاد در کوفه و در برابر یزید در دمشق، معروف است. آن حضرت پس از اسارت، به مدینه بازگشت؛ ولی پس از چندی به شام رفت و در آنجا درگذشت. مزار او در زینبیّه‌ی دمشق زیارتگاه شیعیان و علاقه‌مندان اهل بیت(ع) است.

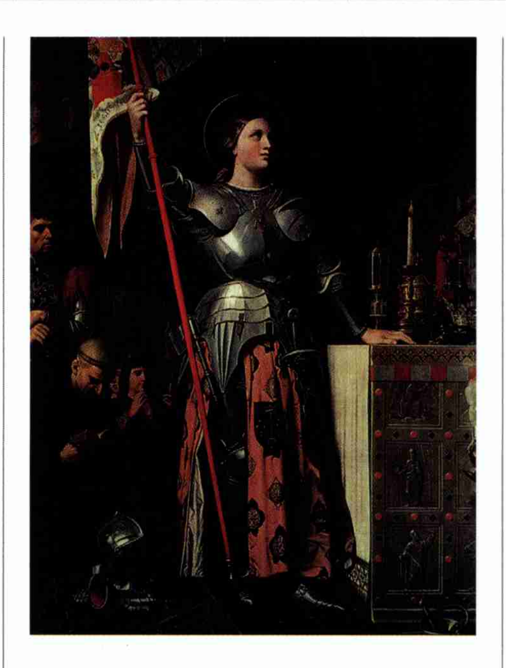
هم‌چنین نگاه کنید به:
جعفربن ابی‌طالب ، حسین‌بن علی(ع)



ژاندارک

(۱۴۳۱ _ ۱۴۱۲م.)
قهرمان ملّی فرانسه

ژاندارک دختری روستایی از شمال فرانسه بود که برخلاف دختران دیگر، خواندن و نوشتن می‌دانست. او در زمانی زندگی می‌کرد که جنگ‌های صدساله میان فرانسه و انگلستان جریان داشت. ادعا می‌کرد که از کودکی، الهاماتی از غیب می‌شنیده و از سوی خدا مأموریت دارد فرانسه را از دست انگلیسی‌ها نجات دهد. هنگامی که انگلیسی‌ها پاریس را اشغال کردند و شهر اورلئان را به محاصره‌ی خود درآوردند، ژاندارک خود را به شارل هفتم، پادشاه فرانسه، رساند و با اصرار از او خواست نیروهایی در اختیارش بگذارد تا به جنگ با انگلیسی‌ها برود. شاه قبول کرد و به این ترتیب، ژاندارک توانست محاصره‌ی شهر اورلئان را در هم بشکند و نیروهای انگلیسی را شکست دهد. او قصد داشت پاریس را نیز آزاد کند؛ اما مجروح شد و در اثر کوتاهیِ شاه و خیانت اطرافیان، به



دست انگلیسی‌ها اسیر شد. کشیش‌های انگلیسی، او را جادوگر و دروغ‌گو خواندند و این دختر جوان را در آتش سوزاندند. سال‌ها بعد، کلیسای رُم حکم صادره شده درباره‌ی ژاندارک را باطل اعلام کرد و ۵۰۰ سال بعد، پاپ او را در شمار قدّیسان مسیحی قرار داد. درباره‌ی ژاندارک فیلم‌های سینمایی نیز ساخته شده است.

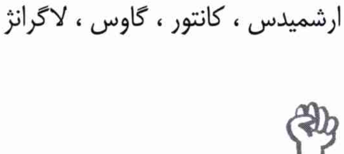


ژرمن، سوفی

(۱۸۳۱ _ ۱۷۷۶م.)
ریاضی‌دان فرانسوی

سوفی دختر یک بازرگان ابریشم بود و در پاریس به‌دنیا آمد. در آن زمان، دختران فقط اجازه داشتند سواد عمومی را، آن هم از معلمانِ سرخانه، بیاموزند و حق آموختن ریاضیات هم نداشتند. اما سوفی وقتی سرگذشت **ارشمیدس** و چگونگی کشته شدن او را در هنگام حل یک مسئله‌ی ریاضی خواند، چنان شیفته‌ی ریاضیات شد که تا آخر عمر از این علم دل نکند. اما هرچه آموخت، به صورت خودآموز بود. سوفی در ۱۸ سالگی، از طریق دانشجویان پسر دانشگاه پلی‌تکنیک پاریس، با **لاگرانژ**، ریاضی‌دان بزرگ، ارتباط علمی برقرار کرد و مقالات و مطالب خود را برای او فرستاد. لاگرانژ او را بسیار تشویق و راهنمایی کرد. سوفی با **کارل گاوس**، ریاضی‌دان برجسته‌ی آلمانی هم ارتباط علمی برقرار کرد و این دو، بدون آن که تا پایان عمر یک‌دیگر را ببینند، دادوستد و مکاتبه‌ی علمی داشتند. سوفی ژرمن با تحقیق درباره‌ی نوسان‌های سطوح کش‌سانی و ارسال مقاله‌ای در مورد آن، جایزه‌ی اول انستیتو دوفرانس را در سال ۱۸۱۶ میلادی دریافت کرد. درباره‌ی این مقاله، کلود ناویه، ریاضی‌دان فرانسوی، گفته بود: «این اثری است که مردانِ کمی می‌توانند آن را بخوانند؛ اما شگفت این‌جاست که یک زن توانسته است آن را بنویسد!» کارل گاوس به دانشگاه گوتینگن توصیه کرده بود که کرسی استادی دکترای افتخاری دانشکده‌ی ریاضی را به سوفی ژرمن بدهند؛ اما سوفی به بیماری سرطان دچار شد و نتوانست به این شغل دست یابد. او در ۵۵ سالگی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ارشمیدس ، کانتور ، گاوس ، لاگرانژ



ژوکُف، جورج

(۱۹۷۴ _ ۱۸۹۰م.)
فرمان‌ده ارتش شوروی در جنگ دوم جهانی

جورج ژوکُف معروف به مارشال ژوکُف، در نزدیکی مسکو به‌دنیا آمد. در جنگ اول جهانی، در دوره‌ی تزاری، سرباز بود. در همان حال، با وقوع انقلاب بلشویکی روسیه به رهبری لنین، به ارتش سرخ پیوست و در مقام سواره نظام در جریان انقلاب به فعالیت پرداخت. بعد از آن که انقلاب شوروی استوار شد، به دانشگاه نظامی رفت و تحصیلات رسمی خود را آغاز کرد. در جنگ دوم جهانی، ابتدا دفاع از شهر مسکو را به‌عهده گرفت و از آن پس در عملیات زیادی شرکت کرد. آخرین حمله به برلین را،

که به سقوط آن شهر منجر شد، او انجام داد و سال ۱۹۴۳، به فرمان‌دهی نیروهای شوروی در برلین منصوب شد. ژوکف سه سال بعد سوار بر اسبی سفید، در مقام قهرمان جنگ، به مسکو بازگشت و از او استقبال باشکوهی به‌عمل آمد. او کسی است که بزرگ‌ترین نبرد تانک‌ها را در جنگ دوم جهانی رهبری و در هشت خط نبرد، به گونه‌ای عمل کرد که آلمانی‌ها، با وجود دستور هیتلر به عقب‌نشینی، نتوانستند به راحتی عقب بروند و با از دست دادن ۵۰۰هزار سرباز، خود را نجات دادند. این آغازی بر پایان کار هیتلر بود. با همه‌ی این خدمات، ژوکف در سال ۱۹۵۷، به دستور استالین، از همه‌ی سمت‌های خود عزل شد و در ۷۸ سالگی درگذشت.

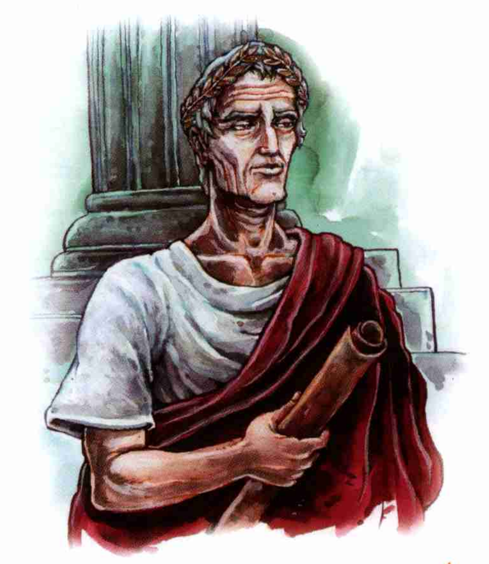
همچنین نگاه کنید به:
استالین ، رومل ، مونتگمری



ژولیوس سزار

(۴۴ _ ۱۰۰ ق.م.)
امپراتور روم

ژولیوس سزار یکی از بزرگ‌ترین امپراتوران روم به شمار می‌رود. عمویش، ماریوس، امپراتور روم و خودش جوانی گستاخ، جویای



ژولیوس سزار امپراتوری روم را به اوج قدرت رساند.

نام و دوست‌دار قدرت بود. در شرح حال او نوشته‌اند که در جوانی وقتی شرح حال اسکندر را خواند، گریست که چرا اسکندر در سن او بخش عظیمی از جهان را فتح کرده بود و او هنوز کاری انجام نداده است. ژولیوس در زمان عمویش به ارتش روم پیوست و خیلی زود در مقام فرمان‌دهی کل ارتش قرار گرفت. هنگامی که ماریوس مُرد، ژولیوس و دو سردار دیگر رومی، پُمپئی و کراسوس، حکومت مشترکی برای اداره‌ی امپراتوری روم تشکیل داد و هر یک حکومت بر بخشی از آن را به‌عهده گرفت. از این سه نفر کراسوس در جنگ با ایرانیان، به دست سورنا سردار اشکانی کشته شد و قدرتش از دست رفت. پمپئی را نیز خود ژولیوس سزار در جنگی که با او کرد، از قدرت کنار زد و بدین ترتیب، خودش امپراتور مطلق روم شد. ژولیوس سزار در کارها بسیار چابک و سریع بود. وقتی شورش آسیای صغیر را سرکوب کرد، به سنای روم نوشت: «وینی، ویدی، ویسی»؛ یعنی آمدم، دیدم، فتح کردم. وقتی به مصر لشکر کشید، عاشق کلئوپاترا، ملکه‌ی آن کشور شد که داستانش معروف است. این داستان اساس نوشتن نمایش‌نامه‌ی **آنتونی و کلئوپاترا** به قلم شکسپیر، نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی، شد. آنتونی، رقیب سزار در این ماجرا بود. ژولیوس سزار سرانجام در سنای روم به دست دو تن از دشمنان دوست‌نمای خود به نام‌های کاسیوس و بروتوس کشته شد. از این‌رو، در ادبیات اروپایی، اصطلاح **خنجر بروتوس** ضرب‌المثِل خنجر از پشت زدن است.

همچنین نگاه کنید به:
سورنا



ساخارف، آندره

(۱۹۸۹ _ ۱۹۲۱م.)
پدر بمب هیدروژنی شوروی

در نزدیکی مسکو متولد شد. پدرش معلم فیزیک بود. آندره، که دانش‌آموز ممتازی بود، بدون کنکور وارد دانشگاه شد و در همین رشته تحصیل کرد. سپس زیر نظر **ایگور تام**، دانشمند و فیزیک‌دان شهیر روسی، به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی فیزیک نظری پرداخت. در سال ۱۹۴۸، بعد از جنگ دوم جهانی، ایگور تام موظف شد در شهر مخفی شوروی به نام **تأسیسات**، به تحقیق در رشته‌ی صنایع و ساختن بمب هیدروژنی بپردازد. ساخاروف نیز به همکاران **تام** پیوست. پس از ۲۰ سال کار، بمب هیدروژنی، که ساخاروف سازنده‌ی آن بود، با موفقیت آزمایش شد. او مخالف تکرار آزمایش‌های اتمی بود و کارش به درگیری لفظی با خروشچف، رهبر شوروی، کشید. به این سبب، ابتدا او را از شهرِ **تأسیسات** اخراج و چند سال بعد به شهر گورکی تبعید کردند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سرانجام گورباچف، با ساخاروف تماس تلفنی گرفت و از او خواست به تبعیدش پایان دهد و به مسکو بازگردد. ساخاروف به مسکو بازگشت؛ ولی سه سال بعد، در اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. او برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل (۱۹۷۵) بود و خاطرات خود را نوشته که به فارسی هم ترجمه شده است.

همچنین نگاه کنید به:
اپنهایمر ، ساخاروف



سارتون، جورج

(۱۹۵۶ _ ۱۸۸۴م.)
بنیان‌گذار تاریخ علم

در بلژیک به‌دنیا آمد. در رشته‌ی فیزیک، شیمی، ریاضی، نجوم و فلسفه تحصیل کرد و دکترای ریاضیات گرفت. در ۲۸ سالگی انتشار مجله **ایزیس** را در زمینه‌ی تاریخ علم آغاز کرد که تا ۴۰ سال منتشر می‌شد. در پی وقوع جنگ اول جهانی در اروپا، به آمریکا رفت و مقیم آن کشور



▲ جورج سارتون (نفر سوم ایستاده از راست) در میان جمعی از دانشمندان هم‌عصر خود.

شد و تدریس تاریخ علم را در دانشگاه هاروارد به‌عهده گرفت. سپس مجله‌ی دیگری به نام **اوزیریس** منتشر کرد که موضوع آن فلسفه‌ی علم بود. سارتون را باید بزرگ‌ترین تاریخ‌نگار علم در چند قرن اخیر دانست. در اثر کوشش‌های او، امروزه دانشگاه هاروارد یکی از مراکز مهم آموزش و پژوهش تاریخ علم در جهان شده است. از آثار سارتون دست کم سه کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است: **مقدمه‌ای بر تاریخ علم**، **تاریخ علم** و **شش بال علم**.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آرام ، ابن هیثم



ساعدی، غلام‌حسین

(۱۳۶۴ ـ ۱۳۱۴هـ.ش.)

روان‌پزشک، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس

در تبریز به‌دنیا آمد و در همان‌جا تحصیل کرد. در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تبریز پذیرفته شد و مدرک پزشکی گرفت. از نوجوانی به خواندن کتاب و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی گرایش داشت و به افکار سوسیالیستی و کمونیستی تمایل نشان می‌داد. نوشته‌های او نیز از چنین مضمون‌هایی، البته با رگه‌هایی از انسان‌دوستی و حمایت از محرومان، برخوردار است. نمایش‌نامه‌ی **کاربافَک‌ها** و مجموعه داستان **شب‌نشینی باشکوه** (۱۳۲۹) ساعدی را به جامعه‌ی ادبی ایران معرفی کرد. به تهران رفت و ضمن گرفتن تخصص روان‌پزشکی، با بسیاری از شاعران و نویسندگان روشن‌فکر، از جمله جلال آل‌احمد، آشنا شد. او و آل‌احمد با مؤسسه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران در نوشتن چند تک‌نگاری همکاری کردند. ساعدی کتاب **خیاو** (مشکین‌شهر) و آل‌احمد کتاب **جزیره‌ی خارک دُرّ یتیم خلیج فارس** را نوشت. ساعدی در زمینه‌ی داستان کوتاه و نمایش‌نامه یکی از خلاق‌ترین نویسندگان معاصر است. فیلم گاو به کارگردانی داریوش مهرجویی، بر اساس داستانی از او و به نام **عزاداران بَیَل** ساخته شد. دو نمایش‌نامه‌ی مشهور او **چوب به دست‌های وَرَزیل** و **آی بی‌کلاه آی باکلاه** نیز تأثیر ماندگاری بر تئاتر معاصر ایران داشت. ساعدی در دهه‌ی ۵۰، با همکاری انتشارات امیرکبیر، **نشریه‌ی الفبا** را منتشر کرد که بیش از شش شماره چاپ نشد. او در آخرین سال‌های رژیم پهلوی دستگیر و چنان شکنجه شد که ناچار شد با بیان سخنانی به نفع رژیم در تلویزیون، آزادی خود را به‌دست آورد. این واقعه، ضربه‌ای سنگین بر روحیه‌ی او وارد ساخت. ساعدی چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پاریس مقیم شد و همان‌جا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آل‌احمد ، مهرجویی



ساعی، کریم

(۱۳۳۱ ـ ۱۲۸۹هـ.ش.)

بنیان‌گذار سازمان جنگل‌بانی کشور

در مشهد به‌دنیا آمد. در رشته‌ی مهندسی کشاورزی و سپس در رشته‌ی جنگل‌شناسی در آمریکا تحصیل کرد و پس از بازگشت به ایران، استاد دانشگاه تهران شد. او نخستین استاد علم جنگل‌شناسی در ایران بود. ساعی به نقاط گوناگون ایران سفر کرد و به شناسایی و طبقه‌بندی جنگل‌های ایران پرداخت. او نخستین کسی است که برای ایجاد جنگل مصنوعی در ایران گام برداشت. به همین دلیل، از سوی یکی از مجله‌های علمی و تخصصی فرانسه، در مقام یکی از نوادر علمی معرفی شد. مهندس کریم ساعی در دولت دکتر مصدق وزیر کشاورزی بود و در همان زمان، در مسیر شیراز به تهران، در اثر سقوط هواپیما کشته شد. پارک ساعی در خیابان ولی‌عصر تهران، به یاد این مرد خدمت‌گزار، نام‌گذاری شده است. از ساعی دو جلد کتاب **جنگل‌شناسی** در انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.



ساعی، هادی

(تولد: ۱۳۵۵هـ.ش.)

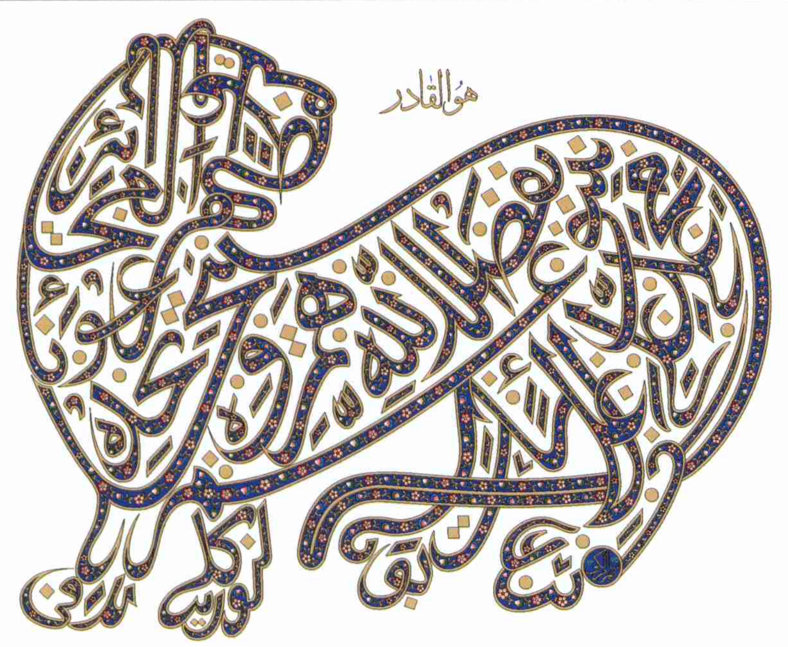
قهرمان تکواندو

در شهرری تهران به‌دنیا آمد. در ۷ سالگی، ورزش را در باشگاه محمدی آغاز کرد. با

تشویق خانواده و دوستانش، تکواندو را جدی گرفت و در جوانی، در اولین گام‌های حرفه‌ای خود به عضویت مؤسسه‌ی عالی تکواندو درآمد. ساعی تقریباً در همه‌ی مسابقه‌های جهانی به مقام قهرمانی رسیده است. او در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، قهرمان جام جهانی تکواندو شد. در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ نیز در مسابقه‌های جهانی دیگر، به جز جام جهانی، قهرمان شد. در سال ۲۰۰۳ در مسابقه‌های ستارگان جهان، که در کره‌ی جنوبی، مهد تکواندو، برگزار شد، باز هم از سدّ حریفان گذشت و مدال طلا گرفت. ساعی در سال‌های نخست فعالیتش، مدال نقره و برنز مسابقه‌های ارتش‌های جهان را نیز به‌دست آورد. در سال ۲۰۰۲، قهرمان رقابت‌های آسیا ـ اقیانوسیه شد و در سال ۱۹۹۷، طلای قهرمانی غرب آسیا را کسب کرد. وی آخرین مدال طلای خود را از بازی‌های المپیک چین در سال ۲۰۰۸ دریافت کرد. ساعی در سال ۱۳۸۷ از فعالیت‌های ورزشی کناره گرفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
خادم ، دبیر





▲ نقاشی‌خط «**هوالقادر**
(ناد علیاً مظهر العجایب)» اثر بهرام سالکی.



سالکی، بهرام

(تولد: ۱۳۳۶ه.ش.)
هنرمند قرآنی

در تهران متولد شد. در رشته‌ی عکاسی و گرافیک تحصیل کرد. پس از آن همه‌ی همت خود را برای پدیدآوردن دو اثر هنری بی‌نظیر و اعجاب‌آور، **قرآن عقیق** و **قرآن ریحان**، صرف کرد. سالکی کار روی قرآن عقیق را در سال ۱۳۶۱ آغاز کرد. او پس از ۱۲ سال کار مستمر، آن‌را در سال ۱۳۷۴ به‌پایان رساند. سپس خوش‌نویسی و تذهیب قرآن ریحان را آغاز کرد که ۸ سال طول کشید. آخرین قرآن به خط ریحان، حدود ۴۰۰ سال پیش نوشته شده است. قرآن‌های عقیق و ریحان از منظر خوش‌نویسی و تزیین، نقطه‌ی عطفی در انتشار کلام الهی در جهان معاصر به‌شمار می‌روند. به‌علاوه، تحسین عده‌ای از برجسته‌ترین صاحب‌نظران جهانی مانند دکتر سیدحسین نصر (دانشمند ایرانی مقیم آمریکا)، جیمز آلن (استاد هنر و رئیس موزه‌ی دانشگاه اکسفورد انگلستان)، بهاءالدین خرمشاهی (قرآن‌پژوه و مترجم قرآن)، محمدنقیب العطّاس (متفکر مالزیایی)، آیدین آغداشلو (نقاش هنرمند ایرانی)، دکتر طاهره صفارزاده (مترجم قرآن و شاعر) و دکتر غلامحسین عربشاهی (نویسنده و کارشناس هنر اسلامی) را برانگیخته‌اند. این دو قرآن، با چاپ بسیار نفیسی عرضه شده‌اند.کار دیگر استاد سالکی، **مرقع جانان**، شامل ۱۰۰ تابلوی هنری است که با استفاده از مضامین ادبیات عرفانی شاعران و متفکران شرق و غرب و به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی ساخته شده

است. **آفاق نور** هم شامل ۴۸ تابلوی نفیس با خطوط ریحان و کوفی همراه با نقش‌های اسلامی است. استاد سالکی تاکنون آثار خود را حداقل در ۱۰ نمایشگاه، در داخل و خارج از ایران، به نمایش گذاشته که جوایز و تشویق‌های متعددی برای او به همراه آورده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آغداشلو ، خرمشاهی ، صفارزاده ، نصر



سبزواری، حاج ملاهادی

(۱۲۸۹ ـ ۱۲۱۲ ه.ق.)
حکیم و عارف

حاج ملاهادی سبزواری، که در حوزه‌های علمیه‌ی شیعه به **حاجی** معروف است، از حکمای برجسته‌ی قرن سیزدهم هجری در ایران است. در سبزوار به‌دنیا آمد. تا ۱۰ سالگی در این شهر بود؛ سپس برای تحصیل به مشهد رفت و پس از ۱۰ سال راهی اصفهان شد که در آن زمان، حوزه‌ی علمیه‌ای وسیع و عالمان بزرگی داشت. سبزواری ۸ سال در اصفهان به تحصیل حکمت و معارف اسلامی ادامه داد و سپس به سفر حج رفت. او چند سال را نیز در کرمان گذراند و سرانجام حوزه‌ی تدریس خود را در سبزوار تشکیل داد که تا پایان عمرش برقرار بود. حوزه‌ی درسی سبزواری چنان رونق یافت که از هند و کشورهای عربی نیز به محضر او می‌آمدند. حاجی در حکمت پیرو ملاصدرا بود و افکار و اندیشه‌های او را شرح می‌داد. سبزواری کتاب‌های زیادی به فارسی و عربی نوشت که مهم‌ترین آن‌ها **شرح منظومه**، **اسرارالحِکَم**، **حاشیه بر اَسفار ملاصدرا**، **شرح مثنوی** و **شرح دعای جوشن کبیر** است. **شرح منظومه** را غالباً در ردیف شفای ابن‌سینا و اَسفار ملاصدرا از کتاب‌های اساسی حکمت اسلامی به‌شمار می‌آورند. مزار حاجی در سبزوار است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ملاصدرا



سبزواری، حمید

(تولد: ۱۳۰۴ه.ش.)
شاعر

نامش حسین ممتحنی سبزواری، متخلص به **حمید** است و در سبزوار به‌دنیا آمده است. پس از گرفتن دیپلم متوسطه، در آموزش‌وپرورش استخدام شد. ولی بعد از چند سال از خدمت کناره گرفت و به کار آزاد روی آورد. از جوانی در جریان مبارزه‌های ملی و اسلامی قرار داشت. از این رو، بیش‌تر وقت‌ها تحت تعقیب بود. سبزواری از پیش‌گامان شعر انقلاب اسلامی است و برخی اشعارش به صورت سرود و ترانه‌های انقلابی درآمده و از صدا و سیما پخش شده است. سروده‌های **خمینی ای امام**، **شهید مطهری**، **بانگ آزادی**، **هم‌پای جلودار**، **برخیزید** و **شکست شیطان** از آثار اوست. دو دیوان از اشعار او به نام‌های **سرود درد** و **سرود سپیده** منتشر شده است.



سپهدار اعظم تنکابنی، محمد ولی‌خان

(۱۳۰۴ ـ ۱۲۲۶ ه.ش.)
فرمانده مشروطه‌خواهان گیلان در فتح تهران

محمدولی‌خان از رجال با نفوذ دوره‌ی قاجار و از زمین‌داران شمال کشور بود. او به سبب خدماتش به قاجاریه، به سپهدار اعظم ملقب شد. هنگامی که محمدعلی‌شاه قاجار مجلس را به توپ بست، از محمدولی‌خان خواسته شد برای سرکوبی مجاهدان تبریز، به آذربایجان برود؛ ولی او نپذیرفت و به تنکابن بازگشت و از مخالفان محمدعلی‌شاه شد و به مشروطه گرایش پیدا کرد. به این سبب، سه سال بعد، در حالی که فرمان‌دهی نیروهای مشروطه‌خواه گیلان را به دست گرفته بود، هم‌زمان با نیروهای بختیاری وارد تهران شد. او و سردار اسعد بختیاری، پایتخت را فتح کردند و به دوره‌ی استبداد صغیر پایان دادند. سپهدار پس از فتح تهران، دو بار نخست‌وزیر شد و سرانجام بر اثر بدهکاری مالیاتی زیاد به دولت، در ۷۹ سالگی خودکشی کرد. قبر او در شمیران، در صحن امامزاده صالح تجریش است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
سردار اسعد بختیاری



سپهری، سهراب

(۱۳۵۹ ـ ۱۳۰۷ه.ش.)
شاعر و نقاش

اهل کاشان و از نوادگان میرزا محمدتقی مورخ‌الدوله سپهر، تاریخ‌نگار دوره‌ی قاجار و نویسنده‌ی کتاب معروف **ناسخ‌التّواریخ** بود. بیش‌تر عمر خود را در تهران گذراند. از نوجوانی شعر می‌سرود و نقاشی می‌کرد و در هر دو رشته صاحب سبک بود. از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در رشته‌ی نقاشی فارغ‌التحصیل شد. اما شعر را به طور آزاد دنبال کرد. سهراب به شرق و غرب عالم سفر کرد. سفر به هندوستان و ژاپن، بیش‌تر در او تأثیر گذاشت و در اشعارش نمودار شد. او در نقاشی عاشق کشیدن مناظر و چشم‌اندازهای واحه‌ها و آبادی‌های مناطق مرکزی ایران بود و در شعرهای خود نیز به توصیف طبیعت این مناطق می‌پرداخت. به این سبب، هماهنگی زیبایی بین شعر و نقاشی او وجود دارد. ویژگی اشعار سهراب سپهری سبب شده است که شاعری چون



▲ چه کسی بود صدا زد: سهراب!

سید حسن حسینی، او را با بیدل دهلوی، شاعر فارسی‌گوی هند، قابل مقایسه بداند. از سهراب سپهری مجموعه‌های شعری متعددی منتشر شده که **مرگ رنگ** (۱۳۳۰)، **زندگی خواب‌ها** (۱۳۳۲)، **آوار آفتاب**، **شرق اندوه** (۱۳۴۰) **صدای پای آب**، **مسافر**، **حجم سبز** (۱۳۴۶) از آن جمله است. مجموعه اشعار او در یک مجلّد با نام **هشت کتاب** منتشر شده است. سهراب سپهری در سال ۱۳۵۹ در پی ابتلا به بیماری سرطان درگذشت و به وصیت خودش در مشهد اردهال، نزدیک کاشان، به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بیدل دهلوی ، حسینی



سپهسالار، میرزا حسین‌خان

(۱۲۹۸ ـ ۱۲۴۳ ه.ق.)

صدراعظم ناصرالدین‌شاه

فرزند میرزانبی‌خان قزوینی و از رجال کاردان و بالیاقت عصر قاجار بود. در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه، از سوی امیرکبیر به بمبئی در هند رفت. سپس سفیر ایران در ارمنستان و بعد سفیر در عثمانی شد. ناصرالدین‌شاه او را، با دادن لقب سپهسالار، به سرپرستی کل قشون منصوب کرد. میرزاحسین‌خان مردی اصلاح‌طلب، تجددخواه و غرب‌گرا و به پیش‌رفت ایران علاقه‌مند بود و می‌خواست اصلاحات امیرکبیر را ادامه دهد. با این هدف، شاه را دو بار به سفر اروپا برد تا او را با پیش‌رفت‌های دنیای جدید آشنا کند. اما بی‌پروایی‌هایی نیز نشان داد که از آن جمله، عقد قرارداد رویتر با انگلیسی‌ها بود که ایران را به آن‌ها وابسته می‌کرد و مستعمره‌ی آن‌ها می‌ساخت. از این‌رو، روحانیان با او مخالفت کردند و از ناصرالدین‌شاه خواستند قرارداد را باطل کند. مدتی بعد هم خواستار عزل سپهسالار از وزارت شدند که شاه این درخواست را پذیرفت. سپهسالار پس از وزارت، مسئولیت‌های مهم دیگری به‌عهده گرفت و به وزارت خارجه نیز رسید. او دو سال پایان عمرش را با عنوان تولیت آستان قدس رضوی در مشهد گذراند و در همین شهر درگذشت. از آثار ماندگار سپهسالار در تهران، **مسجد** و **مدرسه‌ی عالی سپهسالار** و **عمارت بهارستان** (مجلس شورای ملی سابق) است که در سال‌های آخر عمرش ساختِ آن‌ها را آغاز کرد؛ ولی بنای آن‌ها پس از فوت او به پایان رسید.

هم‌چنین نگاه کنید به:
امیرکبیر ، ناصرالدین‌شاه



ستارخان

(فوت: ۱۲۹۳ه.ش.)

سردار ملّی مشروطه

جوانی عیّارپیشه و جوان‌مرد بود که در آغاز جنبش مشروطه‌خواهی، در تبریز به صف مجاهدان مشروطه‌خواه پیوست. وقتی محمدعلی‌شاه در تهران مجلس را به توپ بست، مردم تبریز به رهبری ستارخان و هم‌رزم او باقرخان، به شدت با شاه مخالفت کردند و شهر را در دست گرفتند. محمدعلی‌شاه نیروهایی برای تصرف شهر تبریز اعزام کرد؛ ولی ستارخان تسلیم نشد و شهر تبریز مدتی طولانی به محاصره‌ی نیروهای دولتی درآمد. سه سال بعد، نیروهای مشروطه‌خواه تهران را فتح کردند، آزادی‌خواهان بازگشتند و مجلس شورای ملی بار دیگر افتتاح شد. نمایندگان مجلس، ستارخان و باقرخان را به تهران دعوت کردند و با اعطای لقب **سردار ملی**

▼ مجلس شورای ملی به پاس تقدیر از دلاوری‌های ستارخان (نفر دوم نشسته از راست) در جریان محاصره‌ی تبریز به او لقب سردار ملی و به باقرخان (نفر سوم) لقب سالار ملی اعطا کرد.



به ستارخان و **سالار ملی** به باقرخان، از فداکاری‌ها و مجاهدت‌های آنان تقدیر کردند. چندی بعد به سبب هرج و مرج و پیش‌آمدهای ناگوار در تهران، از جمله قتل سیدعبدالله بهبهانی، مجلس تصمیم گرفت مجاهدان مشروطه را خلع سلاح کند. این تصمیم با مخالفت مجاهدان روبه‌رو شد و کار به درگیری کشید. در این ماجرا، که در پارک اتابک (محل فعلی سفارت روسیه در تهران) روی داد، ستارخان تیر خورد و مجروح شد. او چهار سال بعد درگذشت و در باغ طوطی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهبهانی ، ثقةالاسلام تبریزی ، محمدعلی‌شاه



ستّارزاده، عصمت

(۱۳۷۲ ـ ۱۲۹۰هـ.ش.)
بانوی ادیب و مترجم

در تبریز به‌دنیا آمد. در همان شهر، به دانش‌سرای مقدماتی دختران رفت. سپس معلم شد و در مناطق گوناگون تدریس کرد. پس از ازدواج و بزرگ کردن فرزندانش، از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت و دوره‌ی دکتری ادبیات را به راهنمایی سعید نفیسی به پایان رساند. پایان‌نامه‌ی او **تقلید شاعران ترک از نظامی گنجوی** نام داشت. خانم ستارزاده به توصیه‌ی سعید نفیسی، **شرح سودی بوسنَوی بر حافظ** را از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه کرد. او برای این کار، مدتی به استانبول رفت و در آن‌جا به پژوهش پرداخت. سپس **تفسیر گلستان سعدی** از سودی و بعد **تفسیر کبیر انقروی بر مثنوی مولوی** را ترجمه کرد که در چهار جلد چاپ شد و جایزه‌ی بهترین ترجمه‌ی ادبی سال ۱۳۵۰ را گرفت.

ستوده، منوچهر

(تولد: ۱۲۹۶هـ.ش.)
بنیان‌گذار علم جغرافیای تاریخی در ایران

در تهران متولد شد. از دانش‌سرای عالی مدرک لیسانس و سپس دکتری ادبیات فارسی گرفت. نخست دبیری پیشه کرد و در دبیرستان‌های لاهیجان به تدریس مشغول شد. سپس به تهران آمد و به دعوت دکتر مجتهدی، دبیر دبیرستان البرز شد. بعداً به دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی رفت و به تدریس جغرافیای تاریخی پرداخت. او خودش این رشته را، که سابقه‌ای در دانشگاه‌های ایران نداشت، تأسیس کرد. از این‌رو، دکتر سیدحسین نصر، رئیس وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، او را به گروه تاریخ انتقال داد. دکتر منوچهر ستوده رشته‌ی تحقیقات خود را بیش‌تر به مازندران و گیلان و کوهستان‌های البرز، و در این اواخر، به آسیای مرکزی اختصاص داده و در این زمینه، آثار گران‌قدری پدید آورده است. مجموعه‌ی هفت جلدی **از آستارا تا اِستارآباد**، در حدود ۷هزار صفحه، تنها یکی از آثار اوست. ستوده در سال ۱۳۱۳هـ.ش.، در ۲۱ سالگی، پیاده از تهران به قلعه‌ی الموت رفت و با ۱۵ روز اقامت در آن‌جا، کتاب **قلاع اسماعیلیه** را نوشت که اثری ارزش‌مند است. او تعدادی از آثار مهم تاریخ ایران مانند **تاریخ گیلان**، **مهمان‌نامه‌ی بخارا**، **تاریخ مازندران**، **حدودالعالم من المشرق الی المغرب** و **تاریخ خاندان مرعشی مازندران** را تصحیح کرده است.

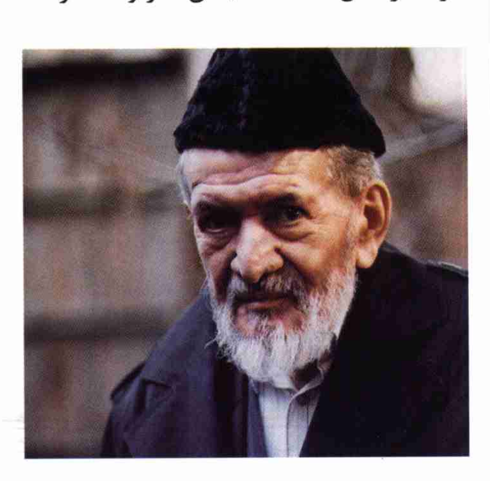
هم‌چنین نگاه کنید به:
مجتهدی ، نصر



سحاب، عباس

(۱۳۷۹ـ ۱۳۰۰هـ.ش.)
پدر کارتوگرافی ایران

پدرش، ابوالقاسم سحاب اهل تفرش و مردی دانشمند بود. او ۲۰ جلد کتاب تألیف کرد که **شرح‌حال ائمه‌ی شیعه**، **فرهنگ خاورشناسان** و **تاریخ نقاشی در ایران** (ترجمه) نمونه‌ای از آن‌هاست. پس از او تنها پسرش، عباس، راه پدر را ادامه داد. عباس سحاب در روستای فم تفرش به‌دنیا آمد. در ۱۰ سالگی با پدرش به تهران رفت و در مدرسه‌ی کمالیه ثبت‌نام کرد. در همان ایام، پدرش **جغرافیای کارپنتر** را از انگلیسی ترجمه کرده و در کشیدن نقشه‌های آن درمانده بود. او کتاب را در اختیار فرزندش عباس قرار داد و بدین ترتیب، چشم عباس به‌دنیای جغرافیا و نقشه باز شد و همین روی‌داد، او را به‌دنیای نقشه کشاند. عباس در دوره‌ی دبیرستان اولین نقشه‌ی تهران را در مدت ۶ ماه کشید و آن را در هزار نسخه تکثیر کرد و فروخت. این شروع کارِ جدّی و در حقیقت، سنگ بنای نخستین مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی ایران در بخش غیردولتی بود. **مؤسسه‌ی سحاب** تا امروز منشأ خدمات بسیاری به کشور بوده است و فهرستی پربار از چاپ انواع نقشه‌ها و کتاب‌های جغرافیایی را در کارنامه‌ی خود دارد. در سال ۱۳۸۰، انجمن آثار و مفاخر



و فرهنگی در مراسمی باشکوه از خدمات علمی و فرهنگی مرحوم عباس سحاب تقدیر کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
مرکاتور

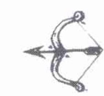


سحابی، یدالله

(۱۳۸۱ ـ ۱۲۸۴ه.ش.)
زمین‌شناس، مربی و مبارز سیاسی

یدالله سحابی در محله‌ی سنگلج تهران به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۱۱، از سوی دولت برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه اعزام شد. پس از گرفتن دکترای زمین‌شناسی به ایران بازگشت و استاد دانشگاه تهران شد. او مردی با تقوا و با دیانت بود که به گسترش معارف اسلامی در میان جوانان و دانشجویان علاقه داشت. تأسیس **دانش‌سرای تعلیمات دینی** و **دبیرستان پسرانه‌ی کمال** و **دبیرستان دخترانه‌ی کوثر** از اقدامات اوست. نخست از طرفداران جبهه‌ی ملی بود؛ ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به اتفاق مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی نهضت آزادی را به منظور ادامه‌ی مبارزه با رژیم شاه تأسیس کرد. این سه نفر در سال ۱۳۴۱ همراه با جمعی دیگر از استادان دانشگاه و چهره‌های سیاسی، دستگیر، محاکمه و به زندان‌های درازمدت محکوم ولی پس از چهار سال آزاد شدند. سحابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی مهندس بازرگان وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب شد و در انتخابات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی نیز از تهران به نمایندگی انتخاب گردید. کتاب‌های **زمین‌شناسی عمومی**، **سنگ‌شناسی** و **خلقت انسان** از آثار اوست. دکتر سحابی در ۹۷ سالگی در تهران درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بازرگان ، طالقانی



سردار اسعد بختیاری

(فوت: ۱۲۹۶ ه.ش.)
فرمانده مشروطه‌خواهان بختیاری در فتح تهران

نامش علی‌قلی‌خان و فرزند حسین‌قلی‌خان، ایلخان بختیاری بود. ظل‌السّلطان حسین‌قلی‌خان را ناجوان‌مردانه به قتل رساند و پسرانش، از جمله علی‌قلی‌خان را، به زندان انداخت. لقب سردار اسعد را مظفرالدین شاه پس از آزادی از زندان به او داد. علی‌قلی‌خان سال‌هایی را در فرانسه گذراند و این همان زمان بود که محمدعلی‌شاه مجلس را به توپ بست. در پی آن، عواملی در داخل و خارج، دست به دست هم دادند و سردار اسعد را راضی کردند که به ایران بیاید و مشروطه را احیا کند. به این سبب، او محرمانه وارد منطقه‌ی بختیاری شد و با ۲هزار سوار، نخست به اصفهان رفت و سپس عازم تهران شد. هم‌زمان، سپهدار تنکابنی هم با نیروهای خود از شمال آمد و آن دو پایتخت را فتح کردند. محمدعلی‌شاه سقوط کرد و بار دیگر حکومت مشروطه برقرار شد. سردار اسعد مردی با فرهنگ و دانش‌دوست بود و با هزینه‌ی خود چند کتاب، از جمله **سفرنامه‌ی برادران شرلی** و **سفرنامه‌ی تاورنیه** را ترجمه و چاپ کرد. مقبره‌ی او در تکیه‌ی بختیاری‌های تخت فولاد اصفهان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
سپهدار اعظم تنکابنی



سرشار، محمدرضا

(تولد: ۱۳۳۲ ه.ش.)
نویسنده و قصه‌گو



محمدرضا سرشار، معروف به **رضا رهگذر**، در کازرون به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ در رشته‌ی مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت پذیرفته و در تهران ساکن شد. از نوجوانی به فعالیت‌های ادبی، هنری و نویسندگی علاقه داشت. از این‌رو، در سال‌های دانشجویی، اوقات خود را صرف این نوع فعالیت‌ها می‌کرد. اولین کتاب خود را در سال ۱۳۵۵ منتشر کرد. محتوای آثار رهگذر غالباً مبارزه با رژیم پهلوی، مضمون‌های دینی و اجتماعی و موضوع‌های مرتبط با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. او از سال ۱۳۶۰، تا ۲۴ سال گویندگی **قصه‌ی ظهر جمعه** را در رادیو به‌عهده گرفت و صدای او برای بسیاری از شنوندگان رادیو آشناست. از دیگر فعالیت‌های او در سال‌های مختلف، سردبیری مجله‌های **سوره‌ی نوجوانان**، **سروش نوجوان** و **ادبیات داستانی** و نیز داوری ۱۵ دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران است. او رئیس هیئت مؤسس و چند دوره هم رئیس هیئت مدیره‌ی **انجمن قلم ایران** بود. تعدادی از آثار منتشر شده‌ی رهگذر در زمینه‌های گوناگون، اعم از تألیف، ترجمه و گردآوری، عبارت است از: **تشنه‌ی دیدار**، **مهاجر کوچک**، **جایزه**، مجموعه‌ی پانزده جلدی **از سرزمین نور**، **هستم اگر می‌روم**، **نردبان جهان**، **آنک آن یتیم نظرکرده**، **آن‌جا که خانه‌ام نیست**، **پشت دیوار شب**، **بیست سال تلاش!** و مجموعه‌ی ده جلدی **قصه‌های حیوانات در قرآن**.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صبحی مهتدی ، میرکیانی



سروانتس، میگل

(۱۶۱۶ـ ۱۵۴۷م.)

رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی

به سروانتس لقب «شاه‌زاده‌ی نبوغ» داده‌اند و رمان مشهور او **دن کیشوت** را یکی از پایه‌های ادبیات کلاسیک اروپا و اولین رمان مدرن جهان می‌دانند. در شهر کوچکی از شهرهای اسپانیا به‌دنیا آمد. پدرش پزشک بود و با خانواده‌ی خود به مادرید، پایتخت اسپانیا، مهاجرت کرد. سروانتس تحصیلات مرتبی نداشت. علاقه‌ی او به کارهای نظامی سبب شد از نوجوانی وارد ارتش شود. با فیلیپ دوم برای جنگ به ایتالیا رفت و دستش صدمه دید و از کار افتاد. در آن‌جا تحت تأثیر هنر و ادبیات ایتالیا قرار گرفت. به مطالعه در آن زمینه پرداخت و بر دانش و معرفت ادبی خود افزود. چند سال بعد به زندگی نظامی خود پایان داد و به مطالعه و نوشتن داستان و نمایش روی آورد. دن کیشوت شرح زندگی شوالیه‌ای به همین نام است که با تصوراتی که از دنیای گذشته‌ی پهلوانان و شوالیه‌ها دارد، به ماجراجویی‌های عجیب و خنده‌دار دست می‌زند. در این ماجراها نوکرش، سانچو پانزا نیز، همراه اوست. دن کیشوت را محمد قاضی به زبان فارسی ترجمه کرده است.

همچنین نگاه کنید به:

قاضی (محمد)



سزان، پل

(۱۹۰۶ ـ ۱۸۳۹ م.)

نقاش فرانسوی

سزان را پدر نقاشی مدرن اروپا می‌نامند. فرزند یک بانک‌دار ثروت‌مند و فرهنگ‌دوست بود. در جنوب فرانسه به‌دنیا آمد. در مدرسه، با امیل زولا، نویسنده‌ی مشهور، دوست شد. زولا سزان را به ادامه‌ی کار هنری ترغیب و او را با هنرمندان مشهور آشنا کرد. نخست در رشته‌ی حقوق درس خواند؛ ولی از ۲۲ سالگی تمام‌وقت خود را صرف نقاشی کرد. نگارخانه‌ها ابتدا آثار او را نمی‌پسندیدند؛ اما به‌تدریج به ارزش و اهمیت آن‌ها پی بردند و از نقاشی‌های او استقبال کردند. او سعی داشت با یک سلسله قوانین هندسی، طبیعت را به قالب هنر درآورد. به همین دلیل به سایر هنرمندان توصیه می‌کرد تا در طبیعت در جست‌وجوی استوانه، کره و مخروط باشند. چون عقیده داشت تمام اجسام در طبیعت از این سه شکل سرچشمه می‌گیرند. هنر سزان بر هنرمندان اروپا، از جمله پیکاسو، تأثیر بسیار گذاشت. از آثار او می‌توان **طبیعت بی‌جان با سبد میوه**، **پسری با جلیقه‌ی سرخ** و **آب‌تنی‌کنندگان** را نام برد.

همچنین نگاه کنید به:

پیکاسو

▲ سزان می‌گفت تمام اجسام در طبیعت از کره، مخروط و استوانه سرچشمه می‌گیرند.



▼ **سیب‌ها و پرتقال‌ها** (حدود ۱۸۹۷)، اثر پل سزان، رنگ روغن روی بوم

نقاشی‌های طبیعت بی‌جان سزان از مهم‌ترین و به یادماندنی‌ترین آثار او هستند که این تابلو، یکی ازمشهورترین آن‌هاست. تکه‌تکه و انتزاعی کردن شکل‌ها در این اثر، بر نقاشی‌های طبیعت بی‌جان آینده و به‌ویژه آثار کوبیستی تأثیری بسزا داشت.



سعدبن ابی وقّاص

(فوت: ۵۵ ه.ق.)

فاتح ایران در عصر ساسانیان

از اصحاب پیامبر اسلام بود. در تیراندازی مهارت داشت و در جنگ‌های زیادی پیامبر را همراهی کرد. در زمان عمر، فرمان‌دهی سپاه اسلام را در جنگ با ایرانیان در قادسیّه

به‌عهده داشت. بر رستم فرخزاد، فرمان‌ده ایرانی، پیروز شد، پایتخت ساسانیان شهر مداین یا تیسفون را فتح و پس از آن، شهر کوفه را بنا کرد و حاکم آن شد. عمربن خطاب در وصیت خود او را در شورای شش نفره برای انتخاب خلیفه‌ی سوم قرار داد و رأی او موجب خلیفه شدن عثمان شد. معاویه هنگام منصوب کردن فرزندش یزید به ولی‌عهدی خود، سعد را که ادعای خلافت داشت، مسموم کرد تا دردسرساز نشود. عمرسعد که در کربلا فرمان‌دهی سپاه کوفه را داشت و اولین تیر را به سوی امام حسین(ع) پرتاب کرد، فرزند او بود.

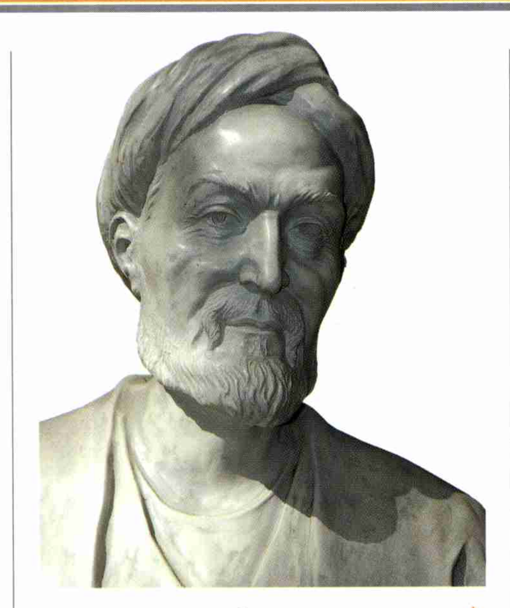
هم‌چنین نگاه کنید به:
رستم فرخزاد



سعدی

(۶۹۱ _ ۶۰۶ ه.ق.)
شاعر بزرگ زبان فارسی

مصلح‌الدین نام داشت و در شیراز به دنیا آمد. در کودکی یتیم شد. در همان شهر، مقدمات علوم را آموخت. سپس به بغداد رفت و در نظامیه‌ی آن‌جا به تحصیل خود ادامه داد و در علم و حکمت به کمال رسید. مصلح‌الدین، تخلّص **سعدی** را از پادشاه زمان خود، سعدبن ابوبکر زنگی گرفت. سعدی سال‌هایی از عمرش را به سیر و سفر در خراسان، عراق، شام، فلسطین، حجاز و شمال آفریقا گذراند و با کوله‌باری از دانش و تجربه به شیراز بازگشت و تا آخر عمر در زادگاه خود ماند. او یکی از چند شاعر بزرگ زبان فارسی است که هم در نظم و هم در نثر آثار بی‌نظیری از خود بر جای گذاشته است. سعدی پس از بازگشت به شیراز و بعد از ۵۰ سالگی، نخست کتاب **سعدی‌نامه** یا **بوستان** را سرود و سپس **گلستان** را، به نظم و نثر، تألیف کرد. گلستان، که تا چند قرن پس از او همواره کتاب درسی مکتب‌ها و مدرسه‌های ایران بود، شامل حکایت‌هایی شیرین و دل‌انگیز و درس‌هایی برای زندگی است. سعدی بیش از ۸۰ سال عمر کرد و در شیراز درگذشت. محلی که آرامگاه او در آن است سعدیّه نام دارد.



▲ سعدیا چون تو کجا نادره گفتاری هست؟
ملک‌الشعرا بهار

هم‌چنین نگاه کنید به:
حافظ ، فردوسی ، مولوی ، نظامی



سقراط

(۳۹۹ _ ۴۶۹ ق.م.)
حکیم و فیلسوف یونانی

سقراط را نخستین فیلسوف بزرگ یونان می‌دانند. او انسانی اندیش‌مند، حکیم و شریف بود؛ ولی از زیبایی چهره بهره نداشت. پابرهنه در کوچه‌های آتن راه می‌رفت و مردم را به دانایی و حکمت دعوت می‌کرد. او در عصر پریکلس، در یونان می‌زیست. روش سقراط بحث و گفت‌وگو بود. او می‌گفت همان‌طور که مادر من قابله بود، من نیز قابله‌ی فکرم و می‌کوشم از طریق بحث و گفت‌وگو، اندیشه‌های مردم را متولد کنم. هدف سقراط این بود که به مردم نشان دهد سعادت و خوش‌بختی در چیست و اخلاق کدام است. به نظر او خوشی و سعادت با لذّت و شهوت به‌دست نمی‌آید؛ بلکه از طریق جلوگیری از خواهش‌های نفسانی حاصل می‌شود. اصول اولیه‌ی سقراط برای اخلاق، فضیلت‌های پنج‌گانه‌ی **خداپرستی**، **حکمت**، **شجاعت**، **عفّت** و **عدالت** بود. سقراط با جریان شک‌گرایی سوفسطاییان مبارزه می‌کرد. با اندیشه‌های خود افکار جوانان آتن را زیر و رو می‌کرد و آن‌ها را به نقد و انتقاد از زندگی رایج وامی‌داشت از این‌رو، او را به اتهام مخالفت با خدایان یونانی و نیز گمراه کردن جوانان، دستگیر و محاکمه کردند. سقراط، که یک بار در جنگ به سبب شجاعت جایزه گرفته بود،

▼ سقراط نخستین متفکر بزرگ یونان است که هنوز اندیشه‌هایش مورد بحث اندیش‌مندان است.



شجاعانه ایستاد و در محکمه از خود دفاع کرد و با این که می‌توانست بگریزد، نگریخت. دادگاه آتن سقراط را به مرگ با خوردن شوکران (زهر) محکوم کرد. او نیز پذیرفت و در روزی که مقرر کرده بودند، در جمع شاگردان و دوستانش، جام زهر را به آرامی سرکشید و جان داد. شاگرد او، افلاطون، که در آن جمع حاضر بود، شرح این ماجرا را به زیبایی تمام در **رساله‌ی فدون** آورده است. «خود را بشناس» سخنی است که اولین بار سقراط بر زبان آورده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
افلاطون ، پریکلس



سکّاکی

(۶۲۶ ـ ۵۵۵ هـ.ق.)
ادیب و مؤلف

نامش یوسف بن ابوبکر بود و چون شغل آهنگری و قفل‌سازی داشت، به او سکّاکی می‌گفتند. داستانی به او نسبت می‌دهند که روزی قفلی زیبا ساخت و آن را به دربار حاکم وقت برد. حاکم مشغول تماشای قفل و تحسین آن بود که خبر دادند عالم شهر وارد می‌شود. حاکم به احترام آن عالم، قفل را رها کرد. در نتیجه، به هنر سکّاکی بی‌اعتنایی گردید و او آزرده‌خاطر شد. از آن پس



▲ سکّاکی، قفل‌سازی بود که خود را به مقام یک عالم برجسته رساند.

تصمیم گرفت به سوی تحصیل علم برود. با وجود این‌که ابتدا یادگیری برایش سخت بود، بر مشکلات غلبه کرد و در علوم بلاغت، منطق و صرف و نحو از چهره‌های برجسته شد. او در دربار سلطان محمد خوارزم‌شاه مورد احترام بود و بعد از آن هم در دستگاه مغولان مورد توجه قرارگرفت. کتابی به نام **مفتاح‌العلوم** از سکّاکی باقی است.



سِلسیوس، آندره

(۱۷۴۴ ـ ۱۷۰۱ م.)
اخترشناس سوئدی و مخترع دماسنج

سلسیوس، که دانش‌آموزان مدارس نام او را همراه با دماسنجی که ساخته است، می‌شنوند، نخست در دانشگاه اُپسالای سوئد ریاضی تدریس می‌کرد. سپس به سفرهای بسیار دست زد؛ با اخترشناسان ملاقات کرد و رصدخانه‌های اروپا را دید. هنگامی که به اپسالا بازگشت، به کار اخترشناسی پرداخت. کار معروف سلسیوس، اختراع **دماسنج سانتی‌گراد** یا صد قسمتی است. او دمای تعادل آب و یخ را نقطه‌ی صفر و دمای جوش آب را نقطه‌ی صد نام‌گذاری و فاصله‌ی میان صفر و صد را به صد قسمت تقسیم کرد و دماسنج جدیدی ساخت. این همان دماسنجی است که امروزه به وفور در همه‌جا یافت می‌شود و درجه‌های آن با علامت(°C) نام‌گذاری شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فارنهایت



سلطان محمد عراقی

قرن دهم هجری
نگارگر

سلطان محمد از برجسته‌ترین استادان نگارگر تاریخ ایران و از بنیان‌گذاران مکتب هنری تبریز است. معاصر شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب بود و شاه تهماسب نقاشی را نزد او فرا گرفت. سلطان محمد مردی مبتکر، خلاق و دارای تخیلی عجیب بود. می‌گویند برای امیر علی‌شیر نوایی ساعتی ساخته بود که در سر هر ساعت هیکلی از بالای آن بیرون می‌آمد و به تعداد ساعات گذشته، ضربه‌هایی می‌نواخت. او بعدها به تبریز رفت و با همکاری هنرمندانی مانند میرک و میرمصوّر، **دیوانِ امیرعلی‌شیر نوایی**، **خمسه‌ی تهماسبی** و **شاهنامه‌ی تهماسبی** را به تصویر کشید. سلطان محمد اسلوب خاصی در بازنمایی کوه‌ها و صخره‌ها به کار برده و گاه آن‌ها را به صورت آدم‌ها و حیوانات نقاشی کرده است. نمونه‌ای از این هنرآفرینی را امروز در کارهای استاد فرشچیان می‌توان دید. تابلوهای **ضیافت عید فطر**، **مستی لاهوتی و ناسوتی**، **معراج پیامبر**ﷺ، **پیرزن و سلطان سنجر** و **رستم در خواب** از آثار بازمانده از سلطان محمد است.



سلطان محمد فاتح

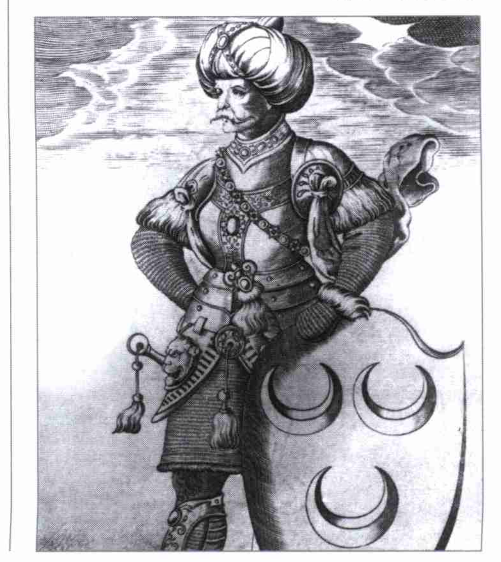
(وفات: ۱۴۸۱ م.)
سلطان عثمانی و فاتح قسطنطنیه

سلطان محمد فاتح فرزند سلطان مراد دوم، پادشاه امپراتوری عثمانی بود که شهرت تاریخی خود را به سبب فتح شهر قسطنطنیه به‌دست آورد. سلطان محمد، در زمانی که پدرش از حکومت کناره گرفت، به طور موقت بر تخت فرمان‌روایی عثمانی تکیه زد. با مرگ پدر، در نخستین قدم، فتح قسطنطنیه را در رأس کارهای خود قرار داد. قسطنطنیه که بعد از سقوط، اسلامبول(استانبول کنونی) نام گرفت، آخرین شهر امپراتوری مسیحی روم شرقی یا بیزانس بود که پس از ظهور اسلام، تا زمان سقوط، هم‌چنان یک شهر بزرگ مسیحی باقی مانده بود. به این سبب،

سقوط آن به دست عثمانیان، نقطه‌ی عطف مهمی در تاریخ امپراتوری روم و حتی در تاریخ روابط جهان اسلام با جهان غرب به حساب می‌آید. سلطان محمد فاتح، این شهر را در سال ۱۴۵۳ میلادی (۸۵۶ه.ق.)، پس از نبردی بزرگ تسخیر کرد و آن را پایتخت خود قرار داد. سپس برای تبدیل آن به یک شهر اسلامی، کوشید. او بسیاری از کلیساها را به مسجد تبدیل کرد و مساجدی نیز با سبک معماری جدید به‌وجود آورد که الگوی ساخت مساجد دیگر در سراسر فتوحات عثمانی قرار گرفت. در اسلامبول مدرسه‌ای احداث کرد تا در آن نیروهای اداری لازم برای اداره‌ی دولت تربیت شوند. پس از فتح قسطنطنیه، قلمرو امپراتوری عثمانی به یونان، صربستان، بوسنی و آلبانی نیز گسترش یافت تا این که در جنگ اول جهانی، با سیاست دولت‌های اروپایی، این امپراتوری به کلی فروپاشید. سلطان محمد، که مادری یونانی‌تبار داشت، از مسیحیان یونانی ساکن در قسطنطنیه برای صنعت، بازرگانی و دریانوردی استفاده کرد و سایر اقلیت‌های دینی را نیز در انجام‌دادن اعمال و احکام دینی خود آزاد گذاشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آلب‌ارسلان ، سینان ، قانونی (سلیمان)

فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح، سرآغاز تغییر نقشه‌ی جغرافیای شرق اروپا و جزیره‌ی بالکان بود.





سلطان محمود غزنوی، به شعر و ادب فارسی علاقه‌ی بسیار داشت و شاعران و ادیبان را می‌ستود. تصویر بالا اثر هادی تجویدی است.



سلطان محمود غزنوی

(۴۲۱ ـ ۳۷۰ ه.ق.)

پادشاه غزنوی و فاتح هندوستان

محمود، فرزند بزرگ یکی از سرداران ترک به نام سبکتگین و خود مقتدرترین پادشاه سلسله‌ی غزنویان بود. پس از شکست دادن برادرش، سلطنت را از او گرفت و به جای پدر بر تخت نشست. او یکی از کشورگشایان بزرگ در تاریخ ایران و اسلام است. نه تنها بیش‌تر ولایات ایران را تصرف کرد، بلکه ۱۲ بار به هند لشکر کشید و هر بار با غنایم بسیار بازگشت. این لشکرکشی‌ها موجب گسترش اسلام در هند و مسلمان شدن بسیاری از هندوان شد. از این رو، او را **محمود غازی**، یعنی جهادگر در راه خدا، لقب دادند. تصرف و تخریب بت‌خانه‌ی سومَنات در هند از اقدامات بزرگ محمود غزنوی است. او با این که بیش‌تر ایام سلطنت خود را در جنگ و لشکرکشی گذراند، دوست‌دار علما و دانشمندان بود و به زبان فارسی علاقه‌ی خاصی داشت. در دربار او شاعران بسیاری رفت و آمد داشتند. فردوسی نیز سُرایش شاهنامه را به نام محمود آغاز کرد و پس از پایان یافتن، به او تقدیم کرد. اما در پی بدگویی مخالفان، محمود قدر او را نشناخت و فردوسی آزرده‌خاطر شد. بیهقی، مورخ بزرگ ایرانی نیز در دستگاه

محمود و پسرش مسعود بود. محمود در پی لشکرکشی‌های بسیار، رنجور گردید و سرانجام در شهری دچار بیماری سل شد. او خود را به غزنین رساند و در پایتخت خود درگذشت. پس از او فرزندش مسعود، پادشاه شد.

همچنین نگاه کنید به:
حسنک وزیر ، فردوسی



سلمان فارسی

(وفات: ۳۳ هـ.ق.)
صحابی ایرانی پیامبر(ص)

نامش روزبه و اهل جی اصفهان بود. گویند کودکی خود را در رامهرمز گذراند و در محیط فرهنگی و علمی دانشگاه گندی‌شاپور علم آموخت. نخست به دین مسیح ایمان آورد و برای تبلیغ این دین به سفر رفت. در مسیر سفر به حجاز، تاجران یهودی او را اسیر کردند و به مدینه بردند. در مدینه پیامبر اسلام او را خرید و آزاد کرد. سلمان نیز اسلام آورد و در مسجدالنّبی، نزد اصحاب صُفّه جای گرفت. سلمان از اصحاب خاص پیامبر به‌شمار می‌رفت و دانش و حکمت او از دیگر اصحاب بیش‌تر بود. پیامبر او را **سلمان محمدی** و عضوی از خانواده‌ی خود خوانده است. او در جنگ احزاب، پیشنهاد حفر خندق در اطراف مدینه را به پیامبر داد که این کار در پیروزی مسلمانان مؤثر واقع شد. در فتح شهر مدائن (تیسفون) که بعد از رحلت پیامبر روی داد، سلمان همراه لشکر اسلام بود و مردم مدائن به دست او مسلمان شدند. چون ایرانی بود از سوی عمر، حاکم مدائن شد و سرانجام در همین شهر درگذشت و نزدیک طاق کسری به خاک سپرده شد. در کفن و دفن او حضرت علی(ع) حضور داشت. محل دفن وی در عراق، **سلمان پاک** نام دارد.

همچنین نگاه کنید به:
ابوذر غفاری ، جابربن عبدالله انصاری



سلوکوس

(فوت: ۳۱۲ ق.م.)
بنیان‌گذار سلسله‌ی سلوکیان در ایران

سلوکوس نیکاتور، یکی از سرداران اسکندر بود. اسکندر پس از بازگشت از هند، در شوش مستقر شد و دستور داد سردارانش با دختران ایرانی ازدواج کنند. در پی این دستور، سلوکوس با آپامه، دختر یکی از سرداران ایرانی، ازدواج کرد. پس از مرگ اسکندر، او که وارث شاهنشاهی پهناور هخامنشی شده بود، سواره‌نظام نجبای ایرانی را تشکیل داد و لشکرهایی که هریک ده‌ها هزار جنگجو داشت به‌وجود آورد. سلوکوس نیز مانند اسکندر، شهرهای زیادی بنا کرد و اسامی متفاوتی مانند نام پدرش، **آنتیوخوس**، نام ملکه‌اش **آپامه** و همسر یونانی‌اش، **استراتونیر**، بر آن‌ها گذاشت. آنتیوخوس همان نامی است که بعدها به انطاکیه تبدیل شد. سلوکوس شهری به نام سلوکیه نیز ساخت که بعدها تیسفون، پایتخت اشکانیان و ساسانیان با آن یکی شد. سلسله‌ی سلوکیان سرانجام، به‌دست اشکانیان منقرض گردید.

همچنین نگاه کنید به:
اسکندر مقدونی



سلیمان(ع)

(حدود: ۹۵۰ ق.م.)
پیامبر بنی‌اسرائیل

حضرت یعقوب، که نام دیگرش اسرائیل است، ۱۲ پسر داشت که در قرآن به آن‌ها و فرزندان آن‌ها اَسباط، یعنی دودمان، گفته شده است. چند تن از فرزندزادگان و نوادگان یعقوب از پیامبران بنی‌اسرائیل شدند که داوود و سلیمان و موسی، از معروف‌ترین آن‌ها هستند. سلیمان پسر داوود بود، پس از او پیامبر بنی‌اسرائیل شد و قدرت و شوکت پدر را به ارث برد. دانشمند، حکیم و دارای قدرت و ثروت بود؛ به‌طوری که ضرب‌المثل حکمت و دانایی شد. بنا به روایت قرآن کریم، سلیمان زبان پرندگان را می‌دانست، به باد فرمان می‌داد و جنّیان نیز از او اطاعت می‌کردند. پرنده‌ای به نام هُدهُد پیام‌رسان و خبرآور سلیمان بود. هدهد خبر از زنی به نام بلقیس، ملکه‌ی سرزمین سبا، آورد که بسیار زیبا و ثروت‌مند، اما مُشرک بود. سلیمان فرمان داد تا تخت بلقیس را نزد او حاضر کردند. بلقیس، که شوکت و حشمت سلیمان را دید، به خدا ایمان آورد و با سلیمان ازدواج کرد. سلیمان در اورشَلیم (بیت‌المقدس) فرمان می‌راند و معبد یهودیان را ساخت. داستان سلیمان در سوره‌ی نمل در قرآن کریم آمده است. او بدون داشتن فرزندی درگذشت.

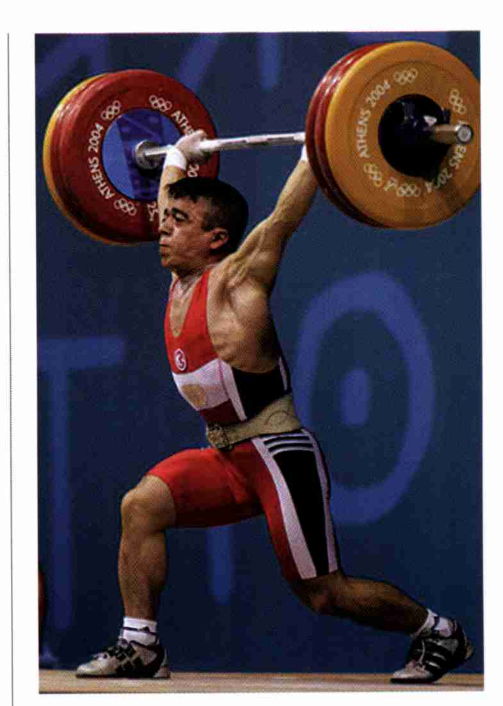
همچنین نگاه کنید به:
داوود



سلیمان اوغلو، نعیم

(تولد: ۱۹۶۷م.)
وزنه‌بردار بلغار ـ ترک

در خانواده‌ای مسلمان و ترک‌تبار در بلغارستان متولد شد. در عین کوتاه بودن قدش (۱/۴۷ متر) از قدرت بدنی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. در ۱۵ سالگی در رقابت‌های قهرمانی وزنه‌برداری جوانان جهان شرکت کرد. با آن که در سال ۱۹۸۴ به المپیک نرفت، توانست وزنه‌ای را بالا ببرد که ۳ کیلوگرم از وزنه‌ای که قهرمان المپیک بالا برد، بیش‌تر بود. در سال۱۹۸۵ دولت بلغارستان از نعیم خواست نام خود را، که نامی اسلامی ـ ترکی بود تغییر دهد؛ اما نعیم قبول نکرد. از بلغارستان گریخت



و به ترکیه رفت و دو سال بعد، تابعیت آن کشور را پذیرفت. در سال ۱۹۸۸، از ترکیه به المپیک رفت و رکوردی تازه بر جای گذاشت. نعیم مجموعاً ۷ مدال طلا و یک مدال نقره از مسابقه‌های جهانی کسب کرده است. در سال ۲۰۰۰، فدراسیون بین‌المللی وزنه‌برداری، نعیم سلیمان اوغلو را وزنه‌بردار قرن انتخاب کرد و او در همان سال، نایب رئیس فدراسیون وزنه‌برداری شد.

سلیمانی، حاج قربان

(۱۳۸۶ ـ ۱۲۹۹ه.ش.)

نوازنده‌ی دوتار

حاج قربان سلیمانی از نوازندگان محلی شمال خراسان بود و در علی‌آباد قوچان به‌دنیا آمد. پدرش، کربلایی رمضان، از دوتارنوازان مشهور آن حوالی بود و حاج قربان نزد او دوتار آموخت. او سال‌ها تار



می‌زد تا این‌که به سفر حج رفت. در بازگشت، شخصی به او توصیه کرد که چون به زیارت خانه‌ی خدا نایل شده است، صلاح نیست تار بزند. در نتیجه، حاج قربان تار را کنار گذاشت. اما بعد از انقلاب اسلامی و پس از شانزده سال، روحانی حکیم و درس‌خوانده‌ای به او توصیه کرد که بار دیگر تارنوازی‌را شروع کند. از این زمان، دوره‌ی شکوفایی مجدد حاج قربان آغاز شد. دعوت از او به کنسرت‌های موسیقی داخل و خارج، سبب شد این نوع موسیقی به جهان شناسانده شود. از افتخارات حاج قربان در خارج، کسب مقام اولی جشنواره‌ی موسیقی لیون فرانسه و نیز احراز عنوان ستاره‌ی جشنواره‌ی اوینیون در این کشور بود. در داخل نیز مقام‌های برتر جشنواره‌ی موسیقی فجر را طی چندسال به‌دست آورد و ۱۲ دوره‌ی پی‌درپی نیز داور ثابت جشنواره‌های موسیقی مقامی کشور بود. او در تولید آلبوم «شب، سکوت، کویر» با شجریان همکاری کرد. حاج قربان که نشان درجه‌ی ۲ فرهنگ و هنر را از محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری وقت دریافت کرده بود، یک سال قبل از فوت دوتارش را به پسرش، علی‌رضا سلیمانی، هدیه داد و با موسیقی وداع گفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
محمدپرست



سَمپه، ژان ژاک

(تولد: ۱۹۳۲ م.)

کاریکاتوریست

سمپه یکی از مشهورترین کاریکاتوریست‌های جهان در قرن بیستم است. در بوردو، یکی از شهرهای فرانسه، به‌دنیا آمد. طراحی کاریکاتور را از ۱۹ سالگی آغاز و با نشریه‌های فرانسوی و انگلیسی، به‌ویژه نشریه‌ی پاری‌ماچ همکاری کرد. کاریکاتورهای او











بسیار جذاب و تأثیرگذار و اغلب دل‌نشین و پراحساس است. او از پرکارترین و برجسته‌ترین کاریکاتوریست‌های جهان در قرن بیستم به‌شمار می‌رود. سمپه در دهه‌ی ۱۹۵۰ مجموعه‌ای از کاریکاتورهایش را با نام **نیکلاس کوچولو** منتشر کرد. آثار او بارها روی جلد نشریه‌های مشهور، مانند **نیویورکر**، چاپ شده است.



سَمَک عیّار

(قرن پنجم و ششم هجری)
قهرمانی در داستان‌های ایرانی

داستان سمک عیّار یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های داستان‌پردازی در ادبیات فارسی است. زبان و نوع نگارش این داستان، ساده و مانند گفتار روزمره‌ی مردم است. اصل کتاب سمک عیّار در کتاب‌خانه‌ی بادلیان آکسفورد محفوظ است و جلد اول آن نخستین بار در سال ۱۳۳۸، به همت دکتر پرویز ناتل خانلری چاپ شد. این داستان، شرح جنگ‌های شاه‌زاده‌ای ایرانی در سرزمین چین و ماچین است. این شاه‌زاده برای رسیدن به عشق خود، در جنگ‌های بی‌شمار درگیر می‌شود؛ اما هر بار به کمک مردی عیّارپیشه به نام **سمک**، از بن‌بست نجات می‌یابد. نام بیش‌تر اشخاص داستان ایرانی است و نویسنده‌ی آن فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب ارجانی نام دارد.

همچنین نگاه کنید به:
امیر ارسلان ، حسین کرد شبستری



سمیعی، مجید

(تولد: ۱۳۱۶ه.ش.)
جراح مغز و اعصاب

در شهر رشت در خانواده‌ای سرشناس و فرهنگی متولد شد. پس از دریافت دیپلم متوسطه به آلمان رفت و به تحصیل در رشته‌ی پزشکی پرداخت و سرانجام در رشته‌ی جراحی مغز و اعصاب تخصص گرفت. او در سال ۱۳۵۱ درجه‌ی استاد تمام جراحی مغز و اعصاب را دریافت کرد. پروفسور سمیعی در پی مطالعات وسیع و گسترده در زمینه‌ی ساختار مغز، توانست نخستین جراحی میکروسکوپی مغز را در سال ۱۳۵۶ انجام دهد. پس از آن عمل جراحی «قاعده‌ی جمجمه» را، که بی‌سابقه بود، ابداع کرد که مورد توجه جراحان بزرگ جهان قرار گرفت. در پی این تلاش‌های موفقیت‌آمیز، «انجمن جراحان قاعده‌ی جمجمه» را تشکیل داد که هر سال کنگره‌ی آن با حضور بیش از هزار پزشک برگزار می‌شود. در سال ۱۳۶۷ صدراعظم وقت آلمان، نشان درجه‌ی یک آلمان را به پاس خدمات پروفسور سمیعی به او اهدا کرد. سمیعی دارای ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله در زمینه‌ی جراحی مغز و اعصاب است که مرجع مهمی برای پژوهشگران این رشته به‌شمار می‌رود.

همچنین نگاه کنید به:
رضا



سمیعی گیلانی، احمد

(تولد: ۱۲۹۹ه.ش.)
نویسنده و مترجم

در رشت به‌دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. سپس برای تحصیل در رشته‌ی مهندسی، به دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران رفت؛ اما علایق ادبی و توصیه‌ی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، سبب شد به رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی روی آورد. او سال‌ها بعد با احراز رتبه‌ی اول، به رشته‌ی زبان‌شناسی وارد شد و مدرک کارشناسی ارشد گرفت. احمد سمیعی از مترجمان و پژوهشگران برجسته‌ی کشور، ویراستار تراز اول و عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. او در هر یک از این زمینه‌ها، آثار ارزش‌مندی تألیف کرده است. ترجمه‌ی رمان **سالامبو** از گوستاو فلوبر، **خیال‌پروری‌ها** اثر ژان ژاک‌روسو، **کنفوسیوس** و **مسیح** از آثار اوست. سمیعی از سال ۱۳۴۶، سرپرستی و ویرایش مجموعه‌ی **سخن پارسی** را در انتشارات جیبی به‌عهده گرفت که ۱۱ عنوان آن کتاب درسی دانشگاه شد. ویرایش مجموعه‌ی دو جلدی **از صبا تا نیما** و جلد سوم آن، **از نیما تا روزگار ما** نیز از کارهای اوست. از دیگر کارهای احمد سمیعی، که با همکاری رضا سیدحسینی و سید علی آل‌داوود انجام گرفته، انتشار مجموعه‌ی ۶ جلدی **فرهنگ آثار** (ترجمه از فرانسوی) و نیز تألیف و تدوین مجموعه‌ی ۶ جلدی دیگری به نام **فرهنگ آثار ایرانی ـ اسلامی** است.

همچنین نگاه کنید به:
آرین‌پور

سنایی غزنوی

(فوت: ۵۳۵ه.ق.)
شاعر، حکیم و عارف

در غزنین (در افغانستان امروز)، به‌دنیا آمد. به همین دلیل، به غزنوی مشهور شد. زندگی او را به دو بخش تقسیم می‌کنند: بخش اول آن به خوش‌گذرانی و زندگی مرفّه در دستگاه پادشاهان غزنوی گذشت. او در این دوره، شاهان و امیرانِ زمانش را مدح می‌گفت و شعرهای هجو و هزل نیز می‌سرود. اما بخش دوم زندگی او از زمانی آغاز شد که درپی یک دگرگونی روحی، از کارهای پیشین خود توبه کرد. از آن پس سنایی از دربار فاصله گرفت و به سفرهایی در خراسان دست زد. سپس به حج رفت و در بازگشت، به خودسازی و کسب معرفت از

محضر عالمان و عارفان زمان خود پرداخت. مولوی در مثنوی خود از سنایی و عطار نیشابوری یاد کرده و سنایی را **حکیم غیب** و **فخرالعالمین** نامیده است. سنایی دوست‌دار اهل بیت پیامبرﷺ بود و شعرهای زیبایی درباره‌ی حضرت علیؑ، فاطمهؑ، حسنؑ و حسینؑ سروده است. مشهورترین اثر او **حدیقةالحقیقه** است. کتاب‌های **کارنامه‌ی بلخ**، **دیوان قصاید و غزلیات** و **طریق‌التحقیق** نیز از اوست. آرامگاه سنایی در شهر غزنین است.

همچنین نگاه کنید به:
عطار نیشابوری ، مولوی

سندباد بحری

قهرمان داستان‌های هزار و یک شب

کلمه‌ی سندباد به معنی بادی است که از سوی رود سند بوزد. داستان سندباد از زمان ساسانیان در ایران رواج داشت. این داستان بعد از ظهور اسلام، به میان عرب‌ها رفت و سپس جزء داستان‌های کتاب هزار و یک شب قرار گرفت و به شهرت جهانی رسید. حکایت‌های سندباد بحری، یکی از مشهورترین بخش‌های کتاب هزار و یک شب است که در آن سندباد، به شرح سفرهای هفت‌گانه‌ی خود می‌پردازد و ماجراهایی عجیب و غریب و شنیدنی از سرزمین‌های دیگر نقل می‌کند.



سودانی، مهدی

(۱۸۸۵ ـ ۱۸۴۳م.)

رهبر ضد استعمار کشور سودان

نامش محمداحمد و نام پدرش عبدالله بود. ولی به مهدی سودانی معروف شد؛ زیرا به نوعی ادعای مهدویّت می‌کرد. در آن زمان، که مصادف با دوره‌ی ناصرالدین‌شاه در ایران بود، دو کشور سودان و مصر زیر سلطه‌ی استعمارگران انگلیسی بودند و مسلمانان این دو کشور، با آن‌ها مبارزه می‌کردند. مهدی سودانی، جوانی زاهد و متمایل به تصوف بود و به اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی گرایش داشت. او از خارطوم، مرکز سودان، به منطقه‌ای به نام نیل ابیض یا نیل سفید رفت و خانقاهی ساخت. سپس به ارشاد مردم و مبارزه بر ضد سلطه‌ی خارجیان مشغول شد. سودانی برای این که بتواند نهضت خود را گسترش دهد، ادعای مهدویّت کرد. نخست به پیروانش اعلام کرد که هدف ما از قیام، کمک به محرومان و مستضعفان و مبارزه با انگلستان است؛ آن‌گاه، در زمان حکومت خدیو توفیق، اعلام جهاد کرد و نهضت بزرگی در سودان به راه انداخت. او و پیروانش چند حمله‌ی مخالفان خود را دفع کردند و سرانجام به شهر خارطوم حمله‌ور شدند و آن را فتح کردند و ژنرال گوردون انگلیسی را، که حاکم سودان بود، کشتند. مهدی سودانی در همان سال، به بیماری آبله درگذشت؛ ولی قیام او به مردم شمال آفریقا آگاهی داد تا مبارزه‌ی خود را

◄ قصه‌های سندباد، از شیرین‌ترین قصه‌های هزار و یک‌شب است.

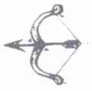


▲ سورنا یکی از سرداران لایق در تاریخ ایران قبل از اسلام است.

تا رسیدن به استقلال ادامه دهند. سودانی با بردگی به شدت مخالف و خواهان لغو تجارت برده بود. او عقیده داشت که اسلام باید به سادگی نخستین خود بازگردد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اسدآبادی ، امیر عبدالقادر ، حسن البنّا



سورِنا

(مقتول: ۵۰ ق.م.)

سردار بزرگ اشکانی

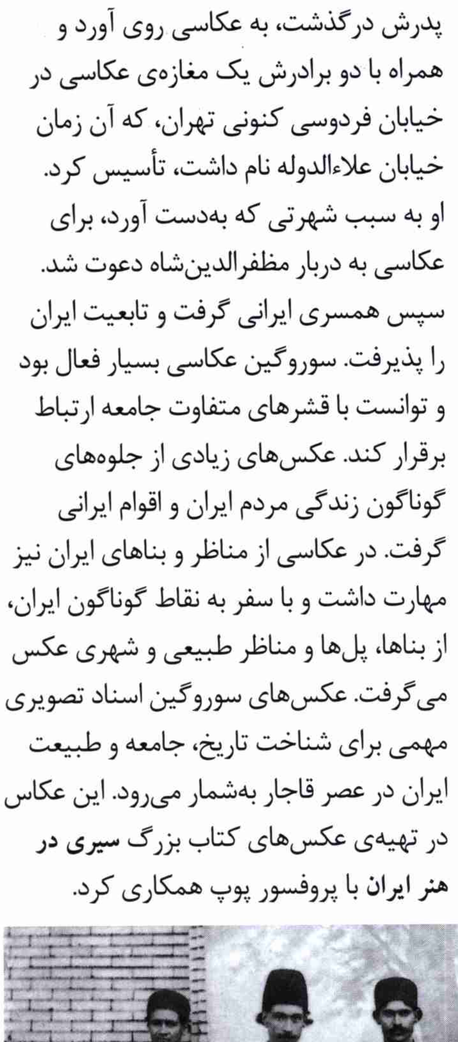
اُرُد، اشک سیزدهم و یکی از پادشاهان بزرگ پارتی یا سلسله‌ی اشکانی بود. در زمان او، کراسوس سردار رومی خواست به ایران حمله کند و تیسفون، پایتخت ایران را، بگیرد.

اُرُد سردار جوان خود، سورنا را که ۳۰ سال بیش‌تر نداشت، به فرمان‌دهی کل سپاه ایران منصوب کرد و او را به جنگ فرستاد. آتش جنگ در منطقه‌ای در شمال عراق امروزی برافروخته شد. ۴ هزار تیرانداز پارتی توانستند ۷۰ هزار رومی را به صحرای بی‌آب و علف بکشانند و آن‌ها را قلع و قمع کنند. در این جنگ، پسر شجاع کراسوس، به نام پوبلیوس کشته شد و زمانی که سر او بالای نیزه رفت، در ایرانی‌ها شور جنگ بالا گرفت. در ادامه‌ی کارزار خود کراسوس را نیز کشتند و بدین ترتیب، شکست عظیم رومیان قطعی شد.

سورنا به خردمندی و شکیبایی و دلاوری شهره بود؛ اما اُرُد خوی ستم‌گری داشت. به‌طوری که به جای آن که به سورنا پاداش دهد، مدتی بعد از پیروزی بزرگ، او را کشت. به این ترتیب، ایران از وجود یکی از سرداران لایق خود محروم شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ژولیوس سزار



سِوروگین، آنتوان

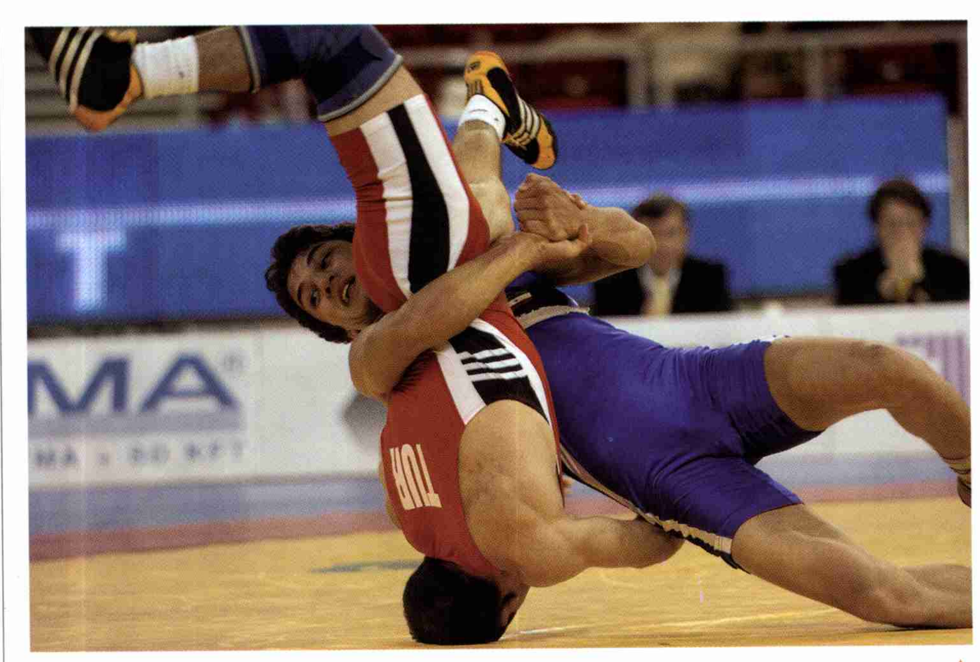
(۱۹۳۳ ـ ۱۸۳۰ م.)

عکاس

در خانواده‌ای ارمنی از گرجی‌های ساکن تهران به‌دنیا آمد. پدرش دیپلمات بود. سوروگین ابتدا نقاشی می‌کرد؛ ولی وقتی پدرش درگذشت، به عکاسی روی آورد و همراه با دو برادرش یک مغازه‌ی عکاسی در خیابان فردوسی کنونی تهران، که آن زمان خیابان علاءالدوله نام داشت، تأسیس کرد. او به سبب شهرتی که به‌دست آورد، برای عکاسی به دربار مظفرالدین‌شاه دعوت شد. سپس همسری ایرانی گرفت و تابعیت ایران را پذیرفت. سوروگین عکاسی بسیار فعال بود و توانست با قشرهای متفاوت جامعه ارتباط برقرار کند. عکس‌های زیادی از جلوه‌های گوناگون زندگی مردم ایران و اقوام ایرانی گرفت. در عکاسی از مناظر و بناهای ایران نیز مهارت داشت و با سفر به نقاط گوناگون ایران، از بناها، پل‌ها و مناظر طبیعی و شهری عکس می‌گرفت. عکس‌های سوروگین اسناد تصویری مهمی برای شناخت تاریخ، جامعه و طبیعت ایران در عصر قاجار به‌شمار می‌رود. این عکاس در تهیه‌ی عکس‌های کتاب بزرگ **سیری در هنر ایران** با پروفسور پوپ همکاری کرد.

▼ یکی از عکس‌هایی که سوروگین از چهره‌های عصر قاجار گرفته است.





▲ سوریان در چهار سال پیاپی برای ایران مدال طلا آورد.



سوریان، حمید

(تولد: ۱۳۶۴ه.ش.)

قهرمان کشتی‌فرنگی

در شهرری به‌دنیا آمد. کشتی را از سنین پایین آغاز کرد. ولی برخلاف بسیاری از مدال‌آوران این رشته، به جای فعالیت در کشتی آزاد، در کشتی فرنگی که مشکل‌تر است و با محدودیت‌هایی روبه‌روست، مشغول فعالیت شد. او به‌گونه‌ای استثنایی، به مدال‌آوران این رشته پیوست. سوریان در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ مدال طلای کشتی فرنگی را برای ایران به دست آورد که در نوع خود بی‌سابقه است. سوریان در سال ۲۰۰۹(۱۳۸۸) برای چهارمین‌بار پیاپی مدال طلای جهان را در مسابقات کشتی فرنگی جهان در شهر هرنینگ دانمارک کسب کرد.

سوفوکل

(۴۰۶ ـ ۴۹۶ ق.م.)

نمایش‌نامه‌نویس

سوفوکل در زمان پریکلس، در عصر طلایی یونان می‌زیست. در جوانی، از لحاظ سلامت بدنی و زیبایی اندام، سرآمد دیگران بود و از تعلیم و تربیت مؤثری نیز برخوردار شد. صدها نمایش‌نامه نوشت که بیش از هفت‌تای آن باقی نمانده است. شاگرد آشیل بود؛ ولی در مقایسه با آشیل، در نمایش‌نامه‌هایش برای شخصیت‌های واقعی با خصوصیات انسانی جایگاه بیش‌تری قایل بود. او سعی می‌کرد حالات درونی قهرمانان را به تماشاگر نشان دهد. از نمایش‌نامه‌های او می‌توان به **آنتیگون**، **الکترا**، **ادیپ شهریار** و **آژاکس** اشاره کرد. سوفوکل ۹۰ سال عمر کرد و روی صحنه‌ی نمایش جان داد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آشیل ، پریکلس



سوکارنو، احمد

(۱۹۷۰ ـ ۱۹۰۱ م.)

رهبر استقلال اندونزی

احمد سوکارنو در سورابابای جاوه، از جزایر اندونزی، به‌دنیا آمد. در آن زمان اندونزی مستعمره‌ی کشور هلند بود و هندِ هلند نامیده می‌شد. سوکارنو در دانشگاه باندونگ تحصیل کرد و هم‌زمان وارد مبارزات سیاسی و ضد استعماری شد. به کمک دوستش، دکتر محمد حتّا، حزب ناسیونالیست اندونزی را تأسیس کرد. او توانست با مبارزه‌ی پی‌گیر خود، در سال ۱۹۴۵ اندونزی را از چنگ استعمار هلند

▼ سوکارنو برای آزادی کشورش از استعمار هلند سال‌ها تبعید و زندانی شد.



خارج سازد و ریاست جمهوری را به‌عهده گیرد. سوکارنو، نهرو، جمال عبدالناصر و مارشال تیتو، جنبش کشورهای غیرمتعهد را بنیان نهادند تا مستقل از سیاست‌های آمریکا و شوروی، از کشورهای جهان سوم دفاع کنند. سوکارنو در سال ۱۹۶۶ در پی کودتایی خونین به فرمان‌دهی ژنرال سوهارتو، که گرایش آمریکایی داشت، از قدرت برکنار شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جمال‌عبدالنّاصر ، نهرو



سون یات‌سن

(۱۹۲۵ ـ ۱۸۶۶ م.)

نخستین رئیس‌جمهوری و پدر چین جدید

در خانواده‌ای روستایی و بودایی به‌دنیا آمد. در نوجوانی، آموزش‌های دینی مسیحی را گذراند و مسیحی شد. در دانشگاه هنگ‌کنگ به تحصیل پرداخت و دکترای پزشکی گرفت. دکتر سون‌یات‌سن مردی سیاست‌مدار و روشن‌فکر بود. با تأسیس حزب ملی‌گرای کومین‌تانگ و شعارهای **ملّیت، مردم‌سالاری** و **زندگی برای همه**، وارد مبارزه بر ضد خاندان امپراتوری مَنچو شد. او رهبری نهضتی را به دست گرفت که طرفداران بسیار پیدا کرد و در سال ۱۹۱۱ م. به سقوط خاندان منچو انجامید. به دنبال آن نظام امپراتوری ۲هزار ساله‌ی چین نیز فروپاشید و حکومت جمهوری برقرار شد. دکتر سون‌یات‌سن به مقام اولین رئیس‌جمهوری چین برگزیده شد. او در سال ۱۹۲۵ بر اثر بیماری سرطان درگذشت.



▲ سون یات سن، به عمر امپراتوری دوهزار ساله‌ی چین پایان داد و عصر جدیدی را در تاریخ این کشور بنیان نهاد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
چیان کای‌شک



سوئیفت، جاناتان

(۱۷۴۵ ـ ۱۶۶۷م.)

نویسنده‌ی انگلیسی

در دوبلین، مرکز ایرلند، به‌دنیا آمد. در رشته‌ی الهیات تحصیل کرد و کشیش شد و تا رسیدن به مقام اسقفی هم پیش رفت؛ ولی اسقف نشد. از سال ۱۷۱۳ کلیسا را ترک کرد و به نوشتن پرداخت. جاناتان سوئیفت با نوشتن **سفرنامه‌ی گالیور** شهرت یافت. این رمان طنزآمیز، که در چهار کتاب نوشته شده، انتقادی از اوضاع زمانه و زندگی خود سوئیفت است و شاهکاری انسانی به‌شمار می‌رود. سوئیفت کوشیده است از طریق آن، جلوه‌های زشت و زیبای انسان را نشان دهد. با آن‌که این کتاب مخصوص کودکان یا کتاب سرگرمی نیست، کودکان بیش از بزرگ‌ترها به آن علاقه نشان داده‌اند.

▼ اسیر شدن گالیور به دست کوتوله‌ها





سهراب

پسر رستم

شبی رستم مهمان شاه سمنگان شده بود. تهمینه، دختر شاه که رستم را دید، عاشق او شد و همان شب، آن دو به عقد یک‌دیگر درآمدند. پس از ازدواج، رستم تهمینه را در سمنگان گذاشت و به ایران بازگشت. اما هنگام خداحافظی، بازوبند پهلوانی خود را به او داد. از این ازدواج، سهراب متولد شد که چون به جوانی رسید در شجاعت و دلیری مانند خود رستم بود. تهمینه بازوبند رستم را به بازوی سهراب بست. زمانی که سهراب

به جوانی رسید، با سپاه توران به جنگ ایران آمد و با رستم، فرمانده سپاه ایران، جنگید. پدر و پسر یکدیگر را نمی‌شناختند و در جنگی تن‌به‌تن، سهراب به دست رستم کشته شد. رستم در آخرین لحظات، از روی بازوبند پهلوانی سهراب، او را شناخت و دانست که پسر خودش را کشته است. اما کار از کار گذشته بود. تراژدی یا غم‌نامه‌ی رستم و سهراب یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی و اوج حماسه‌سرایی‌های فردوسی در شاهنامه است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

رستم



سُهرَوَردی، شهاب‌الدین

(۵۸۷ ـ ۵۴۱ هـ.ق.)

فیلسوف مسلمان

یحیی‌بن‌حبش، مشهور به سهروردی و شیخ اشراق، در دهکده‌ی سهرورد، در حوالی زنجان، به‌دنیا آمد. در مراغه، حکمت و اصول فقه آموخت و به سبب تیزفهمی و درک سریع علوم اسلامی، به **شهاب‌الدین** معروف شد. سهروردی حکمت اشراق را، که حکمتی متفاوت با حکمت ارسطو بود، برگزید و آن را با اصطلاحات حکمت ایرانیان باستان و دین زردشتی، به گونه‌ی تازه‌ای عرضه کرد که درک آن برای پاره‌ای از عالمان و فقیهان اهل سنت غریب می‌نمود. از این رو، وقتی سهروردی به حلب رفت، علمای آن‌جا عقایدش را خلاف عقاید اسلامی دانستند و خودش را به کفر و الحاد متهم کردند. سپس از حاکم وقت، صلاح‌الدین ایوبی، خواستند او را به قتل برساند. صلاح‌الدین نیز برخلاف میل باطنی‌اش، دستور اعدام او را صادر کرد. به این ترتیب، سهروردی، که هنوز به ۴۰ سالگی نرسیده بود، کشته شد. به جز **حکمة‌الاشراق**، که به زبان عربی است، برخی کتاب‌های فارسی او عبارت است از: **آواز پر جبرئیل**، **لغت موران**، **صفیر سیمرغ**، **عقل سرخ** و **روزی با جماعت صوفیان**.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابن‌سینا ، صلاح‌الدین ایوبی ، ملاصدرا



سیاسی، علی‌اکبر

(۱۳۶۹ ـ ۱۲۷۳هـ.ش.)

بنیان‌گذار علم روان‌شناسی در ایران و نخستین رئیس مستقل دانشگاه تهران

اجداد سیاسی اهل یزد بودند و خودش در تهران به‌دنیا آمد. در مدرسه‌ی سیاسی درس خواند، سپس با گروه دانش‌آموزان ممتاز، از سوی دولت احمدشاه قاجار برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه اعزام شد. در دانشگاه پاریس در رشته‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی درس خواند و مدرک دکترای خود را با امتیاز بسیار خوب دریافت کرد و به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۳ علی‌اصغر حکمت، وزیر وقت معارف، سیاسی را موظف کرد به اتفاق محمدعلی فروغی، غلام‌حسین رهنما و عیسی صدیق، لایحه‌ی تأسیس دانشگاه تهران را تهیه کنند. در همان سال دانشگاه تهران، زیر نظر وزارت فرهنگ، کار خود آغاز کرد. پس از سقوط رضاشاه، سیاسی وزیر فرهنگ شد و در اولین گام، دانشگاه تهران را از وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) جدا کرد و خودش از سوی شورای دانشگاه به ریاست آن انتخاب گردید. او دانشگاه را توسعه داد و با احداث ساختمان‌های متعدد برای آن و دعوت از استادان دانشمند و برجسته، دانشگاه تهران را به دانشگاهی دارای اعتبار و شهرت جهانی تبدیل کرد. از این‌رو، باید سیاسی را مؤسس واقعی دانشگاه تهران دانست. علی‌اکبر سیاسی مردی دانشمند، منظم، دقیق و پرکار بود. ده کتاب ارزش‌مند درباره‌ی روان‌شناسی و اخلاق نوشت که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد. این امر باعث شده سیاسی را بنیان‌گذار روان‌شناسی علمی در ایران بدانند. سیاسی شرح زندگی علمی و اداری خود را با نام **گزارش یک زندگی**، در سال‌های آخر عمر منتشر کرد. پس از درگذشت او فرزندانش کتاب‌های پدر را، که بالغ بر ۴۶۰۰ جلد بود، به دانشگاه یزد، شهر آبا و اجدادی خود، اهدا کردند.



سیحون، هوشنگ

(تولد: ۱۲۹۹هـ.ش.)

معمار صاحب سبک

سیحون از معماران هنرمند و برجسته‌ی ایرانی در قرن حاضر است. معماری آثار ماندگاری چون **آرامگاه باباطاهر** و **آرامگاه بوعلی سینا** در همدان، **آرامگاه حکیم عمر خیّام** و استاد **کمال‌الملک** در نیشابور و آرامگاه **نادرشاه افشار** در مشهد از کارهای اوست. سیحون رشته‌ی معماری را در دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران خواند و تحصیل در این رشته را در دانشکده‌ی هنرهای زیبای پاریس پی گرفت. سپس چند سال به سمت دانشیار، در دانشکده‌ی



▲ سیحون آثار معماری ماندگاری از خود بر جای گذاشته است.



▲ بنای آرامگاه بوعلی سینا، اثر هوشنگ سیحون.

هنرهای زیبای دانشگاه تهران خدمت کرد و مدتی هم رئیس این دانشکده بود. او معماری آرامگاه بزرگان ایرانی را با توجه به ویژگی‌های خودشان طراحی کرده است. طرح آرامگاه خیام را بر اساس اصول ریاضی و مثلثاتی انجام داده، سنگ بنای آرامگاه نادر را از سنگِ هرکار کوه‌سنگی مشهد(که یکی از مقاوم‌ترین سنگ‌های ایران است) با توجه به صلابت و عظمت شخصیت نادرشاه انتخاب کرده است. آرامگاه بوعلی در همدان را نیز با الهام از بنای گنبد قابوس، که نمونه‌ای از معماری عصر بوعلی‌سیناست، طراحی کرده است. او اکنون دوره‌ی بازنشستگی خود را می‌گذراند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پیرنیا (کریم) ، لرزاده ، میرمیران



سیّدبن طاووس

(۶۶۴ ـ ۵۸۹ هـ.ق.)

فقیه، محدث و متکلم شیعی

نامش رضی‌الدین علی‌بن موسی و از سادات علوی عراق بود. خاندانش اغلب از علما و محدّثان بودند و شیخ توسی از نیاکان مادری او به‌شمار می‌رود. در حِلّه‌ی عراق زاده شد. پس از فراگیری مقدمات علوم، به بغداد رفت و ۱۵ سال در آن‌جا تحصیل کرد. سیدبن طاووس از نظر علمی شخصیتی بلندمرتبه بود و با ابن علقمی، از وزیران دانشمند دوره‌ی عباسی، هم‌نشینی و مصاحبت داشت. خلیفه‌ی عباسی بارها از او خواست مقام قضاوت یا وزارت را بپذیرد؛ ولی قبول نکرد. آثار گوناگونی در علوم و تاریخ و معارف اسلامی نوشت که از معروف‌ترین آن‌ها **اقبال** و **لهوف** است. لهوف در شرح وقایع کربلاست و در این زمینه، از منابع معتبر به‌شمار می‌رود. سیدبن طاووس کتاب دیگری درباره‌ی تربیت نوشته و در آن فرزند نوجوانش، محمد، را مخاطب قرار داده است. این کتاب را دکتر اسدالله مبشری با نام **فانوس** به فارسی ترجمه کرده است. سید بن طاووس در بغداد درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شیخ توسی



سیّدحسینی، رضا

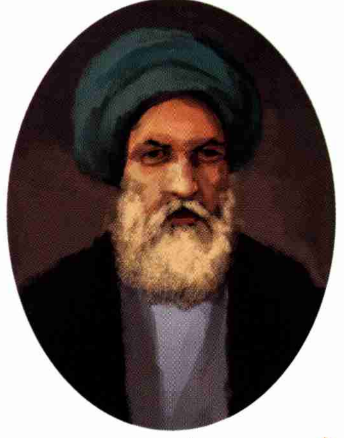
(۱۳۸۸ ـ ۱۳۰۵ هـ.ش.)

نویسنده و مترجم

در اردبیل متولد شد. بعد از گرفتن دیپلم در تهران به مدرسه عالی پست و تلگراف رفت و در رشته‌ی ارتباطات از راه دور به تحصیل ادامه داد. سپس کارمند وزارت پست و تلگراف و تلفن شد. سیدحسینی از نوجوانی به خواندن و ترجمه در زمینه‌ی ادبیات علاقه داشت. در ۱۶ سالگی کار ترجمه از ترکی استانبولی را آغاز و در ۲۱ سالگی، اولین ترجمه‌ی خود را از زبان فرانسوی منتشر کرد. با عبدالله توکل، پژمان بختیاری و پرویز ناتل خانلری همکار بود و چند دوره سردبیری مجله‌ی سخن را به‌عهده داشت و هم‌زمان، در اداره‌ی پست و مخابرات و تلویزیون سابق کار می‌کرد. او آثاری از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان مانند آندره مالرو، آلبر کامو، یاشار کمال، ناظم حکمت، ژان پل سارتر، آندره ژید، توماس مان، ماکسیم گورگی، بالزاک، جک لندن، چارلی چاپلین و... ترجمه کرد. اثر تألیفی معروف او کتاب **مکتب‌های ادبی** است که یک کتاب مرجع به‌شمار می‌رود و خوانندگان بسیار دارد. اما بزرگ‌ترین اثرش، که در دو دهه‌ی آخر عمر به انجام رساند، مجموعه‌ی ۶ جلدی **فرهنگ آثار جهان** است که به سرپرستی او و با همکاری اسماعیل سعادت، ابوالحسن نجفی و احمد سمیعی پایان گرفت. او در یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۸ در اثر بیماری ذات‌الریه در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سمیعی گیلانی ، قاضی (محمد)



▲ سیدرضی با تألیف کتاب «نهج‌البلاغه» سرچشمه‌ی تازه‌ای از حکمت و معارف الهی را به روی جهان اسلام گشود.



سیّدِ رضی

(۴۰۶ ـ ۳۵۹ هـ.ق.)

گردآورنده‌ی نهج‌البلاغه

نامش ابوالحسن محمد، معروف به سیدرضی و شریف رضی، شاعر و ادیبی برجسته و از علمای بزرگ شیعه در عصر آل‌بویه بود. از سادات علوی به‌شمار می‌رفت و پدرش، معروف به طاهر ذوالمناقب، مورد احترام بنی‌عباس و آل‌بویه بود و سال‌ها سرپرستی

طالبیان یا آل ابوطالب را به‌عهده داشت.
سیدرضی عالم، فاضل و شاعر بود و در ۲۱ سالگی، مقام پدرش به او واگذار شد. از ۱۰ سالگی شعر می‌سرود. حافظ قرآن‌کریم و فردی بلندهمت بود. از هیچ‌کس صله و هدیه نمی‌پذیرفت. او و برادرش سیدِمرتضی، در کودکی از شاگردان شیخ مفید بودند.
ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه آورده است که شبی شیخ مفید خواب دید در مسجد خود در بغداد نشسته است. ناگاه حضرت فاطمه زهرا(س) با حسن(ع) و حسین(ع) وارد شد و به شیخ گفت: «به این دو فرزند من فقه بیاموز.» شیخ مفید از خواب بیدار شد و از این خواب در شگفتی بود. تا این که صبح روز بعد، فاطمه بنت‌الحسین با دو فرزندش، محمدِ رضی و علی مرتضی، به مسجد آمد و گفت: «ای شیخ، این دو فرزند را نزد تو آورده‌ام تا به آن‌ها فقه بیاموزی.» شیخ به گریه افتاد و خواب خود را برای فاطمه نقل کرد و فرزندان او را پذیرفت. آنچه موجب اشتهار و اعتبار سیدرضی شده، گردآوری خطبه‌ها، نامه‌ها و گفته‌های کوتاه حضرت علی(ع) است که در کتاب‌ها پراکنده بود. او آن‌ها را جمع‌آوری و مرتب کرد و نام آن را **نهج‌البلاغه** گذاشت. سیدرضی با این کار، یکی از سرچشمه‌های بسیار مهم علوم و حکمت اسلامی را در اختیار مسلمانان قرار داد. دیوان شعری نیز از او باقی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شیخ مفید



سیدعباسی، شمس‌الدین

(۱۳۸۳ ـ ۱۳۲۳ه.ش.)
قهرمان کشتی آزاد

در تهران به‌دنیا آمد. از ۱۵ سالگی در باشگاه مهمات‌سازی شمیران کشتی را آغاز کرد و یک سال بعد، عضو تیم تاج تهران (استقلال) شد. شگرد سیدعباسی در کشتی، استفاده از فن فتیله‌پیچ‌کردن بود. او با همین فن توانست آیدین ابراهیم‌اُف، قهرمان ۵۷ کیلوی جهان در سال ۱۹۶۳ را در جریان دیدارهای دوستانه‌ی ایران و شوروی ضربه‌ی فنی کند. این پیروزی سبب شهرت سیدعباسی شد و روزبه‌روز بر موفقیت‌هایش افزوده گشت. او در دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی، از چهره‌های شاخص کشتی ایران در وزن‌های ۵۷ و ۶۳ کیلوگرم و ۶ سال عضو ثابت تیم ملی بود. در بازی‌های المپیک مکزیکوسیتی (۱۹۶۸)، مدال برنز گرفت. در مسابقه‌های جهانی ۱۹۶۹، مدال نقره را صاحب شد و یک سال بعد در مسابقه‌های جهانی ادمونتون، قهرمان جهان شد و به مدال طلا دست یافت. در بازی‌های آسیایی بانکوک (۱۹۷۰) نیز، با غلبه بر کیوشی آبه از ژاپن، در وزن ۶۲ کیلوگرم به مدال طلا رسید و در دهه‌ی ۱۹۹۰ در مسابقه‌های جهانی پیش‌کسوتان چند مدال طلای دیگر به‌دست آورد.
سیدعباسی در ۶۰ سالگی درگذشت.



سیزیف

پهلوان اساطیری یونانی

در اساطیر یونان، سیزیف یکی از پهلوانان است. او، که بسیار زیرک بود، به آلوپوس، خدای رودها، خبر داد که زئوس ـ خدای خدایان ـ دخترش را ربوده است. زئوس از این ماجرا خبر یافت و بر سیزیف خشم گرفت و به عقوبت این کار، او را محکوم کرد که تخته سنگ عظیمی را از پای کوه به قله ببرد و آن‌گاه آن را پایین بیندازد و باز این کار را از سر گیرد و برای ابد ادامه دهد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اطلس ، پرومته ، سیزیف

سیستانی، سیدعلی

(تولد: ۱۳۰۹ ه.ش.)
مرجع تقلید شیعه

خانواده‌اش از سادات حسینی‌اند.
جدّ اعلای آن‌ها در عصر صفویه، در اصفهان می‌زیست. زمانی‌که به منصب شیخ‌الاسلامیِ ولایت سیستان منصوب شد، به آن‌جا مهاجرت کرد و از آن پس به سیستانی معروف گردید. آیت‌الله سیستانی در مشهد به‌دنیا آمد. تا ۲۲ سالگی در ایران بود و سپس به نجف رفت. در ایران در شهرهای مشهد و قم نزد استادانی مانند محمدتقی ادیب نیشابوری، شیخ هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی، میرزا مهدی اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و آیت‌الله بروجردی درس خواند. در نجف نیز از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی و آقابزرگ تهرانی بهره‌ی بسیار برد. آیت‌الله سیستانی را در نبوغ علمی و روشن‌بینی فقهی، تنها با آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، که اعجوبه‌ای در علم و دانایی بود، مقایسه کرده‌اند. سیستانی یکی از دو نفری است که آیت‌الله خویی به آن‌ها گواهی مکتوب در علم رجال و حدیث داده است؛ نفر دیگر آیت‌الله شیخ علی فلسفی از علمای مشهد است. آیت‌الله سیستانی را یکی از عالم‌ترین علمای شیعه به مباحث اقتصادی و سیاسی می‌دانند. تدبیر و روشن‌بینی آیت‌الله سیستانی در سال‌های اشغال عراق از سوی آمریکا و سقوط حزب بعث، هنگامی آشکار شد که توانست از فروافتادن عراق در جنگ‌های قومی و فرقه‌ای جلوگیری کند. او مقلّدانی در ایران، عراق، حوزه‌ی خلیج فارس و هند و پاکستان دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آشتیانی (میرزامهدی) ، خویی



سیکورْسکی، ایگور

(۱۹۷۲ ـ ۱۸۸۹ م.)

مخترع بال‌گرد

در شهر کی‌یِف، مرکز اوکراین که آن زمان بخشی از روسیه‌ی تزاری بود، به‌دنیا آمد. او، که از کودکی به پرواز علاقه‌مند بود، در ۱۰ سالگی مدلی از هلی‌کوپتر یا بال‌گرد ساخت که با نیروی کش به پرواز درمی‌آمد. ۴۰ سال بعد نیز اولین بال‌گرد واقعی را ساخت. سیکورسکی، که مهندس بود، به پاریس رفت و با **ویلبر رایت**، یکی از دو برادر مخترع هواپیما، دیدار کرد. زمانی که به کی‌یف برگشت، بیش از پیش برای ساختن بال‌گرد مصمّم شد. اما پیش از آن، یک هواپیمای مسافری چهارموتوره ساخت و خودش آن را به پرواز درآورد. بعد به آمریکا مهاجرت کرد تا بتواند دور از فضای جنگ اول جهانی، که اروپا را فراگرفته بود، فعالیت کند. سیکورسکی در آن‌جا با عده‌ای، شرکتی تأسیس کرد و در آن قایق پرنده‌ای ساخت که یک مدل از آن می‌توانست فاصله‌ی بین آمریکا و اروپا را روی اقیانوس اطلس طی کند. سرانجام، در سال ۱۹۳۹ موفق شد دستگاه پرنده‌ای بسازد که به طوری عمودی، از روی زمین به پرواز درآید. این دستگاه همان بال‌گرد بود که از کودکی آرزوی اختراع آن را داشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

رایت ، توپولف



سینان

(۱۵۸۸ـ۱۴۸۹ م.)

پدر معماری عثمانی

سینان‌الدین یوسف، معروف به معمار سینان، کسی است که معماری عثمانی از زمان فتح قسطنطنیه به بعد، وام‌دار اوست. در زمان سلطان محمد فاتح زندگی می‌کرد. بیش از ۳۰۰ بنا، اعم از مسجد، مقبره، قصر و عمارت دولتی، بنا کرد. هنگامی که شهر قسطنطنیه فتح شد، سینان از سوی سلطان محمد فاتح مأمور شد مساجدی در شهر بنا کند. برای این کار، از ساختمان ایاصوفیه، که کلیسایی با قدمت هزار سال بود، الهام گرفت و مساجدی با زیربنای مربع کامل، دارای یک گنبد بزرگ و چند گنبد کوچک طراحی کرد که مناره‌هایی در اطراف داشت. سینان این طرح را در حکم نقشه‌ی ساختِ مساجد عثمانی از خود به یادگار گذاشت.

از نمونه‌های عالی آثار بازمانده از سینان در استانبول، **مسجد فاتح** است که به دستور سلطان محمد بر خرابه‌های کلیسای حواریون ساخت. مجموعه‌ی **مسجد سلیمانیّه** را نیز به دستور سلطان سلیمان قانونی بنا کرد که از جاذبه‌های دینی و گردش‌گری استانبول به شمار می‌رود. مقبره‌ی سلطان سلیمان و خود سینان در داخل شبستان مسجد واقع شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سلطان محمد فاتح ، قانونی (سلیمان)

▼ این تصویر نمونه‌ای از مسجدهایی را نشان می‌دهد که سینان طراحی کرد.




سینکلر، کلیف

(تولد: ۱۹۴۰م.)

مخترع انگلیسی رایانه‌ی خانگی (PC)

سینکلر از نوجوانی به ساخت وسایل الکترونیک مینیاتوری علاقه‌ی زیادی داشت. پدر و پدربزرگش، مهندس بودند و خودش نیز در ریاضیات دانش‌آموزی برجسته بود. پس از دوره‌ی دبیرستان به دانشگاه نرفت؛ بلکه به مهندسی و کار علمی در زمینه‌ی طراحی مدارها و کیت‌های الکترونیک پرداخت و مجله‌ای نیز در این زمینه منتشر کرد. سینکلر در سال ۱۹۸۰، کوچک‌ترین و ارزان‌ترین رایانه را به نام ZX۸۰ در نمایشگاهی عرضه کرد که مورد استقبال بسیار قرار گرفت. این اختراع تحول شگرفی در صنعت رایانه در سراسر جهان به‌وجود آورد و این وسیله را به خانه‌های مردم برد. سینکلر قبل از این اختراع، در ۳۱ سالگی رادیوی ترانزیستوری را هم اختراع کرده بود. آخرین اختراع او دوچرخه‌ای است که قابلیت تا شدن و حمل دستی دارد و وزن آن ۵/۵ کیلوگرم است.



شاپور اول

(فوت:۲۷۲ م.)

دومین پادشاه ساسانی

فرزند اردشیر بابکان بود و پس از پدرش به پادشاهی رسید. مملکتی که او از پدر به ارث برد، تشکیلات منظمی داشت و با مشکل خاصی روبه‌رو نبود. بنابراین، شاپور فرصت یافت به لشکرکشی بپردازد. نخست به شرق لشکر کشید و به سوی مرزهای هند رفت و پیشاور، پایتخت شاهان کوشانی، را اشغال کرد. آن‌گاه از کوه‌های عظیم و سر به فلک کشیده‌ی جنوب افغانستان امروز و تنگه‌ی خیبر گذشت و بلخ را هم در شمال افغانستان، تسخیر کرد و سلسله‌ی کوشانی را برانداخت. سپس دستور داد شرح این پیروزی‌ها را در نقش‌رستم فارس، روی کوه حک کنند. آن‌گاه به طرف غرب ایران لشکر کشید. ابتدا ارمنستان را گرفت و پسرش مهران را بر آن گماشت. سپس تا سوریه پیش رفت و به ساحل دریای مدیترانه رسید. در این وقت، امپراتور روم کشته شد و جانشین او، با شاپور صلح کرد. اما پیروزی بزرگ‌تر شاپور ۱۵ سال بعد اتفاق افتاد که بار دیگر با رومیان جنگید و امپراتور والریانوس را با ۷۰ هزار سرباز اسیر کرد و به ایران آورد. این اسیران اردوگاه‌هایی ساختند و در آن‌ها ساکن شدند؛ سپس به عنوان معمار، مهندس و بنّا، به ساختن پل‌ها، سدها و راه‌ها در ایران پرداختند و خوزستان و فارس را آباد کردند. بند یا سدّ شادُروان در شوشتر و پل دزفول، از بناهایی است که رومیان ساخته‌اند. شاپور برای ثبت این پیروزی بزرگ، دستور داد نقش امپراتور روم را، که در برابر اسب او زانو زده است، در پنج نقطه‌ی فارس روی صخره‌ها و پرتگاه‌ها حجّاری کنند. علاوه بر این، مجسمه‌ای به ارتفاع زیاد از او ساختند که هنوز در **غار شاپور** کازرون، در ارتفاعات تنگ چوگان باقی است. شاپور مردی دانش‌پرور بود. به همین سبب، فرمان داد آثار و نوشته‌های یونانی و هندی را در زمینه‌هایی مانند طب و نجوم و فلسفه، به زبان پهلوی ترجمه کنند. به‌علاوه، از مانی، که مذهب جدیدی آورده بود، حمایت کرد. اما دین زردشتی خود را بر دین او ترجیح داد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اردشیر بابکان ، مانی

شاردَن، ژان

(۱۷۱۳ ـ ۱۶۴۳ م.)

جهان‌گرد و بازرگان فرانسوی در عهد صفوی

در پاریس به‌دنیا آمد. در مسیر سفر خود به هند، از ایران عبور کرد و در بازگشت، ۶ سال در ایران ماند. زبان فارسی آموخت و با اوضاع ایران آشنا و به آن علاقه‌مند



والریانوس امپراتور روم در برابر شاپور اول زانو زده است.

شد. او نقاشی را همراه خود آورده بود که طرح‌ها و تصاویری از ساختمان‌ها، بازارها، لباس مردم و... تهیه کند. شاردن سفر دیگری هم به ایران کرد که ۴ سال طول کشید. سرانجام، با ثروت هنگفتی از ایران رفت و در انگلستان ساکن شد. در آن‌جا سفرنامه‌ی مشهور خود، **سفر به ایران و هند شرقی** را نوشت که در هلند چاپ شد. شاردن در انگلستان از طرف پادشاه لقب سِر گرفت و شوالیه شد. سفرنامه‌ی شاردن به فارسی ترجمه شده است.

شارلْمانی

(۸۱۴ _ ۷۴۸م.)

بنیان‌گذار «امپراتوری مقدس روم»

او فرزند پِپین، امپراتور فرانک‌ها، بود. فرانک‌ها اقوامی بودند که کشور فرانسه را به‌وجود آوردند. وقتی شارلمانی جانشین پدر شد، به سراسر اروپا لشکر کشید و قلمرو خود را گسترش داد. او به درخواست پاپ لئوی سوم، در سال ۸۰۰ م.، ایتالیا را نیز تصرف کرد و تاج امپراتوری مقدس روم را بر سر گذاشت. شارلمانی اروپا را متحد و دین مسیح را بیش از پیش تبلیغ کرد. مردی فرهنگ‌دوست و پای‌بند به دین مسیح بود. شهر آخِن در آلمان امروز را، که زادگاه و پایتخت او بود، به شهری آباد تبدیل کرد و با دعوت از معماران و هنرمندان، بناهای با شکوهی در آن ساخت. با وجود این، مردی جبّار بود و یک بار فرمان داد ۴۵۰۰ اسیر را یک‌جا سر ببرند. او معاصر هارون‌الرشید خلیفه‌ی عباسی بود و بین آن دو سفیرانی نیز مبادله شد. اروپاییان، شارلمانی را از افتخارات بزرگ تاریخ خود می‌دانند.

▼ شارلمانی یکی از افتخارات بزرگ تاریخ مردم اروپا به شمار می‌رود.



هم‌چنین نگاه کنید به:

هارون‌الرشید



شافعی، محمدبن ادریس

(۲۰۴ _ ۱۵۰ ه.ق.)

فقیه و پیشوای مذهب شافعی

شافعی در همان روزی که ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، فوت شد، در شهر غزه در فلسطین چشم به جهان گشود. در کودکی یتیم شد. همراه مادرش به مکه رفت و در آن‌جا با زبان عربی فصیح آشنا شد و به آموختن فقه پرداخت. چندی در مدینه نزد مالک‌بن انس (پیشوای مذهب مالکی) کسب علم کرد و پس از فوت مالک، به یمن رفت. در آن‌جا به اتهام دوستی و ارتباط با شیعیان دستگیر شد. ولی هارون‌الرشید او را عفو و آزاد کرد. شافعی پس از آزادی به بغداد سفر کرد و در سال ۱۹۸ ق.، در حالی که استاد فقه و حدیث شده بود، به مصر رفت و در شهر فسطاط درگذشت. شافعی یکی از پیشوایان چهارگانه‌ی اهل سنت است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابوحنیفه ، احمدبن حنبل ، مالک‌بن انس



شاملو، احمد

(۱۳۷۹ _ ۱۳۰۴ه.ش.)

شاعر و پژوهشگر فرهنگ مردم

در تهران متولد شد. تحصیلات منظمی نداشت و مدرک مشخصی نگرفت؛ اما اهل مطالعه بود و به شعر و ادب و به‌ویژه ادبیات خارجی علاقه‌ی بسیار داشت. شاملو توانست با تلاش و پشت‌کار، در چند زمینه سرآمد شود. پس از آشنایی با نیما یوشیج، از رهروان او شد و به شاعران نوپرداز پیوست؛ ولی خودش نیز **شعر سپید** را بنیان نهاد که از قواعد شعر نیمایی تبعیت نمی‌کند و بی‌وزن است. دو منظومه‌ی زیبا و بلند او به نام‌های **پریا** و **دختران ننه‌دریا**، که وزن دارند و آهنگین‌اند، باعث معرفی بیش‌تر شاملو به علاقه‌مندان، به‌ویژه جوانان، شد. مجموعه‌های **هوای تازه**، **آیدا در آینه** و **باغ آینه** از نخستین مجموعه شعرهای اوست. ترجمه نیز می‌کرد و رمان‌های **پابرهنه‌ها**، **مرگ کسب و کار من است** و **دُنِ آرام** را به فارسی برگرداند. او روزنامه‌نگاری را نیز تجربه کرد و چند سال سردبیر **مجله‌ی خوشه** و **کتاب هفته** و **کتاب جمعه** بود. کار تحقیقی شاملو مجموعه‌ی مفصل **کتاب کوچه** است که تاکنون بیش از ده جلد آن منتشر شده است. **مدایح بی‌صله**، **از مهتابی به کوچه** و

ابراهیم در آتش از دیگر آثار اوست. شاملو در تهران درگذشت و در امامزاده طاهر کرج به‌خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:
اخوان ثالث ، نیما یوشیج



شاه‌آبادی، محمدعلی

(۱۳۲۸ ـ ۱۲۵۴ هـ.ش.)
استاد عرفان امام‌خمینی

در اصفهان، در خانواده‌ای روحانی به‌دنیا آمد. نزد پدر و برادر بزرگ‌تر خود و دیگر عالمان شهر درس خواند. سپس به تهران رفت و در محله‌ی شاه‌آباد اقامت کرد. از این‌رو، به شاه‌آبادی شهرت یافت. آیت‌الله شاه‌آبادی در نجف نیز نزد آخوند خراسانی و میرزا محمدتقی شیرازی، مجاهد ضد انگلیسی، درس خواند. او در عرفان مقام بلندی داشت و امام‌خمینی در عرفان از شاگردان خاصّ او بود. در زمینه‌ی رابطه‌ی عرفانی این استاد و شاگرد، شیخ نصرالله شاه‌آبادی، یکی از فرزندان آیت‌الله شاه‌آبادی، سخنان شگفت‌انگیزی در خاطرات خود نقل کرده است. امام‌خمینی نیز همواره از استاد خود به نیکی و با احترام ویژه یاد می‌کرد. آیت‌الله شاه‌آبادی در مسجد جامع چهل‌ستون در بازار تهران تدریس و اقامه‌ی جماعت می‌کرد و در همین شهر از دنیا رفت. مزار او در حرم حضرت عبدالعظیم در نزدیکی مزار شیخ ابوالفتوح رازی است.

همچنین نگاه کنید به:
خمینی (سید روح‌الله)



شاه اسماعیل

(۹۳۰ ـ ۸۹۲ هـ.ق.)
بنیان‌گذار سلسله‌ی صفویه

اسماعیل، از نوادگان صفی‌الدین اردبیلی و فرزند شیخ حیدر بود. یک سال داشت که پدرش در جنگ‌های محلی کشته شد. مخالفان، او و برادر بزرگش، سلطان‌علی، را همراه مادرشان به اصطخر در فارس فرستادند تا در آینده، از قدرت دور باشند. اما مریدان خانوادگی و طرفداران بسیار این خاندان، آماده بودند در زمان مناسب قیام کنند. اسماعیل در ۱۴ سالگی به آذربایجان برگشت و با گردآوری مریدان بسیار، که شامل قزلباش‌ها و شیعیانِ از جان‌گذشته بود، به مبارزه با دشمنان محلی پرداخت. ابتدا ۹ قبیله‌ی ترک با او همراه شدند و چون بر قدرتش افزوده شد، شیعیان ترکیه و سوریه نیز به او پیوستند. شاه اسماعیل در تبریز تاج‌گذاری کرد و خود را شاه ایران خواند. او مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام کرد که از پی‌آمدهای آن برای او، جنگ چالدران بود. در جنگ چالدران، ایرانیان در اثر قدرت توپ‌خانه‌ی دشمن، از عثمانی‌ها شکست خوردند و شهر تبریز سقوط کرد که بعدها شاه عباس آن را پس گرفت. شاه اسماعیل از پادشاهان بزرگ ایران است. او برای نخستین بار پس از مغول‌ها، سراسر ایران را زیر حکومت واحدی درآورد و برای توسعه‌ی کشور و جلوگیری از ظلم کوشید. او به تشیّع، عقیده‌ی قلبی داشت. طرفداران شاه اسماعیل او را **مرشد کامل** می‌دانستند و حتی



▲ طرفداران شاه اسماعیل او را مرشد کامل می‌دانستند.

درباره‌ی مقامات معنوی او زیاده‌روی می‌کردند. شاه اسماعیل به بیماری حصبه درگذشت. مقبره‌ی او، پدر و مادرش، در اردبیل در کنار مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین واقع شده است.

همچنین نگاه کنید به:
شاه‌عباس ، صفی‌الدین اردبیلی



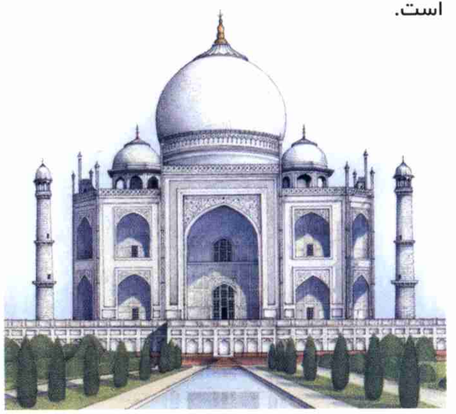
شاه‌جهان

(۱۶۶۶ ـ ۱۵۹۱م.)
پادشاه گورکانی هند

نوادگان تیمور لنگ، در هند یک سلسله‌ی پادشاهی تشکیل دادند که به **گورکانیان هند** شهرت یافت. شاه‌جهان فرزند جهانگیر، نهمین پادشاه این سلسله بود و در لاهور، که امروز در پاکستان قرار دارد، به‌دنیا آمد. پادشاهی شاه‌جهان با پادشاهی شاه‌عباس صفوی در ایران هم‌زمان بود. او بنای بی‌نظیر و باعظمت **تاج‌محل** را در دهلی، به یاد همسرش ممتازمحل ساخت. ساختِ **تخت طاووس** با جواهرات گران‌بها نیز از کارهای اوست که نادرشاه افشار آن را به ایران آورد؛ ولی امروز اثری از آن نیست. شاه جهان در اواخر سلطنت خود دچار غرور و خودخواهی شد و با کشتن رهبر یکی از فرقه‌های هندی، موجب آشوب شد. سرانجام پسرش، اورنگ‌زیب، او را به زندان انداخت و خود پادشاه هند شد.

همچنین نگاه کنید به:
داراشکوه

▼ بنای تاج‌محل، که به دست یک معمار شیرازی ساخته شده، از باشکوه‌ترین بناهای اسلامی در هند است.





شاه‌عباس

(فوت: ۱۰۳۸ ه.ق.)
بزرگ‌ترین پادشاه صفوی

شاه‌عباس فرزند محمد خدابنده و نوه‌ی شاه تهماسب بود. ۱۸ سال بیش‌تر نداشت که پدرش، خدابنده، از سلطنت کناره‌گیری کرد و عباس در قزوین به تخت نشست. او بعداً، اصفهان را پایتخت خود قرار داد. شاه‌عباس از پادشاهان کم‌نظیر تاریخ ایران بعد از اسلام است که هم در کشورگشایی و هم در آبادانی ایران، کارهای چشمگیری انجام داده است. او ازبکان را در شمال خراسان سرکوب کرد؛ عثمانیان را از آذربایجان بیرون راند و تبریز را از اشغال آنان درآورد؛ پرتغالی‌ها را هم از جزایر خلیج فارس اخراج کرد. در سراسر کشور امنیت برقرار ساخت و به عمران و آبادانی پرداخت. اصفهان در زمان او به شهری افسانه‌ای تبدیل شد. علما و فقها و دانشمندان و هنرمندان و معماران در آن ساکن شدند. جهان‌گردان و بازرگانان بسیاری در آن رفت و آمد می‌کردند و بناهای با شکوه بسیاری در آن ساخته شد. شهرهای دیگر ایران مانند شیراز، کرمان، تبریز و اردبیل هم در زمان او آباد شدند. شاه‌عباس با کشورهای اروپایی نیز روابط حسنه برقرار کرد و از صنایع نظامی آنان بهره گرفت. او در عین حال، مردی بی‌رحم و خون‌ریز بود؛ مردم گرجستان را قتل‌عام کرد؛ به‌طوری که گرجی‌ها از شنیدن نامش وحشت داشتند. دستور داد پسر لایق و جوان خودش، صفی‌میرزا را در بهشهر، در حالی که از حمام خارج می‌شد، کشتند، و بعد که از کرده‌ی خود پشیمان شد به قاتل صفی‌میرزا دستور داد به دست خودش فرزندش را بکشد. دو فرزند دیگرش را نیز کور کرد و در نتیجه، جانشین لایقی



برای او باقی نماند. از این‌رو، وقتی مُرد، نوه‌اش، سام‌میرزا را به نام شاه‌صفی، به سلطنت نشاندند که جوانی ۱۷ ساله، نادان و خون‌ریز بود و موجب انحطاط دولت صفویه گردید. شاه‌عباس در بهشهر مرد و در کاشان به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شاه اسماعیل



شجاعی، سیدمهدی

(تولد: ۱۳۳۹ه.ش.)
نویسنده

در تهران به‌دنیا آمد. پس از دریافت دیپلم ریاضی، به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی ادبیات نمایشی به تحصیل پرداخت. چون ذوق ادبی و هنری داشت به نوشتن داستان و رمان پرداخت. از سال‌های نخست انقلاب، آثار او در مطبوعات چاپ می‌شد و خودش ۸ سال مسئول صفحات فرهنگی و هنری روزنامه‌ی جمهوری اسلامی بود و سردبیری ماه‌نامه‌ی **صحیفه** را نیز به‌عهده داشت. تاکنون بیش از صد کتاب منتشر کرده است. **کشتی پهلوگرفته؛ پدر، عشق، پسر؛ آفتاب در حجاب؛ دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز؛ سانتاماریا؛ غیرقابل چاپ** و **طوفان دیگری در راه است** از آثار اوست. فیلم‌نامه‌های **بدوک، دیروز بارانی، پدر، چشم خفاش** و **مسافر کربلا** نیز از کارهای شجاعی است.



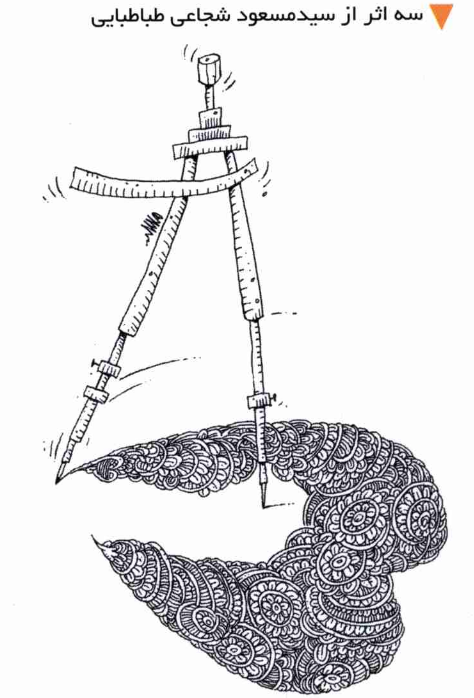
شجاعی طباطبایی، سیدمسعود

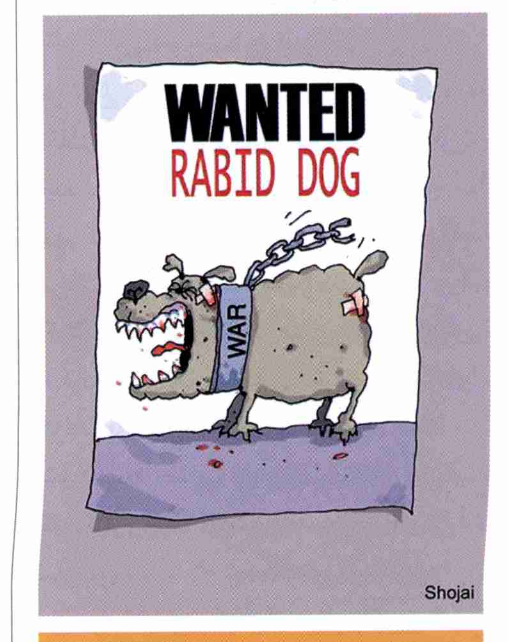
(تولد: ۱۳۴۲ه.ش.)
نقاش و کاریکاتوریست

در تهران به‌دنیا آمد. از کودکی استعداد نقاشی داشت و نخستین کاریکاتورها را از چهره‌ی دبیران خود کشید. او، که دارای مدرک کارشناسی ارشد گرافیک از دانشگاه تربیت مدرس است، فعالیت‌های هنری گوناگونی را در حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سپاه پاسداران و واحدهای فرهنگی دوره‌ی جنگ تجربه کرده است. شجاعی طباطبایی بنیان‌گذار **خانه‌ی کاریکاتور ایران** است و با همکاری حسین نیرومند، نمایشگاه دوسالانه‌ی کاریکاتور ایران را راه‌اندازی کرده است. او تاکنون ۹ جایزه‌ی جهانی کسب کرده و در بیش از ۹ جشنواره‌ی بین‌المللی کاریکاتور در مقام داور حضور داشته است. شجاعی طباطبایی مدیر مسئول **کیهان کاریکاتور**، سردبیر **ایران‌کارتون** و مسئول گروه کاریکاتور حوزه‌ی هنری است. از کتاب‌های او باید به **آموزش گام‌به‌گام روشن‌فکری، توصیه به سربازان آمریکایی** و **مجموعه کاریکاتورهای مسعود شجاعی طباطبایی** اشاره کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
درم‌بخش ، سمپه ، عظیمی ، محصص

▼ سه اثر از سیدمسعود شجاعی طباطبایی









شجریان، محمدرضا

(۱۳۱۹ه.ش.)
استاد آواز ایران

پدر شجریان از قاریان برجسته‌ی قرآن در مشهد بود و فرزندش نیز نخست در همین راه گام برداشت. ابتدا در رادیو خراسان، هم قرآن تلاوت می‌کرد و هم آوازهای بدون آهنگ می‌خواند. از همین‌جا، توجه شنوندگان به صدای زیبا و کم‌نظیر او جلب شد. **دعای ربّنا**، که معمولاً در افطارهای ماه مبارک رمضان از رادیو پخش می‌شود، با صدای استاد شجریان است. شجریان هنگامی که برای اجرای برنامه‌ی گل‌های رنگارنگ دعوت شد، به تهران آمد. نزد استادانی چون نورعلی برومند، احمد عبادی، فرامرز پایور و عبدالله دوامی شاگردی کرد و با راز و رمز خوانندگی بسیاری از استادان آواز ایرانی آشنا شد. مدتی نیز در دانشگاه تهران به تدریس در رشته‌ی آواز پرداخت. اجراهای او همراه با شعرهایی از مولانا، سعدی، حافظ و دیگر بزرگان ادب فارسی، در جلب توجه مردم به ادبیات فارسی بی‌تأثیر نبوده است. محمدرضا شجریان علاوه بر آواز، در خوش‌نویسی هم مهارت دارد. پاره‌ای از کارهای این استاد آواز ایران عبارت است از: **یاد ایّام**، **دلشدگان** و **بر آستان جانان**. و نیز اثری به نام **شب**، **سکوت**، **کویر** که با همکاری حسین علیزاده اجرا کرده است.

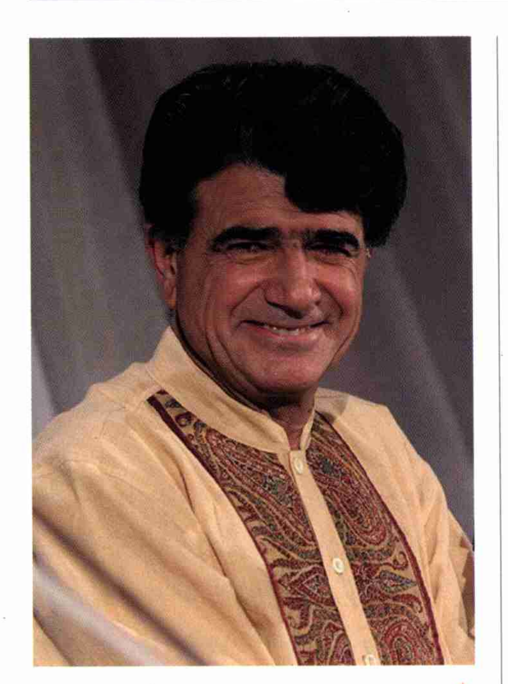
هم‌چنین نگاه کنید به:
برومند ، پایور ، علیزاده



شحّات، محمدانور

(تولد: ۱۳۲۸ ه.ش.)
قاری مصری

در روستای قهلیه‌ی مصر به‌دنیا آمد. سه ماهه بود که پدرش درگذشت. از هنگامی که زبان باز کرد، با کلمات و واژه‌های قرآنی آشنا شد؛ به طوری که در ۸ سالگی کلِّ قرآن را حفظ بود. صدای بسیار خوشی داشت و دوستانش در مکتب، همواره دنبال فرصتی بودند تا شحّات برایشان قرآن تلاوت کند. به این سبب، او را **معلم کوچک مکتب** صدا می‌زدند. معلم مکتب نیز وقتی دانست این شاگرد صوت خوشی دارد، به او بیش‌تر توجه کرد. شحّات بعدها به رادیو مصر راه یافت و صدایش از این طریق به گوش جهانیان رسید و در شمار یکی از قاریان بزرگ جهان قرار گرفت.



▲ محمدرضا شجریان، استاد بی‌بدیل آواز ایران است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
عبدالباسط ، مصطفی اسماعیل



شرف‌الدین، سیدعبدالحسین

(فوت: ۱۳۳۷ه.ش.)
عالم شیعه‌ی لبنانی

شرف‌الدین در کاظمین به‌دنیا آمد. در شهر نجف درس خواند و به درجه‌ی اجتهاد رسید. سپس به لبنان رفت و در شهر صور به ارشاد و بیداری مردم پرداخت. کتاب

معروف او **المراجعات**، حاصل مکاتبات او با مُفتی وقت و رئیس دانشگاه الازهر مصر است. شرف‌الدین خواهان عزت مسلمانان و وحدت میان شیعه و سنّی و مخالف استعمار بود. مردم را بر ضد فرانسویان به مبارزه فراخواند و در این راه خانه و کتاب‌خانه‌اش به آتش کشیده شد. او راه نجات مردم را در تعالی فرهنگی و علمی می‌دانست. از این‌رو، به تأسیس **مدرسةالجعفریه** در صور اقدام کرد. به سبب خدماتش او را **مصلح اکبر** لقب داده‌اند. در ۸۸ سالگی درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. پس از او، امام موسی صدر رهبری شیعیان لبنان را به‌عهده گرفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
امین‌عاملی ، صدر (سید موسی)



شرفکندی، عبدالرحمن

(۱۳۶۱ ـ ۱۳۰۱ش.)
شاعر و نویسنده‌ی مبارز کُرد

شرفکندی از چهره‌های برجسته‌ی کُرد است که هم در زمینه‌ی مبارزه‌های آزادی‌خواهانه و هم در زمینه‌ی علوم و ادبیات، تلاش بسیار کرده است. در مهاباد به‌دنیا آمد. پدرش یکی از روحانیان اهل سنت منطقه به نام ملامحمد شرفکندی بود. تا ۱۷ سالگی دروس طلبگی خواند و از آن پس به سبب مبارزه‌ی سیاسی بر ضد رژیم پهلوی، به عراق و روسیه‌ی شوروی رفت و آوارگی‌های بسیاری تحمل کرد. اما از آن‌جا که دوست‌دار علم و فرهنگ و پژوهش بود، هیچ‌گاه از تألیف و تحقیق بازنایستاد. او شعر نیز می‌سرود و تخلص **هه‌ژار**، به معنی فروتن، را برای خود انتخاب کرده بود. هه‌ژار پس از انقلاب اسلامی ایران، به همکاری با انتشارات سروش پرداخت و بخشی از آثار و نوشته‌های دکتر علی شریعتی را به زبان کُردی ترجمه کرد. اما کار اساسی و مهم او **ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان کردی** و **ترجمه‌ی قانون ابن‌سینا** از عربی به فارسی است که در ۷ جلد منتشر شده است. هه‌ژار پس از مرگ، در مهاباد به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
قاضی



شریعتی، علی

(۱۳۵۶ ـ ۱۳۱۲ه.ش.)
بیدارگر و اندیش‌مند اسلامی

در روستای مزینان از توابع سبزوار به‌دنیا آمد. پدرش، محمدتقی شریعتی، که شخصیتی عالم و فعال در امور دینی و سیاسی بود، او را با خود به مشهد برد. علی در این شهر به مدرسه رفت و پس از دبیرستان با ورود به دانش‌سرای مقدماتی، آموزگار شد. شریعتی، جدا از هر گونه تحصیل رسمی، استعداد و جوشش خاصی داشت که سبب شد بعدها به یکی از شخصیت‌های مؤثر در پیدایش انقلاب اسلامی در ایران تبدیل شود. او پس از گرفتن لیسانس در مشهد، با استفاده از بورس تحصیلی دانشگاه به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن در رشته‌ی جامعه‌شناسی و تاریخ ادیان تحصیل کرد؛ او با مطالعه‌ی بسیار و آشنایی با چهره‌های برجسته‌ی جهان علم و سیاست و نیز مرتبط شدن با مبارزانی از الجزایر و دیگر کشورهای استعمارزده، تجربه‌های تازه‌ای کسب کرد و به ایران بازگشت. اما به محض ورود، به خاطر سابقه‌ی مبارزاتش در خارج، دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی چندی معلم مدارس مشهد گردید ولی به زودی استاد دانشکده‌ی ادبیات مشهد شد و خیلی زود در مقام استادی برجسته و آگاه به مسائل علمی و فکری، مورد استقبال قرار گرفت. به دعوت استاد **مرتضی مطهری**، به تهران آمد و در حسینیه‌ی ارشاد، که پایگاه وعظ و تبلیغ و تکاپوهای اسلامی بود، به سخن‌رانی و فعالیت پرداخت. این دوره، که اوج فعالیت‌های فکری شریعتی بود، تأثیر بسیار زیادی بر جامعه‌ی ایران گذاشت. به‌طوری که رژیم شاه بعد از چند سال حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کرد و شریعتی و پدرش را به زندان انداخت. شریعتی ۱۸ ماه در زندان بود و پس از آزادی، در سال ۱۳۵۶ به‌طور ناشناس ایران را ترک کرد و به انگلستان رفت. اما به مرگ ناگهانی درگذشت. پیکر او را به سوریه بردند و در گورستانی در کنار زینبیه‌ی دمشق به خاک سپردند. از آثار اوست: **انسان و اسلام، امت و امامت، شهادت، حج، فاطمه فاطمه است، علی حقیقتی بر گونه‌ی اساطیر، ابوذر، کویر، هبوط، پدر، مادر ما متهمیم، بازگشت به خویشتن.**

هم‌چنین نگاه کنید به:
شریعتی (محمدتقی) ، مطهری



شریعتی، محمدتقی

(۱۳۶۶ ـ ۱۲۸۶ه.ش.)
بیدارگر و اندیش‌مند اسلامی

در روستای مزینان از روستاهای سبزوار به‌دنیا آمد. پدر و عمویش مردانی عالم بودند و او مقدمات علوم را نزد آن‌ها آموخت. در ۲۰ سالگی به مشهد رفت و در مدارس

پری‌زاد و نوّاب، از محضر استادانی چون شیخ هاشم قزوینی و ادیب نیشابوری درس آموخت. محمدتقی شریعتی در زمانی که فضای فرهنگی کشور به شدت از سوی رژیم پهلوی از یک‌سو و کمونیست‌ها و توده‌ای‌ها از سوی دیگر، تهدید می‌شد، به استخدام وزارت فرهنگ در آمد. او به تدریس در مدارس مشهد پرداخت تا نوجوانان را از گزند آسیب‌های فکری دور کند. در مشهد **کانون نشر حقایق اسلامی** را بنیان نهاد و در آن با ایراد سخن‌رانی‌های آموزنده، جلسات هفتگی، تفسیر قرآن و... نقش مؤثری در بیداری جامعه و جوانان ایفا کرد. شریعتی در این راه از هم‌فکری افرادی چون آیت‌الله میلانی، استاد مرتضی مطهری، آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و... برخوردار بود. دکتر علی شریعتی، که در احیای تفکر دینی و زمینه‌سازی انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشت، فرزند محمدتقی شریعتی بود. این پدر و پسر در سال ۱۳۵۲ از سوی رژیم شاه دستگیر شدند و مدت زیادی در زندان به‌سر بردند. محمدتقی شریعتی در سال ۱۳۶۶ درگذشت و در حرم حضرت رضا(ع) به خاک سپرده شد. **تفسیر نوین، وحی و نبوّت، فایده و لزوم دین، خلافت و ولایت، چرا حسین قیام کرد؟** و **امامت در نهج‌البلاغه** از آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بازرگان ، شریعتی (علی) ، طالقانی ، مطهری



شَعرانی، ابوالحسن

(۱۲۸۱ـ ۱۳۵۲هـ.ش.)
عالم دینی

در تهران، در خانواده‌ای روحانی متولد شد. ملا فتح‌الله کاشانی، صاحب تفسیر معروف منبع‌الصادقین از نیاکان او بود. پدرش، شیخ محمد تهرانی، مردی عالم و نخستین معلم او بود. در نوجوانی به مدرسه‌ی مروی تهران رفت و در آن‌جا ادبیات عرب، فارسی، فقه، اصول، منطق، فلسفه، ریاضی و... آموخت. سپس به قم و بعد به نجف رفت و سال‌ها در این دو شهر نزد استادان بزرگ تحصیل کرد و به تهران بازگشت. میرزا مهدی آشتیانی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی از استادان او بودند. شعرانی در میان روحانیان معاصر، دانشمندی کم‌نظیر بود. علاوه بر علوم دینی، طب و ریاضی و نجوم نیز می‌دانست. به زبان‌های فرانسوی و ترکی و عربی مسلط بود و انگلیسی و عبری نیز می‌دانست. شاگردان برجسته‌ای تربیت کرد که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به آیت‌الله حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله میرزا هاشم آملی و آقایان علی‌اکبر غفاری و محدث اُرموی اشاره کرد. آثار بسیاری اعم از تألیف، ترجمه، شرح، تصحیح و... از خود برجای گذاشت که بالغ بر ده‌ها جلد است. ابوالحسن شعرانی در پی ابتلا به بیماری قلبی و ریوی به بیمارستانی در آلمان منتقل شد و در همان‌جا درگذشت. پیکرش را به تهران آوردند و در صحن حرم حضرت عبدالعظیم در شهری به خاک سپردند.



شفائیه، هادی

(تولد: ۱۳۰۲ هـ.ش.)
استاد عکاسی ایران

در تبریز به‌دنیا آمد. آن‌قدر به عکاسی علاقه داشت که در ۱۰ سالگی اولین عکس خود را گرفت و خودش نیز آن را ظاهر کرد. پدرش داروساز بزرگ تبریز بود و هادی به قصد خواندن همین رشته، عازم فرانسه شد. ولی به سبب جنگ دوم جهانی نتوانست خود را به فرانسه برساند. به این سبب، در استانبول ترکیه ماند و همان‌جا داروسازی خواند و به ایران بازگشت. اما علاقه‌ی شدیدش به عکاسی سبب شد داروسازی را کنار بگذارد و با تأسیس استودیو هادی در تهران (۱۳۳۴)، عکاسی را به‌طور حرفه‌ای شروع کند. شفائیه خود را عکاس پُرتره یا چهره می‌داند. با این حال، مدت زیادی نیز از آثار باستانی عکس گرفته و با باستان‌شناسانی مانند رومن گیرشمن فرانسوی و پروفسور توچی ایتالیایی همکاری کرده است. او با آموزش و پرورش نیز همکاری داشته و در سال ۱۳۵۱، کتاب **عکاسی** را برای دانش‌آموزان رشته‌ی هنر تألیف کرد. بخش زیادی از عمر هنری شفائیه به آموزش نظری و عملی برای نیروهای جوان پس از انقلاب اسلامی گذشت. در سال‌های آغازین انقلاب، با وجود تعطیلی موقت دانشگاه‌ها، از او دعوت شد برنامه‌ی دوره‌ی ۴ ساله‌ی کارشناسی عکاسی را برای دانشجویان این رشته بنویسد. او این برنامه را نوشت و خودش نیز مدیریت دروس و تدریس آن‌ها را در دانشگاه تهران و مجتمع دانشگاهی هنر به‌عهده گرفت. هادی شفائیه پس از پایان جنگ تحمیلی به نزد فرزندانش، که مقیم آمریکا بودند، رفت و در آن کشور اقامت گزید.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جلالی ، فریدنی ، کسرائیان



شفیعی کدکنی، محمدرضا

(تولد: ۱۳۱۸هـ.ش.)
شاعر، محقق و استاد دانشگاه

در روستای کدکن، بین نیشابور و تربت‌حیدریه، به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند. چند سال طلبه‌ی علوم دینی شد و در مشهد به آموختن زبان و ادبیات عربی، نزد محمدتقی ادیب نیشابوری، و نیز فقه، کلام و اصول پرداخت. سپس به دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی مدرک لیسانس و سرانجام



دکترا گرفت. شفیعی، که شاعری تواناست، استادی ممتاز و پژوهشگر ادبیات و عرفان نیز هست و در هر یک از این حوزه‌ها آثاری پدید آورده است. در شعر با انتشار مجموعه‌هایش، به‌ویژه **در کوچه‌باغ‌های نیشابور**، دریچه‌ی تازه‌ای به شعر فارسی معاصر گشود که خواننده را در ضمن بهره‌وری از غنای ادبیات کهن فارسی، از شادابی و نوگرایی ادبیات جدید نیز بهره‌مند می‌سازد. مجموعه‌ای از اشعار او به نام **هزاره‌ی دوم آهوی کوهی** در سال‌های اخیر منتشر شده است. شفیعی در زمینه‌ی نقد و تحقیق نیز آثاری چون **صُوَر خیال در شعر فارسی** و **موسیقی شعر** را نوشته است. آثاری نیز که درباره‌ی انوری، ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی و... نوشته، در نوع خود کم‌نظیر است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابتهاج ، نیما یوشیج

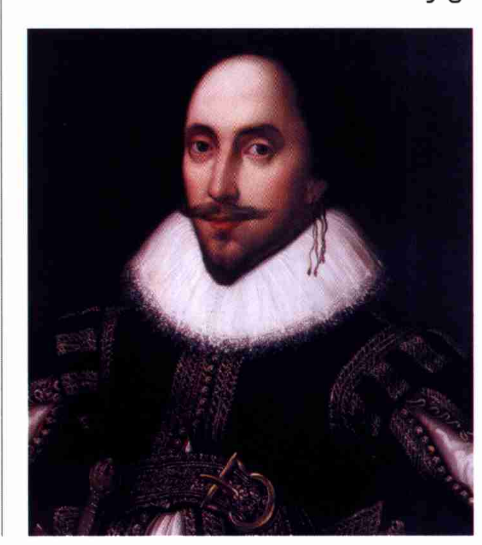


شکسپیر، ویلیام

(۱۶۱۶ ـ ۱۵۶۴م.)
نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی

از آغاز زندگی این بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی، اطلاع دقیقی در دست نیست. همین اندازه می‌دانیم که در شهر استراتفورد به‌دنیا آمد. پدرش شهردار و مادرش از خانواده‌ای کشاورز بود. پس از ازدواج به لندن رفت و در تماشاخانه‌ای مشغول بازی شد. در آن‌جا، وظیفه‌ی ویرایش نمایش‌نامه‌ها را به او سپردند. شکسپیر از این تجربه استفاده کرد و خودش هم چند نمایش‌نامه نوشت که با استقبال روبه‌رو شد. در نتیجه، خیلی زود به چهره‌ی معروفی در نمایش‌نامه‌نویسی تبدیل شد. کمدی‌ها، درام‌ها و تراژدی‌های شکسپیر از بزرگ‌ترین شاهکارهای همه‌ی دوران‌های نمایش‌نامه‌نویسی تا امروز است. توانایی شکسپیر در نشان دادن خصلت‌های آدمیان و باطن انسان‌ها در قالب کمدی، درام و تراژدی، بی‌نظیر است. او در ۵۲ سالگی چشم از جهان فروبست و در کلیسای استراتفورد به خاک سپرده شد. آثار شکسپیر را به سه دسته کمدی‌ها، تراژدی‌ها و نمایش‌نامه‌های تاریخی تقسیم کرده‌اند. از معروف‌ترین کمدی‌های او **رؤیای یک نیمه‌شب تابستان**، **تاجر ونیزی**، **هیاهوی بسیار برای هیچ** و **رام کردن زن سرکش** است. از میان تراژدی‌های او، **هملت**، **اتلّوی مغربی**، **ژولیوس سزار**، **مکبِث**، **لیر شاه** و **آنتونی و کلئوپاترا** شهرت بیش‌تری دارد. از نمایش‌نامه‌های تاریخی شکسپیر نیز می‌توان به **هنری ششم** و **ریچارد سوم** اشاره کرد.

▼ نام شکسپیر هنوز بر تارک ادبیات انگلیسی می‌درخشد.





شلتوت، شیخ محمود

(فوت: ۱۳۴۱هـ.ش.)
عالم و متفکر مصری

شلتوت استاد و رئیس دانشگاه الازهر مصر و فقیه و دانشمندی نواندیش بود. به منظور اصلاح امور مسلمانان و وحدت جهان اسلام، **دارالتّقریب بین المذاهب‌الاسلامیّه** را در مصر تأسیس کرد و در این زمینه با آیت‌الله بروجردی نیز ارتباط داشت. آیت‌الله بروجردی، که به وحدت مسلمین بسیار علاقه‌مند بود، یکی از روحانیان مورد اعتماد خود، به نام شیخ محمدتقی قمی را به سِمت نماینده‌ی خویش در دارالتقریب به مصر فرستاد. شلتوت نخستین فرد از علمای اهل سنت است که فقه شیعه‌ی جعفری را در ردیف مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت به رسمیت شناخته است که گام مهمی در ایجاد وحدت میان شیعه و سنی در قرن حاضر به‌شمار می‌رود. کتاب **سیری در تعالیم اسلام** از او به فارسی ترجمه شده است. شلتوت در ۷۰ سالگی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بروجردی



شمس تبریزی

(حدود ۶۴۵ ـ ۵۸۲ هـ.ق.)
عارف و مراد مولوی

نامش محمدبن ملک‌داد و لقبش شمس‌الدین بود. در تبریز به‌دنیا آمد. از کودکی حالتی شوریده داشت و این حالت را تا پایان عمر حفظ کرد. به شهرهای گوناگون سفر کرد، درس خواند و به دیگران درس آموخت. در هر شهری عارفی می‌دید، با او هم‌سخن و هم‌دل می‌شد و باز به راه خود ادامه می‌داد. سرانجام گذارش

به قونیه افتاد و با فقیه شهر، جلال‌الدین محمد مولوی، دیدار کرد. این دیدار چنان شگفت و حادثه‌خیز بود که مولوی را دگرگون کرد و از او انسانی دیگر ساخت؛ در پی این واقعه، مریدان مولوی در پی شمس افتادند که چرا فقیه شهرشان را به راهی دیگر کشانده است. شمس، آزرده‌خاطر شد، دو بار به حالت قهر قونیه را ترک کرد و بازآمد؛ ولی برای بار سوم رفت و دیگر نیامد و کسی ندانست کجا رفت و سرانجامش چه شد. مولوی دیوان کبیر یا **دیوان شمس تبریزی** را به نام او سرود که در بسیاری از ابیات آن، به جای تخلص یا نام خود، نام شمس را آورده است. آنچه امروز از شمس تبریزی باقی است، کتاب **مقالات شمس تبریزی** است که پژوهشگر معاصر، محمدعلی موحّد، با جست‌وجو در کتاب‌خانه‌های ترکیه، آن را تصحیح و منتشر کرده است. در شهر خوی، مقبره‌ای وجود دارد که بسیاری از صاحب‌نظران، آن را مزار شمس تبریزی دانسته‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
موحّد ، مولوی

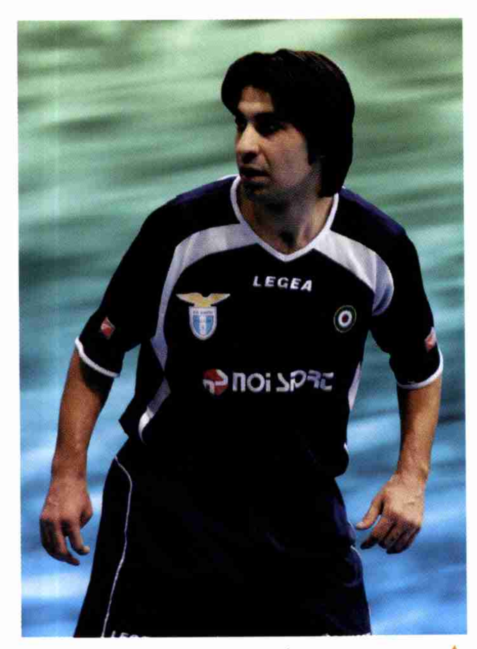


شمسایی، وحید

(تولد: ۱۳۵۵هـ.ش.)

بازیگر فوتسال

در تهران به‌دنیا آمد. وارد رشته‌های شنا و تنیس روی میز شد. ولی بیش‌تر به فوتبال پرداخت و به عضویت تیم جوانان بنیاد شهید و تیم تجارت درآمد. شمسایی به دلیل آسیب‌دیدگی، ۵ سال از فوتبال کناره گرفت و این کناره‌گیری سبب شد وزنش به بالای صد کیلوگرم برسد. از این‌رو، تصمیم گرفت وارد بازی فوتسال شود و در اولین مرحله، از این طریق وزن خود را کم کرد.



▲ شمسایی برترین گل‌زن فوتسال جهان است.

سپس به باشگاه فوتسال پیمان و استقلال پیوست. در استقلال درخشید و به تیم ملی راه یافت، به اروپا اعزام شد و با تیم لاتزیوی ایتالیا بازی کرد. شمسایی ۹ سال عضو تیم ملی فوتسال بود و با این تیم، ۸ دوره **آقای گل آسیا** شد که چهار دوره‌ی آن در مقام فنی‌ترین سالن‌باز این قاره معرفی گردید و سه سال بازیکن سال آسیا لقب گرفت. او بیش از ۱۰۰ بازی ملی را در کارنامه‌ی ورزشی خود دارد که حاصل آن از ۳۰۰ گل گذشته است. شمسایی برترین گل‌زن فوتسال جهان لقب گرفته است.



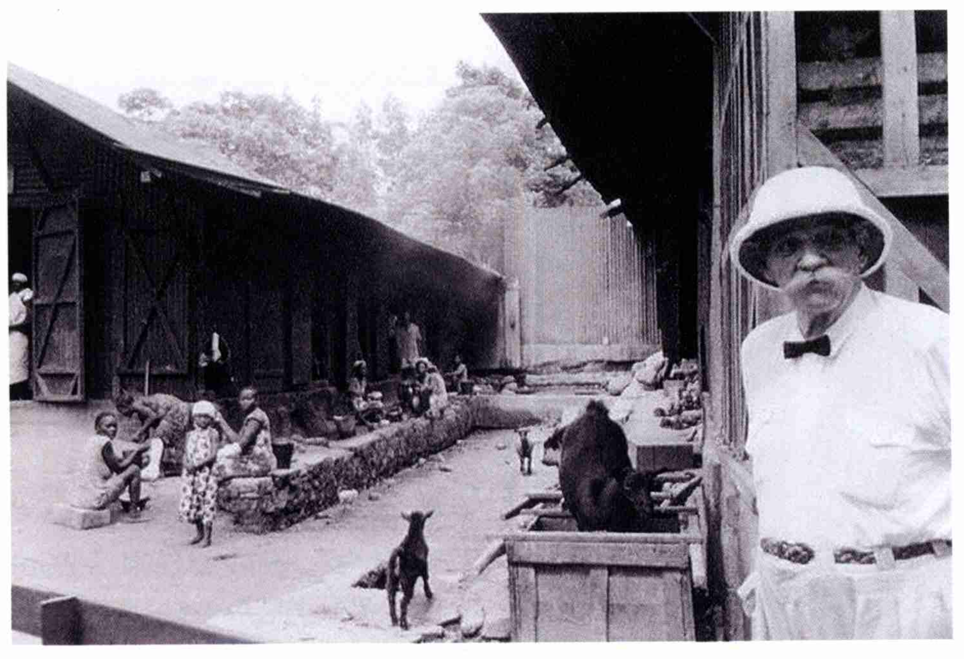
شوایتزر، آلبرت

(۱۹۶۵ ـ ۱۸۷۵ م.)

پزشک فداکار آلمانی

آلبرت شوایتزر در آلزاس به‌دنیا آمد. اعتقادات مسیحی خانوادگی او قوی و خودش مردی شگفت‌انگیز بود. سه بار درجه‌ی دکتری گرفت؛ دکترا در فلسفه، در علوم دینی و در پزشکی. در مقام یک نوازنده‌ی اُرگ هم اعتبار جهانی داشت. شوایتزر اعتقاد راسخ داشت که حیات انسان، در هر صورت و در هر حال، بیش از هر چیز دیگری ارزش دارد. از این‌رو، سالن‌های کنسرت موسیقی و زندگی آسوده در اروپا را رها کرد و با همسرش به گابُن در غرب آفریقا و به میان سیاهان رفت تا به درمان دردها و بیماری‌های جسمی و روحی آنان بپردازد. او در محلی به نام لامبارنه، بیمارستانی تأسیس کرد و ۲۵ سال در آن‌جا صادقانه به محرومان خدمت کرد. به پاس این خدمت بزرگ، در سال ۱۹۵۲ جایزه‌ی صلح نوبل را دریافت کرد. کتاب‌های **زندگی باخ**، **زندگی و عقاید**

▼ شوایتزر دانشمندی بود که زندگی با محرومان در آفریقا را بر زندگی مرفه در اروپا ترجیح داد.



من و در کنار جنگل‌های ماقبل تاریخ از تألیفات اوست.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
باخ



شوماخر، مایکل

(تولد: ۱۹۶۹م.)
قهرمان اتومبیل‌رانی و نیکوکار

در آلمان به‌دنیا آمد. علاقه‌اش به اتومبیل‌رانی هنگامی آغاز شد که در کودکی، با یک ماشین چمن‌زنی بازی می‌کرد و با آن مسابقه می‌داد. در ۱۴ سالگی، مجوز شرکت در مسابقه‌های اتومبیل‌رانی نوجوانان آلمان را دریافت کرد و یک سال بعد (۱۹۸۴م.) قهرمان نوجوانان و دو سال بعد قهرمان جوانان این مسابقه‌ها شد. شوماخر، که درآمدی نداشت تا در مسابقه‌های حرفه‌ای بزرگسالان شرکت کند، به کمک یورگن ویلک، رئیس تیم اتومبیل‌رانی آلمان، وارد مسابقه‌ها شد و مقام دوم اروپا را کسب کرد. از آن پس، پیوسته در مسابقه‌های قاره‌ای و جهانی مقام آورد که ۷ قهرمانی و ۳ نایب قهرمانی، تعدادی از آن‌هاست. او علاوه بر این که عامل جذب کمک‌های انسان‌دوستانه برای کشورش است، عضو افتخاری کمیته‌ای است که برای کنترل بیماری‌های آلزایمر و پارکینسون فعالیت می‌کند.





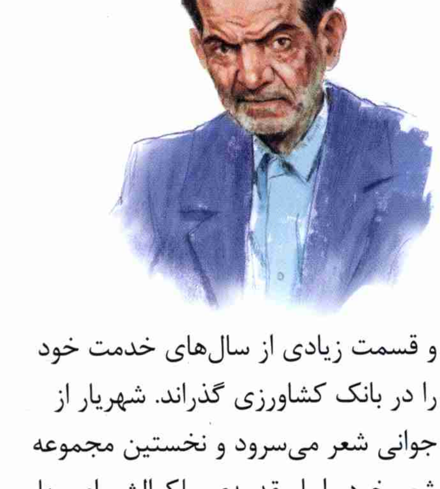
▼ مایکل شوماخر، سرانجام از ورزش قهرمانی به فعالیت‌های انسان‌دوستانه روی آورد.



شهریار، سیدمحمدحسین

(۱۳۶۷ ـ ۱۲۸۵هـ.ش.)
شاعر معاصر

سیدمحمدحسین بهجت تبریزی، معروف به شهریار، در تبریز به‌دنیا آمد. پدرش از سادات آذربایجان و از حقوق‌دانان و وکلای دادگستری بود. شهریار کودکی را بیش‌تر در روستاهای تبریز، به‌ویژه روستای آبا و اجدادی خود، خشکناب، سپری کرد. در ۱۵ سالگی به تهران رفت. در دارالفنون درس خواند و بعد به تحصیل در رشته‌ی پزشکی روی آورد؛ ولی پیش از آن که مدرکی بگیرد، آن را رها کرد. پس از آن کارمند دولت شد و قسمت زیادی از سال‌های خدمت خود را در بانک کشاورزی گذراند. شهریار از جوانی شعر می‌سرود و نخستین مجموعه شعر خود را با مقدمه‌ی ملک‌الشعرای بهار و سعید نفیسی منتشر کرد. بعدها هم **دیوان** کامل او در چهار جلد منتشر شد. در سال ۱۳۴۶، اعضای هیئت امنای دانشگاه تبریز به شهریار عنوان استاد افتخاری دانشکده‌ی ادبیات دادند و او بیش از پیش به جامعه شناسانده شد. علاوه بر این، شعر معروف شهریار با مطلع **علی ای همای رحمت** نیز در شناساندن او به مردم ایران بسیار مؤثر بود. منظومه‌ی **حیدربابایه سلام**، که شهریار آن را به زبان آذری سرود، یکی از آثار ماندگار او و نخستین منظومه‌ای است که به زبان مادری سروده است. این شعر در زبان و ادبیات آذری اثری فوق‌العاده داشت و شهریار را در ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز بلندآوازه ساخت. شهریار در تبریز درگذشت و در مقبرةالشّعرا به خاک سپرده شد.



👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
ابتهاج ، شفیعی کدکنی



شهناز، جلیل

(تولد: ۱۳۰۰هـ.ش.)
استاد و نوازنده‌ی تار

جلیل شهناز در اصفهان چشم به جهان گشود. خانه‌ی پدری او محل گرد آمدن هنرمندان و علاقه‌مندان به موسیقی ایرانی بود. به تشویق پدر، به موسیقی روی آورد.

نخستین آموزش‌های تار را نزد پدر دید و چندی بعد برای نوازندگی به رادیو اصفهان دعوت شد. سپس به تهران رفت و به محافل موسیقی راه یافت. او در برنامه‌ی گل‌های رنگارنگ رادیو تک‌نوازی می‌کرد. جلیل شهناز در سال ۱۳۸۱ در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در مقام چهره‌ی ماندگار موسیقی ایران معرفی و از او تقدیر شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شهنازی

شهنازی، علی‌اکبر

(۱۳۶۳ ـ ۱۲۷۶هـ.ش.)

استاد نوازنده‌ی تار

خانواده‌ی شهنازی اغلب اهل هنر و موسیقی بودند و علی‌اکبر شهنازی یکی از آنان و فرزند **آقا حسینقلی**، استاد زبردست تار بود. پدربزرگش، **علی‌اکبر فراهانی** نیز، نوازنده‌ی تار در زمان ناصرالدین‌شاه و عمویش هم **میرزا عبدالله** بود که او را پدر موسیقی سنتی ایران می‌دانند. **احمد عبادی** هم پسرعموی او بود. علی‌اکبر از ۵ سالگی در چنین محیطی رشد کرد و در ۱۱ سالگی، نوازنده‌ی ماهر تار شد. در ۱۴سالگی به جایی رسید که کلاس تار پدرش را به تنهایی اداره می‌کرد. او در مدت ۵ سال، تمام دستگاه‌های موسیقی ایرانی را، که از قدیم به ارث رسیده بود، اجرا کرد و همه را به صورت مرتب درآورد. **زد لشکر گل، به اصفهان رو، تا جوانان ایران و ای نوع بشر** از آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شهناز ، عبادی ، فراهانی ، میرزاعبدالله



شهیدثالث، سهراب

(۱۳۷۰ـ ۱۳۲۲هـ.ش.)

کارگردان

در قزوین به‌دنیا آمد. بعد از گرفتن دیپلم، به اتریش رفت. نخست در آن‌جا و سپس در فرانسه، تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی سینما ادامه داد. در همان‌جا فیلم کوتاه **آیا** را به‌مثابه نخستین کار سینمایی خود تهیه کرد. هنگامی که به ایران بازگشت، در وزارت فرهنگ و هنر به کار ساختن فیلم مستند مشغول شد. شهیدثالث در ایران دو فیلم **یک اتفاق ساده** (۱۳۵۲) و **طبیعت بی‌جان** (۱۳۵۴) را ساخت که بسیار موفقیت‌آمیز بود و سبب شهرت او شد. پس از آن به آلمان مهاجرت کرد و در آن‌جا به ساختن فیلم ادامه داد. **در غربت، قرنطینه، زمان بلوغ** و **یک زندگی** را ساخت. سهراب شهیدثالث را آغازگر موج نو سینمای ایران می‌شناسند و او را در رده‌ی کسانی مانند داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی، بهرام بیضایی و ناصر تقوایی قرار می‌دهند. این کارگردان سرانجام در آمریکا مقیم شد. او در طول فعالیت خود ۱۲ جایزه دریافت کرد که جایزه‌ی خرس نقره‌ای جشنواره‌ی برلین به خاطر کارگردانی فیلم در غربت بود. **گل سرخی برای آفریقا** (۱۳۷۰) آخرین فیلم او بود که مورد توجه منتقدان غربی قرار گرفت. شهیدثالث بر اثر بیماری سرطان در آمریکا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بیضایی ، کیارستمی ، مهرجویی

شهیدی، سیدجعفر

(۱۳۸۶ ـ ۱۲۹۷ش.)

استاد تاریخ، زبان و ادب فارسی

در بروجرد به‌دنیا آمد. در همان شهر مقدمات علوم حوزوی را خواند. چندی به کار آزاد در بازار مشغول شد. اما علاقه به تحصیل او را رها نکرد و راهی حوزه‌ی نجف شد. پس از چند سال، در سال ۱۳۲۷، به علت بیماری، برای معالجه به ایران بازگشت. آیت‌الله بروجردی از او، که لباس روحانیت به تن داشت، دعوت کرد در قم بماند. اما شهیدی به سبب بیماری نتوانست در قم بماند و در تهران مقیم شد. در تهران برای تحصیل به دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات) رفت و آن را تا دریافت درجه‌ی دکتری ادامه داد. شهیدی، که علاوه بر علوم و معارف اسلامی و زبان عربی، به زبان و ادبیات فارسی و تاریخ نیز علاقه‌مند بود، پس از آشنایی با علی‌اکبر دهخدا، به همکاری با او در تدوین **لغت‌نامه** پرداخت. پس از مرگ دهخدا، **دکتر محمد معین** و شهیدی، مسئولیت کار ناتمام لغت‌نامه را به‌عهده گرفتند و شهیدی پس

▼ دکتر شهیدی در رشته‌های فقه، فلسفه، کلام، عرفان، ادبیات عرب، زبان فارسی، شعر، لغت و تاریخ اسلام استادی برجسته بود و حبّ او به اهل‌بیت(ع) در گفتار و رفتارش مشهود بود.



از درگذشت دکتر معین، کار را ادامه داد تا به پایان رسید. دکتر شهیدی در چند زمینه‌ی مهم دیگر نیز کارهای اساسی انجام داد که عبارت است از تصحیح متون فارسی، تاریخ اسلام، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، زندگانی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام و شرح مثنوی مولوی. او تا آخرین ماه‌های عمر فعال و پرکار بود و ریاست سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا را به‌عهده داشت. از آثار اوست: **تصحیح درّه‌ی نادره، تصحیح دیوان انوری، تاریخ تحلیلی اسلام، زندگی فاطمه زهرا** علیهاالسلام**، زندگی امام سجاد** علیه‌السلام**، زندگی امام صادق** علیه‌السلام و **ترجمه‌ی نهج‌البلاغه**. در زمینه‌ی مثنوی نیز شهیدی شرح مثنوی، کار ناتمام بدیع‌الزّمان فروزانفر را تا پایان دفتر ششم مثنوی ادامه داد. شهیدی که یکی از فرزندانش در دفاع مقدس به شهادت رسیده بود، در تهران درگذشت. آرامگاه او در امامزاده عبدالله شهرری است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فروزانفر ، معین



شیخ بهایی

(۱۰۳۰ ـ ۹۵۳ ه.ق.)

حکیم، فقیه و عالم عصر صفوی

نامش بهاءالدین محمدبن حسین عاملی بود و در بعلبک لبنان به‌دنیا آمد. در آن زمان پادشاهان صفوی عالمان شیعه را از دور و نزدیک به ایران دعوت می‌کردند، پدر شیخ بهایی نیز با خانواده به ایران مهاجرت کرد. شیخ بهایی در قزوین و مشهد تحصیل کرد و به سبب نبوغ و هوش فوق‌العاده، به سرعت مراحل علمی را طی کرد و در اصفهان وارد دستگاه شاه‌عباس صفوی شد. شاه‌عباس شیخ بهایی را بسیار محترم می‌داشت و منصب شیخ‌الاسلامی اصفهان را به او داد و در سیاست نیز با این عالم بزرگ مشورت می‌کرد. شیخ بهایی نبوغی چندجانبه داشت. فقیه، عارف، ادیب، ریاضی‌دان و منجم بود. از علم کیمیا و علوم غریبه آگاه بود و در فیزیک و معماری و مهندسی نیز دست داشت. شاگردان برجسته‌ای چون **محمدتقی مجلسی**، پدر علامه‌ی مجلسی، و **ملاصدرا** تربیت کرد که هر یک از آنان خود عالمان بزرگی تربیت کردند. ده‌ها رساله و کتاب نوشت که بسیاری از آن‌ها هنوز مورد استفاده است. کتاب‌های **اربعین، جامع عبّاسی، تشریح‌الافلاک، جبر و مقابله، نان و پنیر، نان و حلوا** و **کشکول** از اوست. در زمینه‌ی مهندسی، آب زاینده‌رود را از طریق حفر نهرهایی که در اصفهان مادی نامیده می‌شوند، به زمین‌های اصفهان تقسیم کرد که تقسیم‌نامه‌ی آن به نام **طومار شیخ بهایی** هنوز باقی است. او در اصفهان حمامی ساخت که بدون استفاده از سوخت‌های معمولی، همیشه آب گرم داشت. این کارهای شیخ سبب شده که مردم، او را شخصیتی خارق‌العاده بدانند و قصه‌ها و افسانه‌هایی را به وی نسبت دهند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
مجلسی ، ملاصدرا

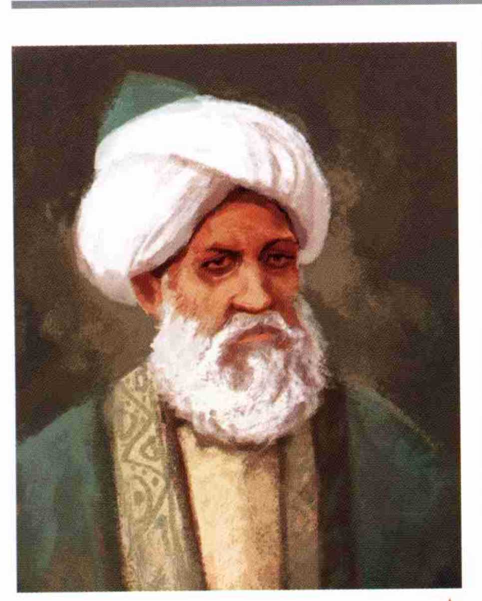


شیخ توسی

(۴۶۰ ـ ۳۸۵ ه.ق.)

بنیان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف

نامش محمدبن حسن توسی، معروف به شیخ توسی و شیخ الطایفه است. در اوایل عصر سلجوقیان می‌زیست. پس از آموختن مقدمات علوم در زادگاهش، در ۲۳ سالگی به بغداد رفت و در آن‌جا نزد شیخ مفید و پس از او نزد سیدمرتضی به تکمیل معلومات خود پرداخت و خود عالمی تراز اول و فقیهی برجسته شد. شیخ توسی در تبلیغ مذهب شیعه، از طریق درس و بحث علمی، بسیار می‌کوشید؛ از این‌رو، دشمنانش به مخالفت با او برخاستند، به خانه‌اش ریختند و کتاب‌هایش را سوزاندند. شیخ ناچار به نجف رفت و تا آخر عمر در این شهر زیست. او نخستین کسی است که نجف را مرکز علمی برای گسترش معارف و علوم شیعه قرار داد. به‌علاوه، یکی از چند شخصیت علمی برجسته‌ی شیعه است که تا امروز، آثارش مورد بحث علما و فقهاست. شیخ توسی آثار بسیاری از خود بر جای گذاشت که دو کتاب او **تهذیب‌الاحکام** و **اَلاستبصار** از کتاب‌های اربعه‌ی شیعه به‌شمار می‌رود. در سال ۱۳۴۸ یادواره‌ی شیخ توسی در مشهد برگزار شد و از مقام او تجلیل به عمل آمد.



▲ شیخ توسی حوزه‌ی علمیه‌ی هزارساله‌ی نجف را بنیان نهاد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شیخ صدوق



شیخ شامل

(۱۸۷۱ ـ ۱۷۹۷م.)

رهبر مبارزان مسلمان قفقازی

شامل رئیس فرقه‌ی مسلمانان نقشبندی در منطقه‌ی داغستان روسیه بود و با سلطه‌ی روس‌های تزاری بر آن منطقه، به




▲ شیخ شامل در جهاد با نیروهای روسیه‌ی تزاری بسیار جدی و پایدار بود.

شدت مخالفت می‌کرد. از این‌رو، سال‌ها در کوهستان‌ها و جنگل‌های منطقه با نیروهای روسی جنگید و بارها آن‌ها را شکست داد. سرانجام، پس از ۳۵ سال مبارزه، روس‌ها او را دستگیر کردند و با خانواده و فرزندانش به سن‌پترزبورگ، پایتخت روسیه، بردند. تزار روس، به پاس شجاعت و جوان‌مردی شیخ شامل، او را نکشت؛ بلکه با ساختن نمازخانه‌ای برای شیخ، اجازه داد به آزادی زندگی کند و به عبادت بپردازد. چند سال بعد شیخ شامل از روس‌ها خواست اجازه دهند به مدینه برود و در کنار تربت رسول خدا ﷺ مقیم شود. آن‌ها نیز اجازه دادند و او به مدینه رفت و همان‌جا درگذشت. لئو تولستوی، نویسنده‌ی نام‌دار روسی، رُمانی به نام **حاجی مراد** نوشته و بخشی از مبارزه‌های شیخ شامل را در آن آورده است. این رمان به فارسی ترجمه شده است.



شیخ صَدوق

(۳۸۱ ـ ۳۰۵ هـ.ق.)

فقیه و محدّث

نامش محمدبن علی‌بن حسین‌بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق است. خاندانش اهل و ساکن قم بودند. نوشته‌اند پدرش، که روحانی و عالم بود، در نامه‌ای به حسین‌بن روح نوبختی، نایب ایرانی‌الاصل امام زمان ؑ و یکی از نوّاب خاص آن حضرت، درخواست کرد امام زمان ؑ برایش دعا کند که خداوند فرزندی صالح به او عطا کند. در پی آن، او صاحب دو فرزند شد که شیخ صدوق یکی از آن‌ها بود. شیخ صدوق بسیار با استعداد بود و در جوانی محدثی بزرگ و عالی‌مقام شد و کتاب‌های ارزش‌مندی مانند **مَن لایَحضُرُهُ‌الفقیه**، **توحید** و **کمال‌الدین** را نوشت. من لایحضره الفقیه یکی از کتاب‌های اربعه‌ی شیعه است. شیخ صدوق استاد شیخِ مفید بود و شیخ مفید نیز استادِ شیخِ توسی شد. این سه عالم از پیش‌آهنگان علم فقه در شیعه به‌شمار می‌روند. شیخ صدوق در شهرری درگذشت و در محلی، که اکنون به ابن‌بابویه مشهور شده است، به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:

شیخ توسی ، نوّاب اربعه

شیدا، علی‌اکبر

(۱۲۸۵ ـ ۱۲۲۲ هـ.ش.)

آهنگ‌ساز و ترانه‌سرا

از هنرمندان تصنیف‌ساز و ترانه‌سرای دوره‌ی قاجار بود و بر موسیقی ایران، تأثیر ماندگاری گذاشت. در شیراز به‌دنیا آمد؛ صوفی‌مسلک بود و زمانی‌که به تهران آمد، به حلقه‌ی درویشان خانقاه صفی‌علیشاه پیوست و در جلسات موسیقی، که ظهیرالدوله تشکیل می‌داد، شرکت کرد. تصنیفی به نام **مولود نبی** از او باقی است که به مناسبت تولد حضرت علی ؑ ساخته است و از بهترین آثار او به‌شمار می‌رود. میرزا علی‌اکبر شیدا را پایه‌گذار ترانه‌سرایی و تلفیق آن با موسیقی می‌دانند. او در خوش‌نویسی، به‌ویژه خط نستعلیق، مهارت داشت. **ناوک مژگان**، **چشم نرگس**، **سرو خجل**، **دل شیدا** و **باغ تفرّج** از آثار اوست.



شیرودی، علی‌اکبر

(۱۳۶۰_۱۳۳۴هـ.ش.)

خلبان، شجاع هوانیروز

در روستای بالا شیرود تنکابن به‌دنیا آمد. پدرش، محمدعلی، مردی متقی و دین‌دار و ظلم‌ستیز بود. علی‌اکبر پس از گرفتن دیپلم، وارد هوانیروز شد و برای آموزش به پادگان هوانیروز اصفهان رفت. پس از فارغ‌التحصیلی، نخست به کرمان و سپس به کرمانشاه منتقل شد. او، که جوانی مؤمن؛ انقلابی و از دوستداران امام‌خمینی بود، در پاییز ۵۷ با مبارزه‌های مردم کرمانشاه همراه شد و سپس پادگان را ترک گفت و به مبارزه‌ی مخفی چریکی پرداخت. با پیروزی انقلاب، نخست در تشکیل کمیته‌ی انقلاب فعال شد و سپس به سپاه پاسداران پیوست و در پیوند بین هوانیروز و سپاه نقش فعالانه‌ای ایفا کرد. در وقایع کردستان، در پاک‌سازی ضد انقلاب و شکست محاصره‌ی پاوه، رشادت‌های بسیار از خود نشان داد. هنگامی که تجاوز عراق به ایران اتفاق افتاد، شیرودی بسیار فعال‌تر از قبل وارد نبرد شد و توانست در سر پل ذهاب تانک‌های بسیاری را منهدم کند. سرانجام در بامداد ۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ بر اثر اصابت گلوله‌ی تانک به بال‌گردش، به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش، روستای شیرود، به خاک سپردند.



شیمل، آنه ماری

(۲۰۰۶ ـ ۱۹۲۲م.)

ایران‌شناس

در شهر ارفورت آلمان در خانواده‌ای بافرهنگ دیده به جهان گشود. در ۱۷ سالگی تحصیلاتش را در دانشگاه برلین آغاز کرد. در همان زمان به توصیه‌ی بهترین استادش، هانس هاینریش شِدِر، مشغول مطالعه‌ی مثنوی مولوی شد. ۱۹ ساله بود که دکترای خود را در رشته‌ی زبان‌ها و تمدن‌های اسلامی، از دانشگاه برلین دریافت کرد. در ۲۷ سالگی نزد شرق‌شناسان و دین‌شناسان سوئد به تحقیق پرداخت و به چند کشور شرقی، از جمله ایران، ترکیه و پاکستان سفر کرد. شیمل یکی از برجسته‌ترین شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان اروپایی بود. او آثار بسیاری از خود برجای گذاشته که **محمد رسول‌خدا**ﷺ ، **من بادم و تو آتش** و **شکوه شمس** از جمله‌ی آن‌هاست و هر سه به فارسی ترجمه شده است. در سال ۱۹۹۵م. جایزه‌ی جهانی کتاب صلح به این دانشمند برجسته اعطا شد. خانم شیمل چندین دکترای افتخاری نیز از دانشگاه‌های سند، اسلام‌آباد، پیشاور پاکستان و دانشگاه تهران دریافت کرد. جایزه‌ی فریدریش روکرت آلمان، نشان ستاره‌ی قائد اعظم پاکستان، نشان صلیب، که نشان درجه یک جمهوری فدرال آلمان است، جایزه‌ی ترجمه از مرکز تعلیم زبان ترکی و جایزه‌ی یوهان هاینریش فوس از دیگر افتخارات این بانوی شرق‌شناس است.



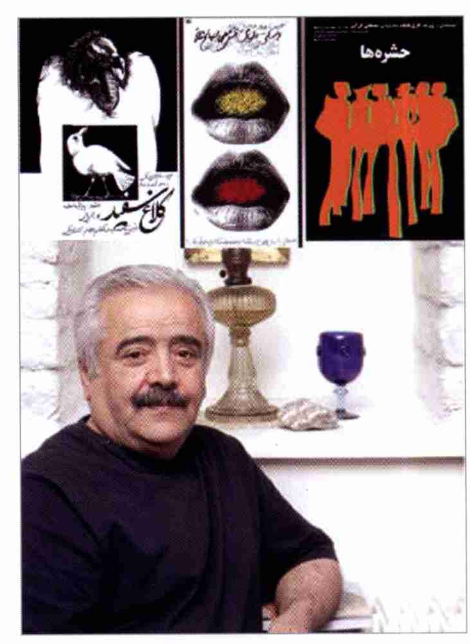
شیوا، قباد

(تولد: ۱۳۱۹هـ.ش.)

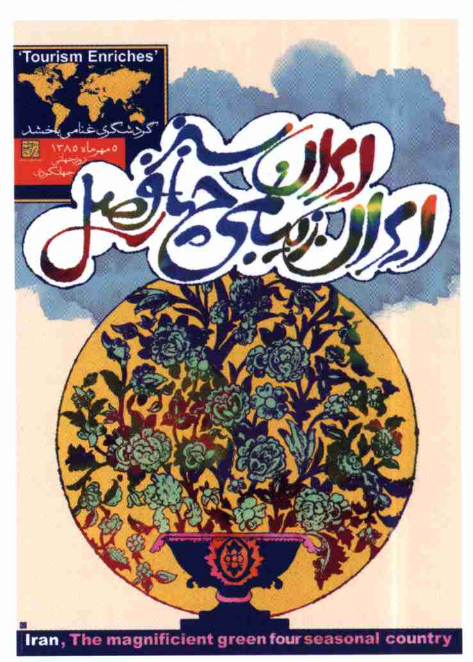
طراح گرافیک

قباد شیوا در همدان متولد شد. در رشته‌ی نقاشی در دانشگاه تهران تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز از دانشگاه پرات نیویورک دریافت کرد. شیوا یکی از طراحان گرافیک بزرگ جهان است و برخی از آثارش در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شود. از مؤسسان انجمن طراحی گرافیک ایران و نیز عضو انجمن بین‌المللی گرافیک است. نمایشگاه‌هایی در داخل و خارج ایران برگزار کرده و آثارش بارها در نشریه‌های گرافیکی جهان چاپ شده است. پاره‌ای از موفقیت‌های شیوا در طی حدود چهل سال فعالیت هنری او عبارت است از: برنده‌ی مسابقه‌ی طراحی پوستر جشن هنر شیراز، برنده‌ی مسابقه‌ی طراحی آرم سندیکای گرافیست‌های تهران، دریافت مدال و دیپلم افتخار برای طراحی پوستر از دوسالانه‌ی بین‌المللی گرافیک چکسلواکی، جایزه‌ی اول مسابقه‌ی طراحی محیطی در نیویورک، پوستر منتخب برای برگزاری دوسالانه‌ی گرافیک ایران و دیپلم افتخار برای پوستر فلسطین در اولین دوسالانه‌ی بین‌المللی جهان‌اسلام.

▼ آثار قباد شیوا به دلیل داشتن هویت شرقی در جهان شناخته شده است.







هم‌چنین نگاه کنید به:
ممیز



شی‌هوانگ‌دی

(۲۱۰ ـ ۲۵۹ ق.م.)

بناکننده‌ی دیوار چین

شی‌هوانگ‌دی نخستین امپراتور چین بود. چون به قدرت رسید، حکومت‌های پراکنده را از میان برداشت، امپراتوری وسیع چین را تشکیل داد و خود نخستین امپراتور آن شد. مردی مخوف، دیکتاتور و بسیار اهل عمل بود که با افکار و اندیشه‌های کنفوسیوس، حکیم چینی، مخالف بود و به همین سبب، دستور داد کتاب‌های او و هر کتاب قدیمی دیگری را در آتش بیندازند. او هزاران طلبه و دانشجوی مخالف را نیز سوزاند. تأسیس دولت واحد و قوی، تقسیم کشور به ۳۰ ایالت، ایجاد




▲ دیوار چین تنها یادگاری است که تا به امروز از شی‌هوانگ‌دی، امپراتور جبّار چین، باقی مانده است.

پول یکسان در سراسر امپراتوری، استاندارد کردن وزن‌ها و مقیاس‌ها و از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، ساختن دیوار چین از کارهای اوست. دیوار چین ۱۰ هزار کیلومتر طول دارد و از جاذبه‌های گردش‌گری این کشور به‌شمار می‌رود. شی‌هوانگ‌دی پیش‌بینی کرده بود که سلسله‌ی چِاین، که او بنیاد نهاد، تا ۱۰هزار نسل ادامه یابد؛ اما پس از مرگ او، این سلسله بیش از چهار سال دوام نیافت. با این حال امپراتوری چین، که او تأسیس کرد، تا حدود ۱۰۰ سال پیش (۱۹۱۱ م.) که نظام این کشور به همت دکتر سون‌یات‌سن به جمهوری تبدیل شد، پایدار بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سون یات‌سن ، کنفوسیوس



صابری، کیومرث

(۱۳۸۳ ـ ۱۳۲۰ هـ.ش.)

طنزپرداز و مؤسس مجله‌ی گل‌آقا

اهل صومعه‌سرا و دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران بود. در رشته‌ی ادبیات تطبیقی نیز مدرک کارشناسی ارشد داشت. از نوجوانی ذوق طنزپردازی داشت؛ از این رو، در سال ۱۳۴۰ وقتی هنوز دانشجو بود، به روزنامه‌ی فکاهی **توفیق** پیوست و معاون سردبیر شد. آشنایی او با محمدعلی رجایی در سال ۱۳۵۰ باعث شد این دو در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز همکار شوند. صابری مشاور فرهنگی رجایی در دوره‌ی نخست‌وزیری او بود. کار طنزپردازی صابری با امضای **گل‌آقا** از روزنامه‌ی اطلاعات با نوشتن مطالبی با عنوان **دو کلمه حرف حساب** آغاز شد و سپس به انتشار **هفته‌نامه‌ی گل‌آقا** در سال ۱۳۶۷ رسید. هفته‌نامه‌ی گل‌آقا خیلی زود مورد توجه و علاقه‌ی مردم قرار گرفت. اما صابری در سال ۱۳۸۱، با یک تصمیم ناگهانی، انتشار آن را متوقف کرد و دو سال بعد نیز خودش به بیماری سرطان خون درگذشت. پس از مرگ او دخترش، پوپک صابری، **ماه‌نامه‌ی گل‌آقا** را منتشر کرد. در سال ۱۳۸۳، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در مراسم بزرگ‌داشتی، از خدمات شادروان کیومرث صابری تجلیل کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

توفیق ، رجایی



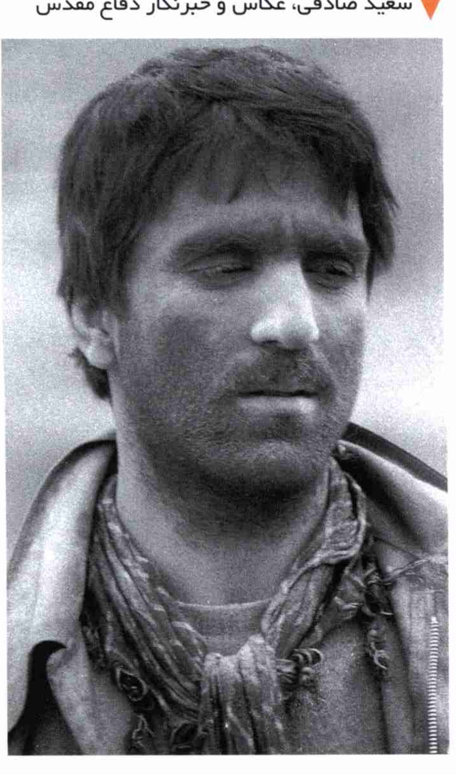
صادقی، سعید

(تولد: ۱۳۳۲هـ.ش.)

عکاس

در تبریز به دنیا آمد. از سال ۱۳۵۷، به طور جدی و پرشور وارد فعالیت در عرصه‌های گوناگون انقلاب اسلامی و راه‌پیمایی‌ها شد. سپس کار حرفه‌ای خود را دنبال کرد و عکاس روزنامه‌ی جمهوری اسلامی شد. با آغاز جنگ، و تا آخرین روز آن پیوسته در جبهه‌ها بود. پس از جنگ به عرصه‌ی

▼ سعید صادقی، عکاس و خبرنگار دفاع مقدس





▲ تصویری از پشت جبهه‌ی دفاع مقدس که سعید صادقی ثبت کرده است.

سینما وارد شد. سعید صادقی بسیار پرکار است و تاکنون جوایز و مقام‌های بسیاری کسب کرده است. جایزه‌ی بزرگ یونسکو (۱۳۶۷)، مقام اول جشنواره‌ی سینمای جوان، لوح زرین یادبود ۸ سال دفاع مقدس (۱۳۶۷)، لوح سپاس در سال‌گرد عملیات بیت‌المقدس از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی (۱۳۷۸)، لوح سپاس وزارت ارشاد اسلامی (۱۳۸۳)، و جایزه‌ی ویژه‌ی حوزه‌ی هنری برای عکاس برگزیده‌ی جنگ (۱۳۷۹) از افتخارات اوست. صادقی بیش از ۲۰ مقاله نوشته و کتاب‌هایی نیز چاپ کرده است. **دفاع عاشقانه و زندگی دوباره**، **انّا فتحنا** (۳ جلد)، **بهار حلبچه** (۲ جلد)، **مجموعه عکس‌های روایت فتح**، **شکوفه‌های شکسته** و **مجموعه عکس‌های دفاع مقدس** (۷ جلد) از آثار اوست.



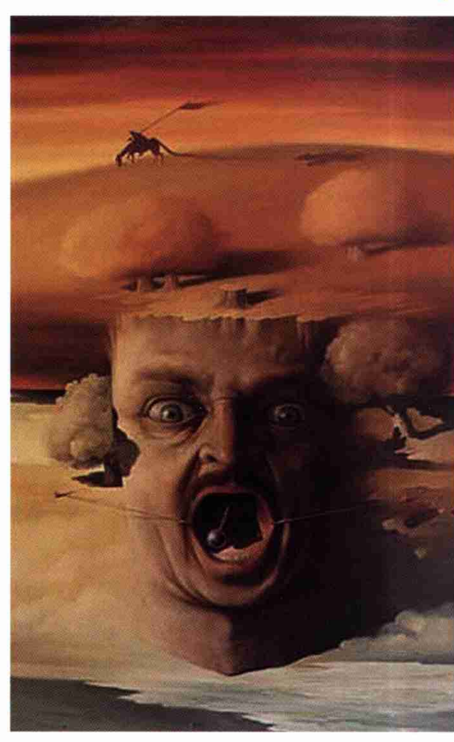
صادقی، علی‌اکبر

(تولد: ۱۳۱۶هـ.ش.)

نقاش، تصویرگر و فیلم‌ساز

در تهران به‌دنیا آمده و فارغ‌التحصیل رشته‌ی نقاشی از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او از نقاشان خلّاق معاصر به‌شمار می‌رود و سبک خاصی دارد. او این سبک خاص را تحت تأثیر نقاشی قهوه‌خانه، شمایل‌نگاری و چهره‌نگاری عصر قاجار ابداع کرده است. صادقی از نخستین هنرمندانی بود که با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری کرد و علاوه بر تصویرگری کتاب‌های کودکان، به ساخت فیلم‌های انیمیشن نیز پرداخت. کتاب **پهلوان پهلوانان** و فیلم‌های متحرک **گل‌باران**، **رخ**، **من آنم که...**، **ملک خورشید**، **هفت شهر** و **زال و سیمرغ** حاصل سال‌های همکاری او با کانون است. پس از انقلاب نیز نقاشی را فعالانه دنبال کرد و با تأسیس **نگارخانه‌ی سبز**، آثار بسیاری به نمایش گذاشت. صادقی در ۲۵ نمایشگاه فردی و گروهی شرکت و از آثارش هفت جلد کتاب منتشر کرده و جوایز داخلی و خارجی بسیاری نیز دریافت داشته است. سبک صادقی در نقاشی، نوعی سورئالیسم ایرانی است که در آن‌ها از نمادهای اساطیری نیز استفاده می‌کند.

▼ یکی از آثار علی‌اکبر صادقی، رنگ و روغن روی بوم





صبا، ابوالحسن

(۱۳۳۶ ـ ۱۲۸۱هـ.ش.)

استاد موسیقی ایرانی

از نوادگان فتحعلی‌خان صبا، ملک‌الشعرای دربار فتحعلی‌شاه قاجار، بود. پدرش کمال‌السّلطنه پزشک بود و از ذوق هنری نیز بهره داشت. نزد استادانی مانند میرزا عبدالله، درویش‌خان و علی‌نقی وزیری موسیقی یاد گرفت. با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، عربی و ترکی به خوبی آشنا بود. به شعر و ادب علاقه داشت و نقاشی را نیز از کمال‌الملک آموخت. صبا برای موسیقی ایران، چند کار مهم انجام داد. او موسیقی ایرانی را از حالت شنیداری و تجربی خارج و آن را مکتوب کرد؛ ویلن را، که سازی خارجی است، به‌گونه‌ای به موسیقی ایرانی وارد کرد که گویی از اول از آلات موسیقی ایران بوده است؛ موسیقی ایرانی را از نظر علمی ارتقا داد و اصالت آن را آشکار ساخت. با سفر به گوشه و کنار ایران، حتی در تعزیه‌ها و روضه‌خوانی‌ها، نواها و نغمه‌هایی را که در میان مردم رایج بود، گردآورد و آن‌ها را به نُت یا زبان موسیقی تبدیل کرد. صبا در نواختن سازهایی مانند ویلن، تار، سنتور و... استاد بود. خودش شاگرد **کلنل**

علی‌نقی وزیری بود و شاگردانی چون مهدی خالدی، علی تجویدی و فرامرز پایور تربیت کرد. آهنگ‌های **زنگ شتر، زرد ملیجه، به‌زندان،** و **به یاد گذشته** از آثار اوست. صبا در سال ۱۳۳۶، در پی بیماری قلبی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پایور ، وزیری (علی‌نقی)



صبا، محمودخان ملک‌الشّعرا

(۱۳۱۱ ـ ۱۲۲۸ ه.ق.)

نقاش عصر قاجار

خاندان صبای کاشانی، خانواده‌ای اهل ادب و هنر و فرهنگ بودند و چهره‌های برجسته‌ای از میان آن‌ها به ظهور رسیده است. محمودخان صبا یکی از آنان و بزرگ‌ترین نقاش عهد ناصری است. در تهران به‌دنیا آمد. جدا از نقاشی، که در آن به بالاترین درجه در زمان خود رسید، مردی عالم و ذوفنون بود. در ادبیات عرب، حدیث، تفسیر قرآن، ریاضیات، حکمت، تاریخ، شعر، انشا و حتی خوش‌نویسی، مجسمه‌سازی، میناکاری، منبت‌کاری و قلمدان‌نگاری توانا بود. محمودخان نقاش مناظر شهری است و تصویرهایی دقیق و مستند از بناهای آن دوره، از او به یادگار مانده است. نقاشی‌های صبا در عین گرایش به طبیعت نقاشی‌های خارجی، دارای ویژگی‌های نگارگری ایرانی است که حالتی دو رگه به آثار او بخشیده است. یحیی ذکاء، کارشناس هنرهای قاجاری، عقیده دارد که اگر سبک نقاشی ابوالحسن غفاری و محمودخان صبا در ایران ادامه و تکامل می‌یافت و در اثر شیوه‌ی کمال‌الملک معدوم نمی‌شد، شاید اکنون نقاشان ایران مکتب اصیل و شناخته شده‌ای داشتند و هنر نقاشی ایران را بر پایه‌ی هنر ملی به پیش رانده بودند. از آثار صباست: **پذیرایی رسمی، استنساخ، سفره‌ی ایرانی، آستان حضرت رضا** (ع) و **کاخ گلستان.**

هم‌چنین نگاه کنید به:

صنیع الملک ، کمال‌الملک



یکی از آثار هنری محمودخان ملک‌الشعرا صبا

صبّاح، حسن

(۵۱۸ ـ ۴۶۴ه.ق.)

رهبر فرقه‌ی اسماعیلیه

در ری متولد شد. نخست شیعه‌ی اثنی‌عشری بود؛ ولی بعدها به مذهب اسماعیلی گروید. به توصیه‌ی یکی از رهبران اسماعیلی به نام عبدالملک عطّاش، به مصر، که مرکز اسماعیلیان فاطمی بود، رفت و یک سال در آن‌جا تعلیم دید. سپس برای تبلیغ این مذهب به ایران بازگشت و فعالیت خود را آغاز کرد. زیاد شدن پیروان حسن صباح سبب شد خواجه نظام‌الملک، وزیر سلجوقیان، دستور تعقیب او را صادر کند. حسن به کوهستانی در شمال قزوین رفت و در قلعه‌ی الموت، که به معنای آشیانه‌ی عقاب است، پناه گرفت و بیش از پیش به تبلیغ مذهب خود پرداخت. او گروهی را به قُهستان در خراسان فرستاد و در آن‌جا نیز قلعه‌هایی به‌دست آورد. با کشته شدن خواجه نظام‌الملک و دو پسر او و سپس ملکشاه به دست فداییان اسماعیلی، که سبب شد قدرت سلجوقیان کم شود، بر قدرت حسن صباح و شمار اسماعیلیان افزوده شد. حسن مردی متعصب و خشک بود و حتی دو پسر خود را به دلیل تخلفات مذهبی کشت. دژهای بسیاری ایجاد کرد که در هر یک شخصی به نام «محتشم» فرمان می‌راند. به پیروان حسن صبّاح، صباحیه می‌گفتند. او بر اثر بیماری درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

خواجه نصیرالدین توسی، هلاکوخان مغول



صبحی مهتدی، فضل‌الله

(فوت: ۱۳۴۱ه.ش.)

قصه‌گوی کودکان

اهل کاشان بود. نخست بهایی بود و از

مبلّغان آن به‌شمار می‌رفت. سال‌ها در آذربایجان، قفقاز، آسیای میانه و عثمانی به تبلیغ این مسلک پرداخت. حتی به فلسطین رفت و مدتی نزد عباس افندی، معروف به عبدالبها، به‌سر برد. اما سرانجام توبه کرد و مهتدی (هدایت‌یافته) شد و خاطرات خود را، که در ردّ دین بهایی بود، منتشر کرد. صبحی سال‌ها معلم مدرسه و دبیر زبان و ادب فارسی و حتی یک سال معلم دانشکده‌ی حقوق بود. دانش زیادی در زمینه‌ی ادبیات فارسی و قصه‌ها و داستان‌ها و فرهنگ عوام داشت. از این‌رو، در همان روزهای اول تأسیس رادیو ایران (۱۳۱۹ه.ش.) به رادیو رفت و با نام **پدر بچه‌ها** قصه‌گویی برای کودکان را آغاز کرد و این کار را ۲۰ سال، تا وقتی که به بیماری سرطان مبتلا شد، ادامه داد. او را پس از مرگ، در گورستان ظهیرالدوله‌ی شمیران به خاک سپردند. او از میان قصه‌هایی که گردآوری می‌کرد، چند جلد کتاب با نام‌های **افسانه‌ها** (۲ جلد)، **افسانه‌های کهن** (۲ جلد)، **دژ هوش‌ربا**، **افسانه‌های بوعلی‌سینا** و **داستان‌های دیوان بلخ** را منتشر کرد.

همچنین نگاه کنید به:
سرشار، میرکیانی



صدّام حسین

(۲۰۰۶ ـ ۱۹۳۰ م.)

دیکتاتور عراق

در تکریت به‌دنیا آمد. در کودکی یتیم شد و دایی‌اش سرپرستی او را به‌عهده گرفت. در جوانی وارد حزب بعث شد و در ترور عبدالکریم قاسم، نخست‌وزیر عراق، شرکت کرد. ترور موفقیت‌آمیز نبود و صدام به مصر گریخت. در مصر با جاسوسان و عوامل سازمان **سیا** مرتبط شد و این ارتباط، بعدها به صورت مرموزی ادامه یافت. هنگامی که بعثی‌های عراق کودتا کردند و عبدالکریم قاسم را کشتند، صدام به عراق بازگشت و معاون رئیس‌جمهوریِ کودتا، احمد حسن‌البکر شد. در این دوره، صدام حسین را **مرد نیرومند عراق** می‌نامیدند؛ زیرا با سفّاکی و بی‌رحمی تمام، هر مخالفی را از سر راه برمی‌داشت. صدام در سال ۱۹۷۹، سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، البکر را کنار زد و خودش رئیس‌جمهوری عراق شد. دو سال بعد با حمله‌ای وسیع و همه‌جانبه، جنگی را به ایران تحمیل کرد که ۸ سال طول کشید، صدها هزار تن از دو طرف را به کشتن داد، خسارت بسیاری به‌بار آورد و سرانجام جنگ بدون دست‌آوردی برای عراق به پایان رسید. صدام دو سال بعد از جنگ، کویت را اشغال کرد که سبب شد نیروهای چند ملیّتی به سرکردگی آمریکا او را از کویت بیرون برانند که در این ماجرا هزاران سرباز عراقی نابود شدند. سرانجام، در سال ۲۰۰۳ میلادی، آمریکا و انگلستان، بغداد پایتخت عراق را به بهانه‌ی این‌که صدام سلاح‌های کشتار جمعی دارد، اشغال و حکومت او را ساقط کردند. صدام مخفی شد؛ اما چند ماه بعد، او را که در دخمه‌ای پنهان شده بود، یافتند و به دولت عراق تحویل دادند. دولت عراق نیز او و برادرش، برزان تکریتی را به اتهام جنایت بر ضد مردم عراق و بمباران شیمیایی مردم کُرد، محاکمه و به اعدام محکوم کرد. آن دو در سال ۲۰۰۶ به دار آویخته شدند.



▲ صدام حسین سیاست‌مداری جنایت‌کار و بی‌تدبیر بود که سرانجام به دست حامیان خودش از میان برداشته شد.

صدام در راه رسیدن به اهدافش از هیچ جنایتی روی‌گردان نبود. یکی از بارزترین جنایت‌های او، بمباران شیمیایی شهر حلبچه بود که بیش از ۵هزار نفر را در دَم نابود کرد.



صدر، سیدمحمد باقر

(۱۳۵۸ ـ ۱۲۱۳ ه.ش.)

مرجع دینی و متفکر بزرگ اسلامی

سیدمحمدباقر صدر، از خاندانی برخاسته بود که طی چند قرن، علما و دانشمندان بزرگی در آن به ظهور رسیدند. نام پدرش سیدحیدر و از مراجع بزرگ شیعه بود. سیدمحمدباقر در کاظمین به‌دنیا آمد. کودکی فوق‌العاده با استعداد و باهوش بود. هنگامی که به دبستان می‌رفت، مدیر و معلمان برای او احترام خاصی قایل بودند. در ۱۱ سالگی درس منطق را فراگرفت و در ۱۲ سالگی در درس آیت‌الله خویی حاضر

شد و چیزی نگذشت که در مقام یکی از چهره‌های عالِم، روشن‌فکر و مجاهد، در حوزه‌های علمیه‌ی عراق شناخته شد. او در همه‌ی زمینه‌های علمی و فقهی حرف‌های نو و تازه‌ای داشت. دو کتابش به نام‌های **فلسفه‌ی ما** و **اقتصاد ما**، که به فارسی نیز ترجمه شده، از کتاب‌های مشهور در این زمینه است. آیت‌الله صدر برای احیای اسلام، بسیار تلاش می‌کرد و در این راه با امام خمینی هم‌فکر و هم‌گام و از رهروان ایشان بود. خودش نیز در عراق سازمانی برای مبارزه با بعثی‌ها به نام **حزب‌الدّعوة‌الاسلامیه**، با همکاری عده‌ای دیگر تشکیل داد که بعد از سقوط صدام، نقش بسیار مهمی در دولت جدید ایفا کرد. آیت‌الله صدر شاگردان بسیاری نیز پرورش داد که عالمانی مانند سیدمحمد باقر حکیم، سیدمحمود هاشمی شاهرودی و سیدکاظم حسینی حائری از جمله‌ی آنان بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موج شادی عراق را فراگرفت و گرایش مردم به آیت‌الله صدر بیش‌تر شد. او نیز بر فعالیت‌های خود افزود و در پیام‌هایی به مردم عراق، آن‌ها را تهییج کرد. این امر رژیم بعثی عراق را به وحشت انداخت و آن رژیم از ترس آن که مبادا مردم عراق نیز به رهبری سیدمحمدباقر صدر قیام کنند، این عالم بزرگ و خواهرش بنت‌الهدی را، که زنی پارسا، عالم و شجاع بود، دستگیر کرد و چهار روز بعد هر دو را به شهادت رساند. محل مزار این برادر و خواهر پس از سقوط صدام کشف شد. سیدمحمدباقر صدر و پسرعمویش، امام موسی صدر، یکی در عراق و دیگری در لبنان، نقش بزرگی در بیداری اسلامی ایفا کرده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صدر (سید موسی)



صدر، سید موسی

(تولد: ۱۳۰۷ ه.ش.)
رهبر شیعیان لبنان

سیدموسی صدر، معروف به امام موسی صدر، در قم زاده شد. پدرش، آیت‌الله سیدصدرالدین صدر، از مراجع تراز اول قم و مادرش دختر آیت‌الله حاج‌آقا حسین قمی بود. سیدموسی صدر در حوزه‌ی علمیه‌ی قم تحصیل کرد و هم‌زمان از دانشگاه تهران لیسانس اقتصاد گرفت. با دکتر سیدمحمد بهشتی هم‌راز و هم‌دل بود و هر دو در زمینه‌ی بیدارگری اسلامی و آگاهی دادن به جوانان، بسیار فعال بودند. در پی درگذشت علامه شرف‌الدین، رهبر شیعیان لبنان، سیدموسی صدر به لبنان رفت و رهبری شیعیان آن‌جا را به‌عهده گرفت. این مردم، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فرهنگی، بسیار محروم و عقب‌نگه‌داشته شده بودند. لقب «امام» را هم در لبنان به سیدموسی صدر دادند. صدر طی چند سال فعالیت، در عزت بخشیدن به شیعیان لبنان تحول بزرگی به‌وجود آورد. از جمله، مجلس اعلای شیعیان لبنان را بنیان نهاد و خود ریاست آن را به‌عهده گرفت؛ کمک‌های اقتصادی بسیار برای مردم گردآوری کرد؛ به کمک دکتر مصطفی چمران، هنرستان صنعتی جبل‌عامل را تأسیس کرد و در زمینه‌ی نظامی نیز جنبش افواج مقاومت لبنانی (امَل) را بنیان نهاد. این جنبش در مبارزه با اسرائیل نقش مهمی ایفا کرد و بخشی از نیروهای آن بعداً جنبش حزب‌الله را تشکیل دادند. در شهریور سال ۱۳۵۷ه.ش. امام موسی صدر برای شرکت در جشن‌های سال‌گرد استقلال لیبی به این کشور دعوت شد. اما هرگز از آن‌جا خارج نشد. دولت لیبی ادعا می‌کند که او و همراهانش به ایتالیا رفته‌اند؛ اما دولت ایتالیا هم مدرکی مبنی بر ورود آنان به این کشور ندارد. به گمان بسیاری، امام موسی صدر به وسیله‌ی دولت لیبی به صورت مرموزی ربوده شده و سرنوشتش هم‌چنان در پرده‌ی ابهام است.

▼ **نقش تحول‌ساز امام موسی صدر در لبنان با هیچ شخصیت دیگری قابل مقایسه نیست.**



هم‌چنین نگاه کنید به:
بهشتی ، چمران ، شرف‌الدین



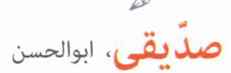
صدوقی، محمد

(۱۳۶۱ ـ ۱۳۷۸ش.)
امام جمعه‌ی یزد و چهارمین شهید محراب

در یزد چشم به جهان گشود. خاندان پدری‌اش از نسل شیخ صدوق‌اند و پدرش یکی از روحانیان معروف یزد بود. صدوقی نخست در یزد و اصفهان تحصیل کرد. سپس برای ادامه‌ی آن به قم رفت. او ۲۱ سال از محضر عالمان بزرگ حوزه، چون حائری یزدی، صدر، حجت، بروجردی و امام‌خمینی بهره برد. در سال ۱۳۳۰ به یزد بازگشت و به انجام وظایف دینی و شرعی و حل مسائل مردم مشغول شد. صدوقی از یاران امام‌خمینی بود و از آغاز نهضت

۱۵ خرداد، رهبری مبارزات اسلامی مردم یزد را به‌عهده داشت. در سال‌های انقلاب اسلامی، با جسارت و شجاعت تمام به میدان آمد و مبارزات را سامان داد. پس از انقلاب اسلامی، از سوی امام‌خمینی امام جمعه‌ی یزد شد و با اراده‌ای قوی، به هدایت و ارشاد مردم مشغول گردید. او در یک روز جمعه‌ی تیرماه سال ۱۳۶۱، که مصادف با ماه مبارک رمضان بود، پس از ادای نماز جمعه، به دست یکی از منافقین به شهادت رسید. پیکر آیت‌الله صدوقی را در مسجد حظیره‌ی یزد، که خودش امام جماعت آن‌بود، به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شیخ صدوق



صدّیقی، ابوالحسن

(۱۳۷۴ ـ ۱۲۷۶ه.ش.)
پدر مجسمه‌سازی ایران

صدیقی، شاگرد کمال‌الملک و یکی از برجسته‌ترین مجسمه‌سازان معاصر و پیش‌گام این هنر در ایران بود. در محله‌ی عودلاجان تهران به‌دنیا آمد. نخست در مدرسه‌ی فرانسوی آلیانس درس خواند و چون به نقاشی علاقه داشت، به مدرسه‌ی صنایع مستظرفه رفت و زیر نظر کمال‌الملک نقاشی آموخت. پس از تحصیل، کمال‌الملک او را در همین مدرسه استخدام کرد. صدیقی، که به مجسمه‌سازی نیز بسیار علاقه داشت، پس از رفتن کمال‌الملک به نیشابور، راهی اروپا شد و چهار سال در مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس، پیکرسازی آموخت و به ایران بازگشت. او، که عضو انجمن آثار ملی بود، مجسمه‌های بسیار ارزش‌مندی مانند **مجسمه‌ی فردوسی** در تهران، **مجسمه‌ی سعدی** در شیراز، **مجسمه‌ی نادرشاه و سربازانش** در مشهد، **مجسمه‌ی فردوسی** در توس، **نیم‌تنه‌ی حکیم عمر خیام**، **مجسمه‌ی یعقوب لیث** در دزفول، و **فرشته‌ی عدالت** در دادگستری تهران ساخت. در سال ۱۳۷۲ کمیسیون یونسکو، یادنامه‌ای را در بزرگ‌داشت این استاد هنرمند انتشار داد. مزار او در قطعه‌ی هنرمندان بهشت‌زهراست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صنعتی(سید علی اکبر) ، قهاری کرمانی، کمال‌الملک

این مجسمه را فریدون صدیقی، فرزند ابوالحسن صدیقی از پدرش ساخته است.



صفّارزاده، طاهره

(۱۳۸۷ ـ ۱۳۱۵ه.ش.)
شاعر، نویسنده، مترجم و خادم قرآن



اهل سیرجان کرمان بود. از دانشگاه تهران مدرک لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و از دانشگاه آیوای آمریکا نیز در رشته‌ی نقد نظری و عملی ادبیات جهان، دکترا دریافت کرد. صفارزاده با سرودن شعر، به سبک تازه‌ای که **شعر طنین** نامیده شده، وارد فعالیت‌های ادبی شد و برای نخستین بار محمد حقوقی، در کتاب **شعر نو از آغاز تا امروز**، او را یکی از شاعران پیش‌رو معرفی کرد. صفّارزاده بعد از انقلاب اسلامی به جریان‌های مذهبی و فعالیت‌های علمی و دانشگاهی پیوست و با **ترجمه‌ی قرآن‌کریم** به زبان‌های فارسی و انگلیسی، قرآن‌پژوهی نامبردار شد. او در سال ۲۰۰۶م. از سوی سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا «**شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان**» معرفی شد. از مجموعه‌های شعری اوست: **پیوندهای تلخ**، **رهگذر مهتاب**، **طنین در دلتا**، **سدّ و بازوان**، **سفر پنجم**، **در پیشواز صلح** و **بیعت با بیداری**.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فرخزاد (فروغ)



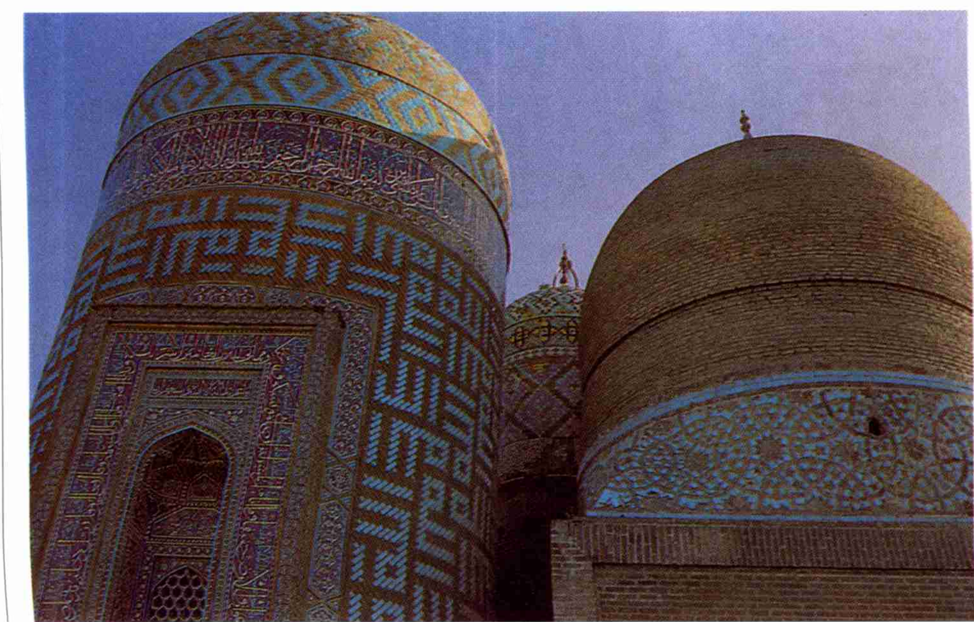
صفی‌الدین اردبیلی

(فوت: ۷۳۵ ه.ق.)

عارف و نیای خاندان صفویه

در کلخوران، نزدیک اردبیل متولد شد. در آن زمان عارفان مسلمان در آذربایجان عزّت و حرمت بسیار داشتند. صفی‌الدین در جوانی به شیراز رفت تا عارفی بجوید و نزد او کسب مقامات عرفانی کند. در شیراز، سعدی را ملاقات کرد؛ ولی عارفی را که می‌جُست، نیافت. اما چون در آن‌جا آوازه‌ی **شیخ زاهد گیلانی** را شنید، به لاهیجان رفت و ۲۲ سال در خدمت او بود. صفی‌الدین دختر شیخ زاهد را به همسری گرفت و پس از مرگش جانشین او شد. اما در لاهیجان نماند و به اردبیل رفت و خانقاه خود را در اردبیل تأسیس کرد. شیخ صفی سلسله‌ی تصوّف خود را در آذربایجان و آسیای صغیر (ترکیه) توسعه داد و مریدان بسیار یافت. خواجه رشیدالدین فضل‌الله از مریدان و دوست‌داران شیخ صفی بود و مخارج خانقاه او را می‌داد. هنگامی که تیمور لنگ به اردبیل رفت، به درخواست شیخ‌صفی اسیران بسیاری را، که از آناتولی آورده بود، آزاد کرد. حدود ۱۵۰ سال بعد از فوت شیخ صفی، نوادگان او به نام سلسله‌ی صفویه در ایران به قدرت رسیدند و مبدأ تحول بسیار بزرگی در تاریخ ایران شدند. مزار شیخ صفی و عده‌ای از فرزندان و نوادگانش در اردبیل است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فضل‌الله همدانی



▼ **بقعه‌ی صفی‌الدین اردبیلی، محل آرامگاه بسیاری از دیگر افراد خاندان صفوی، از جمله شاه اسماعیل نیز هست. گنبد سمت چپ به گنبد اللّه اللّه مشهور است.**



صفیّه گل‌رخسار

(تولد: ۱۳۲۵ه.ش.)

شاعره‌ی تاجیک

خانم صفیه گل‌رخسار، و آن‌طور که در کشورش گفته می‌شود، گل‌رخسار صفی‌اُرا، شاعر و قصه‌نویس تاجیک است. او از چهره‌های برجسته‌ی فرهنگی آن کشور به‌شمار می‌رود. در روستای یخچ به‌دنیا آمد. از ۱۲ سالگی شعر می‌سرود. در دانشگاه دوشنبه لیسانس گرفت و از ۲۵ سالگی عضو کانون نویسندگان روس شد. آثارش به زبان‌های روسی، آلمانی و فرانسوی ترجمه شده است. از کارهای ارزش‌مند او، تأسیس کتاب‌خانه‌ای با ۵۰ هزار جلد کتاب در زادگاهش است. شعرهای او از تازگی سرشار است و معمولاً دارای مضمون‌هایی از میهن‌پرستی همراه با عفاف زنانه است. او دو دوره نماینده‌ی مجلس تاجیکستان بود. از آثار اوست: **آینه‌ی روز، گهواره‌ی سبز، شبنم، قصیده‌ی کوهستان، روح باختر، آتش و خانه‌ی پدر.** گل‌رخسار چند بار به ایران سفر کرده است.



صلاح‌الدین ایّوبی

(۵۸۹ ـ ۵۳۲ه.ق.)

فاتح بیت‌المقدس در جنگ‌های صلیبی

اجداد صلاح‌الدین از کُردهای ساکن شمال آذربایجان بودند؛ ولی خودش در تکریت عراق به‌دنیا آمد. مردی شجاع، جوان‌مرد، تحصیل‌کرده و آبادگر بود. هنگامی که به مصر رفت، علما و ادبا را به سوی خود جلب کرد و وزیر عاضد، خلیفه‌ی فاطمی، شد. بعد از عاضد خودش بر مصر حاکم گشت و سلسله‌ی ایوبیان را تأسیس کرد. او مذهب تسنّن شافعی را به جای تشیّع فاطمی در مصر رسمیت بخشید. صلاح‌الدین دو بار با صلیبیان جنگ کرد و هر دو بار پیروز شد. بار نخست قدس را، که حدود ۹۰ سال در اشغال صلیبیان اروپایی بود، از آنان باز پس گرفت؛ این امر سبب شد فرانسه، آلمان و انگلستان جنگ دیگری بر ضد او راه بیندازند. ولی این بار نیز صلاح‌الدین آن‌ها را شکست داد و اروپاییان را برای قرن‌ها از سرزمین‌های اسلامی بیرون راند. بعد از صلاح‌الدین، فرزندانش سلسله‌های ایوبیان دمشق، حلب، عربستان و مصر را به‌وجود آوردند. او در دمشق درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. آرامگاه او و جمعی از افراد خانواده‌اش در مقابل قلعه‌ی صلاح‌الدین دمشق باقی است.



▲ صلاح‌الدین ایّوبی در جنگ حِطّین، که در سال ۱۱۸۷ میلادی روی داد، در یک روز داغ آفتابی، سربازان صلیبی را به بالای تپه‌ای کشید. تا در میان ساز و برگ جنگی و زره‌های آهنی خود از شدت گرما ناتوان شوند، آن‌گاه صلاح‌الدین آن‌ها را محاصره کرد و همه را از پای درآورد.



صنعتی، حاج علی‌اکبر

(۱۳۱۸ ـ ۱۲۳۸هـ.ش.)
نیکوکار و خدمت‌گزار محرومان

مردی خیراندیش، روشن‌بین و با دیانت از اهالی کرمان بود که در زمان ناصرالدین‌شاه زندگی می‌کرد. در کرمان کارگاه بافندگی داشت و از این راه، جمعی نیازمند را به کار گرفته بود و زندگی آن‌ها را تأمین می‌کرد. هنگامی که به سفر حج رفته بود، از طریق کشور عثمانی بازگشت و در استانبول توقف کرد. آن زمان، سیدجمال‌الدین اسدآبادی در استانبول می‌زیست. صنعتی به اتفاق هم‌شهری خود، میرزا آقاخان کرمانی، به دیدار اسدآبادی رفت و بین آن دو گفت‌وگویی صورت گرفت. سید در پاسخ حاجی علی‌اکبر، که از او طریق انسان بودن و انسان زیستن را پرسید، گفت: «چون تو در عالم سیاست نیستی، به کرمان برگرد و کمر به یاری محرومان و بینوایان بند و یادت باشد که عبادت به جز خدمت خلق نیست.» صنعتی به کرمان برگشت و از مسئولانِ شهر زمینی خواست تا در آن پرورشگاهی بسازد. اتفاقاً زمینی را برای ساختن زندان آماده می‌کردند. او گفت این زمین را به من بدهید تا نیاز به زندان نباشد؛ زیرا همین کودکان یتیم و بی‌سرپرست غالباً دزد و جنایت‌کار و زندانی می‌شوند. سپس زمین را گرفت و با کمک دیگران پرورشگاهی در آن ساخت. در کنار آن هم کارگاهی تأسیس کرد تا بچه‌های یتیم، به کار بپردازند.
نقاش و هنرمند برجسته‌ی معاصر، استاد سیدعلی‌اکبر صنعتی، یکی از پرورش‌یافتگان حاج‌علی‌اکبر بود.

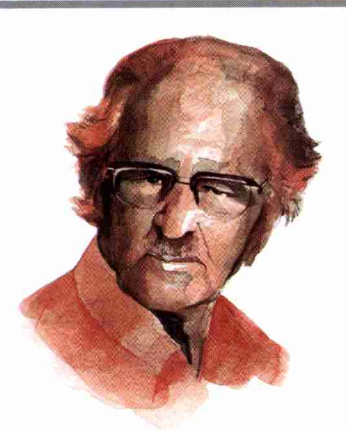
👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
صنعتی (سید علی‌اکبر) ، صنعتی‌زاده



صنعتی، سیدعلی‌اکبر

(۱۳۸۵ ـ ۱۲۹۵هـ.ش.)
نقاش و مجسمه‌ساز

در کرمان متولد شد. خردسال بود که پدرش در اثر بیماری طاعون درگذشت. مادرش او را به پرورشگاه حاج علی‌اکبر صنعتی، مرد نیکوکار کرمانی، سپرد. بعدها حاج علی‌اکبر نام خانوادگی خود را روی او گذاشت تا بتواند در مدرسه ثبت‌نام کند. استعداد نقاشی علی‌اکبر در همان کرمان آشکار و سبب شد حاج علی‌اکبر او را تشویق و برای تحصیل در مدرسه‌ی کمال‌الملک به تهران اعزام کند. صنعتی در تهران نزد حسین طاهرزاده بهزاد نقاشی و نزد ابوالحسن صدیقی مجسمه‌سازی آموخت



و در این دو رشته استاد شد. سپس به کرمان بازگشت و چند سال در آن شهر به آموزش هنر پرداخت. ولی باز به تهران رفت و مشغول کار شد. صنعتی هنرمندی مردمی بود و هنرش را در خدمت بینوایان و محرومان جامعه قرار داده بود. نمایشگاه آثار او، که سال‌هاست در میدان امام‌خمینی تهران دایر است، این موضوع را آشکار می‌سازد. صنعتی در حدود ۱۰۰ نقاشی و ۴۰۰ مجسمه از خود بر جای گذارده است. کشیدن تصویر یا ساختن مجسمه‌ی بسیاری از مشاهیر ایران و جهان مانند: **گاندی، نهرو، پاستور، ابن‌سینا، کمال‌الملک، دهخدا، فردوسی، نظامی، حافظ، نادرشاه، مدرس، ستارخان، باقرخان، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، ملاهادی سبزواری، آل‌احمد** و **نیما یوشیج** از کارهای اوست. سه پسر صنعتی، احمد و محمود و محمد، مانند پدرشان، در نقاشی چیره‌دست‌اند. استاد صنعتی در زمان حیات، نشان افتخار ۶۰ سال خدمت شایسته را از دست رئیس جمهوری وقت، دریافت کرد.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
صدیقی ، صنعتی (حاج علی‌اکبر) ، قهاری ، کمال‌الملک



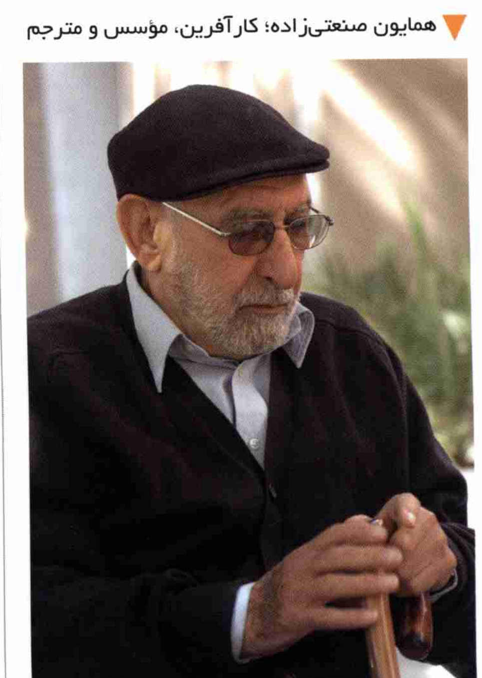
صنعتی‌زاده، همایون

(۱۳۸۸ ـ ۱۳۰۴هـ.ش.)
بنیان‌گذار چاپ‌خانه‌ی اُفست

نوه‌ی حاج علی‌اکبر صنعتی است و پدرش،

عبدالحسین صنعتی، مردی دانشور و نویسنده‌ی چند رمان تاریخی بود. همایون صنعتی‌زاده در کرمان چشم به جهان گشود. کودکی و نوجوانی را در همان شهر نزد پدربزرگش گذراند. در جوانی به تهران رفت و به کارهای فرهنگی و مطبوعاتی پرداخت. او در تأسیس **انتشارات فرانکلین**، که آمریکایی‌ها در ایران دایر کردند، همکاری کرد. صنعتی‌زاده نخست کتاب‌هایی برای بچه‌ها ترجمه و چاپ کرد و در همان حال، به فکر تأسیس چاپ‌خانه‌ی اُفست افتاد. در قدم اول، با خرید و وارد کردن ماشین‌آلات چاپ از خارج، ۴۰ نفر از بچه‌های پرورشگاه کرمان را به تهران آورد و با استفاده از کارشناسان خارجی، آن‌ها را آموزش داد. کار اُفست در سال‌های اول تأسیس، چاپ کتاب‌های درسی دبستان‌ها بود که با کیفیت خوب، به سرمایه‌ی دولت چاپ و به رایگان توزیع می‌شد. اُفست به تدریج به بزرگ‌ترین شرکت چاپ ایران تبدیل شد و اکنون علاوه بر چاپ میلیون‌ها جلد کتاب درسی در سال، به چاپ کتاب‌های غیر درسی، مجله و روزنامه نیز می‌پردازد. همایون صنعتی‌زاده مردی کارآفرین و مدیری توانا بود. در اواخر عمر در کرمان به کار تولید گل، گلاب‌گیری و عطر مشغول بود. هم‌چنین مترجمی چیره‌دست بود و کتاب‌هایی چون **جشن‌های ایرانیان**، **جغرافیای استرابو**، **تقویم‌شناسی** و **گاه‌شماری ایرانی** را به فارسی ترجمه کرد.

▼ همایون صنعتی‌زاده؛ کارآفرین، مؤسس و مترجم



هم‌چنین نگاه کنید به:
جعفری (عبدالرحیم)، رمضانی، صنعتی (حاج علی‌اکبر)، کتابچی



صنیع‌الملک

(۱۲۸۳ ـ ۱۲۲۹هـ.ق.)
نقاش عهد ناصری

ابوالحسن غفاری معروف به صنیع‌الملک از خاندان هنرمند غفاری‌های کاشان و عموی کمال‌الملک، بزرگ‌ترین هنرمند آن عصر بود. نخستین هنرکده را تأسیس کرد و هنر گرافیک را در ایران بنیان نهاد. در محافل هنری، او را **رافائل ایران** می‌نامیدند. هنگامی که تصویری از چهره‌ی محمدشاه کشید و مورد پسند واقع شد، به نقاشان دربار پیوست. چندی برای آشنایی با هنر اروپا، به ایتالیا رفت و در بازگشت، نقاش‌باشیِ دربار ناصرالدین‌شاه شد و چهره‌ی حدود ۸۰ نفر از شخصیت‌های درباری و دولتی را کشید. کار بسیار قابل توجه و عظیم ابوالحسن غفاری، تصویرسازی برای یک نسخه‌ی خطی از **هزارویک‌شب** در شش جلد و ۲۲۸۰ صفحه و ۳۶۰۰ تصویر است که آن را با دستیاری ۳۴ نفر از شاگردانش به انجام رساند. ناصرالدین‌شاه به او لقب صنیع‌الملک داد و مسئولیت چاپ روزنامه‌ی دولت علیّه ایران را به او سپرد. ناصرالدین‌شاه خودش هم نقاشی را از صنیع‌الملک فراگرفت. ابوالحسن غفاری عمری نسبتاً کوتاه داشت؛ اما یکی از بزرگ‌ترین و خلاق‌ترین نقاشان عصر خود بود. فرزندش، یحیی غفاری، نیز نقاش برجسته‌ای بود که تصویری از پدر خود در ۴۰ سالگی کشید که از او به یادگار مانده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رافائل، صبا (محمود خان)، کتابچی



صولت‌الدوله

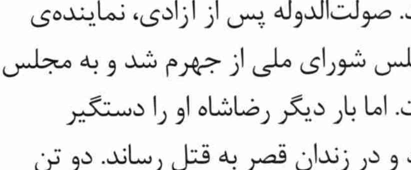
(۱۳۱۱ ـ ۱۲۵۲هـ.ش.)
رئیس ایل قشقایی

نامش اسماعیل و فرزند داراب‌خان قشقایی بود و بعد از پدر ریاست ایل را به‌عهده گرفت. لقب صولت‌الدوله را مظفرالدین‌شاه به او داد. مردی مقتدر بود و ایلات و عشایر جنوب از او فرمان می‌بردند. در ماجرای قیام تنگستانی‌ها در بوشهر، از آن‌ها حمایت کرد. با انگلیسی‌ها مخالف بود و آن‌ها را به حوزه‌ی ایلی خود راه نمی‌داد. ولی رابطه‌اش با آلمانی‌ها خوب بود. صولت‌الدوله با خلع سلاح عشایر، که خودشان مرزداران و مدافعان کشور بودند، مخالف بود و به همین

▼ تصویری از جوانی صولت‌الدوله‌ی قشقایی



سبب به زندان افتاد. در پی آن شورش عشایر بالا گرفت و رضاشاه ناچار شد او را آزاد کند. صولت‌الدوله پس از آزادی، نماینده‌ی مجلس شورای ملی از جهرم شد و به مجلس رفت. اما بار دیگر رضاشاه او را دستگیر کرد و در زندان قصر به قتل رساند. دو تن از فرزندان صولت‌الدوله به نام‌های ناصر و خسرو قشقایی، در دوران نهضت ملی نفت، از طرفداران نهضت ملی دکتر مصدق بودند.



▼ نقاشی‌های صنیع‌الملک برای کتاب هزار و یک شب، از کارهای بی نظیر و اعجاب‌آور هنر عصر قاجار است.



صیّاد شیرازی، علی

(۱۳۷۸ ـ ۱۳۲۳هـ.ش.)

فرمان‌ده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

پدرش نظامی و اهل فارس بود و خودش در درگز خراسان به‌دنیا آمد. بعد از گرفتن دیپلم وارد دانشکده‌ی افسری شد و در رشته‌ی توپ‌خانه ادامه‌ی تحصیل داد. در سال ۱۳۵۴، دوره‌ای تکمیلی را نیز در آمریکا گذراند و پس از بازگشت، در مرکز توپ‌خانه‌ی اصفهان به خدمت پرداخت.

صیاد شیرازی افسری لایق، شجاع و متدین بود. از این‌رو، به‌طور پنهانی بر ضد رژیم شاه فعالیت می‌کرد. یک سال قبل از انقلاب اسلامی، مدتی به زندان افتاد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با آغاز درگیری‌ها در کردستان، همراه با سردار رحیم صفوی به کردستان اعزام شد و توانست پادگان سنندج را از دست ضد انقلاب خارج کند. او با دکتر چمران نیز در نبردهای کردستان همکار و مورد اعتماد او بود. صیاد شیرازی در طول دفاع مقدس در جبهه‌ها بود. در سال ۱۳۶۰، از سوی امام‌خمینی به فرمان‌دهی نیروی زمینی منصوب شد و چندی نیز نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع بود. در عملیات مرصاد نیز، که به فروپاشی نیروهای مجاهدین خلق در غرب کشور انجامید، نقش فعالی داشت. امیرسپهبد صیاد شیرازی در بهار سال ۱۳۷۸، هنگامی که جانشین رئیس ستاد کل ارتش بود، به دست منافقین ترور شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
چمران



ضحّاک

پادشاه ماردوش در اساطیر ایرانی

ضحاک فرزند مردی دادگر و نیکوسیرَت به نام مُرداس بود. ابلیس ضحّاک را فریب داد تا پدرش را بکشد و خود به جای او بر تخت پادشاهی بنشیند. ضحّاک نیز فریب خورد و پدرش را کشت. ابلیس به پاداش این کار، بر شانه‌های او بوسه زد. اما از جای بوسه‌ی او، دو مار سر برآوردند. هرچه مارها را سر می‌بریدند، باز سر برمی‌آوردند. سرانجام، به ضحّاک گفتند که باید هر روز دو جوان را بکشند و مغز آن‌ها را به مارها بدهند تا آرام بگیرند. در نتیجه، جوانان بسیاری کشته شدند و مغزشان خوراک مارها شد. پس از هزار سال پادشاهی، کاوه‌ی آهنگر بر ضحّاک شورید و او را از تخت به زیر کشید و فریدون را به جای او به تخت پادشاهی نشاند. ضحّاک، در اوایل کار، به مملکت جمشید نیز دست‌اندازی کرد و او را فراری داد. سرانجام هم مأموران ضحّاک، جمشید را در چین گرفتند و کشتند. داستان ضحّاک در شاهنامه‌ی فردوسی آمده است

هم‌چنین نگاه کنید به:

جمشید ، فریدون ، کاوه



▼ **ضحاک، فرزند مُرداس، در پی ناسپاسی و قتل پدر خویش، ماردوش شد!**



ضیاءپور، جلیل

(۱۳۷۸ ـ ۱۲۹۹ه.ش.)

نقاش

در بندر انزلی به‌دنیا آمد. پس از گرفتن دیپلم، به تهران رفت و برای فراگیری موسیقی به کنسرواتور موسیقی ایران وارد شد. ولی پس از مدتی که کنسرواتور منحل شد، به رشته‌ی هنرهای تزیینی رفت. او به یادگیری تذهیب، نگارگری، طراحی فرش، طراحی کاشی و... پرداخت و سپس در دانشکده‌ی هنرهای زیبا پذیرفته شد. او در این رشته، به یادگیری طراحی داخلی، نقاشی و مجسمه‌سازی پرداخت و در سال ۱۳۵۲، با رتبه‌ی اول فارغ‌التحصیل گردید. ضیاءپور ۳ سال نیز به اروپا رفت و در پاریس به تحصیل ادامه داد و با مدرک دکتری هنر و طراحی به ایران بازگشت. پس از بازگشت، با سه نفر از دوستانش، انجمن هنری کوچکی به نام **خروس جنگی** تشکیل داد که هدف آن، ایجاد یک جنبش هنری مدرن در برابر هنر سنتی ایران بود و مجله‌ای نیز به همین نام منتشر کرد. او در راه‌اندازی دانشکده‌ی هنرهای تزیینی دانشگاه تهران نقش مؤثری داشت.



طارق‌بن زیاد

(فوت: ۱۰۲ ه.ق.)

فاتح اندلس (اسپانیا)

طارق از سرداران بزرگ در دوره‌ی فتوحات اسلامی است. او غلامی بَربَر متعلق به موسی‌بن نصیر از فرمان‌دهان ولیدبن عبدالملک، خلیفه‌ی اموی، بود. موسی‌بن نصیر او را با لشکری به فتح اندلس مأمور کرد. طارق لشکر خود را از دریا گذراند و نخست بر کوهی که بعدها به نام خودش مشهور شد، مسلط گشت. آن‌گاه دستور داد تا کشتی‌هایشان را بسوزانند تا لشکریانش بدانند که راه بازگشت ندارند و باید به پیش‌روی ادامه دهند. سپاه طارق با کشتن رودریک، فرمان‌ده لشکریان اندلس، بخش بزرگی از اسپانیا و از جمله شهرهای اشبیلیه (سویل)، قُرطبه (کوردوبا) و طُلیطله (تولدو) را تصرف کردند. فتح اندلس موجب به‌وجود آمدن تمدن و فرهنگ درخشان اسلامی در آن سرزمین شد که تا چند قرن ادامه یافت و در انتقال علم و فرهنگ شرق به اروپا مؤثر بود. طارق بن‌زیاد، که تنگه‌ی جبل‌الطّارق



به نام اوست، پس از فتح اندلس با کاروانی از اسیران و غنیمت‌های جنگی به دمشق بازگشت و در همین شهر درگذشت.



طالقانی، درویش عبدالمجید

(۱۱۸۵ _ ۱۱۵۰ هـ.ق.)

استاد خط شکسته‌نستعلیق

در طالقان به‌دنیا آمد. در اواخر عصر صفوی می‌زیست. در جوانی به اصفهان رفت و چندی زندگی درویشی پیشه کرد و به درویش معروف شد. اما بعدها به خوش‌نویسی علاقه‌مند شد و به تمرین پرداخت. او از نستعلیق شروع کرد؛ ولی خیلی زود به شکسته‌نویسی روی آورد و در این خط استادی بی‌همتا شد. با این‌که عمر کوتاهی داشت، خط شکسته را به کمال رساند و آن را قاعده‌مند کرد. کلیات سعدی، که او به خط شکسته نوشته است، در موزه‌های ایران نگهداری می‌شود. درویش شعر نیز می‌سرود و دیوان شعرش باقی است. او در اصفهان درگذشت و نزدیک تکیه‌ی میر در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
عباسی (علی‌رضا) ، میرعماد حسنی



▼ نمونه‌ای از خط شکسته نستعلیق اثر درویش عبدالمجید طالقانی



طالقانی، سیدمحمود

(۱۳۵۸ _ ۱۲۸۹هـ.ش.)

روحانی مبارز و نخستین امام‌جمعه‌ی تهران

زادگاهش روستای گِلیَرد از توابع طالقان بود. پدرش، سیدابوالحسن طالقانی، از شاگردان میرزای شیرازی در سامرّا و از هم‌فکران سیدحسن مدرس بود. سیدمحمود در ۸ سالگی با پدر به تهران آمد. در نوجوانی به قم رفت و ۱۲ سال در مدرسه‌های فیضیّه و رضویّه، نزد آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی درس خواند؛ سپس به نجف رفت و بعد از سه سال با درجه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت. آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۲۷ امامت جماعت مسجد هدایت را در تهران به‌عهده گرفت و آن را به پایگاهی برای هدایت و ارشاد مردم، به‌ویژه جوانان، تبدیل کرد. طالقانی از آغاز جوانی، با هم‌فکری علامه عسکری، در اندیشه‌ی بسط معارف قرآنی و فعالیت در راه هدایت مردم و آزادی آنان از سلطه‌ی استبداد شاهنشاهی بود و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. در مبارزه‌ی ملی شدن نفت نیز فعال بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد، با مهندس بازرگان و دکتر سحابی نهضت آزادی را برای مبارزه با رژیم تشکیل دادند. آیت‌الله طالقانی بارها به زندان و تبعید فرستاده شد و شکنجه‌های بسیار دید و آخرین بار به ده سال زندان محکوم گشت. اما در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی آزاد شد. او از یاران و ستایش‌گران امام‌خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام، امام‌جمعه‌ی تهران شد و نمازهای باشکوهی را در دانشگاه تهران اقامه کرد. او نماینده‌ی مجلس خبرگان قانون اساسی هم بود. آیت‌الله طالقانی در ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۸ بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از آثار اوست: **اسلام و مالکیّت**، **جهاد و شهادت**، **حج** و **تفسیر پرتوی از قرآن**.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بازرگان ، سحابی ، علامه عسکری



طباطبایی، سیدضیاءالدین

(۱۳۴۸ _ ۱۲۷۰هـ.ش.)

روزنامه‌نگار، نخست‌وزیر و عامل انگلستان

اهل یزد بود و در سال‌های آغاز مشروطه، روزنامه‌ی **ندای اسلام** را در یزد منتشر می‌کرد. سپس به تهران رفت و به مشروطه‌خواهان پیوست و از فعالان نهضت شد. پس از خلع محمدعلی‌شاه، روزنامه‌ی **شرق** را منتشر کرد. ولی روزنامه‌اش توقیف شد و او ناچار، چند سالی در اروپا، عثمانی، مصر، هندوستان و عراق به سر برد. بعداً به تهران برگشت و روزنامه‌ی **رعد** را منتشر کرد. نقطه‌ی عطف زندگی سیاسی سیدضیاء، همکاری با رضاخان پهلوی در کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ است که در آن خودش نخست‌وزیرِ احمدشاه و رضاخان فرمان‌ده کل قوا گردید. نخست‌وزیری او چند ماهی بیش‌تر ادامه نیافت. استعفا داد و به خارج کشور و به فلسطین (قبل از تشکیل اسرائیل) رفت. در آن‌جا به کشاورزی مشغول شد و با صهیونیست‌های مهاجر همکاری کرد. پس از شهریور ۱۳۲۰، سیدضیاء به ایران بازگشت و از سوی مردم یزد، به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در این دوره بین او و دکتر مصدق، که سوابق

بیگانه‌دوستی او را به خوبی می‌دانست، خصومت شدیدی به‌وجود آمد. طباطبایی در سال‌های آخر عمر مشاور محمدرضا پهلوی بود و در تهران درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
احمدشاه ، پهلوی (رضاشاه)



طباطبایی، سیدعبدالعزیز

(۱۳۰۸ـ ۱۳۷۴ه.ش.)
کتاب‌شناس و عالم دینی

نوه‌ی دختری آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی بود و در نجف متولد شد. تحصیلات خود را در حوزه‌ی نجف آغاز کرد و از استادان بزرگ آن حوزه، مانند سیدعبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی، بهره برد. حدود ۲۵ سال در نجف با شیخ آقابزرگ تهرانی و علامه امینی، دو عالم و کتاب‌شناس بزرگ، همکاری داشت و در تألیف کتاب **مُعجم رجال‌الحدیث** (فرهنگ محدثان) هم به آیت‌الله خویی کمک کرد. طباطبایی حدود ۵۰ سال داشت که به ایران آمد و در قم سکونت کرد. او، که در علوم کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، شرح‌حال، حدیث و رجال، مردی دانشمند بود، در قم محل مراجعه‌ی پژوهشگران و اهل تحقیق شد و در تهیه‌ی فهرست‌های گوناگون برای بسیاری از کتاب‌خانه‌های داخل یا خارج کشور همکاری کرد. در قم، مجله‌ای به نام **تُراثُنا** (میراث ما) منتشر کرد و در کنگره‌ها و مجامع علمی نیز شرکت داشت. مقالات بسیاری از او در مجله‌های عربی و فارسی در ایران و خارج چاپ شده است. او در قم درگذشت و در حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه علیهاالسلام به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آقابزرگ تهرانی ، علامه امینی



طباطبایی، سیدمحمد

(۱۲۲۰ـ ۱۲۹۹ ه.ش.)
رهبر روحانی مشروطه

سیدمحمد طباطبایی از شاگردان میرزای شیرازی در سامرا بود. پیش از آن نیز در تهران از درس‌های میرزا ابوالحسن جلوه در حکمت و فلسفه و از محضر شیخ هادی نجم‌آبادی در اصول استفاده کرده بود. هنگامی که ناصرالدین‌شاه از میرزای شیرازی خواست یک روحانی با صلاحیت را برای رهبری و ارشاد مردم به تهران اعزام کند، او طباطبایی را به تهران فرستاد. طباطبایی در عین تقوا و پرهیزگاری، با روشن‌بینی به وظایف خود پرداخت. مردی روشن‌بین بود؛ از افکار سیدجمال‌الدین تأثیر پذیرفته بود و مدرسه‌ی اسلامیّه را به سبک جدید در تهران تأسیس کرد. با پیش آمدن مشروطه، سیدمحمد طباطبایی به اتفاق سیدعبدالله بهبهانی و شیخ فضل‌الله نوری رهبری نهضت را تا هنگام پیروزی به دست گرفت. پس از تشکیل مجلس، طباطبایی و بهبهانی بر امور نظارت داشتند. با به توپ بسته شدن مجلس به فرمان محمدعلی‌شاه، او به مشهد تبعید شد و پس از سه سال، با فتح تهران، دوباره به پایتخت بازگشت و مورد استقبال پرشکوه مردم قرار گرفت. در جنگ اول جهانی، در ماجرای مهاجرت ملیّون به قم و سپس کرمانشاه، طباطبایی نیز به مهاجران پیوست. او پس از فرونشستن آتش جنگ، به تهران بازگشت. اما با دلی آزرده از وقایع زمان خود، در تهران بدرود حیات گفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهبهانی ، نوری (شیخ فضل‌الله)



طباطبایی عَلم‌الهدی، سیدمحمدحسین

(تولد: ۱۳۶۹ه.ش.)
چهره‌ای بی‌نظیر در آموزش و حفظ قرآن

در قم، در خانواده‌ای روحانی به‌دنیا آمد. از دو سال و چهارماهگی زیر نظر پدرش شروع به حفظ آیات قرآن کرد و در ۵ سالگی حافظ کل قرآن شد. در همان زمان شخصیت او چنان با کلمات و عبارات قرآن آمیخته شده بود که بسیاری از سخنان عادی خود را با آیات قرآن می‌آمیخت و در پاسخ سؤال‌هایی که از او می‌شد، آیه‌ای در جواب می‌آورد. محمدحسین هنوز ده سال نداشت که در دانشگاه حجاز (عربستان) و دانشگاه کاونتری انگلستان حاضر شد. استادان این دانشگاه‌ها، استعداد عجیب و توانایی‌های خارق‌العاده‌ی او را تأیید کردند. دانشگاه کاونتری سیدمحمدحسین را برای دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی علوم قرآنی، واجد صلاحیت تشخیص داد. او اکنون در قم به تحصیل در حوزه‌ی علمیه مشغول است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کربلایی کاظم

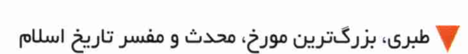


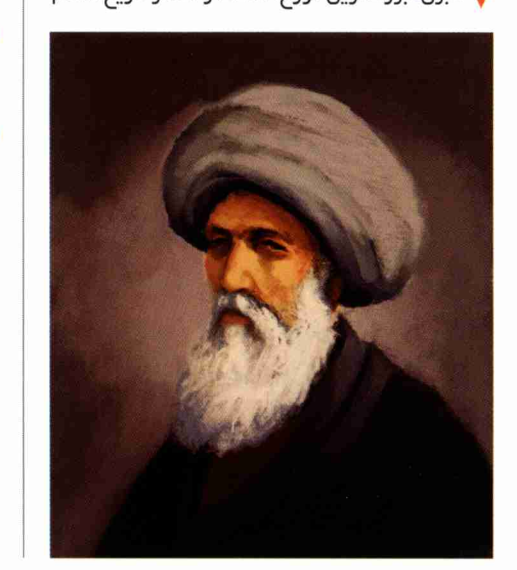
طبری، محمدبن جریر

(۲۲۴ ـ ۳۱۰ ه.ق.)
مفسر، مورّخ و محدث

طبری از چهره‌های کم‌نظیر و نادر، هم از

نظر توانایی علمی و هم کثرت تألیف، در تاریخ اسلام و ایران است. اهل طبرستان (مازندران) بود و در آمل به‌دنیا آمد. در جوانی به بغداد، که مرکز علم و تمدن اسلامی بود، رفت و تا آخر عمر در آن شهر زیست. با سفر به شهرهای ایران، عراق، شام و مصر، حدیث‌های بسیاری از راویان بزرگ شنید و ثبت کرد. عده‌ای از محدثان بزرگ نیز از او حدیث روایت کرده‌اند. طبری دانشمندی است که هنوز سایه‌اش بر پژوهشگران تاریخ و تمدن اسلام سنگینی می‌کند. مجتهدی آزاداندیش بود و چون به مطلبی اعتقاد پیدا می‌کرد، از بیان آن نمی‌هراسید. آثار زیادی پدید آورد که مایه‌ی اعجاب اهل‌نظر و از همه‌ی آن‌ها مشهورتر، **تفسیر طبری** در سی جزء است. اثر دیگر او **تاریخ طبری** است که مرجع بسیاری از مورخان بعد از او بوده و ابوالقاسم پاینده آن را به فارسی ترجمه کرده است. طبری کتابی نیز درباره‌ی **حدیث غدیر** در دو جلد نوشته بود. این عالم بزرگ در زمان خود مخالفان بسیاری داشت. از این‌رو، وقتی در بغداد درگذشت، عده‌ای اجازه ندادند جنازه‌اش در گورستان دفن شود و مجبور شدند او را در خانه‌اش به خاک بسپارند.







طه، عثمان

(تولد: ۱۳۱۲ هـ.ش.)
کاتب قرآن

در شهر حلب سوریه به‌دنیا آمد. پدرش، حسین طه، امام و خطیب جمعه بود. کتابت عثمان طٰه از قرآن کریم یکی از روی‌دادهای مهم فرهنگی ـ هنری دهه‌های اخیر جهان اسلام است. نخستین چاپ قرآن به خط عثمان طه در سال ۱۴۰۰ قمری در کشور سوریه منتشر شد. او این قرآن را بر اساس طرحی دقیق و منظم نوشت. هر صفحه‌ی این قرآن، ۱۵ سطر دارد. هر صفحه با اول یک آیه آغاز و به آخر یک آیه ختم می‌شود و هر جزء قرآن در ۲۰ صفحه نوشته شده است بنابراین کلّ قرآن عثمان طه با چهار صفحه تذهیب، ۶۰۴ صفحه دارد. به گواهی استادان برجسته‌ی خط، قرآن عثمان طه در میان قرآن‌های قدیم و جدید کم نظیر است. این قرآن در سراسر جهان اسلام با استقبال وسیعی روبه‌رو و در انواع قطع‌ها چاپ شده است. در ایران نیز بسیاری از قرآن‌هایی که چاپ می‌شود، به خط عثمان طٰه است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فضائلی ، نیریزی



طیّب

(۱۳۴۲ ـ ۱۲۸۰هـ.ش.)
جان‌فدای نهضت ۱۵ خرداد

طیب حاج رضایی، معروف به طیّب، رئیس میدان تره‌بار تهران بود. در جوانی از لوطیان تهران به‌شمار می‌رفت. اهل ورزش باستانی و زورخانه بود و از وارد شدن به نزاع و درگیری ابایی نداشت. به همین جهت چند بار به زندان، زندان با اعمال شاقه و تبعید محکوم شد. از طرفداران رژیم شاه بود و در کودتای ۲۸ مرداد بر ضد طرفداران دکتر مصدق وارد عمل شد. او هیئت مذهبی بزرگی داشت و دسته‌ی طیّب، که در ایام محرم به رهبری او در مرکز تهران به حرکت درمی‌آمد، باشکوه و چشمگیر بود. با آغاز نهضت امام‌خمینی در سال ۱۳۴۲، در پی ارتباط با حاج مهدی عراقی، طیب دگرگون شد و به طرفداران امام پیوست و در وقایع خونین ۱۵ خرداد، نقش مهمی علیه رژیم بازی کرد. از این‌رو، او و یکی دیگر از همکارانش، به نام **حاج اسماعیل رضایی** را دستگیر کردند. این دو حاضر نشدند بر ضد امام‌خمینی شهادت دروغ بدهند. به همین سبب، به اعدام محکوم و در آبان ۱۳۴۲ در تهران تیرباران شدند. مزار این دو شهید در آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم است.



عارف‌قزوینی، ابوالقاسم

(۱۳۱۲ ـ ۱۲۶۰هـ.ش.)
شاعر ترانه‌سرا

عارف در قزوین متولد شد. از نوجوانی صدای خوشی داشت و به توصیه‌ی پدرش در پای منبرها نوحه‌خوانی می‌کرد. ۱۶سال داشت که به تهران رفت و به شعرخوانی و آوازخوانی در مجالس و محافل پرداخت. وصف عارف به گوش مظفرالدین شاه رسید و او را احضار کرد. عارف چند غزل با صدای زیبای خود خواند و شاه دستور داد پانصد تومان به او بدهند. عارف پول را گرفت ولی چون مِناعت طبع داشت، از آن رنجید و دیگر به شاه و شاهزاده‌ها نزدیک نشد. در نهضت مشروطه، عارف از آزادی‌خواهان بود و با استفاده از شور آزادی‌خواهی، شعرها و آهنگ‌هایش را به صورت ترانه و تصنیف همراه با مضمون‌های اجتماعی درمی‌آورد

که در مجامع گوناگون خوانده می‌شد. عارف با ایرج‌میرزا و ملک‌الشعرا بهار و میرزاده عشقی، دوست و هم‌نشین بود و به کلنل محمدتقی پسیان، افسر وطن‌دوست و شریف، ارادت فراوان داشت. به همین سبب، پس از شهادت کلنل، تصنیف‌هایی برای او ساخت. عارف در همدان درگذشت. مقبره‌ی او در محل آرامگاه بوعلی‌سیناست. از آثار اوست: **از خون جوانان وطن، آمان آمان، از کفم رها و افتخار آفاق.**

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهار ، پسیان ، شیدا ، میرزاده عشقی

عاکف با اراده‌ای تحسین‌برانگیز معلولیت خود را پله‌ای برای قهرمانی ساخت.



عاکف، نیره

(تولد: ۱۳۴۳ هـ.ش.)

قهرمان تیراندازی در پارالمپیک بانوان

در تهران به‌دنیا آمد. دردوره‌ی دانش‌آموزی، به ورزش‌های ژیمناستیک، تنیس روی میز و والیبال می‌پرداخت و در این رشته‌ها فعال بود. اما در ۲۰ سالگی، در پی یک سانحه‌ی رانندگی، دچار قطعی نخاع شد و از ادامه‌ی این ورزش‌ها بازماند. با وجود این، ناامید نشد و به رشته‌ی تیراندازی در رده‌ی معلولان، روی آورد. مادرش نیز او را همواره به ورزش تشویق می‌کرد تا این که ازدواج کرد. همسرش هم، که خود ورزش‌کاری حرفه‌ای است، از هر نظر از او حمایت کرد تا بتواند به ورزش ادامه دهد. سرانجام نیره عاکف به تیم تیراندازی پارالمپیک ایران پیوست و به مسابقه‌های جهانی راه یافت. او تاکنون در مسابقه‌های پارالمپیک سیدنی استرالیا، جام آزاد اروپا، مسابقه‌های جهانی سئول، مسابقه‌های آزاد اروپا و پارالمپیک آتن شرکت کرده که ره‌آورد آن‌ها **یک مدال نقره، سه مدال برنز** و **سه مقام هشتمی** در این بازی‌هاست. نیره عاکف دارای یک فرزند پسر است و اکنون در سِمت مدیرعامل دفتر هواپیمایی یک شرکت خصوصی فعالیت می‌کند.

عباس‌بن فَرناس

(۸۸۷ ـ ۸۱۰م.)

فنّاور و مخترع پرواز

متولد قُرطُبه‌ی اندلس یا اسپانیای امروز بود. در دوره‌ای می‌زیست که تمدن اسلامی اسپانیا، در اوج شکوفایی بود. در تاریخ علم اسلامی، کارهای مهمی را به عباس‌بن فرناس نسبت داده‌اند که مشهورترین آن‌ها کوشش برای پرواز است. او، که آرزوی پرواز داشت، با پارچه‌ی بزرگی، که آن را به صورت چتر درآورده بود، از مناره‌ی مسجد جامع قرطبه پایین پرید و با موفقیت بر زمین فرود آمد. در ادامه‌ی این کار، نوعی گلایدر یا بال مصنوعی ساخت و توانست خود را از کوهی به نام جبل‌العروس، به پایین رها کند. با آن‌که در اثر این پرواز کمرش آسیب دید، توانست فرود بیاید. فرناس کارهای دیگری نیز انجام داد: نوعی **ساعت آبی** ساخت و روشی برای تولید شیشه از ماسه ابداع کرد که بهتر از روش‌های موجود در آن زمان بود. او راه بریدن کریستال‌های سنگی را کشف

کرد که سبب شد دیگر اسپانیا به صدور سنگ کوارتز به مصر، برای تراش دادن، نیاز نداشته باشد. در برخی کتاب‌های درسی مدارس عربی، عباس‌بن فرناس را نخستین کسی معرفی کرده‌اند که پیش از عصر جدید و پیش از اتو لیلیانتال، پرواز را تجربه کرد. در عراق، مجسمه‌ای از او را در مسیر فرودگاه بغداد نصب کرده‌اند و یکی از حفره‌های کره‌ی ماه نیز به نام این دانشمند نامیده شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لیلیانتال



عباس میرزا

(۱۲۴۹ _ ۱۲۰۳ ق.)

ولی‌عهد و نایب‌السلطنه‌ی فتحعلی‌شاه قاجار

فرزند چهارم فتحعلی‌شاه و جوانی لایق و کاردان بود. در ۱۲ سالگی به سرپرستی میرزا عیسی قائم مقام، به تبریز رفت و حکم‌ران آذربایجان شد. در جنگ‌های ایران و روسیه، فرمان‌ده کُل بود و لیاقت و شایستگی بسیاری از خود نشان داد و با آن‌که سرانجام شکست خورد؛ محبوبیت خود را از دست نداد. او مردی روشن‌فکر، طرفدار اصلاحات در امور نظامی و فرهنگی بود و عده‌ای از دانشجویان را برای آموزش نظامی به اروپا فرستاد. عباس میرزا هنگامی که برای فرو نشاندن شورش هرات رفته بود، در راه بازگشت، در مشهد بیمار شد و درگذشت. او را در حرم امام رضاعليه‌السلام به خاک سپردند. فتحعلی‌شاه پس از مرگِ عباس میرزا، فرزند او محمدمیرزا را به جانشینی خود انتخاب کرد که با نام **محمدشاه** به سلطنت رسید.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فتحعلی شاه قاجار



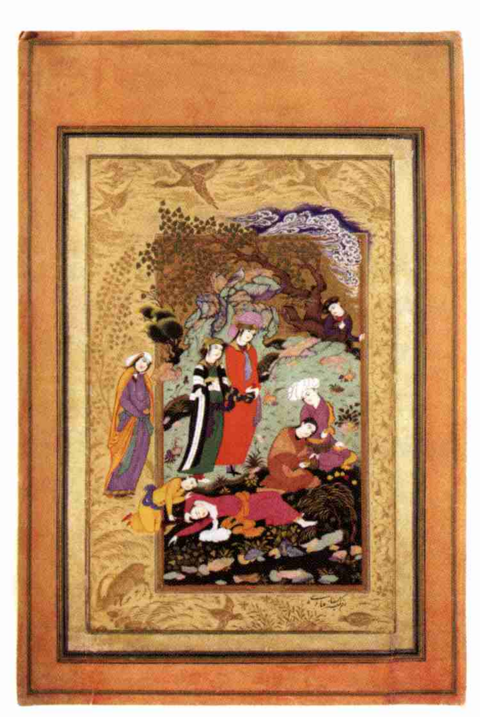
عبّاسی، رضا

(۱۰۴۴ _ ۹۸۰ هـ.ق.)

نگارگر عصر صفوی

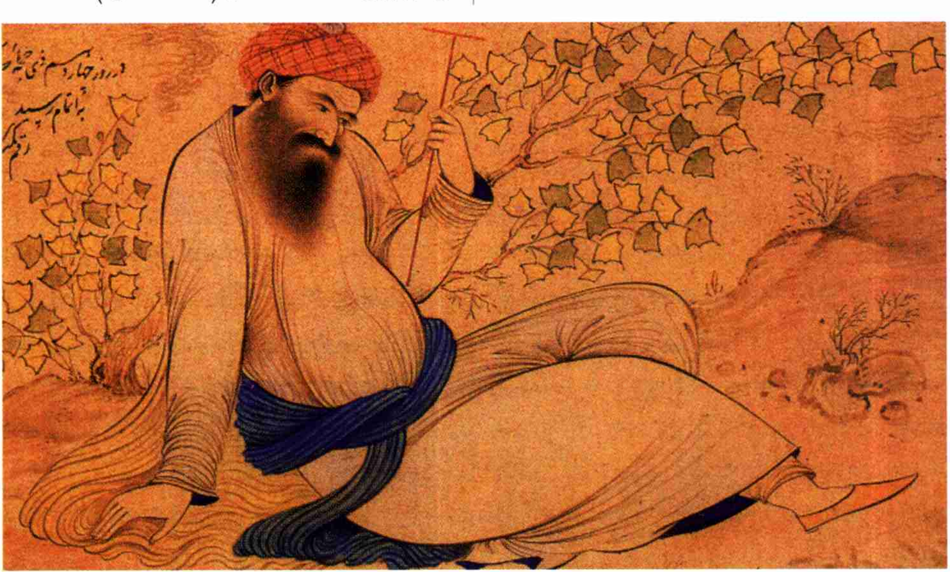
رضا عبّاسی از بنیان‌گذاران مکتب اصفهان در نقاشی عصر صفوی است. او فرزند علی‌اصغر کاشی (کاشانی) بود و در دستگاه شاه عباس خدمت می‌کرد. از زندگی او اطلاع زیادی در دست نیست. این هنرمند با نوآوری در طراحی و انتخاب موضوع‌های جدید، باعث تحول در نگارگری ایرانی شد. در طراحی، خط‌های دَوَرانی به‌کار می‌برد و قلم‌گیری‌اش از همان ریتم و پیچ و تابی برخوردار است که در خط شکسته‌نستعلیق می‌توان یافت. رضا عباسی هنرمندی است که در نقاشی به واقع‌گرایی علاقه نشان داده و کوشیده است رفتار و حرکات انسان‌ها و جانوران را عیناً ضبط کند. علاوه بر این، او در چهره‌پردازی هنرمندی برجسته بود و چند نسخه‌ی خطی مانند **شاهنامه** فردوسی و **خسرو و شیرین** نظامی را تصویرسازی کرده است. کشیدن بعضی از نقاشی‌های عالی‌قاپو و چهل ستون اصفهان نیز به رضا عباسی منسوب است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهزاد (کمال‌الدین) ، میرک



▲ «گردش دسته‌جمعی» اثر رضا عباسی
از میانه‌ی قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری)، تصاویر نسخه‌های خطی به‌طور فزاینده‌ای جای خود را به آثار تک‌صفحه‌ای داد که برای آلبوم‌ها (مرقع‌ها) مناسب بود. یکی از مشهورترین هنرمندانی که در این عرصه فعالیت داشت، رضا عباسی بود. او با کشتی‌گیران و طبقات پایین جامعه ارتباط داشت و صحنه‌هایی از زندگی عیاشان و درویشان را رسم می‌کرد. اما کم‌کم به موضوعات درباری و استفاده از خطوط خوش‌نویسان (روان‌خط) روی آورد. «گردش دسته‌جمعی» نمونه‌ی خوبی از سبک کامل رضا عباسی است که در آن پیکرهای خشک و بی‌روح در مناظری پر نقش و نگار قرار دارند.

▼ «شیخی با ریش سیاه» اثر رضا عباسی، طراحی رنگی روی کاغذ طلا افشان (۱۰۳۱ هـ.ق.)





عباسی، علی‌رضا

(۱۰۷۹ ـ ۹۵۰م.)

خوش‌نویس عصر صفوی

در تبریز متولد شد. نزد علی‌بیگ تبریزی، خط آموخت و سپس به قزوین رفت و در آن‌جا کتیبه‌های مسجد جامع را نوشت که هنوز باقی است. بعدها به دربار شاه‌عباس صفوی در اصفهان رفت و خوش‌نویسی برای شاه را به‌عهده گرفت. شاه‌عباس علی‌رضا عباسی را سرپرست کتاب‌خانه‌ی سلطنتی کرد و به او لقب **شاه‌نواز** داد؛ ولی به عباسی مشهور شد. این هنرمند رقیب میرعماد بود و گفته شده است که بدگویی‌های او در قتل میرعماد، بی‌تأثیر نبوده است. علی‌رضا عباسی در نوشتن خط‌های ثلث، نسخ و نستعلیق، به‌خصوص ثلث، استاد بود و کتیبه‌های ثلث او در **مسجدهای عصر صفوی** اصفهان باقی است. عباسی بیش از ۱۰۰ سال عمر کرد و به این سبب، به او **شیخ‌الخطّاطین** لقب داده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
طالقانی (درویش عبدالمجید) ، میرعماد حسنی



عبدالباسط

(۱۹۸۸ ـ ۱۹۲۷م.)

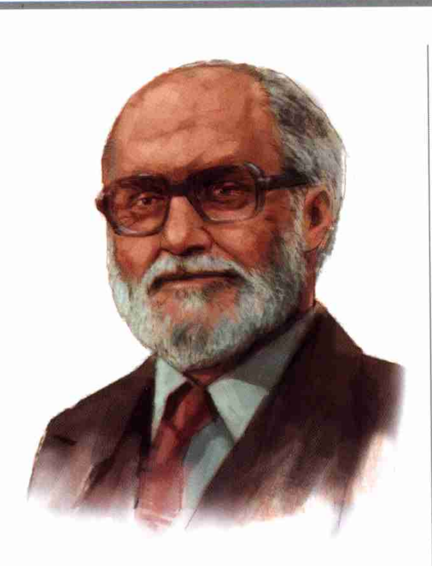
قاری جهان اسلام

نام کاملش عبدالباسط محمد عبدالصّمد بود و در روستایی در جنوب مصر چشم به جهان گشود. ۱۰ ساله بود که قرآن را حفظ کرد. قرائتش به اندازه‌ای گوش‌نواز و مؤثر بود که از ۱۲ سالگی او را به مساجد و مجالس دعوت می‌کردند. در ۱۶ سالگی قاری ممتاز شد و پس از فوت استاد خلیل الحصری به مقام شیخ‌القرّاء مصر برگزیده



شد. ۲۳ سال داشت که سفری به دمشق رفت و به مناسبت ولادت حضرت زینب  ، در مجلس جشن باشکوهی که در مرقد آن حضرت برگزار شده بود، شرکت کرد. در آن جشن، قاریان بزرگی مانند استاد مصطفی اسماعیل و استاد ابوالعینین شُعَیشَع حضور داشتند و قرآن تلاوت می‌کردند، از عبدالباسط نیز خواسته شد ۱۰ دقیقه به تلاوت بپردازد. تلاوت او چنان جمعیت را تکان داد که صداهای تحسین الله و الله اکبر بلند شد. در نتیجه، تلاوت او بیش از یک ساعت ادامه یافت. در سفری دیگر به جاکارتا، پایتخت اندونزی، هنگامی که عبدالباسط در مسجد بزرگ شهر شروع به تلاوت کرد، جمعیت چنان انبوه شد که تا مسافتی حدود یک کیلومتر مردم سرپا ایستاده و به‌گوش بودند. با ورود به رادیوی مصر و پخش صدایش از این رسانه، عبدالباسط در مقام قاری جهانی و بین‌المللی شناخته شد و در صدر قاریان جهان اسلام نشست. در مصر، سال‌روز فوت او (۲۸ فوریه ۱۹۸۸میلادی برابر با ۱۹ اسفند ۱۳۶۷ شمسی) را روز تکریم از این قاری بزرگ اعلام کرده و بدین وسیله نام و یادش را زنده نگه داشته‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شحّات ، مصطفی اسماعیل ، منشاوی



عبدالسّلام، محمد

(۱۳۶۱ ـ ۱۳۰۵هـ.ش.)

فیزیک‌دان پاکستانی و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل

ارزش و اهمیت کار عبدالسلام بیش‌تر به سبب نقش او در بنیان‌گذاری **مرکز بین‌المللی فیزیک نظری** در شهر تریست ایتالیاست. او، که در شهر جهنگ پاکستان به‌دنیا آمده بود، پس از گرفتن لیسانس فیزیک در پاکستان، در دانشگاه کمبریج انگلستان به تحصیل ادامه داد و در همان‌جا مشغول تحقیق و تدریس شد. در سال ۱۹۷۹م. **نظریه‌ی نیروهای الکتروضعیف** را ارائه داد و جایزه‌ی نوبل فیزیک را دریافت کرد. او اولین دانشمند مسلمانی است که این جایزه را دریافت کرده است. عبدالسلام به گسترش علم در میان کشورهای اسلامی و جهان سوم علاقه داشت و مرکز بین‌المللی فیزیک نظری را در ایتالیا با این هدف تأسیس کرد که دانشمندان این کشورها بتوانند در آن‌جا به تحقیق و پژوهش بپردازند. دکتر محمود حسابی، دانشمند ایرانی نیز، عضو هیئت امنای آن مرکز بود. پروفسور عبدالسلام در سال‌های آخر عمر، به دعوت سازمان انرژی اتمی به ایران آمد و با دانشمندان ایرانی ملاقات کرد.

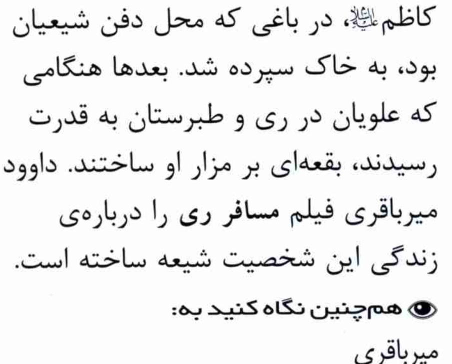
هم‌چنین نگاه کنید به:
حسابی



عبدالعظیم حسنی

(۲۵۲ ـ ۲۰۲ هـ.ق.)
امامزاده و محدّث شیعه

عبدالعظیم از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود؛ از این‌رو، به حسنی ملقب شده است. در مدینه متولد شد. مردی دانشمند و پرهیزگار بود و از بزرگان سادات علوی به شمار می‌رفت. در روزگار معتصم و متوکل عباسی می‌زیست که از سخت‌ترین دوره‌ها برای شیعیان بود. به جرم رابطه با امام هادی(ع)، امام دهم شیعیان، تحت تعقیب قرار گرفت و متواری شد. سرانجام به ری آمد و در این شهر در منزل یکی از شیعیان زندگی مخفیانه‌ای را آغاز و ارتباط‌هایی با شیعیان برقرار کرد. عبدالعظیم در سال ۲۵۲ق. در همین شهر درگذشت و در کنار مزار امامزاده حمزه، فرزند امام کاظم(ع)، در باغی که محل دفن شیعیان بود، به خاک سپرده شد. بعدها هنگامی که علویان در ری و طبرستان به قدرت رسیدند، بقعه‌ای بر مزار او ساختند. داوود میرباقری فیلم **مسافر ری** را درباره‌ی زندگی این شخصیت شیعه ساخته است.



هم‌چنین نگاه کنید به:
میرباقری

حضرت عبدالعظیم حسنی با هجرت به شهرری، به گسترش مذهب شیعه در ایران کمک کرد.

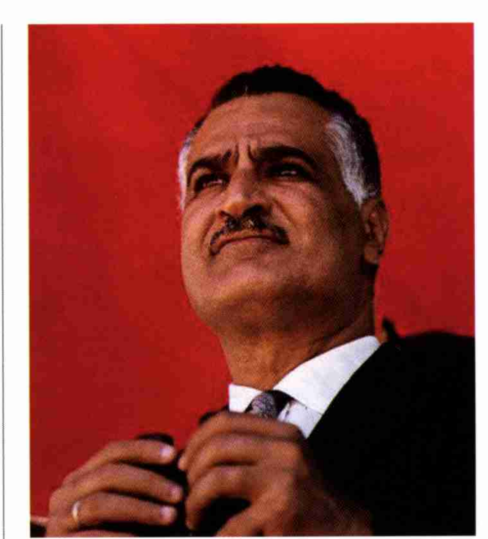


عبدالله میرزا قاجار

(۱۳۲۶ ـ ۱۲۶۶ هـ.ق.)
پیش‌گام عکاسی در ایران

عکاسی را در دارالفنون فراگرفت و در همان مدرسه مشغول به کار شد. او به اندازه‌ای از خود علاقه و پشت‌کار نشان داد که علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم ناصرالدین‌شاه، او را به اروپا فرستاد تا در رشته‌های عکاسی و چاپ تحصیل کند. پس از بازگشت، عبدالله همه‌ی همت خود را صرف عکاسی کرد و از طرف ناصرالدین‌شاه به نقاط گوناگون کشور اعزام شد تا از آثار و بناهای قدیم و جدید عکس بگیرد. از این‌رو، بسیاری از عکس‌های بناهای قدیمی، از اوست. به‌علاوه، صدها عکس از شاگردان و معلمان دارالفنون و نیز شخصیت‌های دولتی و درباری برداشته است که مجموعه‌ی ارزش‌مندی را تشکیل می‌دهد. مظفرالدین‌شاه نیز به میرزا عبدالله علاقه داشت و او را در سفر به اروپا همراه خود برد. این عکاس در سال‌های بحرانی انقلاب مشروطه، در ۶۰ سالگی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اعتضادالسلطنه ، سوروگین



▲ جمال عبدالناصر با کودتای خود، انقلاب بزرگی در جهان عرب به وجود آورد.



عبدالنّاصر، جمال

(۱۹۱۸ ـ ۱۹۷۰ م.)

رهبر انقلابی و رئیس‌جمهوری مصر

در روستایی از استان اَسیوط به‌دنیا آمد. در جوانی به دانشکده‌ی افسری رفت و با درجه‌ی ستوان دومی فارغ‌التحصیل شد. او، که برای مبارزه با استعمار انگلستان سری پرشور داشت، با جمعی دیگر از افسران ارتش مصر، مخفیانه **سازمان افسران آزاد مصر** را تشکیل داد. سپس به اتفاق ژنرال نجیب و جمعی دیگر از افسران آزاد، بر ضد ملک فاروق، پادشاه نالایق مصر، کودتا و حکومت جمهوری اعلام کرد (۱۹۵۴م.). کودتای ناصر به منزله‌ی یک انقلاب بود و مصر را دگرگون ساخت. از اقدامات مهم او، ساخت سدِّ عظیم آسوان روی رود نیل، ملی کردن کانال سوئز و حمایت از مردم فلسطین بود. ملی کردن کانال سوئز، که پیش از آن زیر نظر انگلیسی‌ها اداره می‌شد، ناصر را به مقام قهرمان ملی مصر و جهان عرب ارتقا داد. با این حال، در دومین جنگ اعراب و اسراییل، که به جنگ ژوئن معروف شد (۱۹۶۷)، شکست سختی خورد و صحرای سینا را از دست داد. او اندک زمانی پس از این شکست، دچار حمله‌ی قلبی شد و درگذشت. جمال عبدالناصر از بنیان‌گذاران جنبش کشورهای غیر متعهد بود.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

سوکارنو ، نهرو



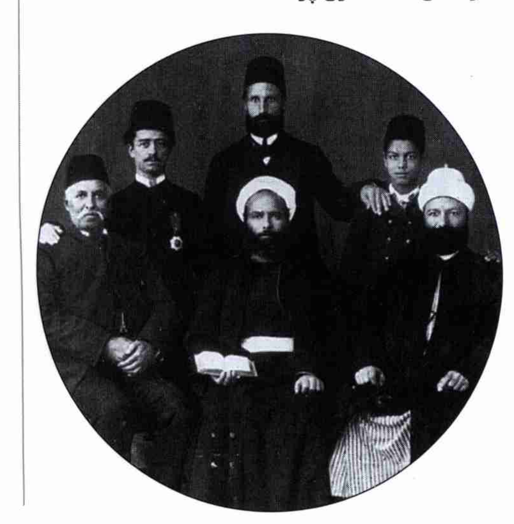
عبده، محمد

(۱۲۲۷ ـ ۱۲۸۳ ه.ش.)

نویسنده و عالم بیدارگر مصری

در روستایی از مناطق استان غربی مصر دیده به جهان گشود. در دانشگاه الازهر و نزد علمای بزرگ آن به تحصیل علوم پرداخت. از شاگردان خاصِ سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود و نزد او علوم عقلی را فراگرفت. عبده، سیدجمال را پدر معنوی خود خوانده است. او در روزنامه‌ی **اَلوقایع‌المصریه** به نگارش مقالاتی پرداخت و ریاست نویسندگان مطبوعات را نیز به عهده داشت. چندی به پاریس رفت و با سیدجمال‌الدین **روزنامه‌ی العروةالوثقی** را منتشر کرد. سپس به بیروت رفت و به کارهای علمی پرداخت، **نهج‌البلاغه** و **مقامات بدیع‌الزّمان همدانی** را شرح و رساله‌ی **التّوحید** را تألیف کرد. او علاوه بر فعالیت‌های علمی، به عرصه‌ی سیاست نیز وارد شد و در نهضت عُرابی‌پاشا در مصر، از چهره‌های سرشناس بود. عبده در اسکندریه درگذشت.

▼ محمد عبده(وسط)، اندیشمند مصری، تحت تأثیر سیدجمال‌الدین اسدآبادی به فعالیت‌های اسلامی ـ فرهنگی دامنه‌داری پرداخت.



👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

اسدآبادی



عبدی، اکبر

(تولد: ۱۳۳۷ه.ش.)

بازیگر

اکبر عبدی آقاباقر، معروف به اکبر عبدی، در تهران به‌دنیا آمد. دیپلم خود را در سال ۱۳۵۸ گرفت و کار هنری خود را با بازی در تئاتر آغاز کرد. پس از چند سال، به تلویزیون رفت و در مجموعه‌هایی مانند **محله‌ی برو بیا، محله‌ی بهداشت، مَثَل آباد، وزیر مختار، امام علی**(ع)**، آب‌دار شاه، هتل پیاده‌رو، معصومیت از دست رفته** و **پنجره‌ی فولاد** بازی کرد. عبدی هم‌چنین در فیلم‌های **جنجال بزرگ، اجاره‌نشین‌ها، مادر، دزد عروسک‌ها، دلشدگان، هنرپیشه، روز فرشته، آدم برفی، نان،عشق و موتور ۱۰۰۰، کفش‌های جیرجیرک‌دار من** و **اخراجی‌ها** بازی کرده است. او به سبب طنز نهفته در بازیگری‌اش، علاقه‌مندان بسیار دارد.



عبید زاکانی

(۷۰۰ ـ ۷۷۱ ه.ق.)

طنزپرداز و هجاگو

در قرن هشتم می‌زیست و با حافظ شیرازی و سلمان ساوجی معاصر بود. در زاکان قزوین به‌دنیا آمد. به شیراز علاقه داشت و مدتی در این شهر به سر برد. چندی نیز به تبریز و بغداد رفت و در آن‌جا سلمان ساوجی



اکبر عبدی در صحنه‌ای از فیلم اخراجی‌ها ساخته‌ی مسعود ده‌نمکی

را ملاقات کرد. عبید زاکانی بزرگ‌ترین طنزنویس و هجوگوی زبان فارسی است. تقریباً تمام آثارش از طنز و هجو و هزل و تمسخر سرشار است. به نظر می‌رسد تنها اشعاری که در مدح پیشوایان دین گفته و نیز **منظومه‌ی موش و گربه‌ی** او، که در گذشته کودکان در مکتب‌خانه‌ها می‌خواندند، خالی از طنز و هجو آشکار است. از آثار اوست: **دیوان اشعار**، **اخلاق‌الاشراف** (نثر)، **ریش‌نامه** (نظم و نثر)، **رساله‌ی صد پند** (نثر)، **تعریفات** (نثر)، **رساله‌ی دل‌گشا**، **فال‌نامه** و **عشّاق‌نامه**.

عثمان‌بن‌عَفان

(۳۵ ب.هـ ـ ۴۷ ق.ه)

خلیفه‌ی سوم

عثمان از اصحاب پیامبرﷺ بود. ۷۰ سال داشت که از طرف شورای شش نفره‌ای که عمر، خلیفه‌ی دوم، پیش از فوتش معین کرده بود، به‌خلافت انتخاب شد. عثمان به‌منظور ایجاد وحدت میان مسلمانان دستور داد تمام نسخه‌های موجود قرآن را، به‌جز قرائت زیدبن ثابت جمع‌آوری کردند و به ولایات اعلام کرد که تنها همین نسخه‌ی قرآن معتبر است. آن قرآن همین نسخه‌ای است که اکنون در میان همه‌ی مسلمانان جهان خوانده می‌شود. در زمان عثمان، فتوحات ادامه یافت و مسلمانان مناطق قفقاز، خراسان، کرمان، شمال آفریقا و حتی جزیره‌ی قبرس را فتح کردند و به قلمرو اسلام افزودند. عثمان به خویشاوندان خود، که از بنی‌امیه بودند، بیش‌تر اهمیت می‌داد و بسیاری از آنان را در مقام‌هایی منصوب کرد که این کار، مغایر با سنت و سیره‌ی رسول‌خداﷺ بود. این امر سبب شد مردم و صحابه‌ی پیامبر، حتی اباذر غفاری و عمار یاسر و عبدالله‌بن مسعود، به او اعتراض کنند. ولی عثمان به اعتراض آن‌ها پاسخی نداد و حتی اباذر را به صحرای ربذه تبعید کرد. سرانجام، گروهی از مردم مصر و کوفه خواستار استعفای خلیفه شدند. اما چون عثمان نپذیرفت، خانه‌اش را محاصره کردند و پس از ۴۰ روز، او را به قتل رساندند. کشتن خلیفه، که حضرت علی‌ؑ نیز با آن مخالف بود، سبب فتنه‌ای بزرگ شد و آثار ناگواری در تاریخ اسلام بر جای نهاد. مزار عثمان در قبرستان بقیع در مدینه است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابوبکر ، ابوذر ، علی‌بن ابی‌طالبؑ ، عمر

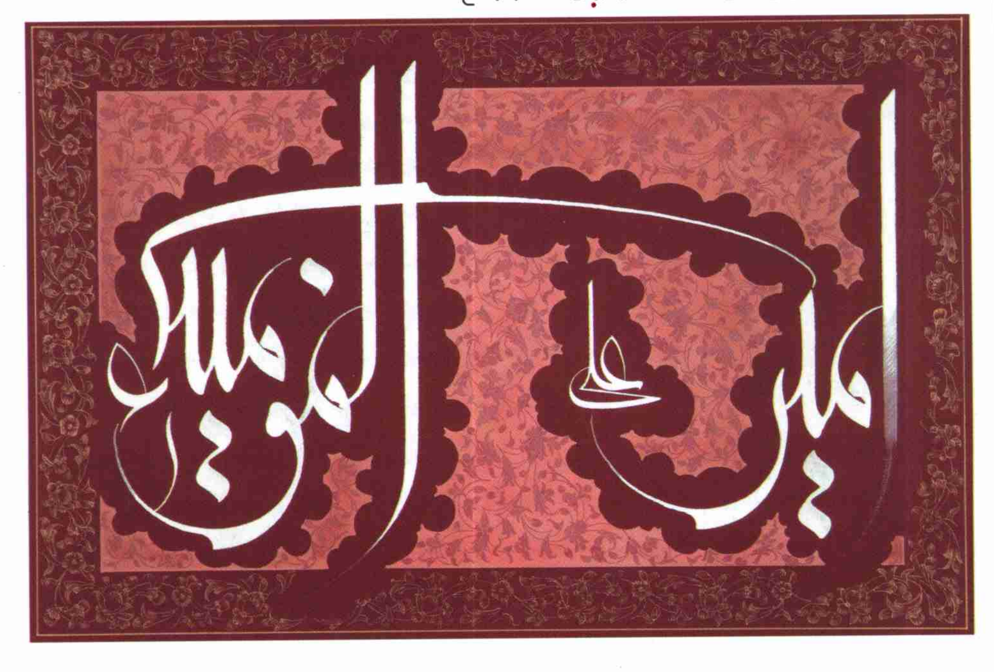


عجمی، حمید

(تولد: ۱۳۴۱هـ.ش.)

خوش‌نویس و ابداع‌کننده‌ی خطّ مُعلّیٰ

در تهران متولد شد. زیر نظر دو استاد بزرگ خط، غلام‌حسین امیرخانی و

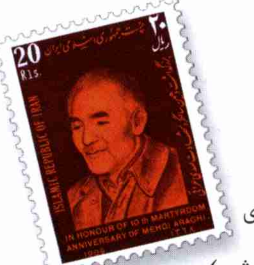


خط مُعلّیٰ، جدیدترین خطی است که در جهان اسلام ابداع شده است.

کیخسرو خروش، آموزش خط نستعلیق را به کمال رساند. سپس هم‌زمان، به آموزش خط به هنرجویان این رشته پرداخت.

حمید عجمی پس از ۲۲ سال تلاش مداوم، خط جدیدی به نام **خط مُعلّی** ابداع کرد. او اولین نمایشگاه خود به سبک معلّی را با ۴۰ اثر، در سال ۱۳۷۸ برگزار کرد که مورد استقبال هنردوستان و صاحب‌نظران قرار گرفت. عجمی این خط را از آن جهت معلّیٰ نامیده است تا با نام اولین کاتب قرآن علی‌بن‌ابیطالب﵇ قرابت داشته باشد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
احصایی ، امیرخانی ، مافی



عراقی، حاج مهدی
(۱۳۵۹ ـ ۱۳۰۹هـ.ش.)
مبارز و فعال سیاسی

جوانی پرشور و با ایمان از بازاریان تهران بود. در مبارزه‌های سیاسی ـ مذهبی فعالیت داشت و نقش مهمی در جذب بازاریان و حتی افراد عامی، چون طیّب حاج رضایی، به نهضت اسلامی ایفا کرد. عراقی در دهه‌ی ۲۰ با فداییان اسلام آشنا شد و چندی نیز به زندان افتاد. اما فعالیت اساسی او پس از آشنایی با امام‌خمینی در نهضت ۱۵ خرداد شروع شد. او عضو گروهی بود که در سال ۱۳۴۳، حسن‌علی منصور، نخست‌وزیر وقت را، ترور کردند. پس از ترور، آن گروه دستگیر و محاکمه شدند. عراقی از محکومان به اعدام بود؛ ولی با یک درجه تخفیف، به حبس ابد محکوم شد. او به اتفاق حجت‌الاسلام محی‌الدین انواری و حبیب‌الله عسکر اولادی، پس از ۱۳ سال حبس از زندان آزاد شد و به بازار برگشت. اما طولی نکشید که با شروع انقلاب اسلامی، بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفت. در نتیجه، به پاریس رفت و مسئولیت اداره‌ی بیت امام‌خمینی را در دهکده‌ی نوفل لوشاتو به عهده گرفت و سپس با امام به ایران بازگشت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت‌های متعددی قبول کرد که آخرینِ آن، مدیریت مالی روزنامه‌ی کیهان بود. در همین مسئولیت، در شهریور ۱۳۵۹، او و پسرش، حسام، مورد حمله‌ی تروریست‌های گروه فرقان قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. مقبره‌ی آن‌ها در صحن حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه﵃ در قم است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اندرزگو ، طیّب



عرب‌زاده، ابوالفتح رسّام
(۱۳۷۵ ـ ۱۲۹۳هـ.ش.)
طراح فرش

نامش سیدابوالفتح زیدی لطیفی، معروف به رسّام عرب‌زاده است. در تبریز متولد شد. پدرش در مدرسه‌ی کمال‌الملک درس خوانده بود و در تبریز به طراحی اشتغال داشت. ابوالفتح در تبریز به مدرسه‌ی رشدیه و سپس به هنرستان رفت و در رشته‌ی مینیاتور تحصیل کرد. ۲۲ ساله بود که از تبریز به تهران رفت و در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه، زیر نظر استاد حسین طاهرزاده بهزاد، به تحصیل در رشته‌ی طراحی فرش پرداخت و به تبریز بازگشت. اما اشغال تبریز به دست روس‌ها و سلطه‌ی فرقه‌ی دموکرات بر آذربایجان، سبب شد بار دیگر به تهران بیاید. هنر عرب‌زاده در تهران شکوفا شد. او با نوآوری‌هایی که در طرح‌ها و نقشه‌های قالی به‌وجود آورد، هنر قالی‌بافی ایران را وارد عرصه‌ی جدیدی کرد و سبب شد در مقام یکی از نام‌آوران هنر فرش ایران، شهرت جهانی پیدا کند. از آثار اوست: **رقص فرشتگان**، **شاهنامه**، **فتح سومنات** و **خزان**. موزه‌ی آثار عرب‌زاده در تهران است و فرزندانش در حفظ میراث پدر می‌کوشند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حکمت‌نژاد



عربشاهی، مسعود
(تولد: ۱۳۱۴ش.)
نقاش و مجسمه‌ساز

عربشاهی متولد تهران و دانش‌آموخته‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران در رشته‌ی نقاشی و معماری است. او هنرمندی تجدّدگراست و بر اساس مطالعه و تحقیق در قلمرو فرهنگ‌های کهن، به‌ویژه فرهنگ ایرانی، هنر خود را عرضه کرده است. از این‌رو، نمادگرایی در کارهای او شاخص است. نقش و نگارهایی که عربشاهی در آثار خود به‌کار می‌برد، سه گروه است: گروه نخست نمادهای باستانی مانند نیلوفر آبی، چرخ، خورشید و درخت. گروه دوم، شکل‌ها و خطوط شامل دایره، مربع، منحنی، مارپیچ و... و گروه سوم عناصری مانند پیکان‌ها، علامت‌های ریاضی، طرح‌های معماری‌گونه، اعداد و... .

از عربشاهی هم‌اکنون ۲ نقاشی در موزه‌ی شهدای تهران، ۳ نقاشی در موزه‌ی هنرهای معاصر تهران و یک نقاشی در موزه‌ی کرمان نگه‌داری می‌شود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پیلارام ، تناولی ، زنده‌رودی



عزیزی، خداداد
(تولد: ۱۳۵۰ش.)
فوتبالیست

در فریمان، از توابع خراسان رضوی، به‌دنیا

آمد. فوتبال را به صورت رسمی و جدی، از باشگاه ابومسلم خراسان آغاز کرد. سپس برای انجام دادن خدمت سربازی به تهران رفت و جذب باشگاه فتح تهران شد. چند سال بعد، به باشگاه بهمن رفت و از آن‌جا راهی کلن آلمان شد. عزیزی بعد از آلمان به آمریکا رفت و به باشگاه سن خوزه پیوست. اما مدت زیادی در آن‌جا نماند، به ایران بازگشت و بازی را در باشگاه پاس تهران ادامه داد. عزیزی در رقابت‌های انتخابی المپیک ۱۹۹۲ بارسلون، مهاجم تیم ملی امید بود و یک سال بعد، در زمان سرمربی‌گری علی پروین، عضو این تیم شد؛ ولی خیلی زود از ادامه‌ی عضویت انصراف داد. با آمدن محمد مایلی‌کهن، بار دیگر به تیم ملی دعوت شد و در جام ملت‌های آسیا (۱۹۹۶) خوش درخشید و این سبب شد به آلمان برود و در کلن بازی کند. عزیزی بیش‌ترین محبوبیت و درخشش خود را هنگامی به‌دست آورد که در ملبورن و در مقابل استرالیا، گل دوم ایران را به ثمر رساند که سبب شد ایران به جام جهانی فرانسه (۱۹۹۸) راه یابد.



عسگرزاده، لطفی

(تولد: ۱۳۰۰ ه.ش.)
ریاضی‌دان

در شهر باکو، در جمهوری آذربایجان، از پدری ایرانی و مادری روس به‌دنیا آمد. در ۱۰ سالگی با پدرش به ایران بازگشت، به مدرسه رفت و از دبیرستان البرز دیپلم گرفت؛ سپس در امتحان ورودی دانشگاه شرکت کرد و با کسب مقام دوم، وارد دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران شد و در رشته‌ی برق و الکترونیک به تحصیل ادامه داد. پس از آن به آمریکا رفت و از دانشگاه ام.آی.تی درجه‌ی دکتری گرفت. عسگرزاده، که در جهان علم به نام پروفسورزاده شناخته می‌شود، **منطق فازی** را ابداع کرد و موجب تحول بزرگی در علوم مهندسی و نظریه‌ی سیستم‌ها شد. منطق فازی مورد توجه بسیار ژاپنی‌ها قرار گرفت و آن‌ها توانستند با کاربردی کردن این منطق، در تولید محصولاتی مانند دوربین عکاسی، ویدئو، جاروی برقی و وسایل الکترونیک تحول بزرگی به‌وجود آورند. عسگرزاده دارای بیش از ۲۰ درجه‌ی دکترای افتخاری است، ۹ مدال علمی دریافت کرده، عضو بسیاری از مجامع علمی جهان است و در هیئت تحریریه‌ی مجلات علمی بسیاری عضویت دارد.

همچنین نگاه کنید به:
رضا ، هشترودی



خداداد عزیزی که در بازی‌های ملی ایران ۱۱ گل به ثمر رسانده است در ورزش فوتبال چهره‌ای جهانی است. او در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان بازیکن برتر آسیا انتخاب شد.



عصّار، سیّدمحمد کاظم

(۱۳۵۳ ـ ۱۲۵۹ه.ش.)
استاد حکمت و معارف اسلامی

عصّار از بزرگ‌ترین حکمای معاصر ایران و استاد جمعی از چهره‌های برجسته‌ی علوم و معارف اسلامی است. در تهران به‌دنیا آمد. حافظه‌ای بسیار قوی داشت. از ۳ سالگی به حفظ کردن قرآن پرداخت. در ۵ سالگی به مدرسه رفت و به دارالفنون راه یافت. همزمان با دارالفنون، در مدرسه‌ی آذربایجانی‌ها، به یادگیری حکمت و فلسفه پرداخت. سپس در اصفهان، که حوزه‌ی فلسفی مهمی داشت، تحصیل کرد. عصّار در نتیجه‌ی تحصیل و کار و کوشش مداوم به جایی رسید که یکی از خاورشناسان آلمانی، به استاد او، شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی گفت که در عمر خود، شخصی با این عظمت در علوم و فلسفه‌ی اسلامی و آداب بحث ندیده است. عصّار برای آن‌که از متن‌های اصلی آثار اروپایی استفاده کند، ۳ سال به فرانسه رفت تا زبان فرانسوی خود را تکمیل کند. او در مدرسه‌ی سپهسالار و در دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌کرد. از شاگردان برجسته‌ی او باید از سیدجلال‌الدّین تهرانی، سیدجلال‌الدّین آشتیانی و سیدحسین نصر نام برد. عصّار در ۹۴ سالگی در تهران درگذشت.



عضدالدوله دیلمی

(فوت: ۳۷۲ ه.ق.)
پادشاه مقتدر آل‌بویه

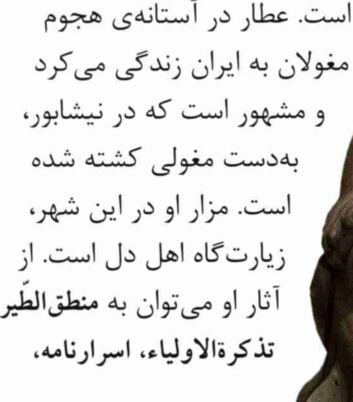


عضدالدوله فرزند حسن (رکن‌الدوله)، یکی از سه برادر آل‌بویه بود. او پس از عمویش علی (عمادالدوله)، قدرت را به‌دست گرفت. شیراز را پایتخت خود قرار داد و ۳۴ سال در فارس حکومت کرد. عضدالدوله اولین کسی است که بعد از اسلام، لقب شاهنشاه اختیار کرد. معروف‌ترین پادشاه آل‌بویه و مردی آبادگر، دین‌دار، شیعه و دوست‌دار اهل بیت رسول خدا ﷺ بود. در شیراز و در عراق، آبادانی بسیار کرد. در نجف و کربلا بقاع ائمه‌ی شیعه را مرمت کرد و در بغداد، بیمارستان عضدی را ساخت. آل‌بویه عموماً حاکمانی مردم‌دوست بودند و به عدالت با مردم رفتار می‌کردند. بند امیر که بر روی رود کر ساخته شده از آثار اوست.



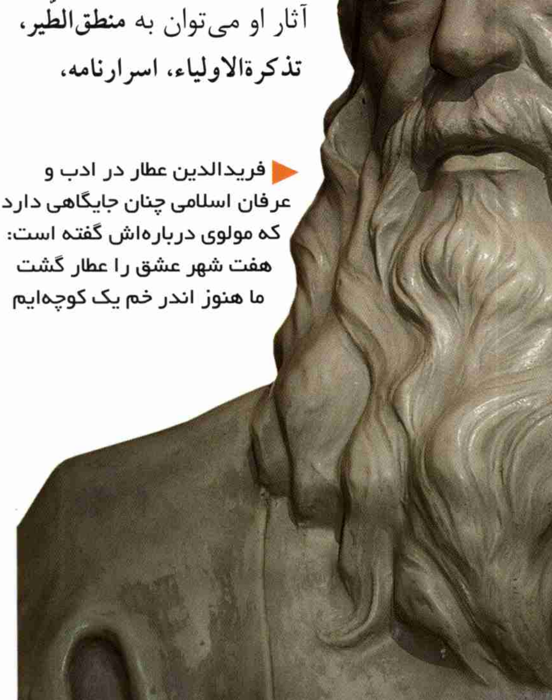
عطّار نیشابوری

(۶۲۷ _ ۵۴۰ ه.ق.)
شاعر و عارف



فریدالدین عطار، در کدکن نیشابور به‌دنیا آمد. پدرش عطار (داروفروش) بود و خودش نیز شغل پدر را ادامه داد. به سفرهای بسیاری رفت؛ از ماوراءالنّهر در ترکستان تا مکه را زیر پا گذاشت و با عالمان و عارفان بسیاری دیدار کرد. و نزد نجم‌الدین کبریٰ تعلیم دید. سرانجام هم در شهر خود، نیشابور، مقیم شد. عطار عارفی بزرگ و از پیش‌روان جلال‌الدین محمّد مولوی بود. مولوی در اشعارش از او یاد کرده و خود را دنباله‌رو او و سنایی دانسته است. عطار در آستانه‌ی هجوم مغولان به ایران زندگی می‌کرد و مشهور است که در نیشابور، به‌دست مغولی کشته شده است. مزار او در این شهر، زیارت‌گاه اهل دل است. از آثار او می‌توان به **منطق‌الطّیر**، **تذکرةالاولیاء**، **اسرارنامه**، **الهی‌نامه**، **مختارنامه** و **مصیبت‌نامه** اشاره کرد.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
سنایی ، مولوی ، نجم‌الدین کبری



▶ فریدالدین عطار در ادب و عرفان اسلامی چنان جایگاهی دارد که مولوی درباره‌اش گفته است:
هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم



▲ بهرام عظیمی در کنار شخصیت‌های فیلم‌هایش.



عظیمی، بهرام

(تولد: ۱۳۴۵ ه.ش.)
کاریکاتوریست

در تهران زاده شده و در رشته‌ی صنایع دستی، در دانشگاه تهران تحصیل کرده است. فعالیت خود را در رشته‌های گرافیک، نقاشی، انیمیشن و کاریکاتور متمرکز کرده و تاکنون بیش از ۵۰ جایزه در این زمینه دریافت کرده است. او عضو گروهی هنری به نام **کلاغ سفید** است و هم‌اکنون در یکی از مؤسسات فرهنگی ـ هنری، در مقام کارگردان انیمیشن فعالیت دارد. علاوه بر این، در خانه‌ی کاریکاتور ایران و دانشکده‌ی صدا و سیما نیز تدریس می‌کند. عظیمی با همکاری گروهی از طراحان انیمیشن، فیلم بلند **تهران ۱۵۰۰** را کارگردانی کرد که فضایی طنزآمیز ۱۱۰ سال آینده‌ی تهران و دغدغه‌های شهری آن را به تصویر می‌کشد. عظیمی از اعضای مؤسس انجمن کاریکاتور ایران است.

عقّاد، مصطفی

(۲۰۰۵ ـ ۱۹۳۰ م.)

کارگردان سوری

در حَلَب از شهرهای سوریه متولد شد. پدرش او را برای تحصیل در رشته‌ی کارگردانی به آمریکا فرستاد. آشنایی عقّاد با کارگردان مشهور آمریکایی، سام پکین‌پا، و کمک به او در مورد ساختن فیلمی درباره‌ی انقلاب الجزایر، به رشدش کمک کرد.

عقّاد در سال ۱۹۷۶، فیلم **الرّساله** یا **محمد رسول‌الله**ﷺ را به دو زبان عربی و انگلیسی ساخت که بازتاب جهانی خوبی داشت و مسلمانان جهان، از آن استقبال کردند. فیلم **شیر صحرا**، که درباره‌ی مبارزه‌ی مردم لیبی به رهبری عمر مختار بر ضد اشغالگران ایتالیایی است، از ساخته‌های عقاد است. این کارگردان برجسته در سال ۲۰۰۵، همراه با دخترش در یکی از هتل‌های امّان، پایتخت اردن بر اثر انفجار بمب کشته شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

عمر مختار ، کوئین



علامه امینی

(۱۳۵۰ ـ ۱۲۸۰ ه.ش.)

عالم دینی و نویسنده‌ی کتاب الغدیر

نامش عبدالحسین بود و در تبریز به‌دنیا آمد. در مدارس علمیه‌ی تبریز مقدمات علوم حوزوی را فراگرفت. نزد سیدمحمد مولانا و سیدمرتضی خسروشاهی درس خواند. سپس به نجف رفت. در درس علمای نام‌آور نجف حاضر شد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آن‌گاه به تبریز بازگشت و پس از چند سال، به قصد اقامت دائمی، به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ، مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود. اثر مشهور او مجموعه‌ی **الغدیر**، دایرةالمعارفی از مباحث عقلی، استدلالی، تاریخ و ادبیات راجع به حادثه‌ی غدیر خم و در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیؑ است. علامه برای گردآوری مطالب الغدیر، کتاب‌های کتاب‌خانه‌های عمومی و شخصی بسیاری را در عراق، ایران، هند، پاکستان، لبنان، سوریه، مکه و مدینه بررسی و با بسیاری از علما و دانشمندان شیعه و سنی دیدار کرد. کتاب دیگر او **شهداءُالفضیله** نام دارد. علامه امینی در نجف کتاب‌خانه‌ای تأسیس کرد که بیش از ۴۰ هزار کتاب داشت. او در تهران درگذشت و در کتاب‌خانه‌اش در نجف، به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آقابزرگ تهرانی



علامه حلّی

(۷۲۶ ـ ۶۴۸ ه.ق.)

عالم و فقیه شیعه

نامش جمال‌الدین حسن، معروف به علامه حلی است و در حلّه، شهری بین کربلا و نجف، به‌دنیا آمد. خانواده‌اش به علم و تقوا و شجاعت مشهور بودند. بسیار باهوش و ذکاوت بود و چنان‌که گفته‌اند، پیش از رسیدن به سن بلوغ، به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۲۶ سالگی به نوشتن کتاب‌های علمی پرداخت و در طی سال‌های عمر خود، حدود یکصد کتاب در زمینه‌ی معارف اسلامی، فلسفه، ادبیات عرب، ریاضی و... نوشت. او، که فقیهی با نفوذ بود و در عصر مغولان می‌زیست، توانست با استدلال‌های علمی، سلطان محمّد خدابنده، معروف به الجایتو، حاکم مغول را به مذهب شیعه معتقد سازد و در پی آن، بسیاری از مغولان نیز شیعه شدند. علامه حلی به نداشتن تعصب و آزادفکری شهرت داشت. او گفته است: «تعصب‌های گذشتگانِ ما، تنها و تنها مشکلات را پیچیده‌تر کرده است.» این عالم بزرگ، هم استادان بزرگی داشت و هم شاگردان بزرگی تربیت کرد. خواجه نصیر توسی، سیدبن طاووس و ابن‌میثم بحرانی از استادان او بودند. در سال‌های اخیر، به پاس خدمات علامه حلی به علوم و معارف اسلامی و مذهب شیعه، پیکره‌ی او را در شهر سلطانیه‌ی زنجان، در مقابل گنبد عظیم سلطانیه، که در زمان او به دست الجایتو ساخته شد، قرار داده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

الجایتو ، خواجه نصیر توسی ، سیدبن طاووس



علامه طباطبایی

(۱۳۶۰ ـ ۱۲۸۱ ه.ش.)

حکیم و مفسّر قرآن

نامش سیدمحمدحسین بود. در خاندانی از سادات آذربایجان، در تبریز به‌دنیا آمد. یکی از اجداد او سراج‌الدین عبدالوهاب نام داشت که توانسته بود به نبرد خونین بین ایران و عثمانی در زمان شاه اسماعیل صفوی پایان دهد. محمدحسین در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و با برادر خود، محمدحسن، تنها ماند. این دو برادر سرپرستی داشتند که آن‌ها را بنا به وصیت پدرشان، تا رسیدن به سن بلوغ تحت حمایت قرار داد. سیدمحمدحسین در تبریز و نجف تحصیل کرد. در نجف از محضر عالمان بزرگی مانند آیت‌الله محمدحسین نایینی و سیدابوالحسن اصفهانی درس آموخت و به‌ویژه از آیت‌الله سیدعلی آقا قاضی در اخلاق و عرفان بهره‌ی فراوان برد. علامه، به جز علوم و معارف اسلامی، در زمینه‌ی ریاضی و معماری هم دارای دانش کافی بود. بعدها که به قم رفت، طرح ساختمان مدرسه‌ی حجّتیّه را به آیت‌الله حجّت داد و مدرسه ساخته شد. او پس از بازگشت از نجف، ۱۰ سال در تبریز بود و



علامه طباطبایی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تفسیر قرآن را در عصر حاضر نوشته است.

سپس به قم رفت و به تدریس تفسیر قرآن و فلسفه و حکمت اسلامی پرداخت. در قم شاگردانی یافت که هر یک شخصیتی عالم و برجسته شدند: مرتضی مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتح، امام موسی‌صدر، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی، سیدجلال‌الدین آشتیانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سید محمدحسین تهرانی و... از شاگردان او بودند. در پی آشنایی و ارتباط با هانری کُربَن، که از طریق دکتر سیدحسین نصر صورت گرفت، و بحث و گفت‌وگو با این دانشمند فرانسوی، علامه توانست معارف شیعی را به جهان غرب بیش‌تر معرفی کند. او کتاب **شیعه در اسلام** را در پی همین ماجرا نوشت. کار عظیم علامه، تألیف **تفسیرالمیزان** در ۲۰ جلد به زبان عربی است که به فارسی هم ترجمه شده است. از کتاب‌های دیگر او می‌توان به: بدایةالحکمه، نهایةالحکمه، **اصول فلسفه و روش رئالیسم** و **آموزش دین** اشاره کرد. علامه طباطبایی در آبان سال ۱۳۶۰ در قم درگذشت و در حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه(ع) به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:
مطهری ، نصر



علامه عسکری

(۱۳۸۶ ـ ۱۲۹۳ ه.ش.)

عالم و پژوهشگر دینی

سید مرتضی عسکری، معروف به علامه عسکری، اهل ساوه بود و اجدادش اغلب از عالمان دین بودند. سیدمرتضی در سامرای عراق متولد شد و تحصیلات خود را تا ۲۴ سالگی در همان‌جا ادامه داد. سپس به قم رفت و از حضور مراجع بزرگ، از جمله آیت‌الله مرعشی و امام‌خمینی بهره برد. در این شهر مدتی با حجت‌الاسلام سیدمحمود طالقانی هم‌دلی و هم‌فکری داشت. این دو تصمیم گرفتند مباحث و دروس قرآنی و برگزاری جلسات تفسیر قرآن را در حوزه احیا کنند؛ اما موفق نشدند و سیدمرتضی عسکری به عراق برگشت. علامه عسکری عالمی آگاه به زمان، مسئولیت‌شناس، جوان‌گرا، علاقه‌مند به وحدت اسلامی و مدافع حریم تشیّع بود. او در بحث از تاریخ اسلام، عالمی کم‌نظیر بود. در عراق با علاقه جریان‌های فرهنگی ضدّ اسلامی، کمونیستی و بعثی را زیر نظر داشت و در زمینه‌ی مقابله با این جریان‌ها، زیر نظر آیت‌الله سیدمحسن حکیم فعالیت می‌کرد. با همکاری سیدمحمدباقر صدر و خواهرش، بنت‌الهدی، مدارسی برای تربیت نوجوانان و جوانان تأسیس کرد و در جهت گسترش مکتب اهل بیت، **دانشکده‌ی اصول دین** را در بغداد بنا نهاد. اما وقتی از سوی بعثی‌ها تحت تعقیب قرار گرفت، دانشکده تعطیل شد و خودش، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به ایران آمد. در ایران، به ادامه‌ی فعالیت‌های علمی و دینی مشغول شد. علامه عسکری در سال ۱۳۷۵ با تشویق آیت‌الله خامنه‌ای **دانشکده‌ی اصول دین** را در تهران تأسیس کرد که اکنون با سه شعبه‌ی فعال دارای دانشجویان ایرانی و خارجی است. علامه کتاب‌های گوناگونی تألیف کرد که از آن جمله باید **عبدالله‌بن سبا، بر گستره‌ی کتاب و سنّت، نقش ائمه(ع) در احیای دین** و **۱۵۰ صحابه‌ی ساختگی** را نام برد. این عالم دینی در ۹۳ سالگی، در تهران درگذشت و در قم، در حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه(ع)، به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:
صدر (سیدمحمد باقر) ، طالقانی



علامه مجلسی

(۱۱۱۱ ـ ۱۰۳۷ ه.ق.)

فقیه و عالم عصر صفوی

نام او محمدباقر و فرزند عالم بزرگ محمدتقی مجلسی بود و در اصفهان، در آخرین سال زندگی شاه عباس اول، به‌دنیا آمد. به او مجلسی دوم نیز می‌گویند. از کودکی بسیار بااستعداد، با پشت‌کار و مشتاق آموختن علم بود و در بزرگی فقیه و محدثی برجسته و بانفوذ شد. علمای بزرگی استادان او بودند و علمای بزرگی نیز زیر نظر او تربیت شدند. شاگردان مسلّم او را از بیش از دویست تا هزار نفر می‌دانند. مجلسی چندی شیخ‌الاسلام اصفهان شد و این مقام را به‌رغم میل خود قبول کرد. او در احیای آثار مکتوب



شیعه همت بسیار کرد و بیش از ۶۰ تألیف از خود برجای گذاشت که یکی از آن‌ها مجموعه‌ی دایرةالمعارفی **بحارالانوار** است که در زمان ما در ۱۱۰ جلد چاپ شده است. مجلسی نخستین کسی است که برای آشنایی عامه‌ی مردم ایران با مسائل دینی و احکام شرعی، کتاب‌هایی به زبان فارسی ساده، در زمینه‌های سیره، تاریخ، حدیث، احکام و... نوشت که از زمان او تا امروز همواره خوانده شده است. **حِلیةالمتقین**، **عین‌الحیات** و **حقّ‌الیقین** از این کتاب‌هاست. مجلسی در اصفهان درگذشت و در جنب مسجد جامع اصفهان به خاک سپرده شد.



علم، شوکت‌الملک

(۱۳۲۳ ـ ۱۲۵۹هـ.ش.)

خان مقتدر شرق ایران

محمد ابراهیم شوکت‌الملک، فرزند امیرعلم‌خان، حاکم منطقه‌ی بیرجند و قائنات در دوره‌ی قاجار بود. این خاندان از گذشته‌های دور، منطقه‌ی شرق ایران، از خراسان تا سیستان و بلوچستان را زیر نفوذ خود داشتند. ارتباط آن‌ها با انگلیسی‌ها، که هند را به استعمار خود درآورده بودند، خوب بود. محمدابراهیم چند سال قبل از انقلاب مشروطه، امیر قائنات شد و مظفرالدین‌شاه به او لقب شوکت‌الملک داد. این امیر در عین اقتدار، مردی فرهنگ‌دوست بود و **مدرسه‌ی شوکتیه** را در بیرجند تأسیس کرد. تأسیس این مدرسه در باسواد کردن مردم منطقه مؤثر بود و شخصیت‌های بسیاری در آن پرورش یافتند. شوکت‌الملک در زمان رضاشاه مدتی وزیر پست و تلگراف و چندی نیز استان‌دار فارس شد. تنها پسر او، **اسدالله علم**، که چندی نخست‌وزیر و سپس وزیر دربار محمدرضا پهلوی شد، از رجال وابسته به انگلیس در ایران بود.

عَلَم‌الهُدی، سیدحسین

(۱۳۵۹ ـ ۱۳۳۷هـ.ش.)

از شهیدان واقعه‌ی خونبار هویزه در دفاع مقدس

حسین علم‌الهدی، فرزند آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی، در اهواز به‌دنیا آمد. در همان‌جا به مدرسه رفت و هم‌زمان به آموزش قرآن پرداخت و تا کلاس چهارم توانست قرآن را ختم کند. در مدرسه دانش‌آموزی فعال و بسیار بااحساس بود. در سال ۱۳۵۱، به سبب فعالیت‌های سیاسی در مدرسه دستگیر شد و زیر شکنجه‌ی ساواک قرار گرفت. پس از آزادی، درس خود را ادامه داد و در سال ۱۳۵۶، در رشته‌ی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد. بیش از یک سال در مشهد نبود که انقلاب آغاز شد. به اهواز برگشت و به تکاپوی انقلابی خود ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب و تشکیل سپاه، علم‌الهدی عضو شورای فرمان‌دهی سپاه خوزستان شد و هنوز جنگ شروع نشده بود که فرمان‌دهی سپاه شهر کوچک هویزه را به‌عهده گرفت و با تمام وجود به فعالیت در آن مشغول شد. با آغاز جنگ، علم‌الهدی تمام فعالیت‌هایش را در جبهه متمرکز کرد تا در دی‌ماه ۱۳۵۹ که حمله‌ی بزرگ نیروهای ایران بر ضد عراقی‌ها در منطقه‌ی هویزه شروع شد. در روز اول، حمله بسیار خوب صورت گرفت و ۳ هزار عراقی اسیر شدند. اما در روز دوم، چون یک گروه از رزمندگان نتوانستند طبق برنامه پیش‌روی کنند، عراقی‌ها با صدها تانک، جمعی از نیروهای سپاه را، که علم‌الهدی نیز در میان آن‌ها بود، محاصره کردند و همه را به شهادت رساندند و شهر هویزه را نیز با خاک یکسان کردند. ۱۸ ماه بعد، که هویزه‌ی ویران‌شده آزاد شد، اثری از شهدا نبود. تا این که در سال ۱۳۶۲ جنازه‌های شهید علم‌الهدی و یارانش را در حوالی هویزه پیدا کردند و پیکرشان را پس از تشییع باشکوهی در همان‌جا به خاک سپردند و سپس مقبره‌ای برایشان ساختند.

علوی، بزرگ

(۱۳۷۵ ـ ۱۲۸۲هـ.ش.)

نویسنده

در خانواده‌ای بازرگان و مشروطه‌خواه، در تهران به‌دنیا آمد. در مدرسه‌های اقدسیّه و دارالفنون تحصیل کرد. سپس همراه پدرش به آلمان رفت. با تحصیل در دانشگاه مونیخ در رشته‌ی تعلیم و تربیت، مدرک لیسانس گرفت و به ایران بازگشت. یک سال در شیراز در مدرسه‌ی صنعتی، زبان آلمانی تدریس کرد و سال بعد به تهران رفت. علوی با صادق هدایت و مجتبی مینوی و مسعود فرزاد، دوست و هم‌فکر بود و این چهار نفر به گروه ربعه معروف شده بودند. بزرگ علوی، ابتدا مانند صادق هدایت، تفکرات باستان‌گرایانه و عرب‌ستیزانه داشت؛ ولی آشنایی‌اش با دکتر تقی ارانی، که اشاعه‌دهنده‌ی افکار الحادی و کمونیستی بود، سبب شد به کمونیسم مایل شود. در پی آن به حزب توده پیوست و در انتشار مجله‌ی **دنیا** با ارانی همکاری کرد. علوی یکی از «۵۳ نفر» معروف بود که در یک شبکه‌ی کمونیستی در دوره‌ی رضاشاه دستگیر شدند. وی ۵ سال در زندان ماند و با سقوط حکومت رضاشاه، آزاد شد. او کتاب **۵۳ نفر**

را بر اساس همین موضوع در زندان نوشته است. اثر معروف علوی، که در کانون آثار سیاسی او قرار دارد، رمان **چشم‌هایش** است که در رژیم پهلوی سال‌ها دست به دست می‌گشت و دارنده‌اش تحت تعقیب قرار می‌گرفت. بزرگ علوی پس از کودتای ۲۸ مرداد و متلاشی شدن حزب توده، در آلمان شرقی مقیم و استاد دانشگاه برلن شد. او در آن‌جا به مطالعه و تحقیق درباره‌ی فرهنگ و ادبیات ایران پرداخت. علوی، که همسری آلمانی داشت، بعد از انقلاب اسلامی به ایران بازگشت. ولی مقیم نشد و به آلمان بازگشت و در ۹۳ سالگی در همان‌جا درگذشت. از آثار اوست: **حماسه‌ی ملّی ایران** (ترجمه، اثر نولدکه، ایران‌شناس آلمانی)، **ورق‌پاره‌های زندان، ۵۳ نفر، چشم‌هایش، میرزا، سالاری‌ها**.



علیّ النقی(ع)، امام

(۲۵۴ ـ ۲۱۲ ه.ق.)

دهمین امام شیعیان

او فرزند امام نهم، امام محمدتقی(ع)، و خود معروف به امام هادی(ع) است. آن حضرت در مدینه به‌دنیا آمد و در سامرا به شهادت رسید. مادرش سمانه، معروف به امّ‌الفضل، کنیزی پاک‌دامن و عارف بود. امامان شیعه قصد داشتند با ازدواج با کنیزان، تبعیض نژادی را، که روش مستکبران و اشراف بود و غلامان و کنیزان را طبقه‌ای پست می‌دانستند، از میان ببرند. امام هادی(ع) ۲۰ سال داشت که متوکل عباسی خلیفه شد و سخت‌گیری‌های خود را بر شیعیان آغاز کرد. او امام هادی(ع) را با خانواده‌اش، از مدینه به سامرا آورد و زیر نظر قرار داد. با وجود این، امام توانست شیعیان را هدایت و ارشاد کند زیارت جامعه‌ی کبیره از تعالیم این امام است. یکی از یاران امام هادی(ع)، عبدالعظیم حسنی بود که وقتی تحت تعقیب قرار گرفت، به ایران آمد. او در ری ساکن شد و در این شهر از دنیا رفت. امام هادی(ع) پس از ۴۲ سال زندگی، به‌دست دشمنان مسموم شد و به شهادت رسید. مزار آن حضرت در کنار مزار فرزندش امام حسن عسکری(ع) ، در شهر سامرای عراق، زیارت‌گاه شیعیان است.

همچنین نگاه کنید به:
حسن‌عسکری(ع) ، عبدالعظیم حسنی



علی بابا

از چهره‌های داستان‌های هزار و یک‌شب

علی‌بابا همچون سندباد، علاءالدین و...، یکی از شخصیت‌های داستان‌های پرماجرای هزارویک شب است که بیش‌تر ماجراهای آن در بغداد می‌گذرد. در داستان **علی‌بابا و چهل دزد بغداد**، علی‌بابا از روی تصادف جمله‌ای سحرآمیز، و به عبارت دیگر یک اسم رمز، یاد می‌گیرد. او با گفتن آن جمله، درِ غاری را که چهل دزد غنیمت‌های خود را در آن مخفی کرده‌اند، می‌گشاید و به ثروتی بزرگ دست می‌یابد. در یک مجموعه‌ی تلویزیونی، که از داستان علی‌بابا ساخته شده و در ایران هم نمایش داده شده است، جمله‌ی سحرآمیز علی‌بابا این است: «کنجد، کنجد، باز شو!»

همچنین نگاه کنید به:
سندباد



علیّ بن ابی طالب(ع)، امام

(شهادت: ۴۰ ه.ق.)

امام اول شیعیان

علی(ع) ، پسر ابوطالب، عموی پیامبر بود. مادرش، فاطمه بنت اسد، او را در خانه‌ی کعبه به‌دنیا آورد. از این‌رو، علی(ع) را فرزند کعبه نامیده‌اند. چون ابوطالب برادرزاده‌اش محمد را، که یتیم بود، به خانه‌ی خود آورده و او را سرپرستی می‌کرد، به این سبب، علی(ع) از همان کودکی و خردسالی با حضرت محمد(ص) بزرگ شد و از خصال نیک آن حضرت و تعالیم الهی او بسیار بهره گرفت. علی(ع) نخستین کسی بود که به اسلام ایمان آورد و با رسول‌خدا(ص) بیعت کرد. او از آن پس، حتی یک لحظه از خدمت به اسلام و رسول‌خدا(ص) کوتاهی نکرد. در سال سیزدهم بعثت، وقتی کفار مکّه تصمیم گرفتند شبانه به خانه‌ی پیامبر بریزند و او را به قتل برسانند، علی(ع) فداکاری کرد و به جای آن حضرت در بستر خوابید. این واقعه سرآغاز هجرت پیامبر از



علی بابا و چهل دزد بغداد یکی از داستان‌های هزار و یک شب است.

مکه به مدینه و موجب تحول و پیش‌رفت مهمی برای اسلام شد. علی با فاطمه دختر پیامبر، ازدواج کرد. حسن، حسین و زینب ، حاصل این ازدواج بودند. ائمه‌ی شیعه و هر کس که از آن پس از نسل رسول‌الله متولد شد، «سیّد» و نتیجه‌ی همان ازدواج است. علی در همه‌ی غزوه‌ها و جنگ‌ها، به‌جز در غزوه‌ی تبوک، که به جای پیامبر در مدینه ماند، شرکت کرد و رشادت‌ها و فداکاری‌های مثال‌زدنی از خود نشان داد. در آغاز هجرت به مدینه، هنگامی که رسول‌خدا میان مؤمنان پیمان برادری بست، علی را به برادری خویش برگزید. رسول‌خدا در سال آخر حیات خود در راه بازگشت از سفرحج، در محلی به نام غدیر خُم، علی را در حضور اصحاب و دیگر مسلمانانی که همراه او بودند، به مقام امامت و ولایت پس از خود انتخاب کرد. بر همین اساس، شیعیان علی را نخستین جانشین پیامبر و امام اول خود می‌شناسند. اما بعد از رحلت رسول‌خدا، میان مسلمانان اختلاف‌نظر پیدا شد. سرانجام، در محلی به نام سقیفه‌ی بنی‌ساعده، ابوبکر را به خلافت انتخاب کردند. بعد از فوت ابوبکر، به ترتیب عمر و عثمان و سرانجام علی خلیفه شدند. علی پس از پیامبر ۲۵ سال از دخالت رسمی در حکومت و خلافت به دور بود؛ تا این‌که پس از کشته شدن عثمان، مردم به اصرار از علی خواستند خلافت را بپذیرد که او پذیرفت و چهارمین خلیفه‌ی مسلمانان شد. آن حضرت در مدت ۵ سال خلافت خود، با سه جنگ داخلی ناخواسته روبه‌رو شد: جنگ جمل با طلحه و زبیر و عایشه، جنگ صفّین با معاویه و جنگ نهروان با خوارج. علی در مقام عرفان، بلندپایه‌ترین شخصیت اسلام پس از پیامبر است. از این‌رو، همه‌ی طریقه‌های عرفانی اسلام، سلسله‌ی خود را به او می‌رسانند. او در سخن گفتن و در بیان حقایق و معارف الهی



▲ تابلو مولود کعبه، اثر استاد محمود فرشچیان

بی‌نظیر بود. مجموعه‌ای از سخنان او را چند قرن بعد، سیدرضی گردآورد و آن را نهج‌البلاغه نامید که تاکنون ترجمه‌های متعددی از آن شده و شرح‌های متفاوتی نیز بر آن نوشته‌اند. علی در صبح‌گاه نوزدهم رمضان سال ۴۰ هجری، در مسجد کوفه و در حال نماز بر اثر ضربت یکی از خوارج به نام ابن ملجم مجروح شد و دو روز بعد به شهادت رسید. مرقد او در شهر نجف، زیارت‌گاه مسلمانان است.

همچنین نگاه کنید به:

ابوبکر ، حسن‌بن علی ، محمد رسول‌الله



علیّ بن الحسین، امام

(۳۸ ـ ۹۵ هـ.ق.)

چهارمین امام شیعیان

فرزند امام حسین بود و دو سال پیش از شهادت حضرت علی، در مدینه به‌دنیا آمد. در ماجرای حرکت امام حسین به عراق، همراه پدر بود؛ اما در روز عاشورا به سبب بیماری، در میدان جنگ حاضر نشد و تنها فرد ذکور از خاندان امام حسین بود که در کربلا به شهادت نرسید و زنده ماند. بعد از ماجرای عاشورا، با دیگر اعضای خاندانش به اسارت به شام برده شدند. آن حضرت، همراه عمه‌اش، زینب، توانست با رشادت و فصاحت تمام جنایات یزید و دار و دسته‌ی او را در طول راه و حتی در بارگاه یزید در دمشق برای مردم آشکار سازد. آن حضرت پس از تحمل آن همه سختی و ناملایمات و اسارت، به مدینه بازگشت. اما با توجه به استبداد و خفقان شدید حاکم، که مانع هر گونه حرکتی بود، بیش‌تر ایام عمر خود را به هدایت مردم از طریق بیان دعا و نیایش و بیان حقایق اسلام برای اصحاب خود گذراند. از این رو، به **سجّاد** و **زین‌العابدین** مشهور شد. کتاب **صحیفه‌ی سجّادیه**، مجموعه‌ی دعاهای آن حضرت است. مزار امام سجاد در گورستان بقیع است.

همچنین نگاه کنید به:

حسین‌بن علی ، محمدِباقر



علیّ بن موسی الرضا، امام

(۱۵۱ ـ ۲۰۳ هـ.ق.)

هشتمین امام شیعیان

فرزند امام موسی کاظم، هفتمین امام شیعه، بود و در مدینه متولد شد. بیش‌تر ایام عمر او در زمان خلافت مستبدانه و سرکوب‌گرانه‌ی هارون‌الرشید گذشت. پدرش نیز سال‌هایی را در زندان هارون در بغداد گذراند و در همان‌جا به شهادت رسید. وقتی هارون مرد، بین دو پسرش امین و مأمون جنگ درگرفت و مأمون با کشتن برادر، به خلافت رسید. ابتدا شهر مرو در خراسان را مرکز خلافت قرار داد. آن‌گاه به دلیل نفوذ و قدرت علویان و محبوبیت اهل‌بیت، فضل‌بن سهل به مأمون پیشنهاد کرد امام رضا را به ولایت‌عهدی خود برگزینند. مأمون پذیرفت و بدین‌منظور امام را از مدینه به مرو دعوت کرد. امام، به

شرط این‌که در امور خلافت دخالتی نداشته باشد، این پیشنهاد را پذیرفت و از مدینه به خراسان مهاجرت کرد. این امر موجب شهرت و محبوبیت بیش‌تر امام رضاؑ و قدرت یافتن شیعیان شد؛ لذا عباسیان، که قدرت زیادی داشتند، با این کار مأمون مخالفت و او را تهدید به برکناری از قدرت کردند؛ به طوری که سرانجام مأمون ناچار شد مرکز خلافت را به بغداد انتقال دهد و امام رضاؑ را نیز از ولایت‌عهدی خلع کند. او سپس فضل‌بن سهل را کشت و امام رضاؑ را نیز مسموم کرد. امام رضاؑ را در سناباد توس، که بعدها مشهدالرّضا نام گرفت، به خاک سپردند. مشهد، امروز یکی از بزرگ‌ترین شهرهای زیارتی جهان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

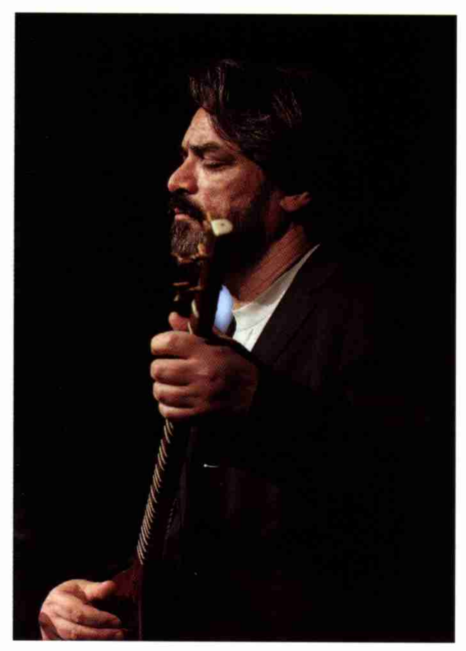
موسی‌کاظمؑ ، احمدبن موسی ، فاطمه‌ی معصومهؑ ، مأمون

علیزاده، حسین

(تولد ۱۳۳۰هـ.ش.)

آهنگ‌ساز و نوازنده

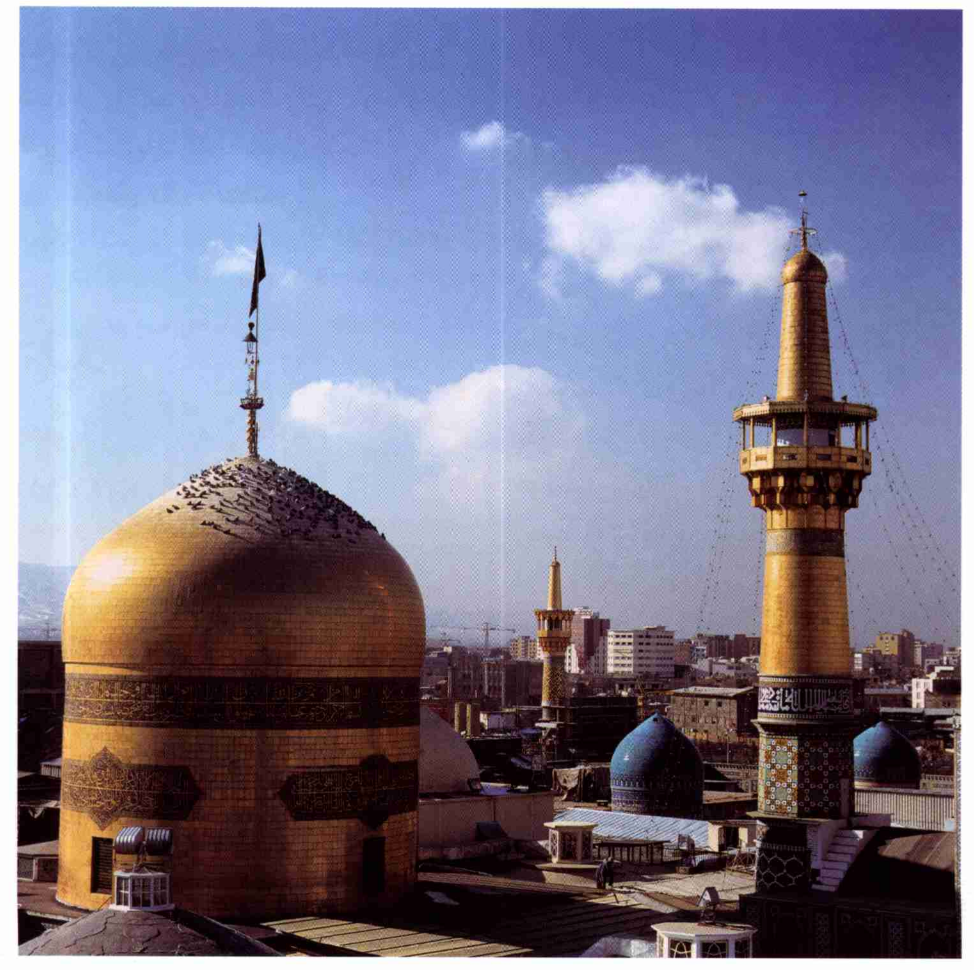
حسین علیزاده در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی موسیقی در هنرستان عالی موسیقی و دانشکده‌ی هنرهای زیبا گذراند و از استادانی چون علی‌اکبر شهنازی، داریوش صَفوَت، نورعلی برومند، محمود کریمی و عبدالله دوامی بهره برد. او با فعالیت در مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایران، همکاری با **گروه شیدا** و نیز تشکیل **گروه عارف** نقش ارزنده‌ای در شناساندن و اشاعه‌ی موسیقی ایران ایفا کرده است. علیزاده مدتی نیز برای مطالعه و ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی موسیقی، به آلمان رفت. او با دانش و مهارت خود، نوآوری‌های ارزنده‌ای در موسیقی دارد و آثاری چون **نی‌نوا**، **حصار**، **سواران دشت امید**، **نوبانگ کهن**، **شورانگیز** و **سرودهای آذربایجان** را پدید آورده است. علیزاده در ساخت موسیقی فیلم نیز جوایزی را کسب کرده است که یکی از آن‌ها جایزه‌ی موسیقی متن فیلم **آواز گنجشک‌ها** ساخته‌ی مجید مجیدی است که آن را در جشنواره‌ی فیلم فجر سال ۱۳۸۶ دریافت کرد. او چندین بار نیز نامزد دریافت جایزه‌ی گِرَمی شد و سرانجام، در سال ۱۳۸۵ برای آلبوم **به تماشای آب‌های سپید**، این جایزه را دریافت کرد.



حسین علیزاده از چهره‌های ممتاز موسیقی امروز ایران است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

برومند ، شجریان ، مجیدی



مرقد مطهر امام رضاؑ در مشهد، این شهر را به بزرگ‌ترین شهر زیارتی جهان تبدیل کرده است. هرسال بیش از ۱۰ میلیون نفر به مشهد سفر می‌کنند.



علی‌مراد، عبدالله

(تولد: ۱۳۲۶هـ.ش.)

کارگردان فیلم‌های نقاشی متحرک

در تهران به‌دنیا آمده و از مرکز تجربیات و آموزش نقاشی متحرک کانون پرورش



علی‌مراد فیلم «یکی کمه» را به شیوه‌ی عروسک‌سازی خمیری ساخته است.

فکری کودکان و نوجوانان، مدرک گرفته است. فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۵۵ با ساخت فیلم‌های عروسکی و نقاشی متحرک شروع کرد. او در فعالیت‌های جنبی فیلم‌های سینمایی نیز با سازندگان همکاری داشت. فیلم‌های نقاشی متحرک او عبارت است از: **طوطی و بقال** (کارگردان و فیلم‌بردار)، **چشم تنگ دنیادار** (فیلم‌بردار) و **کوه جواهر** (کارگردان و نویسنده). فیلم‌های سینمایی او نیز عبارت است از: **مدرسه‌ای که می‌رفتیم** (عنوان‌بندی)، **باشو غریبه‌ی کوچک** (عنوان‌بندی)، **قصه‌های بازار** (نویسنده، کارگردان، فیلم‌بردار)، **یکی کمه** و **تجربه و ترفند**. علی‌مراد دو کتاب به نام‌های **نگاه: چگونه فیلم عروسکی بسازیم**، و **روش‌های ساده‌ی متحرک‌سازی** تألیف کرده است. او اکنون در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

عمّار یاسر

(شهادت: ۳۷ ه.ق.)

صحابی پیامبر‌ﷺ و یاور علی‌ؑ

عمار با پدرش، یاسر، و مادرش، سمیه، در ابتدای ظهور اسلام مسلمان شدند. یاسر و سمیه به دست کفار قریش، در زیر شکنجه کشته شدند؛ اما عمّار زنده ماند و تا آخر در خدمت پیامبر بود. پس از پیامبر، به اصحاب و دوست‌داران علی‌ؑ پیوست و در جنگ صفّین جزو لشکر علی‌ؑ بود. او در ۹۳ سالگی، در همین جنگ به شهادت رسید. پیامبر در زمان حیات خود از کشته شدن عمّار یاسر به دست گروهی ستم‌کار در آینده خبر داده و این مطلب بین مسلمانان مشهور بود. به این سبب، هنگامی که عمّار در جنگ صفین به شهادت رسید، عمرو عاص با حیله‌گری کشته شدن او را به علی‌ؑ نسبت داد تا معاویه را از این قتل مبرّا سازد. با این حال این واقعه سبب شد که شک و تردید عده‌ای که در جنگ با معاویه تردید داشتند رفع شد و ظالم بودن معاویه بر همه آشکار گردید.

همچنین نگاه کنید به:

اویس قرنی ، کمیل بن زیاد

عمربن خطّاب

(فوت: ۲۳ ه.ق.)

خلیفه‌ی دوم

عمر نخست از مخالفان سرسخت اسلام بود. اما در سال هشتم بعثت، با شنیدن آیاتی از قرآن از زبان خواهرش، که پیش از او اسلام آورده بود، در مکه مسلمان شد. پس از هجرت به مدینه، پیامبر بین او و ابابکر پیمان اخوّت بست و عمر دختر خود، حفصه، را به همسری پیامبر درآورد. پس از رحلت پیامبر، عمر در خلیفه شدن ابوبکر نقش مهمی ایفا کرد. ابوبکر هم پیش از وفات، او را جانشین خود و خلیفه‌ی دوم اعلام کرد. در زمان عمر، فتوحات اسلام گسترش یافت. شهرهای کوفه و بصره، برای لشکرگاه بنا نهاده شدند و دو امپراتوری بزرگ، ایران و روم شرقی، به‌دست مسلمانان فتح شد. عراق، فلسطین (قدس)، مصر و الجزایر نیز در زمان عمر به‌دست مسلمانان افتاد. عمر شیوه‌ی تقسیم بیت‌المال را تغییر داد و بر سهم مهاجرین و انصار افزود و دیوان خاصی برای اداره‌ی امور به‌وجود آورد. اهل سنّت عمر را به لقب **فاروق**، به معنی جداکننده‌ی حق از باطل می‌شناسند. او ۱۰ سال و ۶ ماه خلافت کرد و سرانجام در سال ۲۳ هجری، به دست غلامی ایرانی به نام فیروز یا ابولؤلؤ، در هنگام اقامه‌ی نماز جماعت صبح ضربت خورد و پس از سه روز درگذشت. پیکرش را در جوار قبر پیامبر اکرم‌ﷺ به خاک سپردند و قاتل را نیز قصاص کردند. پس از عمر، شورای شش نفره‌ای که خودش تعیین کرده بود عثمان‌بن عفان را به خلافت انتخاب کرد.

همچنین نگاه کنید به:

ابوبکر ، عثمان‌بن عفان ، علی‌بن ابی‌طالب‌ؑ



عمربن عبدالعزیز

(فوت: ۱۰۱ ه.ق.)

خلیفه‌ی مروانی اموی

فرزند عبدالعزیز، حاکم اموی مصر، بود که با عقل و تدبیر بر آن کشور حکومت می‌کرد. وقتی سلیمانِ عبدالعزیز خلیفه‌ی اموی در دمشق مُرد، به وصیت او، برادرش عمربن عبدالعزیز به خلافت رسید. عمربن عبدالعزیز با دیگر خلیفه‌های اموی تفاوت بسیار داشت و عموماً در تاریخ از او به نیکی یاد شده است. مردی زاهد و فروتن بود. شاعران و مداحان را به دربار خود راه نمی‌داد. به عدالت رفتار می‌کرد. دشنام دادن به علی‌ؑ را، که از زمان معاویه بر منابر رسم شده بود، منع کرد و حتی زمین فدک را به خانواده‌ی پیامبر بازگرداند. او مالیات‌ها را، به‌خصوص برای ایرانیان، کاهش داد؛ از این‌رو، بر شمار نومسلمانان ایرانی افزوده شد. عمربن عبدالعزیز، برخلاف خلفای پیشین، به لشکرکشی به خارج جهان اسلام علاقه نداشت و همت خود را صرف اصلاحات داخلی کرد. در زمان او مردم رضایت نسبی داشتند. به این سبب، وقتی بنی‌عباس قدرت

یافتند و گورهای خلفای اموی را خراب کردند، کسی به گور عمربن عبدالعزیز دست نزد. شیوه‌ی خلافت عمربن عبدالعزیز بر خاندان بنی‌امیه، که سال‌های طولانی با ایجاد ترس و وحشت در میان مردم حکومت کرده بودند، خوش نیامد. به همین دلیل، بعد از دو سال خلافت، غلام او را فریفتند و پول زیادی به او دادند تا عمربن عبدالعزیز را مسموم کند و بدین ترتیب، او را از میان برداشتند.



عمرمختار

(۱۳۰۹ ـ ۱۲۳۸ هـ.ش.)

رهبر جنبش ضداستعماری مردم لیبی

عمر مختار در شهری به نام بُرقه در لیبی متولد شد و پیرو مذهب سنوسی از فرقه‌های صوفیانه‌ی شمال آفریقا بود. حافظ، قاری و معلم قرآن بود و در بُرقه، عنوان **شیخ زاویه** داشت. هنگامی که ایتالیایی‌های استعمارگر در سال ۱۹۱۰م. شهر بِن‌غازی را تصرف کردند، عمر مختار در صف اول قیام‌کنندگان بر ضد آنان قرار گرفت و سال‌ها با آن‌ها جنگید. سرانجام، در یکی از جنگ‌ها، نیروهای عمر مختار شکست خوردند و خودش دستگیر شد. ایتالیایی‌ها او را محاکمه کردند. اما عمر مختار با استواری و شجاعت در برابر آن‌ها ایستاد. سرانجام، در بن‌غازی به دار آویخته شد. دوست‌دارانش او را **شیر صحرا** لقب دادند. از زندگی عمر مختار یک فیلم سینمایی به همین نام ساخته شده که آنتونی کوئین، بازیگر آمریکایی، نقش او را ایفا کرده است.

همچنین نگاه کنید به:
امیر عبدالقادر ، کوئین



▲ عمر مختار با شهادت خود راه مبارزه با استعمارگران را به مردم لیبی نشان داد.

عَمروبن عبدوَد

(دهه‌ی اول هجری)

جنگ‌آور بزرگ کفار عرب

از جنگجویان برجسته‌ی دوره‌ی جاهلیت بود که به او **فارِس یَل‌یَل** می‌گفتند؛ یعنی سواری که با هزار نفر برابری می‌کند. در جنگ احزاب یا خندق، خود را به آن سوی خندق، در مقابل لشکریان اسلام رساند و مبارز طلبید. کسی جرئت روبه‌رو شدن با او را نداشت. سرانجام، علی﵇ داوطلب شد به مقابله با او برود و پیامبر به او اجازه داد. آن دو، با یک‌دیگر درگیر شدند. علی عمرو را به زمین انداخت و روی سینه‌اش نشست و آماده بود تا سر این کافر را از تن جدا کند. در این لحظه، عمرو به صورت علی آب دهان انداخت. علی ناراحت شد و بدون این که ضربه‌ی آخر را فرود آورد، از جای برخاست و پس از دقایقی بازگشت تا کار او را تمام کند. در این حال عمرو پرسید: «چرا همان لحظه مرا نکشتی؟» علی گفت: «آب دهانی که به صورتم انداختی، مرا خشمگین ساخت. اگر تو را در همان دم می‌کشتم، ممکن بود خشم من در نیتم تأثیر بگذارد. در حالی که تو را فقط به خاطر خدا می‌کشم.» در این باره رسول خداﷺ فرموده است: «ارزش ضربتی که علی در روز خندق بر عمروبن عبدود زد، بیش از عبادت جنّ و انس است.» از آن پس این عمل علی﵇ در حکم نمونه‌ی اَعلای اخلاص در راه خدا، در میان مسلمانان زبان‌زد شد.

عمروعاص

(فوت: ۴۳ هـ.ق.)

مشاور و دستیار معاویه

پدرش عاص نام داشت و مادرش نابغه، کنیزی بدنام بود. به این سبب، عمروعاص را به تحقیر پسر نابغه می‌نامیدند. عمروعاص در زیرکی و مکرآفرینی از نام‌آوران عرب بود. هنگامی که مسلمان شد، چند جنگ را فرماندهی کرد و فتوحاتی به‌دست آورد. خلیفه‌ی دوم او را به ولایت فلسطین و مصر فرستاد. اما عثمان او را برکنار کرد و وی به شام نزد معاویه رفت. عمروعاص همان کسی



است که در جنگ صفین، به معاویه گفت دستور دهد تا لشکریان قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کنند و جمعی از سپاهیان علی‌ؑ را فریب داد. در پی همان ماجرا، در موضوع حکمیّت نیز عمروعاص، ابوموسی اشعری را فریب داد و معاویه را در مقابل علی‌ؑ به خلافت رساند که داستانش معروف است. معاویه او را بار دیگر والی مصر کرد و دستور داد محمدبن ابوبکر را، که از سوی علی ؑ والی مصر شده بود، به قتل برساند. عمروعاص در مصر شهر اسکندریه را فتح و شهر فسطاط را احداث کرد و خودش در مصر مرد.



عنصرالمعالی کی‌کاووس

(۴۱۲ ـ ۴۹۲ هـ.ق.)

نویسنده‌ی کتاب قابوس‌نامه

عنصرالمعالی کی‌کاووس، از امیران خاندان زیاری بود. این خاندان در قرن چهارم و پنجم هجری در شمال ایران و بیش‌تر در گرگان و طبرستان حکومت محلی داشتند. عنصرالمعالی داماد سلطان محمود غزنوی بود و پسری به نام گیلان‌شاه داشت که برایش بسیار محبوب بود. از این‌رو، در تربیت او بسیار کوشید و به همین سبب کتاب **قابوس‌نامه** را خطاب به او نوشت. قابوس نام پدربزرگ عنصرالمعالی بود و عنصرالمعالی را قابوس دوم می‌نامیدند. قابوس‌نامه ۴۴ باب دارد و در زمینه‌های مملکت‌داری، آیین‌های جنگ، سواری، سپاهی‌گری، ادبیات، پزشکی، ستاره‌شناسی، موسیقی، بازرگانی و بسیاری موضوعات دیگر مطالب ارزش‌مند و آموزنده‌ای دارد. نثر کتاب شیوا و روان و آمیخته با شعر و حکایت است. قابوس‌نامه به زبان‌های عربی، فرانسوی، روسی و... ترجمه شده است.



عیسی‌ؑ

(تولد: ۴ ق.م.)

چهارمین پیامبر اولواالعزم

عیسی‌ؑ در بیت‌اللحم از شهرهای فلسطین متولد شد. مادرش، مریم، دختری درست‌کار و پاک‌دامن بود. او بدون این‌که همسری اختیار کرده باشد، عیسی‌ؑ را به معجزه‌ی الهی باردار شد و به‌دنیا آورد. به گفته‌ی قرآن، عیسی‌ؑ در گهواره زبان گشود و خود را بنده‌ی خدا و آورنده‌ی کتاب از سوی او معرفی کرد. مریم فرزندش عیسی‌ؑ را به شهر ناصره برد و در آن‌جا بزرگ کرد. از این‌رو به آن حضرت **عیسای ناصری** هم می‌گویند و لقب دیگرش نیز **مسیح** است. عیسی‌ؑ رسول الهی بود و قصد داشت دین یهود را، که به انحراف کشیده شده بود، اصلاح کند. از این‌رو، هنگامی که ۳۰ ساله بود، در شهر اورشلیم دعوت خود را آشکار کرد و با رومیان ستم‌گر از یک‌سو و پیشوایان یهود از سوی دیگر، به مبارزه برخاست و پیروان بسیار یافت. درباره فرجام کار آن حضرت بین آنچه مسیحیان می‌گویند و آنچه در قرآن آمده است تفاوت وجود دارد. در انجیل‌ها آمده است که مأموران رومی عیسی‌ؑ را با حواریون، که اصحاب و یاران خاص او بودند، در محلی به نام باغ جِتْسیمانی دستگیر کردند و سرانجام به توطئه‌ی یهودیان هِرود، حاکم روم فرمان داد او را در کنار دو نفر دزد مصلوب کنند. عیسی‌ؑ مصلوب گشت؛ اما پس از سه روز زنده شد و به آسمان عروج کرد و اینک زنده است. اما در قرآن آمده است که مسیح کشته نشد و به صلیب هم کشیده نشد؛ بلکه دشمنانش به اشتباه افتادند و دیگری را به جای او به صلیب کشیدند. خدا نیز حضرت عیسی‌ؑ را به آسمان برد و او زنده است. پس از حضرت عیسی‌ؑ مسیحیان تا حدود سه قرن تحت تعقیب و آزار بودند. سرانجام در سال ۳۱۳ میلادی، کنستانتین کبیر امپراتور روم، که مادرش مسیحی بود، مسیحیت را دین رسمی امپراتوری اعلام کرد و از آن پس این دین رو به گسترش نهاد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کنستانتین کبیر ، مریم



عین‌القُضات همدانی

(۴۹۲ ـ ۵۲۵ هـ.ق.)

عارف، فقیه و حکیم

در همدان به‌دنیا آمد؛ ولی چون پدرش اهل میانه بود، به میانِجی هم معروف شده است. در عصر سلجوقیان می‌زیست. در زادگاه خود علوم رایج را کسب کرد و جوانی دانشمند شد، به مقام قضاوت و تدریس رسید و شهرت فراوان یافت. عین‌القضات نیز مانند محمد غزالی، چندی دچار بحران روحی و شک

و شبهه در مسائل دینی شد. اما زمانی که آثار غزالی را خواند و با برادر او، احمد غزالی، دوست شد، آرامش پیدا کرد. از آن‌جا که عین‌القضات در بیان عقاید خود بی‌پروا بود، فقیهان و متشرعان به او بدگمان شدند. در آن‌زمان، ابوالقاسم درگزینی، وزیر وقت بود که خود بعدها به جرم داشتن مذهب اسماعیلی کشته شد. او عین‌القضات را دستگیر کرد و به بغداد فرستاد تا علمای آن‌جا درباره‌اش حکم بدهند. بعد از مدتی، عین‌القضات را به همدان برگرداندند. سپس او را در ۳۳ سالگی، در مقابل مدرسه‌ی خودش بر دار کردند و جسدش را نیز سوزاندند. **نامه‌های عین‌القضات همدانی** یکی از آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حلاج ، غزالی



غزّالی، ابوحامد محمد

(۵۰۵ ـ ۴۰۵ هـ.ق.)

عالم و متفکر

محمدبن احمد غزّالی، معروف به ابوحامد غزّالی، در توس زاده شد. گویند پدرش، که مردی پرهیزگار و علم‌دوست بود، پشم می‌رِشت (غزّال بود) و از این‌رو به غزّالی معروف شد. او دو فرزندش، محمد و احمد، را به یکی از دوستان خود سپرد تا به آنان علم بیاموزد و آن دوست وظیفه‌ی خود را به خوبی به‌جا آورد. به‌طوری‌که محمد و احمد هر دو از عالمان بزرگ جهان اسلام شدند. محمد نخست در نظامیه‌ی نیشابور تدریس می‌کرد؛ ولی به دستور خواجه نظام‌الملک به بغداد رفت و در نظامیه‌ی آن شهر به تدریس مشغول شد. این دانشمند در بغداد که بود دچار تحول روحی شد، آرامش خود را از دست داد و نتوانست به زندگی در آن‌جا ادامه دهد. چون در دلش نسبت به بسیاری از حقایق دینی و علمی تردید به وجود آمده بود گوشه‌گیری اختیار کرد؛ سپس چند سال به سیر و سفر در شام و فلسطین و مصر پرداخت و به مکه رفت و حج گزارد. آن‌گاه آرامش خود را بازیافت و به خراسان بازگشت و به حیات علمی خود ادامه داد. ابوحامد غزالی یکی از بزرگ‌ترین عالمان جهان اسلام از آغاز تا امروز است و اولین کسی است که در جهان اهل تسنن **حجت‌الاسلام** نامیده شده است. او خود را زنده‌کننده‌ی علوم دینی می‌دانست. با فلسفه مخالف بود و در ردّ عقاید ابن‌سینا و فارابی کتاب نوشت. بسیار پرکار بود. گفته‌اند در میان متفکران اسلام، هیچ‌کس به اندازه‌ی غزّالی کتاب و رساله ننوشته است. از مهم‌ترین کتاب‌های او **احیاء علوم‌الدین**، **کیمیای سعادت**، **جواهرالقرآن**، **نصیحة‌الملوک**، **تهافة‌الفلاسفه** و **المُنقذ من الضّلال** است. به نظر محمد محیط طباطبایی، پژوهشگر تاریخ ایران، مزار غزّالی در محوّطه‌ی گنبد هارونیّه است که در نزدیکی آرامگاه فردوسی در توس قرار دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابن‌سینا ، خواجه نظام‌الملک ، فارابی



غنی، قاسم

(۱۳۳۱ ـ ۱۲۷۲ هـ.ش.)

پزشک، سیاست‌مدار و حافظ‌پژوه

دکتر قاسم غنی از چهره‌های برجسته‌ی معاصر در زمینه‌های علمی، ادبی، تاریخی، عرفانی و سیاسی است و آثاری از خود برجای گذاشته است. غنی در سبزوار متولد شد. برای تحصیل پزشکی به بیروت رفت. به سبزوار بازگشت و به طبابت مشغول شد. سه سال بعد برای ادامه‌ی تحصیلات پزشکی به پاریس رفت. در بازگشت، به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و سه دوره در مجلس بود. او دانشمندی خودآموز بود. در ادبیات فارسی، زبان فرانسوی، الهیات، فلسفه و روان‌شناسی، صاحب‌نظر بود و این رشته‌ها را تدریس می‌کرد. عضو فرهنگستان نیز بود. چند سال به سِمَت سفیر ایران در مصر و ترکیه منصوب شد و اندک زمانی نیز وزیر بهداری و سپس وزیر فرهنگ بود. شهرت غنی بیش‌تر به سبب **تصحیح دیوان حافظ**، با همکاری علامه محمد قزوینی است که نخستین تصحیح علمی از دیوان حافظ به‌شمار می‌رود. **تاریخ عصر حافظ**، **تاریخ تصوّف** و نیز ترجمه‌ی سه رمان از آناتول فرانس از آثار اوست. اثر مهمی که از او در چند دهه بعد از مرگش انتشار یافت، مجموعه‌ی مفصل **یادداشت‌های غنی** است که به همت پسرش، سیروس غنی، در خارج کشور منتشر شد. دکتر غنی در لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

قزوینی



غنی‌پور، حبیب

(۱۳۶۵ ـ ۱۳۴۳ هـ.ش.)

دانشجو، نویسنده و رزمنده‌ی بسیجی

در محله‌ی جی تهران به‌دنیا آمد. از نوجوانی به فعالیت‌های ادبی، فرهنگی و تربیتی علاقه‌مند بود و کتاب‌خانه‌ی مسجد جوادالائمه را در همان محل اداره می‌کرد. در دوره‌ی دبیرستان به اتفاق جمعی از نوجوانان انقلابی، زیر نظر **امیرحسین فردی**، اولین کتاب از سلسله کتاب‌های **سوره، بچه‌های مسجد**، را منتشر کرد. این مجموعه بعدها به حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتقل شد و تا چند شماره انتشار یافت. غنی‌پور با شروع جنگ به جبهه رفت و از

هر دو پا مجروح شد. او به تحصیل ادامه داد و ضمن معلمی در مدرسه‌ی شهید چمران در میدان راه‌آهن تهران، به نوشتن داستان و همکاری با مجله‌های کیهان بچه‌ها و رشد جوان پرداخت. در سال ۱۳۶۴، وارد رشته‌ی ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی شد. در دوره‌ی دانشجویی بار دیگر به جبهه رفت و در چند عملیات شرکت کرد و سرانجام، در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.
شورای نویسندگان مسجد جوادالائمه(ع)، در اسفند ماه هر سال، با نام و یاد او، مراسم **کتاب سال شهید غنی‌پور** را برگزار می‌کند و به بهترین کتاب‌های داستانی منتشر شده برای نوجوانان، جایزه می‌دهد. کتاب‌های **گل خاکی**، **عمو سبدی** و **جبهه‌ی جنوب**، از آثار حبیب غنی‌پور است.

غیاثی، تیمور

(تولد: ۱۳۳۴هـ.ش.)

قهرمان دو و میدانی در پرش

در دره‌گز خراسان به‌دنیا آمد. وقتی ۴ ساله بود، خانواده‌اش به تهران مهاجرت کردند و او در این شهر بزرگ شد. با تشویق احمد یزدان‌پناه، پدر ورزش دو و میدانی ایران، به این رشته روی آورد و با شایستگی‌هایی که از خود نشان داد، به عضویت تیم ملی دو و میدانی انتخاب شد. غیاثی در بازی‌های آسیایی ۱۹۶۶ با عبور از ارتفاع ۲ متر به مدال برنز دست یافت و ۴ سال بعد در همین بازی‌ها با عبور از ۲/۰۶ متر مدال طلای بازی‌ها را صاحب شد. در سال ۱۹۷۳ نیز از ۲/۱۵ متر عبور کرد و با برجای گذاشتن رکورد، بار دیگر مدال طلای بازی‌های قهرمانی آسیا را به‌دست آورد. اوج درخشش غیاثی یک سال بعد، در بازی‌های آسیایی تهران (۱۹۷۴) بود که بار دیگر رکورد شکست و با عبور از ارتفاع ۲/۲۱ متر، **مقام نخست پرش** را به‌دست آورد و مدال طلا گرفت. این رکورد تا ۸ سال بعد هم‌چنان برجا بود. او در سال ۱۹۷۵، یک بار دیگر مدال طلای آسیا را به‌دست آورد و این آخرین بازی موفقیت‌آمیز بود؛ زیرا در بازی‌های المپیک مونترال کانادا (۱۹۷۶)، بخت با او یار نشد و در هوای بارانی روز مسابقه، با قهرمانی خداحافظی کرد. غیاثی بعدها به آلمان رفت و مدرک مربی‌گری گرفت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت فدراسیون دو و میدانی و چند مسئولیت دیگر را نیز به عهده گرفت.



تیمور غیاثی در حال پرش



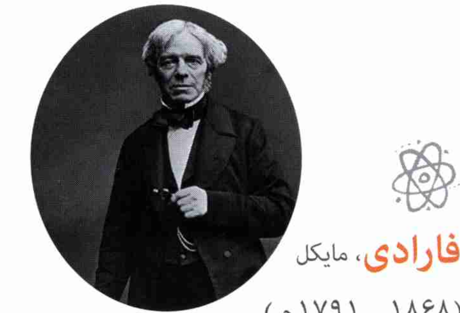
فارابی، ابونصر

(۲۶۰ ـ ۳۲۹هـ.ق.)

دانشمند ایرانی معروف به معلم ثانی

در فاراب، از شهرهای ترکستان، که امروز به تاجیکستان تعلق دارد، به‌دنیا آمد. در زادگاهش علم آموخت و به کار قضاوت مشغول شد. اما در ۴۰ سالگی قضاوت را رها کرد و به عشق آموزش بیش‌تر، راه بغداد را در پیش گرفت. در آن‌جا زبان عربی آموخت و نزد ابوبشر متّی فلسفه و حکمت یونانی را فراگرفت و بعدها به حرّان رفت. در حرّان با آثار ارسطو آشنا شد و با مطالعه‌ی آن‌ها، بزرگ‌ترین استاد زمان خود در این رشته شد تا حدی که او را مؤسس فلسفه اسلامی می‌دانند. فارابی موسیقی را نیز در حد کمال فراگرفت و کتاب **الموسیقیّ‌الکبیر** را نوشت که از کتاب‌های مشهور است.
فارابی همه‌ی علوم زمان خود را می‌دانست و درباره‌ی بسیاری از آن‌ها کتاب نوشت. ابن‌سینا، فارابی را استاد خود شمرده و گفته است که: «من کتاب **مابعدالطّبیعه‌ی** ارسطو را چهل بار خواندم و نفهمیدم؛ تا به کمک کتابی که از فارابی خواندم، مشکلات آن برایم حل شد.» فارابی را بعد از ارسطو، که معلم اول بود، **معلم ثانی** لقب داده‌اند.
از دیگر کتاب‌های او می‌توان به **آراء اهل‌المدینة الفاضله** و **احصاءُ‌العلوم** اشاره کرد. فارابی گرایش‌های شیعی اثنی‌عشری داشت و این موضوع در آثارش آشکار است.
در اواخر عمر به شام نزد سیف‌الدوله‌ی حَمْدانی رفت و در همان‌جا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابن‌سینا ، ارسطو



فارادی، مایکل

(۱۸۶۸ ـ ۱۷۹۱ م.)

شیمی‌دان، فیزیک‌دان و مخترع انگلیسی

فارادی کودک فقیری بود؛ اما در سایه‌ی علاقه، دقت و پشت‌کار، دانشمند بزرگی شد و حتی به ریاست انجمن سلطنتی انگلستان رسید. فارادی به علم الکتروشیمی علاقه‌ی بسیار داشت. در این راه تجربه‌های زیادی کرد و سرانجام موفق به کشف قوانین الکترولیز، یعنی تجزیه‌ی مایعات به وسیله‌ی الکتریسیته شد. این قوانین امروز به «قانون‌های فارادی» معروف‌اند. علاوه بر این فارادی پدیده‌ی **القای مغناطیسی** را کشف کرد و دریافت که چگونه با حرکت دادن آهن‌ربا در داخل یک سیم‌پیچ، می‌توان الکتریسیته تولید کرد و این کشف بسیار مهمی بود. بر این اساس، او نخستین **مولّد الکتریکی**، نخستین **موتور الکتریکی** و نخستین **مبدّل** یا ترانسفورماتور را ساخت و دریچه‌ای نو به جهان علم و صنعت گشود. فارادی اولین کسی است که گازها را به مایع تبدیل کرد. او علم را به صحنه‌ی اجتماع آورد و مردم را از طریق سخن‌رانی‌های عمومی خود و دیگران، که در لندن برگزار می‌کرد، با علم آشنا کرد.



▼ این تصویر فارادی را در آزمایشگاه خود نشان می‌دهد.

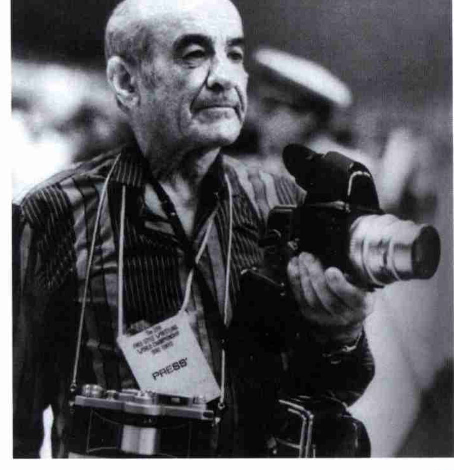


فارسی، قاسم

(۱۳۸۶-۱۲۹۹ ه.ش.)

عکاس ورزشی

در محله‌ی شاه‌آباد تهران به‌دنیا آمد. دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان البرز گذراند که در آن، به ورزش و تربیت بدنی اهمیت بسیاری داده می‌شد. پس از پایان دوره‌ی اول دبیرستان، به دانش‌سرای تربیت بدنی رفت و پس از گرفتن دیپلم تربیت بدنی معلم ورزش شد. فارسی از همان وقت به عکاسی ورزشی علاقه‌مند گردید. نخستین کار حرفه‌ای خود را با فعالیت خبری و عکاسی در مجله‌ی **نیرو و راستی** شروع کرد و با تأسیس کمیته‌ی ملی المپیک در ایران، به همکاری با آن پرداخت. فارسی در ۷ المپیک و ۷ دوره بازی‌های آسیایی و بسیاری از مسابقه‌های جهانی حضور داشت و هزاران عکس گرفت. کمیته‌ی ملی المپیک ایران به پاس خدمات قاسم فارسی به ورزش ایران، مجموعه‌ای از بهترین عکس‌های او را به صورت کتابی با نام **ورزش در آینه‌ی تصویر**، در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد.



▲ **قاسم فارسی تاریخ ورزش ایران را از دریچه‌ی دوربین خود بازگو کرده است.**



فارسی، کمال‌الدین

(۷۱۸ ـ ۶۶۵ ه.ق.)

ریاضی‌دان و فیزیک‌دان ایرانی

کمال‌الدین فارسی اهل فارس بود و نزد قطب‌الدین شیرازی درس خواند و مورد توجه او قرار گرفت؛ به‌طوری که قطب‌الدین او را **اعلم هوشمندان و سلطان دانشمندان** خطاب می‌کرد. بعدها هم غیاث‌الدین جمشید کاشانی از او با عنوان **امام فاضل و محقق** یاد کرد. کمال‌الدین در جوانی به سفرهایی رفت و از درس و بحث بزرگان بهره‌ی بسیار برد. او در ۵۳ سالگی در تبریز درگذشت. مهم‌ترین اثر کمال‌الدین، کتاب **تنقیح‌المناظر** در نورشناسی است که زیر نظر استادش قطب‌الدین نوشته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جمشید کاشانی ، قطب‌الدین شیرازی




فارنهایت، دانیل

(۱۷۳۶ ـ ۱۶۸۶م.)

فیزیک‌دان تجربی

فارنهایت اهل گِدانْسک لهستان بود. تحصیلات عالی نداشت و بیش‌تر به تجارت می‌پرداخت. اما علاقه به ساختن ابزار و وسایل علمی، او را به این کار سوق داد. مهم‌ترین کار او، که نامش را ماندگار ساخته، اختراع **دماسنج فارنهایت** است. او درجه‌های بالا و پایین دماسنج خود را به ترتیب ۲۱۲ (نقطه‌ی جوش آب) و ۳۲ (نقطه‌ی ذوب یخ) قرار داد و بین آن دو را به ۱۸۰ درجه تقسیم کرد. بنابراین دماسنج فارنهایت ۱۸۰ قسمتی است. چند سال بعد، آندره سلسیوس دماسنج صد قسمتی یا سانتی‌گراد را اختراع کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
سلسیوس



فاطمه زهرا(س)

(شهادت: ۱۱ ه.ق.)

دختر پیامبر و همسر علی(ع)

آن حضرت، دختر پیامبراکرم(ص) و خدیجه، بود و در مکه به‌دنیا آمد. همسر علی(ع) بود و از ازدواج آن دو، حسن و حسین و زینب به‌دنیا آمدند که هر یک به‌گونه‌ای از نقش‌آفرینان تاریخ صدر اسلام شدند. پیامبر دخترش فاطمه(س) را پاره‌ی تن خود (فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّی) می‌دانست و به او امّ‌ابیها (مادر پدرش) می‌گفت. بزرگ‌ترین ویژگی فاطمه(س) این است که مادر همه‌ی کسانی است که نسب آن‌ها به رسول‌الله(ص) می‌رسد و به اصطلاح از سادات هستند. این در حالی است که در تاریخ، به‌ویژه در عصر جاهلیت، مادران و زنان منشأ نسل به‌حساب نمی‌آمدند. سوره‌ی کوثر در شأن حضرت زهرا(س) نازل شده و کوثر (به معنی خیر بسیار) اشاره به آن حضرت و نقش مادری او برای اولاد رسول‌الله(ص) است. از آن حضرت خطبه‌ای به نام فدکیه باقی است که از جهت فصاحت و بلاغت هم‌رتبه با خطبه‌های نهج‌البلاغه‌ی حضرت علی(ع) می‌باشد. فاطمه زهرا(س) بعد از پدر رنج بسیار دید و مورد ظلم واقع شد. از این رو چندان زنده نماند و در جوانی درگذشت. بنا به وصیت خودش شبانه و مخفیانه، به وسیله‌ی همسر و فرزندان و آشنایان نزدیک در مدینه به خاک سپرده شد. از این‌رو، محل دقیق قبر آن حضرت نامعلوم است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
علی‌بن ابی‌طالب(ع)، محمد رسول‌الله(ص)

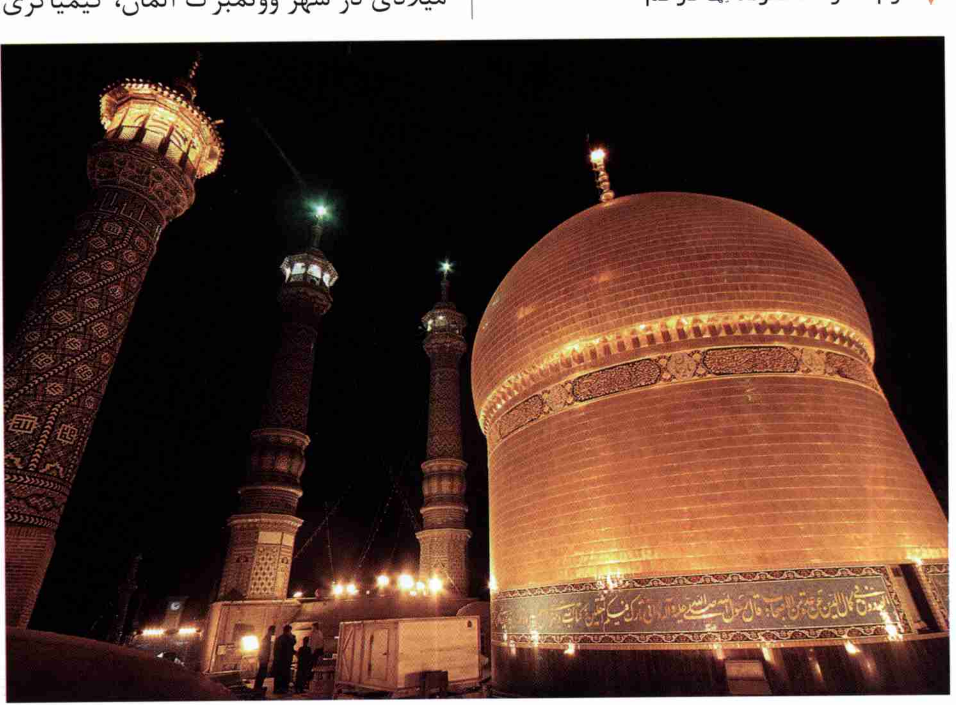
فاطمه معصومه(س)

(فوت: ۲۰۱ ه.ق.)

خواهر امام رضا(ع)

نامش فاطمه بود و به سبب عفاف و پاک‌دامنی آشکاری که داشت، به معصومه معروف شد. یک سال بعد از آن که حضرت رضا(ع) به درخواست مأمون از مدینه به مرو رفت، حضرت معصومه(س) برای دیدار برادر عازم خراسان شد؛ اما وقتی به شهر ساوه رسید، سخت بیمار شد و از همراهان خود خواست او را به قم منتقل کنند. شیعیان درخواستش را پذیرفتند و او را به قم رساندند. اما بیماری حضرت معصومه(س) بهبود نیافت و در قم وفات یافت و همان‌جا به خاک سپرده شد. در همان سال‌ها، احمدبن موسی، برادر دیگر حضرت معصومه(س) نیز، که از مدینه به خراسان می‌رفت، در شیراز به شهادت رسید و در این شهر مدفون شد. مرقد حضرت معصومه(س) در قم، زیارت‌گاه شیعیان است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
احمدبن موسی



▼ حرم حضرت معصومه(س) در قم



فاوست

کیمیاگر، ساحر و شعبده‌باز

براساس کتابی که در قرن شانزدهم میلادی در آلمان منتشر شد، در قرن پانزدهم میلادی در شهر ووتمبرگ آلمان، کیمیاگری

می‌زیسته که نامش گئورگ فاستوس بوده و عمر خود را به ساحری، جادوگری و شعبده‌بازی گذرانده و با شیاطین و اجنّه ارتباط داشته است. این تصورات درباره‌ی فاستوس به آن‌جا رسید که گوته (۱۸۳۲ ـ ۱۷۴۹م.) نویسنده‌ی شهیر آلمانی، نمایش‌نامه‌ی **فاوست** را منتشر کرد. فاوست، نبرد بین خیر و شر یا خدا و شیطان است و دو شخصیت اصلی آن، دکتر فاوست و مینستو (ابلیس) هستند. از آن پس نام فاوست در ادبیات اروپا جایگاه روشنی به‌دست آورد. این نمایش‌نامه را م.ا. به‌آذین (محمود اعتمادزاده) به فارسی ترجمه کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

گوته



فایز دشتستانی

(۱۳۳۰ ـ ۱۲۵۰ ه.ق.)

شاعر ترانه‌سرا

نامش زایر محمدعلی بود و در کُردَوان، یکی از روستاهای منطقه‌ی دشتی در استان بوشهر به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه‌ی روستا به پایان رساند و نزد شیخ احمد عاشوری، صرف و نحو و ادبیات فارسی فراگرفت. در جوانی بر اثر عشقی آتشین، که به پری نامی پیدا کرد، مجموعه‌ای از زیباترین ترانه‌های محلی را سرود. البته در صحت آن واقعه تردید وجود دارد و به نظر می‌رسد مردم، خود در اشعار فایز چنین واقعه‌ای را جست‌وجو کرده و به او نسبت داده‌اند. فایز در ۸۰ سالگی در زادگاه خود بدرود حیات گفت. جنازه‌اش را به نجف اشرف انتقال دادند و در آن‌جا به خاک سپردند. شعرهای فایز را مردم جنوب با آوازهای حزین محلی (شروه) می‌خوانند و بسیار بدان علاقه دارند.



فاینمن، ریچارد

(۱۹۸۸ ـ ۱۹۱۸م.)

فیزیک‌دان آمریکایی و بنیان‌گذار دانش نانوتکنولوژی

در نیویورک به‌دنیا آمد. در مؤسسه‌ی فن‌آوری ماساچوسِت (ام.آی.تی) تحصیل کرد و از دانشگاه پرینستون دکترای فیزیک گرفت. در جنگ دوم جهانی شاهد انفجار آزمایشیِ نخستین بمب اتمی در صحرای نوادا بود و رابطه‌ای به‌دست آورد که از طریق آن، مقدار انرژی آزادشده از بمب اتمی را پیش‌بینی می‌کرد. فاینمن نخستین دانشمندی است که با استفاده از مکانیک کوانتوم، حالت **ابرشارِگی ماده** را توصیف کرده است. ابرشارگی حالتی از ماده است که در دمای نزدیک به صفر مطلق، مایع بدون هیچ مقاومتی جریان می‌یابد. این دانشمند هم‌چنین **کوارک** را کشف کرد که ذره‌ای کوچک‌تر از پرتون و نوترون است. از همه‌ی این‌ها مهم‌تر فاینمن بنیان‌گذار دانش نانوتکنولوژی، نوعی فنّاوری است که با مقیاس‌هایی در اندازه‌ی اتم و ملکول سر و کار دارد. فاینمن معلم و استادی برجسته بود. در سال ۱۹۶۵، مجموعه‌ی سه جلدی **درس‌نامه‌های فاینمن** در فیزیک و نیز دو جلد **زندگی‌نامه‌ی** خودش را منتشر کرد. او سخن‌ران ماهری بود و از صحبت کردن با دانشجویان و دانش‌آموزان لذت می‌برد و تا دو هفته پیش از فوت ناگهانی‌اش، مشغول آموزش بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اپنهایمر ، پلانک



فتحعلی‌شاه قاجار

(۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۱ ه.ق.)

دومین پادشاه قاجاریه

هنگامی که آقامحمدخان قاجار کشته شد، برادرزاده‌اش، باباخان، که حاکم فارس بود، به کمک طرفدارانش به تهران آمد و با نام **فتحعلی‌شاه**، جانشین عمویش شد. در ماه‌های نخست حکومت خود، به رسم آن روزگار، عده‌ی زیادی را کشت یا کور کرد تا توانست پایه‌های قدرت خود را محکم کند. سپس فرزندش عباس‌میرزا را ولی‌عهد کرد و او را به آذربایجان فرستاد و تبریز را ولی‌عهدنشین شاهان قاجار ساخت. فتحعلی‌شاه در زمانی حکومت می‌کرد که دولت‌های قدرت‌مند و استعمارگر روسیه،

◀ «فتحعلی‌شاه» (۱۸۰۹)، اثر مهرعلی، رنگ روغن روی بوم

ورود اروپاییان به سرزمین‌های اسلامی، که در قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) آغاز شد، موجب گردید سبک‌های متفاوتی به ایران راه یابد که مهم‌ترین آن‌ها استفاده از رنگ روغن روی بوم بود. فتحعلی‌شاه، دومین شاه قاجار، هنر را در حکم وسیله‌ای برای آفرینش تصاویر شکوه‌مند و شاهانه می‌ستود. او به مهرعلی، هنرمند دربار، مأموریت داد دست کم ۱۰ نقاشی تمام قد از او بکشد. در این نقاشی، فتحعلی‌شاه در حالی نشان داده شده که عصایی با سر هُدهُد، مرغ سلیمان، در دست دارد.



انگلستان و فرانسه، بر سر غارت جهان با هم رقابت می‌کردند. ایران هم قدرتی نبود که با وجود پادشاه بی‌اطلاعی مانند فتحعلی‌شاه، بتواند با آن‌ها مقابله کند. از این‌رو، ایرانیان در جنگ‌هایی که با روس‌ها کردند، با وجود شجاعت و فداکاری بسیار، شکست سختی خوردند. در نتیجه، طی دو قرارداد **گلستان** و **ترکمان‌چای**، ایران بخش‌های بزرگی از قفقاز و آذربایجان را به روس‌ها واگذار کرد. فتحعلی‌شاه مردی عیاش و خوش‌گذران و دارای همسران و فرزندان بسیار بود که به جز چند تن از آن‌ها ـ مانند عباس میرزا و محمدعلی دولت‌شاه ـ بقیه لیاقت و کفایتی نداشتند. او شعر و ادب را دوست داشت و خود نیز شعر می‌گفت. به علما و روحانیان احترام می‌گذاشت و مسجد سلطانی یا شاه تهران که امروز مسجد امام‌خمینی نام گرفته، از آثار اوست. از کارهای فتحعلی‌شاه یکی دادن لقب **خاقان** به خویش است که از القاب چینی و مغولی است و دیگر این‌که تهران را **دارالخلافه** نامید؛ در حالی که خلیفه‌ای در آن وجود نداشت! قبر فتحعلی‌شاه در شهر قم است. بعد از او نوه‌اش محمدشاه به سلطنت رسید.

همچنین نگاه کنید به:
آقامحمدخان قاجار ، عباس میرزا



فتحی‌شقاقی

(۱۹۹۵ ـ ۱۹۵۱م.)
بنیان‌گذار و رهبر سازمان جهاد اسلامی فلسطین

در اردوگاه رَفَح، در نوار غزه، به‌دنیا آمد. پدرش شغلی ساده داشت و امام جماعت محل نیز بود. فتحی، از نوجوانی، جذب افکار و اندیشه‌های انقلابی شد. شکست اعراب در ژوئن سال ۱۹۶۷ از اسرائیل، در او تحول عمیقی به‌وجود آورد. با مطالعه‌ی کتاب‌های سیدقطب، از رهبران اخوان‌المسلمین مصر، گرایش اسلامی قوی‌تری در او پدید آمد. یک سال بعد، به دانشگاه بئرزیت در کرانه‌ی باختری رفت و ریاضی خواند و چند سال در بیت‌المقدس معلم ریاضی شد. بعد از آن به مصر رفت و در دانشگاه الزّقازیق مصر، پزشکی خواند. او در این دانشگاه، هسته‌ی اولیه‌ای از مبارزان فلسطینی را شکل داد که بعدها به تأسیس **سازمان جهاد اسلامی فلسطین** منجر شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه فتحی شقاقی به شخصیت امام خمینی جلب شد و کتاب **خمینی، راه‌حل اسلامی و جای‌گزین** را نوشت که به همین دلیل، دستگیر و پس از تحمل چند ماه زندان از مصر اخراج گشت. فعالیت‌های بعدی فتحی شقاقی، تأسیس سازمان جهاد اسلامی فلسطین و گسترش آن در سرزمین‌های اشغالی و ادامه‌ی مبارزه در راه آزادی سرزمین فلسطین بود. او در این راه بارها دستگیر و زندانی شد و سرانجام، به لبنان تبعید گردید. در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴هـ.ش.) شقاقی قصد رفتن به لیبی از طریق قبرس را داشت که هنگام ورود به هتل دیپلماتیک، به دست تروریست‌های اسرائیلی به شهادت رسید.

همچنین نگاه کنید به:
حسن‌البنّا ، یاسرعرفات ، یاسین

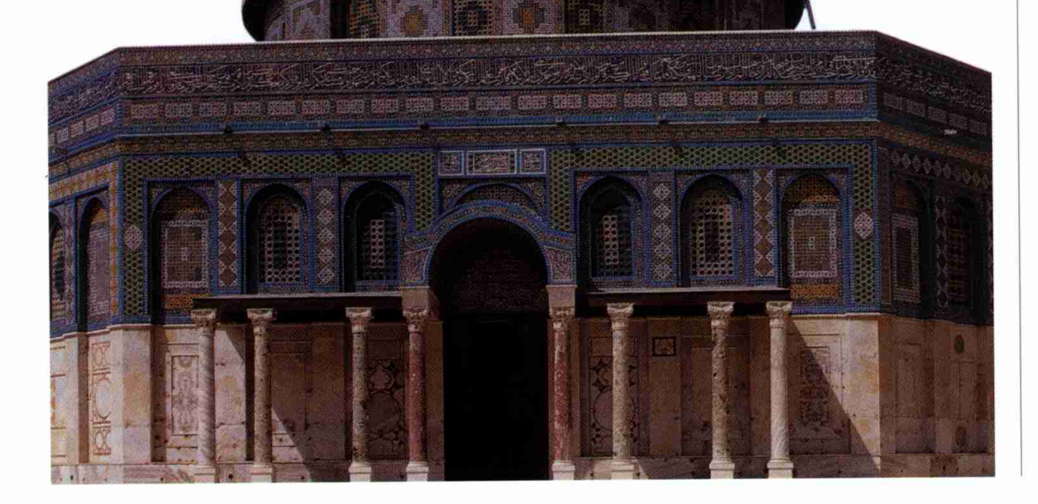


فخرالدینی، فرهاد

(۱۳۱۶هـ.ش.)
آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر ملی ایران

در خانواده‌ای هنرمند و هنردوست در آذربایجان دیده به جهان گشود. به تشویق پدرش ـ که شاعر بود ـ به آموختن موسیقی روی آورد. مدتی نزد ابوالحسن صبا و علی تجویدی آموزش دید. سپس به هنرستان موسیقی رفت و جزو شاگردان برجسته‌ی این رشته شد. موسیقی چند فیلم و مجموعه‌ی معروف مانند: **امام علی**(ع) ، **سربداران**، **کمال‌الملک**، **پرستار شب** و **ابن‌سینا** از اوست. فخرالدینی پس از درگذشت فریدون ناصری، رهبری ارکستر ملی ایران را به‌عهده گرفت.





قبة‌الصخره محل معراج پیامبر اسلام(ص) است. این گنبد در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری ساخته شد و یکی از زیباترین آثار معماری در جهان اسلام است.



فرانکلین، بنجامین

(۱۷۹۰ ـ ۱۷۰۶ م.)

دانشمند، مخترع و دولت‌مرد آمریکایی

بنجامین پانزدهمین فرزند از ۱۷ فرزند یک شمع‌ساز بود. فقط دو سال به مدرسه رفت و بیش‌تر آموخته‌هایش را به صورت خودآموز به‌دست آورد. او به کارهای علمی و آزمایشی علاقه‌ی بسیار داشت. **برق‌گیر** را برای محافظت ساختمان‌ها در برابر برق‌زدگی اختراع کرد. **عینک‌های دوکانونه** ساخت و دلیل توفان‌های قاره‌ی آمریکا و مسیر جریان‌های آب سرد و آب گرم اقیانوس‌ها را بررسی و کشف کرد. در زمینه‌ی الکتریسیته نیز علامت‌های + و ـ را پیشنهاد داد و سه قانون هم برای الکتریسیته‌ی ساکن کشف کرد. فرانکلین و توماس جفرسُن از نویسندگان **اعلامیه‌ی استقلال آمریکا** هستند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جفرسن



فرای، ریچارد

(تولد: ۱۹۲۰ م.)

ایران‌شناس و ایران‌دوست

از پدر و مادری سوئدی‌تبار، در ایالت آلابامای آمریکا به‌دنیا آمد. در نوجوانی با مطالعه‌ی داستان‌های تاریخی، به شرق و تاریخ آن علاقه‌مند شد. به همین دلیل، هم‌زمان با تحصیل در رشته‌ی فلسفه در دانشگاه ایلی‌نویز، در رشته‌ی تاریخ نیز به تحصیل پرداخت و زبان‌های عربی و ترکی و هنرهای اسلامی آموخت. در همان‌جا، ایران‌شناس مشهور، **آلبرت اومستد** را ملاقات کرد و از طریق او با تخت جمشید و میراث باستانی ایران آشنا شد. سپس تصمیم گرفت به مطالعات و تحقیقات ایران‌شناسی بپردازد. به این سبب، زبان فارسی آموخت و در پی آن کتاب **تاریخ بخارا** را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرد و از دانشگاه هاروارد دکترا گرفت. فرای یک بار در سال ۱۹۴۳ و بار دیگر در سال ۱۹۴۸ میلادی به ایران آمد و در سفری طاقت‌فرسا به فارس، توانست آرامگاه کوروش در پاسارگاد را، که تا آن زمان ناشناخته بود، شناسایی کند. در همین سفر با بزرگانی چون علی‌اکبر دهخدا، محمد معین، سعید نفیسی، عباس اقبال، صادق هدایت، جلال آل‌احمد و مجتبی مینوی آشنا شد. دهخدا به سبب علاقه‌ی فرای به ایران، به او لقب **ایران‌دوست** داد و از آن پس فرای در امضای خود، این لقب را به‌کار می‌برد. او بنیان‌گذار

▼ فرهاد فخرالدینی در حال رهبری ارکستر ملی ایران

کرسی تدریس مطالعات ایرانی در دانشگاه کلمبیا، مرکز مطالعات خاورمیانه در هاروارد و تهران و نیز مؤسس مدرسه‌ی تابستانی مطالعات ایرانی در دانشگاه شیراز است و چند کتاب مهم نیز درباره‌ی ایران تألیف کرده است. **میراث ایران**، **عصر زرین فرهنگ ایران**، **تاریخ ایران باستان** و نیز ویرایش چهار جلد کتاب **تاریخ ایران کمبریج** از آثار اوست. آخرین کتاب او نیز **ایران کبیر**: **اُدیسه‌ی قرن بیستم** نام دارد. فرای در سال ۱۳۸۴ به ایران آمد و در جشنواره‌ی بین‌المللی خوارزمی مورد تقدیر قرار گرفت. او در سال ۱۳۸۶ نیز طی درخواستی از دولت ایران خواست اجازه دهند پیکرش پس از مرگ، در کنار مزار **پروفسور پوپ**، در ساحل رودخانه‌ی زاینده‌رود اصفهان، به خاک سپرده شود که پذیرفته شد.

همچنین نگاه کنید به:

پوپ

فرخزاد، فروغ

(۱۳۴۵ ـ ۱۳۱۳ه.ش.)

شاعر معاصر

در تهران متولد شد. خانواده‌اش اصلاً اهل تفرش و آشتیان بودند و پدرش نظامی بود. در هنرستان دختران خیاطی و نقاشی آموخت. اما گم‌شده‌ی خود را در شعر و ادبیات یافت. نخستین مجموعه شعرهای او **اسیر**، **دیوار** و **عصیان** در فضایی دخترانه، احساساتی و رمانتیک منتشر شد؛ اما مجموعه‌ی **تولدی دیگر** (۱۳۴۳) چهره‌ای دیگر از فروغ نشان داد و جایگاه برجسته‌ای در شعر معاصر ایران به او بخشید. تولدی دیگر اشعاری با مضمون‌های انسانی و اجتماعی است. فروغ در سال ۱۳۴۵ در ۳۲ سالگی بر اثر تصادف در تهران درگذشت و مجموعه شعری که پس از او با نام **ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد**، منتشر شد، جایگاهش را در مقام یکی از قله‌های شعر نو تثبیت کرد. فروغ در زمینه‌ی نقاشی و فیلم‌سازی هم تجربه‌هایی داشت. آشنایی او با شاعر معروف، سهراب سپهری که نقاش هم بود، سبب شد فروغ نزد او آموزش ببیند و طرح‌هایی از چهره‌ی خود بکشد. در فیلم‌سازی نیز چندی با ابراهیم گلستان، که برای شرکت نفت فیلم می‌ساخت، همکاری کرد و بعدها خودش فیلم **خانه سیاه است** را درباره‌ی زندگی جذامیان در تبریز ساخت. فروغ همسر **پرویز شاپور** مُبدع کاریکلماتور بود، ولی زندگی آن دو بسیار کم دوام آورد و به طلاق منجر شد. مزار فروغ فرخزاد در گورستان ظهیرالدوله‌ی شمیران است.

همچنین نگاه کنید به:

سپهری



فردوست، حسین

(۱۳۶۶ ـ ۱۲۹۶ه.ش.)

ارتشبد با نفوذ رژیم محمدرضا پهلوی

حسین فردوست فرزند یکی از افسران ژاندارمری رضاشاه بود و در تهران به‌دنیا آمد. از کودکی تا مراحل عالی تحصیل خود، در داخل و خارج از کشور، با محمدرضا پهلوی دوست، هم‌کلاس و هم‌دل بود. این دوستی و هم‌دلی تا زمانی که رژیم پهلوی بر اثر انقلاب اسلامی فرو پاشید، ادامه داشت. آمریکایی‌ها در گزارش‌های محرمانه‌ی خود، فردوست را **چشم و گوش شاه** نامیده بودند. از اقدامات مهم فردوست، تأسیس **گارد جاویدان** بود. او ریاست دفتر ویژه‌ی شاه، استادی دانشگاه جنگ، قائم‌مقامی ساواک و ریاست سازمان بازرسی شاهنشاهی را به‌عهده داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، فردوست از کشور خارج نشد و حدود ۵ سال مخفیانه در تهران زندگی کرد تا سرانجام، شناسایی و دستگیر شد. او پس از دستگیری، اطلاعات بسیار ارزش‌مندی را که تا آن زمان کسی از آن آگاهی نداشت، فاش کرد. این اطلاعات در کتابی با نام **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی** منتشر و کتاب بارها تجدید چاپ شد. فردوست بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:

جی

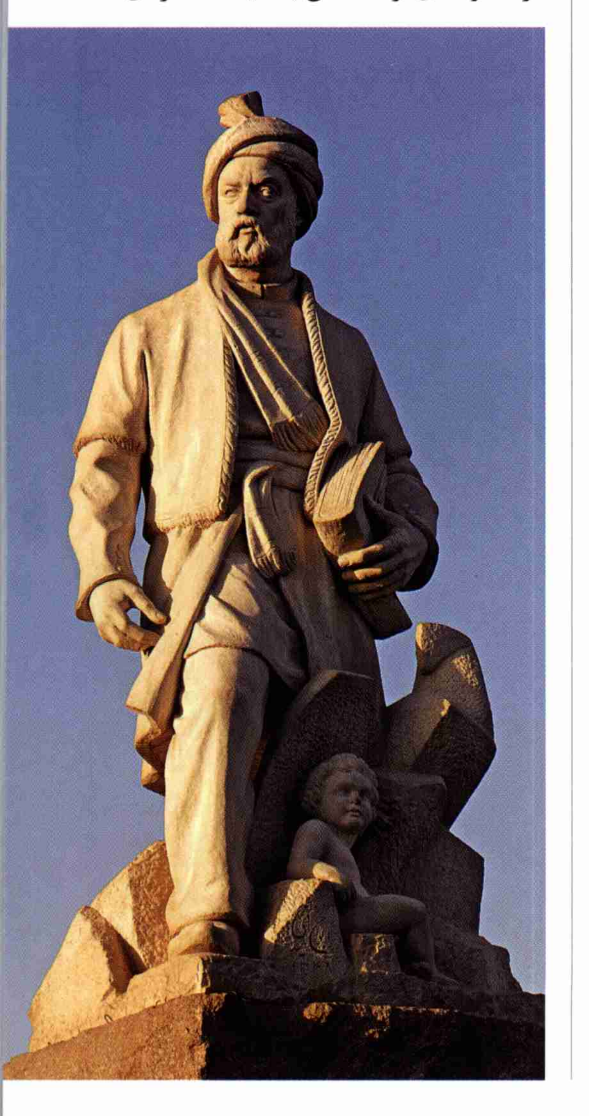


فردوسی

(۴۱۱ ـ ۳۲۹ ه.ق.)

شاعر حماسه‌سرا

نامش ابوالقاسم بود و در روستای **باژ** توس در خانواده‌ای از دهقانان به‌دنیا آمد. مردی



دانا، سخن‌شناس، ایران‌دوست و در شاعری بی‌نظیر بود. به سرگذشت نیاکان خود و تاریخ گذشته‌ی ایران علاقه‌ی زیادی داشت. به این سبب، با استفاده از کتاب **شاهنامه‌ی ابومنصوری**، که به نثر بود، از ۳۵ سالگی سرودن اثر عظیم خود، **شاهنامه** را آغاز کرد و پس از ۳۰ سال آن را به‌پایان رساند؛ آن‌گاه آن را به غزنین برد تا به سلطان محمود غزنوی تقدیم کند و از او پاداش بگیرد. اما کتابش مورد توجه قرار نگرفت و سلطان پاداش شایسته‌ای به او نداد. گفته‌اند سبب بی‌اعتنایی سلطان محمود این بود که فردوسی را به رافضی (شیعه) بودن متهم کرده بودند. به‌علاوه، او در شاهنامه از ترکان بدگویی کرده و محمود غزنوی نیز ترک بود.

فردوسی رنجیده‌خاطر به توس بازگشت و اشعاری بر ضد محمود سرود و بر شاهنامه افزود. چند سال بعد، سلطان محمود که به ارزش شاهنامه پی برده بود، از کرده‌ی خود پشیمان شد و کسانی را به توس فرستاد تا از فردوسی دل‌جویی کنند و هدایایی به او بدهند. ولی هنگامی که آنان به توس رسیدند، جنازه‌ی فردوسی را از دروازه‌ی شهر به سوی گورستان می‌بردند. شاهنامه‌ی فردوسی حماسه‌ی ملی ایرانیان است. این اثر در دو بخش اساطیری و تاریخی و در قالب داستان سروده شده و در هر داستان ابیات بسیاری در زمینه‌ی دین‌داری، اخلاق، ادب و پندگیری از رویدادهای جهان آمده است. در سال ۱۳۱۳ شمسی، جشن هزاره‌ی فردوسی در ایران برگزار شد و همان سال بنای آرامگاه فردوسی در توس، که به دست استاد حسین لُرزاده، معمار توانا، ساخته شده بود، پرده‌برداری شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لرزاده



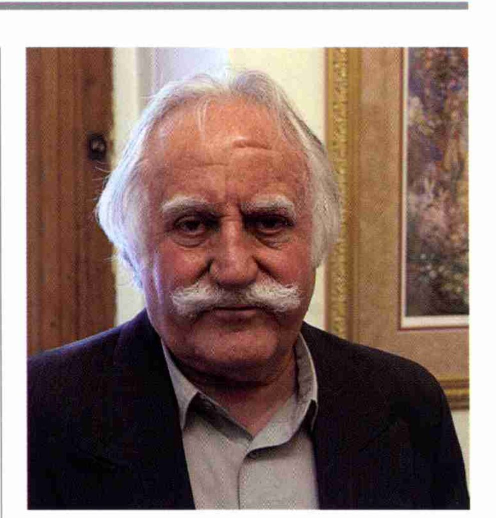
فرشچیان، محمود

(تولد: ۱۳۰۵ ه.ش.)

استاد نگارگری ایرانی

در اصفهان زاده شد. پدرش در بازار تاجر فرش بود و محمود از هنگام تولد چشمش را به روی نقش و نگارهای بدیع

فردوسی با سرودن شاهنامه، زبان فارسی را زنده کرد.



و اعجاب‌انگیز هنر ایرانی باز کرد. ابتدا نزد حاج میرزاآقا امامی، هنرمند برجسته، و سپس در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان، نزد استاد عیسی بهادری آموزش دید. چندی نیز به اروپا رفت و با آثار هنرمندان اروپایی از نزدیک آشنا شد. استاد فرشچیان هنرمندی است که هنر ایران را بلندآوازه کرده است؛ به گونه‌ای که از عصر صفویه تا امروز، هنر ایران چنین هنرمندی به خود ندیده است. آثار فرشچیان تاکنون در بیش از ۵۰ نمایشگاه انفرادی و ۸۰ نمایشگاه گروهی در ایران، اروپا، آمریکا و کشورهای آسیایی به نمایش درآمده و نشان‌ها و جوایز بسیاری را نصیب استاد کرده است. بعد از انقلاب اسلامی، هنر فرشچیان به عرصه‌ی تازه‌ای از خلاقیت و شعور مذهبی وارد شد که حاصل آن تابلوهای **عصر عاشورا**، **ضامن آهو**، **امید** (انتظار) و **نیایش** است. هم‌چنین طراحی ضریح جدید حضرت رضا(ع) و نظارت هنری بر ساخت مجموعه‌ی عظیم آستان قدس رضوی، از کارهای او در این سال‌هاست. فرشچیان طراحی ضریح امام حسین(ع) را نیز در دست دارد. سازمان میراث فرهنگی به افتخار استاد فرشچیان، موزه‌ای دائمی را به نام او در مجموعه‌ی فرهنگی ـ تاریخی سعدآباد تهران تأسیس کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهزاد (حسین)



فرمانفرما، عبدالحسین

(۱۳۱۸ـ ۱۲۳۱هـ.ش.)
دولت‌مرد و شاه‌زاده‌ی قاجاری

فرزند فیروزمیرزا نصرت‌الدوله و نوه‌ی فتحعلی شاه بود و در تهران متولد شد. در مدرسه‌ی دارالفنون در رشته‌ی نظام تحصیل کرد و با لقب سالار لشکر، از سوی ناصرالدین‌شاه فرمان‌ده قشون آذربایجان شد. دو سال بعد هم والی کرمان و بلوچستان شد. **باغ شاه‌زاده** در کرمان از آثار اوست. فرمانفرما به مشروطه‌خواهان تمایل داشت و پس از مشروطه در بیش‌تر دولت‌ها سمت وزارت یافت و یک بار هم مدت کوتاهی صدراعظم شد. با کودتای سیاه سیدضیاءالدین (۱۲۹۹)، او و پسرش، نصرت‌الدوله، به زندان افتادند ولی با دادن رشوه‌ی بسیار به سیدضیا آزاد شدند. از آن پس فرمانفرما خود را به‌ظاهر به رضاخان پهلوی نزدیک کرد. او از زمین‌داران بزرگ ایران و مردی بسیار بانفوذ بود. در بیش‌تر نقاط ایران، از جمله آذربایجان، کرمانشاه، کردستان، فارس، کرمان، کرج و تهران، املاک وسیعی داشت و از این طریق، اعمال نفوذ می‌کرد. همسران متعددی داشت و صاحب ۳۶ فرزند شد که بیش‌تر آن‌ها تحصیل‌کرده و بافرهنگ بودند و در دستگاه پهلوی صاحب مشاغل مهمی شدند. نام‌های خانوادگی فیروز و فرمانفرماییان، منسوب به این خانواده است. در سال ۱۳۱۵، رضاشاه، پسر بزرگ فرمانفرما، نصرت‌الدوله، را دستگیر و زندانی کرد که چندی بعد، خبر مرگ او را به پدرش دادند. این واقعه روحیه‌ی فرمانفرما را درهم شکست و سبب مرگ او پس از چند سال شد. فرمانفرما با سیدحسن مدرس رابطه‌ی خوبی داشت و در این زمینه، داستان‌هایی نقل شده است.



فروزانفر، بدیع‌الزّمان

(۱۳۴۹ ـ ۱۲۸۳هـ.ش.)
ادیب، مثنوی‌پژوه و استاد دانشگاه تهران

نام او جلیل ضیاء بود و بعدها قوام‌السّلطنه، استان‌دار خراسان، به او لقب فروزانفر داد. در روستای بُشرویه از توابع طبس خراسان به‌دنیا آمد. پدر و پدربزرگش هر دو شاعر و فقیه و طبیب بودند. استعداد و حافظه‌ای شگرف داشت. از این‌رو مراحل تحصیل را به سرعت در زادگاه خود و سپس در مشهد گذراند و در اوایل دوره‌ی پهلوی اول به تهران رفت. نزد استادان بزرگ درس خواند و با بزرگان علم و ادب آشنا شد. چندی در دارالفنون و مدرسه‌ی سپهسالار تدریس کرد و سپس، با تأسیس دانشگاه تهران استاد دانشکده‌ی ادبیات شد. فروزانفر به ریاست و سیاست نیز علاقه داشت. چندی ریاست مؤسسه‌ی وعظ و خطابه و چندی نیز رئیس دانشکده‌ی الهیات بود. دو دوره هم به مجلس سنا رفت و سناتور شد. سفرهای علمی و تحقیقی متعددی به خارج رفت که یکی از آن‌ها سفر به لبنان برای تأسیس کرسی زبان فارسی در آن کشور بود. فروزانفر پس از ۶۸ سال زندگی، در پی سکته‌ی قلبی در تهران درگذشت. استاد فروزانفر حدود ۴۰ سال عمر خود را صرف تحقیق در آثار مولوی کرد. **دیوان شمس تبریزی** را در ۱۰ جلد و **شرح مثنوی** را در ۳ جلد (ناتمام) منتشر ساخت که بعدها دکتر شهیدی آن را به اتمام رساند. علاوه بر این‌ها، شاگردانی تربیت کرد که بسیاری از آنان، خود از استادان زبان فارسی شدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شهیدی ، موحّد



۱۳۵۵

فروغی، محمدعلی

(۱۳۲۱ ـ ۱۲۵۶ هـ.ش.)

پژوهشگر، ادیب و دولت‌مرد دوره‌ی پهلوی

فرزند محمدحسین فروغی اصفهانی، معروف به ذکاءالملک، بود و در تهران به‌دنیا آمد. در دارالفنون در رشته‌ی طب تحصیل کرد. اما به فلسفه، ادبیات و تاریخ روی آورد. چند سال معلم مدارس جدید تهران و بعد مدرس مدرسه‌ی سیاسی شد؛ چندی نیز رئیس آن مدرسه بود. فروغی دو چهره‌ی متمایز سیاسی و علمی ـ فرهنگی دارد. در چهره‌ی سیاسی، طرفدار انگلستان، عضو مجامع فراماسونری، تابع محض رضاشاه و کسی است که در ابتدا، انتها و میانه‌ی سلطنت رضاشاه، مقام نخست‌وزیری را به‌دست آورد و در سِمت‌های دولتی دیگری نیز خدمت کرد. در زمینه‌ی علمی ـ فرهنگی، مردی دانشمند و از نخبگان زمان خود بود. او، که در زمان مظفرالدین‌شاه رئیس مدرسه‌ی سیاسی شده بود، در زمان رضاشاه نیز بنیان‌گذار **فرهنگستان زبان فارسی** شد. احیای آثار و مفاخر فرهنگی ایران، بازسازی پاره‌ای از آثار باستانی یا آرامگاه‌های شاعرانی چون فردوسی در مشهد و نیز پژوهش در زمینه‌ی آثار شاعران بزرگ فارسی مانند فردوسی، حکیم عمر خیّام و سعدی، از خدمات ارزش‌مند اوست. در انتقال حکمت و فلسفه‌ی اروپایی به ایران نیز نقش شایان توجهی داشت. تصحیح **کلیات سعدی** و تألیف کتاب **سیر حکمت در اروپا** از کارهایی است که فروغی از خود برجای گذارده است. او، که در زمان رضاشاه مورد غضب قرار گرفته و خانه‌نشین شده بود، پس از هجوم متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰، به تقاضای رضاشاه پست نخست‌وزیری را قبول کرد و کار مهم انتقال سلطنت از رضاشاه به ولی‌عهدش محمدرضا را انجام داد. یک سال پس از این واقعه، فروغی در ۶۵ سالگی درگذشت.

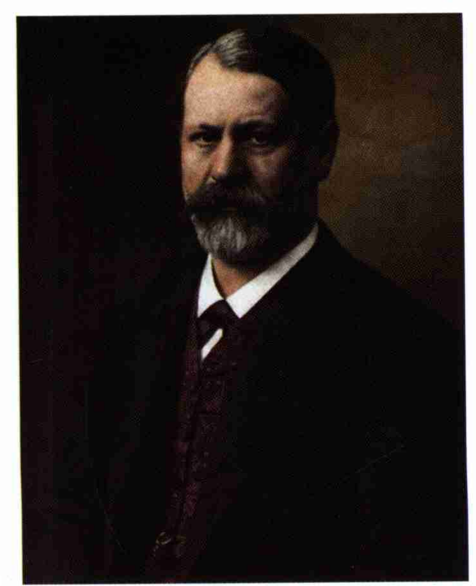


فروید، زیگموند

(۱۹۳۹ ـ ۱۸۵۶م.)

بنیان‌گذار علم روان‌کاوی

در شهر فرایبورگ اتریش، که امروز در جمهوری چک قرار دارد، متولد شد. در دانشگاه وین پزشکی خواند و پس از گرفتن تخصص اعصاب، در بیمارستانی در وین به معالجه‌ی بیماران پرداخت. بیمارانش عموماً افراد افسرده یا کسانی بودند که رفتاری غیرعادی و عجیب از خود نشان می‌دادند. فروید با مطالعه در مورد این بیماران دریافت که ریشه‌ی اختلالات روانی بیمار در افکار و خاطراتی قرار دارد که خودش هم از آن آگاه نیست. در این زمینه، او به‌ویژه به تأثیر غریزه‌ی جنسی بر فرد اهمیت می‌داد و خواب دیدن را نیز امری بسیار مهم و قابل‌توجه می‌دانست. به این سبب، کتابی درباره‌ی **تعبیر خواب** نوشت. فروید عقیده داشت که اگر بتوان ضمن صحبت طولانی با بیمار، خاطرات ناخودآگاه او را به یادش آورد، می‌توان وی را درمان کرد؛ او از این طریق، بیماران بسیاری را معالجه کرد. این روش را در همان زمان پزشکان دیگری نیز به کار گرفتند و بیماران خود را درمان کردند. با قدرت گرفتن نازی‌ها در آلمان و اتریش، فروید به لندن نزد پسرش رفت و به علت ابتلا به بیماری سرطان، در همان‌جا درگذشت.



▼ فروید روان‌کاوی را وارد عصر جدیدی کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دالی ، یونگ



فریدنی، نیکول

(۱۳۸۶- ۱۳۱۴هـ.ش.)

عکاس

در خانواده‌ای ارمنی در شیراز به‌دنیا آمد. کودکی و نوجوانی را در اصفهان و تهران و کرمان گذراند. در کرمان دیپلم گرفت و ۲۰ ساله بود که با خانواده به تهران رفت و در این شهر مقیم شد. عکاسی را در کرمان و نزد عکاسی که برای آمریکایی‌ها کار می‌کرد، آغاز کرد. از طبیعت بین کرمان و ماهان عکس‌های بسیاری گرفت و ظاهر کرد. وقتی به تهران رفت، عکس‌هایش مورد توجه شرکت آگفا در تهران قرار گرفت و به کار دعوت شد. از آن پس نیکول وارد کار عکاسی حرفه‌ای شد و در کار خود چنان پیش‌رفت کرد که ۴ سال در شرکت نفت ایران و ایتالیا و پس از تعطیلی آن شرکت، حدود ۲۰ سال



نیکول فریدنی، شیفته‌ی عکاسی از طبیعت و مناظر زیبای ایران بود. این عکس او را در سال‌های آخر عمرش نشان می‌دهد.

در کنسرسیوم نفت کار کرد و عکس‌های زمینی و هوایی بسیاری گرفت و با توجه به این که کار ظهور و چاپ عکس‌ها را نیز خود به‌عهده داشت، تجربه‌ی گران‌باری اندوخت و در مقام یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های عکاسی ایران جای گرفت. نیکول فریدنی در سال ۱۳۵۴ از همه‌ی کارهای خود استعفا داد تا بتواند آزادانه به سیر و سفر در ایران بپردازد و از مناظر و آثار طبیعی و فرهنگی و تمدنی ایران عکس بگیرد. حاصل کار او در این زمینه چند جلد کتاب نفیس شامل عکس‌های جذاب و دیدنی به نام‌های **کتاب ایران**، **چشم‌اندازها** و **کتاب یزد** است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جلالی ، کسرائیان

فریدون

پادشاه پیشدادی

فرزند آبتین و از نسل تهمورث بود. آبتین، هنگامی که فریدون شیرخواره بود، به دست ضحّاک کشته شد. در نتیجه، فَرانَک، مادر فریدون، او را به مرغزار دوردستی برد و با شیرگاو بزرگ کرد. سپس از ترس ضحّاک فرزندش را به کوه البرز برد؛ زیرا ضحّاک از ستاره‌شناسان شنیده بود که روزی به دست فریدون، از تخت پادشاهی فروخواهد افتاد. هنگامی که کاوه‌ی آهنگر بر ضد ضحّاک قیام کرد، چون می‌دانست فریدون از نژاد پادشاهان است، او را بر تخت پادشاهی نشاند. فریدون مملکت را بین سه فرزند خود تقسیم کرد. ایران را به **ایرج**، روم را به **سَلْم** و ترکستان و چین را به **تور** داد. سلم و تور بر ایرج رشک بردند و او را کشتند. فریدون چون جسد ایرج را دید، سوگند یاد کرد که انتقام او را از پسرانش بگیرد. همه‌ی این ماجراها در شاهنامه‌ی فردوسی آمده است و فردوسی از این شخصیت به نام **فریدون فرّخ** یاد کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ضحّاک ، کاوه



فضائلی، حبیب‌الله

(۱۳۰۱ ـ ۱۳۷۲ هـ.ش.)

خوش‌نویس

در سِمیرم، از شهرهای استان اصفهان، به‌دنیا آمد. خوش‌نویسی در خاندان او موروثی بود و او با کار و تلاش، این میراث گران‌قدر را حفظ کرد. ۸ سال در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و به لباس روحانیت درآمد. سپس از دانشگاه اصفهان نیز مدرک لیسانس ادبیات فارسی گرفت و دبیر دبیرستان‌های اصفهان شد. در زمینه‌ی خط، فضائلی نزد استاد علی‌اکبر کاوه و استاد حسن زرین‌خط آموزش دید و با پشت‌کار خود، یکی از استادان نامور خط در کشور شد. اثر مکتوب او در این زمینه، به‌جز کتاب **تعلیم خط** کتاب نفیس **اطلس خط** است که مجموعه‌ای از آثار هنرمندان خوش‌نویس و شامل انواع خطوط اسلامی است. از دیگر آثار فضایلی، خط‌های ضریح و درهای حرم عسکریَّین در سامرا، ضریح حضرت ابوالفضل(ع) و درهای حرم امام حسین(ع) در کربلا و درهای رواق‌ها و حرم کاظمین در عراق است. کتیبه‌های برخی مساجد و تکیه‌های اصفهان و اهواز و شیراز را نیز فضائلی نوشته است. فضائلی در سال‌های آخر عمر، **قرآن کریم** را خوش‌نویسی کرد که در انتشارات سروش چاپ شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کلهر ، میرخانی



فضل‌الله، محمدحسین

(تولد: ۱۳۱۴ هـ.ش.)

عالم دینی و رهبر معنوی حزب‌الله لبنان

سیدمحمدحسین فضل‌الله، لبنانی و متولد و دانش‌آموخته‌ی نجف است. در ۱۷ سالگی قصیده‌ی بلندی را در مراسم درگذشت سیدمحسن امین‌عاملی، در بیروت قرائت کرد که در آن به مسئله‌ی بیداری مسلمانان اشاره و استعمار فرانسه را تقبیح کرده بود. از همان زمان، نامش در مجامع و مطبوعات مطرح شد. فضل‌الله در عراق با آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر در بنیان‌گذاری

حزب‌الدّعوة الاسلامیّه همکاری کرد و در لبنان نیز، جوانان طرفدار او با تشکیل گروه‌هایی، هسته‌های اولیه‌ی مقاومت را به‌وجود آوردند. این هسته‌ها بعدها به جنبش مستقل **حزب‌الله** تبدیل شد. از این‌روست که او را غالباً پدر معنوی حزب‌الله لبنان می‌شناسند. او هم‌چنین مرجع تقلید شیعیان لبنان است. محمدحسین فضل‌الله یک بار ربوده شده و ۴ بار هدف ترور قرار گرفته؛ ولی همواره جان سالم به‌در برده است و اکنون نیز در بیروت در مسجد امام رضا؈ نمازهای جمعه را اقامه می‌کند. از نظر علمی، مردی دانشمند است و معمولاً به او «علامه فضل‌الله» گفته می‌شود.

او تألیف بیش از ۷۰ عنوان کتاب را در کارنامه‌ی خود دارد که سه **دیوان شعر** از آن جمله است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

امین عاملی ، صدر (سید موسی) ، نصرالله



فضل‌الله همدانی، رشیدالدین

(۷۱۸ ـ ۶۴۵ هـ.ق.)

وزیر دانشمند ایرانی

در همدان به‌دنیا آمد. در بسیاری از دانش‌های زمان خود، از علوم ادبی و دینی گرفته تا طب و تاریخ و جغرافیا، سرآمد بود. نخست طبیب خاص دربار و بعد وزیر غازان‌خان مغول بود و با او در لشکرکشی به شام همراه شد. در تبریز، مجموعه ساختمان‌هایی را در دامنه‌ی کوه سرخاب ساخت که رَبع رشیدی نام گرفت و شامل مدرسه، بیمارستان، دارالسّیاده، مسجد، کتاب‌خانه و کارخانه‌های نسّاجی و کاغذسازی بود. گنبدی هم برای مقبره‌ی خودش در آن پیش‌بینی شده بود. خواجه سپس رَبع رشیدی را وقف کرد. وقتی غازان‌خان مُرد، برادرش، اُلجایتو، به سلطنت رسید. او پایتخت را از تبریز به سلطانیّه بُرد و رشیدالدین نیز همراه او به سلطانیّه رفت. در سلطانیه هم خواجه دو محله‌ی جدید به نام‌های رشیدیّه و غازانیّه ساخت و بر آبادانی شهر افزود. هنگامی که الجایتو مُرد، جانشین او سلطان ابوسعید، خواجه رشیدالدین را به اتهام مسموم کردن الجایتو دستگیر کرد و همراه با پسر ۱۶ ساله‌اش، ابراهیم، به قتل رساند و دستور داد اموالش را مصادره کنند. از رشیدالدین تألیف مشهوری در چند جلد به نام **جامع‌التّواریخ** بر جای مانده که گردآورده‌ای از تاریخ‌های معتبر پیشین زبان فارسی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

الجایتو



فضل‌بن نوبخت

(قرن سوم هجری)

منجّم مسلمان

خاندان نوبختی، فرزندان نوبخت اهوازی، از خاندان‌های اصیل و برجسته‌ی ایرانی بودند که تا حدود سه قرن، منشأ خدمات دینی، علمی و فرهنگی بسیار شدند. عده‌ای از آنان نیز، که به مذهب شیعه درآمدند، به این مذهب خدمت کردند که یکی از آنان حسین‌بن روح نوبختی سومین نایب خاصّ امام زمان؈ است. نوبخت منجم دربار منصور، خلیفه‌ی عباسی، بود. پسرش، فضل بن نوبخت، همراه با محمد بن موسی خوارزمی ریاست نخستین رصدخانه‌ی اسلامی را، که مأمون در بغداد بنا کرد، به‌عهده داشت. فضل پیش از آن کتاب‌دار هارون‌الرشید بود و آثاری را نیز از زبان فارسی به عربی ترجمه کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

خوارزمی ، نوّاب اربعه



فکوری، جواد

(۱۳۶۰ ـ ۱۳۱۷ هـ.ش.)

فرمان‌ده نیروی هوایی در دفاع مقدس

در تبریز، در خانواده‌ای مذهبی به‌دنیا آمد. پس از تحصیلات متوسطه، به دانشکده‌ی خلبانی رفت. سپس به آمریکا اعزام شد و دوره‌های خلبانی را با موفقیت پشت سر نهاد. همواره پای‌بند به رعایت احکام دینی بود و از خلبانان انقلابی نیروی هوایی به‌شمار

▼ **فکوری، جان بر سر پیمان نهاد و در راه دفاع از ایران اسلامی به شهادت رسید.**



می‌رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در فرمان‌دهی پشتیبانی پایگاه‌های شکاری و نیز معاونت عملیاتی نیروی هوایی خدمت کرد و سرانجام از سوی امام‌خمینی به فرمان‌دهی نیروی هوایی منصوب شد. فکوری در هدایت ارتش به سمت اهداف انقلاب اسلامی تلاش بسیار کرد و در جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، فداکاری بسیاری از خود نشان داد. پس از عملیات پیروز ثامن‌الائمه، فکوری و جمعی دیگر از فرمان‌دهان و رزمندگان عازم تهران شدند. اما در نزدیکی تهران، هواپیمای آن‌ها دچار سانحه شد و سقوط کرد و همگی به شهادت رسیدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جهان‌آرا ، فلاحی ، کلاهدوز ، نامجو





فلاحی، ولی‌الله

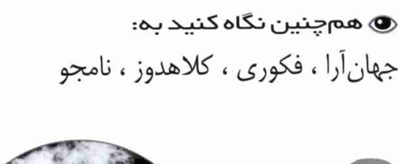
(۱۳۶۰ـ۱۳۱۰هـ.ش.)

نخستین فرمان‌ده نیروی زمینی جمهوری اسلامی

از افسران برجسته و وظیفه‌شناس ارتش پیش از انقلاب اسلامی بود که بسیاری از مراتب و مقامات نظامی را با موفقیت طی کرده بود. او در عین حال از مخالفان رژیم شاه بود و چهار بار دستگیر و زندانی شده بود. با کوشش‌های او، در سال ۱۳۵۷، حکومت نظامی در شیراز لغو شد و نیروهای ارتشی از خیابان‌ها به پادگان برگشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی، فلاحی نخست بازنشسته شد؛ ولی با تصویب شورای انقلاب، به ادامه‌ی خدمت دعوت و به فرمان‌دهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد. نقش او در بازسازی و سازمان‌دهی مجدد ارتش، که در آن زمان از هم گسیخته بود و عده‌ای شعار انحلال آن را می‌دادند، مؤثر بود. فلاحی نخست با دکتر چمران در پاک‌سازی کردستان از عناصر ضدّ انقلاب همکاری کرد و سپس به ریاست ستاد مشترک ارتش منصوب شد. با حمله‌ی ناگهانی عراق به ایران، همواره در جبهه‌های جنوب و غرب کشور حضور داشت و از نزدیک ناظر اجرای طرح‌های جنگی بود. پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر از فرمان‌دهی کل قوا، در سال ۱۳۶۰، امام خمینی، اختیارات فرمان‌دهی کُل قوا را به فلاحی تفویض کرد. فلاحی در نخستین پیروزی‌های ایران بر ضد عراق نقش داشت و خود شاهد آزادی شهر سوسنگرد و شکست محاصره‌ی آبادان بود. بعد از عملیات ثامن‌الائمّه، فلاحی به اتفاق جمعی از رزمندگان و سران ارتش و سپاه از جمله جهان‌آرا، فکوری، کلاهدوز و نامجو، با هواپیما عازم تهران بود که هواپیمای آن‌ها در نزدیکی تهران سقوط کرد و همه به شهادت رسیدند. فلاحی اهل طالقان بود و به آیت‌الله طالقانی نیز علاقه داشت. به وصیت خودش پیکر او را در کنار ایشان به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جهان‌آرا ، فکوری ، کلاهدوز ، نامجو



فلاطوری، عبدالجواد



(۱۳۷۵ ـ ۱۳۰۴هـ.ش.)

استاد فلسفه و معارف اسلامی

از نوادگان ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاج ملّاهادی سبزواری، بود. در اصفهان به‌دنیا آمد. از ۱۵ سالگی، ضمن تحصیلات دبیرستانی، به آموختن دروس طلبگی پرداخت و در اصفهان و مشهد و تهران از درس علمای برجسته‌ای مانند شیخ محمدرضا کلباسی، محمدعلی شاه‌آبادی و شیخ هادی کدکنی نیشابوری بهره گرفت. در آستانه‌ی ۲۵ سالگی، به درجه‌ی اجتهاد رسید. علامه‌ی طباطبایی از او با عنوان **حکیم فرزانه** یاد کرده است. فلاطوری فلسفه‌ی صدرالمتألهین را در تهران، نزد میرزا مهدی آشتیانی خواند و از شاگردان خاص او شد. در ۳۰ سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به آلمان رفت و رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و مطالعه‌ی ادیان را خواند و به دریافت مدرک دکترا نایل شد. او تا پایان عمر در آلمان به سر برد. فلاطوری استاد دانشگاه کلن بود و تمام همت خود را صرف مطالعه در معارف اسلامی، به‌خصوص شناساندن آن به اروپاییان کرد. بدین‌منظور، آکادمی علمی اسلامی را در کلن تأسیس کرد و از آن طریق توانست اشتباهات کتاب‌های درسی مدارس آلمان را درباره‌ی اسلام اصلاح کند. مقبره‌ی فلاطوری در تخت فولاد اصفهان، در کنار مزار حکیم معاصر، حاج آقا رحیم ارباب، قرار دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آشتیانی (مهدی) ، شاه‌آبادی

فلسفی، محمدتقی

(۱۳۷۷ ـ ۱۲۸۵هـ.ش.)

روحانی، خطیب و فعال سیاسی

فلسفی طی چند دهه، چهره‌ی برجسته‌ی وعظ و خطابه در تهران و شهرستان‌های ایران بود. او فرزند شیخ محمدرضا تنکابنی، از علمای تهران، بود. نزد علمای برجسته‌ای مانند میرزا مهدی آشتیانی، سیدکاظم عصّار و میرزا طاهر تنکابنی درس خواند. از همان جوانی به منبر و سخن‌رانی روی آورد و با صدای گرم و بیان فصیح و گویایی که داشت، خیلی زود مشهور شد. فلسفی مورد اعتماد آیت‌الله بروجردی و معمولاً رابط ایشان برای

گفت‌وگو با شاه یا رساندن پیام به او بود. در نهضت ملی شدن نفت، طرفدار آیت‌الله کاشانی بود و بعد هم به نهضت اسلامی و هواداران امام‌خمینی پیوست. فلسفی طی چند دهه، برترین سخن‌ران در مجامع و مراسم دینی بود. اما در دهه‌ی ۱۳۵۰، به دستور ساواک ممنوع‌المنبر شد. از آن پس وقتش را صرف نوشتن کتاب‌هایی در زمینه‌های تفسیر قرآن، اخلاق و تعلیم و تربیت کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، فلسفی اولین سخن‌رانی خود را در حضور امام‌خمینی ایراد کرد که مورد تحسین ایشان واقع شد. فلسفی ۹۲ سال عمر کرد و پس از فوت، در حرم حضرت عبدالعظیم در شهرری به خاک سپرده شد. کتاب‌های **کودک**، **جوان**، **بزرگ‌سال**، **اخلاق** و **آیةالکرسی** از تألیفات اوست و **خاطرات** او نیز به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.



فلسفی، نصرالله

(۱۳۶۰ ـ ۱۲۸۵ه.ش.)

نویسنده، مترجم و تاریخ نگار

خاندان پدری او اهل سوادکوه مازندران بودند و پدربزرگ مادری‌اش، عبدالله زنوزی، از حکمای عصر قاجار بود. نصرالله تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رساند. زبان فرانسوی را عالی می‌دانست و نثر فارسی او زیبا بود. از این‌رو به ترجمه روی آورد و با انتشار آثاری در روزنامه‌ها و مطبوعات یکی از بهترین مترجمان زبان فرانسوی شد. بعدها به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و به تدریس تاریخ و جغرافیا پرداخت. در این دوره کتاب **تاریخ تمدن قدیم** را، که اثری مفید بود، از محل حقوق نمایندگی دکتر محمد مصدق، در مدتی کمتر از پنج ماه به فارسی ترجمه کرد و با توضیحات به چاپ رساند. با تأسیس دانشگاه تهران، فلسفی را به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دعوت کردند و او استاد کرسی تاریخ پیش از اسلام دانشگاه شد. چند سال نیز به دانشگاه استراسبورگ فرانسه دعوت شد و در آن‌جا تدریس کرد. کتاب کم‌نظیر او در چهار جلد به نام **زندگی شاه عباس اول** حاصل تلاش‌های اوست.



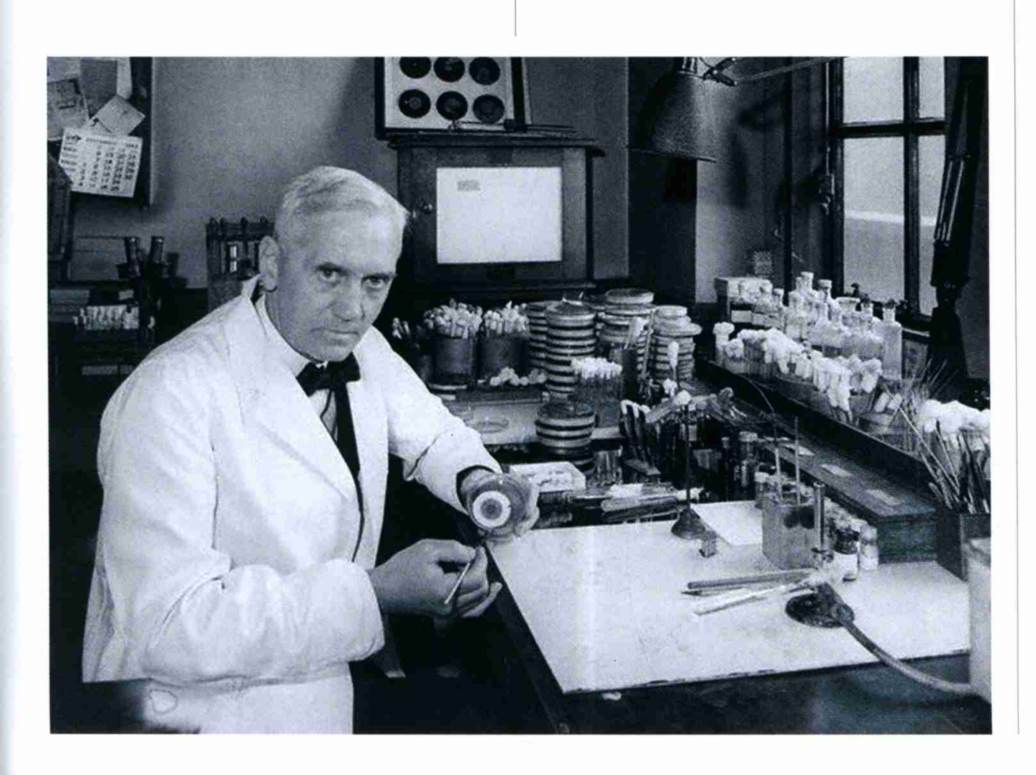
فلمینگ، الکساندر

(۱۹۵۵ ـ ۱۸۸۱ م.)

کاشف پنی‌سیلین

فلمینگ پزشکی انگلیسی بود که در رشته‌ی باکتری‌شناسی تحقیق می‌کرد. روزی در آزمایشگاه، وقتی سرپوش محیط کِشت میکروب‌ها را برداشت، دید که محیط کشت با کپک آبی‌رنگی پوشیده شده است. با دقت بیش‌تر، دریافت که دور این کپک یک حلقه‌ی عاری از میکروب وجود دارد. حدس زد که ممکن است این کپک، میکروب‌کش باشد و بیماری‌ها را از بین ببرد. با آزمایش‌های بیش‌تر، حدس او به یقین تبدیل شد و این ماده‌ی جدید را پنی‌سیلین نامید و با نوشتن گزارش کشف خود، آن را به اطلاع جامعه‌ی پزشکی جهان رساند. دو دانشمند دیگر به نام‌های **هوارد فلوری** استرالیایی و **ارنست چین** آلمانی در دانشگاه اکسفورد، با مطالعه‌ی گزارش فلمینگ و کار روی این موضوع، توانستند خاصیت آنتی‌بیوتیکی آن را اثبات و ماده‌ی **پنی‌سیلین** را به مقدار زیاد تولید کنند. این ماده در جنگ دوم جهانی در ارتش آمریکا مورد استفاده قرارگرفت و جان سربازان بسیاری را نجات داد. کشف پنی‌سیلین اتفاقی بسیار مهم در پزشکی جدید و سرآغاز تولید داروهای آنتی‌بیوتیک بود. فلمینگ، فلوری و چین در سال ۱۹۴۵ میلادی، جایزه‌ی نوبل پزشکی را به پاس این کشف دریافت کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پاستور ، کخ



الکساندر فلمینگ در آزمایشگاه

فنایی، محمد

(تولد: ۱۳۳۰هـ.ش.)

داور بین‌المللی فوتبال

محمد فنایی در تبریز زاده شد. دوره‌ی دبستان تا پایان دانشگاه را در تهران پشت سر گذاشت و مدرک کارشناسی تربیت بدنی گرفت. او نخست به ورزش شنا علاقه داشت و مدرک بین‌المللی غریق نجات نیز گرفت؛ ولی بعد به فوتبال و داوری آن روی آورد. اولین مسابقه‌هایی که داوری کرد، مسابقه‌های شهید مهدی اسپندیاری در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب بود. در سال ۱۹۹۲ م.، در ۴۲ سالگی به جرگه‌ی داوران بین‌المللی پیوست و به المپیک بارسلونا در اسپانیا رفت. از آن پس به مسابقه‌های دیگر نیز دعوت شد. فنایی در سال ۱۹۹۳م. در بازی‌های مقدماتی جام جهانی آمریکا شرکت کرد و سال بعد از آن به آفریقا رفت تا در جام ملت‌های قاره‌ی سیاه قضاوت کند. سپس به آمریکا رفت و با عمل‌کرد درخشانی که از خود نشان داد، از سوی فیفا کمک داور دیدار فینال شد. فنایی از سال ۱۳۷۷ش. به مدت چهار سال، به دعوت فدراسیون فوتبال لبنان، در آن کشور فعالیت کرد.



فورد، هنری

(۱۹۴۷ ـ ۱۸۶۳م.)

پدر صنعت خودروسازی

فورد کشاورززاده‌ای آمریکایی بود که نخستین تجربه‌های صنعتی خود را در شرکت وستینگهاوس و سپس در شرکت برق ادیسون به‌دست آورد. اولین اختراع او ساخت یک نوع **موتور بنزینی** بود که با آن وسیله‌ی نقلیه‌ای ساخت و نامش را چهار چرخ گذاشت. فورد در ۴۰ سالگی با همکاری عده‌ای سرمایه‌گذار، **کارخانه‌ی ماشین‌سازی فورد** را تأسیس کرد و در آن به تولید خودرویی به نام مدل تی (T) پرداخت که بسیار زود مورد استقبال مردم آمریکا قرار گرفت. به‌طوری که فقط در آمریکا ۱۵ میلیون دستگاه از آن به فروش رفت و چهره‌ی جامعه را تغییر داد. او بعدها تولید خودروها را به صورت مونتاژ درآورد؛ یعنی در هر قسمت از خط، بخشی از اتومبیل کامل می‌شد و در پایان خط، یک اتومبیل کامل تحویل می‌گردید. بدین ترتیب، توانست زمان تولید هر اتومبیل را از ۷۲۸ دقیقه در سال‌های اول، به ۲۴ دقیقه در سال‌های بعد کاهش دهد. با افزایش حجم تولید، شرکت فورد با خرید یک خط آهن و ۱۶ معدن زغال سنگ و سنگ آهن و احداث یک کارخانه‌ی اَلوارِبُری در منطقه‌ای جنگلی و نیز احداث کوره‌های ذوب آهن، فرآیند تولید خودرو را از مرحله‌ی تولید ورق آهن تا آخرین مرحله‌ی مونتاژ، اداره می‌کرد و خودرو را به بازار تحویل می‌داد. فورد در ۸۴ سالگی درگذشت. پس از او شرکت فورد به **بنیاد فورد** تغییر نام داد که تا امروز هم‌چنان فعال است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بنز ، پورشه



فوکو، لئون

(۱۸۶۸ ـ ۱۸۱۹م.)

فیزیک‌دان تجربی فرانسوی

فوکو در میان دانشمندان عصر خود، از چهره‌های شگفت‌انگیز است. هیچ‌گاه به مدرسه و دانشگاه نرفت؛ بلکه تنها با مطالعه در خانه و در کتاب‌فروشی پدرش دانشمند شد. ابتدا طب خواند. سپس عکاسی پیشه کرد. بعد به ساختن ابزار روی آورد و سرانجام، وقتی که در رصدخانه‌ی پاریس استخدام شد، تا آخر عمر به فیزیک پرداخت. فوکو **ژیروسکوپ** را اختراع کرد و به وسیله‌ی آونگ آن توانست حرکت وضعی زمین را اثبات کند. سرعت نور را برای اولین بار با همکاری فیزو اندازه گرفت و مطالعاتی هم در زمینه‌ی خورشید انجام داد. آزمایش فوکو را، در سال ۱۳۱۳ شمسی، مرحوم غلامحسین رهنما در مسجد سپهسالار تهران انجام داد تا موضوع حرکت زمین را عملاً به حاضران نشان دهد.





فولادوند، محمدمهدی

(تولد: ۱۳۸۷ ـ ۱۲۹۹ه.ش.)

مترجم قرآن، استاد زبان و ادبیات فرانسوی

در شهرستان اراک به‌دنیا آمد. نوه‌ی آیت‌الله حاج آقامحسن اراکی ـ از علمای دوره‌ی پهلوی اول ـ بود. در ۱۲ سالگی به مدرسه‌ی دارالفنون تهران رفت و پس از گرفتن دیپلم، به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران راه یافت. پس از چند سال راهی فرانسه شد و در دانشگاه سوربن پاریس در رشته‌های ادبیات، هنر، فلسفه و زبان‌شناسی تحصیل کرد و دکترا گرفت. پس از بازگشت به ایران، در دانشگاه‌های گوناگون به تدریس پرداخت. آثار قلمی او به زبان فرانسه و فارسی حدود سی جلد است که تنها نیمی از آن به چاپ رسیده است. فعالیت دکتر فولادوند در زمینه‌ی قرآن، از سال ۱۳۴۵ شروع شد. او ترجمه‌ی قرآن را نخست در جزوه‌هایی به نام **گل‌هایی از قرآن** منتشر می‌کرد که در همان زمان مورد استقبال قرار گرفت. ترجمه‌ی کامل او از قرآن در سال ۱۳۷۳ منتشر شد و جایزه و ۵ لوح تقدیر به‌دست آورد. به نظر برخی صاحب‌نظران، ترجمه‌ی فولادوند از قرآن، یکی از ممتازترین ترجمه‌های ۵۰ سال اخیر در ایران است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آیتی ، الهی قمشه‌ای ، خرمشاهی

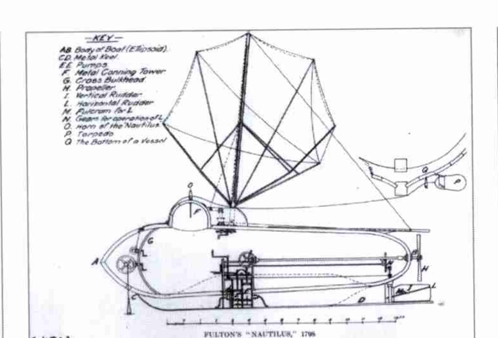


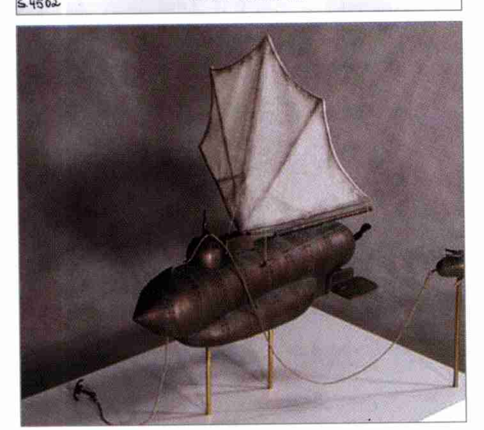
فولتون، رابرت

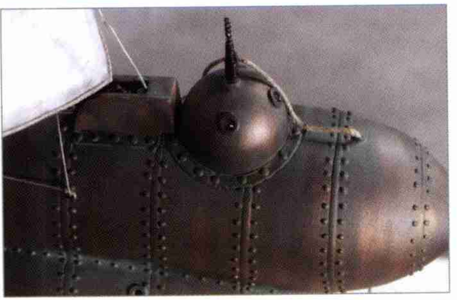
(۱۸۱۵ ـ ۱۷۶۵م.)

مهندس آمریکایی و مخترع زیردریایی

فولتون از کودکی تا جوانی، به فعالیت‌های هنری مانند جواهرسازی و نقاشی مشغول بود. در ۲۲ سالگی به لندن رفت تا در آن‌جا نقاشی کند. اما موفقیت چندانی به‌دست نیاورد. در آن شهر با چند اختراع جدید، در زمینه‌ی قایق‌های موتوری آشنا شد و کم‌کم فکر ساختن زیردریایی به اندیشه‌اش راه یافت. به پاریس رفت و با هزینه‌ی خودش یک زیردریایی ساخت و آن را آزمایش کرد. دولت فرانسه هم مجوز ساخت آن را به او داد. اختراع دیگر فولتون، که در آمریکا صورت گرفت، ساخت **قایق موتوری** به جای قایق بادبانی بود. سرانجام، در سال ۱۸۱۴ اولین **ناو جنگی** را، که به کمک موتور بخار حرکت می‌کرد، در آمریکا اختراع کرد که بر افزایش سرعت کشتی‌ها در دریا تأثیر زیادی گذاشت.







▲ مهاجرت فولتون به فرانسه موجب شکفتن استعداد فنی او شد و توانست برای اولین‌بار زیردریایی خود را که ناتیلوس نام داشت بسازد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هلاند



فون براون، ورنر

(۱۹۷۷ ـ ۱۹۱۲م.)

مخترع موشک‌های نظامی، پرتاب‌گر فضایی

در خانواده‌ای مرفه و ثروت‌مند در آلمان به‌دنیا آمد. در نوجوانی با خواندن کتاب‌های علمی به موشک‌ها علاقه‌مند شد. به این سبب، تحصیلات خود را در این مسیر ادامه داد و از دانشگاه برلین، دکترای هوافضا گرفت. او طرفدار هیتلر و عضو حزب نازی بود و نتیجه‌ی تحقیقات و کارهای خود را که تولید **موشک دوربرد ۲ـV** بود در اختیار ارتش آلمان گذاشت. در جنگ دوم جهانی هزار فروند از این موشک‌ها به لندن شلیک شد. در آن زمان آلمان نازی در صنعت موشک سال‌ها از کشورهای دیگر جلوتر بود. پس از جنگ، فون براون و حدود صد دانشمند همکارش، به دست آمریکایی‌ها بازداشت شدند و تمام تجربه‌های علمی و فنی خود را در اختیار ارتش آمریکا قرار

▼ با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی، فون براون از آلمان به آمریکا مهاجرت کرد و در آن‌جا همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را در فعالیت‌های فضایی و پرتاب سفینه‌ها به‌کار گرفت.



دادند. آنان خیلی زود اولین ماهواره‌ی ایالات متحده را به فضا پرتاب کردند (۱۹۵۸). فون براون و همکاران او بعدها به **سازمان فضایی ناسا** منتقل شدند. در این سازمان، فون براون ساختِ پرتاب‌گرهای بزرگ موسوم به **موشک‌های ساتورن** را به‌عهده گرفت و توانست امکان سفر به کره‌ی ماه را برای آمریکاییان فراهم آورد. موشک‌های ساتورن از میلیون‌ها قطعه تشکیل شده بود که تا آن زمان، از نظر مهندسی بی‌سابقه بود. فون براون در ۶۵ سالگی در آمریکا درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:
گودارد



فهمیده، حسین

(۱۳۴۶ ـ ۱۳۵۹ هـ.ش.)
دانش‌آموز شهادت‌طلب

خانواده‌ی او اهل قم بودند و تا ۱۲ سالگیِ فرزندشان، در آن شهر می‌زیستند. سپس به کرج مهاجرت کردند. حسین فهمیده از سال سوم راهنمایی، عضو بسیج دانش‌آموزی شد. هنوز عراق به طور رسمی جنگ را آغاز نکرده بود که به خرمشهر رفت. با آغاز جنگ، به مبارزان و مدافعان میهن اسلامی پیوست و خود را به خطوط مقدم جبهه رساند. در ۲۷ مهر ۱۳۵۹، در ایستگاه راه‌آهن کوت‌شیخ خرمشهر، هنگامی که تانک‌های دشمن قصد پیش‌روی داشتند، نارنجک به کمر بست و به مقابله‌ی یک تانک رفت. او آن تانک را به آتش کشید و خود نیز به شهادت رسید. امام خمینی این عمل قهرمانانه را ستود و در پیامی که در همه جا خوانده شد، فهمیده « آن طفل ۱۳ ساله» را «رهبر ما» قلمداد کرد و « ارزش خون او» را بالاتر از هر چیز دانست. از آن پس در جمهوری اسلامی ایران شهید فهمیده به نماد عمل قهرمانانه در مقابله با دشمن متجاوز تبدیل شد.

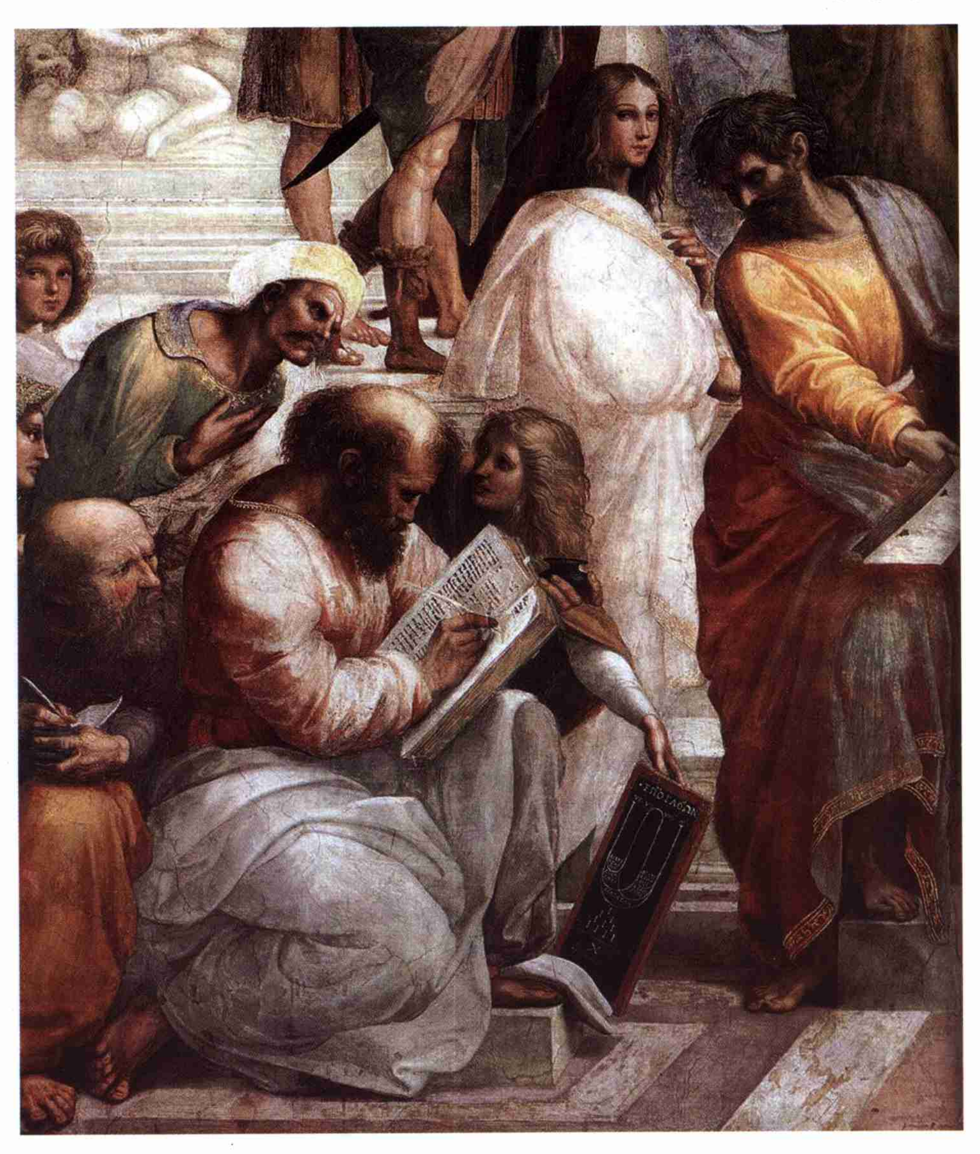


فیثاغورِس

(۵۸۲ ـ ۴۹۷ ق.م.)
ریاضی‌دان و حکیم یونانی

فیثاغورس از قدیمی‌ترین فلاسفه و ریاضی‌دانان یونان و حتی تاریخ است. او عقیده داشت که کلید اسرار جهان در علوم ریاضی است. علم اعداد را پایه‌گذاری کرد و می‌گفت عددها رموز عالم هستی‌اند و می‌توان تمام عالم را با عدد شرح داد. هم‌چنین می‌گفت که بعضی عددها خاصیت جادویی دارند. در هندسه، قضیه‌ی فیثاغورس درباره‌ی مثلث قائم‌الزاویه معروف و از آموزش‌های اولیه در ریاضیات است. فیثاغورس یکی از بنیان‌گذاران انجمن‌های سرّی در تاریخ است. او و هم‌فکرانش مجمعی به نام **انجمن اخوّت فیثاغوریان** در جنوب ایتالیای امروز تشکیل داده بودند که در آن، زندگی برادرانه‌ای داشتند و بین خود به بحث در علوم ریاضی می‌پرداختند. افلاطون به اندیشه‌های فیثاغورس اهمیت بسیار می‌داد. گالیله، کپلر و نیوتن هم از طریق آثار افلاطون با فیثاغورس آشنا شدند.

▼ فیثاغورس در آکادمی افلاطون، هندسه تعلیم می‌دهد. این تصویر بخشی از تصویر مشهور نقاشی رافائل از «مدرسه‌ی آتن» است.





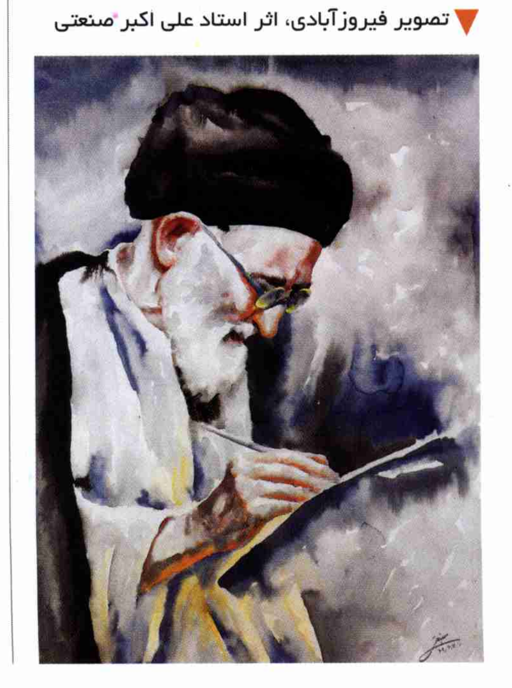
فیروزآبادی، سیدرضا

(۱۳۴۴ ـ ۱۲۵۱ هـ.ش.)

عالم، فقیه و مؤسس

در روستای فیروزآباد، از روستاهای شهری، در خانواده‌ای کشاورز به‌دنیا آمد. علاقه به دانش او را بر آن داشت به تحصیل در حوزه‌ی علمیه بپردازد. مقدمات علوم را در تهران فرا گرفت. سپس به عراق رفت و از محضر عالمانی مانند آخوند خراسانی در نجف و سید اسماعیل صدر در کربلا، بهره برد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. فیروزآبادی مردی روشن‌اندیش، آزادی‌خواه و مردم‌دوست بود و پیوسته برای دستگیری از نیازمندان می‌کوشید. پس از انقلاب مشروطه، ۴ دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی شد، ولی حتی یک ریال از حقوق نمایندگی را برای خود خرج نکرد بلکه همه را یک‌جا به ساختن بیمارستانی در شهری اختصاص داد که به نام خودش، **بیمارستان فیروزآبادی** نامیده شد و تا امروز برقرار است. این روحانی نیکوکار خود نیز به بیمارستان سر می‌زد و از بیماران عیادت می‌کرد. او علاوه بر بیمارستان، تأسیسات دیگری مانند **درمانگاه، زایشگاه، پرورشگاه و دارالایتام، مدرسه** و نیز مسجدی در روستای فیروزآباد ساخت. فیروزآبادی در ۹۳ سالگی درگذشت و در مقبره‌ای که خود در کنار بیمارستان ساخته بود و امروز **مسجد فیروزآبادی** نام دارد، به خاک سپرده شد.

تصویر فیروزآبادی، اثر استاد علی اکبر صنعتی





فیروزآبادی، محمدبن یعقوب

(۸۱۷ ـ ۷۲۹ هـ.ق.)

دانشمند لغت‌شناس

اهل فیروزآباد فارس بود و در قریه‌ی کارزین به‌دنیا آمد. تمام عمرش به تحصیل علم در اقطار جهان گذشت. نخست در شیراز تحصیل کرد. سپس به بغداد رفت و از آن‌جا به دمشق سفر کرد و مدتی را به تحصیل گذراند. از دمشق به اورشلیم (بیت‌المقدس) رفت و ۱۰ سال در آن شهر تدریس کرد. از اورشلیم به آسیای صغیر و بعد به مصر رفت و سرانجام به مکه رهسپار شد و پس از زیارت حج، ۱۵ سال در مکه ماند. از مکه نیز قصد هندوستان کرد و پس از ۵ سال اقامت در دهلی، به مکه بازگشت و ۲ سال دیگر در این شهر ماند. سپس راهی بغداد شد و از آن‌جا به شیراز بازگشت. بازگشت او هنگامی بود که **امیرتیمور گورکانی** به شیراز آمده بود و فیروزآبادی توانست با تیمور ملاقات کند. بار دیگر از شیراز عزم سفر کرد و سوار بر کشتی از طریق خلیج فارس به یمن رفت و قاضی‌القضات آن‌جا شد. او دختر سلطان یمن را به همسری گرفت و تا آخر عمر در آن‌جا مقیم گردید. او برای بار سوم به مکه رفت و در آن‌جا مدرسه‌ای برای تدریس فقه مالکی تأسیس کرد و به یمن بازگشت. فیروزآبادی سرانجام در شهر زَبید درگذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد. شهرت این عالم و فقیه، که در عمل جهان‌گرد نیز بود، در جهان اسلام بیش‌تر به سبب تألیف ارزش‌مند کتاب **قاموس‌المحیط** در لغت عرب است.



قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم

(۱۲۵۱ـ۱۱۹۳ هـ.ق.)

وزیر محمدشاه قاجار

فرزند میرزا عیسی قائم‌مقام، شخصیت برجسته‌ی زمان فتحعلی‌شاه بود. در کمال‌آباد فراهان متولد شد. در ادبیات فارسی و عربی مهارت داشت. مردی باتدبیر و باکفایت بود و در تبریز وزارت عباس‌میرزا، ولی‌عهد، را به‌عهده داشت. در جنگ هرات، عباس میرزا را همراهی کرد. در بازگشت، عباس میرزا در مشهد سخت بیمار شد و چون مرگ خود را نزدیک دید، به قائم‌مقام وصیت کرد که حمایت از فرزندش، محمدمیرزا، را برای رسیدن به پادشاهی به‌عهده بگیرد. از این‌رو زمانی که فتحعلی شاه مرد، محمدشاه به کمک قائم‌مقام به سلطنت رسید و محمدشاه نیز او را به وزارت خود برگزید. قائم‌مقام، که مردی با تدبیر بود و در زمان فتحعلی شاه نیز با جنگ ایران و روس مخالفت کرده بود، شاه‌زادگان قاجاری را سر جایشان نشاند و مصمّم شد امور مملکت را سر و سامان بدهد؛ به این سبب، درباریان بر ضد او توطئه کردند، به طوری‌که محمدشاه دستور داد قائم‌مقام را در باغ نگارستان زندانی کنند و به قتل برسانند. از بعضی شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که دلیل کشته شدن قائم‌مقام، تلاش او برای برکنارکردن محمدشاه بوده است. قائم‌مقام کسی است که ساده‌نویسی نثر فارسی را رواج داد و بسیاری از منشیان و نویسندگان بعدی، او را سرمشق خود قرار دادند. کتابی به نام **مُنشآت** از او باقی مانده است. آرامگاه او در شهری، در حرم حضرت عبدالعظیم است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

عباس میرزا



قاسم‌نیا، شکوه

(تولد: ۱۳۳۴ هـ.ش.)

شاعر کودکان

قاسم‌نیا متولد تهران است. تحصیلات دبیرستانی خود را در همین شهر به پایان رساند و با ورود به دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در رشته‌ی علوم سیاسی لیسانس گرفت. علاقه به شعر از دوره‌ی کودکی با او بود و در سال‌های نوجوانی، وقتی با راهنمایی‌های محمدعلی بهمنی، شاعر معاصر، به مجامع شعری و نیز برنامه‌های صدا و سیما راه یافت، درهای تازه‌ای به رویش گشوده شد. قاسم‌نیا پس از دریافت مدرک دانشگاهی، مدتی یک مهدکودک تأسیس کرد و با کودکان و عواطف آن‌ها بیش از پیش آشنا شد. اما حضورش در سمینار کودک و نوجوان، که در سال ۱۳۵۹ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد، نقطه‌ی عطفی برای او بود که سبب شد بیش از پیش به دنیای شعر کودک وارد شود. آن‌گاه با تعطیل کردن مهد کودک، یک‌سره به کار سرودن شعر و نوشتن داستان پرداخت. او به مجله‌ی **کیهان بچه‌ها** رفت و با ارائه‌ی طرح ضمیمه‌ی کیهان بچه‌ها برای خردسالان به نام **شاپرک**، دور تازه‌ای از فعالیت را آغاز کرد. قاسم‌نیا تاکنون حدود صد عنوان کتاب برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان منتشر کرده که حدود ۳۰ عنوان آن در جشنواره‌های گوناگون برگزیده شده و جوایزی نصیب او ساخته است. سه کتاب داستان او نیز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عنوان کتاب سال را به‌دست آورده است. این سه کتاب عبارت‌اند از: **گُلک چه مهربان است، یار حسنی و ننه کوچکه، دختر نارنج و ترنج و هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها.**



▲ شکوه قاسم‌نیا از چهره‌های موفق در زمینه‌ی شعر کودک است.

چند کتاب دیگر قاسم‌نیا عبارت است از: **کفشای پولکی، قصه‌ای به شیرینی عسل، خوش‌بوتر از گلاب و پسته‌ی دهان بسته.**

همچنین نگاه کنید به:

ابراهیمی (جعفر) ، رحماندوست



قاضی، محمد

(۱۲۹۲ ـ ۱۳۷۶ هـ.ش.)

مترجم زبان فرانسوی

از خانواده‌ی قاضی‌های کردستان بود و در مهاباد به‌دنیا آمد. دوره‌ی دبستان را در شهر خود گذراند. سپس به تهران رفت و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون خواند. از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران، لیسانس حقوق گرفت و در وزارت دارایی استخدام شد. قاضی زبان فرانسوی را بسیار خوب می‌دانست و در زبان فارسی نیز بسیار ورزیده بود و هزاران شعر در خاطر داشت. از این‌رو ترجمه را همزمان با کار اداری شروع کرد. اولین کتابی که ترجمه کرد و سبب شد کار ترجمه را جدی بگیرد، **جزیره‌ی پنگوئن‌ها** اثر آناتول فرانس بود. قاضی در زمان خود یکی از چند مترجم برجسته‌ی زبان فرانسوی به فارسی بود. او تعدادی از رمان‌های معروف جهان و در رأس آن‌ها **دُن‌کیشوت**، اثر سروانتس، را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار او **شازده کوچولو، شاه‌زاده و گدا، صلاح‌الدین ایّوبی، گاندی، زوربای یونانی، آزادی یا مرگ، مسیح بازمصلوب، بیست کشور آمریکای لاتین، نان و شراب، ماجرای یک پیشوای شهید، کُرد و کردستان** و **سرگذشت ترجمه‌های من** است. قاضی در تهران درگذشت و در زادگاهش مهاباد به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:

شرفکندی



قاضی‌طباطبایی، سیدمحمدعلی

(۱۳۵۸ ـ ۱۳۹۳هـ.ش.)

روحانی پیش‌گام در انقلاب اسلامی

خانواده‌ی قاضی طباطبایی از خانواده‌های با سابقه‌ی روحانیت و سیادت در آذربایجان و تبریز به‌شمار می‌روند. سیدمحمدعلی یکی از افراد این خاندان بود که در زمان رضاشاه، مدتی از دوره‌ی نوجوانی را با پدرش در مشهد به حالت تبعید گذراند. سپس حدود ۲۰ سال در قم، از محضر آیت‌الله بروجردی، سیدصدرالدین صدر و امام‌خمینی و در نجف، از محضر آیت‌الله خویی استفاده کرد. آن‌گاه به تبریز بازگشت و به انجام‌دادن وظایف شرعی و دینی و هدایت و ارشاد مردم پرداخت. مردی مبارز و مسئولیت‌شناس و از یاران و پیروان امام‌خمینی بود. بارها، علاوه بر زندانی شدن، به تبعید در عراق، بافت کرمان و زنجان نیز محکوم شد. او در سال‌های انقلاب اسلامی یکی از ارکان مبارزه در آذربایجان بود. از این رو، پس از انقلاب اسلامی به سمت امام جمعه‌ی تبریز و نماینده‌ی امام در آذربایجان شرقی منصوب شد. او در برابر توطئه‌هایی که امنیت آذربایجان را تهدید می‌کرد، با تدبیر



آیت‌الله قاضی طباطبایی سنگردار انقلاب اسلامی در آذربایجان بود و در این راه به شهادت رسید. این تصویر از دوره‌ی جوانی اوست.

و هشیاری عمل کرد. قاضی طباطبایی در آبان ۱۳۵۸، در روز عید قربان، پس از نماز مغرب و عشا در مسجد شعبان تبریز به دست ضدانقلاب ترور شد و به شهادت رسید. او نخستین امام جمعه‌ای بود که در انقلاب اسلامی این‌گونه شهید شد. قاضی طباطبایی مردی دانش‌پژوه، مؤلف و اهل قلم بود و حدود ۴۰ کتاب نوشت. کتاب **اربعین** یکی از آثار اوست.

همچنین نگاه کنید به:

اشرفی اصفهانی ، دستغیب ، صدوقی ، مدنی

قانونی، سلیمان



(۹۷۴ ـ ۹۲۶ ه.ق.)

پادشاه عثمانی

سلیمان، پسر سلطان سلیم و جانشین او بود. سلطان سلیم همان کسی است که در جنگ چالدران، شاه اسماعیل صفوی را شکست داد و برای نخستین بار، سلاطین عثمانی را خلیفه‌ی اسلام خواند. سلیمان هم مانند پدرش جنگجو و در پی گسترش قلمرو اسلام در اروپا بود. او در ۱۳ جنگ بزرگ به فتوحاتی دست یافت که ده جنگ آن با اروپا بود. به شبه‌جزیره‌ی بالکان لشکر کشید و شهر بلگراد، پایتخت کنونی صربستان را تصرف کرد. او تا مجارستان پیش رفت و پادشاه آن‌جا را با ۲۰ هزار سرباز اسیر کرد. سپس به پیش‌روی ادامه داد و شهر وین، پایتخت کنونی اتریش را محاصره کرد. آرشیدوک فردیناند، به او خراج داد تا از تصرف وین منصرف شد. سلطان سلیمان را ترکان، **قانونی** و اروپاییان، **عظیم** یا **باشکوه** لقب داده‌اند. او قدرت دولت عثمانی را به اوج رساند. دریاسالارهای بزرگ او مانند بارباروسا، پیاله و درغوت، سراسر دریای مدیترانه را جولان‌گاه کشتی‌های خود ساختند و دست اسپانیایی‌ها را از شمال آفریقا کوتاه کردند. آنان در جنگ دریایی پرِوِزا، بر آلمان و ونیز هم غلبه کردند. سلیمان باشکوه، امپراتوری عثمانی را از نظر انضباط، امنیت، قانون، ادبیات و هنر، به حد یک تمدن ارتقا داد. ولی بعد از او، امپراتوری عثمانی رو به ضعف رفت. سلطان سلیمان هم‌زمان با سلطنت شاه تهماسب صفوی در ایران، بر کشور عثمانی فرمان می‌راند.

همچنین نگاه کنید به:

سلطان محمد فاتح

قبّانی، نزار



(۱۹۹۸ ـ ۱۹۲۳م.)

شاعر سوری

در شهر دمشق زاده شد. کودکی و نوجوانی را در این شهر کهن گذراند که خاطرات آن در بزرگ‌سالی او، در شعرش تأثیر بسیار گذاشت. با ادبیات فرانسوی آشنایی ویژه‌ای داشت؛ اما دل‌بسته‌ی فرهنگ عربی ـ فارسی بود. او، که کارمند وزارت امور خارجه‌ی سوریه بود، سفرهای زیادی کرد و با مردم جهان از نزدیک آشنا شد. اما خود را زودتر بازنشسته کرد و به بیروت رفت و در این شهر به کارهای فرهنگی و انتشاراتی پرداخت. قبّانی یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر عرب به‌شمار می‌رود. او از حامیان مردم فلسطین بود و شعرهای زیبایی برای فلسطینیان سرود. بسیاری از شعرها و پاره‌ای از مقالات و کتاب‌های او به زبان فارسی ترجمه شده است که یکی از آن‌ها به نام **داستان من و شعر** را دکتر غلام‌حسین یوسفی ترجمه کرده است.

همچنین نگاه کنید به:

البیّاتی ، درویش



قرائتی، محسن

(تولد: ۱۳۲۴ ه.ش.)

مبلّغ دینی، مدرس و مفسّر قرآن

در کاشان به‌دنیا آمد و در همان‌جا به مدرسه رفت. قبل از پایان دوره‌ی دبیرستان، عازم قم شد و به تحصیلات حوزوی پرداخت و به لباس روحانیت در آمد. در سال‌های جوانی، به تبلیغ در محافل و مجامع می‌پرداخت؛ ولی شیوه‌ای را انتخاب کرد که تا آن زمان در میان روحانیان سابقه نداشت و آن، استفاده از گچ و تخته سیاه به جای سخن‌رانی بر منبر بود. این روش، خیلی زود مورد توجه نوجوانان قرار گرفت و بسیاری را جلب کرد. قرائتی از آغاز فعالیت، کارش را بر محور آموزش و تفسیر قرآن قرار داد؛ از این‌رو، با پیروزی انقلاب اسلامی، به پیشنهاد استاد مرتضی مطهری، به صدا و سیما پیوست و کار در این رسانه را آغاز کرد. برنامه‌ی درس‌هایی از قرآن او، که شب‌های جمعه از سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود، ۲۹ سال بدون وقفه برگزار شده است. قرائتی از سوی امام خمینی مسئول **نهضت سوادآموزی** شد و بعدها نیز **ستاد اقامه‌ی نماز** و ستاد احیای تفسیر قرآن کریم را تشکیل داد. دو اثر تألیفی و مکتوب حجت‌الاسلام قرائتی،

یکی **تفسیر نور** در ۱۲ جلد و دیگری **تفسیر نمونه** است. قرائتی تفسیر نمونه را با همکاری جمعی از علما زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی تألیف کرده که در ۲۷ جلد چاپ شده است.



قره‌نی، محمدولی

(۱۳۵۸ - ۱۲۹۰ه.ش.)

نخستین رئیس ستاد ارتش انقلاب اسلامی

در تهران به‌دنیا آمد و پدرش کارمند اداره‌ی پست بود. در دانشکده‌ی افسری تحصیل کرد و سپس به مراتب عالی نظامی رسید. در کودتای ۲۸ مرداد، طرفدار کودتا بود. به همین سبب از شاه ترفیع گرفت و به ریاست رکن ۲ ارتش منصوب شد. اما در سال ۱۳۳۶، مخالف رژیم شاه شد و قصد داشت با حمایت آمریکایی‌ها، بر ضد شاه کودتا کند که موفق نشد. او پس از دستگیری و محاکمه به سه سال زندان و اخراج از ارتش محکوم شد. او یک بار دیگر هم، به سبب ارتباط‌هایی که با آیت‌الله طالقانی داشت، در سال ۱۳۴۲ دستگیر و محاکمه شد و به سه سال زندان محکوم گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی، قره‌نی از سوی مهندس بازرگان به ریاست ستاد ارتش منصوب شد و فعالانه با ضدانقلاب مبارزه کرد. اما چند ماه بعد در اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروه فرقان ترور شد.



حجت‌الاسلام قرائتی شیوه‌ی جدیدی را در وعظ و خطابه به‌وجود آورد.



قریب، بدرالزّمان

(تولد: ۱۳۰۹ ه.ش.)

استاد زبان سُغدی و عضو فرهنگستان

خانم بدرالزّمان قریب نوه‌ی شمس‌العلما قریبِ گَرَکانی، ادیب و شاعر عصر قاجار است. مدرک ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران و دکترای زبان سُغدی (زبان فارسی ایرانیان قدیم در آسیای میانه) را از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا دریافت کرد. او نخستین استاد ایرانی زبان سُغدی و مؤسس کرسی آموزش این زبان در ایران است. دکتر قریب نخستین کسی است که برای زبان سُغدی، فرهنگ لغت تألیف کرده است. از آثار دیگر او ترجمه‌ی کتاب **زبان‌های خاموش**، اثر یوهان فریدریش آلمانی (کتاب سال دانشگاه الزّهرا) و ترجمه‌ی کتاب **داستان تولد بودا** (از زبان سُغدی) است. او مقالات متعددی نیز درباره‌ی زبان سُغدی، خط میخی و داستان‌های باستانی دارد. به پاس این خدمات، دکتر بدرالزّمان قریب به عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمده و تنها زن عضو فرهنگستان است.



قریب، عبدالعظیم

(۱۳۴۴ - ۱۲۵۷ ه.ش.)

معلم و بنیان‌گذار آموزش دستور زبان فارسی

اهل روستای گَرکان آشتیان بود و مقدمات علوم را در خانه‌ی پدر آموخت. زبان و ادبیات عرب و ریاضی و هیئت و نجوم و منطق و حکمت را از استادان زمان خود در تهران فراگرفت و معلم شد. قریب یک معلم واقعی بود. زمانی که در مدرسه‌ی ایران و آلمان تدریس می‌کرد، خودش هم سر درسِ آموزگاران آلمانی حاضر می‌شد تا روش تدریس آنان را فراگیرد و در تدریس خود به کار بندد. پس از تأسیس دانشگاه تهران، استاد دانشکده‌ی ادبیات شد و این سِمت را تا پایان عمر حفظ کرد. او نخستین کسی بود که دستور زبان فارسی را تدوین کرد و به صورتی ساده درآورد و تدریس آن را در مدارس رواج داد. هم‌چنین ۶ جلد کتاب درسی به نام **فوائدالادب** نوشت که سال‌ها در مدارس تدریس می‌شد.

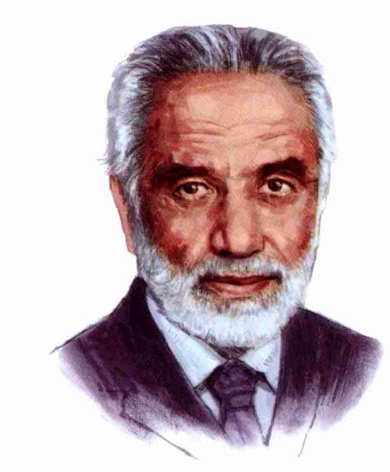


قریب، محمد

(۱۳۵۲ - ۱۲۸۸ ه.ش.)

بنیان‌گذار طب کودکان در ایران

اجداد و خانواده‌ی او اهل گَرَکان، از روستاهای آشتیان بودند؛ ولی خودش



در تهران به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۰۶، به فرانسه اعزام شد. در رشته‌ی طب کودکان تحصیل کرد و به ایران بازگشت و با عنوان دانشیار در دانشگاه تهران به کار مشغول شد. دکتر قریب یکی از بزرگ‌ترین خادمان در زمینه‌ی پزشکی بود. **انجمن پزشکان کودک ایرانی** و **مرکز طبّی کودکان** را تأسیس کرد. به پاس این خدمات، در سال ۱۳۳۱ به دریافت نشان لژیون دونور از دولت فرانسه و در سال ۱۳۵۲، به دریافت نشان درجه اول فرهنگ ایران از سوی آموزش و پرورش مفتخر شد. او مؤلف کتاب **طب اطفال** است که اولین کتاب در این رشته در ایران به شمار می‌رود. دکتر قریب به بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست و در گورستان شیخان قم به خاک سپرده شد. از زندگی این پزشک خدمت‌گزار مجموعه‌ی تلویزیونی **روزگار قریب** به کارگردانی کیانوش عیّاری ساخته شده که در سال ۸۷ ـ ۱۳۸۶ از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد.

قزوینی، محمد

(۱۳۲۸ ـ ۱۲۵۵ ه.ش.)

آغازگر تحقیق علمی در علوم انسانی به روش نوین

قزوینی، معروف به علامه قزوینی، در تهران به‌دنیا آمد. پدرش، ملاعبدالوهاب نام داشت و یکی از نویسندگان مجموعه‌ی دایرةالمعارفی **نامه‌ی دانشوران** بود که به پیشنهاد اعتضادالسلطنه تألیف می‌شد. قزوینی نخست نزد پدر و سپس نزد علمای برجسته‌ای مانند شیخ فضل‌الله نوری و میرزا حسن آشتیانی درس خواند. علاقه‌ی شدیدی به خواندن و دانستن داشت. در ۲۶ سالگی، برادرش، که از سوی دولت مأمور به خدمت در لندن بود، از او دعوت کرد به انگلستان برود و از کتاب‌خانه‌های آن‌جا دیدن کند. قزوینی، که به قصد سفری کوتاه عازم این کشور شده بود، چنان تحت تأثیر فضای علمی اروپا قرار گرفت که تا ۳۶ سال بعد، در آن‌جا ماند. در لندن، با خاورشناسان آشنا شد و به پیشنهاد ادوارد براون، در مؤسسه‌ی اوقاف گیب به کار تصحیح متون خطی فارسی پرداخت. او سال‌هایی را در پاریس گذراند و سال‌های جنگ اول جهانی را نیز در آلمان سپری کرد. در هر جا که بود، سر و کارش با کتاب، دانشمندان و خاورشناسان بود. هنگامی که جنگ دوم جهانی شروع شد، به ایران بازگشت و باقی عمر را، در زمینه‌ی تحقیق علمی و تصحیح متون به کار در ایران ادامه داد. قزوینی را آغازگر تحقیق در متون به روش علمی می‌دانند و به او لقب **علامه** داده‌اند. یادداشت‌های قزوینی، که پس از مرگش در ۱۰ جلد چاپ شد، گویای میزان دقت و نکته‌بینی علمی اوست. بخشی از آثاری که او تصحیح کرده، عبارت است از: **چهار مقاله‌ی نظامی عروضی**، **مرزبان‌نامه**، **مقدمه‌ی شاهنامه** و **دیوان حافظ** (با همکاری دکتر قاسم غنی).

همچنین نگاه کنید به:
اعتضادالسلطنه ، براون ، غنی



قسّام، عزّالدین

(۱۳۱۴ ـ ۱۲۶۱ه.ش.)

پیش‌گام مبارزه با اشغال‌گران فلسطین

عزالدین قسّام اهل سوریه بود. در نوجوانی به مصر رفت و ۸ سال در دانشگاه الازهر درس خواند. به سوریه بازگشت و به مبارزه با استعمارگران فرانسوی پرداخت. پس از چندی به فلسطین مهاجرت کرد و در شهر حیفا، که اکنون در اشغال اسرائیل است، ساکن شد. در آن‌جا به آموزش سواد به مردم محروم فلسطین و سخن‌رانی در مسجد آن شهر بر ضد اشغال‌گران انگلیسی پرداخت و در این راه سازمانی برای مبارزه‌ی مسلحانه تأسیس کرد که جوانان بسیاری به آن جذب شدند. قسّام و چند تن از یارانش در درگیری با نیروهای انگلیسی به شهادت رسیدند.

همچنین نگاه کنید به:
یاسر عرفات ، یاسین



قطب‌الدین شیرازی در چهارده سالگی طبیب زبردستی بود.



قطب‌الدین شیرازی

(۷۱۰ ـ ۶۳۴ ه.ق.)

طبیب، منجّم و حکیم

نامش محمودبن‌مسعود کازرونی و معروف به قطب‌الدین شیرازی است. پدرش طبیب برجسته‌ای در بیمارستان مظفری شیراز بود. هنگامی که درگذشت، قطب‌الدین را که ۱۴ سال بیش‌تر نداشت، به جای او نشاندند و او به‌خوبی از عهده‌ی وظایف طبّی خود بر آمد. قطب‌الدین پس از ۱۰ سال به مراغه نزد خواجه نصیرالدین توسی

رفت و نزد او علم هیئت آموخت و در رصدخانه با وی همکاری کرد. آن‌گاه به آسیای صغیر رفت و چندی در آن‌جا قاضی شد؛ سپس به تبریز رفت و ۱۴ سال در این شهر در تنهایی به تحقیق و تألیف دست زد و در همین شهر بدرود حیات گفت. کمال‌الدین فارسی، ریاضی‌دان مشهور، از شاگردان او بود. قطب‌الدین در همه‌ی علوم دست داشت و تاریخ‌نگاران او را به دریایی از علم تشبیه کرده‌اند. از مهم‌ترین آثار اوست: **تحفه‌ی شاهیه**، **شرح حکمت‌الاشراق** و **درّةالتّاج**. درّةالتّاج کتابی دایرةالمعارف‌گونه درباره‌ی علوم گوناگون است.

همچنین نگاه کنید به:

خواجه نصیرالدین توسی ، فارسی(کمال‌الدین)



قمی، شیخ عباس

(۱۳۱۹ ـ ۱۲۵۵ ه.ش.)

عالم دینی و مؤلف مفاتیح‌الجنان

در قم به‌دنیا آمد. در ۲۰ سالگی به نجف رفت و به تحصیل مشغول شد. در نجف از شاگردان آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی و علامه محدّث نوری و یکی از دوستان خاص او علامه شیخ آقابزرگ تهرانی بود. او شیخ عباس را با صفاتی چون انسان کامل، دانشمند فاضل، دارای سرحدّ زهد و پارسایی و تقوای بی‌حد ستوده است. شیخ عباس قمی پس از بازگشت از عراق، در مشهد مقیم شد و حدود ۲۰ سال در این شهر به تألیف و تحقیق و تدریس پرداخت. او را **ثقةالاسلام** می‌نامیدند؛ زیرا در نقل احادیث و اخبار پیامبر و ائمه(ع) بسیار امین و مورد اعتماد بود. در این زمینه از علمای شیعه و حتی از امام مسجدالحرام در مکه اجازه‌ی روایت حدیث داشت و خودش نیز به علمایی مانند آیت‌الله قمی، سردار کابلی، آیت‌الله میلانی، امام خمینی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله اراکی و آیت‌الله طالقانی اجازه‌ی روایت داد. در اواخر عمر به نجف رفت و همان‌جا درگذشت و در کنار استادش، محدث نوری، به خاک سپرده شد. شیخ عباس قمی حدود ۸۰ اثر از خود بر جای گذاشت که **مفاتیح‌الجنان**، مجموعه‌ای از زیارت‌ها و دعاها، تنها یکی از آن‌هاست. او بیش‌تر آثار خود را به عربی و بخشی را نیز به زبان ساده‌ی فارسی نوشته است. از آثار فارسی اوست: **مُنتَهَی‌الآمال**، در شرح حال ائمه‌ی معصومین(ع) ، **الکُنَی و الاَلقاب** شامل کنیه‌ها و لقب‌های جمعی از بزرگان تاریخ اسلام، و **نُزهَةالنَّواظر**، شامل دستورهای اخلاقی.

همچنین نگاه کنید به:

آقا بزرگ تهرانی



قوام‌السلطنه

(۱۳۳۴ ـ ۱۲۵۲ه.ش.)

نخست‌وزیر دوره‌ی پهلوی

احمد قوام (قوام‌السلطنه) و حسن وثوق (وثوق‌الدوله) دو برادر بودند که هر کدام در برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران، نقش‌های مهمی ایفا کردند. این دو برادر تحصیلات عمومی خوبی داشتند. احمد قوام مدتی منشی دایی‌اش، حاج علی‌خان امین‌الدوله، در آذربایجان بود و در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا نیز همراه او رفت. قوام در زمان محمدرضا پهلوی سه بار نخست‌وزیر شد. بار اول در سال ۱۳۲۱ که به سبب مشکلات زیاد، از جمله جنگ دوم جهانی، خیلی زود استعفا داد. بار دیگر، در سال ۱۳۲۴، که در این دوره موفق شد ضمن مذاکره با استالین، روس‌ها را به تخلیه‌ی آذربایجان وادار سازد. زیرا آن‌ها از زمان جنگ دوم جهانی، این منطقه از ایران را در اشغال داشتند. این امر بر اعتبار او افزود. بار سوم نیز در سال ۱۳۳۱ در پی اختلاف شاه و مصدق، شاه او را به نخست‌وزیری منصوب و مصدق را عزل کرد. این امر با مخالفت مردم به رهبری آیت‌الله کاشانی روبه‌رو شد و واقعه‌ی خونین ۳۰ تیر اتفاق افتاد که به دنبال آن، احمد قوام مجبور به استعفا شد و بار دیگر مصدق به نخست‌وزیری رسید. قوام در سال ۱۳۳۴ درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:

امین‌الدوله ، کاشانی ، وثوق‌الدوله



قوللر آغاسی، حسین

(۱۳۴۵ ـ ۱۲۶۹ه.ش.)

استاد نقاشی قهوه‌خانه‌ای

پسر علی‌رضا قوللر آغاسی، پایه‌گذار نقاشی قهوه‌خانه بود که در خیابان باب‌همایون تهران کارگاه کوچکی داشت. حسین نزد پدرش کار می‌کرد. نزد او آموزش دید و پس از درگذشت وی، این هنر را با شاگرد دیگر پدرش، محمد مدبّر ادامه داد. آن‌دو نقاشی قهوه‌خانه را در سطح وسیعی، به‌ویژه در ساختن پرده‌های مربوط به **وقایع کربلا** و **نقاشی‌های شاهنامه** گسترش دادند. یکی از شاگردان برجسته‌ی مدبّر، عبّاس بلوکی‌فر است که از طریق او هنر نقاشی قهوه‌خانه به حاج حسن اسماعیل‌زاده معروف به چلیپا انتقال یافت. قوللر آغاسی و مدبّر به فاصله‌ی یک سال از یک‌دیگر درگذشتند. ویژگی‌های آثار او، صحنه‌آرایی در مناظر طبیعی و کاربرد نقش‌های تزیینی است. از آثار معروف قوللر آغاسی **رستم و سهراب** و **نبرد فرامرز و بهمن** را باید نام برد.

همچنین نگاه کنید به:

چلیپا ، مدبّر

▲ موضوع نقاشی‌های قوللر آغاسی داستان کربلای امام حسین(ع) و شاهنامه‌ی فردوسی است.



قهاری کرمانی، علی

(۱۳۷۸ ـ ۱۳۰۵هـ.ش.)

مجسمه‌ساز

در کرمان به‌دنیا آمد. هنوز به ده سالگی نرسیده بود که نزد استاد علی‌اکبر صنعتی، به آموزش نقاشی پرداخت. پس از آن‌که استاد صنعتی از کرمان به تهران رفت و در هنرستان کمال‌الملک به کار ادامه داد، قهاری را به این شهر فراخواند. در نتیجه، او که ۱۹ سال بیش‌تر نداشت، دستیار استاد صنعتی شد. قهاری در تهران به آموزش طرح و نقاشی زیر نظر استادانی مانند استاد اسماعیل آشتیانی، استاد زاویه و استاد باقری پرداخت. اما چون به مجسمه‌سازی علاقه‌ی بیش‌تری داشت، به تشویق استاد صنعتی راهی اروپا شد. او چهار ماه در آلمان اصول مجسمه‌سازی و ریخته‌گری آموخت و به ایران بازگشت.

در ایران، علاوه بر مجسمه‌سازی و همکاری با استادانی مانند ابوالحسن صدیقی و علی‌اکبر صنعتی، به تدریس در هنرستان‌ها و دانشکده‌های هنر نیز پرداخت و هنرجویان بسیاری را آموزش داد. قهاری پس از ۲۵ سال کار و تحقیق در ریخته‌گری، شیوه‌ای منسوخ‌شده به نام «شیوه‌ی موم گم‌شده» را احیا کرد. او مؤسس انجمن مجسمه‌سازان ایران نیز بود. قهاری و صنعتی همکاری پیوسته‌ای داشتند. قهاری در تأسیس نمایشگاه شیر و خورشید، که استاد صنعتی در سال ۱۳۲۵ تأسیس کرد و اکنون در گوشه‌ی میدان امام خمینی تهران باقی است، نقش مؤثری بازی کرد. علاوه بر این، او نخستین کسی است که تولید مجسمه به تعداد زیاد را در ایران پایه گذاشت تا مردم بیش‌تری از داشتن آثار هنری بهره‌مند شوند.

همچنین نگاه کنید به:

صدیقی ، صنعتی (سید علی‌اکبر)



کابلی، یدالله

(تولد: ۱۳۲۹هـ.ش.)

احیاکننده‌ی خط شکسته‌نستعلیق

یداله کابلی اهل خوانسار است. نخست ۳ سال خط نستعلیق را نزد استاد سیدحسن میرخانی آموخت و هم‌زمان توجه خود را به خط شکسته‌نستعلیق معطوف کرد. در آن سال‌ها، جز اندک نسخه‌های پراکنده از این



خط، که گاه در نشریه‌ها چاپ می‌شد، کسی خط شکسته‌نستعلیق را جدی نمی‌گرفت. اما کابلی که مجذوب این خط بود، پس از کسب اجازه از استاد میرخانی تلاش کرد این نوع خط را احیا کند. او از حدود ۱۸ سالگی با جدیت به این کار مشغول شد و چند سال بعد نیز آموزش آن را در انجمن خوش‌نویسان ایران آغاز کرد. کابلی امروز استاد مسلّم خط شکسته‌نستعلیق است و آثار بسیاری مانند مجموعه‌های **محراب خیال**، **کلک شیدایی**، **باغ نظر**، **نقش شوق**، **سخن عشق**، **دولت قرآن** و **دوبیتی‌های باباطاهر** منتشر کرده است. کابلی تاکنون آثار خود را در نمایشگاه‌های گوناگونی در ایران، انگلستان، فرانسه، پاکستان، آمریکا، امارات، ایتالیا و اسپانیا به نمایش گذاشته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
میرخانی



کاترین کبیر

(۱۷۹۶ ـ ۱۷۲۹ م.)
امپراتریس روسیه در قرن هجدهم

کاترین کبیر شاهزاده‌ای آلمانی به نام سوفیا اگوستا بود که در ۱۴ سالگی

▼ کاترین کبیر در رشد و پیشرفت روسیه نقش مهمی ایفا کرد.



به روسیه رفت و به تبعیّت از کلیسای ارتودوکس آن‌جا، نامش به کاترین تغییر یافت. در ۱۵ سالگی همسر پتر سوم، تزار روس، شد؛ ولی با جسارت و شهامتی که داشت، خیلی زود بر ضد شوهرش کودتا کرد و خود قدرت را به دست گرفت. کاترین روسیه را به قدرتی قوی‌تر از گذشته تبدیل کرد و مرزهای آن را گسترش داد. او دوست‌دار تعلیم و تربیت بود و برای آموزش دختران، اهمیت ویژه‌ای قایل می‌شد. از مروّجان فرهنگ اروپایی بود و به‌ویژه با ادبیات فرانسوی آشنایی داشت. در زندگی ساده‌زیست و دین‌دار بود و نیروهای مذهبی را تشویق می‌کرد. کاترین به پشتیبانی اشرافِ زمین‌دار روسیه دل‌گرم و حامی آن‌ها بود. این امر سبب شورش دهقانان شد و کاترین دستور داد آن‌ها را به شدت سرکوب کنند. کاترین‌کبیر با آقامحمدخان قاجار معاصر بود و مرگش سبب شد نیروهای روسیه نتوانند حملات آقامحمدخان به منطقه‌ی قفقاز را تلافی کنند.

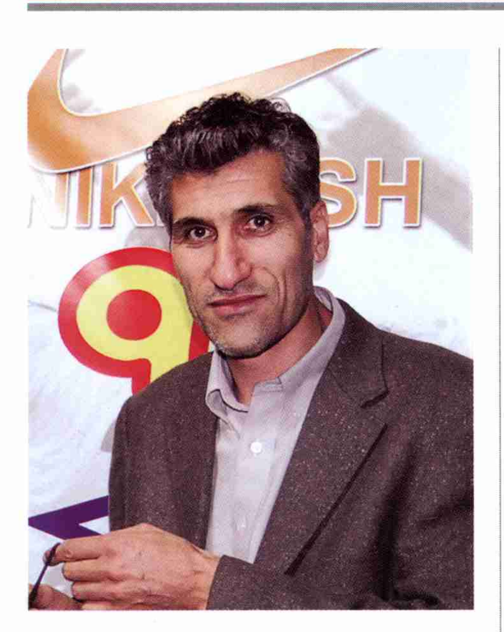
هم‌چنین نگاه کنید به:
آقامحمدخان قاجار ، پتر کبیر



کارخانه، مصطفی

(تولد: ۱۳۳۸ه.ش.)
مربی والیبال

در ورامین به‌دنیا آمد. ابتدا فوتبال و والیبال را با هم بازی می‌کرد و در این دو رشته تا سطح بازی‌های باشگاهی هم رفت، ولی ترجیح داد فعالیت‌هایش را بر والیبال و به‌خصوص مربی‌گری این رشته متمرکز کند. همین تصمیم او را به چهره‌ای شاخص در ورزش کشور تبدیل کرد. کارخانه از بنیان‌گذاران تیم والیبال **باشگاه هم‌نام** به‌شمار می‌رود. او توانست در



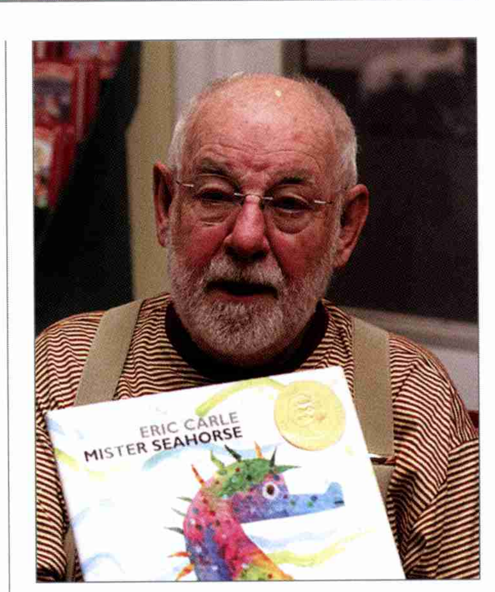
این باشگاه چهار دوره قهرمان کشور، دو دوره قهرمان باشگاه‌های آسیا و یک دوره نایب قهرمان قاره‌ی آسیا شود. علاوه بر این، او با باشگاه پیکان نیز یک بار قهرمانی والیبال ایران و آسیا را تجربه کرد. مصطفی کارخانه تیم‌های ملی ایران را در هر سه دوره‌ی سنی هدایت کرده است.



کارل، اریک

(تولد : ۱۹۲۶ م.)
تصویرگر و نویسنده‌ی کتاب‌کودک

در نیویورک زاده شد. ۶ سال داشت که خانواده‌اش به کشور خود، آلمان، بازگشتند و کارل در آن‌جا به مدرسه رفت. ۱۰ ساله بود که جنگ جهانی دوم آغاز شد و ارتش نازی پدرش را به خدمت فراخواند. اریک پس از جنگ، برای مرکز اطلاعات آمریکا در اشتوتگارت آلمان پوستر طراحی می‌کرد. ولی دو سال بعد به نیویورک رفت و طراح و گرافیست روزنامه‌ی **نیویورک تایمز** شد. فعالیت جدی او در مقام تصویرگر کودکان، هنگامی آغاز شد که چند مرکز انتشاراتی از او خواستند مطالبی برای کودکان مصوّر



کند. دو ویژگی اریک کارل، استفاده از فن کلاژ و به تصویر کشیدن موجودات طبیعت، به‌ویژه حیوانات و حشره‌هاست. این ویژگی‌ها در زمانی ریشه دارد که پدرش در کودکی او را به جنگل‌ها و مزارع می‌برد و حشره‌ها و کرم‌ها را به وی نشان می‌داد و درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کرد. کتاب‌های کارل علاوه بر زیبا و سرگرم‌کننده بودن، همیشه فرصت یادگیری چیزی در مورد جهان اطراف را در اختیار کودکان قرار می‌دهد. این سخن اوست که: «من در بسیاری از کتاب‌هایم سعی دارم روی فاصله‌ی بین خانه و مدرسه، پلی ایجاد کنم. من عقیده دارم که کودکان به طور طبیعی، خلاق و مشتاق یادگیری هستند و می‌خواهم به آن‌ها نشان بدهم که یادگیری هم جذاب است و هم فرح‌بخش.» اریک کارل تاکنون جوایز بسیاری را از نمایشگاه‌ها و سازمان‌های جهانی دریافت کرده است. چند کتاب او، از جمله **روباه قرمز سلام، سفر به دور دنیا، خوش‌مزه‌ترین کلوچه، مار شکمو، آفتاب‌پرست عجیب، بره و پروانه، لاک‌پشت نادان** و **آواز جیرجیرک کوچولو** به فارسی ترجمه شده است.



کارِل، الکسیس

(۱۹۴۴ ـ ۱۸۷۳م.)

پزشک و زیست‌شناس فرانسوی

در شهر لیون به‌دنیا آمد. در همان شهر تحصیل کرد. از دانشگاه لیون دکترای پزشکی دریافت کرد و در رشته‌ی جراحی متخصّص شد. سپس به آمریکا رفت که در آن‌جا از او استقبال شد و به سبب مهارت در جراحی و ابتکارات خلاقانه‌اش، به عضویت مؤسسه‌ی پژوهش‌های راکفلر، (اکنون دانشگاه راکفلر) پذیرفته شد. کارل نخستین کسی است که شیوه‌های موفقیت‌آمیزی برای بخیه زدن سرخرگ‌ها و سیاهرگ‌ها به‌وجود آورد و قدم‌های اولیه، ولی مهمی، در زمینه‌ی پیوند زدن اعضای بدن برداشت. او هم‌چنین موفق شد سلول‌های جانوران خون‌گرم را در خارج از سیستم بدن کشت دهد. به پاس این خدمات به عالم پزشکی، الکسیس کارل جایزه‌ی نوبل پزشکی سال ۱۹۱۲ را دریافت کرد. او پزشکی انسان‌دوست، مسیحی و دارای حسِ مذهبی قوی بود. کتاب او به نام **انسان موجود ناشناخته** و نیز کتاب دیگرش **نیایش**، از شهرت فراوانی برخوردار شده است. نیایش را دکتر علی شریعتی به فارسی ترجمه کرده است. کارل امیدوار بود با آگاهی دادن به مردم، آن‌ها را از بیماری‌ها برهاند و بر طول عمر انسان بیفزاید. در جنگ دوم جهانی، در همان زمان که فرانسه در اشغال آلمانی‌ها بود، کارل **مؤسسه‌ی مطالعات انسانی** را به وجود آورد و خود ریاست آن را به‌عهده گرفت.



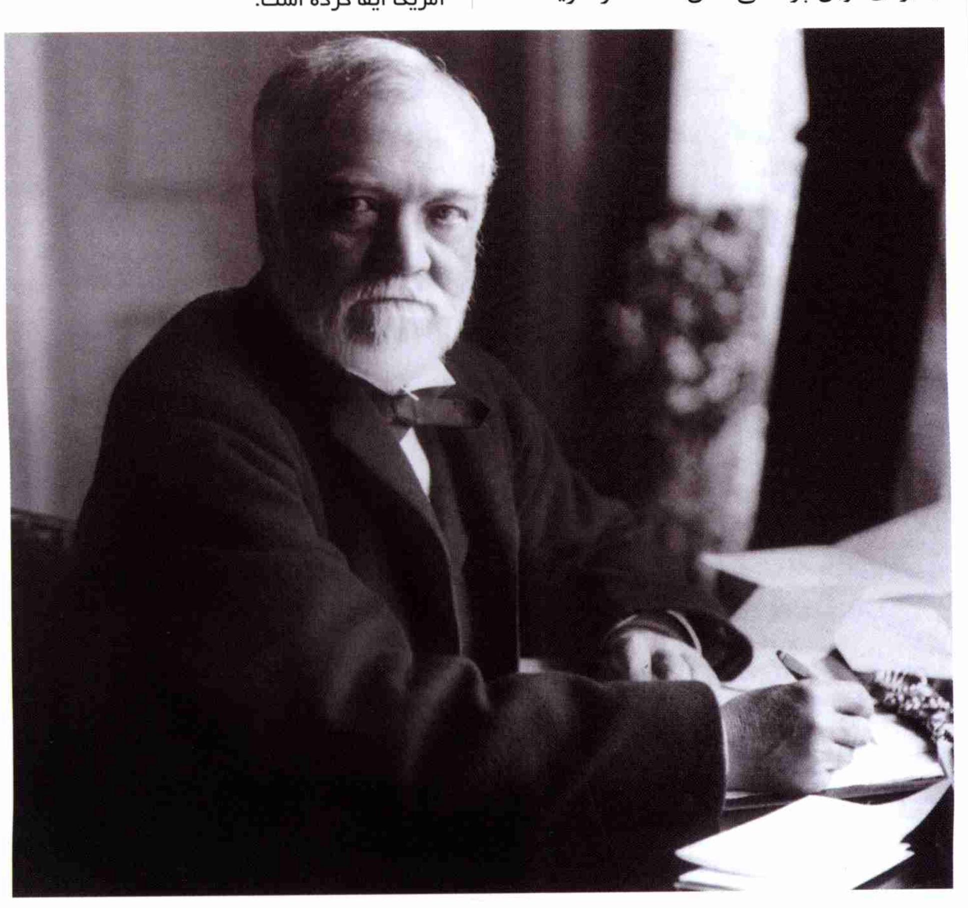
کارنِگی، آندره

(۱۹۱۹ ـ ۱۸۳۶م.)

بنیان‌گذار صنعت فولاد آمریکا

کارنگی در زمینه‌ی کارآفرینی، صنعت، تولید ثروت و کارهای خیریه قله‌های

▼ بنیاد کارنِگی نقش مهمی در پیش‌رفت علوم در آمریکا ایفا کرده است.



بلندی را فتح کرد. پدرش در اسکاتلند شغل بافندگی داشت. ولی چون درآمدش کم بود، با خانواده‌ی خود به آمریکا مهاجرت کرد. آندره در آمریکا نخست در یک کارگاه بافندگی شروع به کار کرد و کارش جمع‌آوری قرقره‌ها با مزد هفته‌ای یک دلار بود. پسرک، که تیزبین و تیزهوش بود، هم‌زمان با کار، در مدارس شبانه درس خواند. چندی بعد به سبب حافظه‌ی قوی، منشی رئیس شرکت راه‌آهن پنسیلوانیا شد. اما به این شغل رضایت نداد و با گرفتن وام، سرمایه‌گذاری کوچکی در یکی از شرکت‌های وابسته به راه‌آهن انجام داد. از این راه درآمد بسیار خوبی نصیبش شد. از آن پس روز به روز ابتکارهای تازه‌ای به کار برد. چندی به اروپا رفت و در آن‌جا به فروش تجهیزات ایمنی قطارها مشغول شد. کارنگی در اروپا از چند کارخانه‌ی فولاد بازدید کرد و تصمیم گرفت وارد صنعت فولاد شود. چندان طول نکشید که در آمریکا شرکتی به نام **شرکت فولاد کارنگی** تأسیس کرد و روش تولید بسمر را، که جدیدترین فن‌آوری تولید انبوه فولاد در اروپا بود، به کار گرفت. شرکت فولاد کارنگی، تمام مراحل تولید، از مرحله‌ی خرید مواد اولیه، حمل‌ونقل با کشتی و راه‌آهن و... را در اختیار داشت. از این‌رو، هزینه‌ی تولید را کاهش داد و سلطه‌ی کاملی بر صنعت فولاد آمریکا به دست آورد. کارنگی در ۵۵ سالگی شرکت فولاد خود را فروخت و با تأسیس **بنیاد کارنگی**، بیش از ۹۰درصد از ثروت خود را صرف امور خیریه و انسان‌دوستانه کرد. این بنیاد کمک‌های فراوانی به توسعه‌ی دانشگاه‌ها، هم در اسکاتلند، زادگاه کارنگی، و هم در آمریکا کرد. او سپس کتاب‌خانه‌های متعدد، سالن‌های سینما و مراکز خدمات رفاهی و درمانی برای کودکان ایجاد کرد. هم‌اکنون مراکز اصلی بنیاد کارنگی در سه شهر پیتسبورگ، واشنگتن و نیویورک قرار دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بسمر



کازرونی، محمدحسین

(فوت: ۱۳۱۷ه.ش.)

بنیان‌گذار صنعت نساجی در اصفهان

در دوره‌ی مشروطه، از بازرگانان خوش‌نام و نیکوکار اصفهان بود. یکی از کارهای او، تأسیس شرکت مسعودیّه در زمان ظلّ‌السلطان، حاکم اصفهان، بود که تجارت تنباکو می‌کرد. شرکت تجاری اسلامیّه را نیز با همکاری چند نفر از بازرگانان اصفهان تأسیس کرد که شعبه‌هایی در اروپا و عثمانی و هند داشت. اما مهم‌ترین کارش، راه‌اندازی **کارخانه‌ی پارچه‌بافی وطن** بود. ساخت کارخانه‌ی وطن را قبلاً یکی از ثروت‌مندان اصفهان به نام عطاءالملک آغاز کرده بود؛ ولی به سبب کمبود سرمایه، نتوانسته بود آن را به پایان برساند. در سال ۱۳۰۳، سیدحسن مدرس، که نماینده‌ی مجلس شورای ملی از اصفهان بود، از تهران به اصفهان رفت و در مذاکراتی با حاج محمدحسین کازرونی، او را به سرمایه‌گذاری در ادامه‌ی ساخت کارخانه‌ی وطن ترغیب کرد. کازرونی پذیرفت و کارخانه‌ی وطن را راه‌اندازی کرد و تحول بزرگی در صنعت، تولید و کارآفرینی و حتی در اقتصاد کشور، به‌وجود آورد. این کارخانه، که تا چند دهه یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های نساجی کشور بود، بعد از حاج محمدحسین، به دست پسرانش، محمدعلی و محمدجعفر کازرونی، اداره می‌شد.

کازرونی‌ها مؤسس **کارخانه‌ی زاینده‌رود** نیز بودند و در زمینه‌ی احداث مسجد، مدرسه، تکیه، بقعه و دیگر خدمات اجتماعی در اصفهان خدمات ارزش‌مندی انجام دادند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تفضّلی ، همدانیان

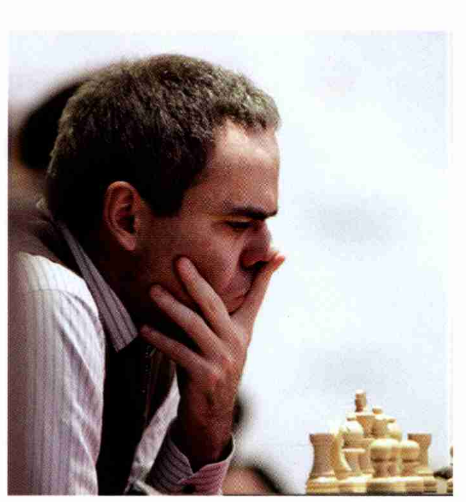


کاسپاروف، گری

(تولد: ۱۹۶۳ م.)

قهرمان شطرنج جهان

در شهر باکو، مرکز جمهوری آذربایجان شوروی (قبل از فروپاشی) به‌دنیا آمد. پدرش شیفته‌ی موسیقی و شطرنج بود. وقتی ۷ ساله بود، پدرش درگذشت و مادرش سرپرستی او را به‌عهده گرفت. بعد از مرگ پدر، به کانون شطرنج پیشاهنگان باکو رفت و خیلی زود استعداد خود را نشان داد. در ۱۳ سالگی جزو ۲۰ نفر از نخبگان مسابقه‌های پیشاهنگان مسکو برای مدرسه‌ی شطرنج باتوینیک انتخاب شد و در همان سال، قهرمان شطرنج جوانان شوروی شد. از آن پس در اکثر مسابقه‌های جهان مقام اول را کسب کرد. شهرت کاسپاروف به سبب مسابقه با رایانه و شکست دادن این مغز هوشمند مصنوعی نیز هست. او در سال ۱۹۶۶ در ۶ مسابقه با رایانه، به پیروزی رسید و ستاره‌ی این مسابقات شد و زمینه را برای شکل‌گیری نبرد اندیشه میان انسان و رایانه فراهم آورد. کاسپاروف در سال ۲۰۰۵ با شطرنج حرفه‌ای خداحافظی کرد.





کاسترو، فیدل

(تولد: ۱۹۲۷م.)
رهبر انقلاب کوبا

کاسترو فرزند یک کشاورز ثروت‌مند در کوبا بود. کوبا جزیره‌ی بزرگی در دریای کارائیب، در آمریکای مرکزی است. کاسترو، که در جوانی ورزشکاری برجسته بود، در دانشگاه هاوانا تا رسیدن به مرحله‌ی دکتری حقوق تحصیل کرد. در ایام جوانی با افکار کمونیستی و انقلابی آشنا شد و همراه با برادرش، رائول، و چه‌گوارا (انقلابی آرژانتینی) رهبری مبارزه با حکومت آمریکایی باتیستا را آغاز کرد. او توانست با بیرون راندن باتیستا از کشور، قدرت را در کوبا به‌دست گیرد و نظام سوسیالیستی را برقرار کند که جزو بلوک سیاسی شرق و طرفدار اتحاد جماهیر شوروی بود.

به همین سبب، در دوران جنگ سرد، حکومت کوبا همواره موجب اختلاف آمریکا و شوروی بود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م.، از قدرت کاسترو کاسته شد و کشورش با مشکلات اقتصادی بیش‌تری روبه‌رو گردید. با این حال، کاسترو توانست کشور را هم‌چنان حفظ کند. او به علت بیماری و سال‌خوردگی در سال ۲۰۰۸ رهبری کوبا را به برادرش رائول واگذار کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
چه‌گوارا ، خروشچف ، کندی



▼ فیدل کاسترو، کوبا را از چنگال آمریکا نجات داد.



کاشانی، سید ابوالقاسم

(۱۳۴۰ ـ ۱۲۶۴ه.ش.)
روحانی و سیاست‌مدار ضد استعمار

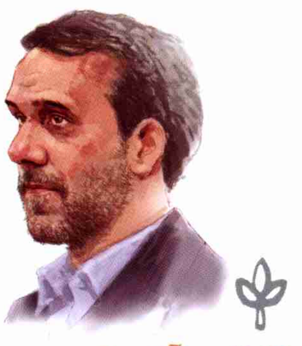
طلبه‌ای سخت‌کوش و با استعداد بود. در جوانی همراه پدر از تهران به نجف رفت و با استفاده از محضر علمای بزرگ آن‌جا، در ۲۵ سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. در دوره‌ی مشروطه، از فعالان نهضت در نجف بود و با آخوند خراسانی، رهبر مشروطه‌خواه حوزه‌ی نجف، در انتشار اعلامیه‌ها همکاری می‌کرد. سپس در قیام مردم عراق بر ضد استعمارگران انگلیسی، در کنار پدرش، با آن‌ها مبارزه کرد. در این جریان، پدرش، سیدمصطفی کاشانی، به شهادت رسید. کاشانی سرانجام به تهران بازگشت و به انجام وظایف دینی و سیاسی مشغول شد. نقطه‌ی عطف زندگی سیاسی کاشانی، هنگامی بود که از سوی مردم تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره‌ی شانزدهم انتخاب شد و به ریاست مجلس رسید. در این دوره، او و دکتر مصدق، لایحه‌ی ملی‌شدن نفت را پیش بردند و آن را به تصویب رساندند که موجب شد بر اقتدار دولت افزوده و از قدرت دربار و محمدرضاشاه کاسته گردد. هنگامی که در سال ۱۳۳۱ شاه، دکتر مصدق را از نخست‌وزیری خلع و قوام‌السلطنه را به جای او منصوب کرد، کاشانی به مخالفت برخاست و در روز ۳۰ تیر، مردم تهران را به خیابان‌ها فراخواند. بین مردم و مأموران درگیری پیش آمد و عده‌ای کشته شدند. شاه عقب‌نشینی کرد و بار دیگر مصدق را به نخست‌وزیری برگزید. به تدریج، بین طرفداران مصدق و طرفداران کاشانی اختلاف بروز کرد و در نهضت ملی شکاف افتاد. کار به جایی رسید که طرفداران شاه توانستند در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به کمک آمریکا و انگلستان کودتا کنند. سپس شاه را، که چند روز قبل از کودتا به خارج کشور گریخته بود، به قدرت بازگرداندند. در پی کودتا، مصدق دستگیر و محاکمه شد و آیت‌الله کاشانی نیز تحت نظر قرار گرفت. او در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پهلوی (محمدرضا) ، قوام‌السلطنه ، مصدق

کاشف‌السلطنه، محمدمیرزا

(۱۳۰۷ـ ۱۲۴۴هـ.ش.)
پدر چای ایران

از دولت‌مردان دوره‌ی قاجار بود. مادرش، جهان‌آرا خانم، نوه‌ی عباس میرزا بود. در دارالفنون درس خواند و در ۱۶ سالگی در وزارت امور خارجه استخدام شد. دو سال بعد به فرانسه اعزام شد و در آن‌جا در رشته‌ی حقوق درس خواند. هشت سال بعد به ایران بازگشت و به کار در امور سیاسی و دولتی مشغول شد. هنگامی که ۳۰ سال داشت، در آخرین سال حکومت ناصرالدین‌شاه، به سمت کنسول ایران به هند اعزام شد. در آن‌جا ضمن مشاهده‌ی کشت و صنعت چای، دوره‌ی تحصیلی آن‌را نیز به پایان برد و گواهی‌نامه دریافت کرد. این در حالی بود که خود را تاجری فرانسوی معرفی کرده بود؛ زیرا در هند، آموزش صنعت چای به مردم آسیا ممنوع بود. کاشف‌السلطنه در بازگشت، مقداری بذر چای را همراه ۴هزار گلدان چای و ادویه‌هایی مانند فلفل، هل، دارچین و... به ایران آورد. او شیوه‌ی کاشت، داشت و برداشت چای را به مردم گیلان آموزش داد. در زمان مظفرالدین‌شاه، امتیاز چای ایران به او داده شد و به ریاست سازمان چای رسید و توانست کشت و تولید چای را در شهرهای گیلان، به‌ویژه لاهیجان، توسعه دهد. او درسال ۱۳۰۷ در راه بازگشت از هند در مسیر بوشهر به شیراز، در تصادف مشکوکی کشته شد. به وصیت خودش او را روی تپه‌ای در لاهیجان دفن کردند که امروز «موزه‌ی چای» را در همان مکان ساخته‌اند.



کاظمی آشتیانی، سعید

(۱۳۸۲ـ۱۳۴۰ هـ.ش.)
بنیان‌گذار پژوهشکده‌ی رویان

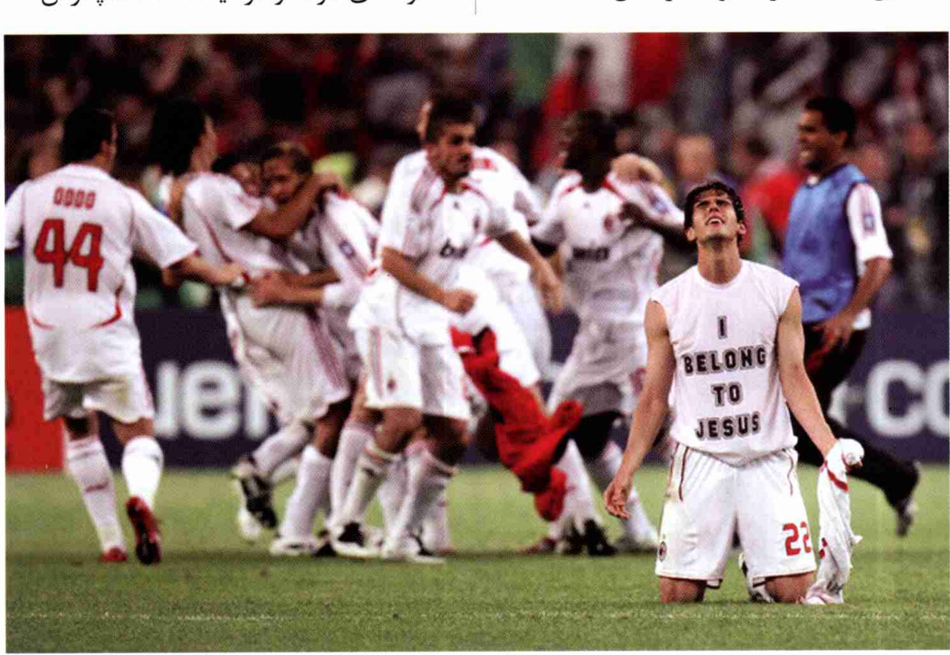
در تهران چشم به جهان گشود. تحصیلات عمومی خود را در همین شهر گذراند و در سال ۱۳۵۹ با ورود به دانشگاه علوم پزشکی ایران، در رشته‌ی فیزیوتراپی مدرک کارشناسی ارشد گرفت. پس از آن به دانشگاه تربیت مدرس رفت و مدرک دکتری خود را در رشته‌ی جنین‌شناسی با درجه‌ی ممتاز دریافت کرد (۱۳۷۶). دکتر آشتیانی از آغاز ورود به دانشگاه، چه در زمینه‌ی علمی و چه در زمینه‌ی فعالیت‌های اسلامی و انقلابی و شرکت در دفاع مقدس، بسیار پرتلاش بود. در زمینه‌ی علمی، فعالیت‌های خود را در جهاد دانشگاهی متمرکز کرد و با توجه به تخصص و دانش زیادی که در سال‌های تحصیل کسب کرده بود، در سال ۱۳۶۹ **پژوهشکده‌ی رویان** را در جهاد دانشگاهی بنیان گذاشت. پژوهشکده‌ی رویان خیلی زود به مرکز علمی، پژوهشی و درمانی مهمی در سطح کشور تبدیل شد و توانست در زمینه‌ی تولید سلول‌های بنیادی، شبیه‌سازی، طب تولید مثل و علوم زیستی، گام‌های مهمی بردارد و به اعتبار بین‌المللی دست یابد. کاظمی‌آشتیانی به جذب و تربیت جوانان نخبه نیز علاقه‌مند بود و در سال‌های خدمت خود نیروهای توانایی را در این حوزه‌ی علمی تربیت کرد. او به پاس خدمات خود، در چهارمین دوره‌ی جشنواره‌ی چهره‌های ماندگار مورد تقدیر قرار گرفت. این پژوهشگر خدمت‌گزار در پی نارسایی قلبی در ۴۲ سالگی درگذشت.



کاکا

(تولد: ۱۹۸۲ م.)
بازی‌کن سال فوتبال ۲۰۰۷

نامش ریکاردو ایزاکسون دوس‌سانتوس‌لیته، معروف به کاکاست و در شهر برازیلیا، پایتخت برزیل، به‌دنیا آمده است. برخلاف بسیاری از بازی‌کنان برزیلی، کاکا دارای خانواده‌ای مرفه و فرهیخته است. پدرش



مهندس راه و ساختمان و مادرش دبیر زیست‌شناسی است. برادرش نیز بازی‌کن فوتبال و هافبک تیم آث‌میلان بود و او سبب شد کاکا نیز به فوتبال وارد شود. کاکا بازی را از تیم سائوپولو آغاز کرد. در سال ۲۰۰۲، به رقابت‌های جام جهانی وارد شد و در همین سال توپ طلایی برزیل را صاحب گشت. سپس به آث‌میلان پیوست و این موجب شد افتخارات دیگری بر افتخارات پیشین او افزوده شود. کاکا پس از دریافت توپ طلایی برزیل، این افتخارات را نیز به‌دست آورد: بهترین بازی‌کن خارجی ایتالیا (۲۰۰۴ و ۲۰۰۶)، بهترین هافبک اروپا (۲۰۰۵)، بهترین بازی‌کن جهان (۲۰۰۷)، بهترین بازی‌کن اروپا (۲۰۰۷)، قهرمان جام باشگاه‌های جهانی (۲۰۰۷). کاکا مردی عمیقاً مذهبی و معتقد است.

همچنین نگاه کنید به:
پله ، رونالدو



کامبوزیا، امیر توکل

(۱۳۵۳ ـ ۱۲۸۳هـ.ش.)

آزادی‌خواه و مبارز

کامبوزیا از کُردهای زعفرانلوی شمال خراسان بود. تحصیلات اولیه را در مشهد گذراند و برای ادامه‌ی آن به تاشکند، در ازبکستان، رفت. با وقوع انقلاب کمونیستی اکتبر در روسیه (۱۹۱۷)، به ایران بازگشت و در مدرسه‌ی ژاندارمری خراسان، به مدیریت کلنل محمدتقی پسیان، دوره‌ی نظام را گذراند. کلنل، که کامبوزیا را جوانی لایق و توانا تشخیص داده بود، ریاست تلگراف و رمزهای خود را به او داد. وقتی کلنل در خراسان به شهادت رسید، کامبوزیا را به بلوچستان تبعید کردند. اما او پس از پایان مدت تبعید، تا آخر عمر در زاهدان، به‌سر برد. کامبوزیا در زاهدان آبادی یا کلاته‌ای درست کرد و در آن به کشاورزی پرداخت و در ضمن به مطالعه، تحقیق، تربیت فرزندان خود و آگاه کردن مردم مشغول شد. او در زمینه‌ی فعالیت‌های دینی و فرهنگی با استاد غلامرضا سعیدی بیرجندی همکاری داشت. در زمینه‌ی علمی نیز حدود ۸۰ اثر در موضوعات علمی و تاریخی و فرهنگی نوشت. از نظر سیاسی مردی آزاده و ضد استعمار و به‌خصوص با استعمار انگلستان مخالف بود. از آیت‌الله کاشانی به سبب بستن کنسولگری‌های انگلستان در ایران تقدیر و حمایت کرد و سال‌ها بعد نیز طرفدار قیام ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی شد. از آثار چاپ شده‌ی اوست: **تفسیر آیات ذی‌القرنین**، **بلوچستان و عامل خرابی آن**، **انحطاط و اعتلای مدنیّت‌ها** و **تاریخ جنگ‌های صلیبی**.

همچنین نگاه کنید به:
پسیان



کامکارها

خانواده‌ی اهل هنر و موسیقی

کامکارها خانواده‌ای کُرد هستند و یکی از گروه‌های سرشناس موسیقی ایران را تشکیل داده‌اند. حسن کامکار (۱۳۰۲هـ.ش.)، که در گروه موسیقی نظام فعالیت می‌کرد و خود در نوازندگی تار مهارت داشت، ۸ فرزند خواننده، نوازنده و آهنگ‌ساز تربیت کرد: هوشنگ (۱۳۲۵)، بیژن (۱۳۲۸)، پشنگ (۱۳۳۰)، ارژنگ (۱۳۳۵)، ارسلان (۱۳۳۹)، اردشیر (۱۳۴۱)، اردلان (۱۳۴۷) و قشنگ (۱۳۳۲). آثار این خانواده پهنه‌ی وسیعی از موسیقی ایرانی و کردی را دربرمی‌گیرد. آثار آنان در تاریخ و فرهنگ کهن مردم کُرد ریشه دارد. این موسیقی از جنگ، عشق و حماسه سخن می‌گوید. داستان‌های اساطیر کهن و قهرمانان ملی و دینی را بازگو می‌کند. برخی آثار فردی یا گروهی کامکارها عبارت است از: **کجایید ای شهیدان خدایی**، **قطعه‌ی حصار** (با همکاری حسین علیزاده)، **گلستانه** (با صدای شهرام ناظری)، **بلبلی با بال شکسته** و **گل‌نشان**.

▼ صحنه‌ای از هنرآفرینی کامکارها





کانت، امانوئل

(۱۸۰۴ ـ ۱۷۲۴ م.)

فیلسوف آلمانی

کانت در شهر کونیگْسْبِرگ آلمان، که اکنون از شهرهای روسیه است و کالینین‌گراد نام دارد، به‌دنیا آمد. مردی شگفت بود. در تمام عمر در زادگاهش ماند. هرگز سفر نکرد و از چنان نظمی در زندگی شخصی برخوردار بود که همسایگان، ساعت خود را با خروج وی از خانه تنظیم می‌کردند. کانت در دانشگاه کونیکسبرگ فلسفه خواند و ۴۲ سال در همان دانشگاه درس داد. عده‌ای او را بزرگ‌ترین فیلسوف غربی در قرون جدید می‌دانند. کانت تمام زندگی علمی‌اش را صرف فلسفه‌ی نقّادی و روشن کردن مسئله‌ی شناخت انسان از جهان کرد و در این زمینه سه کتاب نوشت: **نقد خرد ناب**، **نقد خرد عملی** و **نقد قضاوت**.



کانتور، جورج

(۱۹۱۸ ـ ۱۸۵۴م)

ریاضی‌دان و بنیان‌گذار نظریه‌ی مجموعه‌ها

از پدری دانمارکی و یهودی‌الاصل، که به دین مسیح و مذهب پروتستان گرویده بود، در شهر سن‌پترزبورگ روسیه به‌دنیا آمد. دو ساله بود که خانواده‌اش از روسیه به آلمان مهاجرت کردند. کانتور در رشته‌های فیزیک و فلسفه و ریاضیات درس خواند و درجه‌ی دکتری خود را از دانشگاه برلین گرفت. سپس در یک مدرسه به تدریس پرداخت و بعد به دانشگاه هاله رفت. کار مهم این ریاضی‌دان، که او را نام‌آور ساخت، کشف نظریه‌ی مجموعه‌ها در ریاضیات بود. او ابتدا به نظریه‌ی اعداد و سپس به سری‌های مثلثاتی پرداخت. آن‌گاه کار اساسی خود را درباره‌ی نظریه‌ی مجموعه‌ها و نظریه‌ی بی‌نهایت آغاز کرد. این کار دریچه‌ی تازه‌ای به جهان ریاضیات گشود. نظریات کانتور با مخالفت شدید عده‌ای از ریاضی‌دانان آن زمان روبه‌رو شد. این مخالفت، سبب پریشانی کانتور شد و کار او را به تیمارستان کشاند. کانتور پایه‌گذار انجمن ریاضی‌دانان آلمان بود و خود ریاست آن‌را به‌عهده داشت.

همچنین نگاه کنید به:

ژرمن ، گاوس ، لاپلاس



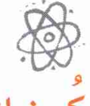
کاوه

قهرمان اساطیری ایران

کاوه مردی آهنگر بود و در اصفهان زندگی می‌کرد. روزی مأموران ضحّاک پسرش را گرفتند تا بکشند و مغز سر او را به مارهایی بدهند که بر دوش ضحّاک روییده بودند. کاوه به خشم آمد و خواست به ظلم هزار ساله‌ی ضحاک پایان دهد؛ از این رو، چرم آهنگری خود را بر سر نیزه کرد و از آن پرچمی ساخت. سپس مردم زیادی را همراه خود کرد و بر ضحاک شورید. او این ستمگر را از تخت به زیر کشید و در قلعه‌ای در کوه دماوند زندانی کرد. سپس به سراغ فریدون، که نژاد شاهی داشت رفت، و او را بر تخت پادشاهی ایران نشاند. به پاداش این کار، فریدون فرمان‌دهی قسمتی از لشکر خود را به او داد. فرزندان کاوه بعدها در اصفهان یکی از خانواده‌های مهم ایران را به‌وجود آوردند. داستان کاوه و قیام او از ماجراهای مهم در شاهنامه‌ی فردوسی است.

همچنین نگاه کنید به:

ضحّاک، فریدون



کُپرنیک، نیکولا

(۱۵۴۳ ـ ۱۴۷۳ م.)

اخترشناس لهستانی

نیکولا در شهر تورن لهستان به‌دنیا آمد. در کودکی بسیار باهوش و کنجکاو بود و در بزرگ‌سالی مقام بزرگ‌ترین دانشمند قرن اروپا را کسب کرد. ابتدا علوم دینی و پزشکی خواند و در هر دو رشته به درجه‌های عالی رسید. اما بعد به سوی اخترشناسی و نجوم رفت و مردی صاحب‌نظر و برجسته شد. بزرگ‌ترین نظریه‌ی کپرنیک در زمینه‌ی اخترشناسی، این بود که اعلام کرد: «خورشید و ستارگان دیگر ثابت‌اند. اما سیاره‌ها از جمله زمین کره‌هایی متحرک‌اند که به

کپرنیک از پیش‌گامان انقلاب علمی در اروپا بود.



دور خود و به دور خورشید می‌گردند.» این نظریه، انقلاب بزرگی در علم به‌وجود آورد که بعدها کپلر و گالیله و دیگران آن را دنبال کردند. کپرنیک به انتشار اندیشه‌های علمی خود نمی‌اندیشید تا این‌که در بهار سال ۱۵۳۹، دانش‌پژوه ۲۵ ساله‌ای به نام یواخیم رتیکوس به دیدن کپرنیک رفت. رتیکوس را نابغه‌ای در ریاضی می‌دانستند که توانسته بود در ۲۲ سالگی، به استادی ریاضی دانشگاه ویتنبرگ برسد. رتیکوس حدود دو سال نزد کپرنیک ماند و نظریات او را مطالعه کرد و سرانجام کپرنیک را وادار کرد نوشته‌هایش را به صورت کتابی منتشر کند. این نوشته‌ها در کتاب **حرکات انتقالی کرات آسمانی** در آلمان چاپ شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
براهه ، کپلر ، گالیله



کِپلر، یوهانس
(۱۶۳۰ ـ ۱۵۷۱ م.)
اخترشناس آلمانی

در شهر ویل، در جنوب آلمان، به‌دنیا آمد. چندی در دانشگاه توبینگن الهیات و معارف دینی آموخت؛ اما به مطالعه در ریاضیات و فیزیک روی آورد و اخترشناس شد. او، که با افکار کپرنیک آشنایی داشت، در کتابی که به نام **راز کیهان** منتشر کرد، افکار او را مورد تأیید قرار داد. کپلر نیز مانند گالیله، مورد خشم مقامات کلیسا قرار گرفت؛ اما در آلمان نماند و نزد تیکو براهه در پراگ رفت و در رصدخانه‌ی او به مطالعه‌ی ستارگان مشغول شد. در همان‌جا، مدل سیاره‌ای کپرنیک را برای کرات آسمانی، در سه قانون مهم بیان کرد، ضمن این‌که نشان داد برخلاف نظریه‌ی کپرنیک، شکل مدار حرکت سیّاره‌ها دور خورشید، دایره نیست؛ بلکه بیضی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
براهه ، کپرنیک ، گالیله



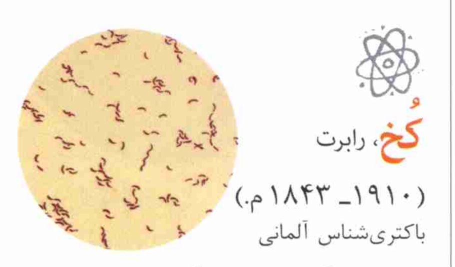
▲ یوهانس کپلر سه قانون مهم حرکت سیاره‌ها را کشف کرد.



کتابچی، سیدمحمد اسماعیل
(۱۳۵۸ ـ ۱۳۰۱ هـ.ش.)
ناشر متون و میراث اسلامی

در تهران متولد شد. پدرش، سیداحمد کتابچی، کتاب‌فروشی اسلامیّه را داشت و او نیز کار و شغل پدر را پی گرفت. سیداسماعیل از مدرسه‌ی دارالفنون فارغ‌التحصیل شد. در تهران در مدرسه‌ی دینی حاج ابوالفتح علوم حوزوی خواند. با ورود به کتاب‌فروشی پدرش، بر رونق آن افزود و چاپ‌خانه‌ی اسلامیّه را نیز تأسیس کرد. کتابچی در مدت نسبتاً کوتاهی منشأ خدمات علمی و فرهنگی و دینی بسیاری در عرصه‌ی نشر کتاب شد. او در احیای بسیاری از متون اسلامی کوشش کرد و آثار خطی بسیاری را از زوال و نابودی نجات داد. نمونه‌ای از این آثار **تفسیر کبیر منهج‌الصّادقین**، **تفسیر سیوطی**، **تفسیرابوالفتوح رازی**، **بحارالانوار مجلسی** (تا جلد ۵۸)، **ناسخ‌التّواریخ**، **نفایس‌الفنون** و **آثاری از شیخ صدوق** است. کتابچی بیش از هزار عنوان کتاب چاپ کرد که بسیاری از آن‌ها از متون اصیل و درجه اول در علوم دینی و معارف اسلامی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جعفری(عبدالرحیم) ، رمضانی ، صنعتی‌زاده



کُخ، رابرت
(۱۹۱۰ـ ۱۸۴۳ م.)
باکتری‌شناس آلمانی

در هارتز آلمان به‌دنیا آمد. در دانشگاه گوتینگن پزشکی خواند و به مطالعه در مورد میکروب‌های بیماری‌های همه‌گیر علاقه‌مند و به این‌کار مشغول شد. یکی از ابتکارات کخ، کشت میکروب‌ها در خارج از بدن بود که سبب شد مطالعه‌ی این موجودات برای پزشکان بسیار آسان‌تر شود. هنگامی که بیماری سیاه‌زخم در میان گوسفندان محل اقامتش شایع شد، با مطالعه در مورد این بیماری، عامل و در حقیقت میکروب آن را کشف کرد. این عامل به نام **باسیل کُخ** معروف شده است. پاستور، دانشمند فرانسوی، بعدها توانست راه درمان این بیماری را پیدا کند. کخ هم‌چنین با مطالعه در مورد بیماری سل، میکروب آن را کشف کرد و در سفر به آفریقا، دریافت که علت بیماری خواب، که آفریقاییان را می‌کشد، نیش مگس تِسه‌تِسه است. کخ به پاس خدماتش به عالم پزشکی، جایزه‌ی نوبل پزشکی سال ۱۹۰۵ را دریافت کرد. او استادی عالی‌قدر بود و گروهی از دانشجویانش از دانشمندان این رشته شدند. شگفت این‌که کخ در اثر بیماری سِل، که خودش میکروب آن را کشف کرده بود، درگذشت!

هم‌چنین نگاه کنید به:
پاستور ، فلمینگ



کرباسچیان، علی‌اصغر

(۱۳۸۲ ـ ۱۲۹۳ه.ش.)

معلم و بنیان‌گذار

در تهران به‌دنیا آمد. در جوانی به حوزه‌ی علمیه رفت و پس از تحصیل، به وعظ و خطابه پرداخت. در قم، از محضر آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی استفاده کرد و این موجب شد در تمام عمر، نه تنها به فکر تهذیب نفس خود، که در اندیشه‌ی تربیت دیگران نیز باشد. کرباسچیان که به علامه کرباسچیان مشهور است، در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد، به ضرورت تأسیس مدرسه‌ای که علم و ایمان را توأماً در بچه‌ها رشد دهد، پی برد. به این سبب، با هم‌فکری کسانی چون محمدهادی مقدس، علی‌نقی فقهی و به‌ویژه سید رضا روزبه، مدرسه‌ی علوی را در سال ۱۳۳۴ تأسیس کرد. نقش علامه کرباسچیان در **مدرسه‌ی علوی** چنان بود که خیلی زود مورد توجه مردم متدین قرار گرفت و در کمتر از یک دهه، به مؤسسه‌ای تأثیرگذار تبدیل شد. بسیاری از دانش‌آموزانی که از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند، در جریان انقلاب اسلامی نقش فعالی ایفا کردند. کرباسچیان تا آخرین روزهای عمر با مؤسسه و دانش‌آموزان گذشته‌ی خود ارتباط داشت. او در ۸۹ سالگی بدرود حیات گفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اسلامی ، روزبه



کربلایی کاظم

(تولد: ۱۳۳۷ـ۱۲۶۱ ه.ش.)

حافظ شگفتی‌آفرین قرآن

کربلایی محمدکاظم ساروقی جوانی از اهالی روستای ساروق اراک بود و به



کشاورزی اشتغال داشت. به مکتب و مدرسه نرفته بود و سواد نداشت. اما بسیار با ایمان بود. از حرام پرهیز می‌کرد و خمس و زکات خود را دقیقاً می‌پرداخت. او در اتفاقی عجیب و غیرمنتظره، خواننده و حافظ قرآن شد. روزی بر سر راه رفتن به خانه، روی سکّوی امامزاده‌ای در نزدیکی روستا نشست تا استراحت کند. در این هنگام، دو سید جوان نزدیک شدند و از او دعوت کردند به داخل برود و با هم زیارت بخوانند. در داخل امامزاده، به او گفتند: «محمدکاظم، چیزی بخوان!» او گفت: «من سواد ندارم. چگونه بخوانم؟» یکی از آن دو گفت: «تو می‌توانی بخوانی» و با دست زدن به پشت محمدکاظم چند بار این جمله را تکرار کرد. محمدکاظم را ترس فراگرفت؛ بی‌هوش شد و روی زمین افتاد. وقتی به هوش آمد، احساس کرد که آیات قرآن در قلبش جاری است. از آن پس او آیات قرآن را به راحتی تلاوت می‌کرد. شگفت این‌که محمدکاظم از آن پس فقط می‌توانست خطوط قرآن را بخواند و خطوط دیگر را نمی‌شناخت. آیت‌الله العظمی بروجردی که از این ماجرا خبردار شد، محمدکاظم را به قم دعوت کرد و از او امتحان به‌عمل آورد و صحّت خواندن او را تأیید کرد. هنگامی که محمدکاظم به زیارت حج رفت، ملک‌سعود، پادشاه وقت عربستان، او را آزمود و این توانایی خارق‌العاده‌ی محمدکاظم را تأیید کرد. محمدکاظم در روز تاسوعای حسینی در قم فوت کرد و در گورستان نو به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

طباطبایی (علم‌الهدی)



کُربَن، هانری

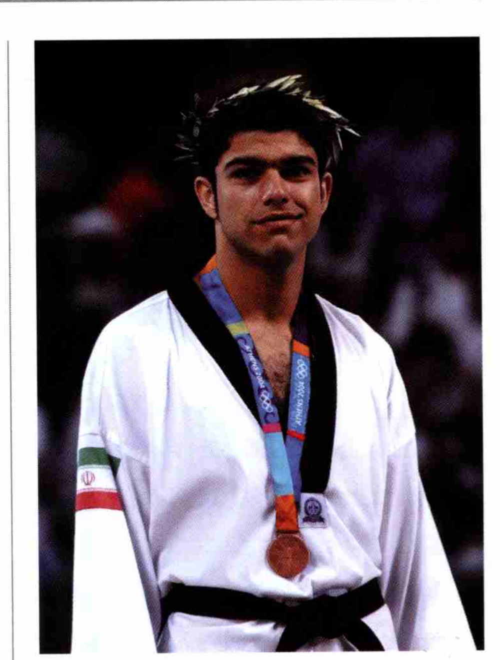
(۱۹۷۸ ـ ۱۹۰۳ م.)

پژوهشگر و شیعه‌شناس فرانسوی

کُربَن دانشمندی فرانسوی بود که زبان‌های آلمانی، روسی، یونانی و لاتینی می‌دانست. در رشته‌ی فلسفه درس خوانده و به مدارج عالی رسیده بود. به فلاسفه‌ی ایرانی مانند ابن‌سینا و سهروردی علاقه داشت. از این‌رو، دولت فرانسه او را برای مدیریت **مرکز ایران‌شناسی**، که فرانسه در تهران تأسیس کرده بود، به ایران فرستاد. کربن در ایران، از طریق دکتر سیدحسین نصر، با علامه سیدمحمدحسین طباطبایی آشنا شد. از آن پس بین این دو دانشمند، چند سال بحث و گفت‌وگوهای علمی بسیاری راجع به اندیشه‌های فلسفی اسلام، به‌ویژه تفکر شیعی برقرار می‌شد. از این طریق، کربن تفکر و مذهب شیعه را با انتشار کتاب‌ها و مقالاتی، بیش از پیش به اروپاییان شناساند. اشاره‌ای به این گفت‌وگوها در مقدمه‌ی کتاب **شیعه در اسلام** اثر علامه طباطبایی آمده است. هانری کربن در مرکز ایران‌شناسی نیز مجموعه‌ی **کتاب‌شناسی ایرانی** را منتشر کرد که ارزش پژوهشی بسیار دارد. یکی از کتاب‌های او **درباره‌ی اسلام ایرانی** نام دارد که کربن در آن به بحث درباره‌ی مذهب شیعه، افکار سهروردی و چند تن از عارفان بزرگ ایران پرداخته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

علامه طباطبایی ، نصر





کرمی، یوسف

(تولد: ۱۳۶۲هـ.ش.)

قهرمان تکواندو

در شهرستان میانه به‌دنیا آمد. در ۱۱ سالگی وارد باشگاه کاراته‌ی تکاور شد؛ ولی اولین تیمی که به صورت رسمی به عضویت آن درآمد، تیم پلی‌اکریل اصفهان بود. شهرت کرمی بیش‌تر به سبب کسب مقام سومی المپیک ۲۰۰۴ یونان است. اما مدال‌های طلای متعددی نیز از مسابقه‌های گوناگون جهانی به‌دست آورده است. کرمی در مسابقه‌های جام جهانی ۲۰۰۲، قهرمانی جهان در سال ۲۰۰۳، قهرمانی پلیس‌های جهان و مسابقه‌های آسیایی دوحه‌ی قطر، مدال طلا کسب کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ساعی



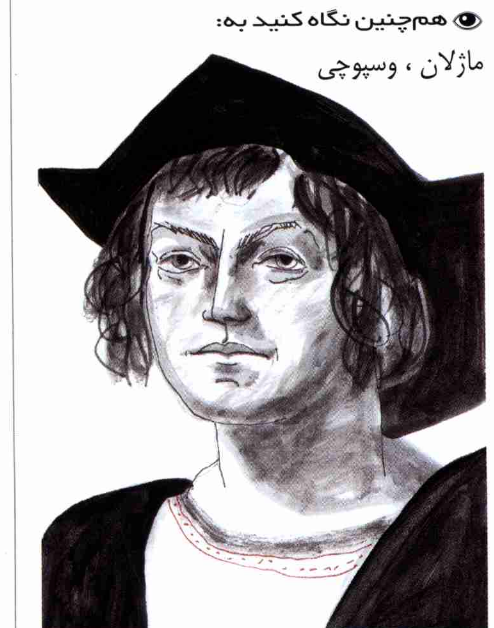
کریستف کلمب

(۱۵۰۶ ـ ۱۴۵۱م.)

کاشف آمریکا

کریستف کلمب دریانوردی ایتالیایی بود که همواره به یافتن راه دریایی جدیدی به هند می‌اندیشید که از سوی غرب اروپا آغاز شود. از این‌رو، با کسب موافقت و حمایت ملکه‌ی اسپانیا، ایزابل، سه کشتی از او گرفت و با جمعی از دریانوردان کارآزموده در سال ۱۴۹۲ میلادی عازم سفر شد. در این سفر، پس از گذشتن از اقیانوس اطلس، به آمریکای مرکزی امروز رسید و جزایر کوبا و هائیتی را کشف کرد و به گمان این‌که به سرزمین‌هایی رسیده است که دو قرن قبل مارکوپولو در سفر خود به چین به آن‌ها رسیده بود، به اسپانیا بازگشت. در اسپانیا مورد تشویق ملکه قرار گرفت و به او عنوان امیرالبحر اقیانوس‌ها دادند. کلمب سه بار دیگر به این سرزمین‌های نو یافته سفر کرد. در سفر دوم، که با ۱۷ کشتی و ۱۵۰۰ دریانورد انجام گرفت، سرزمین‌های پورتوریکو و جامائیکا را کشف کرد. در سفر سوم، موفق به کشف ونزوئلا و کاراکاس شد و در سفر چهارم توانست هندوراس را کشف کند. پس از کلمب، دریانوردان دیگری راه او را ادامه دادند و آن‌ها بودند که دانستند تصور کلمب اشتباه بوده و آن مناطق قاره‌ای جدید است. اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها نخستین کسانی بودند که در قرون بعد این سرزمین‌ها را، که بعد از سفر کلمب آمریکا نامیده شد، به استعمار خود درآوردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ماژلان ، وسپوچی





کریک، فرانسیس

کاشف ساختار DNA

کریک ابتدا فیزیک‌دان بود و در جنگ دوم جهانی، در کشورش انگلستان، در زمینه‌ی توسعه‌ی رادار کار می‌کرد. اما پس از جنگ، علاقه‌اش به زیست‌شناسیِ ملکولی معطوف شد و به دانشگاه کمبریج رفت تا در این رشته مطالعه و تحقیق کند. در آن زمان، زیست‌شناس‌ها در پی رمزگشایی ماده‌های شیمیایی موجود در بدن انسان بودند. به‌ویژه به دنبال کشف عواملی می‌گشتند که موجب انتقال صفاتی از پدر و مادر به فرزندان می‌شود. این عوامل ارثی در کروموزوم‌های موجود در سلول‌های بدن جای دارند و کروموزوم‌ها خود از ماده‌ی شیمیایی بسیار پیچیده‌ای به نام DNA ساخته شده‌اند که با میکروسکوپ هم قابل مشاهده نیست. در آن زمان دانشمندان بسیاری در پی یافتن ساختار شیمیایی DNA و کشف رمزهای ژنتیک موجود در آن‌ها بودند. فرانسیس کریک با همکاری **جیمز دیوئی واتسون**، زیست‌شناس آمریکایی، و **موریس ویلکینز**، زیست‌فیزیک‌دان زلاندنویی، توانست با ساختن مدلی مرکب از DNA به صورت یک مارپیچ نردبانی، رازهای موجود در این ماده را کشف کند. این سه دانشمند در سال ۱۹۶۲ به طور مشترک جایزه‌ی نوبل زیست‌شناسی را دریافت کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
مندل



کریم‌خان زند

(فوت: ۱۱۹۳ ه.ق.)
بنیان‌گذار سلسله‌ی زندیه

کریم‌خان از ایلِ زَند بود که در روستای پری‌زنگنه، در نزدیکی ملایر ساکن بودند. نادرشاه پس از سرکوبی این ایل و کوچاندن آن‌ها به خراسان، مردان شجاعِ آن‌ها را به خدمت گرفت. یکی از این مردان، کریم‌خان بود. کریم‌خان در لشکرکشی نادر به هند و جنگ‌های دیگر مورد توجه نادرشاه قرار گرفت و از سرداران بزرگ او شد. پس از مرگ نادر، کریم‌خان توانست با غلبه بر دیگر مدعیان، به‌ویژه **محمدحسن‌خان قاجار**، بر تخت شاهی ایران بنشیند. آن‌گاه شیراز را به پایتختی انتخاب کرد و دستور داد او را به جای شاه، **وکیل‌الرّعایا** بخوانند. کریم‌خان پادشاهی ساده‌زیست و مهربان بود. با این‌که سواد نداشت، به علم و دانش اهمیت زیادی می‌داد. بناهایی که در شیراز ساخت، مانند **مسجد**، **بازار** و **حمام وکیل**، نشانه‌ی توجه او به عمران و آبادی است. برقراری امنیت در سراسر قلمرو خود، بیرون راندن هلندی‌ها از خلیج‌فارس، فتح بصره، توسعه‌ی بازرگانی و برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، از اقدامات مثبت کریم‌خان بود. کریم‌خان در شیراز بر اثر بیماری سل درگذشت و در عمارت کلاه‌فرنگی به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:
آقامحمدخان قاجار ، میر مهنّا



کریم شیره‌ای

سردسته‌ی دلقک‌های دربار ناصرالدین‌شاه

کریم شیره‌ای مردی بسیار شوخ، بذله‌گو، باهوش و حاضرجواب بود. ابتدا رئیس نقّاره‌چی‌های دربار ناصرالدین‌شاه بود؛ ولی چون شوخ و بذله‌گو بود، کم‌کم وارد دربار و جزو دلقک‌ها و سپس رئیس آن‌ها شد. در محافل و مجالس بزرگان نیز حاضر می‌شد و پاداش یا انعامی از آن‌ها می‌گرفت. کریم شیره‌ای، به سبب ورود به دربار، ظاهراً می‌توانست برای حل مشکلات مردم واسطه شود و پولی از آن‌ها بگیرد. از این رو ضرب‌المثل «خر کریم را نعل کردن» درباره‌ی او رواج یافته که کنایه از رشوه دادن است.

کسایی، حسن

(تولد: ۱۳۰۷ ه.ش.)
نوازنده‌ی نی

در خانواده‌ای بازرگان در اصفهان به‌دنیا آمد. پدرش به موسیقی علاقه‌مند بود و هنرمندان را به خانه‌ی خود دعوت می‌کرد. حسن هم از کودکی، در پی آشنایی با این هنرمندان، به موسیقی علاقه‌مند شد. اما شنیدن صدای نی رهگذری سبب شد به این ساز بیش از سازهای دیگر علاقه پیدا کند. پدرش نیز این علاقه را در او تشدید کرد. به این سبب، با کار مداوم، نواختن نی را به گونه‌ای استادانه آموخت و بعدها به دیگران نیز آموزش داد. کسایی آواز خوبی نیز داشت و این هنر را نزد استادانی مانند جلال تاج‌اصفهانی و ادیب خوانساری تکمیل کرد. او از محضر ابوالحسن صبا نیز استفاده کرد و از اولین برنامه‌ی **گل‌های رنگارنگ**، همکاری خود را با صبا آغاز کرد و با نواختن نی، شور و حال خاصی به برنامه داد. از دیگر همکاران او در آن

◄ کریم‌خان زند، پادشاهی که خود را وکیل‌الرّعایا می‌دانست.

سال‌ها، هنرمندانی چون غلامحسین بنان، حسین قوامی و جلیل شهناز بودند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بنان ، تاج اصفهانی ، شهناز ، صبا



کسرائیان، نصرالله

(تولد: ۱۳۲۳ه.ش.)

عکاس

متولد خرم‌آباد است و بیش‌تر افراد خانواده‌اش شمّ هنری دارند. از دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. در همان دوره‌ی دانشجویی، به عکاسی روی آورد و طی سال‌ها، توانست عکس‌های بسیار ارزش‌مندی از مردم و مناطق متفاوت ایران تهیه کند. همسر او، **زیبا عرشی** که دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی جامعه‌شناسی است، دستیار اوست و زیرنویس عکس‌ها را برای چاپ کتاب‌ها تهیه می‌کند. کسرائیان تاکنون چند جایزه‌ی داخلی و بین‌المللی دریافت کرده و نمایشگاه‌هایی هم در گوشه و کنار جهان، به‌ویژه در اروپا و آمریکا برگزار کرده است. مجموعه عکس‌های او، که تاکنون به صورت کتاب منتشر شده، عبارت است از **سفر بی‌پایان، ترکمن‌های ایران، دماوند، اصفهان، کردستان** و **ایران سرزمین ما.**

هم‌چنین نگاه کنید به:

جلالی ، فریدنی



کشفیا، علی

(تولد: ۱۳۴۲ه.ش.)

قهرمان والیبال نشسته‌ی پارالمپیک ایران

در تبریز به‌دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دیپلم، در همان شهر ادامه داد. در این هنگام جنگ تحمیلی آغاز شد و کشفیا مانند بسیاری از جوانان، به خیل رزمندگان پیوست و به جبهه رفت. اما در اولین روز فروردین ۱۳۶۳، در منطقه‌ی مرزی سردشت به شدت مجروح و دو پایش از بالای زانو قطع شد و یک چشم و یک گوش خود را نیز از دست داد. با این همه، هنگامی که از بیمارستان مرخص شد، تصمیم گرفت از طریق ورزش به فعالیت ادامه دهد. در تبریز، عضو تیم والیبال نشسته شد. یک سال بعد نیز به عضویت تیم ملی والیبال نشسته درآمد. کشفیا ۱۷ سال، تا سال ۱۳۸۱، ملی‌پوش ماند و بعد از آن سرپرست تیم ملی شد. هم‌زمان، به عضویت هیئت رئیسه‌ی فدراسیون جان‌بازان و معلولان درآمد. او ۴ بار در پارالمپیک‌های سئول، بارسلون، آتلانتا و سیدنی شرکت کرده، در مجموع ۶ بار قهرمان جهان شده و یک بار هم به مقام سومی رسیده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

عاکف



کلارک، آرتور سی.

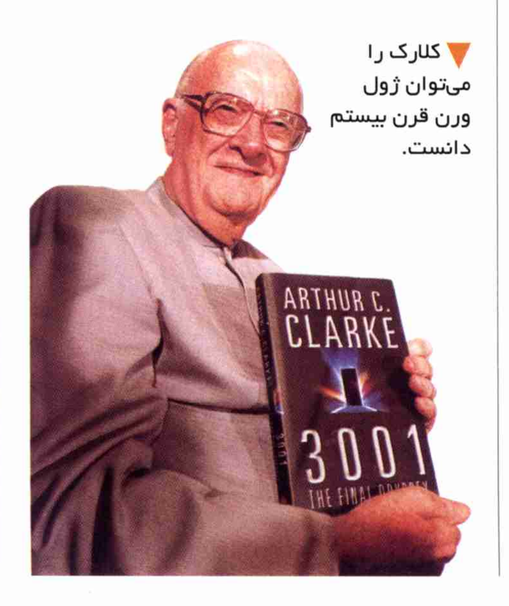
(تولد: ۱۹۱۷م.)

نویسنده‌ی کتاب‌های علمی ـ تخیلی

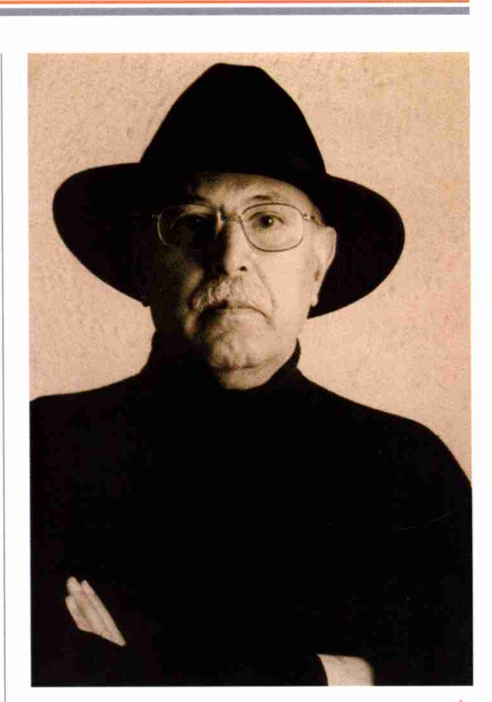
آرتور چارلز کلارک، در سامِرسِت انگلستان به‌دنیا آمد. از سال‌های کودکی، به خواندن کتاب‌های علمی ـ تخیلی، علاقه‌ی فراوان داشت. در ۱۸ سالگی نخستین اثرش به نام **نامه‌ای در مورد سرعت نور** در مجله‌ی داستان‌های شگفت‌انگیز چاپ شد. یک سال بعد به لندن رفت و عضو **انجمن اجسام بین سیّاره‌ای** شد. ۲۸ سال داشت که **نظریه‌ی ارتباط جهانی با استفاده از ماهواره در مدار زمین** را مطرح کرد و سه سال بعد، در ۳۱ سالگی، با کسب رتبه‌ی اول در رشته‌ی ریاضی ـ فیزیک، از دانشکده‌ی کینگز لندن مدرک خود را دریافت کرد. آرتور سی. کلارک چند سال بعد نویسندگی را به طور جدی آغاز کرد و نخستین کتابش را با نام **پیش‌درآمدی بر فضا** منتشر ساخت. دغدغه‌ی او در بیش‌تر آثارش، مباحث معنوی است. او از سال ۱۹۶۰م. به سریلانکا سفر کرد و در آن‌جا اقامت گزید. دهه‌ی ۶۰ را بیش‌تر به نوشتن داستان‌های غیر تخیلی و مربوط به اکتشافات دریایی گذراند. مشهورترین اثر کلارک، **اُدیسه‌ی فضایی ۲۰۰۱** نام دارد که رمانی علمی ـ تخیلی است و در سال ۱۹۶۴م. چاپ و منتشر و به فیلم نیز تبدیل شد و فیلم آن جایزه‌ی اسکار گرفت. جایزه‌ی دیگر آرتور سی. کلارک، **جایزه‌ی استاد بزرگ** بود که از سوی انجمن نویسندگان علمی ـ تخیلی آمریکا در سال ۱۹۸۶م. به او اعطا گردید. هم‌چنین از سوی ملکه‌ی انگلستان، لقب سِر گرفت و شوالیه یا شهسوار شد. در همین سال، خودش جایزه‌ای بنیان نهاد که هر سال به بهترین اثر علمی ـ تخیلی منتشر شده در بریتانیا تعلق می‌گیرد. از دیگر آثار اوست: **امپراتوری زمین، انسان و فضا، راز کیهان، ملاقات در سپیده‌دم** و **میعاد با راما.**

هم‌چنین نگاه کنید به:

ورن



▼ کلارک را می‌توان ژول ورن قرن بیستم دانست.



▲ پرویز کلانتری در تصویرگری روستاها و عشایر ایران دستی توانا دارد.



کلانتری، پرویز

(تولد: ۱۳۱۰هـ.ش.)

نقاش مناظر روستایی و عشایری ایران

در تهران به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۳۸ از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در رشته‌ی نقاشی فارغ‌التحصیل شد و به فعالیت آموزشی روی آورد. با همکاری غلامعلی مکتبی و زمان زمانی، تصویرگری **کتاب‌های تاریخ و جغرافیای دوره‌ی ابتدایی** را با تصویرهای دل‌انگیز و اثرگذار به انجام رساند. کلانتری بخش زیادی از تصاویر کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی، مانند **حسنک کجایی؟** و **روباه و خروس** را، که هنوز در یاد و خاطره‌ی دانش‌آموزان آن دوره مانده، به تصویر کشیده است. کلانتری تجربه‌های هنری متفاوتی را از سر گذرانده است: آموزش طراحی به دانشجویان رشته‌ی معماری، مدیریت آموزش‌های هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، همکاری با موزه‌ی مردم‌شناسی، تصویرگری کتاب‌های گوناگون برای کودکان، برگزاری نمایشگاه‌های نقاشی، و تصویرگریِ مجله‌های پیک برای دانش‌آموزان. کلانتری بسیار علاقه‌مند به نقاشی از روستاها و عشایر ایران است. علاوه بر این، هنر نگارگری روی کاهگِل را ابداع کرده که هنری منحصر به فرد است و به خلق آثاری بسیار زیبا منجر شده است. تعدادی از کتاب‌هایی که کلانتری تصویرگری کرده، عبارت است از: **گل اومد بهار اومد، کلاغ زرد، اینک سرزمین حِجر، بشنو از نی و خانه‌ی حاج رحیم‌آقا کجاست؟**



کلاهدوز، یوسف

(۱۳۲۵ ـ ۱۳۶۰هـ.ش.)

قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در شهر قوچان به‌دنیا آمد. پس از گرفتن دیپلم، به دانشکده‌ی افسری رفت و تحصیلات نظامی را به پایان رساند. ۷ سال در شیراز خدمت کرد، سپس به تهران رفت و در لشکر گارد مشغول شد. از دوره‌ی دانشجویی، با موسی نامجو، که بعد از انقلاب وزیر دفاع شد، در مبارزه با رژیم هم‌راز و هم‌قدم بود و با او فعالیت مخفیانه داشت.

در آستانه‌ی پیروزی انقلاب، کلاهدوز با جمعی از هم‌فکران انقلابی خود مانند محمد منتظری و سرتیپ حسن اقارب‌پرست، در مدرسه‌ی علوی تهران نخستین کمیته‌ی نظامی را تشکیل داد و پس از تشکیل سپاه پاسداران، قائم‌مقام آن شد. پس از عملیات پیروز ثامن‌الائمه، کلاهدوز و عده‌ای از فرمان‌دهان، از جمله فلاحی، فکوری، جهان‌آرا و نامجو، با هواپیمای C۱۳۰ عازم تهران بودند که هواپیمای آن‌ها به دلیل نامعلومی در رباط‌کریم تهران سقوط کرد و همه‌ی آنان به شهادت رسیدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جهان‌آرا ، فلاحی ، فکوری ، منتظری ، نامجو



کلر، هلن

(۱۸۸۰ ـ ۱۹۶۸م.)

نابینا، ناشنوا و فعال اجتماعی

نخست کودکی سالم بود و در ایالت آلابامای آمریکا به‌دنیا آمد. ۱۸ ماه داشت

▼ هلن کلر با معلمش آن سولیوان



که به بیماری مننژیت مبتلا شد و بینایی و شنوایی‌اش را از دست داد. به ۷ سالگی که رسید، پدر و مادرش برای او معلمی به نام **آن سولیوان** آوردند. این معلم، زندگی هلن را به کلی دگرگون کرد. آن سولیوان، که معلم مدرسه‌ی نابینایان بود، علاوه بر برقراری ارتباط با هلن، توانست به او خواندن و نوشتن و حساب کردن یاد بدهد. هلن تا جایی پیش رفت که مانند همسالان عادی خود، در ۲۰ سالگی به دانشگاه رادکلیف وارد شد و پس از ۴ سال فارغ‌التحصیل گشت. شگفت این که نویسنده‌ی توانایی نیز شد و توانست علاوه بر کتاب **زندگی من،** که شرح زندگی خودش است، کتاب‌ها و مقالاتی نیز در زمینه‌ی نابینایی، ناشنوایی، مسائل اجتماعی و حقوق زنان به رشته‌ی تحریر درآورد. او هم‌چنین در تأسیس مرکز ملی هلن کلر، برای خدمت به نابینایان و ناشنوایان، همکاری کرد. هلن کلر دارای اندیشه‌های عدالت‌خواهانه و عضو حزب سوسیالیست آمریکا بود. او هنگام مرگ ۸۸ سال داشت.



کُل‌ویتس، کِته

(۱۸۶۷ ـ ۱۹۴۵م.)

پیکره‌ساز و طراح گرافیک آلمانی

خانم کل‌ویتس از برجسته‌ترین هنرمندان واقع‌گرای اجتماعی در نیمه‌ی نخست قرن بیستم به‌شمار می‌آید. در خانواده‌ای با فرهنگ و فرهیخته متولد شد و در برلین به کارهای هنری و تدریس در مدارس پرداخت. در اثر زندگی در محلات فقیرنشین شهر برلین، هنرش بسیار مردمی بود و به او امکان می‌داد رنج‌ها و مشکلات مردم را از نزدیک احساس کند. نابسامانی‌های اجتماعی، کار، تهی‌دستی مردم و کودکان گرسنه، زمینه‌هایی بود که کل‌ویتس آثار خود را بر اساس آن‌ها خلق می‌کرد. کل‌ویتس به روسیه سفر کرد و تحت تأثیر جامعه‌ی روس قرار گرفت و آثاری در دفاع از صلح به‌وجود آورد. یکی از آن‌ها پوستری به نام **دوباره جنگ هرگز** بود که آن را پس از جنگ اول جهانی ساخت. از این رو نازی‌ها، که خود اندیشه‌ی شروع جنگ دوم جهانی را در سر می‌پروراندند، او را از تدریس محروم کردند. کل‌ویتس در سال‌های آخر عمر به ساختن مجسمه‌های مفرغی روی آورد که مهم‌ترین آن‌ها **یادمان جنگ** بود. از دیگر آثار اوست: **مجموعه‌ی جنگ دهقانی، مجموعه‌ی جنگ** (نقاشی) و مجسمه‌های **پدر و مادر** و **ناخوشی**.



کَلهُر، محمدرضا

(۱۲۴۵ ـ ۱۳۱۰ هـ.ق.)

خوش‌نویس عصر قاجار

محمدرضا کلهر از خوش‌نویسان برجسته‌ی عهد ناصرالدین‌شاه به‌شمار می‌آید. در نوشتن نستعلیق و شکسته‌نستعلیق استاد بود و ناصرالدین‌شاه نزد او مشق می‌کرد. کلهر همان شیوه‌ی میرعماد، خطاط عصر صفوی، را دنبال می‌کرد؛ ولی تغییرات اندکی نیز در آن به‌وجود آورد که سرمشق خطاط‌های بعد از او قرار گرفت. این خطاط، نوشته‌های خود را نگه نمی‌داشت؛ به همین دلیل، خط‌نوشته‌های او بسیار کم است. چند اثر چاپی، که به خط او وجود دارد، عبارت است از: **سفرنامه‌ی سفر دوم ناصرالدین‌شاه به مشهد، مخزن‌الانشاء** و شماره‌هایی از **روزنامه‌ی شرف**.

هم‌چنین نگاه کنید به:
میرخانی ، میرعماد حسنی



کِلی، محمدعلی

(تولد: ۱۹۴۲م.)

قهرمان بوکس جهان

کلی در کنتاکی آمریکا به دنیا آمد. فضای نژادپرستانه‌ی آمریکا در میانه‌ی قرن بیستم، موجب شد سیاهان به سراغ ورزش‌های سنگین و زورمندانه بروند. کلی نیز از ۱۲ سالگی به بازی بوکس علاقه‌مند شد و زیر نظر یک مربی، در این بازی پیش‌رفت کرد؛ به طوری که ۱۰ سال بعد، توانست مدال طلای بوکس المپیک در رده‌ی سبک‌وزن را دریافت کند. همان سال، در اولین بازی حرفه‌ای خود همه‌ی حریفان را مغلوب کرد. کلی در سال ۱۹۶۵ مسلمان شد و نام خود را که کاسیوس بود به محمدعلی تغییر داد. در آن سال‌ها، سیاهان آمریکا در اثر تبلیغات عالیجاه محمد، رهبر مسلمانان آمریکا، به اسلام روی می‌آوردند. محمدعلی پس از مسلمان شدن، بیش‌تر از گذشته ترغیب شد از مقام قهرمانی خود دفاع کند. در همان زمان، از رفتن به جنگ ویتنام خودداری کرد و ۵ سال از بازی محروم شد. این امر سبب شد در مسابقه‌ای که با **جو فریزر،** پس از گذراندن دوره‌ی محرومیت انجام داد، شکست بخورد. کلی آن شکست را جبران کرد و بار دیگر در المپیک ۱۹۷۸ قهرمان سنگین‌وزن جهان شد. محمدعلی

▲صحنه‌ای از مسابقه‌ی محمدعلی کلی با جورج فورمن. این مسابقه در کشور زئیر برگزار شد و محمدعلی کلی را به مقام قهرمان بوکس سنگین وزن جهان رساند.

در سال ۱۹۷۹ اعلام بازنشستگی کرد و اکنون در حالی که دچار بیماری پارکینسون است، در میشیگان آمریکا زندگی می‌کند. کلی در سال ۱۳۷۱ شمسی به ایران سفر کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
محمد (عالیجاه)



کُلینی، محمدبن یعقوب

(فوت: ۳۲۹ ه.ق.)
محدث شیعه و صاحب اصول کافی

محمد بن یعقوب در کُلین، که روستایی در حوالی شهرری است، به‌دنیا آمد. قبر پدرش یعقوب‌بن اسحاق در این روستاست. کلینی از محدثان و علمای بزرگ شیعه در عصر غیبت صغرای امام زمان(ع) بود. در جوانی به بغداد، که آن زمان دارالعلم جهان اسلام و مرکز علما و دانشمندان بود، رفت و به تحصیل علم و ترویج مذهب شیعه پرداخت و احترام و اعتبار خاصی پیدا کرد. شیعه و سنی در مسائل شرعی خود به کلینی رجوع می‌کردند؛ از این رو به **ثقة‌الاسلام**، یعنی مورد وثوق و اعتماد، شهرت یافت و این نخستین کسی است که به این لقب نامیده شده است. ابن‌اثیر، تاریخ‌نگار بزرگ جهان اسلام، کلینی را مجدّد یا احیاکننده‌ی مذهب شیعه‌ی اثنی‌عشری در آغاز قرن سوم هجری می‌داند. کلینی مجموعه‌ی حدیثی خود به نام **الکافی** را در سه بخش نوشت: **اصول کافی**، **فروع کافی** و **روضه‌ی کافی**. کافی از کتاب‌های اربعه‌ی شیعه است. سه کتاب دیگر از شیخ توسی و شیخ صدوق است. مجموعه‌ی کافی شامل بیش از ۱۶ هزار حدیث است و از منابع فقهی مهم شیعه به حساب می‌آید. کلینی در اولین سالی که غیبت کبرای امام زمان(ع) آغاز شد، در بغداد درگذشت و در محل دروازه‌ی کوفه، نزدیک پل دجله یا جِسرِ بغداد، به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شیخ توسی ، شیخ صدوق



کمال، یاشار

(تولد: ۱۳۰۴ ه.ش.)
رُمان‌نویس تُرک

یاشار کمال از برجسته‌ترین نویسندگان ترکیه است. در بخش سِیحان ترکیه به‌دنیا

آمد. خردسال بود که پدرش را هنگام نماز در مسجد آبادی کشتند و این کودک از همان وقت زندگی دشواری را آغاز کرد. یاشار کمال نتوانست تحصیل کند و در تنها مدرسه‌ی آبادی، سواد اندکی آموخت. آوازهای عاشیق‌های دوره‌گرد ترک و سرایندگان کُرد او را شیفته‌ی ادبیات بومی کرد. از این‌رو، به شعر و ادب ترکی و شناخت فرهنگ محلی خود روی آورد. آشنایی او با نویسندگان ترک، پایش را به نشست‌های ادبی باز کرد و چندی در روزنامه‌ی معروف **جمهوریّت**، مطالبی درباره‌ی فرهنگ مردم ترکیه نوشت. رُمان مشهور او **اینجه‌ممد** است که ثمین باغچه‌بان، آن را به فارسی برگردانده است. یاشار کمال تاکنون چند بار از نامزدهای جایزه‌ی نوبل ادبی شده است.

همچنین نگاه کنید به:
حکمت (ناظم)



کمال‌الملک

(۱۳۱۹ ـ ۱۲۲۶هـ.ش.)

استاد نقاشی جدید ایران

محمد غفاری، مشهور به کمال‌الملک، برجسته‌ترین هنرمند دوره‌ی قاجار است و بسیاری از استادان بزرگ در هنرهای گوناگون، از شاگردان او بوده‌اند. در کاشان متولد شد. در نوجوانی به تهران رفت و در دارالفنون نقاشی آموخت و همان‌جا مورد توجه ناصرالدین‌شاه قرار گرفت. شاه به او لقب کمال‌الملک داد و از وی خواست در دربار به نقاشی بپردازد. تابلو **تالار آینه** از آثاری است که در آن سال‌ها به وجود آورد. پس از کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه، کمال‌الملک به اروپا رفت و بیش از سه سال در فلورانس، رُم و پاریس به مطالعه‌ی هنر اروپا و رونگاری از آثار استادان بزرگ نقاشی پرداخت. این سفر تأثیر بسیاری در هنر کمال‌الملک داشت و در انتقال سبک هنری واقع‌گرای اروپا به ایران مؤثر بود. کمال‌الملک در زمان مظفرالدین شاه در ایران نماند و به کربلا رفت. تابلوهای **زرگر بغدادی** و **میدان کربلا** از آثار او در این دوره است. پس از بازگشت از کربلا، **مدرسه‌ی صنایع مستظرفه** را تأسیس کرد که در آن شاگردان بسیاری در همه‌ی رشته‌ها تربیت شدند. در زمان رضاشاه نیز در تهران نماند و به حسین‌آباد نیشابور رفت و در ملک شخصی خود مقیم شد و تا آخر عمر در آن‌جا ماند. او، که تا سال‌های آخر عمر نقاشی می‌کرد، در نیشابور درگذشت و در کنار آرامگاه عطّار نیشابوری به خاک سپرده شد. از آثار مشهور او می‌توان به **تکیه‌ی دولت**، **فالگیر یهودی**، **حوض‌خانه**، **صورت سردار اسعد بختیاری** و **شکارچی** اشاره کرد.

▼ تابلو تکیه دولت، اثر کمال‌الملک.

همچنین نگاه کنید به:
صنیع‌الملک



کُمِنیوس

(۱۶۷۰ ـ ۱۵۹۲ م.)

روحانی مسیحی و مربی اهل چک

یوهان آموس کُمنیوس در موراویا، که امروز جمهوری چک نام دارد، به‌دنیا آمد. در دانشگاه هایدلبرگ آلمان علوم دینی خواند و به مقام اسقفی رسید. عقیده

داشت که تنها راه پیش‌گیری از افتادن انسان به دام نزاع‌ها و جنگ و ستیزها، گسترش فرهنگ و دانش عمومی است. منظور او از دانش عمومی سه چیز بود: **علوم تجربی**، **عقل** و **دین**. کُمنیوس از نخستین مربیان اروپایی است که می‌گفت موضوعات درسی را باید متناسب با سن دانش‌آموز انتخاب کرد. او اولین کتاب تصویری را برای کودکان، به نام **دنیای دیدنی** نوشت و بسیار پیش از فروبل، در اندیشه‌ی تربیت پیش‌دبستانی بود. کمنیوس اندیشه‌هایش را در کتاب **آموزش بزرگ** منتشر کرد.

همچنین نگاه کنید به:

پستالوزی ، هربارت

کمیل‌بن زیاد

(شهادت: ۸۳ هـ.ق.)

صحابی حضرت علی علیه‌السلام

کمیل فرزند زیاد نخعی و اهل یمن بود و با این‌که قبل از هجرت متولد شده بود، هرگز پیامبر را ندید. او در زمان عثمان به سبب اعتراض به خلیفه، مانند ابوذر، مدتی به شام تبعید شد. از یاران خاص علی علیه‌السلام بود و در جنگ صفّین، آن حضرت را یاری کرد. پس از جنگ نیز مدتی والی شهر هیت در حوالی بغداد شد. پس از شهادت علی علیه‌السلام ، جزو یاران امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام بود. ولی در عاشورای سال ۶۱ در کربلا حضور نداشت؛ زیرا مدت‌ها قبل از آن به زندان افتاده بود. او بعد از عاشورا آزاد شد و با امام سجاد علیه‌السلام بیعت کرد. سرانجام در ۹۰ سالگی به دستور حجّاج‌بن یوسف ثقفی، حاکم جبار کوفه، به شهادت رسید.

شهرت کمیل به سبب دعای معروفی است که حضرت علی علیه‌السلام به او یاد داده و این امر نشان می‌دهد که کمیل محرم اسرار روحانی و معنوی امام بوده است. **دعای کمیل** نزد شیعیان از جایگاه والایی برخوردار است.

همچنین نگاه کنید به:

اویس قرنی



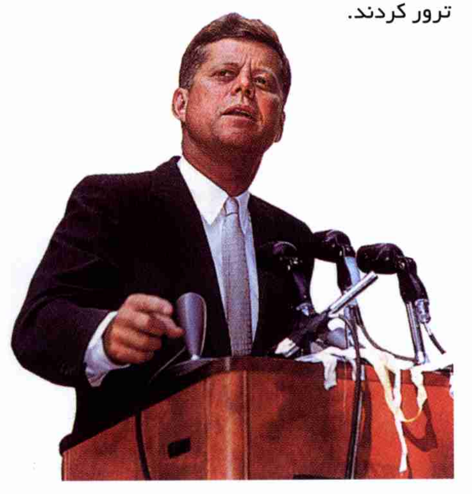
کِندی، جان فیتز جرالد

(۱۹۶۳ ـ ۱۹۱۸ م.)

سی‌وپنجمین رئیس جمهوری آمریکا

جان فیتز جرالد کندی دومین پسر یک خانواده‌ی بانک‌دار آمریکایی بود. در دانشگاه هاروارد تحصیل کرد و در سال ۱۹۶۰ م. از سوی حزب دموکرات آمریکا به ریاست جمهوری رسید. مردی صلح‌دوست، علاقه‌مند به رفاه عمومی، مخالف تبعیض نژادی و دیگر تبعیض‌های اجتماعی بود. از این‌رو، محبوبیت بسیار یافت. او، که در جنگ دوم جهانی شجاعانه جنگیده بود، پیش از رسیدن به ریاست جمهوری، سناتور بود. در دوره‌ی ریاست جمهوری او، هنگامی‌که فیدل کاسترو در کوبا به قدرت رسید و از سوی شوروی حمایت شد، بین آمریکا و شوروی تنش به‌وجود آمد و نزدیک بود بین دو ابرقدرت جنگ درگیرد. اما هُشیاری و درایت هم‌زمان خروشچف و کندی، مانع از این اتفاق شد. سیاست‌مداران جنگ‌طلب و پشت صحنه‌ی آمریکا، مخالف کندی بودند. در نتیجه، توطئه‌ی قتل او را طرح کردند. در سال ۱۹۶۳ م. هنگامی که کندی به شهر دالاس رفته بود، مردی به نام **اُسوالد** او را هدف قرار داد و ترور کرد. اسوالد را نیز شخص دیگری به نام **جک روبی** ترور کرد و جک‌روبی هم، آن‌طور که اعلام کردند، در زندان مرد. بدین ترتیب راز قتل کندی هم‌چنان در پرده‌ی ابهام مانده است.

▼ جان اِف. کندی جوان‌ترین کسی بود که به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد. اما در راه رسیدن به اهداف بلند خود ناکام ماند، زیرا او را ترور کردند.



همچنین نگاه کنید به:

خروشچف ، کاسترو



کنستانتین کبیر

(۳۳۷ ـ ۲۷۴ م.)

نخستین امپراتور مسیحی روم

کنستانتین پس از پدرش، که او نیز کنستانتین نام داشت، امپراتور روم غربی شد. نخست بخش شرقی امپراتوری در آسیای صغیر را تصرف کرد و امپراتوری یک‌پارچه‌ی روم را بنا نهاد. به این سبب، به کنستانتین کبیر مشهور شد. سپس مسیحیت را دین رسمی امپراتوری اعلام کرد و خود نیز مسیحی شد. این کار او، تحول بزرگی در تاریخ مسیحیت به‌حساب می‌آید. زیرا مسیحیان، که تا آن زمان حدود ۳۰۰ سال مورد آزار و تحت تعقیب بودند، توانستند از آن پس آزادانه دین خود را تبلیغ کنند. کنستانتین کبیر شهر بیزانتیوم را بازسازی و آن را به شهری با عظمت تبدیل کرد و نام آن را به کنستانتینوپل تغییر داد. این شهر را مسلمانان قسطنطنیّه می‌نامیدند و پس از فتح آن به‌دست ترکان عثمانی، استانبول نام گرفت.



▲ با کنستانتین، عصر تازه‌ای در مسیحیت آغاز شد.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
اصحاب کهف ، سلطان محمد فاتح



کنفوسیوس

(۴۷۹ ـ ۵۵۱ ق.م.)
حکیم چینی

کنفوسیوس در چین، و در زمانی می‌زیست که سلسله‌ی هخامنشیان بر ایران حکومت می‌کردند. با این‌که ادعای پیامبری نداشت، بنیان‌گذار یکی از بزرگ‌ترین آیین‌های جهان شد. در نتیجه، پیروانش او را ناخواسته به مقام پیامبری رساندند. کنفوسیوس فرزند یک سردار چینی بود و در ایالت لو به‌دنیا آمد. در ۳ سالگی پدرش را از دست داد. با نفرت از جنگ و با عشق به عدالت بزرگ شد و تصمیم گرفت مانند آموزگاری خردمند، تا آخر عمر رهبر و راهنمای مردم شود. از این‌رو، به هرجا می‌رفت، مردم را به خرد، حکمت و دانش فرامی‌خواند. گویند روزی با شاگردانش می‌رفت، زنی را دید که می‌گریست. کنفوسیوس از او پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟» زن گفت: «ببری درنده، شوهرم، پدرشوهرم و حالا پسرم را کشته است.» کنفوسیوس از او پرسید: «پس چرا این سرزمین را ترک نمی‌کنی؟» زن گفت: «آخر در این‌جا حاکم ظالمی نیست.» کنفوسیوس به شاگردانش گفت: «فرزندانم! بدانید که حاکم ظالم از ببر آدم‌خوار هم بدتر است.» این حکیم سرچشمه‌ای از دانش و اخلاق به‌وجود آورد. با این حال، زمانی رسید که امپراتور چین، شی هوانگ‌دی، دستور داد کتاب‌های کنفوسیوس را بسوزانند. زمانی هم که شنید بعضی از پیروان او کتاب‌ها را پنهان کرده‌اند، گفت خودشان را هم طعمه‌ی حریق سازند. با وجود این، آیین کنفوسیوس هنوز پابرجاست و میلیون‌ها پیرو دارد.



▼ امروز هم مردم جهان، گفته‌های کنفوسیوس را در حکم سخنانی حکیمانه می‌پذیرند. کنفوسیوس فیلسوف بود؛ ولی عملاً به صورت یک رهبر مذهبی درآمد. اندیشه‌ها و افکار او آن‌چنان فراگیر شد که آیین کنفوسیوسی نام گرفت.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
شی هوانگ‌دی



کوئیلو، پائولو

(تولد: ۱۹۴۷ م.)
نویسنده‌ی برزیلی

در خانواده‌ای مسیحی، در برزیل به‌دنیا آمد. از کودکی به ادبیات و شعر و نویسندگی علاقه پیدا کرد. در جوانی به بیماری روانی دچار و در بیمارستان بستری شد. پس از بهبودی، به گروه‌های عصیان‌گر هیپی پیوست. در آن سال‌ها، یک آهنگ‌ساز، که از طبع شعر کوئیلو خبر داشت، از او خواست ترانه و شعر بسازد. پائولو با قبول این کار، هم درآمد خوبی کسب کرد و هم وارد جریان‌های فکری و روشن‌فکری ضداستبدادی شد و به جهان تازه‌ای قدم نهاد. نخستین بار مجموعه داستان **کرینگ‌ها** را نوشت و منتشر کرد که چون ضد دیکتاتوری بود، به زندان افتاد و شکنجه شد. در سفری به آلمان از بقایای بازداشتگاه داخائو، که ادعا می‌شود نازی‌ها، در جنگ دوم جهانی، یهودیان را در آن نگهداری می‌کردند، بازدید کرد و بسیار تحت تأثیر قرار گرفت. در آن‌جا مردی به او توصیه کرد به مذهب بازگردد و این سرآغازی برای کوئیلو بود که به دنیای معنوی تازه‌ای پای گذارد. از آن پس، به نوشتن کتاب‌های معناگرا روی آورد. او در آثارش سعی می‌کند نوعی معنویت جدای از دین و شریعت را به مخاطب القا کند و لذا در بسیاری از موارد مرزی بین معنویت و خرافه‌پرستی نمی‌گذارد. دو کتاب او، **کیمیاگر** و **بریدا** با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد. کتاب‌های **کوه**

پنجم، راهنمای رزم‌آور نو، ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد، زهیر و مکتوب از دیگر آثار اوست.



کوئین، آنتونی

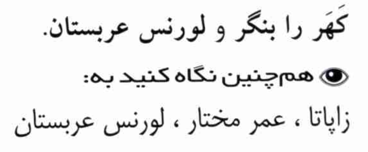
(۲۰۰۱ ـ ۱۹۱۵م.)

بازیگر مکزیکی

آنتونی‌کوئین یکی از مشهورترین بازیگران جهان در قرن بیستم و معروف به بازیگر هزارنقش بود. در جوانی به کارهای متفاوتی دست زد و سرانجام بازیگر شد. در ۲۱ سالگی، اولین فیلم خود را بازی کرد. این هنرمند، که دو بار جایزه‌ی اسکار گرفت، در تعدادی از مشهورترین فیلم‌های مشهور جهان بازی کرد؛ این فیلم‌های **زوربای یونانی، زنده‌باد زاپاتا، جادّه، محمد رسول‌الله** (در نقش حمزه)، **شیر صحرا** (در نقش عمر مختار)، **کوژپشت نتردام، آخرین قطار گان‌هیل، توپ‌های ناوارون، باراباس، اسب**



▼ آنتونی کوئین (لورنس عربستان) در فیلم «لورنس عربستان»



کَهَر را بنگر و لورنس عربستان.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

زاپاتا ، عمر مختار ، لورنس عربستان



کوبریک، استنلی

(۲۰۰۰ ـ ۱۹۲۸ م.)

کارگردان، تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس آمریکایی

فرزند یک پزشک بود و در نیویورک به‌دنیا آمد. در ۱۷ سالگی عکاس مجله‌ای به نام **نگاه کن** شد. چند سال بعد به فیلم‌سازی روی آورد و دو فیلم مستند ۱۶ میلی‌متری **روزهای نبرد** و **کشیش پرنده** را ساخت. نخستین فیلم بلندش **راه‌های افتخار** و سپس **اسپارتاکوس** بود. فیلم برجسته‌ی کوبریک، که برای جلوه‌های ویژه‌ی آن جایزه‌ی اسکار گرفت، **۲۰۰۱: ادیسه‌ی فضایی** است که متن آن را آرتور سی.کلارک نوشته بود؛ فیلمی علمی‌ـتخیلی که در آن چشم‌انداز بدبینانه‌ای از آینده‌ی جهان و موقعیت انسان به تصویر کشیده شده است.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**

اسپارتاکوس ، داگلاس ، کلارک

کوراوغلو

(قرن ۱۷ میلادی / ۱۱ هجری)

قهرمان حماسی در ادبیات عامیانه‌ی آذربایجان

نام اصلی‌اش روشن و فرزند مهتری به نام علی کیشی بود. روزی حسن‌خان، ارباب علی کیشی، موضوع ساده‌ای را بهانه کرد و دستور داد چشمان علی کیشی را از حدقه درآورند. علی کیشی که کور شده بود، دیگر در آن‌جا نماند و با پسرش و با دو کره اسب به نام‌های **دورآت** و **قیرآت** گریخت. آن‌دو به منطقه‌ای کوهستانی و دوردست به نام **چنلی بئل** پناه بردند. روشن، کره اسب‌ها را پرورش داد و خودش عیّاری و سلحشوری پیشه کرد. پس از آن‌که آوازه‌اش همه جا پیچید به کوراوغلو، یعنی پسر مرد کور، مشهور شد. کوراوغلو سرانجام به انتقام کور کردن پدرش، حسن‌خان را دستگیر کرد، او را به چنلی بئل آورد و به آخور بست. همسری به نام نگار نیز انتخاب کرد که همراه و هم‌رزم خودش شد. کوراوغلو یکی از داستان‌های حماسی عامیانه در سراسر آذربایجان است و ماجراهای او در همه‌جا نقل می‌شود و اکنون ده‌ها نسخه‌ی مکتوب از داستان‌های او به ترکی و فارسی وجود دارد. نشانه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد ماجرای کوراوغلو واقعیت داشته و با قیام‌های مردمی در عصر صفویه مرتبط است. نکته‌ای درباره‌ی او نقل شده که حاکی از وجود روحیه‌ی جوان‌مردی قزلباشان عصر صفوی در این قهرمان است: می‌گویند روزی کوراوغلو مردی را دید که چیزی بر دوش داشت. از او پرسید: «این چیست؟» مرد گفت: «تفنگ است.» سپس به خواهش کوراوغلو درباره‌ی آن بیش‌تر

شرح داد و همان‌جا گاوی را نشانه گرفت. گاو در دم در خون غلتید و جان سپرد. کوراوغلو که این واقعه را دید، شمشیر و سلاحش را درآورد و به زمین انداخت و گفت: «دوره‌ی مردانگی تمام شد. دوره، دوره‌ی تفنگ است و نامردی!» و از آن پس به کار کشاورزی مشغول شد.



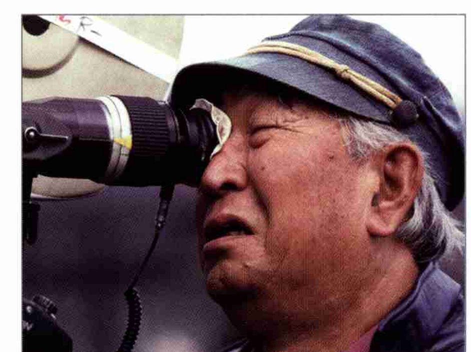
کوروساوا، آکیرا

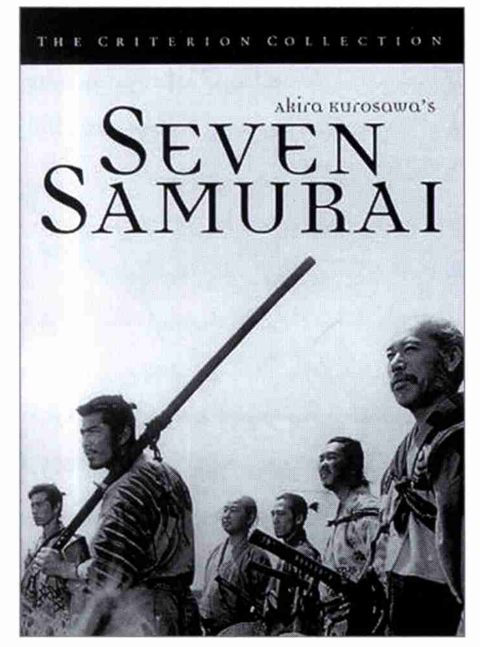
(۱۹۹۰ ـ ۱۹۱۰ م.)

کارگردان ژاپنی

هشتمین و آخرین فرزند یک نظامی ژاپنی بود. کارگردان پس از جنگ ژاپن است و سینمای ژاپن از طریق او به جهان شناسانده شده است. در نخستین فیلم‌هایش به مسائل پس از جنگ در ژاپن و شهرهای ویران شده پرداخت و بعد به ساختن فیلم‌های خاص خود روی آورد. نخستین فیلم او **سوگاتا سانشیرو (حماسه‌ی جودو)** نام داشت و فیلم بعدی‌اش **راشومون** بود که جایزه‌ی جشنواره‌ی فیلم ونیز را برای او به ارمغان آورد. چند فیلم او بر فیلم‌سازی هالیوود تأثیر گذاشت که مهم‌ترین آن‌ها **۷ سامورایی** است. جان استرجس، کارگردان آمریکایی، فیلم ۷ دلاور را براساس آن ساخت. فیلم دیگر کوروساوا **دِرسو اوزالا** (۱۹۷۵) بود که در آمریکا جایزه‌ی اسکار

▼کوروساوا در سال ۱۹۵۱ با ساختن فیلم راشومون به شهرت رسید.





▲فیلم ۷ سامورایی چنان قوی و قدرت‌مندانه ساخته شده بود که بر فیلم‌سازی هالیوود نیز تأثیر گذاشت.تصویر پایین پوستر فیلم ۷ سامورایی است.

بهترین فیلم خارجی را برد. از دیگر آثار مشهور او می‌توان به **ریش‌قرمز، آشوب، سریر خون** و **شبح جنگجو** اشاره کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کیارستمی



کوروش

(فوت: ۵۳۰ ق.م.)

بنیان‌گذار سلسله‌ی هخامنشی

کوروش از تیره‌ی پارس‌ها و نواده‌ی هخامنش بود و پدربزرگ مادری او، آژی‌دهاک نام داشت که پادشاه ماد بود. کوروش در جوانی بر ایختوویگو، شاه ماد، شورید و شهر هگمتانه (همدان) را گرفت و خود را پادشاه ایران خواند. او به گسترش مرزهای کشور پرداخت و ایران را به بزرگ‌ترین قدرت زمان خود تبدیل کرد. از مشهورترین اقدامات کوروش، فتح بابل (در عراق امروز) و آزاد کردن یهودیان اسیری بود که بختنَصر آن‌ها را از اورشلیم به بابل آورده بود. علاوه بر این، کوروش دستور داد در فلسطین معبد اورشلیم را به هزینه‌ی خزانه‌ی پارس بازسازی کنند. به این سبب، نام کوروش در کتاب عهد عتیق آمده است. در جریان فتح بابل، کوروش فرمانی در ۴۵ سطر صادر داد که متن آن را روی یک لوح گلی به شکل استوانه به زبان بابلی نوشتند. این لوح، که **منشور کوروش** نام گرفته، به سال ۱۸۷۹ میلادی در حفریّات بابل کشف شد و اکنون در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود. مورخان این فرمان را به منزله‌ی نخستین اعلامیه‌ی حقوق بشر تاریخ می‌دانند. یکی از مورخان یونانی به نام **گزنفون**، کتابی به نام **تربیت کوروش** درباره‌ی او نوشت. عده‌ای از صاحب‌نظران عقیده دارند ذی‌القرنین، که در قرآن‌کریم نامی از او آمده، همان کوروش است.

کوروش کشورگشای بزرگی بود که مرزهای ایران را به شرق و غرب گسترش داد و امپراتوری بسیار بزرگی را بنا نهاد که بعد از او پسرش کمبوجیه و سپس داریوش بر وسعت و قدرت آن افزودند. کوروش در جنگ با ماساژوت‌ها، در ناحیه‌ی شرقی دریای مازندران کشته شد. جسد او را به پایتختش، پاسارگاد در نزدیکی شیراز

▼کوروش، بزرگ‌ترین امپراتوری عصر باستان را بنیان نهاد.



امروز، بردند و به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آشیل ، بخت‌نصر ، داریوش، ذی‌القرنین

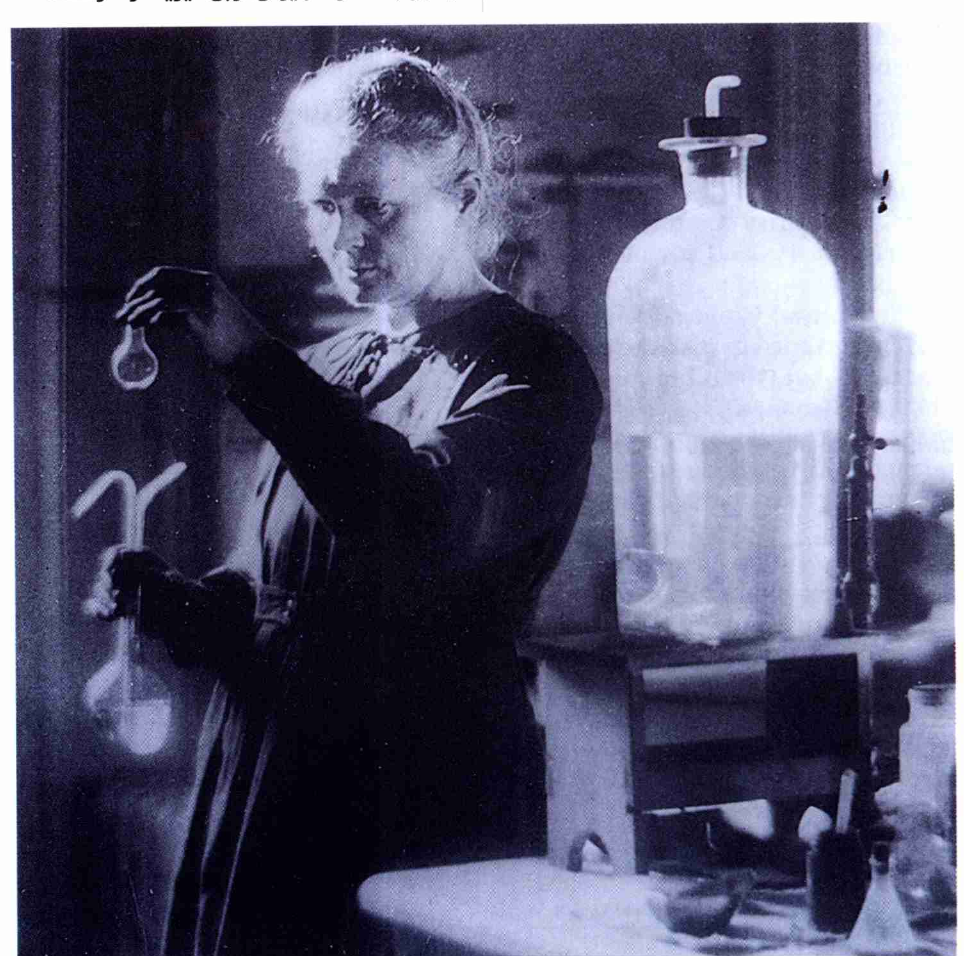


کوری، ماری

(۱۹۳۴ ـ ۱۸۶۷م.)

فیزیک‌دان

ماریا اسکلو دوفسکایا، که او را به نام ماری کوری می‌شناسند، در لهستان به‌دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی، برای ادامه‌ی تحصیل به پاریس رفت و در دانشگاه سوربن به مطالعه و تحقیق در رشته‌ی فیزیک مشغول شد. در آن‌جا، با پیر کوری، شیمی‌دان فرانسوی، آشنا شد و آن دو با هم ازدواج کردند. این زوج دانشمند زندگی خود را وقف مطالعه در مورد عناصر رادیواکتیو یا پرتوزا کرده بودند. آن‌ها وسیله‌ای برای اندازه‌گیری مقدار رادیو اکتیویته‌ی مواد اختراع کردند. نوعی سنگ معدن به نام پیچ‌بْلند نیز کشف کردند که هزار بار بیش از اورانیوم، خاصیت پرتوزایی داشت. از همین سنگ بود که توانستند عنصر جدیدی کشف کنند که نام آن را به یاد زادگاه ماری، پولاند (لهستان) پولونیوم گذاشتند. در ادامه، کوری‌ها عنصر رادیوم را کشف کردند که قدرت پرتوزایی آن فوق‌العاده بیش‌تر از اورانیوم بود. در پی این کشف، ماری و پیرکوری و **هانری بکرل**، دانشمند همکارشان، جایزه‌ی نوبل فیزیک سال ۱۹۰۴ را به طور مشترک دریافت کردند. پیر کوری بعداً در یک تصادف کشته شد و همسر و فرزندانش را تنها گذاشت. اما ماری دست از کار نکشید و توانست عنصر رادیواکتیو دیگری به نام رادیوم را با درجه‌ی خلوص بسیار زیاد تهیه کند. جایزه‌ی نوبل فیزیک سال ۱۹۱۱ را به تنهایی گرفت و این نخستین بار بود که زنی این جایزه را دریافت می‌کرد. ماری کوری در اثر کار زیاد با مواد پرتوزا، دچار سرطان خون شد و در ۶۷ سالگی درگذشت.



▼ماری کوری در آزمایشگاه خود. او و همسرش، پیر کوری و نیز هانری بکرل، به سبب کشف عنصر رادیوم، مشترکاً جایزه‌ی نوبل فیزیک را گرفتند.

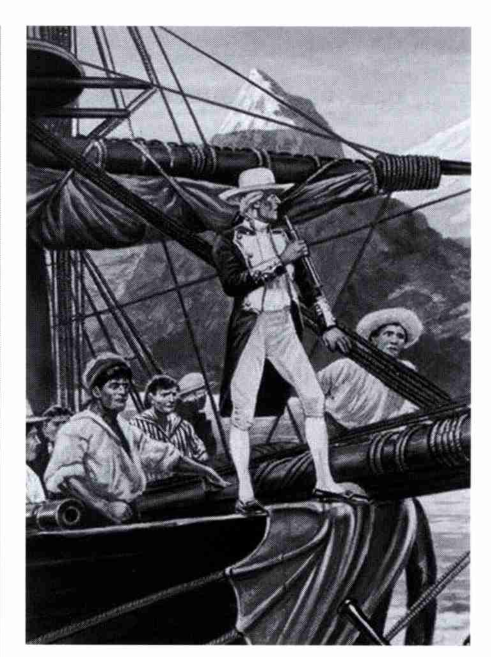


کوک، جیمز

(۱۷۷۹ ـ ۱۷۲۸م.)

دریانورد و کاشف انگلیسی

فرزند یک کشاورز بود و در روستایی در یورکشایر انگلستان به‌دنیا آمد. در ۱۷ سالگی به شهر بندری ویتبی رفت و نزد یک بازرگانِ کشتی‌دار، کار کرد. چندی بعد به نیروی دریایی انگلستان پیوست و از آن پس، به‌دنیای اکتشاف‌های جغرافیایی و سفر به سرزمین‌های ناشناخته قدم گذاشت. کوک ملوانی با کفایت، دیده‌بان، نقشه‌بردارِ دریا و کارشناس آب‌نگاری بود. در یک مأموریت محرمانه از سوی دولت انگلستان، به مناطق جنوبی کره‌ی زمین رفت تا ببینند آیا در پایین‌تر از مدار جغرافیایی ۴۰ درجه، قاره‌ای وجود دارد یا نه. او به این نتیجه رسید که در قطب جنوب، قاره‌ی بزرگی وجود ندارد که مناسب زندگی انسان باشد. در پرتو این سفر، کوک اطلاعات جغرافیایی، قوم‌شناختی و گیاه‌شناختی بسیاری نیز کسب کرد. کوک در طی عمر خود، سه سفر اکتشافی بزرگ انجام داد: دو بار کره‌ی زمین را دور زد و یک بار نیز سراسر اقیانوس آرام را پیمود. در سفر اول، استرالیا و زلاندنو را کشف کرد. در سفر دوم، از مدار آنتراکتیک در جنوب استرالیا گذشت و اولین فرد اروپایی‌ای بود که گذارش به آن منطقه از کره‌ی زمین افتاد. در سومین سفر، به جست‌وجوهایی در سواحل غربی قاره‌ی آمریکا دست زد و در پی یافتن گذرگاه شمال غربی اقیانوسِ آرام برای ورود به اقیانوس اطلس بود که آن را نیافت؛ ولی در قلب اقیانوس آرام، جزایر هاوایی را کشف کرد. در



کوک؛ مردی که دو بار با کشتی جهان را دور زد.

این آخرین سفر، کوک با بومیان جزایر هاوایی درگیر شد و به دست آن‌ها کشته شد.

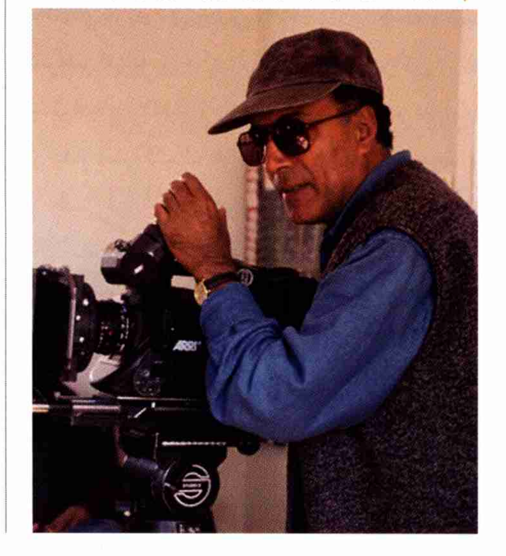


کیارستمی، عباس

(تولد: ۱۳۱۹ه.ش.)
کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

کیارستمی یکی از فیلم‌سازان ایرانی است که شهرت جهانی دارد. از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و تا ۲۶ سالگی در زمینه‌ی نقاشی، طراحی گرافیک و ساختن آگهی تبلیغاتی برای

کیارستمی، فیلم‌ساز ایرانی با شهرتی جهانی



تلویزیون کار می‌کرد. در سال ۱۳۴۸، **مرکز فیلم‌سازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان** را در تهران تأسیس کرد. از آن پس وارد دنیای سینما شد و آثار برجسته‌ای تولید کرد. کیارستمی تاکنون بیش از ۴۰ فیلم کوتاه، بلند و مستند ساخته که **خانه‌ی دوست کجاست؟ زندگی و دیگر هیچ، زیر درختان زیتون، طعم گیلاس، کلوزآپ** و **باد ما را خواهد برد** و **دَه** از معروف‌ترین آن‌هاست. کیارستمی بیش از ۷۰ جایزه‌ی داخلی و بین‌المللی کسب کرده که مهم‌ترین آن‌ها نخل طلای جشنواره‌ی کن، شیر نقره‌ای جشنواره‌ی وِنیز و جایزه‌ی آکیرا کوروساواست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شهیدثالث ، کیمیایی ، مهرجویی



کیانوش، محمود

(تولد: ۱۳۱۳ه.ش.)
بنیان‌گذار شعر کودک

در مشهد به‌دنیا آمد. پدرش مردی مکتب‌ندیده، اما با فرهنگ بود و حافظه‌ای سرشار از اشعار و داستان‌های شاهنامه و مولوی و حافظ و... داشت. محمود در مشهد به مدرسه رفت. در نوجوانی همراه با خانواده‌اش به تهران هجرت کرد و در این شهر مقیم شد. در تهران به دانش‌سرای مقدماتی رفت و معلم شد. در این زمان شعر می‌سرود و قصه می‌نوشت و آثاری را نیز به فارسی ترجمه می‌کرد. کیانوش بعدها از دانشگاه تهران لیسانس زبان گرفت و ضمن همکاری با مطبوعات تهران، به جرگه‌ی نویسندگان و مترجمان پیوست. در دهه‌ی ۴۰ همکاری خود را با **مجلات پیک**، که برای دانش‌آموزان منتشر می‌شد، آغاز کرد و شعرهایی را برای این مجلات سرود. این فرصتی برای او شد تا در زمینه‌ی شعر کودک نیز مطالعه و اندیشه کند که



کیانوش، شعر کودک ایران را در مسیری صحیح و علمی هدایت کرد.

حاصل بررسی‌های خود را در این زمینه، در کتابی به نام **شعر کودک در ایران** چاپ کرد. کیانوش از سال ۱۳۵۵ به انگلستان رفت و در آن کشور مقیم شد. از آثار اوست: **زبان چیزها، طوطی سبز هندی، نوک طلایی نقره‌بال، باغ ستاره‌ها، بچه‌های جهان، طاق هفت‌رنگ، آفتاب خانه‌ی ما** و **شعر به شعر**. کتاب شعر به شعر ترجمه‌ی شعرهای شاعران جهان به شعر فارسی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دولت‌آبادی ، رحماندوست ، قاسم‌نیا



کی‌کاووس

پادشاه کیانی

در شاهنامه‌ی فردوسی، کی‌قباد نخستین و کی‌کاووس دومین پادشاه سلسله‌ی کیانی است. کی‌کاووس در جنگ با دیوهای مازندران اسیر شد و رستم برای نجات او به آن‌جا رفت. ولی بر سر راه، گرفتار هفت‌خوان، مانند جنگیدن با شیر، جنگیدن با جادوگر و... شد. اما همه‌ی آن‌ها را پشتِ‌سر گذاشت و سرانجام با کشتن دیو سفید، کی‌کاووس را آزاد کرد. یک بار دیگر کی‌کاووس هنگام بازگشت از جنگ

هاماوران، با همراهانش، اسیر وحشیان شد. این بار نیز رستم او را نجات داد. کی‌کاووس سرانجام توانست انسان‌ها و دیوها را رام کند و دیوها را به ساختن قلعه‌هایی در کوهستان‌های البرز وادارد. این پادشاه یک بار قصد رفتن به آسمان کرد و چهار عقاب را به چهار گوشه‌ی تخت خود بست و به پرواز درآمد. اما عقاب‌ها خسته شدند و او را در آمل فرود آوردند. **سیاووش**، که خود داستانی پرماجرا دارد، پسر کی‌کاووس است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رستم ، گشتاسب

کی‌لُهراس

(مقتول: ۱۳۰۸ه.ش.)

جنگ‌جوی بویر احمدی

یکی از برنامه‌های رضاشاه پهلوی در آغاز سلطنت، سرکوب کردن ایلات و عشایر در سراسر ایران، به‌ویژه در استان‌های لرنشین بود. یکی از قهرمانان آن دوره، کی‌لهراس است که در اصل کی‌لُهراسب نام داشت. او مردی تیرانداز و جنگ‌جو بود. در سال ۱۳۰۷، ژاندارم‌های رضاشاه دست به آزار و کشتار عده‌ای از بویراحمدی‌ها زدند. با این بهانه، کی‌لهراس برضد آن‌ها قیام کرد و با چوب، دو نفر از ژاندارم‌ها را کشت. سپس با تفنگی که از آن‌ها گرفت، با هم‌دستی جنگ‌جوی دیگری به نام **میرغلام**، ایل‌های بویراحمدی و مَمَسنی را برضد دولت مرکزی برانگیخت و در پی آن، قیامی مردمی سراسر منطقه را فراگرفت. رضاشاه امیرلشکر حبیب‌الله شیبانی را به جنگ با بویراحمدی‌ها فرستاد. خونین‌ترین جنگ در **تنگِ تامرادی** در نیمه‌ی اول مرداد ۱۳۰۷ روی داد که در آن، بویراحمدی‌ها از بالای تنگ، بر دولتی‌ها هجوم آوردند. شیبانی ناچار به عقب‌نشینی شد و رضاشاه این بار سرتیپ کاظم شیبانی را به منطقه فرستاد و او پس از یک سال و با بمباران هوایی، عاقبت کی‌لهراس را از پای درآورد. از آن زمان، شرح دلاوری‌های حماسی کی‌لهراس به صورت شعر و حکایت زبان‌زد مردم بویراحمد شده است.



کیمیایی، مسعود

(تولد: ۱۳۲۰ه.ش.)

کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

کیمیایی در تهران به‌دنیا آمد و فعالیت سینمایی خود را از دستیاری کارگردان آغاز کرد. اولین فیلمش را، **غریبه می‌آید**، در سال ۱۳۴۷ ساخت. اما با ساختن فیلم **قیصر** خلاقیت خود را در سینما نشان داد. این فیلم، که از نظر فروش با موفقیت همراه بود، راه را برای فیلم‌سازان جوان جهت ورود به عرصه‌ی سینما باز کرد. شخصیت‌های فیلم‌های کیمیایی اغلب از افراد حاشیه‌ی جامعه هستند که معمولاً در پایان فیلم می‌میرند. کیمیایی در جشنواره‌ها جوایز زیادی به‌دست آورده و مهم‌ترین جایزه‌ی خارجی او، جایزه‌ی جشنواره فیلم برلین است که آن را برای فیلم **دندان مار** دریافت کرد. از دیگر فیلم‌های اوست: **رضا موتوری**، **داش آکل**، **گوزن‌ها**، **سفر سنگ**، **تیغ و ابریشم**، **سُرب**، **سلطان**، **سربازان جمعه** و **رئیس**.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شهیدثالث ، کیارستمی ، مهرجویی



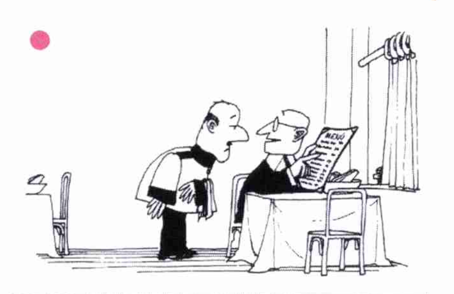
کینو

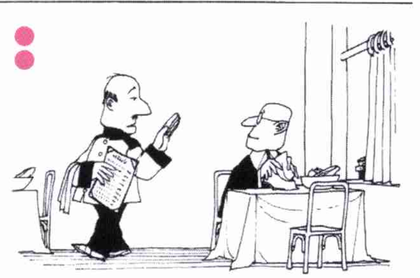
(تولد: ۱۹۳۲م.)

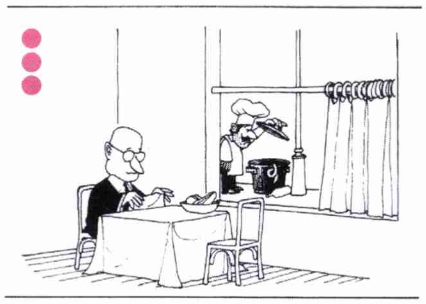
کاریکاتوریست آرژانتینی

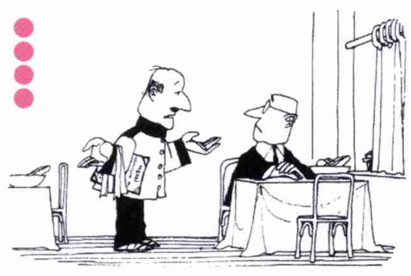
نامش خواکین سالوادور لاوادو، معروف به کینو است. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی هنرهای زیبای آرژانتین در رشته‌ی گرافیک به پایان برد؛ ولی فعالیت خود را بر کشیدن کاریکاتور متمرکز کرد. شخصیت‌های آثار کینو مردم عادی هستند که آن‌ها را به خوبی در مرکز نگاهِ بیننده قرار می‌دهد. یکی از شخصیت‌های معروف او، دختربچه‌ای به نام **ماخالدا** است. ماخالدا آن‌قدر محبوبیت پیدا کرد که در آرژانتین یک فیلم متحرک نیز درباره‌اش ساخته شد. کاریکاتورهای کینو در عین خنده‌دار بودن، دارای مضمون‌هایی تلخ در مورد بدبختی زندگی روزمره‌ی مردم است. این هنرمند، که چند جایزه‌ی جهانی دریافت کرده است، در سال ۱۹۸۲ به مقام کاریکاتوریست سال انتخاب شد.

▼ یکی از کاریکاتورهای کینو











کیومرث

نخستین انسان در اساطیر ایران

بنا بر اسطوره‌های ایرانی، در ابتدای آفرینش دو موجود خلق شدند: یکی کیومرث اولین آدم، و دیگری یک گاو نر. وقتی کیومرث مُرد، از جسد او اولین زوج انسان به نام‌های مَشی و مَشیانه به‌وجود آمدند و از جسد گاو نیز انواع گیاهان رویید. اما در شاهنامه‌ی فردوسی، به‌گونه‌ای دیگر، آمده است که کیومرث اولین پادشاه عجم بود. با دیوان جنگید و در این جنگ پسرش، سیامک، کشته شد. کیومرث پس از ۳۰ سال سلطنت مُرد و نوه‌اش **هوشنگ**، به جای او نشست. هوشنگ همان است که آتش را کشف کرد و جشن سده را بنیان نهاد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جمشید



گارودی، روژه

(تولد: ۱۹۱۳م.)

متفکر مسلمان فرانسوی

روژه گارودی، که عرب‌ها او را رجاء قارودی می‌نامند، متفکری اهل عمل است که نه تنها روی‌دادهای سیاسی بسیاری را تجربه کرده، بلکه تحولات فکری و درونی بسیاری را نیز از سر گذرانده است. او در شهر مارِسی فرانسه به‌دنیا آمد. به دانشگاه رفت و در رشته‌ی فلسفه تحصیل کرد. آن‌گاه به حزب کمونیست فرانسه پیوست و عضو کمیته‌ی مرکزی آن شد. سال‌ها عضو مجلس مؤسسان، مجلس ملی و مجلس سنای فرانسه بود. در نیمه راه عمر، زمانی که مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات مارکسیسم بود، به مطالعات دینی علاقه‌مند شد و با متفکران مسیحی ارتباط پیدا کرد. به این سبب، از حزب کمونیست کناره گرفت و به مطالعه‌ی ادیان شرقی، به‌ویژه اسلام، پرداخت که حاصل آن گرایش از مادی‌گری به اسلام و سرانجام مسلمان شدن او بود. گارودی کتابی به نام **تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیان‌گذار سیاست اسرائیل** نوشت و در آن، چگونگی تأسیس دولت اسرائیل و نیز موضوع قتل‌عام و سوزاندن ۶ میلیون یهودی در جنگ دوم جهانی را مورد تردید قرار داد. این کتاب، او را در سطح جهان بلندآوازه کرد؛ اما در فرانسه محاکمه و به جرم مخالفت با صهیونیسم، محکوم شد. دو کتاب او، **تاریخ یک ارتداد** و **هشدار به زندگان**، در ایران ترجمه و چاپ شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

هرتزل

روژه گارودی، به اتهام مخالفت با صهیونیسم در اروپا محاکمه شد!





گاگارین، یوری

(۱۹۶۸ ـ ۱۹۳۴م.)

نخستین فضانورد جهان

گاگارین فرزند یک نجار بود و در روستایی در ناحیه‌ی اسْمولِنسک روسیه به‌دنیا آمد. نوجوانی‌اش با جنگ دوم جهانی مصادف بود و پس از جنگ توانست در مدرسه‌ی حرفه‌ای، در رشته‌ی ریخته‌گری تحصیل کند. گاگارین بعدها وارد نیروی هوایی شوروی شد و مدرک خلبانی گرفت. با آغاز مسابقه‌های فضایی بین دو ابرقدرت، که شوروی در آن از آمریکا جلوتر بود، گاگارین یکی از چند نفری بود که به‌طور محرمانه، برای رفتن به فضا آموزش دید و فرصت اولین پروازِ خارج از جوّ زمین را به‌دست آورد. او در دوازدهم آوریل سال ۱۹۶۱م. (بیست و دوم فروردین ۱۳۴۰ه.ش.) با قمر مصنوعیِ **وستوک** به فضا پرتاب شد و بر مداری به دور زمین گردش کرد. سرعت سفینه روی مدار ۲۸ هزار کیلومتر در ساعت و ارتفاعش از زمین حداکثر ۳۰۱ کیلومتر بود. گاگارین یک ساعت و ۴۱ دقیقه در فضا بود و بعد به زمین بازگشت. در پی این موفقیت، گاگارین به یک چهره‌ی جهانی و نیز قهرمان ملی روسیه تبدیل شد و جایزه‌ی لنین را دریافت کرد. او در سال ۱۹۶۸، در پی سقوط هواپیمایش کشته شد. پس از گاگارین، دومین فضانوردی که توانست به فضا برود، **جان گلن** آمریکایی بود که یک سال بعد موفق به این کار شد.



سفر یوری گاگارین به فضا نقطه‌ی آغاز عصر فضا بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آرمسترانگ ، گلن



گالیله، گالیلئو

(۱۶۴۲ ـ ۱۵۶۴م.)

فیزیک‌دان و ستاره‌شناس ایتالیایی

گالیله در شهر پیزا، که به سبب برج کجش

شهرت دارد، به‌دنیا آمد. در جوانی روزی در کلیسا با نگریستن به چلچراغی آویخته از سقف، که نوسان می‌کرد، دریافت که زمان نوسان‌های یک آونگ (دامنه‌ی نوسان هر اندازه که باشد) مقداری ثابت است. بعدها **هویگنس** از این کشف گالیله استفاده کرد و ساعت آونگ‌دار را اختراع کرد. گالیله، علاوه بر این **قانون سقوط اجسام** را کشف کرد و نیز با تلسکوپی که خود اختراع کرده بود، نخستین بار پستی‌ها و بلندی‌های ماه را به چشم دید. اما کار اصلی گالیله آشکار ساختن **نظریه‌ی خورشیدمرکزی** است که پیش از او کپرنیک از آن خبر داده بود و گالیله آن را اعلام و اثبات کرد. بر اساس نظریه‌ی خورشیدمرکزی، خورشید در مرکز منظومه‌ی شمسی است و زمین و سیارات دیگر به دور آن می‌چرخند. در حالی که تا پیش از آن، همه عقیده داشتند که خورشید دور زمین می‌چرخد. ارباب کلیسا که این نظر را مخالف با تعالیم دین مسیح و آیین کلیسا می‌دانستند از این نظریه‌ی گالیله برآشفتند و او را به محاکمه کشیدند. گالیله هم چاره‌ای ندید جز این‌که برای نجات جان خود توبه کند و در ظاهر حرفش را پس بگیرد. گالیله از پیش‌گامانِ استفاده از روش علمی برای مطالعه در علوم است.

▶ گالیله را برای چیزی محاکمه کردند که امروزه بچه‌های دبستانی هم آن را می‌دانند و قبول دارند!

هم‌چنین نگاه کنید به:
تیکو براهه ، کپرنیک ، کپلر ، هویگنس

گاندی، مهاتما

(۱۹۴۸ ـ ۱۸۶۹ م.)

رهبر استقلال هند

نامش موهاندس کرمچند گاندی بود و در یک خانواده‌ی هندو در ایالت گُجَرات متولد شد. در ۱۸ سالگی با اجازه‌ی مادرش به شرط این‌که گوشت نخورد و شراب نیاشامد، به انگلستان رفت و در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد. سپس به هند بازگشت و **حزب کنگره** را با هدف فعالیت سیاسی و قانونی تأسیس کرد. گاندی برای گذران زندگی به شغل وکالت مشغول شد. اما پس از سه سال، به آفریقای جنوبی رفت و وکیل حقوقی یک شرکت بزرگ شد و ۲۰ سال در آن‌جا ماند. وقتی به هند بازگشت که کشورش هم‌چنان در استعمار دولت انگلستان قرار داشت. او ابتدا مخالف انگلیسی‌ها نبود؛ ولی وقتی مبارزه‌ی مردم را در راه استقلال دید، به‌ویژه وقتی که انگلیسی‌ها به روی مردم آتش گشودند و ۴۰۰ نفر را کشتند، عقیده‌اش عوض شد. به این سبب، فعالیت‌های حزب خود را در مسیر مبارزه با انگلیسی‌ها قرار داد. شیوه‌ی او در مبارزه، **نداشتن خشونت** بود و هرگز مردم را به خراب‌کاری، درگیری و مانند این‌ها تشویق نکرد. به هم‌زیستی مسلمانان با هندوها علاقه داشت و در این راه بسیاری از رهبران مسلمان نیز با او همکار و هم‌فکر بودند. گاندی نهضت ضد استعماری بسیار وسیعی را علیه سلطه‌ی انگلستان بر هند رهبری کرد. سرانجام پس



▲ اهیمسا یا عدم خشونت، شیوه‌ای بود که گاندی در مبارزه پیش گرفت و سرانجام از طریق آن استقلال هند را به‌دست آورد.

از ۳۰ سال، تلاش‌های او به نتیجه رسید و هند در سال ۱۹۴۷ میلادی آزادی و استقلال خود را بازیافت و **جواهر لعل نهرو** به نخست‌وزیری برگزیده شد. یک سال بعد از استقلال، گاندی به ضرب گلوله‌ی یک هندوی متعصب، که مخالف وحدت هندوها و مسلمانان بود، از پای درآمد. گاندی به معنای **روح بزرگ** است و این نام را تاگور، شاعر بزرگ هند، به او داده بود.

همچنین نگاه کنید به:
تاگور ، جناح ، نهرو



گاوس، کارل گوستاو

(۱۸۵۵ _ ۱۷۷۷ م.)
ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و اخترشناس آلمانی

گاوس فرزند یک بافنده‌ی فقیر در برونشوایک آلمان بود. پدر، حتی پولی برای فرستادن بچه‌اش به مدرسه نداشت؛ اما خوش‌بختانه دوک یا حاکم برونشوایک قبول کرد که هزینه‌ی تحصیل کارل را بپردازد و او به مدرسه رفت. گاوس روزی در مدرسه حاصل جمع اعداد ۱ تا ۱۰۰ را (با جمع رشته‌ی... و ۹۷ + ۳ و ۹۸ + ۲ و ۹۹ + ۱) چنان به سرعت حساب کرد که موجب شگفتی معلمانش شد. به این ترتیب، بسیار سریع پیش‌رفت کرد و سرانجام دکترای ریاضی گرفت و مسئول رصدخانه‌ی گوتینگن در غرب آلمان شد و تا آخر عمر در این سِمت باقی ماند. دامنه‌ی مطالعات و پژوهش‌های علمی گاوس بسیار وسیع و متنوع بود: هندسه، حساب، جبر، آمار، ستاره‌شناسی، فیزیک، مکانیک، مغناطیس، نورشناسی، نقشه‌برداری و حتی پیام‌رسانی از طریق سیم یا تلگراف، که این آخری سال‌های بسیار بعد از او عملی شد. مطالعات گاوس بر اندیشه‌های علمی و ریاضیات در اروپا تأثیر زیادی گذاشت و نسل‌های بعدی را نیز تحت تأثیر قرار داد. بعضی عقیده دارند که اگر گاوس نبود، چه بسا اینشتین نمی‌توانست در قرن بیستم **نظریه‌ی گرانش** خود را به صورت منظم و قاعده‌بندی شده ارائه دهد. امروزه یکی از واحدهای شدت مغناطیس زمین را گاوس می‌نامند. یک تسلا ۱۰ هزار برابر گاوس است.

همچنین نگاه کنید به:
اینشتین ، تسلا ، ژرمن ، کانتور



گدار، آندره

(۱۹۶۵ _ ۱۸۸۱م.)
معمار و باستان‌شناس فرانسوی

گدار دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس بود. سال‌های جنگ اول جهانی را در مصر گذراند. در زمان رضاشاه با همسرش به ایران آمد و آن هنگامی بود که فعالیت‌های باستان‌شناسی و گرایش‌های باستان‌گرایی در ایران رونق گرفته بود. گدار سرپرست خدمات باستان‌شناسی در ایران شد و سال‌ها در این مسئولیت باقی ماند. در حقیقت، او باستان‌شناسی جدید را در ایران بنیان نهاد. نقشه‌ی معماری موزه‌ی ایران باستان را طراحی کرد و خودش آن را ساخت و نخستین رئیس آن شد. گدار مرمت چند بنای معماری مهم ایران مانند مسجد جامع، مسجد شاه و مسجد شیخ لطف‌الله را در اصفهان به‌عهده گرفت. طراحی محوطه‌ی دانشگاه تهران و تأسیس دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران نیز از کارهای اوست. هنگامی که در سال ۱۳۲۰ه.ش.، گنجینه‌ی بزرگی از طلا، نقره، عاج و دیگر اشیای گران‌قیمت از روستای **زیویه** در کردستان کشف شد، گدار در مورد آن اشیا مطالعه کرد و در این زمینه، کتابی نوشت. این معمار و باستان‌شناس بزرگ پس از بازگشت به کشور خود، درباره‌ی تاریخ تکامل معماری ایران، کتابی به نام **هنر ایران** نوشت.

همچنین نگاه کنید به:
مصطفوی کاشانی



گریم، جاکوب و ویلهلم

جاکوب (۱۸۶۳_۱۷۸۵م.)
ویلهلم (۱۸۵۹_۱۷۸۶م.)
نویسندگان فولکلوریک آلمانی

این دو برادر، در دانشگاه در رشته‌ی حقوق تحصیل می‌کردند. در همان زمان، وقتی با داستان‌های عامیانه‌ی آلمانی، به‌ویژه داستان‌های مربوط به جن و پری آشنا شدند، آن‌قدر به آن‌ها علاقه یافتند که تصمیم گرفتند هر چه از این داستان‌ها وجود دارد، گردآوری و منتشر کنند. بنابراین در هر فرصتی، به میان مردم می‌رفتند و با شنیدن داستان‌هایی از زبان مردم، آن‌ها را جمع‌آوری می‌کردند. آنان حدود ۲۰۰ داستان را به صورت کتابی به نام **قصه‌های برادران گریم** منتشر کردند. این داستان‌ها خیلی زود در میان مردم، به‌خصوص کودکان مشهور و پرطرفدار شد و به زبان‌های دیگر هم ترجمه گردید. کار برادران گریم در کشورهای دیگر نیز سرمشق پژوهشگران فرهنگ عامیانه قرار گرفت. از جمله در ایران، کسانی مانند صادق هدایت، صبحی مهتدی و ابوالقاسم انجوی شیرازی، دست به چنین کاری زدند.



▲ تصویری از یکی از داستان‌های عامیانه‌ای که برادران گریم از مردم محلی در آلمان شنیدند و آن را نوشتند.

برادران گریم به جز گردآوری داستان‌ها، یک **فرهنگ زبان آلمانی** بسیار حجیم هم تألیف کردند.

همچنین نگاه کنید به:
صبحی مهتدی ، هدایت



گُشتاسب

پادشاه کیانی

گُشتاسب فرزند لُهراسب، پادشاه کیانی بود. تخت پادشاهی را از پدرش خواست ولی پدر به او نداد؛ به این سبب گشتاسب به روم رفت. در آن‌جا شایستگی نشان داد و کتایون، دختر قیصر روم را به همسری گرفت و به ایران بازگشت. لهراسب، که لیاقت و کاردانی پسرش را دید، از پادشاهی کناره گرفت و مملکت را به او داد. خودش هم به معبد نوبهار رفت و به عبادت مشغول شد. واقعه‌ی مهم زمان گشتاسب، ظهور زردشت است. گشتاسب دین زردشتی را پذیرفت و به پسرش اسفندیار دستور داد این دین را در همه‌جا بگستراند و در شهرها آتشکده بسازد و اسفندیار چنین کرد. جنگ **رستم و اسفندیار**، که از داستان‌های زیبای شاهنامه‌ی فردوسی است، در زمان گشتاسب رخ داده است. اسفندیار به دستور گشتاسب به جنگ رستم رفت که ماجرایی پرکشش دارد.

همچنین نگاه کنید به:
اسفندیار ، رستم ، زردشت

▼ گشتاسب و فرزندش اسفندیار، آیین زردشت را گسترش دادند.





گلپایگانی، سیدمحمدرضا

(۱۳۷۲ _ ۱۲۷۶ هـ.ش.)

فقیه و مرجع تقلید

در روستای گوگد گلپایگان چشم به‌جهان گشود. مراحل اولیه‌ی تحصیل علوم دینی را در زادگاهش گذراند و در ۲۰ سالگی به سلطان‌آباد، که بعدها اراک نام گرفت، نزد آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی رفت و به تحصیل ادامه داد. چند سال بعد هم با او همراه شد و در قم اقامت گزید. آیت‌الله گلپایگانی از نظر زهد و تقوا و علم از سرآمدان حوزه‌ی قم بود و پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، در شمار مراجع تقلید بزرگ قرار گرفت و اداره‌ی بخش مهمی از حوزه‌ی علمیه را عهده‌دار شد. در ماجرای نهضت ۱۵ خرداد، با امام خمینی کاملاً هم‌ساز و همراه بود و این همراهی را تا پایان عمر حفظ کرد. تلاش‌های بسیاری در جهت حفظ، احیا و ایجاد کانون‌های علمی، دینی و قرآنی، از جمله احداث مسجد، مدرسه، کتاب‌خانه و... به عمل آورد. او در مقام یک استاد فقه، شاگردان بسیاری تربیت کرد. از اقدامات مهم آیت‌الله گلپایگانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: توسعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه در قم، تأسیس بیمارستان در قم، تأسیس حوزه‌ی علمیه در قروه و سنقر کردستان، تأسیس حسینیه در سنندج، احداث مسجد جامع در الیگودرز لرستان، احداث مسجد و کتاب‌خانه در فریدون‌کنار، اعزام مبلغ به خارج و انتشار کتاب‌های مفید و اداره‌ی امور مالی طلّاب حوزه‌های دینی. هنگامی که امام خمینی درگذشت، آیت‌الله گلپایگانی بر پیکر او در مصلای تهران نماز خواند. او در قم درگذشت و در حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه(س) به خاک سپرده شد.



گلچین گیلانی

(۱۳۵۱ ـ ۱۲۹۰هـ.ش.)

شاعر معاصر

نامش مجدالدین میرفخرایی، معروف به گلچین گیلانی است. در رشت به‌دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران به پایان رساند و از دانش‌سرای عالی در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی لیسانس گرفت. سپس به انگلستان رفت و پزشکی خواند و دکتر شد و در همان‌جا به خدمت مشغول گردید. گلچین از کودکی طبع شعر داشت. اشعار دوره‌ی نوجوانی او در نشریه‌های محلی گیلان مانند **مجله‌ی فروغ** چاپ می‌شد. **ابراهیم فخرایی**، منشی میرزا کوچک‌خان و نویسنده‌ی تاریخ نهضت جنگل، گلچین را در سرودن شعر راهنمایی و اشعارش را چاپ می‌کرد. آنچه نام گلچین گیلانی را برای نسل حاضر خاطره‌انگیز کرده است، درج شعر زیبای او، **باران**، در کتاب چهارم دوره‌ی ابتدایی است که طی بیش از دو دهه ذهن و زبان کودکان ایران را سرشار از احساس می‌کرد. از گلچین مجموعاً پنج دفتر شعر برجای مانده است: **باران**، **نهفته**، **مهر و کین**، **گلی برای تو** و **بازگشت**. گلچین در لندن درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

میرزا کوچک‌خان



گلشیری، هوشنگ

(۱۳۷۹ ـ ۱۳۱۶هـ.ش.)

نویسنده

در خانواده‌ای کارگر، در اصفهان به‌دنیا آمد. پیش از آن که وارد دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان شود، در جلسات انجمن ادبی صائب شرکت می‌کرد. از این طریق با چند تن از شاعران و نویسندگان نوگرا آشنا شد. گلشیری دبیر ادبیات مدارس اصفهان بود. در مبارزه‌های سیاسی حضور داشت و به حزب توده مایل بود. چند بار دستگیر شد و به زندان افتاد. اثری که موجب شهرت بیش‌تر او شد، داستان **شازده احتجاب** بود که **بهمن فرمان‌آرا** از روی آن فیلمی ساخت. شازده احتجاب روایتی از انقراض شاهزاده‌های دودمان قاجار است که به شیوه‌ی غیرمألوفِ جریان سیّال ذهن روایت می‌شود. گلشیری بعد از انقلاب اسلامی فعالیت‌های ادبی و فرهنگی خود را در تهران متمرکز کرد. جلسات عمومی شعر و داستان دایر کرد و کلاس‌های داستان‌نویسی به راه انداخت. به‌جز شازده احتجاب، دیگر داستان‌های او عبارت است از: **معصوم پنجم**، **جبّه‌خانه**، **آینه‌های دردار** و **جن‌نامه**. گلشیری سردبیر ماه‌نامه‌ی ادبی **کارنامه** نیز بود. بر ادبیات کلاسیک و کهن ایران مسلّط بود و با جریان‌های ادبی روز جهان نیز آشنایی زیادی داشت. در پی ابتلا به بیماری مننژیت درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

افغانی ، ساعدی ، محمود



گل‌گلاب، حسین

(۱۳۶۴ ـ ۱۲۷۴هـ.ش.)

گیاه‌شناس و سراینده‌ی سرود «ای ایران»

گل‌گلاب فرزند میرزا مهدی‌خان مصوّرالملک، نقاش و عکّاس دوره‌ی قاجار، بود. گل‌گلاب نام محلی در نزدیکی بهبهان است. حسین گل‌گلاب در تهران به دنیا آمد. در مدرسه‌ی دارالفنون تحصیل کرد. زبان‌های انگلیسی، فرانسه و روسی آموخت و به تدریس در دارالفنون مشغول شد. او مانند پدرش اهل هنر و ادب بود. در رشته‌های حقوق سیاسی، حقوق قضایی و علوم تحصیل کرد. اما تخصّص اصلی‌اش گیاه‌شناسی و استاد این رشته در دانشگاه تهران بود. موسیقی نیز می‌دانست و با انجمن موسیقی ملی همکاری داشت. شعر زیبای **ای ایران** را در دوره‌ی جنگ جهانی دوم و زمان اشغال ایران به‌دست متفقین و در واکنش به ستمی که آمریکایی‌ها بر مردم ایران روا می‌داشتند، سرود. سپس آن را به روح‌الله خالقی سپرد که با صدای بنان، کاری ماندگار از خود بر جای گذاشت. گل‌گلاب سروده‌های دیگری نیز دارد که در کتاب‌های درسی ابتدایی آن زمان چاپ شده است. او عضو نخستین فرهنگستان زبان ایران و دبیر آن بود. با زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، روسی و عربی آشنا بود و کتاب **مشخصات جغرافیایی طبیعی ایران** اثر م. پتروف را از روسی به فارسی ترجمه کرد. اثر بزرگ دکتر گل‌گلاب کتاب **گیا**، راهنمای گیاه‌شناسی ایران است که در دانشگاه تهران چاپ شده است. او در ۹۰ سالگی در تهران درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

خالقی



گل‌محمدی، فیروزه

(تولد: ۱۳۳۰هـ.ش.)

نقاش و تصویرگر کتاب کودک

در تهران به‌دنیا آمد. به هنرستان رفت و مدرک کارشناسی معماری داخلی خود را از مدرسه‌ی عالی ساختمان تهران گرفت. پس از پایان تحصیل، به دلیل علاقه‌ای که به نقاشی و گرافیک داشت، تمام وقت و نیروی خود را صرف این رشته‌ی هنری کرد. او تاکنون موفق به دریافت جایزه‌های مهمی از جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های تصویرگران کتاب کودک در داخل و خارج




▲ آثار هنری فیروزه گل‌محمدی بارها در جشنواره‌های داخلی و خارجی مورد تقدیر قرار گرفته است.

شده است. خانم گل‌محمدی کتاب‌های بسیاری را تصویرگری کرده که از میان آن‌ها می‌توان به **ساز جیرجیرک**، **خیاطی آقارضا**، **کلاس دوم ج**، **داستان دوستان**، **زاغی و زیرک**، **پرندگان خونین‌بال حرم**، **شغالی که در خمّ رنگ افتاد** و **فیل در خانه‌ی تاریک** اشاره کرد. کتاب فیل در خانه‌ی تاریک **نشان نقره‌ای کنکور نوما** را از سوی مرکز فرهنگی یونسکو در منطقه‌ی آسیا و اقیانوسیه نصیب او کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کلانتری ، مثقالی



گِلِن، جان

(تولد: ۱۹۲۱م.)

اولین فضانورد آمریکایی

جان گلن از افسران و خلبانان برجسته‌ی ارتش آمریکا بود که در جنگ دوم جهانی شرکت داشت. مردی شجاع بود و از انجام‌دادن کارهای پرخطر لذت می‌برد. برای مثال، در سال ۱۹۵۷، از غرب آمریکا (لس‌آنجلس) تا شرق آن (نیویورک) را با سرعتی بیش از سرعت صوت، یعنی بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر در ساعت، پیمود. گلن یکی از هفت فضانوردی بود که برای نخستین پروازهای فضایی آمریکا آموزش دید. وی در سال ۱۹۶۲، با سفینه‌ی مرکوری به فضا رفت و در مدت ۴ ساعت و ۵۶ دقیقه سه بار کره‌ی زمین را دور زد. با آن‌که در دومین دور، در سفینه‌ی او اشکال فنی پیدا شد، توانست ضمن هماهنگی با مهندسان در روی زمین، بر مشکل غلبه کند و مأموریت خود را به پایان برساند و در اقیانوس اطلس فرود آید. جان گلن بعدها در مقام سناتور دموکرات به مجلس سنای آمریکا راه یافت. در سال ۱۹۹۸، هنگامی که ۷۷ سال داشت، یک بار دیگر در برنامه‌ی فضایی شاتل، به فضا رفت و این برای دانشمندان تجربه‌ای تازه بود که دریابند سفر فضایی چه تأثیری بر افراد سالمند می‌گذارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آرمسترانگ ، گاگارین



گنج‌علی‌خان

(فوت: ۱۰۳۳ه.ق.)

گنج‌علی‌خان از چهره‌های مشهور در میان حاکمان عصر صفوی است. وی از سوی شاه‌عباس صفوی به حکومت کرمان منصوب شد و ۳۰ سال در این شهر حکومت کرد. مردی آبادگر و دین‌دار بود و کرمان در زمان او به اوج آبادانی و شکوفایی رسید. بناهای بسیاری در این شهر ساخت که هنوز باقی است و مشهورترین آن‌ها، مجموعه‌ی گنج‌علی‌خان شامل حمام، مدرسه، بازار، میدان، ضراب‌خانه و کاروان‌سراست. معمار این مجموعه، استاد سلطان محمد معمار یزدی بود. گنج‌علی‌خان در سال‌های آخر زندگی شاه‌عباس، به حکومت قندهار منصوب شد و به آن‌جا رفت. اما دو سال بعد، برحسب تصادف از ایوان خانه‌اش به زیر افتاد و درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اللّه‌وردی خان ، امام‌قلی‌خان



گنجی، محمد حسن

(۱۳۸۷ ـ ۱۲۹۱ه.ش.)

بنیان‌گذار علم جغرافیای جدید در ایران

در بیرجند به‌دنیا آمد. در مدرسه‌ی شوکتیّه درس خواند. برای ادامه‌ی تحصیل به تهران رفت و از دارالمعلمین عالی (دانش‌سرای عالی بعدی) در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفت. آن‌گاه به انگلستان رفت و در دانشگاه ویکتوریا، در شهر منچستر، جغرافیا خواند. هنگامی که به ایران بازگشت، به آموزش جغرافیا در مدارس مشغول شد. بعدها درجه‌ی دکتری جغرافیا را از دانشگاه کلارک در ماساچوست آمریکا گرفت. دکتر گنجی را می‌توان استاد استادان جغرافیا در

ایران دانست. او مؤسس **انجمن جغرافی‌دانان ایران** است. ۱۲ سال ریاست اداره‌ی کل هواشناسی ایران را به‌عهده داشت، از استادان ممتاز دانشگاه تهران نیز هست. در سال ۱۳۷۹، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، با برگزاری مراسمی، از خدمات علمی و فرهنگی دکتر گنجی تقدیر کرد. **اطلس اقلیمی ایران**، **بستر جغرافیایی تاریخ ایران** و **جنگ و جغرافیا** (ترجمه) از آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
علم (شوکت‌الملک)



گنجینه، حسین

(تولد: ۱۲۹۶ه.ش.)
استادِ هنر باتیک و چاپ سیلک‌اسکرین

گنجینه در گنجه از شهرهای جمهوری آذربایجان متولد و در ایران بزرگ شده است. پدرش کارگاه چاپ باتیک داشت و گنجینه نزد او آموزش دید. در ۳۴ سالگی به دعوت دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران، مربی آموزش چاپ باتیک شد. سپس در سال ۱۳۳۷، اولین کارگاه چاپ سیلک‌اسکرین را دایر کرد. او، که استاد درجه اول این هنر به‌شمار می‌رود، ۲۵ تکنیک جدید در چاپ باتیک و سیلک ابداع کرده که برایش شهرتی جهانی به همراه آورده است. گنجینه دارای درجه‌ی دکترای افتخاری از دانشگاه تهران و نشان درجه یک هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.



گوتال، جورج واشنگتن

(۱۹۲۸ ـ ۱۸۵۸م.)
مسئول احداث کانال پاناما

گوتال متولد نیویورک بود. در رشته‌ی مهندسی تحصیل کرد و در بخش مهندسی ارتش آمریکا به کار مشغول شد و در دانشگاه نظامی نیز به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۰۷ تئودور روزولت، رئیس جمهوری آمریکا، او را مسئول پروژه‌ی احداث کانال پاناما کرد و گوتال توانست یک سال پیش از تاریخ پیش‌بینی شده، در سال ۱۹۱۴ ساختِ کانال را به طول ۸۲ کیلومتر بین اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام به پایان برساند. ساخت کانال پاناما موجب شد فاصله‌ی بین دو اقیانوس برای کشتی‌رانی بسیار کوتاه شود. قدرت مدیریت گوتال در احداث کانال، مورد تحسین بسیاری از مهندسان و روزنامه‌نگاران قرار گرفت و خودش از سوی رئیس‌جمهوری آمریکا، به سمت فرمان‌دار ارشد ناحیه‌ی کانال منصوب شد. در جنگ دوم جهانی یک کشتی جنگی آمریکا را به افتخار او گوتال نامیدند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دِلسپس



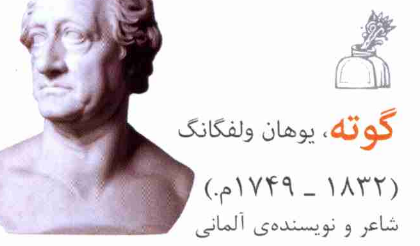
گوتنبرگ، یوهانس

(۱۴۶۸ ـ ۱۴۰۰م.)
بنیان‌گذار صنعت چاپ

این صنعت‌گر و مخترع آلمانی را، برخی یکی از ۱۰ نفری می‌دانند که چهره‌ی هزاره‌ی دوم را تغییر داده‌اند. گوتنبرگ جواهرساز بود و در تراشیدن و شکل دادن سنگ‌ها، جواهرات و فلزات گران‌بها مهارت داشت. در ضمن همین کار، به فکر اختراع ماشین چاپ افتاد. او پس از دریافت وام و به کار انداختن سرمایه و کار و تلاش بسیار، سرانجام موفق شد اولین ماشین چاپ را بسازد. گوتنبرگ، در حدود ۱۸۰ نسخه انجیل در چاپ‌خانه‌ی خود چاپ کرد که در حال حاضر، ۴۶ جلد از آن‌ها در کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها وجود دارد. صنعت چاپ گوتنبرگ سرآغاز تولید انبوه کتاب و آغاز گسترش سوادآموزی عمومی به‌شمار می‌رود.

▼ گوتنبرگ یکی از کسانی بود که سبب شد چهره‌ی هزاره‌ی دوم میلادی تغییر کند.





گوته، یوهان ولفگانگ

(۱۸۳۲ ـ ۱۷۴۹م.)
شاعر و نویسنده‌ی آلمانی

در فرانکفورت آلمان، در خانواده‌ای مرفّه و ثروت‌مند به‌دنیا آمد. پدرش حقوق‌دان بود و گوته نیز تحصیلاتش را در رشته‌ی حقوق آغاز کرد. به این سبب، برای ادامه‌ی تحصیل به استراسبورگ در فرانسه رفت. در آن‌جا با کتاب مقدس و به خصوص قرآن کریم و نیز با **هِردر**، مترجم گلستان سعدی آشنا شد. علاوه بر این با شیلر، نویسنده‌ی شهیر آلمانی هم، در سال ۱۷۸۸م. آشنا شد و این دوستی تا پایان عمر ادامه داشت. هردر تفکر شاعری گوته را تغییر داد و شیلر، نیروی شاعری در او دمید و قدرت خلاقیتش را به او بازگرداند. گوته ۶۵ سال داشت که ترجمه‌ی دیوان حافظ به او رسید و شیفته‌اش کرد. تا جایی که او را به سرودن **دیوان شرقی** ترغیب کرد که در آن، از حافظ بسیار ستایش کرده است. مهم‌ترین اثر گوته، نمایش‌نامه‌ی **فاوست** است. فاوست شخصیتی شناخته شده در ادبیات اروپاست و جادوگر یا دانشمندی است که برای

دست‌یابی به تمام اسرار جهان، روح خود را به شیطان می‌فروشد. جایگاه گوته در ادبیات آلمان، نظیر جایگاه دانته در ادبیات ایتالیایی و جایگاه شکسپیر در ادبیات انگلیسی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دانته ، شکسپیر ، فاوست




گودارد، روبرت

(۱۹۴۵ ـ ۱۸۸۵م.)
مخترع آمریکایی و پدر علم موشک

گودارد تنها فرزند خانواده‌اش بود و از کودکی علاقه‌ی زیادی به پرواز نشان می‌داد. در نوجوانی، در پی خواندن داستان‌های علمی ـ تخیّلی، به مطالعه درباره‌ی فضا علاقه‌مند شد. هنگامی که در دانشگاه کلارک مدرک دکترای فیزیک گرفت، در همان دانشگاه آزمایش‌های مرتبط با راکت را انجام داد و برای نخستین بار، دریافت که می‌توان در خلأ هم نیروی محرکه‌ی پیش‌برنده ایجاد کرد. به دنبال آن، اولین راکت با سوخت مایع را ساخت و به فضا پرتاب کرد. این راکت که تنها ۲/۵ ثانیه و تا ارتفاع ۱۲/۵ متر پرواز کرد، آغازی بر عصر موشک‌ها بود. باید دانست که موشک همان راکت است؛ با این تفاوت که می‌توان موشک را در فضا هدایت کرد. در جنگ دوم جهانی، گودارد به ارتش آمریکا پیشنهاد همکاری در زمینه‌ی تحقیق در ساخت موشک‌ها را داد؛ ولی به پیشنهاد او توجهی نشد. در همین حال، جاسوسان آلمان نازی از نتایج تحقیقات و فعالیت‌های او استفاده کردند و این سبب شد که آلمانی‌ها نخستین موشک‌ها را ساختند و حتی پاره‌ای از نقاط اروپا را هدف قرار دادند. گودارد بر اثر سرطان حنجره درگذشت. سال‌ها پس از مرگ او، یک مرکز فضایی در آمریکا و هم‌چنین یکی از چاله‌های ماه، گودارد نامیده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
براون (فون)



گورکی، ماکسیم

(۱۹۳۶ ـ ۱۸۶۳ م.)
نویسنده‌ی انقلابی روس

کودکی ماکسیم گورکی در یتیمی، فقر و سختی گذشت. با این حال مادربزرگ مهربان و فهمیده‌اش، با قصه‌های دل‌انگیزی که برای نوه‌اش می‌گفت، شوق به زندگی را در دل او زنده نگه داشت. گورکی به مدرسه نرفت و تحصیل نکرد؛ بلکه به‌طور خودجوش و خودآموز و نیز با کار کردن، مطالعه، سفرهای بسیار و گفت‌وگو با مردم، چیزهای زیادی آموخت. او به ادبیات علاقه‌ی زیادی داشت و با **لئو تولستوی** و **آنتون چخوف**، نویسندگان بزرگ زمان خود، آشنایی و رابطه پیدا کرد. چخوف نخستین داستان گورکی را بسیار پسندید و او را تشویق کرد. گورکی نویسنده‌ای کمونیست و انقلابی بود و نوشته‌هایش در به وجود آمدن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه تأثیر داشت. او از نویسندگان بزرگ قرن بیستم به شمار می‌رود. **مادر، سه رفیق، دوران کودکی** و **دانشکده‌های من** از آثار مهم اوست. پس از پیروزی کمونیست‌های شوروی، نام شهر زادگاه او نوژنی نووگراد را به گورکی تغییر دادند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تولستوی ، چخوف

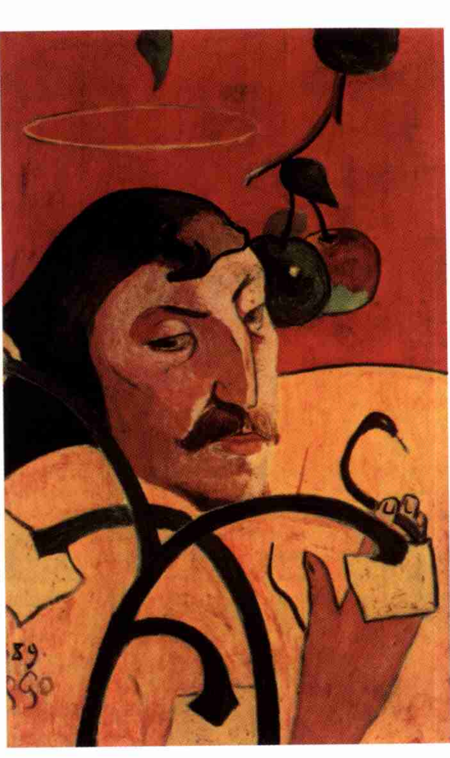


گوگن، پل

(۱۹۰۳ ـ ۱۸۴۸ م.)
نقاش هلندی

گوگن هنرمندی است که به نقاشی معنای تازه‌ای بخشید و در هنر قرن بعد از خود در اروپا تأثیری مهم و سازنده بر جای گذاشت. در پاریس به‌دنیا آمد؛ ولی چون مادرش اهل پرو بود، کودکی را در لیما پایتخت آن کشور گذراند. چندی در ناوگان بازرگانی فرانسه و سپس در یک مؤسسه‌ی مالی کار کرد. او با درآمد خوبی که داشت، نخست به خرید

▼ پل گوگن از سال ۱۸۹۱ به بعد، در تاهیتی به سر برد. سپس به جزایر مارکیز، نزدیک تاهیتی، رفت و تا دو سال قبل از مرگش در آن‌جا بود. مردم آن مناطق و رنگ‌های آن محیط، الهام‌بخش گوگن در مشهورترین آثار او بودند.



تابلوهای نقاشان امپرسیونیست پرداخت. اما در ۳۵ سالگی خودش به کشیدن نقاشی روی آورد. او حتی همسر و فرزندانش را رها کرد و به جزیره‌ی تاهیتی در اقیانوس آرام رفت و با نقاشی از مردم محلی سبک تازه‌ای در نقاشی به‌وجود آورد. سرانجام در جزایر مارکیز، در اقیانوس آرام، در فقر و تنهایی درگذشت. رنگ در آثار گوگن، به‌ویژه آثاری که در تاهیتی کشیده، اهمیت خاصی دارد و به شیوه‌ای برای بیان احساسات و افکارش تبدیل شده است. از آثار اوست: **مسیح زرد**، **تجلی پس از موعظه** و **از کجا می‌آییم؟ چه هستیم؟ کجا می‌رویم؟**.

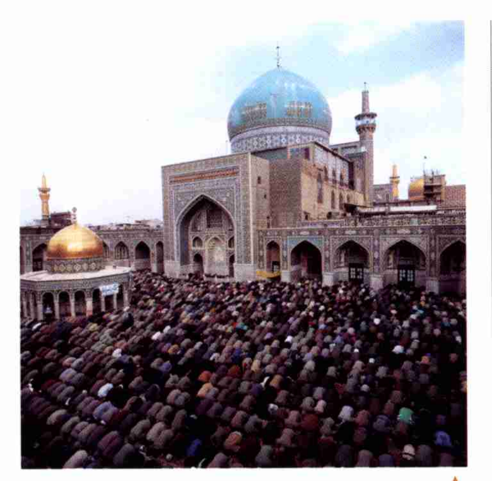
هم‌چنین نگاه کنید به:
ون‌گوگ



گوهرشاد

قرن نهم هجری
بانی مسجد گوهرشاد

گوهرشاد همسر شاهرخ و شاهرخ پسر امیر تیمور گورکانی بود. او و همسرش و دو پسر آن‌ها، **بایسنقرمیرزا** و **الغ‌بیگ** اهل دانش و فرهنگ و عمران و آبادانی بودند. گوهرشاد در هرات مسجد جامع، مدرسه‌ای بزرگ و یک خانقاه ساخت. در مشهد نیز مسجد گوهرشاد و چند رواق ساخت که بر شکوه معماری مجموعه‌ی آستان قدس رضوی افزود. گوهرشاد ندیمه‌ای به نام **پری‌زاد** داشت که پس از پایان ساختمان مسجد گوهرشاد، با استفاده از باقی‌مانده‌ی مصالح ساختمانی آن، مدرسه‌ی پری‌زاد را ساخت. این مدرسه‌ی کوچک، که معماری زیبایی دارد، در دل مجموعه بناهای آستان قدس و در کنار حرم حضرت رضا(ع) قرار گرفته و تا امروز محل آموزش علوم دینی بوده است. گوهرشاد پس از مرگ شاهرخ، تا مدتی در امان بود؛ ولی سرانجام به دست سلطان ابوسعید به قتل رسید. او را در صحن مسجد جامع هرات، در کنار پسرش بایسنقر میرزا، به خاک سپردند.



مسجد گوهرشاد در کنار حرم مطهر امام رضا(ع)

هم‌چنین نگاه کنید به:
تیمور لنگ

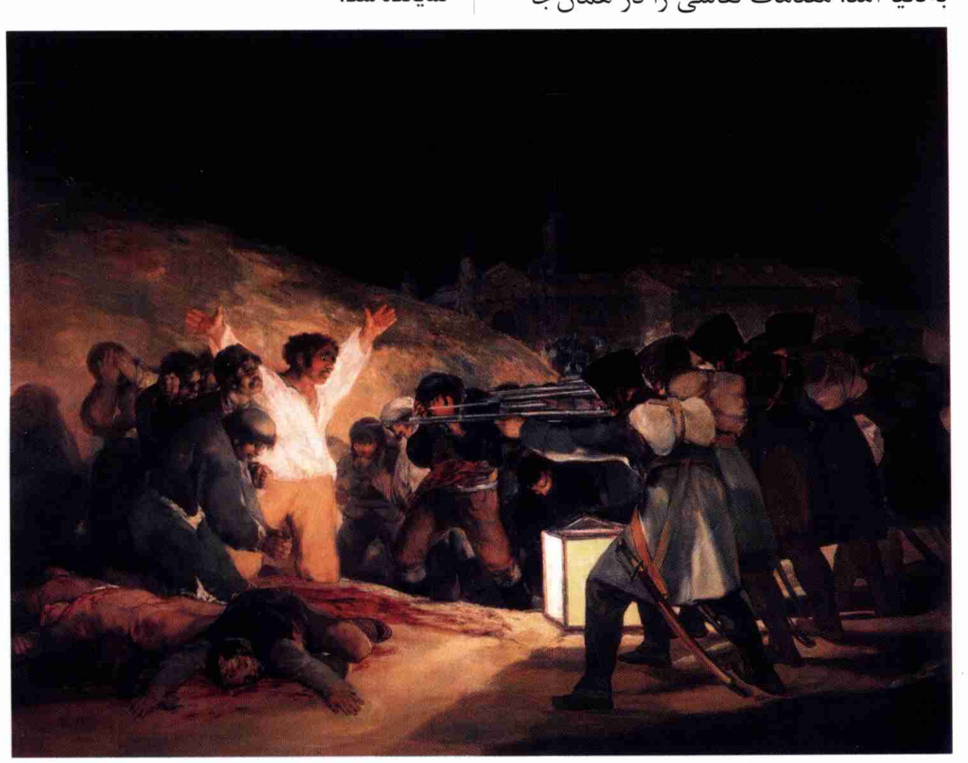


گویا، فرانسیسکو

(۱۸۲۸ ـ ۱۷۴۶م.)
نقاش اسپانیایی

در یکی از شهرهای اسپانیا، به نام ساراگُسا، به‌دنیا آمد. مقدمات نقاشی را در همان‌جا فراگرفت. سپس به مادرید رفت و به تکمیل آموخته‌های خود پرداخت. نقاشی‌هایی که گویا برای کلیسای ساراگسا کشید و نیز کارهای هنری که برای دربار اسپانیا طراحی کرد، او را مشهور کرد. هم‌چنین سبب شد به گنجینه‌ی آثار هنری دربار پادشاه اسپانیا و آفرینش‌های نقاشان بزرگ دست یابد. سرانجام نقاش دربار شد و چهره‌ی بسیاری از افراد خانواده‌ی سلطنتی را نقاشی کرد. گویا در اواسط عمر بیماری مرموزی گرفت که بر اثر آن تا پایان عمر کر شد. علاوه بر این، هجوم ارتش ناپلئون به اسپانیا هم بحران بزرگی در زندگی گویا به‌وجود آورد که آن را در آثارش بازتاب داد. یکی از این آثار، تابلو **اعدام شورشیان**

«سوم ماه مه» اثر فرانسیسکو گویا.
پس از این‌که ناپلئون در سال ۱۸۰۸ به اسپانیا حمله کرد، مردم مادرید حمله‌ای بی‌ثمر را برضد او سازمان دادند که در آن، عده‌ی زیادی کشته شدند. این نقاشی، که گویا آن‌را در طول سه ماه کشید، هنر جنگ را دگرگون ساخت. زیرا پیش از آن، شاهان، ژنرال‌ها و سیاست‌مداران موضوع نقاشی‌های جنگی بودند؛ اما در این اثر، انسانی معمولی اهمیتی قهرمانانه و نیمه‌الهی یافت و جوخه‌ی آتش نیز در حکم وسیله‌ای برای سرکوب وحشیانه‌ی مردم نمایانده شد.



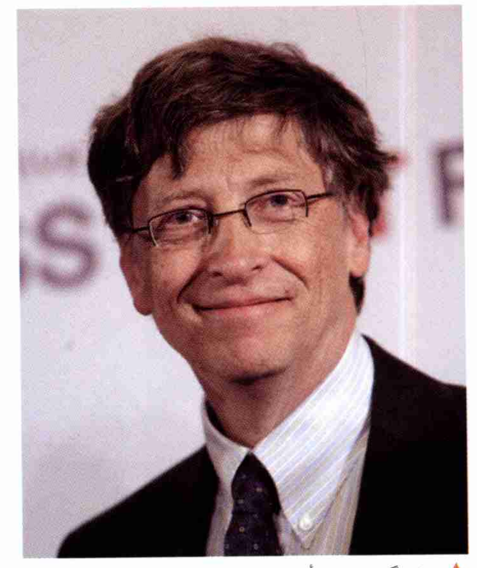
در **سوم ماه مه** است. این اثر در قرن بیستم، روی جلد **رمان خرمگس** جای گرفت و بسیار جلب توجه کرد. گویا در اواخر عمر به فرانسه رفت، در شهر بوردو اقامت گزید و در همان‌جا درگذشت.

گِیتس، بیل

(تولد: ۱۹۵۵م.)

بنیان‌گذار شرکت مایکروسافت

بیل در شهر سیاتل آمریکا به‌دنیا آمد. پدرش حقوق‌دان و مادرش آموزگار بود. در دوره‌ی دبیرستان با رایانه آشنا شد و از ۱۲ سالگی با دوستش، پل آلن، نوشتن برنامه‌های رایانه‌ای را شروع کرد. در ۱۸ سالگی وارد دانشگاه هاروارد شد؛ ولی پس از یک سال دانشگاه را ترک گفت و با پل آلن، شرکت مایکروسافت را تأسیس کرد. عرضه‌ی اولین سیستم عامل داس (Dos) و سپس ویندوز (Windows) از سوی شرکت مایکروسافت، نقطه‌ی تحول عظیمی در پدیده‌ی رایانه بود و نام شرکت و نام بیل گیتس را بلندآوازه کرد. شرکت مایکروسافت امروزه با ده‌ها هزار کارمند، در ۷۸ کشور، بزرگ‌ترین شرکت رایانه‌ای جهان است و بیل گیتس، از بزرگ‌ترین ثروت‌مندان دنیا به‌شمار می‌رود. بیل گیتس در سال ۱۹۹۴، بنیاد خیریه‌ای را با ۲۴ میلیارد دلار سرمایه تأسیس کرد که در زمینه‌ی کمک به اموری چون آموزش و بهداشت جهانی فعالیت می‌کند. او هنگامی رسماً موفق به گرفتن مدرک لیسانس شد که پیش از آن، چند دکترای افتخاری از دانشگاه‌های جهان دریافت کرده بود. او دو کتاب نیز نوشته است: **جاده‌ی پیش رو** (۱۹۹۵) و **سرعت اندیشه** (۱۹۹۹). بیل گیتس سرانجام خود را بازنشسته کرد تا بتواند به اداره‌ی بنیاد خیریه‌ی خود و ادامه‌ی کمک‌های خیرخواهانه بپردازد.



▲ بیل گیتس با تأسیس شرکت مایکروسافت تحول عظیمی در جهان رایانه و اینترنت به وجود آورد.



گیرشمن، رومن

(۱۸۹۵ ـ ۱۹۷۹ م.)

باستان‌شناس

گیرشمن فرانسوی بود؛ ولی در خارکُف روسیه به‌دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی‌اش در زمینه‌ی باستان‌شناسی بود؛ از این‌رو، در رأس یک هیئت باستان‌شناسی فرانسوی، به ایران آمد. تپه‌های سیَلْک در کاشان، شاپور در کازرون و شوش در خوزستان، پایگاه‌های اصلی فعالیت گیرشمن بودند و حفاری‌هایی را نیز در مسجد سلیمان و چُغازنبیل خوزستان انجام داد. گیرشمن در سال ۱۹۶۵ عضو آکادمی کتیبه‌ها شد. او کتابی به نام **ایران از آغاز تا اسلام** دارد که به زبان فارسی نیز ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

گُدار ، مصطفوی کاشانی



گیلانی، کوشیار

(فوت: ۴۲۰ ه.ق.)

اخترشناس و ریاضی‌دان ایرانی

از تاریخ زندگی کوشیار گیلانی اطلاع دقیقی در دست نیست. اما می‌دانیم که در زمان قابوس وشمگیر زیاری می‌زیسته است. نظامی عروضی در کتاب چهار مقاله از او و ابوریحان بیرونی و ابومَعشَر بلخی نام برده و سعدی نیز در بوستان مطلبی درباره‌ی او آورده است. گیلانی در حساب، نجوم، مثلثات و اُسطُرلاب تألیفاتی داشته است. هشت کتاب از او باقی است که همه را به زبان عربی نوشته است از جمله کتاب **اصول حساب هندسی** باقی است که آن را محمد باقری به فارسی ترجمه کرده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اقلیدس ، جمشید کاشانی ، خوارزمی

گیلگمِش

(هزاره‌ی سوم پیش از میلاد)

اسطوره‌ی سومری

گیلگمش پادشاه شهر باستانی اوراک در میان‌رودان (بین‌النّهرین) بود. نیرویی عظیم داشت و خوی حیوانی و شهوت‌پرستی بر او چیره بود. مردم او را نفرین کردند و از خدایان خواستند او را کیفر دهد. خدایان نیز **آنکیدو** را آفریدند و به زمین فرستادند تا گیلگمش را از میان بردارد. اما آنکیدو چون با گیلگمش روبه‌رو شد، از در دوستی با او درآمد و هر دو بر ضد خدایان هم‌دست شدند. سرانجام آنکیدو مُرد و گیلگمش دچار وحشت شد. از این‌رو، به جست‌وجوی تنها انسانی که خدایان به او عمر جاودان داده بودند و **اوتناپیشتیم** نام داشت، رفت و او را یافت. اوتناپیشتیم

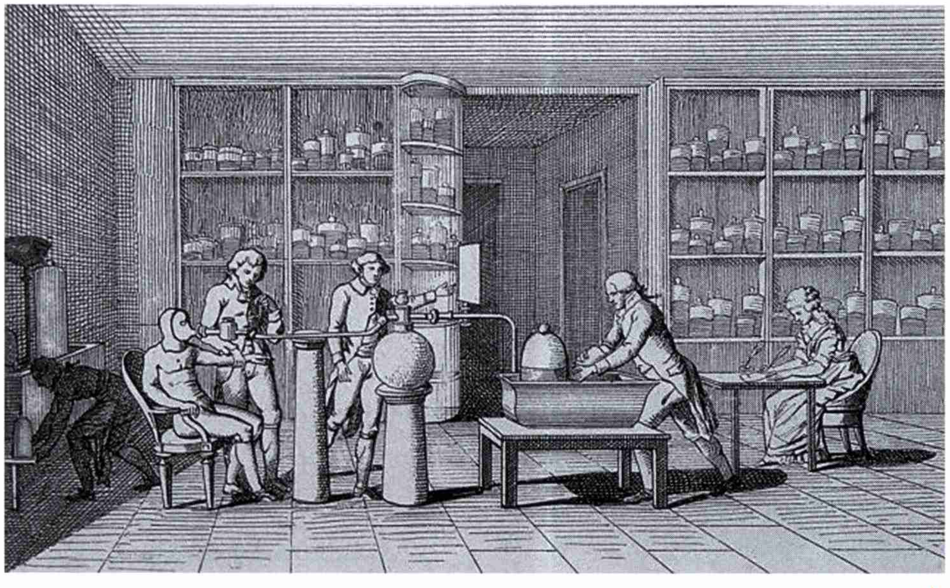
داستان توفان بزرگ و نابودی همه‌ی انسان‌ها و نجات خود را برای او بازگفت و به گیلگمش فهماند که نمی‌تواند عمر جاویدان داشته باشد؛ اما **گیاه جوانی** را به او داد. گیلگمش گیاه جوانی را با خود به اوراک برد تا به مردم بدهد و خودش نیز بخورد تا جوانی خود را بازیابد. اما بر اثر غفلت او، ماری آن گیاه را خورد. گیلگمش نیز ناامید شد و چون به اوراک بازگشت، بیمار شد و مُرد. افسانه‌ی گیلگمش، برخلاف بسیاری از افسانه‌های کهن، بیانی نسبتاً واقعی و انسانی دارد. بسیاری از دانشمندان این داستان را نخستین داستان زندگی انسان به‌شمار می‌آورند. داستان گیلگمش را نخستین بار در حدود ۱۷۰ سال پیش، یک کاوشگر انگلیسی به نام **هنری لایارد** از حفاری در تپه‌ای نزدیک بغداد کشف کرد. در آن‌جا بیش از ۳۰ هزار خشت‌نوشته وجود داشت که معلوم شد کتاب‌خانه‌ی آشور بانیپال، بوده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آشور بانیپال



گیلگمش؛ تلاشی ناموفق در جست‌وجوی عمر جاویدان!



تصویری از آزمایشگاه گیلوساک. او در حال آزمایش بر روی گازهاست.



گیلوساک، ژوزف لوئی

(۱۸۵۰ ـ ۱۷۷۸ م.)

دانشمند فرانسوی

گیلوساک یکی از دانشمندان بزرگ اروپاست که در رشته‌های شیمی، فیزیک و هواشناسی کارهای علمی بزرگی انجام داده است. در سال‌های بحرانی انقلابِ کبیر فرانسه پرورش یافت. با آن‌که در پلی‌تکنیک فرانسه مهندسی عمران خوانده بود، برتوله‌ی شیمی‌دان، استعدادش را کشف و او را به مطالعه و تحقیق در رشته‌ی شیمی هدایت کرد. گیلوساک با مطالعه در زمینه‌ی گازها، به این قانون مهم فیزیک پی برد که «اگر حجم‌های مساوی از چند نوع گاز را به‌طور یکسان حرارت بدهیم، حجم همه به یک اندازه زیاد می‌شود؛ در حالی که در مورد مایعات و جامدات چنین نیست.» این قانون دانشمندان را به کشف یک اصل مهم شیمی هدایت کرد. بنابر این اصل، حجم‌های مساوی از گازهای مختلف در دما و فشار یکسان دارای تعداد اتم‌ها و مولکول‌های برابرند. گیلوساک در کارهای علمی جسارت بسیار داشت. یک بار با دانشمند دیگری سوار بر بالن تا ارتفاع ۶۹۶۰ متری زمین بالا رفت تا ببینند آیا شدّت میدان مغناطیسی زمین، هر چه بالاتر برویم، کاهش می‌یابد یا نه؟ آن دو، دریافتند که این مقدار تا ارتفاع ۴ هزار متری ثابت است و بعد از آن رو به کاهش می‌گذارد. کشف خواص بسیاری از ترکیب‌های شیمیایی، مطالعه‌ی گازها، شناسایی عنصرهای ید و بور تنها بخشی از کارهای گیلوساک است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دالتون



لاپلاس، پیر سیمون

(۱۸۲۷ ـ ۱۷۴۹م.)

ریاضی‌دان و اخترشناس فرانسوی

پیر سیمون لاپلاس را یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان قرون جدید می‌دانند؛ زیرا بر علوم بعد از خود، تأثیر بسیاری گذاشته است. او پسر کشاورز فقیری بود و در نورماندی متولد شد. می‌گویند پس از آن‌که به مقامات بالای علمی و سیاسی رسید، سعی کرد اصالت روستایی خود را مخفی نگه دارد؛ از این‌رو، اطلاعات زیادی در مورد کودکی و نوجوانی او

در دست نیست. او با **دالامبر**، **لاوازیه** و **لاگرانژ**، دیگر دانشمندان برجسته‌ی فرانسوی، همکاری داشت و عضو فرهنگستان علوم پاریس نیز بود. لاپلاس عمر علمی خود را صرف دو رشته کرد: یکی **مکانیک سماوی**، که در آن کارهای نیوتن را ادامه داد و در این زمینه فرضیه‌ی سحابی معروف خود را در مورد پیدایش جهان ارائه داد. دیگری **حساب احتمالات** که باید او را پدر این رشته‌ی مهم دانست. لاپلاس از نظر سیاسی مردی جاه‌طلب و طرفدار قدرت حاکم بود. در زمان ناپلئون، مدتی وزیر کشور شد؛ ولی وقتی ناپلئون اسیر شد، به او پشت کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کانتور ، لاگرانژ ، لاوازیه



لاگرانژ، ژوزف لوئی

(۱۸۱۲ ـ ۱۷۳۶م.)

ریاضی‌دان و اخترشناس ایتالیایی ـ فرانسوی

لاگرانژ و اویلر، از بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان قرن هجدهم‌اند. لاگرانژ تنها فرزند از ۱۱ فرزند پدرش بود که زنده ماند. او در تورینوی ایتالیا به‌دنیا آمد. در فرانسه اقامت گزید و بیش‌ترین کارهای علمی‌اش را در برلین آلمان انجام داد. ابتدا علاقه‌ی شدیدی به ادبیات داشت؛ ولی از ۱۹ سالگی تغییر جهت داد و به ریاضیات روی آورد. در همین سال‌ها، در شهر تورینو، یک انجمن علمی را با دوستانش بنیان نهاد که بعدها به فرهنگستان علوم تورینو تبدیل شد. لاگرانژ در زمینه‌ی ریاضیات، در حوزه‌ی مکانیک نظری و حسابان، کارهای برجسته و تازه‌ای انجام داد و در زمینه‌ی اخترشناسی نیز در مورد ستارگان دنباله‌دار مطالعاتی کرد. او در این زمینه با لاپلاس مکاتبه می‌کرد و حاصل تحقیقات خود را در کتابی به نام **تغییرات قرنی عناصر سیّارات** منتشر کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لاپلاس

لامارک، ژان باپتیست

(۱۸۲۹ ـ ۱۷۴۴ م.)

گیاه‌شناس و دیرین‌شناس فرانسوی

در خانواده‌ای فقیر، ولی اشراف‌منش، در فرانسه به‌دنیا آمد. نخست در پاریس پزشکی خواند. سپس به گیاه‌شناسی علاقه‌مند شد و با مطالعه در این‌باره کتاب **نباتات فرانسوی** را نوشت که سبب شد او را به عضویت فرهنگستان فرانسه بپذیرند. در ۵۰ سالگی از همه‌ی مشاغل خود دست کشید و به تحقیق درباره‌ی جانوران بی‌مهره، در موزه‌ی تاریخ طبیعی پاریس، پرداخت. حاصل این مطالعات، کتاب هفت جلدی **تاریخ بی‌مهرگان** بود. لامارک یکی از پیش‌تازان علم تکامل و دیرین‌شناسی در جانوران است. او در عصر انقلاب کبیر فرانسه می‌زیست. زندگی شخصی و خانوادگی‌اش مصیبت‌بار بود و خودش در فقر و بیچارگی در ۸۵ سالگی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
داروین



لاوازیه، آنتوان

(۱۷۹۴ ـ ۱۷۴۳ م.)

شیمی‌دان فرانسوی

لاوازیه در سال‌های بحرانی انقلاب کبیر فرانسه می‌زیست. در بسیاری از زمینه‌های نظری و عملی فعال بود و چنان زود درخشید که در ۲۵ سالگی به عضویت فرهنگستان علوم فرانسه درآمد. اکتشافات لاوازیه در شیمی سبب شد که او را **پدر شیمی جدید** بنامند. زمانی که مسئول برنامه‌ی توسعه‌ی روشنایی خیابان‌های پاریس بود، مسئله‌ی **سوختن مادّه** را جدی گرفت و با مطالعه در مورد کارهای پریستلی، دریافت که هوا مخلوطی از دو گاز اکسیژن و نیتروژن است و آنچه باعث سوختن اجسام می‌شود، اکسیژن است. او **قانون بقای ماده** را هم کشف کرد که بر اساس آن، در کنش و واکنش‌های شیمیایی، نه ماده‌ای از بین می‌رود و نه ماده‌ای به‌وجود می‌آید؛ بلکه ماده از یک شکل به شکل دیگر تغییر می‌یابد. این قانون را **قانون لاوازیه** می‌نامند. لاوازیه مردی ثروتمند و علاوه بر آن، مسئول دریافت مالیات از مردم پاریس بود. به‌نظر می‌رسد در کار خود بر مردم، سخت می‌گرفته است. زیرا انقلابیون پاریس کینه‌اش را به دل گرفتند، در کمین او نشستند و سرانجام هم دستگیر و به مرگ محکومش کردند و سرش را با گیوتین زدند. شگفت آن‌که دو سال بعد مردم فرانسه به افتخارش مجسمه‌هایی برپا ساختند!

هم‌چنین نگاه کنید به:
پریستلی



لُرزاده، حسین

(۱۳۸۳ ـ ۱۲۸۵هـ.ش.)

معمار مسجدها و بناهای با شکوه

لرزاده از معماران بزرگ ایران و سازنده‌ی بناهای با شکوه و مسجدهای بسیار در سراسر کشور است. در تهران به‌دنیا آمد و نزدیک به یک قرن زندگی کرد. او فرزند محمد لرزاده، از معماران بنام زمان قاجار بود. در ۱۵ سالگی به مدرسه‌ی کمال‌الملک رفت تا مجسمه‌سازی بیاموزد. سپس نزد سیدمحمدتقی نقاش‌باشی، هنر نقاشی آموخت و هم‌زمان با پدرش به همکاری پرداخت. پس از فوت پدرش کار نقاشی و معماری را ادامه داد و خیلی زود



▲ عکسی از مجسمه‌ی نیم‌تنه‌ی استاد حسین لرزاده که به سفارش فرهنگستان هنر ایران ساخته شده است و در نگارخانه‌ی صبا در تهران نگهداری می‌شود.

یکی از نام‌آوران معماری ایران شد. یکی از کارهای او، که در دوره‌ی جوانی انجام داد، معماری و ساخت آرامگاه فردوسی در توس مشهد است. لرزاده در سراسر ایران بیش از ۸۰۰ مسجد ساخت که **مسجد اعظم قم** یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. به خواست آیت‌الله بروجردی، تعمیراتی نیز در حرم مطهر امام حسین(ع) در کربلا انجام داد. از دیگر کارهای او، ساخت **سردر مدرسه‌ی دارالفنون، گنبد کاخ مرمر، کاخ ابیض (سفید) سعدآباد** و **کاخ اختصاصی رضاشاه در رامسر** است. در حوالی میدان خراسان تهران نیز مسجدی ساخت که به نام خودش **مسجد لرزاده** نامیده می‌شود. در آخرین سال‌های عمر این استاد معماری، فرهنگستان هنر ایران، طی مراسمی از مقام او تجلیل کرد.

همچنین نگاه کنید به:
پیرنیا

لطفی، محمدرضا

(تولد: ۱۳۲۵هـ.ش.)
آهنگ‌ساز و نوازنده‌ی تار و سه‌تار

پس از یادگیری اصول اولیه‌ی موسیقی و نوازندگی در زادگاهش گرگان، در نوجوانی به تهران رفت. در آن‌جا، در هنرستان شبانه‌ی موسیقی ملی، ۵ سال نزد علی‌اکبر شهنازی و حبیب‌الله صالحی آموزش دید. سپس به ارکستر صبا پیوست که زیر نظر حسین دهلوی اداره می‌شد. بعد از خدمت سربازی، تحصیلات خود را در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران به پایان رساند و در نواختن تار و سه‌تار استاد شد. آن‌گاه به عضویت هیئت علمی دانشکده‌ی هنرهای زیبا درآمد. در همین ایام، همکاری خود را با واحد موسیقی رادیو آغاز و **گروه شیدا** را تأسیس کرد. با اوج گرفتن مبارزه‌ی مردم در انقلاب اسلامی، از شهریور ۵۷ به بعد، با جمعی دیگر از همکارانش، به ساختن سرودها و ترانه‌های مهیّج میهنی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های شیدا و عارف به همت او بار دیگر فعال شدند و کانون فرهنگی هنری **چاووش** و هنرستان آزاد چاووش نیز تأسیس شد. بعضی از آثار ماندگار محمدرضا لطفی عبارت است از: **در این سرای بی‌کسی، ناز لیلی، سرود آزادی، ای ایران، ای برادر، سپیده** (ایران ای سرای امید)، **کاروان شهید** و موسیقی فیلم **حاجی واشنگتن**.

همچنین نگاه کنید به:
دهلوی ، شهنازی



لندن، جک

(۱۹۱۶ ـ ۱۸۷۶م.)
نویسنده‌ی آمریکایی

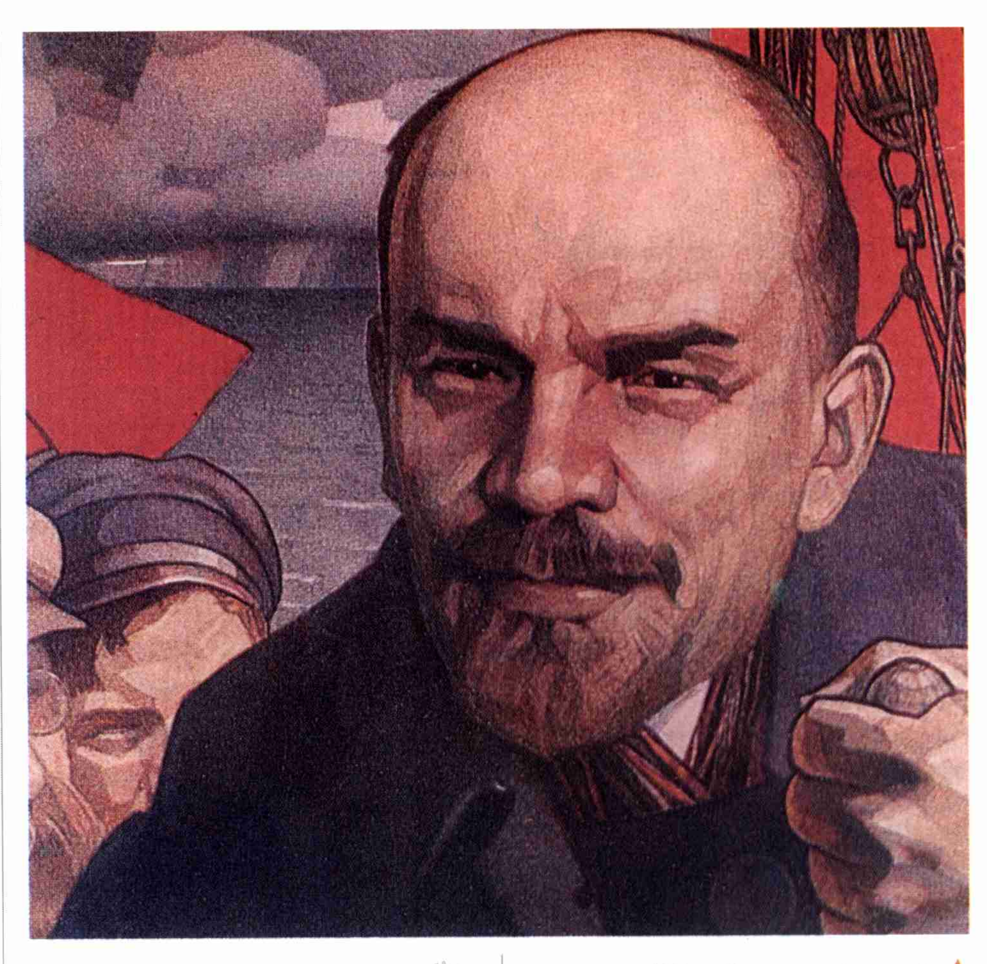
جک لندن را نخستین نویسنده‌ی طبقه‌ی زحمت‌کش آمریکا نامیده‌اند؛ زیرا آثار مارکس و انگلس را می‌خواند و عقاید سوسیالیستی داشت. جک در سانفرانسیسکو به‌دنیا آمد و با مادرش بزرگ شد. با این که زندگی نابسامانی داشت و حتی به جرم ولگردی به زندان رفت، توانست به دانشگاه کالیفرنیا برود و مدرک بگیرد. جک لندن نویسنده‌ای است که در آثارش، خواننده را به پهنه‌ی طبیعت در دل جنگل‌ها و بر فراز کوه‌ها می‌برد؛ از این‌رو، آثارش برای مردم صنعت‌زده‌ی آمریکا، حتی در اوایل قرن بیستم، جذاب و خواندنی بود. او به جهان‌گردی علاقه‌ی زیادی داشت. هنگامی که میان ژاپن و روسیه جنگ درگرفته بود، به ژاپن رفت. بعد قصد سفر به دور دنیا کرد و با کشتی به استرالیا و جنوب شرقی آسیا رفت و در میان راه از جزایر هاوایی نیز بازدید کرد. او هرگز از نوشتن دست نکشید و در طول عمر خود ۵۰ کتاب نوشت. **آوای وحش، سپیددندان، گرگ دریا، دختر برف‌ها، پاشنه‌ی آهنین** و **عشق به زندگی** از مشهورترین آثار جک لندن است.



لنین، ولادیمیر ایلیچ

(۱۹۲۴ ـ ۱۸۷۰ م.)
بنیان‌گذار اتحاد جماهیر شوروی

لنین در نوجوانی بسیار فعال و تیزهوش بود؛ در ۱۷ سالگی با دریافت مدال طلا، دوره‌ی دبیرستان را به پایان رساند. سپس به دانشکده‌ی حقوقِ کازان رفت و از همان آغاز به مبارزه‌ی انقلابی و دانشجویی بر ضد رژیم تزاری پرداخت. در این زمان برادرش اعدام و خودش از دانشگاه اخراج شد. چند سال بعد، که به لنین اجازه دادند به دانشگاه برگردد، مدرک حقوق خود را با درجه‌ی عالی گرفت و وکیل شد. ولی چون باز هم دست از مبارزه برنداشت، دستگیر و به سیبری تبعید شد. در سیبری، به مطالعات انقلابی و مارکسیستی خود ادامه داد و کتاب‌ها و مقالاتی نوشت و برای خود نام لنین را، برگرفته از رودخانه‌ی لِنا، انتخاب کرد. بعد از آزادی و بازگشت از



وقتی در سال ۱۹۱۷ میلادی، انقلاب روسیه پیروز شد، تصاویر و مجسمه‌های لنین همه جای اتحاد شوروی را پر کرد. این تصویر، که لنین را در مقام یک کاپیتان کشتی نشان می‌دهد، نشان‌دهنده‌ی جایگاه او در ایجاد و رهبری اتحاد جماهیر شوروی است.

تبعید، رهبری بخش تندروی حزب سوسیال دموکرات روسیه را، که گروه **بلشویک‌ها** نام داشتند، به‌دست گرفت. در پی شکست انقلاب ۱۹۰۵، به خارج رفت و به مبارزه بر ضد تزار ادامه داد. در سال ۱۹۱۷ میلادی، با پیروزی انقلاب اکتبر به روسیه بازگشت و رهبری انقلاب را به‌دست گرفت. او اولین رژیم سوسیالیستی جهان را با نام **اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی** تأسیس کرد. لنین در سال ۱۹۲۴ درگذشت و استالین جانشین او شد. مجموعه‌ی آثار لنین در ۵۵ جلد در شوروی انتشار یافته و به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
استالین ، مارکس



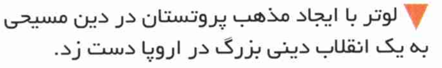
لوتر، مارتین

(۱۵۴۶ ـ ۱۴۸۳م.)

بنیان‌گذار مذهب پروتستان در دین مسیحی

اهل ساکسونی آلمان و فرزند یک کارگر معدن بود. هنگامی که تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رساند، چون به تحقیق در دین مسیح علاقه داشت، به دِیْر راهبان اوگوستینی رفت. او مطالعات خود را در رشته‌ی الهیات ادامه داد و به درجه‌ی عالی این علم رسید و استاد الهیات و کشیش شد. در مأموریتی که به او دادند، از آلمان به رُم و واتیکان رفت و از نزدیک با اوضاع دستگاه پاپ، رهبر کاتولیک‌ها، آشنا شد. این دیدار و آشنایی سبب شد تصوراتش نسبت به رهبری دین مسیحی عوض شود. لوتر احساس کرد که دستگاه پاپ به دستگاهی دنیوی و منفعت‌پرستانه تبدیل شده و روح دین و تعالیم معنوی مسیح(ع) از آن رخت بربسته است. به آلمان بازگشت و تصمیم گرفت با کلیسای کاتولیک مقابله و به رهبران آن اعتراض (پروتست) کند. از این‌رو، به مذهبی که او بنیان نهاد، پروتستان گفته می‌شود. پروتستان‌ها برای خود کلیسایی مستقل از کلیسای کاتولیک‌ها تأسیس کردند. لوتر از سوی پاپ طرد شد و نزدیک بود شارل پنجم، امپراتور روم مقدس، او را به قتل برساند. اما فرمان‌روای منطقه‌ی ساکسونی از او حمایت کرد و جانش را نجات داد. لوتر، برخلاف کشیشان دیگر، که همسرگزینی کشیش‌ها را مغایر با دین مسیح می‌دانستند، ازدواج کرد و فرزندانی از خود بر جای گذاشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اوگوستین ، برونو



لوتر با ایجاد مذهب پروتستان در دین مسیحی به یک انقلاب دینی بزرگ در اروپا دست زد.





لوترکینگ، مارتین

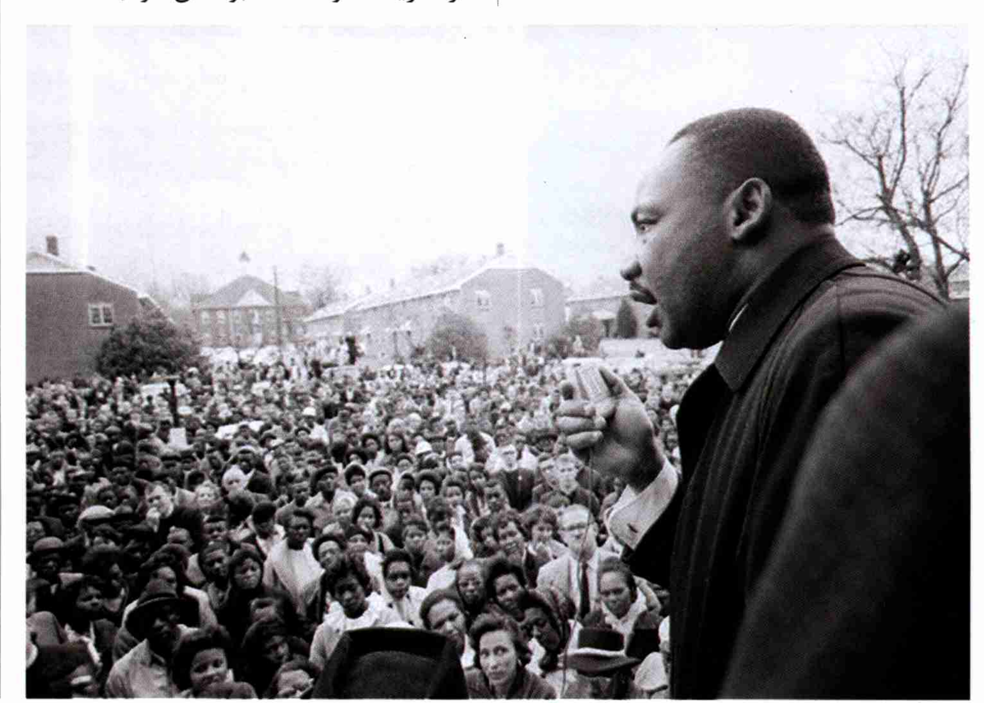
(۱۹۶۸ ـ ۱۹۲۹ م.)

رهبر جنبش حقوق مدنی در آمریکا

در خانواده‌ای مسیحی و سیاه‌پوست به‌دنیا آمد. مانند پدر و پدربزرگش، در رشته‌ی الهیات تحصیل کرد و از جوانی، به مبارزه با تبعیض نژادی پرداخت. روزی در پی بازداشت زنی سیاه‌پوست از سوی پلیس، که حاضر نشده بود از روی صندلی مخصوص سفیدپوستان در یک اتوبوس عمومی بلند شود، جنبش تحریم اتوبوس‌ها را اعلام کرد. سپس آن را تا جایی ادامه داد که صاحبان اتوبوس‌ها، که داشتند ورشکست می‌شدند، اجازه دادند هر مسافری، چه سیاه و چه سفید، هرجا که می‌خواهد بنشیند. مارتین لوترکینگ در مبارزه‌ی خود از تعالیم مسیح(ع) و شیوه‌ی نبود خشونت گاندی پیروی می‌کرد. به همین سبب، جایزه‌ی صلح نوبل سال ۱۹۶۴ را در ۳۵ سالگی دریافت کرد. او در سال ۱۹۶۸، سخن‌رانی تاریخی خود را با عنوان **من خواب دیده‌ام** با حضور یک میلیون سیاه‌پوست در مقابل ساختمان کنگره‌ی آمریکا ایراد کرد. در آن سخن‌رانی گفت: «... من خواب دیده‌ام روزی خواهد آمد که چهار فرزند من در جامعه‌ای خواهند زیست که نه به دلیل رنگ پوستشان، بلکه به سبب شخصیتشان مورد قضاوت قرار خواهند گرفت. من خواب دیده‌ام که...» اما نژادپرستان آمریکایی او را تحمل نکردند و مارتین لوترکینگ را در سال ۱۹۶۸، در شهر مِمفیس در ایالت تِنِسی ترور کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

گاندی ، مالکوم ایکس



▼ مارتین لوترکینگ سرانجام قربانی مبارزه با تبعیض‌نژادی شد.



لورل و هاردی

لورِل (۱۹۶۵ ـ ۱۸۹۰م.)

هاردی (۱۹۵۷ ـ ۱۸۹۳م.)

بازیگران فیلم‌های کمدی

استَن لورِل لاغر اندام و اُلیور هاردی چاق و خپل، نخستین زوج سینمای کمدی بودند. لورل در انگلستان و هاردی در آمریکا متولد شده بود. آن دو ابتدا جداگانه بازی می‌کردند. تا این‌که در یکی از کارگاه‌های فیلم‌سازی هالیوود با هم همکار شدند. این دو نفر بیش از صد فیلم با هم بازی کرده‌اند. **سربازهای چوبی**، **کله‌پوک‌ها**، **پسران صحرا**، **جعبه‌ی موسیقی**، **بانی اسکاتلند**، **به سوی غرب** و **احمق‌ها در آکسفورد** از جمله فیلم‌های آن‌هاست.





لورنس‌عربستان

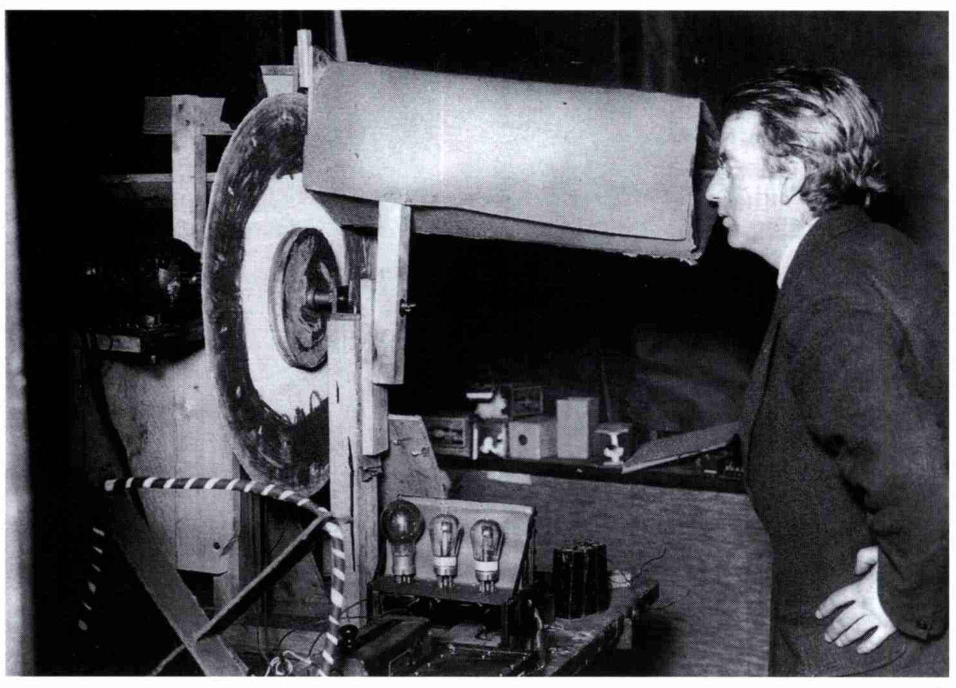
(۱۹۳۵ ـ ۱۸۸۸ م.)

جاسوس انگلستان در خاورمیانه

توماس ادوارد لورنس، دانش‌آموزی تیزهوش و نخبه در کالج آکسفورد انگلستان بود. در رشته‌ی معماری تحصیل کرد و پایان‌نامه‌اش را با عنوان **معماری مراکز نظامی در قرون وسطی** نوشت. سپس برای کار، به باستان‌شناسانی که در عراق مشغول حفّاری بودند، پیوست. در آن‌جا زبان عربی را مانند یک عرب بومی آموخت، لباس عربی پوشید و با عرب‌ها چنان یکی شد که به لورنس عرب مشهور گشت. با شروع جنگ اول جهانی، در مقام افسر اطلاعات ارتش انگلستان به مصر اعزام شد. در آن‌جا، در طول سال‌های جنگ، با رؤسای عرب و امیر حجاز ملاقات و تلاش بسیار کرد که اعراب را بر ضد

ترک‌های عثمانی بشوراند. او حتی به آن‌ها در منفجر کردن خطوط راه‌آهن کمک کرد. با پایان جنگ، کشور بزرگ عثمانی تجزیه شد و از آن کشور ترکیه و کشورهای عربی خاورمیانه به‌وجود آمد. هر یک از این کشورهای عربی، زیر نظر یکی از دو کشور انگلستان یا فرانسه اداره می‌شد. لورنس اهل ادبیات و تاریخ بود و خاطرات خود از زندگی در میان اعراب را با نام ۷ **ستون حکمت** منتشر کرد. با برنارد شاو، نویسنده‌ی ایرلندی، بسیار دوست بود و سرانجام هم نام خانوادگی خود را به شاو تغییر داد. در ۴۷ سالگی، مقیم شهر دورِست انگلستان شده بود که روزی هنگام راندن موتورسیکلت، از جاده منحرف و مجروح شد و چند روز بعد درگذشت. انگلیسی‌ها او را یکی از قهرمانان خود می‌دانند و درباره‌اش فیلم سینمایی نیز ساخته‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
برنارد شاو



لوژی‌برد، مخترع اولین سیستم تلویزیونی و تلویزیون رنگی



لورنس از معماری به باستان‌شناسی و از باستان‌شناسی به فعالیت‌های سیاسی و جاسوسی به نفع انگلستان روی آورد.

لوژی بِرد، جان

(۱۹۴۶ ـ ۱۸۸۸م.)

مخترع اولین سیستم تلویزیونی و تلویزیون رنگی

متولد اسکاتلند بود. تحصیلاتش در دانشگاه گلاسگو، به سبب شروع جنگ اول جهانی ناتمام ماند. او یکی از پیش‌گامان پدیده‌ی تلویزیون است. برای نخستین بار، در سال ۱۹۲۶، چگونگی ارسال و نمایش تصاویر تلویزیونی را برای خانواده‌ی پادشاهی انگلستان و خبرنگار نشریه‌ی تایمز در لندن نمایش داد. یک سال بعد، هم سیگنال‌های تلویزیونی را از طریق خطوط تلفن بین لندن و گلاسگو، به فاصله‌ی ۷۰۰ کیلومتری منتقل کرد. سرانجام شرکت تلویزیونی او تصاویری را برای شبکه‌ی بی‌بی‌سی از لندن به نیویورک فرستاد. تلویزیون رنگی نیز از اختراعات جان لوژی برد است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
زوریکین

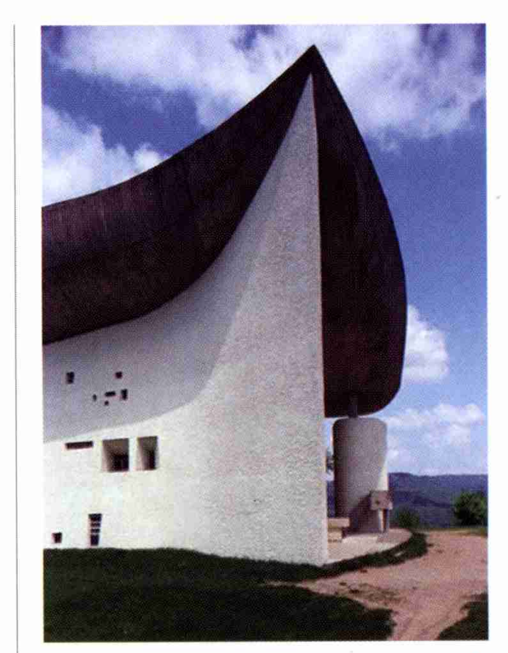


لوکوربوزیه، چارلز ادوارد

(۱۹۶۵ ـ ۱۸۸۷م.)

معمار و شهرساز سوئیسی ـ فرانسوی

نامش چارلز ادوارد ژانِره و متولد سوئیس بود؛ ولی در بزرگ‌سالی، که شهروند فرانسه شد، نام خود را به لوکوربوزیه تغییر داد. معماری برجسته بود که اساس کار خود را برای زندگی در شهرهایِ بزرگ و پرجمعیت، بر طراحی‌های کاملاً جدید قرار داده بود. نزد دو معمار بزرگ، اگوستو پرت فرانسوی و ژوزف هافمن آلمانی کارکرد. در سال ۱۹۲۲، طرحی برای یک شهر ۳



▲ یکی از آثار معماری لوکوربوزیه

میلیون نفری در ۶۰ طبقه پیشنهاد کرد که البته عملی نشد؛ اما نشان داد که او تا چه حد به مسائل دنیای جدید می‌اندیشد. لوکوربوزیه از اعضای مؤثر گروه معمارانی بود که طرح ساخت شهر **چندیگر** هند را ارائه دادند و قسمتی از آن در سال ۱۹۶۶ ساخته شد. این شهر امروزه یکی از شهرهای زیبای هندوستان به‌شمار می‌رود.

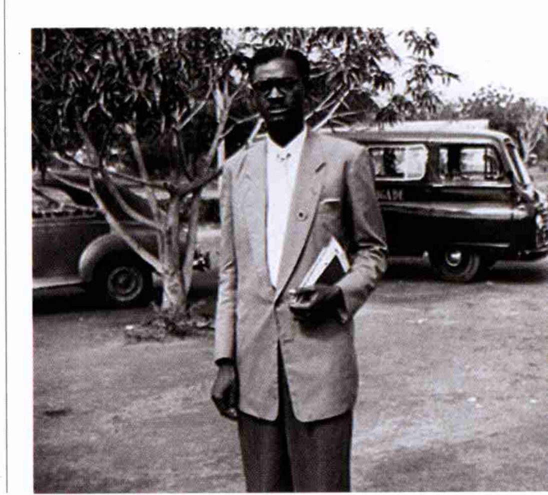


لومومبا، پاتریس

(۱۹۶۱ ـ ۱۹۲۵ م.)

رهبر استقلال کنگو

کشور کنگو در قرن بیستم از مستعمرات



آفریقایی بلژیک و دارای معادن غنی مس و اورانیوم بود. پاتریس لومومبا از جوانی برای آزادی و استقلال کشورش تلاش کرد و در این راه، بارها دستگیر و زندانی شد. سرانجام، در سال ۱۹۶۰ م. کنگو استقلال یافت و نظام آن جمهوری شد و لومومبا هم به مقام نخست‌وزیری برگزیده شد. اما چیزی نگذشت که رئیس جمهوری او را برکنار کرد و وابستگان به استعمارگران بلژیکی هم او را دستگیر کردند و به زندان انداختند و او و چند تن از وزیرانش را کشتند. به دستور **موسی چومبه**، یکی از دست‌نشاندگان بلژیکی‌ها، اجساد آن‌ها را در اسید انداختند. مردم کنگو و آزادی‌خواهان جهان برای لومومبا احترام خاصی قایل‌اند و او را از چهره‌های برجسته‌ی ضد استعمار در قرن بیستم می‌دانند. امروزه کشور کنگو را **زئیر** می‌نامند.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
استنلی



لومیر، اگوست و لوئی

اگوست (۱۹۵۴ـ۱۸۶۲م.)

لوئی (۱۹۴۸ـ۱۸۶۴م.)

مخترعان فرانسوی سینما

اگوست و لوئی فرزندان یک عکاس بودند که توانستند با اولین فیلمی که در سال ۱۸۹۵ در فرانسه به نمایش گذاشتند، نام خود را در مقام دو برادر بنیان‌گذار سینما در تاریخ به ثبت برسانند. لوئی پیش از اختراع سینما، کارخانه‌ی تولید فیلم عکاسی داشت و کیفیت فیلم را تا حدی بهبود بخشیده بود. او سالانه ۱۵ میلیون عدد فیلم تولید می‌کرد. این دو برادر با الهام از دستگاهی به نام کینتوسکوپ، که ادیسون آن را به تازگی اختراع کرده بود و تصاویر متحرک را از درون یک روزنه، فقط برای یک نفر نمایش می‌داد، به فکر ساختن دستگاهی افتادند که تصاویر متحرک را روی یک پرده‌ی بزرگ بیندازد. آن‌ها سرانجام در این کار موفق شدند و در سال ۱۸۹۵، اختراع خود را به ثبت رساندند. سپس اولین فیلم خود را به نام **خروج کارگران از کارخانه‌ی لومیر** در پاریس به نمایش گذاشتند. مدت این فیلم تنها ۴۵ ثانیه بود و برادران لومیر فقط در سال اول کار خود، حدود ۴۰ فیلم از این‌گونه ساختند.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
ادیسون



لوئی چهاردهم

(۱۷۱۵ ـ ۱۶۳۸م.)

پادشاه بزرگ فرانسه

لوئی چهاردهم فرزند لوئی سیزدهم بود. ۵ ساله بود که پدرش مرد و مادرش اداره‌ی کشور را به‌دست گرفت. زمانی که مادر درگذشت، خود لوئی که ۲۳ ساله شده بود، رسماً پادشاه فرانسه شد. لوئی چهاردهم جنگ‌های بسیاری با کشورهای اروپایی، از جمله اسپانیا و هلند کرد و بر وسعت فرانسه افزود. با آن‌که فرانسه را به قدرت برتر اروپا تبدیل کرد، به تدریج جنگ‌هایش سبب ضعیف شدن کشور شد و زمینه‌ی پیدایش انقلاب کبیر فرانسه را فراهم آورد که ۷۰ سال بعد، در زمان لوئی شانزدهم روی داد. لوئی چهاردهم در عین قدرت و جنگ‌آوری، مردی اهل فرهنگ بود و به هنر و معماری اهمیت زیادی می‌داد. ساخت **کاخ وِرسای** در فرانسه، که از باشکوه‌ترین کاخ‌های اروپاست، از اقدامات اوست. او، به‌جز مدتی که مادرش به جایش سلطنت کرد، حدود ۵۰ سال بر فرانسه حکم راند.

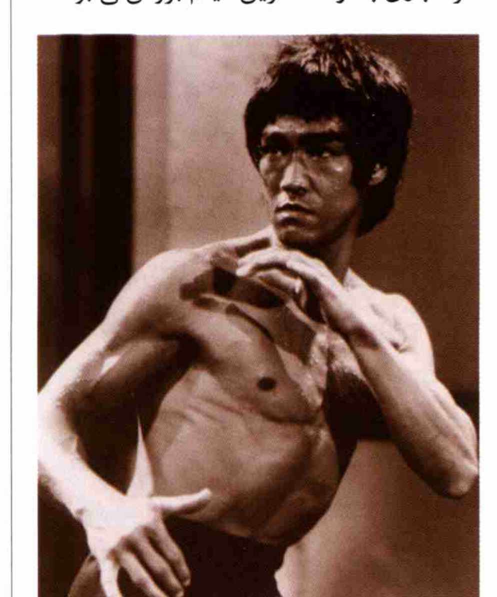


لی، بروس

(۱۹۷۳ ـ ۱۹۴۰ م.)

رزمی‌کار و بازیگر سینما

نام اصلی‌اش جان فان بود ولی به بروس‌لی معروف است. اهل هنگ‌کنگ بود؛ اما در آمریکا متولد شد. دوره‌ی کودکی و نوجوانی را در هنگ‌کنگ گذراند و در ۱۳ سالگی، زیر نظر یک استاد رزمی‌کار به نام بیپ‌من، تمرین ورزش کونگ‌فو را آغاز کرد. در ۱۸ سالگی، برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا رفت و در مدرسه‌ی فنی ادیسون ثبت‌نام کرد. او برای تأمین زندگی‌اش به آموزش کونگ‌فو می‌پرداخت. بروس‌لی خیلی زود در ردیف ۷ چهره‌ی معروف ورزش کونگ‌فو در سطح جهان قرار گرفت. او از ابتدا قصد ورود به سینما و بازیگری نداشت؛ اما هنگامی که در یک مسابقه شرکت کرد و با اجرای چند حرکت نمایشی، سرعت و قدرتی خیره‌کننده از خود نشان داد، کارگردانی از او خواست در مجموعه‌ی **زنبور سبز** ایفای نقش کند. این آغاز ورود او به صنعت سینما بود. اما هم‌چنان برای ارتقای ورزش کونگ‌فو کوشید و آن را به یک ورزش جهانی تبدیل کرد. فیلم‌های معروف او **برادر بزرگ**، **خشم اژدها** و **اژدها وارد می‌شود** نام دارد. **بازی با مرگ** آخرین فیلم بروس‌لی بود که



به سبب مرگ مشکوک او ناتمام ماند. بروس‌لی در هنگام مرگ، به تازگی شرکت فیلم‌سازی رکورد را تأسیس کرده بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

چان (جکی)



لیلیانتال، اتو

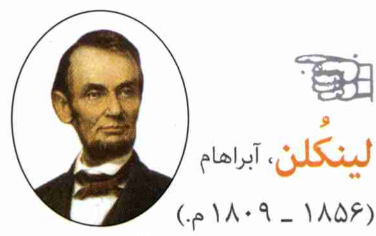
(۱۸۹۶ ـ ۱۸۴۸م.)

مخترع گلایدر و نخستین هوانورد

اتو اهل آلمان بود و از کودکی با مطالعه در مورد پرندگان، اندیشه‌ی پرواز را در سر می‌پروراند. در جوانی نوعی موتور بخار کوچک طراحی کرد که برای کارهای سبک صنعتی قابل استفاده بود. او از این راه، درآمد بسیاری به دست آورد، از این‌رو، پس از مدتی خود را بازنشسته کرد تا بتواند با مطالعه و تحقیق، اندیشه‌ی پرواز را به عمل درآورد. سرانجام، توانست با همکاری برادرش گوستاو، گلایدر را که در واقع هواپیمایی تک‌نفره و بدون موتور است، اختراع و با آن پرواز کند. او چنان شیفته‌ی این اختراع بود که طی ۵ سال، هر روز به‌طور متوسط یک پرواز انجام می‌داد. اما روزی به سبب وزش ناگهانی باد، از ارتفاع ۱۷ متری سقوط کرد و کشته شد. چند سال بعد، برادران رایت با استفاده از تجربه‌ی اتو، هواپیمای موتوردار هدایت‌شونده را اختراع کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

رایت ، عباس‌بن فرناس



لینکُلن، آبراهام

(۱۸۶۵ ـ ۱۸۰۹ م.)

شانزدهمین رئیس‌جمهوری آمریکا

آبراهام لینکلن در خانواده‌ای فقیر و در کلبه‌ای چوبی به‌دنیا آمد. دوران کودکی را بیش‌تر صرف کمک به خانواده‌اش کرد. به مدرسه نرفت؛ ولی شیفته‌ی کتاب خواندن و بیش‌تر دانستن بود، به‌طوری که از ۱۲ سالگی به بعد، همیشه یا کتاب می‌خواند یا کتابی برای خواندن همراه داشت. در آن زمان، کتاب کم و گران بود؛ از این‌رو لینکلن کتاب‌هایی مثل انجیل و داستان‌های ازوپ و مانند آن را بارها و بارها خواند. سرانجام به دانشگاه رفت و با تحصیل در رشته‌ی حقوق، وکیل شد. از این راه کم‌کم به دنیای سیاست وارد گردید. لینکلن همواره مخالف بردگی بود، که در آمریکا رواج داشت، و بر ضد آن فعالیت می‌کرد. از این رو، وقتی در سال ۱۸۶۰ به ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد، ایالت‌های جنوبی آمریکا، که رهبران آن طرفدار بردگی بودند، اعلام استقلال و ارتباط خود را با دولت مرکزی قطع کردند. به دنبال این روی‌داد، جنگ‌های بزرگ داخلی، که به جنگ‌های انفصال شهرت یافت، میان ایالت‌های شمال و جنوب آمریکا درگرفت. اما لینکلن عقب‌نشینی نکرد و در سال ۱۸۶۳ اعلامیه‌ی الغای بردگی را انتشار داد که به موجب آن همه‌ی بردگان در سراسر آمریکا آزاد می‌شدند. لینکلن سرانجام جنگ را به پایان برد و بردگی را از نظر قانونی ممنوع کرد. با این حال مخالفانش از پای ننشستند و در سال ۱۸۶۵ هنگامی که به تماشای تئاتر رفته بود، او را ترور کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جفرسن



لینه، کارل فون

(۱۷۷۸ ـ ۱۷۰۷ م.)

زیست‌شناس سوئدی

لینه هم پزشک بود و هم گیاه‌شناس؛ اما به گیاه‌شناسی علاقه‌ی ویژه‌ای داشت. در

۲۴ سالگی به سفری پیاده و بسیار طولانی در اروپا رفت و طی چند سال، چند هزار کیلومتر راه را برای شناسایی گیاهان و تحقیق درباره‌ی آن‌ها زیر پا نهاد. در ۲۸ سالگی، کتاب **نظام طبیعت** را نوشت و شیوه‌ی جدیدی برای رده‌بندی گیاهان و جان‌داران ابداع کرد که موجب شهرت و اعتبارش شد. لینه برای نام‌گذاری جانوران و گیاهان روشی علمی به‌وجود آورد و خودش به کمک این روش، ۷۳۰۰ گیاه را نام‌گذاری کرد. او پزشک نیروی دریایی، استاد دانشگاه اُپسالای سوئد، مدیر باغ‌های گیاه‌شناسی سوئد و هلند بود و در تأسیس فرهنگستان علوم سوئد نیز نقش مهمی بازی کرد.



لیوون‌هوک، آنتوان

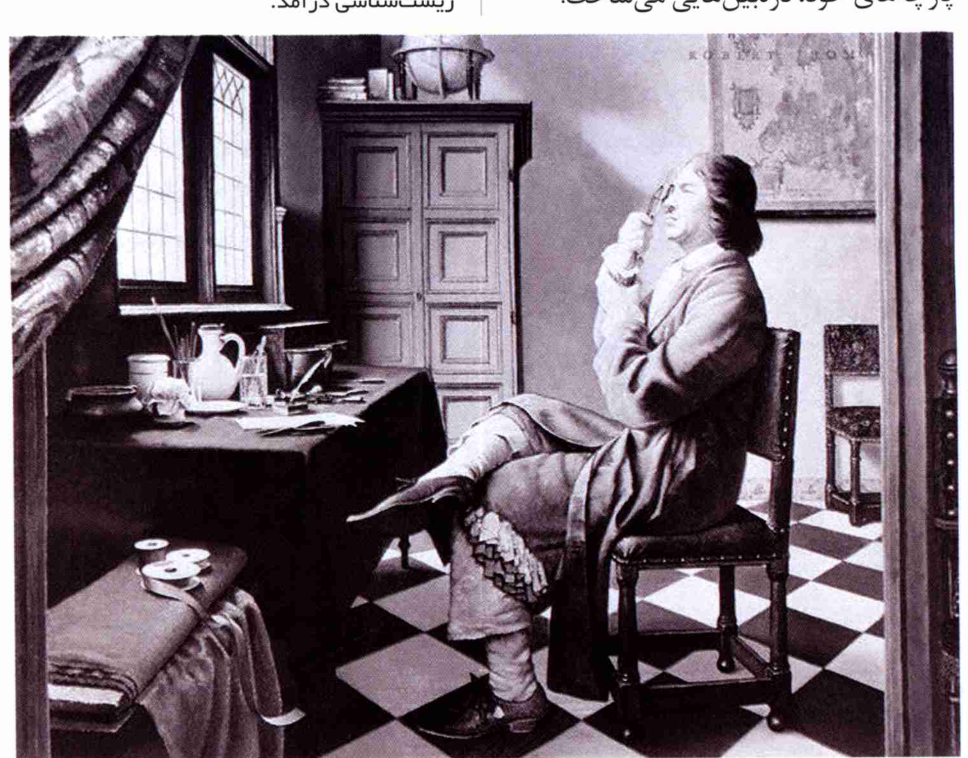
(۱۷۲۳ ـ ۱۶۳۲ م.)

پایه‌گذار علم باکتری‌شناسی

لیوون هوک مردی نسّاج و تاجر پارچه بود که برای تحقیق در کیفیّت بافت‌ها و پارچه‌های خود، ذرّه‌بین‌هایی می‌ساخت. او، که شمّ علمی و فنّی هم داشت، کم‌کم به کار ساخت ذره‌بین آن‌قدر علاقه‌مند شد که بیش‌تر وقتش را صرف این کار کرد. او با استفاده از تجربه‌ی رابرت هوک انگلیسی، مخترع میکروسکوپ، ذره‌بین‌های بسیار بهتری ساخت و به مشاهدات علمی پرداخت. لیوون هوک کسی است که برای نخستین بار توانست سلول‌های اسپرم، گلبول‌های قرمز خون، گردش خون در موی‌رگ‌ها، چشم‌های مرکب حشره‌ها، شته‌ی درختان، اندام انواع مگس‌ها، مورچه و... را مشاهده کند. هم‌چنین اولین کسی بود که گفت چیزی که تخم مورچه تصور می‌شود، پیله است و تخم مورچه بسیار ریزتر از آن است که با چشم دیده شود. او تا پایان عمر ۹۰ ساله‌ی خود به فعالیت در زمینه‌ی مطالعات میکروسکوپی ادامه داد. البته شعله‌ی علم زیست‌شناسی، که او آن را روشن کرد، پس از مرگش تا ۱۸۰ سال بعد خاموش شد تا در اوایل قرن بیستم بار دیگر دانشمندان به آن روی آوردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هوک

▼ لیوون‌هوک، نساجی که به خدمت علم زیست‌شناسی درآمد.



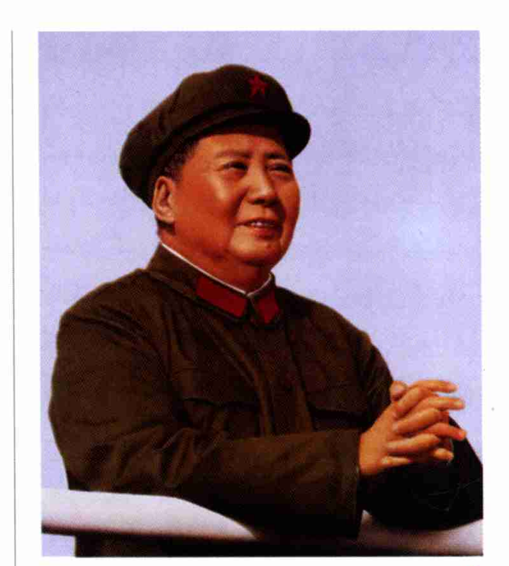
لیوینگستون، دیوید

(۱۸۷۳ ـ ۱۸۱۳م.)

مبلّغ مسیحی و کاشف آفریقا

در انگلستان تعلیمات مذهبی دید و هم‌زمان پزشکی آموخت. در سال ۱۸۴۱، با همسر و فرزند خردسالش سوار بر کشتی به آفریقای جنوبی رفت و در بوتسوانا به گروهی از مبلّغان مسیحی ملحق شد. لیوینگستون سه سفر اکتشافی به آفریقا کرد. در سفر اول، پیاده از مرکز آفریقا به غرب این قاره در ساحل اقیانوس اطلس رفت. آن‌گاه برگشت و به شرق آفریقا رفت تا به اقیانوس هند رسید. در این مسیر، در مقام اولین فرد اروپایی، آبشار ویکتوریا را کشف کرد. در نتیجه، وقتی به انگلستان بازگشت، به صورت یک قهرمان از او استقبال شد. در سفر دوم، عبور از رودخانه‌ی زامبزی را، که از میان جنگل‌های انبوه آفریقا می‌گذشت، در برنامه داشت. اما با مصیبت‌های بسیار روبه‌رو شد. همسرش در اثر تب درگذشت و بسیاری از همراهانش تلف شدند و برنامه‌اش ناکام ماند. سومین سفر لیوینگستون به منظور یافتن سرچشمه‌ی رود عظیم نیل بود. در این سفر، مدتی ناپدید شد و همه گمان کردند که مرده است، اما سرانجام **استنلی**، جهان‌گرد انگلیسی، که از سوی یک روزنامه‌ی انگلیسی مأموریت یافته بود لیوینگستون را پیدا کند، او را در ساحل دریاچه‌ی تانگانیکا پیدا کرد. لیوینگستون سرانجام در آفریقا درگذشت و سیاهان وفادار به او، جسدش را ۵ ماه حمل کردند تا آن را به ساحل آفریقا رساندند. در آن‌جا جسد را با کشتی به انگلستان بردند و در وست‌مینستر دفن کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
استنلی



▲ مائو با انقلاب بزرگ خود، رژیم کمونیستی را در چین مستقر ساخت.



مائوتسه‌تونگ

(۱۹۷۶ ـ ۱۸۹۳ م.)

بنیان‌گذار چین کمونیست

مائو در خانواده‌ای روستایی ولی مرفّه در استان هونان چین به‌دنیا آمد. در نوجوانی بسیار مطالعه می‌کرد و با تاریخ، فرهنگ و ادبیات چین به‌خوبی آشنا شد. سپس کار خود را از کتاب‌داری در کتاب‌خانه‌ی دانشگاه پکن آغاز کرد. در همین زمان، با افکار مارکس و انگلس و لنین آشنا شد و تحت تأثیر انقلاب شوروی اندیشه‌ی انقلاب در چین به ذهنش راه یافت. او نخست حزب کمونیست چین را تأسیس کرد و برای این‌که بتواند قدرت را به‌دست گیرد، ارتش چریکی خود را به نام **ارتش سرخ** تشکیل داد. آن‌گاه به یک راه‌پیمایی ۱۰ هزار کیلومتری از جنوب به شمال چین دست زد. سرانجام، در سال ۱۹۴۹ م. با ورود به پکن و غلبه بر ژنرال چیان کای‌شک، توانست **جمهوری خلق چین** را تأسیس کند که سبب شد چین و مردم آن به عصر جدیدی وارد شوند. مائو افکار و اندیشه‌های خود را در **کتاب سرخ** شرح داده است. این کتاب در زمان او، از روی اجبار، به صورت راهنمای زندگی مردم چین در آمد و همه جا خوانده می‌شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
چیان‌کای شک ، لنین ، مارکس



ماخ، ارنست

(۱۹۱۶ ـ ۱۸۳۸م.)

فیزیک‌دان و روان‌شناس چک

دانشجویان و دانش‌آموزان معمولاً در مدرسه هنگام بحث از سرعت صوت، با نام ماخ آشنا می‌شوند؛ این نامِ دانشمندی است که روی این موضوع، و ده‌ها موضوع دیگر، پژوهش و تحقیق کرده است. ماخ هرچه قبل از دانشگاه فراگرفت، خودآموز و زیر نظر پدرش بود. اما وقتی به دانشگاه وین پا گذاشت، تا دریافتِ درجه دکتری فیزیک پیش رفت و استاد همان دانشگاه شد. بعدها به دانشگاه پراگ منتقل گشت و در آن‌جا با همکاری یکی از استادان، کارش را در زمینه‌ی صوت متمرکز کرد و مقاله‌ی مهمی درباره‌ی ماورای صوت نوشت. در آن مقاله، ماخ برای نخستین بار، وجود **دیوار صوتی** را مطرح کرد و این در زمانی بود که هنوز هواپیما اختراع نشده بود تا مردم اثر شکستن دیوار صوتی را با گوش خود بشنوند. به احترام این دانشمند، واحد سرعت صوت را ماخ نامیده‌اند. اگر متحرکی در هوای صفر درجه‌ی سانتی‌گراد ۳۱۴ متر بر ثانیه ـ یا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر بر ساعت ـ را طی کند (که برابر سرعت صوت است) می‌گویند سرعت آن یک ماخ است.

مارادونا، دیه‌گو

(تولد: ۱۹۶۰م.)

فوتبالیست آرژانتینی

هنگامی که ۱۴ سال بیش‌تر نداشت، با بازی در تیم لوس سبولیتاس همه را مبهوت کرد. ۱۷ ساله بود که به تیم ملی دعوت شد؛ ولی به دلیل سنّ کم، نتوانست به بازی‌های جام جهانی ۱۹۷۸ راه یابد. اما یک سال بعد، که کاپیتان تیم ملی جوانان کشورش شد، به توکیو رفت. در آن‌جا قهرمان جهان شد و عنوان برترین بازیکن جام را از آن خود کرد. مارادونا در جام‌جهانی سال ۱۹۸۶، همان سالی که بین انگلستان و آرژانتین بر سر مالکیّت جزایرِ مالویناس جنگ درگرفت، ۲ گل وارد دروازه‌ی انگلستان کرد که حیثیّت ویژه‌ای به او و کشورش بخشید. در ادامه‌ی همین دوره از بازی‌ها، آرژانتین جام جهانی را نیز از آلمان ربود. دوره‌ی شکوفایی مارادونا از سال ۱۹۹۱، هنگامی به پایان رسید که دوپینگ کرد و ۱۵ ماه از بازی محروم شد. بار دیگر نیز سه سال بعد دوپینگ کرد که به محروم شدن از حضور در بازی‌های جام جهانی منجر گردید. او در ۳۷ سالگی فوتبال را کنار گذاشت. با وجود این، دست‌آوردهایی چون کسب جام جهانی (۱۹۸۶)، مرد سال فوتبال جهان و برترین



▲ دوپینگ، محبوبیت جهانی مارادونا را خدشه‌دار کرد.

بازیکن جام جهانی (۱۹۸۶)، نایب قهرمانی جام جهانی (۱۹۹۰) و چهار بار حضور در جام جهانی، نام مارادونا را در تاریخ فوتبال به ثبت رسانده است.



مارشال، جورج

(۱۹۵۹ ـ ۱۸۸۰م.)

وزیر دفاع آمریکا و طراح بازسازی اروپا پس از جنگ دوم جهانی

جورج مارشال در طول جنگ دوم جهانی، رئیس ستاد ارتش آمریکا بود. او کسی است که در یک اردوکشی بزرگ نظامی، دومین جبهه‌ی جنگ بر ضد آلمان را در فرانسه گشود و موجب شکست هیتلر در جبهه‌ی غرب اروپا شد. پس از جنگ، مارشال از سوی **ترومن**، رئیس‌جمهوری آمریکا، به سِمت وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده منصوب شد. در آن زمان، که بیم آن می‌رفت اتحاد جماهیر شوروی، که در آن زمان بخش شرقی اروپا را اشغال کرده بود، به بخش غربی نیز حمله و آن را اشغال کند. به همین سبب، مارشال طرح کمک به بازسازی اروپا را به کمک ترومن به کنگره‌ی آمریکا ارائه داد. به موجب طرح مارشال، ۱۵ میلیارد دلار کمک بلاعوض در اختیار کشورهای اروپایی قرار گرفت تا اروپا بازسازی شود. در پی تصویب این طرح، **سازمان همکاری‌های اقتصادی** اروپا نیز ایجاد شد تا کشورهای اروپایی در زمینه‌ی بازسازی، قدرت عمل بیش‌تری داشته باشند. طرح مارشال سبب شد اقتصاد همه‌ی کشورهای مشمول طرح، تا سال ۱۹۵۱ به بالاتر از سطح آن در قبل از جنگ برسد. به پاس این خدمت، جورج مارشال در سال ۱۹۵۳ جایزه‌ی صلح نوبل را دریافت کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ترومن



مارکس، کارل

(۱۸۸۳ ـ ۱۸۱۸ م.)

فیلسوف آلمانی و نظریه‌پرداز کمونیسم

در آلمان به‌دنیا آمد. در دانشگاه بُن تحصیل کرد. سپس به برلین رفت و به بسط اندیشه‌های مادی‌گرایانه و ضدسرمایه‌داری در حمایت از طبقه‌ی کارگر پرداخت. مارکس در جوانی به بسیاری از کشورهای اروپایی سفر کرد. در بلژیک با فردریک اِنگِلس آشنا شد. این آشنایی به همکاری منجر شد که تا پایان عمر مارکس ادامه داشت. آن دو، بیانیه‌ای منتشر کردند که **مانیفست کمونیست** نام گرفت و با این عبارات پایان می‌یافت: «کارگران جهان چیزی ندارند که از دست بدهند به جز زنجیرهایشان؛ ولی می‌توانند دنیا را به‌دست آورند. کارگران جهان متحد شوید!» این اندیشه‌ها سبب شد مارکس از بلژیک و فرانسه و حتی از کشور خودش آلمان اخراج شود و در لندن اقامت گزیند. مارکس و اِنگِلس اندیشه‌های خود را، که اساس آن بر ماتریالیسم یا مادی‌گری، نفی مالکیت خصوصی و اثبات مالکیت اشتراکی یا کمونیسم بود، مدوّن کردند. کتاب معروف مارکس **سرمایه** نام دارد که جلد اول آن را خودش منتشر کرد و جلدهای دوم و سوم را، پس از مرگش، انگلس به چاپ سپرد. بعد از مارکس اندیشه‌هایش به سرعت در اروپا گسترش یافت و هنوز ۴۰ سال از مرگ او نگذشته بود که اولین انقلاب کمونیستی جهان به رهبری لنین در روسیه به پیروزی رسید و سپس به چین و دیگر کشورهای جهان گسترش یافت. با آن که سرانجام با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گسترش کمونیسم متوقف شد، این اندیشه هنوز طرفدارانی دارد. مارکس در لندن درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لنین، مائوتسه تنگ

مارکنی، گولیلمو

(۱۹۳۷ ـ ۱۸۷۴م.)

فیزیک‌دان ایتالیایی و مخترع ارتباط رادیویی

پدر مارکنی ایتالیایی و مادرش ایرلندی بود. هنگامی که در رشته‌ی فیزیک تحصیل می‌کرد،



از هر فرصتی برای مطالعه‌ی امواج الکترومغناطیس سود می‌جست. اولین کارش به سال ۱۸۹۷ در لندن، ارسال کُدهای مورس از طریق امواج رادیویی (بی‌سیم) به فاصله‌ی ۶ کیلومتری بود. پیش‌رفت او در این کار به اندازه‌ای بود که دو سال بعد توانست دو کشتی آمریکایی را به بی‌سیم مجهز کند تا گزارش مسابقه‌های قایق‌رانی را برای روزنامه‌های نیویورک ارسال دارند. پس از آن شرکت مارکنی را در آمریکا تأسیس کرد. ارسال امواج رادیویی بین اروپا و آمریکا، کشف قدرت امواج کوتاه، که در جنگ اول جهانی امکان شنود آن برای دشمن مشکل بود و نیز متمرکز کردن امواج روی آنتن‌های بشقابی و سپس ارسال آن‌ها به فواصل دور، از دیگر کارهای مارکنی است. او عضو حزب فاشیست ایتالیا و طرفدار موسولینی بود و در ۶۳ سالگی، پیش از وقوع جنگ دوم جهانی در رم درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ماکسول ، هرتز



مارکو پولو

(۱۲۵۴ _ ۱۳۲۴م.)

جهان‌گرد ایتالیایی

پدر و عموی مارکو پولو اهل ایتالیا و تاجران جواهر بودند و با کشورهای آسیایی روابط بازرگانی داشتند. آن‌دو در سفری به چین، در پکن، که خان‌بالغ نام داشت، با خاقان چین ملاقات کردند. خاقان از آن‌ها درباره‌ی دین مسیح پرسید. سپس مأموریت داد به ونیز بازگردند و از پاپ بخواهند مبلّغان مسیحی را به چین اعزام کند. آنان به ونیز بازگشتند و پس از انجام دادن مأموریت، یکی از برادران با پسرش، مارکو، بار دیگر عازم چین شد. آن‌دو از مسیر آسیای صغیر (ترکیه)، ایران و کوهستان‌های پامیر در



افغانستان امروز، پس از پیمودن هزاران کیلومتر راه به چین رسیدند. مارکو پس از سیاحت در چین و جنوب شرقی آسیا، تصمیم گرفت به وطن بازگردد. اما در یک جنگ دریایی اسیر شد و مدتی به زندان افتاد. در زندان فرصت یافت سفرنامه‌ی خود را درباره‌ی چین، ترکستان، مغولستان، ایران و قسمتی از آسیای جنوب شرقی بنویسد. پس از آزادی از زندان به ونیز رفت و در همان‌جا درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ابن‌بطوطه



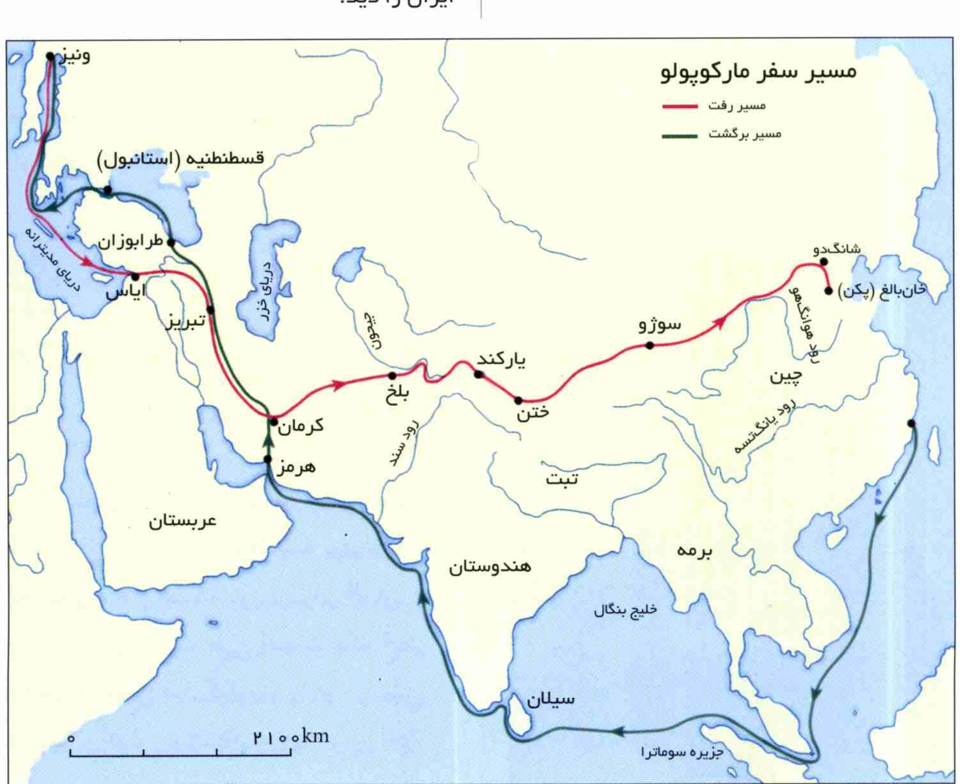
ماژلان، فردیناند

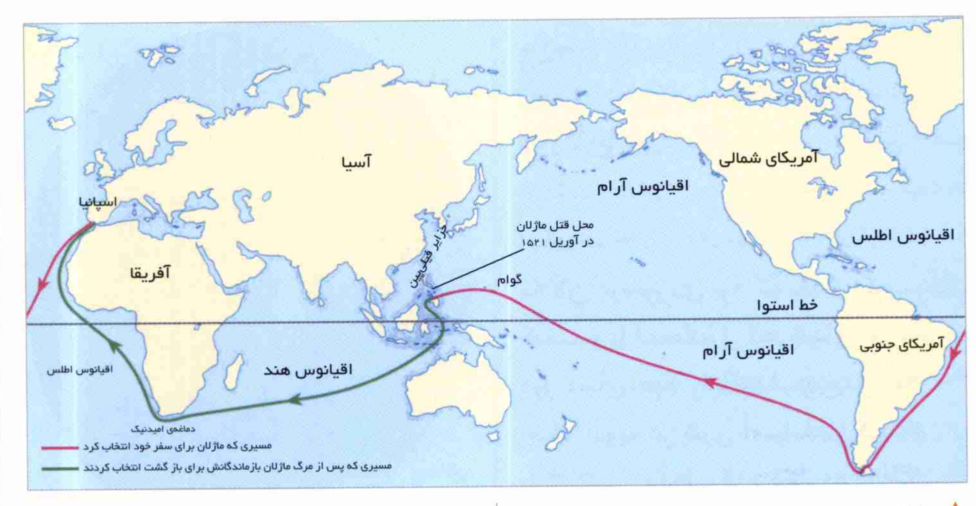
(۱۵۲۱ _ ۱۴۸۰م.)

دریانوردی که اولین سفر دور دنیا را آغاز کرد.

ماژلان دریانوردی بود که بعد از کریستف کلمب و با استفاده از تجربه‌های او، سفر دور دنیای خود را با هدف رسیدن به جزایر ادویه در شرق آسیا، آغاز کرد. او با ۵ کشتی بادبانی از پرتقال به‌راه افتاد. نخست اقیانوس اطلس را پیمود و به جنوب قاره‌ی آمریکای جنوبی رسید. در آن‌جا پس از چند ماه سرگردانی، تنگه‌ای برای عبور کشف کرد که امروز به نام او، **تنگه‌ی ماژلان** نامیده می‌شود. آن‌گاه وارد اقیانوس آرام شد و راه خود را ادامه داد. او و همراهانش چهار ماه، بدون رسیدن به ساحل، به پیش‌روی ادامه دادند و با سختی و گرسنگی روبه‌رو شدند. اما سرانجام، به یکی از جزایر فیلی‌پین

▼ مسیر سفر مارکوپولو از ونیز در ایتالیا به خان‌بالغ (پکن) در چین بود. او از ایران نیز عبور کرد و شهرهای تبریز و کرمان و بنادری در جنوب ایران را دید.





▲ ماژلان اولین سفر دریایی به دور کره‌ی زمین را فرمان‌دهی کرد. اما زنده نماند تا پایان سفر خود را ببیند، این سفر به دانشمندان ثابت کرد که شکل زمین کروی است.

رسیدند. ماژلان در آن‌جا به دست بومیان کشته شد. ولی همراهانش پس از پیمودن دریای بین استرالیا و آسیا در جزایر بسیاری پیاده شدند و با بار زدن ادویه راه بازگشت را در پیش گرفتند. آنان بعد از گذشتن از جنوب چین و هند و دور زدن قاره‌ی آفریقا، به پرتغال رسیدند. در این سفر چهار کشتی از کشتی‌های آن‌ها از بین رفت و تنها یک کشتی به نام کشتی ویکتوریا با ۱۸ ملوان به اسپانیا بازگشت. ماژلان و ۱۶۰ ملوان دیگر از این سفر بازنگشتند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کریستف کلمب ، وسپوچی



ماژینو، آندره

(۱۹۳۲ ـ ۱۸۸۷م.)

مبتکر خط دفاعی ماژینو

در فاصله‌ی بین دو جنگ اول و دوم جهانی، آندره ماژینو وزیر جنگ فرانسه بود. او با تجربه‌ای که از جنگ اول در برابر آلمان به دست آورده بود، طرح احداث یک خط دفاعی به طول صد کیلومتر را در مرز بین فرانسه و آلمان پیشنهاد و خود آن را اجرا کرد. در این خط دفاعی پیش‌رفته، تونل‌های زیرزمینیِ مجهز به آسانسور ساخته بودند که مهمات و اسلحه را از زیر زمین به بالا می‌رساند. در سراسر خط هم توپ‌های ضدهوایی با سنگرهای بتنی مستقر کرده بودند تا در صورت وقوع جنگ، آلمانی‌ها را با یک خط آتش صد کیلومتری روبه‌رو سازند. آلمان هم در مقابل خطِ دفاعیِ ماژینو، خط دفاعی **زیگفرید** را احداث کرد. با وجود این تدابیر، هنگامی که آلمان جنگ دوم را آغاز کرد و قصد تصرف فرانسه را داشت، ارتش نازی بدون توجه به خط ماژینو، به تاکتیکی باورنکردنی دست زد. به این ترتیب که با یک حمله‌ی برق‌آسا، هلند، لوکزامبورگ و بلژیک را اشغال کرد و از طریق کشور بلژیک، با قوای موتوری وارد فرانسه شد و کلّ خط ماژینو را به تصرف خود درآورد. ارتش آلمان به پاریس رسید و این شهر را فتح کرد. سپس همه‌ی فرانسه را در اختیار خود درآورد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پتن ، دوگل ، زیگفرید



ماسوشیتو

(۱۹۱۲ ـ ۱۸۶۷م.)

امپراتور ژاپن معروف به میجی

ژاپن تا اواسط قرن نوزدهم میلادی، کشوری تقریباً جدا افتاده از جهان بود و با نظام فئودالی جبّارانه‌ای اداره می‌شد. اما ژاپنی‌ها کم‌کم احساس کردند که اگر بخواهند زیر سلطه‌ی خارجی نباشند، باید هم حکومت مقتدری داشته باشند و هم به فنّاوری‌های پیش‌رفته مجهز شوند. در سال ۱۸۶۷، مقارن با اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه در ایران، شاهزاده ماسوشیتو امپراتور ژاپن شد و نوسازی این کشور را آغاز کرد. او حکومت خود را **میجی**، به معنی حکومت روشنایی، نامید و تلاش خود را برای اصلاح جامعه و بازگشت به هویت اصیل ژاپنی آغاز کرد. این تلاش، آغازی برای رشد و پیش‌رفت ژاپن شد. ماسوشیتو هیئتی بلندپایه از بزرگان ژاپن را به اروپا و آمریکا فرستاد. اعضای این هیئت حدود دو سالِ بعد، با مطالعه‌ای دقیق و عمیق در فرهنگ و تمدن غرب، به ژاپن برگشتند. از آن پس، اصلاحات بزرگی در ژاپن صورت گرفت. دوره‌ی فئودالیسم و عصر سلطه‌ی جنگاوران سامورایی به پایان رسید؛ حکومت ملی برقرار شد؛ مردم در برابر قانون مساوی شدند؛ ارتش ملی به‌وجود آمد؛ آموزش عمومی و اجباری برقرار شد؛ نظام مالیاتی جدیدی ایجاد گشت؛ زمین‌ها بین کشاورزان تقسیم شد و در مقابل، آن‌ها نیز موظف شدند مالیات بپردازند و خدمت سربازی انجام دهند. بازرگانی و صنعت نیز گسترش یافت و در سیاست خارجی، ژاپن شیوه‌ای تهاجمی و امپریالیستی در پیش گرفت که از پی‌آمدهای آن، حمله به چین بود. بدین ترتیب ماسوشیتو، با آن‌که در دوره‌ی حکومت ۴۴ ساله‌ی خود مستقیماً فرمان نمی‌راند، توانست ژاپنِ قرون وسطایی را به یک کشور پیش‌رفته تبدیل کند. **هیروهیتو**، امپراتور ژاپن در جنگ دوم جهانی، نوه‌ی ماسوشیتو بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هیروهیتو

مافی، رضا

(۱۳۶۱ ـ ۱۳۲۲هـ.ش.)

خوش‌نویس

در مشهد متولد شد و اولین آموزش‌ها را در همان شهر دید. در آغاز نوجوانی به تهران رفت و دوره‌های خوش‌نویسی را زیر نظر استاد حسین میرخانی با مهارت و در مدت نسبتاً کوتاهی به‌پایان رساند. او در خط نستعلیق پیرو میرزاغلامرضا اصفهانی، خوش‌نویس برجسته‌ی دوره‌ی قاجار بود. رضا مافی از پیش‌گامان ابداع نقاشی‌خط است و آثار زیبایی در این سبک به‌وجود آورده است. او در اواخر عمر با استفاده از اشعار سهراب سپهری، به هنرآفرینی در زمینه‌های نستعلیق و شکسته‌نستعلیق پرداخت. از جمله آثار او **مرغ بسم‌الله** و **ترکیب‌بندی مورّب** است. مافی زندگی کوتاهی داشت و در ۳۹ سالگی در تهران درگذشت.

همچنین نگاه کنید به:

احصایی ، میرخانی



ماکسِول، جِیمز کلرک

(۱۸۷۹ ـ ۱۸۳۱ م.)

ریاضی‌دان و فیزیک‌دان انگلیسی

در یک خانواده‌ی ثروت‌مند و با فرهنگ در ادینبوروی اسکاتلند به‌دنیا آمد. پدری حقوق‌دان و دانشمند داشت که مربی خوبی برای فرزندش بود. ماکسول در جوانی به مقام استادی دانشگاه رسید؛ اما خیلی زود و در ۳۴ سالگی خود را بازنشسته کرد تا بتواند به کارهای علمی مورد علاقه‌اش برسد. عده‌ای او را بزرگ‌ترین فیزیک‌دان جهان در فاصله‌ی نیوتون و اینشتین دانسته‌اند. او دارای نظریه‌ها و اکتشافات مهمی در بسیاری از زمینه‌های علمی است. کار مهم و حیرت‌آور او، وضع **نظریه‌ی الکترومغناطیس** و در حقیقت، پیش‌بینی وجود امواج الکترومغناطیس است که از راه ریاضیات به آن دست یافت. ماکسول معادلاتی نوشت که پیش‌بینی می‌کرد نه تنها امواج نوری، بلکه پرتوهای فروسرخ، فرابنفش و حتی امواج رادیویی، بخشی از یک طیف گسترده به نام طیف الکترومغناطیس هستند. ماکسول عمر کوتاهی داشت و در ۴۸ سالگی درگذشت. ۱۰ سال پس از او، **هنریش هرتز**، فیزیک‌دان آلمانی، صحت نظریه‌ی ماکسول را با اختراع دستگاه‌های گیرنده و فرستنده‌ی رادیویی در عمل نشان داد.

همچنین نگاه کنید به:

هرتز



ماکیاولی، نیکولو

(۱۵۲۷ ـ ۱۴۶۹ م.)

فیلسوف قدرت و سیاست

در فلورانس ایتالیا زاده شد و در همان شهر، که خاندان فرهنگ‌دوست و هنرپرور مدیچی بر سر قدرت بودند، پست مهمی در دستگاه حکومت به‌دست آورد. وقتی حکومت مدیچی سقوط کرد، ماکیاولی به خدمت حکومت جدید درآمد. سپس در طول چند سال، به تعدادی از دربارهای خارج از فلورانس، از جمله دربار سزار بورگیا، که شاه‌زاده‌ای دیکتاتور بود، رفت. چندی بعد، که خاندان مدیچی بار دیگر قدرت را در فلورانس به دست گرفت، کارش را رها کرد و به زادگاه خود برگشت. ماکیاولی چند کتاب به نفع خاندان مدیچی نوشت تا بتواند بیش‌تر در منصب و پست خود بماند. اما با سقوط این خاندان، بی‌کار و بیمار شد و درگذشت. شهرت ماکیاولی بیش‌تر به سبب آثار او، به‌خصوص کتاب معروفش **شهریار** است. او در این کتاب فلسفه‌ی قدرت و چگونگی بر سر قدرت ماندن را بیان می‌کند. خلاصه و عصاره‌ی نظر ماکیاولی این است که پادشاه برای حفظ قدرت خود می‌تواند به هر کاری دست بزند و از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف استفاده کند؛ حتی به قیمت اغوا کردن و فریب دادن مردم و دوستان و اطرافیان را پلکان قدرت ساختن.

▼ ماکیاولی مشهورترین کتاب را درباره‌ی سیاست تألیف کرد. این کتاب، شهریار نام دارد.





مالتوس، رابرت

(۱۸۳۴ ـ ۱۷۷۶م.)

جمعیت‌شناس انگلیسی

مالتوس در ۲۲ سالگی از یک کالج انگلیسی مدرک ریاضیات گرفت. آن‌گاه به لباس روحانیت درآمد و کشیش شد. او ضمن انجام‌دادن وظیفه‌ی روحانی خود، به تدریس تاریخ و اقتصاد پرداخت و نظریه‌ی معروف خود را درباره‌ی جمعیت ارائه داد. به نظر مالتوس، در حالت طبیعی، جمعیت کره‌ی زمین به نسبت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد؛ ولی بر تولید مواد غذایی به نسبت

تصاعد حسابی افزوده می‌شود که نتیجه‌ی این واقعیت، کم شدن غذا و وقوع قحطی در آینده در سراسر جهان است. او نظریه‌ی خود را به تفصیل در کتابی به نام **رساله‌ای درباره‌ی جمعیت** منتشر کرد. نظریه‌ی مالتوس سبب شد داروین در بیان نظریه‌ی مشهور خود، انتخاب طبیعی، به نظر او تکیه کند و بگوید: «تنازع بقا، عقیده‌ی مالتوس است که تمام قلمروهای حیوانی (انسانی) و نباتی را در بر می‌گیرد.» باید دانست که امروزه، به وجود آمدن روش‌های پیش‌رفته‌ی تولید غذا در سراسر جهان، نظریه‌ی مالتوس، حداقل در مورد کشورهای پیش‌رفته، بی‌اثر شده است.

همچنین نگاه کنید به:
داروین

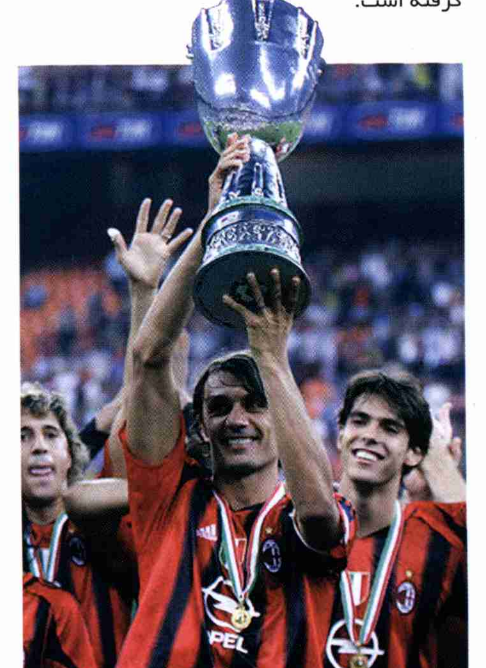


مالدینی، پائولو

(تولد: ۱۹۶۸م.)
فوتبالیست ایتالیایی

پائولو فرزند چزاره مالدینی، مربی و بازی‌کن پیشین تیم ملی ایتالیاست و از رکورددارانِ به‌شمار می‌رود. اولین بار در سال ۱۹۸۸، به تیم ملی ایتالیا پیوست و ۲ سال بعد (۱۹۹۰)، تیمش به مقام سوم جام جهانی رسید. مالدینی ۱۲۶ بار با تیم ملی کشورش به میدان رفته و در ۷۴ بازی کاپیتان تیم بوده است. او تاکنون در ۱۷۰ مسابقه‌ی باشگاهی اروپایی و بیش از ۶۰۰ مسابقه‌ی باشگاهی ایتالیایی بازی کرده است. این ورزش‌کار ۵ بار به مقام قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا دست یافته است. مالدینی با وجود موفقیت‌های متعدد در مسابقه‌های باشگاهی، هیچ‌گاه در عرصه‌ی مسابقه‌های ملی به مقام قهرمانی دست نیافته است. او در سال ۲۰۰۲ از تیم ملی ایتالیا کناره‌گیری کرد.

▼ مالدینی جام قهرمانان اروپا را بالای سر خود گرفته است.





مالرو، آندره

(۱۹۷۶ ـ ۱۹۰۱م.)
نویسنده و متفکر فرانسوی

در خانواده‌ای مرفه در پاریس به‌دنیا آمد. در نوجوانی، زبان‌های زنده‌ی شرقی و نیز زبان سانسکریت را آموخت. از ۱۸ سالگی در مطبوعات، مقاله و داستان می‌نوشت. در سال ۱۹۲۳، مدتی به همراه همسرش و گروهی باستان‌شناس به آسیای شرقی سفر کرد تا از نزدیک، تمدن‌های قدیم آن سرزمین‌ها را بررسی و مطالعه کند. در جریان انقلاب چین به رهبری **سون یات سن**، جزو شورای ۱۲ نفری رهبری چین شد و مدتی بعد از راه افغانستان و ایران به فرانسه بازگشت. در ایران، اصفهان را دید و آن را در مقاله‌ای که نوشت، زیباترین شهر جهان نامید. کتاب **وسوسه‌ی غرب** مالرو به آشنایی او با مردم مشرق‌زمین مربوط می‌شود. او با رمان **فاتحان** مشهور شد و اثر دیگرش، **سرنوشت بشر**، جایزه‌ی گنکور را نصیب او کرد. در دوره‌ی نخستِ رهبری ژنرال **دوگل**، وزیر اطلاعات و در دوره‌ی ریاست جمهوری او، وزیر فرهنگ و هنر فرانسه شد. پس از استعفای دوگل، او نیز از مسئولیت کناره گرفت. کتاب **ضدّ خاطرات** را در سال ۱۹۴۷ نوشت و در آن، تجربه‌های زندگی خود را همراه با دیدگاه‌هایش درباره‌ی جهان معاصر بازگو کرد. مالرو در ۷۵ سالگی، بر اثر بیماری ریَوی از دنیا رفت. آثارش به فارسی ترجمه شده است.

همچنین نگاه کنید به:
دوگل ، سون یات سن



مالک‌اَشتر

(فوت: ۳۸ ه.ق.)
صحابی و سردار لشکر علی علیه‌السلام

مالک مردی شجاع، سخن‌دان و دارای صفت‌هایی چون صبر، گذشت و بخشندگی بود. از قبیله‌ی نَخَع یمن بود و بزرگ قوم خود به‌شمار می‌رفت. از آن‌جا که در جنگ یرموک، یک چشم خود را از دست داد، به لقب اشتر، یعنی پلک برگردیده، مشهور شد. او بزرگ‌ترین یاور علی علیه‌السلام بود؛ چنان‌که آن حضرت درباره‌اش فرمود: «مالک برای من چنان است که من برای پیامبر بودم.» مالک اشتر در دو جنگ جمل و صفّین رشادت بسیاری از خود نشان داد و تا پایان، از علی علیه‌السلام حمایت کرد. حضرت علی علیه‌السلام او را به ولایت مصر فرستاد و عهدنامه‌ای برایش نوشت که بسیار مشهور است و در نهج‌البلاغه نیز آمده است. معاویه چون شنید مالک راهی مصر شده است، دستور داد او را پیش از رسیدن به آن کشور، با عسل آلوده به زهر مسموم کنند. **محمدبن ابوبکر**، دیگر فرستاده‌ی علی علیه‌السلام به مصر نیز به دست طرفداران معاویه کشته شد.

همچنین نگاه کنید به:
محمدبن ابوبکر



مالک‌بن انَس

(۱۷۹ ـ ۹۳ ه.ق.)
پیشوای مذهب مالکی

در شهر مدینه چشم به جهان گشود. در همین شهر علم فقه تحصیل کرد و به تحقیق در احادیث و سنت پیامبرﷺ مشغول شد و خیلی زود به مقام استادی رسید. خلیفه‌ی وقت، منصور دوانیقی، از او خواست کتابی در فقه و حدیث بنویسد و او کتاب **مُوَطّأ** را تألیف کرد. مالک پایه‌گذار مذهب فقهی مالکی شد که یکی از چهار مذهب فقهی مهم اهل سنت است. حیات مالک‌بن انس مصادف با امامت امام محمد باقر(ع)، امام جعفر صادق(ع) و امام موسی کاظم(ع) بود. او پس از ۸۶ سال زندگی، در مدینه درگذشت و در گورستان بقیع مدفون شد.

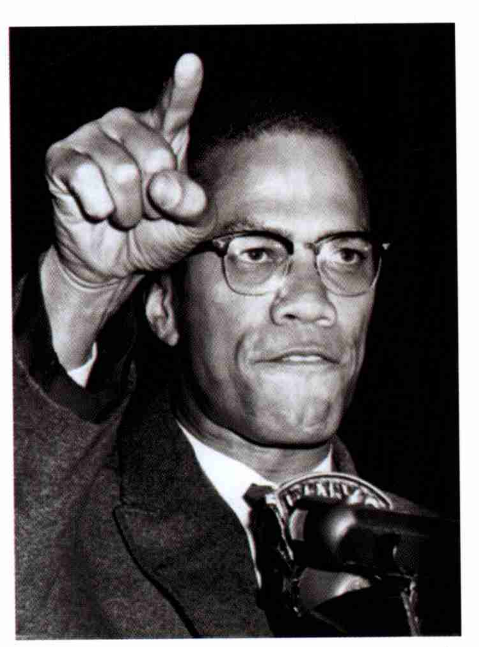
هم‌چنین نگاه کنید به:
ابوحنیفه ، احمدبن حنبل ، شافعی



مالکوم ایکس

(۱۹۶۵ ـ ۱۹۲۵ م.)
مسلمان ضد نژادپرستی در آمریکا

مالکوم ایکس، سیاه‌پوست بود و در ایالت نبراسکا متولد شد. در اثر فقر و نابسامانی کارش به اعتیاد و دزدی کشید و به زندان افتاد. ۵ سال در زندان ماند و در آن‌جا با سیاه‌پوستان مسلمان آشنا شد. این آشنایی در اصلاح رفتارش بسیار مؤثر بود؛ به‌طوری که پس از آزادی به جنبش سیاهان به رهبری عالیجاه محمد پیوست و از آن پس زندگی او در مسیر دیگری افتاد. فعالیت‌های اسلامی خود را گسترش داد و در شهرهای آمریکا، از جمله دیترویت و فیلادلفیا، مسجد ساخت. مالکوم ایکس در سال ۱۹۶۴ م. به آسیا و آفریقا سفر کرد و حج به جا آورد و در همین سال سازمان وحدت سیاهان آفریقایی ـ آمریکایی را بنیان نهاد. او، که علاوه بر تلاش در راه گسترش دعوت اسلامی به مبارزه با تبعیض نژادی نیز می‌پرداخت، در سال ۱۹۶۴ در شهر نیویورک به دست افراد ناشناسی ترور شد و ترورش در هاله‌ای از ابهام باقی ماند.



▲ مالکوم ایکس، سیمای اسلام را بیش از پیش بر مردم آمریکا آشکار ساخت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
محمد (عالیجاه)

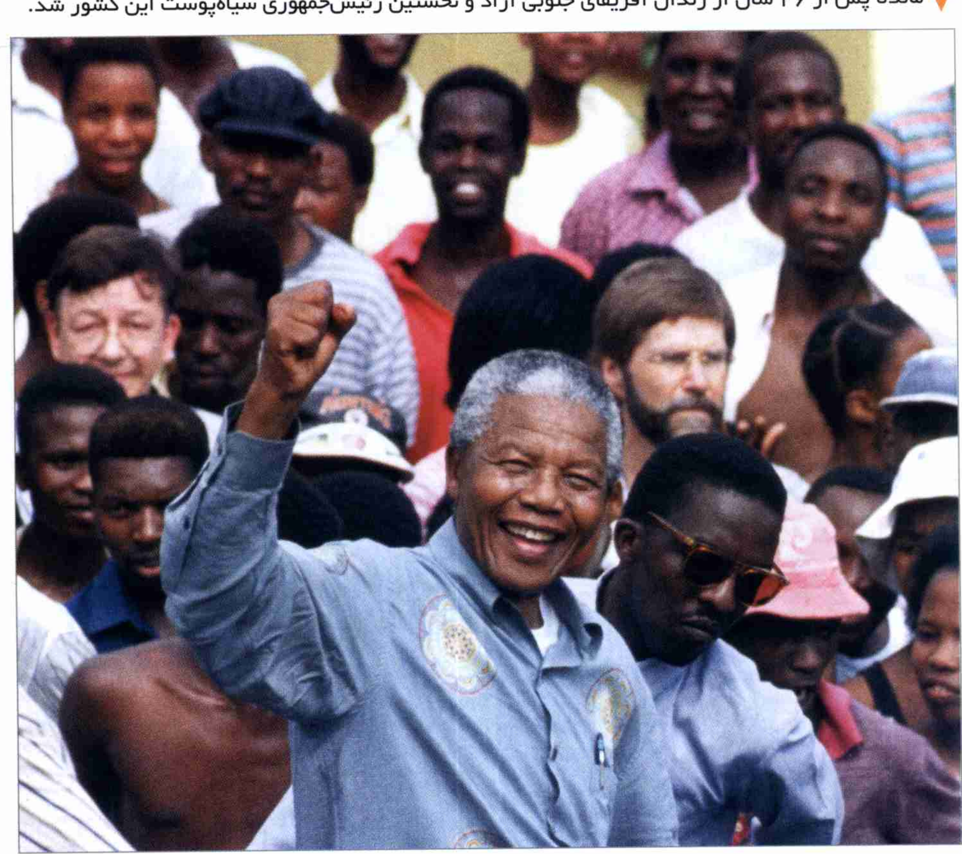


ماندلا، نلسون

(تولد: ۱۹۱۸ م.)
قهرمان مبارزه با نژادپرستی در قرن بیستم

نلسون ماندلا در منطقه‌ی ترانسکی در آفریقای جنوبی، در قبیله‌ی تمبا به‌دنیا آمد. پدرش رئیس آن قبیله بود. به دانشگاه رفت و در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد. در دوره‌ی دانشجویی، به **کنگره‌ی ملی آفریقا** پیوست و وارد مبارزه با نژادپرستی شد. در آن زمان، سفیدپوستان مهاجر انگلیسی بر آفریقای جنوبی حاکم بودند و برای سیاهان، هیچ‌گونه حقوق اجتماعی قایل نبودند. ماندلا در پی مبارزه‌های خود به زندان افتاد، محکوم شد و ۲۷ سال در زندان ماند. سرانجام در سال ۱۹۹۰، پس از به ثمر رسیدن مبارزه‌های

▼ ماندلا پس از ۲۶ سال از زندان آفریقای جنوبی آزاد و نخستین رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست این کشور شد.



سیاهان، آزاد شد. او ۴ سال بعد در یک انتخابات آزاد، که با شرکت همه‌ی گروه‌ها و نژادها برگزار شد، به ریاست جمهوری آفریقای جنوبی رسید. اما بیش از یک دوره در این مقام نماند و بازنشسته شد. مقالاتی که در زندان نوشت از یک‌سو و نرمش او در برابر دشمنانش از سوی دیگر، جهانیان را به تحسین او واداشته است. ماندلا در دهه‌ی ۸۰ شمسی، به ایران آمد و با مقامات ایران ملاقات و در دانشگاه تهران سخن‌رانی کرد. در سال ۱۹۹۳ نیز به سبب مبارزه در راه صلح و آزادی انسان، جایزه‌ی صلح نوبل را دریافت کرد. کتاب خاطرات ماندلا به نام **راه دشوار آزادی** به فارسی ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لوترکینگ

مانی



(۲۷۷ ـ ۲۱۶م.)
مدّعی پیامبری

در اوایل دوره‌ی ساسانیان، در روستایی اطراف بابِل (در عراق امروز) به‌دنیا آمد. پدرش پیرو آیین صابئین یا ستاره‌پرستان بود. نوشته‌اند در ۱۲ سالگی، فرشته‌ای بر مانی ظاهر شد و حقایقی را بر او آشکار ساخت. آن فرشته ۱۲ سال بعد دوباره آشکار شد و از مانی خواست دین خود را آشکار و تبلیغ کند. از این‌رو مانی با شاپور اول ساسانی دیدار و او را به کیش خود دعوت کرد. سپس اجازه‌ی تبلیغ دین خود را پیدا کرد و خیلی زود، دین او در سراسر ایران و قسمت‌هایی از مصر و شام و عربستان و حتی چین و ترکستان، گسترش یافت. اما بعد از شاپور، بهرام اول ساسانی و موبدان زردشتی به مخالفت با مانی و مانویان برخاستند. سرانجام مانی را کشتند و شکمش را پر از کاه کردند و در شهر گندی‌شاپور به دار آویختند. اساس دین مانی بر نور و ظلمت و خیر و شر استوار بود. در شریعت او خوردن گوشت، نوشیدن شراب و ازدواج برای پیشوایان و برگزیدگان ممنوع بود. پیروان او ماهی ۷ روز، روزه می‌گرفتند و زیاد نماز می‌خواندند. مانی کتابی به نام **ارژنگ** داشت که تعالیم خود را، برای این‌که همه‌ی مردم بتوانند درک کنند، به صورت نقاشی در آورده بود. از این‌رو، او را پیغمبر نقاش هم نامیده‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
زردشت ، مزدک



مأمون

(۲۱۸ ـ ۱۷۰ هـ.ق.)
خلیفه‌ی عباسی

مأمون فرزند هارون‌الرشید و هشتمین خلیفه‌ی عباسی است. مادرش ایرانی بود؛ به این سبب، به ایرانیان علاقه نشان می‌داد. پس از درگذشت هارون‌الرشید، پسر دیگرش، امین، در بغداد به خلافت نشست. اما مأمون هم که فرمان‌دار توس بود، ادعای خلافت کرد. خیلی زود میان دو برادر جنگ درگرفت. سرانجام طاهر ذوالیمینین، سردار ایرانی مأمون، سپاه خود را به بغداد رساند و مأمون توانست با کشتن برادر، به خلافت دست یابد. مأمون به مذهب شیعه گرایش داشت و یکی از دانشمندترین خلفای بنی‌عباس به‌شمار می‌رفت. او ابتدا مرو را به پایتختی خود انتخاب کرد. آن‌گاه با اصرار فراوان امام رضاؑ را از مدینه به مرو دعوت کرد و او را ولی‌عهد خود ساخت. حتی به نام آن حضرت سکه زد و دستور داد رنگ سبز به جای رنگ سیاه، که شعار ابومسلم و عباسیان بود، قرار گیرد. اما به سبب محبوبیّت فوق‌العاده‌ای که امام رضاؑ در میان مردم پیدا کرد و بی‌اعتنایی آن حضرت به شکوه و تجمل دربار مأمون و نیز مخالفت خاندان بنی‌عباس با ولایت‌عهدی امام رضاؑ، مأمون از کار خود پشیمان شد. به همین سبب، پس از چندی امام را در توس به‌شهادت رساند. سپس به بغداد رفت و با قدرت خلافت را به‌دست گرفت. مأمون در بغداد محلی به نام **بیت‌الحکمه** تأسیس کرد و دانشمندان بسیاری را در آن گرد آورد تا به تعلیم و تدریس و ترجمه‌ی کتاب‌های علمی یونانی و ایرانی بپردازند. این خلیفه در ۴۸ سالگی در یکی از شهرهای روم درگذشت. پس از او برادرش، معتصم، خلیفه شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
علی‌بن موسی‌الرضاؑ ، هارون‌الرّشید



مترلینک، موریس

(۱۹۴۹ ـ ۱۸۶۲م.)
درام‌نویس، شاعر و حشره‌شناس بلژیکی

در یکی از شهرهای بلژیک به نام گان به‌دنیا آمد. دوره‌ی کودکی تا نوجوانی او در خانواده‌ای مرفه به آموزش زبان‌های آلمانی، فرانسوی، لاتینی، تعالیم مذهبی و شعر و ادبیات گذشت. سپس در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد و به وکالت پرداخت. اما خیلی زود آن کار را رها کرد و به پاریس رفت و یک‌سره به فعالیت در حوزه‌های ادبیات، شعر، نوشتن نمایش‌نامه و درام پرداخت و آثار ارزنده‌ای پدید آورد. پس از چند سال به کشورش بازگشت و بار دیگر به وکالت پرداخت. مترلینک، که روحی بی‌قرار داشت، مدتی به حشره‌شناسی روی آورد و پس از تحقیق و پژوهش

دربارهٔ‌ی این موجودات، کتاب‌های **زنبور عسل**، **مورچگان** و **موریانه‌ها** را نوشت. این کتاب‌ها بیش از سایر آثار مترلینک او را در ایران مشهور ساخته است. مترلینک نمایش‌نامه‌ای به نام **پرنده‌ی آبی** نوشت که بسیار درخشید و به ۶۵ زبان ترجمه گردید و سبب شد جایزه‌ی نوبل ادبیات را در سال ۱۹۱۱ صاحب شود.



مُتَنَبّی

(۳۵۴ _ ۳۰۳ ه.ق.)

شاعر عرب

نامش احمدبن حسین بود و در کوفه، در خانواده‌ای تهی‌دست متولد شد. ادبیات عرب و تاریخ عربی را در کوفه و سپس با گردش در میان قبایل و بادیه‌ها آموخت. در جوانی ادعای پیامبری کرد. به همین دلیل، به متنبّی معروف شد. اما چون به زندان افتاد، توبه کرد. سپس به دربار سیف‌الدوله‌ی حَمْدانی به حلب رفت و نزد او جایگاهی بلند یافت. او، که در دوره‌ی آل‌بویه می‌زیست، به ایران نیز آمد و در شیراز به مدّاحی عضدالدوله‌ی دیلمی پرداخت و در بازگشت از همین سفر در راه بغداد به دست راهزنان کشته شد. جایگاه متنبّی در شعر عربی مانند جایگاه سعدی در شعر فارسی است و سعدی نیز به اشعار او توجه زیادی داشته است.



مثقالی، فرشید

(تولد: ۱۳۲۲ه.ش.)

تصویرگر و طراح گرافیک

اهل اصفهان است و در رشته‌ی نقاشی در دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران تحصیل کرده است. چندی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت کرد و به تصویرگری کتاب، ساخت فیلم متحرک و پوستر فیلم پرداخت. در همان دوره برنده‌ی جایزه‌ی نمایشگاه براتیسلاوا (چکسلواکی) و بولونیا (ایتالیا) برای تصویرگری کتاب **ماهی سیاه کوچولو** شد. در آثار مثقالی حضور تخیل و استفاده‌ی مناسب از روش‌های تصویرسازی موج می‌زند. او برای بیش از ۱۵ کتاب تصویرسازی کرده است.

▼ دو نمونه از آثار فرشید مثقالی







مجتهدی، محمدعلی

(۱۳۷۶ _ ۱۲۸۷ه.ش.)

مدیر مدرسه‌ی‌البرز و بنیان‌گذار دانشگاه صنعتی‌شریف

اهل لاهیجان و از خانواده‌ای روحانی بود. در سال ۱۳۱۰ دیپلم گرفت وچون دانش‌آموز ممتازی بود، از طرف دولت به اروپا اعزام شد. هفت سال در فرانسه تحصیل کرد و دکترای ریاضی گرفت. به ایران بازگشت و در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد و هم‌زمان، ریاست **دبیرستان البرز** را نیز پذیرفت. او بیش از سه دهه در این مسئولیت بود و نامی ماندگار از خود بر جای گذاشت. مجتهدی طی ریاست بر دبیرستان البرز، در مسئولیت و فعالیت‌های دیگری نیز خدمت کرد. از جمله عضو شورای عالی فرهنگ، رئیس دانشگاه شیراز، رئیس دانشگاه پلی‌تکنیک (امیرکبیر) و رئیس دانشگاه ملی (شهید بهشتی) بود. مجتهدی بنیان‌گذار دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف کنونی) بود و خود نیز به مدت دو سال ریاست آن را به عهده داشت. او در ۸۹ سالگی درگذشت.



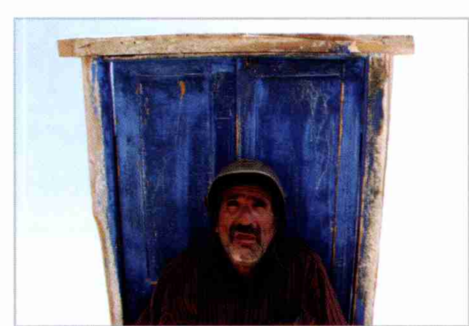
مجیدی، مجید

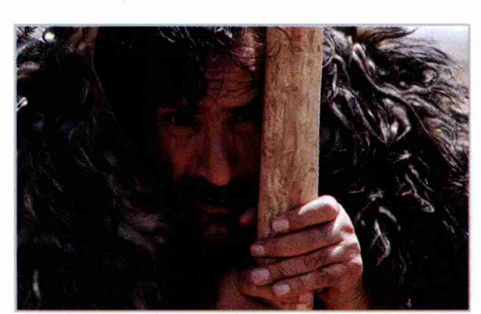
(تولد: ۱۳۳۸ه.ش.)

بازیگر و کارگردان

مجیدی دانش‌آموخته‌ی دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک و از بنیان‌گذاران حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی پس از انقلاب اسلامی است که بعدها حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی نام گرفت. در مقام بازیگر، در فیلم‌های **توجیه** (اولین کار)، **استعاذه**، **دو چشم بی‌سو**، **بایکوت**، **تیرباران** و **در جست‌وجوی قهرمان** بازی

کرده و کارگردان فیلم‌های **بدوک**، **پدر**، **بچه‌های آسمان**، **رنگ خدا**، **باران** و **بیدمجنون** است. فیلم بچه‌های آسمان در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) نامزد جایزه‌ی اسکار شد؛ ولی در رقابت با یک فیلم ایتالیایی بازماند. فیلم دیگر او به نام **آواز گنجشک‌ها** نیز برنده‌ی سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی از جشنواره‌ی فیلم فجر سال ۱۳۸۶ شد. مجیدی فیلمی مستند به نام **پابرهنه تا هرات** ساخته که درباره‌ی اردوگاه‌های پناهندگان افغان است. اغلب فیلم‌های این کارگردان در داخل و خارج از ایران، جایزه‌های متعددی کسب کرده و شهرت جهانی یافته است.





▲ رضا ناجی در دو صحنه از فیلم آواز گنجشک‌ها.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حاتمی کیا



محجوب، مرتضی

(تولد: ۱۳۵۹ه.ش.)

قهرمان شطرنج ایران و جهان

در تهران به‌دنیا آمد. از خردسالی با تشویق پدرش به بازی شطرنج روی آورد و خیلی زود وارد مسابقه‌های شطرنج شد. اولین مربی او هادی بنکدار بود که توانست محجوب نوجوان را برای مسابقه‌های قهرمانی نوجوانان زیر ۱۴ سال کشور آماده کند. او توانست در این مسابقه، مقام قهرمانی را کسب کند. از آن پس هم در شطرنج مقام‌های گوناگونی به‌دست آورد و توانست در سال‌های ۸۵ و ۸۸، دوبار قهرمان شطرنج ایران در رشته‌ی بزرگ‌سالان شود.

محجوب پیش از آن در سال ۱۳۷۹ در مسابقه با آناتولی کارپف، قهرمان شطرنج جهان، مساوی کرده بود. بزرگ‌ترین موفقیت جهانی محجوب، قهرمانی او در مسابقه‌ی «رخ در رخ ۵۰۰» بود که در ۲۲ مرداد سال ۱۳۸۸ در تهران انجام شد. رخ در رخ ۵۰۰ مسابقه‌ای سیمولتانه یا هم‌زمان بود که بین این استاد شطرنج و ۵۰۰ شطرنج‌باز از سراسر ایران در مجموعه‌ی ورزشی انقلاب تهران صورت گرفت و محجوب توانست رکورد سیمولتانه‌ی جهان را، هم از لحاظ عده‌ی شرکت‌کنندگان و هم از نظر درصد کسب امتیاز، به خود اختصاص دهد. این مسابقه، که در حضور نایب‌رئیس لیبیایی فیده، نزار الحاج آغاز شد و ۵۰ داور هم بر آن نظارت می‌کردند، ۱۸ ساعت طول کشید. سرانجام محجوب توانست رکورد سیمولتانه‌ی جهان را از دست کیریل گئورگیف، قهرمان بلغاری، خارج کند.



▲ فیلم‌های مجیدی از مضامین انسانی سرشار است.



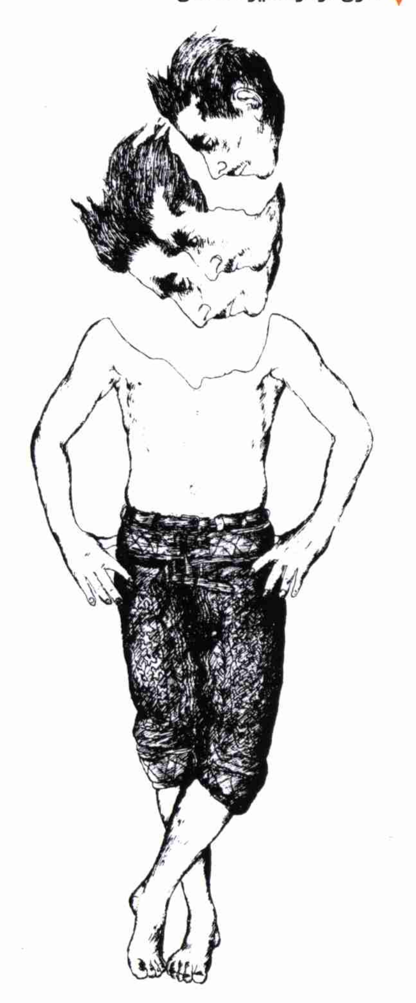
محصّص، اردشیر

(۱۳۸۷ ـ ۱۳۱۷ه.ش.)

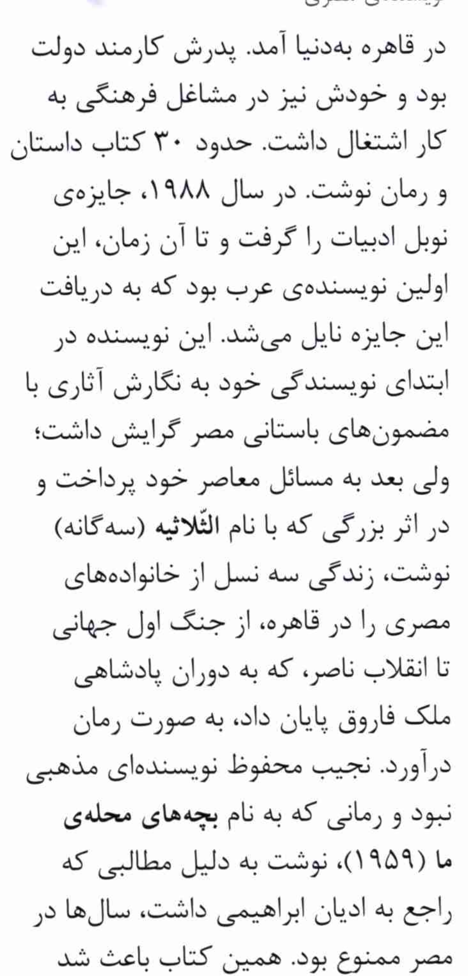
کاریکاتوریست

در رشت به‌دنیا آمد. استعداد شگرف نقاشی خود را در ۷ سالگی نشان داد. اما این هنر او را از تحصیلات عالی بازنداشت. بعد از گرفتن دیپلم، به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی علوم سیاسی مدرک گرفت. در سال ۱۳۴۲، در مقام تصویرگر و طراح کاریکاتور، همکاری خود را با مطبوعات، به‌ویژه با روزنامه‌ی کیهان آغاز کرد. اولین مجموعه طرح‌های اردشیر محصص در سال ۱۳۵۰ با نام **کاکتوس** در مجله‌ی **دفترهای زمانه** چاپ شد و او را بلندآوازه ساخت. به طوری که گفته‌اند تا سال ۱۳۵۲، در

▼ کاری از اردشیر محصص



کشورهای جهان سوم، هیچ طراحی در کاریکاتور به پای او نمی‌رسید. می‌توان گفت اردشیر محصص آغازگر کاریکاتور جدید و روشن‌فکرانه در ایران است. او در طراحی‌هایش تند و آتشین، صریح و در عین حال به‌دور از سادگی و روزمرّگی ظاهر می‌شود. از این روست که هنرمندان، اعتبار ویژه‌ای برایش قایل‌اند. از مجموعه‌های اوست: **طرح‌های آزاد**، **اردشیر و هوای طوفانی**، **تشریفات** و **وقایع اتفاقیه**.



محفوظ، نجیب

(۲۰۰۶ ـ ۱۹۱۱م.)

نویسنده‌ی مصری

در قاهره به‌دنیا آمد. پدرش کارمند دولت بود و خودش نیز در مشاغل فرهنگی به کار اشتغال داشت. حدود ۳۰ کتاب داستان و رمان نوشت. در سال ۱۹۸۸، جایزه‌ی نوبل ادبیات را گرفت و تا آن زمان، این اولین نویسنده‌ی عرب بود که به دریافت این جایزه نایل می‌شد. این نویسنده در ابتدای نویسندگی خود به نگارش آثاری با مضمون‌های باستانی مصر گرایش داشت؛ ولی بعد به مسائل معاصر خود پرداخت و در اثر بزرگی که با نام **الثّلاثیه** (سه‌گانه) نوشت، زندگی سه نسل از خانواده‌های مصری را در قاهره، از جنگ اول جهانی تا انقلاب ناصر، که به دوران پادشاهی ملک فاروق پایان داد، به صورت رمان درآورد. نجیب محفوظ نویسنده‌ای مذهبی نبود و رمانی که به نام **بچه‌های محله‌ی ما** (۱۹۵۹)، نوشت به دلیل مطالبی که راجع به ادیان ابراهیمی داشت، سال‌ها در مصر ممنوع بود. همین کتاب باعث شد عده‌ای کمر به قتل او ببندند و یک بار نیز او را چاقو زدند. نجیب محفوظ طرفدار پیمان صلح کمپ دیوید بود و به این سبب، کتاب‌هایش تا مدت‌ها در کشورهای عربی اجازه‌ی چاپ و پخش نداشت. با این حال، در داستان‌نویسی از چهره‌های برجسته در جهان عرب بود. آثار محفوظ در ایران نیز ترجمه شده و بر اساس یکی از داستان‌هایش به نام **کوچه‌ی مدق**، فیلمی به نام **کافه ستاره** (۱۳۸۵) ساخته شده است. نام چند اثر او عبارت است از: **مصر باستان**، **رادوبیس دل‌داده‌ی فرعون**، **قاهره‌ی مدرن**، **بلدرچین و پاییز**، **شب‌های هزارویک شب**، **سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه** و **کاخ آرزو**.

همچنین نگاه کنید به:
حسین (طه)



محقق، مهدی

(تولد: ۱۳۰۸هـ.ش.)

استاد ممتاز علوم و معارف اسلامی

در مشهد به‌دنیا آمد. پدرش، عباسعلی واعظ خراسانی روحانی بود و در ماجرای خونین مسجد گوهرشاد مشهد، که در اعتراض به کشف حجاب روی داد (۱۳۱۴ هـ.ش.)، دستگیر و ۳ سال در زندان قصر تهران زندانی شد. او پس از آزاد شدن، با خانواده‌اش در تهران ماندگار شد. محقق چند سال در بازار تهران کار کرد، ولی سرانجام به علم‌آموزی روی آورد و با استفاده از فرصت، نزد بزرگ‌ترین استادان حوزه و دانشگاه درس خواند و به مدارج عالی علمی دست یافت. او درجه‌ی اجتهاد خود را در فقه از دو مرجع بزرگ، محمدحسین کاشف‌الغِطا و سیدمحمدتقی خوانساری گرفت. دو مدرک دکتری الهیات و زبان و ادب فارسی دارد، ده‌ها کتاب تألیف و تصحیح کرده، ده‌ها مقاله به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی نوشته و عضو مجامعی چون فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران و نیز فرهنگستان‌های



▲ دکتر مهدی محقق در اشاعه‌ی فرهنگ و اسلام در جهان خدمات بسیار انجام داده است.

مصر و سوریه و اردن است. یکی از کارهای مهم دکتر محقق، بنیان‌گذاری **مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل** کانادااست که از طریق آن توانست با همکاری پژوهشگر ژاپنی، توشی‌هیکوایزوتسو، آثار برجسته‌ای از میراث فرهنگی ایرانی و شیعی را به جهان غرب بشناساند. دکتر محقق از سال ۱۳۷۸ به ریاست **انجمن مفاخر علمی و فرهنگی** منصوب شد و این انجمن را فعال کرد. یکی از خدمات او در این مسئولیت، برگزاری مجالس بزرگ‌داشت و تکریم از علما و دانشمندان برجسته‌ی معاصر است.

همچنین نگاه کنید به:
بهلول



محمد باقر علیه‌السلام، امام

(۱۴۳ ـ ۵۷ هـ.ق.)

پنجمین امام شیعه

فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام، چهارمین امام شیعه، است. در مدینه به‌دنیا آمد و مادرش دختر امام حسن مجتبی علیه‌السلام بود. در ۳۷ سالگی و پس از شهادت پدر، به امامت رسید. از روی‌دادهای قابل توجه زندگی این امام، ملاقات جابربن عبدالله انصاری، صحابی راستین پیامبر با ایشان است. پیامبر برای جابر عمری طولانی پیش‌بینی

کرده و به او فرموده بود که در کهن‌سالی، نواده‌ی او، محمدباقر(ع)، را ملاقات خواهد کرد و از جابر خواسته بود سلام پیامبر را به او برساند. امام باقر(ع) همه‌ی عمر خود را به بسط و گسترش معارف دینی و علوم اسلامی و رفع شبهه‌ها و انحراف‌های فکری پرداخت. از این‌رو، به **باقر**، یعنی گشاینده‌ی مشکلات علمی شهرت یافت. بسیاری از احادیث شیعه از قول ایشان روایت شده است. سرانجام، هِشام‌بن عبدالملک، خلیفه‌ی اموی، آن حضرت را به شهادت رساند. مزار امام باقر(ع) در قبرستان بقیع مدینه است.

همچنین نگاه کنید به:

جابر بن عبدالله انصاری ، جعفر صادق(ع)



محمدبن ابوبکر

(۳۸ ـ ۱ ه‍.ق.)

فرزند خلیفه‌ی اول و صحابی علی(ع)

مادرش اسماء بنت عُمیس بود. اسماء قبلاً همسر جعفربن ابی‌طالب (جعفر طیّار) بود. هنگامی که جعفر در جنگ موته شهید شد، به همسری ابابکر درآمد. اسماء بعد از فوت ابابکر، همسر علی(ع) شد. محمد ۲ ساله بود که یتیم گردید. به این سبب، تحت تربیت علی(ع) قرار گرفت و آن حضرت در حکم پدر او بود. پس از جنگ صفین، حضرت علی(ع) محمدبن ابوبکر را به حکومت مصر منصوب کرد و او رهسپار مصر شد. اما چندی بعد معاویه، عمروعاص را با گروهی به مصر فرستاد و آن‌ها محمد را به بهانه‌ی انتقام گرفتن از خون عثمان، با لب تشنه گردن زدند و جسدش را سوزاندند. از این زمان میان عایشه (خواهر محمد و همسر پیامبر) و معاویه دشمنی پدید آمد. حضرت علی(ع) هنگام اعزام محمدبن ابوبکر به مصر توصیه‌هایی درباره‌ی این مأموریت به او کرد که در نهج‌البلاغه آمده است.

همچنین نگاه کنید به:

جعفربن ابی‌طالب



محمدپرست، عثمان

(تولد: ۱۳۰۷ه‍.ش.)

نوازنده‌ی دوتار

اهل خواف خراسان است و در طوایف دام‌دار آن‌جا به‌دنیا آمده است. از ۱۲ سالگی با دوتار آشنا و به طور خودآموز در این فن استاد شد. او اکنون یکی از استادان مشهور موسیقی مقامی ایران است. محمدپرست تاکنون دعوت کشورهای دیگر را برای اجرای موسیقی در آن کشورها نپذیرفته است و ترجیح می‌دهد فقط برای مردم ایران بنوازد. از آثار مشهور او اجرای مقام **نوایی** روی اشعار طبیب اصفهانی است. محمدپرست عضو یکی از انجمن‌های خیّرین مدرسه‌ساز در جنوب خراسان نیز هست.

همچنین نگاه کنید به:

سلیمانی



محمدتقی(ع)، امام

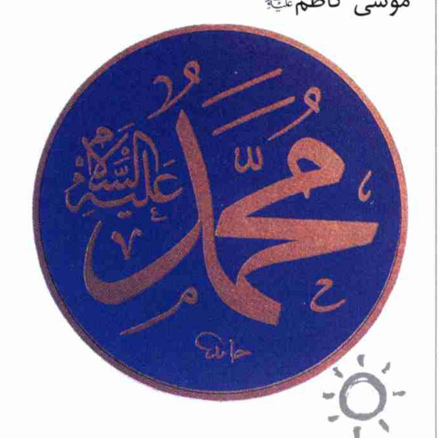
(۲۲۰ ـ ۱۹۵ ه‍.ق.)

نهمین امام شیعیان

نامش محمد، معروف به امام جواد و جوادالائمه است. تنها فرزند امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) بود. در مدینه به‌دنیا آمد. ۹ ساله بود که پدرش در توس به شهادت رسید و از آن پس وظیفه‌ی امامت شیعیان بر دوش او قرار گرفت. مأمون عباسی، ظاهراً به امام جواد(ع) علاقه نشان می‌داد و دختر خود، امّ‌الفضل، را به همسری آن حضرت درآورد. در آن زمان، شیعیان روزبه‌روز بیش‌تر می‌شدند و قدرت می‌گرفتند. از همین رو، فشار حکومت و خلافت بر آنان بیش‌تر بود. وقتی معتصم، برادر مأمون، به خلافت رسید، امام جواد(ع) را از مدینه به بغداد خواست تا ایشان را زیر نظر داشته باشد. با این حال امام وظیفه‌ی ارشاد شیعیان را به خوبی انجام می‌داد؛ به‌طوری که ۱۱۳ نفر از ایشان حدیث نقل کرده‌اند. سرانجام، امام جواد(ع)، به وسیله‌ی همسرش امّ‌الفضل، در بغداد مسموم شد و به شهادت رسید. پیکر ایشان را در گورستان خاندان بنی‌هاشم، در کنار قبر جدّش امام موسیٰ کاظم، به خاک سپردند. به همین دلیل آن مکان بعدها کاظمین نام گرفت.

همچنین نگاه کنید به:

موسی کاظم(ع)



محمد رسول‌الله(ص)

(۱۰ ب ـ ۵۳ ق.ه‍.)

آخرین پیامبر خدا

در مکّه و هنگامی چشم به‌جهان گشود که پدرش، عبدالله، جهان را بدرود گفته بود. مادرش، آمنه نیز، ۶ سال بعد درگذشت و او از آن پس نخست در خانه‌ی جدّش، عبدالمطلب، و بعد از مرگ عبدالمطلب، در خانه‌ی عمویش، ابوطالب، بالید و رشد کرد. در نوجوانی چندی شبانی کرد و در جوانی سال‌هایی را به تجارت در مسیر حجاز به شام پرداخت و از این طریق با مردمان این مناطق و فرهنگ‌های آنان آشنا شد.

محمد(ص) از همان کودکی صفات ویژه‌ای داشت که توجه همه را به خود جلب

می‌کرد. بسیار امانت‌دار بود. از این‌رو، به او «محمد امین» می‌گفتند. ماجرای داوری او درباره‌ی چگونگی نصب حجرالاسود به دیواره‌ی کعبه، که موجب شد از نزاع و درگیری میان طوایف جلوگیری شود، نمونه‌ای از تدابیر و هوشمندی‌های اوست. در سال‌هایی که آن حضرت تجارت می‌کرد، خدیجه زنی از توانگران قریش، اموال خود را در اختیار او گذاشت تا با آن تجارت کند. محمد صلی الله علیه و آله از این راه سود بسیاری نصیب خدیجه کرد. خدیجه که صداقت، امانت‌داری و درستی محمد صلی الله علیه و آله را دید، به ازدواج با او علاقه نشان داد و محمد نیز پذیرفت. فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام ، که ذریّه‌ی پیامبر از اوست، حاصل همین ازدواج بود. محمد صلی الله علیه و آله هرگز بت نپرستید و شرک نورزید. بت‌ها را دشمن می‌داشت و از بت‌پرستان و بت‌پرستی بیزار بود. از کودکی به خدای یگانه ایمان داشت و در جوانی پیرو آیین حنیف ابراهیم علیه‌السلام بود. هر سال یک‌بار به غار حرا در بالای کوه نور می‌رفت و در آن‌جا به اعتکاف و عبادت خدا می‌پرداخت. در ۴۰ سالگی، شبی در غار حرا واقعه‌ی تکان‌دهنده‌ای برایش روی داد. جبرئیل، فرشته‌ی وحی الهی، بر او ظاهر شد و آیات نخست سوره‌ی علق را بر زبانش جاری کرد. این آغاز رسالت و پیامبری آن حضرت بود. از آن پس کمر بربست و با شعار قولوالااله‌الاالله‌تُفلحوا به مبارزه با بت‌پرستی و شرک پرداخت. در نخستین مرحله‌ی دعوت، که مخفیانه بود، پسرعمویش علی علیه‌السلام و همسرش خدیجه به اسلام ایمان آوردند. سه سال بدین وضع گذشت و پیروان اندکی بدو گرویدند. آن‌گاه به فرمان خدا، دعوت خود را آشکار کرد. تقواپیشگان به او می‌گراییدند؛ ولی کافران و مشرکان بر او می‌شوریدند، دشنامش می‌دادند و او را به رنج و سختی می‌انداختند. پیامبر همه‌ی این مصائب را در راه خدا و با شکیبایی تحمل می‌کرد. در مدت ۱۰ سال، بر شمار مسلمانان افزوده شد. سران کفر از قبایل و طوایف گوناگون و کسانی مانند ابوجهل، ابولهب و ابوسفیان، که از مقابله با رسول‌خدا صلی الله علیه و آله درمانده شده بودند، تصمیم گرفتند آن حضرت را شبانه در خانه‌اش به قتل برسانند. از طریق فرشته‌ی وحی خبر این توطئه به او رسید. چاره‌ای اندیشید. از علی علیه‌السلام خواست به جایش در بستر بخوابد؛ آن‌گاه خود دور از چشم کافران و جاسوسان از مکه خارج شد. ابوبکر نیز در راه به او پیوست و آن دو نخست به غار ثور در کوه ثور رفتند تا از تعقیب کافران برهند. پس از سه روز، که از امنیت راه مطمئن شدند، به سوی **یثرب** رفتند و در این شهر مورد استقبال پرشور مردم یثرب قرار گرفتند. مسلمانان دیگر هم از مکه به یثرب سفر کردند. پیامبر در یثرب مستقر شد و نام شهر را به **مدینةالنبی** تغییر و آن‌جا را مرکز دعوت خود قرار داد. این هجرت بزرگ، اسلام را از حصار بسته‌ی مکه خارج کرد و موجب رشد، شکوفایی و پیش‌رفت بیش از پیش این دین الهی شد. پیامبر در مدینه میان یکایک مهاجران و انصار (مردم مدینه) عقد برادری بست؛ و خودش هم علی علیه‌السلام را به برادری انتخاب کرد. در سال‌های بعد از هجرت، رسول‌خدا صلی الله علیه و آله از مدینه نامه‌هایی به سران و پادشاهان کشورهای بزرگ مانند ایران، روم و یمن نوشت و آن‌ها را به قبول اسلام دعوت کرد. در این سال‌ها جنگ‌های بسیاری میان او و کفار و یهودیان و مشرکان روی داد که بدر، اُحُد، خیبر، خندق و حُنین از جمله‌ی آن‌ها بود. بیش‌تر این جنگ‌ها با پیروزی مسلمانان پایان یافت. با افزایش قدرت اسلام، سرانجام پیامبر در سال هشتم هجرت تصمیم گرفت مکه را نیز فتح کند. به این سبب، با سپاهی شکوه‌مند از یاران و پیروان خود آهنگ مکه کرد. شکوه و هیبت این سپاه، سران شرک و کفر را چنان ترساند

▼ تصویری از مرقد مطهر پیامبر اسلام در مدینه‌ی منوره.

که مکّیان تسلیم شدند و شهر را به پیامبر و مسلمانان واگذاشتند. پیامبر نیز دستور عفو عمومی داد و خود با کمک علی (ع)، بت‌های خانه‌ی کعبه را شکست و بیت‌الله‌الحرام را از وجود آثار شرک و کفر پاک کرد. پس از فتح مکه، رسول‌خدا (ص) در مکه نماند و به مدینه بازگشت و تا آخر عمر در این شهر زیست. آن حضرت در ۶۳ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت. پیکر مطهر او را در خانه‌اش، که کنار مسجدالنبی بود، به خاک سپردند که امروز زیارت‌گاه مسلمانان جهان است. محمد رسول‌الله (ص) چهره‌ی مرکزی اسلام و کانون عواطف همه‌ی مسلمانانی است که از آغاز تا امروز، به جهان آمده‌اند. سیره و روش زندگی او نمونه‌ی کامل یک زندگی اسلامی است. در توحید و یکتاپرستی تمام مراتب کمال را پیمود. عبادتش عاشقانه و سپاس‌گزارانه بود. از شرک و بت‌پرستی متنفر و بیزار بود. ظلم به انسان‌ها او را به شدت آزار می‌داد و یکی از رسالت‌های خود را ساختن جامعه‌ای عادلانه می‌دانست. از بی‌کاری و بطالت متنفر بود و می‌گفت: «خدایا از کسالت و بی‌نشاطی، از سستی و تنبلی و از عجز و زبونی به تو پناه می‌برم.» در خانواده بسیار مهربان و با فرزندان و فرزندزادگان خود فوق‌العاده بامحبت و صمیمی بود. به کودکان نیز مهربانی می‌کرد و آنان را روی زانوی خود می‌نشاند. همواره تمیز و نظیف بود و به بوی خوش علاقه‌ی شدیدی داشت و در معاشرت با مردم، مهربان و گشاده‌رو بود. در مسائل فردی و شخصی اهل گذشت و ملایمت بود. اما آن‌جا که حریم عدل شکسته می‌شد و حقوق مردم زیر پا قرار می‌گرفت، سختی و صلابت نشان می‌داد. زهد و ساده‌زیستی از اصول زندگی او بود. قدرت رهبری فوق‌العاده‌ای داشت و در عین حال، همواره با اصحاب خود مشورت می‌کرد. نظم و انضباط بر کارهایش حکم‌فرما بود. از چاپلوسی بیزاری می‌جست و می‌گفت بر صورت مداحان و چاپلوسان خاک بپاشید. مردم را به آموختن علم تشویق می‌کرد و آن‌را بر هر مسلمانی واجب می‌شمرد. از مسلمانان می‌خواست که دانش و حکمت را در هر کجا و نزد هر کسی باشد، بیابند و بیاموزند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
علی‌بن ابی‌طالب (ع)، فاطمه (س)

▼ عالیجاه محمد در معرفی دین اسلام به مردم آمریکا، به‌ویژه به سیاهان، گام‌های بلندی برداشت.

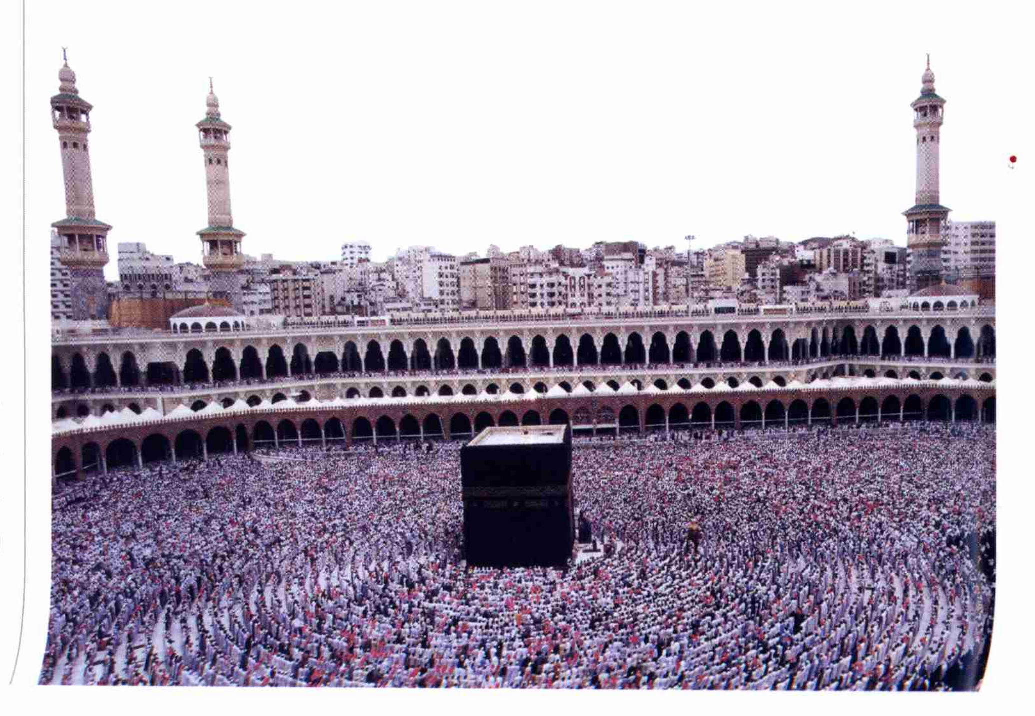


محمد، عالیجاه

(۱۹۷۵ ـ ۱۸۷۹م.)

رهبر مسلمانان سیاه‌پوست آمریکا

عالیجاه محمد، که نام قبلی او عالیجاه پُل بود، آمریکایی سیاه‌پوستی بود که در پی آشنایی با فِرد محمد، به اسلام گروید. فرِد محمد رهبر جمعی از مسلمانان سیاه بود و تعالیمش رنگ صوفیانه و عرفانی داشت. پس از درگذشت فرد محمد، عالیجاه محمد جانشین او شد و به حرکت اسلامی خود رنگ سیاسی و اجتماعی داد. او در جنگ دوم جهانی چهار سال به زندان افتاد؛ زیرا مخالف اعزام مسلمانان به جنگ بود. به‌طور کلی، عالیجاه محمد در گسترش اسلام در آمریکا و حتی در کشورهای غنا، مکزیک و حوزه‌ی دریای کارائیب، نقش بسیار مهمی بازی کرده است. او مرکز اسلامی بزرگی در نیویورک تأسیس کرد که ۲ میلیون دلار هزینه‌ی آن شد. مالکوم ایکس، که بعدها از رهبران برجسته‌ی سیاهان مسلمان شد، از پیروان عالیجاه محمد بود. عالیجاه محمد در ۷۵ سالگی در آمریکا درگذشت و



فرزندش، وارث‌الدین محمد، جانشین او شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

مالکوم ایکس





محمد، ماهاتیر

(تولد: ۱۹۲۵م.)

پدر توسعه‌ی مالزی

در مالزی به‌دنیا آمد. در رشته‌ی طب تحصیل کرد و پزشک شد. در سال‌های جوانی به عضویت «اتحادیه‌ی ملی مالایا» درآمد که هدف آن توسعه‌ی اقتصادی مالزی و رهاندن کشور از وابستگی بود. شمّ اقتصادی ماهاتیر محمد قوی و نگاهش به توسعه و پیش‌رفت بود. ماهاتیر محمد، مالزی را در دو جهت اقتصادی و سیاسی رشد داد؛ در جهت اقتصادی آن را به یکی از کشورهای پیش‌رفته‌ی جنوب شرقی آسیا تبدیل کرد و فقر را به شدت کاهش داد؛ به طوری که اقتصاددانان به مالزی لقب «ببر آسیا» دادند. در زمینه‌ی سیاسی نیز ماهاتیر محمد از قدرت پادشاه کاست و کشور را به سوی دموکراسی بیش‌تر هدایت کرد. او پس از خود قدرت را به نخست‌وزیر بعدی، احمد عبدالرحمن بداوی، واگذار کرد.



محمدعلی شاه قاجار

(۱۳۰۳ _ ۱۲۴۹ه.ش.)

ششمین پادشاه قاجار

فرزند مظفرالدین‌شاه و نوه‌ی دختری میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود. در تبریز، زمانی که پدرش ولی‌عهد بود، به‌دنیا آمد. تحصیلات علمی و نظامی داشت و زبان‌های روسی و فرانسوی را می‌دانست. مدتی از سوی ناصرالدین‌شاه، فرمان‌ده کل قشون آذربایجان و حاکم خوی و سلماس بود. پس از درگذشت ناصرالدین‌شاه که مظفرالدین‌شاه از تبریز به تهران آمد و بر تخت سلطنت نشست و محمدعلی شاه ولی‌عهد شد. پس از برقراری حکومت مشروطه، مظفرالدین شاه درگذشت و محمدعلی شاه به جای پدر نشست. اما خیلی زود بین او و مشروطه‌خواهان جدایی پدید آمد. در پی آن، محمدعلی‌شاه به کمک قزاق‌های روس و به فرمان‌دهی لیاخوف، مجلس را به توپ بست و آزادی‌خواهان را دستگیر و زندانی کرد و عده‌ای از آن‌ها را هم کشت و دوره‌ی استبداد صغیر آغاز شد. پس از سه سال، با ورود قوای مشروطه‌خواهان به تهران، محمدعلی‌شاه، که به سفارت روسیه پناهنده شده بود، از سوی مجلس شورای ملی عزل و به روسیه تبعید شد. با پیروزی انقلاب اکتبر شوروی و روی کار آمدن کمونیست‌ها، محمدعلی شاه از روسیه به استانبول رفت و مدتی نیز به سیر و سیاحت در اروپا پرداخت. او در ۵۴ سالگی درگذشت و در کربلا مدفون شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

سپهدار تنکابنی ، سردار اسعد ، مظفرالدین شاه

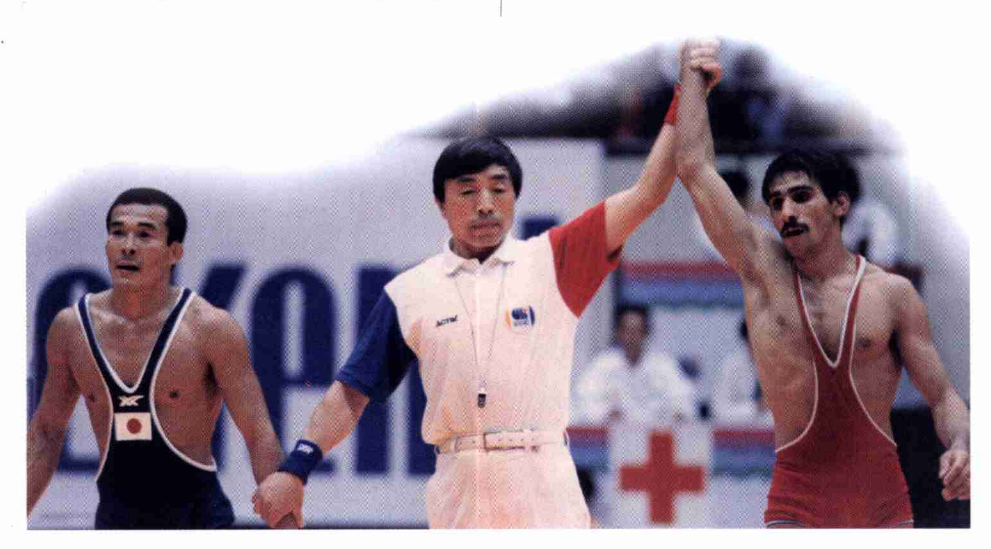


محمدیان، عسگری

(تولد: ۱۳۴۱ه.ش.)

قهرمان کشتی آزاد

اهل شهرستان ساری است. نخست در رشته‌ی کشتی فرنگی فعالیت می‌کرد و در این رشته افتخاراتی نیز کسب کرد؛ ولی بعد به سراغ کشتی آزاد رفت و درخشید. در مسابقه‌های آسیایی ۱۹۸۸سئول، مدال نقره گرفت و در المپیک ۱۹۹۲ بارسلون هم همین نتیجه را کسب کرد. پیش از آن هم در مسابقه‌های جهانی ۱۹۸۹، مدال نقره‌ی مسابقه‌ها را به گردن آویخته بود. محمدیان اکنون در زمینه‌ی مربی‌گری کشتی فعالیت دارد.



صحنه‌ی اعلام پیروزی عسگری محمدیان و کسب مدال‌های نقره در بازی‌های المپیک



محمود، احمد

(۱۳۸۱-۱۳۱۰هـ.ش.)

رمان نویس

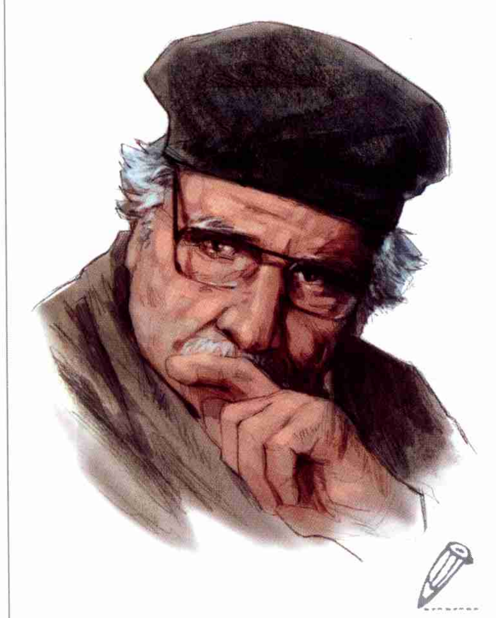
نامش احمد اعطا بود. پدر و مادرش دزفولی بودند، اما خودش در اهواز به‌دنیا آمد. در همان‌جا درس خواند؛ ولی دبیرستان را تمام نکرد. نوجوانی او مصادف با نهضت ملی شدن نفت بود. در این زمان به فعالیت سیاسی روی آورد و به زندان افتاد. در زندان به مطالعه پرداخت. در نتیجه، ذوقش برای خواندن و نوشتن شکوفا شد. اولین اثری که او را در مقام یک داستان‌نویس به جامعه معرفی کرد، مجموعه داستان **زائری زیر باران** (۱۳۴۷) بود. سپس **غریبه‌ها و پسرک بومی** را نوشت. این دو مجموعه، پیش‌درآمدی بر انتشار رمان اصلی او **همسایه‌ها** بود که در سال ۱۳۵۳ منتشر و سبب شهرت بیش‌ترش شد. رمان همسایه‌ها روایتی از مبارزه‌ی کارگران صنعت نفت جنوب در دوره‌ی نهضت ملی شدن نفت است. رمان‌های احمد محمود بسیار اجتماعی است. آدم‌های آثار او را خیلِ بی‌کاران، تهی‌دستان و آدم‌های آواره‌ای تشکیل می‌دهند که از رفاه و خوش‌بختی بهره‌ای ندارند. احمد محمود تا پس از انقلاب معاون یک شرکت بزرگ بود. اما استعفا داد و وقت خود را صرف نوشتن کرد. در این دوره رمان‌های **داستان یک شهر** (۱۳۶۰)، **زمین سوخته** (۱۳۶۱)، **مدار صفر درجه** (۱۳۷۲)، **آدم زنده** (۱۳۷۶) و **درخت انجیر معابد**



(۱۳۷۹) را منتشر کرد. زمین سوخته رمانی درباره‌ی حمله‌ی عراق به ایران است.

همچنین نگاه کنید به:

افغانی ، ساعدی ، گلشیری



محیط طباطبایی، سیدمحمد

(۱۳۷۱ - ۱۲۸۱هـ.ش.)

پژوهشگر، نویسنده و مورّخ

در روستای گزلا، از روستاهای زواره‌ی اردستان به‌دنیا آمد. پدرش مردی روحانی و از مشروطه‌خواهان فعال بود. مدتی در اصفهان، علوم طبیعی و زبان فرانسوی خواند. در ۲۰ سالگی به تهران رفت و با استخدام در وزارت فرهنگ، معلم شد. او به آموختن بسیار علاقه‌مند بود و به مرتبه‌ی بلندی از دانش و پژوهش در علوم انسانی رسید. با زبان‌های عربی و فرانسوی و انگلیسی و کمی هم آلمانی آشنا بود. با زبان‌های ایرانِ باستان هم آشنایی کامل داشت. محیط چند سال در هندوستان، عراق، لبنان و سوریه رایزن فرهنگی بود. پس از بازنشستگی، سال‌های طولانی برنامه‌ی **مرزهای دانش** را در رادیو اجرا می‌کرد که برنامه‌ای مفید و قابل استفاده بود. او شخصیتی مطبوعاتی و روزنامه‌نگار هم بود. **مجله‌ی محیط** را تأسیس کرد و چندی نیز سردبیر **مجله‌ی آموزش‌وپرورش** بود. **نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین**، **زندگی محمد زکریای رازی**، **شرح حال فردوسی** و **تاریخ اعزام محصل به اروپا** از آثار اوست. محیط طباطبایی در سال‌های آخر عمر به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمد و تا زمانی که درگذشت، این عضویت را داشت. محیط طباطبایی در ۹۰ سالگی درگذشت و پیکر او را در برج طغرل، که بنایی قدیمی در جنوب گورستان ابن‌بابویه شهر ری است، به خاک سپردند.



مخبرالدوله، علی‌قلی

(۱۳۱۵- ۱۲۴۵هـ.ق.)

بنیان‌گذار تلگراف در ایران

فرزند رضاقلی‌خان هدایت، جدّ خاندان هدایت، بود و در شیراز متولد شد. تحصیلات ابتدایی را نزد پدر دانشمندش فراگرفت و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون ادامه داد. سپس به اروپا اعزام شد و به علوم جدید و مهندسی پرداخت. در بازگشت به ایران، ناصرالدین شاه او را مأمور کشیدن خط تلگراف بین تهران و زنجان کرد. آن‌گاه او را به نیابت وزارت علوم منصوب کرد و سپس وزارت پست و تلگراف را به او داد که از این زمان، لقب مخبرالدوله گرفت. مخبرالدوله در این دوره خط تلگراف تهران - مشهد را هم به انجام رساند. او مردی خدمت‌گزار و کاردان و دارای سواد قدیم و جدید بود. به همت او کتاب‌های **مفاتیح‌الغیب** ملاصدرا و **فارس‌نامه‌ی ناصری** منتشر شد. علی‌قلی‌خان دو پسر داشت: صنیع‌الدوله که نخستین رئیس مجلس شورای ملی شد و در اثر توطئه‌ای به قتل رسید و رضاقلی‌خان مخبرالسلطنه که ۶ سال در دوره‌ی پهلوی اول وزیر بود. چند مسجد و تکیه و بیمارستان به نام هدایت در تهران وجود دارد که از آثار این خانواده است.

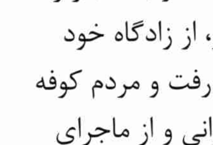
مختار ثقفی

(۶۷ ـ ۱ هـ.ق.)
انتقام‌گیرنده‌ی خون شهیدان کربلا

پدر مختار از اصحاب رسول خداﷺ و خودش طرفدار بنی‌هاشم بود. مختار از کسانی بود که با مسلم‌بن‌عقیل، فرستاده‌ی امام به کوفه، بیعت کرد. به همین سبب، به زندان افتاد و تا بعد از واقعه‌ی کربلا در زندان بود. سرانجام به درخواست خواهرش، که عروس خلیفه‌ی دوم بود، یزید دستور آزادی او را صادر کرد و مختار به حجاز رفت. پس از مرگ یزید، مختار، از زادگاه خود طائف در حجاز، به کوفه رفت و مردم کوفه را، که بسیاری از آنان ایرانی و از ماجرای شهادت امام حسین‌ؑ خشمگین بودند، با خود همراه کرد و بر ضد بنی‌امیه دست به قیام زد. او قاتلان شهدای کربلا را، هرجا که بودند، دستگیر کرد و به قتل رساند. از جمله عبیدالله زیاد را کشت و سرش را نزد بنی‌هاشم به مدینه فرستاد. مأموران او، شمر را نیز تا خوزستان تعقیب کردند و کشتند. مختار عاقبت به دست سپاهیان عبدالله زبیر، که از مکه به کوفه آمده بودند، کشته شد. درباره‌ی قیام مختار کتاب‌هایی به نام **مختارنامه** نوشته شده و داوود میرباقری نیز فیلمی درباره‌ی او ساخته است.

قیام مختار، آبی بود بر جگر سوخته‌ی بازماندگان واقعه‌ی عاشورا

هم‌چنین نگاه کنید به:
میرباقری



مدبّر، محمد

(۱۳۴۵ ـ ۱۲۶۹هـ.ش.)
استاد نقاش قهوه‌خانه

محمد مدبّر از نخستین استادان نقاشی قهوه‌خانه به‌شمار می‌آید. او، که همکار قوللرآغاسی بود و در تهران زندگی و کار می‌کرد، بیش‌تر به موضوع‌های دینی و مذهبی می‌پرداخت و به او **نقاش عاشورا** می‌گفتند. در القای حسّ قهرمانی و مصیبت، از قوللر آغاسی موفق‌تر بود و گاه پرده‌ی درویشی نیز می‌کشید. پرده‌ی درویشی نقاشی بزرگی بود که درویشان به محله‌های شهرها می‌بردند و با نصب آن روی دیوارها، برای مردم قصه می‌گفتند یا شرح وقایع کربلا را بیان می‌کردند. از تابلوهای معروف مدبر، **روز محشر** و **مصیبت کربلا** است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
قوللر آغاسی



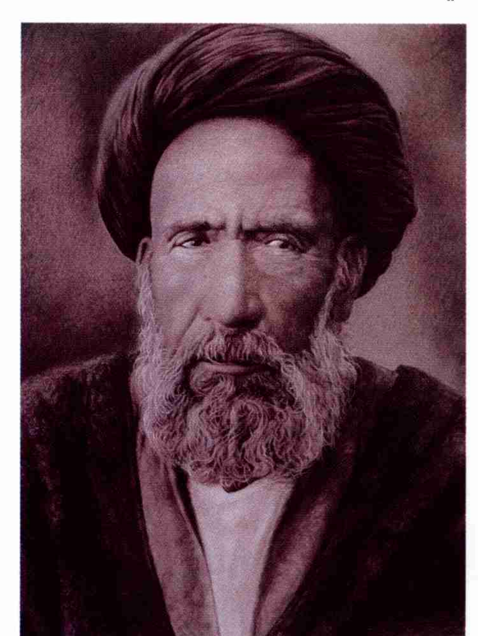
مدرس، سیدحسن

(۱۳۱۶ ـ ۱۲۴۸هـ.ش.)
عالم دینی و مبارز سیاسی

در روستای سرابه‌ی‌کچو در اردستان متولد شد. در کودکی با پدرش به اسفر، روستایی در نزدیکی قمشه (شهرضای امروز) مهاجرت کرد و در آن‌جا مقیم شد. تحصیلات طلبگی را نخست در اصفهان گذراند و سپس برای تکمیل آن، به نجف رفت. در نجف، چند سال از محضر درس

میرزای شیرازی و آخوند خراسانی بهره برد و به اصفهان برگشت. پس از مشروطه، در مقام یکی از پنج فقیه ناظر بر مصوبات مجلس شورای ملی، از سوی علمای نجف انتخاب شد و از اصفهان به تهران رفت. بعدها نیز از سوی مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مدرس عالمی برجسته، مردی پرهیزگار و روحانی وظیفه‌شناس و شجاعی بود که همه‌ی سیاست‌مداران پس از او، وی را به بزرگی، درست‌کاری و کیاست ستوده‌اند. طرفداران و مخالفان بسیار داشت و دو بار مورد سوءقصد نافرجام قرار گرفت. سخن معروف مدرس که: «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست» از او به یادگار مانده است. او با نفوذ روس‌ها و انگلیسی‌ها در ایران، با قرارداد معروف ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله، با پادشاه شدن رضاخان و با جمهوری رضاخانی مخالف بود. از این‌رو، رضاخان چند سال پس از این‌که به قدرت رسید، او را دستگیر و به شهر دورافتاده‌ی خواف در جنوب خراسان تبعید کرد. او سال‌ها حتی اجازه نداد کسی به ملاقات مدرس برود. پس از ۹ سال، این روحانی بزرگ را به کاشمر انتقال دادند و سرانجام روز دهم آذر ماه سال ۱۳۱۶، مأموران اعزامی از تهران او را در زندان، در حالی که روزه بود، پیش از افطار به قتل رساندند و در همان‌جا به خاک سپردند. پس از انقلاب اسلامی، به دستور امام‌خمینی بر مزار او بنایی ساختند. خاطرات روزانه‌ی دو سال اول تبعید مدرس در خواف، در سال‌های اخیر یافت شده و با نام **گنجینه‌ی خواف** به چاپ رسیده است.

▼ مدرس، ستاره‌ی راهنمای مبارزان راه آزادی و دیانت شد.



هم‌چنین نگاه کنید به:

میرزای شیرازی ، وثوق‌الدوله



مدنی، سید اسدالله

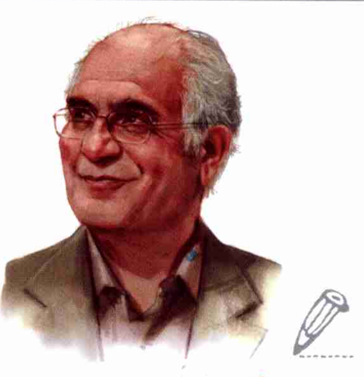
(۱۲۹۳ـ ۱۳۶۰هـ.ش.)

امام جمعه‌ی تبریز و شهید محراب

در دهخوارقان تبریز، که امروز آذرشهر نام دارد، متولد شد. در نوجوانی به مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز رفت و طلبه شد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به قم عزیمت کرد. در قم ۴ سال نزد امام‌خمینی اخلاق و عرفان آموخت و به نجف رفت، از محضر علمای بزرگ استفاده کرد، مجتهد شد و خود استاد حوزه‌ی نجف گردید. با آغاز نهضت ۱۵ خرداد به یاران امام‌خمینی پیوست و در این راه بارها به شهرهای نورآباد مَمَسنی، گنبدکاووس و کنگان تبعید شد. چند سال در همدان و خرم‌آباد مردم را ارشاد می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا امام جمعه‌ی همدان شد و پس از شهادتِ آیت‌الله قاضی طباطبایی، به امامت جمعه‌ی تبریز منصوب گشت. او در روز جمعه ۲۰ شهریور سال ۱۳۶۰ پس از اقامه‌ی نماز جمعه، به دست یکی از منافقین در مصلای تبریز به شهادت رسید.

هم‌چنین نگاه کنید به:

اشرفی اصفهانی ، دستغیب ، صدوقی ، قاضی طباطبایی



مرادی کرمانی، هوشنگ

(تولد: ۱۳۲۳هـ.ش.)

نویسنده‌ی نوجوانان

زادگاهش روستای سیرچ در استان کرمان است. کودکی خود را تا سال پنجم ابتدایی، در آن‌جا گذراند. در نوجوانی به کرمان رفت و هم‌زمان با درس خواندن، به کار در سینما، کتاب‌فروشی، نویسندگی رادیو و... پرداخت. سپس به تهران رفت و در هنرستان هنرهای دراماتیک ثبت‌نام کرد و با هنرمندانی مانند محمدعلی کشاورز، علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، علی حاتمی و نصرت کریمی آشنا شد. جوانی را تازه پشت سر گذاشته بود که به نوشتن روی آورد و اولین داستانش را با نام **کوچه‌ی ما خوشبخت‌ها** در مجله‌ی خوشه، به سردبیری احمد شاملو، چاپ کرد. کارنامه‌ی نویسندگی مرادی کرمانی تألیف بیش از ۱۵ جلد کتاب است که معروف‌ترین آن‌ها **قصه‌های مجید** نام دارد. **خمره**، **نخل**، **مهمان مامان**، **بچه‌های قالی‌باف‌خانه**، **نه تر و نه خشک** نیز از دیگر داستان‌های اوست. مرادی کرمانی ماجراهای زندگی خود را در کتاب **شما که غریبه نیستید**، نوشته است. او تاکنون جایزه‌های بسیاری در داخل یا خارج کشور دریافت کرده که جایزه‌ی معتبر هانس کریستین اندرسن از آن جمله است. چند کتاب او به زبان‌های دیگر ترجمه شده و قصه‌های مجید و مهمان مامان نیز، اولی به صورت مجموعه‌ی تلویزیونی و دومی به صورت فیلم سینمایی درآمده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

پوراحمد

مراغی، عبدالقادر

(۷۵۴ ـ ۸۳۸ ه.ق.)

موسیقی‌دان عهد تیموری

در مراغه به‌دنیا آمد. پدرش غیبی نام داشت و موسیقی‌دان و دانشمند بود. عبدالقادر نیز با تحصیل نزد استادان زمان، مردی دانش‌آموخته و آشنا به علوم ریاضی، موسیقی و ادبیات عرب شد. او حافظ قرآن بود و چون آوازی خوش داشت و عود می‌نواخت، به عبدالقادرِ گوینده، یعنی آوازه‌خوان، و عبدالقادرِ عودی هم معروف شد. نقل کرده‌اند که عبدالقادر از نوازندگان دربار میران‌شاه، پسر امیرتیمور، در تبریز بود. چون به تیمور خبر رسید که دربار میران‌شاه را اهل طرب، جولان‌گاه خود ساخته‌اند، به تبریز رفت و چند نفر از مطربان را دار زد. اما عبدالقادر موفق به فرار شد و جان خود را نجات داد. عبدالقادر غیبی را آخرین موسیقی‌دان بزرگ ایرانی از جهت نظری و عملی می‌دانند. فرهاد فخرالدینی، **موسیقی سریال امام علی**ؑ را بر اساس یکی از آثار بازمانده از عبدالقادر ساخته است. او تألیفاتی نیز داشت که معروف‌ترین آن‌ها سه کتاب **جامعُ‌الالحان**، **مقاصدُالالحان** و **کنزُالالحان** است. کنزالالحان از میان رفته، ولی دو کتاب دیگر باقی است.

همچنین نگاه کنید به:
تیمور لنگ ، فخرالدینی



مردانی، نصرالله

(۱۳۲۶ ـ ۱۳۸۲ه.ش.)

شاعر

در کازرون به‌دنیا آمد. تحصیلات خود را در زادگاهش گذراند و پس از گرفتن دیپلم، در بانک ملی استخدام شد. مردانی از نوجوانی شعر می‌سرود. با پیروزی انقلاب اسلامی، که موجب باز شدن زبان‌ها و آزادی قلم‌ها شد، شعر مردانی نیز با مضمون‌های قهرمانی و شهادت‌طلبانه، امکان بروز و ظهور پیدا کرد و در مطبوعات چاپ شد. از آن پس، او به طور جدّی به سُرایش شعر پرداخت و اشعار بسیاری با مضمون‌های انقلابی سرود. با آغاز جنگ تحمیلی، مضمون‌های جهاد و دفاع مقدس را نیز در شعرهایش گنجاند. نخستین مجموعه‌ی شعر مردانی به نام **قیام نور** در سال ۱۳۶۰ منتشر شد. نصرالله مردانی به بیماری سرطان مبتلا شد و هنگامی که به زیارت کربلا رفته بود، درگذشت. مزار او در کازرون در بوستانی که به نام خودش ساخته شده است، قرار دارد. از آثار اوست: **خون‌نامه‌ی خاک**، **ستیغ سخن**، **حافظ از نگاه مردانی** و **چهارده نور ازلی**. مردانی در سال ۱۳۸۱ از سوی صدا و سیمای جمهوری اسلامی چهره‌ی ماندگار معرفی شد.



مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین

(۱۳۱۵ ـ ۱۴۱۱ ه.ق.)

مرجع دینی و بنیان‌گذار کتاب‌خانه در قم

آیت‌الله مرعشی از دودمان مشهور مرعشیان گیلان و از سادات این سلسله بود. در نجف به‌دنیا آمد. در همان‌جا تحصیلات خود را آغاز کرد و به مدارج عالی رسید. علوم متفاوتی چون تفسیر، فقه و اصول، کلام، ریاضیات و علم رجال را از علمای بزرگ نجف آموخت و سپس به ایران آمد. در ایران علوم عقلی و حکمت را نزد میرزا مهدی آشتیانی خواند. آیت‌الله مرعشی از سه تن از علمای بزرگ، حائری یزدی، سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی اجازه‌ی اجتهاد و علاوه بر این از بانو امین اصفهانی و چند تن از علمای اهل سنّت، زیدی و اسماعیلی، اجازه‌ی نقل روایت داشت. ویژگی بارز آیت‌الله مرعشی دو چیز بود: دانستن علم اَنساب آل رسول و کتاب‌شناسی. او با نسل‌های متفاوت سادات و شجره‌نامه‌های آن‌ها کاملاً آشنا بود و در نسب‌شناسی از چهره‌های برجسته به شمار می‌رفت. در زمینه‌ی کتاب و کتاب‌شناسی نیز کتاب‌خانه‌ی بزرگی در قم تأسیس کرد که به نام خودش، **کتاب‌خانه‌ی آیت‌الله مرعشی** نام‌گذاری شده است. این کتاب‌خانه، که با اهدای ۳۵ هزار جلد از کتاب‌های خود آیت‌الله مرعشی آغاز به کار کرد، امروز بزرگ‌ترین کتاب‌خانه‌ی قم و یکی از کتاب‌خانه‌های بزرگ شیعه در جهان اسلام به‌شمار می‌رود. این کتاب‌خانه حداقل ۱۵ هزار نسخه کتاب خطی نفیس دارد. آیت‌الله مرعشی خود اهل تألیف بود و کتاب‌های متعددی به عربی تألیف کرد. سه کتاب او، که به علم انساب مربوط می‌شود، عبارت است از: **اَعیانُ‌المرعشیّین** در معرفی بزرگان دودمان مرعشی، **مشجّرات‌الرّسول** در شناخت نسل‌های سادات و فرزندان پیامبر و **مزارات علویّین در ایران**، در معرفی مقابر بزرگان علوی. آیت‌الله مرعشی در ۹۶ سالگی درگذشت و در ورودیِ کتاب‌خانه‌ی



آیت‌الله مرعشی نجفی، در علم انساب و در کتاب‌شناسی مردی بی‌بدیل بود.

خود در قم به خاک سپرده شد.

👁 همچنین نگاه کنید به:

بانو امین ، اصفهانی (سید ابوالحسن)



مرکاتور، گراردوس

(۱۵۹۴ ـ ۱۵۱۲ م.)

پدر نقشه‌های جغرافیایی

گراردوس مرکاتور در آلمان متولد شد. اهل علم و عمل بود و فلسفه و علوم دینی و ریاضیات و اخترشناسی می‌دانست. در ابزارشناسی، خوش‌نویسی، حکاکی و مسّاحی مهارت داشت که شرایط لازم و کافی برای کشیدن یک نقشه‌ی کامل و صحیح بود. مرکاتور در زمانی می‌زیست که کاشفان اروپایی، پیوسته سرزمین‌های ناشناخته‌ای را در ورای قارّه‌ی اروپا کشف می‌کردند. از این‌رو، به نقشه نیاز زیادی داشتند و مرکاتور به این نیاز به خوبی پاسخ داد. او نخست نقشه‌ی اروپا و بریتانیا را چاپ کرد و سپس نقشه‌ی جهان را انتشار داد. در نقشه‌های او مدارها و نصف‌النّهارها به صورت خطوط مستقیم و عمود برهم رسم می‌شد و برای دریانوردان بسیار سودمند بود. پسر او، رومولت، مجموعه‌ای از کارهای پدرش را با عنوان **اطلس** چاپ کرد که به نظر می‌رسد این نخستین بار بود که کلمه‌ی اطلس، که واژه‌ای یونانی است، در جغرافیا به کار گرفته شد.

👁 همچنین نگاه کنید به:

اطلس ، سحاب



مریم مقدس

(قرن اول میلادی)

مادر حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام

مریم فرزند عِمران و از قوم بنی‌اسرائیل بود. زمانی که به‌دنیا آمد، مادرش او را به شوهرخاله‌اش، **زکریّا** که مردی بسیار مؤمن و خود از پیامبران بنی‌اسرییل بود، سپرد تا او را تربیت کند. نوجوانی مریم به عبادت در معبد بیت‌المقدس گذشت و هنگامی که بزرگ شد، بدون ازدواج با کسی و به اراده‌ی الهی باردار شد و **عیسی** را به‌دنیا آورد. عیسی علیه‌السلام در گهواره به سخن آمد و خود را بنده‌ی خدا و آورنده‌ی کتاب از سوی او معرفی کرد تا بدگمانی مردم درباره‌ی مادرش برطرف شود. او گفت: «من بنده‌ی خدا هستم. خدا به من کتاب داده و پیامبرم گردانیده است. در هر جا که باشم، مایه‌ی برکت هستم و خدا مرا به نماز و دادن زکات سفارش کرده است» (سوره‌ی مریم). حضرت مریم یکی از چهار بانوی برجسته و گران‌قدر در تاریخ ادیان ابراهیمی است. آن سه زن دیگر **آسیه**، **خدیجه** و **فاطمه زهرا** علیهاالسلام هستند. درباره‌ی زندگی حضرت مریم مجموعه‌ای تلویزیونی به نام **مریم مقدس** به کارگردانی شهریار بحرانی ساخته شده است.

👁 همچنین نگاه کنید به:

عیسی علیه‌السلام



مزدك

(فوت: ۵۲۸م.)

مدعی پیامبری

پسر بامدادان بود و در نیشابور متولد شد. باورهای او یادآور عقاید مانی است که پیش از او ادعای پیامبری داشت. او به اصل نور و ظلمت یا روشنایی و تاریکی عقیده داشت و نیز معتقد بود که جهان از سه عنصر آب، آتش و خاک تشکیل شده است. از نظر اجتماعی نیز با مالکیت شخصی مخالف بود و می‌گفت زندگی مردم باید در همه چیز اشتراکی باشد؛ زیرا مالکیت سبب بی‌عدالتی و پدید آمدن فساد روی زمین می‌شود. قباد، پادشاه ساسانی، دین مزدک را قبول کرد. ولی موبدان زردشتی بر او شوریدند، دستگیرش کردند و او را به زندان انداختند. و برادرش، جاماسب، را به تخت نشاندند. قباد از زندان فرار کرد و به کمک هیطالیان با ۳۰ هزار مرد جنگی به ایران بازگشت و تاج و تخت خود را از جاماسب پس گرفت. ولی دیگر از مزدک حمایت نکرد بلکه در اواخر سلطنت خود، مزدکیان را به شدت قلع و قمع کرد و مزدک را نیز کشت.

👁 همچنین نگاه کنید به:

زردشت ، مانی



مستوفی، عبدالله

(۱۳۲۹ ـ ۱۲۹۴هـ.ش.)

دولت‌مرد و نویسنده

فرزند نصرالله مستوفی بود و در محله‌ی سرچشمه در تهران به‌دنیا آمد. خاندان مستوفی در اصل اهل روستای گَرکانِ آشتیان و غالباً با دیانت و اهل فضل و کمال بودند. عبدالله در اولین دوره‌ی مدرسه‌ی سیاسی تحصیل کرد و با علی‌اکبر دهخدا هم‌دوره بود. او علوم متداول را نزد استادان متفاوتی فراگرفت و در دوره‌ی قاجار و دوره‌ی پهلوی، به سمت‌های گوناگونی رسید. به‌اتفاق حسن پیرنیا، چند سال در سفارت ایران در روسیه خدمت کرد. آنچه درباره‌ی مستوفی شایان ذکر است، علاوه بر درست‌کاری و مسئولیت‌شناسی، تألیف کتاب مفصل و بسیار خواندنی او به نام **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار** در سه جلد است که نه تنها از نظر نگارش تاریخ مردم عصر قاجار، بلکه به لحاظ نثر ساده‌ی فارسی نیز کم‌نظیر است. مستوفی با سیدحسن مدرس در سیاست هم‌گام

بود و در ماجرای قرارداد استعماری ۱۹۱۹ **رساله‌ی ابطال‌الباطل** را نوشت. مزار او در جوار حضرت عبدالعظیم در شهرری است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پیرنیا



مسعودی، ابوالحسن

(فوت ۳۴۵ هـ.ق.)
تاریخ‌نگار و جغرافیادان

مسعودی از بزرگ‌ترین تاریخ‌نگاران و دانشمندان جهان اسلام است. در بغداد به‌دنیا آمد و بنابر روایات، به ایران و آسیای مرکزی و هندوستان و خاور نزدیک سفر کرد و حتی در دریای چین برای رفتن به ماداگاسکار، سوار کشتی شد. او دانشمند و مشاهده‌گری برجسته بود و به جغرافیا بیش از تاریخ اهمیت می‌داد. عقیده داشت که تاریخ‌نویس باید به منابع دست اول متکی باشد، نه به اقوال و نوشته‌های دیگران. مهم‌ترین اثر او **مُروجُ‌الذَّهب و معادنُ‌الجواهر** است که شامل بحث‌های تاریخی، جغرافیایی، زمین‌شناسی و... است. کتاب دیگرش، **التّنبیه و الاَشراف**، حاوی نظریات او درباره‌ی جهان است. مسعودی در مصر درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ادریسی ، مَقدِسی



مسلم‌بن عقیل

(شهادت: ۶۰ هـ.ق.)
فرستاده‌ی حسین‌بن علی(ع) به کوفه

مسلم، فرزند عقیل و برادرزاده‌ی حضرت علی(ع) بود و در مکه می‌زیست. هنگامی که کوفیان با نوشتن نامه‌هایی از امام حسین(ع) دعوت کردند به عراق برود، امام مسلم را به نمایندگی خود به کوفه فرستاد تا از میزان اعتماد مردم کوفه به خود مطمئن شود. مسلم، با وجود استقبال اولیه‌ی مردم کوفه از او، به‌دست عبیدالله‌بن زیاد، حاکم کوفه، دستگیر و شهید شد. بنابراین، نتوانست خبر پشیمانی مردم کوفه از دعوت و نامساعد بودن اوضاع را به امام حسین(ع) برساند. ماجرای دو طفلان مسلم، که با کاروان امام به کربلا رفته بودند، ولی جدا افتادند و گم شدند و به وضع فجیعی به‌دست جنایت‌کاری به نام حارث کشته شدند، از روی‌دادهای غم‌انگیز کربلاست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حسین‌بن علی(ع)

▼ مسلم‌بن عقیل؛ مردی که شهادت خود و سپس دو فرزند خردسالش، پیش‌درآمدی بر واقعه‌ی عظیم کربلا شد.



بز، از ساخته‌های مش اسماعیل



مش اسماعیل

(۱۳۷۳ ـ ۱۳۰۲هـ.ش.)

مجسمه‌ساز تجربی

نامش توکل اسماعیلی بود؛ ولی هنرمندان او را به نام مش‌اسماعیل می‌شناسند. در قزوین به‌دنیا آمد و پدرش مسگر بود. در ۲۵ سالگی به تهران رفت و در دانشکده‌ی هنرهای زیبا، دستیار کارگاه مجسمه‌سازی شد. او تحصیل نکرده بود؛ اما شمّ مجسمه‌سازی بی‌نظیری داشت. به طوری که توانست سبکی خاص در مجسمه‌سازی پدید آورد. روش و تکنیک او در این هنر، جوش‌کاری بود. او با تهیه‌ی آهن‌آلات اسقاطی و قراضه، از ورق تا میل‌گرد و تیرآهن، و جوش‌کاری و فِرِز کردن آن‌ها، مجسمه‌هایی می‌ساخت که گرچه از قواعد هنری تبعیت نمی‌کرد، اما چشمگیر و زیبا بود. نخستین نمایشگاه آثار مش‌اسماعیل در ایتالیا و آلمان برگزار شد و مورد توجه هنرمندان و صاحب‌نظران قرار گرفت. با شروع جنگ در ایران، مش اسماعیل با فرزند جوانش به جبهه رفت و فرزندش به شهادت رسید. مش‌اسماعیل پس از جنگ کار خود را ادامه داد و نمایشگاه‌های بسیاری در خارج برگزار کرد. او در طی فعالیت خود جوایز متعددی نیز به‌دست آورد. او حدود ۵۰۰ مجسمه ساخت که اکنون به صورت پراکنده نگهداری می‌شود. نمونه‌ای از آثارش در تهران، در موزه‌ی هنرهای زیبا، پارک چیتگر، پارک جمشیدیه و دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران وجود دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تباتبایی (ژازه)



مشیرالدوله، میرزا نصرالله

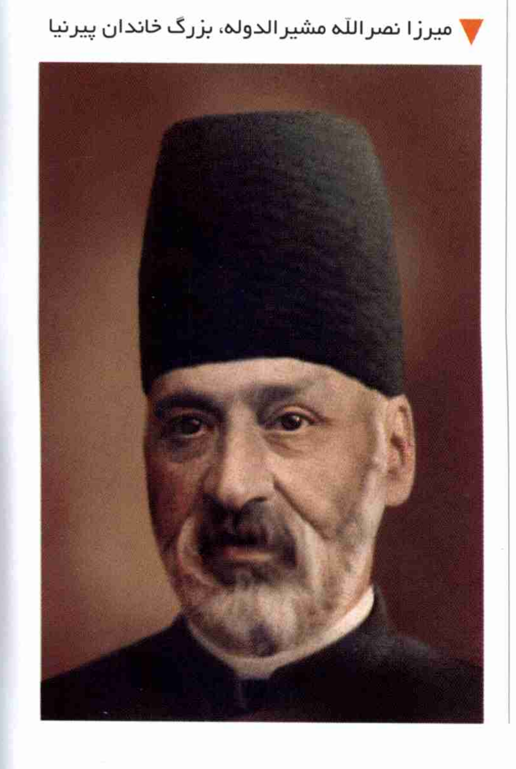
(فوت: ۱۲۸۶هـ.ش.)

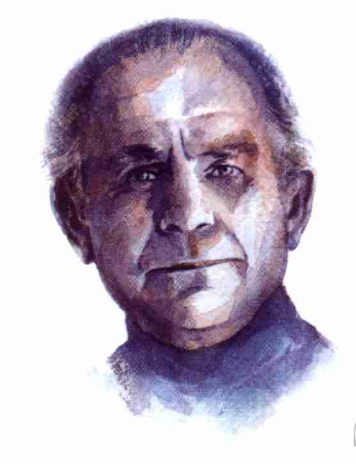
اولین نخست‌وزیر مشروطه

میرزا نصرالله از خاندان پیرنیا بود و در نایین به‌دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران رفت و به نامه‌نویسی برای مردم پرداخت. اما کارش چندان رونق نگرفت و قصد بازگشت به نایین را داشت. در این هنگام، خوابی دید که او را امیدوار کرد، بنابراین در تهران ماند و کارش را ادامه داد. یک سال بعد، به دستگاه آصف‌الدوله وارد شد و از این‌جا ترقی او شروع شد. ابتدا به وزارت خارجه رفت و با طی مراحل خدمت، لقب مشیرالدّوله گرفت و وزیر خارجه شد. هنگامی که بحران مشروطه‌خواهی بالا گرفت و علما و مردم دست به تحصّن زدند، صدراعظم مظفرالدین‌شاه شد و با تدبیر و خویشتن‌داری، توانست مظفرالدین‌شاه را به برقراری مشروطه راضی کند و مهار اوضاع را در دست بگیرد. امضای قرارداد دارسی برای استخراج نفت در ایران و استقراض از روسیه، که با شرایط سنگینی به ایران تحمیل شد، از کارهای اوست. مشیرالدوله سه پسر به نام‌های حسن، حسین و علی داشت که هر سه را برای تحصیل به خارج فرستاد. حسن و حسین از دولت‌مردان دانشمند زمان خود شدند. با فکر و پیشنهاد حسن، مشیرالدوله مدرسه‌ی سیاسی را در تهران تأسیس کرد که رجال سیاسی دوره‌ی بعد در آن تربیت شدند. مشیرالدوله یک سال پس از مشروطه درگذشت و در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پیرنیا (حسن)

میرزا نصرالله مشیرالدوله، بزرگ خاندان پیرنیا





مشیری، فریدون

(۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۹هـ.ش.)

شاعر نوپرداز

در تهران به‌دنیا آمد. مانند پدرش کارمند وزارت پست و تلگراف بود. اشتغال به ادب و شعر و شاعری را از دوره‌ی نوجوانی جدی می‌گرفت و با مطبوعات روز همکاری می‌کرد. او دیدارهایی با نیما یوشیج داشت و در شعر از رهروان او بود. **تشنه‌ی طوفان** نخستین مجموعه شعر مشیری بود که وقتی چاپ شد، مورد تحسین محمدحسین شهریار قرار گرفت. مضمون اشعار مشیری موضوعات انسانی از قبیل زندگی آرام، عشق، صلح، طبیعت، فرزند و... است و از مضمون‌های اجتماعیِ قوی تقریباً خالی است. او ۱۲ مجموعه شعر چاپ کرد که اسامی سه مجموعه‌ی آن از این قرار است: **گناه دریا، از خاموشی، پرواز با خورشید**. مشیری تا اواخر عمر شعر می‌سرود و سرانجام پس از ۷۴ سال زندگی جهان را بدرود گفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اخوان‌ثالث ، شاملو

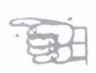
مُصاحِب، غلام‌حسین

(۱۲۸۹ ـ ۱۳۵۸هـ.ش.)

بنیان‌گذار ریاضیات جدید در ایران و سرپرست دایرةالمعارف فارسی

پدران مصاحب، نائینی و غالباً اهل دانش و ادب و فرهنگ بودند. خودش در تهران در خانواده‌ای که پدر پزشک و مادر شاعر بود، زاده شد. در ۱۶ سالگی دیپلم گرفت و چون رتبه‌ی اول شده بود، مدالِ تشویقی دریافت کرد. دکترای ریاضی خود را از دانشگاه کمبریج انگلستان دریافت کرد. در ایران، استاد و رئیس ، بخش ریاضی دانش‌سرای عالی بود و دان برجسته‌ای تربیت کرد که عده‌ای از از استادان ریاضی در دانشگاه‌های ایر شدند. مصاحب، هنگامی که ۲۰ سال نداشت، نخستین مجله‌ی ریاضی را منتش د و انتشار آن را تا ۱۱۳ شماره ادامه دا سال ۱۳۴۵، **مؤسسه‌ی ریاضیات** را در سرای عالی تأسیس کرد و نیز جدید را با تدریس و تألیف کتاب در بنیان نهاد. کار مهم دیگر او انتش **المعارف فارسی** است که به نام خودش ت یافته است و دقت و اعتبار زیادی بن **دایرةالمعارف دو جلد است که تنها ج اول آن را خود مصاحب منتشر کرد و ج دوم (در دو بخش) بعد از او انتشار ی** ب یکی از چهره‌های علمی منحص رد در ایران معاصر است. **جبر و مقابله‌ی حیام** و **آنالیز ریاضی** از تألیفات اوست. انجمن مفاخر علمی و فرهنگی در سال ۱۳۸۸ در مراسم باشکوهی از خدمات شادروان مصاحب تقدیر کرد.

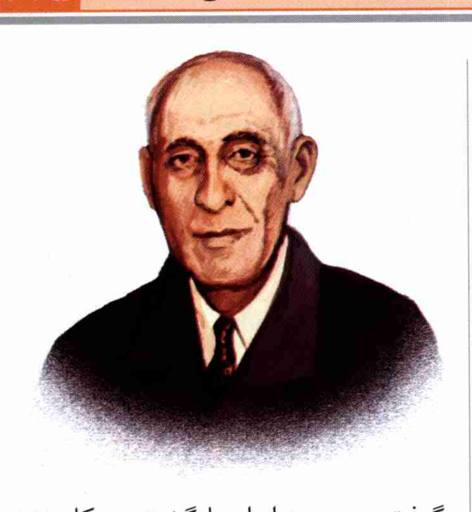
هم‌چنین نگاه کنید به:
بیرشک ، هشترودی



مصدق، محمد

(۱۲۶۱ ـ ۱۳۴۵هـ.ش.)

رهبر نهضت ملی ایران



فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر، از رجال دوره‌ی قاجار بود و در احمدآباد مستوفی، در نزدیکی تهران به‌دنیا آمد. از دانشگاه نوشاتل سوئیس دکترای حقوق بین‌الملل گرفت و چون به ایران بازگشت، در کابینه‌ی وثوق‌الدوله، وزیر مالیه (دارایی) شد. اما چون با قرارداد وثوق‌الدوله با انگلیسی‌ها (قرارداد ۱۹۱۹) مخالف بود، استعفا داد. دکتر مصدق پست‌ها و منصب‌های بسیاری داشت و در سال ۱۳۳۰ به منظور اجرای قانون ملی شدن نفت و خلع یَد از شرکت نفت ایران و انگلیس، نخست‌وزیری را قبول کرد. او در سال ۱۳۳۱ از شاه خواستار اختیارات بیش‌تری شد. ولی شاه با او مخالفت کرد و مصدق نیز استعفا داد و شاه، احمد قوام‌السّلطنه را به جای او منصوب کرد. در اعتراض به این امر، مردم به دستور آیت‌الله کاشانی، در روز ۳۰ تیر قیام کردند. قیام آنان به خون کشیده شد و عده‌ای کشته شدند. به این سبب، شاه ناچار شد بار دیگر مصدق را به نخست‌وزیری بازگرداند. سرانجام در سال ۱۳۳۲، تنش بین شاه و مصدق از یک‌سو و اختلاف بین او و نیروهای مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی از سوی دیگر، بالا گرفت تا این که سرانجام، در پی کودتایی که انگلستان و آمریکا طراحی کرده بودند، دولت مصدق در ۲۸ مرداد همان سال سقوط کرد. شاه، که به خارج از کشور گریخته بود، به قدرت بازگشت. دکتر مصدق دستگیر و محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد. او پس از آزادی از زندان به حالت تبعید در احمدآباد روزگار می‌گذراند تا در ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
پهلوی (محمدرضا) ، کاشانی ، وثوق‌الدوله



مصطفوی کاشانی، سیدمحمدتقی

(۱۳۵۹ ـ ۱۲۸۵ه.ش.)
باستان‌شناس

در کاشان به‌دنیا آمد. از مدرسه‌ی دارالفنون در تهران دیپلم گرفت و معلم مدارس تهران شد. در ضمنِ معلمی، در مدرسه‌ی عالی حقوق تحصیل کرد. چند سال پس از فراغت از تحصیل، به شعبه‌ی اشیای عتیقه‌ی وزارت معارف منتقل شد. چون به میراث فرهنگی علاقه‌ی فراوانی داشت همراه با هیئت‌های باستان‌شناسی آلمانی و فرانسوی به تخت جمشید در استان فارس رفت و به حفاری پرداخت و کارش مورد توجه خاص باستان‌شناسان قرار گرفت. به همین سبب، خیلی زود همکار باستان‌شناسان برجسته‌ای چون اشمیت، کامرون، هرتسفلد، پوپ، گُدار و گیرشمن شد. مدتی ریاست موزه‌ی ایران‌باستان را به‌عهده گرفت و پس از آندره گدار، مدیرکل باستان‌شناسی ایران شد. در این دوره، با تلاش بیش‌تری به شناخت و معرفی آثار باستانی ایران، چه قبل و چه بعد از اسلام، پرداخت و در این راه مطالعات و سفرهای بسیار کرد. مصطفوی یکی از اعضای **انجمن آثار ملی** بود و در بنای آرامگاه‌های خیام، ابن‌سینا و عطّار و برگزاری کنگره‌ی بین‌المللی ابن‌سینا در تهران (۱۳۳۲) و انتشار کتاب‌های مفید سهم زیادی داشت. در سال ۱۳۵۵، دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) به او دکترای افتخاری داد. پس از مرگش، در سال ۱۳۸۵ نیز، مراسم بزرگ‌داشت او در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، در ساختمانی که خودش برای این انجمن خریداری کرده بود، برگزار شد.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
گدار ، گیرشمن



مصطفی اسماعیل

(فوت: ۱۳۵۹ه.ش.)
قاری جهان اسلام

مصطفی اسماعیل از قاریانی است که در جهان اسلام به شهرت بسیار رسیده‌اند. در ناحیه‌ی طَنطا، از کشور مصر، متولد شد. کودکی و نوجوانی را به آموزش و قرائت قرآن گذراند. بر قرائت‌های هفت‌گانه‌ی قرآن، تسلّط و چیرگی خاصی داشت و تمام مقامات و لحن‌های قرآن را می‌دانست و اجرا می‌کرد. از این‌رو، اهل فن او را قاری یگانه‌ی جهان اسلام می‌دانند. مصطفی اسماعیل، قاریان قرآن را بزرگ‌ترین و بهترین سفیر برای اسلام و کشورهای اسلامی می‌دانست و خود نیز به مسافرت‌های بسیاری دست زد. سه سال پیاپی سفر او به لبنان در ماه مبارک رمضان، موجب شد نشان درجه یک بگیرد. این استاد قرآن، تمام قرآن را به شیوه‌ی تحقیق و ترتیل قرائت کرد و این کاری است که در ایران نیز شهریار پرهیزگار انجام داده است. مصطفی اسماعیل در شهر قاهره درگذشت.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
پرهیزگار ، شحّات ، منشاوی



مطهّری، مرتضی

(۱۳۵۸ ـ ۱۲۹۸ه.ش.)
روحانی اندیش‌مند و چهره‌ی متفکر انقلاب اسلامی

در فریمان خراسان در خانواده‌ای روحانی به‌دنیا آمد. در نوجوانی به قم رفت و نزد عالمانی چون آیت‌الله بروجردی، امام‌خمینی و علامه طباطبایی درس خواند. سپس به تهران مهاجرت کرد و تا پایان عمر، در این شهر به وعظ و خطابه، تألیف، تحقیق و استادی دانشکده‌ی الهیات تهران مشغول گردید. مطهری از شاگردان برجسته‌ی امام‌خمینی و علامه طباطبایی و در عین حال متفکر و مبارزی سیاسی‌ـ اجتماعی بود. او و مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی و دکتر بهشتی در جلب دانشجویان و روشن‌فکران به اندیشه‌ی اسلامی، با یک‌دیگر همکاری داشتند. مطهری ضمن آن‌که از یک‌سو با هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی، که تشکیلاتی زیرزمینی



بود، هم‌سویی و همکاری داشت، مدیریت فکری **حسینیه‌ی ارشاد** را هم در سال‌های نخست تأسیس آن به‌عهده گرفت و مدتی نیز فعالیت‌های **مسجدالجواد**، زیر نظر او اداره می‌شد. به‌طور کلی، مطهری از نظریه‌پردازان و پیش‌گامان فکری انقلاب اسلامی و نماینده‌ی فکری امام‌خمینی در مبارزه به‌شمار می‌رود. از این رو امام بر انتشار افکار و آثار او تأکید بسیار داشت. مطهری، که عضو و رئیس شورای انقلاب بود، در شب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ هنگام خروج از جلسه‌ای، به دست گروه تروریستی فرقان ترور شد و به شهادت رسید. پیکرش را در قم، در حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام به خاک سپردند و سال‌روز شهادتش **روز معلم** نام گرفت. آثار قلمی مطهری بسیار زیاد است و موضوعات گوناگونی را دربرمی‌گیرد. از او ده‌ها اثر بر جای مانده که بعضی از آن‌ها عبارت است از: **مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی، آزادی معنوی، امامت و رهبری، ده گفتار، توحید، حماسه‌ی حسینی، خدمات متقابل اسلام و ایران، داستان راستان، مسئله‌ی حجاب و نهضت‌های اسلامی در صد ساله‌ی اخیر.**

هم‌چنین نگاه کنید به:
بازرگان ، شریعتی ، طالقانی ، علامه طباطبایی

مظفرالدین شاه

(۱۳۲۴ _ ۱۲۶۹ ه.ق.)

پنجمین پادشاه قاجار

مظفرالدین‌شاه دومین پسر ناصرالدین‌شاه و ولی‌عهد او بود. در تهران به‌دنیا آمد. ۸ ساله بود که او را به تبریز، شهر ولی‌عهدنشین قاجارها، فرستادند. او ۳۵ سال در این شهر ماند تا این‌که ناصرالدین‌شاه کشته شد. آن‌گاه به تهران آمد و به جای پدر، بر تخت سلطنت نشست. در زمان این شاه نهضت مشروطه برپا شد و او نیز با آن مخالفت نکرد و فرمان تأسیس دولت مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی را امضا کرد. مظفرالدین‌شاه ده روز پس از امضای این فرمان درگذشت. جنازه‌اش را به کربلا بردند و در حرم امام حسین علیه السلام دفن کردند. پس از او پسرش محمدعلی‌شاه به تخت نشست.

▼ **مظفرالدین شاه (سمت راست) در کنار عین الدوله نخست‌وزیر دوره‌ی استبداد**

هم‌چنین نگاه کنید به:
محمدعلی‌شاه ، مشیرالدوله



معاویه

(مرگ: ۶۰ ه.ق.)

نخستین خلیفه‌ی اموی

پدرش، ابوسفیان، از سران خاندان بنی‌امیّه و مادرش، هند، معروف به هند جگرخوار

بود. معاویه در روز فتح مکه، همراه پدرش مسلمان شد. بعدها عمر او را به حکومت دمشق منصوب کرد و عثمان حکومت تمام منطقه‌ی شام را به او سپرد. اما پس از کشته شدن عثمان، حضرت علی‌ؑ خلیفه شد و معاویه را، چون برای حکومت صالح نمی‌دانست، از حکومت شام برکنار کرد. اما معاویه نه تنها برکناری خود را نپذیرفت، بلکه مدعی خون‌خواهی عثمان شد و علی‌ؑ را به قتل خلیفه‌ی سوم متهم کرد که در پی آن، جنگ صفّین پیش آمد. در ماجرای حکمیّت، که داستان آن مشهور است، معاویه به حیله‌ی عمروعاص بر مسند حکومت باقی ماند. معاویه بعد از شهادت علی‌ؑ و پس از ماجرای صلح امام حسن‌ؑ، سلسله‌ی خلافت اموی را بنیان نهاد که تا حدود ۸۰ سال ادامه یافت. او مردی زیرک، عوام‌فریب، دنیاطلب و ریاست‌خواه بود و سیمای ساده‌ی خلافت اسلامی را به اشرافی‌گری و تجمل پادشاهی تبدیل کرد. لعن کردن حضرت علی‌ؑ در خطبه‌ها و بر منابر نیز به دستور او صورت گرفت و سال‌ها ادامه داشت. فرزند و جانشین معاویه، یزید بود که به دستور او فاجعه‌ی کربلا روی داد. در زمان معاویه، مسلمانان پیروزی‌های تازه‌ای به‌دست آوردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابوسفیان ، حسن‌بن علی‌ؑ، حمزه ، عمروعاص



معلم دامغانی، علی

(تولد: ۱۳۳۰هـ.ش.)

شاعر معاصر

محمدعلی معلم دامغانی، معروف به **علی معلم**، در خانواده‌ای سرشناس در شهر دامغان به‌دنیا آمد. زیر نظر پدرش رشد کرد و عمویش نیز، که از دوستان خاصّ امام‌خمینی و مردی عارف بود، در پرورش او تأثیر گذاشت. علی معلم پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در دامغان، در رشته‌ی حقوق دانشگاه تهران به تحصیلات خود ادامه داد اما آن را به پایان نرساند. سرودن شعر را از نوجوانی آغاز کرد و با مطالعه‌ی دیوان‌های شاعران بزرگ فارسی، توانایی خاصی در سرودن شعرهای حماسی و زیبا پیدا کرد. معلم یکی از شاعران برجسته و از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است. او با دانشی عمیق از شعر و ادب گذشته‌ی ایران و مهارت کامل در سرودن شعر در قالب‌های کهن موجب شد بسیاری از شاعران دیگر انقلاب هم راه او را دنبال کنند. تنها مجموعه شعر علی معلم به نام **رجعت سرخ ستاره** که در سال ۱۳۶۰ چاپ شد، شامل مجموعه‌ای از مثنوی‌های اوست. او در اواسط دهه‌ی ۷۰ ریاست واحد موسیقی صدا و سیما را به‌عهده گرفت و به ترانه‌سرایی روی آورد. از جمله ترانه‌های او **ترانه‌ی باران** است که با صدای محمدرضا شجریان و نوازندگی حسین علیزاده در مجموعه‌ای به نام **شب، سکوت، کویر** اجرا شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شجریان ، علیزاده



معین، محمد

(۱۳۵۰ ـ ۱۲۹۳هـ.ش.)

استاد زبان و ادبیات فارسی و نویسنده‌ی فرهنگ معین

در رشت به‌دنیا آمد. وقتی کودک بود، پدر و مادرش به فاصله‌ی ۵ روز از یک‌دیگر درگذشتند. محمد نزد پدربزرگش، محمدتقی معین‌العلما، بزرگ شد. معین بسیار سخت‌کوش بود و نخستین کسی است که از دانشگاه تهران در رشته‌ی ادبیات فارسی درجه دکتری گرفت (۱۳۲۱). او استاد دانشگاه تهران بود و از آغاز چاپ **لغت‌نامه‌ی دهخدا**، به همکاری با دهخدا پرداخت و



بعد از مرگ او نیز ریاست سازمان لغت‌نامه را به‌عهده گرفت. آن‌گاه با همکاری دکتر سیدجعفر شهیدی، به انتشار لغت‌نامه ادامه داد. نیما یوشیج، که هرگز معین را ندیده بود، او را وصیّ خود برای انتشار اشعارش قرار داد. معین در مجامع علمی خارج کشور نیز شناخته شده بود. عضو انجمن شرق‌شناسان و نیز عضو انجمن فلسفی ارنست رنان بود. از او آثار بسیاری بر جای مانده که مشهورترین آن‌ها **فرهنگ معین** در ۶ جلد است که با وجود گذشت بیش از ۴۰ سال، هنوز اثری قابل استفاده است. دکتر محمد معین در سال ۱۳۴۵ در دفتر کارش ناگهان دچار بی‌هوشی شد. معالجات در مورد او، حتی اعزام به خارج، مؤثر واقع نشد و پس از ۵ سال، که در حالت اغما بود، درگذشت. پیکر او را در زادگاهش، آستانه‌ی اشرفیه به خاک سپردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

دهخدا ، شهیدی ، نیما یوشیج



مفتح، محمد

(۱۳۵۸ ـ ۱۳۰۷هـ.ش.)

روحانی مبارز

محمد مفتح، فرزند شیخ محمود مفتح، از علمای همدان بود و در همین شهر زاده شد. سال‌هایی را در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان

گذراند و سپس راهی قم شد و از محضر آیت‌الله بروجردی، امام‌خمینی و علامه طباطبایی و ... درس آموخت و مجتهد شد. هم‌زمان، تحصیلات دانشگاهی را نیز ادامه داد و از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران درجه‌ی دکتری گرفت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. از همان آغاز، روحانی بیدار و روشن‌اندیشی بود و با چهره‌هایی چون سیدمحمد بهشتی، سیدعلی خامنه‌ای و مرتضی مطهری همکاری علمی و مبارزاتی داشت. او با کمک سیدمحمد بهشتی، **مدرسه‌ی دین و دانش** را در قم تأسیس کرد. دکتر مفتح استاد دانشکده‌ی الهیات بود و تلاش می‌کرد بین حوزه و دانشگاه هم‌سویی ایجاد کند. از اقدامات مهم او در آستانه‌ی انقلاب اسلامی، امامت جماعت **مسجد قُبا** در تهران بود که پس از تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد به پایگاه جدید مبارزان تبدیل شده بود. برگزاری نماز عید فطر سال ۱۳۵۶ در تپه‌های قیطریه‌ی تهران، حرکت بزرگی در پیش‌برد نهضت اسلامی بود که امامت آن را مفتح به عهده داشت. با پیروزی انقلاب، دکتر مفتح به ریاست دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران منصوب شد و در همین دانشکده، در روز ۲۶ آذر سال ۱۳۵۷ مورد هجوم دو نفر از اعضای گروه تروریستی فرقان قرار گرفت و به شهادت رسید. سال‌روز شهادت او به نام **روز وحدت حوزه و دانشگاه** نام‌گذاری شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بهشتی ، خامنه‌ای ، مطهری



مَقدِسی

(قرن چهارم هجری قمری)

جهان‌گرد و جغرافی‌دان فلسطینی

مقدسی در عصر سامانیان می‌زیست؛ ولی دور از قلمرو آنان، در بیت‌المقدس



به‌دنیا آمد. نخست، کارش بازرگانی بود؛ ولی در سفرهایش به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی جغرافیای شهرها و سرزمین‌ها نیز می‌پرداخت. بعدها تجارت را رها کرد و فقط به سفرهای علمی مشغول شد و ۲۰ سال همه‌ی سرزمین‌های اسلامی را از نزدیک دید. آن‌گاه کتاب معروف خود **احسن‌التَّقاسیم فی معرفة‌الاقالیم** را نوشت. این کتاب از کتاب‌های مهم تمدن اسلامی است و به زبان‌های اروپایی نیز ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ادریسی ، مسعودی ، یاقوت حموی



مکارم شیرازی، ناصر

(تولد: ۱۳۰۵هـ.ش.)

مرجع تقلید

در شیراز به‌دنیا آمد. بسیار باهوش و بااستعداد بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را بسیار سریع طی کرد. از ۱۴ سالگی به آموختن دروس طلبگی در مدرسه‌ی آقاباباخان شیراز مشغول شد. در مدت چهار سال، دروس مقدماتی تا عالی حوزه را به‌پایان رساند و آن‌ها را به دیگران نیز تدریس می‌کرد. در ۱۸ سالگی حاشیه‌ای بر کفایة‌الاصول آخوند خراسانی نوشت. سپس به قم رفت و ۵ سال از درس‌های آیت‌الله بروجردی استفاده کرد. آن‌گاه به نجف رفت و چند سال از محضر علمایی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله خویی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی استفاده کرد. به ایران بازگشت و در حوزه‌ی قم به تبلیغ، تدریس و اشاعه‌ی معارف اسلامی مشغول شد. آیت‌الله مکارم از دوره‌ی جوانی به مسائل سیاسی و اجتماعی روز توجه داشت. در سال ۱۳۳۶ با همکاری عده‌ای از فضلای قم مجله‌ی مکتب اسلام را تأسیس کرد و در دهه‌ی ۱۳۴۰ نیز مجله‌ی نجات نسل جوان را انتشار داد که هر دو در بیداری اسلامی مردم نقش داشت. او از همان آغاز اهل تألیف و نوشتن مقاله و کتاب بود و طلاب را نیز در نوشتن آموزش می‌داد. تاکنون بیش از صد جلد کتاب از آیت‌الله مکارم منتشر شده است که **تفسیر نمونه**، **ترجمه‌ی قرآن کریم** و **پیام امیرالمؤمنین** (در شرح نهج‌البلاغه) از آن جمله است. ایشان از استوانه‌های حوزه‌ی علمیّه، از مبارزان با رژیم ستم‌شاهی و شخصیتی است که در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مهمی داشته است. آیت‌الله مکارم هم‌اکنون یکی از مراجع تقلید شیعه است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بروجردی ، حکیم ، قرائتی



مك‌كوئين، استیو

(۱۹۸۰ _ ۱۹۳۰م.)

بازیگر آمریکایی

در میسوری آمریکا به‌دنیا آمد. چندی در نیروی دریایی خدمت کرد و سپس به تحصیل در رشته‌ی بازیگری روی آورد. ابتدا در فیلم‌های تلویزیونی وسترن بازی می‌کرد. اما با بازی در فیلم **هفت دلاور**، که

کارگردانش آن را با تأثیر از هفت سامورایی، به کارگردانی آکیرا کوراساوا ساخته بود، درخشید و سپس با بازی در فیلم **پاپیون،** در نقش یک محکوم به حبس ابدِ عاشق آزادی، شهرت جهانی به‌دست آورد. او معمولاً از بازیگر بدل استفاده نمی‌کرد و خودش همه‌ی نقش‌ها را انجام می‌داد. از دیگر فیلم‌های استیو مک‌کویین **فرار بزرگ، نِوادا اسمیت** و **آسمان‌خراش جهنمی** است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

کوروساوا



ملّاصدرا

(۱۰۵۹ ـ ۹۸۰ه.ق.)

حکیم و فیلسوف مسلمان

نامش محمد و لقبش صدرالدین بود. اما به ملاصدرا و صدرالمتألهین معروف شد. در شیراز به‌دنیا آمد. پدرش، خواجه ابراهیم، تاجر و مردی دانشمند بود. ملاصدرا در شیراز علوم زمان را آموخت و در امور تجاری نیز به پدرش کمک کرد. اما وقتی پدرش درگذشت، برای تحصیل به اصفهان رفت. در اصفهان نزد استادانی مانند شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی فقه و حدیث و حکمت آموخت و خود استاد شد و به تدریس پرداخت. ملاصدرا نظریات تازه‌ای در حکمت و فلسفه‌ی اسلامی داشت که پذیرش آن‌ها برای علمای اصفهان سخت بود. به این سبب، او را به بدعت و نوآوری متهم کردند. به همین دلیل از اصفهان اخراج شد و به کَهَک، روستایی نزدیک قم، رفت و در آن‌جا مسجدی ساخت و ۷ سال به عبادت، تفکر و نوشتن کتاب پرداخت. بعدها امام قلی‌خان، حاکم فارس، در شیراز **مدرسه‌ی خان** را ساخت و مخفیانه از ملّاصدرا دعوت کرد به زادگاهش برگردد و در آن مدرسه به تدریس بپردازد. ملاصدرا برای نخستین بار از هماهنگ ساختن حکمت مشّایی و حکمت اشراق و عرفان، بر زمینه‌ی قرآن و حدیث، فلسفه‌ی جدیدی به‌وجود آورد که به آن **فلسفه‌ی صدرایی** یا **حکمت متعالیه** می‌گویند. بزرگ‌ترین اثر او در این زمینه، کتاب **اَسفار** است که هنوز هم در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. حاج‌ملاهادی سبزواری و علامه‌ی طباطبایی از چهره‌های برجسته‌ی فلسفه‌ی صدرایی در دو قرن اخیرند. ملاصدرا در راه هفتمین سفر خود به حج، در شهر بصره درگذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد. ملامحسن فیض کاشانی و عبدالرزاق فیّاض لاهیجی دو داماد او بودند که هر دو از دانشمندان آن عصر به‌شمار می‌روند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

امام قلی‌خان ، سبزواری ، علامه طباطبایی



ملاقلی‌پور، رسول

(۱۳۸۶ ـ ۱۳۳۴ه.ش.)

کارگردان و فیلمنامه‌نویس

در تهران به‌دنیا آمد. فعالیت هنری خود را از عکاسی آغاز کرد و سپس به فیلم‌سازی روی آورد. در طول سال‌های دفاع مقدس به ساخت فیلم‌های کوتاه مستند درباره‌ی جنگ پرداخت که از آن میان، فیلم ۱۶ میلی‌متری او به نام **نینوا،** تحسین منتقدان را برانگیخت. فیلم‌های بلند ملاقلی‌پور **بَلَمی به سوی ساحل، افق، مجنون، خسوف، سفر به چزّابه، هیوا، قارچ سمّی** و **میم مثل مادر** است. میم مثل مادر از فیلم‌های موفقیت‌آمیز او بود. ملاقلی‌پور از دهمین جشنواره‌ی فیلم فجر، سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را برای فیلم هیوا دریافت کرد. این کارگردان در بهار ۱۳۸۶ سر صحنه‌ی فیلم‌برداری، در پی سکته‌ی قلبی درگذشت.

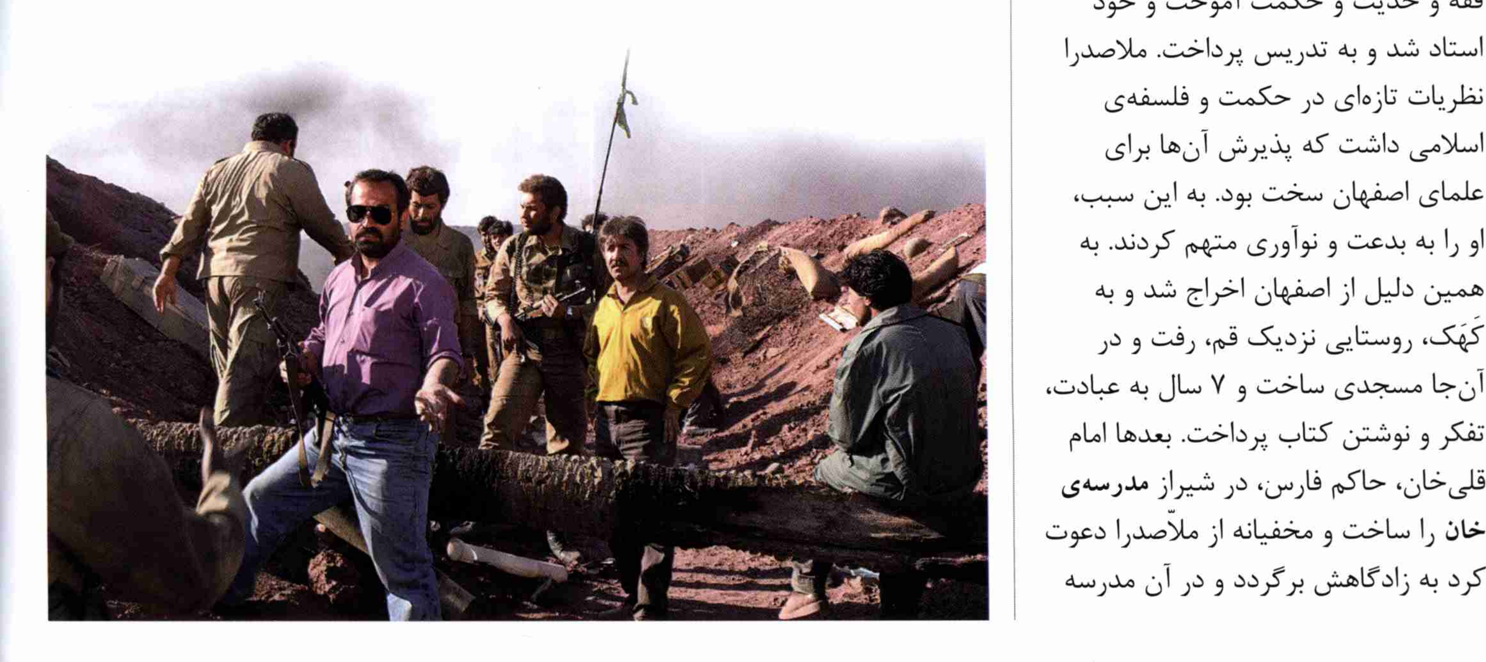


ملانصرالدین

لطیفه‌گو

جُحا، نصرالدین، خواجه نصیرالدین و ملانصرالدین نام‌های لطیفه‌گویی مردمی در ادبیات خاورمیانه است که نمی‌توان برایش شخصیت تاریخی به اثبات رساند.

▼ رسول ملاقلی‌پور، در زمینه‌ی ساخت فیلم‌های جنگی، چهره‌ای برجسته بود. تصویر زیر، او را در پشت‌صحنه‌ی یکی از فیلم‌هایش نشان می‌دهد.



نخستین بار در نیمه‌ی‌دوم سده‌ی اول هجری در ادبیات عرب، فردی بذله‌گو به‌نام جُحا مطرح گردید که لطیفه‌هایش از طریق زایران و بازرگانان به دیگر کشورها و سرزمین‌ها برده شد. سپس اندک اندک از طریق بزرگانی چون شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، مولوی و عبید زاکانی، به ادبیات فارسی وارد شد. همین جریان در ترکیه اتفاق افتاد و در آن‌جا با نام **خواجه نصرالدین**، رنگ و بوی ترکی گرفت. در ایران، افغانستان و آسیای میانه با توجه به لحن زبان فارسی خواجه نصرالدین به **ملانصرالدین** تغییر یافت. می‌گویند در عصری که حکّام ظالمی فرمان‌روایی می‌کردند، مردم برای خلاصی از دست آن‌ها به ملانصرالدین پناه می‌بردند و او با گفتن طنز و وعظ و شوخی و لطیفه می‌کوشید دلشان را شاد کند. در زمان ناصرالدین‌شاه کتابی به نام **مطایبات ملانصرالدین** چاپ شد که ترجمه از عربی بود. در دوره‌ی مشروطه نیز در قفقاز **روزنامه‌ی ملانصرالدین** منتشر شد که سبب رواج بیش‌تر این نام در میان مردم ایران گردید. در زمان رضاشاه (۱۳۱۵) محمد رمضانی صاحب مؤسسه‌ی کلاله‌ی خاور در تهران، بار دیگر کتاب مطایبات ملانصرالدین را با افزودن حکایات بیش‌تری به آن، چاپ کرد و سبب شد نام ملانصرالدین بیش از پیش بر سر زبان‌ها بیفتد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ازوپ ، بهلول ، رمضانی



ملک، حاج‌آقا حسین

(فوت: ۱۳۵۱ه.ش.)

ثروت‌مند نیکوکار و فرهنگ‌دوست

فرزند محمدکاظم ملک‌التجّار، بازرگان سرشناس و ضد مشروطه‌ی عصر قاجار بود. ثروت پدر را به ارث برد و مال و زمین بسیار داشت. هوشمند، پرکار، صاحب درک اقتصادی قوی و دارای قدرت مِلک‌داری بود و از اموال خود به خوبی نگه‌داری می‌کرد. در همان حال مردی ادیب، سخن‌دان، اهل فضل و بخشنده بود. این ویژگی‌ها سبب شد که در میان بزرگان، به خوش‌نامی شناخته شود. ملک به جمع‌آوری کتاب و آثار عتیقه علاقه‌مند بود و همه‌ی اشیای عتیقه‌ای را که از خود بر جای گذاشت، وقف آستان قدس رضوی کرد. شهرت خاص ملک به دلیل تأسیس کتاب‌خانه و موزه‌ی او در تهران است. کتاب‌شناس بزرگ، ایرج افشار، فهرست کتاب‌های خطی ترکی و عربی کتاب‌خانه‌ی ملک را در بیش از ۶۰۰ صفحه چاپ کرده است. **کتاب‌خانه و موزه‌ی ملک** در سال‌های اخیر بازسازی شده و در خیابان امام‌خمینی تهران، مورد بازدید عموم قرار دارد. حاج‌آقا حسین ملک پس از حدود ۱۰۰ سال زندگی، در تهران درگذشت.



ملک‌المتکلمین

(۱۳۲۷ ـ ۱۲۷۷ ه.ق.)

خطیب مقتول در نهضت مشروطه

نامش میرزا نصرالله بهشتی، اهل اصفهان و پدرش از روحانیان شیخی‌مسلک این شهر بود. لقب ملک‌المتکلّمین را بعدها مظفرالدین میرزا، ولی‌عهد ناصرالدین‌شاه، در تبریز به او داد. ملک‌المتکلمین در جوانی به سفر حج رفت و در بازگشت، به هندوستان سفر کرد و ۲ سال در آن‌جا ماند. در بازگشت، در بوشهر با سیدجمال‌الدین اسدآبادی دیدار کرد و تحت تأثیر افکار او قرار گرفت. در دوره‌ی مشروطه، به‌ویژه در زمان محمدعلی‌شاه، از مشروطه حمایت و بر ضد محمدعلی‌شاه سخن‌رانی‌های تند و دشنام‌آلودی ایراد می‌کرد. از این‌رو، وقتی مجلس به توپ بسته شد، ملک‌المتکلمین



را نیز دستگیر و او را در باغشاه، با عده‌ای دیگر، از جمله میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، با طناب خفه کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به: اسدآبادی



ملکه ویکتوریا

(۱۹۰۱ ـ ۱۸۱۹ م.)

ملکه‌ی انگلستان، معروف به مادر اروپا

ملکه ویکتوریا یکی از معروف‌ترین پادشاهان انگلستان است که با ۶۴ سال سلطنت، بیش از همه‌ی پادشاهان این کشور سلطنت کرده است. ویکتوریا با پسرعمویش، آلبرت، ازدواج کرد و صاحب ۹ فرزند شد. از این ازدواج و نیز ازدواج‌های فرزندانش با شاه‌زادگان اروپایی، فرزندان و نوادگان او در آلمان، روسیه، سوئد، اسپانیا و نروژ به قدرت رسیدند. از این‌رو، به او لقب **مادر اروپا** دادند. دیزرائیلی و گلادستون، دو نخست‌وزیر توانا و با نفوذ او بودند. در زمان این ملکه، که آن را **عصر ویکتوریا** می‌نامند، دامنه‌ی قدرت استعماری انگلستان در جهان گسترش بسیار یافت و ثروت عظیمی از سرزمین‌های مستعمره، روانه‌ی انگلستان شد. در زمان ملکه ویکتوریا، هند نیز زیر سلطه‌ی انگلستان بود. به این سبب، او را **امپراتور هند** نیز نامیده‌اند.

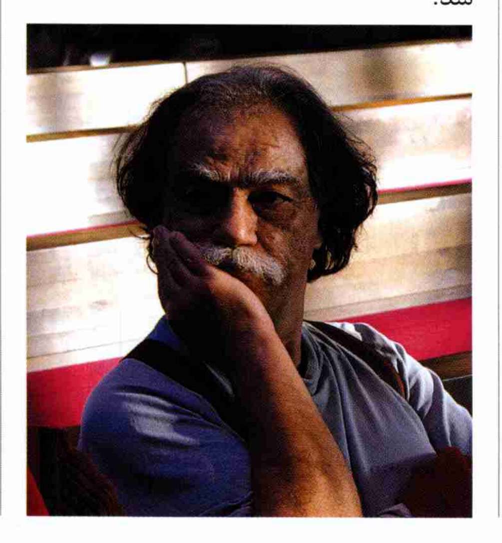


ممیّز، مرتضی

(۱۳۸۵ ـ ۱۳۱۵ه.ش.)

پدر گرافیک ایران

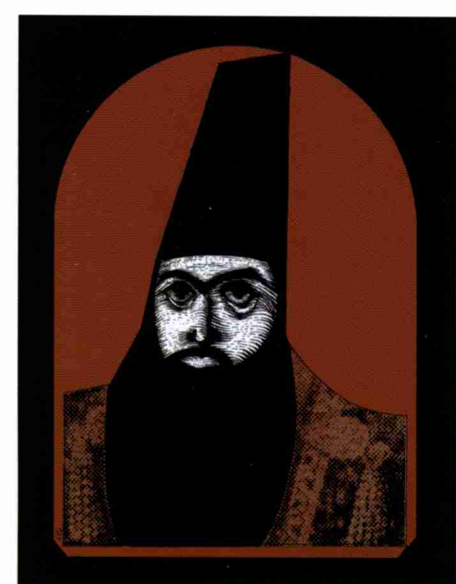
در تهران به‌دنیا آمد. رشته‌ی نقاشی را در دانشگاه تهران خواند و سپس برای تحصیل در مدرسه‌ی ملی هنرهای تزیینی پاریس به فرانسه رفت و در رشته‌ی طراحی غرفه و معماری داخلی آموزش دید. پس از بازگشت، به تدریس در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول شد. ممیز پرکارترین و خلّاق‌ترین چهره‌ی گرافیک ایران، طی چند دهه بود. مدیر هنری و طراح گرافیک نشریه‌هایی مانند **کتاب هفته، رودکی، سینما، فرهنگ و زندگی** و **کِلک** بود و طراحی صحنه و لباس ۱۴ تئاتر و ۲ فیلم سینمایی را نیز به‌عهده داشت. ممیز چند جلد کتاب هنری نیز تألیف کرد. طراحی روی جلد تعداد زیادی کتاب و طراحی پوسترهای متعدد بخشی از فعالیت‌های اوست. او عضو اتحادیه‌ی ملی گرافیک پاریس و مدیر انجمن طراحان گرافیک ایران بود و در طول فعالیت خود جایزه‌های زیادی دریافت کرد. ممیز سه سال پی‌درپی، جایزه‌ی بهترین پوستر سینمایی جشنواره‌ی فیلم فجر را تصاحب کرد. همسرش، فیروزه صابری، نیز بانویی هنرمند بود که زودتر از ممیز درگذشت. ممیز در پی ابتلا به بیماری سرطان جهان را بدرود گفت و در قطعه‌ی هنرمندان بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد.



ممیز در زمینه‌های تصویرسازی، پوستر، نشانه و طراحی جلد کتاب آثار به یادماندنی بسیاری از خود برجای گذاشت.











منتظری، محمد

(۱۳۶۰ ـ ۱۳۲۳هـ.ش.)

روحانی مبارز در انقلاب اسلامی

محمد، فرزند آیت‌الله حسینعلی منتظری، در نجف‌آباد به‌دنیا آمد. در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه قم شد و تحصیل علوم دینی را، که در نجف‌آباد آغاز کرده بود، ادامه داد. با آغاز نهضت اسلامی ۱۵ خرداد، وارد مبارزه شد و فعالانه در آن شرکت کرد. و چند بار به زندان افتاد. در سال ۱۳۵۰ از کشور خارج شد و به نجف رفت. در نجف، ضمن تحصیل در محضر امام‌خمینی، با مبارزان و رهبران حرکت‌های ضد رژیم پهلوی و دانشجویان ایرانی در آمریکا و اروپا و گروه‌های فلسطینی تماس گرفت و بر ضد رژیم شاه دست به اقدامات وسیعی زد. پس از پیروزی انقلاب، محمد منتظری در عرصه‌های گوناگون فعال بود و در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش داشت. محمد در نخستین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، از سوی مردم نجف‌آباد به نمایندگی انتخاب شد و به مجلس راه یافت. در هفتم تیرماه ۱۳۶۰، در واقعه‌ی انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، به همراه جمعی دیگر از مسئولان انقلاب اسلامی به شهادت رسید. مزار او در حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام در قم است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کلاهدوز



مِندِل، گریگور

(۱۸۸۴ ـ ۱۸۲۲ م.)

بنیان‌گذار نظریه‌ی وراثت ژنی



مندل فرزند یک کشاورز فقیر و اهل اتریش بود. شغل کشیشی داشت و علاوه بر علوم دینی، در دانشگاه وین علوم و ریاضیات نیز خوانده بود. صومعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، باغچه‌ای داشت که مندل در آن نخود فرنگی می‌کاشت. دقت مندل در مشاهده‌ی رشد بوته‌های نخودفرنگی و علاقه‌ی او به دانستن دلیل تفاوت رنگ، اندازه و قد بوته‌ها، او را به تحقیق در این زمینه کشاند. مندل دریافت که از دو صفت موجود در نخودها، همیشه یک صفت غالب است و صفت دیگر مغلوب است اما از بین نمی‌رود؛ بلکه فقط تا مدتی مغلوب می‌شود و در آینده، خود را ظاهر می‌سازد. مندل اثبات کرد که این نتیجه‌گیری، در مورد جان‌داران نیز صدق می‌کند. برای مثال، دلیل این‌که بچه‌ها غالباً به پدربزرگشان شبیه‌ترند تا به پدرشان، بر اساس همین قانونی است که مندل کشف کرد. صفاتی مانند کوتاهی یا بلندی قد، رنگ چشم‌ها، حالت موها و... در فرزندان یک خانواده نیز چنین است. بعد از درگذشت مندل، یک گیاه‌شناس هلندی به نام هوگود داویس به ارزش کشف **قانون وراثت** پی برد و از آن پس نام مندل در ردیف نام دانشمندان قرار گرفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کریک



مِندلیف، دیمیتری

(۱۹۰۷ ـ ۱۸۳۴ م.)

شیمی‌دان روسی

مندلیف، که امروزه نامش برای هر دانش‌آموز دبیرستانی آشناست، در شهر تابولْسْک سیبری، که تبعیدگاه مخالفان دولت روسیه‌ی تزاری بود، در خانواده‌ای با فرهنگ به‌دنیا آمد. در همان‌جا، نزد یکی از شورشیان تبعیدی، که مردی باسواد و آشنا به علوم بود و بعدها شوهر خواهرش شد، درس خواند. او ابتدا فقط زبان سیبریایی می‌دانست و بعد از آن که با مادرش به مسکو رفت، زبان روسی یاد گرفت. ابتدا در مرکز تربیت معلم درس خواند و چون دانش‌آموزی نخبه بود، او را به آلمان و فرانسه فرستادند. در آلمان، در رشته‌ی شیمی تحصیل کرد و با دانشمندانی چون کیرشهف و بونزن، آشنا شد. کار اساسی و مشهور مندلیف در شیمی، **تنظیم جدول عناصر** است که به نام خودش معروف شده است. مندلیف در جست‌وجوی راه‌حلی بود که بتواند ۶۳ عنصر شیمیایی شناخته شده تا آن زمان را، که فلز، غیرفلز، جامد، مایع و گاز بودند، به‌گونه‌ای با هم ارتباط دهد و آن‌ها را در کنار هم مرتب کند. او پی برد که با قرار دادن این عناصر



▲ جدول مندلیف در شیمی، به منزله‌ی نقشه در جغرافیا، راهنمای شیمی‌دان‌ها در شناخت عناصر است.

در ۷ گروه، بر حسب جرم اتمی، نظم و ترتیب جالبی به وجود می‌آید؛ به طوری که بعد از هر ۷ عنصر، دوباره آن خواص تکرار می‌شود. مندلیف عناصر را به ترتیب جرم اتمی در جدولی قرار داد و حتی جرم اتمی و خواص شیمیایی چند عنصر را، که هنوز ناشناخته بودند، در جدول پیش‌بینی کرد. این عناصر عبارت بودند از سیلیسیم، گالیوم، ژرمانیوم و اسکاندیم. مندلیف هنوز زنده بود که پیش‌بینی‌اش درست در آمد و عنصرهای گالیوم، ژرمانیوم و اسکاندیم با همان خواص مورد نظر او کشف شد. امروزه جدول مندلیف را بر اساس عدد اتمی مرتب کرده‌اند که دقیق‌تر است و عنصر شماره‌ی ۱۰۱ آن را نیز به یاد مندلیف، **مِندلیُم** نامیده‌اند. مندلیف در سن‌پترزبورگ درگذشت.



منشاوی، محمد صدیق

(۱۳۴۸ ـ ۱۲۹۹هـ.ش.)

قاری جهان اسلام

در شهر منشات مصر به‌دنیا آمد. از این‌رو به منشاوی معروف شد. پدرش، شیخ صدیق منشاوی، معلم قرآن بود و فرزندش نزد او قرآن را فراگرفت و در ۱۱ سالگی حافظ کل قرآن شد. صدای قوی و مؤثر محمدصدّیق چنان بود که خیلی زود او را به رادیو مصر دعوت کردند و به شهرت دست یافت. منشاوی امروز در سراسر جهان در مقام یک قاری بزرگ شناخته شده است و صدایش از ایستگاه‌های رادیویی پخش می‌شود. او، علاوه بر مجموعه‌ای از قرائت‌ها، مجموعه‌ای نیز به روش ترتیل خوانده که در ایران کاملاً شناخته شده است. منشاوی در زمان حیات، در کشورهای اسلامی برنامه‌ی تلاوت قرآن اجرا می‌کرد. او در ۴۹ سالگی در شهر قاهره چشم از جهان فروبست.

همچنین نگاه کنید به:
شحّات ، عبدالباسط ، مصطفی اسماعیل



منصور حلّاج

(۳۱۰ ـ ۲۴۴ هـ.ق.)

صوفی و عارف

نامش حسین‌بن منصور و از مردم بیضای فارس بود. حلّاج یکی از بحث‌انگیزترین و تأثیرگذارترین صوفیان و عارفان در تاریخ اسلام است. به هندوستان و ترکستان و حجاز و عراق سفر کرد. هر جا که رفت، مردم را به زهد فرا خواند. آنچه درباره‌ی حلّاج شهرت دارد این است که او عقیده داشت که روح الهی می‌تواند در انسان حلول کند و انسان به نزدیک‌ترین درجه در نزد خداوند برسد. او جمله‌ی **اَنَاالحق** (من حق هستم یا حق با من است) را بر زبان جاری می‌کرد. این سخن موجب شد او را به کفر و اِلحاد متهم کنند. سرانجام در بغداد او را به زندان انداختند و بعد از دو سال، پس از شکنجه‌ی بسیار، به دارش آویختند. آن‌گاه جسدش را سوزاندند و خاکسترش را به رود دجله ریختند. حلّاج آثاری نیز داشته است که از آن میان تنها کتاب **طواسین** باقی مانده است.

همچنین نگاه کنید به:
بایزید بسطامی ، عین‌القضات



منصوری، ذبیح‌الله

(۱۳۶۵ ـ ۱۲۸۸هـ.ش.)

مترجم

نام اصلی‌اش ذبیح‌الله حکیم الهی رشتی و پدرش، انتخاب‌الدوله، یکی از مردان سرشناس و نیکوکار رشت بود. ذبیح‌الله پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی، همراه پدر عازم فرانسه شد. در آن‌جا، زبان فرانسوی را به طور کامل فراگرفت. پس از بازگشت به ایران، به کار ترجمه پرداخت. مترجمی پرکار بود و از سه زبان فرانسوی، عربی و انگلیسی آثاری را به فارسی ترجمه می‌کرد. قلمش بسیار روان و مردم‌پسند بود. از این‌رو، آثارش در کتاب‌خوان کردن مردم ایران تأثیر بسزایی داشت. حدود ۱۵۰ کتاب و هزار مقاله ترجمه و تألیف کرد که بیش‌تر آن‌ها در مجله‌ی **خواندنی‌ها** چاپ می‌شد. منصوری معمولاً در ترجمه، خود را به متن اصلی کتاب پای‌بند نمی‌کرد؛ بلکه خود نیز بر آن می‌افزود. به این سبب، بیش‌تر کتاب‌هایش با توضیحِ **ترجمه و اقتباس** منتشر شده است. از آثار اوست: **خداوند اَلموت**، **خواجه‌ی تاج‌دار**، **شاه‌جنگ ایرانیان در چالدران**، **خاطرات چرچیل**، **امام حسین**(ع) و **ایران**، **مغز متفکر جهان شیعه** و **پیامبری که از نو باید شناخت**. منصوری در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.



منصوری، کریم

(تولد: ۱۳۴۷هـ.ش.)

قاری قرآن

در آبادان به‌دنیا آمد و اکنون کارمند وزارت امور خارجه است. از ۱۲ سالگی با شرکت در جلسات قرآن، آموزش و قرائت قرآن را به صورت فنی دنبال کرد. در ۲۳ سالگی، تصمیم به حفظ قرآن گرفت و توانست کلّ قرآن کریم را در ۱۱ ماه حفظ کند. منصوری از اتحادیه‌ی قاریان کشور مصر، که دارای اعتبار جهانی است، گواهی‌نامه‌ی تلاوت دریافت کرده است. او تاکنون تمام قرآن کریم را چهار مرتبه به صورت ترتیل و تحقیق به سفارش سازمان‌های رسمی کشور تلاوت کرده که ضبط شده است. یکی از قرائت‌های به یاد ماندنی منصوری، تلاوت قرآن در مراسم پایانی اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۷ است که این قرائت را به خواست رئیس‌جمهوری وقت

انجام داد. کریم منصوری مقام نخست مسابقه‌های بین‌المللی ایران (۱۳۷۶) و مقام ممتاز مسابقه‌های مالزی و عربستان را در میان ۶۳ کشور جهان (۷۲ ـ ۱۳۶۷) در کارنامه‌ی خود دارد و از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در یازدهمین دوره‌ی نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، خادم برگزیده‌ی قرآن شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شحّات ، عبدالباسط ، مصطفی اسماعیل



منوچهری دامغانی

(فوت: ۴۳۲ ه‌.ق.)

شاعر عصر غزنویان

نام او احمدبن قوص‌بن‌احمد دامغانی بود. اما چون در دستگاه منوچهربن قابوس وشمگیر خدمت می‌کرد، تخلص منوچهری را برای خود انتخاب کرد. منوچهری بعدها به دربار سلطان مسعود غزنوی رفت و عزت و احترام بسیار دید. او از چهره‌های برجسته‌ی سبک خراسانی است و تعدادی از اشعارش در زیبایی بی‌نظیر است. شعر منوچهری طرب‌انگیز و شادی‌بخش است و از الفاظ و عبارات اندوهناک اثری در آن دیده نمی‌شود.



موحد، عبدالله

(تولد: ۱۳۱۸ ه‌.ش.)

قهرمان کشتی

در بابلسر به‌دنیا آمد. نخست به قایق‌رانی و والیبال پرداخت. اما بعد به کشتی گرایش یافت و جای خود را در این ورزش باز کرد. هنوز ۱۶ سال داشت و به عضویت تیم ملی کشتی ایران درنیامده بود که در یک مسابقه، که در داخل کشور برگزار شد، توانست در مقام عضو تیم منتخب استان‌های کشور، **بریا شویلی**، قهرمان روسی کشتی آن روز جهان را شکست دهد. موحد سپس به تیم ملی پیوست و در انتخابی المپیک با محمدعلی صنعت‌کاران به تساوی رسید. اما چون صنعت‌کاران قهرمان جهان بود، مربی تیم ترجیح داد موحد یار ذخیره‌ی مسابقه‌های جهانی تولیدو (۱۹۶۲) شود. سرانجام، موحد موفق شد در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی، مدال طلای جهان را در رده‌ی سبک‌وزن کسب کند و لقب طلایی‌ترین کشتی‌گیر جهان و المپیک را از آن خود سازد. مچ دست او آن‌قدر قدرت‌مند بود که اگر می‌توانست پای حریف را بگیرد، امکان رها شدن از آن وجود نداشت.



عبدالله موحد در المپیک ۱۹۶۸



موحد، محمدعلی

(تولد: ۱۳۰۲ ه‌.ش.)

حقوق‌دان، مثنوی‌پژوه و عضو فرهنگستان

در تبریز به‌دنیا آمد. پدرش، حاج میرزا یوسف دیلمقانی، بازرگانی بادیانت و بافرهنگ بود. او چنان به تربیت فرزندانش اهمیت می‌داد که در روز تولد پسرش محمد علی، در صفحه‌ی آخر قرآن نوشت: تاریخی که نماز بر محمدعلی واجب خواهد شد، ۱۳۵۵ قمری است. محمدعلی در نوجوانی در تبریز با جدّیت و به خوبی تحصیل کرد و بسیاری از کتاب‌ها و روزنامه‌های پدرش را خواند. بعد از فوت پدر، مدتی در بازار تهران کار کرد. سپس به فرانسه رفت و در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران، در شرکت ملی نفت استخدام شد. کارهای محمدعلی موحد در زمینه‌ی حقوق، تاریخ، ادبیات و ترجمه بسیار برجسته است. در ۳۰ سالگی **سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه** را از عربی ترجمه کرد که از خواندنی‌ترین کتاب‌ها برای آشنایی با سرزمین‌های اسلامی در قرون میانه است. کار مهم موحد در مثنوی‌پژوهی، تصحیح **مقالات شمس تبریزی** است. او این کتاب را، که قرن‌ها در کتاب‌خانه‌های ترکیه بود و عده‌ی کمی آن را می‌شناختند، پس از سال‌ها مطالعه و تحقیق، در سال ۱۳۶۹ تصحیح و منتشر کرد. موحد یکی از کارشناسان برجسته‌ی مسائل حقوقی نفت است و کتاب او به نام **خواب آشفته‌ی نفت** برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۴ شد. او عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابن‌بطوطه ، شمس تبریزی



رحیم مؤذن‌زاده‌ی اردبیلی، گوینده‌ی اذان آسمانی



مؤذن‌زاده‌ی اردبیلی، رحیم

(۱۳۸۴ _ ۱۳۰۴ه.ش.)

مؤذّن

پدرش شیخ عبدالکریم مؤذنِ شهر اردبیل و سپس مسجد شاه (امام خمینی) تهران، و نیز اذان‌گوی رادیو ایران در دهه‌ی ۲۰ بود. رحیم در اردبیل متولد شد. علاوه بر تحصیل در اردبیل و آموختن آواز در دستگاه‌های موسیقی، به قم رفت و پس از سه سال تحصیل در حوزه، به تهران مهاجرت کرد. آن‌گاه پس از درگذشت پدر، در سال ۱۳۲۹ جانشین او شد. شاهکار رحیم مؤذن‌زاده، اذانی در دستگاه بیاتِ ترک است که آن را برای رادیو ایران خوانده است و از آن به **اذان آسمانی** تعبیر می‌شود. این اذان در سال ۱۳۳۴ در رادیو اجرا شد و بیش از ۵۰ سال است که پخش می‌شود. مؤذن‌زاده در ۸۰ سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت. در سال ۱۳۸۰، اذان آسمانی مؤذن‌زاده در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.



مور، مایکل

(تولد: ۱۹۵۴ م.)

کارگردان آمریکایی

مایکل فرانسیس مور، مشهور به مایکل مور، کارگردانی با گرایش‌های سیاسی در آمریکاست. در ایالت میشیگان به‌دنیا آمد. از ۴۰ سالگی به ساخت برنامه‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی روی آورد و هم‌زمان با ایراد سخن‌رانی و نوشتن کتاب و مقاله، به پیش‌برد اهداف و بسط دیدگاه‌هایش پرداخت. او که به دیدگاه‌های سیاسی دموکرات‌های آمریکا نزدیک‌تر و با جمهوری‌خواهان به شدت مخالف است، در آثار خود به انتقاد از شرکت‌های بزرگ، خشونت، اشغال عراق، سیاست‌های جورج بوش و نظام مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی آمریکا پرداخته است. از آثار مشهور او **فارنهایت ۹/۱۱** درباره‌ی واقعه‌ی یازدهم سپتامبر و **بولینگ برای کلمباین** درباره‌ی قتل‌عام دانش‌آموزان دبیرستانی در کلمباین است. فیلم فارنهایت ۹/۱۱، برنده‌ی جایزه‌ی نخل طلا از جشنواره‌ی کن فرانسه شده است.



مور، هنری

(۱۹۸۶ _ ۱۸۹۸م.)

مجسمه‌ساز انگلیسی

مور را برجسته‌ترین مجسمه‌ساز انگلیسی قرن بیستم می‌دانند. او از ۱۱ سالگی تصمیم گرفت مجسمه‌ساز شود؛ ولی با توجه به توصیه‌ی پدرش، چندی در زادگاه خود، یورکشایر، به کار معلمی مشغول شد. اما سرانجام آن را رها کرد و با ورود به هنرکده‌ی لیدز و سپس کالج سلطنتی لندن، آموزش مجسمه‌سازی دید. چندی نیز به ایتالیا رفت تا با تجربه‌های هنرمندان آن کشور، که مهد مجسمه‌سازی اروپاست، آشنا شود. اساس هُنرِ مور در مجسمه‌سازی بر طبیعت استوار است؛ ولی هرگز در پی بازنمایی و تقلید از طبیعت نیست. مجسمه‌های او بیش‌تر دارای انحنا و به حالتی لمیده‌اند. مور پیش از آن‌که به ۵۰ سالگی برسد، به شهرتی جهانی دست یافت. انرژی فوق‌العاده‌ای برای کار داشت. ۸۰۰ مجسمه با چوب و سنگ و فلز، ۴۰۰۰ طرح و ۵۰۰ تصویر چاپی از او باقی مانده است.

پیکر لمیده (۱۹۳۸)، اثر هنری مور
این اثر، که از سنت‌های هنر آفریقایی است، به‌گفته‌ی خود مور «بیش‌ترین حس رهایی و آزادی را، هم از نظر ترکیب‌بندی و هم فضا، به بیننده القا می‌کند. این اثر، هم رها و هم ثابت است.»



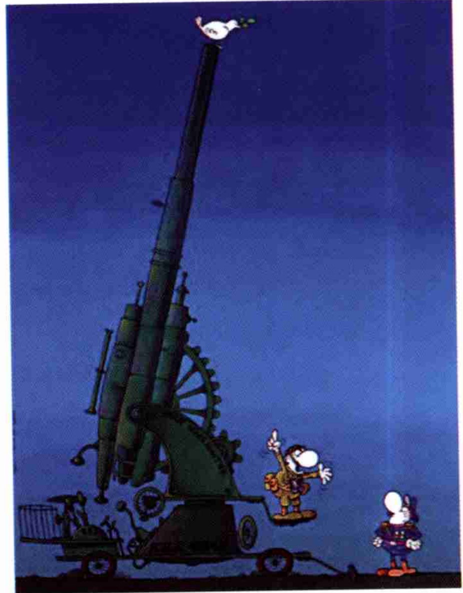


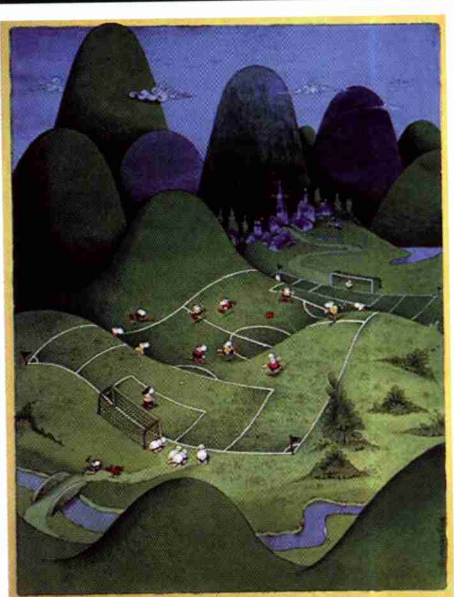
مورديلو، گیلرمو

(تولد: ۱۹۳۲ م.)

طنزپرداز و کاریکاتوریست آرژانتینی

در بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین، به‌دنیا آمد. استعداد هنری‌اش تحت تأثیر هنری سایبرمن، کاریکاتوریست آمریکایی، که آثارش سادگی طنزآمیزی داشت، شکوفا شد. مورديلو ابتدا به طراحی کارت پستال‌های فکاهی روی آورد و با کشیدن چهره‌ی آدم‌ها به صورت گِرد و فانتزی، سبک هنری خود را نشان داد و به مطبوعات راه یافت. او به طور مشخص در چهار زمینه‌ی کلی کارکرده است: آدم‌ها، حیوانات، ورزش و موضوعات متفرقه. او می‌کوشد در آثار خود مخاطب را کمتر درگیر اندیشه‌های پیچیده کند تا بتواند با او ارتباط برقرار سازد. آثار مورديلو به صورت‌های گوناگونی، از جمله تقویم، عروسک، اسباب‌بازی، نقاشی و فیلم‌های متحرک در سراسر دنیا عرضه شده است. از مهم‌ترین جوایزی که این هنرمند دریافت کرده، جایزه‌ی اول ققنوس آرژانتین و جایزه‌ی اول ناکوموری (ژاپن، ۱۹۷۷) است. او در جشنواره‌ی مونترال کانادا (۱۹۷۷)، بهترین بذله‌گوی سال شناخته شد.







کاریکاتورهای مورديلو به دلیل کیفیت خاص‌آن‌ها در تمام دنیا علاقه‌مندان بسیاری دارد.



مورس



(۱۸۷۲ ـ ۱۷۹۱م.)

مخترع تلگراف

مورس نقاش و طراح برجسته‌ای بود که در این رشته تحصیل و حتی آکادمی ملیِ طراحی را در آمریکا تأسیس کرده بود. اما به ابداع و اختراعات فنی هم علاقه داشت. از این‌رو، وقتی در ۴۰ سالگی در مسیر بازگشت از اروپا به آمریکا، گفت‌وگویی را درباره‌ی اختراع آهن‌ربای مغناطیسی شنید، اندیشه‌ی اختراع تلگراف الکتریکی در ذهنش شکل گرفت. از آن پس، تمام وقت خود را صرف این اختراع کرد و با همکاری دو تن از دوستانش موفق شد دستگاه تلگراف را اختراع کند. کدهای تلگراف را نیز خود مورس ابداع کرد که به نام خودش، مورس، نامیده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بِل



موریتا، اکیو

(۱۹۹۹ ـ ۱۹۲۱م.)

بنیان‌گذار شرکت سونی

هنگامی که از دانشگاه اوزاکای ژاپن در رشته‌ی فیزیک فارغ‌التحصیل شد، برای کار به نیروی دریایی ژاپن پیوست و در بخش تحقیقات مشغول کار شد. در آن‌جا دوستی به نام ایبوکا ماسورا پیدا کرد و آن دو روی طراحی و ساخت سیستم‌های هدایت گرمایی و سیستم‌های دید در شب به پژوهش پرداختند. آن دو پس از جنگ دوم جهانی، یک آزمایشگاه مخابراتی و سپس شرکت مخابراتی سونی را تأسیس کردند. پس از چند سال، شرکت سونی اولین نوار ضبط مغناطیسی و سپس اولین رادیو جیبی ترانزیستوری را تولید کرد. موریتا عقیده داشت در دنیایی که روز به روز کوچک‌تر می‌شود، شرکت‌هایی موفق‌اند که دیدگاهی فراتر از مرزهای کشور خود داشته باشند. به همین سبب نام شرکت خود را **سونی**، به معنی صدا، انتخاب کرد تا هم بیانگر نوع فعالیت شرکت باشد، هم بُرد جهانی داشته باشد و هم در همه جا به راحتی تلفظ شود. موریتا بعداً به آمریکا رفت و مقیم آن کشور شد تا بتواند بهتر فعالیت کند. او کارخانه‌هایی را نیز در آمریکا و اروپا احداث

کرد. اولین رادیوی جیبی ترانزیستوری، اولین تلویزیون تمام ترانزیستوری، رادیوی جداشدنی برای اتومبیل (پانل)، تلویزیون مینیاتوری، واکمن، اولین سیستم ضبط ویدیویی، تلویزیون رنگی تری‌نیترون و فلاپی دیسک ۳/۵ اینچی، از دست‌آوردهای شرکت سونی است. لوح فشرده یا CD نیز یکی از ابداعات این شرکت عظیم است که سونی آن را با همکاری شرکت هلندی فیلیپس ساخت و انقلاب بزرگی در زمینه‌ی ذخیره‌ی اطلاعات و صنعت موسیقی به‌وجود آورد. موریتا در ۷۸ سالگی درگذشت.



موتسارت، وُلفگانگ آمادئوس

(۱۷۹۱ ـ ۱۷۵۶ م.)

آهنگ‌ساز اتریشی

موتسارت را یکی از نوابغ موسیقی در جهان غرب می‌دانند. پدرش آهنگ‌ساز بود و فرزندان خود را به سوی موسیقی رهنمون شد. سپس آن‌ها را به سفری طولانی در اروپا برد که در ضمن آن‌ها، در کشورهای گوناگون برای اشراف اروپایی هنرنمایی می‌کردند. موتسارت ۱۸ ساله بود که به مقام آهنگ‌ساز دربار اتریش رسید. با این که عمر کوتاهی داشت و در ۳۵ سالگی درگذشت، آثار ارزنده‌ای از خود برجای گذاشت که برخی از آن‌ها آهنگ‌های مذهبی است. **رکوئیم**، **دون ژوان**، **عروسی فیگارو**، **نی سحرآمیز**، **موسیقی کوچک شب**، **مارش ترکی** و **سمفونی ۴۰** از آثار مشهور او است. موتسارت زمانی که در وین بود، مدتی بتهوون را آموزش می‌داد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بتهوون

موسولینی، بنیتو

(۱۹۴۵ ـ ۱۸۸۳ م.)

رهبر فاشیست‌های ایتالیا

موسولینی، که بعدها یکی از آتش‌افروزان جنگ دوم جهانی شد، در نخستین سال قرن بیستم (۱۹۰۱) کار خود را در یک مدرسه‌ی ابتدایی و با آموزگاری شروع کرد. چندی بعد به سوئیس رفت و با مطالعه‌ی تاریخ روم باستان، به برتری نژادی مردم ایتالیا عقیده پیدا کرد. به همین سبب، حزب فاشیست ایتالیا را با علامت فاشِس (تبر)، که علامت روی پرچم رومی‌های باستان بود، تأسیس کرد. یکی از اصول حزب فاشیست، ضدّیت آن با کمونیسم و مخالفت با دموکراسی بود. موسولینی، که ناطق توانایی بود و بیان سحرآمیزی داشت، نخست‌وزیر ایتالیا شد. ابتدا در منطقه‌ی بالکان، کشور آلبانی را تصرف کرد و بعد به سومالی و اریتره و اتیوپی در آفریقا لشکر کشید. او از فاشیست‌های اسپانیا به رهبری ژنرال فرانکو نیز دفاع می‌کرد. در جنگ دوم جهانی، موسولینی متحد آلمان و ژاپن شد و با متفقین جنگید. سرانجام، در روزهای پایانی جنگ، در حال فرار به سوئیس، چریک‌های کمونیست او و همسرش را دستگیر کردند و هر دو را در میدان بزرگ شهر میلان کشتند و جنازه‌هایشان را از پا آویزان کردند. این واقعه، دو روز پیش از آن بود که هیتلر و همسرش در برلین خودکشی کنند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هیتلر

▼ موسولینی ناطقی زبردست و رهبری مسحورکننده بود. این عکس او را در حال سخن‌رانی برای مردم کشورش نشان می‌دهد.





موسوی، سیدعباس

(۱۳۳۰ ـ ۱۳۷۰ هـ.ش.)
پایه‌گذار جنبش حزب‌الله لبنان

سیدعباس موسوی از دست‌پروردگان **امام موسی صدر** در لبنان بود. هنگامی که ۱۴ سال داشت، در شهر صور با امام موسی صدر آشنا شد و به شدت تحت تأثیر او قرار گرفت. از آن پس به مدرسه‌ای که صدر در شهر صور تأسیس کرده بود، رفت و در آن‌جا تحصیل کرد. بعد به نجف رفت و به تحصیل خود در نزد آیت‌الله خویی و سیدمحمدباقر صدر ادامه داد و با افکار سیاسی آیت‌الله صدر آشنا شد. هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، سیدعباس، که در نجف بود، به لبنان بازگشت و حوزه‌ی علمیه‌ی بَعَلبَک را تأسیس کرد. او در آن‌جا به فعالیت‌های دینی، سیاسی و فرهنگی مشغول شد و از این طریق، توانست جوانان بسیاری را جلب کند. موسوی نخست در جنبش امل بود؛ ولی بعد، با همفکری جمعی از علما و شاگردانش، جنبش مستقل حزب‌الله لبنان را تأسیس کرد که با گذشت چند سال، به قدرتی بسیار مهم در لبنان تبدیل شد. سیدعباس موسوی در سالگرد شهادت شیخ راغب حرب، از روحانیان لبنان، از هوا هدف بالگردهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت و همراه با همسر و فرزند خردسالش شهید شد. پس از او، سیدحسن نصرالله رهبری حزب‌الله را به‌دست گرفت.

همچنین نگاه کنید به:
صدر (سید موسی) ، نصرالله (سیدحسن)



موسوی بجنوردی، سیدمحمدکاظم

(تولد: ۱۳۲۱ هـ.ش.)
فعال سیاسی و بنیان‌گذار مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

فرزند آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی، یکی از علمای برخاسته از روستای خُراشاه بجنورد است که از جوانی در نجف سکونت داشت. محمدکاظم تا ۱۸ سالگی در عراق بود و سپس به ایران آمد. مطالعات وسیعی درباره‌ی نهضت‌ها و جنبش‌های ضد استعماری در جهان داشت و در پی یافتن راهی برای مبارزه با رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی بود. از این‌رو، در آغاز جوانی **حزب ملل اسلامی** را با هدف مبارزه‌ی مسلحانه تأسیس کرد. اما برحسب حادثه‌ای کاملاً اتفاقی، پس از سه سال خود و اعضای حزبش دستگیر شدند و به زندان افتادند. بجنوردی محاکمه و به اعدام محکوم شد. اما با دخالت آیت‌الله حکیم، از مراجع نجف، حکم او با یک درجه تخفیف به حبس ابد تبدیل گردید. ۱۳ سال در زندان بود تا این که با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد شد و مسئولیت‌هایی مانند استان‌داری اصفهان و سپس نمایندگی مجلس را پذیرفت. بجنوردی سپس با تأسیس **مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی** یک‌سره خود را وقف کارهای علمی و فرهنگی کرد. او در این مرکز، که در مدت کوتاهی به یکی از مراکز علمی و فرهنگی معتبر جهان اسلام تبدیل شد، با دعوت از جمع بسیاری از استادان و دانشمندان داخلی و خارجی، کار تألیف دایرةالمعارف عظیمی را شروع کرد که تاکنون ۱۵ جلد آن، از حدود ۴۰ جلد پیش‌بینی شده، به فارسی منتشر شده و در دست ترجمه به عربی و انگلیسی است. خاطرات سیاسی بجنوردی با نام **مسی به رنگ شفق** چاپ شده است.



موسوی خامنه، میرحسین

(۱۳۲۰هـ.ش.)
سیاست‌مدار و نخست‌وزیر دهه‌ی اول انقلاب

در خامنه، از توابع تبریز، به‌دنیا آمد. در رشته‌ی معماری و شهرسازی از دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) فوق‌لیسانس گرفت. در این دوره، او و جمعی از دوستانش، انجمن اسلامی دانشگاه را تأسیس کردند و بعدها شرکت سمرقند را بنیان نهادند که در ضمن، محلی برای مبارزه‌ی سیاسی بر ضد رژیم پهلوی بود. موسوی با دکتر محمد بهشتی، روحانی برجسته و انقلابی، ارتباط نزدیک داشت و مورد اعتماد او بود. از این‌رو، با تأسیس حزب جمهوری اسلامی به عضویت شورای مرکزی حزب در آمد و مدتی نیز سردبیری **روزنامه‌ی جمهوری اسلامی** را به‌عهده داشت. در سال ۱۳۶۰، مهندس میرحسین موسوی از سوی رئیس جمهوری وقت، آیت‌الله خامنه‌ای، در مقام نخست‌وزیر به مجلس معرفی شد، رأی اعتماد گرفت و از آن پس تا درگذشت امام‌خمینی و در تمام سال‌های دفاع مقدس، در این سِمت باقی بود. با تجدید نظر در قانون اساسی، که در آن پست نخست‌وزیری از ساختار سیاسی ایران حذف شد، موسوی از مسئولیت کناره گرفت. او اینک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است و ریاست فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی را نیز به‌عهده دارد. موسوی در زمینه‌ی نقاشی و معماری آثار بسیاری پدید آورده و یکی از آثار او طراحی **بنای شهدای هفت تیر** در بهشت‌زهراست.

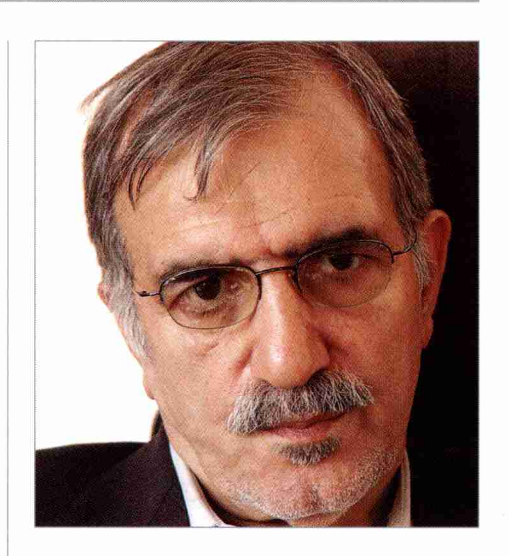
همچنین نگاه کنید به:
بهشتی



موسوی گرمارودی، سیدعلی

(تولد: ۱۳۲۰ هـ.ش.)
شاعر، نویسنده و مترجم قرآن

در خانواده‌ای روحانی در قم به‌دنیا آمد. از نخستین دانش‌آموزان دبیرستان دین و دانش بود که دکتر سیدمحمد بهشتی آن را



تأسیس کرده بود. گرمارودی قبل از ورود به دانشگاه، دروس ادبی حوزوی را در مشهد نزد محمدتقی ادیب نیشابوری، مشهور به ادیب دوم، آموخت و پس از ۴ سال به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران رفت. نخستین تجربه‌ی شعری او با سرودن شعر **خاستگاه نور** درباره‌ی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز شد که رتبه‌ی اول مسابقه‌ی شعر مجله‌ی یغما را برایش همراه آورد. گرمارودی از پیش‌گامان شعر متعهد، انقلابی و نوپردازانه است. نخستین مجموعه شعرش با نام **عبور** پیش از انقلاب اسلامی منتشر شد و پس از آن مجموعه‌های **چمن لاله**، **خط خون**، **تا ناکجا**، **دست‌چین** و **باران** را منتشر کرد. گرمارودی به سبب **ترجمه‌ی قرآن کریم** و انتشار دو جلد **داستان پیامبران**، در سال ۱۳۸۳ از سوی دبیرخانه‌ی نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم خادم برگزیده‌ی قرآن شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
معلم دامغانی



موسی علیه‌السلام

سومین پیامبر اولوالعزم

حضرت موسی علیه‌السلام سومین پیامبر اولوالعزم بعد از نوح و ابراهیم علیه‌السلام و بزرگ‌ترین پیامبر بنی‌اسرائیل است. تولد او در مصر مخفیانه صورت گرفت؛ زیرا فرعون، که قبطی بود، دستور داده بود هر زنی از سبطیان یا بنی‌اسرائیل پسری بزاید، نوزادش را بکشند. وقتی موسی علیه‌السلام به‌دنیا آمد، مادرش به الهام خدا، او را در صندوقی نهاد و صندوق را به رود نیل سپرد. آب کودک را به داخل باغستان‌ها و قصرهای فرعون برد. آسیه، همسر فرعون، کودک را دید و از آب گرفت و او را پرورش داد. موسی علیه‌السلام در قصر فرعون رشد کرد و به بلوغ و جوانی رسید. روزی موسی علیه‌السلام ، به دفاع از شخص مظلومی، ناخواسته یکی از قبطیان را کشت. زمانی‌که او را دنبال کردند، گریخت و از ترس به شهر مَدیَن، نزد **شُعَیب** پیامبر رفت. موسی علیه‌السلام نزد شعیب به چوپانی مشغول شد و دخترش را نیز به همسری گرفت. چند سال گذشت و قصد بازگشت به مصر کرد و به‌راه افتاد. شباهنگام در میانه‌ی راه، نزدیک کوه طور، آتشی بر بالای کوه دید. گمان کرد می‌تواند از آن آتش برای گرم کردن خانواده‌اش استفاده کند. به سوی آن رفت. اما چون به آتش، که در واقع آتشی نبود، نزدیک شد، ندایی شنید که می‌گفت باید به مصر برود و فرعون را دعوت کند که از طغیان و سرکشی

▼ **خداوند به موسی وحی کرد که:**
اِذهَبْ اِلیٰ فرعون، انَّهُ طغی؛

برضد مردم و ادّعای خدایی دست بردارد. این صدا **وحی الهی** بود. موسی(ع) با برادرش، هارون، نزد فرعون رفتند و این وظیفه را انجام دادند. اما حرف آن‌ها در فرعون اثر نکرد و ماجرای طولانی قیام موسی(ع) و بنی‌اسرائیل، برضد فرعون آغاز شد. سرانجام، دستگاه فرعون سقوط کرد و بنی‌اسرائیل نجات یافتند. کتاب حضرت موسی(ع) **تورات** است. نام آن حضرت بیش از نام هر پیامبر دیگری (۱۳۶ مرتبه) در قرآن آمده است. لقب او **کلیم‌الله** است.



موسی‌بن‌میمون

(۶۱۰ _ ۵۱۰ ه‌.ق.)

حکیم و طبیب یهودی

در شهر قُرطُبه یا کوردوبای امروزی، از شهرهای اسپانیا به‌دنیا آمد. خانواده‌اش به شمال آفریقا مهاجرت کردند و به ظاهر اسلام آوردند. موسی‌بن میمون پس از مدتی سرگردانی، سرانجام در قاهره ساکن شد و به دربار صلاح‌الدین ایوبی راه یافت و پزشک خاص دربار شد. او آثار متعددی در زمینه‌ی طب نوشته است. ابن‌میمون علاوه بر این که طبیب بود، از مفسران مشهور و فلاسفه‌ی بزرگ یهود نیز به‌شمار می‌رود. کتاب **دلالة‌الحائرین** او خلاصه‌ای از فلسفه‌ی دین یهود است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صلاح‌الدین ایوبی



موسی کاظم(ع)، امام

(۱۸۳ _ ۱۲۸ ه‌.ق.)

هفتمین امام شیعیان

آن حضرت فرزند امام جعفر صادق(ع) بود و در مدینه از مادر زاده شد. به امام هفتم، لقب **کاظم** داده‌اند؛ زیرا بسیار خویشتن‌دار بود و خشمگین نمی‌شد. آن حضرت در عین حال مردی با شهامت و جسور بود. بخش مهمی از زندگی این امام در سال‌های خلافت هارون‌الرشید، قدرت‌مندترین خلیفه‌ی عباسی، گذشت. هارون در بغداد کاخی مجلّل و افسانه‌ای داشت و خود بر کشوری فرمان می‌راند که از خراسان تا آفریقا گسترده بود.

امام کاظم(ع)، که نمی‌توانست خلافت رسول‌الله(ص) را در شکل اشرافی و شاهانه مشاهده کند، با هارون بنای مخالفت گذاشت. حتی یک بار در کاخ او در بغداد گفت که این کاخ‌ها و زندگی افسانه‌ای، مسلمانان را به دیار نیستی سوق می‌دهد، اما هارون به این سخنان توجّهی نکرد. امام کاظم(ع) در گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی طرفداران بسیار داشت که برای آن حضرت اموالی می‌فرستادند. می‌گویند سرانجام یحیی برمکی، وزیر هارون، بر ضد امام گزارش داد و هارون دستور داد آن حضرت را به زندان بیندازند. گفته‌اند که امام حدود ۱۵ سال در زندان ماند و سرانجام در بغداد به دستور هارون مسموم شد و به شهادت رسید. مزار آن حضرت و نیز مزار امام جواد(ع) در شهر کاظمین، نزدیک بغداد، است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
برمکیان ، علی‌بن موسی‌الرضا(ع) ، هارون‌الرشید



مولر، پاول

(۱۹۶۵ _ ۱۸۹۹ م.)

شیمی‌دان و کاشف د.د.ت

مولر سوئیسی بود و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مرحله‌ی دریافت دکترای شیمی در شهر بازِل گذراند. سپس با استخدام در یک شرکت رنگ‌سازی، به کار روی اثر داروها بر آفت‌های گیاهی مشغول شد و موفقیت‌هایی به‌دست آورد. مولر ماده‌ی شیمیایی بسیار مؤثری کشف کرد که در کشتن پشه‌ی مالاریا و ریشه‌کنی بیماری مهلک مالاریا، مؤثر بود. او نام اختصاری این ماده را د.د.ت گذاشت. در اواسط جنگ دوم جهانی، سربازان آمریکایی در مناطق استوایی، قبل از شروع حمله، پودر د.د.ت را از هوا روی منطقه می‌پاشیدند تا پشه‌های ناقل بیماری را از بین ببرد؛ سپس وارد منطقه می‌شدند. در اروپا نیز این ماده به ریشه‌کنی بیماری تیفوس کمک زیادی کرد و به‌منزله‌ی آفت‌کش، در کشاورزی به کار گرفته شد. د.د.ت، در کنار منافع بسیار، ضررهایی هم داشت. از این‌رو، استفاده از آن ممنوع شده است.

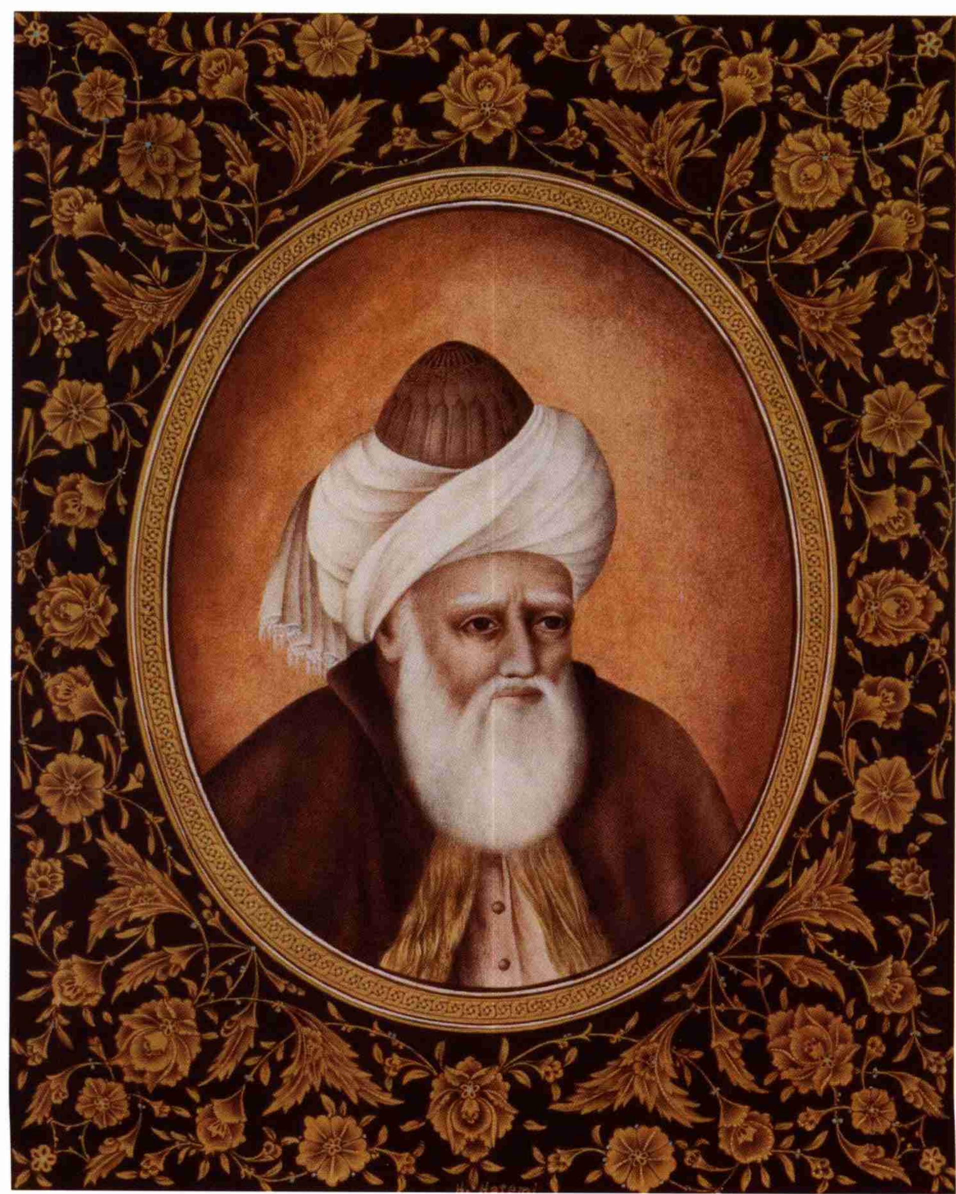


مولوی، جلال‌الدین محمد

(۶۷۲ _ ۶۰۴ ه‌.ق.)

شاعر و عارف بزرگ جهان اسلام

در بلخ، که امروز در افغانستان است، به‌دنیا آمد. پدرش بهاءالدین ولد، مشهور به سلطان‌العلما، در خراسانِ بزرگ عالمی برجسته و صاحب نفوذ بود. اما چون با سلطان محمد خوارزم‌شاه موافق نبود؛ با خانواده و نزدیکان به قصد مهاجرت و به نیت سفر حج، از بلخ بیرون آمد. در راه به نیشابور رسیدند و **فریدالدین عطار**



مولوی، با آفرینش اثر عظیم خود «مثنوی»، سبب تحول بزرگی در ادب فارسی و عرفان اسلامی شد.

نیشابوری را ملاقات کردند. در آن زمان، جلال‌الدین محمد ۱۳ سال داشت. عطار کتاب اسرارنامه‌ی خود را به او اهدا کرد و به سلطان‌العلما مژده داد که جلال‌الدین محمد در آینده مرد بزرگی خواهد شد. پس از سفر حج، بهاءالدین ولد در قونیه، از شهرهای آسیای صغیر (ترکیه‌ی امروزی) مقیم شد و به درس و اقامه‌ی نماز جماعت پرداخت. پس از درگذشت او، جلال‌الدین محمد راه پدر را ادامه داد. جلال‌الدین در ۴۰ سالگی، در قونیه با صوفی و عارف شوریده‌ای به نام **شمس تبریزی** روبه‌رو شد. این اتفاق تأثیر عظیمی بر مولوی گذاشت و مسیر زندگی‌اش را عوض کرد و از او شخصیت دیگری به‌وجود آورد. دوره‌ی شعرگویی و غزل‌سرایی مولوی از این زمان آغاز شد. او در بیش‌تر غزل‌هایش به جای نام خود، نام شمس را ذکر کرده است. همین غزل‌هاست که **دیوان شمس تبریزی** را به‌وجود آورده است. در سال‌های آخر عمر مولوی، یکی از مریدانش به نام حسام‌الدین چلبی، از او خواست معارف و دانسته‌هایش را به شعر بیان کند تا بعد از او مریدانش کتابی برای استفاده داشته باشند. مولوی پذیرفت و بدین ترتیب **مثنوی معنوی** پدید آمد. این کتاب از عظیم‌ترین آثار عرفانی در زبان فارسی است و تا امروز ده‌ها پژوهنده و محقق درباره‌ی آن شرح و تفسیر نوشته‌اند. مولوی، که در غرب او را **رومی** می‌نامند، در جهان چهره‌ای شناخته شده است و آثارش در اروپا و آمریکا نیز خوانده می‌شود. از کتاب‌های دیگر او **فیه‌مافیه** و **مکاتیب** است. مولوی در قونیه درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. مزار او از جاذبه‌های زیارتی و گردش‌گری ترکیه است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شمس تبریزی



مونتگُمِری، برنارد

(۱۸۸۶ ـ ۱۹۷۶ م.)

ژنرال انگلیسی در جنگ دوم جهانی

مونتگمری از ژنرال‌های عالی‌رتبه‌ی ارتش بریتانیا در جنگ دوم جهانی بود که به **فاتح اَلعَلَمین** معروف شد. او در جنگ اول جهانی در جبهه‌های بلژیک و فرانسه جنگیده بود. به این سبب، در جنگ دوم به فرماندهی سپاه هشتم متفقین در مصر منصوب شد و با ارتش آلمان، به فرماندهی مارشال رومل، که خود یک اعجوبه‌ی نظامی بود، در العلمین وارد جنگ شد. او توانست



رومل را شکست دهد و از چرچیل، عنوان قهرمانی بگیرد. بعد از آن، مونتگمری با همکاری ژنرال آیزنهاور آمریکایی، نیروهای ارتش‌های آمریکا و انگلستان را در سواحل نورماندی فرانسه پیاده کرد که در شکست نهایی هیتلر بسیار مؤثر بود. یکی از نصایح مونتگمری به دانشجویان خود در دانشگاه نظامی این بود که هرگز برای تسخیر چین به پکن لشکر نکشید؛ زیرا چین، در هر صورت، قوای مهاجم را شکست خواهد داد. مونتگمری در ۸۹ سالگی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آیزنهاور ، رومل ، ژوکف



مونته‌سوری، ماریا

(۱۹۵۲ _ ۱۸۷۰ م.)

نظریه‌پرداز آموزش و پرورش کودکان

در خانواده‌ای مرفّه در ایتالیا به‌دنیا آمد. در زمانی که دختران اجازه‌ی تحصیلات دانشگاهی نداشتند، با وجود مخالفت پدر، با حمایت مادرش به دانشکده‌ی پزشکی رفت. او نخستین دختری بود که در ایتالیا پزشک شد. چون بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی حاضر به استخدام مونته‌سوری نبودند، ناچار شد سرپرستی یکی از مراکز کودکان معلول و بیمار را بپذیرد. او در حین کار در آن مرکز، متوجه برنامه‌های آموزشی و تربیتی کودکان شد و دریافت که فرصت آزاد برای تجربه کردن به آنان داده نمی‌شود. چون علاقه داشت در این زمینه کاری انجام دهد، به دانشگاه بازگشت و در رشته‌ی تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی تحصیل کرد و با الگوها و روش‌های آموزشی آشنا شد و الگوی جدیدی برای آموزش بچه‌ها ارائه داد. مونته‌سوری مراکزی را برای اجرای برنامه‌های خود تأسیس کرد که سبب شد دیدگاه‌هایش در سراسر کشور گسترش یابد و مورد استقبال قرار گیرد. اما چون دیدگاه‌های مونته‌سوری بر آزادی مبتنی بود، دولت فاشیستی موسولینی به او اجازه‌ی فعالیت نداد و به اسپانیا تبعیدش کرد. مدارس او نیز بسته شد. دولت موسولینی بعدها با دعوت رسمی، او را به کشور بازگرداند. با این حال، مونته‌سوری که تحمل حکومت فاشیستی را نداشت، از ایتالیا گریخت. در سال‌های جنگ دوم جهانی، به هلند و سپس به هند رفت و با افکار و اندیشه‌های صلح‌طلبانه‌ی گاندی آشنا شد. در سال‌های آخر عمر، مدال افتخار یونسکو را، به سبب خدمات خود به آموزش، دریافت کرد و در ۸۲ سالگی در کشور هلند درگذشت.



مونگولفیه، ژاک و ژوزف

ژاک (۱۷۹۹_۱۷۴۵م.)

ژوزف (۱۸۱۰_۱۷۴۰م.)

مخترعان بالن

ژاک و ژوزف دو فرزند از ۱۶ فرزند پی‌یر مونگولفیه فرانسوی بودند. پی‌یر مونگولفیه کارخانه‌ی کاغذسازی بزرگ و پررونقی داشت و نیاز مالی فرزندانش را برای کارهای علمی فراهم می‌آورد. ژاک و ژوزف دریافته بودند که اگر هوای داغ در داخل کیسه‌ای جمع شود، کیسه به هوا می‌رود. آنان در آزمایش‌های متعدد خود، یک بار گوسفند، خروس و اردکی را با بالن به هوا فرستادند. بالن ۸ دقیقه در هوا بود و سپس در فاصله‌ی ۳/۲ کیلومتری محل صعود به زمین نشست. این دو برادر سرانجام، در ماه نوامبر سال ۱۷۸۳م. خودشان با بالن بر فراز پاریس به‌هوا برخاستند و ۹ کیلومتر آن‌طرف‌تر فرود آمدند. به پاس این اختراع، برادران مونگولفیه مدال علمی آکادمی فرانسه را دریافت کردند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
لیلیانتال



مهاجرانی، حشمت

(تولد: ۱۳۱۸ ه.ش.)

مربی فوتبال

پس از گرفتن دیپلم در زادگاه خود، مشهد، به تهران رفت و دانشجوی دانشگاه پلیس شد. او، که از بازیکنان تیم منتخب مشهد بود، در تهران بازی را در باشگاه تاج ادامه داد و خود نیز با همکاری چند تن از بازیکنان، باشگاه پاس را تأسیس کرد. او خیلی زود بازی را کنار گذاشت و به



سراغ آموزش مربی‌گری در خارج کشور رفت و در بازگشت، مربی تیم ملی شد. در این دوره، عملکردی عالی از خود نشان داد. قهرمانی جام ملت‌های آسیا (۱۹۷۶)، راه‌یابی به المپیک مونترال و صعود به مرحله‌ی دوم آن، راه‌یابی به جام جهانی برای اولین بار (۱۹۷۴) از دست‌آوردهای مهاجرانی در سِمت مربی تیم ملی است.



مهدوی، یحیی

(۱۲۸۷ ـ ۱۳۷۹ هـ.ش.)

استاد ممتاز فلسفه

فرزند حاج حسین‌آقا امین‌الضّرب، بازرگان صاحب‌نامِ مشروطه‌خواه، بود. در تهران متولد شد. در کودکی از تربیت و تحصیلات شایسته برخوردار شد. در دارالمعلمین عالی ادبیات و فلسفه خواند. سپس به فرانسه رفت و تحصیلات خود را ادامه داد. مهدوی حدود ۳۲ سال استاد فلسفه‌ی دانشگاه تهران بود و دوره‌ی دکتری فلسفه را در این دانشگاه تأسیس کرد. بسیاری از استادان کنونی و برجسته‌ی فلسفه، شاگردان او بوده‌اند. مهدوی مردی دانشمند، معلم، استاد و صاحب فضایل و سجایای اخلاقی بسیار بود. حقوق خود و حتی ثروت خانوادگی‌اش را صرف انتشار آثار و کتاب‌های دانشگاهی و خدمات فرهنگی کرد. او کسی است که برای اولین بار، اسنادی از زندگی سیدجمال‌الدین اسدآبادی را، که در خانه‌ی پدری او باقی‌مانده بود، سخاوت‌مندانه در اختیار سیدمحمد محیط طباطبایی پژوهشگر معاصر گذاشت. محیط نیز در تألیف کتاب نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، از آن‌ها استفاده کرد. دکتر مهدوی ۹۲ سال عمر کرد و به وصیّت خودش در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد. تألیفات و ترجمه‌هایی از او باقی‌مانده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اسدآبادی ، امین‌الضّرب ، محیط طباطبایی



مهدوی کنی، محمدرضا

(تولد: ۱۳۱۰ هـ.ش.)

بنیان‌گذار دانشگاه امام‌صادق(ع)

در روستای کن، در شمال غربی تهران، به‌دنیا آمد. پس از طی دوره‌ی ابتدایی راهی تهران شد. نخست در مدرسه‌ی سپهسالار و سپس در مدرسه‌ی لرزاده به تحصیل پرداخت. در این مدت، علاوه بر آموزش طلبگی، از سرپرستی مربّیان جدی و منضبطی برخوردار بود که در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر داشتند. مهدوی‌کنی در سال ۱۳۲۸ به قم رفت و از محضر آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی، گلپایگانی و... بهره برد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. به تهران بازگشت و امامت مسجد جلیلی را در خیابان ایرانشهر به‌عهده گرفت و در مدرسه‌ی مروی نیز به تدریس برای طلاب و دانشجویان علوم دینی مشغول شد. در نهضت امام خمینی، از فعّالان بود و طی سال‌ها فعالیت در تهران، با آقایان بهشتی، مطهری، فلسفی و... در مبارزه‌های اسلامی هم‌گام بود. در تأسیس **جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران** هم نقش مهمی ایفا کرد. به همین سبب، دورانی از تعقیب، تهدید، تبعید، حبس و شکنجه‌های سخت را تحمل کرد و در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد. مهدوی‌کنی از اعضای شورای انقلاب و منصوب امام خمینی بود و سال‌ها دبیرکلی جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران را به‌عهده داشت. کار بزرگ آیت‌الله مهدوی‌کنی، تأسیس **دانشگاه امام‌صادق(ع)** در تهران است. او این دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ هـ.ش. با هدف پرورش نیروهای انسانی مؤمن، متعهد و متخصص تأسیس کرد و خود ریاست آن را به‌عهده گرفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
بهشتی ، فلسفی ، مطهری



مهدوی‌کیا، مهدی

(تولد: ۱۳۵۶هـ.ش.)

فوتبالیست

در تهران متولد شد. بازی را از باشگاه بانک ملی شروع کرد. سپس به تیم پیروزی پیوست. مهدوی‌کیا در تیم ملی ایران نیز کارنامه‌ی درخشانی دارد و همواره یکی از مهره‌های کلیدی تیم ملی محسوب شده است. دو بار مقام سومی جام ملت‌های آسیا (۲۰۰۴ و ۱۹۹۶)، قهرمان بازی‌های آسیایی (۱۹۹۸) و حضور در جام‌های جهانی



مهدوی‌کیا، با گشودن دروازه‌ی آمریکا در جام جهانی (۱۹۹۸) خاطره‌ی خوبی از خود در ذهن‌های مردم ایران به‌جا گذاشت.

فرانسه (۱۹۹۸) و فرانسه (۲۰۰۶) کارنامه‌ی او را پربار کرده است. مهدوی‌کیا در جام جهانی ۱۹۹۸، با گشودن دروازه‌ی آمریکا برای بار دوم، خاطره‌ی خوبی برای دوست‌داران فوتبال ایران بر جای گذاشت. مهدوی‌کیا بازیکن برتر قاره‌ی آسیا در سال ۲۰۰۴ بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دایی ، عزیزی

مهدی(ع)، امام

(تولد: ۱۵ شعبان ۲۵۵ ه.ق.)
دوازدهمین امام شیعیان

آن حضرت فرزند امام حسن عسکری(ع) و هم‌نام پیامبر اسلام است. ولی شیعیان او را مَهدی و امام زمان می‌خوانند. مادرش نرجس نام داشت و نجیب‌زاده‌ای رومی بود که در پی فتوحات مسلمانان در روم شرقی، به اسلام گرویده بود. ماجرای همسرگزینی امام عسکری(ع)، دوران بارداری حضرت نرجس و تولد فرزندش مهدی و سپس غیبت او، از روی‌دادهای خاص تاریخ شیعه است که درباره‌ی آن روایاتی از قبل وجود داشته است. امام زمان(ع) ۵ سال داشت که پدرش، امام عسکری(ع)، درگذشت. مهدی(ع)، در همان سن کودکی، بر جنازه‌ی پدر خود نماز خواند و از آن پس، به مشیّت الهی از نظرها، غایب شد. از آن پس، رابطه‌ی امام زمان(ع) با شیعیان در هر دوره‌ای از طریق یک نماینده صورت می‌گرفت که به او **نایب خاص** می‌گفتند. چهار نایب خاص به ترتیب یکی پس از دیگری این مسئولیت را به‌عهده گرفتند تا دوره‌ی غیبت صغری پایان یافت (۳۲۹ ه.ق.) و دوره‌ی غیبت کبری آغاز شد که هنوز ادامه دارد؛ تا روزی که به تقدیر خداوند، آن حضرت ظهور کند و عدل و داد را در جهان بگستراند. طبق احادیث شیعه، امام زمان(ع) قبل از شروع غیبت کبری، به آخرین نایب خود فرموده است که در عصر


▲ «او می‌آید» اثر استاد فرشچیان

غیبت کبری شیعیان باید برای یافتن پاسخ یا حل حوادث و مسائلی که برایشان پیش می‌آید، به **راویان حدیث ما** مراجعه کنند که منظور فقها و عالمان طراز اول شیعه هستند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حسن عسکری(ع) ، نوّاب اربعه



مهرجویی، داریوش

(تولد: ۱۳۱۸ ه.ش.)
کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

در تهران زاده شد. در آمریکا در رشته‌ی سینما و فلسفه تحصیل کرد. او آثار

▼ داریوش مهرجویی در فیلم‌سازی چهره‌ای جهانی است.



سینمایی‌اش را بیش‌تر بر اساس رُمان‌ها و نمایش‌نامه‌های ایرانی و خارجی تهیه می‌کند. مهرجویی با **فیلم گاو** (۱۳۴۸)، که بر اساس اثری از غلام‌حسین ساعدی به نام عزاداران بَیَل ساخت، مشهور شد. این فیلم، که برای مهرجویی اعتبار داخلی و بین‌المللی کسب کرد، نقطه‌ی عطفی در تاریخ سینمای ایران به‌شمار می‌رود. مهرجویی تاکنون نزدیک به ۵۰ جایزه‌ی داخلی و خارجی کسب کرده است. از فیلم‌های دیگر او **الماس ۳۳**، **هامون**، **سارا**، **لیلا**، **درخت گلابی**، **بانو**، **میکس**، **میهمان مامان** و **سنتوری** است. داریوش مهرجویی عضو پیوسته‌ی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
انتظامی ، ساعدی ، نصیریان



مهرداد اول

(فوت: ۱۳۸ ق.م.)
پادشاه اشکانی (اشک ششم)

سرسلسله‌ی پارتیان مردی به نام اَرَشک بود، از این‌رو، به هر یک از شاهان این سلسله، اشک و به همه‌ی پارتیان، اشکانیان گفته می‌شود. مهرداد اول اشک ششم از پادشاهان برجسته‌ی این سلسله است و به او مهرداد کبیر نیز گفته‌اند. مهرداد را برادرش، فرهاد اول، به جانشینی خود انتخاب کرد. او قلمرو دولت ایران را گسترش داد؛ مرو را در شمال شرقی و ایالت ماد را در غرب ایران تسخیر کرد و در بابِل و سلوکیه نیز دمتریوس پادشاه سلوکی را، که از جانشینان اسکندر بود، اسیر کرد. در پی این واقعه، سلسله‌ی سلوکیان منقرض و ایران، همسایه و رقیب دولت روم شد. مهرداد در بابِل تاج‌گذاری کرد و مانند هخامنشیان، لقب شاهنشاه گرفت. مدت سلطنت او ۳۷ سال بود.



میرباقری، داوود

(تولد: ۱۳۳۷هـ.ش.)

کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس

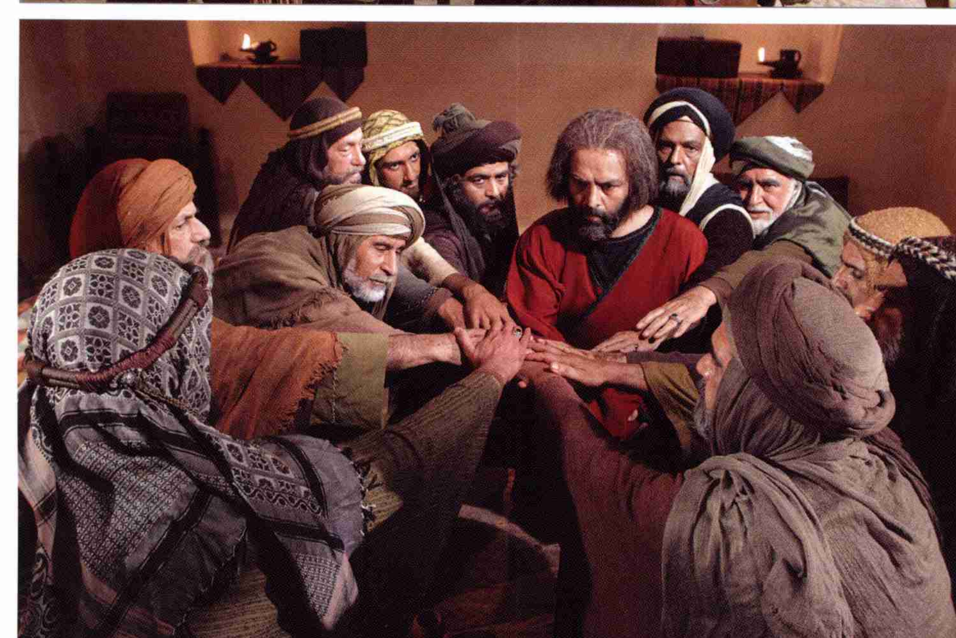
میرباقری در شاهرود متولد شد. مدرک مهندسی معدن را از دانشگاه امیرکبیر تهران گرفت؛ ولی به فعالیت‌های هنری روی آورد. نخستین کار برجسته‌ی سینمایی‌اش، فیلم کمدی ـ اجتماعی **آدم برفی**، در سال ۱۳۷۳ بر پرده آمد که خود اتفاقی جدید در سینمای روز بود.

میرباقری در سه عرصه‌ی تئاتر، سینما و تلویزیون فعالیت، و آثاری عرضه کرده است. مجموعه‌ی تلویزیونی **امام علی**(ع)، کار برجسته‌ی اوست. **حکایت مسافر گمنام**، **گرگ‌ها** و **رعنا** نیز دیگر مجموعه‌های او هستند. در تئاتر نیز نمایش‌های **معرکه در مراکش**، **عشق‌آباد**، **دندون طلا** و **پرده‌ی عاشقی** را بر صحنه برده است. مجموعه‌ی تلویزیونی **قیام مختار** از دیگر آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
مختار ثقفی

صحنه‌هایی از مجموعه‌ی تلویزیونی مختارنامه به کارگردانی داوود میرباقری







میرخانی، سید حسین و سید حسن

سیدحسین (۱۳۶۱ـ۱۲۸۶هـ.ش.)

سیدحسن (۱۳۶۹ـ۱۲۹۱هـ.ش.)

خوش‌نویس

برادران میرخانی دو فرزند سید مرتضی بَرَغانی، خوش‌نویس برجسته‌ی عصر قاجار بودند و این هنر را از پدر آموختند. سید حسین بسیار زود به جرگه‌ی خوش‌نویسان درآمد. او در نوشتن خط نستعلیق مهارت داشت و نخستین کسی است که قرآن کریم را به خط نستعلیق نوشته است. میرخانی کلاس‌های آزاد خط تشکیل داده بود که در آن‌ها شاگردان بسیاری تربیت شدند و بعضی به مرتبه‌ی استادی رسیدند. این استاد خط، به سبب اشتغال به آموزش، کمتر مجال کتابت می‌یافت؛ با این حال به جز کتابت قرآن، انجمن خوش‌نویسان ایران را نیز پایه‌گذاری کرد که در گسترش هنر خوش‌نویسی در ایران تأثیر بسزایی داشت. استاد حسن میرخانی نیز از استادان برجسته‌ی خوش‌نویسی است. اصول مقدماتی خوش‌نویسی را نزد پدر آموخت و نه تنها در نستعلیق، که در خط‌های نسخ، ثلث، تعلیق و شکسته نیز مهارت یافت. او اهل ادب و عرفان بود و مجموعه اشعارش را با نام **دیوان بنده** به خط نستعلیق نوشت. شعرهای او دارای مضامین عالی عرفانی است. سیدحسن میرخانی **کلیات سعدی**، **مثنوی مولوی**، **خمسه‌ی نظامی**، **دیوان حافظ**، **ترانه‌های باباطاهر**، مجموعه‌ی **هنر خط** و **نگارستان خط** را از خود به یادگار نهاده است. سیدحسین میرخانی در ۷۵ سالگی درگذشت و سیدحسن نیز پس از او، در ۷۸ سالگی جهان را بدرود گفت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
کلهر



میرداماد

(۱۰۴۱ه.ق.)

حکیم الهی و عالم عصر صفوی

فرزند میرشمس‌الدین محمد استرآبادی از سادات حسینی استرآباد (گرگان امروز) بود. میر شمس‌الدین با دختر عالم بزرگ، محقق کَرَکی، ازدواج کرده و به داماد مشهور شده بود. همین لقب بعد از وی به فرزندش رسید. میرداماد تحصیلات خود را در علوم عقلی و نقلی در شهرهای مشهد، قزوین، کاشان و اصفهان تکمیل کرد. او از بزرگ‌ترین حکیمان عصر صفوی بود و شاگردی چون ملاصدرا تربیت کرد. بیش از ۵۲ کتاب و رساله به میرداماد نسبت می‌دهند که تعدادی از آن‌ها موجود نیست. از آثار مشهور او **قبسات**، **مشرق‌الانوار** و **شرح صحیفه‌ی سجادیه** است. میرداماد در نجف درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

شیخ بهایی ، ملاصدرا



میرزاده عشقی، محمدرضا

(۱۳۰۳ ـ ۱۲۷۱ه.ش.)

شاعر انقلابی عصر مشروطه

اهل همدان بود. آموزش‌های اولیه را در مدارس تهران دید و با توجه به روی‌دادهای نهضت مشروطه خیلی زود به مسائل اجتماعی و سیاسی وارد شد. از آن‌جا که قدرت شاعری داشت، به دنیای ادبیات و روزنامه‌نگاری روی آورد. عشقی مدتی در تهران، در تجارت‌خانه‌ای، به شغل مترجمی زبان فرانسوی مشغول شد. سپس به همدان بازگشت و روزنامه‌ای به نام **نامه‌های عشقی** در چند شماره منتشر کرد. سپس به استانبول (عثمانی) رفت تا در آن‌جا تحصیل کند، ولی تحصیل خود را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت. بر سر راه، در عراق، از ویرانه‌های کاخ مدائن دیدن کرد و شعر **اُپرای رستاخیز شهریاران ایران** را سرود که بازتاب مثبتی داشت. عشقی در اثر شور جوانی، عقاید و نیّات خود را زود آشکار می‌کرد. با قرارداد ۱۹۱۹ که وثوق‌الدوله مبتکر و عاقد آن بود و نیز با جمهوری رضاخانی، که رضاشاه آن را مطرح ساخته بود، شدیداً مخالفت می‌کرد و البته در هر دو موضوع با سیدحسن مدرس و جمعی دیگر از آزادی‌خواهان هم‌آوا بود. عشقی چند اثر ماندگار دارد که **شعر تابلوی مریم** و **کفن سیاه**، که در دفاع از حقوق زنان سروده، از آن جمله است. این شاعر پرشور در ۳۲ سالگی به دست افراد ناشناسی هدف گلوله قرار گرفت و به قتل رسید و در ابن‌بابویه شهرری به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

عارف قزوینی ، وثوق‌الدّوله



میرزا عبدالله

(۱۲۹۶ ـ ۱۲۲۲ه.ش.)

آهنگ‌ساز دوره‌ی قاجار

میرزاعبدالله فرزند آقا علی‌اکبر فراهانی از نوازندگان بی‌رقیب دوره‌ی قاجار بود. به‌طور کلی در این خاندان، نوازندگان چیره‌دستی پیدا شدند که آقاحسین قلی، برادر میرزا عبدالله، و احمد عبادی فرزند او، دو تن از آنان‌اند. میرزا عبدالله دستگاه‌های موسیقی ایرانی را مورد تجدید نظر قرار داد و با ادغام بعضی از آن‌ها، ۷ دستگاه مستقل پدید آورد که به **ردیف میرزاعبدالله** مشهور است. از او نقل شده است که: «موسیقی ایرانی یک موسیقی معنوی است و تا شخصی به عالم معنا راه نیابد، نمی‌تواند از آن چیزی بیاموزد.» میرزاعبدالله مردی بخشنده، دانش‌دوست، شاگردپرور و مهربان بود.



میرزا کوچك‌خان جنگلی

(۱۳۰۰ ـ ۱۲۵۹ه.ش.)

رهبر نهضت جنگل

نامش یونس بود و در رشت متولد شد. چون پدرش را میرزا بزرگ می‌نامیدند، او را میرزا کوچک دادند. میرزا در مدارس طلبگی تحصیل کرد و طلبه شد. مردی دین‌دار بود و مجمع روحانیان را با هدف اتحاد اسلام تشکیل داد. در نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان همراه شد و در فتح تهران، همراه مجاهدان گیلان بود. در پی نابسامانی‌های پس از مشروطه و نیز جنگ اول جهانی و ضعف دولت مرکزی، میرزا در رشت حکومت خودمختار تشکیل داد و به مخالفت با دولت مرکزی برخاست. او در این راه، از حمایت مردم گیلان برخوردار شد و دولت انقلابی شوروی هم، به رهبری لنین، از او پشتیبانی کرد. اما به دنبال کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹، دولت مرکزی نیرویی را به فرمان‌دهی رضاخان سردار سپه، مأمور جنگ با نیروهای جنگل کرد. در همان زمان، دولت شوروی نیز حمایت خود را از نهضت قطع کرد که سرانجام به سقوط رشت و فروپاشی نیروهای میرزا کوچک‌خان و شکست نهضت جنگل منجر شد. در پی این شکست، میرزا به داخل جنگل‌های گیلان عقب‌نشینی کرد. اما بر اثر شدت سرما و یخزدگی، جان سپرد. مزار او در سلیمان‌داراب رشت است. از زندگی میرزا و

نهضت جنگل مجموعه‌ی تلویزیونی و فیلم سینمایی ساخته شده است.



میرزا ملکم‌خان

(۱۳۲۶ ـ ۱۲۴۹ هـ.ق.)

چهره‌ی سیاسی ـ فرهنگی عصر قاجار

فرزند میرزا یعقوب ارمنی بود و در جلفای اصفهان زاده شد. میرزا یعقوب ظاهراً مسلمان شده و به مسئولیت‌هایی نیز دست یافته بود. ملکم در ۱۰ سالگی به پاریس رفت و علوم و مهندسی خواند. ۱۹ سال داشت که به ایران برگشت و در مدرسه‌ی دارالفنون معلم و مترجم شد. چون مهندس بود، خط تلگراف بین دارالفنون و کاخ گلستان را برقرار کرد. نخستین بار با اجازه‌ی ناصرالدین‌شاه، محفلی خاص و مخفی به نام **فراموش‌خانه** در تهران تأسیس کرد که شعبه‌ای از فراماسونری بود. عده‌ای از شاه‌زادگان و رجال سرشناس عضو فراموش‌خانه شدند. اما چند سال بعد به دستور شاه، فراموش‌خانه بسته شد و ملکم نیز به عثمانی تبعید گردید. ملکم باسواد، زیرک، خوش‌سخن، نویسنده و در عین حال پول‌دوست و ریاکار بود. از منافع شخصی نمی‌گذشت و در سوءاستفاده از مقام و موقعیت خود برای کسب درآمد شهرت داشت. با وجود این، در انتشار افکار و اندیشه‌های غربی و لزوم برقراری حکومت قانون در ایران، نقش مهمی ایفا کرد. او در لندن **روزنامه‌ی قانون** را منتشر می‌کرد که در ایران خوانندگان علاقه‌مندی داشت. مظفرالدین‌شاه میرزا ملکم‌خان را به وزیر مختاری ایران در رُم (ایتالیا) منصوب کرد و ملکم در همان‌جا درگذشت. از آثار اوست: **مبدأ ترقی**، **شیخ و وزیر** و **کتابچه‌ی غیبی**.

▼ میرزا ملکم‌خان، چهره‌ای مؤثر در آوردن افکار غربی به ایران در عصر قاجار بود.





میرزای شیرازی

(۱۳۱۲ ـ ۱۲۳۰ هـ.ق.)

زعیم شیعه و صاحب فتوای تنباکو

سید میرزا محمدحسن حسینی، مشهور به میرزای شیرازی و معروف به **مجدّد**، یعنی احیاکننده‌ی اسلام است. در شیراز به‌دنیا آمد. در خردسالی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی دایی‌اش به نام مَجدُالاشراف قرار گرفت. میرزا استعدادی فوق‌العاده داشت. در اصفهان، قبل از ۲۰ سالگی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. او در همان شهر، حدود ۱۰ سال، به تدریس مشغول شد. سپس به نجف رفت و از شاگردان دو عالم مشهور نجف، محمدحسن صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری شد. پس از درگذشت شیخِ انصاری، میرزای شیرازی حوزه‌ی درس خود را از نجف به سامرا انتقال داد و عهده‌دار مرجعیت دینی شد. شاگردان بسیاری تربیت کرد که عده‌ای از آن‌ها از علمای بزرگ بعدی شدند. عالمانی مثل آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، سید اسماعیل صدر، میرزا محمدحسین نایینی، میرزاحبیب‌الله رشتی، شیخ فضل‌الله نوری و سیدحسن مدرس از شاگردان او بودند. میرزای شیرازی به مرتبه‌ی زعامت شیعه رسید. زعیم یعنی عالمی که عمل به حکمش بر همه، حتی بر مجتهدان، واجب است. از این‌رو وقتی ماجرای رژی پیش آمد و دولت ایران خرید و فروش انحصاری تنباکو را به کمپانی انگلیسی داد، حکم صادره از جانب میرزا مبنی بر حرام بودن استعمال دخانیات، چنان با استقبال مردم و علما روبه‌رو شد که ناصرالدین شاه چاره‌ای جز فسخ قرارداد ندید. این واقعه، قدرت و نفوذ روحانیت در جامعه‌ی ایران را بیش از پیش آشکار ساخت. میرزای شیرازی در سامرا درگذشت و در نجف در حرم امیرالمؤمنین علی﷣ به خاک سپرده شد.

● همچنین نگاه کنید به:

آخوند خراسانی ، نوری (شیخ فضل‌الله)



میرعماد حسنی

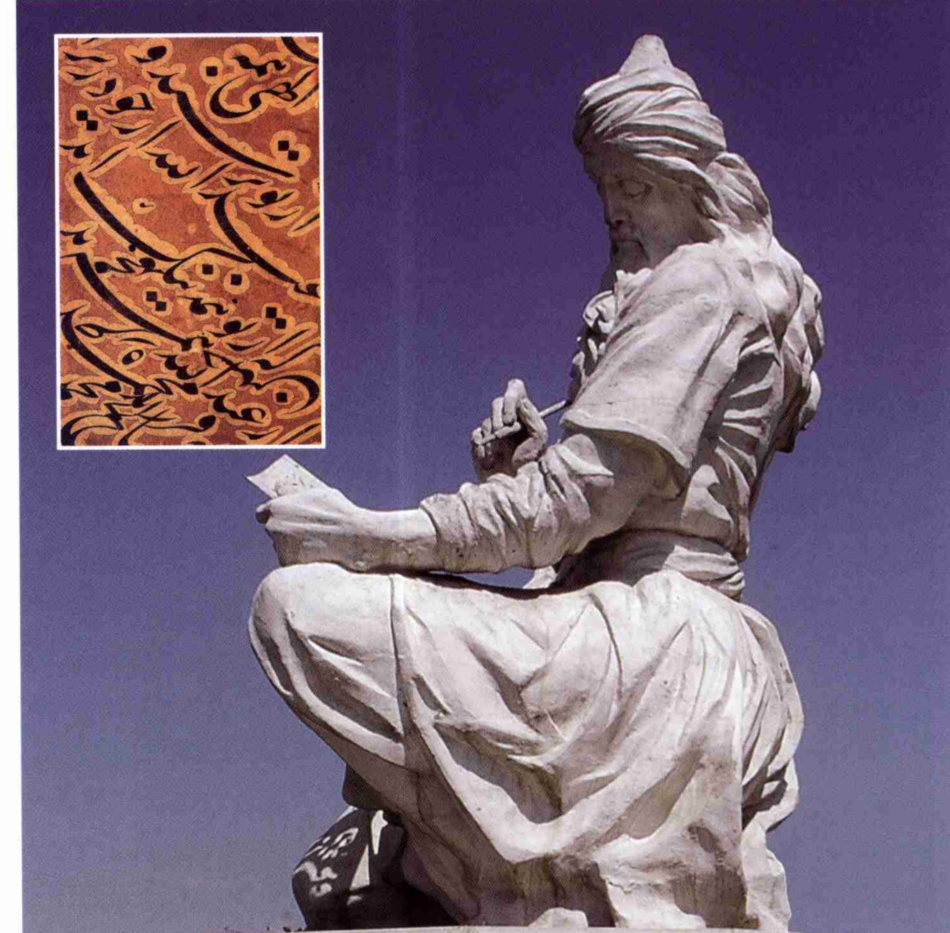
(۱۰۲۴ ـ ۹۶۱ هـ.ق.)

خوش‌نویس ممتاز عصر صفوی

میرعماد از استادان برجسته‌ی خط نستعلیق در عصر صفوی و پس از آن است. در قزوین متولد شد. پس از سفر به تبریز و عثمانی و سپس زیارتِ خانه‌ی کعبه، به اصفهان رفت و در این شهر ساکن شد. شاگردان برجسته‌ای تربیت کرد و سرانجام در اثر بدگویی دیگران، به دستور شاه‌عباس به طرز فجیعی کشته و در همین شهر دفن شد. مردی بلندنظر و آزاده بود و به امور دنیا اعتنا نداشت. او خط نستعلیق را به پایه‌ای از کمال و زیبایی رساند که تا به حال کم‌تر کسی به آن دست یافته است. نوشته‌ها و کتاب‌هایی از او باقی است.

● همچنین نگاه کنید به:

طالقانی (درویش عبدالمجید) ، کلهر



▲ مجسمه‌ای از میرعماد، خوشنویس بزرگ عصر صفوی.

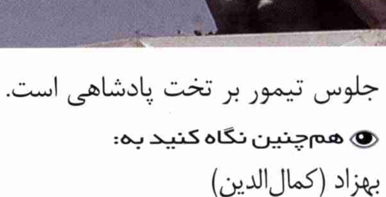


میرک، روح‌الله

(قرن نهم هجری)

نگارگر عصر تیموری

میرک نگارگری است که روش گرفت‌وگیر را در نقاشی مینیاتور ابداع کرد. گرفت‌وگیر به معنای به‌تصویر درآوردن صحنه‌ی مبارزه‌ی حیوانات با هم است. این نگارگر در عصر تیموریان و در دستگاه امیر علیشیر نوایی و وزیر دانشمندش، سلطان حسین بایقرا، کار می‌کرد و سرپرستی کتاب‌خانه‌ی شاهی را به‌عهده داشت. **کمال‌الدین بهزاد** تحت حمایت و آموزش‌های میرک رشد کرد و به یکی از هنرمندان برجسته‌ی آن عصر تبدیل شد. از آثار باقی‌مانده از میرک یکی نشان دادن تصویر خسرو به شیرین و دیگری جلوس تیمور بر تخت پادشاهی است.



هم‌چنین نگاه کنید به:

بهزاد (کمال‌الدین)



میرکیانی، محمد

(تولد: ۱۳۳۷ ه.ش.)

قصه‌نویس کودک و نوجوان

در تهران به‌دنیا آمد و تحصیلات خود را در همین شهر گذراند. هم‌زمان با تحصیل، به کار پرداخت. چندی در چاپ‌خانه به حروف‌چینی اشتغال داشت. سپس به مطالعه، نوشتن و فعالیت‌های فرهنگی روی آورد. ابتدا نمایش‌نامه‌هایی می‌نوشت که در مدرسه‌ها اجرا می‌شد. سپس به رادیو رفت و از سال ۶۰ برای برنامه‌های **قصه‌ی ظهر جمعه** به نوشتن داستان پرداخت. میرکیانی نویسنده‌ای است که بیش‌ترین مجموعه‌ی قصه را برای کودکان و نوجوانان نوشته است. از کارهای برجسته‌ی او مجموعه‌ی ۵ جلدی **قصه‌ی ما همین بود**، است که به زبان اردو نیز در پاکستان چاپ شده است. دو کتاب او به نام‌های **پاپر** و **روزی بود و روزی نبود** از سوی مرکز بین‌المللی مونیخ آلمان در فهرست کتاب‌های مناسب معرفی شده است. از دیگر آثار اوست: **قصه‌ی ما مَثَل شد، پند و قند، قصه‌های شب چله، قصه‌های خوب ما** و کتابی پژوهشی در زمینه‌ی ادبیات عامیانه به نام **راز مَثَل‌های ما**. قصه‌ی ما مثل شد به‌عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی (۱۳۸۶) برگزیده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

آذریزدی ، سرشار



میرمُهنّا

(سده‌ی ۱۲ هجری)

مبارز ضداستعمار

فرزند میرناصر وغایی، حاکم بندر ریگ، بود و در زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در آن زمان، کمپانی هند شرقی، که متعلّق به هلندی‌ها بود، جزیره‌ی خارک را برای امور بازرگانی و نظامی از میرناصر، اجاره کرده بود. ولی اجاره‌ی آن را نمی‌پرداخت و از این جزیره به سایر مناطق خلیج فارس نیز دست‌درازی می‌کرد. در پی این وضع، میرمهنّا جزیره‌ی کوچک خارکو را پایگاه خود قرار داد و به خارک حمله برد. او قلعه‌ی نظامی هلندی‌ها را تصرف و آن‌ها را بیرون کرد. با آن‌که این امر موجب خوشحالی کریم‌خان شد، اجازه داد به جای هلندی‌ها، انگلیسی‌ها به جزیره بیایند. اما میرمهنّا انگلیسی‌ها را نیز به سختی شکست داد و کشتی‌های جنگی آن‌ها را به غنیمت گرفت. کریم‌خان هم دستور داد نزدیکانِ میرمهنّا او را دستگیر کنند و تحویل دهند. میرمهنّا، که در بازار خارک غافل‌گیر شده

بود، گریخت و توانست خود را نجات دهد. او خود را به قایقی رساند و قصد داشت به کویت برود؛ ولی باد نامساعد، قایقش را به بصره برد. والی بصره او را دستگیر و به دستور عمرپاشا، حاکم عثمانی بغداد، اعدام کرد. با قتل میرمهنّا، خلیج فارس یکی از مدافعان غیور خود را از دست داد.

همچنین نگاه کنید به:
کریم‌خان زند



میرمیران، هادی

(۱۳۸۵ _ ۱۳۲۳هـ.ش.)

معمار

متولد اصفهان و رتبه‌ی اول معماری دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. درخشش او در مقام یک معمار برجسته، از سال ۱۳۶۷ و هنگامی آغاز شد که با تأسیس شرکت مهندسان مشاور **نقش جهان پارس**، به طراحی پروژه‌های معماری و شهرسازی در مقیاس ملّی روی آورد و از آن پس در ردیف معماران اندیشه‌پرداز در معماری ایران قرار گرفت. از پروژه‌های مهمی که میرمیران در این دوره اجرا کرد، طراحی ساختمان **کانون وکلای دادگستری** (برنده‌ی جایزه‌ی معماری سال ۱۳۸۲)، ساختمان‌های **سرکنسولگری ایران در فرانکفورت، سفارت جمهوری اسلامی ایران در بانکوک، موزه‌ی ملی آب تهران** و طرح احیای **مجموعه‌ی کریم‌خانی** در شیراز است. میرمیران در مسابقه‌های داخلی و خارجی نیز حضور فعالی داشت. طرح **فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی** (رتبه‌ی اول) طرح **کتاب‌خانه‌ی ملی** (رتبه‌ی دوم) و طرح **موزه‌ی تاریخ کالیفرنیا**، که جایزه‌ی نخست آن را دریافت کرد، از کارهای اوست. علاوه بر این‌ها طراحی بنای **وزارت نیرو** در تهران، **سفارت ایتالیا** در تهران، **مرکز هنری سعدآباد** و تعدادی از **ایستگاه‌های مترو**، از پروژه‌های اجرا شده‌ی میرمیران است. او در سال ۱۳۷۹، در نخستین دوره‌ی اعطای نشان معماری ایران که به نام **استاد کریم پیرنیا** نام‌گذاری شده است، اولین نشان را دریافت کرد.

همچنین نگاه کنید به:
پیرنیا



میکل آنژ

(۱۵۶۴ _ ۱۴۷۵ م.)

پیکره‌ساز، نقاش و معمار عصر نوزایی

یکی از مهم‌ترین چهره‌های هنری دوره‌ی نوزایی در اروپا، میکل آنژ و به تلفظ ایتالیایی آن، مایکل آنجلوست. در تاریخ هنر اروپا، کمتر هنرمندی به اندازه‌ی او تأثیرگذار بوده است. ۱۳ سال داشت که برخلاف نظر خانواده‌اش، شاگرد یک نقاش شد و بعدها به مدرسه‌ی مجسمه‌سازی رفت. در شهر فلورانس، شیوه‌ی دیوارنگاری (فِرِسک) را فراگرفت و چندی نیز به مطالعات کالبدشناسی پرداخت. هنگامی که به شهرت رسید، به خدمت خاندان مشهور و هنرپرور **مِدیچی** درآمد و مأمور شد بنای آرامگاه یولیوس دوم را طراحی و اجرا کند. در همین زمان پیکره‌ی مشهور و بی‌نظیر حضرت موسی(ع) را ساخت. در سال ۱۵۰۸ دست به کار نقاشی سقف **نمازخانه‌ی سیستین** در واتیکان شد. این کار عظیم شامل نقاشی ۳۰۰ اندام انسانی بود و چهار سال طول کشید. پیکره‌های **داوود**(ع) و **باکره‌ی داغ‌دار** نیز از آثار او هستند. عده‌ای از صاحب‌نظران، میکل آنژ را برترین هنرمند هزاره‌ی دوم میلادی نامیده‌اند.



مجسمه‌ی موسی، اثر میکل آنژ

همچنین نگاه کنید به:
داوینچی ، رافائل



میلانی، تهمینه

(تولد: ۱۳۳۹هـ.ش.)

کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس

در تبریز به‌دنیا آمد؛ ولی دیپلم خود را در تهران گرفت. در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه علم و صنعت، کارشناسی معماری گرفت و مدتی در این رشته مشغول به کار شد؛ ولی علاقه به سینما سبب شد در سال ۱۳۶۲، با سِمت مدیرعاملی آرتافیلم، به نوشتن فیلم‌نامه بپردازد. طی چند سال کار و فعالیت، فیلم‌نامه‌های **بچه‌های طلاق، دیگه چه خبر، افسانه‌ی آه، کاکادو** و **کوچ** را نوشت که همه به فیلم تبدیل شد. در جشنواره‌ی فیلم فجر ۱۳۶۸، بچه‌های طلاق بهترین فیلم شناخته شد و فیلم دیگه چه خبر نیز لوح تقدیر گرفت. نگاه تهمینه میلانی به زن، جانب‌دارانه است و اصولاً شخصیت‌های فیلم‌های او را بیش‌تر زنان تشکیل می‌دهند. از آثار دیگرش **دو زن، نیمه‌ی پنهان، واکنش**

پنجم و **آتش‌بس** را باید نام برد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
شیهد ثالث ، کیمیایی



میلانی، سیدمحمدهادی

(۱۳۵۳ ـ ۱۲۷۴ هـ.ش.)
فقیه و مرجع‌تقلید مبارز

خاندان او از سادات مهاجر به آذربایجان بودند و در شهر میلان، نزدیک تبریز، مقیم شده بودند. ولی او در نجف متولد شد. در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، نزد استادانی مانند سیدابوالحسن اصفهانی و میرزای نایینی درس خواند و به مقام اجتهاد رسید. آیت‌الله میلانی از هنگامی‌که برای زیارت مرقد حضرت رضا﷤ به مشهد رفت، در این شهر ساکن شد. او با حضور خود بر رونق حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد افزود و موجب شکوفایی آن گردید. در ماجرای نهضت ۱۵ خرداد و قیام امام خمینی نیز از نهضت پشتیبانی کرد. به این سبب، به پشتوانه‌ای قوی برای مؤمنان و مبارزان، حتی مبارزان دانشگاهی و روشن‌فکر تبدیل شد. آیت‌الله میلانی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا﷤ به خاک سپرده شد. او آثار علمی متعددی دارد که از آن میان می‌توان به ۹ جلد کتاب درباره‌ی ائمه‌ی اطهار﷈ اشاره کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اصفهانی (سید ابوالحسن) ، جعفری ، تبریزی ، شریعتی (محمدتقی)



مینوی، مجتبی

(۱۳۵۵ ـ ۱۲۸۲هـ.ش.)
پژوهشگر تاریخ، زبان و ادب فارسی

در تهران به‌دنیا آمد. پدرش، شیخ عیسی شریعتمداری، روحانی و اهل علم و کتاب بود که چند سالی را در سامرای عراق گذراند. کودکی مجتبی مینوی هم تا ۹ سالگی در سامرا گذشت. مینوی از دارالمعلمین عالی (دانش‌سرای عالی بعدی) دیپلم گرفت و معلم شد. به انگلستان رفت و حدود ۱۵ سال در خارج از کشور به‌سر برد. در آن‌جا با روش تحقیق علمی آشنا شد و زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت. به تهران بازگشت و به تدریس، مطالعه و تحقیق مشغول شد. مینوی پژوهشگری جدّی، آزادفکر و در ابراز نظر علمی، بی‌پروا بود. از این‌رو، او را **پژوهشگر ستیهنده** می‌گفتند. مطالعات وسیعی در زمینه‌ی ایران و اسلام داشت و آثار فراوانی در این زمینه منتشر کرد. از میان خدمات مینوی دو کار او جلوه‌ی بیش‌تری دارد. یکی از این خدمات، جست‌وجو در کتاب‌خانه‌های ترکیه بود. او توانست با بررسی بیش از ۱۵ هزار نسخه‌ی خطی در آن کشور، نسخه‌های بسیاری را انتخاب کند و میکروفیلم آن‌ها را برای کتاب‌خانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران بفرستد. خدمت دیگر مینوی، به‌وجود آوردن کتاب‌خانه‌ای شخصی است که یکی از مهم‌ترین کتاب‌خانه‌های شخصی قرن اخیر ایران است. این کتاب‌خانه برای تحقیقات ایرانی و اسلامی، مجموعه‌ای بی‌نظیر است و مینوی کتاب‌های آن را طی ۵۰ سال، به تدریج جمع‌آوری کرد. نشریات و مجله‌های این کتاب‌خانه بیش از ۱۵ هزار جلد است. مینوی در سال‌های آخر عمر، کتاب‌خانه‌اش را به بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی اهدا کرد. **تصحیح شاهنامه‌ی فردوسی**، **تصحیح سیاست‌نامه**، **آزادی و آزادفکری**، **داستان‌ها و قصه‌ها**، و **نقد حال** از آثار اوست. مینوی در تهران بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اقبال آشتیانی ، شهیدی ، محقق



ناجی‌العَلی

(۱۹۸۷ ـ ۱۹۳۶)
هنرمند کاریکاتوریست فلسطینی

ناجی سلیم‌حسین‌العلی معروف به ناجی‌العلی، در روستای الشّجره، نزدیک شهر ناصره در فلسطین، در خانواده‌ای کشاورز و تهی‌دست زاده شد. در سال ۱۹۴۷، که فلسطین اشغال و اسرائیل تأسیس شد، خانواده‌ی او و دیگر اهالی روستا آواره شدند. آنان به جنوب لبنان مهاجرت کردند و سرانجام در اردوگاه عین‌الحُلوه ساکن شدند. ناجی در همان جا در هنرستانی دیپلم مکانیک گرفت. استعداد و توانایی هنری ناجی سبب شد عضو فرهنگستان هنرهای بیروت شود. ولی به سبب وضعیت بد امنیتی بیروت، به شهر صور رفت و در دانشکده‌ی جعفری آن‌جا مدرّس نقاشی شد. در سال ۱۹۶۳، در ۲۷ سالگی به کویت رفت و در مقام طرّاح، کاریکاتوریست، کارگردان فنّی و نویسنده در **مجلّه‌ی الطّلیعه** به کار پرداخت. او برای روزنامه‌های **السّیاسه** و **الوطن** کویت و **السّفیر** لبنان نیز کار می‌کرد. طرح‌های سیاسی بسیار زیبای ناجی درباره‌ی اشغال‌گران فلسطین، مردم فلسطین و شیوخ مرتجع

▼ حنظله، نام کودکی است که در همه‌ی آثار ناجی‌العلی حضور دارد.

عرب، او را مشهور ساخت. به‌ویژه تصویر کوچک طفل فلسطینیِ معصومی به نام **حنظله** که در پای کارهایش می‌گذاشت، تأثر هر خواننده‌ای را برمی‌انگیخت. ناجی‌العلی سرانجام به لندن رفت و در روزنامه‌ی **القبس** به‌کار پرداخت. اما ۱۰ سال بعد، عوامل موساد، او را در لندن به قتل رساندند. از ناجی‌العلی بیش از ۴۰ هزار طرح و کاریکاتور بر جای مانده است.



نادرشاه افشار

(۱۱۶۰ ـ ۱۱۰۰ ه‍.ق.)

بنیان‌گذار سلسله‌ی افشاریه

نامش نادرقلی و از ایل افشار بود. در دره‌گز خراسان متولد شد. در ۱۷ سالگی با مادرش اسیر ازبکان شد. بعد از ۴ سال از دست ازبکان گریخت و به مشهد رفت. چون جوان و جویای نام بود، با ملک محمود سیستانی درافتاد و از این راه شهرت یافت. آن‌گاه به خدمت شاه تهماسب دوم صفوی رسید؛ شاه به نادر لقب تهماسب قلی‌خان داد و او را سردار کل سپاه ایران کرد. در آن زمان، افغان‌ها اصفهان را تصرف کرده بودند و بر پایتخت صفویه فرمان می‌راندند. نادر به جنگ افغان‌ها رفت و آن‌ها را در حوالی اصفهان، به سختی شکست داد. شهر را پس گرفت و حکومت صفویه را احیا کرد. پس از فتح اصفهان، به غرب ایران لشکر کشید و عثمانی‌ها را، که تا آذربایجان و همدان آمده بودند، بیرون راند. سپس تا عمق قفقاز و داغستان نیز پیش رفت و دشمنان ایران را به آن‌سوی مرزها عقب راند. در همین زمان، از فرصت استفاده کرد و با برکنار کردن تهماسب قلی خان و پایان دادن به سلسله‌ی صفویّه، خود را شاه ایران خواند. او در دشت مغان، در حضور سران ولایات ایران، که به آن‌جا فراخوانده شده بودند، تاج‌گذاری کرد. بعد از تاج‌گذاری، باز هم فتوحات خود را ادامه داد و این‌بار به هند لشکر کشید. در هند، محمدشاه گورکانی پادشاه این کشور را شکست داد و با غنیمت‌های بسیاری مانند جواهرات کوه نور، دریای نور و تخت طاووس، به ایران برگشت. نادر پس از بازگشت از هند، برای گوش‌مالی دادن داغستانی‌ها به آن‌جا رفت که یکی از روزها، تیری به سویش پرتاب شد. با آن‌که این تیر به نادر آسیب نرساند، بدخواهان آن را به پسرش، رضاقلی میرزا، نسبت دادند. نادر، رضاقلی میرزا را، که جوانی رشید و شایسته‌ی جانشینی او بود، کور کرد. این کار، اخلاق نادر را تغییر داد و روزبه‌روز خشن‌تر و بی‌رحم‌تر شد تا عاقبت کارش به جنون کشید. سرانجام، عده‌ای از بزرگان



مجسمه‌ی نادر و سربازانش. این مجسمه را که بر بالای آرامگاه نادرشاه در مشهد مستقر کرده‌اند، هنرمند معاصر ابوالحسن صدیقی ساخته است.

ایل‌های افشاریه و قاجاریه، او را کشتند. آرامگاه نادرشاه در مشهد است.



نازک‌الملائکه

(۱۹۲۳ _ ۲۰۰۷م.)

بنیان‌گذار شعر نو عربی

نازک صادق الملائکه، مشهور به نازک‌الملائکه، از شاعران زن مشهور عراقی است. او را از بنیان‌گذاران شعر نو در جهان عرب می‌دانند. در ایران نیز او را از لحاظ ابداع شعر نو، برابر نیما یوشیج می‌دانند و از نظر احساسات شاعرانه، با فروغ فرخزاد مقایسه می‌کنند. در بغداد، در خانواده‌ای فرهنگی و اهل شعر به‌دنیا آمد. در سال ۱۹۷۰م. با به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق، این کشور را به مقصد کویت ترک کرد. سپس با حمله‌ی صدام حسین به کویت، به قاهره در مصر رفت و در همان‌جا درگذشت. شاید می‌توان شعر مشهورش به نام کولیرا (وبا) را نخستین شعر آزاد در ادبیات عرب دانست. **عاشقة‌اللّیل**، نخستین مجموعه شعر نازک‌الملائکه است که در سال ۱۹۴۷ م. چاپ شد.

همچنین نگاه کنید به:

البیّاتی



ناصرالدین شاه

(۱۲۴۷_۱۳۱۳هـ.ق.)

چهارمین پادشاه قاجار

فرزند و ولی‌عهد محمدشاه قاجار بود. در ۱۷ سالگی از تبریز به تهران آمد و تاج‌گذاری کرد. او میرزاتقی‌خان امیرنظام را با لقب **امیرکبیر** به صدراعظمی خود انتخاب کرد. امیرکبیر توانست در مدت کوتاهی اوضاع آشفته‌ی ایران را سر و سامان دهد. اما شاه پس از سه سال او را از کار برکنار و میرزا آقاخان نوری را به جایش منصوب کرد. ناصرالدین‌شاه، شهر هرات افغانستان را، که در اصل قلمرو ایران به‌شمار می‌رفت، فتح و اشغال کرد. اما انگلیسی‌ها بندر بوشهر را تصرف و شاه را مجبور کردند هرات را آزاد کند و استقلال افغانستان را هم به رسمیّت بشناسد. از دیگر وقایع زمان او، سرکوب کردن نهضت بابیه به دست امیرکبیر و نیز عقد قرارداد رویتر با انگلستان بود که میرزاحسین‌خان سپهسالار انجام داد؛ این قرارداد با مخالفت علما روبه‌رو و لغو شد. عقد قرارداد انحصاری کردن خرید و فروش تنباکوی ایران با کمپانی رژی، که با فتوای میرزای شیرازی باطل شد و ظهور سیدجمال‌الدین اسدآبادی، از دیگر روی‌دادهای این دوره است. ناصرالدین‌شاه به اصلاحات در امور کشور علاقه‌مند بود. سه بار به اروپا رفت و از پیش‌رفت‌های دنیای جدید بازدید کرد.



تصویر ناصرالدین شاه،
اثر استاد محمد حسین للّه

دو بار نیز شورای وزیران و مجلس شورای دولتی تشکیل داد تا با استفاده از خرد جمعی، کشور را اداره کند. اما چون خودش مستبد و اطرافیانش نیز غالباً فاسد بودند، اقداماتش چندان مؤثر واقع نشد. با این حال، در زمان او به همت امیرکبیر، آموزش و فرهنگ نسبتاً پیش‌رفت کرد، بر قدرت علما و روحانیان افزوده گشت، روزنامه‌هایی منتشر شد، کتاب‌هایی به چاپ رسید و مدارس جدیدی تأسیس گردید که دارالفنون یکی از آن‌هاست. ناصرالدین‌شاه به شعر و شاعری، نوشتن و نقاشی علاقه داشت و هنرمندانی چون کمال‌الملک را به نقاشی تشویق می‌کرد. در اواخر عمر، بر مخالفانش افزوده شد و سرانجام در پنجاهمین سال سلطنت خود، به‌دست میرزا رضا کرمانی در حرم حضرت عبدالعظیم کشته شد و در همان جا مدفون گردید.

همچنین نگاه کنید به:

اسدآبادی ، امیرکبیر ، سپهسالار



ناصرخسرو قبادیانی

(۳۹۴ _ ۴۸۱ هـ.ق.)

شاعر، جهان‌گرد و حکیم ایرانی

نامش ابومعین ناصرالدین خسرو بود و در قُبادیان بلخ، در خانواده‌ای مرفّه زاده شد. در نوجوانی قرآن را حفظ کرد و با آموختن علوم زمان خویش، جوانی فرهیخته و دانا شد. سپس به کار دبیری در دربار مسعود غزنوی مشغول گردید. سال‌هایی را در خوشی و کامرانی گذراند و به جاه و مال رسید. اما در ۴۰ سالگی خوابی شگفت دید که شخصی به او گفت بهتر است دیگر کامرانی و خوش‌گذرانی را ترک و توبه کند، به حج برود و به اطاعت خدا بپردازد. این خواب باعث شد ناصرخسرو به خود آید و در زندگی خویش تحوّلی ایجاد کند. به این سبب، با برادر کوچک‌تر خود و یک



▲ ناصرخسرو، بخشی از عمر خود را به سیاحت، گذراند و سرانجام به دره‌ی یمکان پناه برد.

غلام، سفری را آغاز کرد که ۷ سال به طول انجامید. ماجراهای این سفر طولانی را بعدها در کتابی به نام **سفرنامه‌ی ناصرخسرو** نوشت. طی این سفرها، ناصرخسرو ۴ بار خانه‌ی خدا را زیارت کرد. سپس به مصر رفت و به مذهب شیعه‌ی اسماعیلی درآمد و از خلیفه‌ی فاطمی مصر لقب **حجّت** گرفت. هنگامی که به خراسان بازگشت، به تبلیغ آیین اسماعیلی پرداخت. اما چون رنج و آزار دید، با خانواده‌اش به دره‌ی یمکان در نزدیکی بلخ رفت، در آن‌جا ساکن شد و به سرودن شعر و نوشتن کتاب پرداخت. او مردی حکیم بود و شعرهایش از بامحتواترین شعرهای زبان فارسی است. کتاب‌های دیگر او عبارت است از **دیوان شعر، زادالمسافرین، وجه دین و روشنایی‌نامه**.



ناظری، شهرام

(تولد: ۱۳۲۸ه.ش.)

استاد آواز

در کرمانشاه در خانواده‌ای اهل هنر و موسیقی به‌دنیا آمد. صدای خوش را از پدرش به ارث برد که با گوشه‌ها و ردیف‌های آواز ایرانی آشنا بود و سه‌تار هم می‌نواخت. *شهرام ناظری، اولین بار در ۹ سالگی* برنامه‌ای در رادیو کرمانشاه و در ۱۱ سالگی نیز چند برنامه در تلویزیون ایران اجرا کرد. از نوجوانی به تهران رفت و هنر خود را با بهره‌گیری از استادانی مانند عبدالله دوامی، نورعلی برومند، محمود کریمی، محمدرضا شجریان، احمد عبادی و جلال ذوالفنون تکمیل کرد. سپس در رادیو و تلویزیون استخدام شد. ناظری در نخستین کنکور موسیقی ایران در سال ۱۳۵۴، رتبه‌ی اول را به‌دست آورد. او علاوه بر تسلط بر موسیقی، با ادبیات عرفانی ایران نیز آشناست و اشعاری از مولانا و سهراب سپهری را با شیفتگی و لحن خاص می‌خواند. آلبوم‌های **چاووش ۲ و ۳، صدای سخن عشق، گل صدبرگ، یادگار دوست، زمستان، آتشی در نیستان، گلستانه و بی‌قرار** از آثار مشهور اوست.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
برومند ، شجریان



ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد

(۱۳۳۷ ـ ۱۲۸۰ ه.ق.)

روحانی و روزنگار وقایع مشروطه

در کرمان به‌دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در همان‌جا آموخت و شرح اشارات بوعلی سینا را نزد میرزا آقاخان کرمانی فراگرفت. سپس راهی تهران شد تا در این شهر، با آموختن حکمت به تحصیل خود ادامه دهد. در تهران در درس‌های میرزا ابوالحسن جلوه، شیخ هادی نجم‌آبادی و سیدمحمد طباطبایی، رهبر بعدی مشروطه، حاضر شد و افکارش روشن شد. به پیشنهاد او سیدمحمد طباطبایی **مدرسه‌ی اسلام** را تأسیس کرد و میرزا محمد کرمانی ناظم آن شد و از آن پس به **ناظم‌الاسلام** معروف گردید. ناظم‌الاسلام بعدها به مشروطه‌خواهان پیوست. کار مهم او در این دوره، نوشتن *خاطرات روزانه‌اش در زمینه‌ی روی‌دادهای* مشروطه است که چند دهه بعد از فوت او، با نام **تاریخ بیداری ایرانیان**، به کوشش سعیدی سیرجانی در ۳ جلد چاپ و منتشر شد. این کتاب یکی از منابع تاریخ مشروطه به‌شمار می‌رود. ناظم‌الاسلام سرانجام به زادگاهش کرمان برگشت و به شغل قضاوت و امامت جماعت مشغول شد. او در بیماری همه‌گیر آنفلوانزای کرمان، که جان بسیاری از مردم را گرفت، درگذشت و در مقبره‌ی سیده‌ی علویه به خاک سپرده شد.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
طباطبایی (سید محمد) ، نجم‌آبادی



نامجو، محمود

(۱۳۶۸ ـ ۱۲۹۵ه.ش.)

وزنه‌بردار

نامجو یکی از چهره‌های درخشان قهرمانی ایران در چند دهه‌ی اخیر است. در رشت متولد شد. در جوانی، قدرت بدنی‌اش چنان بود که سینی‌های مسی را پاره و سنگ‌ها و وزنه‌های سنگین را بلند می‌کرد. نامجو در مدرسه‌ی ورزنده‌ی تهران فنون ورزشی را یاد گرفت و خیلی زود به یکی از چهره‌های درخشان وزنه‌برداری جهان بدل شد. در دهه‌ی ۱۳۲۰، قهرمان بی‌رقیب وزنه‌برداری ایران در رشته‌ی خروس‌وزن (۵۶ کیلوگرم) بود و توانست ۳۲ بار رکوردهای جهان را بالا ببرد. او جمعاً ۱۲ مدال جهانی و آسیایی کسب کرد و آخرین بار در بازی‌های آسیایی توکیو (۱۹۵۸) حضور یافت و به مدال نقره رسید. آخرین مسئولیت نامجو در عرصه‌ی ورزش ایران، ریاست فدراسیون ژیمناستیک در دهه‌ی ۱۳۵۰ بود. او در سال ۱۳۶۸ در پی ابتلا به بیماری سرطان در تهران درگذشت.

👁 **هم‌چنین نگاه کنید به:**
رضازاده ، نصیری



نامجو، موسی

(۱۳۶۱ ـ ۱۳۱۷ هـ.ش.)

وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران

در بندر انزلی به‌دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. پس از دیپلم، برای ادامه‌ی تحصیل وارد دانشکده‌ی افسری شد و در رشته‌ی نقشه‌برداری فارغ‌التحصیل گردید. او افسری شجاع، پاک‌دامن و دارای بینش سیاسی بود. در ضمن انجام دادن وظایف شغلی و رسمی، از مبارزه غافل نبود و با دوستان هم‌راز و همراهش بر ضد رژیم آمریکایی پهلوی، در ارتش فعالیت می‌کرد. نام او در فهرست افسران ناراضی بود و اگر انقلاب اسلامی پیروز نمی‌شد، احتمال دستگیری و اعدامش حتمی بود. نامجو پس از انقلاب در مسئولیت‌هایی مانند عضویت در هیئت علمی دانشکده‌ی افسری، فرمان‌دهی دانشکده‌ی افسری و سرانجام وزارت دفاع دولت شهید باهنر خدمت کرد. در مهر ماه ۱۳۶۱ و پس از عملیات موفقیت‌آمیز ثامن‌الائمه، که موسی نامجو و جمع دیگری از فرمان‌دهان و سربازان به تهران بازمی‌گشتند، هواپیمایشان در نزدیکی تهران سقوط کرد و همه به شهادت رسیدند.

همچنین نگاه کنید به:

جهان آرا ، فکوری ، فلاحی ، کلاهدوز

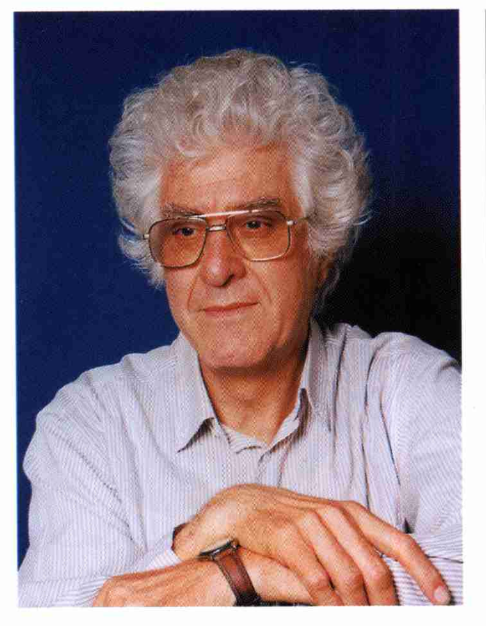


نامی، غلامحسین

(تولد: ۱۳۱۴هـ.ش.)

نقاش

در قم به دنیا آمد. استعداد نقاشی‌اش در کودکی آشکار شد و از ۱۱ سالگی شروع به نقاشی کرد. پس از دیپلم، به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت. در



دوره‌ی دانشجویی در یک مدرسه‌ی ابتدایی معلم نقاشی شد. ارتباط او با عواطف پاک بچه‌ها سبب شد به نور و رنگ‌های شاد تمایل پیدا کند. در سال ۱۳۵۷ به آمریکا رفت و مطالعات خود را در هنر گسترش داد و به آفرینش آثار سه بعدی روی آورد و در این زمینه، فوق لیسانس گرفت. نامی پس از بازگشت به ایران، مجموعه‌ای از آثار خود را، که **نقاشی‌های مرگ** نام داشت، به نمایش گذاشت که بر خلاف آثار اولیه‌اش، بسیار بدبینانه و غم‌انگیز بود. با این حال، یکی از عناصر اساسی آثار غلامحسین نامی در سال‌های پس از سال ۱۳۷۰، نور است که باعث وحدت و هماهنگی کل اثر می‌شود. نامی آثار خود را در نمایشگاه‌های گوناگونی در داخل و خارج به نمایش گذاشته است. در سال ۱۳۸۵ در مراسمی برای بزرگ‌داشت استاد نامی، نگارخانه‌ای را در خانه‌ی هنرمندان ایران به نام او نام‌گذاری کردند.



نایتینگل، فلورانس

(۱۹۱۰ ـ ۱۸۲۰م.)

بنیان‌گذار پرستاری جدید

فلورانس دختری انگلیسی بود که از کودکی علاقه داشت پرستار شود. ولی خانواده‌اش با این موضوع مخالف بودند؛ زیرا عقیده داشتند که پرستاری شغل آبرومندی برای یک خانمِ محترم نیست. اما فلورانس سرانجام در بیمارستان کوچکی در لندن

▼ فلورانس نایتینگل در بیمارستان مجروحان جنگی در جزیره‌ی کریمه.



مشغول کار شد. در آن زمان، جنگ‌های کریمه در اروپا جریان داشت. وزیر جنگ انگلستان از فلورانس خواست پرستاری از نیروهای مجروح انگلیسی را به‌عهده بگیرد. فلورانس نیز پذیرفت و با ۳۸ پرستار، سوار بر کشتی عازم منطقه‌ی جنگی شد. او مسئولیّت پرستاری ۵ هزار مجروح را به عهده گرفت. در شبانه‌روز ۲۰ ساعت کار می‌کرد و شب‌ها، چراغ به‌دست، به همه‌ی اتاق‌ها سر می‌زد. در نتیجه، سربازان به او لقب **بانوی چراغ به‌دست** دادند. فداکاری‌های فلورانس نایتینگل سبب شد مردم نیکوکار دیگری هم به او کمک کنند. به این سبب، توانست یک مرکز آموزش پرستاری در لندن تأسیس کند. متأسفانه فشار کار زیاد، این بانوی انسان‌دوست را بسیار زود از پا درآورد و نیمی از عمر ۹۰ ساله‌اش را در بستر بیماری گذراند. اما نام نیکش در مقام بنیان‌گذار پرستاری جدید باقی ماند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دونان



نایینی، میرزا محمدحسین

(۱۳۱۵ ـ ۱۲۴۰ ه.ش.)

فقیه شیعی

آیت‌الله میرزا محمدحسین نایینی، که او را در حوزه‌های علمیه به نام میرزای نایینی می‌شناسند، در نایین به‌دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات اولیه در نایین، به اصفهان رفت و نزد علمای بزرگ آن‌جا، از جمله میرزا جهانگیرخان قشقایی، درس خواند و پس از چند سال عازم عراق شد. در نجف از شاگردان میرزای شیرازی، سیداسماعیل صدر و آخوند خراسانی بود و خود شاگردانی مانند آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله میلانی و آیت‌الله خویی را تربیت کرد. مردی با اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی بود. از نهضت مشروطه



▲ آیت الله نایینی کتاب مهمی درباره‌ی حکومت در اسلام نوشت.

طرفداری می‌کرد و کتابی به نام **تَنبیه‌الاُمَّه و تَنزیهُ‌المِلَّه** به زبان فارسی نوشت و در آن زیان‌های استبداد و فواید آزادی را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار داد. نایینی به حاکمیت فقهای جامع‌الشرایط بر جامعه‌ی اسلامی عقیده داشت و علما را موظف به جلوگیری از بی‌نظمی و بی‌عدالتی می‌دانست. این کتاب مورد تأیید علمای آن زمان قرار گرفت و بعدها آیت‌الله سید محمود طالقانی آن را با شرح و توضیحات منتشر کرد. پس از جنگ اول جهانی، که دولت عثمانی فروپاشید و عراق زیر سلطه‌ی انگلستان رفت، آیت‌الله نایینی و آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی از عراق به ایران تبعید شدند؛ ولی پس از یک سال با عذرخواهی دولت عراق به آن کشور بازگشتند. این عالم دینی در ۷۵ سالگی در نجف بدرود حیات گفت و در جوار حرم حضرت علی(ع) به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اصفهانی (سیدابوالحسن) ، بروجردی



نجم‌آبادی، شیخ هادی

(۱۳۲۰ ـ ۱۲۵۰ ه.ق.)

ولی فقیه و روحانی روشن‌فکر عصر مشروطه

فرزند روحانی پرهیزگاری به نام شیخ مهدی نجم‌آبادی بود. ۱۲ سال داشت که به نجف رفت و در دو مرحله، ۱۸ سال در این شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از درگذشت پدر، جانشین او در اقامه‌ی نماز جماعت در تهران شد؛ سپس در محله‌ی حسن‌آباد (خیابان شیخ هادی امروز) ساکن شد. نجم‌آبادی مردی آزاداندیش، طرفدار فقرا و محرومان، بانی امور خیر و از نظر فکری پای‌بند عقل و استدلال بود. از نهضت تنباکو حمایت کرد؛ با سیدجمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و تنها کسی بود که برای میرزارضا کرمانی قاتل ناصرالدین‌شاه مجلس ختم گرفت. خانه‌ی او محل تجمع افراد روشن‌فکر و آزادی‌خواه بود و عده‌ای از روشن‌فکران دوره‌ی ناصری شاگردان فکری او بودند. از کتاب‌های او می‌توان به **تحریرالعقلاء** و **رساله‌ای در رد فرقه‌ی بهائیه** اشاره کرد. نجم‌آبادی به همت افراد نیکوکار، مدرسه‌ی فیروزکوهی و بیمارستان وزیری را در تهران ساخت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اسدآبادی

نجم‌الدوله، میرزا عبدالغفار

(۱۳۲۶ ـ ۱۲۵۵ ه.ق.)

ریاضی‌دان، منجّم و مهندس عصر ناصری

عبدالغفار در اصفهان به‌دنیا آمد. پدرش روحانی دانشمندی به نام ملّاعلی‌محمد اصفهانی بود که او را غیاث‌الدین جمشید کاشانیِ ثانی می‌نامیدند. عبدالغفار پس از آموزش‌های مقدماتی نزد پدر، در تهران به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و ریاضی و هیئت آموخت. اعتضادالسّلطنه، وزیر علوم، او را به معلمی درس‌های ریاضی دارالفنون

منصوب کرد. نجم‌الدوله ۴۲ سال در این سِمت باقی ماند و شاگردان برجسته‌ای تربیت کرد. لقب نجم‌الدوله به معنی ستاره‌ی دولت را ناصرالدین‌شاه به او داد. از کارهای مهم نجم‌الدوله، **استخراج تقویم، رسم نقشه‌های تهران و چند شهر دیگر، تألیف کتاب‌های درسی، سرشماری تهران، گزارش علمی سفر به خوزستان** برای بررسی وضعیت سد اهواز و **گزارش سفر حج** است. علاوه بر این او اولین ایرانی‌ای است که در رساله‌ای، **نظریه‌ی مالتوس** را درباره‌ی جمعیت مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داده است. نجم‌الدوله در تهران درگذشت و در صفائیه‌ی شهری به خاک سپرده شد.

همچنین نگاه کنید به:
اعتضادالسّلطنه ، مالتوس



نجم‌الدین کبری

(۶۱۸ ـ ۵۴۰ هـ.ق.)
عارف مسلمان مشهور به پیر ولی‌تراش

نامش احمدبن عمر بود و در خوارزم، در زمان سلطان محمد خوارزم‌شاه زندگی می‌کرد. مردی عارف و جویای عارفان بود. از این‌رو، سفرهای بسیار کرد و تا مصر نیز رفت و سرانجام در دزفول به حضور عارف بزرگ زمان، **شیخ اسماعیل قصری** رسید. پس از مرگ قصری، جانشین او شد، به خوارزم بازگشت و به راهنمایی مردم و تربیت شاگردان پرداخت. نجم‌الدین کبری ۱۲ شاگرد برجسته تربیت کرد که از عارفان بزرگ شدند: مجدالدین بغدادی، نجم‌الدین رازی، سلطان‌العلماء (پدر مولوی)، فریدالدین عطّار نیشابوری و شهاب‌الدین سهروردی از معروف‌ترین آن‌ها هستند. به این سبب، به او لقب **پیر ولی‌تراش** (ولی‌پرور) داده‌اند. هنگامی که مغولان به خوارزم حمله کردند، از شیخ خواستند شهر را با احترام ترک کند تا در امان بماند؛ ولی او نپذیرفت و مانند سایر مردم خوارزم، تا پای جان با مغولان جنگید و در حالی که موی یک مغول را در چنگ خود داشت، به شهادت رسید. مولوی درباره‌ی او سروده است:

ما از آن مُحتشمانیم که ساغر گیرند
نه از آن مُفلسکان که بز لاغر گیرند
به یکی دست می جام شهادت نوشند
به یکی دست دگر پرچم کافر گیرند



نخجوانی، محمد و حسین

محمد (۱۳۴۱ ـ ۱۲۵۷هـ.ش.)
حسین (۱۳۵۲ ـ ۱۲۶۵هـ.ش.)
بازرگان، کتاب‌شناس و نیکوکار

حاج محمد و حاج حسین نخجوانی، دو برادر بازرگان تبریزی و در عین حال کتاب‌شناس، نیکوکار و اهل دانش و فرزانگی بودند. محمد نخجوانی به جمع‌آوری نسخه‌های خطی و کتاب‌های نفیس علاقه داشت. او همه‌ی کتاب‌های خود را، که حدود ۳۵۰۰ جلد بود، به کتاب‌خانه‌ی ملی تبریز، که خودش نیز در بنای آن کمک کرده بود، اهدا کرد. هم‌چنین **دیوان قطران تبریزی** را تصحیح و منتشر کرد و مقاله‌های زیادی نوشت. حسین نخجوانی نیز ضمن اشتغال به تجارت، در راه علم و تحقیق قدم‌های مفیدی برداشت. سلسله مقالات او به نام **چهل مقاله** یکی از منابع معتبر درباره‌ی تاریخ آذربایجان و فرهنگ ایران است. حسین نخجوانی نیز، مانند برادر، در اواخر عمر، کتاب‌های خود را، که بالغ بر ۲۴۰۰ جلد و ۵۰۰ جلد آن خطی بود، به کتاب‌خانه‌ی ملی تبریز بخشید. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، در سال ۱۳۸۳، در مراسم بزرگ‌داشتی از خدمات محمد و حسین نخجوانی تقدیر کرد.



نَراقی، ملّا احمد

(۱۲۴۵ ـ ۱۱۸۵ هـ.ق.)
فقیه، شاعر و عالم اخلاق

در نراق، از توابع کاشان متولد شد. علوم دینی را ابتدا نزد پدرش، **ملا مهدی نراقی**، که مردی فقیه و دانشمند بود و سپس نزد علمای دیگر، به‌ویژه سیدِ بحرالعلوم در نجف آموخت. نراقی از علمای مشهور زمان خود و مردی اهل نظر بود. شعر نیز می‌سرود و **صفایی** تخلص می‌کرد. به مثنوی مولوی علاقه‌مند بود و دیوان شعری به نام **طاقدیس**، به شیوه‌ی مثنوی مولوی سروده است که هنوز خواننده دارد و چاپ می‌شود. اثر معروف دیگر نراقی، که نزد روحانیان و علمای اخلاق شهرت و اعتبار دارد، کتاب **معراج‌السّعاده** است. ملّا احمد نراقی در زمان فتحعلی‌شاه زندگی می‌کرد. ملا احمد نراقی و پدرش ملا مهدی را «فاضلین نراقی» می‌گویند.



نِرون

(۶۸ ـ ۳۸ م.)
امپراتور جنایت‌کار روم

امپراتوری روم، در بیش‌ترین سال‌های قرن اول میلادی، گرفتار چند امپراتور جبّار و بی‌لیاقت شد که یکی از آن‌ها نرون بود. او مادر خود را کشت و خون سِنِکا، فیلسوف رومی، را بر زمین ریخت. در جنگ ارمنستان، از اشکانیان شکست خورد. در نتیجه، حاضر شد تاج پادشاهی ارمنستان را در شهر رُم بر سر تیرداد، برادر بلاش اشکانی، بگذارد. سپس همه‌ی


▲ نرون از امپراتوران سفّاک روم بود.

مخارج و هزینه‌های این جنگ را، که حدود ۹ ماه طول کشید، بپردازد و قرارداد صلحی ۵۰ ساله هم با ایران امضا کند. نرون در یکی از شب‌ها هوس ابلهانه‌ای به سرش زد؛ به کمک عده‌ای از همراهانش از شهر رم خارج شد و چند محله از آن شهر را به آتش کشید تا از منظره‌ی آن نقاشی بکشد و لذت ببرد! در اثر این بی‌تدبیری‌ها و جنایت‌ها، مردم رُم شورش کردند. شورش نخست از فرانسه برخاست و به جاهای دیگر کشیده شد و حتّی گارد امپراتوری با شورشیان همراه گردید. این امر باعث شد نرون در ۳۱ سالگی خودکشی کند. او قبل از مرگش گفته بود: «افسوس که با تلف‌شدن من، هنرمند بزرگی از دنیا می‌رود!»

هم‌چنین نگاه کنید به:
دقیانوس



نسیم شمال

(فوت: ۱۳۱۳ هـ.ش.)
شاعر مردمی عصر مشروطه

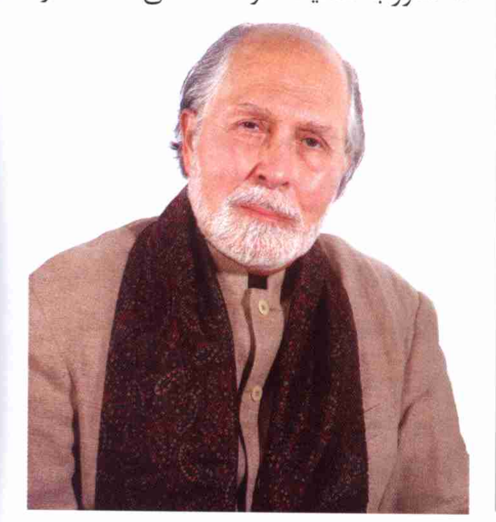
سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی، معروف به نسیم شمال، در قزوین به‌دنیا آمد. شش ماهه بود که پدرش درگذشت و مادرش او را در فقر و سختی بزرگ کرد. در نوجوانی مدتی در نجف و کربلا به تحصیل پرداخت و به ایران بازگشت. در راه تبریز، پیر روشن‌ضمیری با او برخورد کرد که تأثیری ماندگار بر او نهاد. در بازگشت به رشت، هفته‌نامه‌ای تأسیس کرد و نامش را **نسیم شمال** گذاشت. پس از فتح تهران و باز شدن دوباره‌ی مجلس شورای ملی، به تهران آمد و هفته‌نامه‌اش را در تهران دایر کرد. او مطالب نسیم شمال را، که اکثراً شعر و فکاهی بود، خودش می‌سرود و چاپ می‌کرد و بچه‌ها برایش در کوچه و بازار می‌فروختند و بسیار زود به فروش می‌رفت. نسیم شمال روزنامه‌ای کاملاً مردمی و در عین‌حال انتقادی بود و جز بیان غم و شادی‌های روز مردم در آن چیزی نبود. اشرف‌الدین انتشار هفته‌نامه را نزدیک ۲۰ سال ادامه داد. اما سرانجام دچار جنون شد و در تیمارستان درگذشت. او زن و فرزندی نداشت. چند بیت از اشعارش، که اشاره‌ای به آن «پیر روشن ضمیر» دارد، نقل می‌شود: بنده در قزوین به‌دنیا آمدم / چندی از بهر تماشا آمدم / رفت بابم سوی جنات النّعیم / من شدم شش ماهه در قزوین یتیم / در جوانی با هزاران ابتلا / رفتم از قزوین به سوی کربلا / مدتی در کربلا و در نجف / معتکف بودم به صد وجد و شعف / بر سرم زد باز شور مُلک جم / آمدم از کربلا سوی عجم / باز از قزوین به چشم اشک‌بار / جانب تبریز گشتم رهسپار / در ره تبریز با سوز و تعب / خدمت پیری رسیدم نیم‌شب / آن قلندر چون مرا دیوانه دید / مست از جام می جانانه دید / کرد تعلیمم همه اسرار حق / گشت روشن روحم از انوار حق.



نصر، سیدحسین

(تولد: ۱۳۱۲هـ.ش.)
استاد دانشگاه و متفکر مسلمان

فرزند ولی‌الله خان‌نصر، پزشک و ادیب دانشمند دوره‌ی پهلوی اول و از نوادگان شیخ‌فضل‌الله نوری است. در تهران متولد شد. از خردسالی استعداد خارق‌العاده‌ای داشت. خانواده‌اش او را از نوجوانی، برای تحصیل به آمریکا فرستادند. در آن‌جا پس از دبیرستان در رشته‌ی فیزیک با درجه‌ی عالی از دانشگاه ام.آی.تی (مؤسسه‌ی فنّاوری ماساچوست) فارغ‌التحصیل شد. سپس در دانشگاه هاروارد زمین‌شناسی و ژئوفیزیک خواند و سرانجام، درجه‌ی دکتری خود را در رشته‌ی فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه هاروارد گرفت. پس از بازگشت به ایران، به مقام‌های بلند علمی و دانشگاهی رسید و آخرین سِمت علمی او، ریاست دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف کنونی) تهران بود. در دوره‌ی تصدی خود بر این دانشگاه، کوشید با دعوت از استادان برجسته، در رشته‌های فلسفه، علوم انسانی و معارف اسلامی، دانشجویان رشته‌های مهندسی را با این علوم نیز آشنا کند. نصر بنیان‌گذار دانشگاه صنعتی اصفهان نیز هست. کار مهم دیگر او، تأسیس **انجمن حکمت و فلسفه** بود که هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. دکتر



نصر با علامه سیدمحمدحسین طباطبایی همکاری علمی داشت و علاوه بر این که معارف اسلامی را از او فرامی‌گرفت، واسطه‌ی بین علامه و متفکر فرانسوی، هانری کُربَن، در معرفی مذهب تشیّع و معارف آن به کُربَن بود. سیدحسین نصر هم‌اکنون استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکاست. کتاب‌های بسیاری نوشته است از جمله **علم و تمدن در اسلام**، **معرفت و معنویت**، و **جوان مسلمان و دنیای متجدّد** که از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. زندگی‌نامه‌ی نصر هم به صورت گفت‌وگویی بلند با نام «در جست‌وجوی امر قدسی» منتشر شده است.

همچنین نگاه کنید به:
علامه طباطبایی ، کُربن



نصرالله منشی

(قرن ۶ ه.ق.)
مترجم فارسی کلیله‌ودمنه

در دوره‌ی غزنویان می‌زیست و چندی به وزارت خسروشاه غزنوی رسید. شهرتش به سبب ترجمه‌ی **کلیله‌ودمنه** از عربی به فارسی است. این کتاب را در قرن دوم، ابن مقفّع از پهلوی به عربی ترجمه کرده بود. کلیله‌ودمنه در زمان بهرامشاه غزنوی به فارسی درآمد و به همین دلیل به **کلیله‌ودمنه‌ی بهرامشاهی** نیز معروف است. این کتاب از زیباترین نمونه‌های نثر فارسی است.

همچنین نگاه کنید به:
ابن مقفّع



نصرالله، سید حسن

(تولد: ۱۳۳۹ه.ش.)
دبیرکل حزب‌الله لبنان

در محله‌ای فقیرنشین در بیروت به‌دنیا آمد. نوجوانی او مصادف با جنگ‌های داخلی لبنان بود و چون شیعه بود، به پیروان امام موسی صدر و سپس به جنبش امل پیوست. چندی در نجف و مدت کمی نیز در قم تحصیل کرد. وضعیت خاص لبنان هیچ‌گاه به او اجازه نداد برای مدتی طولانی از کشورش خارج شود. او ۲۰ سال داشت که به عضویت کمیته‌ی سیاسی جنبش امل درآمد و مسئولیت بخش سیاسی جنبش را در منطقه‌ی بقاع به‌عهده گرفت. بعدها به اتفاق روحانی مبارز لبنانی، **سیدعباس موسوی**، از سازمان امل کناره گرفت و با جمعی دیگر، **حزب‌الله لبنان** را تشکیل داد. زمانی‌که سیدعباس موسوی در سال ۱۳۶۹ه.ش. ترور شد، سیدحسن نصرالله به جانشینی او انتخاب گشت و رهبری حزب‌الله را به‌عهده گرفت. او توانست میان فرقه‌های سیاسی و طایفی لبنان هم‌بستگی ایجاد کند و برای اولین بار، ۱۲ نماینده‌ی حزب‌الله وارد مجلس ملی لبنان شدند. مقاومت ملی و اسلامی لبنان با ورود سیدحسن نصرالله به عرصه، وارد دوره‌ای درخشان شد که از جلوه‌های آن، آزادسازی جنوب لبنان، به‌ویژه حمله‌ی پیش‌گیرانه به اسرائیل در سال ۲۰۰۶ میلادی برای آزادسازی اسیران دربند لبنانی و کمک به نهضت اسلامی فلسطین است. در پی این اقدام، جنگ ۳۳ روزه میان حزب‌الله و ارتش اسرائیل آغاز شد. در این جنگ اسرائیل شکست بی‌سابقه‌ای را تحمل کرد و بدون پیش‌روی در خاک لبنان، به آتش‌بس تن داد.

همچنین نگاه کنید به:
صدر (سید موسی) ، موسوی (سیّد عباس)



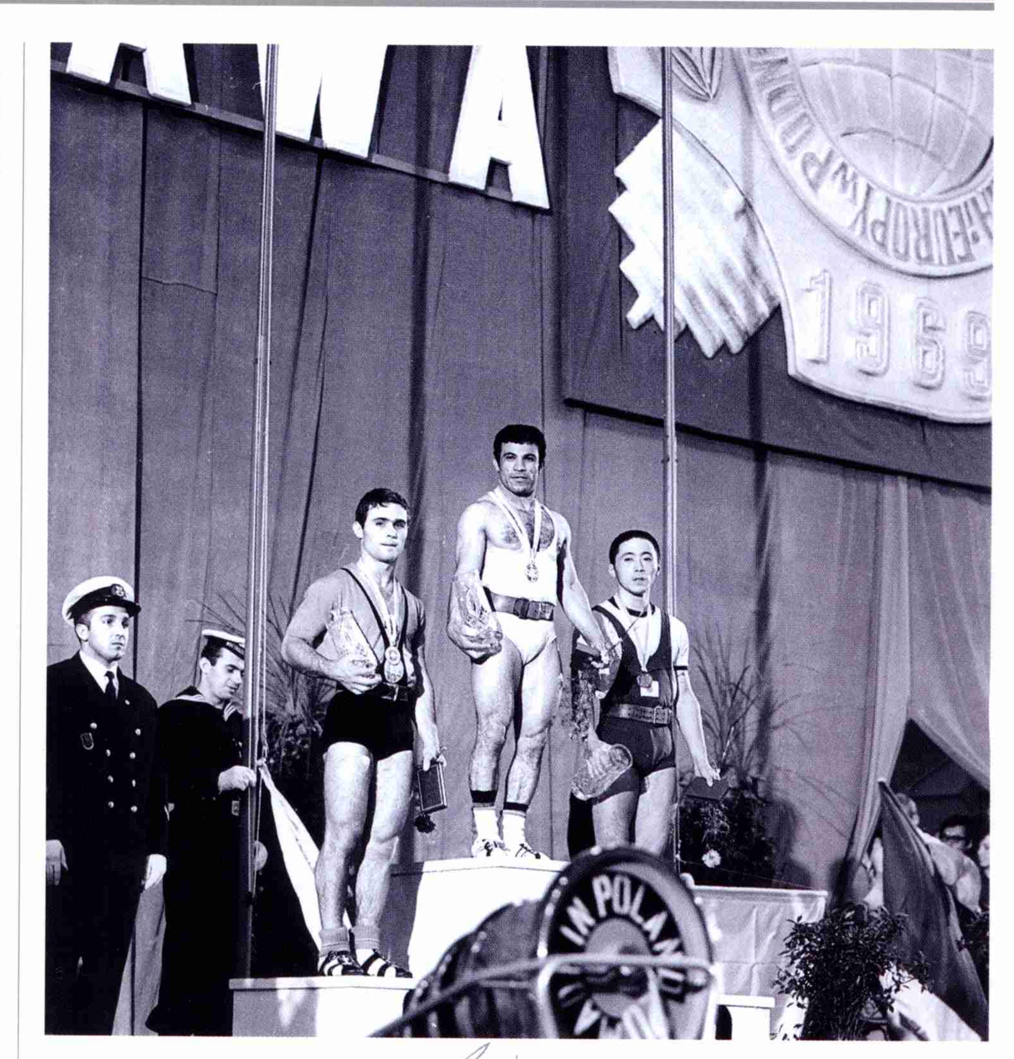
جنبش حزب‌الله لبنان پیروزی‌های شگفتی‌آفرین خود را با رهبری سیدحسن نصرالله به دست آورده است.



نصیری، محمد

(تولد: ۱۳۲۴ه.ش.)
قهرمان وزنه‌برداری

نصیری، پس از محمود نامجو، معروف‌ترین وزنه‌بردار دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی ایران



محمد نصیری، ایستاده بر سکوی قهرمانی

است. او تنها وزنه‌بردار تاریخ ورزش کشور است که سابقه‌ی حضور در ۴ دوره‌ی المپیک را در کارنامه‌ی خود دارد و در سه دوره‌ی آن صاحب مدال شده است. او در المپیک مکزیک مدال طلا، در مونیخ مدال نقره و در مونترال مدال برنز گرفت. چند دوره هم قهرمان جهان و آسیا شد. نصیری به شیوه‌ی پهلوانان در هنگام بلند کردن وزنه، نام علی(ع) را بر زبان می‌آورد و یک بار نیز تهران تا مشهد را به قصد زیارت حضرت رضا(ع) پیاده طی کرد. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چند سال در خارج بود و از سال ۱۳۸۶ به کشور بازگشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:

رضازاده ، نامجو (محمود)



نصیریان، علی

(تولد: ۱۳۱۳ه.ش.)

بازیگر تئاتر و سینما

نصیریان یکی از برجسته‌ترین و پرکارترین بازیگران ایران است. از هنرستان بازیگری تهران فارغ‌التحصیل شد و از ۱۸ سالگی در تئاتر **جامعه‌ی باربد** کار خود را آغاز کرد. **چوب به‌دست‌های وَرَزیل، امیرارسلان، استعمال دخانیات ممنوع** و **عروسی باقرخان** از بازی‌های معروف اوست. از سال ۱۳۳۹، وارد نمایش‌های تلویزیونی شد و در مدت ۱۰ سال بیش از ۴۰۰ نمایش جلو دوربین برد. در سال ۱۳۴۸، با بازی در فیلم **گاو**، ساخته‌ی داریوش مهرجویی، برای نخستین بار بر پرده‌ی سینما ظاهر شد. فیلم‌های **پستچی، کمال‌الملک، ناخدا خورشید، برج مینو، بوی پیراهن یوسف** و **شاه خاموش** از دیگر فیلم‌هایی است که نصیریان در آن‌ها بازی کرده است. او در زمینه‌ی بازی در مجموعه‌های تلویزیونی نیز کارنامه‌ی پرباری دارد که **سربداران، گرگ‌ها، امام علی(ع)، ملاصدرا، پرواز در حباب** و **میوه‌ی ممنوعه** از آن جمله است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

حاتمی ، حاتمی‌کیا ، مهرجویی



نظامی گنجوی

(۶۱۴ ـ ۵۳۰ ه.ق.)

شاعر داستان‌سرا

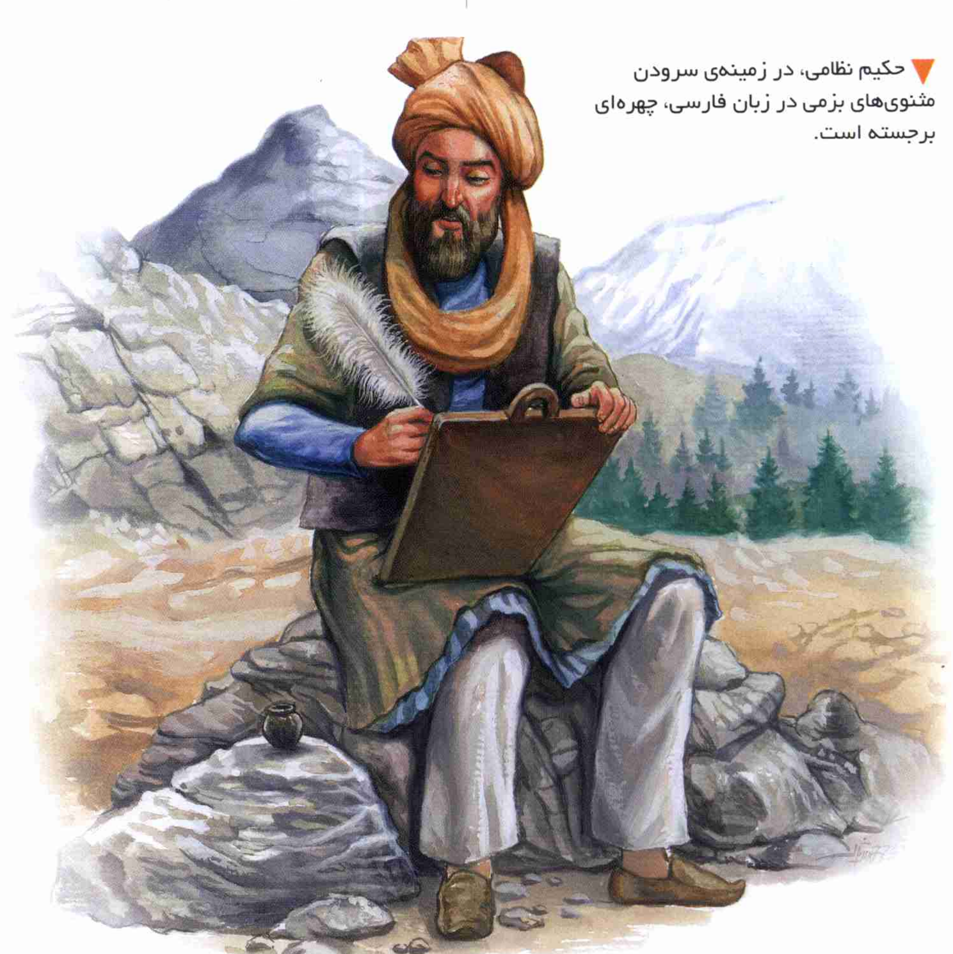
ابومحمد الیاس‌بن یوسف، معروف به حکیم نظامی، در شهر گنجه، که امروز در جمهوری آذربایجان است، به‌دنیا آمد. از



نصیریان در صحنه‌ای از فیلم کفش‌های میرزا نوروز

نوجوانی به تحصیل ادبیات عرب، تاریخ و مطالعه‌ی قصه‌ها و داستان‌ها پرداخت و به کتاب‌های اخلاقی و عرفانی نیز علاقه داشت. نظامی همسری به نام آفاق داشت که در جوانی درگذشت و او منظومه‌ی **خسرو و شیرین** را به یاد او سرود. نظامی داستان‌سرای بزرگی است که از ارکان شعر فارسی و یکی از پنج شاعر درجه‌ی اول این زبان به‌شمار می‌رود. با خاقانی مکاتبه داشت و هنگامی که درگذشت، خاقانی مرثیه‌ای در سوگ او سرود. نظامی علاوه بر دیوان خود، ۵ مثنوی مفصل نیز دارد که به آن‌ها **پنج گنج** یا **خمسه‌ی نظامی** می‌گویند که عبارت‌اند از: **مخزن‌الاسرار**، **خسرو و شیرین**، **لیلی و مجنون**، **هفت پیکر** و **اسکندرنامه**. آرامگاه نظامی در زادگاهش، گنجه، است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
سعدی ، فردوسی ، مولوی



حکیم نظامی، در زمینه‌ی سرودن مثنوی‌های بزمی در زبان فارسی، چهره‌ای برجسته است.



نعمت‌الله ولی

(۸۳۴ _ ۷۳۰ هـ.ق.)

عارف و صوفی

از اولیا و مشایخ عصر تیموری است. نسبش به امام محمدباقر(ع) می‌رسید و سید بود؛ از این‌رو، به او لقب **شاه** دادند. شاه نعمت‌الله در کوهْبنان کرمان متولد شد. به رسم عارفان، بسیار سفر کرد. مصر و شمال آفریقا و مکه و خراسان بزرگ و ترکستان و سمرقند را دید و سرانجام به ماهان کرمان برگشت و در این شهر، به ارشاد مردم پرداخت و سلسله‌ی صوفیان نعمت‌اللّهی را بنیان گذاشت. در همان زمان، مریدان بسیاری پیدا کرد که چند تن از آنان شاهان و شاهزادگان ایران و هند بودند. شاه نعمت‌الله در ماهان درگذشت و صد سال بعد، پادشاه دکن هند بر مزار او گنبد و بارگاهی ساخت. **دیوان اشعار** شاه نعمت‌الله شامل بیش از ۱۴هزار بیت است.



نفیسی، سعید

(۱۳۴۵ _ ۱۲۷۴هـ.ش.)

ادیب و پژوهشگر

فرزند علی‌اکبرخان ناظم‌الاطبّا از پزشکان دانشمند ایرانی، و مؤلف **فرهنگ نفیسی** بود. سعید نفیسی در تهران به‌دنیا آمد. دیپلم گرفت و از همان هنگام با برادرش، دکتر اکبر مؤدب نفیسی، به اروپا رفت و تحصیلات خود را در دانشگاه پاریس ادامه داد. هنگامی که به تهران بازگشت، به تدریس زبان فرانسوی در دبیرستان‌های تهران مشغول شد. سعید نفیسی از پرورش‌یافتگان **جمعیت دانشکده** است که به همت ملک‌الشعرای بهار، در تهران تأسیس شده بود و جوانان فرهیخته و دانشمندی تربیت کرد. نفیسی شخصیتی چندجانبه داشت: تاریخ‌نگار، محقق، ادیب، منتقد، نویسنده، مترجم، زبان‌شناس، کتاب‌شناس، داستان‌نویس و روزنامه‌نگار بود. نثر ساده و روان او از بهترین نمونه‌های نثر فارسی معاصر است. در بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها تدریس کرد.

مجموعه‌ی آثار او، به‌جز مقالاتش که به صدها مورد می‌رسد، بیش از ۱۱۰ اثر است که تنها به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: **نیمه‌راه بهشت**، **ستارگان سیاه**، **ماه نخشب** (داستان)، **آرزوهای بربادرفته**، **اُدیسه**، **ایلیاد** (ترجمه)، **تصحیح تاریخ بیهقی**، **تصحیح شاهنامه‌ی فردوسی**، **تصحیح گلستان سعدی**، **روزگار ابن‌سینا**، **در پیرامون احوال و اشعار حافظ** (تحقیق)، **بابک خرّم‌دین**، **مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد** (تاریخ)، **فرهنگ فارسی ـ فرانسه**، **فهرست آثار اروپایی درباره‌ی ابن‌سینا** (کتاب‌شناسی)، مجله‌های **پیام نو** و **شرق**. نفیسی در تهران درگذشت.



نُوّاب اربعه

(۳۲۹ ـ ۲۶۰ ه.ق.)

نمایندگان خاصّ امام زمان(عج)

آن‌ها ۴ نفر بودند که در زمان غیبت صغری یکی پس از دیگری، وظیفه‌ی برقراری ارتباط مردم با امام زمانعليه‌السلام را به‌عهده گرفتند تا غیبت کبری آغاز شد. نخست **عثمان بن‌سعید،** که از ۱۱ سالگی در خدمت امام جوادعليه‌السلام و پس از آن در خدمت امام هادی و امام حسن عسکریعليه‌السلام بود. سپس ۵ سال هم نایب امام زمان شد. دوم، **محمدبن عثمان** فرزند نایب اول، که حدود ۴۰ سال نیابت امام را به‌عهده داشت. سوم، **حسین‌بن روح نوبختی،** که از خاندانی ایرانی و اهل دانش و دین بود و حدود ۲۱ سال این وظیفه را انجام داد. و چهارم **علی‌بن محمد سَمُری** که آخرین نایب امام زمان بود و پس از درگذشت او، عصر غیبت کبریٰ آغاز شد. نواب اربعه همگی در بغداد فوت کردند و در همین شهر به خاک سپرده شدند.

همچنین نگاه کنید به:

مهدیعليه‌السلام



نوّاب صفوی، سید مجتبی

(۱۳۴۴ ـ ۱۳۰۳ ه.ش.)

بنیان‌گذار و رهبر جمعیّت فداییان اسلام

سیدمجتبی میرلوحی، مشهور به نواب صفوی، در تهران به‌دنیا آمد. پس از تحصیلات متوسطه و گرفتن دیپلم مکانیک از مدرسه‌ی صنعتی آلمانی‌ها، برای کار به آبادان رفت. اما پس از ۲ سال، کار در شرکت نفت را رها کرد و عازم نجف شد و ۲ سال در آن‌جا علوم حوزوی خواند. هنگامی که نوشته‌های احمد کسروی را خواند و آن‌ها را مخالف اسلام تشخیص داد، درس را رها کرد و به ایران آمد تا کسروی را از این کار بازدارد. گفت‌وگو و مباحثه‌های او با کسروی، که هم‌چنان بر افکار و عقاید خود پافشاری می‌کرد، به جایی نرسید؛ به این سبب، یکی از هم‌فکرانش به نام سیدحسین امامی، کسروی را در دادگاه از پای درآورد. نواب در همان زمان، **جمعیت فداییان اسلام** را تأسیس کرد. فداییان اسلام جوانانی پرشور و خواهان تشکیل حکومت اسلامی بودند. آنان در ماجرای ملی شدن نفت، با دکتر مصدّق و نیز با آیت‌الله کاشانی، روحانی سیاست‌مدار و رئیس مجلس، هم‌فکر و هم‌آهنگ بودند و سرلشکر رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت را، که مخالف ملی شدن نفت بود، ترور کردند. اما پس از چندی میان آن‌ها و مصدق اختلاف افتاد و جمعی از فداییان به وسیله‌ی دولت دستگیر و زندانی شدند. فداییان نیز اقدام به ترور وزیر خارجه‌ی مصدق، دکتر حسین فاطمی، کردند که ناموفق ماند. پس از کودتای ۲۸ مرداد و در پی ترور ناموفق حسین علاء، نخست‌وزیر، که باز هم فداییان عامل آن بودند، نوّاب صفوی و یارانش دستگیر، محاکمه و اعدام شدند. نواب در آن وقت ۳۱ سال داشت. از نوّاب صفوی کتابی به نام **راهنمای حقایق** در باب حکومت اسلامی منتشر شده است.

همچنین نگاه کنید به:

رزم‌آرا ، کاشانی ، مصدق



نوبل، آلفرد

(۱۸۹۶ ـ ۱۸۳۳ م.)

بنیان‌گذار جایزه‌ی نوبل

نوبل شیمی‌دان بود و به کار روی مواد منفجره علاقه داشت. پدرش نیز مهندس بود و در سن پترزبورگ روسیه کارخانه‌ی تجهیزات نظامی داشت. در آن زمان، ماده‌ی منفجره‌ی تازه‌ای به نام نیتروگلیسیرین کشف شده بود که چون ناپایدار بود، زود منفجر می‌شد و بسیار خطرآفرین بود. یک بار کارگاه نیتروگلیسیرین‌سازی پدر نوبل منفجر شد و به کشته شدن برادر نوبل انجامید. نوبل ابتدا توانست برای این ماده چاشنی تولید کند. در مرحله‌ای دیگر نیتروگلیسیرین را به ماده‌ای جامد و بی‌خطر تبدیل کرد و نام آن را **دینامیت** گذاشت. اختراع دینامیت موجب شهرت نوبل از یک طرف و پیش‌رفت در جاده‌سازی، معدن‌کاوی، راه‌آهن و... از طرف دیگر شد و ثروت عظیمی برای او به ارمغان آورد. او، که دانشمندی انسان‌دوست بود، وصیّت کرد پس از مرگش، ثروتش صرف پرداخت جایزه‌ی سالانه‌ای به دانشمندانی شود که در رشته‌های ادبیات، فیزیک، شیمی، پزشکی و صلح، خدمت



▲ به هر برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، بیش از یک میلیون دلار پول، یک لوح تقدیر و یک مدال می‌دهند. روی مدال تصویر آلفرد نوبل حک شده است.

برجسته‌ای انجام داده باشند. در سال ۱۹۶۹، نوبل اقتصاد نیز به این جایزه‌ها اضافه شد. هر سال در سال‌گرد درگذشت آلفرد نوبل، جوایز نوبل فیزیک، شیمی، پزشکی، ادبیات و اقتصاد طی مراسمی در استکهلم پایتخت سوئد به برندگان اهدا می‌شود. اما جایزه‌ی صلح نوبل در دانشگاه اسلو، پایتخت کشور نروژ، اهدا می‌گردد.



نوح عليه‌السلام

پیامبر اولواالعزم

اطلاعات تاریخی ما درباره‌ی حضرت نوح ناچیز و منحصر به مطالبی است که در تورات و قرآن کریم آمده است. او پیامبری الهی بود که در میان قوم خود، که کافر و ناسپاس بودند، می‌زیست و آن‌ها را به یکتاپرستی و ایمان به خدا دعوت می‌کرد. ویژگی نوح در داستان توفان اوست. در قرآن آمده است که قوم نوح او را تکذیب و مسخره می‌کردند و به خدا ایمان نمی‌آوردند. نوح به ستوه آمد و به درگاه خدا دعا کرد که روی زمین کافری باقی نگذارد. خدا دعایش را اجابت کرد و به او فرمان داد کشتی بزرگی بسازد و همه‌ی پیروان خود و نیز از هر جانوری یک زوج را در کشتی بگذارد. نوح چنین کرد و منتظر فرمان الهی ماند. پس آب از زمین و آسمان جوشید و سیل عظیمی همه جا را فراگرفت تا این که به‌جز آن‌ها که در کشتی بودند، همه‌ی اهل زمین غرق شدند. حتی کنعان، پسر نوح هم که ایمان نیاورده بود و برای نجات از غرق شدن به بالای کوهی رفت، در آب غرق شد. سرانجام، آب فرونشست و نوح و سرنشینان کشتی نجات یافتند. نوح یکی از ۵ پیامبر اولواالعزم است. او ۹۵۰ سال عمر کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

ابراهیم عليه‌السلام ، موسی عليه‌السلام ، عیسی عليه‌السلام ، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله



نوری، شیخ فضل‌الله

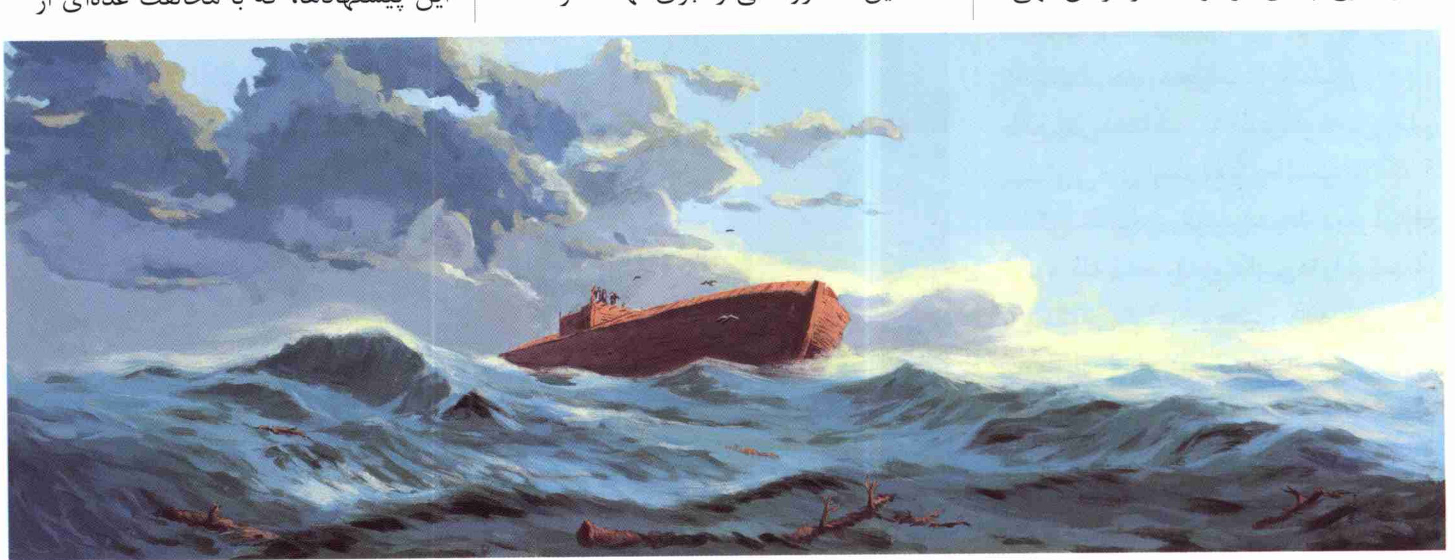
(۱۲۸۷ ـ ۱۲۲۱ ه.ش.)

فقیه شیعه و طرفدار مشروطه‌ی مشروعه

اهل نور مازندران و از شاگردان برجسته‌ی میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌الله رشتی در عتبات بود. پس از تحصیل به تهران بازگشت و به تدریس و اداره‌ی امور شرعی مردم تهران مشغول شد. در نهضت تحریم تنباکو، از موافقان تحریم بود و فعالانه در آن شرکت کرد. هنگامی که پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، نوای مشروطه‌خواهی بلند شد، شیخ فضل‌الله نیز با سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی همراه شد. این سه روحانی رهبری نهضت را تا امضای فرمان مشروطه پیش بردند. پس از تشکیل مجلس و نوشتن قانون اساسی، شیخ فضل‌الله با احساس این که نزدیک است قانون اساسی از محتوای اسلامی و شرعی تهی شود، اعلام کرد که ما مشروطه‌ای می‌خواهیم که مشروعه باشد. او در این زمینه، پیشنهادهایی برای درج در قانون اساسی داد که ذکر مذهب شیعه‌ی جعفری در حکم مذهب رسمی کشور و اصل نظارت پنج فقیه بر قوانین مصوّب مجلس، از آن جمله بود. این پیشنهادها، که با مخالفت عده‌ای از



▲ شیخ فضل‌الله، مجتهد عالی‌قدری بود که شهادت را پذیرفت تا تسلیم مدّعیان آزادی نشده باشد.



مشروطه‌خواهان روبه‌رو شد، به بحران در نهضت انجامید. شیخ فضل‌الله، که جانش تهدید می‌شد، به حرم حضرت عبدالعظیم رفت و در آن‌جا تحصن کرد و به سخن‌رانی و انتشار روزنامه پرداخت. مجلس، سرانجام پیشنهادهای شیخ فضل‌الله را در اصل دوم متمّم قانون اساسی جای داد و او نیز به تحصن پایان داد. در این هنگام، محمدعلی‌شاه با مشروطه‌خواهان درافتاد و مجلس را به توپ بست. بعد از سه سال که مشروطه‌خواهان، با حمایت و اقدامات پشت پرده‌ی انگلستان و روسیه، تهران را فتح کردند، شیخ فضل‌الله را به اتهام همکاری با شاه و مستبدان دستگیر کردند.دادگاهی تشکیل شد و شیخ را به اعدام محکوم کرد. او روز ۱۳رجب سال ۱۳۲۷ق.، مصادف با روز ولادت حضرت علی علیه‌السلام، در میدان توپ‌خانه‌ی تهران به دار آویخته شد. آرامگاه شیخ فضل‌الله نوری در صحن حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه علیهاالسلام در قم است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

بهبهانی ، طباطبایی (سیدمحمد)



نوری، محمد

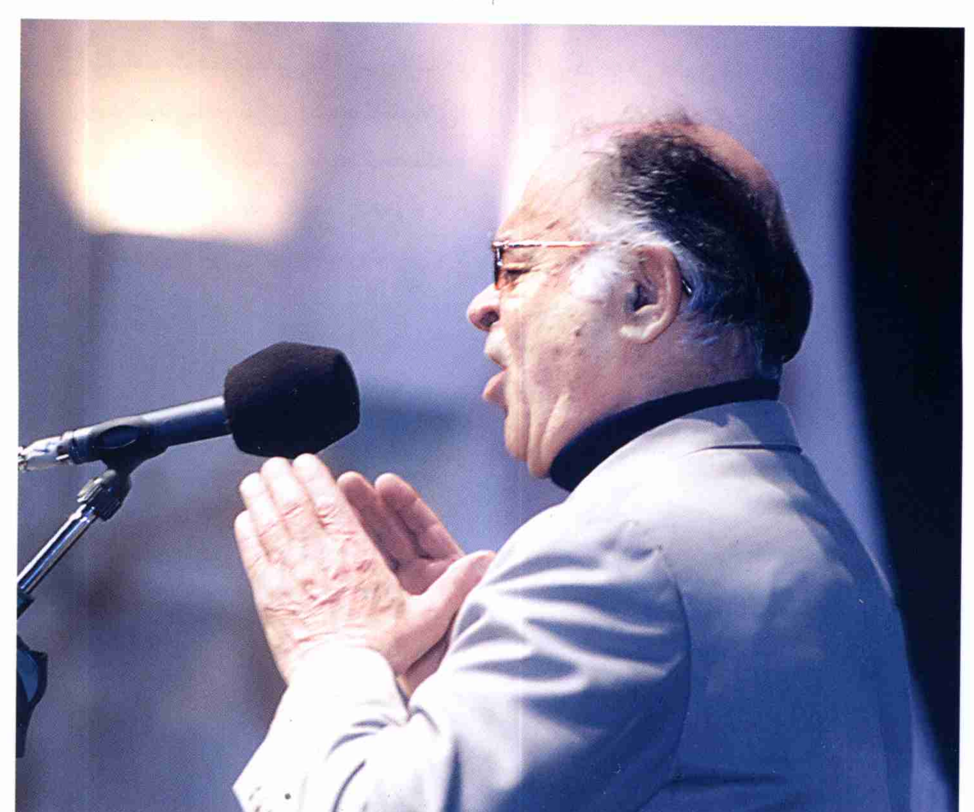
(تولد: ۱۳۰۸هـ.ش.)

استاد آواز

در تهران به‌دنیا آمد و در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران تحصیل کرد. آموزش‌های هنری را در رشته‌ی آواز از استادان هنرستان عالی موسیقی، فراگرفت. نوری در آواز شیوه‌ی خاصی دارد که آن را به شیوه‌ی خوانندگان اپرا نزدیک می‌کند. خوانندگی را در دهه‌ی ۱۳۲۰ با خواندن اشعار جدید بر اساس نغمه‌های روز مغرب زمین و برخی قطعات کلاسیک آوازی آغاز کرد او تا امروز، که به ۸۰ سالگی رسیده است، هم‌چنان به خواندن ادامه می‌دهد. نوری با اجرای بیش از ۳۰۰ قطعه‌ی آوازی و نیز سرودن شعر و ترانه و ترجمه‌ی مقالات هنری، در اعتلای موسیقی ایران نقش مهمی ایفا کرده است. از آوازهای مشهور اوست: **در شب سرد زمستانی** (با اشعار نیما یوشیج)، **آوازهای سرزمین خورشید، دلاویزترین، در ماه باران، شکوفه‌ی خاطرات، چراغی در افق، شکوفه در شکوفه و ایران.**

هم‌چنین نگاه کنید به:

پاواروتی



محمد نوری در حال اجرای آواز



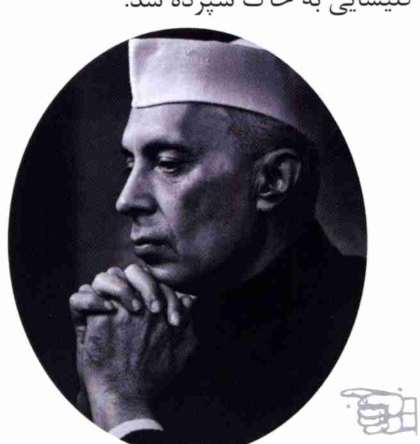
نوسترادآموس

(۱۵۶۶ _ ۱۵۰۳ م.)

پیشگوی فرانسوی

میشل دونوستردام، که نام نوسترادآموس را برای خود برگزید، از دانشگاه مون‌پلیه دکترای پزشکی گرفت. او بیماران، به‌ویژه بیماران طاعون‌زده را، با فداکاری مداوا می‌کرد و همسر و فرزندانش را در اثر همین بیماری از دست داد. نوسترادآموس ۴ سال در شهرهای فرانسه و ایتالیا به مسافرت پرداخت و در همین سفرها بود که با کتاب‌های سِحر، ستاره‌شناسی و طالع‌بینی آشنا شد. به ظاهر، از همین زمان پیشگویی‌های او شروع شده است. در ۵۰ سالگی، به شهر سالون رفت، بار دیگر ازدواج کرد و کتاب معروف **پیشگویی‌ها** را نوشت. با مطالعه‌ی کتاب او، چنین به‌نظر می‌رسد که پاره‌ای از حوادث ۵۰۰ سال بعد از خود را پیشگویی کرده است. عده‌ای عقیده دارند وقوع دو جنگ اول و دوم جهانی، ظهور و مرگ هیتلر، ترور جان اف. کندی، وقوع

انقلاب اسلامی ایران و انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک از پیشگویی‌های او برای قرن بیستم بوده است. این نتیجه‌گیری‌ها از کتاب نوسترادامِوس به دلیل آن است که عبارات و جملات او، صورتی شعرگونه دارد و به زبانی خاص نوشته شده و صریح نیست؛ به این سبب، تفسیر و تعبیر می‌شد. نوسترادامِوس در شهر سالون درگذشت و در کلیسایی به خاک سپرده شد.



نِهرو، جواهر لعل

(۱۹۶۴ ـ ۱۸۸۹ م.)

اولین نخست‌وزیر هند پس از استقلال

نهرو در خانواده‌ای از اشراف برهمن در اللهآباد هند متولد شد. در نوجوانی پدرش او را به انگلستان فرستاد. نهرو در دانشگاه آکسفورد تاریخ و حقوق خواند. سپس به هند بازگشت و به حزب کنگره پیوست. او با همکاری مهاتما گاندی، مبارزه در راه استقلال و رهایی هند از استعمار انگلستان را آغاز کرد. در این راه، چند بار دستگیر و زندانی شد اما از مبارزه دست برنداشت. سرانجام در سال ۱۹۴۷م. انگلیسی‌ها استقلال هند را پذیرفتند و نهرو نخست‌وزیر شد. در همین زمان، کنگره به او لقب **پاندیت** به معنی معلم داد. نهرو هند را در مسیر صلح و آبادانی و پیش‌رفت صنعتی هدایت کرد. او طرفدار هم‌زیستی بین کشورها بود و هیچ‌گاه حاضر نشد با همسایگان هند وارد جنگ شود. مردی دانشمند و فرهیخته بود. هنگامی که در زندان انگلیسی‌ها به‌سر می‌برد، نامه‌هایی در زمینه‌ی تاریخ به دخترش ایندیرا می‌نوشت. این نامه‌ها بعدها به صورت کتاب **نگاهی به تاریخ جهان** در سه جلد چاپ شد. محمود تفضلی این کتاب را به فارسی روان ترجمه کرده و از کتاب‌های خواندنی در زمینه‌ی تاریخ است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

جناح ، گاندی

نیچه، فریدریش ویلهلم

(۱۹۰۰_۱۸۴۴ م.)

فیلسوف آلمانی

پدری کشیش و مادری بسیار دین‌دار و متعصب داشت. زندگی او از نظر جسمی، سراسر با رنج و بیماری همراه بود. روحی بسیار حساس داشت و در آغاز جوانی شعر می‌سرود. پس از مدتی دانشجویی و معلمی، به استادی فلسفه در دانشگاه بال رسید. نیچه از ۱۸ سالگی به بی‌دینی کامل گرایید. از مسیح(ع) نفرت داشت؛ اما ماکیاولی و شوپنهاور را می‌ستود و آن‌ها را راهبران خود می‌دانست. در جوانی، در دام عشقی نافرجام گرفتار و روحش به کلی پریشان شد. پس از آن به ایتالیا و سوئیس سفر کرد و کتاب معروف **چنین گفت زردشت** را که شامل دیدگاه‌های او درباره‌ی جهان و انسان است. این کتاب در جهان بسیار تأثیرگذار بود. او به توده‌های مردم و به دموکراسی عقیده نداشت. فاتحانی چون ناپلئون را می‌ستود و خدمت‌گزارانی چون آبراهام لینکلن را خوار می‌داشت. به ظهور **ابرمرد** عقیده داشت و مردم را رمه‌ای بی‌ارزش می‌دانست. هم‌چنین پیامبران را، به این سبب که عامل قیام توده‌های محروم بودند، نکوهش می‌کرد. عده‌ای از صاحب‌نظران بر این باورند که ظهور دیکتاتورهایی مانند هیتلر و موسولینی در قرن بیستم، نتیجه‌ی انتشار افکار نیچه است. نیچه در ۱۱ سال اخیر عمر خود به جنون مبتلا شد و در آخرین سال قرن نوزدهم، جهان را بدرود گفت. آثارش به زبان فارسی ترجمه شده است.



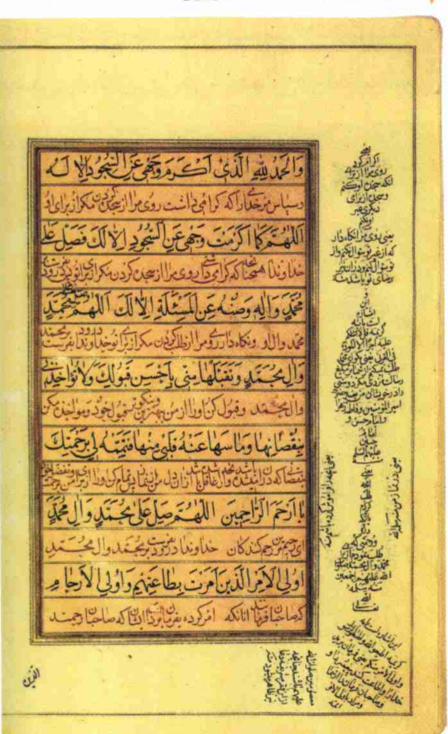
نیریزی، احمد

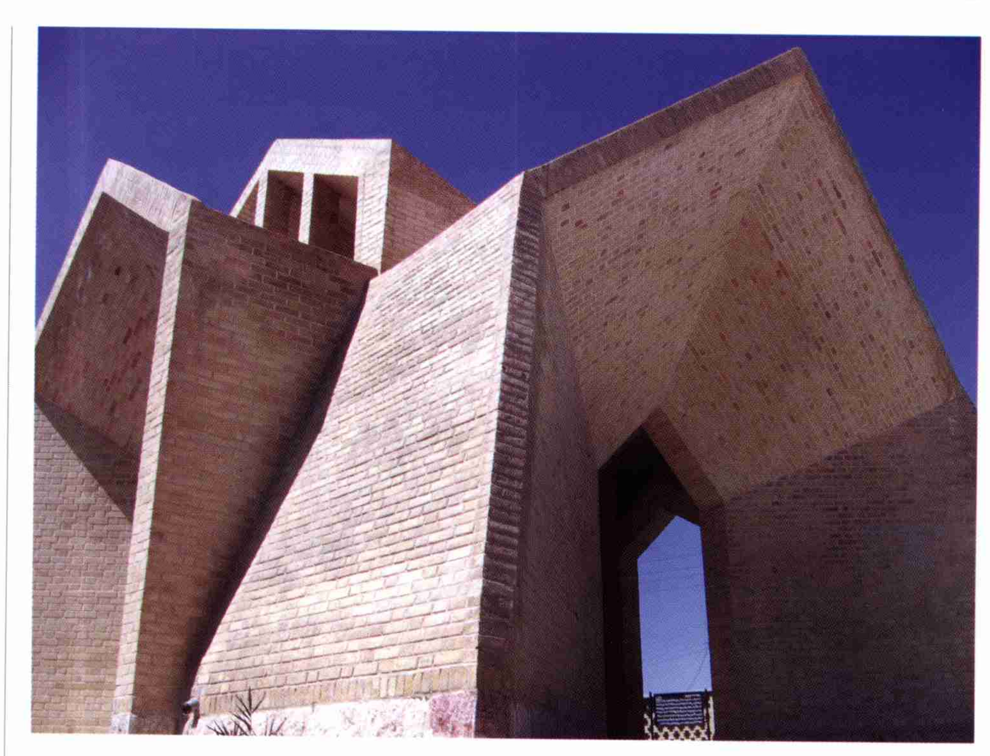
(قرن دوازدهم هجری)

خوش‌نویس و خطاط قرآن

اهل نیریز فارس بود و نخست در شیراز می‌زیست. سپس به اصفهان رفت و در دربار شاه سلطان‌حسین صفوی، به کتابت قرآن مشغول شد. هنرمندی بسیار پرکار بود. به طوری که نوشتن ۱۲۰ نسخه قرآن را به او نسبت می‌دهند. چند قرآن او، که در حال حاضر در کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها نگهداری می‌شود، عبارت است از: **قرآن رحلی** (به قطع ۴۰×۲۵ سانتی‌متر) که در سال ۱۳۴۴ در تهران به همت سازمان اوقاف چاپ شد، **قرآن وزیری** (۲۱/۵×۳۲/۵ سانتی‌متر) موجود در کتاب‌خانه‌ی مجلس،

▼ **نمونه‌ای از خط احمد نیریزی**





▲ بنای یادبودی که برای احمد نیریزی، در زادگاهش نیریز، ساخته‌اند. محل دفن او در اصفهان و ناشناخته است.

قرآن رحلی کوچک (۳۷×۲۴/۵ سانتی‌متر) موجود در کتاب‌خانه‌ی کاخ گلستان، قرآن وزیری (۳۲/۸×۲۰ سانتی‌متر) موجود در کتاب‌خانه‌ی چستربیتی انگلستان، قرآن رحلی (۳۵×۲۲ سانتی‌متر) موجود در موزه‌ی ملی ایران و قرآن وزیری (۲۳/۵×۱۴/۵ سانتی‌متر) موجود در کتاب‌خانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری). نیریزی در اصفهان درگذشت و محل دفن او ناشناخته است. اما در شهر نیریز بنای یادبودی به احترام این خطاط بزرگ ساخته‌اند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

طه (عثمان) ، فضائلی

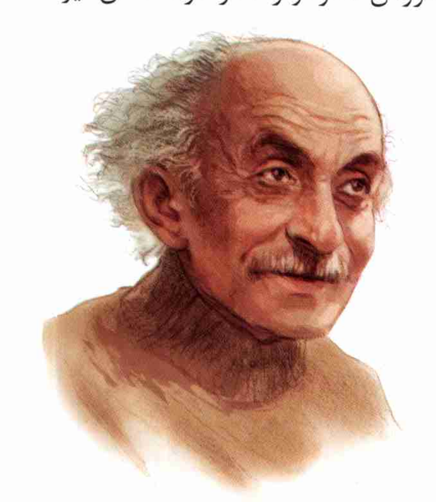


نیما یوشیج

(۱۳۳۸ ـ ۱۲۷۶هـ.ش.)

پدر شعر نو فارسی

نامش علی اسفندیاری، فرزند ابراهیم نوری اسفندیاری بود و در یوش، از روستاهای نور مازندران به‌دنیا آمد. نام شعری نیما را، که وارونه‌ی کلمه‌ی امین است، برای خود انتخاب کرد. نیما در تهران در مدرسه‌ی فرانسوی سن‌لوئی درس خواند و با زبان و ادبیات فرانسوی آشنا شد. در همین مدرسه، یکی از معلمان به نام **نظام وفا**، به استعداد شعری نیما پی برد و او را به شعر گفتن تشویق کرد. نیما ابتدا به شیوه‌ی شاعران قدیم، شعر موزون و قافیه‌دار می‌گفت. ولی بعدها دست به ابتکار زد و با توجه به آشنایی‌اش با ادبیات فرانسوی، سرودن شعر نو را آغاز کرد که آن نیز موزون و قافیه‌دار است ولی قالب‌های عروضی در آن شکسته شده است. نیما در سال ۱۳۰۰هـ.ش. **منظومه‌ی افسانه** را انتشار داد که آن را سرآغاز پیدایش شعر نو می‌دانند. با آن‌که در آن زمان شعر نو با مخالفت زیادی روبه‌رو شد، بعدها در این زمینه شاعران برجسته‌ای چون احمد شاملو، فریدون مشیری، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و... به ظهور رسیدند. از آثار نیما **شهر صبح شهر شب**، **شعر من**، **قلم‌انداز** و **آب در خوابگه مورچگان** است. نیما در وصیّت‌نامه‌اش به دکتر محمد معین، که هرگز او را ندیده بود، اجازه داد پس از مرگش، راجع به چاپ و انتشار آثارش تصمیم بگیرد.



هم‌چنین نگاه کنید به:

ابتهاج ، اخوان ثالث ، شاملو ، معین

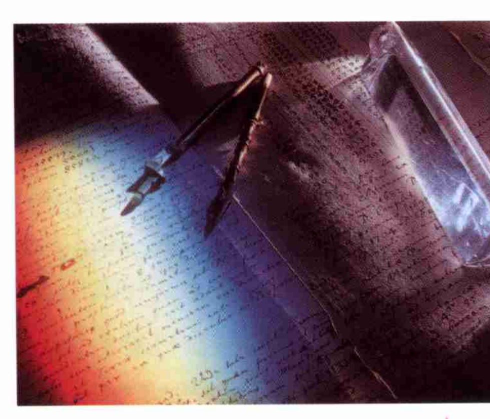


نیوتن، اسحاق

(۱۷۲۷ ـ ۱۶۴۲ م.)

کاشف قانون جاذبه‌ی عمومی

در روستایی نزدیک لندن به‌دنیا آمد. نوزاد بسیار ضعیفی بود و امیدی به زنده ماندنش نداشتند. عمویش او را بزرگ کرد و به مدرسه سپرد. نیوتن بعدها به دانشگاه کمبریج رفت؛ اما بیماری وبا شایع شد و او به‌ناچار، دو سال دانشگاه را ترک کرد و به روستای خود پناه برد. ماجرای افتادن سیب از درخت در پیش چشمان نیوتن، که بسیار مشهور است، در این روستا اتفاق افتاد. می‌گویند همین مشاهده موجب شد که او **قانون جاذبه‌ی عمومی** را کشف کند که انقلابی در جهان علم به‌وجود آورد. طبق این قانون، دو جسم همواره بر یک‌دیگر نیرویی وارد می‌کنند که مقدار آن به مجذور فاصله‌ی آن‌ها از هم بستگی دارد. به کمک این قانون دانشمندان درک



▲ تصویری از دست‌نوشته‌های نیوتن درباره‌ی نور و رنگ.

کردند که چرا ماه دور زمین یا زمین دور خورشید می‌گردد. کشف این موضوع، که نور سفید از هفت رنگ ترکیب شده است **(رنگین‌کمان)**، **اختراع تلسکوپِ آینه‌ای** (به جای تلسکوپِ عدسی‌دار) و بیان **ذره‌ای بودن نور** از کارهای نیوتن است. نیوتن با **ادموند هالی** دوست بود و هالی به او کمک کرد تا کتاب‌هایش را چاپ کند. کتاب **اصول ریاضیات** نیوتن یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در تاریخ این علم است. نیوتن هم‌چنین به عرفان و الهیات بسیار علاقه‌مند بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هالی



وات، جیمز

(۱۸۱۹ ـ ۱۷۳۶ م.)

مهندس و مخترع اسکاتلندی

با آن‌که وات مخترع اولین ماشین بخار نبود، اهمیت اصلاحاتی که روی موتور بخار انجام داد، ارزش کار او را در حد یک مخترع بالا برد. پدر جیمز وات یک کارگاه ابزارسازی داشت و وات با علاقه‌ی بسیار در آن کار می‌کرد. جیمز، که ذهنی علمی داشت، با دانشمندی به نام جوزف بلاک آشنا شد که در رشته‌ی ترمودینامیک (رابطه‌ی حرکت و دما) کار می‌کرد. او از بلاک چیزهای زیادی آموخت و تصمیم گرفت روی ماشین بخار کار کند. سرانجام، توانست موتور بخاری را اختراع کند که برای حمل و نقل از آن استفاده شود. از آن‌جا که وات سرمایه‌ی لازم را برای ساختن نمونه‌ی صنعتی ماشین بخار خود نداشت، ۸ سال کار کرد و پس از به‌دست آوردن سرمایه‌ی کافی، با همکاری شخصی به نام **بولتون**، شرکتی برای ساخت انحصاری **ماشین بخار** ثبت کرد. ماشین بخار وات، نقش مهمی در انقلاب صنعتی اروپا ایفا کرد و چرخ‌های صنعت را در کارخانه‌ها، کشتی‌ها، راه‌آهن و... به گردش درآورد. واتسون ـ وات، نوه‌ی جیمز وات نیز در قرن بیستم رادار را اختراع کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
واتسون ـ وات



واتسون ـ وات، رابرت

(۱۹۷۳ ـ ۱۸۹۲م.)

فیزیک‌دان اسکاتلندی و مخترع رادار

با آن‌که هنریش هرتز، دانشمند آلمانی، را مخترع رادار می‌دانند، در حقیقت مهندسی به نام واتسون ـ وات در جنگ دوم جهانی آن را اختراع کرد و در ارتش انگلستان به‌کار گرفت. او یکی از نوادگان جیمز وات، مخترع ماشین بخار، بود و در رشته‌ی مهندسی از دانشگاه سنت اندروز فارغ‌التحصیل شده بود. در سال ۱۹۱۵، در اداره‌ی هواشناسی انگلستان مشغول به‌کار شد. در آن‌جا روی روش‌های تازه‌ای برای پیش‌بینی وقوع توفان کار می‌کرد و در این اندیشه بود وسیله‌ای بسازد که بتواند از طریق دریافت امواج رادیویی، که رعد و برق آن‌ها را در فواصل دور تولید می‌کند، و سپس آشکار ساختن آن‌ها، احتمال خطر وقوع توفان‌ها را به خلبان‌ها یادآوری کند. وات روی این موضوع کار کرد تا این‌که حدود ۲۰ سال بعد، زمانی که در آزمایشگاه ملی فیزیک کار می‌کرد، در نامه‌ای به دولت انگلستان توضیح داد که چگونه می‌توان از امواج رادیویی برای شناسایی



هواپیما استفاده کرد. او مدل آزمایشی سیستم رادار خود را نیز به نمایش گذاشت که هواپیماها را از فاصله‌ی ۱۴۰ کیلومتری تشخیص می‌داد. بدین ترتیب، در سال ۱۹۳۸، دولت انگلستان اولین سیستم‌های راداری را در جنگ دوم جهانی به‌کار گرفت و موفقیت بسیاری در جلوگیری از حمله‌ی هواپیماهای آلمان نازی کسب کرد. به‌طوری که بدون آن سیستم‌ها، احتمالاً پیروزی انگلستان در جنگ امکان‌پذیر نمی‌شد. واتسون در سال ۱۹۴۲ از دولت انگلستان لقب سِر دریافت کرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
وات (جیمز) ، هرتز

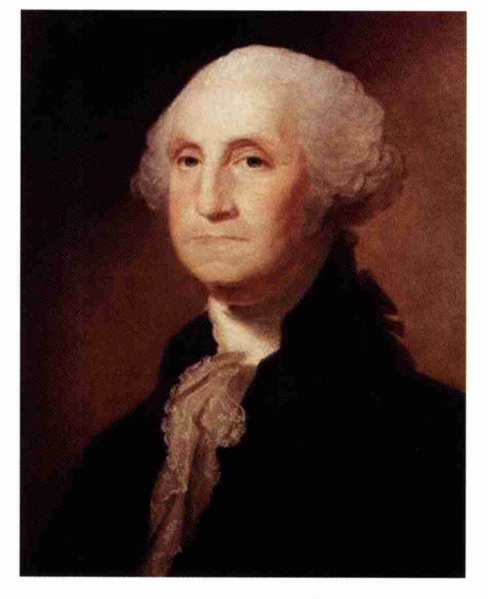


واشینگتن، جورج

(۱۷۹۹ ـ ۱۷۳۳ م.)

نخستین رئیس‌جمهوری آمریکا

مانند دیگر رهبر استقلال آمریکا، توماس جفرسن، جورج واشینگتن نیز اهل ویرجینیا بود؛ اما برخلاف او چندان تحصیل نکرد. در عوض بسیار فعّال و مرد عمل بود. ۵ سال با انگلیسی‌ها بر ضد فرانسویان و اخراج آن‌ها از آمریکا مبارزه کرد. سپس دریافت که باید بر ضد انگلیسی‌ها نیز بجنگد و استقلال کامل آمریکا را به‌دست آورد. از این‌رو، با همکاری توماس جِفِرسن، رهبری نیروهای استقلال‌خواه را به‌دست گرفت و پس از ۸ سال مبارزه، موفق شد دست انگلیسی‌ها را از آمریکا کوتاه کند. پس از جنگ، او که قهرمان ملی آمریکا شده بود، به ریاست جمهوری برگزیده شد و دو دوره این مسئولیت را به‌عهده گرفت؛ اما حاضر نشد برای بار سوم رئیس‌جمهوری شود. جورج واشینگتن ایالات آمریکا را متحد کرد و این اتحاد هنوز هم باقی است. پایتخت آمریکا را به پاس خدمات او به آزادی آمریکا، واشینگتن نامیده‌اند.



هم‌چنین نگاه کنید به:
جفرسن ، فرانکلین



واعظ اصفهانی، سید جمال‌الدین

(۱۳۲۶ ـ ۱۲۷۹ ه.ق.)

خطیب مشروطه

پدرش سیدعیسی نام داشت و از خانواده‌ی معروف صدر بود. سیدجمال در همدان متولد شد. شیرخواره بود که پدرش درگذشت. مادرش او را به تهران آورد و سیدجمال تا ۲۲ سالگی در تهران به کار و تحصیل علوم دینی مشغول شد. در ۲۶ سالگی، به اصفهان رفت، ازدواج کرد، به لباس روحانیت درآمد و واعظ شد. خیلی زود به جمع وعّاظ درجه یک اصفهان پیوست و با واعظ دیگر اصفهانی، ملک‌المتکلّمین، دوست و هم‌فکر شد. سیدجمال واعظ بعدها به تهران مهاجرت کرد. با پیش‌آمدن حرکت‌های مشروطه، او در مسجد شاه تهران (مسجد امام خمینی کنونی) سخن‌رانی‌های مؤثری در حمایت از حکومت قانون و دولت مشروطه ایراد کرد تا سرانجام مظفرالدین‌شاه با حکومت مشروطه موافقت کرد و مجلس شورای ملی تأسیس شد. پس از به توپ بسته‌شدن مجلس به دستور محمد علی شاه، سیدجمال به قصد رفتن به عراق، مخفیانه به همدان رفت؛ ولی حاکم همدان او را دستگیر و در بروجرد زندانی کرد. سرانجام هم دستور داد او را در ۴۷ سالگی خفه کنند. مزار سیدجمال در بروجرد است. فرزند او، سیدمحمدعلی جمال‌زاده، از نویسندگان مشهور ایران بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
جمال‌زاده



والی، عبدالله

(۱۳۸۵ ـ ۱۳۲۷ه.ش.)

نیکوکارِ ایثارگر

اهل محله‌ی دولاب تهران و کارمند بانک صادرات بود. پیش از انقلاب اسلامی با





▲ عبدالله والی مردی که هرگز غم بینوایان را فراموش نکرد.

بنیاد امام صادقؑ در زمینه‌ی کمک به محرومان و مستمندان همکاری می‌کرد. با این سابقه، در سال ۱۳۶۰، از سوی کمیته‌ی امداد امام خمینی، با عده‌ای به هرمزگان رفت تا به خدمت به مردم محروم روستاهای آن استان بپردازد. در آن‌جا به محرومیت فوق‌العاده‌ی منطقه‌ی بَشاگرد (از توابع میناب) پی برد و یک سال بعد مسئول رسیدگی به آن منطقه شد. او تا پایان عمر، خود را وقف رسیدگی به مردم محروم بشاگرد کرد. والی در ۲۲ سالی که در آن‌جا خدمت کرد، ۱۲ بار به بیماری مالاریا مبتلا شد. با این حال، بدون احساس خستگی، صادقانه به خدمت ادامه داد. پاره‌ای از اقداماتی که زیر نظر و به همت او در بشاگرد انجام شد، احداث و مرمت بیش از ۱۱۰۰ کیلومتر راه روستایی، احداث ۳ بند آب برای کشاورزی و آب آشامیدنی، احداث ۳۴ دبستان، ۴ مجتمع آموزشی شبانه‌روزی، ۳ باب خوابگاه دانش‌آموزی، ۲۳ باب مسجد و حسینیه، جمع‌آوری روستاییان از ۱۱۵۰ روستا و اسکان آن‌ها در ۴۳۰ روستا و تحت پوشش قرار دادن بیش از ۱۵ هزار تن از افراد محروم منطقه در کمیته‌ی امداد است. عبدالله والی در ۵۶ سالگی در پی سکته‌ی قلبی در تهران درگذشت.

▶ بشاگرد با تلاش‌های مردانی چون والی شکل جدیدی به خود گرفته است.



وثوق‌الدّوله، حسن

(فوت: ۱۳۲۹هـ.ش.)

نخست‌وزیر و عاقد قرارداد ۱۹۱۹

حسن وثوق‌الدّوله مردی دانش‌آموخته بود و تحصیلات خوبی در زمینه‌ی علوم عربی و فقه و اصول داشت. خط را بسیار خوب می‌نوشت و با ادیب پیشاوری، شاعر بزرگ افغانی، که در ایران می‌زیست، هم‌نشین بود. اما نامش با قرارداد استعماری ۱۹۱۹ چنان گره خورده است که در تاریخ معاصر او را از همین منظر و مهره‌ی انگلستان در ایران می‌شناسند. وثوق از نمایندگان دوره‌ی اول مجلس شورای ملی بود و بعد از به توپ بستن مجلس و بازگشایی دوباره‌ی آن، به ریاست هیئت مدیره‌ی مشروطه انتخاب گردید. در زمان احمدشاه به نخست‌وزیری منصوب شد و در همین دوره قرارداد ۱۹۱۹ را با دولت انگلستان بست. بر اساس این قرارداد، انگلستان می‌توانست هر تعداد از مستشاران خود را که لازم باشد، برای اداره‌ی امور کشور به ایران روانه سازد، برای ایران ارتش واحد و متحدالشّکل تأسیس کند، به ایران وام بدهد، راه‌آهن احداث کند و در عوض گمرک را در اختیار بگیرد. این قرارداد با مخالفت همه‌ی ایران‌دوستان و دل‌سوزان و حتی با مخالفت شخص احمدشاه روبه‌رو شد و احمدشاه آن را امضا نکرد. از این‌رو قرارداد عملی نشد و دولت وثوق هم سقوط کرد. بعد از این ماجرا وثوق‌الدوله از ایران به اروپا رفت و بعدها، که به ایران برگشت، کار مهمی به‌جز ریاست فرهنگستان در دوره‌ی رضاشاه به او واگذار نشد. او در سال‌های بحرانی ملی شدن نفت درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
قوام‌السّلطنه ، مدرّس

وحید بهبهانی

(۱۱۱۷ ـ ۱۲۰۵ هـ.ق.)

پایه‌گذار مکتب اصولی در فقه شیعه

آقا محمدباقر، مشهور به وحید بهبهانی، در اواخر عصر صفوی در اصفهان متولد شد و در این شهر به تحصیل علوم پرداخت. در پی هجوم افغان‌ها به اصفهان، راهی عراق شد و تحصیلات خود را در نجف ادامه داد. در آن زمان اخباری‌ها، که مخالف اجتهاد و استدلال عقلی در دین هستند و فقط احادیث و آیات را معیار درستی احکام قرار می‌دهند، در بهبهان به ترویج اخباری‌گری می‌پرداختند. به این سبب، وحید از نجف به بهبهان رفت و حوزه‌ی درسی خود را در این شهر قرار داد. او مدت ۳۰ سال، از طریق درس و بحث علمی، با اخباری‌ها مبارزه کرد تا سرانجام موفق شد سلطه‌ی علمی آن‌ها را بر حوزه‌ها از بین ببرد. از آن پس تا امروز، همه‌ی علمایی که در حوزه‌های شیعه پدید آمده‌اند، عقل‌گرا و تابع مکتب اجتهاد بوده‌اند. وحید بهبهانی را **استادُ الکُلّ فی‌الکُل** یعنی استاد همگان در همه‌ی علوم لقب داده‌اند. او در اواخر عمر به کربلا رفت و در همان‌جا درگذشت. فرزندان و نوادگان وحید نیز اهل علم بودند و دودمان معروف **آل‌آقا** منسوب به آن‌هاست. شرح کامل زندگی او را شادروان علی دوانی در کتابی به نام **وحید بهبهانی** نوشته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دوانی

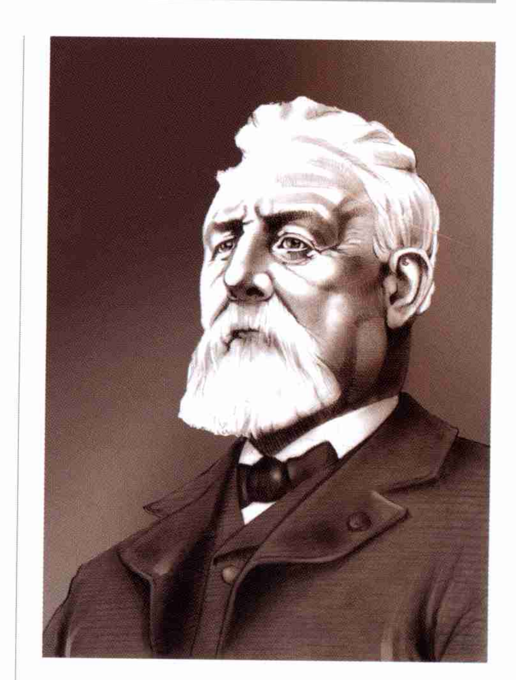


ورن، ژول

(۱۸۲۸ ـ ۱۹۰۵م.)

نویسنده‌ی داستان‌های علمی ـ تخیلی

در شهر نانت فرانسه به‌دنیا آمد. در ۲۱



سالگی، برای تحصیل در مدرسه‌ی حقوق به پاریس رفت. در آن‌جا به نمایش علاقه پیدا کرد و با الکساندر دوما، که صاحب و گرداننده‌ی تئاتر بود، آشنا شد. سپس برای او نمایش‌نامه‌ای نوشت که روی صحنه رفت. ژول ورن با مطالعه در کتاب‌خانه‌ها و آشنایی با کاشفان و جهان‌گردان، به علوم و اختراعات و اکتشافات جدید علمی و مسائل جغرافیایی و سرزمین‌ها علاقه‌مند شد و تصمیم گرفت در این زمینه‌ها داستان‌هایی علمی ـ تخیلی بنویسد. مدتی داستان‌های کوتاه خود را در یک مجله چاپ می‌کرد. هنگامی که ناشری به نام هتزل، دست‌نویس رمان او به نام **پنج هفته در بالون** را دید و از آن خوشش آمد با ژول‌ورن قراردادی ۲۰ ساله امضا کرد تا هر سال، دو جلد رمان برای او بنویسد. از آن پس ژول‌ورن به نگارش رمان‌های علمی ـ تخیلی مشغول شد؛ رمان‌های **مسافرت به مرکز زمین**، **سفر به کره‌ی ماه**، **۲۰هزار فرسنگ زیر دریاها**، **سفر به دور دنیا در ۸۰ روز**، **میشل استروگف** و **جزیره‌ی اسرارآمیز**، حاصل همان قرارداد است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
آسیموف ، کلارک



وزیری، علی محمد

(۱۳۵۵ـ۱۲۷۰هـ.ش.)
احیاکننده‌ی مسجد جامع و بنیان‌گذار کتاب‌خانه‌ی وزیری یزد

نامش سیدمحمد عُریضی یزدی، مشهور به وزیری، از نوادگان سید وزیر، یکی از روحانیان خیّر و خوش‌نام یزد بود. در جوانی به نجف رفت و ضمن تحصیل در آن‌جا، از سوی آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، مرجع بزرگ شیعه، مأموریت یافت با همکاری شیخ غلام‌رضا فقیه خراسانی، حوزه‌ی علمیه‌ی یزد را تأسیس کند. بعدها نیز با کمک شیخ عباس‌علی اسلامی و حمایت آیت‌الله بروجردی، مدارس **جامعه‌ی تعلیمات اسلامی** در یزد تأسیس کرد. او ضمن آن که مسئولیت مرمّت و بازسازی مسجد جامع ویران شده‌ی یزد را به‌عهده گرفت و آن را به وضعیتی مطلوب رساند، **کتاب‌خانه‌ی عمومی وزیری** را نیز در کنار مسجد جامع بنیان نهاد و ۲ هزار جلد کتاب نفیس خطی و چاپی خود را به آن اهدا کرد. در حدود دو دهه بعد، این تعداد کتاب به بیش از ۵۰ هزار جلد رسید و کتاب‌خانه شهرت زیادی پیدا کرد. وزیری در زمان حیات، کتاب‌خانه را وقف آستان قدس رضوی کرد. او اهل شعر و ادب و مردی فاضل و دانشمند بود. مجموعه‌ای از گردآورده‌های او به نام **مجموعه‌ی وزیری** در قم چاپ شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اسلامی



وزیری، علی‌نقی

(۱۳۵۸ ـ ۱۲۶۵هـ.ش.)
پدر موسیقی جدید ایرانی

فرزند موسی‌خان میرپنج، افسر نظام بود و مادرش از اولین زنانی بود که مدرسه‌ی دخترانه دایر کرد و به موسیقی هم آشنا بود. از این‌رو نوجوانی علی‌نقی، هم به مشق نظامی و هم به مشق موسیقی گذشت. نزد سرپرست موسیقی ارتش با نت‌خوانی و مقام‌های موسیقی آشنا شد و ۳ سال در آلمان و فرانسه به آموختن این هنر پرداخت. پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۰۶، مدرسه‌ی عالی موسیقی را تأسیس و شاگردانی چون ابوالحسن صبا و روح‌الله خالقی تربیت کرد. او کسی است که نت‌نویسی را به موسیقی ایرانی وارد کرد و نشان داد که مطربی با موسیقی تفاوت دارد. وزیری مدتی فرمان‌ده هنگِ سواران قائنات در خدمت شوکت‌الملک علم بود و از این‌رو به کلنل (سرهنگ) وزیری شهرت یافت. او مردی آزادی‌خواه، وطن‌دوست، مشروطه‌طلب و با فرهنگ بود و هنرش را به درخواست هر کسی و در هر جا عرضه نمی‌کرد. قطعات **خاک پاک ایران**، **ای وطن**، **مارشِ ایران** و سرود **پاینده ایران** از آثار اوست. وزیری استاد ممتاز دانشگاه تهران بود و از او ده‌ها مقاله، کتاب و اثر موسیقی بر جای مانده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
صبا ، خالقی ، علم



وزیری‌مقدم، محسن

(تولد: ۱۳۰۳هـ.ش.)
نقاش

در تهران، در خانواده‌ای نظامی به‌دنیا آمد. پدرش اهل شعر و ادبیات بود و در اجرای نمایش نیز دست داشت. زندگی محسن وزیری‌مقدم تا اوایل جوانی، به تَبَعِ شغل پدرش، در شهرهای بهبهان، اهواز، کرج و ارومیه گذشت. نقاشی را در ۱۶ سالگی در ارومیه تجربه کرد. برخی مشکلات خانوادگی سبب شد از پدرش در

ارومیه جدا شود و به تهران بازگردد. در تهران، پس از دریافت دیپلم، به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی نقاشی لیسانس گرفت. بعد به ایتالیا رفت و در دانشکده‌ی هنرهای زیبای رُم به تحصیل ادامه داد. او از سال ۱۳۴۴، مدت ۱۰سال در دانشکده‌ی هنرهای تزیینی به تدریس پرداخت. سپس با خانواده‌ی خود به ایتالیا مهاجرت کرد و در شهر رُم مقیم شد. وزیری‌مقدم هیچ‌گاه ارتباط خود را با ایران قطع نکرده و همواره در فضای هنری ایران حضور داشته است. نمایشگاه‌های آثار او در ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا بارها برگزار شده است. وزیری مقدم در سال ۱۳۸۴، در آستانه‌ی ۸۰ سالگی، شوری تازه برای نقاشی در خود احساس کرد و بار دیگر شروع به نقاشی کرد و در عرض ۵ ماه، حدود صد اثر جدید به‌وجود آورد. او صاحب تألیفاتی نیز هست که مشهورترین آن‌ها **شیوه‌ی طراحی** و **اندیشه و کار پل کِله** نام دارد.



وِسپوچی، امریگو

(۱۵۱۲ ـ ۱۴۵۱م.)

کاشف آمریکا

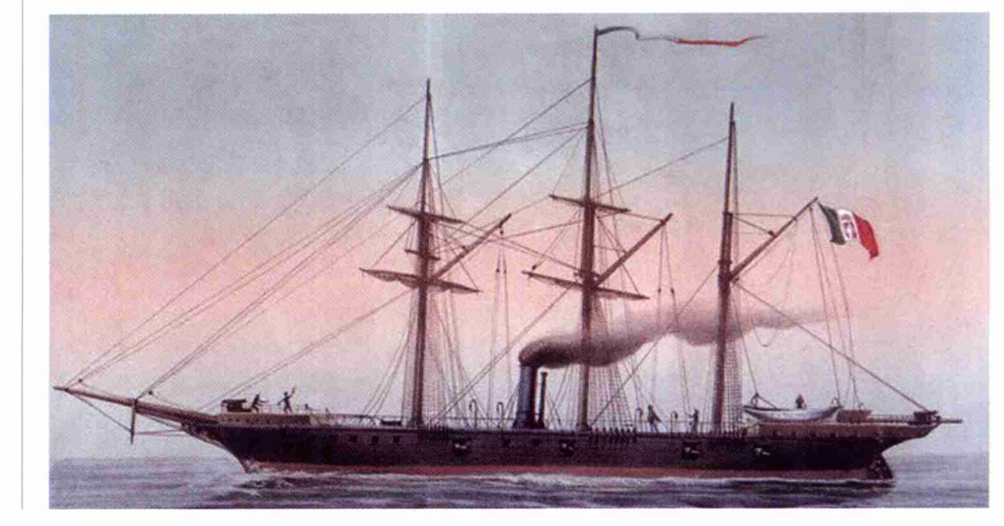
تاجری ایتالیایی بود که در مقام مأمور



▲ با آن‌که کریستف کلمب آمریکا را کشف کرد امریگو وسپوچی آن را شناخت و نام خود را به این قاره داد.

بانک مدیچی، در اسپانیا اقامت گزیده بود و طرف قراردادِ کریستف کلمب برای تدارک سفرهای دریایی او بود. اَمریگو خودش هم دریانورد بود. از این‌رو، وقتی از طرف بانک مدیچی مأمور شد نقشه‌ی سرزمین‌هایی را تهیه کند که کریستف کلمب کشف کرده بود، عازم سفر به‌دنیای جدید شد. بدین ترتیب، در سال ۱۵۰۰م. از پرتغال به غرب اقیانوس اطلس رفت و به کشفیاتی نایل آمد. ابتدا دهانه‌ی رود آمازون در آمریکای جنوبی را کشف کرد و سپس مسیر خود را به طرف شمال اقیانوس اطلس ادامه داد. در آن‌جا دریافت که برخلاف تصور کریستف کلمب، آن ناحیه از کره‌ی زمین، یک قاره‌ی جدید است و نه قسمتی از آسیا. چند سال بعد، یک آلمانی به نام مارتین والد سیمولر نقشه‌ای از قاره‌ی جدید منتشر کرد و چون خواست نامی برای آن انتخاب کند، گفت این نام باید آمریکا باشد؛ زیرا برای اولین بار امریگو وسپوچی کشف کرد که این‌جا یک قاره‌ی جدید است.

▼ وسپوچی با کشتی خود توانست تا شمال آفریقا را طی کند.



هم‌چنین نگاه کنید به:
کریستف کلمب

وِستینگهاوس، جورج

(۱۹۱۴ ـ ۱۸۴۶م.)

صنعت‌گر و مخترع آمریکایی

وستینگهاوس یکی از بزرگ‌ترین مخترعان آمریکاست. نخستین کسی بود که سیستم جریان برق متناوب (AC) را به جای جریان مستقیم (DC) در آمریکا توسعه داد و رقیب ادیسون شد. این سیستم پیش از آن در اروپا ایجاد شده بود و وستینگهاوس، با وارد کردن یک ژنراتور متناوب زیمنس و چند ترانسفورماتور، آن را در آمریکا نیز راه‌اندازی کرد. او برای این کار، **شرکت برق وستینگهاوس** را تأسیس کرد. این صنعت‌گر در ۱۹ سالگی نخستین موتور بخار دَوَرانی و در ۲۲ سالگی، سیستم ترمز قطار را اختراع کرد که در آن، از هوای فشرده استفاده می‌شد. وستینگهاوس در مجموع بیش از ۱۰۰ اختراع به ثبت رسانده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ادیسون

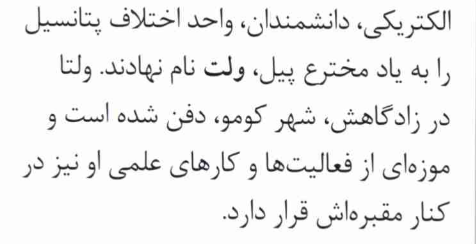


وُلتا، الکساندر

(۱۷۴۵ - ۱۸۲۷م.)

مخترع پیل الکتریکی

در شهر کومو در ایتالیا به‌دنیا آمد. تا ۳۰ سالگی معلم مدرسه بود و سپس استاد فیزیک دانشگاه پاویا شد و تا اواخر عمر در این سِمت باقی ماند. او مردی پژوهشگر بود که در بسیاری از زمینه‌های فیزیک کار و تحقیق می‌کرد. نخستین بار، الکتروفور یا دستگاه تولید الکتریسیته‌ی ساکن را اختراع و با آزمایش‌های خود، **نیروی محرکه‌ی الکتریکی** را کشف کرد و آن را عبارت از، «اختلاف پتانسیل بین دو فلز متفاوت دانست که بین آن‌ها از الکترولیت پر شده است.» این کشف، او را به اختراع پیل الکتریکی رهنمون ساخت و توانست آن را در حضور ناپلئون، امپراتور فرانسه، به نمایش بگذارد. پیل ولتا، انسان را در آغاز راه استفاده از نیروی الکتریسیته قرار داد. نزدیک صد سال بعد از اختراع پیل الکتریکی، دانشمندان، واحد اختلاف پتانسیل را به یاد مخترع پیل، **ولت** نام نهادند. ولتا در زادگاهش، شهر کومو، دفن شده است و موزه‌ای از فعالیت‌ها و کارهای علمی او نیز در کنار مقبره‌اش قرار دارد.



▼ ترابوک، مأمور بیمارستان سن پل (۱۸۸۹)، اثر ونسان ون‌گوگ، رنگ روغن روی بوم
ون‌گوگ در دوره‌ی نسبتاً کوتاه هنری خود، تعدادی تک‌چهره کشید که با استفاده از شیوه‌ی خاص رنگ‌آمیزی و ترکیب‌بندی متفاوت، حس نیرومندی از حضور فرد را در بیننده برمی‌انگیزانند.



وَن گوگ، ونسان

(۱۸۵۳ - ۱۸۹۰ م.)

نقاش هلندی

فرزند یک کشیش پروتستان بود. سال‌های جوانی را به کارهای گوناگونی مانند فروش آثار هنری، تدریس و تبلیغ دین مسیح گذراند و سرانجام به نقاشی روی آورد. در زمینه‌ی طراحی و نقاشی، آموزش کمی دید؛ اما با تلاش و کار زیاد، اندک‌اندک استعدادش آشکار شد. مدتی به پاریس رفت و با هنرمندان آن‌جا آشنا شد. سپس به جنوب فرانسه رفت و تحت تأثیر آب‌وهوای مدیترانه‌ای آن‌جا و آفتاب بی‌نظیرش، که جلوه‌ای استثنایی به رنگ‌ها می‌داد، دیوانه‌وار به نقاشی پرداخت. در آن‌جا مدتی با **گوگن**، نقاش فرانسوی، دوست و هم‌نشین شد. ولی دوستی آن‌ها نپایید و از هم جدا شدند. بعدها ون‌گوگ دچار بیماری روانی شدیدی گشت و در بیمارستان بستری شد. حتی گوش خود را در اثر یک حمله‌ی عصبی برید. با این حال، از نقاشی دست نکشید و آثار برجسته‌ای در بیمارستان به‌وجود آورد. ون گوگ سرانجام در اثر افسردگی شدید خودکشی کرد. رمان **شور زندگی**، نوشته‌ی ایروینگ استون، که به قلم محمدعلی اسلامی ندوشن به فارسی ترجمه شده، روایتی داستانی از زندگی اوست.

گل‌های آفتاب‌گردان، **چهره‌ی نقاش با گوش بریده**، **شب پرستاره**، **کشت‌زار گندم و سروها** از آثار مشهور وَن‌گوگ است.

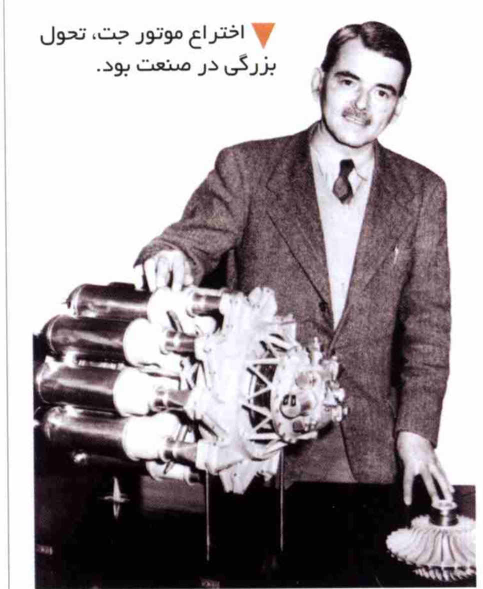
هم‌چنین نگاه کنید به:
گوگن

ویتِل، فرانک

(۱۹۹۶ ـ ۱۹۰۷م.)

خلبان انگلیسی و مخترع موتور جت

پدرش مکانیک بود و ویتل نیز از کودکی به او کمک می‌کرد. پیش از ۱۶ سالگی، به نیروی هوایی انگلستان پیوست و خلبان شد. اما تحصیلات خود را در دانشکده‌ی مهندسی نیروی هوایی و دانشگاه کمبریج ادامه داد. او از همان آغاز کار حرفه‌ای خود نیاز به هواپیمایی را احساس کرد که با سرعت زیاد و در ارتفاع بالا پرواز کند. به همین سبب، پایان‌نامه‌ی خود را به این موضوع اختصاص داد. با این‌که هیچ‌کس از فرانک ویتل حمایت نکرد، او موفق شد **موتور جت** را اختراع کند. با این موتور دیگر نیازی به نصب پروانه روی هواپیما نبود و سرعت بسیار بیش‌تری نیز به هواپیما می‌داد. دولت انگلستان، که نخست به طرح ویتل توجهی نشان نداده بود، پس از اختراع موتور جت، او را به نشان شوالیه و دریافت ۱۰۰ هزار پوند جایزه مفتخر کرد. ویتل بعدها به آمریکا رفت و در شرکت جنرال الکتریک، در برنامه‌ی تولید انبوه موتور جت همکاری کرد. او در ۸۹ سالگی، در مریلند آمریکا درگذشت.



▼ اختراع موتور جت، تحول بزرگی در صنعت بود.



▲ جان وین (نفر سمت راست) ستاره‌ی فیلم‌های وسترن بود.



وین، جان

(۱۹۷۹ ـ ۱۹۰۷م.)

بازیگر آمریکایی

در ایالت آیووا متولد شد و در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی تحصیل کرد. سپس به‌دنیای سینما پا گذاشت. در فیلم‌های وسترن و جنگی، نماد قهرمان آمریکایی با خصوصیات خشن و کاملاً مردانه بود. او با فیلم **دلیجان**، به کارگردانی جان فورد، به شهرت رسید و ۴۰ سال ستاره‌ی بزرگ فیلم‌های وسترن آمریکایی بود. در سال ۱۹۷۰ برای بهترین بازیگر فیلم جوان‌مرد، جایزه‌ی اسکار گرفت. از فیلم‌های معروف او **رود سرخ**، **سه پدرخوانده**، **مرد آرام**، **جست‌وجوکنندگان** و **تیرانداز** است. جان وین سه پسر داشت که هر سه در کار سینما و بازیگری راه پدر را ادامه دادند.



هابل، ادوین

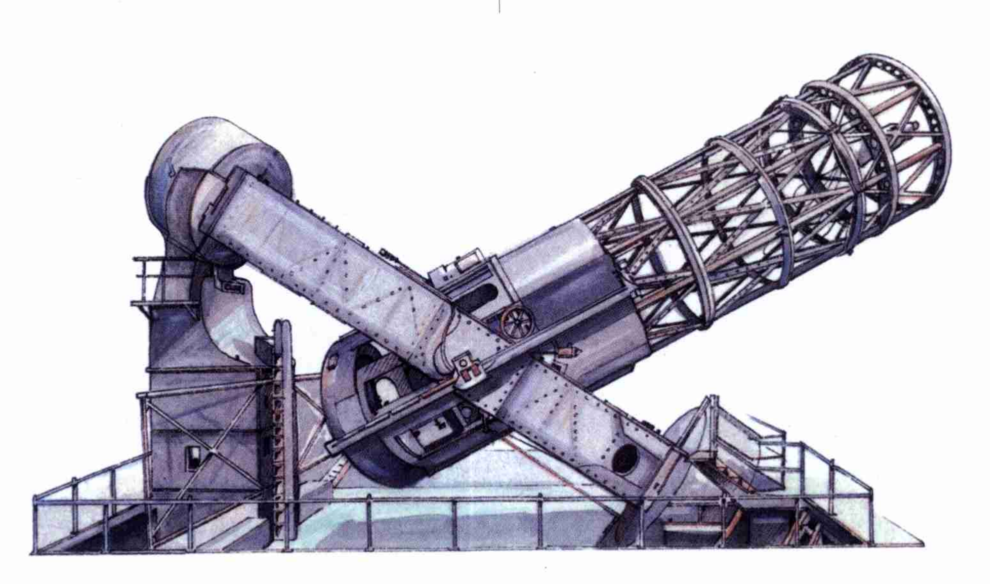
(۱۹۵۳ ـ ۱۸۸۹ م.)

کیهان‌شناس آمریکایی

هابل پس از آن‌که حقوق خواند، در ۲۴ سالگی تغییر رشته داد و وارد دنیای نجوم شد. او روشی را برای دسته‌بندی کهکشان‌ها عرضه کرد که هنوز هم اعتبار دارد و از آن استفاده می‌شود. هابل بنیان‌گذار اخترشناسی فراسوی کهکشان‌ها (کیهان‌شناسی) و نخستین دانشمندی است که اعلام کرد جهان در حال گسترش است و فاصله‌ی بین کهکشان‌ها دائماً رو به زیاد شدن می‌رود. بعدها این نظریه، اساس **نظریه‌ی مهبانگ** قرار گرفت. سازمان فضانوردی آمریکا (ناسا) در سال ۱۹۹۰ تلسکوپ فضایی غول‌پیکری ساخت و آن را **تلسکوپ هابل** نامید که هنوز به کار خود ادامه می‌دهد و تصاویر بسیار شگفت‌انگیزی از مناظر دوردست کیهان به زمین می‌فرستد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
هالی ، هاوکینگ ، هرشل

▼ هابل، از این تلسکوب ۲/۴متری برای کشف گسترش کهکشان‌ها استفاده کرد.





▲ هارون‌الرشید خلیفه‌ای جبار و مقتدر بود.

هارون‌الرشید

(۱۹۳ ـ ۱۴۸هـ.ق.)

خلیفه‌ی عباسی

فرزند مهدی، خلیفه‌ی عباسی، و خودش پنجمین خلیفه از این خاندان بود. او را نام‌آورترین خلیفه‌ی عرب می‌دانند و کسی است که مملکت اسلامی را به پهناورترین حد خود تا آن زمان رساند. خاندان برمکیان در به قدرت رسیدن هارون بسیار مؤثر بودند. از این‌رو، هارون یحیی برمکی را به وزارت خود برگزید و دو فرزند یحیی، جعفر و فضل نیز، دستیاران پدر شدند. اما این وضع چندان ادامه نیافت و هارون بر این خاندان خشم گرفت و دستور داد جعفر را به قتل برسانند و یحیی و دیگر فرزندانش را نیز به زندان اندازند. آن‌دو در زندان مردند و خاندان برمکیان متلاشی شد. در زمان هارون، بغداد بسیار آباد شد و مرکز علم و فرهنگ و هنر و پایتخت بزرگ‌ترین دولت جهان گردید؛ به گونه‌ای که داستان‌های هزارویک شب، که تا امروز باقی است، بر محور شکوه و تجمل همین شهر پدید آمد و نام هارون نیز در آن گنجانده شد. هارون با شیعیان مخالف بود و از کارهای زشت او زندانی کردن حضرت امام موسی کاظم(ع)، هفتمین امام شیعیان برای سال‌های طولانی و سپس شهید کردن ایشان بود. این خلیفه با شارلمانی، پادشاه فرانک‌ها که در اروپا فرمان‌روایی می‌کرد، معاصر بود و بین دو مملکت ارتباط بازرگانی برقرار شد. بعد از هارون، نخست فرزندش امین، که عرب‌تبار بود، قدرت را به‌دست گرفت. ولی خیلی زود فرزند دیگرش مأمون، بر او غلبه کرد و با کشتن وی بر مسند خلافت نشست.

همچنین نگاه کنید به:

برمکیان ، شارلمانی ، مأمون ، موسی کاظم(ع)



هاروی، ویلیام

(۱۶۵۷ ـ ۱۵۷۸ م.)

پزشک انگلیسی و کاشف گردش خون

ویلیام یکی از ۱۰ فرزند توماس هاروی، تاجر ثروت‌مند انگلیسی، و تنها فرزند او بود که برعکس برادرانش که تاجر شدند، به کسب دانش رو آورد. او با تحصیل در دانشگاه پادوای ایتالیا، پزشک شد. تا زمان هاروی، پزشکان همان نظر جالینوس، طبیب یونانی را باور داشتند که گفته بود رگ‌های بدن خون را به قلب می‌برند و بازمی‌گردانند. در حقیقت، جالینوس اطلاعی از کارکرد دقیق قلب و وظیفه‌ای که سرخ‌رگ‌ها و سیاهرگ‌ها در خون‌رسانی به بدن دارند، نداشت. هاروی نخستین بار، با مشاهدات دقیق و منظم خود، دریافت که قلب دارای عضلاتی قوی است و مانند یک تلمبه، خونی را که سیاهرگ‌ها به آن می‌رسانند، در سرخ‌رگ‌ها پمپاژ می‌کند. بدین ترتیب، خون در رگ‌های بدن همواره فقط در یک جهت حرکت می‌کند.

همچنین نگاه کنید به:

ابن نفیس ، جالینوس



هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر

(تولد: ۱۳۱۳هـ.ش.)

اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس‌جمهوری ایران

هاشمی رفسنجانی در یکی از روستاهای رفسنجان به نام **نوق** متولد شد. پدرش مردی کشاورز و باتدبیر و عمویش روحانی با نفوذی بود. در نوجوانی به قم رفت و به تحصیل در حوزه پرداخت. او طلبه‌ای کوشا، تیزفهم و موفق بود؛ به‌طوری که از دست آیت‌الله بروجردی جایزه گرفت. از همان آغاز به دنبال نوآوری و طرح مسائل جدید بود و از این‌رو با محمدجواد باهنر و محمدباقر مهدوی، مجله‌ی **مکتب تشیع** را انتشار داد که خوانندگان بسیاری پیدا کرد. با آغاز نهضت اسلامی به

▼ هاشمی رفسنجانی در شکل دادن به جمهوری اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا کرده است.



رهبری امام‌خمینی، هاشمی رفسنجانی نیز در شمار فعالان نهضت در آمد که دستگیر و به سربازی اجباری اعزام شد. پس از سربازی، به مبارزه‌ی علمی و عملی از طریق سخن‌رانی، نوشتن و فعالیت‌های اجتماعی ادامه داد.

در دو دهه‌ی ۴۰ و ۵۰، پیوسته در معرض دستگیری بود و بارها تحت تعقیب قرار گرفت، زندانی شد و شکنجه‌های سخت دید. در سال ۱۳۵۳ مخفیانه به دیدار امام‌خمینی به نجف رفت و پس از دیدار با ایشان، در لبنان نیز با امام موسی صدر، شیعیان لبنان و مجاهدان فلسطینی دیدار کرد. در همان سفر به اروپا، آمریکا و ژاپن رفت و کشورهای گوناگون را دید. پس از بازگشت به ایران، بار دیگر همراه آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مهدوی کنی و بسیاری دیگر به زندان افتاد، اما با پیروزی انقلاب، از زندان آزاد شد. هاشمی رفسنجانی از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در رده‌ی مسئولان تراز اول جمهوری اسلامی بوده و در شکل دادن به جمهوری اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. نمایندگی و ریاست مجلس شورای اسلامی، دو دوره ریاست جمهوری، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست مجلس خبرگان، از جمله مسئولیت‌های او در این سال‌ها بوده است. در جنگ تحمیلی نیز از سوی امام‌خمینی فرمان‌دهی جنگ را عهده‌دار بود. از آثار اوست: **سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار**، **امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار**، **تفسیر راهنما** و **خاطرات**.

هم‌چنین نگاه کنید به:

باهنر ، بهشتی ، خامنه‌ای



هالی، ادموند

(۱۷۴۲ ـ ۱۶۵۶ م.)

اخترشناس انگلیسی

هالی در لندن به‌دنیا آمد. برای تحصیل در رشته‌ی نجوم وارد دانشگاه آکسفورد شد. ولی پیش از دریافت مدرک تحصیلی، دانشگاه را رها کرد، به جزیره‌ی سنت هِلِن در جنوب اقیانوس اطلس رفت و به رصد ستارگان پرداخت. در آن‌جا نقشه‌ای از آسمان با ۳۴۱ ستاره تهیه کرد. این کار سبب شد او را در ۲۲ سالگی، به عضویت انجمن سلطنتی نجوم انگلستان بپذیرند.

هالی با نیوتن دوست بود و به او در چاپ کتاب‌ها و انتشار نظریاتش کمک مالی می‌کرد. او کاشف **ستاره‌ی دنباله‌داری** است که به نام خودش **هالی** نامیده شده است. ستاره‌ی دنباله‌دار هالی هر ۷۶ سال یک‌بار از روی زمین، آن هم مدت کوتاهی، دیده می‌شود. آخرین بار این ستاره در سال ۱۳۶۵ه‍.ش.(۱۹۸۶ م.) ظاهر شد و در ایران نیز قابل مشاهده بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:

هابل ، هرشل ، نیوتن



هاوکینگ، استیفن

(تولد: ۱۹۴۲ م.)

فیزیک‌دان و کیهان‌شناس انگلیسی

هاوکینگ، یک فیزیک‌دان نظری فوق‌العاده چه از نظر علمی و چه از نظر جسمی، است. تحقیقات وسیع او درباره‌ی سیاه‌چاله‌ها، نسبیّت، گرانش و کیهان‌شناسی آن‌قدر

▼ در سال ۲۰۰۷م. هاوکینگ اعلام کرد که تمایل دارد به فضا برود و بی‌وزنی را تجربه کند. او نمی‌توانست به‌دلیل وضعیت جسمانی‌اش به فضا برود. به همین سبب، سوار بر هواپیمای مخصوص ناسا برای تمرین‌های فضایی شد که به مناطق فوقانی جو می‌روند و پس از اوج گرفتن، سقوط می‌کنند. هاوکینگ با درک نسبیت عام اینشتین آن را تجربه کرد.



گسترده و با اهمیت است که بر حوزه‌ی کار بسیاری از دانشمندان دیگر اثر گذاشته است. برای مثال، **نظریه‌ی مهبانگ** او همواره مورد بحث کیهان‌شناسان است. هاوکینگ از ۲۲ سالگی به بیماری درمان‌ناپذیر کاهیدگی عضلات دچار شد و از آن زمان با بدنی علیل و ذهنی نیمه‌فلج، روی صندلی چرخ‌دار نشسته است. با این حال، به مسافرت‌های زیاد رفته و سخن‌رانی‌های بسیار ایراد کرده و کتاب‌های متعددی نوشته است. کتاب **تاریخچه‌ی زمان**، که در سال ۱۹۸۸ نوشت، در ردیف کتاب‌های علمی پرفروش جهان قرار دارد. هاوکینگ در سال ۱۹۷۹ استاد کرسی ریاضیات دانشگاه کمبریج شد و این مقامی است که پیش از آن دانشمندی مثل نیوتن در اختیار داشته است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

هابل



هدایت، صادق

(۱۳۳۰ ـ ۱۲۸۱ه.ش.)

نویسنده و پژوهشگر

در تهران به‌دنیا آمد. نوه‌ی رضاقلی‌خان هدایت، ادیب دوره‌ی قاجار بود. در سال ۱۳۰۴، برای تحصیل در رشته‌ی مهندسی، به فرانسه اعزام شد. ولی پس از چند سال، درس را رها کرد، به ایران بازگشت و به کار در اداره‌ای دولتی پرداخت. هدایت شیفته‌ی ادبیات بود و اوقات خود را به مطالعه و نشست و برخاست با نویسندگانی مانند مجتبی مینوی، مسعود فرزاد و بزرگ علوی می‌گذراند. این افراد که به **گروه ربعه** مشهور شدند، در قهوه‌خانه‌ای جمع می‌شدند و با یک‌دیگر از ادبیات و شعر و هنر گفت‌وگو می‌کردند. هدایت یکی از بنیان‌گذاران ادبیات جدید ایران است و در چند زمینه،



تصویر صادق هدایت، اثر جواد علیزاده

کارهای قابل توجهی انجام داد. در زمینه‌ی داستان‌نویسی، کتاب‌هایی چون **زنده به گور**، **سه قطره خون**، **سایه‌ی روشن**، **بوف کور**، **سگ ولگرد**، و **علویّه خانم** را نوشت. در زمینه‌ی ادبیات قبل از اسلام، آثاری مانند **کارنامه‌ی اردشیر بابکان** و **گزارش گمان‌شکن** را از پهلوی به فارسی ترجمه کرد. در زمینه‌ی فرهنگ مردم، **اوسانه**، **نیرنگستان** و **ترانه‌های عامیانه** را نوشت. هدایت گرایش و علاقه‌ی شدیدی به ایرانِ قبل از اسلام داشت. از این‌رو، به هند رفت، زبان پهلوی را فراگرفت و چند اثر از این زبان را به زبان فارسی برگرداند. نثر هدایت ساده، روان و روشن است و در کارش عبارت‌پردازی و جمله‌سازی و هنرنمایی نیست. حتی در تاریک‌ترین و آشفته‌ترین داستان‌هایش نثر زیبایی دارد. صادق هدایت از نظر شخصی و روحی، آشفتگی‌ها و نابسامانی‌هایی داشت. به زندگی علاقه نداشت، بی‌قرار بود و این بی‌قراری سبب شد مرخصی بگیرد، ایران را ترک کند و به پاریس برود. اما در پاریس هم آرام و قرار نیافت و سرانجام، صبح یکی از روزهای فروردین ۱۳۳۰، خودکشی کرد. او هنگام مرگ ۴۹ سال داشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.



هِدین، سون

(۱۹۵۲ ـ ۱۸۶۵ م.)

جهان‌گرد و کویرشناس سوئدی

در استکهلم به‌دنیا آمد. از آغاز نوجوانی، در اندیشه‌ی رفتن به سفرهای طولانی و اکتشافی بود. نیمی از عمر خود را در سفر، به‌خصوص به ایران و چین و هند گذراند. ۲۵ ساله بود که منشی سفارت سوئد در تهران شد. در این مأموریت به قله‌ی دماوند صعود کرد. سپس به میهنش بازگشت و بار دیگر تصمیم گرفت از راه ایران و با گذر از کویر مرکزی، به هندوستان برود. برای این سفر، در سال ۱۹۰۵، که مصادف با سال نهضت مشروطه‌ی ایران بود (۱۲۸۵ه.ش.)، از راه استانبول به آذربایجان و تبریز و تهران سفر کرد. آن‌گاه با کرایه کردن تعدادی شتر، با چند راهنما، از کویر مرکزی ایران گذشت و خود را به هندوستان رساند. او شرح این سفر را در کتاب بسیار خواندنی و مفصّلی، که صدها عکس و تصویر دارد، منتشر کرد. این کتاب با نام **کویرهای ایران** به قلم دکتر پرویز رجبی به فارسی ترجمه شده است. سون هدین به‌جز این سفر، به تبّت هم رفت و موفق به کشف سرچشمه‌های براهما پوترا، ساتلج و سرچشمه‌های اصلی رود سند شد.



هراتی، سلمان

(۱۳۶۵ ـ ۱۳۳۸ه.ش.)

شاعر معاصر

سلمان هراتی در روستای مَزردشتِ تُنکابن به‌دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. پس از گرفتن دیپلم به مرکز تربیت معلم رفت. او در رشته‌ی هنر فارغ‌التحصیل شد و در مدارس تنکابن به تدریس پرداخت. هم‌زمان با این کار، به



فعالیت‌های ادبی و سرودن شعر روی آورد. متأسفانه سلمان، روزی در راه مدرسه، بر اثر سانحه‌ی تصادف درگذشت. او از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است و با حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی همکاری داشت. هراتی با وجود کوتاهی عمر، در شعر خوش درخشید و چند اثر از خود بر جای گذاشت. **از این ستاره تا آن ستاره، دری به خانه‌ی خورشید** و **از آسمان سبز** از آثار اوست. مزار او در مزردشت است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
امین‌پور ، حسینی (سیدحسن)



هِرتز، هنریش
(۱۸۹۴ ـ ۱۸۵۷ م.)
فیزیک‌دان و مخترع آلمانی

در یک خانواده‌ی مرفه و علاقه‌مند به دانش در شهر هامبورگ به‌دنیا آمد. در دانشگاه مونیخ فیزیک خواند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه برلین رفت. در آن‌جا با **هلمهولتز**، دانشمند بزرگ آلمانی ملاقات کرد و به راهنمایی او تصمیم گرفت روی امواج الکترومغناطیس مطالعه کند. وجود این امواج را جیمز ماکْسِول، از طریق مطالعات ریاضی خود اثبات کرده بود؛ ولی هرتز آن‌ها را نشان داد و با ساختن اولین دستگاه نوسان‌کننده، انرژی الکتریکی را به امواج الکترومغناطیسی تبدیل کرد. بنابراین، باید هرتز را پایه‌گذار ارتباطات رادیویی دانست. بعد از هرتز و با استفاده از مطالعات او، مارکنی توانست رادیو را اختراع کند و واتسون ـ وات نیز رادار را اختراع کرد. در فیزیک، واحد فرکانس را هرتز می‌نامند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
مارکنی ، ماکسول ، واتسون ـ وات ، هلمهولتز



هِرتزل
(۱۹۰۴ ـ ۱۸۶۰ م.)
بنیان‌گذار جنبش صهیونیسم

هرتزل روزنامه‌نگاری یهودی، اهل اتریش و مجاری‌الاصل بود. او در کنگره‌ای که به سال ۱۸۹۷ میلادی در شهر بال سوئیس، با شرکت سران یهود در اروپا تشکیل شد، پیشنهاد تشکیل کشوری مستقل برای یهودیان را مطرح کرد. در این کنگره، برای اولین بار مهاجرت یهودیان به اطراف کوه صهیون (صیون) در فلسطین پیشنهاد شد. هرتزل پیش‌بینی کرد که تا ۵۰ سال دیگر، کشور یهود در آن‌جا تشکیل خواهد شد. بعد از هرتزل، این اندیشه را بزرگان و زرسالاران یهودی دنبال کردند. آنان نخست حمایت انگلستان را برای تشکیل دولت یهودی در فلسطین به‌دست آوردند و یهودیان را به مهاجرت به فلسطین تشویق کردند تا در آینده بتوانند این سرزمین را اشغال کنند. سرانجام، پس از جنگ دوم جهانی، در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل متحد که زیر نفوذ انگلیس و دیگر قدرت‌های جهانی بود، به تقسیم فلسطین و تأسیس کشور اسرائیل رأی داد. تأسیس اسرائیل به بهای اشغال فلسطین و آواره شدن مردم این سرزمین تمام شد و به پیدایش **مسئله‌ی خاورمیانه** منجر گردید که تاکنون حل‌نشده باقی‌مانده است.

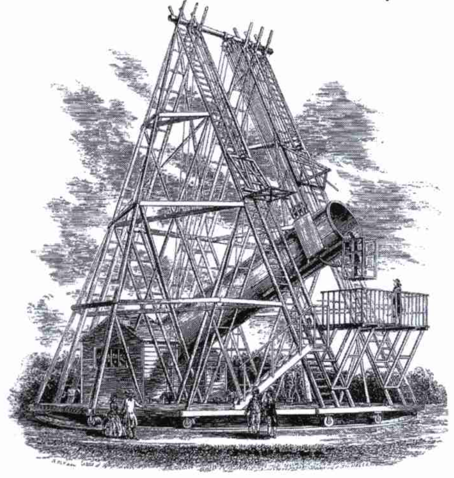


هِرشِل، ویلیام
(۱۸۲۲ ـ ۱۷۳۸ م.)
اخترشناس آلمانی

در شهر هانوفر آلمان متولد شد. ابتدا آهنگ‌سازی می‌کرد؛ ولی بعد به ریاضیات و سپس نجوم علاقه‌مند شد و تا پایان عمر در این کار ماند. هرشل خودش تلسکوپ می‌ساخت. یک بار تلسکوپی ساخت و با آن ستاره‌ی اورانوس و قمرهای آن را کشف کرد. به پاس این کشف، جورج سوم پادشاه انگلستان، او را اخترشناس دربار خود کرد و هرشل در این موقعیت تلسکوپ دیگری ساخت که تا آن زمان بزرگ‌ترین تلسکوپ دنیا بود. او حدود ۲۵۰۰ سحابی و خوشه‌های ستاره‌ای را شناسایی کرد و دریافت که بعضی از سحابی‌ها توده‌هایی از گاز هستند. خواهر هرشل، **کارولین**، نیز زنی دانشمند بود که با برادرش همکاری علمی داشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
گالیله ، هابل ، هالی

▼ تلسکوپ آینه‌ای هرشِل. آینه‌ی تلسکوپ در انتهای پایینی لوله، روی غلتکی قرار داشت تا به بالا یا پایین حرکت کند. کل دستگاه نیز روی چند غلتک استوار شده بود تا امکان چرخش برای آن وجود داشته باشد.





هِرکول

پهلوان اساطیری یونان

هرکول محبوب‌ترین پهلوان در افسانه‌های یونانی است که به دلیل زور بسیار و شجاعتش معروف است. **هرا**، زن زئوس، از هرکول نفرت داشت؛ از این‌رو، دو مار را برای کشتن او به بسترش فرستاد. اما هرکول هر دو مار را خفه کرد. هرا که چنین دید، این بار هرکول را به جنون مبتلا کرد که سبب شد هرکول، همسر و فرزندان خودش را بکشد. هرکول بعدها به دربار شاه اوریستوس رفت و شاه او را از جنون آزاد کرد. اما در عوض، هرکول را به انجام دادن ۱۲ کار مشکل واداشت که به خوان‌های هرکول معروف است. هرکول وقتی درگذشت، به کوه المپ، که جایگاه خدایان یونانی بود، صعود کرد و مقامی نیمه‌خدایی یافت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اطلس ، پرومته ، سیزیف

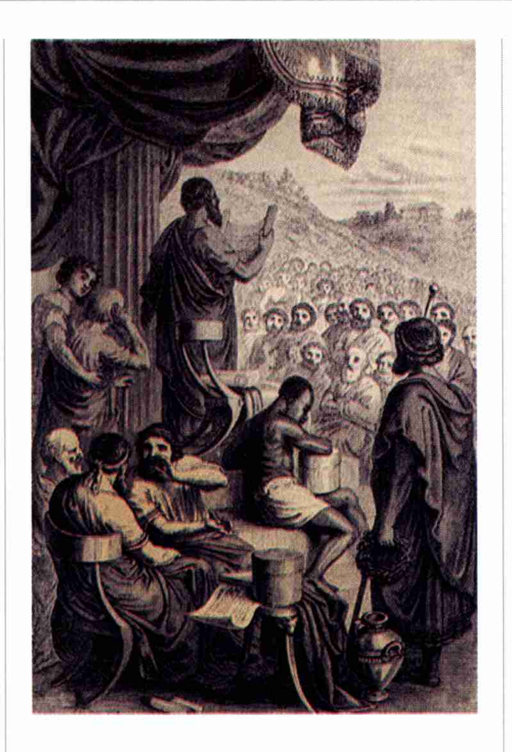


هِرودوت

(۴۲۵ ـ ۴۸۴ ق.م.)

مورّخ یونانی و پدر علم تاریخ

از مردم هالیکارناس، شهری یونانی در آسیای صغیر بود. به سفرهای بسیاری در داخل یونان و در آسیا و آفریقا دست زد و اطلاعات تاریخی فراوانی به‌دست آورد که بعدها برای نوشتن کتاب ۹ جلدی خود از آن استفاده کرد. هرودوت همت خود را بر این گماشته بود که **تاریخ جنگ‌های ایران و یونان** را بنویسد و کتابش از این نظر اهمیت فراوانی دارد. ویژگی هرودوت در این بود که تنها به نقل گفته‌های دیگران بسنده نمی‌کرد؛ بلکه می‌کوشید سخن خود را با اسناد و شواهد



و استدلال همراه سازد. با آن‌که ارسطو و عده‌ای دگر هرودوت را افسانه‌گو خطاب کرده‌اند، تردید نیست که کتاب او از نظر نشان دادن سیمای کلی مشرقِ قدیم قابل استفاده است. اغلب کشفیات بعدی راجع به ایران قدیم هم نوشته‌های او را تأیید می‌کنند. هرودوت ۱۲ سال صرف نوشتن کتاب تاریخ خود، در شهر المپیاد یونان کرد و در رم درگذشت.



هشام‌بِن عبدالمَلک

(۱۲۵ ـ ۷۱ هـ.ق.)

خلیفه‌ی مروانیِ اموی

از خلفای مروانی سلسله‌ی اموی است که در دمشق متولد شد. پس از برادرش یزیدبن عبدالملک، جانشین او شد. در دوره‌ی او سخت‌گیری درباره‌ی علویان (فرزندان علی‌ؑ) بیش‌تر شد و هشام خود به ائمه‌ی شیعه‌ؑ اهانت می‌کرد. از پی‌آمدهای این اهانت، قیام زیدبن علی‌بن‌الحسین‌ؑ همراه با ۴ هزار نفر از مردم کوفه بود. در این قیام، زید به شهادت رسید. در دوره‌ی این خلیفه، فتوحات مسلمانان در ترکستان، قفقاز و اروپا بیش از پیش گسترش یافت. در ادامه‌ی فتح اسپانیا، مسلمانان به فرمان‌دهی عبدالرحمن غافقی تا قلب اروپا پیش رفتند؛ ولی شارل مارتل آنان را در پشت دروازه‌های پواتیه در فرانسه متوقف کرد. هنگامی که بنی‌عباس به قدرت رسیدند، قبر هشام را شکافتند و جسدش را بیرون کشیدند و به دار آویختند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
زیدبن علی ، عمر بن عبدالعزیز



هشترودی، محسن

(۱۳۵۵ ـ ۱۲۸۶هـ.ش.)

استاد ریاضی

محسن هشترودی، معروف به پروفسور هشترودی، در هشترود آذربایجان به‌دنیا آمد. پدرش، شیخ اسماعیل مجتهد، از علمای مشروطه‌خواه بود. هشترودی جزو اولین دانش‌آموزان اعزامی به خارج از کشور در زمان رضاشاه پهلوی بود که به فرانسه رفت. چند سال پزشکی خواند؛ ولی آن را رها کرد و به ایران بازگشت. به دارالمعلمین عالی رفت و لیسانس ریاضی گرفت و چون شاگرد اول شد، بار دیگر برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه اعزام شد و در آن‌جا دکترای ریاضی گرفت. از استادان برجسته‌ی او در ریاضی، **اِلی کارتان** از بنیان‌گذاران ریاضیات جدید بود. پروفسور هشترودی یکی از استادان بزرگ و مشهور ریاضی در ایران است که نه تنها به رشد ریاضیات کمک کرد، بلکه در هنر، فلسفه و ادبیات نیز اهل نظر بود. عده‌ای از استادان ریاضی امروز، شاگردان او بوده‌اند. هشترودی شهرت جهانی داشت و عضو چند انجمن بین‌المللی ریاضی بود.

هم‌چنین نگاه کنید به:
رضا ، مصاحب

هُکوسای کاتسوشی‌کا

(۱۸۴۹ ـ ۱۷۶۰ م.)

نقاش و تصویرگر ژاپنی

هُکوسای هنرمندی ژاپنی است که در آستانه‌ی عصر میجی، یعنی همان عصری که ژاپن چشم به‌دنیای جدید گشود و راه پیش‌رفت و ترقی را آغاز کرد، زندگی می‌کرد. او یکی از پرکارترین و نام‌دارترین استادان نقاشی و نیز استاد ساخت کلیشه‌های چاپی در ژاپن بود. طراحی ساده، رنگ‌بندی خلاقانه و تسلط بر فرم در آثار او در منظره‌نگاری خاور دور تحولی تازه به وجود آورد و بعدها در اروپا نیز تأثیر گذاشت. شهرت هکوسای بیش‌تر به سبب خلق آثار تخیلی از مناظر طبیعی بود و مهم‌ترین آثارش را در سال‌های آخر عمر خود به وجود آورد. او در تصویرگری کتاب، به‌ویژه در ثبت تصاویری از زندگی شهری، مهارتی شگرف داشت. دفترهای طراحی او در ۱۵ جلد، به **دایرةالمعارف زندگی ژاپنی** مشهور شده است. **سرگرمی‌های پایتخت شرقی**، **چشم‌اندازهای قله‌ی فوجی** و **موج بزرگ** از آثار مشهور اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ماسوشیتو

هلاکوخان مغول

(مرگ: ۶۶۳ ه.ق.)

فرمان‌روای مغول در ایران

تولی، پسر چنگیزخان مغول، دو پسر داشت: قوبیلای قاآن و هلاکوخان. اولی چین را فتح کرد و شهر خان‌بالغ (پکن امروز) را گرفت و امپراتور چین شد. هلاکوخان به ایران آمد تا شورش‌ها و



▲ هلاکوخان، به جهان‌گشایی‌های پدربزرگش چنگیز در ایران ادامه داد و بغداد را فتح کرد.

مخالفت‌های مردم ایران با مغولان، از جمله گسترش فرقه‌ی اسماعیلیه را سرکوب کند. وقتی هلاکو به خراسان رسید، نخست قُهستان را، که مرکز اسماعیلیّه بود، گرفت. بعد به قزوین و الموت رفت و در آن‌جا هم مرکز اسماعیلیان را، که قلعه‌ی الموت بود، تسخیر کرد که رئیس اسماعیلیه تسلیم شد. در این ماجرا، خواجه نصیرالدین توسی را که در قلعه محبوس بود نیز، آزاد کرد. از آن پس خواجه وزیر مشاور هلاکو گردید. گام بعدی هلاکوخان، حمله به بغداد و برانداختن خلافت بنی‌عباس بود. در این حمله، او مُستعصَم را دستگیر کرد و به قتل رساند و بدین‌ترتیب، دوران خلافت ۵۰۰ ساله‌ی عباسیان به پایان رسید. هلاکو در بغداد کشتار بزرگی راه انداخت، در عین حال وقتی جاه و جلال خلیفه را دید، با توجه به روحیه‌ی مغولی و صحراگردی خویش، به مستعصم گفت که چرا این اموال را صرف لشکریانش نکرده است تا بتوانند کشورش را حفظ کنند!

هم‌چنین نگاه کنید به:
چنگیزخان ، خواجه نصیرالدین توسی



هُلاند، جان

(۱۹۱۴ ـ ۱۸۴۰م.)

پدر زیردریایی‌های جدید

جان هُلاند معلمی بود که در ۳۲ سالگی، کشورش ایرلند را ترک کرد و به آمریکا رفت. او توانست در آمریکا، اندیشه‌ی پیشین خود را درباره‌ی ساختِ زیردریایی، عملی کند. برای تأمین هزینه‌های این کار، با سازمان مخفی استقلال‌طلبان ایرلند قرارداد بست و یک سال بعد توانست اولین مدل زیردریایی خود را بسازد که تا یک ساعت زیر آب می‌ماند. دو سال بعد، زیردریایی دیگری ساخت و آن را در رود هودسن آزمایش کرد که موفقیت‌آمیز از آزمایش قبلی بود. در همان زمان، توانست در مناقصه‌ی ساخت زیردریایی برای نیروی دریایی آمریکا برنده شود و به دنبال آن، شرکتی برای ساخت آن تأسیس کرد. موفقیت هولاند در کار خود به اندازه‌ای بود که نیروی دریایی آمریکا ۸ فروند از زیردریایی‌های او را خرید.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فولتون





هلمهولتز، هِرمان فون

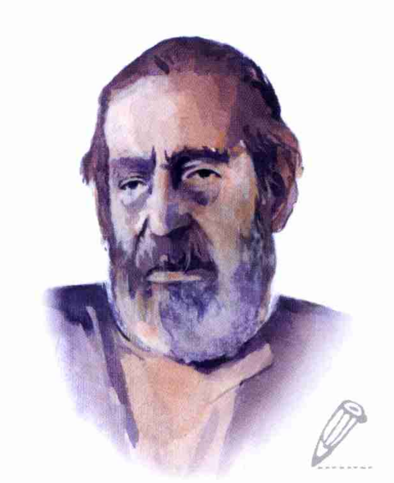
(۱۸۹۴ ـ ۱۸۲۱م.)

فیزیک‌دان، زیست‌شناس، ریاضی‌دان و پزشک آلمانی

در پوتسدام آلمان به‌دنیا آمد. در مؤسسه‌ی سلطنتی فریدریش ویلهلم پزشکی خواند و دکتر شد. هم‌زمان با تحصیل در پزشکی، به مطالعه و تحقیق در علم فیزیولوژی پرداخت و توانست با همکاری عده‌ای از استادان، روش تازه‌ای برای مطالعه‌ی این علم ابداع کند. او در نورشناسی و صوت‌شناسی نیز تحقیقات ارزنده‌ای دارد و بر اساس آن اُفتالموسکوپ یا دستگاه معاینه‌ی چشم را اختراع کرده است. مقام علمی هلمهولتز تا آن‌جا بود که در سال ۱۸۸۵، **پدر علم آلمان** نامیده شد و مشاور ارشد دولت در امور علمی گردید. در این زمان دوستش، زیمنس کارخانه‌دار آلمانی، مبلغ نیم میلیون مارک به او کمک کرد تا صرف تحقیق در علم و فنّاوری کند.

هم‌چنین نگاه کنید به:

زیمنس ، هرتز



همایی، جلال‌الدین

(۱۳۵۸ ـ ۱۲۷۸هـ.ش.)

ادیب، عارف و تاریخ‌نگار

نوه‌ی همای شیرازی، شاعر معروف عصر قاجار بود و در محله‌ی پاقلعه‌ی اصفهان به‌دنیا آمد. او تقریباً بر همه‌ی علوم قدیم، از ادبیات و تاریخ و فلسفه و حکمت گرفته تا ریاضی و هیئت و نجوم و طب و فقه و کلام و حتی خوش‌نویسی و ساختن ماده‌تاریخِ شعر، تسلط داشت. در شرح و تفسیر آثار علمی ابوریحان و خواجه نصیر استاد بود و در فقه نیز مرتبه‌ی اجتهاد داشت. همایی کسی است که توانست تا حد زیادی، علوم اسلامی قدیم را، که بر اثر تجدّد و فرنگی‌مآبی رو به نیستی می‌رفت، نجات دهد. در شعر **سنا** تخلص می‌کرد و اشعار زیادی سروده که در آن‌ها سالِ وفات عده‌ای از شخصیت‌ها را به صورت ماده‌تاریخ بیان کرده است. حتی شعری دارد که در آن، سال وفات خود را پیش‌بینی کرده است. استاد همایی در استخدام وزارت معارف بود و در مدارس تبریز، اصفهان و تهران و نیز دانشکده‌های دانشگاه تهران تدریس می‌کرد. آثار قلمی او بسیار است و زمینه‌های متعددی را دربرمی‌گیرد. **غزالی‌نامه**، **مولوی‌نامه**، **تاریخ علوم اسلامی** و **تاریخ اصفهان** از آثار اوست. همایی در سال ۱۳۵۸ درگذشت و در تخت فولاد اصفهان، در جوار تکیه‌ی شهدا، به خاک سپرده شد.



همّت، محمدابراهیم

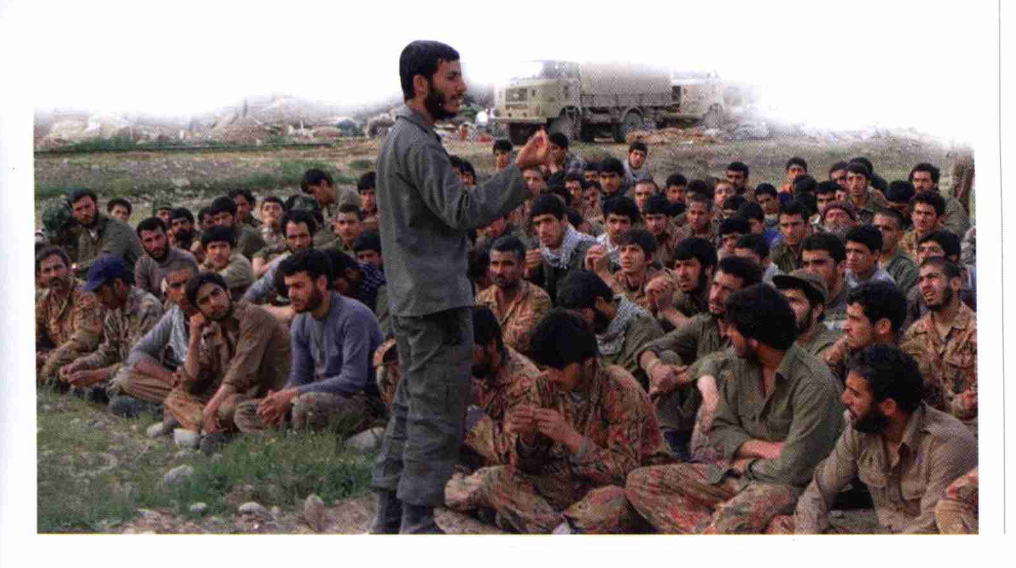
(۱۳۶۲ ـ ۱۳۳۴هـ.ش.)

معلم و فرمان‌ده لشکر محمدرسول‌الله (ص)

در شهرضای اصفهان به‌دنیا آمد. در اصفهان ادامه تحصیل داد و معلم شد. در فضای مبارزه با رژیم پهلوی رشد کرد. اهل مطالعه، فعالیت سیاسی و اندیشه‌های انقلابی و اسلامی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد کمیته‌های انقلاب شد و پس از تأسیس سپاه پاسداران به آن پیوست. سال اول جنگ تحمیلی در کردستان بود و فرمان‌دهی سپاه پاوه را به‌عهده داشت. سپس به جنوب رفت و در نبردهای فتح‌المبین و بیت‌المقدس ایفای نقش کرد. به لبنان هم اعزام شد؛ ولی خیلی زود به ایران برگشت و به فرمان‌دهی لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله (ص) رسید. در عملیات والفجر مقدماتی مسئول سپاه یازدهم قدر بود که خود شامل سه لشکر می‌شد. محمدابراهیم همت در ۲۴ اسفند ۱۳۶۲ در نبرد خیبر، بر اثر اصابت گلوله‌ی توپ به شهادت رسید. همت فضیلت‌های اخلاقی و معنوی بسیار داشت که زبان به زبان نقل شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

باکری ، خرّازی



محمد ابراهیم همت، از سرداران بزرگ دفاع مقدس بود.



همدانیان، علی و حسین

علی (۱۳۴۴ـ ۱۲۷۸ ه.ش.)
حسین (۱۳۵۷ـ ۱۲۷۹ ه.ش.)
کارآفرین و نیکوکار

علی و حسین دو پسر حاج محمدرضا اصفهانی، از بازرگانان معتبر و مشروطه‌خواه اصفهان بودند. علی در ۲۷ سالگی کارخانه‌ی صنایع پشم را در اصفهان تأسیس کرد و بعدها با همکاری برادرش، حسین، کارخانه‌ی شهناز را بنا نهاد. کارخانه‌ی شهناز تا سال‌ها یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های نساجی خاورمیانه بود که با داشتن بیش از ۴ هزار کارگر، روزانه ۱۲۰ هزار متر پارچه تولید می‌کرد و قسمت زیادی از آن به خارج صادر می‌شد. این دو برادر، که بعدها کارخانه‌ی سیمان اصفهان را نیز تأسیس کردند و بخشی از کارخانه‌ی قند نقش جهان را هم مالک بودند، یکی از پایه‌های صنعت و تجارت اصفهان را تشکیل می‌دادند و در کارآفرینی نقش مهمی داشتند. بعد از درگذشت علی، حسین وارث او شد. چون هیچ‌یک از دو برادر فرزندی نداشتند، حسین همدانیان در سال ۱۳۴۴ با ایجاد **مؤسسه‌ی خیریه‌ی علی و حسین همدانیان** همه‌ی اموال منقول و غیرمنقول و سهام خود را در شرکت‌ها و بانک‌ها وقف امور خیر و عام‌المنفعه کرد. این بزرگ‌ترین مؤسسه‌ی خیریه‌ای بود که تا آن زمان در ایران تأسیس شده بود. رژیم پهلوی در سال ۵۰، به اتهام تخلف در امور مالی، حسین همدانیان را تحت تعقیب قرار داد و او را دستگیر کرد. سپس اموال مؤسسه‌ی خیریه‌ی همدانیان را به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی واگذار کرد. حسین همدانیان مدتی در کرج تحت نظر بود و سپس به انگلستان رفت و در آن‌جا فوت کرد. قبر دو برادر، در تکیه‌ی همدانیان در تخت فولاد اصفهان است. مؤسسه‌ی همدانیان که اکنون زیر نظر هیئت امنا اداره می‌شود، شرکت‌های گوناگونی را زیر پوشش دارد و سالانه کمک‌های بسیاری به جامعه و از جمله به دانشگاه اصفهان ارائه می‌دهد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
تفضّلی ، کازرونی



هندی، سید احمد خان

(۱۸۹۸ ـ ۱۸۱۷ م.)
بنیان‌گذار دانشگاه اسلامی علیگر هند

در دهلی، در خانواده‌ای سرشناس و مسلمان، به‌دنیا آمد. تحصیلات معمول را در همان‌جا گذراند و به کار در یک دادسرای مدنی، که زیر نظر کمپانی هند شرقی اداره می‌شد، مشغول شد. از آن‌جا که در کار لیاقت نشان داد، به مسئولیت‌های مهم‌تری گمارده شد. اهل مطالعه، تحقیق، تفکر، نوشتن و پژوهش‌های تاریخی بود و به سرنوشت مسلمانان هند بسیار می‌اندیشید. شورشی که در آن سال‌ها در شهر بَجنور درگرفت و به کشتار و آوارگی جمع کثیری از مسلمانان هندی منجر شد، سیداحمد را تکان داد. به‌طوری‌که تصمیم گرفت رابطه‌ی مسلمانان، هندوها و انگلیسی‌ها را بهبود بخشد. در حقیقت، سیداحمدخان اهل سیاست نبود و بیش‌تر به آموزش و تربیت افراد و اصلاح جامعه از این طریق، فکر می‌کرد. شعار او این بود: **تربیت کنید، تربیت کنید، تربیت کنید**. او در زمینه‌ی این هدف، نخست دو مدرسه در شهرهای مرادآباد و غازی‌پور تأسیس کرد و بعد یک انجمن علمی بنیان نهاد. سیداحمدخان سفری هم به انگلستان رفت که سبب تغییر در دیدگاه‌هایش شد. از آن پس، خود را وقف احیای اجتماعی و فکری مسلمانان کرد. در همین زمینه، در شهر علیگر **کالج اسلامی انگلستان و شرق** را تأسیس کرد که در تربیت نخبگان مسلمان نقش مؤثری داشت. سید می‌کوشید بین علوم غربی و اسلامی به نحوی رابطه و سازگاری ایجاد کند. او از رویارویی با سیاست‌های انگلستان در هند پروا داشت. شاید به همین دلیل، دربار انگلستان به او عنوان اَشرافیِ سِر اعطا کرد. سیدجمال‌الدین اسدآبادی با سیداحمدخان معاصر بود و در نامه‌ای که به او نوشت، افکارش را مورد انتقاد قرار داد. برعکس، محمد اقبال لاهوری از ستایشگران سیداحمدخان بود و در دیوانش او را ستوده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
اسدآبادی ، اقبال لاهوری



هوشی مین

(۱۹۶۹ ـ ۱۸۹۰ م.)
رهبر استقلال ویتنام

هوشی‌مین در زمانی به‌دنیا آمد که کشورش مستعمره‌ی فرانسه بود. در جوانی به فرانسه رفت و به شغل روزنامه‌نگاری و عکاسی پرداخت. ضمن آشنایی با حزب کمونیست فرانسه و علاقه‌مند شدن به آن، به کشورش بازگشت. او در سال ۱۹۲۰، حزب کمونیست ویتنام را تأسیس کرد و تصمیم گرفت برای استقلال ویتنام مبارزه کند. پس از جنگ دوم جهانی، ژاپنی‌ها، که ویتنام را به اشغال خود درآورده بودند، این کشور را ترک کردند. به این سبب، هوشی‌مین در شمال ویتنام اعلام استقلال کرد و هانوی را پایتخت خود قرار داد. اما فرانسوی‌ها فقط حکومت او را در شمال به رسمیت شناختند و جنوب را در اختیار خود نگه‌داشتند. از این زمان، جنگ ویتنامی‌ها با فرانسویان شروع شد. سرانجام، هوشی‌مین به فرمان‌دهی **ژنرال**

جیاپ، آن‌ها را در دژ مستحکم دِین بیِن فو به سختی شکست داد. بعد از این شکست، فرانسویان ناچار شدند از جنوب خارج شوند؛ اما آمریکایی‌های تازه‌نفس جای آن‌ها را گرفتند و جنگ ویتنام ادامه یافت. در این جنگ تازه، که ۱۴ سال طول کشید و چین و شوروی نیز از ویتنام حمایت و به آن کمک می‌کردند، حماسه‌ی بزرگی از مبارزه و مقاومت یک ملت ضعیف در مقابل قوی‌ترین نیروی نظامی به‌وجود آمد. سرانجام نیکسون، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، مجبور شد شکست را بپذیرد و نیروهای خود را از ویتنام خارج کند. به دنبال آن، با امضای قرارداد صلح بین دو طرف (۱۹۷۳)، جمهوری واحد ویتنام تشکیل شد. اما هوشی مین زنده نماند تا شاهد این پیروزی باشد.

همچنین نگاه کنید به:
جیاپ



هوک، رابرت

(۱۷۰۳ ـ ۱۶۳۵م.)

فیزیک‌دان انگلیسی

هوک بسیار باهوش بود و استعداد یادگیری فوق‌العاده‌ای داشت. به‌طوری که می‌گویند دانش او در هندسه، خیلی زود در حد دانش یک معلم هندسه شد و نواختن ارگ را هم در یک هفته یاد گرفت. در چند زمینه برجسته بود؛ اما متأسفانه آن‌قدر بداخلاق و بدرفتار بود که با همکارانش نیز نمی‌توانست سازگاری داشته باشد. با وجود این، رابرت بویل، شیمی‌دان معروف، توانست از او برای ساخت نوعی پمپ هوا کمک بگیرد. هوک کاشف قانون الاستیسیته (کش‌سانی) در فیزیک است. این قانون بیان می‌دارد که وقتی فلزات تحت کشش قرار بگیرند، چه آثاری از خود نشان می‌دهند. **قانون هوک** در فیزیک به نام خودش ثبت شده است.

ساخت **میکروسکوپ مرکّب** یا میکروسکوپی با چند عدسی نیز از کارهای اوست. می‌دانیم که میکروسکوپ ساده‌ی تک‌عدسی را در همان سال‌ها، آنتوان لیوون‌هوکِ دانمارکی اختراع کرده بود. رابرت هوک با میکروسکوپِ اختراعی خود، برای نخستین بار مشاهداتی انجام داد و ساختار چشم مگس و یک سلول گیاهی را مشاهده کرد. کلمه‌ی سلول (cell) را نیز او اولین بار در علوم تجربی به‌کار برد.
کارهای دیگر هوک عبارت است از کشف این‌که سیاره‌ی مشتری، مانند زمین، حرکتِ وضعی دارد (در حالی که بعضی کره‌ها، مانند ماه، حرکت وضعی ندارند)، کشف پدیده‌ی پراش (انحراف نور از اطراف لبه‌ی اجسام)، اختراع نوعی ماشین حساب و فنر مارپیچی برای ساعت کوک‌دار. کوک عضو انجمن سلطنتی انگلستان بود و حاصل مشاهدات، مطالعات و اختراعاتش را در کتابی به نام **میکروگرافیا** منتشر کرد.

همچنین نگاه کنید به:
لیوون‌هوک



هوگو، ویکتور

(۱۸۸۵ ـ ۱۸۰۲م.)

نویسنده، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی

در بزانسون، در شرق فرانسه، به‌دنیا آمد. پدرش افسر ارتش ناپلئون بود و پیوسته در مأموریت به‌سر می‌برد. هوگو علاقه‌ی عجیبی به خواندن آثار بزرگان ادب، به‌ویژه روسو و شاتو بریان داشت. خودش نیز از خلاقیت ادبی برخوردار بود و شعر می‌سرود. در ۱۷ سالگی یک مجله‌ی ادبی به راه انداخت و به دلیل اشعار زیبایش، سه جایزه گرفت. او چند دفتر شعر منتشر کرد که به سبب سبک جدیدش، تحولی در شعر فرانسه به‌شمار می‌آمد. از این‌روست که هوگو را از پیش‌روان مکتب رمانتیک یا رُمانتیسیسم در اروپا می‌دانند. هوگو در ۴۰ سالگی به عضویت فرهنگستان فرانسه درآمد. او فقط ادیب و شاعر و نمایش‌نامه‌نویس نبود؛ بلکه اندیشه‌ی سیاسی هم داشت. با ناپلئون سوم مخالف بود؛ از این‌رو، حدود ۲۰ سال از عمرش را در خارج فرانسه و در تبعید به‌سر برد. نام هوگو از چند رمان او هرگز جدا نمی‌شود که یکی از آن‌ها **گوژپشت نوتردام** و دیگری **بینوایان** است. از هر دو اثر، فیلم و از بینوایان مجموعه‌ی تلویزیونی نیز ساخته شده است. کتاب دیگر هوگو، **مردی که می‌خندد** نام دارد. هوگو در پاریس درگذشت و او را در پانتئون، که مقبره‌ی بزرگان فرانسه است، به خاک سپردند.

همچنین نگاه کنید به:
بالزاک



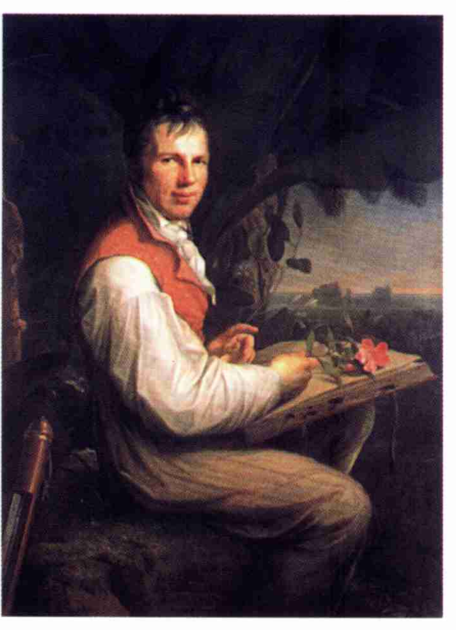
هومبولت، الکساندر فون

(۱۸۵۹ ـ ۱۷۶۹ م.)

جغرافیادان برجسته و کاشف رود آمازون

در خانواده‌ای ثروتمند در آلمان به‌دنیا آمد. در رشته‌های گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، متالورژی، معدن و علم سیاست تحصیل کرد. چند سال به کاوش معدن پرداخت و مدرسه‌ای نیز به هزینه‌ی

▼ هومبولت سراسر عمر ۹۰ ساله‌اش را صرف تلاش و تکاپوی علمی و درنوردیدن آفاق جهان کرد.



خود برای معدنچیان تأسیس کرد. سپس به سفرهای علمی و اکتشافی روی آورد. ابتدا مدتی در کوه‌های آلپ به مطالعه‌ی تأثیر ارتفاع بر آب و هوا و رشد گیاهان پرداخت. بعد از آن به آمریکای جنوبی رفت و به تحقیق و جست‌وجو در جنگل‌های پر باران آن ناحیه و نیز شناسایی رودهای عظیم و طولانی آمازون و اورینوکو مشغول شد. او مسافتی حدود ۱۰ هزار کیلومتر را زیر پا گذاشت و طی این سفر، که ۵ سال طول کشید، حدود ۶۰ هزار نمونه گیاه گردآورد و اطلاعاتی نیز در زمینه‌ی مغناطیس زمین، هواشناسی، زمین‌شناسی و جانورشناسی به‌دست آورد. حاصل بررسی‌ها و خاطرات او از این سفر ۲۳ جلد کتاب شد که آن‌ها را منتشر کرد. هومبولت ۶ ماه نیز به سیبری در شمال روسیه رفت و گزارش‌هایی از آن منطقه با خود آورد. کار مهم دیگر او مدیریت و سازمان‌دهی زنجیره‌ای از ایستگاه‌های هواشناسی در سراسر جهان بود که در آن زمان کاری بسیار مهم و بی‌سابقه به‌شمار می‌رفت. آخرین اثر هومبولت، کتابی در جغرافیا به نام **کیهان** در ۵ جلد بود که در سال‌های پایانی عمر نسبتاً طولانی خود تألیف کرد. این چهره‌ی برجسته و کم‌نظیر، به مسائل انسانی و معنوی نیز توجه داشت. در انجمن فلسفی آمریکا عضو بود و به‌ویژه در سال‌های پایانی عمر با صدای بلند اعتراض خود را بر ضد نژادپرستی اعلام کرد. هومبولت در ۹۰ سالگی در برلین درگذشت.

هویدا، امیر عباس

(۱۳۵۷ ـ ۱۲۹۸هـ.ش.)

نخست‌وزیر پهلوی دوم

فرزند حبیب‌الله عین‌الملک بود. خود و پدرش، از پیروان مسلک بهائی بودند. امیرعباس در تهران متولد شد؛ اما بیش‌تر دوره‌ی کودکی و همه‌ی سال‌های نوجوانی و جوانی را در دمشق، بیروت، فرانسه و انگلستان گذراند. طی این سال‌ها، بیش‌تر در مدارس فرانسوی و مؤسسات اروپایی آموزش دید و سرانجام، لیسانس علوم سیاسی خود را از دانشگاه آزاد بروکسل گرفت و چند سال بعد به ایران برگشت. پس از ورود به ایران، تا هنگامی که به نخست‌وزیری رسید، به مسئولیت‌های گوناگونی در داخل و خارج کشور منصوب شد. پس از کشته شدن حسن‌علی منصور به دست اعضای هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی، شاه هویدا را به مقام نخست‌وزیری برگزید و هویدا ۱۳ سال در این سمت بود. در این سال‌ها، فساد اداری، مالی و اخلاقی گسترش یافت. سلطه‌ی آمریکا بر ایران بیش از پیش افزون و بر استبداد شاه نیز افزوده شد و کشور هرچه بیش‌تر به سوی غربی شدن پیش رفت. در این هنگام، اعتراض مردم، روحانیان و روشن‌فکران بالاگرفت. سرانجام، شاه در اثر فشارهای داخلی و خارجی، در سال ۱۳۵۶ هویدا را از نخست‌وزیری برکنار و **جمشید آموزگار** را به جای او منصوب کرد. این در حالی بود که دامنه‌ی اعتراض‌های مردمی روزبه‌روز بیش‌تر می‌شد. پس از چندی، امیرعباس هویدا، که وزیر دربار شاه بود، به دستور شاه به جرم فساد مالی و اداری و عامل نارضایتی مردم ایران به زندان افتاد. با پیروزی انقلاب اسلامی، او که هنوز در زندان بود، در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و اعدام شد.



امیر عباس هویدا، نخست وزیر و ارتشبد نصیری، رئیس ساواک هر دو در سرکوب مردم و تحکیم رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی نقش فعالی ایفا کردند.

همچنین نگاه کنید به:
پهلوی (محمدرضا)



هویگنس، کریستین

(۱۶۹۵ ـ ۱۶۲۹ م.)

ریاضی‌دان، منجم و فیزیک‌دان هلندی

هویگنس دانشمندی بود که سراسر عمر خود را به کسب علم، ابداع و اختراع گذراند. پدرش مردی ثروت‌مند، دیپلمات، شاعر و مسلط به زبان لاتینی بود. خودش نیز دانش‌آموخته‌ی ریاضیات و حقوق در دانشگاه لیدن هلند بود. با پاسکال همکاری می‌کرد و با لایپ نیتس، دانشمند آلمانی، رابطه‌ی دوستانه داشت. برخی از مهم‌ترین کارهای هویگنس عبارت است از: طرح نظریه‌ی موجی بودن نور، کشف شکل واقعی حلقه‌های زحل و نیز کشف یکی از قمرهای آن، ساخت تلسکوپ‌های قوی، همکاری در تأسیس فرهنگستان علوم فرانسه و اختراع ساعت آونگ‌دار. او با استفاده از مطالعات گالیله، کشف کرد که آونگ، در نقش تنظیم‌کننده، در اندازه‌گیری دقیق زمان مؤثر است و به این ترتیب، **ساعت آونگ‌دار** را ساخت. هویگنس در سال‌های آخر عمرش در دیدار از لندن با اسحاق نیوتن ملاقات کرد. در آن‌جا به عنوان عضو انجمن سلطنتی انگلیس انتخاب شد. سه سال بعد لوئی چهاردهم، پادشاه فرانسه از او دعوت کرد تا مقدمات سازمانی شبیه **انجمن سلطنتی انگلیس** را پایه‌گذاری کند. در سال ۱۶۶۸ آکادمی سلطنتی علوم فرانسه جلسات خود را به ریاست هویگنس آغاز

کرد. مهم‌ترین کار علمی هویگنس اعلام نظریه موجی نور بود. نظریه موجی نور که در مقابله با نظریه ذره‌ای نیوتن بیان شد به خوبی توانست رفتارهای شکست، بازتابش و تداخل نور را توضیح دهد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
پاسکال ، گالیله ، نیوتن

هیتلر، آدُلف

(۱۹۴۵ ـ ۱۸۸۰ م.)

رهبر آلمان نازی در جنگ دوم جهانی

در اتریش متولد شد. پدرش کارمند گمرک بود. هنگامی که در دبیرستان درس می‌خواند، تحت تأثیر معلم تاریخ خود به برتری نژاد ژرمن بر نژادهای دیگر عقیده پیدا کرد. در جوانی هنرمند بود و به کارهایی مانند نقاشی و کشیدن پوستر می‌پرداخت. در جنگ اول با شهامت جنگید و نشان **صلیب آهن** گرفت. بعد از جنگ به حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان (نازی) پیوست و کتابی به نام **نبردِ من** نوشت و در آن، عقاید و افکار سیاسی خود را شرح داد. هیتلر، که پیوسته برای مردم سخن‌رانی‌های آتشین می‌کرد، طرفداران زیادی پیدا کرد و حزب او در انتخابات برنده و خودش از سوی **هیندنبورگ**، رئیس جمهوری آلمان، صدراعظم آلمان شد. بعد از مرگ هیندنبورگ، هیتلر مقام ریاست جمهوری را تصرف کرد و خود را پیشوای آلمان خواند. در این دوره، او به سرعت اقتصاد آلمان را بازسازی کرد، صنایع را رونق داد و کشور را برای جنگ با دشمنان آلمان آماده ساخت. سرانجام در سال ۱۹۳۹، با حمله‌ی ناگهانی به لهستان، جنگ دوم جهانی را آغاز کرد و ایتالیا و ژاپن را نیز با خود همراه ساخت. جنگ دوم جهانی ۶ سال طول کشید و با وجود پیش‌رفت برق‌آسای آلمان در سال‌های اول، این کشور شکست فاجعه‌باری خورد. هیتلر در همان شبی که برلین پایتخت آلمان به‌دست متفقین در حال سقوط بود، با همسرش خودکشی کرد و دستور داد جسدشان را بسوزانند. هیتلر در عملی کردن اهداف خود، هر اندازه هم که آن عمل وحشیانه بود، تردید به خود راه نمی‌داد. بعد از هیتلر، آلمان به دو کشور آلمان شرقی در بلوک شوروی و آلمان غربی در بلوک غرب تقسیم شد. اما در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، دوباره وحدت خود را بازیافت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
استالین ، چرچیل ، روزولت





هیچکاک در صحنه‌ای از فیلم پرندگان (۱۹۶۳)

هیچکاک، آلفرد

(۱۹۸۰ ـ ۱۸۹۹م.)

کارگردان انگلیسی

هیچکاک، که به استاد هیجان و دلهره در سینما مشهور است، در لندن زاده شد. نخست در رشته‌ی مهندسی تحصیل کرد؛ ولی آن را نیمه‌کاره گذاشت و به فیلم‌سازی روی آورد. در سال ۱۹۲۲، دستیار کارگردان شد و اولین فیلمش را با نام **باغ تفرج** ساخت. در ۴۰ سالگی، به هالیوود رفت و در آن‌جا فیلم **ربه‌کا** را ساخت که جایزه‌ی اسکار گرفت. از دیگر فیلم‌های او **حق‌السّکوت، مردی که زیاد می‌دانست، ۳۹ پله، سوءظن، بدنام، طلسم‌شده، سرگیجه، روح** و **پرندگان** است. موضوع فیلم‌های هیچکاک تقابل بین نیک و بد، ترس، هیجان، خشونت و دلهره است.



هیروهیتو

(۱۹۸۹ ـ ۱۹۰۱ م.)
امپراتور ژاپن در جنگ دوم جهانی

هیروهیتو پسر بزرگ آشی‌هیتو، نوه‌ی ماسوشیتو و صدوبیست‌وچهارمین نفر از نسل جیمو، نخستین امپراتور ژاپن، بود. او اولین شاهزاده‌ی ژاپنی بود که در تاریخ این کشور به خارج سفر کرد و به اروپا رفت. در سال ۱۹۲۶م. به جای پدرش آشی‌هیتو امپراتور شد؛ اما از نظر قانون اساسیِ ژاپن، قدرتی نداشت و فقط مظهر الوهیّت برای ژاپنی‌ها به‌شمار می‌رفت. در دوره‌ی او ژاپن ابتدا به چین حمله کرد و آن کشور را شکست داد. بعد با آلمان و ایتالیا متحد شد و این سه کشور، آتش جنگ دوم جهانی را برافروختند. سرانجام هیروهیتو، پس از بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی که به دست آمریکایی‌ها انجام گرفت، خبر شکست و تسلیم شدن نیروهای ژاپنی به آمریکا را از طریق رادیو به مردمش اعلام کرد. هیروهیتو، از نظر فردی، به مطالعه و تحقیق درباره‌ی زیست‌شناسی دریایی علاقه‌مند بود و در این زمینه چند کتاب نوشت. او در ۸۸ سالگی درگذشت و فرزندش **اکی‌هیتو**، جانشین او و امپراتور ژاپن شد.

▼ هیروهیتو، امپراتوری بود که خود قدرت اجرایی نداشت؛ اما کشورش یکی از طرف‌های اصلی جنگ دوم جهانی بود.



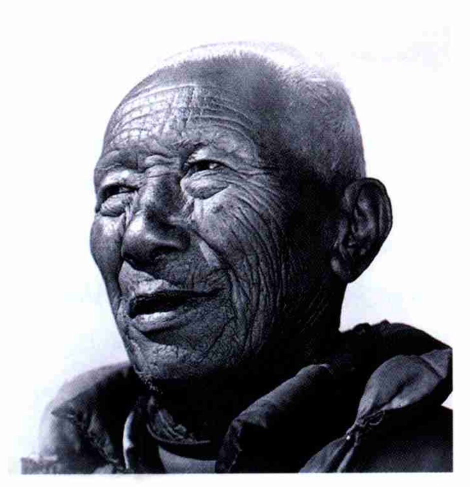
هم‌چنین نگاه کنید به:
ماسوشیتو



هیلاری، سِر ادموند

(۲۰۰۸ ـ ۱۹۱۹ م.)
فاتح قله‌ی اورست

اورست، بلندترین قله‌ی جهان و جورج ادموند هیلاری فاتح آن بود. ادموند هیلاری اهل زلاندنو، یکی از مستعمره‌های انگلستان بود. نخست زنبوردار بود؛ ولی بعد به کوه‌نوردی روی آورد و با کوه‌نوردان حرفه‌ای به قله‌های آلپ، زلاندنو و هیمالیا صعود کرد. سرانجام، به گروه کوه‌نوردانی که عازم فتح قله‌ی اورست در رشته کوه‌های هیمالیا بودند، پیوست و با آن‌ها حرکت کرد. هنگامی که اعضای گروه به نزدیکی قله رسیدند، تنها هیلاری و یکی از بومی‌های نپال به نام **تنزینگ نورگای**، توانستند آخرین گام‌ها را به سوی بالا بردارند و قله را فتح کنند. آن‌ها در بیست و نهم ماه می سال ۱۹۵۳، به قله رسیدند. این خبر در روز تاج‌گذاری ملکه‌ی الیزابت به انگلستان رسید. از این‌رو، ملکه به هیلاری لقب اشرافی «سِر» اعطا کرد.



▲ چهره‌ی هیلاری در سال‌های آخر عمر

هم‌چنین نگاه کنید به:
اورست



یاسر عرفات

(۱۳۸۲ ـ ۱۳۰۷ ه.ش.)
رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین

نام او محمد عبدالرئوف یاسر، معروف به یاسر عرفات و ابوعمار بود و نزدیک شهر قدس (بیت‌المقدس) به‌دنیا آمد. خانواده‌اش از نخستین آوارگان فلسطینی بودند. عرفات زمانی که دانشجوی مهندسی عمران دانشگاه قاهره بود، به ریاست اتحادیه‌ی دانشجویان فلسطینی در مصر انتخاب و از این زمان وارد فعالیت‌های سیاسی شد. پس از فراغت از تحصیل، به کویت رفت و با کمک ابوجهاد و جمعی دیگر، سازمان چریکی الفتح را برای مبارزه با صهیونیست‌ها تأسیس کرد. بعدها در اردن به ریاست سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) انتخاب شد که شامل ۸ گروه چریکی فلسطینی بود. سراسر عمر عرفات

در مبارزه گذشت و طی ۴۰ سال فعالیت خود، با وجود ضربه‌های بسیاری که به جنبش فلسطین وارد آمد، توانست آن را حفظ و موضوع فلسطین را به یک «مسئله‌ی جهانی» تبدیل کند. عرفات در سال ۱۹۸۷م. برای مبارزه با اسرائیل روش سازش‌کارانه‌ای در پیش گرفت و آن رژیم را به رسمیّت شناخت. آن‌گاه زیر نظر آمریکا، **پیمان صلح اسلو** را با اسرائیل امضا کرد و خود رئیس حکومت خودگردان فلسطین شد که در کرانه‌ی باختری رود اردن و نوار غزه تشکیل گردید. با وجود این، کشمکش میان او و اسرائیل هم‌چنان ادامه داشت. مقرّ حکومت او در ۳ سال آخر عمرش در محاصره‌ی نیروهای صهیونیستی قرار داشت. پس از پایان محاصره، عرفات که بیمار شده بود، به بیمارستانی در فرانسه انتقال یافت و در آن‌جا، در ۷۵ سالگی، به‌طور مرموزی درگذشت.

هم‌چنین نگاه کنید به:
یاسین ، هرتزل

▼ یاسر عرفات با تأسیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، گام مهمی در ادامه‌ی مبارزات مردم فلسطین برداشت.





یاسین، شیخ احمد

(شهادت: ۱۳۸۳ه.ش.)

بنیان‌گذار جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

احمد یاسین و خانواده‌اش از آوارگان فلسطینی بودند که در غزه زندگی می‌کردند. او در مصر درس خواند و معلم شد. سپس در غزه، کار مبارزه با اشغال‌گران فلسطین را از سخن‌رانی در مساجد و تدریس در مدارس آغاز کرد. به تدریج شهرت یافت و به حمایت از مبارزان فلسطینی برخاست. او دو بار دستگیر و محکوم به زندان‌های طولانی مدت شد. اما هر بار پس از چندی در مبادله با اسیران اسرائیلی از زندان آزاد شد. شیخ احمد یاسین، که از جوانی فلج شده و با صندلی چرخ‌دار حرکت می‌کرد، جنبش مقاومت اسلامی (حماس) را در غزه بنیان نهاد که در میان مردم محبوبیت زیادی یافت. در صبح‌گاه یکی از روزهای فروردین سال ۱۳۸۳ه.ش، هنگامی که شیخ پس از نماز صبح از مسجد به خانه برمی‌گشت، بال‌گردهای اسرائیلی با موشک او را هدف قرار دادند و به شهادت رساندند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
عزّالدین قسّام ، یاسر عرفات

یاقوت حَمَوی

(۶۲۶ ـ ۵۷۵ ه.ق.)

جهان‌گرد، جغرافیادان و تاریخ‌نگار

یاقوت رومی‌تبار بود و در بغداد، تاجری به نام عسکر حموی ـ منسوب به شهر حما ـ او را خرید و پس از چند سفر، آزادش کرد. از آن پس یاقوت خود به سفرهایی در ایران و ترکستان و عراق و مصر و شام دست زد. او پس از فرار از دست مغولان، به موصل رفت و در همان‌جا درگذشت. یاقوت با زبان‌های فارسی، عربی، عبری و سریانی آشنا بود. مهم‌ترین اثر معروف او، **مُعجم‌البُلدان** است که نوشتن آن را در مرو، از شهرهای ترکستان قدیم، آغاز کرد. این کتاب دانش‌نامه‌ای الفبایی درباره‌ی شهرها، روستاها، محله‌ها، کاخ‌ها، مسجدها، کوه‌ها، بیابان‌ها و... است. دکتر علی‌نقی منزوی معجم‌البلدان را به فارسی ترجمه کرده است. یاقوت کتابی نیز به نام **معجم‌الادبا** در زمینه‌ی معرفی ادیبان دارد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
ادریسی ، مسعودی ، مقدسی



یحیی(ع)

(شهادت: ۳۱ م.)

پیامبر خدا

حضرت یحیی، که مسیحیان او را یوحنّا معمِّدان (تعمیددهنده) می‌خوانند، فرزند زکریّای پیامبر، از پیامبران بنی‌اسرائیل، بود. و مادرش الیصابات (الیزابت) نام داشت. یحیی از خویشاوندان حضرت عیسی(ع) و مردی پرهیزگار بود و مردم را در رود اردن غسل تعمید می‌داد. حضرت عیسی را نیز او غسل تعمید داد. مؤمنان یهود طرفداران او بودند. سرانجام هِرود، حاکم رومی فلسطین، او را به دسیسه‌ی همسر خود کشت. در

داخل مسجد اموی دمشق قبری وجود دارد که گفته می‌شود سرِ حضرت یحیی در آن دفن شده است. این مکان مورد احترام مسیحیان و مسلمانان است و پیروان این دو دین به زیارت آن می‌روند.

هم‌چنین نگاه کنید به:
عیسی علیه‌السلام



یزید

(۶۴ - ۲۵ ه.ق.)
دومین خلیفه ی اموی

یزید فرزند معاویه بود و در زمان پدرش، ولی‌عهد شد. پس از مرگ معاویه، در شام به جای پدر نشست. این نخستین بار بود که خلیفه‌ای، فرزندش را جانشین خود قرار می‌داد. یزید در میان اعراب بادیه‌نشین تربیت شد. از این‌رو، خوی و خصلت جاهلی گرفت و در شعر و شاعری نیز توان‌مند شد. جوانی خود را به عیش و نوش و قمار گذراند. به این سبب، در مُلک‌داری بی‌تدبیر و بی‌سیاست بود. زمانی که به خلافت رسید، برخلاف نصیحت پدرش که به او گفته بود با حسین‌بن علی مدارا کند، خواست از امام بیعت بگیرد و حاکم مدینه را مأمور این کار کرد. امام حسین علیه‌السلام زیر بار چنین بیعتی نرفت و با خاندانش مدینه را به قصد مکه ترک کرد و سپس عازم کوفه شد. این حرکت به فاجعه‌ی کربلا انجامید که در دهم محرم (عاشورا) سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد. یزیدیان، پس از فاجعه‌ی کربلا، خانواده‌ی امام را، که به‌جز امام سجاد علیه‌السلام ، همه دختران و زنان و کودکان بودند، به اسارت گرفتند و به شام فرستادند. در آن‌جا یزید به آنان و اهل بیت رسول‌الله اهانت کرد؛ ولی با سخنانی که امام سجاد و حضرت زینب ایراد کردند، خاموش شد و اسیران را به مدینه بازگرداند. هنگامی که مردم مدینه برضد یزید قیام کردند، دستور داد به این شهر حمله کنند. در پی این حمله، عده‌ی زیادی از مردم مدینه به قتل رسیدند. به این واقعه، **واقعه‌ی حرّه** می‌گویند. یزید در آخرین سال حکومت کوتاه ۳ ساله‌ی خود مکه را محاصره کرد و قصد حمله به آن‌جا را داشت. ولی کاری از پیش نبرد و در پی حادثه‌ای مُرد.

هم‌چنین نگاه کنید به:
حسین‌بن علی علیه‌السلام ، معاویه ، مختار ثقفی

یزید، جوان نگون‌بختی بود که به بزرگ‌ترین جنایت در حق اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دست یازید.



یعقوب لیث

(فوت: ۲۶۴ ه.ق.)
بنیان‌گذار سلسله‌ی صفّاریان

یعقوب جوانی رویگر (صفّار) و از عیّاران سیستان بود. چون دلیر و شمشیرزن بود، به خدمت حاکم سیستان درآمد، جویای قدرت شد و طرفدارانی پیدا کرد. سپس بخشی از خراسان را گرفت. در زرنج سیستان، اعلام حکومت کرد و دست کارگزاران خلیفه‌ی عباسی را از ولایات

خود کوتاه ساخت. او قصد داشت ایران را از زیر سلطه‌ی خلفای عباسی آزاد کند، پس با لشکری بزرگ، برای جنگ با خلیفه به طرف عراق راه افتاد. در خوزستان، در محلی به نام «دیرالعاقول» جنگ بین یعقوب و سپاه خلیفه درگرفت که بر اثر منحرف کردن آب دجله از سوی خلیفه، سپاهیان یعقوب نتوانستند پیش‌روی کنند. یعقوب همان‌جا ماند و از قضا به مرض قولنج دچار شد. در این حال خلیفه برایش پیام صلح فرستاد و وعده‌ی حکومت فارس را به او داد. اما یعقوب قبول نکرد و به خلیفه پیغام داد که «اگر زنده ماندم، میان من و تو شمشیر داوری خواهد کرد.» یعقوب در همان‌جا درگذشت و در دزفول به خاک سپرده شد. یعقوب نخستین کسی است که پس از حمله‌ی اعراب، در ایران به طور جدّی حکومت ملی تشکیل داد. او بنیان‌گذار سلسله‌ی صفّاریان در ایران است و بعد از خودش، برادرش عمرولیث جانشین او شد.

▼ یعقوب لیث فردی عیار از سیستان و پیش‌گام مبارزه در راه آزادی ایران از دست خلفای عباسی بود.





▲ کتاب تاریخ یعقوبی از اعتبار و شهرت بسیار در میان اهل تاریخ برخوردار است.



یعقوبی

(فوت: ۲۸۴ ه.ق.)

تاریخ نگار مسلمان

احمدبن ابی‌یحیی یعقوبی، که او را ابن واضح یعقوبی نیز می‌نامند، از تاریخ‌نگاران و جغرافیادانان نام‌دار تمدن اسلامی است. او در قرن سوم هجری، در خراسان، در خدمت سلسله‌ی طاهریان بود. کتاب تاریخ خود، معروف به **تاریخ یعقوبی** را، که شامل وقایع عالم و سرزمین‌های اسلامی تا سال ۲۵۹ هجری است، به نام طاهریان و به زبان عربی نوشت. کتاب دیگری هم به نام **البُلدان** (شهرها) دارد که درباره‌ی جغرافیای جهان اسلام و حاصل سفرها و مشاهدات او از شهرهای آن زمان است. یعقوبی گرایش شیعی داشت و کتاب تاریخ او از منابع معتبر در میان تاریخ‌نگاران و دانش‌پژوهان به‌شمار می‌رود. تاریخ یعقوبی را شادروان دکتر محمد ابراهیم آیتی به فارسی ترجمه کرده است.



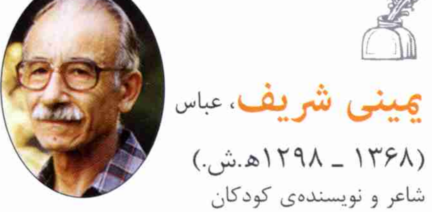
یغمایی، حبیب

(۱۳۶۳ ـ ۱۲۸۰ه.ش.)

معلم، محقق، شاعر و روزنامه‌نگار

از نوادگان یغمای جندقی شاعر بود و در خور، از آبادی‌های جندق در کویر مرکزی ایران، متولد شد. در زادگاه خود و سپس دامغان و شاهرود درس خواند. در ۲۰ سالگی به تهران رفت و در دارالمعلمین مرکزی تحصیل کرد و معلم شد. مردی سخت‌کوش، قانع، دانشمند و اهل خدمت به فرهنگ ایران بود. با محمدعلی فروغی در تصحیح کلیات سعدی همکاری داشت. برای فرخی یزدی در روزنامه‌ی توفان مقاله می‌نوشت. چند سال سردبیر مجله‌ی آموزش و پرورش بود و آن را با محتوای خوبی منتشر می‌کرد. سرانجام **مجله‌ی یغما** را بنیان گذاشت و طی ۳۱ سال، آن را به طور منظم و پیاپی منتشر کرد. یغمایی حدود ۱۵ سال استاد دانش‌سرای عالی بود و سرانجام به دریافت درجه‌ی دکترای افتخاری در رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی از دانشگاه تهران نایل آمد. نثر یغمایی بسیار شیوا و روان و اشعارش نیز ساده بود. شعر **روباه و کلاغ**، که سال‌هاست در کتاب‌های ابتدایی چاپ می‌شود، نمونه‌ای از اشعار زیبای اوست. به زادگاهش، خور، بسیار علاقه داشت و کتاب **جغرافیای جندق و بیابانک** را درباره‌ی آن نوشت. در آن‌جا کتاب‌خانه‌ی بزرگی بنا نهاد و به وصیت خودش پس از مرگ در همان‌جا به خاک سپرده شد. **تصحیح تفسیر طبری** (۷ جلد)، **تصحیح قصص‌الانبیا**، **تصحیح گرشاسب‌نامه‌ی اسدی توسی**، **مقالات فروغی** و **سرنوشت** (مجموعه‌ی اشعار) از آثار اوست.

👁 هم‌چنین نگاه کنید به:
فروغی

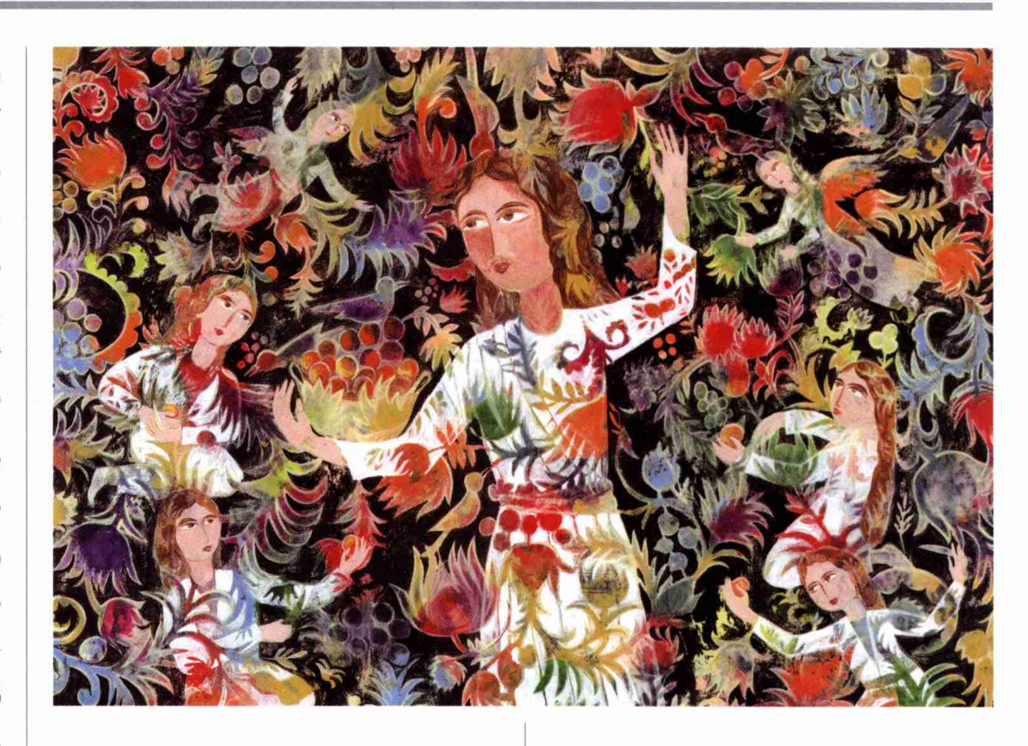


یمینی شریف، عباس

(۱۳۶۸ ـ ۱۲۹۸ه.ش.)

شاعر و نویسنده‌ی کودکان

در تجریش، مرکز شمیران، به‌دنیا آمد. دوره‌ی کودکی و نوجوانی را بیش‌تر در دره‌ی



▲ یوسف جوانی زیبا و پاک‌دامن بود و داستان او نیز در قرآن از زیباترین داستان‌هاست.

دربند، که هنوز روستا و یکی از تفریح‌گاه‌های مردم تهران بود، گذراند. در آن زمان فرّخی یزدی، شاعر مبارز، کسی را استخدام کرده بود که شعرهایش را به آواز خوش در درهٔ دربند برای مردم بخواند. آن شخص سواد نداشت و عباس یمینی شریف، که کودکی ۱۰ ساله بود، شعرها را با صدای آهسته برای او می‌خواند. بعدها یمینی شریف به دانش‌سرای مقدماتی رفت و آموزگار شد. در آن‌جا، زبان‌های انگلیسی و فرانسوی را فراگرفت و خیلی زود دنیای ادبیات کودکان او را به خود جلب کرد. در نتیجه، به نوشتن و سرودنِ شعر برای کودکان پرداخت. از آغاز تأسیس مجلهٔ **کیهان بچه‌ها** (۱۳۳۵)، تا ۲۳ سال بعد با آن همکاری کرد. یمینی شریف اشعار کودکانهٔ بسیاری سرود و کتاب‌هایی برای بچه‌ها تألیف و ترجمه کرد. **آواز فرشتگان**، **نیم‌قرن در باغ شعر کودکان**، **گربه‌های شیپورزن**، **دو کدخدا**، **آوای نوگُلان** و **در میان ابرها** از آثار اوست.

هم‌چنین نگاه کنید به:
دولت‌آبادی (پروین) ، کیانوش



یوسف(ع)

پیامبر خدا

یوسف یازدهمین پسر یعقوب و یعقوب پسر اسحاق و اسحاق، پسر حضرت ابراهیم(ع) بود . یعقوب، یوسف را بسیار دوست داشت. به این سبب، برادران بر یوسف حسد بردند و قصد کشتنش را کردند. روزی با اجازهٔ پدر و به بهانهٔ گردش، یوسف را به صحرا بردند و او را در چاه انداختند. سپس به پدرشان گفتند گرگ یوسف را درید. اما به تقدیر الهی، کاروانیانِ رهگذر، یوسف را از چاه بالا کشیدند، به مصر بردند و در بازار برده‌فروشان برای فروش گذاشتند. عزیز مصر یوسف را برای همسرش، زلیخا، خرید و به قصر برد. کم‌کم یوسف جوانی زیبا شد و زلیخا به او دل بست و خواستار ارتباط با او شد. یوسف به این عشق گناه‌آلود تن نداد. به این سبب، زلیخا کینهٔ یوسف را به دل گرفت و به او تهمت ناروا زد. یوسف را به زندان انداختند. او چند سال در زندان ماند تا پادشاه مصر خواب عجیبی دید. وقتی خبر پیدا کرد که یوسف تعبیر خواب می‌داند، او را آزاد کرد تا خوابش را تعبیر کند. این موضوع سبب شد یوسف در دربار مصر، منزلت خاصی پیدا کند و رئیس خزانهٔ دربار شود. در پی ۷ سال قحطی بزرگی که در مصر پیش آمد، برادران یوسف، از شهر خود کنعان، برای دریافت گندم نزد او آمدند. ماجراهایی بر آن‌ها گذشت تا سرانجام یوسف را شناختند، به کار زشت خود اعتراف و از او تقاضای بخشش کردند. یوسف نیز آن‌ها را بخشید و پیراهن خود را برای پدر فرستاد تا بینا شود و به مصر بیاید. بدین ترتیب، بار دیگر چشم یعقوب به دیدار فرزند روشن شد. قصهٔ یوسف، در سوره‌ای به همین نام، در قرآن کریم آمده و بیانی از این است که انسان می‌تواند در سخت‌ترین وضعیت، ایمان و پاک‌دامنی خود را حفظ کند.

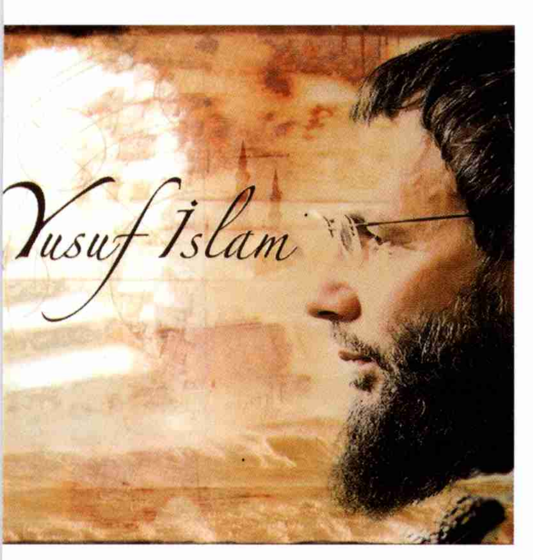


یوسف اسلام

(تولد: ۱۹۴۷م.)

خوانندهٔ مسلمان انگلیسی

نامش استیون دیمیتری جورجیو است و از پدری یونانی و ارتدکس و مادری سوئدی و کاتولیک در انگلستان به‌دنیا آمده است. مادرش او را به مدرسه‌ای مذهبی فرستاد تا عقایدش محکم شود و هم‌زمان او را به



خوانندگی تشویق کرد. استیون نیز خواننده شد، نامش را به **کت استیونس** تغییر داد و با همین نام در اروپا به شهرت رسید. در ۲۲ سالگی به بیماری سل دچار شد و در بستر افتاد. در این مدت به مطالعه‌ی کتاب‌های فلسفی و عرفانی روی آورد و روحیه‌ی تازه‌ای پیدا کرد؛ به‌طوری که بعد از بهبود، دو ترانه به نام‌های **راه شناخت خدا** و **شاید امشب بمیرم** ساخت که موفقیت خیره‌کننده‌ای کسب کرد. کت استیونس بعدها به مذهب بودایی گرایش پیدا کرد. سپس به کمونیسم علاقه‌مند شد، به مواد مخدر روی آورد؛ اما باز مسیحی مؤمنی شد. در این زمان، برادرش از سفر بیت‌المقدس بازگشت و برای او یک نسخه قرآن هدیه آورد. مطالعه‌ی قرآن، سرنوشت کت استیونس را تغییر داد؛ به‌طوری‌که تصمیم گرفت به بیت‌المقدس برود و از مسجدالاقصی دیدن کند. این دیدار بر شوق و علاقه‌ی او به اسلام افزود. در بازگشت به انگلستان، به مرکز فرهنگی اسلامی لندن رفت و در آن‌جا شهادتین گفت، مسلمان شد و نام خود را هم به **یوسف اسلام** تغییر داد. او از آن پس موسیقی غربی را کنار گذاشت و به انتشار اشعار و سروده‌های خود و خواندن آن‌ها پرداخت. علاوه بر این، مدرسه‌ای برای مسلمانان تأسیس کرد و به آموزش کودکان پرداخت. او ازدواج کرده است و ۵ فرزند دارد. در ایران، مجموعه‌ای از سروده‌های او به صورت کتابی با نام **یوسف اسلام**، منتشر شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:

یوسف (سامی)



یوسف، سامی

(تولد: ۱۹۸۰م.)

خواننده و ترانه‌سرای مسلمان

از پدر و مادری آذربایجانی در تهران به‌دنیا آمد؛ ولی در انگلستان بزرگ شد و اکنون در آن کشور زندگی می‌کند. پدر و پدربزرگش موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز بودند. سامی یوسف موسیقی را وسیله‌ای برای گسترش پیام اسلام و تشویق جوانان به روی‌آوری به اسلام می‌داند. نظریه‌های موسیقی را به‌خوبی می‌شناسد و با موسیقی کشورهای خاورمیانه آشناست. در سال ۲۰۰۳ میلادی، اولین آلبوم خود را به نام **معلم** و در سال ۲۰۰۵، دومین آلبومش را به نام **امت من** منتشر کرد. آلبوم‌های او در سطح جهان پرفروش



بوده است. سامی یوسف، که در سال ۲۰۰۷، از سوی نشریه‌ی تایمز در مقام بزرگ‌ترین ستاره‌ی راک جهان اسلام معرفی شده است، سعی دارد سبک جدیدی از موسیقی راک را رایج کند و از طریق آن، صلح و دوستی را در سراسر جهان گسترش دهد.

هم‌چنین نگاه کنید به:

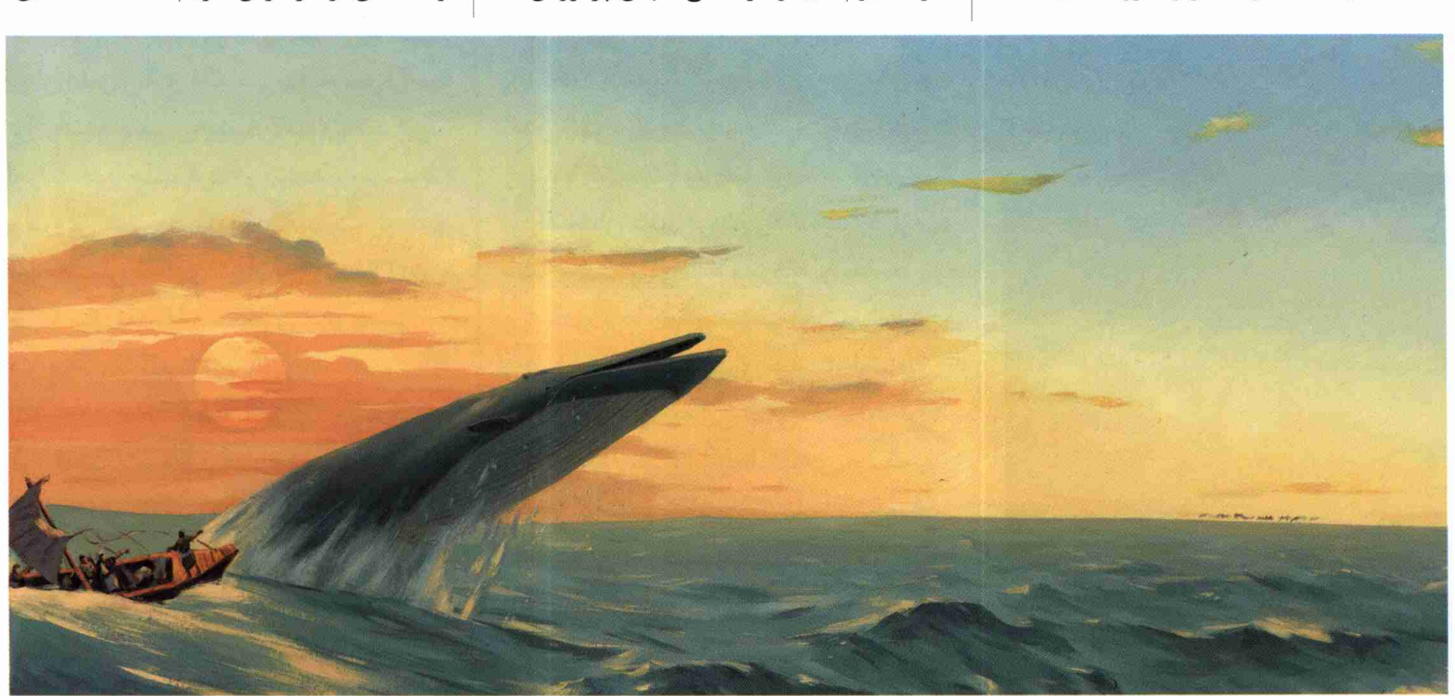
یوسف اسلام



یونس (ع)

پیامبر خدا معروف به ذالنّون

حضرت یونس از پیامبران بنی‌اسرائیل بود و داستان او در قرآن کریم آمده است. این



پیامبر در شهر نینوا (در عراق امروزی)، مردم را به خداپرستی و انجام دادن کار نیک دعوت می‌کرد. اما چون مردم به او توجه نمی‌کردند، قومش را ترک کرد تا عذاب الهی بر آن‌ها نازل شود و هلاکشان سازد. پس سوار بر کشتی، از شهر دور شد. اما کشتی در وسط راه دچار طوفان شد. سرنشینان کشتی قرعه کشیدند تا یکی را به دریا بیندازند تا بقیه نجات یابند. قرعه به نام یونس درآمد واو را به دریا انداختند. اما به تقدیر الهی، ماهی بزرگی (نون) او را بلعید و در شکم خود نگه‌داشت. در پی این روی‌داد، یونس دانست که نباید مردم خود را ترک می‌کرد. از این‌رو، به درگاه خدا توبه کرد. خدا توبه‌اش را پذیرفت و سه روز بعد ماهی او را به ساحل بازگرداند. یونس هم به میان قوم خود بازگشت. در قرآن، سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۹۸، چنین آمده است: «جز قوم یونس مردم هیچ شهری ایمان نیاوردند تا از ایمانشان بهره‌مند شوند. چون ایمان آوردند، ما عذاب ذلّتِ زندگی را از آن‌ها برطرف کردیم.» در قرآن حضرت یونس، ذالّنون به معنی صاحب ماهی نیز نامیده شده است.



یونگ، کارل گوستاو

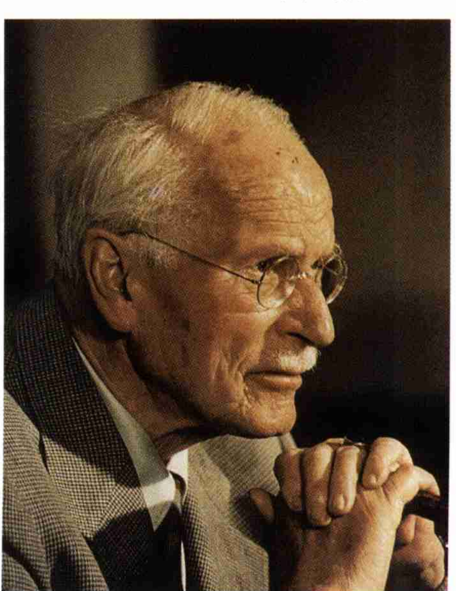
(۱۹۶۱ـ ۱۸۷۵ م.)

روان‌شناس و متفکر سوئیسی

در شهر کویل سوئیس به‌دنیا آمد. پدر، پدربزرگ و ۸ عمویش کشیش بودند. در ۱۲ سالگی بیماری صرع گرفت، طوری که گاه در اثر سرگیجه غش می‌کرد. اما با اراده، بر بیماری غلبه کرد و به تدریج سلامت کامل خود را بازیافت و به مردی بلندقد، خوش‌صورت و ورزش‌کار تبدیل شد. یونگ در رشته‌ی پزشکی درس خواند، در رشته‌ی روان‌پزشکی ادامه‌ی تحصیل داد، دکترا گرفت و استاد دانشگاه زوریخ شد. در ۳۱ سالگی نسخه‌ای از نتایج کارهایش را برای زیگموند فروید، روان‌کاو برجسته‌ی اتریشی، فرستاد و بعد به دیدارش رفت. آنان در نخستین دیدار خود در وین، ۱۳ ساعت با هم حرف زدند و همکاری مشترک آن‌ها آغاز شد. یونگ خیلی زود در تحقیقات فروید به چهره‌ای درخشان تبدیل شد و به ریاست اولین انجمن بین‌المللی روان‌کاوی رسید. اوبه تحقیقات شگفت‌انگیزی درباره‌ی روح و روان انسان دست زد. دو سال در جلسات احضار ارواح شرکت کرد؛ در زمینه‌ی کیمیاگری به مطالعه پرداخت و افسانه‌های ایلیاد و اُدیسه را مورد تحقیق روان‌شناختی قرار داد. سپس مانند فروید، به عرصه‌های تازه‌ای در زمینه‌ی روان انسان دست یافت. با این حال، برعکس فروید، نقش غریزه‌ی جنسی را در حکم ریشه‌ی اصلی همه‌ی ناراحتی‌های روانی، قبول نداشت. به‌علاوه، با کشف ضمیر ناخودآگاه جمعی، نظریه‌ی فروید را درباره‌ی «ضمیر ناخودآگاه» اصلاح و تکمیل کرد. یونگ را یکی از چند روان‌شناس برجسته‌ی قرن بیستم می‌دانند. کتاب‌های **انسان و سَمبل‌هایش** و **روان‌شناسی و دین** از اوست و هر دو به فارسی ترجمه شده است.

هم‌چنین نگاه کنید به:
فروید

▼ یونگ در زمینه‌ی روح انسان تحقیقات شگفت‌انگیزی انجام داد.



نمایه‌ی موضوعی نام‌آوران



پیامبران خدا، امامان معصوم، صالحان و صدّیقین

چهره‌های صدر اسلام (از بعثت تا غیبت کبری)

فقها و محدثان



خادمان قرآن (قاریان، مترجمان، حافظان، کاتبان و ...)



حکیمان، فیلسوفان، رهبران آیین‌ها و مکتب‌ها



عارفان ایرانی

ابوسعید ابوالخیر
بایزید بسطامی
خواجه عبداله انصاری
شمس تبریزی
صفی‌الدین اردبیلی، شیخ
عین القضاة همدانی
منصور حلّاج
نجم‌الدّین کبری
نعمت‌الله ولی



دانشمندان جهان اسلام

آشتیانی، میرزا مهدی
ابن خلدون
ابن نفیس
ابن هیثم
ابوالفرج اصفهانی
اقبال لاهوری، محمد
بغایری، عبدالرزاق
بنوموسی
بوزجانی، ابوالوفاء
بیهقی، ابوالفضل
بیرونی، ابوریحان
تنکابنی، میرزا طاهر
جابربن حیان
جرجانی، اسماعیل
جعفری تبریزی، محمد تقی
جمشید کاشانی، غیاث الدین
جوان، علی
حسابی، محمود
خواجه نصیرالدین توسی
خوارزمی، محمد بن موسی
خیام
رازی، محمد زکریای
رضا، فضل‌الله
سبزواری، حاج ملاهادی
سکّاکی
سمیعی، مجید
سید احمد خان هندی
شعرانی، ابوالحسن
عباس‌بن فرناس
عبدالسّلام، محمد
عصّار، سید محمد کاظم
علامه طباطبایی
غزالی، امام محمد
فارابی، ابونصر
فارسی، کمال الدین
فضل بن نوبخت
فلاطوری، عبدالجواد
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب
قطب الدین شیرازی
کاظمی آشتیانی، سعید
گنجی، محمد حسن
گیلانی، کوشیار
مصاحب، غلام‌حسین
مصطفوی کاشانی، محمدتقی
موسی بن میمون
نجم الدوله، عبدالغفار
نصر، سید حسین
نصرالله منشی
هشترودی، محسن
یعقوبی، احمد بن واضح




نویسندگان و شاعران جهان

آسیموف، ایزاک
آشیل
اُرول، جورج
استو، هریت بیچر
اگزوپری، آنتوان دو سنت
البیّاتی، عبدالوهاب
امرؤالقیس
اندرسن، هانس کریستیان
بالزاک، انوره دو
برشت، برتولد
برناردشاو، جورج
تاگور، رابیندرانات
تواین، مارک
تولستوی، لئو
جبران خلیل جبران
جرجی زیدان
جرداق، جرج
چخوف، آنتوان
حسین، طه
حکمت، ناظم
داستایوسکی
درویش، محمود
دانته
دیکنز، چارلز
رولان، رومن
رولینگ، جی. کی
سرواتس، میگل
سوفوکل
سویفت، جاناتان
شکسپیر، ویلیام
صفیه گلرخسار
قبّانی، نزار
کلارک، آرتور سی
کمال، یاشار
کوئیلو، پائولو
گریم، جاکوب و ویلهلم
گوته، ولفگانگ
گورکی، ماکسیم
لندن، جک
مالرو، آندره
مترلینک، موریس
متنبّی
محفوظ، نجیب
نازک الملائکه
ورن، ژول
هوگو، ویکتور

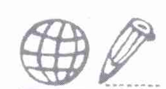



پژوهشگران، نویسندگان، شاعران و مترجمان ایرانی

آرام، احمد
آرین‌پور، یحیی
آل‌احمد، جلال
آیتی، عبدالمحمد
ابتهاج، هوشنگ
اخوان ثالث، مهدی
اردلان، مستوره
اعتصامی، پروین
افغانی، علی محمد
اقبال آشتیانی، عباس
امین پور، قیصر
ایرج میرزا
باستانی پاریزی، محمدابراهیم
بهار، محمد تقی ملک الشعراء
بیدل دهلوی
پیرنیا، حسن
توفیق، حسین
جامی، عبدالرحمن
جمال‌زاده، محمدعلی
چوبک، صادق
حائری، عبدالحسین
حافظ
حالت، ابوالقاسم
حسینی، سید حسن
حکمت، علی اصغر
حکیمی، محمدرضا
دانشور، سیمین
دوانی، علی
دولت آبادی، محمود
دهخدا، علی‌اکبر
رودکی
زریاب‌خویی، عباس
زرین کوب، عبدالحسین
ساعدی، غلام‌حسین
سبزواری، حمید
سپهری، سهراب
ستارزاده، عصمت
ستوده، منوچهر
سعدی، مصلح الدین
سمیعی، احمد
سنایی غزنوی
سیدحسینی، رضا
شاملو، احمد
شجاعی، سید مهدی
شرفکندی، عبدالرحمن
شفیعی کدکنی، محمدرضا
شهریار
شهیدی، سید جعفر
صابری، کیومرث
عارف قزوینی
عطار نیشابوری
علوی، بزرگ
غنی، قاسم
فایز دشتستانی
فردوسی
فرخزاد، فروغ
فروزانفر، بدیع‌الزّمان
فروغی، محمد علی
فلسفی، نصرالله
قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم
قاضی، محمد
قریب، بدرالزمان
قریب، عبدالعظیم
قزوینی، محمد
کی‌کاووس، عنصرالمعالی
گلشیری، هوشنگ
محقق، مهدی
محمود، احمد
محیط طباطبایی، سید محمد
مردانی، نصرالله
مستوفی، عبدالله
مشیری، فریدون
معین، محمد
معلم دامغانی، علی
منصوری، ذبیح‌الله



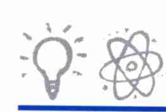
نویسندگان وشاعران کودک ونوجوان



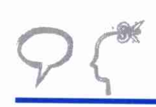
مورخان، جغرافی‌دانان، سیاحان و شرق‌شناسان



چهره‌های مؤسس و بنیان‌گذار در ایران معاصر



دانشمندان جهان



چهره‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت



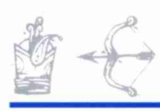
بنیان‌گذاران و پیشگامان علم، فنّاوری، اختراع و اکتشاف



رهبران، امپراتوران و جهان‌گشایان



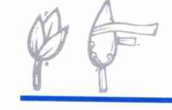
چهره‌های ملی، رهبران نهضت‌ها و انقلاب‌ها



شاهان، وزیران و سرداران ایرانی



چهره‌های تاریخ معاصر (قاجار، مشروطه و پهلوی)



چهره‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس



ورزشکاران

هنرمندان



چهره‌های خاص و چهره‌های اساطیری



فهرست منابع فارسی:

آرین‌پور، یحیی؛ **از نیما تا روزگار ما**. انتشارات زوّار، تهران، ۱۳۷۲

آلبرماله؛ **تاریخ آلبرماله**. انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۰

افتخاری، سید محمود؛ **نگارگری ایران**، انتشارات زرین و سیمین، تهران، ۱۳۸۱

افشار، ایرج؛ به کوشش محمود نیکویه، **نادره‌کاران**، سوکنامه‌ی ناموران فرهنگی و ادبی (۱۳۸۱ ـ ۱۳۰۴)، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۸۴

الفاخوری، حنّا؛ الجرّ، خلیل؛ **تاریخ فلسفه در جهان اسلامی**. ترجمه عبدالمحمد آیتی، زمان، ۱۳۵۳

امید، جمال؛ **فرهنگ سینمای ایران**. نگاه، ۱۳۷۷

بهارلو، عباس؛ **دانشنامه‌ی سینمای ایران**. نشر قطره، ۱۳۸۳

پاکباز، رویین؛ **دایرةالمعارف هنر**. فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳

پاکباز، رویین؛ **در جست‌وجوی زبان نو**. نگاه، ۱۳۶۹

توماس، هنری؛ **بزرگان فلسفه**. ترجمه: بدره‌ای، فریدون، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲

حدادعادل، غلامعلی (زیرنظر)؛ **دانشنامه‌ی جهان اسلام**. ۱۳۸۳

حقیقت، عبدالرفیع؛ **تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی**. انتشارات کومش

حمیدی، سیدجعفر؛ **فرهنگ‌نامه‌ی بوشهر**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران، ۱۳۸۰

خالقی، روح‌الله؛ **نظری به موسیقی**. نشر نو، ۱۳۷۰

خرسند، بیژن؛ **دایرةالمعارف سینما**. امیرکبیر، ۱۳۷۱

خرمشاهی، بهاءالدین؛ **دانشنامه‌ی قرآن و قرآن‌پژوهی**. دوستان ـ ناهید، چاپ دوم، ۱۳۸۱

خلج، منصور؛ **درام‌نویسان جهان**. ج ۱

دهبزرگی، غلامحسین؛ **تاریخ ادبیات جهان**. انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۶

دهخدا، علی‌اکبر. **لغتنامه‌ی دهخدا**. سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا

رازی، عبداله؛ **تاریخ کامل ایران**. چاپ و انتشارات اقبال، چاپ بیستم، ۱۳۸۵

روسو، پی‌یر؛ **تاریخ علوم**. ترجمه: صفاری، حسن؛ انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲

رهبر عدل، علی؛ **ورزش در آینه‌ی تصویر**، انتشارات کمیته‌ی ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶

ژیران، ف؛ **اساطیر یونان**. ترجمه: اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. نشر کاروان، تهران ۱۳۸۱

سپنتا، ساسان؛ **چشم‌انداز موسیقی ایران**. مؤسسه‌ی فرهنگی هنری ماهور، تهران، ۱۳۸۲

سجادی، نصرالله؛ **نهضت صدساله‌ی المپیک**، کمیته‌ی ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰

صدر حاج سیدجوادی، احمد و...؛ **دایرةالمعارف تشیّع**. بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶

صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین؛ حکمی، نسترن. **فرهنگ فارسی اعلام**، فرهنگ معاصر، چاپ اول ۱۳۸۳

طالب‌زاده، خسرو؛ **روزی روزگاری ایران**، نشر نظر و مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵

غفاریان، سیروس؛ **حکومت‌گران کشورهای اسلامی**. انتشارات مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۸۶

فرخزاد، پوران؛ **کارنمای زنان ایران**. نشر قطره، ۱۳۸۱

فرهنگ ناموران معاصر ایران. انتشارات سوره‌ی مهر، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سوره‌ی مهر، تهران، ۱۳۸۱

قاسمی پویا، اقبال؛ **مدارس جدید در دوره‌ی قاجاریه**. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷

قربان‌زاده، قباد؛ **تاریخ ورزش ایران (کشتی)**، انتشارات فائزون، ۱۳۸۵

کتابی، سیدباقر؛ **رجال اصفهان**، اصفهان، گلها، ۱۳۷۵

گامبریچ، ارنست؛ **تاریخ هنر**. ترجمه رامین، علی، نشر نی، ۱۳۸۳

گرگور، اولریش؛ **تاریخ سینمای هنری**. ترجمه هوشنگ طاهری

لوکاس، هنری، اس؛ **تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگاران تا سده‌ی ما**، ترجمه آذرنگ، عبدالحسین

مجیدی، فریبرز؛ **خلاصه‌ی زندگی‌نامه‌ی علمی دانشمندان**. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۳

مجیدی، فریبرز (ویراستار)؛ **زندگی علمی دانشمندان**. انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴
مدرس خیابانی، محمدعلی. **ریحانة‌الادب**، تبریز، کتابفروشی خیام.
مروّتی، مجید؛ جاویدسرا، **فرهنگ بازیگران سینمای ایران**. نسل نواندیش، ۱۳۸۳
مشکین‌قلم، سعید؛ **تصنیف‌ها و ترانه‌ها و سرودهای ایران‌زمین**.
مصاحب، غلام‌حسین؛ **دایرة‌المعارف فارسی**. کتاب‌های جیبی
معین، محمد؛ **فرهنگ فارسی معین** (بخش اعلام)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰
موسوی بجنوردی، محمدکاظم (زیرنظر)؛ **دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی**. مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷
موسوی بجنوردی، محمدکاظم؛ **دانشنامه‌ی ایران** (جلد اول)، تهران، ۱۳۸۴
نصیری‌فر، حبیب‌الله؛ **مردان موسیقی سنتی و نوین ایران**. نگاه، ۱۳۸۳
نوایی، عبدالحسین؛ **اثرآفرینان**، زندگی نام‌آوران فرهنگی ایران (۶ مجلد)، زیر نظر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰
ویل دورانت؛ **تاریخ تمدن**، گروه مترجمان، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰
هرودوت؛ **تاریخ هرودوت**. ترجمه: هدایتی، دکتر هادی. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶

□ فهرست منابع لاتین:

Diba, Mahmood T, **Royal Persian Paintings**, Brooklyn Museum of Art, 1999
Oxford Children's Book of Famous People, Oxford University Press, 1994
Oxford Children's Encyclopedia, Oxford University Press, 2001
Pourjavady,n., **The Splendour of Iran**, Booth-Clibborn Editions London, 2001
Robinson, Francis, **Islamic World**, Cambridge, 2002
The Consice Companion to English Literature. M. Drabha & J. Stringer.
The Concise Oxford Dictionary of Music.
Wade - Matthews, Max,**The Encyclopedia of Music**, Hermes House, 2005
Who's Who in the 20th Century. Oxford University Press, 1999
1000 Years of Famous People, King Fisher, 2002

□ فهرست سایت‌ها:

www.aftab.ir آفتاب
www.Tebian.ir تبیان
Microsoft. Encarta 2006 دایرة‌المعارف انکارتا
www.Roshd.ir رشد
www.sajed.ir سایت جامع دفاع مقدس
www.fa.wikipedia.org.wiki ویکی پدیا
www.corbis سایت تصویری
www.tajassomi.ir سایت تجسّمی حوزه‌هنری



در نگاهی گذرا به سیر جوامع بشری، مردان و زنان بی‌شماری رخ می‌نمایند که با شکستن سدّ زمان و گذشتن از مرزهای بسته‌ی عصر خود، به حیاتی فراتر از زمان خویش در میان نسل‌های بعد راه یافته‌اند. اینان نام‌آورانِ تاریخ و رهنوردانی هستند که زندگی‌شان در هر زمان و مکان، درس‌آموز و الهام‌بخش کسانی است که در تنگنای عصر خود نمی‌گنجند و راهی برای فرارفتن از آن می‌جویند. اما به راستی، نام‌آور کیست و نام‌آوران چه کسانی هستند؟ بر چه اساس و قاعده‌ای می‌توان کسی را نام‌آور دانست یا او را از این قلمرو بیرون گذاشت؟ زمان؟ مکان؟ ملیّت؟ جنگ‌آوری؟ قهرمانی؟ علم؟ صنعت؟ فنّاوری؟ هنرآفرینی؟ نظر نخبگان؟ بخت و اقبال؟ ... کدام‌یک از این‌ها اساس نام‌آور شدن است و چگونه؟

جایگاه نام‌آوران در تاریخ چنان است که مورخی شهیر چون «کارلایل» عقیده داشت: **تاریخ چیزی جز شرح حال قهرمانان و مردان بزرگ نیست.** و با همین نگاه است که برخی از تاریخ‌نگاران، همانند او، به جای آن‌که تاریخ عصر یا بُرهه‌ای از زمان را بنویسند، به نوشتن زندگی‌نامه‌ی مردان و زنان برجسته‌ی عصر خویش روی آورده‌اند. در جهان باستان **پلوتارک** تاریخ‌نگار مشهور روم، با نگارش کتاب «حیات مردان نامی» به چنین کاری دست زد و در عصر اسلامی نیز امثال **ابن‌خلّکان** با تألیف «وفیّات‌الاعیان»، این کار را پی گرفتند و در زمان ما نیز دانشمندانی مانند **احمد بیرشک** با پی‌افکندن تألیف «زندگی‌نامه‌ی علمی دانشوران» در همین مسیر گام برداشتند.

فرهنگ نام‌آوران نیز، با توجه به نیاز و سلایق نسل امروز و استفاده از روش‌های نو در جهت شناساندن جمعی از برجسته‌ترین شخصیت‌های ایران و جهان تألیف شده است.



۲۵۰۰۰ تومان



